

فرهنگ علوم اقتصادی

فارسی - انگلیسی

تألیف دکتر منوچهر فرهنگ



DICTIONARY OF ECONOMICS

Persian-English

By
Dr. M. Farhang



فرهنگ
علوم اقتصادی

فارسی - انگلیسی

تألیف
دکتر منوچهر فرهنگ

DICTIONARY
OF
ECONOMICS

Persian-English

By
Dr. M. Farhang

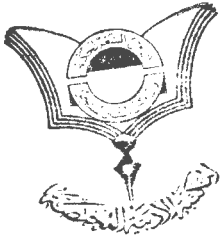


۸/۰۲۶ کت

۳/۷

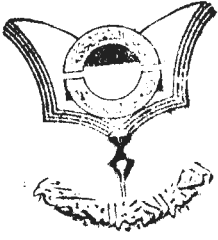
۹

پیشکش





به نام حُسن و ذِجَان و عَزْو



اسکن شد

فرهنگ علوم اقتصادی

فارسی - انگلیسی

تألیف دکتر منوچهر فرهنگ

نشر البرز
تهران، ۱۳۷۴

چاپ اول: ۱۳۷۴
شمار نسخه‌های این چاپ: ۳۰۰۰
حق چاپ برای نشر البرز محفوظ است

لیتوگرافی: لیتوگرافی بهار
چاپ: چاپخانه کتیبه

رویارویی دو زبان در عرصه اقتصاد

در ایران امروز دیگر نقطه‌ای را نمی‌توان یافت و یا انسانی را نمی‌توان شناخت که بنا بر ضرورت زمانه در زندگی اجتماعی روزانه با واژه‌ها و اصطلاحات اقتصادی مانند رشد، توسعه، ترقی، کساد، بحران، گرانی، تورم و حتی نوسانهای نرخ ارز به ویژه دلار گوش آشنا نباشد. این پدیده‌ها در جامعه آثار تلخ و شیرین دارند. سیاست توزیع ثمرات کار و کوشش گاه برخی را سرشارانه به نوا می‌رساند و زمانی بسیاری را بینوا می‌سازد. اما اجتماع هیچ‌گاه از حرکت باز نمی‌ایستد و این راه ناهموار، بی‌دردسر و بدون تلاش پیگیر طی نمی‌گردد. همین فراز و نشیب‌ها دیدها را به سوی مسائل و مشکلات اقتصادی می‌کشاند به گونه‌ای که در دانشکده اقتصاد «روزگار» چه در روستاها و چه در شهرها صف در صف عارف و عامی در کنار هم نشسته‌اند. این جایگاه دانش کاربردی است که بر پایه تجربه زندگی اقتصاددانان تیزهوش را می‌پرورد. اکنون در کشور ما بحث اقتصادی نقل محافل اجتماعی شده است. این گفت و شنود حس کنجکاوی فردی و گروهی را برمی‌انگیزد. از دانش آموز دبیرستان گرفته تا دانشجوی دانشگاه و دیگران کوشا در دنیای کار و کسب، همه ترغیب می‌شوند به دنبال معلومات تازه بروند و به جست و جوی وسایل روشنگر بپردازند. فرهنگ علوم اقتصادی وسیله‌ایست که میدان وسیعی را در این زمینه به روی پژوهندگان می‌گشاید. فرهنگ علوم اقتصادی، فارسی - انگلیسی در مجموعه انتشارات «نشر البرز» آموزگار راست‌کرداری است که در گامهای نخست طلب حقیقت دست مشتاقان آشنا به زبان فارسی و اندکی انگلیسی را می‌گیرد و

با به پا آنها را به دنیای تازه‌ای می‌برد تا به سرمنزل مقصود برساند. دردآشنای جامعه می‌خواهد علت یا علل رویدادهای اقتصادی را دریابد و سرمایه‌دار سرمایه‌گذار می‌خواهد راز شکست یا پیشرفت و رونق بیشتر و آینده‌کار خود را بگشاید و اقتصادشناس پرجنب و جوش در پی آن است که در این تلاش همگانی نقش اول را ایفا کند. این فرهنگ نقطه آغاز حرکت این عناصر پویانده است.

فرهنگ علوم اقتصادی، فارسی - انگلیسی که در همه صفحه‌ها مهر ایرانی بودن را بر پیشانی و مهر ایران را در دل دارد، در چنین جوی آکنده از انگیزه‌های گوناگون تهیه و تدوین شده است. در این فرهنگ تکاوران ادب فارسی، این گویندگان مفاهیم اقتصادی، موج موج در برابر واژه‌ها و اصطلاح‌های اقتصادی انگلیسی ایستاده‌اند، دُر معانی را در دهان و پرچم فرهنگ و ادب ملتی بزرگ را در دست دارند و به قلب آرایش رقیب زده‌اند. نگاهی به این صحنه رویارویی دو پهلوان دنیای سخن و اندیشه، عظمت و غنای زبان ریشه‌دار در دل تاریخ ما را در گستره دانش بالنده اقتصاد به شایستگی نشان می‌دهد. این اثر به عنوان «فرهنگ» نمی‌توانست واژه یا اصطلاح را یکسره بدون شرح بگذارد و بگذرد و چون خوانندگان آن مردمی از جهان سوم هستند، دور از توان اقتصادی و انصاف می‌نمود که برای هر واژه یا اصطلاح نزدیک به قلمرو اقتصاد، این نوجویان به سوی فرهنگ‌های عمومی، گسیل شوند.

مداخلهای این فرهنگ خواننده پژوهنده را با موضوع موردنیاز آشنا می‌کند، اگر بسنده نبود امکان استفاده از فرهنگ فشرده علوم اقتصادی، انگلیسی - فارسی را به دست می‌دهد و از این پس فرهنگ علوم اقتصادی (یک جلدی) پاسخگو خواهد بود و از این هم فراتر فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی مرجعی در اختیار می‌باشد. به این ترتیب، این مجموعه نه تنها در ایران که در جهانی گسترده‌تر، از آمو دریا تا اروند رود، در تاجیکستان، افغانستان و نیز نزد فارسی‌زبانان پراکنده در دیاران دور و نزدیک یار و مددکار علاقه‌مندان است.

ایران، این بهترین میهن‌ها، همیشه قطب فرهنگ و ادب فارسی‌زبانان بوده و اکنون نیز بر اثر نشر آثار علمی گوناگون به ویژه در اقتصاد و در رشته فرهنگ‌نویسی قطب دنیای پارسی‌گویان بر جای مانده است.

پیرنگارنده با هدف خدمت به فرهنگ ایران زمین و گسترش دامنه اعتبار فرهنگی این مرز و بوم به تنظیم و تدوین این فرهنگ کوشیده و آرزومند است دانشمندان جوان در

آینده آثار بهتری عرضه بدارند و به حرکت قافله ترقی و تعالی میهن گرامی همچنان در این مسیر سازندگی تداوم بخشند.

در مراحل فنی آماده سازی فرهنگ علوم اقتصادی، فارسی - انگلیسی دوستان گرامی یاریهای بسیار رسانیده اند. سرکار خانم شهلا ارژنگ و آقای شهریار فصیح در ویراستاری و نمونه خوانی دقت فراوان مبذول داشته اند. آقای داود آجورلو در حروفچینی و صفحه آرایی اصول فنی را چنان که باید و شاید، به اجرا گذاشته اند. مدیران محترم نشر البرز آقایان عباس علمی و علی علمی نهایت لطف و همراهی را ارائه فرموده اند. قدردانی و سپاسگزاری نسبت به همه این عزیزان بر نویسنده فرض مسلم است.

دکتر منوچهر فرهنگ

تهران، یازدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار خورشیدی



	از تورم وضع می‌گردد می‌توان اثر خلاف به بار آورد.	Flotsam	آب آورد
		Prosperity (Expansion; Peak)	آبادانی
Cumulative	آثار انباشتی رکود	Slum Clearance	آبادانی مجدد کوی‌های پست و پرجمعیت
Depressive Effects		Improve	آباد کردن
Pareto-externality	آثار برونی پارتویی	Improvement; Improving	آبادی
Relevant		Shrinkage	آبرفتگی
	این اثر هنگامی پدید می‌آید که میزان فعالیت بتواند به گونه‌ای تغییر یابد که طرف متأثر از تأثیر برونی بتواند وضع بهتری پیدا کند بی‌آن که طرف مؤثر به وضع بدتری کشانده شود.	Catch-penny	آب‌شدنی
Technological External Effects	آثار برونی فنی	Trade-off	آب‌کردن کالا
		High Seas	آبهای آزاد
Infra-marginal Externality	آثار برونی کمتر از نهایی	International Waters	آبهای بین‌المللی
		Irrigation	آبیاری
		Incidents	آثار
		Availability Effects of Credit	آثار اعتباریابی
	در این مورد هنگامی که خود فعالیت اثر برونی ایجاد می‌کند، تغییرات جزئی یا نهایی در میزان فعالیت هیچ تأثیری روی تولید یا مطلوبیت طرف متأثر ندارد.		
Substitution Effects	آثار جانشینی		
First Order Effects	آثار درجه اول		
Second Order Effects	آثار رده دوم		

این آثار ناشی از تغییر در مقدار اعتبار موجود است.

آثار اقتصادی مالیات‌بندی
Economic Effects of Taxation

مالیات مستقیم به ویژه تصاعدی می‌تواند اثر دلسرد کننده روی بقیه درآمد، پس‌انداز، و اضافه‌کاری داشته باشد. مالیات غیرمستقیم که برای جلوگیری

Deadline	آخرین مهلت	Cumulative	آثار رکودی متراکم
Social Manners	آداب اجتماعی	Depressive Effects	همان آثار انباشتی رکود است.
Economic Man	آدم اقتصادی	Uncertainty Effects	آثار عدم اطمینان
	کسی که فقط تحت تأثیر انگیزه اقتصادی است.	Process Effects	آثار فراگرد
Wolf	آدم خیره		یا تأثیرات سرمایه‌گذاری عمومی، افزایش در مصرف و سرمایه‌گذاری خصوصی در نتیجه خرج در یک طرح عمومی و سرمایه‌گذاری عمومی است.
Lame Duck	آدم عاجز از اجرای تعهدات خود	Cumulative	آثار کساد انباشتی
Robot	آدمک صنعتی	Depressive Effects	همان آثار انباشتی رکود است.
Robot	آدمک ماشینی	Effects of Taxes	آثار مالیاتها
Man of Credit	آدم معتبر		یا نتایج مالیاتها، تأثیر مالیاتها روی اوضاع اقتصادی و اجتماعی است.
Rehabilitate	آدم ورشکسته را از قروض خود رها کردن	Positive Externalities	آثار مثبت خارجی
Black Friday	آدینه شوم		این گونه آثار هنگامی مثبت است که فعالیت عامل آثار برونی بر مقدار تولید بیفزاید یا مطلوبیت طرف متأثر صورت صرفه‌جویی بیرونی پیدا کند.
	مراد آدینه‌هایی مانند جمعه یازدهم ماه مه ۱۸۶۶ در لندن درگیر بحران سخت است.	E.O.Y.	آخر سال
Provision	آذوقه		نشانه اختصاری End of Year است.
Provision	آذوقه تأمین کردن	E.O.M.	آخر ماه
Rank	آراستن		نشانه اختصاری End of Month است.
Ranking of Projects	آرایش طرحها	At the End of the Next Month	آخر ماه آینده
R.C.D.	آر سی دی	Last Clear Chance	آخرین احتمال
	سازمان همکاری عمران منطقه‌ای متشکل از ایران، پاکستان، ترکیه که جای خود را به اکر E.C.O. داده است.	Bottom Price; Last Price;	آخرین بها
Refaction	آرش	Reserve Price	آخرین پرداخت
Utopia	آرمان شهر	Receiver	آخرین خریدار (در بورس)
	منظور مدینه فاصله خیالی است که عموم افراد بشر در آن خوشبخت هستند.	Last Invoice Price	آخرین صورت حساب خرید
National Brand	آرم ملی	Tax Incidence	آخرین قرارگاه بار مالیاتی
Open-end Trust; Open Indent;	آزاد	Final Price; Reserve Price;	آخرین قیمت
Unencumbered		Stop Price	
Set Free	آزاد ساختن مال		
Liberalization of Trade	آزادسازی تجارت		
Liberalization of Trade	آزادگردانی تجارت		
Free and Clear	آزاد و بلامانع		

Factor Reversal Test	آزمون برگشت عامل	Economic Freedom;	آزادی اقتصادی
Impact Test	آزمون تأثیر	«Laissez Faire, Laissez Passer»	
Denver	آزمون تجربی حفظ درآمد دنور	Freedom of Choice; Option	آزادی انتخاب
Income Maintenance Experiment	آزمون تجربی حفظ درآمد سیاتل است.	Free Currency	آزادی تسعیر
			نبود نظارت ارزی است.
Proficiency Test	آزمون تخصصی	Laisser-passez	آزادی عمل
Proficiency Test	آزمون خبرگی		این دیدگاه که دخالت دولت در امور کشور محدود
Chi-Square Test	آزمون خی دو		به اجرای قانون، حفظ نظم و رفع موانع از سر راه
	خارج قسمتی است که از تقسیم ربع تفاوت یک	Freedom of Contract	آزادی قرارداد
	کمیت واقعی و یک کمیت فرضی به دست می آید.	Liberalism	آزادی گرایی
Exact Test	آزمون درست	Economic Liberalism	آزادی گرایی اقتصادی
Exact Test	آزمون دقیق		نبود دخالت دولت در امور اقتصادی.
Two Tailed Test	آزمون دو دامنه ای	Nineteenth-century	آزادی گرایی قرن نوزدهم
Two Sided Test	آزمون دوطرفی	Liberalism	
Two Tailed Test	آزمون دو گوشه ای	«Laissez Faire, Laissez Passer»	آزادی مطلق در کار و کسب
Time Reversal Test	آزمون زمانی معکوس		
Samuelson Test	آزمون ساموئلسون	Freedom of Entry	آزادی ورود
	در این آزمون وضع بالقوه به شرطی در اصطلاح		اشاره به ورود آزاد و بدون مانع تولیدکنندگان،
	رفاه برتر از دیگری است که برای هر توزیع		فروشنندگان و سرمایه گذاران جدید به بازار و به
	مجموعه کالاها در وضع نخست یک توزیع		قلمرو فعالیت اقتصادی است.
	مجموعه دوم کالاها وجود داشته باشد و دست کم	Checking; Preparation; Test	آزمایش
	یک فرد در وضع بهتر قرار گیرد.	Probation	آزمایش استخدامی
Noncultural Test	آزمون غیر فرهنگی	Physical Tests	آزمایش جسمانی (از نظر کارگزینی)
Hypothesis Testing	آزمون فرضیه		
	روشی است برای پی بردن به درستی آماری فرضیه	Controlled Experiment	آزمایش محدود
	موردنظر.	Role-playing	آزمایش و تمرین
Acid Test	آزمون قدرت پرداخت	Probation	آزمایشی
Kaldor-Hicks Test	آزمون کالدور - هیکس	Prove	آزمودن
	وضع (۱) بر (۲) برتر است به شرط آن بهبود	Test	آزمون
	یافتگان زیان افراد در وضع (۲) را بتوانند	Statistical Test	آزمون آماری
	جبران کنند اگرچه واقعا پرداختی به عمل	Impact Test	آزمون اثر
	نیابورند.	Post Test	آزمون ارزیابی نتیجه

شرقی آسیا برای ایجاد شتاب در رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی ملتهای عضو است.	Chi-Square Test (یا چی)	آزمون مجذور خی
Harm آسیب	Product Test	آزمون محصول
Harmful آسیب‌رسان	Field Test	آزمون محلی
Irregularity آشفتگی	Proficiency Test	آزمون مهارت
Disclose آشکار کردن	Likelihood Test	آزمون نسبت درست‌نمایی
Anarchism آشوبگرایی	Likelihood Test	آزمون نسبت راست‌نمایی حد
Take-off آغاز پرواز در زمینه اقتصادی	Sight Test	آزمون نظری
در الگوی روستو یکی از مراحل چهارگانه رشد اقتصادی است.	Means Test	آزمون وسایل
Inception Dates of Insurance آغاز تاریخ بیمه	Vocational Tests	آزمونهای پیشه‌ای
Revival آغاز رونق	Compensation Tests	آزمونهای جبرانی
B.O.Y. (Beginning Of Year) آغاز سال	Vocational Tests	آزمونهای حرفه‌ای
Damage آفت	Compensation Tests	آزمونهای غرامت
Advise آگاهانیدن	An Essay on the Principle of Population	آزمونی درباره اصل جمعیت
Advice; Information آگاهی	کتابی است نوشته ر. مالتوس که در مورد افزایش جمعیت دید بدبینانه دارد.	
Market Intelligence آگاهی بر بازار	One Tailed Test	آزمون یک دامنه‌ای
Advise آگاهی دادن	One Sided Test	آزمون یک طرفی
Advertisement; Notice آگهی	One Tailed Test	آزمون یک گوشه‌ای
Circularize آگهی از طریق بخشنامه	International Energy Agency	آژانس بین‌المللی انرژی
Announcement آگهی (بورس)	متشکل از اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا جز ایسلند، فرانسه و فنلاند با اهداف مختلف در زمینه نفت.	
Tombstone آگهی تأمین وام	Threshold	آستانه (تغییر)
Classified آگهی تبلیغاتی طبقه‌بندی شده	Shut Down Point	آستانه تعطیل
Advertising آگهی ترک	Cumulative Inflation	آستانه تورم انباشتی
Notice of Abandonment آگهی دیواری	Threshold	
Poster آگهی عرضه سهم	Sensory Thresholds (آمار)	آستانه‌های حساس (آمار)
Prospectus آگهی دهنده؛ آگهی‌کننده	Threshold of a Good	آستانه یک کالا
Advertiser آگهی واگذاری	A.S.E.A.N.	آسه آن
Notice of Abandonment آرایش	Association of South East Asian Countries	نشانه اختصاری یا اتحادیه کشورهای جنوب
Pollution آلودگی		

Census of Population	آمارگیری جمعیت	Allais, Maurice	آله، موريس (۱۹۱۱ - ...)
Sample Survey; Survey	آمارگیری نمونه		اقتصاددان فرانسوی برندهٔ جایزه نوبل اقتصاد سال ۱۹۸۸.
Time Series Data	آمار مجموعهٔ زمانی	Target	آماج
Parametric Statistics	آمار معمولی	Preparation	آمادگی
Vital Statistics	آمارهای اساسی	Readiness	آمادگی برای هزینه‌های رفع
Bayesian Statistics	آمارهای بیزی	-to-serve Costs	احتیاج
Vital Statistics	آمارهای حیاتی	Stand-by Underwriting	آمادهٔ استعمال
Vital Statistics	آمارهای ضروری	At Call	آمادهٔ استفاده
Reported	آمارهای منافع اعلان شده	On Call	آمادهٔ خدمت
Statistics of Profits		Prepare	آماده ساختن
Processing	آمایش	Preparation; Processing	آماده سازی
Business Data	آمایش داده‌ای کار و کسب	Provide	آماده شدن
Processing		On Sale; Ready on Sale	آمادهٔ فروش
Data Processing	آمایش داده‌ها	Prepare; Provide	آماده کردن
Processor	آمانده	Improved	آماده نشده
Main Frame	آماندهٔ مرکزی	F-statistic	آمار F
Word Processor	آماندهٔ واژه		آماري که توزیع F را دنبال می‌کند.
Traffic	آمد و شد	T-statistic	آمار T
Sensitivity Training	آموزش استعداد تغییر		آماري است که به دنبال توزیع T می‌آید.
Refresher Training	آموزش تقویتی	Test Statistic	آمار آزمونی
Refresher Training	آموزش تکمیلی	Inferential Statistics	آمار استنباطی
Job Training; Vocational Training	آموزش حرفه‌ای	Economic Statistics	آمار اقتصادی
Education of Accounting	آموزش حسابداری	Parametric Statistics	آمار پارامتری
In-service Training	آموزش حین خدمت	Descriptive Statistics	آمار توصیفی
T.W.I.	آموزش حین فعالیت صنعتی	Census of Production	آمار تولید
Training within industry	نشانهٔ اختصاری	Mathematical Statistics	آمار ریاضی
	است.	Statistician	آمارشناس
In Plant Training	آموزش حین کار	Pay Roll Statistics	آمار صورت حقوق
Vestibule Training	آموزش سریع	Actuary	آمارگر
Industrial Education	آموزش صنعتی	Surveyer	آمارگیری
Consumer Education	آموزش مصرف‌کننده	Census	آمارگیری
Induction Training	آموزش مقدماتی	Pilot Survey	آمارگیری آزمایشی

Steady Rate	آهنگ ثابت	Personal Training	آموزش نیروی انسانی
N.R.R.	آهنگ خالص تولیدمثل	Employee	آموزش و پرورش کارمند
Net Reproduction Rate	آهنگ خالص زه و زاد	Development	
Rate of Spending	آهنگ خرج	Multiplier Doctrine	آموزه ضریب افزایش
Birth Rate	آهنگ زه و زاد	Marginal Productivity	آموزه فرآوری نهایی
Rate	آهنگ سرعت	Doctrine	
Absenteeism Rate	آهنگ غیبت	Wages Fund Doctrine	آموزه وجه مزد
Turnover Rate	آهنگ گردش	Economic Doctrines	آموزه‌های اقتصادی
Rate of Turnover	آهنگ گردش موجودی	Amalgamation; Blending; Mixture	آمیختگی
Death Rate	آهنگ مرگ و میر	Confusion of Goods	آمیختگی کالاها
Rate of Innovation	آهنگ نوآوری	Compound	آمیختن
Fallow Field	آیش زمین	Omnium	آمیخته سهام
Surveying Procedure	آیین رسیدگی	Product Mix	آمیخته محصول
Convention	آیین قراردادی	Amalgamate; Combination (Consolidation)	آمیزش
Customary	آیین نامه	Marketing Mix	آمیزه‌های بازاریابی
Regulation T	آیین نامه T	O.N.C.T.A.D.	آنکتاد
	آیین نامه حاکم بر مقدار اعتبار دلالت و کارگزاران در ایالات متحد.	United Nations Conference on Trade and Development	نشانه اختصاری
Bylaw	آیین نامه داخلی		است و سازمانی
Regulation Z	آیین نامه Z		است و وابسته به سازمان ملل متحد برای همکاری در زمینه تجارت و توسعه کشورهای عضو.
	حقیقت‌گویی در اعطای وام است.	Anna	آنه
Regulation Q	آیین نامه Q		یک شانزدهم روپیه هند است.
	آیین نامه بانکداری و اندازه‌های بهره در ایالات متحد است.	Trade-in	آورده
Public Utility Regulation	آیین نامه مؤسسه عام المنفعه	Risk Capital	آورده سهامداران
Sumptuary	آیین نامه معاملات	Capital Paid in; Equity; Paid in Capital	آورده شرکاء
Rate Regulation	آیین نامه نرخ	Risk Capital	آورده صاحبان سهام
Regulation V	آیین نامه V	Bearer; Bearing	آورنده
	آیین نامه حاکم بر مقدار اعتبار بانکها برای خرید اوراق بهادار رسمی در ایالات متحد.	Slacken	آهسته کردن
Shop (Working) Rules	آیین نامه‌های کارگاه	Rate of Innovation	آهنگ ابداع
		Rate of Adaptation	آهنگ تطبیق



Super Computer	آبر رایانه	Combine; Ring	ائتلاف
Small Tools	ابزار	Combination in Restraint of Trade	ائتلاف برای تحدید داد و ستد
Tax Instrument	ابزار مالیاتی	Consortium (Syndicate)	ائتلاف تجاری
Policy Making Instruments	ابزارهای سیاست‌گذاری	Collective Bargaining	ائتلاف جمعی
	عبارتنداز سیاست پولی، سیاست ارزی، سیاست مالی و سیاست درآمدی.	Pool	ائتلاف موقتی
Tools of Monetary Policy	ابزارهای سیاست پولی	Federal Innovation	ائتلافی ابتکار
	ابزارهای اصلی مقدراری عبارتنداز تغییر اندازه تنزیل، تغییر در ضرایب اندوخته و عملیات بازار باز؛ ابزارهای کیفی تغییر در مقررات حاشیه سود اوراق بهادار است.		همان نوآوری است.
Annulment	ابطال	Heuristic	ابتکاری
Recession of Contract	ابطال قرارداد	Purchase	ابتیاع
Reintermediation	ابقاء واسطه‌گری	Raise a Mortgage	ابتیاع کردن
Communicate	ابلاغ کردن	Innovation	ابداع
Opportunism	ابن‌الوقتی	Process Innovation	ابداع فراگرد
House Property	ابنیه	Product Innovation	ابداع محصول
Residential Buildings	ابنیه مسکونی	Proposal (or Proposition)	ابراز
Span of Control	ابوابجمعی	Preference Revelation	ابراز رجحان
		Confirmation	ابرام
		Hyperdeflation	آبر انقباض
		Liberation	ابراء
		Hyperinflation	ابرتورم

Union	اتحادیه	Property	ابواب جمعی (داشتن)
Independent Union; Open Union	اتحادیه آزاد	Accountability	
Trade Guild; Trade Union	اتحادیه اصناف	Chamber of Commerce;	اتاق بازرگانی
Gremio	اتحادیه اصناف یا کارگران	Chamber of Trade	
Axia; Credit Union	اتحادیه اعتباری	Iran	اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران
Horizontal union	اتحادیه افقی	Chamber of Commerce, Industries and Mines	
Multicraft Union	اتحادیه افقی صنعتگران		دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی برای حمایت از حقوق صنفی بازرگانان و صنعتگران است.
Craft Union; Horizontal Labour Union	اتحادیه افقی کارگران		
Economic Union	اتحادیه اقتصادی	Nisho (Jap)	اتاق بازرگانی و صنعتی ژاپن
Terminable Association	اتحادیه انقضای پذیر	I.C.C.	اتاق بین‌المللی بازرگانی
Open Union	اتحادیه باز	International Chamber of Commerce	نشانه اختصاری Commerce است.
Market Syndicate	اتحادیه بازار	International Chamber of Commerce	اتاق بین‌المللی بازرگانی
Hanse; Trade Union	اتحادیه بازرگانان	Clearing House	اتاق پایاپای مرکز تصفیه و تسویه چکهای بانکهاست.
E.F.T.A.	اتحادیه بازرگانی آزاد اروپا	Euroclear	اتاق پایاپای اروپا
European Free Trade Association	نشانه اختصاری Association است.	Board of Trade; Chamber of Commerce	اتاق تجارت
L.A.F.T.A.	اتحادیه بازرگانی آزاد امریکای لاتین	Chamber of Shipping	اتاق کشتیرانی
Latin American Free Trade Association	نشانه اختصاری Association است.	Commercial Sale Rooms	اتاقهای فروش بازرگانی
Association of African Central Banks	اتحادیه بانکهای مرکزی افریقا	Association; Combination (Consolidation); Combine	اتحاد
Bargaining Unit	اتحادیه برگزیده کارکنان واحد	Trust	اتحاد اختصاری
Bern Union	اتحادیه برن	I.C.A.	اتحاد تعاون بین‌المللی
	اتحادیه بین‌المللی با عضویت سی شرکت بیمه اعتبارات در بیست و چهار کشور جهان که مقر آن در برن سوئیس است.	International Co-operative Alliance	نشانه اختصاری Alliance است.
Closed union	اتحادیه بسته	Identity	اتحاد (در ریاضیات)
Closed Union	اتحادیه بسته کارگران	Union of Two Sets	اتحاد دو مجموعه
Combination in Restraint of Trade	اتحادیه به منظور تحدید تجارت	Fisher Identity	اتحاد فیشر

Latin American Free Trade Association	اتحادیه تجارت آزاد امریکای لاتین	"Union d'Assurance Des Crédits International"	اتحادیه بیمه اعتبارات بین‌المللی
Underwriting Syndicate	اتحادیه تضمین‌کنندگان	I.T.U. International Telecommunication Union	اتحادیه بین‌المللی ارتباطات بی‌سیم نشانه اختصاری - International Telecommunication Union است.
Tariff Union	اتحادیه تعرفه‌ای	International Union of Credit and Investment	اتحادیه بین‌المللی اعتبار و سرمایه‌گذاری
Tariff Union	اتحادیه تعرفه گمرکی	I.F.A.P. International Federation of Agricultural Products	اتحادیه بین‌المللی فرآورده‌های کشاورزی نشانه اختصاری - International Federation of Agricultural Products است.
Underwriting Syndicate	اتحادیه تعهدکنندگان	International Union	اتحادیه بین‌المللی کارگری
Clearing Union	اتحادیه تهاتری	I.F.A.P. Paris Club	اتحادیه بین‌المللی محصولات کشاورزی اتحادیه پاریس
Multicraft Union	اتحادیه چندصنفی	Paris Club	مشکل از بانکهای مرکزی که همچون یک مرکز پایا عمل می‌کند.
Trade Association	اتحادیه حرفه‌ای	Stock Exchange	اتحادیه پایاپای آسیا
Arbitrage Syndicate	اتحادیه خرید و فروش اوراق بهادار	Export Association	اتحادیه پایاپای بین‌المللی
Dual Union	اتحادیه دوگانه	Pension Pool	اتحادیه پرداخت‌های اروپا
Nikeire Company Union	اتحادیه ژاپنی فدراسیون کارفرمایان	Craft Guild	اتحادیه صنعتگران
Stock Exchange	اتحادیه صاحبان سهام	Craft Union; Gremio; Guild; The Syndicate; Trade Guild; Trade Union; Union	اتحادیه صنفی
Export Association	اتحادیه صادرات؛ انجمن صادرات	Vertical Union; Vertical Union; General Federation	اتحادیه عمودی
Pension Pool	اتحادیه صندوق بازنشستگی	Vertical Labour Union	اتحادیه عمودی کار
Craft Guild	اتحادیه صنعتگران	Vertical Trade Union	اتحادیه عمومی کارگری
Craft Union; Gremio; Guild; The Syndicate; Trade Guild; Trade Union; Union	اتحادیه صنفی	Federal Labour Local Union	اتحادیه فدرال محلی کار
Vertical Union; Vertical Union; General Federation	اتحادیه عمودی	Terminable Association	اتحادیه قابل فسخ
Vertical Labour Union	اتحادیه عمودی کار	Price Association	اتحادیه قیمت
Vertical Trade Union	اتحادیه عمومی کارگری	Open Price association	اتحادیه قیمت عمومی
Federal Labour Local Union	اتحادیه فدرال محلی کار	Labour Union	اتحادیه کار
Union d'Assurance Des Crédits International"	اتحادیه بیمه اعتبارات بین‌المللی	European Free Trade Association	اتحادیه تجارت آزاد اروپا

Business	اتحادیه‌گرایی کاروکسی در برابر	Employer's Association	اتحادیه کارفرمایان
Revolutionary	اتحادیه‌گرایی انقلابی	Labour Union	اتحادیه کارگران
Unionism Versus Unionism		Craft Union	اتحادیه کارگران افزارمند
New Unionism	اتحادیه‌گرایی نوین	T.G.W.U.	اتحادیه کارگران حمل و نقل و
Customs Union; Zollverein	اتحادیه گمرکی		کارگران عمومی
	توافق میان چند کشور برای رفع موانع بر سر راه مبادلات و برقراری تعرفه مشترک.	Transport and General Worker's Union	نشانه اختصاری است.
Latin Union	اتحادیه لاتین	Company Union	اتحادیه کارگران منحصر به یک شرکت
Issuing Houses	اتحادیه مؤسسه‌های ناشر	Industrial Union; Labour Union; Trade Union	اتحادیه کارگری
Association			سازمانی است متشکل از کارگرانی با شغل یکسان با هدف چانه‌زنی با نمایندگان کارفرمایان و حفظ حقوق کارگران.
Independent Union	اتحادیه مستقل	T.U.	اتحادیه کارگری
Trade Union	اتحادیه مشاغل		نشانه اختصاری Trade Union است.
Closed Union; Union Shop	اتحادیه مقید کارگران	Horizontal Trade Union	اتحادیه کارگری افقی
Mutual Benefit Association	اتحادیه منفعت متقابل	Preferential Union Shop	اتحادیه کسبی ترجیحی
Certified Union	اتحادیه مورد تأیید	A.S.E.A.N.	اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا
Pool	اتحادیه موقتی	Association of South East Asian Countries	نشانه اختصاری است.
Regional Pension System	اتحادیه ناحیه‌ای و جوه تقاعد	«Confederation Générale du Travail»	اتحادیه کل کار
Agency Shop	اتحادیه نمایندگی	C.I.O.	اتحادیه کنگره صنعتی کارگران در ایالات متحد
Latin American Association of Development Financing Institutions	اتحادیه نهادهای تأمین مالی توسعه امریکای لاتین	Congress of Industrial Organization	نشانه اختصاری است.
Craft Union	اتحادیه ویژه پیشه‌وران	Syndicalism; Unionism	اتحادیه‌گرایی
General Union	اتحادیه‌های عمومی	Exclusive Unionism	اتحادیه‌گرایی انحصاری
Labour Unions	اتحادیه‌های کارگری	Dual Unionism	اتحادیه‌گرایی دوگانه
Unanimity	اتفاق آراء	Business Unionism	اتحادیه‌گرایی کار و کسب
Accidental; Contingent; Orrow; Random; Stochastic	اتفاقی		
Self-dependence	اتکاء به نفس		
Natural Wastage	اتلاف طبیعی		
Damnum Absque Injuria	اتلاف مال غیر		

Displacement Effect	اثر پس زنی	Abandonment	تمام ذخایر معدن
یا اثر جابه‌جا سازی یا اثر جایگیری، گرایش مخارج عمومی به افزایش طی دوره جنگ یا بحرانهاست که پس از رفع بحران به سطح اولیه بر نمی‌گردد.		Merchandise Car	اتومبیل باری
Spread Effect	اثر پیش‌رانی	Appointments; Equipment; Fittings; Furniture And Fixture	اثاثه
اثر تفاوت قیمت تولید و مصرف یا اثر اختلاف میان حداقل و حداکثر قیمت کالا، اثری است بر انگیزنده روی درآمد سرمایه در بخشهای دیگر اقتصاد.		Fixtures and Fittings	اثاثه ثابت
Pigou Effect	اثر پیگو	Prove	اثبات
نتایج حاصل از تغییرات در سطح قیمتها.		Verify	اثبات کردن
Impact Effect	اثر تحول	Positivism	اثبات‌گرایی
Spread Effect	اثر تفاوت قیمت تولید و مصرف	Threshold Effect	اثر آستانه‌ای
Effect of Imitation	اثر تقلید	افزایش در میزان مالیات ناشی از بحران یا وضع اضطراری.	
افزایش تقاضای یک کالا بر اثر کاهش قیمتها گروهی به صورت «تقلید» واکنش نشان می‌دهند و بر تقاضای خود می‌افزایند.		Backwash Effect	اثر آشفتنگی
Discounting Effect	اثر تنزیل	Spread Effect	اثر اختلاف میان حداقل و حداکثر قیمت کالا
Threat Effect	اثر تهدید	Announcement Effect	اثر اخطاری تنزیل مجدد
Wealth Effect	اثر ثروت	Slutsky-Yule Effect	اثر «اسلاتسکی - یول»
Displacement Effect	اثر جابه‌جاسازی	رفتار دوری در یک مجموعه متوالی است.	
همان اثر پس‌زنی است.		Impact Effect	اثر اصابت
Substitution Effect	اثر جانشینی	اثر ضربه، اثر تحول، اثر برخورد یا اثر فشار، درباره تأثیر فوری تغییر در تقاضا هنگامی است که عرضه نتواند فوراً با آن تطبیق یابد.	
به فرض ثبات سطح درآمد واقعی یا مطلوبیت آن، تغییر میزان تقاضای مصرف‌کننده یک کالا به سبب تغییر قیمت کالاهای دیگر پدید می‌آید.		Locking-in Effect	اثر بازدارنده
Crowding out Effect	اثر جانشینی جبری	یا اثر قید، هنگامی بروز می‌کند که صاحب یک دارایی به سبب سقوط قیمت بازار و زیان آینده در فروش آن درنگ کرده است.	
Displacement Effect	اثر جایگیری	Impact Effect	اثر برخورد
Crowding Out Effect	اثر جبرانی	همان اثر اصابت است.	
Spite Effect	اثر خلاف	Ratchet Effect	اثر بی‌برگشت
Snob Effect	اثر خودبزرگ‌نمایی	همان اثر ضامن است.	
Income Effect	اثر درآمدی	Crowding Out Effect	اثر پس‌رفت
اثر تغییر قیمت یک کالا از راه تغییر درآمد واقعی یک فرد روی تقاضایش نسبت به همان کالا.		Backwash Effect	اثر پس‌زایی
		هنگامی پدید می‌آید که رشد اقتصادی روی رشد دیگر بخشها اثر وارونه داشته باشد.	

Spillover Effect	اثر فرعی	Rosa Effect	اثر روزا
یا اثر سرریز، ناظر به موردی است که ارزش دلار افزایش می‌یابد و قیمت واردات برحسب این پول کاهش می‌پذیرد.		صاحب یک دارایی به سبب سقوط ارزش بازاری آن و زبانی که می‌بیند نسبت به فروش اصرار می‌ورزد.	
Impact Effect	اثر فشار	Ricardo Effect	اثر «ریکاردو»
همان اثر اصابت، برخورد یا ضربه است.		واکنشی است در دوران رونق، هنگامی که قیمت کالاها بیش از دستمزدها افزایش یابد، بنگاهها چون دوره تولید کالای سرمایه‌ای طولانی‌تر است تمایلی به سرمایه‌گذاری ندارند.	
Debt Function	اثر قرض	Samuelson-Stolper Effect	اثر «ساموئلسون - استولپر»
Locking-in Effect	اثر قید		
Price Effect	اثر قیمت		
Fiscal Drag	اثر کندکنندگی مالی		
Spite Effect	اثر کینه		
Keynes Effect	اثر کینز		
این نظریه است که کاهش در سطح عمومی قیمت‌ها موجب کاهش اندازه بهره و افزایش سرمایه‌گذاری می‌گردد.		این اثر است که در تجارت آزاد ممکن است کالا به عنوان جانشین جزئی برای مهاجرت بکار رود و مزد واقعی را در نقطه مهاجرپذیر کاهش دهد.	
Impact of Tax; Tax Effect	اثر مالیات	Spillover Effect	اثر سرریز
Impact of Taxation	اثر مالیات‌بندی	Upward Multiplier Effect	اثر صعودی ضریب افزایش
Real Balance Effect	اثر مانده واقعی	Upward Multiplier Effect	اثر صعودی ضریب فزاینده
کاهش سطح عمومی قیمت‌ها موجب افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری می‌شود.		Industry Effect	اثر صنعت
Spite Effect	اثر معارض		
Scale Effect	اثر مقیاس		
Demonstration Effect	اثر نمایشی		
تظاهر به صورت خرید کالای مرغوب‌تر بدون توجه به وضع درآمدی.		Ratchet Effect	اثر «ضامن»
Dependence Effect	اثر وابستگی		
Veblen Effect	اثر وبلن		
به موردی اشاره دارد که قیمت یک کالا پایین می‌آید و خریداران این جریان را به کاهش کیفیت آن تلقی می‌کنند و از خرید خودداری می‌ورزند و در نتیجه منحنی تقاضای بازار با شیب تندتر فرود می‌آید.		Impact Effect; Shock Effect	اثر ضربه
Wicksell Effect	اثر ویکسل		
اشاره دارد به این که اندازه بهره کمتر از ارزش		Multiplier Effect	اثر ضریب فزاینده
		Multiplier Effect of Consumption	اثر ضریب فزاینده مصرف

Underlease	اجاره جزئی	محصول خالص نهایی سرمایه پولی است.
Net Lease	اجاره خالص	اثرهای قهقرایی Backward Linkages
Hire Purchase	اجاره - خرید	اثر همجواری Neighborhood Effect
Lease	اجاره دادن	Hire; Rent
Affreight	اجاره دادن و اجاره کردن	اجاره احتمالی Contingent Rent
Tenant	اجاره‌دار	اجاره اسمی Quit-rent
Share Cropper	اجاره‌دار با مزارع	اجاره اسمی جنس Peppercorn Rent
Produce	اجاره‌دار زمین زراعی	اجاره اضافی Over-rent
-sharing Farmers	(ایالات متحد)	اجاره اعتباری Leasing
Joint Tenant	اجاره‌دار مشاع	خرید یک کالای سرمایه از سوی یک مؤسسه مالی
Joint Tenant	اجاره‌دار مشترک	و اجاره آن در قبال اقساط اجاره بها.
Leasehold; Share Cropping;	اجاره‌داری	اجاره اقتصادی Economic Rent
Tenancy; Tenantry; Tenantship		اجاره اموال Quasi-rent
Tenant in Common	اجاره‌داری اشتراکی میان دو یا چند تن	اجاره انتسابی Imputed Rent
Land Tenure	اجاره‌داری زمین	اجاره‌های Conductitious
Joint Tenancy	اجاره‌داری مشاع	اجاره بالا Over-rent
Joint Tenancy; Tenant in Common	اجاره‌داری مشترک	اجاره بر اساس قرارداد Contract Rent
Common		اجاره بها Renting; Rent Service
Long-term Lease	اجاره درازمدت	اجاره بها و اضافه عایدی Rent and Surplus
Voyage Charter Party	اجاره درست برای یک سفر	اجاره‌های احتمالی Contingent Rent
Bare Boat Charter	اجاره درست کامل	اجاره‌های اسمی Nominal Rent
Charter	اجاره درست کردن (کشتی)	اجاره بها زیاد بر مستاجر تحمیل کردن Over-rent
Demise Charter	اجاره درست و کامل	اجاره‌های صریح زمین Explicit Rent
Percentage Lease	اجاره درصدی	اجاره‌های قراردادی Contractual Rent
Sandwich Lease	اجاره دست اول	اجاره‌های مزد Wage Rent
Sub-lease; Underlease	اجاره دست دوم	اجاره‌های مشروط Contingent Rent
Charterer	اجاره‌دهنده کشتی	اجاره‌ها (ی مقطوع) Contractual Rent
Ground Rent	اجاره زمین	اجاره به شرط تملیک Hire Purchase
Metayage	سهم کاری (سهم کاشتی)	نوعی اعتبار مصرفی است.
Market Rental Value of Land	اجاره زمین در بازار	اجاره به قید اصلاح Improving Lease
		اجاره به نام Quit-rent
		اجاره جایز Tenancy at Will

Urban Ground Rents	اجاره‌های زمین شهری	Metnyage	اجاره زمین در مقابل تسلیم چند
Allowance; Authorization; Leave;	اجازه		درصد از محصول
License; Warranty		Over-rent	اجاره زیاد
Kerosene Oil Clause	اجازه استعمال مواد نفتی	Capital Rent	اجاره سرمایه
Obligational Authority	اجازه الزامی	Back Rent; Rack Rent	اجاره سنگین
License to Assign	اجازه انتقال	Percentage Lease	اجاره صدی چند
Dividend Warrant	اجازه پرداخت سود سهام	Implicit Rent; Imputed Rent	اجاره ضمنی
Authorize; Empower	اجازه دادن	Long-term Lease	اجاره طولی‌المدت
Express Warranty	اجازه مخصوص	Ordinary Rent	اجاره عادی
Temporary Admission	اجازه موقت ورود	Ground Rent	اجاره عرصه
Charter; Letter of Licence;	اجازه‌نامه	Sub-lease	اجاره فرعی
License; Permit		Contract Rent	اجاره قراردادی
Bank Charter	اجازه‌نامه بانک	Gale	اجاره قسطی (در انگلیس)
Letter of Marque	اجازه‌نامه تصرف و غارت	Dead Rent	اجاره قطعی
Removal	اجازه نقل مکان مورد بیمه	Lease	اجاره کردن
Clause	(اصطلاح بیمه)	Leaseback	اجاره کردن ملک فروخته شده
Obligement	اجبار	Leasable	اجاره کردنی
Union of Two Sets	اجتماع دو مجموعه	Chartered Freight; Chartering	اجاره کشتی
Combine	اجتماع و مشارکت	or Charterage	
Accommodated Community	اجتماع همساز	Charter of	اجاره کشتی بدون کارکنان آن
Sociability	اجتماعی بودن	Demise	
Socialization	اجتماعی کردن	Short Lease	اجاره کوتاه‌مدت
Socialization of	اجتماعی کردن سرمایه‌گذاری	Back Rent; Rack Rent	اجاره گراف
Investment		Farm	اجاره مالیات سالانه
Socialization	اجتماعی گردانی	Dead Rent	اجاره مسلم
Overvalue	اجحاف	Contingent Rent	اجاره مشروط
Accomplishment; Crossing;	اجرا	Back Rent	اجاره معوقه
Execution; Performance; Practice		Tax Farming	اجاره مقطوع مالیاتها
Perform	اجرا کردن	Leasehold Mortgage	اجاره ملک مورد وثیقه
Budget Execution	اجرای بودجه	Gross Lease	اجاره ناخالص
Prestation	اجرای تعهد	Rental Agreement	اجاره‌نامه‌چه
Enforcement of a Judgement	اجرای حکم	Open-end Lease	اجاره نامحدود
Executive	اجرایی	Real Agreement	اجاره‌نامه درازمدت

Induced Hoarding	احتکار القایی	Fee; Remuneration; Salary;	اجرت
Induced Hoarding	احتکار انگیخته	Stipend; Wage	
Cornering the market	احتکار بازار	Imputed Rent	اجرت المثل
Regrate	احتکار تجاری کردن	Compensation	اجرت خدمت
Gold Hoarding	احتکار طلا	Remunerate	اجرت دادن
Engross	احتکار کردن	Tut Money	اجرت کار اضافی
Probability	احتمال	Daily Pay	اجرت کار یک روز
Experimental Probability	احتمال آزمایشی	Contingent Fees	اجرت نامعلوم
Inductive Probability;	احتمال استقرایی	Gross Earning	اجرت ناویژه
Probability a Posteriori		Fractional Money	اجزای پول
F.I.M.L.	و احتمال پیشینه اطلاعات کامل،	Standard Parts	اجزای متداول
Full Information Maximum	نشانه اختصاری: Likelihood است.	Standard Parts	اجزای معیار
Full Information	احتمال پیشینه اطلاعات کامل	Fractional Money	اجزای یک واحد پولی
Maximum Likelihood		Ingredients	اجزاء
Experimental Probability;	احتمال تجربی	Elements of Profit	اجزاء سود
Inductive Probability		Strata	اجزاء طبقاتی جامعه (آمار)
Mathematical Probability	احتمال ریاضی	Interchangeable Parts	اجزاء قابل مبادله
Probability of Ruin	احتمال زیان	Interchangeable Parts	اجزاء قابل معاوضه
Compound Probability	احتمال مرکب	Fractional Parts	اجزاء کسری
Conceptual Probability	احتمال نظری	Ingredients	اجزاء متشکله
Contingent	احتمالی	Producer's Goods	اجناس تولیدی
Probability of a	احتمال یک واقعه مرکب	Class	اجناس درجه اول
Compound Event		Shopping Goods	اجناس مغازه
Necessity; Need; Requirement;	احتیاج	Edgeworth,	اجورث (۱۸۴۵-۱۹۲۶)
Want		Francis Ysidro	
Need	احتیاج داشتن		اقتصاددان انگلیسی - ایرلندی صاحب نظر در نظریه اقتصادی و توزیع.
Care!; Care of; Handle With Care;	احتیاط	Hireling; Paid	اجیر
Precaution		Retrocession	احاله حق به دیگری
Precaution	احتیاط کاری	Retrocessionaire	احاله کننده حق به دیگری
Generate	احداث کردن	Make Allowance For	احتساب کردن
Generative	احداث کننده	Engrossment; Hoarding; Pose	احتکار
Seizin	احراز مالکیت		خرید و نگهداری کالا برای فروش به قیمت گران.

Sampling	اختلافات توزیع نمونه‌گیری	Intuition	احساس پیش از وقت
Distribution Differences		Intuition	احساس پیش از وقوع
Confidence Interval	اختلاف اطمینان	Chattel	احشام
Economic Conflict	اختلاف اقتصادی	Census	احصاء
Yield Gap	اختلاف بازده	Recall	احضار به کار
Yield Gap on Securities	اختلاف بازده در اوراق بهادار	Bidding	احضار به
Reverse Yield Gap	اختلاف بازده در موقع شکست فعالیت	Calling for Orders Bill of Lading	احضار به برای سفارشهای بارنامه
Payment Gap	اختلاف پرداخت و دریافت	Reforestation	احیای جنگل
Discrepancy of Account	اختلاف حساب	Reclamation	احیای منابع طبیعی
Trade Gap	اختلاف داد و ستد	Economic Rehabilitation	احیاء اقتصادی
Jurisdictional Dispute	اختلاف در باب حدود اختیار قانونی	Financial Rehabilitation;	احیاء مالی
National Emergency Dispute	اختلاف در حالت اضطراری ملی	Financial Reconstruction	
Jurisdictional Dispute	اختلاف در صلاحیت قانونی	Yesterday's Closing	اختتامیه روز پیش
Reconcile	اختلاف را حل کردن	Invention	اختراع
Gap	اختلاف زیاد و بزرگ	Patent	اختراع ثبت شده
Wide Opening	اختلاف فاحش قیمتها در آماز کار	Labour-saving Invention	اختراع کاراندوز
Tolerance	اختلاف قابل اغماض	Abbreviation	اختصار
Price Differential; Price Variance	اختلاف قیمت	Allocation	اختصاص
Close Price	اختلاف قیمت‌های خرید و فروش سهام در بورس	Allocate; Designate	اختصاص دادن
Efficiency Variance	اختلاف کارایی	Lump-sum Appropriation	اختصاص کلی
Industrial Dispute	اختلاف کارگری	Appropriate	اختصاص یافتن
Crude Trade Gap	اختلاف ناویژه داد و ستد	Abstraction; Defalcation;	اختلاس
Disagreement; Diversity of Opinion	اختلاف نظر	Embezzlement; Misappropriation;	
Modal Divergence	اختلاف نمایی	Embezzle	اختلاس کردن
Distortion	اختلال	Amalgamate; Fusion; Merger	اختلاط
		Horizontal Amalgamation	اختلاط افقی
		Omnium	اختلاط سهام
		Factor Mix; Mix, Factor	اختلاط عامل
		Labour-mix	اختلاط کار
		Amalgamation	اختلاط یافتن
		Diversity	اختلاف
		Statistical Discrepancy	اختلاف آماری

Double Option	اختیار مضاعف	White Noise	اختلال خالص
Option	اختیار معامله	Authorization; Option	اختیار
Principal's Mandate	اختیار نامه موکل	Options; Power	اختیار (در بیمه عمر)
Ultimate Authority	اختیار نهایی	Trust Powers	اختیارات امانی
Settlement Option	اختیار واریز خسارت	Primary Power	اختیار اساسی
One Day Option	اختیار یک روزه (بورس)	Obligational Authority	اختیار الزامی
Discharge; Exclusion; Lay-off; Sacking	اخراج	Disposal of Income	اختیار بر درآمد
		Full Power	اختیار تام
Dismemberment	اخراج از عضویت	Put of	اختیار تحویل سه برابر؛ سه برابر در تنزل
Discriminatory	اخراج تبعیض آمیز اعضا	Three Times More	(در بورس)
Discharge	اتحادیه‌ها	Buyer's Option	اختیار خریدار
Unfair Dismissal	اخراج غیر منصفانه	Straddle	اختیار خرید (یا فروش) سهام به
Discharges	اخراجها		بهای معین
Caveat Emptor	اخطار به خریدار	Stock	اختیار خرید سهام به قیمت معین و معلوم
	برای بازرسی کالای خریداری.	Option	
Caveat Venditor	اخطار به فروشنده	Option	اختیار خرید سهم
	برای بازرسی کالای مورد معامله.	Call of More Option	اختیار خرید مجدد
Garnishment	اخطار تأمین مال	Put and Call	اختیار خریدن و نخریدن
Overdue Notice	اخطار دیر کرد	Single Options	اختیار خرید و فروش
Short Notice	اخطار کوتاه مدت	Call Option	اختیار خرید یا عدم خرید
Notice	اخطار به	Minority Control	اختیار داری اقلیت
Social Moral	اخلاق اجتماعی	Call O'more; Call of	اختیار دو برابر کردن
Work Ethic	اخلاق کاری	More	
	پیمان خوبی کاری یا منش کاری است.	Option To	اختیار دو برابر کردن (در بورس)
Administration; Bureau; Office	اداره	Double	
Eurostat	اداره آمار جامعه اروپا	Double Option	اختیار دوجانبه
The Statistical Office of the	نشانه اختصاری	Put; Put Option	اختیار فروش
European Community	European Community است.	Put Option	اختیار فروش به قیمت و شرایط دلخواه
Training Department	اداره آموزش	Put of More Option	اختیار فروش مجدد
Credit Department	اداره اعتبارات	Seller's Option	اختیار فروشنده
Farm Credit	اداره اعتبار کشاورزی	Put and Call	اختیار فروش و خرید سهام
Administration		Option	
	نشانه اختصاری آن F.C.A. است.	Put Option	اختیار فروش یا عدم فروش

Employment Exchange; Public	اداره کارایی	Trust Department	اداره امور امانی
Employment Exchange Office		Private Administration	اداره امور خصوصی
Freight Office	اداره کرایه و بار کشتی	Public Administration	اداره امور دولتی
Handling; Regulate	اداره (کردن)	Private Administration	اداره امور سازمانهای خصوصی (غیر دولتی)
U.N.R.R.A.	اداره کل اعانات و ترمیم خسارات وابسته به سازمان ملل متحد	General Government	اداره امور عمومی
United Nations Relief and Rehabilitation Administration	نشانه اختصاری Rehabilitation Administration است.	«Régie»	اداره امور عمومی به وسیله ادارات دولتی
Administrator	اداره کننده	Deficit Financing	اداره امور مالی با کسر بودجه
Custom House	اداره گمرک	Records Management	اداره امور مدارک
Excise	اداره مالیات غیر مستقیم	Federal Housing Administration	اداره تأمین مسکن فدرال
Office of International Finance	اداره مالی بین المللی	F.D.A.	اداره تغذیه و دارو
Head-office	اداره مرکزی	Food and Drug Administration	نشانه اختصاری ration است.
Audit Office	اداره ممیزی	Register Office	اداره ثبت
Rating Bureau	اداره نرخ گذاری	Register Office	اداره ثبت اسناد
Issue Department	اداره نشر اسکناس	General Accounting Office	اداره حسابداری کل
Exchange Control Department	اداره نظارت ارز	Legal Department	اداره حقوقی
Trust Fund Bureau	اداره وجوه امانی	Farmers (در ایالات متحد)	اداره خانه روستاییان
Follow-up	ادامه دادن	Home Administration	
Liberation	ادای دین	Excise	اداره درآمد داخلی
Claim	ادعا	Assay Office	اداره عیارگیری
Asserter	ادعا کننده	Industrial Handling	اداره صنعتی
Amalgamate; Amalgamation; Consolidation; Integration; Merger	ادغام	Federal Administration	اداره فدرال اعتبار روستایی (ایالات متحد)
	ترکیب دو یا چند شرکت با هم و تشکیل یک شرکت واحد.	Federal Farm Credit Administration	
Territorial Integration	ادغام ارضی	F.H.A.	اداره فدرال خانه سازی
Horizontal Integration	ادغام افقی	Federal Housing Administration	نشانه اختصاری ration است.
	کار یکسان در خطوط تولید یکسان انجام می گیرد.	Sales Administration	اداره فروش
Forward Combination	ادغام با شرکت پایین دست	Personal Department	اداره کارگزینی

Chamberlin, Edward	ادوارد چیمبرلین (۱۸۹۹ -)	Backward Integration	ادغام بالادست
	اقتصاددان آمریکایی نویسنده «نظریه رقابت اقتصادی».		ادغام واحد تولیدکننده مواد اولیه در واحد تولیدکننده کالا.
Building Cycle	ادوار ساختمان	Banks' Mergers	ادغام بانکها
Inventory Investment Cycles	ادوار سرمایه‌گذاری در موجودی	Forward Integration	ادغام پایین دست
Business Cycles	ادوار فعالیت اقتصادی		به تملک واحدهای پخش‌کننده و خرده فروشی به توسط تولیدکننده یا عرضه‌کننده اصلی محصولات.
Business Cycles	ادوار کار و کسب	Lateral Integration	ادغام جنبی
Kuznets Cycles	ادوار کوزنتس	Amalgamation of Several Banks	ادغام چند بانک
	ادوار ناشی از پیوند رویدادهای درون‌زاد و برون‌زا هستند که هر بیست سال یکبار تکرار می‌شوند.	Circular Integration	ادغام دایره‌ای
Introduction; Presentation	ارائه	Conglomerate Merger	ادغام شرکت اختلاطی
Documentation	ارائه اسناد یا مدارک	Industrial Merger	ادغام صنعتی
Sighting a Bill	ارائه برات	Vertical Integration; Vertical Merger	ادغام عمودی
Presentation for Acceptance	ارائه برای پذیرش (برات)		اعضای مرکبه کار در سطوح مختلف در ساخت و توزیع یک محصول اشتغال دارند.
Presentation for Payment	ارائه برای پرداخت (برات)	Diagonal Integration	ادغام قطری
Present a Cheque	ارائه چک	Backward Integration	ادغام قهقراپی
	این کار به معنای وصول چک است.	Consolidate	ادغام کردن
Reason	ارائه حساب بدهی	Consolidation; Groupage Agent	ادغام‌کننده در حمل
Present; Propound	ارائه دادن	Reverse Takeover	ادغام معکوس
Simulation	ارائه راه‌حل	Locational Integration	ادغام مکانی
Share Pusher	ارائه‌کننده سهام به بازار از طریق تشویق مردم	Reverse Takeover	ادغام وارونه
Public Lands	اراضی عمومی	Divergent Integration	ادغام واگرا
Communication; Connection; Linkage	ارتباط	Convergent Integration	ادغام همگرا
Mass Communication; Mass Media	ارتباط جمعی	Necessitous Reasons	ادله ضروری
Social	ارتباطات متقابل اجتماعی	Business Cycles	ادوار بازرگانی
Inter-communication		Business Cycles	ادوار تجاری
		Accounting Cycles	ادوار حسابداری

Foreign Exchange Cover	ارز پشوانه	Lagged Relationship	ارتباط درنگ‌دار
	ارز متناسباً اندوخته در برابر اسکناس‌های در جریان.	Business Connection	ارتباط کار و کسبی
Movable Exchange	ارز تغییرناپذیر	Bank-wire	ارتباط مخابراتی بانکها
Multiple Exchange Rate	ارز چندنرخه	Direct Relationship	ارتباط مستقیم
Foreign Currency; Foreign Exchange	ارز خارجی	Inverse Relationship	ارتباط معکوس
		Devise	ارث واگذاری با وصیت
Price Tag; Rating	ارزش	Reference	ارجاع
	مقداری از کالا است که با کالای دیگری مبادله می‌شود.	Remit	ارجاع کردن
Rental Value	ارزش اجاره‌ای	Change; Exchange; Foreign Currency; Foreign Exchange; Foreign Money;	ارز
Social Value	ارزش اجتماعی	Trade Coin	پولهای خارجی در یک کشور.
Expired Cost	ارزش از دست رفته		
Use Value; Value in Use	ارزش استعمال	Eurocurrency	ارز اروپایی
Going Value; Value in Use	ارزش استفاده	Sterling Exchange	ارز استرلینگ
		Cheap	ارزان
Loan Value	ارزش استقراضی	Undersell	ارزان‌تر فروختن
Amortized Value	ارزش استهلاک یافته	Reserve Currency	ارز اندوخته
Salvage Value; Scrap Value	ارزش اسقاطی		منابع ارزی به ویژه متشکل از اسعار قوی که یک دولت یا سازمانهای بین‌المللی در اختیار دارند و تجارت میان ملتها از این محل تأمین می‌گردد.
Salvage Value	ارزش اسقاط (یک دارایی)	Dump; Mark-down	ارزان فروختن
Denominational Value; Face Value; Nominal Value; Par Value; Stated Value	ارزش اسمی	Cheap; Mark Down; Trading Down	ارزان فروشی
Call Price	ارزش اسمی (اصطلاح بورس)		
Par Value	ارزش اسمی سهم یا ضمانت نامه	Dumping	ارزان فروشی عمدی
Original Value	ارزش اصلی	Reverse Dumping	ارزان فروشی وارونه
Depreciated Original Cost	ارزش اصلی استهلاکی	Jerry-built	ارزان قیمت
Surplus Value	ارزش اضافی	Cheapen	ارزان کردن
	تفاوت میان ارزش مورد استفاده در جریان تولید و ارزش محصول.	Cheapness	ارزانی
Credit Standing Credit Worthiness;	ارزش اعتباری	Foreign Exchange Intensive	ارزبر
Declared Value	ارزش اعلام شده		اشاره به ظرفیایی دارد که بیشتر هزینه آن از محل منابع ارزی است.
		Foreign Exchange Intensity	ارزبری

Estimated Value	ارزش برآوردی	F. Value	ارزش اف (F)
Insured Value	ارزش بیمه	جمع مربعات مربوط به وایازی تقسیم بر جمع	
Insurable Value	ارزش بیمه‌شدنی	مربعات مربوط به انحراف و ابادی است هنگامی	
Paid-up Value	ارزش پرداختی	که بر یک از این مربعات به درجات آزادی تقسیم	
Par Value	ارزش پشتوانه‌ای پول	شده باشد.	
Value of Money	ارزش پول	Value Added	ارزش افزوده
Money Value; Price	ارزش پولی	بهای محصول پس از کسر هزینه‌های عوامل تولید.	
Advertising Value	ارزش تبلیغ و آگهی تجاری	Value Added by	ارزش افزوده کارخانه
Notional Value	ارزش تخمینی خدماتی که هنوز عرضه نشده‌اند	Manufacture	
Repair Value	ارزش ترمیم	Total Economic Value	ارزش اقتصادی کل
Going Concern Value	ارزش تشکیلات در حال کار	Breaking up Value	ارزش اموال به هنگام تصفیه
Replacement Value	ارزش تعویض	Imputed Value of	ارزش انتسابی اجاره‌ای
Discounted Value	ارزش تنزیل شده	Rental	
Present Discounted Value	ارزش تنزیل شده حال	Imputed Value of Food	ارزش انتسابی غذا
T. Value; Value; Worth	ارزش تی «T»	Transferred Value	ارزش انتقالی
در مورد نمونه کوچک باید درجه آزادی آن مورد نظر قرار گیرد.		Reserve Value	ارزش اندوخته
Current Value; Going Value	ارزش جاری	Lasting Value	ارزش بادوام
Current Exit Value	ارزش جاری فروش	Market Value	ارزش بازار
Par Or Face Value	ارزش چایی	Fair Market Value	ارزش بازار مکاره
Derate	ارزش چیزی را پایین آوردن	Market Value; Sale Value	ارزش بازاری
Present Value; Present Worth	ارزش حال	Market Rental Value	ارزش بازاری اجاره زمین
ارزش جریان آینده بازدهها برحسب ارزش کنونی.		of Land	
Book Value	ارزش حسابی	Capitalized Market	ارزش بازاری سرمایه
Extrinsic Value	ارزش خارجی	Value	
Capital Liability; Net Worth	ارزش خالص	Surrender Value	ارزش بازخرید
Net Asset Value; Net Asset Worth	ارزش خالص دارایی	Salvage Value	ارزش بازیافتی
Tangible Net Worth	ارزش خالص مادی	همان ارزش اسقاط است.	
Priced	ارزش دار	Critical Value	ارزش بحرانی
		درصد ارزش بحرانی توزیع احتمال عبارت است از آن ارزش که فقط درصد احتمال را دربر دارد.	
		No Par Value	ارزش بدون بهای اسمی
		Par Or Face Value	ارزش برابر
		Par Value	ارزش برابری

Scarcity Value	ارزش کالاهای کمیاب	Equity; Net Asset Value	ارزش‌داری خالص
Import Value	ارزش کالاهای وارداتی	Stand at a Premium	ارزش داشتن
Scarcity Value	ارزش کمیابی	Maturing Value	ارزش در سررسید
Capital Value; Present Value	ارزش کنونی	For Value; Value Received	ارزش دریافتی
Valuation	ارزش‌گذاری	Book Value	ارزش دفتری
Assessed Valuation	ارزش‌گذاری برآوردی	Carrying Value	ارزش دفتری بدون استهلاك
Inventory Valuation	ارزش‌گذاری موجودی	Net Book Value	ارزش دفتری پس از کسر اندوخته‌ها
Customs Value	ارزش گمرکی	Residual Cost	ارزش دفتری مستهلك شده
Physical Value	ارزش مادی	Intrinsic Value	ارزش ذاتی
Rateable Value	ارزش مالیاتی	Value Received	ارزش رسیده
Value in Exchange; Exchange Value	ارزش مبادله	Time Value of Money	ارزش زمانی پول
Maturity Value	ارزش مبلغ سررسید	Over-rate	ارزش زیاده
Normal Value	ارزش متعارف	Capital Value	ارزش سرمایه
Asymptotical Value	ارزش مجانبی	Endowment of Human Capital	ارزش سرمایه انسانی
Product Cost	ارزش محصول	Capital Value; Capitalized Value	ارزش سرمایه‌ای
Value of the Marginal Product	ارزش محصول نهایی	Going Concern Value	ارزش شرکت دایر
Absolute Value	ارزش مطلق	Axiology	ارزش‌شناسی
Stated Value	ارزش معین	Goodwill	ارزش شهرت تجاری
Scale Value	ارزش مقایسه‌ای	Par Value	ارزش صوری
Stated Value	ارزش مقرر	Implicit Rental Value	ارزش ضمنی اجاره‌بها
Fair Value	ارزش منصفانه	Face Value; Par Or Face Value	ارزش ظاهری
Expected Value	ارزش مورد انتظار	Normal Value	ارزش عادی
Agreed Value of the Subject Matter of an Insurance	ارزش مورد قبول یک بیمه	Extrinsic Value	ارزش عارضی
Gross Book Value	ارزش ناخالص دفتری	Objective Value	ارزش عینی
Cambist	ارزش‌شناس	Maturing Value	ارزش غایبی
Intangible Value	ارزش ناملموس	Sale Value	ارزش فروشی
	منظور دارایی غیرمملوس است.	Present Value	ارزش فعلی
Floating Exchange	ارزش شناور	Depreciable Cost	ارزش قابل استهلاك
	نرخ ارزی که برابری ثابت و نقطه مبادله طلا ندارد.	Numeraire	ارزش قانونی نقود

Extrema	ارزشهای انتهایی	Dirty Float	ارز شناور آلوده
	بالاترین و پایین‌ترین مقادیر توابع.		یا ارز شناور ناسره، در این حالت مقامات پولی کشور روی عرضه و تقاضای ارز اثر می‌گذارند.
Contributing Values	ارزشهای مؤثر	Dirty Float	ارز شناور ناسره
Constant-dollar Values	ارزشهای مبتنی بر دلار ثابت		همان ارز شناور آلوده است.
Contributing Values	ارزشهای مهم	Gross Book Value	ارزش ناویژه دفتری
Cost Value of Goods Assessment	ارزش هزینه‌ای کالا	Gross Cost of Merchandise Sold	ارزش ناویژه کالای فروخته شده
Personal Evaluation	ارزشیابی کارکنان	Scarcity Value	ارزش ندرت
Weak Currency	ارز ضعیف	Cash Surrender Value	ارزش نقدی بازخرید
Inconvertible Currency	ارز غیرقابل تبدیل	Cash Surrender Value	ارزش نقدی واگذاری
Exotic Currency	ارز غیرمشهور	Differential Cost	ارزش نهایی
Convertible Currency	ارز قابل تبدیل	Marginal Value	ارزش نهایی محصول
Scarce Currency	ارز کمیاب	Product	
Overvalued Currency	ارز گران	Single Valued; Unit Cost	ارزش واحد
Movable Exchange	ارز متحرک	Import Value	ارزش واردات
Movable Exchange	ارز متغیر	Value Received	ارزش واصل شده
Real Exchange	ارز محلی		یا ارزش رسیده، عبارتی است که روی برات نوشته شده است.
Blocked Currency; Blocked Exchange	ارز مسدود	Actual Value; Real Value	ارزش واقعی
Hard Currency	ارز معتبر	Real-Dollar Value	ارزش واقعی دلار
Prefer	ارزنده‌تر داشتن	Virtual Value of a Variable Quantity	ارزش واقعی یک مقدار متغیر
Reserve Currencies	ارزهای اندوخته		
Clearing Foreign Exchange	ارزهای تهارتی	Surrender Value	ارزش واگذاری
Specified Currencies	ارزهای ویژه	Cash Surrender Value	ارزش واگذاری نقد
Appraiser; Estimator; Prizer; Quantity Surveyor; Revenue Officer; Surveyor; Valuer	ارزیاب	Loan Value	ارزش وام
Adjuster (of Average)	ارزیاب بیمه	Denominational Value	ارزش وجهی
Landing Officer; Land Waiter	ارزیاب گمرک	Equity; Net Cost; Net Worth	ارزش ویژه
Tax Assessor	ارزیاب مالیات		یا ارزش خالص یا دارایی خالص، ارزش و قیمت دارایی و موجودی منهای بدهیها.
Assessor	ارزیاب مالیاتی	Proprietorship	ارزش ویژه بنگاه فردی
		Net Book Value	ارزش ویژه دفتری

Valuation	ارزیافت	Appraisal; Rating; Survey; Valuation	ارزیابی
	همان ارزیابی تقویم، ارزشیابی یا تعیین ارزش است.	Credit Rating	ارزیابی اعتبار
Consignment; Despatch; Forwarding	ارسال	Economic Appraisal	ارزیابی اقتصادی
Circularize	ارسال بخشنامه	Safe Estimate	ارزیابی ایمنی و بی خطری
Out	ارسال چک و برات به بنگاه مخصوص برای	Market Valuation	ارزیابی بازار
-clearing	تسویه	Unbiased Estimate	ارزیابی بدون تورش
Issue; Send	ارسال داشتن	Schedule Rating	ارزیابی برنامه‌ای
Dispatching	ارسال کالا	Split Inventory	ارزیابی تفکیکی موجودی
"Passavant"	ارسال کالا از یک گمرک به گمرک دیگر	Appraisal	ارزیابی خارجی
Consign	ارسال کردن	Foreign Valuation	ارزیابی خطر مالیاتی
Consigner	ارسال کننده	Jeopardy Assessment	ارزیابی دارایی برای مالیات بندی
Remitter	ارسال کننده وجه	Assessment	ارزیابی شغل
Cash Remittance	ارسال وجه نقد	Job Evaluation	ارزیابی طرح
Remittance	ارسال وجه	Project Appraisal	ارزیابی طرز بازاریابی
Clear Outwards	ارسال یک کشتی از گمرک	Marketing Audit	ارزیابی عملکرد
Aristotle	ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پیش از میلاد)	Performance Appraisal	ارزیابی فاصله‌ای
	فیلسوف یونانی صاحب نظر در مسائل پولی.	Interval Estimation	ارزیابی قبلی مقادیر آینده
Senr.	ارشد	Forecast	ارزیابی کار
Seniority	ارشدیت	Job Rating (or Evaluation)	ارزیابی کردن
Job Satisfaction	ارضای شغلی	Appraise; Rate	ارزیابی کردن برای مالیات بندی
Satisfaction	ارضاء	Rate	ارزیابی کیفیت کار
Significant Digits	ارقام بامعنه	Performance Appraisal	ارزیابی مالیات
Array	ارقام به ترتیب و نظم صعودی یا نزولی	Tax Assessment	ارزیابی مبنا
Seasonally	ارقام تبدیل شده بر حسب فصل	Manual Rating	ارزیابی مختلط
Adjusted Figures (Seasonally Compensated Figures)		Mixed Estimation	ارزیابی مدیریت
Crude Data; Raw Data	ارقام خام	Management Apparaisal	ارزیابی مطمئن
Reckon (Reckon Up)	ارقام را به ترتیب ذکر کردن	Safe Estimate	ارزیابی مقدماتی
		Preliminary Estimate	ارزیابی ملاحظه کارانه
		Conservative Estimate	ارزیابی ناظر به گذشته
		Retrospective Rating	ارزیابی نقطه‌ای
		Point Estimation	ارزیابی اوراق قرضه
		Bond Ratings	

Built-in Obsolescence	از پسندافتادگی خودکار	Seasonally Adjusted	ارقام فصلی تعدیلی
Obsolescence	از پسند روز افتادن	Figures (Seasonally Compensated	
Obsolescent; Out-of Date	از پسند روز افتاده	Figures)	
(Laped)		Aggregate	ارقام کلی
A Priori	از پیش	Economic Aggregates	ارقام کلی اقتصادی
Prefabricate	از پیش ساختن		همان کلهای اقتصادی یا مقادیر کلی اقتصادی است.
Engage	از پیش سفارش دادن	Ex Post Accounting	ارقام ماسبق
After Date	از تاریخ		محاسبه بر پایه ارقام گذشته.
Loco	از جا به جا	"Visibles"	ارقام مرئی
Per Pro	از جانب		منظور کالاهای صادراتی یا وارداتی است.
Cum	از جمله	Summarizing Entry	ارقام ورودی ملخص
Override	از حدود مأموریت خود تجاوز کردن	Arrow, Kenneth J. (... - ۱۹۲۱)	ارو، کنت جی.
Check Competition	از حرکت بازداشتن رقابت		اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۲ در اقتصاد.
(to)		Transversal	اریب
Work Out	از حساب کسر کردن	Bias; Skewness	اریبی
Out-draft	از خارج	Scalping	«از آب کره گرفتن»
Alienation	از خود بیگانگی	Scalp	از آب کره گیری
Own	از خود دانستن	Ab Initio	از آغاز
Congestion	از دحام	Dishoarding	از احتکار درآوردن
Forfeiture	از دست دادگی	Depreciate	از ارزش افتادن
Watering	از دیاد ظاهری سرمایه	Demonetization	از اعتبار انداختن پول
Out-of Stock; Obsolescent	از رده خارج	Dishoarding	از اندوخته کاستن
Keep Dry	از رطوبت حفظ شود	Sui Generis	از انواع خودش
Decode	از رمز درآوردن	Begining	از اول تا دهم هر ماه (در اصطلاح بارنامه است)
Out-of Date (Laped)	از رواج افتاده	Pig on Pork	از این جیب به آن جیب
Demonetize	از رواج انداختن	Post Hoc	از این رو به حساب آن
Demonetization	از رواج انداختن پول	Subsidize	از بودجه عمومی کمک کردن
Bona Fide	از روی حسن نیت	Depreciate	از بهای چیزی کاستن
«Mala fide»	از روی سوء نیت	Destroy	از بین بردن
Scienter	از روی علم و اطلاع	Perish	از بین رفتن
Reasonable	از روی قاعده	Middle	از پانزدهم تا بیست و یکم هر ماه
Ad Valorem	از روی قیمت		
Redeem	از رهن درآوردن		

Ex Nihils	از هیچ	Overdue	از سر رسید گذشته
Walkout	از یک مشغله دست کشیدن		(در مورد برات و جز این)
Tax Basis	اساس مالیات	Decelerator	از سرعت کاهنده
Articles of Association; Association Agreement; Statute	اساسنامه	Safeguard	از صنایع داخلی حمایت کردن
Memorandum of Association	اساسنامه انجمن	Pro	از طرف
Trust Instrument	اساسنامه تولید	Per Contra	از طرف دیگر
Articles of Partnership	اساسنامه شراکت	By Way of Compensation	از طریق پایاپای
Articles of Incorporation; Certificate of Incorporation; Memorandum of Association	اساسنامه شرکت	By Tender	از طریق مناقصه (یا مزایده)
Primal	اساسی	Prestate	از عهده خسارت بر آمدن
Appointments; Fittings	اسباب	Fee; Per; Per Diem	از قرار
Prior	اسبق	Per Capita	از قرار یک نفر
Stakhanovism	استاخانویسم	Realize	از قوه به فعل در آوردن
Craftsman; Craftmaster; Skilled Worker	استادکار	Cheapen	از قیمت کاستن
Craftsmanship	استادکاری	Disablement	از کارافتادگی
Skill	استادی	Abandonment	از کار افتادن یکی از اقسام دارایی ثابت
	همان مهارت است.	Opifce	از کاردر آری
Stamp, (۱۹۴۱-۱۸۸۰) Josiah Charles	استامپ، جاسیا چارلز (۱۸۸۰-۱۹۴۱)	Wildcat Strike	از کار دست‌کشی خودسرانه
آمارشناس و اقتصاددان انگلیسی آگاه در مسائل مالیات‌بندی.		Foreclosure; Paying off a Mortgage; Redeem; Release	از گرو در آوردن
Exploitation; Speed-up	استثمار	Irredeemable	از گرو در نیامدنی
	همان بهره‌کشی است.	Dissave	از مایه خوردن
Exploitation of Labour; Sweating System	استثمار کارگر	Dissaving	از مایه خوری
Exclusion	استثنا	Loco	از مکان به مکان
Excludable	استثناپذیر	Out-of-date	از موقع گذشته
Non-excludability	استثناء‌ناپذیری	Reacquire	از نو به دست آوردن
Tax Exclusion	استثنای مالیاتی	Refound	از نو تأسیس کردن
Singular	استثنایی	Refinance	از نو تجارت کردن
		Sell Over	از نو فروختن
		Overdue	از وعده گذشته
		Each way	از هر دو طرف
		Curtail Expense	از هزینه کاستن
		Overhaul	از هم سوا کردن

Inductive Reasoning	استدلال قیاسی	Customary	استجاره‌ای
Strategy	استراتژی	Market Transformation	استحاله بازار
Marketing Strategy	استراتژی بازاریابی		مبادله یک کالا به توسط یک واحد اقتصادی در برابر کالای دیگر در محوطه بازار.
	روش فراگیری مورد استفاده برای دستیابی به هدفهای بازاریابی.	Merit Rating	استحقاق
Maximin	استراتژی بیشینه‌سازی کمینه	Recovery of Claim	استحقاق دریافت خسارت
Strategy		Merit Good	استحقاقی
Cold Turkey Strategy	استراتژی تند	Consistency	استحکام
Development Strategy	استراتژی توسعه	Firmness of the Market	استحکام بازار
	عبارتست از توسعه صنعتی، جایگزینی واردات، رشد متوازن، احداث قطبهای صنعتی و کشاورزی، گسترش صادرات و مانند اینها.	Undertone	استحکام و ثبات
Medium Term	استراتژی مالی میان‌مدت	Employment; Engagement; Recruiting	استخدام
Financial Strategy		Open Shop	استخدام آزاد
Paying Back	استرداد	Child Labour	استخدام اطفال
Run on a Bank	استرداد جمعی سپرده‌های بانکی	Boondoggling	استخدام به منظور ایجاد قوه خرید
Draw Back	استرداد حقوق گمرکی	Preferential Hiring	استخدام تبعیضی
Decertification	استرداد شناسایی	Preferential Hiring	استخدام ترجیحی
Withdrawal of Acceptance	استرداد قبولی	Featherbedding	استخدام زیادی
Reclamation	استرداد و اصلاح	Closed Shop	استخدام کارگران وابسته به سندیکای معین
Paying Off Creditors	استرداد وام به طلبکاران پس دادن وام طلبکاران.	Shop	
Rebate; Refund; Refunding;	استرداد وجه	Employ; Engage	استخدام کردن
Reimburse		Labour Contractor	استخدام‌کننده کارگر
Refunding mortgage	استرداد وجه اسناد رهنی	Reinstate	استخدام مجدد
Bonds		Convict Labour; State Use System	استخدام محکومان
Redemptional	استردادی	Provisional Appointment	استخدام موقت
Sterling; Stg.	استرلینگ	Evolution	استخراج جذر
	نشانه اختصاری Sterling است.	Evolution	استخراج ریشه عدد
Euro-sterling	استرلینگ اروپایی	Gold Mining	استخراج طلا
Resident Sterling	استرلینگ افراد مقیم	Postulation; Reason	استدلال
External Sterling	استرلینگ خارجی	Inductive Reasoning	استدلال استقرایی
		Fallacy	استدلال غلط

Employ; Gainer; Profit; Take Advance of	استفاده کردن	Stroibank	استرویی‌بنک بانک سرمایه‌گذاری شوروی سابق
Under-utilization	استفاده کم	Capability	استعداد
Profiter	استفاده‌کننده	Entrepreneurial Ability	استعداد کارآفرینی
Equal Utilization	استفاده مساوی	Shop; Shop Around	استعلام بها کردن
Consumptive Use	استفاده مصرفی	Confirmation	استعلام تأییدیه
Pelf	استفاده نامشروع	Economic Colonialism	استعمار اقتصادی
Over-manning	استفاده نامناسب از نیروی کار	Imperialism	استعمارطلبی
Discount	استفاده نکردن از تخفیف خرید نقدی	Neocolonialism	استعمارگرایی جدید
Lost		Colonialism; Imperialism	استعمارگری
Job Tenure	استقامت و ایستادگی در کار	Neocolonialism	استعمارگری جدید
Confirmation; Establishment; Installation; Stability; Stabilization	استقرار	New Colonialism	استعمار نو
Balance on Account	استقرار تراز در حساب	Usage	استعمال
Borrow; Borrowing	استقراض	Employ	استعمال کردن
Distress Borrowing	استقراض از سر ناچاری	Gain	استفاده
Distress Borrowing	استقراض اضطراری	Disposal of Income	استفاده از درآمد
Borrowing by Banks	استقراض بانکها	Capacity Utilization	استفاده از ظرفیت
Broker's Loan	استقراض دلال از بانک	Factor Utilization	استفاده از عامل
Gold Loan	استقراض طلا	Profit-sharing	استفاده از عایدات حاصله
Public Debt; Public Loan	استقراض عمومی	Take Advantage of an	استفاده از فرصت کردن
Rescission Loan	استقراض قابل فسخ	Opurtunity	
«Borrowing	استقراض کوتاه مدت برای خرید	Opportunism	استفاده از موقع همان فرصت‌طلبی است.
Short to Lend Long	داراییهای دراز مدت	Over-utilization	استفاده افراطی
Loan on Mortgage	استقراض گرووی دار	Creditor Benefit	استفاده بستانکاران
Refinancing	استقراض مجدد	Life Tenant	استفاده تا آخر عمر
Broker's	استقراض واسطه از مؤسسه‌های	Profiteer	استفاده جو
Loan	سرمایه‌گذاری	Profiteer	استفاده‌چی
Deduction; Induction	استقراء	Extensive	استفاده زراعی از زمین وسیع
Independence	استقلال	Use of Land	
Autarchy; Economic	استقلال اقتصادی	Intensive Use of Land	استفاده شدید از زمین همان روش زمین بر در زراعت است.
Independence		Injust Benefit	استفاده غیر عادلانه
Conciliation	استمالت		

Tax Amortization	استهلاک مالیاتی	Continuity; Permanence	استمرار
Accelerated Depreciation	استهلاک مالی سریع	Moratorium	استمهال
Lost Usefulness	استهلاک مزایای از دست رفته	Deduction; Inference; Presumption	استنباط
Straight-line Depreciation	استهلاک مستقیم	Bayesian Inference	استنباط بیزی
Stigler, George Joseph	استیگر، جورج جوزف (۱۹۱۱ -)	Deduce	استنباط کردن
	اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل در اقتصاد در سال ۱۹۸۲.	Deduce	استنتاج کردن
Appeal	استیناف	Deductive	استنتاجی
Exhorbitance; Extravagance; Improvidence	اسراف	Consistent; Sound; Steady	استوار
Diseconomy of Growth	اسراف رشد	Steuart, Sir James	استوارت، عالیجناب جیمز (۱۷۸۰-۱۷۱۲)
Foreign Currency; Foreign Exchange; Foreign Money	اسعار		اقتصاددان اسکاتلندی نویسنده «اقتصاد سیاسی» در سال ۱۷۶۷ میلادی.
Xno-currencies	اسعار خارجی	Stone, Sir (... - ۱۹۱۳)	استون، عالیجناب ریچارد (۱۹۱۳ - ...)
Blocked Exchange	اسعار مسدود	Richard	اقتصاددان انگلیسی، برنده جایزه نوبل در اقتصاد.
Lapse; Waive; Waiving	اسقاط حق	Amortization; Depreciation; Provision; Recovery; Sinking; Write off	استهلاک
Waive	اسقاط کردن	Free Depreciation	استهلاک آزاد
S.C.A.P.	اسکاپ		تخفیف مالیاتی سرمایه است.
Economic and Social Commission For Asia and the Pacific	نشانه اختصاری کمیسیون اقتصادی و اجتماعی برای آسیا و اقیانوس آرام است.	Composite -life Method of Depreciation	استهلاک بر اساس گروه دارایی ثابت
Pier	اسکله	Service-yield Basis (of Depreciation)	استهلاک بر اساس میزان کار جلسه
Discharging Berth	اسکله باراندازی	Depreciable	استهلاک پذیر
Charging Berth; Charging Wharf	اسکله بارگیری	Amortization	استهلاک تدریجی بدهی
Discharging Wharf	اسکله تخلیه	Accelerated Depreciation	استهلاک زودرس همان استهلاک سریع است.
Discharging Berth	اسکله تخلیه بار	Emergency Amortization	استهلاک سریع
Assignat; Bank Note; Fiduciary Currency; Note; Paper Currency; Soft Money	اسکناس		استهلاک با آهنگی تندتر از معمول.
	پول کاغذی است.	Accelerated Depreciation	استهلاک شتابنده
		Redemptional	استهلاک شونده
		Ordinary Depreciation	استهلاک عادی
		Group Depreciation	استهلاک گروهی

Nominalists	اسمیون	Bill of Credit	اسکناس اعتباری
	اینها واژه پول را اختصاصاً بر پولی اطلاق می‌کنند که دولت بدین عنوان اعلام کرده است.	Federal Reserve Bank Note	اسکناس بانک فدرال رزرو
Original Documents	اسناد اصل	Fiat Money	اسکناس بی پشتوانه
Credit Instruments	اسناد اعتباری	Fiver	اسکناس پنج لیره‌ای در انگلیس و پنج دلاری در ایالات متحد
Gilt-edged Securities	اسناد اعلی	Bill of Credit	اسکناس تضمینی
Original Documents	اسناد اولیه	Reimpose	اسکناس جدید چاپ کردن
Second Class Papers	اسناد با امضای درجه دوم	Shinplaster	اسکناس خرد
Marketable Securities	اسناد بازاریار	Bill	اسکناس (در ایالات متحد)
Business Papers; Commercial Paper	اسناد بازرگانی	Tenners	اسکناس ۱۰ دلاری (در ایالات متحد)
Bank Shares	اسناد بانکی	Tenners	اسکناس ده لیره‌ای (در انگلیس)
Debt Instruments	اسناد بدهی	Inconvertible Note	اسکناس غیر قابل تبدیل
Trustee Securities	اسناد بهادار امین	Issue; Inconvertible Paper Currency	
Government Securities	اسناد بهادار دولتی	Federal Reserve Notes	اسکناس فدرال رزرو
	کلید بدهی‌های کوتاه مدت و بلند مدت دولت را دربر می‌گیرند.	Shinplaster	اسکناس کم ارزش و بدون پشتوانه
Quoted Securities	اسناد بهادار مظنه شده	Note Issue	اسکناس منتشره
Securities Irredeemable	اسناد بهادار نقدشدنی	Currency	اسکناس و مسکوک در جریان
Documents Made out to Named Person	اسناد به نام شخص معین	Greenbacks	اسکناسهای پشت سبز
Bills Documents Payable	اسناد پرداخت کردنی	Legal Tender Notes	اسکناسهای رایج قانونی
		Inconvertible Bank Notes	اسکناسهای غیر قابل تبدیل بانک
Bills Payable; Notes Payable	اسناد پرداختنی	Treasury	اسکناسهای واریز نشده خزانه
D/P	اسناد پس از پرداخت تحویل شود	Currency Outstanding	
Locus Regit Actum	اسناد تابع قوانین محل صدور است (اصطلاح لاتین)	Escudo, Escudo	اسکودو، واحد پول پرتغال و تیمور
Bank Clearings	اسناد تصفیه طلب	Slutsky, Eugen	اسلاتسکی، اوژن (۱۸۸۰-۱۹۴۸)
Cash Items	اسناد تنخواه گردان		به عقیده این اقتصاددان نظریه تقاضا می‌تواند بر پایه مفهوم مطلوبیت ترتیبی قرار گیرد.
Quoted Securities	اسناد ثبت شده در بورس	Fashion; System	اسلوب
Unquoted List	اسناد ثبت نشده	Trade Name	اسم تجاری
Set of Accounts	اسناد حساب	Smith, Adam	اسمیت، آدام (۱۷۲۳-۱۹۷۰)
Accounting Records	اسناد حسابداری		نویسنده کتاب «ثروت ملل» که به پدر علم اقتصاد شهرت دارد.

Five-twenty Bond	اسناد قرضه بیست - پنج سالی	Shipping Documents	اسناد حمل
Five-twenty Bond	اسناد قرضه بیست ساله	Bill of Lading	اسناد حمل کالا
	قابل با خرید در پنج سال	Clearance Papers	اسناد حمل و ارسال
Saving Bonds	اسناد قرضه پس انداز	Exchequer Bills	اسناد خزانه
Premium Savings Bonds	اسناد قرضه پس انداز با جایزه	Treasury Bonds	اسناد خزانه بلندمدت
		Treasury Bills as Money	اسناد خزانه به عنوان پول
Consolidated Bond	اسناد قرضه تثبیتی	Exchequer Bills	اسناد خزانه داری
Guaranteed Debentures	اسناد قرضه تضمین شده	Treasury Bills	اسناد خزانه کوتاه مدت
Foreign Bonds	اسناد قرضه خارجی	Treasury Notes	اسناد خزانه میان مدت
Exchequer Bonds	اسناد قرضه خزانه	Bills Documents	اسناد دریافت کردنی
Consolidated Mortgage Bonds	اسناد قرضه دارای وثیقه مشترک	Receivable; Bills Receivable; Notes Receivable	
Consolidated Mortgage Bonds	اسناد قرضه رهن تلفیقی	Official Papers	اسناد رسمی
Mortgage Bonds	اسناد قرضه رهنی	Embassy Documents	اسناد سفارتی
Samurai Bonds	اسناد قرضه سامورایی	Scrip Certificate	اسناد صادره به عنوان گواهی
Index Bonds	اسناد قرضه شاخص	Cash Records	اسناد صندوق
Irredeemable Debentures	اسناد قرضه غیر قابل استرداد	Supporting Papers	اسناد ضمیمه
Short Bonds	اسناد قرضه کوتاه مدت	Sales Records	اسناد فروش
Property Bonds	اسناد قرضه مالکیت	Bills Documents Payable	اسناد قابل پرداخت
Junior Bonds	اسناد قرضه متاخر	Bills Payable	اسناد قابل تأدیه
Index Bonds	اسناد قرضه متغیر	Bills Documents	اسناد قابل دریافت
Outstanding Bonds	اسناد قرضه معوق	Receivable; Bills Receivable	
Non-assented Bonds	اسناد قرضه ناموافق	Negotiable Instruments	اسناد قابل معامله
Unissued Debentures	اسناد قرضه نشر نشده	Papers Negotiable	
Outstanding Bonds	اسناد قرضه واریز نشده	Quoted Securities	اسناد قابل معامله در بورس
Bonds, Common and Preferred Stocks	اسناد قرضه و اوراق سهام عادی و ترجیحی	Term Bonds	اسناد قرضه استهلاکی
Saving Bond	اسناد قرضه ویژه ایالات متحد	Premium Bonds	اسناد قرضه با جایزه
Yankee Bonds; Yankees	اسناد قرضه یانکی	Shortly	اسناد قرضه با سررسید نزدیک
Jerque	اسناد کشتی را بازرسی کردن	Maturing Bonds	
		Refunding Mortgage Bonds	اسناد قرضه باگروی نو به جای قدیمی
		Zero Coupon Bonds	اسناد قرضه بدون بهره

Sample-selection Error	اشتباه انتخاب نمونه	Groupage	اسناد گروه‌بندی محموله‌ها
Round-off Error	اشتباه برائز گرد کردن	Documents	
Make Work	اشتباه به صورت استخدام زائد	Documents of Title	اسناد مالکیت
Fallacy		Sundry Bills for	اسناد متفرقه وصولی
Random Error	اشتباه تصادفی	Collection	
Specification Error	اشتباه تصریح		نشانه اختصاری آن S.B.C. است.
Offsetting Error	اشتباه جبرانی	Security	اسناد ملکی قابل انتقال
Discrepancy of Account;	اشتباه حساب	Notes Receivable	اسناد نزولی دریافت شدنی
Irregularity		Discounted	
Miscalculate	اشتباه در حساب کردن	Clearings	اسناد واریز طلب
Upward Error	اشتباه فاحش	Clearance Papers	اسناد و اوراق مفاصا
E.E.	اشتباه قابل برگشت است	Notes Receivable	اسناد وصولی تنزیل شده
	نشانه اختصاری Errors Excepted است.	Discounted	
Make Work Fallacy	اشتباه کارافزا	Accounting	اسناد و مدارک حسابداری
Make Work Fallacy	اشتباه کار تراش	Evidence	
Residual Error	اشتباه مانده	Glut; Satiation; Saturation	اشباع
Offsetting Error	اشتباه متقابل		از این حد گذشته کالا بدون مطلوبیت است.
Standard Error	اشتباه معیار	Over-full Employment	اشباع اشتغال
Unilateral Mistake	اشتباه یک طرفه	Market Glut	اشباع بازار
Communion	اشتراک	Dollar Glut	اشباع دلار
Double Insurance	اشتراک بیمه‌گذار در بیمه	Erratum; Erroneous; Error	اشتباه
Pooling of Risk	اشتراک خطر	Queries	اشتباهات
Risk-Capital Pooling	اشتراک سرمایه خطر	Errors in Variables	اشتباهات در متغیرها
Industrial	اشتراک مالکیت صنعتی	Round	اشتباهات ناشی از سرراست کردن مقادیر
Copartnership		-off Error	عددی
Employment; Engagement	اشتغال	Errors and	اشتباهات و از قلم افتادگیها
Self-employment	اشتغال آزاد	Omissions	
Casual Employment	اشتغال اتفاقی	O.E.	اشتباهات و از قلم افتادگیها مستثنی است.
Primary Employment	اشتغال اصلی	and O.E.	
Over-manning	اشتغال اضافی	Errors and omission	نشانه اختصاری
Hyperemployment	اشتغال افراطی	excepted	است.
Primary Employment	اشتغال اولیه	Respondent	اشتباه اظهارکننده و اشتباه استخراج
Hyperemployment	اشتغال بیش از حد	Error and Processing Error	

Insured Articles	اشیاء بیمه شده	Moonlighting; Secondary Employment	اشتغال ثانوی
Salvaged Objects	اشیاء خسارت دیده و نجات یافته	Spare-time Job	اشتغال در ساعات استراحت
Personal Effects	اشیاء شخصی	Over-full Employment	اشتغال در وضع اشباع
Personal Effects	اشیاء شخصی جابه جا شونده	Over-manning	اشتغال زاید
Personal Effects Floater	اشیاء شخصی دور از خانه بیمه گذار	Peonage	اشتغال زندانیان مقاطعه کاریها استفاده از زندانیان برای کارهای مقاطعه کاری.
Safe Deposit Box	اشیاء گرانبها و پول	Employment of the Elderly	اشتغال شخص پیر
Impact of Tax	اصابت مالیات	Hyperemployment	اشتغال فوق العاده
Impact of Taxation	اصابت مالیات بندی	Dilution	اشتغال کارگر ناشی
Nineteenth-century Liberalism	اصالت آزادی در قرن نوزدهم	Full Employment	اشتغال کامل همه عوامل تولید بکار گرفته شده اند و ممکن است فقط بیکاری برخورداردی وجود داشته باشد.
Prove	اصالت امری را محرز ساختن	Work Relief	اشتغال کمکی
Empiricism	اصالت تجربه	Common Employment	اشتغال متداول
Collectivism	اصالت جمع	Self-employment	اشتغال مستقل
Rationalism	اصالت عقل	Common Employment	اشتغال معمولی
Pragmatism	اصالت عمل	Full Employment	اشتغال مکفی
Physiocracy	اصالت عوامل طبیعی	Underemployment	اشتغال ناقص اشتغال افراد غیرمتخصص در بازار فرعی کار.
Materialism	اصالت ماده	Eagerness to Buy	اشتیاق به خرید
Economic Nationalism	اصالت نفع اقتصاد ملی	Parties To Bill of Exchange	اشخاص ذیربط دربرات
Reality	اصالت وجود اصل استثناء ضابطه تشخیص کالاهای عمومی از غیر عمومی است.	Occupancy	اشغال
Economic Friction	اصطکاک اقتصادی	Engross	اشغال کردن
Tax Friction	اصطکاک مالیاتی	Handicap	اشکال
Expression; Term	اصطلاح	Forms of Currency	اشکال پول
Commercial Terms	اصطلاحات بازرگانی	Forms of Business	اشکال مؤسسات انتفاعی
Incoterms	اصطلاحات بین المللی بازرگانی	Organization	
Business Terms	اصطلاحات کار و کسب	Effects	اشیای مایملک
N.O.I.B.N.	اصطلاح حمل و نقل	Res Nullius	اشیای مباحه
"Not Otherwise Indexed By Name"	نشانه اختصاری "Name" است.	Valuables	اشیاء بهادار
Rendu	اصطلاح دیگر برای Franco		

Correction for Continuity	اصلاح برای تداوم	General Term	اصطلاح عام
Adjustable Currency;	اصلاح پذیر	Payola	اصطلاح عامیانه برای پول
Improvable		General Term	اصطلاح کلی
Monetary Reform	اصلاح پولی	Anti-type; Norma	اصل
Internal Improvement	اصلاح داخلی		منظور نسخه اصلی است.
Recoverable	اصلاح شدنی	Banking Principle	اصل آزادی انتشار اسکناس
Reformed	اصلاح شده		به موجب این اصل، بانک مرکزی باید پول کاغذی را آزادانه منتشر کند.
Reformado; Reformative;	اصلاح طلب	Fusionist	اصل اتحاد و سازش در اداره امور
Reformer; Reformist;			استخدامی و سیاست
Improve	اصلاح کردن	Value of Service	اصل ارزش خدمت
Improver; Reformer	اصلاح کننده	Principle	
Reformism	اصلاح گرا	Principle of	اصل ارزش نسبی و مقایسه ای
Reformative	اصلاحی	Comparative Cost	
Amendment	اصلاحیه	Land Reform	اصلاحات ارضی
Balanced Budget	اصلاحیه بودجه متوازن		منظور ایجاد تغییر در ساختارهای کشاورزی است.
Amendment		Land	اصلاحات ارضی و اجاره داری زمین
Exclusion Principle	اصل استثنا	Reform and Tenure	
Entitlement Principle	اصل استحقاق	Land Reform	اصلاحات ارضی و دوره تصدی
Axiom of Continuity	اصل استمرار	and Tenure	ایجاد تغییر در شیوه های کشت و کار.
Principle of Disclosure	اصل افشاء	Reversing Entry	اصلاحات برگشتی
	منظور افشاء حقیقت در شرایط اعطای وام بانکی است.	Year-end	اصلاحات پایان دوره مالی
Exclusion Principle	اصل انحصار	Adjustment	
Fractional Reserve	اصل اندوخته کسری	Reconstruction	اصلاحات سازمانی یک شرکت
Principle		of a Company	همان بازسازی شرکت است.
Axiom	اصل اولیه	Agricultural Reform	اصلاحات کشاورزی
Banking Principle	اصل بانکداری		کاربرد روشهای فنی مناسب، ایجاد ابعاد اقتصادی مناسب در اراضی، کاربرد بذرها اصلاح شده، کودهای شیمیایی ضروری و شیوه های پیشرفته و مناسب آبیاری است.
Banking Principle	اصل بانکی		
Axiom	اصل بدیهی		
Equimarginal	اصل برابری وضع نهایی		
Principle			

Compensation Principle	اصل جبران	Benefits-received Principle of Taxation; Benefit Tax Theory	اصل‌های خدمات در مالیات‌بندی
	منابع یک سیاست مطلوب باید زیانهای وارده را جبران کند.		
Polluter Pays Principle	اصل جبران پولی آلوده‌کننده		مالیات بر پایه میزان بهره‌گیری از خدمات دولت معین می‌شود.
Compensatory Principle of Money	اصل جبرانی پول	Axiom of Selection	اصل بهگزینش
Compensatory Principle of Bimetallism	اصل جبرانی نظام دولتی	Principle of Optimality	اصل بهینگی
			اصل بهبود وضع یک فرد است به شرط آن که سطح زندگی افراد دیگر کاهش نیابد.
Multilateralism	اصل چندجانبگی	Objectivity	اصل بی‌نظری
Leading Links Principle	اصل حلقه‌های راهنما	Pay -as-you-go Basis	اصل پرداخت مالیات پس از دستاورد درآمده
Leading Links Principle	اصل حلقه‌های مقدم	Currency Principle	اصل پولی
	در اقتصاد برنامه‌ای، اعطای الویت به یک بخش است و این بخش را حلقه راهنما می‌نامند.		دخل و تصرف در مقدار پول در گردش برای ثبات پولی.
Protectionalism	اصل حمایتی	Continuity Concept (to Accounting)	اصل پیوستگی عملیات حسابداری
	همان حمایت‌گرایی است.		
Mutualism	اصل خدمت دوطرفه تعاون‌گرایی	Axiom of Convexity	اصل تحدب
Hedonistic Principle	اصل خوشباشی	Axiom of Continuity	اصل تداوم
Portal-to-portal Principle	اصل دروازه به دروازه	Materials Balance Principle	اصل تراز مواد
Dualism	اصل دوتایی	Mutualism	اصل تشارک
Dualism	اصل دوگانگی		همان اصل تعاون است.
Social Welfare Principle	اصل رفاه اجتماعی	Mutualism	اصل تعاون
	هدف مالیات محور نابرابریهای درآمدی در کل رفاه اجتماعی باشد.	Segregation of Fixed Items Principle	اصل تفکیک اقلام ثابت
Hedonistic Principle	اصل رفاه‌طلبی		
	این اصل که هدف غایی فعالیت اقتصادی تأمین لذت بیشینه و بیشترین رفاه شخصی است.	Axiom of Completeness	اصل تمامیت
Principal	اصل (سرمایه و بهره)	Ability-to-pay Principle	اصل توانایی پرداخت
Acceleration Principle	اصل شتاب		یکی از اصول مالیات‌بندی است.
	آهنگ سرمایه‌گذاری متناسب با افزایش مصرف است.	Consistency; Principle of Consistency	اصل ثبات
		Dualism	اصل ثنویت
			هر اصلی که بر دو پایه قرار دارد.
		Subrogation	اصل جانشینی یا نیابت

Social Welfare Principle of Taxation	اصل مالیات‌بندی به‌زیستی اجتماعی	Principle of Non-contradiction	اصل عدم تضاد
Principal Amount	اصل مبلغ	Principle of Causation	اصل علت و معلول
Axiom	اصل متعارف	Principle of Causation	اصل علیت
Principle of Conservatism	اصل محافظه‌کاری	Benefit Principle	اصل فایده
Original Documents	اصل مدارک	Fermat's Principle	اصل فرما
Just-wage Principle	اصل مزد عادلانه	Multiplier Principle	اصل فزاینده
Principle of Equal Advantage	اصل مزیت برابر	Faculty Principle of Taxation	اصل قدرت پرداخت در مالیات‌بندی
Principle of Comparative Cost	اصل مزیت نسبی	Ability -to-Pay Principle of Taxation	اصل قدرت پرداخت در مالیات‌بندی
Median Location Principle	اصل مکان‌یابی میانه	Least-cost Substitution Principle	اصل کاهش هزینه‌ها به وسیله جانشینی
Currency School Principle	اصل مکتب پولی	Axiom of Completeness	اصل کمال
	این اصل به محدودیت انتشار پول اشاره دارد.	Least-cost Substitution Principle	اصل کمترین هزینه از راه جانشینی عوامل
Axiom Postulate	اصل موضوع	Minimax Principle	اصل کمینه بیشینه‌ها
Axiomatic	اصل موضوعی	Koopmans Principle	اصل کوپمنس
Budgetary Control Principle	اصل نظارت بودجه‌ای		این اصل است که روابط میان متغیرها در الگوی فرضی باید تعیین پارامترها را امکان‌پذیر گرداند.
Axiomatize	اصل نهادن	Axiomatization	اصل گذاری
	همان اصل گذاشتن است.	Axiomatize	اصل گذاشتن
Principal	اصل وام	Hedonistic Principle	اصل لذت‌گرایی
Unity of Direction in Business	اصل وحدت رهبری		همان اصل خوشباشی است.
Haavelmo Principle	اصل هاوالمو	Le Chatelier Principle	اصل لوشاتلیه
	روش آماری باید از الگویی ناشی شود که روابط میان متغیرهای تابع و پیوسته را مشخص کند.		این اصل ریاضی، آثار محدودیت‌های رفتار بیشینه‌سازی سر و کار دارد.
Axioms of Preference	اصول رجحان	Community Property Principle	اصل مالکیت مشترک
Replacement Cost Principle	اصل هزینه تعویض		
Cost of-service Principle of Taxation	اصل هزینه خدمات در مالیات‌بندی	Benefits -received Principle of Taxation	اصل مالیات‌بندی بر پایه منافع دریافتی
		Benefits -received Principle of Taxation	اصل مالیات‌بندی بر پایه منافع دریافتی

Principles of Scientific Management	اصول مدیریت علمی	Opportunity Cost Approach to International Trade	اصل هزینه فرصت در تجارت بین‌المللی
Postulate	اصول موضوعه	Trade	هزینه تولید یک کالا را باید به عنوان هزینه تولیدی در نظر گرفت که برای خرید این کالا از آن صرف نظر شده است.
Postulates of Economics	اصول موضوعه اقتصاد	Principle of Comparative Cost	اصل هزینه نسبی
Metatheory	اصول نظری نظریه‌ها	Principle of Consistency	اصول تخصیص کشورها بر پایه هزینه نسبی بر کشور است.
Auditing Standard	اصول و موازین حسابرسی	Principle of Consistency	اصل همخوانی
Principal	اصیل (در برابر وکیل) سرمایه	Principle of Consistency	اصل همسازی
Paid-up Additions	اضافات پرداخته شده		روش عملیات در تعیین ارزش موجودی برای سالهای مختلف باید یکنواخت باشد.
Supplement to Wages and Salaries	اضافات دستمزد و حقوق	One Percent Rule	اصل یک درصد
Wage Accruals Less Disbursements	اضافات مزدمنهای پرداختهای نقدی	Uniformity	اصل یکنواختی در تولید
Wage Accruals Less Disbursements	اضافات مزدمنهای هزینه‌ها	Cardinalism	اصلی‌گرایی
Paid-up Additions	اضافات واريز شده	Gild Merchant	اصناف
Appreciation; Betterment	اضافه ارزش	System	اصول
Capital Gain	اضافه ارزش سرمایه	Compulsory Rules	اصول اجباری
Unearned Increment	اضافه ارزش غیرکاری	Ethics	اصول اخلاق
Unearned Increment	اضافه ارزش کارنکرده	Real Bill Doctrine	اصول برات واقعی
Stock Appreciation	اضافه ارزش موجودی کالا بر اثر ترقی قیمت کالاها در یک دوره معین.	Planning Principles (Business Firm)	اصول برنامه‌ریزی (بنگاه کار و کسب)
Unearned Increment	اضافه ارزش نامکتسب	Standard of Reporting	اصول تهیه گزارش
Unearned Land Increment	اضافه ارزش نامکتسب زمین	Accounting Principles	اصول حسابداری
Overestimate	اضافه ارزیابی	Principles of Economics	اصول علم اقتصاد
Overdraft	اضافه اعتبار	Antecedent	اصول قبلی
Appreciation Surplus	اضافه افزایش ارزش	Principles of Taxation	اصول مالیات‌بندی
Overissue	اضافه انتشار دادن مانند انتشار اضافی اسکناس.	Compensatory	اصول مالیات‌بندی بر پایه نفع حاصله
Overcharge; Surcharge	اضافه بار	Principle of Taxation	اصول محافظه‌کاری
Reserved Surplus	اضافه اندوخته	Conservatism	
Excess Luggage	اضافه بار مسافر		

Land «Surplus»	اضافه عایدی زمین	Overloading	اضافه بارگیری
Excess Supply	اضافه عرضه	Overload	اضافه بارگیری کردن
Excess Price	اضافه قیمت	Appreciation Surplus	اضافه بر ارزش خالص
Overinvoicing;	اضافه قیمت گذاری	Overissue	اضافه بر اعتبار نشر دادن
Overpricing		Pittsburg Plus	اضافه بر بهای پیتسبورگ
Overtime	اضافه کار؛ اضافه کاری	Cost Plus	اضافه بر بهای تمام شده
	فوق العاده دستمزد مدت کار اضافی.	Cost Plus	اضافه بر بهای مایه
Excess Fare	اضافه کرایه	Overdraft	اضافه برداشت (در حساب جاری)
Add Up	اضافه کردن	Bank Overdraft	اضافه برداشت از حساب بانکی
Surtax	اضافه مالیات	Extra Payment; Ovedraw	اضافه برداشت کردن
Contributed Surplus	اضافه مشارکت	Over-utilization	اضافه بهره برداری
Consumer's Surplus	اضافه مصرف کننده	Oversubscribe	اضافه پذیره نویسی
Overstock	اضافه موجودی	Redundancy Payment	اضافه پرداخت
Over Assessment	اضافه نرخ	Consumer Surplus	اضافه پرداخت مصرف کننده
Overcharge	اضافه هزینه		پولی که مصرف کننده افزون بر بهای کالا می پردازد.
Mortgage Points	اضافه هزینه درصدی رهنی	Overbid	اضافه پیشنهاد
	هزینه اضافی است که گاهی وام دهنده افزون بر بهره از وام گیرنده مطالبه می کند.	Air Free; Air Mail Free	اضافه تاکس هوایی
Excess; Redundant	اضافی	Overfunding	اضافه تبدیل
Surplus	اضافی (در مورد بودجه و تراز پرداختهای بین المللی)	Overidentification	اضافه تشخیص
Panic Banking	اضطراب بانکی	Overproduction	اضافه تولید
	آشفته گی و سراسیمگی مردم و هجوم به سوی بانکهاست.	Overfunding	اضافه جایگزینی (قرض دولتی)
Collapse	اضمحلال		در انگلیس)
Data; Information; Particulars	اطلاعات	Overpopulation	اضافه جمعیت
Market Information	اطلاعات بازار	Expense Loading	اضافه حق بیمه (در بیمه عمر)
Budget Data	اطلاعات بودجه	External Surplus	اضافه خارجی
Publicity	اطلاعات تبلیغاتی	Budget Surplus and Deficit	اضافه درآمد و کسر بودجه
Crude Data	اطلاعات خام		
Secondary Data	اطلاعات دست دوم	Commercial Overhead	اضافه سرمایه تجاری
Verbal Evidence	اطلاعات شفاهی	Excess Profit; Surplus Profit	اضافه سود
Misleading	اطلاعات غیر واقعی	Appreciation	اضافه شدن ارزش دارایی
			و موجودی
		Excess Capacity;	اضافه ظرفیت
		Over-capacity	

Declaration; Manifest;	اظهارنامه	Perfect Information	اطلاعات کامل
Registration Statements; Return		Data	اطلاعات کمی و کیفی
Aircraft General	اظهارنامهٔ اجمالی هواپیما	Limited Information	اطلاعات محدود
Declaration		Production	اطلاعات مربوط به میزان تولید
Ship's Stores (ورودی)	اظهارنامهٔ انبارهای کشتی (ورودی)	Data	
Declaration (Inwards)		Concomitant Information	اطلاعات ملازم
Manifest	اظهارنامهٔ بار (کشتی)	Misleading	اطلاعات نادرست
Freight Declaration	اظهارنامهٔ بارگیری	Imperfect Information	اطلاعات ناقص
International	اظهارنامهٔ بین‌المللی گمرکی	Advise	اطلاع دادن
Customs Declaration Form		Open Price System	اطلاع دهی قیمت
Income-tax Return	اظهارنامهٔ درآمد	Prospectus	اطلاع نامه
Aircraft General	اظهارنامهٔ عمومی هواپیما	Advice; Letter of Advice; Notice	اطلاعیه
Declaration		Advice of Despatch	اطلاعیهٔ ارسال
Employer's (مالیات حقوق)	اظهارنامهٔ کارفرمایی (مالیات حقوق)	Facility Letter	اطلاعیهٔ اعطای وام
Return (Salary Tax)		Advice of Draft	اطلاعیهٔ برات
Goods Declaration (ورودی)	اظهارنامهٔ کالاها (ورودی)	Binder	اطلاعیهٔ بیمه
(inwards)		Advice of	اطلاعیهٔ پرداخت حوالهٔ پستی
Ship's Manifest	اظهارنامهٔ کشتی	Payment of Money Orders	
Bill of Entry	اظهارنامهٔ گمرکی	Advice of	اطلاعیهٔ پرداخت حواله‌های پولی
Ship's Passengers	اظهارنامهٔ لوازم مسافران	Payment of Money Orders	
Baggage Declaration		Advice of Delivery	اطلاعیهٔ تحویل
Income Tax Return	اظهارنامهٔ مالیاتی	Letter of Allotment	اطلاعیهٔ تخصیص
Declaration of	اظهارنامهٔ مشخصات کشتی	Advice of Shipment (با کشتی)	اطلاعیهٔ حمل (با کشتی)
Ship's Particulars		Advising Shipment	اطلاعیهٔ حمل بار
Bill of Sight	اظهارنامهٔ موقت	Advice of Non Delivery	اطلاعیهٔ عدم تحویل
False Statement	اظهارنامهٔ نادرست	Advice of Deal	اطلاعیهٔ معامله
Inward Manifest	اظهارنامهٔ ورود	Advice of Arrival	اطلاعیهٔ ورود
Bill of Entry;	اظهارنامهٔ ورود (در گمرک)	Hammering	اطلاعیهٔ ورشکستگی در بورس
Costums Entry Form			اطلاعیهٔ رسمی که یک عضو بورس نمی‌تواند به
Ship's Arrival	اظهارنامهٔ ورود کشتی		تعهدات خود عمل کند.
Declaration		Production of Goods To	اظهار کالاها به گمرک
Sight Entry	اظهاریهٔ موقت	Customs	
Proxy Statement	اظهاریهٔ وکیل	Asserter; Declarant	اظهار کننده

Nostro Overdraft	اعتبار اضافه بر موجودی «ماء»	Repetition	اعاده
Bank Overdraft	اعتبار اضافی در حساب جاری	Revalorization	اعاده ارزش قبلی
Supplier's Credit	اعتبار اعطایی فروشنده	Reconduction	اعاده به حال نخست
Installment Credit	اعتبار اقساطی	Resumption of Gold Standard	اعاده پایه طلا
Prime Credit	اعتبار اولیه	Refound	اعاده دادن
Credit on Personal Property	اعتبار با تضمین اموال شخصی	Reflation	اعاده قیمت به سطح پیشین
Open Credit	اعتبار باز	Bounty; Relief	اعانه
Commercial Credit	اعتبار بازرگانی	Unemployment Benefit	اعانه بیکاری
Commercial or Mercantil Credit	اعتبار بازرگانی یا سوداگری	Contribute	اعانه دادن
Red Clause Credit	اعتبار با ماده قرمز منظور اعتبار با قید پیش پرداخت است.	Beneficiary	اعانه گیرنده
Reserve Bank Credit	اعتبار بانک مرکزی	Collection	اعانه وصول شده (در جمع)
Bank Credit	اعتبار بانکی	Credit	اعتبار
Blank Credit	اعتبار بدون پوشش		حق تصرف کالاها یا استفاده از خدمات و وعده پرداخت در آینده.
Simple Credit	اعتبار بدون تأیید	Back to Back Credits; Countervailing Credits	اعتبارات اتکایی
Blank Credit	اعتبار بدون وثیقه	Overlines	اعتبارات اضافی
Open Credit	اعتبار بر اساس اعتبار شخصی	Central Bank Credits	اعتبارات بانک مرکزی
Parole Credit	اعتبار بر اساس تعهد پرداخت شفاهی	Trader's Credits	اعتبارات سوداگری
Consumer Credit	اعتبار برای مصرف	Export Credits	اعتبارات صادراتی
Credit on Real Property	اعتبار بر پایه دارایی واقعی	Overlines	اعتبارات فوق العاده
Revocable Credit	اعتبار برگشت پذیر	Countervailing Credit	اعتبار اتکایی
Irrevocable Credit	اعتبار برگشت ناپذیر	Foreign Exchange Credits	اعتبارات گشایش یافته ارزی
Credit on Real Property	اعتبار به تضمین مال غیرمنقول	Back to Back Credits	اعتبارات متقابل
Reflect Credit on One	اعتبار به حساب کسی محسوب داشتن	Appropriation	اعتبارات مورد پیش بینی در بودجه
Deferred Payment Credit	اعتبار پرداخت معوق	Social Credit	اعتبار اجتماعی
		Credit Stand-by	اعتبار احتیاطی
			همان اعتبار کمکی است.
		Documentary Credit	اعتبار اسنادی
			سندی متضمن دستور پرداخت یک بانک به بانکی در خارج دایر به پرداخت وجهی به شخص معین.

Business Done	اعتبار در عمل	Reimbursement Credit	اعتبار پوششی
Book Credit	اعتبار دفتری	Take Effect	اعتبار پیدا کردن
Revolving Credit	اعتبار دورانی	Anticipatory Credit	اعتبار پیش از صدور
اعتبارگردان اعطایی بانک که مؤسسه اقتصادی از محل آن اقساط بدهی خود را می‌پردازد.		Swap Credit	اعتبار تاخت ارزی
Simple Credit	اعتبار ساده	Store Credit	اعتبار متقابل ارزی است.
Investment Credit;	اعتبار سرمایه‌گذاری	Refinance Credit	اعتبار تأمین ذخیره مواد
Investment Credit		Unconfirmed Credit	اعتبار تأمین مالی مجدد
Speculative Credit	اعتبار سفته‌بازی	Confirmed Credit	اعتبار تأیید نشده
Personal Credit	اعتبار شخصی	Bail Credit	اعتبار تأییدی
Public Credit	اعتبار عمومی	Trade Credit	اعتبار تحت ضمانت‌نامه
Nonessential Credit	اعتبار غیر ضروری		اعتبار تجاری
Irrevocable Credit	اعتبار غیر قابل برگشت		اعتباری که بنگاههای اقتصادی به صورت دریافت بهای کالا برای مدتی پس از تحویل به یکدیگر می‌دهند.
Nondivisible Credit	اعتبار غیر قابل تقسیم	Unallotted	اعتبار تخصیص نیافته
Irrevocable Credit	اعتبار غیر قابل فسخ	Appropriation	
Irrevocable Credit	اعتبار غیر قابل لغو	Cumulative Credit	اعتبار تراکمی
Noninstallment Credit	اعتبار غیر قسطی	Significance of Difference	اعتبار تفاوت
Supplier's Credit	اعتبار فروشنده	Nondivisible Credit	اعتبار تقسیم‌ناپذیر
Transferable Credit	اعتبار قابل انتقال	Store Credit	اعتبار تهیه موجودی مواد
Revocable Credit	اعتبار قابل برگشت	Fixed Credit Line	اعتبار ثابت
Divisible Credit	اعتبار قابل تقسیم	Book Credit	اعتبار ثبتی
Negotiation Credit	اعتبار قابل دادوستد	Countervailing Credit;	اعتبار جبرانی
Encashment Credit	اعتبار قابل دریافت	Reimbursement Credit	
Revocable Credit	اعتبار قابل فسخ	Revolving Credit	اعتبار جمعی
Negotiation Credit	اعتبار قابل معامله	Rationed Credit	اعتبار جیره‌بندی شده
Acceptance Credit	اعتبار قبولی	Expended Appropriation	اعتبار خرج شده
Lump-sum Appropriation	اعتبار کلی	Buyer's Credit	اعتبار خریدار
Credit Stand-by	اعتبار کمکی	Authenticate	اعتبار دادن
همان اعتبار احتیاطی است.		Negotiation Credit; Trade	اعتبار داد و ستد
Short Credit	اعتبار کوتاه‌مدت	Credit	
Revolving Credit	اعتبار گردان	Investment Credit	اعتبار درازمدت
Revocable Credit	اعتبار لغوشدنی	Cheque Credit	اعتبار در حساب چک
منظور اعتبار قابل تجدید یا گردان است.			

Commercial Letter of Credit	اعتبارنامه بازرگانی	Irrevocable Credit	اعتبار لغوشدنی
		Financial Standing	اعتبار مالی
Circular Letter of Credit	اعتبارنامه بخشنامه‌ای	Investment Tax Credit	اعتبار مالیات سرمایه‌گذاری
Unconfirmed Letter of Credit	اعتبارنامه بدون تأیید	Tax Credit	اعتبار مالیاتی
Unconfirmed Letter of Credit	اعتبارنامه بدون ضمانت	Revolving Fund; Working Fund	اعتبار متحرک
Open Letter of Credit	اعتبارنامه بدون محدودیت	Multiple Lines of Credit	اعتبار متعدد
Irrevocable Letter of Credit	اعتبارنامه برگشت‌ناپذیر	Swap Credit	اعتبار متقابل
Confirmed Letter of Credit	اعتبارنامه تأییدشده	Term Credit; Time Credit	اعتبار مدت‌دار
Unconfirmed Letter of Credit	اعتبارنامه تأییدنشده	Pawnshop	اعتبار مربوط به شهرداری
Revolving Letter of Credit	اعتبارنامه تجدید شدنی	Continuing Appropriation	اعتبار مستمر
Worldwide Letter of Credit	اعتبارنامه جهانی	Frozen Credit	اعتبار مسدود
Revolving Letter of Credit	اعتبارنامه در گردش	Consumption Credit	اعتبار مصرف
Hands-on Letter of Credit	اعتبارنامه دست به دست	Consumer Credit	اعتبار مصرف‌کننده
Hands-on Letter of Credit	اعتبارنامه دستی	Consumer Credit	اعتبار مصرفی
Traveler's Letter of Credit	اعتبارنامه سفری	Appropriation	اعتبار مصوب
Confirmed Letter of Credit	اعتبارنامه ضمانت شده	Allowance for Bad Debts	اعتبار مطالبات مشکوک‌الوصول
Unconfirmed Letter of Credit	اعتبارنامه ضمانت نشده	Negotiation Credit; Trade Credit	اعتبار معامله
Stand-by Letters of Credit	اعتبارنامه ضمانتی	Swap Credit	اعتبار معاوضه ارزی
Circular Letter of Credit; Worldwide Letter of Credit	اعتبارنامه عمومی	Deferred Credit	اعتبار معوق
Irrevocable Letter of Credit	اعتبارنامه غیر قابل برگشت	Confirmed Credit	اعتبار مورد تأیید
		Open Credit; Open End Credit	اعتبار نامحدود
		Circular Note; Credential; Letter of Credit	اعتبارنامه
		Stand-by Letters of Credit	اعتبارنامه احتیاطی
		Documentary Letter of Credit	اعتبارنامه اسنادی
		Open Letter of Credit	اعتبارنامه باز

Exception Bill	اعتراض نامه	Revocable Letter of Credit	اعتبارنامه فسخ پذیر
Strike; Walkout	اعتصاب	Credit	
Token Strike	اعتصاب آزمایشی	Irrevocable Letter of Credit	اعتبارنامه فسخ ناپذیر
Economic Strike	اعتصاب اقتصادی	Credit	
Stay-in Strike	اعتصاب ایتالیایی	Straight Letter of Credit	اعتبارنامه فسخ ناپذیر ضمانت شده
Wildcat Strike	اعتصاب بدون اجازه اتحادیه	Letter of Credit	
Stay-in Strike	اعتصاب به سبک ایتالیایی	Straight Letter of Credit	اعتبارنامه فسخ ناپذیر ضمانت شده که تضمین گردیده
	در این اعتصاب کارگران در محل کار خود اعتصاب می کنند.	Revocable letter of Credit	اعتبارنامه قابل برگشت
Quickie Strike	اعتصاب بی برنامه	Credit	
Sympathetic Strike; Sympathy Strike	اعتصاب پشتیبانی	Revolving Letter of Credit	اعتبارنامه قابل تجدید
Slow-down Strike	اعتصاب تعلل	Revolving Underwriting Facility	اعتبارنامه قابل تجدید
Secondary Strike	اعتصاب ثانوی	Revocable Letter of Credit	اعتبارنامه قابل فسخ
	اعتصاب برای همدردی با اعتصاب دیگرست.	Credit	
Availability	اعتباریابی	Worldwide Letter of Credit	اعتبارنامه کلی
Buyer's Strike	اعتصاب خریدار	Circular Letter of Credit	اعتبارنامه گردان
Slow Down Strike	اعتصاب خزنده	Traveler's Letter of Credit	اعتبارنامه مسافر تی
Wildcat Strike	اعتصاب خودسرانه	Direct Letter of Credit; Straight Letter of Credit	اعتبارنامه مستقیم
Unconstitutional Strike	اعتصاب در اعتراض به نقض توافق	Open-letter of Credit	اعتبارنامه مفتوح
Sit-down Strike	اعتصاب درجا	Cash Credit	اعتبار نقد
Secondary Strike	اعتصاب دست دوم	Contingent Fund	اعتبار هزینه های پیش بینی نشده
Official Strike	اعتصاب رسمی	Current Appropriation	اعتبار هزینه های مستمر
	مورد تصویب اتحادیه کارگری.	Capital Appropriations	اعتبار هزینه های نامستمر
General Strike	اعتصاب سراسری	Availability	اعتباریابی
	دست از کار شویی کارگران بیشتر رشته های تولید در یک منطقه تمام یا در سراسر کشور.	Appeal; Objection; Protest	اعتراض
Scab; Strike Breaker	اعتصاب شکن	Objection To Mark	اعتراض به مظنه
Strike-breaking	اعتصاب شکنی	Protest	اعتراض به نکول برات
Unfair Labour Practices Strike	اعتصاب علیه اعمال نامنصفانه کار	Protest	اعتراض کردن
General Strike	اعتصاب عمومی		

Cardinal Numbers; Prime Numbers	اعداد اصلی	Unofficial Strike	اعتصاب غیررسمی
Ordinal Numbers	اعداد ترتیبی	Illegal Strike; Outlaw Strike; Quickie Strike	اعتصاب غیرقانونی
Random Numbers	اعداد تصادفی	Unauthorized Strike;	اعتصاب غیرمجاز
Even Numbers	اعداد زوج یا جفت	Wildcat Strike	
Index Numbers of Industrial Production	اعداد شاخص تولید صنعتی	Quickie Strike	اعتصاب فوری
Round Numbers	اعداد صحیح	Jurisdictional Strike	اعتصاب قانونی
Singular Numbers (بدون کسری)	اعداد صحیح (بدون کسری)	Ca' Canny Strike	اعتصاب کاهنده کارآیی
Odd Numbers	اعداد فرد	Ca' Canny Strike	اعتصاب کندکاری
Round Numbers (غیراعشاری)	اعداد کامل (غیراعشاری)	Slow Down	اعتصاب کندکاری و کاهش تولید
Irrational Numbers	اعداد گنگ - اعداد اصم	Strike	
Rational Numbers	اعداد گویا	Picket	اعتصاب کنندگان اولیه
Compound Numbers	اعداد مرکب	Striker	اعتصاب کننده
Significant Numbers	اعداد معنادار	Jurisdictional Strike	اعتصاب مبتنی بر اختیار قانونی
Compound Numbers	اعداد منتسبه	Sympathetic Strike	اعتصاب مبتنی بر همدردی
Rational Numbers	اعداد منطقی		همان اعتصاب همبستگی یا اعتصاب همدردی است.
Significant Numbers	اعداد واقعی	Slow-down Strike	اعتصاب مسامحه
Abandonment	اعراض از حق	Direct Strike	اعتصاب مستقیم
Release	اعراض از حقی به نفع دیگری	Snap Strike	اعتصاب ناگهانی
Insolvency	اعسار	Sit-down Strike	اعتصاب نشسته
Absolute Insolvency	اعسار کامل	Token Strike	اعتصاب هشداردهنده
Decimals	اعشاری	Sympathetic Strike;	اعتصاب همبستگی
Extension of Credit	اعطای اعتبار (نسیدفروشی)	Sympathy Strike	
Awarding	اعطای جایزه	Sympathetic Strike;	اعتصاب همدردی
Consortium Lending	اعطای جمعی وام	Synpathy Strike	
Poll	اعطای رأی	Striker	اعتصابی
Foreign Lending	اعطای وام به خارج	Strikers	اعتصابیها
Acknowledgement; Announcement; Notification	اعلام	Rationalism	اعتقاد به اصالت خرد
Under Hammer	اعلام افلاس	Reformism	اعتقاد به لزوم اصلاحات اجتماعی و دینی
		Self-dependence	اعتماد به نفس

Allotment Letter	اعلامیه تخصیص	Notice of Abandonment	اعلام انصراف
Allotment of Shares	اعلامیه تخصیص سهام	Competitive Bidding	اعلام پیاپی و رقابت آمیز قیمتها (در بورس)
Consignment Note; Freight Manifest	اعلامیه حمل	Hierarchy of Claims	اعلام تصفیه ورشکستگی
Outward Manifest	اعلامیه خروج	Declaration	اعلام توانایی پرداخت دین
Clearing Outwards	اعلامیه خروج کشتی	Solvency	
Order Form	اعلامیه سفارش	Communicate	اعلام داشتن
Home Use Entry (customs)	اعلامیه مصرف	Disclosed	اعلام شده
Home Use Entry (customs)	اعلامیه مصرف شخصی (در گمرک)	Notice of Abandonment	اعلام عدم تعقیب
Bill of Sight; Sight Entry	اعلامیه موقت	Give Notice; Report	اعلام کردن (در بورس)
Notice of Dishonour	اعلامیه نکول	Re-allocation	اعلام مجدد اعتبار
Proxy Statement	اعلامیه نمایندگی	Under Hammer	اعلام ناتوانی از ایفاء تعهد
Receipt Statement	اعلامیه ورود	Hammer	اعلام ناتوانی در ایفای تعهد
Recovery Advice	اعلامیه وصول	Hammer	اعلام ورشکستگی
Advertisement; Announcement	اعلان	Adjudication	اعلام ورشکستگی از طرف دادگاه
Information Advertising	اعلان اخبار	Order	
Classified Advertisement	اعلان دسته بندی شده	Hammered	اعلام ورشکستگی عضو بورس
Classified Advertisement	اعلان کوچک	A.R.	اعلام وصول
Highs and Loss	اعلی و ادنی		نشانه اختصاری Advice of Receipt است.
Application	اعمال	Acknowledgment of Receipt; Letter of Acknowledgment; Receipt	اعلام وصول
Restrictive Practices	اعمال تضییقی	Accuse; Receipt	اعلام وصول کردن
Unfair Labour Practices	اعمال غیر منصفانه کار	Advice of Fate	اعلام وضع موجودی
Labour Troubles	اغتشاشات کارگری	Advice of Fate	اعلام وضعیت
White Noise	اغتشاش خالص	Advice; Bidding; Declaration;	اعلامیه
Waiver	اغماض	Decree; Letter of Advice; Memorandum	
Shrinkage	افت	Advice of Despatch	اعلامیه ارسال
Issuing of Credit; Open Credit	افتتاح اعتبار	Forwarding Note	اعلامیه ارسال کالا
Slump	افت زیاد کردن	Cash on Delivery Letter	اعلامیه باز پرداخت
Slump	افت شدید	Jerque Note	اعلامیه بازرسی کشتی
Depreciation	افت قیمت	Debt Advice; Debt Note	اعلامیه بدهکار
"Substitutes"	افراد جانشین	Credit Advice; Credit Note	اعلامیه بستانکار
		Delivery Notice	اعلامیه تحویل

Household Formation	افزایش خالص سالانه در شمار خانوار	Vested Interests	افراد ذینفع
Pyramiding	افزایش خرید	Hereunder	افراد نامبرده
Unearned Increment	افزایش خودآمده	Partition	افراز کردن
Self-induced Increase of Capital	افزایش خودالقایی سرمایه	Exhorbitance	افراط
Self-induced Increase of Capital	افزایش خودانگیخته سرمایه	Overproduction	افراط در تولید
Increase of Capital	افزایش سرمایه	Over Assessment	افراط در مالیات بندی
Trading Up	افزایش سود	Extravagant; Wasteful	افراط کار
Pyramiding	افزایش سود از راه افزایش خرید	Craftsman	افزارمند
Natural Increase	افزایش طبیعی	Addition; Increase; Increment	افزایش
Natural Increase	افزایش عادی	Rise (In Price)	افزایش (در قیمت)
Advance in Price; Enhancement of Price	افزایش قیمت	Appreciation	افزایش ارزش
Unearned Increment	افزایش قیمت باد آورده	Currency Appreciation; Exchange at a Premium	افزایش ارزش پول
Averaging Up	افزایش قیمت متوسط	Holding Gain	افزایش ارزش دارایی
Wage Increase	افزایش مزد	Stock Appreciation	افزایش ارزش ذخیره
Increase in Quantity Demanded (Supplied)	افزایش مقدار مورد تقاضا (مورد عرضه)	Capital Appreciation; Capital Gain	افزایش ارزش سرمایه
Edge Up	افزایش ناچیز	Work Relief	افزایش اشتغال
Simultaneous Expansion	افزایش همزمان	Additional Appropriation	افزایش اعتبار
Across the Board Increase in Wage	افزایش همگانی مزد	Induced Reserve Gains	افزایش اندوخته القایی
Across the Board Increase in Wage	افزایش یکنواخت مزد	Induced Reserve Gains	افزایش اندوخته انگیخته
Writing Up	افزودن داراییها	Mark Up	افزایش بها
Enhance in Price	افزودن قیمت		مترادف با افزایش قیمت است.
Addable (Addible)	افزودی	Flexible Mark Up Pricing	افزایش بهای بی تناسب و انعطاف پذیر
Overprice	افزون ارزش گذاردن	Hidden Price Increase	افزایش پنهانی قیمت
Cost Plus	افزون بر هزینه	Demand Increase	افزایش تقاضا
Overinvestment	افزون سرمایه گذاری	Increase in Demand (Supply)	افزایش تقاضا (عرضه)
Accession	افزونی	Multiple Expansion of Credit	افزایش چند برابر اعتبار
		Load	افزایش حق بیمه

توزیع را به روش تغییرناپذیر قدیمی مورد توجه قرار می‌دهد.	Divisible Surplus	افزونی بخش پذیر
اقتصاد از دید عرضه	Import Surplus	افزونی صادرات
Supply Side Economics	Disclose	افشا کردن
منظور سیاستهای اقتصادی و اعمالی است که منافع بلندمدت را در نظر می‌گیرد.	Bank Disclosures	افشای رهیهای بانک
Credit-debt Economy	Preference Revelation	افشای رجحان
اقتصاد اعتبار و بدهی	Bank Disclosure	افشاء بانک
Credit Economy	Disclosure	افشاء حقایق
اقتصاد اعتباری	Afghani, Af	افغانی، واحد پول افغانستان
Economy of Flexibility	Time Horizon	افق زمانی
اقتصاد انعطاف پذیری	Public Opinion	افکار عمومی
Static Economics; Static Economy	Bankruptcy	افلاس
اقتصاد بدون تغییر و تحرک.	Voluntary Bankruptcy	افلاس ارادی
Centrally Planned Economy	Involuntary Bankruptcy	افلاس غیرارادی
اقتصاد با برنامه ریزی مرکزی	Sink	افول کردن
Open Economy	Domicile	اقامتگاه
اقتصاد باز	Action (law)	اقامه دعوی
بدون محدودیت و موانع بازرگانی.	Sovereignty of the Consumer	اقتدار مصرف کننده
Market Economy	Economic; Economics; Economy	اقتصاد
اقتصاد بازار	Free Economy; «Laissez Faire Economy»	اقتصاد آزاد
Free-market Economy	Positive Economics	اقتصاد اثباتی
اقتصاد بازار آزاد	بخشی از علم اقتصاد است که با موضوعات مثبتی بر واقعیات و قابل پژوهش سر و کار دارد.	
Hidden Economy	Social Economics	اقتصاد اجتماعی
فعالیت‌های غیرمجاز اقتصادی و به اقتصاد زیرزمینی نیز معروف است.	اقتصاد در ارتباط با مسائل اجتماعی مانند آموزش، بهداشت و مسکن و جز اینها.	
Cliometrics	Integrated Economy	اقتصاد ادغام شده
اقتصاد باستان‌شناسی	Controlled Economy;	اقتصاد ارشادی
Mature Economy	Directed Economy	
اقتصاد بالغ	Tradition-directed Economy	اقتصاد ارشادی سنتی
اقتصاد با مدیریت امری		
Command-directed Economy		
اقتصاد با مدیریت دستوری		
Command-directed Economy		
اقتصاد بدون پول		
Moneyless Economy		
اقتصاد برنامه‌ای		
Planned Economy		
اقتصاد مبتنی بر برنامه است.		
Centrally Planned Economy		
اقتصاد برنامه‌ای مرکزی		
Centrally Planned Economy		
اقتصاد بسته		
Closed Economy		
اقتصاد بدون صادرات و واردات.		
		شکلی از سازمان اقتصادی است که مسائل تولید و

Barter Economy	اقتصاد تهاتری	Post-Keynesian Economics	اقتصاد بعد کینز
Aggregate Economics	اقتصاد جمعی	Radical Economics	اقتصاد بنیادی
War Economy	اقتصاد جنگی	Market-directed Economy	اقتصاد به رهبری بازار
Pecuniary External Economy	اقتصاد خارجی پولی	Economics of Welfare; Welfare Economics	اقتصاد بهزیستی
Family Economy	اقتصاد خانواده	Empty Economy	اقتصاد بی اساس
Microeconomics	اقتصاد خرد		اقتصاد تورمی و زیر فشار افراطی.
	اقتصاد در سطح واحدهای تولیدی.	Empty Economy	اقتصاد بی بار
"New New" Microeconomics	اقتصاد خرد جدید جدید	International Economics	اقتصاد بین الملل
	نامی است که به عملیات الگوسازی داده شده با این هدف که قراردادهای دستمزد و قیمت برحسب رفتار بهینه‌سازی اقتصاد خرد توضیح پیدا می‌کند.		با معاملات بین‌الملل سر و کار دارد.
"New Microeconomics"	اقتصاد خرد کلاسیک جدید	Research Economy	اقتصاد پژوهش
	این اقتصاد بر پایه فرضیه اندازه بیکاری طبیعی بنا می‌شود.	Post-Keynesian Economics	اقتصاد پسین کینزی
"New Microeconomics"	اقتصاد خرد نوین		گروهی آزاد از اقتصاددانان که معلومات درباره کینز و کالسکی را همچون نقطه آغازی برای انتقاد بر تحلیل معمولی تعادل و نیز پایداری برای اقتصاد کلان نوین در نظر می‌گیرند.
"New New" Microeconomics	اقتصاد خرد «نوین تازه»	Hidden Economy	اقتصاد پنهانی
	اقتصاد خوشباشی		آن بخش از فعالیتهای اقتصادی که در حسابهای ملی انعکاس نمی‌یابد.
Chrysohedonism	اقتصاد خوشباشی	Empty Economy	اقتصاد بوج
	ثروتها ملتها را انباشت فلزات گرانبها می‌داند.	Monetary Economy; Monetized Economy; Money Economy	اقتصاد پولی
Economist	اقتصاددان	Integrated Economy	اقتصاد تام
Economists Austrian	اقتصاددانان اتریشی	Business	اقتصاد تجاری
Radical Economists	اقتصاددانان بنیادی	Market-directed Economy	اقتصاد تحت رهبری بازار
Keynesian Economists	اقتصاددانان پیرو مکتب کینز	Research Economy	اقتصاد تحقیق
	اقتصاددانان طرفدار اصلاحات ریشه‌ای	Command Economy	اقتصاد تحکمی
Radical Economists	اقتصاددانان کلاسیک		همان اقتصاد برنامه‌ای دستوری است.
Classical Economists	اقتصاددانان کلاسیک	Overloaded Economy	اقتصاد تورمی
Cambridge Economists	اقتصاددانان کیمبریج	Descriptive Economics	اقتصاد توصیفی
Monetarists	اقتصاددانان معتقد به تثبیت اقتصادی به وسیله پول		

Stationary Economy	اقتصاد ساکن	Controlled Economy	اقتصاد در اختیار
Sound Economy	اقتصاد سالم	Hands-off Economics	اقتصاد در اعتصاب
Capital-intensive Economy	اقتصاد سرمایه‌بر	Sluggish Economy	اقتصاد در حالت کساد
Econometrics	اقتصادسنجی		در این اقتصاد فعالیت اقتصادی بسیار ناچیز است.
	کاربرد زبان ریاضی در تحلیل اقتصادی.	Economy of High Wages	اقتصاد دستمزد بالا
Socialist Economics	اقتصاد سوسیالیستی	Command Economy;	اقتصاد دستوری
Political Arithmetic; Political	اقتصاد سیاسی	Normative Economic	
Economy		Hands-off Economics	اقتصاد و دستها دور
	عنوان دیگر برای علم اقتصاد در زمینه تولید و توزیع ثروت.	Overheated Economy	اقتصاد آزاد و بدون دخالت دولت.
Ergonomics	اقتصاد شرایط کار	Dual Economy	اقتصاد دو آتش
Urban Economics	اقتصاد شهری	Statism	اقتصاد دوگانه
	تحلیل اقتصاد بر اساس تحلیل فعالیتهای اقتصادی شهری.	Stagnant Economy	اقتصاد دولتی
Handicraft Economy	اقتصاد صنایع دستی		اقتصاد راکد
Industrial Economics	اقتصاد صنعتی		اقتصادی که در آن فعالیت اقتصادی انجام نگیرد و محصول ناخالص ملی ثابت بماند.
Guild Economy	اقتصاد صنفی	Mature Economy	اقتصاد رسا
Natural Economy	اقتصاد طبیعی	Mature Economy	اقتصاد رسیده
Radical	اقتصاد طرفدار اصلاحات ریشه‌ای	Welfare Economics	اقتصاد رفاه
Economics			مبثنی بر شماری هنجارهای قضاوت ارزشی دربارهٔ بهزیستی.
Supply Side Economics	اقتصاد عرضه‌گرا	Economics of Welfare	اقتصاد رفاه عمومی
Customary Economy	اقتصاد عرفی	Mental Economy	اقتصاد روانی
Applied Economics	اقتصاد عملی	Mathematical Economics	اقتصاد ریاضی
Black Economy	اقتصاد غیر مجاز	Reaganomics	اقتصاد ریگانی
	اقتصاد کینزی مبتنی بر تنظیم عرضه؛ همان اقتصاد زیرزمینی است.		اقتصاد طرفدار عرضه است.
Economy of Abundance;	اقتصاد فراوانی	Chrysohedonism	اقتصاد زراندوزی
Economy of Plenty			همان اقتصاد خوشباشی است.
Governed Economy	اقتصاد فرمان‌بر	Overloaded Economy	اقتصاد زیر اضافه بار
Command Economy	اقتصاد فرمایشی	«Milk-bar Economy»	«اقتصاد زیر فشار»
Spatial Economics	اقتصاد فضایی	Overloaded Economy	اقتصاد زیر فشار افراطی
Sound Economy	اقتصاد قوی	Jawbone	اقتصاد زیر فشار شدید و همه‌جانبه
Labour Economics	اقتصاد کار	Economics	
		Controlled Economy	اقتصاد زیر نظارت

Pure Economics	اقتصاد محض	Applied Economics	اقتصاد کاربردی
	بررسی نظری در اصول اقتصادی بر پایه فرضیات معین.	Factory Economy	اقتصاد کارخانه
Mixed Economy	اقتصاد مختلط	Business Economics	اقتصاد کار و کسب
	موجودیت دویخس عمومی و خصوصی در اقتصاد.	Sluggish Economy	اقتصاد کاسد
Mixed Market Economy	اقتصاد مختلط بازار	Agricultural Economy;	اقتصاد کشاورزی
	اقتصاد متشکل از دو بخش عمومی و خصوصی.	Agricultural Economics	
Economy of High Wages	اقتصاد مزدهای بالا	Classical Economics	اقتصاد کلاسیک
Consumer Economics	اقتصاد مصرف		این مکتب درباره رشد، توسعه و توزیع در رقابت آزاد بحث می‌کند.
Consumer Economics	اقتصاد مصرف‌کننده	Neoclassical Economics	اقتصاد کلاسیک جدید
Subsistence Economy	اقتصاد معیشتی	Macroeconomics	اقتصاد کلان
	صورتی دیگر از اقتصاد خودبسنده و اقتصاد طبیعی.		بحث بر سر مقادیر کلی اقتصادی است.
Quantitative Economics	اقتصاد مقداری	"New Classical	اقتصاد کلان کلاسیک نوین"
Estate Economy	اقتصاد ملکداری	Macroeconomics"	
National Economic; National Economy	اقتصاد ملی		بیان دیگری از اقتصاد کلاسیک در شکل جزئی‌تر مبتنی بر پیش‌بینی‌های عقلایی در ترکیب با اندازه طبیعی بیکاری که از قضیه بازار نتیجه می‌شود.
Regional Economics	اقتصاد منطقه‌ای	Aggregate Economics	اقتصاد کلی
	اقتصاد بخشی از یک کشور یا مجموعه‌ای از چند اقتصاد در یک منطقه است.	Sluggish Economy	اقتصاد کم‌تحرك
Engineering Economics;	اقتصاد مهندسی	Economy of Scarcity	اقتصاد کمیایی
Engineering Economy		Keynesian Economics	اقتصاد کینزی
Economy of Scarcity	اقتصاد ندرت		تنظیم تقاضا بر اساس تنظیم عرضه.
Jawbone Economics	اقتصاد نسیه	Economism	اقتصادگرایی
Theoretical Economics	اقتصاد نظری		اقتصاد را اصل و علت پدیده‌های دیگر دانستن است.
Neo-Keynesian Economics	اقتصاد نوکینزی	Marxist Economics	اقتصاد مارکسیستی
	افزون بر اندیشه‌های کینز، تدوین تابع مصرف نیز مورد نظر است.		اقتصاد مبتنی بر ارزش کار.
Institutional Economics	اقتصاد نهادی	Labour-surplus Economy	اقتصاد مازاد کار
Economy of Abundance;	اقتصاد وفور	Exchange Economy	اقتصاد مبادله‌ای
Economy of Plenty			اصولاً مبتنی است بر تخصص و تقسیم کار.
Enclave Economies	اقتصادهای جزیره‌ای	Barter Economy	اقتصاد مبادله کالایی
	مشخصه اقتصادهای کم‌رشد که در آنها شماری نقاط پیشرفته در گسترده مناطق عقب‌افتاده قرار دارند.		همان اقتصاد تهاتری است.
		Handicraft Economy	اقتصاد مبتنی بر صنایع دستی

Affidavit	اقرارنامه با قید سوگند	Enclave Economies	اقتصادهای محاط
Ordinary Annuity	اقساط برای تشکیل سرمایه	Normative Economics	اقتصاد هنجاری
Certain			تحلیل اقتصاد بر پایه‌ایی «چگونه باید باشد» است.
Amortization	اقساط برای مستهلک کردن	Plutology	اقتصادیات علمی
Yearly Instalments	اقساط سالانه	Integrated Economy	اقتصاد یکپارچه
Tallyman	اقساط فروش	Action (law)	اقدام
Forms of Monopoly	اقسام نظارت انحصاری	Goings-on	اقدامات
Control		Liberalizing Actions	اقدامات آزادی‌گردانی
Fief	اقطاع		منظور محو وضعهای انحصاری در اقتصاد است.
	همان تیول است.	Provide	اقدامات احتیاطی به عمل آوردن
Materiality	اقلام با اهمیت	Reformatory Measures	اقدامات اصلاحی
Debt Items	اقلام بدهکاری	Restrictive Actions	اقدامات تضییعی
Debt Items	اقلام بدهی	Fiscal Measures	اقدامات مالیاتی
Adjusting Entry	اقلام تطبیق دهنده	Counteractions	اقدامات متقابل ضد تورم
Adjusting and	اقلام تعدیلی و پایان دوره‌ای	Against Inflation	
Closing Entries		Restrictive Actions	اقدامات محدودسازنده
Balancing Items	اقلام توازن	Business	اقدامات مشترک مخاطره آمیز کار
Entries	اقلام ثبت	Venture	وکسبی
Entry	اقلام ثبت شده یا وارد شده	Pro-natalist	اقدامات موافق بازه و زادگرایی
Transit Items	اقلام در راه	Measures	
Detail	اقلام ریز	Precaution	اقدام احتیاطی
Below the Line Items	اقلام زیر خط	Sales Forecasting	اقدام به پیش‌بینی فروش
	این اقلام مربوط معاملات دارای ماهیت مالی و	Pegging	اقدام به تثبیت
	مربوط به دولت انگلیس در بودجه یا تراز تجاری	Bear Raiding	اقدام تعرضی پیش‌فروش‌کننده
	این کشور است.	Synergy	اقدام جمعی
Transit Items	اقلام عبوری	Sue	اقدام در جهت تقلیل خسارت و یا
Accrued Items	اقلام متعلقه	and Labour	جولوگیری از خسارت
Sundries	اقلام متفرقه	Counter Cyclical Action	اقدام ضد دوری
Contra Account	اقلام متقابل	Industrial Action	اقدام کارگری
Balancing Items	اقلام متوازن‌کننده	Government Aid Items	اقدام کمک دولت
Accounting Entry	اقلام متوازن‌کننده حساب	Preparation	اقدام مقدماتی
"Visibles"	اقلام مرئی	Concerted Action	اقدام هماهنگ
	منظور کالاهاست.	Acknowledgment	اقرار

ترکیه، افغانستان، آذربایجان و کشورهای آسیای میانه جز تاجیکستان است.	Visible Items of Trade	اقدام مرئی بازرگانی
	Visible Items of Trade	اقدام مرئی تجارت
E.C.U.	اکو	اقدام مرئی تجارت بین‌المللی
European Currency Unit	نشانه اختصاری	International Trade
	است.	اقدام مرئی: صادرات و واردات
Ekwele, Birk	اکول، واحد پول گینه استوایی	Exports and Imports
Supplemental Instrument	الحاقیه	Materiality
Commitment; Obligation	الزام	اقدام نامرئی
Legal Reserve	الزامات اندوخته قانونی	Invisibles; "Invisible Items"
Requirements		منظور خدمات است.
Fractional Reserve	الزام اندوخته کسری	Invisible Items of Trade
Requirement		اقدام نامرئی تجارت
Abolition Abrogation; Annulment;	الغاء	Cash Items
Cancellation; Flat Cancellation		اقدام نقد قابل دسترسی معوق
Supersession	القای جانشینی	Deferred
Model; Pattern	الگو	Availability Cash Items
Algorithm	الگوریتم	Cash Items
Qualitative Choice	الگوهای انتخاب کیفی	اقدام نقدی
Models		Uncollected Cash
Recursive System	الگوهای بازگشتی	اقدام نقدی وصول نشده
Variable Parameter	الگوهای پارامتر متغیر	Items
Models		Debtor
Historical Models	الگوهای تاریخی	اقدام وارده در ستون بدهکار
Recursive System	الگوهای تراجعی	Real and Money Terms
Vintage Growth Models	الگوهای رشد سالی	اقدام واقعی و پولی
Qualitative Choice	الگوهای گزینش کیفی	Collection Items
Models		اقدام وصولی
Recursive and	الگوهای مستقل و برگشتی	Special Items
Independent Models		اقدام ویژه
Recursive and	الگوهای وابسته و بازگردنده	Minorities
Interdependent Models		اقلیتها
Recursive and	الگوهای وابسته و برگشتی	Moral Suasion
Interdependent Models		اقتناع اخلاقی
		Jawboning
		Moral Suasion
		اقتناع روانی
		E.C.A.F.E.
		اقتناع معنوی
		اکافه
		Economic Communion for
		نشانه اختصاری
		Asia and Far East
		است.
		اقتساب
		Acquisition; Purchase; Realization
		Reacquire
		اقتساب مجدد
		Hevristic
		اکتشافی
		Quorum
		اکثریت قانونی برای تشکیل جلسه
		E.C.O.
		اکو
		سازمان همکاری اقتصادی میان ایران پاکستان،

Income Expenditure Model	الگوی خرج درآمد	Recursive and Interdependent Models	الگوهای وابسته و تراجعی
Linear Probability Model	الگوی خطی احتمال	Steady-state Models	الگوهای وضع پایدار
General Linear Model	الگوی خطی عمومی	Steady-state Models	الگوهای وضع یکسان
Income Expenditure Model	الگوی درآمد - خرج	Econometric Model	الگوی اقتصادسنجی
		Economic Model	الگوی اقتصادی نظریه اقتصادی به زبان ریاضی.
Stackelberg's Duopoly Model	الگوی دوقطبی استاکلبرگ	Market Model	الگوی بازار نشان‌دهنده سطح تعادل درآمد ملی.
Bertrand's Duopoly Model	الگوی دوقطبی برترند	Stochastic Model	الگوی بختی با فرض احتمال وقوع خطا رابطه میان دو یا چند متغیر اقتصادی را توضیح می‌دهد.
Cournot's Duopoly Model	الگوی دوقطبی کورنو	Myopic Optimization Model	الگوی بهینه‌سازی کوتاه‌مدت نگری
Multisector Growth Model	الگوی رشد چندبخشی	Probit Model	الگوی پروبیت انحراف عادی معادل بعلاوه پنج است.
Vintage Growth Models	الگوی رشد در مقطع زمانی	Dynamic Model	الگوی پویا
Two Sector Growth Model	الگوی رشد دوبخشی	Forecasting Model	الگوی پیش‌بینی
Vintage Growth Models	الگوی رشد فصلی	Tiebout Model	الگوی تایبوت تحلیلی است از ذخیره کالاهای عمومی.
One Sector Growth Model	الگوی رشد یک بخشی	Iconic Model	الگوی تشبیهی
Wage Competition Model	الگوی رقابت مزد	Random Model; Stochastic Model	الگوی تصادفی فقط رویدادهای اتفاقی ساختگی ناشی از فعالیت انسانها را در بر می‌گیرد.
Rastow Model	الگوی روستو	Iconic Model	الگوی تصویری
Mathematical Model	الگوی ریاضی	Todaro Model	الگوی تادارو الگوی کوچ داخلی در کشورهای رو به توسعه است.
Vintage Model	الگوی زمانی	Regular Model	الگوی جاری
		Multisector Growth Model	الگوی چندبخشی رشد
			مانند الگوهای لئون تیف و ماهالانوبیش که چند بخش اقتصادی را دربر می‌گردد.

Wharton Model	الگوی وارتن	Vintage Model	الگوی سالی
در این الگوی اقتصادسنجی ۷۶ معادله برای اقتصاد ایالات متحد موردنظر قرار گرفته است.		Cumulative Causation Model	الگوی سببی تجمعی
Walrasian Model	الگوی والراس	Accelerationist Theory	الگوی شتابگرا
دستگاهی است که در آن کلیه متغیرهای اقتصادی درونزا و کلیه متغیرهای دیگر غیراقتصادی تلقی شده‌اند.		Simulation Model	الگوی صوری
		Shock Model	الگوی ضربه‌ای
Harrod-Domar Growth Model	الگوی هارود - دومار	Shock and Error Model	الگوی ضربه‌ای و اشتباه
در این الگو رشد تضمینی و رشد طبیعی با توجه به میزان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز موردنظر است. الگوی تک‌بخشی است.		Regular Model	الگوی عادی
Counter Part	المثنی	Cumulative Causation Model	الگوی علت انباشتی
Presumption	اماره	Scientific Model	الگوی علمی
Consignment; Custody; Trust	امانت	Nonstochastic Model	الگوی غیراتفاقی
Escrow	امانت انتقالی مشروط	Simulation Model	الگوی غیرواقعی
Bank Custody	امانت بانک	Analogue Model	الگوی قیاسی
Dry Trust	امانت بی‌سود	Work-leisure Model	الگوی کار - فراغت
Parcel Post	امانت پستی	Gravity Model	الگوی کشش به سوی مرکز
Deposit Currency	امانت پولی	Lewis-Fei-Ranis Model	الگوی لوئیس - فی - رانیس
Depository; Fiduciary	امانت‌دار		الگوی اقتصادی بیکاری با تفکیک بخشهای صنعتی و کشاورزی در کشورهای رو به توسعه است.
Limited Depository	امانت‌دار محدود	Lösch Model	الگوی لوش
Keep	امانت‌داری		الگوی مکانی‌یابی با توجه به هزینه‌های انتقال و صرفه‌جوییهای مقیاس است.
Depositor	امانت‌سپار	Lindahl Model	الگوی لیندال
Consignment; Goods on Consignment	امانت سپاری کالا		در این الگو مبادله داوطلبانه، سهم مالیاتها و مقدار کالاها موردنظر است.
Implied Trust	امانت ضمنی	Voluntary-exchange Model	الگوی مبادله داوطلبانه
Consignation	امانت فرستی		
Implied Trust	امانت فرضی	Vintage Model	الگوی مقطع زمانی
Goods on Consignment	امانت فروشی	Miniature Model	الگوی ملخص
Bailor; Consignor	امانت‌گذار		
Goods on Consignment	امانت‌گذاری کالا		
Bailee	امانت‌گیر		

Necessitous Circumstance	امر قهری	Open-end Trust	امانت نامحدود
Fact	امر مسلم	Imperialism	امپریالیسم
Abstinence; Thriftiness	امساک	Economic Imperialism	امپریالیسم اقتصادی
Application	امضا جهت گواهی	Neo-imperialism	امپریالیسم جدید
Countersignature	امضای پس از امضای دیگری یا امضای دوم	Checking; Examination	امتحان
Countersign	امضای دوم کردن	Prove	امتحان کردن
Unauthorized Signature	امضای غیر مجاز	Examine	امتحان و بازرسی کردن
Accommodation Signature	امضای متعهد	Goods	امتنعه
Authorized Signature	امضای مجاز	Acceptance Denial	امتناع از پذیرش
Cosigner	امضای مشترک	Repudiation	امتناع از پرداخت دین
Undersigned	امضاءکننده زیر	Reparations	امتناع از پرداخت غرامات
Maker of Promissory Note	امضاءکننده سفته	Repudiation	
Initial	امضاء مختصر کردن	Refusal to Negotiate	امتناع از مذاکره
Exposure	امکانات خطر و ریسک (اصطلاح بیمه)	Concession; «Franchise»;	امتیاز
Opportunity to Invest	امکانات سرمایه‌گذاری	Preferential Claim; Privilege; Prize	
Practicability	امکان پذیری	Vendor's Lien	امتیاز آورنده سهم شرکت
Productive Opportunity	امکان تولیدی	Give-and-take	امتیازات متقابل
Sales Potential	امکان فروش	Diversion Privilege	امتیاز انحراف
Maintenance of Membership	امکان کار و عضویت	Exclusive Concession	امتیاز انحصاری
Real Assets	املاک	Bank Charter	امتیاز بانک
Residuary Estate	املاک باقیمانده	Bank Charter	امتیاز تأسیس بانک
Public Domain	املاک دولتی	Call	امتیاز خرید
Public Domain	املاک عمومی	Transit Privilege	امتیاز عبور
Asset Safety	امنیت دارایی	«Franchise»	امتیاز فروش
Job Security	امنیت شغلی	Vendor's Lien	امتیاز فروشنده
Chattel; Havings	اموال	Safe Deposit Privilege	امتیاز گاوصندوق سپرده
Free Goods	اموال آزاد	Reciprocity	امتیاز متقابل
Land in Abeyance	اموال بلاصاحب	Prerogative	امتیاز مخصوص
Sell Up	اموال خود را برای پرداخت قروض خود فروختن	Charter; Letters' Patent	امتیاز نامه
Derelict	اموال رها شده	Aid	امداد
		Bilateral Assistance	امداد دوجانبه
		Public Assistance	امداد عمومی
		Probatum	امر اثبات شده

Field Warehouse	انبار روباز	Res Nes Mancipi	اموال غیرمادی
Sequential Access Storage	انبارش توالی دستیابی	House Property; Real Assets; Real Estate	اموال غیرمنقول
Private Warehouse	انبار شخصی	Res Mancipi	اموال قابل لمس و وضع ید
Field Warehouse	انبار صحرایی	Res Mancipi	اموال مادی
Public Warehouse	انبار عمومی	Derelict	اموال متروکه
General Merchandise Store	انبار عمومی کالاهای تجاری	Fungible goods	اموال مثلی
Public Store	انبار عمومی گمرک و امثال آن	Personal Effects; Personal Estate; Personal Property; Res Mobiles	اموال منقول
Ever-normal Granay	انبار غله همیشه عادی	Representative Goods	اموال نماینده
«Entrepot»; Storage	انبار کالا	Illth	اموال و خدمات مضر
Goods Shed	انبار کالاهای بازرگانی	Exchange Administration	امور اداری بورس
Goods Shed	انبار کالاهای تجاری	Mercantile Affairs	امور تجاری
Private Warehouse	انبار کالای خصوصی	Public Works	امور عام المنفعه
Bonded Warehouse	انبار کالای گروهی	General Government Administration	امور عمومی دولت
Stocking; Stockpile; Store	انبار کردن	Financial Affairs	امور مالی
Field Warehousing	انبار کردن اجناس در محل	Compensatory Finance	امور مالی جبرانی
Hold	انبار کشتی	Financial Affairs	امور مربوط به مالیه
Stock Taking	انبارگردانی	Mathematical Expectation	امید ریاضی
Continuous Stock Count; Perpetual Inventory Control	انبارگردانی مداوم	Expectation of Life;	امید زندگی
Bonded Warehouse	انبار گمرکی	Life Expectancy	
Field Warehouse	انبار محل	Cestui Que Trust; Fiduciary	امین
Temporary Store	انبار موقت	Trust Man; Trustee	
«Entrepot»	انبار موقتی	Discretionary Trust	امین اختیاری
Field Warehouse	انبار ناحیه	Equity Receiver	امین اموال
Participant	انبار	Trust Man	امین ترکه
Participation	انباری	Settlor	امین تسویه
Accumulation; Stockpile	انباشت	Depository; «Entrepot»; Warehouse	انبار
Primitive Capital Accumulation	انباشت اولیه سرمایه	Field Warehouse	انبار حوزه
	فراگرد جداسازی تولیدکنندگان بلاواسطه از ابزار تولید است.	Private Warehouse	انبار خصوصی
		Stock Keeper; Stock Man	انباردار

Private Placing	انتشار خصوصی سهام	Capital Accumulation	انباشت سرمایه
Issue; Spread	انتشار دادن		تشکیل سرمایه از راه سرمایه‌گذاری خالص و مثبت.
Bond Issuer	انتشار دهندهٔ اوراق قرضه	Unintended Inventory	انباشت غیرارادی
Floataction	انتشار سهام	Accumulation	
	فروش سهام برای افزایش سرمایه از راه جذب	Accumulate; Stow	انباشتن
	تهدات و امکانات مالی مردم.	Unintended Inventory	انباشت ناخواسته
Issue	انتشار سهام به قیمت بیشتر از بهای اسمی	Accumulation	
Shares at a Premium		Cumulative	انباشتی
Stock Watering	انتشار سهام بی‌پشتوانه	Expansion	انبساط
Bonus Issue	انتشار سهام جایزه	Domestic Credit	انبساط اعتبار داخلی
Floataction	انتشار سهام جدید	Expansion	
Split-up	انتشار سهام خرد شده	Induced Expansion	انبساط القایی
Foreign Floataction	انتشار سهام یا قرضهٔ خارجی	Induced Expansion	انبساط انگیزخته
Share Issue	انتشار سهم	Vertical Expansion	انبساط تکاملی
Scrip Issue	انتشار سهم جایزه		همان بسط یا گسترش عمودی است.
Public Issue	انتشار عمومی (اوراق بهادار)	Multiple Expansion of	انبساط چندگانهٔ اعتبار
Gross Spread	انتشار ناخالص	Credit	
Float a Loan	انتشار وام	Congestion	انبوهی
Appoint as Proxy	انتصاب به عنوان وکیل	Choice; Option; Selection	انتخاب
Provisional Appointment	انتصاب موقت	Public Choice	انتخاب عمومی
Expectation; Promise; Prospect;	انتظار	Choice of Technology	انتخاب شیوهٔ فنی
"Waiting"			منظور روشهای تولید سرمایه‌بر یا کاربر و یا آمیزه‌ای
Expectations	انتظارات		از این دو در استراتژی رشد و توسعه است.
	طرز تفکر و اعتقاد دربارهٔ ماهیت رویدادهای آینده.	Consumer's Choice	انتخاب مصرف‌کننده
Augmented	انتظارات انباشته شده	Systematic Selection	انتخاب منظم و به قاعده
Expectations		Protempore	انتخاب موقت
Partly Rational	انتظارات جزئاً عقلایی	Sample	انتخاب نمونه
Expectations		Selector	انتخابی
Behaviourial Expectations	انتظارات رفتاری	Abstraction	انتزاع
Rational Expectations	انتظارات عقلایی	Imputed	انتسای
Rising Expectations	انتظارات فزاینده	Fiduciary Issue	انتشار اسکناس بی‌پشتوانه
Uncertain Expectations	انتظارات نامطمئن	Bond Issue	انتشار اوراق قرضه
Lay-off	انتظار خدمت موقت	Tender Issue	انتشار پیشنهاد مناقصه

Fraudulent Transfer	انتقال تقلبی	Cost Expectation	انتظار درباره هزینه
Cable Transfer; Telegraphic Transfer; Wire Transfer	انتقال تلگرافی	Immediate Possession	انتفاع فوری (از خانه)
T.T.	انتقال تلگرافی	Alienation; Cession; Conveyance	انتقال
Telegraphic Transfer است.	نشانه اختصاری	Shift; Transfer	
Net Transfer	انتقال خالص	Instant Vesting	انتقال آنی
Interfund Transfer	انتقال داخلی وجه	Remedial Transfers	انتقالات اصلاحی
Write	انتقال داده‌ها	Unilateral Transfers	انتقالات بلاعوض
Conveyance	انتقال دارایی از کسی به دیگری	Interest Transfers	انتقالات بهره
Alienor; Assigner; Conveyancing; Conveyor; Remisier	انتقال دهنده	Multilateral Transfers	انتقالات چندجانبه
Transferor	انتقال دهنده از طریق تحویل برات	Government Transfers	انتقالات دولتی
by Delivery		Legal Capital Transfers	انتقالات مجاز سرمایه
Switch Trade	انتقال زمان معامله به وقت دیگر	Unilateral Transfers	انتقالات یک‌جانبه
Fraudulent Transfer	انتقال ساختگی	Social Shifting	انتقال اجتماعی
Term Transfer	انتقال سررسید دین	Preauthorized Transfer	انتقال از پیش مجاز
Capital Movement; Capital Transfer	انتقال سرمایه	Virement	انتقال از یک حساب به حساب دیگر
تغییر مکان سرمایه پولی از یک کشور به کشور دیگر.		Credit Transfer	انتقال اعتبار
Share Transfer	انتقال سهم	Banco	انتقال اعتبار از حساب یک مشتری به حساب
Transfer of Shares; Transmission of Shares	انتقال سهم‌ها	Banco-giro	مشتری دیگر در همان بانک
Transfer of Technology	انتقال شناخت فنی	Bank Credit Transfer	انتقال اعتبار بانکی
Gold Flow	انتقال طلا	Transposition	انتقال اعداد به سوی دیگر معادله
Credit Transfer	انتقال طلب	Electronic Funds Transfer	انتقال الکترونیکی وجوه
انتقال طلب روشی است که بانک یا شعبه پست با دریافت دستور کتبی پول را از یک حساب به حساب دیگر انتقال می‌دهد. همان جیرو است.		Shifting of Taxation	انتقال بار مالیات
Earnings Report	انتقال عواید	Bank Transfer	انتقال بانکی
Transfer of Technology	انتقال فن‌شناسی	Instant Vesting	انتقال بلافاصله
Instant Vesting	انتقال فوری	Posting	انتقال به دفتر کل
		Negotiability	انتقال‌پذیری (در مورد بروات)
		Graveyard Shift	انتقال پس از مرگ بیمه‌گذار
		Mail Transfer; Postal Transfer	انتقال پستی
		Wire Transfer of Funds	انتقال پول به وسیله تلگراف
		Demand Shift; Shifting of Demand	انتقال تقاضا

The Society of Iranian Economists	انجمن اقتصاددانان ایران	Assignment	انتقال قانونی
	مرکز آن در تهران است.	Alienee; Cessionary	انتقال گیرنده
British Association For the Advancement of Science	انجمن انگلیسی پیشرفت علم	Incidence of Taxation;	انتقال مالیات
Trade Guild	انجمن بازرگانان	Shifting of Tax; Tax Shifting	
Bankers' Association	انجمن بانکداران	Incidence of Taxation	انتقال مالیات بندی
British Bankers' Association	انجمن بانکداران انگلیس	Bring Forward	انتقال ماندهٔ بدهکار یا بستانکار به صفحهٔ جدید یا به ترازنامه
A.A.C.B.	انجمن بانکهای مرکزی افریقا	Trans -shipment	انتقال محموله از یک وسیلهٔ نقلیه به دیگری
Association of African Central Banks	انجمن بانکهای مرکزی افریقا	Give on Stock	انتقال معامله به واریز بعدی (در بورس)
Friendly Society	انجمن تعاونی	Conveyance	انتقال نامه
	منظور انجمن رفاقتی است.	Cash Remittance	انتقال وجه نقد
Association of South East Asian Nations	انجمن جنوب شرقی آسیا	Shifting of Cost	انتقال هزینه
Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication	انجمن جهانی مخابرات مالی میان بانکها	Bring Forward; Brought Forward	انتقالی
Professional Association	انجمن حرفه‌ای	Take-over	انتقال یافتن
Trade Protection Society	انجمن حمایت بازرگانی	Indefinite Integral	انتهای نامعین
		Terminal	انتهایی
Association of International Bond Dealers	انجمن دلالان اوراق بهادار بین الملل	Termination Dates of Insurance	انجام بیمه
Nikeire	انجمن ژاپنی فدراسیون کارفرمایان	Commit; Perform	انجام دادن
Chamber of Shipping	انجمن صاحبان کشتی	Negligence	انجام ندادن وظایف محوله
Industry Association	انجمن صنعت	Price Freezing	انجماد قیمت
Trade Association	انجمن صنفی	Pay Freeze	انجماد مزد
General Association	انجمن عمومی	Association; Society	انجمن
Unincorporated Association	انجمن غیرانتفاعی	British Export Houses Association	انجمن اتاقهای صادراتی انگلستان
Labour Association	انجمن کار	E.S.O.M.A.R.	انجمن اروپایی تبلیغ تجاری و تحقیق بازار
		European Society for Opinion and Market Research	نشانهٔ اختصاری
			است.

Relative Standard Deviation	انحراف معیار نسبی	Employer's Association Chapel	انجمن کارفرمایان انجمن کارگران چاپخانه
Standard Deviation	انحراف معیاری	Friendly Societies	انجمن کمکهای متقابل
Standard Deviation of Universe (estimated from sample)	انحراف معیاری جامعه (از نمونه ارزیابی شده است)	Issuing Houses Association	انجمن مؤسسه‌های ناشر
Mean Deviation	انحراف میانگین	Management Association	انجمن مدیریت
Relative Average Deviation	انحراف میانگین نسبی	National Farms Loan Association	انجمن ملی وام کشاورزی (ایالات متحد)
Relative Deviation	انحراف نسبی	Co-operative Societies	انجمنهای تعاونی
Relative Quartile Deviation	انحراف نسبی چارکی	Friendly Societies	انجمنهای دوستان
Monopoly	انحصار	Friendly Societies	انجمنهای دوستانه
	وضعی است که در آن یک فروشنده یا تک فروشنده تمامی بازار را در اختیار دارد.	Friendly Societies	انجمنهای رفقا
Reputation Monopoly	انحصار اشتهار و معروفیت	Friendly Societies	انجمنهای رفیقانه
Special-privilege Monopoly	انحصار با امتیاز ویژه	Deviation	انحراف
Discriminating Monopoly	انحصار تبعیض‌گر	Cyclically Perverse	انحراف ادواری
Discriminating Monopoly	انحصار تبعیضی	Diversions	انحراف (از مسیر)
Trade Monopoly	انحصار تجارت	Relative Standard Deviation	انحراف پایه نسبی
Controlled Monopoly	انحصار تحت نظارت	Trade Diversions	انحراف تجاری
Partial Monopoly	انحصار جزئی	Root-mean-square Deviation	انحراف جذر میانگین مربعات
Geographic Monopoly	انحصار جغرافیایی	Quartile Deviation	انحراف چارک
Oligopoly	انحصار چند قطبی	Cyclically Perverse	انحراف دوری
Oligopony	انحصار چند قطبی خرید	Quartile Deviation	انحراف ربعی
Monosony	انحصار خرید	Relative Quartile Deviation	انحراف ربعی نسبی
Buyer's Monopoly	انحصار خریدار	Normal Deviate	انحراف طبیعی
Buyers' Monopoly	انحصار خریداران	Normal Deviate	انحراف عادی
Reputation Monopoly	انحصار خوشنامی	Average Deviation	انحراف متوسط
Bilateral Monopoly; Double Monopoly; Duopoly	انحصار دوجانبه	Average (or Mean) Deviation	انحراف متوسط
		Relative Average Deviation	انحراف متوسط نسبی
		Deflection of Trade	انحراف مسیر تجارت

Corner	انحصار موقتی از طریق خرید کلی.	Duopsony	انحصار دو خریدار
Spatial Monopoly	انحصار مکانی انحصاری است که یک فروشنده یا خریدار به سبب دوری یا فقدان رقیبان در بازار به دست می آورد.	Duopoly	انحصار دو فروشنده
Reputation Monopoly	انحصار نام نیک	Duopoly	انحصار دو قطبی
Institutional Monopoly	انحصار نهادی	Duopsony	انحصار دوگانه خرید
Regress	انحطاط	Duopoly	انحصار دوگانه فروش
Dissolution; Liquidation	انحلال	Government Monopoly	انحصار دولت
Voluntary Liquidation	انحلال ارادی	Natural Monopoly	انحصار ذاتی یا انحصار طبیعی ناشی از شرایط ذاتی بازار.
Voluntary Winding-up	انحلال داوطلبانه	Organized Monopoly	انحصار سازمان یافته
Dissolution of Company	انحلال شرکت	Natural Monopoly	انحصار طبیعی
Rate	اندازه	Natural Monopoly	انحصار طبیعی فروش
Test Discount Rate	اندازه آزمونی تنزیل	Public Monopoly	انحصار عمومی
Measure of Value	اندازه ارزش	Monopoly; Selling	انحصار فروش
Capacity Utilization Rate	اندازه استفاده از ظرفیت	Monopoly	
Employment Rate	اندازه اشتغال	Sellers' Monopoly	انحصار فروشندگان
Core Inflation Rate	اندازه اصل تورم	Spatial Monopoly	انحصار فضایی
Rate of Fecundity	اندازه باروری عده موالیه زنده زاده طی یک سال به شمار کل زنان ۱۵ تا ۴۹ سال در همان سال است.	Technological Monopoly	انحصار فنی
Fair Rate of Return	اندازه بازده منصفانه	Legal Monopoly; Regulated	انحصار قانونی
Internal Rate of Return	اندازه بازده داخلی	Monopoly; Special-privilege Monopoly	
Rate Support Grant	اندازه بخشش مالی تقویتی	Perfect Monopoly	انحصار کامل
Interest Rate; The Rate of Interest	اندازه بهره	Monopolist	انحصارگر
Nominal Interest Rate	اندازه بهره اسمی	Monopsonist	انحصارگر خرید
Market Rate of Interest	اندازه بهره بازار	Monopolistic Competition	انحصارگری رقابتی
Open Market Rate	اندازه بهره بازار باز	Fiscal Monopoly	انحصار مالی
Long Rate	اندازه بهره بلندمدت	Fis	انحصار مالی مانند انحصار دخانیات که هدف دولت کسب درآمد است
Neutral Rate of Interest	اندازه بهره بی طرف	-cal Monopoly	
		Organized Monopoly	انحصار متشکل
		Public Consumption	انحصار مصرف عمومی
		Monopoly	
		Bilateral Monopoly; Double	انحصار مضاعف
		Monopoly	
		Absolute Monopoly	انحصار مطلق فروش
		Temporary Monopoly	انحصار موقت

Lending Rate in Capital Budgeting	اندازه بهره وام‌دهی در بودجه‌بندی سرمایه	Base Rate	اندازه بهره پایه
Call Rate	اندازه بهره وام عندالمطالبه	Money Interest Rate	اندازه بهره پولی
Measure of Economic Welfare	اندازه بهزیستی اقتصادی	Libor London	اندازه بهره پیشنهادی میان بانکی لندن
Optimum Plant Size	اندازه بهینه کارخانه	Interbank Offer Rate	اندازه بهره پیشنهادی میان بانکی لندن
Optimum Size Lot	اندازه بهینه کالا برای فروش	Renewal Rate (of Money)	اندازه بهره تجدید وام
Optimum Size Lot	اندازه بهینه یک مقدار	Equilibrium Interest Rate	اندازه بهره تعادل
Maximum Efficient Rate	اندازه بیشینه کارآیی	Biological Interest Rate	اندازه بهره حیاتی
Full Employment Unemployment Rate	اندازه بیکاری اشتغال کامل	Current Interest Rate	اندازه بهره جاری
Warranted Unemployment Rate	اندازه بیکاری تضمینی	Pure Rate of Interest	اندازه بهره خالص
Normal Unemployment Rate	اندازه بیکاری عادی	Own Rate Of Interest	اندازه بهره داخلی
Pareto's Measure of Inequality of a Distribution	اندازه پار‌تویی نابرابری یک توزیع	Usurious Rate of Interest	اندازه بهره رباخوار
Econometrics	اندازه پدیده‌های اقتصادی همان اقتصادسنجی است.	Interest Rate per Annum	اندازه بهره سالانه
Personal Saving Rate	اندازه پس‌انداز شخصی	Deposit Rate	اندازه بهره سپرده
Money Rate of Interest	اندازه پولی بهره	London Interbank Bid	اندازه بهره سپرده‌پذیری میان بانکی لندن
Interbank Market «Offered» Rate	اندازه پیشنهادی بهره وام درون بانکی	Interbank Market «Bid» Rate	اندازه بهره سپرده درون بانکی
Warranted Rate of Growth	اندازه تضمینی رشد	Natural Interest Rate;	اندازه بهره طبیعی
Rate of Change	اندازه تغییر	Natural Rate of Interest	اندازه بهره عادی
Bank Rate of Discount; Discount Rate Discounts	اندازه تنزیل	Natural Interest Rate	اندازه بهره عادی
Social Discount Rate	اندازه تنزیل اجتماعی	Legal Rate of Interest	اندازه بهره قانونی
Bank Rate	اندازه تنزیل بانک	Fine Rate	اندازه بهره کمینه
Bill Rate	اندازه تنزیل برات	Short Term Rate of Interest	اندازه بهره کوتاه مدت
Market Rate of Discount	اندازه تنزیل خارج بانک	Lombard Rate	اندازه بهره لمبارد
			میزان بهره‌ایست که بانکهای بازرگانی بر پایه آن در برابر اوراق بهادار از بانک انگلستان وام می‌گیرند.
		Effective Interest Rate	اندازه بهره مؤثر
		Prime Rate	اندازه بهره ممتاز
		Real Interest Rate	اندازه بهره واقعی

Activity Rate	اندازه فعالیت	Rediscount Rate	اندازه تنزیل مجدد
Employee Activity Rate	اندازه فعالیت کارمند	Equilibrium Rate of Inflation	اندازه تورم تعادل
Minimum Lending Rate	اندازه کمینه بهره وام‌دهی	Steady Rate	اندازه ثابت
Work Measurement	اندازه‌گیری زمان کار	Personal Rate of Substitution	اندازه جانشینی شخصی
Performance	اندازه‌گیری عملکرد	Marginal Rate of Substitution	اندازه جانشینی نهایی
Cost Measurement	اندازه‌گیری هزینه	Hurdle Rate	اندازه حد نصاب
Variable Rate	اندازه متغیر (بهره)	N.R.R.	اندازه خالص زادآوری
Credit Line	اندازه مجاز خرید نسبه	Net Reproduction Rate	نشانه اختصاری است.
Death Rate; Mortality Rate	اندازه مرگ و میر	Crude Birth Rate	اندازه خام زه و زاد
Labour Force Participation Rate	اندازه مشارکت نیروی کار	Private Rate	اندازه خصوصی بهره
Common Measure of Value	اندازه مشترک ارزش	Core Inflation Rate	اندازه خود تورم
Scale Value	اندازه مقیاس	Rate of Time Difference	اندازه رجحان زمانی
National Gross Rate of Return	اندازه ناخالص بازده ملی	Bank Rate of Discount	اندازه رسمی تنزیل
Crude Death Rate	اندازه ناویژه مرگ و میر	Growth Rate; Rate of Growth	اندازه رشد
Line of Credit	اندازه نسبه فروشی	Economic Growth Rate; Rate of Economic Growth	اندازه رشد اقتصادی
Marginal Rate of Technical Substitution	اندازه نهایی جانشینی فنی	Reproduction Rate	اندازه زادآوری
Marginal Tax Rate	اندازه نهایی مالیات	Birth Rate	اندازه زه و زاد
Effective Rate of Interest; Real Interest Rate; Real Rate of Interest	اندازه واقعی بهره	Illness Severity Rate	اندازه سختی بیماری
Effective Rate of Protection	اندازه واقعی حمایت	High Rate of Interest	اندازه سنگین بهره
Effective Annual Rate	اندازه واقعی سالانه	Profit Rate	اندازه سود
Yield Rates	اندازه‌های بازده	Economic Lot Size	اندازه سهم باصرفه
Onerous Rates	اندازه‌های بهره پرخرج	Accident Severity Rate	اندازه شدت حادثه
Maximum Interest Rates	اندازه‌های بیشینه بهره	Natural Rate of Interest	اندازه طبیعی بهره
Measures of Central Tendency	اندازه‌های گرایش مرکزی	Natural Rate of Unemployment	اندازه طبیعی بیکاری
		Natural Rate of Growth	اندازه طبیعی رشد
		Natural Rate of Profit	اندازه طبیعی سود
		Illness Frequency Rate	اندازه فراوانی بیماری

Policy Reserve	اندوخته بیمه‌نامه	Infant	اندازه‌های نسبی مرگ و میر کودکان
Hidden Reserve; Inner Reserve; Secret Reserve	اندوخته پنهانی	Mortality Rates	
Reserve for Accidents	اندوخته پولی برای حوادث	Reproduction Rate	اندازه همآوری
Dividend Equalization Reserve	اندوخته تسویه سود سهام	Lay Up	اندوختن
Reserve for Accidents Maintenance Reserve	اندوخته تصادفات تعمیرات و نگهداری	Gold Hoarding Reserve	اندوختن راکد طلا
Hybrid Reserve	اندوخته چندمنظوره	Reserve for Contingencies	اندوخته اتفاقات
Unearned Premium Reserve	اندوخته حق بیمه نامکتسب	Contingency Reserve; Reserve Stock	اندوخته احتیاطی
Industrial Accident Reserve	اندوخته حوادث صنعتی	Foreign Exchange Reserve	اندوخته ارزی
External Reserve	اندوخته خارجی	Valuation Reserve	اندوخته ارزیابی
Specific Reserve	اندوخته خاص	Depreciation Reserve; Reserve for Depreciation	اندوخته استهلاک
Thriftiness	اندوخته خصوصی	Primary Bank Reserve	اندوخته اصلی بانک
Funded Reserve	اندوخته دارای پشتوانه	Surplus Reserve	اندوخته اضافی
Operating Reserve	اندوخته داراییها	Terminal Reserve	اندوخته انتهایی
Secondary Bank Reserve	اندوخته درجه دوم بانک	Initial Reserve	اندوخته اولیه
		Primary Bank Reserve	اندوخته اولیه بانک
		Pension Reserve	اندوخته بازنشستگی
	اوراق بهادار درجه اول که آماده تبدیل به پول نقد هستند.	Dividend Equalization Reserve	اندوخته برابری سود سهام
Working Reserve	اندوخته در گردش	Inventory Reserve	اندوخته برای جبران تنزل
Surplus	اندوخته (در مورد ترازنامه و حساب سرمایه)	Loss Reserve	اندوخته برای زیان
Liability Reserve	اندوخته دین	Provisions for Bad and Doubtful Debt	اندوخته برای مطالبات سوخت شده و مشکوک الوصول
Reserve for Bad Debts	اندوخته دیون سوختی	Reserve for Discounts	اندوخته به منظور تخفیف
Cushion of Foreign Exchange	اندوخته راکد ارزی	Inventory Reserve	اندوخته به منظور موجودی
Hoarder; Hoarding	اندوخته‌ساز	Insurance Reserve	اندوخته بیمه
Capital Reserve	اندوخته سرمایه		

Not Sufficient Funds (N/S)	اندوخته نابسند	Investment Reserve	اندوخته سرمایه‌گذاری (سروند)
Hidden Reserve	اندوخته نامرئی	Secret Reserve	اندوخته سری
N.S.F.	اندوخته نامکفی	Industrial Accident Reserve	اندوخته سوانح صنعتی
Cash Reserve	اندوخته نقد	Profit Reserve	اندوخته سود
Depletion Reserve	اندوخته نقصان‌پذیر	Thrift	اندوخته شخصی
	ایجاد ارتباط میان هزینه‌های دوره‌ای و درآمد برای	Bullion Reserve	اندوخته شمش طلا و نقره
	ارائه تنزل در ارزش یک دارایی همچون منابع طبیعی.	Sinking Fund	اندوخته صندوق استهلاکی
Specific Reserve	اندوخته ویژه	Required Bank Reserve	اندوخته ضروری بانک
Reserves	اندوخته‌ها	Gold Reserve	اندوخته طلا
	بخشی از سود توزیع نشده یک شرکت برای سرمایه‌گذاری است.	Gold and Dollar Reserve	اندوخته طلا و دلار
Free Reserves	اندوخته‌های آزاد	Required Bank Reserve	اندوخته ضروری بانک
Net Free Reserves	اندوخته‌های آزاد خالص	Operating Reserve	اندوخته عملیات
Negative Free Reserves	اندوخته‌های آزاد منفی	Working Reserve (Bank)	اندوخته فعال
Contingent Reserves	اندوخته‌های احتمالی	Bullion Reserve	اندوخته فلزی
Exchange Reserves	اندوخته‌های ارزی	Legal Reserve (Legal Bank Reserve); Statutory Reserve	اندوخته قانونی
Primary Reserves	اندوخته‌های اصلی	Legal Reserve in Insurance	اندوخته قانونی بیمه
Excess Reserves	اندوخته‌های اضافی	Surplus Reserve	اندوخته مازاد
Excess Bank Reserves	اندوخته‌های اضافی بانک	Mean Reserve	اندوخته متوسط
Primary Reserves	اندوخته‌های اولیه	Funded Reserve	اندوخته مستمر
Primary Bank Reserves	اندوخته‌های اولیه بانک	Reserve for Bad Debts	اندوخته مطالبات مشکوک‌الوصول
Bank Reserves	اندوخته‌های بانک	Negative Borrowed Reserve	اندوخته منفی استقراضی
Unconditional Reserves	اندوخته‌های بدون قید و شرط		
Idle-reserves	اندوخته‌های بلااستفاده		اندوخته‌ایست که بدوام گرفته شده است.
Unconditional Reserves	اندوخته‌های بلاشرط	Inventory Reserve	اندوخته موجودی کالا
Fractional Reserves	اندوخته‌های بی‌اهمیت		ذخیره برای تأمین موجودی.
Idle-reserves	اندوخته‌های بیکار		

Owned Reserves	اندوخته‌های مورد تملک	Sterile Reserves	اندوخته‌های بی‌مصرف
Required Bank Reserves	اندوخته‌های مورد نیاز بانک	International Reserves	اندوخته‌های بین‌المللی
Fractional Reserves	اندوخته‌های ناچیز	Monetary Reserves	اندوخته‌های پولی
Silver Reserves	اندوخته‌های نقره	Secondary Reserves	اندوخته‌های ثانوی
Actual Reserves	اندوخته‌های واقعی	Secondary Bank Reserves	اندوخته‌های ثانوی بانک
Net Borrowed Reserves	اندوخته‌های وام‌های خالص	Working Bank Reserves	اندوخته‌های جاری بانک
Borrowed Reserves	اندوخته‌های وامی	Fractional Reserves	اندوخته‌های جزئی
Reserve for Outstanding	اندوخته هزینه‌های معوق	Borrowed Reserves	اندوخته‌های حاصل از وام‌های خارجی
Economic Thought	اندیشه اقتصادی	Asset and Liability Reserves	اندوخته‌های دارایی و بدهی
Brain Workers	اندیشه‌کاران	Revenue Reserves	اندوخته‌های درآمدی
Thought-intensive	اندیشه‌بر	Mixed Reserves	اندوخته‌های درهم
Tax Revolt	انزجار مالیاتی	Official Reserves	اندوخته‌های رسمی
Tax Payer Revolt	انزجار مؤدی مالیاتی	Excess Bank Reserves	اندوخته‌های زیادی بانک
Autarchy	انزواطلبی اقتصادی	Company Reserves	اندوخته‌های شرکت
Homo Faber	انسان ابزارساز	Required Reserves	اندوخته‌های ضروری
Homo Politicus	انسان اجتماعی	General Reserves	اندوخته‌های عمومی
Economic Man; Homo Oeconomicus	انسان اقتصادی	Non Borrowed Reserves	اندوخته‌های غیراستقراضی
	فردی که فقط زیر تأثیر انگیزه اقتصادی است.	Secondary Reserves	اندوخته‌های فرعی
Homo Sapiens	انسان اندیشه‌ورز	Required Reserves	اندوخته‌های قانونی
Homo Sapiens	انسان خردمند	Legal Bank Reserves	اندوخته‌های قانونی بانک
Homo Loquax	انسان سخنگو	Fractional Reserves	اندوخته‌های کوچک
Institute of Bankers	انستیتوی بانکداران	Required Reserves	اندوخته‌های لازم
International Statistical Institute	انستیتوی بین‌المللی آمار	Tax Reserves	اندوخته‌های مالیات
Institute of Chartered Accountants	انستیتوی حسابداران رسمی	Mixed Reserves	اندوخته‌های مختلط
Institute of Internal Auditors	انستیتوی حسابرسان داخلی	Conditional Reserves	اندوخته‌های مشروط
		Owned Reserves	اندوخته‌های موجود

Reflexivity	انعکاس پذیری	General Crossing	انسداد عام (چک)
Incidence of Taxation	انعکاس مالیات	Price Freezing	انسداد قیمت
Incidence of Taxation	انعکاس مالیات بندی	Special Crossing	انسداد ویژه چک
Tax Incidence and Shifting	انعکاس و انتقال مالیات	Equity	انصاف
Reflexive	انعکاسی	Social Equity	انصاف اجتماعی
Population Explosion	انفجار جمعیت	Vertical Equity	انصاف عمودی
	افزایش فزاینده و مستمر آهنگ جمعیت.	Renunciation	انصراف
Discharge	انفصال	Tax Disincentive	انصراف مالیاتی
Dismemberment	انفصال از عضویت	Horizontal Integration	انضمام افقی
Contraction; Deflation; Shrinkage	انقباض	Lateral Integration	انضمام جنبی
Contraction of Credit	انقباض اعتبار	Circular Combination	انضمام دایره‌ای
Multiple	انقباض (انبساط) چندگانه عرضه پول	Rationality	انطباق با عقل و استدلال
Contraction (Expansion) of The Money Supply		Double-coincidence of Wants	انطباق مضاعف نیازمندیها
Bank Contraction	انقباض بانکی	Double Wants	انطباق مضاعف نیازها
Hyperdeflation	انقباض بسیار شدید	Curve Fitting	انطباق منحنی
Deflation; Monetary Deflation	انقباض پولی	Bonus; Bounty; Premium; Prize	انعام
Contraction of Money Supply	انقباض عرضه پول	Buyer's Option	انعام به خریدار
		«Primage»	انعام پیشکی
Cost-pull Deflation	انقباض فشار هزینه‌ای	Key Money	انعام درباره اجاره
Double Deflation	انقباض مضاعف	Organization Flexibility	انعطاف پذیری سازمان
Cost-pull Deflation	انقباض ناشی از فشار هزینه‌ای	Flexibility of Prices	انعطاف پذیری قیمتها
Deflationary	انقباضی	Wage Rate Flexibility	انعطاف پذیری نرخ مزد
Expiry; Termination; Expiration; Lapse	انقضا	Price Flexibility	انعطاف پذیری قیمت
		Inflexibility	انعطاف ناپذیری
Determinable	انقباض پذیر	Rigidity of Economic System	انعطاف ناپذیری دستگاه اقتصادی
Termination of Offer	انقضای پیشنهاد	Price Rigidity	انعطاف ناپذیری قیمت
Agrarian Revolution	انقلاب ارضی	Wage Rigidity	انعطاف ناپذیری مزد
	تغییر سازمانها و روشهای فنی در کشاورزی و افزایش بازده.	Responsiveness of Imports to Income	انعطاف واردات نسبت به درآمد
Commercial Revolution	انقلاب بازرگانی	Coagulation	انققاد
		Repercussion (Impact) on	انعکاس

Investment Impulse	انگیزه سرمایه‌گذاری	Green Revolution	انقلاب سبز
Speculation Motive; Speculative Motive	انگیزه سفته‌بازی	Industrial Revolution	انقلاب صنعتی
	انگیزه نگهداری پول برای استفاده از تغییرات در ارزش پولی داراییهای دیگر در آینده.		تغییر روشهای فنی تولید کارخانه‌ای در قرن هجدهم.
Profit Motive	انگیزه سود	Price Revolution	انقلاب قیمت
Speculation Motif; Speculative Motive	انگیزه سوداگری	Agricultural Revolution	انقلاب کشاورزی
	همان انگیزه سفته‌بازی است.	Keynesian Revolution	انقلاب کینزی
Sales Incentive	انگیزه فروشها		تغییرات ژرف و دامنه‌دار در زمینه‌های فکری علم اقتصاد انقلاب در اصول، در روش و در سیاستهای اقتصادی و اجتماعی.
Business Motive	انگیزه کار و کسب	Managerial Revolution	انقلاب مدیریتی
Fiscal Stimulus	انگیزه مالی	War Debt Repudiation	انکار بدهی جنگی
Tax Incentive	انگیزه مالیاتی	UNCTAD	انکتاد
Transactions Motive	انگیزه معاملات		موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.
Transactions Motive for Holding Money	انگیزه معاملاتی	Brand; Halfmark	انگ
	برای نگهداری پول.	Basic Assumptions	انگاشتهای پایه‌ای
Tax Disincentive	انگیزه منفی مالیات	Dealer's brand	انگ دلال
Economic Motives	انگیزه‌های اقتصادی	Hallmark	انگ دولتی زدن
Perverse Incentives	انگیزه‌های تباه‌گر	Manufacturer's Brand	انگ سازنده
Perverse Incentives	انگیزه‌های خود سر	Engels, Friedrich	انگلس، فریدریک
Investment Incentives	انگیزه‌های سرمایه‌گذاری		یار و همکار کارل مارکس.
Export Incentives	انگیزه‌های صادرات	Private Brand	انگ مخصوص
Wage Incentives	انگیزه‌های مزد	Stimulation	انگیزش
Krash	انهدام بورس	Investment Impulse	انگیزش سرمایه‌گذاری
O.A.P.E.C.	اوآپک	Incentive; Stimulus	انگیزه
	سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت. نشانه اختصاری	Precautionary Motive	انگیزه احتیاطی
Organization of Arab Petroleum Exporting Countries	Exporting Countries است.		انگیزه نگهداری پول برای مقابله با نیازهای احتمالی آینده.
O.A.P.E.C	اوپک	Transactions Motive	انگیزه دادوستد
Organization of Arab Petroleum Exporting Countries	نشانه اختصاری		انگیزه نگهداری پول برای استفاده از فصلت پول به عنوان وسیله مبادله.
	Petroleum Exporting Countries است.	Income Motive	انگیزه درآمد

Foreign Currency Securities	اوراق بهادار بیگانه	O.P.E.C.	اوپک
Eligible Papers	اوراق بهادار پذیرفتنی	Organization Of Petroleum Exporting Countries	نشانه اختصاری: Organization Of Petroleum Exporting Countries
Listed Securities	اوراق بهادار پذیرفته شده	Exporting Countries	کشورهای صادرکننده نفت است.
Dated Securities; Short-dated	اوراق بهادار تاریخ دار	Boom	اوج کار و کسب
Mercantile Papers	اوراق بهادار تجاری	Negotiable Note	اوراق اعتبار قابل معامله
Foreign Currency Securities	اوراق بهادار خارجی	Obligation(s)	اوراق اعتباری
Bond; Long Dated (Term) Paper	اوراق بهادار درازمدت	Circulating-Promissory Notes	اوراق بدهی در گردش
Open Market Securities	اوراق بهادار در بازار باز	Notes	اوراق بهادار
Second Rate Stock	اوراق بهادار درجه دوم	Securities	اسناد درآمدی قابل داد و ستد.
First Class Paper; Gilt-edged Securities	اوراق بهادار درجه یک	Foreign Currency Securities	اوراق بهادار ارزی
Government Securities; Government Stock(s); Tap	اوراق بهادار دولتی	Primary Securities	اوراق بهادار اصلی
Investment Portfolio	اوراق بهادار سرمایه گذاری	Paper Securities	اوراق بهادار اعتباری
Speculative Securities	اوراق بهادار سفته بازی	Trustee Securities	اوراق بهادار امانی
Equity Security	اوراق بهادار سهامداران	Primary Securities	اوراق بهادار اولیه
Public Funds	اوراق بهادار عمومی (بی نام)	Variable-yield Securities	اوراق بهادار با درآمد متغیر
Inconvertible Securities	اوراق بهادار غیر قابل تبدیل	Redeemable Securities	اوراق بهادار بازخریدنی
Transferable Securities	اوراق بهادار قابل انتقال	Securities	سهام یا اوراق بهادار بازخرید شدنی در سررسید.
Undated Securities	اوراق بهادار فاقد سررسید	Commercial Paper	اوراق بهادار بازرگانی
Marketable Securities	اوراق بهادار قابل معامله	Registered Securities	اوراق بهادار با نام
Stocks	اوراق بهادار قابل معامله (در بورس)	Floater	اوراق بهادار با نرخ متغیر
		Bank Shares	اوراق بهادار بانکی
		Long Dated Securities;	اوراق بهادار بلندمدت
		Long Tap	
		Securities as	اوراق بهادار به عنوان دارایی
		Assets	
		Securities as	اوراق بهادار به عنوان وثیقه
		Collateral	
		Undated Securities	اوراق بهادار بی تاریخ

Innominate Obligation; Bearer Bonds; Bearer Security (ties)	اوراق قرضه بی نام	Short Dated Papers; Short-dated Securities; Shorts	اوراق بهادار کوتاه مدت
	سهامی که مالکیت آن فقط به وسیله تحویل منتقل می شود.	Mixer	اوراق بهادار مختلط
British Savings Bonds	اوراق قرضه پس انداز انگلیس	Gilt-edged Securities	اوراق بهادار مطمئن
Funding Bonds	اوراق قرضه تأمین مالی	Listed Securities	اوراق بهادار مظنه شده
	اوراق قرضه ای که برای بازپرداخت دیون درازمدت یا بدهیهای جاری صادر شود.	Tax-exempt Securities	اوراق بهادار معاف از مالیات
Adjustment Bonds	اوراق قرضه تطبیقی	Gilt-edged Securities	اوراق بهادار معتبر اوراق بهادار ممتاز
Adjustment Bonds	اوراق قرضه تعدیل شده	Securities Irredeemable	اوراق بهادار نقدنشدنی
Foreign Bonds; Foreign Flotation	اوراق قرضه خارجی	Tap	اوراق بهادار همیشه موجود (در بورس)
Treasury Issues	اوراق قرضه خزانه داری	Bearer	اوراق بهادار یا سهام در وجه حامل
Income Debentures	اوراق قرضه درآمد	Share(s)	
Second Debentures	اوراق قرضه درجه دوم	Commercial Paper	اوراق تجاری
Defence Bonds	اوراق قرضه دفاعی	Pay-roll Records	اوراق حقوق
Government Bonds	اوراق قرضه دولتی	Treasury Bonds	اوراق خزانه
Open-end Mortgage Bond	اوراق قرضه دولتی با وثیقه نامحدود	Bradburys	اوراق خزانه (در انگلیس)
Consols	اوراق قرضه دولتی (بدون سررسید)	Bonds; Debentures; Obligations	اوراق قرضه
Schedule Bond	اوراق قرضه دولتی بر طبق فهرست	Eurobonds	اوراق قرضه اروپایی
Short Tap	اوراق قرضه دولتی کوتاه مدت	Open	اوراق قرضه با پیمان نامعین و نامحدود
Mortgage Debentures	اوراق قرضه رهنی	Covenant Bond	(اصطلاح بیمه)
	قرضه ای که به وسیله زمین یا ساختمان تضمین شده است.	Appeal Bond	اوراق قرضه با حق مراجعه به صادرکننده
Corporation Bonds	اوراق قرضه شرکت سهامی	Irredeemable Debentures	اوراق قرضه بازخریدنشدنی
Industrial Revenue Bonds	اوراق قرضه عواید صنعتی	Bonded Terms	اوراق قرضه با شرایط مختلف
		Coupon Bond	اوراق قرضه با کوپن
Straight Bonds	اوراق قرضه غیر قابل تبدیل	Ex Bond	اوراق قرضه بدون بهره متعلقه
Active Bonds	اوراق قرضه فعال	Longs	اوراق قرضه بلندمدت
Agricultural Bonds	اوراق قرضه کشاورزی	Bulldog Bonds	اوراق قرضه بولدداگ
			اوراق قرضه بد لیره انگلیس که غیرانگلیسی صادر کند.
		Lottery Bonds	اوراق قرضه به صورت قرعه کشی

Primal; Primitive Oz.	اولیه اونس	General Tax Bond	اوراق قرضه مالیات عمومی
		Outstanding Bonds	اوراق قرضه معوقه
	نشانه اختصاری Ounce برابر با ۲۸/۳۱۹۵ گرم و ۱/۱۶ رطل یا پوند است.	Currency Bonds	اوراق قرضه ملی
Ounce	اونس برابر با ۲۸/۳۴۹۵ گرم و ۱/۱۶ رطل یا پوند	Secured Bonds	اوراق قرضه وثیقه‌دار
Owenism	اونیسیم	Term Bonds	اوراق قرضه هم سررسید
	این اندیشه که دستمزد کالایی با شرایط اجرای کار با رونق اقتصادی ناهمساز نیست.	Consolidation Bond	اوراق قرضه یک کاسه
Residents	اهالی	Supporting Papers	اوراق کمکی
Dedicate; Dedication	هدا	Senior	اوراق ممتاز
Purposes of Taxation	اهداف مالیات‌بندی	Floater	اوراق وثیقه
Earning Leverage	اهرم مالی	Middle	اوسط
	نسبت سرمایه‌وامی به سرمایه‌سهمی.	Working Conditions	اوضاع بهره‌برداری
Businessman	اهل داد و ستد	Imperfectly Competitive Situations	اوضاع رقابت ناقص
Pragmatic	اهل عمل	Harvard Index (of Business Conditions)	اوضاع کار و کسب (Harvard Index (of Business Conditions))
Judgment	اهل نظر	Working Conditions	اوضاع محیط کار
Legal Capacity	اهلیت قانونی	Tight Times	اوقات تنگ
Ohlin, Bertile	أهلین، برتیل (۱۸۹۹-۱۹۷۹)	Ouguiya, UM	اوغوینیا، واحد پول موریتانی
	اقتصاددان سوئدی صاحب‌نظر در مسائل اقتصاد بین‌المللی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۷.	B.O.Y. (Beginning Of Year)	اول سال
Improvidence	اهمال‌کاری	B.O.M. (Beginning Of Month)	اول ماه
Economic Significance	اهمیت اقتصادی	Priority	اولویت
Take into Account	اهمیت دادن	Relative Priority	اولویت نسبی
Marginal Significance	اهمیت نهایی	Last-in, First-out (L.I.F.O.)	اولین صادره از آخرین وارده (L.I.F.O.)
Weights (in Index Number)	اهمیتها (در اعداد شاخص)		فروش کالا از آخرین دسته خرید آغاز می‌شود.
Laydays	ایام بارگیری و بار اندازی کشتی	Lifo	اولین صادره از آخرین وارده
Factory Ship	ایادی و واسطه بانکی	First-in, First-out (FiFo)	اولین صادره از اولین وارده (FiFo)
Day of Grace	ایام مهلت		روش تقدیم داراییها به این ترتیب که نخستین کالای خریداری نخستین کالایی است که طی یک دوره حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.
Running Days	ایام هفته	Tentative Offer	اولین عرضه
Offer	ایجاب	Hand Sel (Hansel)	اولین فروش مغازه
Counter-offer	ایجاب متقابل		

Work Stoppage	ایست کاری	Creation	ایجاد
"Stop and Go"	ایست و حرکت	Credit Creation	ایجاد اعتبار
Ditto; Do	ایضاً	Creation of Money; Money	ایجاد پول
Honour	ایفاء تعهد به هنگام سر رسید موعد	Creation	
«Econometrica»	«ایکانامتریکا» نام مجله اقتصادسنجی است.	Boost the Value of a Share	ایجاد ترقی در ارزش سهم a
«Economica»	«ایکانامیکا» نام مجله اقتصادی است.	Balancing of Portfolio	ایجاد توازن در موجودی اوراق بهادار
«Economic Journal»	«ایکانامیک جورنال»	Allowance for Depreciation	ایجاد ذخیره
Economic Report	«ایکانامیک ری پورت»	Deposit Creation	ایجاد سپرده
Economic Review	«ایکانامیک ریویو»	Capital Creation	ایجاد سرمایه
Economic Survey	«ایکانامیک سروی»	Job Creation	ایجاد شغل
Asset Safety	ایمنی دارایی	Producent	ایجاد کننده
Safety of Assets	ایمنی داراییها	Want Creation	ایجاد نیازمندی
Inch	اینچ	Static	ایستا
Sq. Inch	اینچ مربع برابر با ۶/۴۵۱۶ سانتیمتر مربع.	Comparative Statics	ایستایی تطبیقی
Cubic Inches	اینچ مکعب	Comparative Statics	ایستایی مقایسه‌ای



At a Premium	با جایزه	Cum	با
Tally	با چوبخط حساب کردن	Cumulative	نشانه اختصاری است.
Bona Fide	با حسن نیت	Handle With Care	با احتیاط حمل کنید
Uberimalfidei; Uberimal Fides	با حسن نیت کامل	Valuable	با ارزش
With Recourse to	با حق رجوع	Gainful; Gainsome	با استفاده
Ipsa Jure	با حق کامل	On Dividend	با استفاده از سود سهام (ایالات متحد)
Cum Rights	با حقوق خرید	On Account of	بابت، واحد پول تایلند
Mutatis Mutandis	با دادن تغییرات ضروری	Pecuniary	بابت جریمه
Cum Drawings	با دخل دکان	Satisfactory	باب طبع
Cum Drawings	با درآمد جاری دکان	Cum Interest	با بهره جاری
Freight	بار	At a Premium	با پاداش
Productive	بار آور	Pay-off	با پرداخت مزد کامل اخراج کردن
Excess Burden; Overfreight	بار اضافی	Dunnage	با پوشال بسته بندی کردن
Factor Excess Burden	بار اضافی عامل	A Posteriori	با بی بردن از معلول به علت
Overload	بار اضافی و سنگین	Baht; B, Bht, TC	بات، واحد پول تایلند
Berth; Dock; Landing Stage Jetty; Pier; Wet Dock; Wharf	بارانداز	At a Discount	با تخفیف
Burden of Debt	بار بدهی	Ipsa Jure	با تمام حقوق
Stower	باربر متصدی چیدن کالا	At Full Capacity	با تمام ظرفیت
Carriage	باربری	Steady	با ثبات
		Cess	باج

Stowage; Landing	بارگیری	Through Bookings	باربری مقاطعه‌ای
Lift-on, Lift-off	بارگیری - باراندازی کشتی با جرثقیل	Airfreight	باربری هوایی
Shipped on Board	بارگیری روی کشتی	Burden	بار بیشینه
«On Board» Bill of Lading	بارگیری شده	Dependency Burden	بار تکفل
Stow; Load	بارگیری کردن		نسبت افراد فعال در یک جمعیت است به کل جمعیت.
Stevedoring	بارگیری و باراندازی	Stowage	بارچینی
Stevedore	بارگیری و باراندازی کردن	Peak Load	بار حداکثر
Tax Burden	بار مالیاتی	Onus	بار خرج
	اصابت نهایی مالیات مقرر بار مالیاتی را مشخص می‌کند.	Containerized Freight	بار داخل ظرف
Containerized Freight	بار محفظه‌ای	Burden of Debt	بار دین
Containerized Freight	بار مخزنی	Overload	بار زیاد سنگین
Backload	بار مراجعت	Bulk Cargo	بار فله
Capsule Cargo	بار منظروف	Burden of National Debt	بار قرضه ملی
Blading; Road Bill; Shipping Bill; Way Bill Bill of Lading	بارنامه		منظور سنگینی هزینه‌های قرضه در داخل کشور و فشار روی تراز پرداختها و عوارض دیگر است در صورت استقراض از خارج.
	سندی است متضمن مشخصات محموله، وسیله حمل و نامه‌های فرستنده و گیرنده کالا.	Work Load	بار کار
Charter Party Bill of Lading	بارنامه اجاره در بست		منظور فشار حجم کار زیاد است.
		Freighter; Peddler Car	بارکش
		Peddler Car	بارکش پیله‌ور
Straight Bill of Lading (S.B.L.)	بارنامه اسمی غیرانتقالی		بارکش دوره‌گرد در راه معین با تحویل به محمول البه‌های مختلف در طول راه.
Ocean Bill Of Lading	بارنامه اقیانوس	Shipment	بار کشتی
Order Bill of Lading	بارنامه انتقال پذیر	Freight	بار کشتی باربری
Straight Bill of Lading (S.B.L.)	بارنامه با اسم (S.B.L.)	Hot Cargo	بار کشتی جریمه‌دار
Ship's Commercial Manifest	بارنامه بازرگانی کشتی	Hot Cargo	بار کشتی مشمول جریمه
Clean Bill of Lading	بارنامه بدون قید و شرط	Freight And Cartage	بار کشتی و تحویل
	بارنامه‌ایست بدون هرگونه قید و شرط و توضیح درباره عیب کالا.	Pool Car	بارکش مشترک
Port-to-port Bill of Lading	بارنامه بندر به بندر	Traffic; Transport	بارکشی
Port Bill of Lading	بارنامه بندری یا امانی	Off Load	بار کمتر از حداکثر (مانند بار نیروی کارخانه برق)
		Freighter	بارکننده

Foreign Exchange Market	بازار اسعار	Overcharge	بار هزینه زاید
	بازار معاملات ارزهاست.	Air Cargo	بار هوایی
Market Overloaded with Stock	بازار اضافه‌دار اوراق بهادار	Redeployment	باز آرای سازمان
Credit Market	بازار اعتبار	Recycling	باز آموزشی
Short Money Market	بازار اعتبار کوتاه‌مدت	Pit (U.S.)	بازار (در ایالات متحد)
Forward Market for Loans	بازار اعتبار مدت‌دار	Bazaar; Market; Mart	بازار
Cattle Market	بازار اغنام و احشام		شبکه‌ای که خرید و فروش کالاها و خدمات در آن انجام می‌گیرد.
Pluperfect Market	بازار اکمل	Futures Market	بازار آتی
Monopolized Market	بازار انحصاری		بازاری که در آن هم ثمن و هم ثمین نسبه است.
Bursary; Share Market; Stock market	بازار اوراق بهادار	Easy Market	بازار آرام
Securities Market (بررسی)	بازار اوراق بهادار	Free Market	بازار آزاد
Unlisted Securities Market	بازار اوراق بهادار ثبت‌نشده		بازاری که به سبب کمبود عرضه یا افزونی تقاضا کالاها به قیمت‌گزار معامله می‌شوند.
Short End of the Market	بازار اوراق بهادار کوتاه‌مدت	Open Discount Market	بازار آزاد تنزیل
National Security Exchange	بازار اوراق بهادار ملی	Open Money Market	بازار آزاد سرمایه‌ها
Bond Market	بازار اوراق قرضه	Free Gold Market	بازار آزاد طلا
Primary Market	بازار اولیه	Disorderly Market	بازار آشفته
Buyer's Market	بازار باب طبع خریدار	Market Overt	بازار آشکار
Seller's Market	بازار باب فروش		همان بازار علنی است.
Stable Market	بازار باثبات	Near-term Market	بازار آینده نزدیک
Put Option	بازار با جایزه برای تحویل دادن	Rigged Market	بازار احتکارشده
	بازار فروشنده.	Options Market	بازار اختیاری
Emporium; Open Market	بازار باز	Demoralized Market	بازار اخلاقاً فاسد
Produce Market	بازار بازرگانی	Foreign Exchange Market	بازار ارز
Dull Market	بازار بدون فعالیت		بازاری که معاملات ارزی برای نقل و انتقال پول یک کشور به کشورهای دیگر در آن صورت می‌گیرد و مکان مشخصی ندارد.
	بازار ساکت.	Euroimarket	بازار اروپا
		Firm Market; Stable Market;	بازار استوار
		Steady Market	همان بازار محکم است.

Demand-determined Market	بازار تقاضای معین	Acceptance Market	بازار برات
Bill Market; Discount Market	بازار تنزیل	Financial Supermarket	بازار بزرگ مالی
	بازاری است که در آن بانکها و مؤسسات تنزیل اقدام به اعطای وامهای کوتاهمدت می‌کنند.	Over-the-counter Market	بازار بساطی
Open Discount Market	بازار تنزیل آزاد	One Man Market	بازار بسته
Discount Market	بازار تنزیل اوراق بهادار	Down-Market	بازار بُنجل
Open Discount Market	بازار تنزیل خارج از بانک	Resilient Market	بازار بهبودپذیر
Secondary Market	بازار ثانوی	Jumpy Market	بازار بی ثبات
Out-cry Market	بازار جارچیها	Flat Market	بازار بی حال
Shop	بازار جزئی فروشی	Dead Market	بازار بی روح
Corn Market; Grain Exchange; Grain Market	بازار حبوبات	Firm Market; Steady Market	بازار پابرجا
Out-cry Market	بازار حراج	Brisk Market	بازار پر جنب و جوش
	بازاری است سازمان یافته که در آن قیمتها پیوسته با تغییرات عرضه و تقاضا تطبیق می‌یابند.	Street Market	بازار پس از بورس
Sensitive Market	بازار حساس	Cotton Market	بازار پنبه
Right Market	بازار «حقوق تعهد پرداخت» (بورس)	Money Market	بازار پول
Street Market	بازار خارج بورس		نهادهای پولی در این بازار به معاملات اوراق بهادار کوتاهمدت، اعتباری، ارز و طلا مبادرت می‌ورزند.
Foreign Market	بازار خارجی	Eurocurrency Market	بازار پول اروپا
Buyer's Market	بازار خریدار	Money Market	بازار پول (در ایالات متحد)
Buyers' Market	بازار خریداران	Lombard Street; London Money Market	بازار پول لندن
Put and Call Market	بازار خرید و فروش سهام با حق انتخاب	Over-the-counter Market	بازار پیشخانی
Futures Market	بازار خرید یا فروش سلف	Forward Market	بازار پیش فروش
Thin Market	بازار خلوت	Forward Exchange Market	بازار پیش فروش ارز
Market Domestic; Home Market	بازار داخلی	Bear Market; Bull Market	بازار پیش فروش کننده
«Internal» Labour Market	بازار «داخلی»، کار	Sellers' Market	بازار پیشنهاد دهندگان
Bull Market; Buoyant; Buoyant Market	بازار داغ	Continuous Market	بازار پیوسته
		Produce Market	بازار تجارت
		Produce Market	بازار تجاری
		Buyer's Market	بازار تحت تسلط خریدار
		Controlled Market	بازار تحت نظم و نظارت
		Spot-exchange Market	بازار تحویل فوری

Over-the-counter Market	بازار روی بساط	Cattle Market	بازار دام
Over-the-counter Market	بازار روی پیشخان	Grain Market or Grain Exchange	بازار دانه‌های کشاورزی
Mortgage Market	بازار رهن	Captive Market	بازار در اختیار
Substantial -labour-surplus Market	بازار زیادتی چشمگیر کار	Pluperfect Market	بازار در بهترین وضع دلخواه
One Man Market	بازار زیر نظارت	Captive Market	بازار در قید و بند
Captive Market	بازار زیر نفوذ	Glutted Market	بازار در وضع عرضه بیش از تقاضا
Soft Market	بازار ساده (که در آن نرخها نوسان زیادی دارند)	Interbank Market	بازار در وضعی از اشباع.
Produce Exchange	بازار سازمان‌دار	Interbank Market	بازار درون بانکی
Organized Market	بازار سازمان یافته	Primary Market	بازار پولی در لندن است که گروهی از بانکها به هم وام می‌دهند و از هم وام می‌گیرند.
Unorganized Money Market	بازار اعتباری رسمی که از طریق بانکها و مؤسسات مشابه به بهره‌ای مناسب اعتبار می‌دهد.	Primary Market	بازار دست اول
Unorganized Money Market	بازار سازمان نیافته پول	Secondary Market	بازار دست دوم
Dead Market; Dull Market; Heavy Market; Stale Market	بازار ساکت	Wage Market	بازار دستمزد (در ایالات متحد)
Capital Market	بازار سرمایه	Broker's Market	بازار دلالان سهام
European Capital Market	بازار سرمایه اروپا	Following Market	بازار دنباله‌رو
New Issue Market	بازار سرمایه جدید	Cattle Market	بازار دواب
Investment Market	بازار سرمایه‌گذاری	Contestable Market	بازار رقابتی
Easy Market; Jumpy Market; Soft Market; Thin Market	بازار سست	Contestable Market	بازاری است که در آن ورود و خروج بدون هزینه است.
Speculative Market	بازار سفته‌بازی	Brisk Market	بازار رواج یا رایج
Forward Market; Futures Market; Market in Futures	بازار سلف	Bear Market	بازار رو به افت
Market; Market in Futures	بازاری که قراردادهای آتی خرید و فروش اوراق بهادار به قیمت‌های تثبیت شده برای تاریخ معین در آینده در آن منعقد می‌شوند.	Bull Market	بازار رو به ترقی
		Bull Market	بازار پیش‌فروش‌کننده.
		Bear Market; Declining Market; Falling Market; Sagging Market	بازار رو به تنزل
		Bullish Market	بازار رو به رونق
		Falling Market	بازار رو به سقوط
		Falling Market	بازار رو به کساد
		Bull Market	بازار رو به گرانی

Dull Market	بازار غیر فعال	Forward Exchange Market	بازار سلف ارز
Gray Market	بازار غیر قانونی		
Outlet; Seller's Market;	بازار فروش		بازاری که در آن پولهای رایج کشورها به قیمتهای
Seller's Market	بازار فروشندگان		تثبیت شده در تاریخ معین در آینده معامله
Selling Out Against a Buyer	بازار فروش یک خریدار		می شوند.
Active Market	بازار فعال	Security Market	بازار سند بهادار
Physical Market	بازار فیزیکی	Speculative Market	بازار سوداگری
Black Bourse	بازار قاچاق	Profitable Outlet	بازار سودبخش
Contract Market	بازار قرارداد	Stock Market	بازار سهام
Settlement Bargain	بازار قسطی	Stock Exchange	بازار سهام بازرگانی
Labour Market	بازار کار	Over-the-counter Market	بازار سهام خارج بورس
Casual Labour	بازار کار اتفاقی	Issue Market	بازار سهام و اوراق بهادار
External Labour Market	بازار کار برونی	Share Market	بازار سهم شرکتها
External Labour Market	بازار کار خارجی	Black Bourse; Black Market	بازار سیاه
Dead Market; Dull Market;	بازار کاسد	Finance Houses Market	بازار شرکتهای مالی
Slack Business		Job Market	بازار شغل
Second-hand Market	بازار کالاهای دست دوم	Dump	بازار شکستن
Down-market	بازار کالای پست		همان قیمت شکستن است.
Commodity Market	بازار کالای مصرفی	Dumping	بازار شکنی
Futures Market	بازار کالای وعده‌ای		همان قیمت شکنی است.
Perfect Market	بازار کامل	Predatory Dumping	بازار شکنی غارتگرانه
	بازاری که قیمت در آن تغییر نمی‌کند و مقدار زیاد مبادله اهمیت ندارد.	Persistent Dumping	بازار شکنی مداوم
Covent Garden Market	بازار کاونت‌گاردن	Reverse Dumping	بازار شکنی وارونه
Free Market	بازار کرایه حمل و نقل	Bullion Market	بازار شمش
Freight Market	بازار کرایه و بارکشتی	Market Town	بازار شهر
Homeward Charter Market	بازار کرایه‌های کشتی در بازگشت	Soft Market	بازار ضعیف
Dead Market; Depressed Market;	بازار کساد	Gold Market	بازار طلا
Dull Market; Flat Market;		London Gold Market	بازار طلای لندن
Thin Market		Factor Market	بازار عامل
		Supply-determined Market	بازار عرضه معین
		Primary Mortgage Market	بازار عمده رهنی
		Market Overt	بازار عمومی

Narrow Market; Thin Market	بازار محدود	Bear Market	بازار کساد اوراق بهادار
Product Market	بازار محصول		رکود در خرید و فروش سهام به سبب تغییرات قیمت.
Buoyant Market; Firm Market;	بازار محکم	Slack Labour Market	بازار کساد کار
Stable Market; Steady Market	همان بازار استوار است.	Tight Labour Market	بازار کمبود نیروی کار
Local Authorities Market	بازار محلی اولیای امور	Easier Market	بازار کمتر مورد حمایت
Local Labour Market	بازار محلی کار	Dead Market	بازار کم فروش
Local Spot Market	بازار محلی نقد		بازار کاسد است.
Dead Market	بازار مرده	Kerb Market	بازار کنار خیابان
	بازار کاسد و بی‌فعالیت.	Near-term Market	بازار کوتاه‌مدت
Central Spot Market	بازار مرکزی نقد	Market Place	بازارگاه
Common Market	بازار مشترک	Commercialism	بازارگرایی
	بازار متشکل از چند کشور.		نظام اقتصادی مبتنی بر افزایش حجم بازرگانی برای زراندوزی.
European Common Market	بازار مشترک اروپا	Captive Market	بازار گرفتار
	بازاری است که کشورهای بلژیک، هلند، فرانسه، ایتالیا، آلمان و لوگزامبورگ تأسیس یافته است و هدف آن توسعه تدریجی اتحادیه کامل گمرکی، جریان آزاد سرمایه، نیروی کار و خدمات و تهیه سیاستهای مشترک کشاورزی و حمل و نقل است. سپس برخی از کشورهای دیگر اروپا بدان پیوستند.	Buoyant Market	بازار گرم
Central American Common Market	بازار مشترک امریکای مرکزی		بازار در غلیان از حجم زیاد فعالیت.
	متشکل از کارستاریکا، السالوادور، گواتمالا و نیکاراگوئه.	Share Pusher	بازار گرمکن سهم
Arab Common Market	بازار مشترک عربی	"Share Pushing"	دبازار گرمی سهم
Option Bargain	بازار معاملات اختیاری	Sales Talk	بازار گرمی فروش
	در این بازار خرید یا فروش اوراق بهادار به صورت نسیه یا وعده و یا حق فسخ به شرط پرداخت جریمه یا دریافت جایزه در جریان است.	Secondary Mortgage Market	بازار گرووی دست دوم
Gensaki Market	بازار معاملات جن ساکی		بازار گواهینامه سپرده دلاری لندن
	تسهیلات مالی در بازار ژاپن برای خرید یا فروش اوراق بهادار برحسب بن به قیمت معین درآینده.	London Dollar CD Market	
		Physical Market	بازار مادی
		Surplus-labour Market	بازار مازاد کار
		Substantial -labour-surplus Market	بازار مازاد معتنا به کار
		Capital Market	بازار مالی
			بازار سرمایه است.
		Pluperfect Market	بازار متراکم
		Organized Market; Produce Exchange	بازار متشکل
			بازار کالاهای تجاری.

Terminal Markets	بازارهای ایستگاه انتهایی	Options market	بازار معاملات نسبه
	بازار معاملات آینده.	Spot Market	بازار معاملات نقدی
Terminal Markets	بازارهای پایانه	Trade Fair; Fair; Fair Market	بازار مکاره
Trading Markets	بازارهای تجاری	International Trade Fair	بازار مکاره بین‌المللی
	بازار خرید و فروش.	Resources Market	بازار منابع
Auction Markets	بازارهای حراج	Seller's Market	بازار مناسب حال فروشنده
Trading Markets	بازارهای خرید و فروش		بازاری که در آن فروشنده قیمت‌گذار است.
Competitive Markets	بازارهای رقابت آمیز	Commodity Market	بازار مواد اولیه
Competitive Markets	بازارهای رقابتی	Target Market	بازار موردنظر
Organized Markets	بازارهای سازمان دار	Hectic Market	بازار نا آرام
Organized Markets	بازارهای سازمان یافته	Jumpy Market	بازار ناپایدار
Wholesale Markets	بازارهای عمده‌فروشی	Imperfect Market	بازار ناقص؛ بازار ناکامل
Finance Markets	بازارهای مالی		بازاری که یکی از شرایط رقابت در آن موجود نباشد.
Organized Markets	بازارهای متشکل	Futures Market; Options Market;	بازار نسبه
Related Markets	بازارهای مرتبط		بازارهای آتی و معاملات خیراری است.
Auction Markets	بازارهای مزایده	Issue Market	بازار نشر
Customer Markets	بازارهای مشتریان	Issue Market	بازار نشر اوراق بهادار
Trading Markets	بازارهای معامله	New Issue Market	بازار نشر جدید
Interdependence Markets	بازارهای وابسته	Oil Market	بازار نفت
Associated Stock Exchanges	بازارهای وابسته سهام		مانند بازار نفت روتردام که اصولاً تحویل بیدرتنگ همراه با پرداخت نقد انجام می‌گیرد.
Target Market	بازار هدف	Cash Market; Spot Market	بازار نقد
	بازاری که یک شرکت برای فروش محصولات خود در نظر می‌گیرد.	Cash Market	بازار نقدی
Contestable Market	بازار همجشمی	Spot-exchange Market	بازار نقدی ارز
Marketing	بازاریابی	Cash or Spot Market	بازار نقد یا فوری
	فصلیتهای بنگاه در زمینه فروش و توزیع محصول.	«Clearing the Market»	بازار واریزکننده
Test Marketing	بازاریابی آزمایشی	Loan Market	بازار وام
Mass Marketing	بازاریابی انبوه	Call Loan Market	بازار وام عندالمطالبه
Marketing Co-operative	بازاریابی تعاونی	Federal Funds Market	بازار وجوه فدرال
Forward	بازاریابی و بازاریابی پیش‌رس	Broad Market	بازار وسیع
Marketing		Forwardmarket for Loans	بازار وعده‌ای اعتبار
			بازار پیش‌خرید یا پیش‌فروش.

Reacquire; Redeem	بازخریدن	Auditor; Inspector; Surveyer;	بازبین
Redeemability; Redeemable	بازخریدنی	Surveyor	
Redemptional	بازخریدی	Control; Peer Review	بازبینی
Call to Account	بازخواست کردن	Accurate	بازبینی درست (اصطلاح حسابداری)
Feedback	بازخورد	Control	
Output	باز داده	Serve	بازبینی کردن
Monopoly Output	باز داده انحصار	Marine Survey	بازبینی کشتی
Potential Output	باز داده بالقوه	Inventory Control	بازبینی موجودی
Optimum Output	باز داده بهینه	Paying Back; Refund	بازپرداخت
Final Output	باز داده پایانی	Reimbursement; Repayment	
Current Output	باز داده جاری	Ex-repayment (of a	بازپرداخت بدون بهره
Responsive Output	باز داده حساس	Capital)	
Net Output	باز داده خالص	Duty Drawback	بازپرداخت حقوق گمرکی
Capacity-level Output	باز داده در سطح ظرفیت		بازپرداخت تمام این حقوق یا بخشی از آن به نشانه تکمیل و صدور مجدد آن کالا.
Final Output	باز داده قطعی	Refund Annuity	بازپرداخت سالانه
Aggregate Output	باز داده کل	Paying Off Creditors	بازپرداخت طلبکاران
Gross Output	باز داده ناخالص	Refund	بازپرداخت کردن (برای پرداخت بدهیهای کنونی و گذشته)
Gross and Net Output	باز داده ناخالص و خالص	Tax Refund	بازپرداخت مالیات
Actual Output	باز داده واقعی	Pay Over Again; Refund	بازپرداختن
Full employment Output	باز داده یا مقدار تولید در اشتغال کامل	Custom Drawbacks	بازپرداختهای عوارض ورود
Deterrent; Disincentive; Prohibitive	باز دارنده	Incidence of Taxation	بازتاب مالیات بندی
Tax Disincentive	باز دارنده مالیات	Recycling	بازچرخانی
	انگیزه منفی مالیات.	Redemption	بازخرید
Foreclosure; Handicap	بازداشت		بازخرید اوراق بهادار در برابر وجه نقد است.
Yield	بازده	Bear	بازخرید پیش فروش کننده (اصطلاح بورس)
	نسبت درآمد ناشی از اوراق بهادار به قیمت جاری آنها.	Covering	
Social Return on Capital	بازده اجتماعی سرمایه	Voluntary	بازخرید داوطلبانه سنوات خدمت
		Redundancy	
		Buy Back	باز خرید کردن

Normal Return	بازده عادی	Basic Yield	بازده اساسی فرضی
Earnings Yield	بازده عواید	Nominal Yield	بازده اسمی
Increasing Returns to Scale	بازده فزاینده ناشی از مقیاس	Yield of Bonds	بازده اوراق قرضه
Coupon Yield	بازده کوپن	Redemption Yield	بازده بازخرید
Tax Yield	بازده مالیات	Capital Redemption Yield	بازده بازخرید سرمایه
Normal Return	بازده متعارف	Yield to Redemption	بازده برای بازخرید
Fair Return	بازده منصفانه	Through Output	بازده بیشینه
Fair Return on Fair Value Theory	بازده منصفانه بر اساس نظریه ارزش منصفانه	Income Yield	بازده پولی
Return of Rate Making of Rate Making	تعیین نرخ	Yield to Maturity	بازده تا سررسید
Gross Yield	بازده ناخالص	Discounted Cash Flow Yield	بازده تنزیل جریان نقدی
Gross Return on Net Assets	بازده ناخالص از داراییهای خالص	Constant Return to Scale	بازده ثابت مقیاس
Gross Yield	بازده ناویژه	Constant Return to Scale	بازده ثابت نسبت به مقیاس تولید
Returns to Scale of Plant	بازده نسبت به مقیاس کارخانه	Current Yield	بازده جاری
Net Yield	بازده ویژه	Net Yield	بازده خالص
Net Yield Maturity	بازده ویژه تا سررسید	Risk Yield	بازده خطر احتمالی
Social Return of Education	بازده‌های اجتماعی آموزش و پرورش	Income Yield	بازده درآمدی
Net Yield Maturity	بازده اضافی ناشی از آموزش و پرورش که عاید جامعه می‌گردد.	Annual Return	بازده سالانه
Constant Returns	بازده‌های ثابت	Effective Rate; Yield of Capital	بازده سرمایه مورد استعمال
Expected Net Returns	بازده‌های خالص مورد انتظار	Return on Capital Employed	بازده سرمایه به کار رفته
		Return on Investment	بازده سرمایه‌گذاری
		Return On Capital Employed	بازده سرمایه مورد استعمال
		Bond Yield	بازده سند قرضه
		Dividend Yield	بازده سود سهامی
		Stock Yield	بازده سهام
		Increasing Returns to Scale	بازده صعودی مقیاسی

Jerquer	بازرس گمرک	Increasing Returns	بازده‌های صعودی
Audit; Control; Customs Control; Examination; Survey	بازرسی		بازده مقیاس در صورتی صعودی است که بازای افزایش منابع مقدار تولید به نسبت بیشتری افزایش یابد.
Maritime Survey	بازرسی دریایی	Returns to Scale	بازده‌های مقیاس
Post Audit	بازرسی دوری		بازده نسبت به مقیاس است در صورتی که تغییر تولید ناشی از تغییر مقیاس تولید تحقق پذیرد.
Inspect	بازرسی کردن	Non-proportional Returns	بازده‌های نامتناسب
Businessman; Merchant; Trader	بازرگان		بازده‌های نزولی
Free Trader	بازرگان آزاد	Decreasing Returns; Diminishing Returns	بازده در صورتی نزولی است که نسبت افزایش تولید به نسبتی کمتر از افزایش عوامل یا مقیاس تولید باشد.
Stapler	بازرگان پشم و پنبه		بازده‌های نزولی مقیاس
Coaster	بازرگان دوره‌گرد و ساحلی	Equi-marginal Returns	بازده‌های نهایی برابر اصل برابری وضع‌های نهایی حاکم است.
Importer	بازرگان واردکننده	Marginal Return to Capital	بازده نهایی سرمایه
Commerce; Emporetic; Trade; Trading	بازرگانی		بازده یک واحد سرمایه اضافه سرمایه‌گذاری است.
Free Trade	بازرگانی آزاد	Pay-off	بازدهی
Installment Trading	بازرگانی اقساطی	Flat Yield	بازده یکسان درآمد یکنواخت ناشی از سرمایه‌گذاری برحسب درصد است.
Large-scale Retail Trade	بازرگانی جزئی در مقیاس بزرگ		بازده یکنواخت
	مانند فروشگاه‌های بزرگ و شرکت‌های تعاونی مصرف‌کننده.	Review	بازدید
Foreign Trade	بازرگانی خارجی	Field Trip	بازدید محلی
Domestic Trade; Home Trade; Inland Trade; Internal Trade	بازرگانی داخلی	Inspector	بازرس
Inter State Commerce (I.C.S.)	بازرگانی درون ایالتی	Port Warden	بازرس انبار کالای بندر
Marine Trade; Maritime Commerce; Sea-borne Commerce	بازرگانی دریایی	Bank Examiner	بازرس بانک
Commercial Traveler (or Traveller)	بازرگانی دوره‌گرد	Controller	بازرس حسابداری
Commercial Traveler (or Traveller)	بازرگانی سیار	Government Controller	بازرس دولت
Export Merchant	بازرگانی صادرات		
Lawfull Trade	بازرگانی قانونی		
Closed Trade	بازرگانی مسدود		

Recapture of Earnings	بازگشت عواید	Equity Trading	بازرگانی منصفانه
سیاستی که بر طبق آن مؤسسات عام‌المنفعه باید سهم بیشتری از سود سرمایه‌گذاری خود را به دولت بدهند.			وام‌گیری با بهره‌ای کمتر از سود و کاربرد این وام در تجارت و استفاده از افزایش تفاوت میان این دو رقم.
Recurrent	بازگشت‌کننده	Carrying Trade	بازرگانی میان دو کشور
Recurrent	بازگشتنی	Economic Reconstruction	بازسازی اقتصادی
Recursive and Interdependent Models	بازگشتی	Financial Reconstruction	بازسازی امور مالی
Portable Pension	بازنشستگی انتقال پذیر	Reconstruction of a Company	بازسازی یک شرکت
Superannuation	بازنشستگی به صورت قسط‌السنین	Post Sample Check; Tallying	بازشماری
Old-age Pension	بازنشستگی پیری	Selling-out	بازفروشی
Old-age Retirement and Survivors' Insurance	بازنشستگی پیری و بیمه بازمندگان	Open Credit	باز کردن اعتبار
Retirement	بازنشستگی (ماشین‌آلات)	Refund	بازگرداندن
Contributory Pension	بازنشستگی مشارکتی	Repercussion (Impact) On	بازگردانی
بازنشستگی دوران پیری که بازنشسته نیز با پرداخت سهمی در آن مشارکت داشته است.		Reinstatement; Switch	بازگردانی به حال اول
Recycling	بازیابی مواد	Switch	بازگردانی به حالت دیگر
بازگردانی ضایعات یک جریان تولیدی به این جریان و ساخت کالای تازه و در نتیجه صرفه‌جویی.		Recurrent	بازگردنده
Capital Recovery	بازیابی سرمایه	Redeployment	بازگستری
Net-back; Recovery	بازیافت	Wage Reopening	بازگشایش بحث مزد
Information Trieval	بازیافت اطلاعات	Creat New Opening	بازگشایی بازار
Capital Recovery	بازیافت سرمایه	Appeal; Recourse Basis;	بازگشت
همان استرداد سرمایه پس از سرمایه‌گذاری است.		Recurrence Reference; Remission;	
Gain	باز یافتن	Repatriation	
Rig the Market	بازی دادن بازار	Retroactive	بازگشت به قیمت اسمی سهام قرضه
بالا بردن و پایین آوردن ساختگی قیمت‌ها و بهای سهام در بازار از راه احتکار و پشت هم اندازی و سود استفاده از قدرت انحصاری به منظور کسب سود غیرمنصفانه.		Restoration	
		Roll-back	بازگشت به قیمت نازل
		Retroactive	بازگشت به وضع اصلی (در بیمه)
		Restoration	
		Denationalization	بازگشت به وضع ماقبل ملی کردن
			جریان خلاف ملی کردن و خصوصی کردن فعالیت اقتصادی.
		Refer	بازگشت دادن

Use No Hooks	با قلاب بلند نکنید	«Playing The Market»	«بازیگری در بازار»
Under Reserve	با قید احتیاط		وضعیتی است در نظریه بازیها که در آن جمع سود
Remainder; Residual; Residue	باقیمانده		و زیان طرفین در همه حالات صفر است که در
Residuum	باقیمانده ارزش اموال		فعالتهای یک سفته‌باز در بازار تجسم می‌یابد.
Talon	باقیمانده دسته اوراق (بورس)	Zero Sum Game	بازی مجموع صفر
Merchandise Balance	باقیمانده کالای تجاری		در نظریه بازیها مصطلح است.
Carry-over	باقیمانده منقول	Simulation Games	بازیهای صوری کاروکسب
Ship	با کشتی حمل کردن یا فرستادن	for Business	
Sling	بالا بردن	Cliometrics	باستان‌شناسی اقتصادی
Work Up	بالا بردن ارزش دفتری		نامی است برای تاریخ اقتصادی «جدید» که از
Run Up a Stock	بالا بردن بهای سهم (در بورس)		اقتصاد سنجی برای بررسی مطالب مورد استفاده
Enhance in Price	بالا بردن قیمت		تاریخ‌نویسان استفاده می‌کند.
Boost the Value of a Share	بالا بردن قیمت یک سهم	Bastiat, Frederic	باستیا، فردریک (۱۸۰۱-۱۸۵۰)
Overshooting (of Exchange Rate)	بالا بردن (نرخ ارز)		اقتصاددان فرانسوی طرفدار بازرگانی آزاد.
Highest Price; Maximum Price	بالا ترین قیمت	At a Premium; At a Profit	با سود
Highest Quarterly Wage	بالا ترین مزد سه ماهه	With Average	با سهم انفرادی (در دادن خسارت کشتی)
Peak	بالا ترین نقطه یک منحنی	Paris Club	«باشگاه پاریس»
De jure	بالا استحقاق		موافقتنامه ده کشور صنعتی برای افزایش منابع
Mark-up Pricing	بالا قیمت‌گذاری فروش		صندوق بین‌المللی پول در صورت تقاضای این
Variable Markup Pricing	بالا قیمت‌گذاری متغیر	Xmas Savings Club	باشگاه پس‌انداز کریسمس
Highs and Loss	بالا و پایین	Investment Club	باشگاه سرمایه‌گذاری
Above Value	بالای ارزش	Residents	باشندگان
Above-the-line	بالای خط	Above Par	با صرف
	در نظام بودجه نویسی انگلیس پرداختها و	Economical; Gainful; Pay	با صرفه
	دریافتهای محتوی در آن قسمت از بودجه دولت	Economical	با صرفه‌جویی اقتصادی
	است که با خرج سر و کار دارند و باید از محل	Confirmed Letter of Credit	با ضمانت
	درآمد مالیاتی پرداخته شوند.	Void Annul	باطل
Above Par	بالای نرخ برابری	Cancel	باطل کردن
Be Above Par	بالای نرخ برابری قرار گرفتن	Derogate From	باطل کردن نسبی یا جزئی
		Gross	با ظرف

Bank Asnaf Iran	بانک اصناف ایران	Mark up	بالایی قیمت فروش
Bank Etebarate Iran	بانک اعتبارات ایران	Balboa, B, B/	بالبو آ، واحد پول پاناما
Bank Etebarat Sanati	بانک اعتبارات صنعتی	Ipsa Facto	بالذاته
Bank of America	بانک امریکا	Amounting to	بالغ بر
Reserve Bank	بانک اندوخته	Amount	بالغ شدن
	بانک عضو فدرال رزرو ایالات متحد.	De facto; Ipsa Facto	بالفعل
Stockholm Enskilda	بانک انسکیلدای استکهلم	Potential; De jure	بالقوه
Bank		Charged in Full	با مخارج کامل
Bank of England	بانک او انگلند	Significant	بامعنا
	بانک مرکزی انگلستان.	Gainful	با منفعت
State Bank	بانک ایالتی (در ایالات متحد)	Approval (On)	با موافقت
Bank of Italy	بانک ایتالیا	Skilled	بامهارت
Bank of Ireland	بانک ایرلند	Bank	بانک
Commercial (or Joint-stock)	بانک بازرگانی	Asian Development Bank	بانک آسیایی توسعه
Bank; Trade Bank			هدف این بانک تشویق رشد اقتصادی و ایجاد
Opening Bank	بانک بازکننده اعتبار		هماهنگی در توسعه کشورهای عضو این بانک در
Banker's Bank	بانک بانکداران (بانک مرکزی)		منطقه است.
Banker's Bank	بانک بانکها	Amsterdamsche Bank	بانک آمستردام
Morris Plan Bank	بانک برنامه موریس	Advising Bank (The)	بانک ابلاغ کننده
Joint-stock Bank	بانک به صورت شرکت سهامی		بانکی است که اعتبار را به ذینفع ابلاغ می کند.
Wildcat Bank	بانک بی اعتبار	Remitting Bank	بانک ارسال کننده
	منظور بانک بدون پشتوانه است.		بانک ارسال کننده به دستور مشتری یا بانک کارگزار
Unit bank	بانک بی شعبه		وی وجه را می فرستد.
International	بانک بین المللی ترمیم و توسعه	Bank Ostan	بانک استان
Bank for Reconstruction and		Loan-bank	بانک استقراضی
Development		Bank of Scotland	بانک اسکاتلند
I.B.R.D.	نشانه اختصاری آن است. همان بانک	Skandinaviska Banken	بانک اسکاندیناوی
	جهانی (World Bank) است.	Islamic Development	بانک اسلامی توسعه
Paying Bank	بانک پرداخت کننده	Bank	
	بانکی است که به حساب بانک گشاینده اعتبار مبلغ		مرکز آن در جده با عضویت کشورهای اسلامی که
	اعتبار اسنادی را به ذینفع می پردازد.		بنابر احکام قرآن کریم و اصول اسلامی عمل
Saving Bank	بانک پس انداز		می کند.
Guaranty Saving Bank	بانک پس انداز تضمینی	Data Bank	بانک اطلاعات

Japan Development Bank	بانک توسعه ژاپن	Mutual Savings Bank	بانک پس انداز تعاونی
Industrial and Mining Development Bank of Iran	بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران	P.O.S.B.	بانک پس انداز دواير پستی
Caribbean Development Bank	بانک توسعه کارائیب	Post Office Saving Bank	نشانه اختصاری Post Office Saving Bank است.
Investment Bank	بانک تهیه سرمایه	Cotton Bank	بانک پنبه
Par-list Bank	بانک جزء فهرست برابری (ایالات متحد)	Confirming Bank	بانک تأییدکننده
World Bank	بانک جهانی	Confirming Bank	بانکی است که اعتبار ابلاغ شده به ذینفع را تأیید می‌کند.
Foreign Bank	بانک خارجی	Bank Tedjarat	بانک تجارت
Private Bank	بانک خصوصی	Bank Tedjarat	نام بانکی است در ایران که در نقش یک بانک بازرگانی عمل می‌کند.
People's Bank of China	بانک خلق چین	Commerzbank	بانک تجارت (در آلمان)
Pet Bank	بانک خودمانی	Trading Bank	بانک تجاری
Banker	بانکدار	Trading Bank	عمدتاً وامهای کوتاه مدت می‌دهد.
«Free Banker»	بانکدار آزاد	Development Bank	بانک تخصصی
Mortgage Banker	بانکدار رهنی	Development Bank	وامهای بلندمدت و کوتاه مدت می‌دهد و مستقیماً در واحدهای تولیدی سرمایه‌گذاری می‌کند.
Lending Banker	بانکدار وام‌دهنده	Bank for International Settlements	بانک تسویه بین‌المللی
Banker and Customer Banking	بانکدار و مشتری	Bank for International Settlements	بانک مرکزی برای بانکهای مرکزی است که اینک جزئاً صندوق بین‌المللی پول‌جانشین آن شده است.
Branch Banking	بانکداری از طریق شعب	Cooperative Bank; Mutual Bank	بانک تعاونی
Islamic Banking	بانکداری اسلامی	Cooperative Bank; Mutual Bank	بانک تعاونی پس انداز
Off-shore Banking	بانکداری برون مرزی	Mutual Saving Bank	بانک تعاونیها
Goldsmiths and Fractional Reserve Banking	بانکداری به وسیله زرگرها	Bank for Cooperatives	بانک تک شعبه‌ای
Interest Free-banking	بانکداری بی بهره	Unit Bank	بانک تک شعبه‌ای مستقل
Interest Free-banking	منظور بانکداری بدون ریاست.	Independent Unit Bank	بانک توسعه
Unit Banking	بانکداری تک شعبه‌ای	Development Bank	بانک توسعه آسیا
Fractional Banking	بانکداری جزئی	Asian Development Bank	نشانه اختصاری آن A.S.D.B. است.
Fractional Banking	بانکدارای که در آن الزام قانونی به حفظ نسبتی میان جمع کل سپرده‌ها در موجودی نقدی جاری وجود دارد.	African Development Bank	بانک توسعه آفریقا
Home Banking	بانکداری خانگی	Inter-American Development Bank	بانک توسعه درون امریکا

Checking-deposit Bank	بانک سپرده حساب جاری	Group Banking	بانکداری دسته‌جمعی
Post Office Savings Bank	بانک سپرده‌های دفتر پست (در سوئد)	Free Banking	بانکداری رایگان
Bank Sepah	بانک سپه	Chain Banking	بانکداری زنجیره‌ای
Investment Bank; Issuing House	بانک سرمایه‌گذاری	Investment Banking	بانکداری سرمایه‌گذاری
European Investment Bank	بانک سرمایه‌گذاری اروپا	Retail Banking	بانکداری شعبه‌ای
	E.I.B. نشانه اختصاری آن است.	Wholesale Banking	بانکداری عمده
International Investment Bank	بانک سرمایه‌گذاری بین‌المللی	Group Banking	بانکداری گروهی
	بانک توسعه برای کشورهای مغولستان، ویتنام، اروپای شرقی، کوبا و شوروی و اعطای اعتبارات بلندمدت و کوتاه‌مدت برای طرح‌های توسعه صنعتی تأسیس شده بود.		تجمع چند بانک در سیطره یک شرکت عمده سهامدار.
Investment Bank of Sweden	بانک سرمایه‌گذاری سوئد	Unit Banking	بانکداری واحد
Bank of Sweden	بانک سوئد	Banking and Currency Schools	بانکداری و مکتبهای پول
Capitalized Bank; Stock Bank	بانک سهامی	Bank of France	بانک دو فرانس
Stock Saving Bank	بانک سهامی پس‌انداز		بانک مرکزی کشور فرانسه است.
Joint-stock Bank	بانک سهامی مشترک	Deutsche Bank (Ger)	بانک دوپچه
Latin American Export Bank	بانک صادرات امریکای لاتین	Reserve Bank of Australia	بانک رزرو استرالیا
Japan Export-import Bank	بانک صادرات - واردات ژاپن		بانک مرکزی کشور استرالیاست.
Originating Bank	بانک صادرکننده اعتبار	Reserve City Bank	بانک رزرو شهری
Issuing Bank of the Letter of Credit	بانک صادرکننده اعتبارنامه		در ایالات متحد، بانک رزرو واقع در یک شهر.
Bank of Issue	بانک صدور اسکناس	Reserve Bank of New Zealand	بانک رزرو نیوزیلند
	بانک ناشر اسکناس است.		بانک مرکزی زلاندنو.
Bank San-at va Ma-dan IRAN	بانک صنعت و معدن ایران	Bank Refah Kargaran	بانک رفاه کارگران
		Land Bank	بانک رهنی
		Ship Mortgage Bank	بانک رهنی کشتی
		Mortgage Bank (Mexico)	بانک رهنی (مکزیک)
		Land Bank; Soil Bank	بانک زمین
		Bank of Japan	بانک ژاپن
		Bank for Building and Public Works	بانک ساختمانی و کارهای عمومی
		Deposit Bank	بانک سپرده
			بانکی است که سپرده می‌پذیرد.
		Penny Bank	بانک سپرده پنیسی

District Bank	بانک محلی	Industrial Bank; Morris Plan Bank	بانک صنعتی
Reference Bank	بانک مرجع	Bank Correspondent	بانک طرف معامله
Merchant Bank	بانک مرچنت	Arab Bank for Economic Development	بانک کارگزار است.
Central Bank	بانک مرکزی	Member Bank	بانک عربی توسعه اقتصادی
Bundes Bank	بانک مرکزی آلمان	Member Bank	بانک عضو (ایالات متحد)
«Landeszentralbanken»	بانک مرکزی ایالات آلمان	A.D.B.; African Development Bank	منظور بانکهای ایالات متحد عضو فدرال رزرو.
Bank Markazi Iran	بانک مرکزی ایران	Federal Intermediate Credit Bank	بانک عمران افریقا
	در خردادماه ۱۳۳۹ تأسیس شد و وظایف و اختیارات آن عبارتند از نشر اسکناس و ضرب سکه، نگهداری حسابهای دولت، تنظیم و اجرای سیاست پولی و ارزی و تنزیل مجدد اسناد اعتباری و بروات تجاری بانکهای کشور.	Federal Reserve Bank	بانک فدرال اعتبار میان مدت
Central Bank of Central Banks	بانک مرکزی بانکهای مرکزی	Wildcat Bank	بانک فدرال رزرو
Central Bank of Islamic Republic of Iran	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	Correspondent Bank	بانک مرکزی ایالات متحد و بانکی است خصوصی.
	نام جدید بانک مرکزی ایران پس از انقلاب اسلامی.	Notifying Bank	بانک فدرال زمین (ایالات متحد)
Danmarks Nationalbank	بانک مرکزی دانمارک	Pawn Bank	بانک
Central Bank of West African States	بانک مرکزی دولتهای افریقای غربی	Agricultural Bank; Country Bank	بانک قاچاق
Bank of Japan	بانک مرکزی ژاپن	Bank Keshavarzi Iran	بانک کارگزار
Mexican Central Bank	بانک مرکزی مکزیک	Federal Land Bank	بانک کارگزار یا شعبه بانک
Bank Maskan	بانک مسکن	Consortium Bank	واردکننده کالا
Reserve City Bank	بانک مقیم در شهر دارای شعبه فدرال رزور	Opening Bank	بانک کارگشایی
Banco De Mexico	بانک مکزیکو	Lloyds Bank Ltd	بانک کشاورزی
Bank Mellat	بانک ملت	Labour Exchange Bank	بانک کشاورزی فدرال
	بانک تجاری است که پس از انقلاب اسلامی از ادغام چند بانک تشکیل شده است.	Authorized Bank	بانک کنسرسیوم

Collecting Bank	بانک وصول‌کننده	National Bank	بانک ملی
	بانکی است که ذینفع برات مأمور وصول وجه برات کرده است.	Bank Melli Iran	بانک ملی ایران
British Overseas Banks	بانکهای آن‌سوی دریاهای انگلیس	National Savings Bank	بانک ملی پس‌انداز
			بانک معتبر ایرانی است که در سال ۱۳۰۶ شمسی تأسیس یافته است.
Agricultural Credit Banks	بانکهای اعتبار کشاورزی	Second National Bank	بانک ملی ثانوی
	بانکهایی که به اعطای اعتبارات کشاورزی مبادرت می‌ورزند.	Danmarks Nationalbank	بانک ملی دانمارک
Trustee Saving Banks	بانکهای امانی پس‌انداز	National Bank	بانک ملی (در ایالات متحد)
Merchant Banks (Accepting Houses)	بانکهای بازرگانی بین‌المللی (انگلیس) (مؤسسات پذیرشی)	Swiss National Bank	بانک ملی سوئیس
		Banco Nazionale Del Lavoro	بانک ملی کاره
Scottish Clearing Banks	بانکهای پای پای اسکاتلندی	National Bank of Yugoslavia	بانک ملی یوگسلاوی (پیشین)
			Yugoslavia
Savings Banks	بانکهای پس‌انداز	District Bank	بانک منطقه‌ای
		Unbankable	بانک‌ناپذیر
Savings Banks	بانکهای پس‌انداز (که سپرده می‌پذیرند)		مردود از دید بانک.
		District Bank	بانک ناحیه‌ای
Trustee Savings Banks	بانکهای پس‌اندازهای امانی	Pet Bank	بانک نازپرورده
			در ایالات متحد، به عنوان بانک سپرده برای اسناد فدرال برگزیده شده بود.
	این بانکها وامهای شخصی و اعتبار در حساب جاری می‌دهند و فعالیت خود را به رهن برای خرید خانه و اعطای وام به کسبه جزء گسترش بخشیده‌اند.	Bank of Issue	بانک ناشر اسکناس
Banks' for Cooperatives	بانکهای تعاونی	Bank of Issue	بانک نشر اسکناس
Multiple Office Banking	بانکهای چندشعبه‌ای	Pet Bank	بانک «نور چشمی» (در ایالات متحد)
Secondary Banks	بانکهای رده دوم	Monobank; Unit Bank	بانک واحد
Country Banks	بانکهای روستایی	Opening Bank	بانک واردکننده کالا
Investment Banks	بانکهای سرمایه‌گذاری	Lending Bank	بانک وام‌دهنده
		Central	بانک وحدت اقتصادی امریکای مرکزی
Investment Banks (Mex.)	بانکهای سرمایه‌گذاری (مکزیک)	American Bank for Economic Integration	بانک واحد اقتصادی امریکای مرکزی
		Bancor	بانکورتور
Branch Banking; Branch Banks	بانکهای شعبه‌دار		نام پول بین‌المللی پیشنهادی کنیز در کنفرانس برتن وودز
		Westminster Bank Ltd	بانک وستمنستر محدود

محصولات است و بنابراین کالا همچون بت جایگزین مناسبات اجتماعی می‌گردد.	Correspondent Banks	بانکهای طرف معامله همان بانک کارگزار است.
Absolve Oneself From Further Liability	Clearing Banks	بانکهای عضو اتاق پایا
Bagehot, Walter (۱۸۲۶-۱۸۷۷)	Federal Reserve Member Banks	بانکهای عضو فدرال رزرو
اقتصاددان پیشرو در نظریات مطلوبیت نهایی و تعادل عمومی اقتصادی.	Capitalization Banks	بانکهای فروشنده اوراق بهادار (در مکزیک)
Crisis	Correspondent Banks	بانکهای کارگزار
Depression	Agricultural Banks	بانکهای کشاورزی
Great Depression (1929-1935)		بانکهایی که اعتبار کشاورزی می‌دهند.
در این سال بورس نیویورک درهم شکست و قیمتها فرو ریخت.	British Overseas Banks	بانکهای ماورای بحار انگلیس
Gold Crisis	State-chartered Banks	بانکهای مجاز ایالتی
هنگامی است که صدور کالا به خارج از کشور در برابر تعهدات بین‌المللی به حدی برابر با موجودی طلای باقیمانده ضروری برای پشتوانه قانونی برسد.	Country Banks	بانکهای واقع در مناطق روستایی
Financial Crisis	Par-list Bank	بانک همدیف
Merchant Marine	Promoter	بانی
Stochastic	Promote	بانی شدن
Cash and Carry	Company Promoter	بانی شرکت
Section; Sector	Policy-on	با وجود سیاست
Banking Sector	At Any Rate	با هر نرخ
Rest of the World Sector	At All Costs	با هر هزینه
Distributivity; Divisibility	Simultaneously	با هم
Monetary Sector	Split	با همدیگر شرکت یا تقسیم کردن
	Commute	باهم عوض کردن
	Synthesis	با هم نهاد
	File-keeper	بایگان
	Filing; Records Management	بایگانی
	Geographic Filing	بایگانی جغرافیایی
	File	بایگانی کردن
	Rotary Wheel Card File	بایگانی گردان
	Subject Filing	بایگانی موضوعی
	Commodity Fetishism	بُت کالایی
		از دید مارکسیس روابط اجتماعی نتیجه مبادلات
بخش پولی است.		
Monetized Sector	Leading Sector	بخش پولی اقتصاد
		بخش پیشتاز
در اقتصاد برنامه بخش دارای اولویت است و یا بخشی که محرک رشد و توسعه اقتصادی بخشهای دیگر است.		
Leading Sector		بخش پیشرو
		بخشی که در تعیین قیمت پیشرو است.

Business Sector	بخش کار و کسب	Overseas Sector	بخش خارجی
Divide; Share	بخش کردن	Private Sector	بخش خصوصی
Give-out Order	بخش کردن سفارش		بخشی است که در آن سرمایه‌های خصوصی
Agricultural Sector	بخش کشاورزی		فعالیت دارند.
Consumer Sector	بخش مصرفی	Government Sector	بخش دولتی
Leading Sector	بخش مقدم	Public Sector	
Circular Note	بخشنامه		یا بخشی عمومی که دولت در آن نقش اقتصادی
Budget Call	بخشنامه بودجه		دارد.
General Circulation	بخشنامه عمومی	Capital-intensive Sector	بخش سرمایه‌بر
Grantor	بخشنده		بخشی که نیاز به انباشت شاید سرمایه دارد.
Indemnity; Remission	بخشودگی	Bounty; Grant; Subvention	بخشش
Tax Exemption	بخشودگی مالیات	Donation	بخشش بلاعوض
Income Tax	بخشودگی مالیات بر درآمد	Infeoffment	بخشش تیول
Allowance		Land Grant	بخشش زمین
Tax Allowance; Tax	بخشودگی مالیاتی	«Gift of Nature»	بخشش طبیعت»
Remission		Factor Endowment	بخشش عامل
Marginal Relief	بخشودگی نهایی	General Grant	بخشش عمومی
Remit	بخشودن	Block Grant	بخشش غیر مستمر و مقرر
Free from	بخشوده از جبران خسارت خاص	Remission of Tax	بخشش مالیات
Particular Average		Regional	بخشش مالی برای توسعه منطقه‌ای
Free of Duty	بخشوده از عوارض گمرکی	Development Grant	
Allowance; Free of Income	بخشوده از مالیات	Deed of Gift	بخشش نامه
Tax; Tax Exempts; Tax Free		Intergovernmental	بخششهای درون دولتی
F.a.a.	بخشوده از هرگونه خسارت	Grants	
	نشانه اختصاری Free of all average است.	Gift Tokens	بخشش یادگاری
Free of All	بخشوده از هرگونه خسارت	Industrial Sector	بخش صنعتی
Average		Public Sector	بخش عمومی
Modern Sectors	بخشهای امروزی		همان بخش دولتی است.
	منظور بخش صنعت است.	Nonmonetized Sector	بخش غیر پولی
Traditional Sectors	بخشهای سنتی		بخشی است که در آن پول جریان ندارد.
	منظور کشاورزی سنتی است.	Informal Sector	بخش غیررسمی
Modern Sectors	بخشهای متجدد	Sales Department	بخش فروش
Modern Sectors	بخشهای نوپیشرفته	Personal Sector	بخش کارکنان

Nonrecourse	بدون حق تعقیب قانونی نسبت به مدیون یا ظهرنویس (درمورد قرضه)	Modern Sectors	بخشهای نوین
Ex-New	بدون حق خرید سهام تازه	Sub Program	بخشی از برنامه
«A» Ordinary Shares	بدون حق رأی	Sub-function	بخشی از یک وظیفه
Without Recourse;	بدون حق رجوع	Donate; Grant	بخشیدن
Nonrecourse		Pessimism	بدبینی
Rent Seck	بدون حق گروکشی	Miscalculate	بد حساب کردن
Ex Rights	بدون حقوق قبلی	Dishonour	بدحسابی
F.C.O.; Franco	بدون خرج	Distrustfull	بدگمان
Acting Partner	بدون دخالت در عمل	Distrust	بدگمانی
Bootless	بدون سود	Substitute	بدل
Ex-Div	بدون سود سهام	Hulk	بدنه کشتی
	نشانه اختصاری Ex-dividend است.	Ex-all	بدون
Expart	بدون سهم	No Par	بدون ارزش اسمی
Policy-off	بدون سیاست (درآمدی)	No Par Value	بدون ارزش اسمی
Bona Fide	بدون قصد حيله و فریب	Merit Bad	بدون استحقاق
Non-employment	بدون کار	Dividend	بدون استفاده از سود سهام در سالهای مخصوص (ایالات متحد)
Ex Coupon	بدون کوپن بهره	off	
Free of Income Tax	بدون مالیات	No Advice	بدون اطلاعیه
Excluding Value	بدون مالیات بر ارزش افزوده	N.P.	بدون اعتراض
Added Tax			نشانه اختصاری No protest است.
Unencumbered	بدون مانع	Without Engagement	بدون الزام
No Funds	بدون محل	Without	بدون ایراد صدمه به این کشتی در بست
F.C.O.; Franco	بدون مخارج پستی	Prejudice to this Charter Party	
F.C.O.; Franco	بدون مخارج تحویل	No Par Value	بدون بهای اسمی
No Quotation;	بدون مظنه (بورس)	Rent-free	بدون بهره
Nonquotation			بدون بهره مالکانه.
Off-line	بدون نظارت مستقیم رایانه	Flat; Ex-interest	بدون بهره
N.P.	بدون واخواهی	Sine Die	بدون تاریخ
Ex Rights	بدون هرگونه حق	Improvied	بدون تدارک
Without Cost	بدون هزینه	Without Engagement	بدون تعهد
Ex Wharf	بدون هزینه در اسکله	Ex Gratia	بدون چشم داشت
Post Free	بدون هزینه پست	Ex-drawing	بدون حق برداشت
		Ex Bonus	بدون حق پذیره

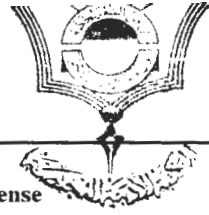
Secured Liability	بدهی با وثیقه	Carriage Free; Franco	بدون هزینه حمل
Unsecured Liability	بدهی بدون تضمین	Domicile	
Due to Banks	بدهی به بانکها	Ex-all	بدون هیچ مزیت
Trade Liability	بدهی به دلیل خرید کالا و خدمت	Primal; Primitive	بدوی
Funded Debt	بدهی تبدیلی	Debt	بده
	فروش اوراق بهادار بلندمدت و پرداخت بدهیهای کوتاه مدت از محل وجوه حاصله و به این وسیله تبدیل بدهیهای کوتاه مدت به بلندمدت.	Debenture Bond Debit; Debtor; Indebted; Liable; Obliger Obligor; Red (in the Red)	بدهکار
Trade Liability	بدهی تجاری	Principal Debtor	بدهکار اصلی
Assumed Liability	بدهی تضمین شده	Sundry Debtors and Creditors	بدهکاران و بستانکاران متفرقه
Guaranteed Debenture	بدهی تضمینی	Over	بدهکار بودن
Liability for Endorsement	بدهی تعهدی	To be in the Red	بدهکار بودن (در حساب)
Productive Debt	بدهی تولیدی	Solvere	بدهکار قادر به پرداخت
Fixed Debt	بدهی ثابت	Charge; Charge the Account of; Indebt	بدهکار کردن
Fixed or Long Term Liability	بدهی ثابت یا بدهی درازمدت	Direct Debiting	بدهکارگردانی مستقیم
Current Debt; Current Liability	بدهی جاری	Distrainee	بدهکار مال در توقیف
Creditors' Equity	بدهی جز حق صاحبان سهام	Charge	بدهکار نمودن حساب
Liability for Endorsement	بدهی حاصله از جبرو یا پشت نویسی	Mortgage Debenture	بدهکار وثیقه دار
		Debtorship; Indebtedness	بدهکاری
		Deferred Liability	بدهکاری معوق
External Debt	بدهی خارجی	Accrued Liabilities	بدهکاریهای متعلقه
Internal Debt	بدهی داخلی	Trade-off	بده و بستان
Funded Debt	بدهی دارای پشتوانه و درازمدت	Charge; Debit; Due; Indebtedness	بدهی
Debt; Over	بدهی داشتن	Liability; Negative Asset	ادعا یا حق طلبکار بر حسب پول است.
Fixed Liability; Funded Debt	بدهی درازمدت	Contingent Liabilities	بدهی اتفاقی
Government Debt	بدهی دولت	Contingent Liability	بدهی احتمالی
Federal Debt	بدهی دولت مرکزی ایالات متحد	Single Liability	بدهی انفرادی
Maturing Liability	بدهی رو به سررسید	Joint and Several Liability	بدهی با چند طرف حساب
Matured Liability	بدهی سررسید گذشته	Limited Liability	بدهی با مسئولیت محدود
Capital Liability	بدهی سرمایه		

Contingent Liabilities	بدهیهای احتمالی	Liability Dividend	بدهی سود سهام
Bank Liabilities	بدهیهای بانک	Personal Liability	بدهی شخصی (بدهی شخص حقیقی نه حقوقی)
Bank-deposit Liabilities	بدهیهای بانک به صورت سپرده	Explicit Debt	بدهی صریح
Banks' Liabilities	بدهیهای بانکی	Bonded Debt; Bonded Indebtedness	بدهی ضمانت شده
Long Term Liability	بدهیهای بلندمدت	Implicit Debt	بدهی ضمنی
Capital Liability	بدهیهای درازمدت		مانند مزایای تأمین اجتماعی.
Bank-deposit Liabilities	بدهیهای سپرده‌ای بانک	Payable on Demand Debt; Demand Debt	بدهی عندالمطالبه
Eligible Liabilities	بدهیهای قابل قبول (در انگلیس)	Indirect Liability	بدهی غیرمستقیم
Aggregate Liabilities	بدهیهای کل	Floating Debt	بدهی قابل تغییر
Doubtful Debts	بدهیهای مشکوک‌الوصول	Legal Liability	بدهی قانونی با مسئولیت تعهد
Medium Term Liabilities	بدهیهای میان‌مدت	Short-term Debt; Short-term Liability	بدهی کوتاه‌مدت
Contingent Liabilities	بدهیهای نامعین و احتمالی	Floating Debt	بدهی متغیر
Eligible Liabilities	بدهیهای واجد شرایط بدهیهای قابل قبول است.	Contingent Liabilities	بدهی محتمل الوقوع
Overlapping Debt	بدهیهای همزمان	Dead Weight Debt	بدهی مرده
Liabilities of a Bank	بدهیهای یک بانک	Direct Debit	بدهی مستقیم
Liabilities of a Company	بدهیهای یک شرکت	Joint and Several Liability; Joint Liability	بدهی مشاع
Goings-on	برآمدها	Joint Liability	بدهی مشترک
Assessment; Estimation; Evaluation	برآورد	Double Liability	بدهی مضاعف
	تعیین ارزش پارامترهای یک الگوی اقتصادی بر اساس محاسبات آماری داده‌های نمونه.	Good Debt	بدهی مطمئن
Statistical Estimation	برآورد آماری	Secured Liability	بدهی کد پرداخت آن حتمی است.
Capitalization	برآورد ارزش کنونی سرمایه	Arrears; Outstanding Debt	بدهی معوق
Simple Unbiased Estimate	برآورد بدون تورش		بدهی عقب افتاده است.
Assessment Insurance	برآورد بیمه‌ای	Bonded Debt	بدهی مورد تضمین
Final Estimate	برآورد پایانی	Active Debt	بدهی ناپرداخته
Differential Estimate	برآورد تفاضلی	Active Debt	بدهی ناپرداختی
Overestimate	برآورد زیادی	Unlimited Liability	بدهی نامحدود
		Marginal Liability	بدهی نهایی

Anti-thesis	برابر نهاد	Interval Estimation	برآورد فاصله‌ای
Marginal Pair	برابر نهایی	Final Estimate	برآورد قطعی
Par; Parity	برابری	Rate	برآورد کردن
Arbitrated Par of Exchange	برابری اختیاری ارز	Undervaluation	برآورد کم
Exchange Parity	برابری ارز	Estimator; Surveyor	برآوردکننده
Commercial Par	برابری بازرگانی		روشی برای برآورد مقادیر آماری یا پارامترهای یک معادله از آمارها و داده‌های در اختیار.
Uncovered Interest Parity	برابری بدون وثیقه بهره	Average Surveyor	برآوردکننده خسارت
Equation of Payments	برابری پرداختها	Linear Estimator	برآوردکننده خطی
Saving Equals Investment	برابری پس انداز با سرمایه‌گذاری	Systems Estimator	برآوردکننده دستگاهها
Equality of Saving and Investment	برابری پس انداز و سرمایه‌گذاری	Single Equation Estimator	برآورد کننده واحد معادله
Commercial Par	برابری تجاری	Unbiased Estimators	برآوردکننده‌های ناریب
Distributional Equity	برابری توزیعی	Assessment	برآورد مالیات
Gold Parity	برابری طلا	Family Expenditure Survey	برآورد مخارج خانواده
Vertical Equity	برابری عمودی	Mixed Estimation	برآورد مختلط
	دیدنی را دربر می‌گیرد که توزیع منصفانه را تشکیل می‌دهد مثلاً مالیات‌بندی برحسب مراتب درآمدی.	Unbiased Estimate	برآورد ناریب
Cross Exchange	برابری غیرمستقیم (ارز)	Simple Unbiased Estimate	برآورد ناریبی ساده
Indirect Parity	برابری غیرمستقیم	Ratio Estimate	برآورد نسبی
Purchasing-power Parity	برابری قدرت خرید	Law of Satiabile Wants	برآوردنی
Countervailing Power	برابری قدرت خرید و قدرت فروش	Regression Estimate	برآورد وایازی
Tax Equity	برابری مالیاتی	Liberation; Quittance	برانت
Cross-rate	برابری نامستقیم	Paying Up; Release	برانت از دین
Exchange Rate Parity	برابری نرخ ارز	Absolve Oneself From Further Liability	برانت ذمه
Bill; Bill of Exchange; Draft; Order; Paper; Soft Money	برات	Pay Up	برانت ذمه حاصل کردن
	سندی است که به موجب آن برات‌گیر (بدهکار) ملزم است وجه معینی را در تاریخ مشخص یا به محض رویت بد برات‌کش (طلبکار) بپردازد.	At Par; Pari Passu	برابر
		(Acre)	برابر با ده هزار متر مربع و ۲/۴۷۱۱ اکر
		Hectare (ha)	
		Tax Equalization	برابرسازی مالیات
		Par of Exchange	برابر فلزی

Bankable Bill	برات پذیرفتنی	Bill of Exchange; Foreign Bill	برات ارزی
Unaccepted Bill	برات پذیرفته نشده	Dollar-exchange Bill	برات ارزی دلاری
Discharge; Payment Bill	برات پرداختی	Sterling Bill	برات استرلینگ
House Bill	برات پوچ	Bill of Exchange	برات اسعاری
Advance Bill	برات پیشکی	Foreign Bill of Exchange	برات اسعاری خارجی
Commercial Bill; Commercial Draft; Trade Bill; Trade Draft	برات تجاری	Documentary Bill	برات اسنادی
Fine Trade Bill	برات تجاری درجه اول		براتی است که همراه با مدارک حمل کالا به منظور دریافت وجه آن از برات‌گیر برای او فرستاده می‌شود.
Kite	برات تجاری همکاری	Prime Bill of Exchange	برات اسنادی درجه اول
Redraft	برات تجدیدشده	Usance	برات اسنادی مدت‌دار
Renewal Bill (of Exchange)	برات تجدیدی	Original Bill	برات اصل
Finance Bill	برات تدارک مالی	Credit Bill	برات اعتباری
Sola	برات تک‌نسخه‌ای	Arrival Draft	برات اعتباری ورود کالا
Renewal Bill (of Exchange)	برات تمدیدی	Commercial Bill; Commercial Draft; Trade Draft	برات بازرگانی
Bankable Bill	برات تنزیل‌شدنی	Domiciled Bill	برات با محل پرداخت معین
House Bill	برات توخالی	Bill After Date	برات با مهلت
	همان برات پوچ است.	Bank Draft; Bank Paper	برات بانک
Redraft	برات جدید	Bankable Bill	برات بانک‌پذیر
Order Bill	برات حواله‌کرد	Banker's Bill	برات بانکدار
Order Bill of Exchange	برات حواله‌کرد ارزی	Bank Bill; Bank Draft; Banker's Acceptance; Banker's Draft	برات بانکی
Order Bill of Exchange	برات حواله ارزی	Fine Bank Bill; Prime Bank Bill	برات بانکی ممتاز
External Bill; Foreign Bill; Foreign Exchange	برات خارجی	Clean Bill	برات بدون ضمیمه
	وسیله پرداخت مطالبات در تجارت خارجی است.	Long Dated Bill	برات بلندمدت
Foreign Bill of Exchange	برات خارجی ارزی	«Order Paper»	«برات به حواله‌کرد»
Foreign Bill For Collection	برات خارجی وصولی	Time Draft	برات به وعده
Accommodation Bill	برات خصوصی	Worthless Bill	برات بی‌ارزش
Self-liquidating Bill	برات خودواریزکننده	Clean Bill	برات بی‌قید
Domestic Bill; House Bill; Inherent Bill; Inland Bill of Exchange	برات داخلی		
	این برات در یک کشور صادر و در کشور دیگر پرداخته می‌شود.		

B/P; Due Bill	برات قابل پرداخت	Bill Holder	برات‌دار
Bill(s) Payable به معنای	B/P نشانه اختصاری	Long Bill	برات درازمدت
	برات قابل پرداخت است.	Fine Bank Bill	برات درجه اول بانکی
Bill Payable	برات قابل پرداخت پس از رؤیت	Third Class Paper	برات درجه سوم
after Sight		First Class Bill	برات درجه یک
B/R	برات قابل دریافت	Bill Receivable	برات دریافت کردنی
Bill(s) Receivable به معنای	نشانه اختصاری	Dollar Exchange	برات دلاری
	برات قابل دریافت است.	Accommodation Bill;	برات دوستانه
Bill; Bill for Negotiation	برات قابل معامله	Accommodation Note; Kite; Windbill	
Continental Bill	برات قاره‌ای	Accommodation	برات دوستانه بدون وجود دین
Unaccepted Bill	برات قبول نشده	Paper	
Acceptance Bill	برات قبولی	Bill Payable after Sight;	برات دیداری
Demand Draft	برات کتبی	Demand Bill; Demand Draft; Short Bill;	
Short-term Paper	برات کوتاه‌مدت	Sight Bill; Sight Draft	
Short Exchange	برات کوتاه‌موعد		برات‌گیر به محض دریافت برات باید مبلغ آن را
Drawee	برات‌گیر		بپردازد.
Bill Finance	برات مالی	Demand Bill; Demand Draft	برات رؤیتی
Bill of Exchange	برات مبادله‌ای		همان برات دیداری است.
Prime Bill	برات متغیر	Clean Bill	برات ساده (بدون امضا)
Redraft	برات مجدد	Overdue Bill	برات سررسید گذشته
Bill Time Draft; Period Bill;	برات مدت‌دار	Bill Due	برات سررسیده
Time Bill		Investment Bill	برات سرمایه‌گذاری
Trade Acceptance	برات مدت‌دار فروش	Blank Bill; Clean Bill	برات سفید
Advance Bill	برات مساعده	Document Bill	برات سندی
Conditional Bill	برات مشروط	Bank Cheque	برات صادره یک بانک
	پرداخت وجه این برات موقوف به تحقق شرطی		همان چک بانک است.
	است.	Accommodation Bill;	برات صوری
Discharged Bill	برات مشمول اسقاط حق	Kite	
	براتی است که برات‌گیر وجه آن را حداکثر تا سر	Demand Bill	برات عندالمطالبه
	رسید پرداخته یا برات‌کش از حقوق خود در این	Out-draught	برات عهده خارج
	مورد گذشته است.	Home-trade Bill	برات عهده داخلی
Bill for Negotiation	برات معامله‌ای	Time Bill; Time Draft	برات غیر دیداری
Fine Bill; Prime Bill	برات معتبر	Undiscountable Bill	برات غیر قابل تنزیل



Sale	برای فروش	Bill in Suspense	برات معلق
Ad Hoc	برای منظور خاص	First Class Bill	برات ممتاز
Ad Hoc	برای منظور مقرر یا موقت	Due Bill	برات موعدرسیده
A Posteriori	براین قیاس	Overdue Draft	برات موعدگذشته
Establish	برپا ساختن	Time Draft	برات میعادی
Establish	برپا کردن	Dishonoured Note	برات نکول شده
Monetary Sovereignty	برتری پولی	Due Bill	برات واجب الادا
Prefer	برتری دادن		برات سررسید گذشته است.
Competitive Edge	برتری رقابت آمیز	Out-draught	برات وارده
Absolute Advantage; Absolute	برتری مطلق	Arrival Draft	برات ورودی
Priority			برات اعتباری ورود کالا است.
مزیت مطلق یک کشور نسبت به دیگران به عرضهٔ محصول یا خدمت با هزینه‌ای کمتر.		Bill for Collection	برات وصولی
Fraudulent Preference	برتری ناصواب	Usance	برات وصولی مدت دار
Comparative Advantage	برتری نسبی	Time Bill	برات وعده
اگر یک کشور بتواند فقط یک محصول را با هزینهٔ کمتر تولید کند دارای مزیت نسبی است.		Usance Bill	برات وعده دار
Label; Tag; Ticket	برچسب	Notes Payable	براته‌های پرداختنی
Union Label	برچسب اتحادیه	Bank Post Bills	براته‌های پستی بانک
Golden Labeling	برچسب درجه بندی	Bills Purchased and Discounted	براته‌های خریداری و تنزیل شده
Labeling	برچسب زنی	Notes Receivable	براته‌های دریافت کردنی
Price Tag	برچسب قیمت	Third Country Bills	براته‌های کشور سوم
Chronologize	بر حسب تقدم و تأخر زمانی	Protested Bill	براته‌های واخواست شده
As Per	بر حسب حساب و اگمداری تحویلی	Bills For Collection	براته‌های وارز شده
Account Received		Bills For Collection	براته‌های وصولی
Per Stripes	بر حسب درجات	Prove	بر اثر آزمایش بی بردن
Per Stripes	بر حسب شاخه‌ها	Write Up	بر ارزش افزودن
According to Usage	بر حسب عادت یا معمول	Well-behaved	برازا
According to Circumstances	بر حسب مورد	Well-behaved	برازنده
Per My et Per Tout	بر حسب نیمه و همه	Ad Valorem	بر اساس ارزش
Externality	برخورداری از عوامل خارجی	Stimulative	برانگیزنده
Economic Conflict	برخورد اقتصادی	Rehabilitate	برای الدمه کردن
		For Account of	برای حساب ...
		Buying-in	برای خود در حراج برداشتن

Pilot Survey	بررسی اکتشافی	Intercept	برخوردها
Feasibility Study	بررسی امکان	Tax Impact	برخوردها مالیات
Market Research; Market Study	بررسی بازار	Conflict of Interests	برخوردها منافع
		Gain	بُرد
	گردآوری آمارها و اطلاعات درباره فروش و توزیع کالاها و خدمات در دوره‌های معین و تجزیه و تحلیل آنها و نتیجه‌گیری.	Vector	بردار
		Unit Vector	بردار واحد
Statement Analysis	بررسی تحلیلی یک ترازنامه	Noncollinear Opposite Vector	بردارهای زوج
		Unit Vector	بردار یک
Detailed Account	بررسی حساب	Check Off; Concept; Drawing; Withdrawal	برداشت
Ethics	بررسی خلیات و رفتار	Compulsory Levis	برداشت اجباری از دارایی
Business Economics	بررسی راههای تولید و توزیع کالاها	Partial Drawings and or Shipments	برداشت به دفعات و یا حمل کالا به دفعات
Time Study	بررسی زمانی	Itemized Appropriation	برداشت جزء به جزء
Feasibility Study	بررسی عملی بودن	Withdrawal	برداشت کردن
Sales Audit	بررسی فروش	Cross Firing	برداشت موازی
Shop Audit	بررسی فروش فروشگاه	Setting Aside	برداشت وجه
Work Study	بررسی کار	Withdrawals	برداشتها
Business Study	بررسی کار و کسب		هرگونه درآمدیست که از مسیر جریان دایره‌ای درآمد نگذرد و در نتیجه برای خرج در خرید کالاها و خدمات جاری تولید موجود نباشد.
Inspect	بررسی کردن	Cross Firing	برداشت همزمان
Evaluation	بررسی کمیت و کیفیت	Staff Drawing	برداشتی کارمندان
Surveyer	بررسی‌کننده	Carriage	بردن
Reconsideration	بررسی مجدد	Slavery	برده‌داری
Operations Research	بررسی مسائل سازمان		نظام اجتماعی - اقتصادی است که انسانهای فرودست در مالکیت اربابان قرار دارند و استثمار می‌شوند.
Performance Review	بررسی نحوه اجرای کار	Matched and Lost	برد یا باخت
Sight Test	بررسی نظری	Handling; Investigation; Review; Survey	بررسی
Spot Check	بررسی نمونه‌ای		
Marginal Farmers	برزگران نهایی		
High Coupon	برش (برگه بهادار) پُر سود		
High Coupon	برش (برگه بهادار) سودآور		
Subshare	برش سهم		
Gold Tranche	بُرش طلا		
Age Earnings Profile	برش عواید سنی	Public-opinion Survey	بررسی افکار عمومی

Draw Back	برگشت حقوق گمرکی	Balance on Account	برقرار سازی تراز در حساب
Fixed Asset Turnover	برگشت دارایی ثابت	Establish	برقرار کردن
Tangible Asset Turnover	برگشت دارایی عینی	Installation of Accounting Systems	برقراری روشهای حسابداری
Operating Asset Turnover	برگشت دارایی فعال همان دارایی مشهود است.	Temporary Layoffs	برکناریهای موقت
Total Asset Turnover	برگشت دارایی کل	Application and Allotment Sheet	برگ انتشار سهام
Tangible Asset Turnover	برگشت دارایی مادی	Credit Note	برگ بستانکار
Deposit Turnover	برگشت سپرده	Unlisted Security	برگ بهادار بیرون از صورت (بورس)
Repatriation	برگشت سرمایه به کشور		هر سندی که در بورس به ثبت نرسیده است.
Working Capital Turnover	برگشت سرمایه در گردش	Underwriting Account	برگ بیمه
Plant Turnover	برگشت سرمایه کارخانه	Spread Sheet	برگ تفکیکی
Invested Capital Turnover	برگشت سرمایه مورد سرمایه گذاری	Requisition	برگ تقاضا
Finished Goods Turnover	برگشت کالاهای ساخته شده	Out Card	برگ خروج سند (در مناقصه و مزایده)
Remission of Tax; Tax Deduction	برگشت مالیات	Purchase Order	برگ خرید
Tax Rebate	برگشت مالیاتی	Talon	برگ درخواست کوپن
Raw Meterial Turnover	برگشت مواد اولیه	Staff	برگ دریافت مساعده و برداشت کارمندان
Hysteresis	برگشت ناپذیری	Cash Drawing Card	برگذاری تشریفات عزیمت کشتی
Gross Plant Turnover	برگشت ناخالص سرمایه ثابت	Clearance	یا هواپیما
Gross Plant Turnover	برگشت ناخالص سرمایه کارخانه	Pay Back; Rebate	برگرداندن وجه
Revocable	برگشتنی	Deposit Receipt	برگ رسید سپرده
Draw Back; Retd; Returned; Reversionary Annuity; Turnover	برگشتی	Selection	برگزیده
Operating Asset Turnover	برگشتی دارایی بهره برداری	Deduction; Regress; Relapse	برگشت
Investment Turnover	برگشتی سرمایه گذاری	Reserving Entry	برگشت از حساب
		No Noting (N/N)	برگشت بدون هزینه
		Back Bill	برگشت برات
		Relapse	برگشت به حال نخست
		Revocable	برگشت پذیر
		Instalment	برگشت حق بیمه های مستمری
		Refund Life Annuity	

Treasury Security	برگه بهادار خزانه	Invested Capital	برگشتی سرمایه بنیادی
Irredeemable Security	برگه بهادار غیر قابل باز خرید	Turnover	
Convertible Security	برگه بهادار قابل تبدیل	Invested Capital Turnover	برگشتی سرمایه مورد سرمایه گذاری
Eligible Security	برگه بهادار قابل قبول	Returns	برگشتیها
Junior Security	برگه بهادار متأخر		منظور چکها، بروات و یا کالاهای مرجوعی است.
Gilt-edged Security	برگه بهادار مطمئن	Custom Drawbacks	برگشتیهای حقوق گمرکی
Gilt-edged Security; Seasoned Security	برگه بهادار معتبر	Purchase Returns	برگشتیهای خرید
Eligible Security	برگه بهادار واجد شرایط	Sales Returns	برگشتیهای فروش
Eligible Paper	برگه بهادار واجد شرایط تنزیل مجدد	Invoice	برگ فروش
Letter of Acceptance (Underwriting)	برگه پذیرش	Business Card	برگ نشانی تجاری
Pay-roll; Wage-sheet	برگه پرداخت	Signature Card	برگ نمونه امضاء (بانکداری)
«Paying-in-slip»	برگه پرداخت وجه به بانک	Debenture	برگ و سند قرضه
Tax Anticipation Note	برگه پیش پرداخت مالیات	Advice Note	برگه اطلاعیه
Allonge	برگه پیوست	Letter of Credit	برگه اعتبار
Ordinary Bill (Trade Paper)	برگه تجاری	Letter of Transmittal	برگه انتقال
Letter of Allotment	برگه تخصیص	Negotiable Documents	برگهای داد و ستد پذیر
Discount Sheet	برگه تخفیف		مانند سهام و اوراق بهادار و چک و اسناد بازرگانی.
Clearing Sheet	برگه تصفیه	Debit Memorandum; Debit Note	برگه بدهکار
Weight Note	برگه توزین	Promissory Note	برگه بدهی
Posting Media; Recording Medium	برگه ثبت	Credit Slip	برگه بستانکار
Running Form	برگه چاپی	Security	برگه بهادار
Account Form	برگه چاپی حساب (در تهیه ترازنامه)	Seasoned Security	برگه بهادار آماده
Remittance Slip	برگه حساب وجه ارسالی	Security Sterling	برگه بهادار استرلینگ
Attendance Sheet	برگه حضور		برگه بهادار انگلیسی خارج از حوزه استرلینگ و قابل تبدیل به استرلینگ.
Bearer Paper	برگه در وجه حامل	Open-market Paper	برگه بهادار بازار باز
Pay-in-slip	برگه دریافت	Irredeemable Security	برگه بهادار باز خرید نشدنی
		Consol	برگه بهادار بدون سر رسید (در انگلستان)
		Bearer Security; Bearer Security (ties)	برگه بهادار بی نام

Zero Deffects Programme	برنامه بدون عیب	Tally Sheet	برگه ذیحسابی
Bernstein Plan	برنامه برنستین	Pay Slip (Receipt)	برگه رسید دستمزد
	راه حل مسئله نقدینگی نابسندۀ بین المللی به این ترتیب که مازاد تراز پرداختیهای صندوق بین المللی پول در اختیار کشورهای دچار کمبود نقدینگی قرار گیرد.	Journal Voucher	برگه روزنامه
Beveridge Plan	برنامه بوریدج	Share	برگه سهم (اصطلاح امریکایی)
	برنامه بیمه اجتماعی در انگلیس.	Letter of Indemnity	برگه ضمانت
European Recovery Program (E.R.P.)	برنامه بهبود اروپا	Bond to Bearer	برگه قرضه ثبت نشده
Indifference Plan	برنامه بی تفاوتی	Perpetual Debenture	برگه قرضه دائمی
Insured Pension Plan	برنامه بیمه بازنشستگی	Agricultural Bond	برگه قرضه کشاورزی
Bonus Plan	برنامه پاداش	Cost Sheet	برگه قیمت
Rowan Premium Plan	برنامه پاداش رووان	Routing Control Form	برگه نظارت مسیر نامه
	برنامه مزد تشویقی است که بر طبق آن به کارگر تا مقدار تولید پایه حداقل مزد پرداخته و از آن درصدی افزوده می شود.	Clearing Sheet	برگه واریز (در بورس)
Gantt Preminum Plan	برنامه پاداش گانت	Transfer Voucher	برگه های انتقالی
	برنامه مزد تشویقی و انگیزشی برای کارگر است.	Term Bonds	برگه های قرضه مدت دار
Cash Plan	برنامه پرداخت نقدی	Baran, Paul	بَرَن، پُل (۱۹۱۰-۱۹۶۴)
Social Security Program	برنامه تأمین اجتماعی		اقتصاددان امریکایی که چارچوب سنتی اقتصاد مارکسیستی را بسط داد.
Buffer Stock Plan	برنامه تأمین ذخیره	Plan; Program; Schedule; Scheme	برنامه
Dean Schedule	برنامه تحلیلی (اصطلاح بیمه)	Contingency Plan	برنامه احتیاطی
Premium Discount Plan	برنامه تخفیف ممتاز	Safety Program	برنامه استحقاقی
Combined Plan	برنامه ترکیبی	Use Plan	برنامه استعمال
World Food Programme	برنامه تغذیه جهانی	Use Plan	برنامه استفاده
Flexible Schedule	برنامه تغییرپذیر کار	Financial Rehabilitation	برنامه اصلاح
United Nations Development Programme	برنامه توسعه دملل متحدہ	Point Four Program	برنامه اصل چهار
		Main Programme	برنامه اصلی
Production Schedule	برنامه تولید	Base Surplus Plan	برنامه اضافه پایه
Physical Resources	برنامه جریان منابع مادی	Revolving-credit Plan	برنامه اعتبار دورانی
Flow Plan		Wage Advance Plan	برنامه افزایش دستمزد
Sub Program	برنامه جزئی	Schedular	برنامه ای
		Safety Program	برنامه ایمنی
		Marketing Plan	برنامه بازاریابی
		Funded Pension Plan; Pension Plan	برنامه بازنشستگی
		Funded Pension Plan	برنامه بازنشستگی مستمر

Sectoral Planning	برنامه ریزی بخشی	Audit Program	برنامه حسابرسی
	فقط بخشی از اقتصاد را دربر می گیرد.	Price-support Program;	برنامه حمایت قیمت
Centralized Planning	برنامه ریزی بر پایه وحدت مرکز	Price Support Scheme	
		Voluntary Plan	برنامه داوطلبانه
Planning Through Major Research and Development Programs	برنامه ریزی به وسیله طرحهای مهم و عمده تحقیق و توسعه	Constant-dollar Plan	برنامه دلار ثابت
			برنامه تثبیت نرخ برابری دلار است.
Planning of Applied Research	برنامه ریزی تحقیق کاربردی	Compensated Dollar Plan	برنامه دلار متوازن
Consolidated Planning	برنامه ریزی تلفیقی		برنامه تغییر طلای موضوع تعریف دلار برحسب عدد شاخص قیمتها.
Development Planning	برنامه ریزی توسعه	Buffer Stock Plan	برنامه ذخیره انکایی
	در این برنامه ریزی هدف اصلی توسعه یعنی تغییرات کیفی و رشد نتیجه است.	Rochdale Plan	برنامه راچدیل
Production Planning	برنامه ریزی تولید		برنامه تعاونی مصرفی که هر شریک با هر مبلغ سرمایه دارای یک رأی است.
Floor Planning	برنامه ریزی حداقل	Public Welfare Program	برنامه رفاه عمومی
Linear Programming	برنامه ریزی خطی	Roosa Plan	برنامه روزا
	روشی برای حل مسائل بیشینه گردانی یا کمینه سازی یا بهینه سازی یک تابع خطی است با توجه به محدودیتها.		راه حلی برای نقدینگی بین المللی.
Planning In Centrally Planned Economies	برنامه ریزی در اقتصاد برنامه ای متمرکز	Austerity Programme	برنامه ریاضت اقتصادی
			سیاست اقتصادی که از گشاده دستی و بهبوده خرجی بپرهیزد و از منابع موجود به بهترین صورت بهره برداری کند.
Planning in Centrally Planned Economies	برنامه ریزی در اقتصادهای برنامه ای متمرکز	Planning	برنامه ریزی
			طراحی اقتصاد بر پایه یک سلسله فعالیتهای پیوسته و هماهنگ.
Imperative Planning	برنامه ریزی دستوری	Goal Programming	برنامه ریزی آرمانی
	یا برنامه ریزی فرمایشی است که در آن دولت هدفها و وسایل نیل بدانها را معین می کند.	Indicative Planning	برنامه ریزی اخباری
State Planning	برنامه ریزی دولتی	Indicative Planning	برنامه ریزی ارشادی
			استفاده از اهداف مشخص در برنامه برای ایجاد هماهنگی میان سرمایه گذاری بخش های عمومی و خصوصی و برنامه های تولید.
Nonlinear Programming	برنامه ریزی غیرخطی	Economic Planning	برنامه ریزی اقتصادی
	مانند برنامه ریزی خطی است اما دست کم یکی از معادلات غیرخطی است.	Regional Economic Planning	برنامه ریزی اقتصادی منطقه ای
Strategic Planning	برنامه ریزی سوق الجیشی		
Project Planning	برنامه ریزی طرح		
Short-term Planning	برنامه ریزی کوتاه مدت		

Crash Programme	برنامه فشرده	Centralized Planning	برنامه‌ریزی متمرکز
Tekhpromfinplan	برنامه فنی مالی	Planning In Stages (In Central Planning)	برنامه‌ریزی مرحله‌ای
Philadelphia Plan	برنامه فیلادلفیا (ایالات متحد)	Central Planning	برنامه‌ریزی مرکزی
	قرار و مدار تراست تجهیزات که کرایه را به عنوان شیوه قانونی بکار می‌برد.		نوعی برنامه‌ریزی که اهداف و وسایل آنها از یک مرکز معین می‌شوند.
Contractual Plan	برنامه قراردادی	Regional Planning	برنامه‌ریزی منطقه‌ای
Program; Work Program	برنامه کار	Tactical Planning	برنامه‌ریزی موضعی
Training Programme	برنامه کارآموزی	Manpower Planning	برنامه‌ریزی نیروی انسانی
Emerson Efficiency Plan	برنامه کارآیی امرسون	Teleological Planning	برنامه‌ریزی هدفدار
	مزد حداقل تا تولید مبنا و از آن پی افزایش درصدی بر مزد بازاری تجاوز تولید از $\frac{2}{3}$ مقدار تولید مبنا.	Amortization Schedule	برنامه زمانی استهلاک
		Organization Plan	برنامه سازمان
		Austerity Programme	برنامه سختی
			همان برنامه ریاضت اقتصادی است.
Public Works Programs	برنامه کارهای عام‌المنفعه	Investment Plan; Investment Schedule	برنامه سرمایه‌گذاری
Disaster Relief Programme	برنامه کمک به آسیب‌دیدگان	Slack Plan	برنامه سست
Planning	برنامه‌گذاری	Planometrics	برنامه سنجی
	عنوان دیگر و بهتر برای برنامه‌ریزی.		با تهیۀ برنامه‌های بهینه در مقیاس کلان سر و کار دارد.
Rolling Plan	برنامه گردان	Austerity Programme	برنامه صرفه‌جویی اقتصادی
	برنامه‌ای که با توجه به تغییرات ناشی از کارکرد برنامه سال قبل و افق زمانی آینده هر سال تجدید و تصحیح می‌شود.		همان برنامه ریاضتی است.
Rolling Plan	برنامه گردنده	Crash Programme	برنامه شتابزده
	برنامه متغیر و تطبیق‌پذیر با سالهای گذشته با رعایت محدودیت زمانی برنامه‌ریزی.	Supply Schedule	برنامه عرضه
Straight Life Plan of Insurance	برنامه مادام‌العمری بیمه	Industry Supply Schedule	برنامه عرضه و تقاضا
		Market Supply Schedule	برنامه عرضه بازار
		Product Supply Schedule	برنامه عرضه محصول
Marshall Plan	برنامه مارشال	Straight Life Plan of Insurance	برنامه عمری بیمه
	برنامه ایالات متحد پس از جنگ جهانی دوم برای احیای اقتصاد اروپا.	Marketing Mix	برنامه فرآینبازاریابی
Financial Plan	برنامه مالی	Sub Program	برنامه فرعی

Foreign-aid Programs	برنامه‌های کمک خارجی	Negative-tax Plan	برنامه مالیات منفی
Combined Plan	برنامه‌های مرکب		برقراری مالیات تصاعدی بر درآمد بالاتر از میزان ضروری برای تأمین سطح معیشت ضروری خانواده.
Storage-loan Programs	برنامه‌های وام برای ذخیره‌سازی	Guaranteed-wage Plan	برنامه مزد تضمین‌شده
Object Program; Targeted Program	برنامه هدف	Emerson Efficiency Plan	برنامه مزد محرک
Marginal Cost of Funds Schedule	برنامه هزینه نهایی وجوه	Farm Program	برنامه مزرعه
Colombo Plan for Cooperative	برنامه همکاری کلمبو برای همکاری در توسعه	Object Program	برنامه مقصود
Prizer; Winner	برنده جایزه	Food Stamp Plan	برنامه مواد غذایی
Neo-classical Synthesis	بر نهاد کلاسیک جدید	«Monnet» Plan	برنامه «مونه» نخستین برنامه بازسازی فرانسه.
Convergence Thesis	بر نهاد همگرایی	Taylor	برنامه نرخ کارمزدی تفاضلی تیلر
	این بحث است که وجود تعادل بیکاری باید ناشی از فرضیه کینزی مزد پولی انعطاف‌پذیر انگاشته شود.	Differential Piece Rate Plan	طرح مزد تشویقی که نرخ پایین کارمزد را برای تولید کمتر از مقدار مینا و نرخ بالاتر کارمزد را برای تولید بیشتر از مینا در نظر می‌گیرد.
Constant-Ratio Plan	برنامه نسبت ثابت	Variable-ratio Plan	برنامه نسبت متغیر
Programmer	برنامه‌نویس	Programming	برنامه‌نویسی
Vanon Plan	برنامه وانن		برنامه رشد ده دساله برای ایجاد اشتغال در جنوب ایتالیا.
White Plan	برنامه وایت		طرح امریکایی برای تأسیس صندوق بین‌المللی پول.
Schemings	برنامه‌ها	Run	برنامه‌ها و راهنمایهای اجرایی
Book	(اصطلاح رایانه)	Voucher Schemes	برنامه‌های برگه تأییدیه
Deferred Payment Plans	برنامه‌های پرداخت معوق یا مدت‌دار	Conservation Programs	برنامه‌های حفاظت منابع
Exogenous	برونزا		

Preferred Creditor	بستانکار مقدم	Externality	برونزایی
Secured Creditor	بستانکار وثیقه‌دار	Extrapolate; Extrapolation	برون‌یابی
Relationship	بستگی	Reductio Ad Absurdum Method	برهان خلف
Direct Relationship	بستگی مستقیم	of Reasoning	
Inverse Relationship	بستگی معکوس	Manoilescu Argument	برهان مانویسکو
Closing The Account; Rule Off	بستن حساب		مزد متوسط در بخش تولید کارخانه‌ای در یک کشور
Interim Closing	بستن حساب طی دوره		توسعه نیافته نسبت به بخش کشاورزی بیشتر است
Interim Closing	بستن حسابها طی سال مالی		با آن که بهره‌وری نیروی کار ممکن است در دو
Interim Closing	بستن حسابها غیر از پایان سال مالی		بخش یکسان نباشد.
		Comparability Argument	برهان مقایسه‌پذیری
Balancing the Books	بستن دفاتر حساب	Hand Seller	بزاز
Annual Closing	بستن سالانه حسابها	Senr	بزرگتر
Stoppage at Course	بستن مالیات بر جنس		نشانه اختصاری Senior است.
Special Crossing	بستن ویژه چک	Maximax	بزرگترین بیشینه
P.C.L.	بسته		قاعده‌ای خوش‌بینانه در نظریه تصمیم‌گیری درباره
	نشانه اختصاری Parcel است.		گزینه‌ش در شرایط عدم قطعیت است.
Packaging; Packing	بسته بندی	Optimum Plant Size	بزرگی بهینه ماشین
Aleatory	بسته به بخت و اقبال	Frequency	سامد
Roll	بسته اسکناس	Absolute Frequency	سامد مطلق
Cash on Delivery Parcel	بسته پستی مقید به	Relation Frequency	سامد نسبی
Credit Expansion	بسط اعتبار	Credit; Creditor; Dehtee; Obligee	بستانکار
Domestic Credit	بسط اعتبار داخلی		Cr. نشانه اختصاری Creditor است.
Expansion		Preferred Creditor	بستانکار ارجح
Induced Expansion	بسط القایی	Preferring Creditors	بستانکاران مقدم
Business Expansion	بسط امور بازرگانی	Secured Creditor	بستانکار باوثیقه
Expansion of	بسط توابع (در ریاضیات)	Unsecured Creditor	بستانکار بدون وثیقه
Functions		To Be In Black	بستانکار بودن (در حساب)
Expansion	بسط؛ (توسعه)	Judgement Creditor	بستانکار به حکم دادگاه
Binomial Expansion	بسط دوجمله‌ای	Preferred Creditor	بستانکار ترجیحی
Business-Cycle	بسط دور کار و کسب	Dun	بستانکار سمج
Expansion		General Creditor	بستانکار عادی
Vertical Expansion	بسط عمودی	To Credit	بستانکار کردن
Secondary Expansion	بسط فرعی	Double Creditor	بستانکار مضاعف

Ex Gratia	بلاعوض	Diagonal Expansion	بسط قطری
«Marking Names»	«بلند آوازگان»	Evolution	بسط منحنی
عنوان شرکتهایی است که برای ورود به بازار سهام لندن واجد شرایط لازم هستند.		Spread	بسط و توسعه دادن
Long Run; Long Term	بلندمدت	Flush	بسط و توسعه ناگهانی
Maturity	بلوغ	Sufficiency	بسندگی
Economic Maturity	بلوغ اقتصادی	Sufficient	بسند
Ticket	بلیط	Priceless	بسیار گران قیمت
Receiving Note	بلیط حمل	Stand at a	بسیار مرغوب و مطلوب بودن
Passage Money	بلیط مسافرت	Premium	
Outward Half (of A Return Ticket)	بلیط یک سره	Abundance	بسیاری
Bolivar, B	بلیوار	Economic Mobilization	بسیج اقتصادی
همان بولیوار، واحد پول ونزوئلاست.		Mobilization of Capital	بسیج سرمایه
Appointed by the Articles	بنا بر اساسنامه قانونی	Homo Oeconomicus	بشر اقتصادی
همان بولیوار، واحد پول ونزوئلاست.		Homo Loquax	بشر ناطق
According to Circumstances	بنابر اوضاع و احوال	همان انسان سخنگو است.	
According to Usage	بنابر عرف و عادت	Bulk Barrels	بشکه بزرگ
According to Circumstances	بنابر مقتضیات	Cancellation	بطلان
Under the Rule	بنا به دستور	De jure	بطور قانونی
Blind Alley	بن بست	Dimension	بُعد
Bentham, Jeremy	بنتهام، جرمی (۱۷۴۸-۱۸۳۲)	Post Hoc	بعد از
فلسوف انگلیسی پیرو مکتب اصالت فایده.		Post Diem	بعد از روز موعود
Jerry-built	بُنجل	Post Dating	بعد تاریخ گذاری
Land Certificate	بنچاق	Next; Posteriori	بعدی
Clause; Contra Entry; Provision; Proviso	بند	Part Contributory	بعض حصه‌ای
Free Port	بندر آزاد	Arrear	بقایا (در جمع)
بندری که هیچ‌گونه حقوق گمرکی یا مالیات از محموله کشتیها دریافت نمی‌دارد و اجازه ورود می‌دهد.		In Arrears	بقایا
		Arrears Taxes	بقایای مالیاتی
		Survival of Small Firms	بقاء بنگاههای کوچک
		Cash Adjustment	بقیه حساب نقدی
		«Other Accounts»	بقیه حسابها
		Becker, Gary S.	بکر، گری اس. (۱۹۳۰ - ...)
			برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۲ در اقتصاد.

Competitive Firm	بنگاه رقابتی	Port of Exit	بندر خروج
Pawnshop	بنگاه رهنی	Home Port	بندر خودی
Brokerage Firm	بنگاه صرافی	Home Port	بندر سرزمین اصلی
Industrial Concern; Industrial Undertaking	بنگاه صنعتی	Port of Entry	بندر ورود
Public Enterprise	بنگاه عمومی	Compound	بند و بست کردن
Proprietorship	بنگاه فرعی و مؤسسه کوچک	Petrol	بنزین (در انگلیس)
Price Taker	بنگاه قیمت‌پذیر	Wholesaler	بنکدار
Finder	بنگاه کارگزار		همان عمده فروش است.
Business House	بنگاه کار و کسب	Concern; Enterprise; Establishment; Hong	بنگاه
Pawnshop	بنگاه گروستانی	Firm	بنگاه اقتصادی
Raider Firm	بنگاه متجاوز		واحد اقتصادی تولیدکننده کالا و عرضه‌کننده خدمات است.
Aggregate Corporation	بنگاه مرکب	Precatory Trust	بنگاه امانی منتهجه
Estate Agent; Realty	بنگاه معاملات ملکی	Firm	بنگاه انتفاعی
Precatory Trust	بنگاه ناشی از عمل چند شرکت	Business House	بنگاه بازرگانی
Representative Firm	بنگاه نمونه	High-cost Firm	بنگاه با قیمت تمام‌شده زیاد
Marginal Firm	بنگاه نهایی	Optimum Firm	بنگاه بهینه
Business Firms	بنگاههای انتفاعی		مؤسسه تولیدی است که به کار آمدترین اندازه خود رسیده است.
Business Firms	بنگاههای تجاری	Business; Business Enterprise; Business House	بنگاه تجاری
Aggregate Corporation	بنگاه یا شرکت متشکل از چند نفر	Manager-controlled Firm	بنگاه تحت نظارت مدیر
One-man Business	بنگاه یک‌نفره	Manufacturing Business	بنگاه تولید صنعتی
U-form Enterprise	بنگاه U وارۀ	Multiplant Firm	بنگاه چندکارخانه‌ای
	شرکتی که تصمیم‌گیری در آن پیرامون یک هیئت اجرایی عالی متمرکز است.	Multiplant Firm	بنگاه چندمحصولی
Benelux	بنلوکس	Carrier	بنگاه حمل‌کننده
	جامعه گمرکی متشکل از بلژیک، هلند و لوگزامبورگ است.	Private Enterprise	بنگاه خصوصی
Origin; Set-up	بنیاد	Operating Business	بنگاه دایر
Go Go Fund	بنیاد سرمایه‌گذاری پرتحرک	Manager-controlled Firm	بنگاه در اختیار مدیر
Go Go Fund	بنیاد سرمایه‌گذاری پویا	State Enterprise	بنگاه دولتی

Zero Budgeting	بودجه‌بندی از صفر	Company Promoter	بنیادگذار
Zero Base Budgeting	بودجه‌بندی بر پایه صفر	Dummy Incorporators	بنیادگذاران ساختگی
	نشانه اختصاری آن Z.B.B. است.		همان مؤسسان صوری است.
Output Budgeting	بودجه بندی تولید	Establish	بنیاد نهادن
	روش حسابداری است که هزینه‌ها را بیشتر	Microfoundations	بنیادهای خرد
	مستاسب با محصول ناشی از جریان تولید	Set-up	بنیان
	طبقه‌بندی می‌کند تا برحسب منابع خریداری برای	Company Promoter	بنیادگذار
	تولید.	Budget	بودجه
Capital Budgeting	بودجه‌بندی سرمایه		برآورد عواید و مخارج برای یک دوره معین است.
Performance Budgeting	بودجه‌بندی عملیات	Advertising	بودجه آگهی و تبلیغ تجاری
Operating Budget	بودجه بهره برداری	Budget	
Forward Budget	بودجه پیش‌بینی شده	Administrative Budget	بودجه اداری
Development Budget	بودجه توسعه	Cyclical Budget	بودجه ادواری
Current Budget	بودجه جاری	Foreign Exchange Budget	بودجه ارزی
	بخشی از بودجه عمومی مربوط به کارهای		پیش‌بینی عواید و مخارج ارزی برای یک دوره
	جاری.		معین است.
Multiple Budget	بودجه چندگانه	Continuous Budget	بودجه استمراری
	بودجه‌ای که به دو یا چند دوره زمانی بسط می‌یابد	Master Budget	بودجه اصلی
	و در پایان بر دوره تمدید می‌شود.	Nation's Economic	بودجه اقتصادی ملت
Household Expenses	بودجه خانگی	Budget	
Family Budget	بودجه خانواده		ترتیب مجدد ارقام حسابداری چهار بخش دولت،
Household Budget; Household	بودجه خانوار		کار و کسب، مصرف و حسابهای بین‌المللی از
Expenses			درآمد ملی است که با دریافتها و مخارج موازنه کند.
Expense Budget	بودجه خرج عملیات	Flexible Budget; Variable	بودجه انعطاف‌پذیر
Government Budget	بودجه دولت	Budget	
Annual Budget	بودجه سالانه	Business Budget	بودجه بازرگانی
Annually Balanced	بودجه سالانه متوازن	Program Budgeting	بودجه بر حسب برنامه
Budget		Performance Budgeting	بودجه بر طبق عملیات
Capital Budget	بودجه سرمایه‌ای		همان بودجه‌بندی کارکردی است.
Swedish Budget	بودجه سوئدی	Program Budgeting	بودجه برنامه‌ای
	بودجه دولتی که بیشتر طی دوره‌ای از چند سال که		بودجه‌بندی بر پایه طرح و برنامه.
	یک دور اقتصادی را دربر می‌گیرد متوازن است تا در	Planning; Programming	بودجه بندی
	یک سال معین.	Budgeting System	

Double-budget	بودجه مضاعف	Proforma Budget; Project Budget	بودجه طرح
اصطلاح متداول برای هر برنامه‌ایست که اقلام سرمایه و جاری در یک بودجه از اقلام جاری و مخارج و عواید در آن جدا می‌شوند.			
Fixed Budget	بودجه معین برای هر فعالیت	Development Budget	بودجه عمران
همان بودجه بهره‌برداری است.			
Unbalanced Budget	بودجه نامتوازن	Operating Budget	بودجه عملکرد
Open-end Budget	بودجه نامحدود	Operating Budget; Performance Budget	بودجه عملیاتی
Cash Budget	بودجه نقدی	Physical Budget	بودجه غیر پولی
Unified Budget	بودجه واحد	Sales Budget	بودجه فروش
Expense Budget	بودجه هزینه عملیات	Extra Budget	بودجه فوق‌العاده
همان بودجه خرج عملیات است.			
Unified Budget	بودجه یکی	Business Budget	بودجه کار و کسب
Middle Middle-class	بورژوازی متوسط	Master Budget	بودجه کلی سال مالی آینده
Middle Middle-class	بورژوازی میانه‌حال	Financial Budget	بودجه مالی
Bourse; Bursary; Capital Market; House (the); Pit (U.S.); Share Market; Stock Exchange; Stock Market	بورس	Unified Budget	بودجه متحد
بازار معاملات اوراق بهادار است.			
Quiet Market	بورس آرام	Balanced Budget	بودجه متعادل
بودجه هنگامی معادل یا متوازن است که دریافتی‌های یک دوره معین برابر یا مخارج آن دوره است.			
Security Exchange	بورس اسناد بهادار	Multiple Budget	بودجه متعدد
Security Exchange; Share Market; Stock Exchange	بورس اوراق بهادار	Flexible Budget; Variable Budget	بودجه متغیر
American Stock Exchange	بورس اوراق بهادار امریکا	Interim Budget	بودجه موقت
Compound Arbitrage	بورس بازی مرکب	Balanced Budget	بودجه متوازن
با سوداگری ارزی مرکب، داد و ستد اسعار در مراکز مختلف پولی و مالی است.			
Cotton Exchange	بورس پنبه	Cyclically Balanced Budget	بودجه متوازن ادواری
Produce Exchange	بورس تجارت	بودجه‌ای که یک یا چند دور اقتصادی را دربر بگیرد و در پایان دوره متوازن باشد.	
Commercial Exchange	بورس تجاری	Fixed-ceiling Budget	بودجه محدود
Curb Market	بورس خیابانی	Continuous Budget	بودجه مستمر
بازار اوراق بهاداری که معاملات آن در کنار خیابان صورت می‌گیرد.			
		Forward Budget	بودجه مَصَّوب
بودجه‌ای که یک شرکت یا سازمان برای عملیات سال آینده پیش‌بینی می‌کند.			

Opus Citatum	«به اثر فوق مراجعه شود»	Shipping Exchange	بورس دریایی
Enforce	به اجرا درآوردن	Organized Exchange	بورس سازمان یافته
At Buyer's Option	به اختیار خریدار	Stock Market	بورس سهام
Taking for an Option	به اختیار خریدن (بورس)	Big Board	بورس سهام نیویورک
Priced	بهادار	Black Bourse	بورس سیاه
Inherit	به ارث بردن	Wheat Pit (گندم ایالات متحد)	بورس غلات
Descend	به ارث گذاشتن (اموال)	Labour Exchange	بورس کار
Devise	به ارث گذاشتن	Produce Exchange	بورس کالاهای تجاری
Ex-cap	به استثنای فواید ناشی از تبدیل سرمایه	Commodity Exchange	بورس کالای مصرفی
Circumstances Permitting	به استثنای کیفیات پیش بینی نشده	Shipping Exchange	بورس کرایه و بار کشتی
Merit Good	به استحقاق	Organized Exchange	بورس متشکل
Cum; Plus	به اضافه	Variable Exchange	بورس متغیر
Cum	به اضافه سود	Produce Exchange	بورس محصول
Ex Ante	به اعتبار آینده	National Security Exchange	بورس ملی اوراق بهادار
Ex Post	به اعتبار گذشته	Regional Stock Exchange	بورس ناحیه
A Fortiori	به اقوی دلیل	Variable Exchange	بورس نامعلوم
Entrust	به امانت سپردن	New York Stock Exchange	بورس نیویورک
Monopolize	به انحصار درآوردن	Bushel (imp)	بوشل امپریال
Reasonable	به اندازه	Buchanan, James (... - ۱۹۱۹)	بوکانان، جیمز
Last Price	بهای آخر		اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۸۶ میلادی در اقتصاد.
Nominal Price; Par Value	بهای اسمی	Bolivar, B	بولیوار، واحد پول ونزوئلا
Subscription Price	بهای اشتراک	Bohm-Bawerk, Eugen Von	بوم باورک (۱۸۵۱-۱۹۱۴)
Declared Value	بهای اعلام شده		یکی از اعضای مهم مکتب اتریش که درباره اندازه بهره و عامل سرمایه آثار ارزنده‌ای دارد.
	قیمت اعلان شده هر بشکه نفت خام، برحسب فوب (F.O.B.) فوب مورد توافق شرکتهای نفتی و صادرکنندگان.	Bundes Bank	بوندسبانک
Default Price; Invoicing Back Price	بهای انقضاء	Business Done; Price; Price Tag; Rate	بها
Original Cost; Prime Cost; Starting Price	بهای اولیه	Book Value	بها بر طبق دفاتر همان ارزش دفتری است.
Market Price	بهای بازار	Invoice Cost	بها بر طبق سیاهه فروش
		Cum	به اتفاق

Minimum Price; Tigger Price	بهای کمینه	Redemption Price	بهای بازر خرید
Minimum Resale Price	بهای کمینه فروش مجدد	Trade Price	بهای بازرگانی
Fancy Price; Stiff Price	بهای گزاف	Subscription Price	بهای پذیره نویسی
Flat Cost; Prime Cost	بهای مایه	Par Value	بهای پولی
Cost of Goods Purchased	بهای مایه کالاهای خریداری شده	Asking Price	بهای پیشنهادی
Basic Standard Cost	بهای معیاری پایه	Subscription Price	بهای تعهد
Relative Price	بهای نسبی	Flat Cost; Prime Cost	بهای تمام شده
Cash Price; Spot Price	بهای نقدی	Actual Cost	بهای تمام شده واقعی
Closing Price	بهای واپسین	Cost or Market Value	بهای تمام شده یا ارزش جاری بازار
Unit Cost	بهای واحد	Product Cost	بهای تمام شده فرآورده
Actual Price	بهای واقعی	Shut Down Price	بهای توقف کار
Net Price	بهای ویژه	Production Cost	بهای تولید
Charging	به بدهکار حساسی بردن	Replacement Cost	بهای جانشین
To the Credit	به بستانکار حساب ...	Retail Cost	بهای جزئی فروشی
Improvement; Revival	بهبود	Retail Cost; Retail Price	بهای خرده فروشی
Potential Pareto Improvement	بهبود بالقوه پارتویی	Market Price	بهای خرید و فروش بورس
		Hedonic Price	بهای خوشباشی
			قیمت ضمنی، انتسابی یا قیمت سایه یکی از خصوصیات کالای معین است.
این بهبود هنگامی وجود دارد که افراد مستفیع از تغییر به طور فرضی و بالقوه می‌توانند زیانهای خودشان را جبران کنند به گونه‌ای که وضع هیچ کس بدتر نشود ولی وضع یکی بهتر گردد.		List Price	بهای رسمی
Pareto Improvement	بهبود پارتویی	Par	بهای رسمی اسناد و ضمانت نامه‌ها
Internal Improvement	بهبود داخلی	Passage Money	بهای عبور
Process Improvement	بهبود فراگرد	Sale Value; Sales Value; Selling Price	بهای فروش
Trading Up	بهبود کیفیت محصول		
Rally (Rallies)	بهبود مجدد	Share List	بهای فروش سهم (در بورس)
Land Improvements	بهبودهای زمین	Spot Rate	بهای فروش کالای موجود
Bonification; Improvement	بهبودی	Invoicing Back Price	بهای فسخ
Improving; Recovery		Reserve Price	بهای قطعی
افزایش فعالیت اقتصادی پس از گذر از پایین‌ترین سطح کساد.		C. and F. (Cost and Freight)	بهای کالا و کرایه باربری
		Cost and Freight	بهای کالا و کرایه حمل
		All In Rate	بهای کامل

In Detail	به تفصیل	Market, to	به بازار فرستادن (کالاها)
Proratable	به تناسب		همان عرضه یا ارائه کردن کالا به بازار است.
Involution	به توان دلخواهی رسانیدن	Improvable; Recoverable	بهبودی‌پذیر
Square Measures	به توان دو	Improve	بهبودی دادن
Prosper	به توفیق مالی و اقتصادی رسیدن	Improver; Improving	بهبودی‌دهنده
Perform	به‌جا آوردن	Pick Up	بهبودی یافتن
In-lieu; Per Pro; Quid Pro Quo	به جای	To Arrive Price	به بهای رسیده
Let it Work Itself	به حال خود واگذار	To Arrive Price	به بهای ورود
Reinstatement	به حال سابق برگرداندن	Money Terms	به پول
At Least	به حداقل	Realize	به پول نزدیک کردن
For the Account; O/A;	به حساب	Postponable	به تأخیر انداختنی
On Account (o/a)		Update	به تاریخ روز نگه داشتن
Invoicing Back	به حساب آوردن قیمت‌های قبلی	Secured by Pledges	به تأمین گروهی
Price		Postpone	به تأخیر افتادن
Charge	به حساب بدهکار گذاشتن	Chronologize	به ترتیب تاریخ مرتب کردن
Debit	به حساب بدهی کسی گذاشتن	Improvement	بهبودشدگی
Bring into Account; Charge	به حساب بردن	Amend	بهبتر شدن
the Account of		Amend	بهبتر کردن
Cost Absorption	به حساب پذیرفتن هزینه	Best Linear	بهترین برآوردکننده خطی نا‌اریب
Capitalize	به حساب دارایی بردن	Unbiased Estimator	
Reckon (Reckon Up)	به حساب رسیدگی کردن	Best Buys	بهترین خریدها
Fund	به حساب ریختن	Second Best	بهترین دوم
Charge off	به حساب زیان منظور نمودن	Standard Method	بهترین روش عملیات
Appropriation; Charge;	به حساب گذاشتن	Record Prices	بهترین قیمت
Chargeable		Best Efforts	بهترین مساعی
Account; Make Allowance	به حساب گرفتن	First Best	بهترین نخست
for		Record	بهترین نصاب
Charge the Account of	به حساب منظور کردن	Approval (on)	به تصویب
Not on Charge	به حساب نیامده	Carry a	به تصویب رساندن پیشنهاد و قطعنامه
Charge off	به حساب هزینه منظور نمودن	Resolution	
Per Curian	به حکم دادگاه	Postpone; Defer	به تعویق انداختن
In Favour of	به حواله کرد	Postponable	به تعویق انداختنی
Lay off	به خدمت خاتمه دادن	Postponer	به تعویق انداز

Nominal Interest; Stated Interest	بهره اسمی	Engross	به خود انحصار دادن
Installment Interest	بهره اقساطی	Lend Stock	به خود بازگرداندن
Imputed Interest	بهره انتسابی	Lend Stock	به خود منتقل ساختن
Bank Interest; Interest, Bank	بهره بانک	Improvable	به دردخور
Red Interest (Current Accounts)	بهره بدهکار (حسابهای جاری)	Jettison	به دریا ریختن محموله
Red Interest (Current Accounts)	بهره بدهکاران	Gain	به دست آوردن
Interest on Debt (Money Lender)	بهره بدهی (وام دهنده پول)	Realizable	به دست آوردنی
Interest on Unpaid Balance	بهره بر باقیمانده وام	Unaccrued	به دست نامده
Beneficiary; Donee Beneficiary	بهره بردار	Book	به دفتر وارد کردن
Exploitation	بهره برداری	Ergo Propter Hoc; Post Hoc	به دلیل این
Sovkhoz	بهره برداری شوروی (سابق)	A Posteriori	به دلیل بعدی
Interest on Deposit	بهره بر سپرده	Ex Officio	به دلیل سمت
Silver Interest	بهره بسیط	A Pari Ratione	به دلیل مساوی
Boston interest	بهره بوستن	Post Hoc	به دنبال آن
Boston Interest	بهره به سبک بوستن	Tout	به راه انداختن کار و کسب
Ordinary Interest	بهره به مآخذ سال سیصد و شصت روز	Rent	بهره
Usury	بهره بیش از حد قانونی		همان بهره مالکانه است.
Bear Interest	بهره پذیر	Economic Rent	بهره اقتصادی
Interest Due (Interest Payable)	بهره پرداختنی		از دید نظری و جوهی است که از یک زمین حاصلخیز در نتیجه تفاوت بازده آن با ضعیف ترین زمین به دست آید.
Funded Debenture Interest	بهره پرداختی به صورت اوراق قرضه	Producer's Rent	بهره تولید کننده
Money Interest	بهره پولی		آن قسمت از کل تولید که به زمین اختصاص می یابد.
Yield to Call Date	بهره تا تاریخ پرداخت پیش از سررسید	Ground rent	بهره زمین
		Implicit Rent	بهره ضمنی
		Location Quotion	بهر مکانی
			یک معیار آماری که بالاتری یا پایین تری فعالیت خاص یک منطقه را نسبت به کل اقتصاد می سنجد.
		At Sight	به رویت
		Allowance; Gain; Interest	بهره
		Open Interest	بهره آزاد
		Cheap Money	بهره ارزان پول

Exploitation of Labour	بهره کشی نیروی کار	Educational Quotient	بهره تحصیلی
Contractual Interest	بهره کل وام	Accruing Interest	بهره تعلق گیرنده
Speed-up	بهره گیری	Interest in Suspense	بهره تعلیقی
Factor Utilization	بهره گیری از عامل	Bonus Interest	بهره جایزه ای
Equal Utilization	بهره گیری برابر	Times Interest Earned	بهره حاصله در زمان
Rent	بهره مالکانه	True Interest	بهره حقیقی
Accrued Interest;	همان بهره است.	Net Interest; Pure Interest;	همان بهره خالص پرداختی است.
Capital Charges	بهره متعلقه	True Interest	بهره خالص
Accrued Interest Payable	بهره متعلقه پرداختی	Unearned Discount	بهره دوره های آینده
Accrued Payable Interest	بهره متعلقه پرداختنی	Interest on Calls	بهره دیداری
Accrued Interest Receivable	بهره متعلقه دریافت کردنی	Accrued Interest; Moratory Interest	بهره دیرکرد
Accrued Interest Receivable	بهره متعلقه قابل دریافت	Contango	بهره دیرکرد تحویل قرضه و سهام
Compound Interest	بهره مرکب	Times Interest and Preferred Dividend	بهره زمانها و سود سهام ترجیحی
Interest in Suspense	بهره معلق	Ordinary Interest; Silver Interest; Simple Interest	بهره ساده
Interest in Suspense	بهره معوق	Interest on Deposit	بهره سپرده
Stated Interest	بهره مقرر	Usance	بهره سرمایه گذاری
National Dividend	بهره ملی	High Interest	بهره سنگین
Negative Interest	بهره منفی	Explicit Interest	بهره صریح
Gross Interest	بهره ناخالص	Implicit Interest; Imputed Interest	بهره ضمنی
Gross Interest	بهره ناویژه	Ordinary Interest	بهره عادی
Money Interest	بهره نقدی	Interest on Calls	بهره عندالمطالبه
New York Interest	بهره نیویورک	Insurable Interest	بهره قابل بیمه شدن
	بهره ایست که درست برای تمام روزهای یک ماه محاسبه می شود.	Interest Due (Interest Payable)	بهره قابل پرداخت
Exact Interest	بهره واقعی	Legal Interest	بهره قانونی
Loan Interest	بهره وام	Contractual Interest	بهره قراردادی
Serve	بهره وامی را گرفتن	Capital Bonus	بهره قرضه
		Exploitation	بهره کشی

Social Welfare	بهریستی اجتماعی	Productiveness; Productivity	بهره‌وری
Economic Welfare	بهریستی اقتصادی		یا فرآوری، نسبت میان مقدار معین محصول به
Industrial Welfare	بهریستی صنعتی		مقدار معین یک یا چند عامل تولید است.
Public Welfare	بهریستی مردم	Net Productivity	بهره‌وری خالص
Profitably	به سود	Marginal Revenue	بهره‌وری دریافتی نهایی
On-ward	به سوی جلو	Productivity	
Tax Heaven	بهشت مالیاتی	Productivity of Capital	بهره‌وری سرمایه
	کشوری که نرخهای پایین مالیاتی یا بخشودگیها به	Manufacturing Productivity	بهره‌وری صنعتی
	شرکتهای خارجی عرضه می‌شود.	Labour Productivity	بهره‌وری عامل کار
Contingent Asset; On Approval	به شرط	Productivity (فرآوری) سهم سرمایه‌ای	بهره‌وری (فرآوری) سهم سرمایه‌ای
Loan on Respondentia	به شرط آنکه به ساحل برسد	of Capital Stock	
Provided	به شرط اینکه	Marginal Physical	بهره‌وری فیزیکی نهایی کار
Shape Up	به شکل خاص درآوردن	Productivity of Labour	
Turn to Advance	به صرفه نزدیک کردن	Average Productivity	بهره‌وری متوسط
Completely Knocked Down	به صورت اوراق	Social Average	بهره‌وری متوسط اجتماعی
Optimal	به صورت بهینه	Productivity	
Commercialize	به صورت تجاری درآوردن	Diminshing Productivity	بهره‌وری نزولی
In Kind	به صورت جنس	Marginal Productivity	بهره‌وری نهایی
Summarize	به صورت خلاصه درآوردن		قدرتی که ترقی اضافی یک عامل تولید متغیر برای
Completely Knocked Down	به صورت سوارنشده	Marginal Productivity	افزودن به مجموع محصول دارد.
		of Waiting	بهره‌وری نهایی انتظار
Unit Billing	به صورت واحدی به حساب آوردن	Marginal Productivity	بهره‌وری نهایی سرمایه
At a Loss	به ضرر	of Capital	
Hereto	به ضمیمه	Marginal Productivity of	بهره‌وری نهایی کار
On-ward	به طرف جلو	Labour	
Extra	به طور اضافی	Labour Productivity	بهره‌وری نیروی کار
On Consignment	به طور امانی	Dividend	بهره و سود قابل توزیع
Postulatory	به طور فرضی	Short	بهره و فروشهای کوتاه مدت (در بورس)
Generalize	به‌طور کلی استنباط کردن	Interest and Short Sales	
Summarize	به‌طور مختصر بیان کردن	Intelligence Quotient (I.Q.)	بهره هوشی
Pari Passu	به طور مساوی	At a Loss	به زیان
Successively	به‌طور مسلسل	Well-being; Ecfare	بهریستی

Employ	به کار گماشتن	Posteriori	به طور مؤخر
Employ	به کار واداشتن	Protem	به طور موقت
Replevin	به کسی قرار تأمین دادن		نشانه اختصاری «For The Time Being» است.
R/D	به کشنده چک (صادرکننده چک) رجوع شود	Pecuniarily	به طور نقد
	نشانه اختصاری: Refer to Drawer است.	Quia Timet	به علت آنکه می ترسد
At Least	به کمترین		اصطلاح لاتین است.
Selection	بهبزینی	Custom	به عنوان مشتری با کسی معامله کردن
On Demand	به محض تقاضا	Ex Officio	به عنوان مقام رسمی
Compromise	به مخاطره انداختن	In-lieu	به عوض
Compromise	به مصالحه گذاشتن	Assumed Liability	به عهده گرفتن خطر
Displays	به معرض تماشا گذاردن	Reflate	به فعالیت واداشتن
Simultaneously	به مقارنت، به طور همزمان	Index	به فهرست در آوردن
On Behoof	به منفعت	Per Diem	به قرار روزی
Hereby	به موجب این حکم	Involution	به قوه رسانیدن
Account	(به موجب) صورت حسابداری که قبلا داده	Upon Bail	به قید ضمانت
Rendered	شده است	At Par	به قیمت اسمی
Ex Officio	به موجب منصب	At the Market	به قیمت بازار
	همان «به عنوان مقام رسمی» است.	Invoicing Back Price	به قیمت برگشت
Fall Due	به موعد رسیدن	Lower of	به قیمت تمام شده یا بازار هر کدام کمتر
Sufficient	به موقع	Cost or Market	
Inherit	به میراث رسیدن	At a Flat Price	به قیمت چکی
At	به میل و اختیار فروشنده (اصطلاح بورس)	Over-purchase	به قیمت زیاد خریدن
Seller's Option		At Cost Price	به قیمت مایه
Prima Facie	به نخستین دید	Moderate-priced	به قیمت معقول
Prima Facie	به نخستین نگاه	Moderate-priced	به قیمت مناسب
Rate	به نرخ معینی حمل کردن	Sell at Discount	به قیمت نازل فروختن
Ad Valorem	به نسبت ارزش	To Arrive Price	به قیمت ورودی
At Half Price	به نصف قیمت	At Reduced Prices	به قیمت های نازل
In Favour Of	به نفع	At Cost Price	به قیمت هزینه
On The Spot	به نقد یا بی درنگ	Capital Investment	به کار انداختن سرمایه
Per Pro	به نمایندگی	Direct Placement	به کار اندازی مستقیم سرمایه
	نشانه اختصاری Per Procurator است.	Employ	به کار بردن
Appoint as Proxy	به نمایندگی	Recruitment	به کار فرا خواندن

هرگونه تغییر برای بهتر کردن وضع یک فرد منجر به بدتر شدن وضع فردی دیگر شود.	Generate	به وجود آوردن
Production Optimum بهینه تولید	Abatement	به وسایل قانونی رفع مزاحمت از کسی کردن
Optimization بهینه سازی	Quo Warranto	به وسیله چه مقامی
Unconstrained Optimization بهینه سازی بدون قید	Sell Over	به وسیله فروش انتقال دادن
Sub-optimization بهینه سازی فرعی	Refinance	به وضع مالی سر و صورت تازه دادن
Optimization Choice of Decision بهینه سازی گزینش تصمیم	Reinstatement	به وضع نخست بازگردانیدن
Constrained Optimization بهینه سازی محدود	When Issued	به وقت صدور
بیشینه سازی یا کمیته گردانی یک تابع هدف که در آن متغیرهای مطلوب محدودیت داشته باشند.	Appoint as Proxy	به وکالت
Utility Optimum بهینه فایده	At Any Price	به هر بها
Optimalize بهینه کردن	At Any Price	به هر قیمت
Optimization بهینه گردانی	At Any Rate	به هر نرخ
Utility Optimum بهینه مطلوبیت	A Pari Ratione	به همان دلیل
Harmless بی آسیب	«Tale quale»	«به همان شکل»
B.I.S. بی. آی. اس	Linkage	به هم پیوستگی
نشانه اختصاری بانک تسویه بین المللی Bank for International Settlement است.	Oligopolistic Interdependence	به هم وابستگی چند قطبی
B.I.M. بی. آی. ام	Up to Date	به هنگام
نشانه اختصاری انستیتوی انگلیسی مدیریت باعنوان British Institute of Management است.	Update	به هنگام درآوردن
B.O.A.C. بی. اُ. اِ. سی	Pendente Lite	به هنگام مرافعه
نشانه اختصاری British Overseas Airways Corporation است.	First Best	بهین اول
Nilpotent; Null and Void بی اثر	Optimality	بهینگی
Render Void بی اثر بودن (بیمه)	این اصطلاح را پارتو به جای Utility (مطلوبیت) به هنگام بررسی انواع گوناگون اعمال انسانی و برای رفع ابهام بکار می برد.	
Rent-free بی اجاره	Paretian Optimality	بهینگی پارتویی
Improvidence بی احتیاطی	Optimum	بهینه
Gainless بی استفاده		بهترین وضع است.
No Advice N/A (or No Order) بی اطلاع	Social Optimum	بهینه اجتماعی
		بهترین طرز تخصیص منابع.
	Optimum Optimorum	بهینه بهینه ها
	Pareto Optimum	بهینه پارتو
		سطحی از تخصیص منابع و تولید در اقتصاد که

Industrial Inertia	بی‌حرکتی صنعتی	Multiplier	بی‌اطمینانی ضریب فزاینده
Toss One's Money	بی‌حساب خرج کردن	Uncertainty	
About		Discredit	بی‌اعتباری
No Advice N/A (or No Order)	بی‌خبر	Extravagance	بی‌اعتدالی
Sound	بی‌خطر	Distrustfull	بی‌اعتماد
On-line; Real-time	بی‌درنگ	Distrust	بی‌اعتمادی
Anarchism; Anarchy	بی‌دولتی	Expression	بیان
Birr, EB, Eth\$, E\$	بیر، واحد پول اتیوپی	Postulation	بیان اصل
Out of Stock	بیرون از رده	Unfair	بی‌انصاف
Extrinsic	بیرونی	Paradox	بیان متناقض
Disorganization	بی‌سازمانی	Representation	بیان‌نامه
Gainless	بی‌سود	Declaration	بیانیه
Ultra-vires	بیش از اجازه قانون	No Down Payment	بی‌پرداخت اولیه
Ultra-vires	بیش از اختیارات	Inconsistent	بی‌بر و پا
Overvalue	بیش از ارزش چیزی بر آن قیمت نهادن	Wildcat	بی‌پشتوانه
Over-rate	بیش از ارزش واقعی ارزیابی کردن	Short of Money; Tight	بی‌پول
Overpay (Overpay For)	بیش از استحقاق و اندازه جبران کردن	Be Short of Money	بی‌پول بودن
Overdraw	بیش از اعتبار حواله کردن	Inertia	بی‌پوی
Overestimate	بیش از اندازه واقعی ارزش گذاشتن	Without Day	بی‌تاریخ
Overestimate	بیش از اندازه تخمین زدن	Disarrangement; Disorder	بی‌ترتیبی
Above Par	بیش از بهای اسمی	Inertia	بی‌تکاپو
Exhorbitant	بیش از حد	Abeyance (in)	بی‌تکلیفی
Overdraw	بیش از دارایی حواله کردن	Inertia	بی‌تلاش
Live above One's Means; Overspend	بیش از دخل خرج کردن	Unsteady	بی‌ثبات
Over Trade	بیش از سرمایه معامله کردن	Destabilizer	بی‌ثبات‌کننده
Overproduce	بیش از میزان احتیاج تولید کردن	Instability; Unsteadiness	بی‌ثباتی
Over Trade	بیش از وسع کالا خریدن	Monetary Instability	بی‌ثباتی پولی
Outwork	بیشتر کار کردن	Instability of Demand	بی‌ثباتی تقاضا
Excess	بیشتری	Invoice; Pay Slip (Receipt)	بیجک
		Geason	بی‌حاصل
		Sterility	بی‌حاصلی
		Immobile	بی‌حرکت
		Immobility; Inertia	بی‌حرکتی

خدمات خریداری شود، در بلندمدت همه مقادیر	Out-sell	بیشتر یا بهتر فروختن
نسبی به مقادیر اولیه پیش از تغییر مقدار پول باز	Max	بیشترین ارزش
می‌گردد و همه قیمت‌ها به یک‌نسبت تغییر می‌پذیرند.		نشانه اختصاری Maximum است.
Super-neutrality	بی طرفی زیاد	بیشترین بیشینه
Down Payment; Earnest Money;	بیعانه	بیشترین تولید
Hand Money; Hand Sel (hansel); Part		بیشترین حسن نیت
Payment		بیشترین سود
Unauthorized Sale	بیع فضولی	بیشترین قیمت
Buy Firm	بیع قطعی	بیشترین قیمت قانونی
Bill of Sale	بیع‌نامه	بیشترین کمینه
Bargain	بیع و شرا	بیش قیمت‌گذاری
Ex Gratia	بی‌عوض	بیشینه
Sound	بی‌عیب	بیشینه‌ساز رأی
Hand Sale	بیع یدی	بیشینه‌سازی بیشینه
Disutility; Sterility	بی‌فایده‌گی	بیشینه‌سازی دریافتی
Marginal Disutility	بی‌فایده‌گی نهایی	بیشینه‌سازی سود
Bootless; Disadvantageous;	بی‌فایده	بیشینه‌سازی سود گروهی
Gainless; Unprofitable		Maximization
Anomalies	بی‌قاعدگی موارد خلاف قاعده	بیشینه‌سازی سود مشترک
Bail-out Rule	بی‌قاعدگی	Maximization
Random	بی‌قاعدگی (در ساختمان)	بیشینه‌سازی فایده
Unpriced	بی‌قیمت	بیشینه‌سازی کمینه
Disengaged; Out of Work;	بیکار	بیشینه‌سازی مطلوبیت
Unemployed		بیشینه‌گردانی سود
Registered Unemployed	بیکار ثبت‌شده	بیشینه‌نسبی
	بیکاری که در اداره کار ثبت‌نام کرده است.	بی‌صرف
Registered Unemployed	بیکار رسمی	بی‌صرفه
Hard-core Unemployed	بیکار مُزمن	بی‌ضرر
Orra, Orrow; Waste	بیکاره	بی‌طرف
Shut-down; Unemployment	بیکاری	بی‌طرف‌سازی
	وضعی که در آن گروهی کار ندارند یا در انتظار کارند	بی‌طرفی پول
	و یا با دستمزدهای واقعی موجود نمی‌توانند	این قضیه است که گرچه تغییری در مقدار پول ممکن
	اشتغال یابند.	است موجب تغییر نسبی در قیمت انواع کالاها و

Casual Unemployment	بیکاری رویدادی	Open Unemployment	بیکاری آشکار
Structural Unemployment	بیکاری ساختاری	Cut Back	بیکاری آنی
	این بیکاری ناشی از ناآشنایی کارگران با روش کار و تولید است.	Casual Unemployment	بیکاری اتفاقی
Speculative Unemployment	بیکاری سفته‌بازی		کارگر موقت است که حق سابقه خدمت را در یک شرکت و عضویت دائمی را در اتحادیه کار دارا نیست.
Growth-gap Unemployment	بیکاری شکاف رشد	Precautionary Unemployment	بیکاری احتیاطی
Export Unemployment	بیکاری صادراتی	Voluntary Unemployment	بیکاری اختیاری
Normal Unemployment	بیکاری عادی	Cyclical Unemployment	بیکاری ادواری
Frictional Unemployment	بیکاری عارضی		بیکاری ناشی از دوره‌های اقتصادی است.
Involuntary Unemployment	بیکاری غیرارادی	Voluntary Unemployment; Non-employment	بیکاری ارادی
	بیکاری ناخواسته است.		بیکاری ارادی کارگر است.
Seasonal Unemployment	بیکاری فصلی	Demand-deficient Unemployment	بیکاری از کمبود تقاضا
	ناشی از تغییرات جوی در فصول مختلف است که برای کارگران مناسب نیست.	Frictional Unemployment	بیکاری اصطکاکی
Technological Unemployment	بیکاری فنی		همان بیکاری برخوردی است.
Chronic Unemployment	بیکاری مزمن	Wait Unemployment	بیکاری انتظاری
	بیکاری مداوم و بلندمدت.	Residual Unemployment	بیکاری باقیمانده
Seasonal Unemployment	بیکاری موسمی	Frictional Unemployment	بیکاری برخوردی
Technological Unemployment	بیکاری ناشی از تغییر فن		بیکاری ناشی از تغییر فن است.
		Structural Unemployment	بیکاری بنیادی
Technological Unemployment	بیکاری ناشی از رواج ماشین	Search Unemployment	بیکاری به دنبال کار
		Disguised Unemployment; Hidden Unemployment; Latent Unemployment	بیکاری پنهان
Demand-deficient Unemployment	بیکاری ناشی از کمبود تقاضا		پدیده ناشی از اشتغال افراد در کارهایی که از توان کاری آنها استفاده نشود یا بازده مطلوب به دست نیاید.
Institutional Unemployment	بیکاری نهادی	Search Unemployment	بیکاری جست و جو
Marginal Unemployment	بیکاری نهایی	Non-employment	بیکاری خودخواسته
Inelastic	بی‌کشش	Cyclical Unemployment	بیکاری دوری
Inelasticity	بی‌کششی		
Inelasticity of Demand	بی‌کششی تقاضا		
Inelasticity of Supply	بی‌کششی عرضه		
Complete Inelasticity; Perfect Inelasticity	بی‌کششی کامل		

Stop-loss Reinsurance	بیمه اتکایی جلوگیری از زیانهای بعدی	Forced Labour	بیگار
Catastrophe Reinsurance	بیمه اتکایی حوادث غیرمترقبه	Forced Labour	بیگاری
Stop-loss Reinsurance	بیمه اتکایی زیان توقف	Non-resident Alien	کار اجباری و مجانی.
Share Reinsurance	بیمه اتکایی سهم	Merit Bad	بیگانۀ غیرمقیم
Quota Share Reinsurance	بیمه اتکایی سهم حصه‌ای	Occupational Disease (Or Hazard)	بی‌لیاقت
Quota Share Reinsurance	بیمه اتکایی سهم «سه‌میه» ای	Contributory Negligence	بیماریهای حرفه‌ای (Or Hazard)
Reassure; Reinsure	بیمه اتکایی کردن	Waste	بی‌مبالاتی موجب زیان
Participating Reinsurance	بیمه اتکایی مشارکت	Sterility	بی‌مصرف
Automobile Liability Insurance; Motor-car Insurance	بیمه اتومبیل	Nonquotation	بی‌مصرفی
Rent Assurance	بیمه اجاره	Open-end	بی‌مظنه‌بندی
Compulsory Assurance; Oblige Line	بیمه اجباری	Gainless	بی‌مقدمه
Compulsory Unemployment Insurance	بیمه اجباری بیکاری	Assurance; Insurance	بی‌منفعت
Insurance; National Insurance; Social Insurance; Social Security; State; State Insurance	بیمه اجتماعی		بیمه
Prudential Insurance	بیمه احتیاطی		قراردادی است میان بیمه‌گر یا متعهد که به موجب آن تعهد می‌کند در برابر دریافت وجهی به نام حق بیمه مبلغ معینی را در صورت بروز حادثه به بیمه‌گذار بپردازد.
Voluntary Insurance; Contingency Cover	بیمه اختیاری	Fire Assurance	بیمه آتش‌سوزی
Assessment Insurance	بیمه ارزیابی مالیات	Fire Insurance	بیمه آتش‌سوزی
Total Loss Insurance	بیمه از بین رفتن کامل	Standard Fire Policy	بیمه آتش‌سوزی معیاری
Disablement Insurance	بیمه از کارافتادگی نظیر «بیمه مانده» بدهکار، در ایران است.	Fidelity Bond Insurance	بیمه ابواب جمعی
Use and Occupancy Insurance	بیمه استفاده و اشغال	Coinsurance; Reassurance; Reinsurance	بیمه اتکایی
			انتقال بخشی از تعهدات بیمه‌گر به یک یا چند شرکت بیمه دیگر.
		Facultative Reinsurance	بیمه اتکایی اختیاری
		Excess Reinsurance; Surplus Reinsurance	بیمه اتکایی اضافی
		Joint-and Several Policies	بیمه اتکایی با تعهد مشترک و تنها
		Catastrophe Reinsurance	بیمه اتکایی بلایا

Rain Insurance	بیمه باران	Use and Occupancy Insurance	بیمه استفاده و تصرف
Transportation Insurance	بیمه باربری	Disability	بیمه اسقاط حق بیمه بر اثر ناتوانی و عجز
At Ship's Sail	بیمه باربری تا تحویل به خط آهنی که به کشتی می‌رود (اصطلاح حمل و نقل)	Premium Waiver Insurance	بیمه اشتراکی
Inland Marine Insurance	بیمه باربری خشکی	Joint Insurance	بیمه اشتراکی اتکایی
Marine Insurance; Maritime Insurance; Ocean Marine Insurance	بیمه باربری دریایی	Reinsurance Pool	بیمه اشیاء (آتش سوزی؛ اتومبیل)
Survivors' Insurance	بیمه بازماندگان	Casualty Insurance	بیمه اصلی
Endowment Insurance	بیمه با شرایط ثابت	Master Policy	بیمه اضافه
Profit Participating Assurance; Profit Sharing Assurance	بیمه با شرکت در منافع	Overinsurance	بیمه اضافه بر میزان زیان ممکن
Step-rate Premium Insurance	بیمه با نرخ حق بیمه مرحله‌ای	Overinsurance	بیمه اضافی
Nonassessable Insurance	بیمه بدون تعیین ارزش مورد بیمه	Excess Insurance	بیمه اعتبار
Concurrent Insurance	بیمه برابر	Credit Insurance	بیمه اعتبار عمر
Non Assessable Assurance	بیمه برآورد نشدنی	Credit Life Insurance	بیمه اعتبار صادراتی
Collision Insurance	بیمه برخورد و تصادم (وسایط نقلیه)	Export Credit Assurance	بیمه اعتصاب
Major Medical Insurance	بیمه بهداشتی برای موارد مهم	Strike Insurance	بیمه امانات
Group Medicine Insurance	بیمه بهداشتی گروهی	Deposit Insurance	بیمه اموال
Term Insurance	بیمه به شرط فوت در مدت معین	Insurance of Property	بیمه اموال منقول
Underinsurance	بیمه به کمتر از ارزش کالا	Insurance of Movable Interest	بیمه انبار به انبار
Sickness Assurance; Unemployment Assurance	بیمه بیکاری	Warehouse to Warehouse Insurance	بیمه اندوخته قانونی
Social Insurance	بیمه بیکاری و درمانی	Legal Reserve Insurance	بیمه اوراق بهادار
Sickness Insurance	بیمه بیماری	Valuable Papers Insurance	بیمه اموال (باربری)
		Cargo Assurance	بیمه با تعرفه تخفیفی
		Low-rate Insurance	بیمه با حق بیمه
		Proprietary Insurance	بیمه با حق بیمه به نرخ پایه
		Step-rate Premium Insurance	بیمه با حق بیمه ثابت
		Level Premium Insurance; Proprietary Insurance	بیمه با حق بیمه‌های همسطح و مساوی
		Level Premium Insurance	

Health Insurance	بیمه تندرستی	Sickness and Disablement Assurance	بیمه بیماری و از کارافتادگی
Luggage Assurance	بیمه توشه مسافرت	Paid-up Insurance	بیمه پرداخته شده
Business -interruption Insurance	بیمه توقف عملیات به علت حادثه مورد بیمه	Old-age Assurance	بیمه پیری
Reassurance	بیمه ثانوی	Endowment Insurance	بیمه تأمین آینده
Comprehensive Insurance	بیمه جامع	Family Income Insurance	بیمه تأمین درآمد خانواده
Underinsurance	بیمه جزئی	Workmen's Compensation Insurance	بیمه تأمین منافع کارکنان
Forgery Insurance	بیمه جعل	Business Insurance	بیمه تجاری
Mercantile Forgery Insurance	بیمه جعل تجاری	Assessment Insurance	بیمه تشخیص مالیات
Group Insurance	بیمه جمعی	Endowment Insurance	بیمه تشکیل سرمایه
Group Creditor Insurance	بیمه جمعی بستانکاری	Accident Insurance	بیمه تصادف
Weather Assurance	بیمه جوی		همان بیمه حادثه است.
Dawry Assurance	بیمه جهیز	Casualty Insurance; Collusion Insurance	بیمه تصادفات
Accident Assurance	بیمه حادثه	Guarantee Assurance	بیمه تضمینی
Fire Assurance	بیمه حریق	Cooperative Insurance;	بیمه تعاونی
	همان بیمه آتش سوزی است.	Mutual Assurance	
Account Receivable Insurance	بیمه حساب دریافت کردنی	Replacement Insurance	بیمه تعویض
Accounts Receivable Insurance	بیمه حسابهای قابل وصول	Liability Insurance	بیمه تعهدات
Paid-up Insurance	بیمه حق بیمه پرداخته شده	Merit Rating Insurance	بیمه تعیین لیاقت
Graded Premium Life Insurance	بیمه حق بیمه متغیر عمر	Hailstorm Assurance	بیمه تگرگ
Title Insurance	بیمه حق مالکیت	All Risk Assurance	بیمه تمام خطر
Workman's Compensation Insurance	بیمه حقوق بیکاری کارگر	All Risks (A.R.) Insurance	بیمه تمام خطرات
Workmen's Compensation Insurance	بیمه حقوق بیکاری کارگران مرد	Against All Risks	
Transport Insurance	بیمه حمل و نقل	All-loss Insurance	بیمه تمام زیان
Casualty Insurance; Personal Accident Insurance	بیمه حوادث	Straight Life Insurance;	بیمه تمام عمر
		Whole-life Assurance	
		Extended Term Insurance	بیمه تمدید شرایط بیمه نامه
		Extended Term Insurance	بیمه تمدیدی پس از انقضا

Major Medical Insurance	بیمه درمانی و پزشکی	Third Party Accident Insurance	بیمه حوادث شخص ثالث
Marine Assurance; Maritime Assurance; Sea Insurance	بیمه دریایی	Employer's Liability Insurance	بیمه حوادث کار
Inland Marine Insurance	بیمه دریایی داخلی	Livestock Assurance	بیمه حیوانات اهلی
Burglary Insurance	بیمه دزدی	Insurance of Deposit-claims	بیمه خسارت سپرده‌ها
Burglary Assurance	بیمه دزدی با شکستن حرز	All-loss Insurance; Total Loss Insurance	بیمه خسارت کامل
Mercantile Stock Burglary Insurance	بیمه دزدی تجاری	Constructive Total Loss Insurance	بیمه خسارت کامل ساختمانی
Theft Assurance	بیمه دزدی (دله‌دزدی)	Mooring Coverage	بیمه خسارت ناشی از مهارت کردن
State Insurance	بیمه دولتی	War Risks Insurance	بیمه خطرات جنگی
Retroactive Restoration	بیمه را از حالت تعلیق درآوردن	Security	بیمه خطر احتمالی
Hull Insurance	بیمه روی بدنه کشتی	Automatic Cover	بیمه خودکار
Over Assurance	بیمه زاید بر ارزش مال	Dowry Insurance;	بیمه دام
Endowment Assurance (pure); Life Assurance	بیمه زندگی	Livestock assurance	
Single Premium Life Insurance	بیمه زندگی با حق بیمه واحد	Perpetual Insurance	بیمه دائم
Group Life Insurance	بیمه زندگی گروهی	W.A. Insurance	بیمه W.A.
Redundancy Insurance	بیمه زیادتی	Retirement Income Insurance	بیمه درآمد بازنشستگی
Over-insurance	بیمه زیادی	Family Income Insurance	بیمه درآمد خانوادگی
Indemnity	بیمه زیان	Professional Risks Indemnity Insurance	بیمه در برابر خطر شغلی
First Loss Assurance	بیمه زیان اول	Fidelity Insurance	بیمه در برابر خیانت
Deposit Insurance; Guarantee Insurance	بیمه سپرده	Extended Term Insurance	بیمه در پایان تمدید شده
Health Insurance	بیمه سلامتی	Fidelity Insurance; Guaranty Insurance	بیمه درستکاری
Title Insurance	بیمه سند مالکیت	Guaranty Insurance	بیمه درستی و صحت عمل
Profit Insurance	بیمه سود		
Overlapping Insurance	بیمه شامل		
Third Party Insurance	بیمه شخص ثالث		
Assure	بیمه شدن		
Assured	بیمه شده		

Renewable Term Life Insurance	بیمه عمر قابل تمدید	Wager Insurance	بیمه شرط‌بندی
Endowment Insurance	بیمه عمر مدت‌دار	Participating Insurance	بیمه شرکت در منافع (عمر)
Joint Life Insurance	بیمه عمر مشترک	River Assurance	بیمه شطی
Straight Life Insurance	بیمه عمر معمولی	Insuree	بیمه شونده
Straight Life Insurance; Whole-life Assurance	بیمه عمری	Plate Glass Assurance	بیمه شیشه
Public Liability Insurance	بیمه عمومی	Homeowner's Insurance	بیمه صاحبان منازل
Nonassessable Insurance	بیمه غیر برآوردی	Fidelity Insurance	بیمه صحت عمل
Nonconcurrent Insurance	بیمه غیر موازی	Fidelity Insurance	بیمه صحت و درستی
Comprehensive Insurance	بیمه فراگیر	Fidelity Bond	بیمه صداقت
Term Insurance	بیمه فوت در مدت معین	Industrial Insurance	بیمه صنعتی
Assessable Insurance	بیمه قابل ارزیابی	Suretyship Insurance	بیمه ضمان
Renewable Term Life Insurance	بیمه قابل تمدید زندگی	Suretyship Insurance	بیمه ضمانت
Renewable Term Life Insurance	بیمه قابل تمدید زندگی	Ordinary Life Insurance	بیمه عادی زندگی
Business Insurance	بیمه کار و کسب	Business Interruption Insurance	بیمه عدم النفع
Comprehensive Insurance	بیمه کامل	Disability Premium	بیمه عدم پرداخت
Motor Vehicle Comprehensive Assurance	بیمه کامل وسایل موتوری	Waiver Insurance	
Freight Assurance	بیمه کرایه حمل	Major Medical Insurance	بیمه عمده پزشکی
Freight Insurance	بیمه کرایه و بار کشتی	Life Assurance; Life Insurance	بیمه عمر
Assure; Insure	بیمه کردن		قرارداد میان یک فرد و شرکت بیمه برای حمایت خانواده در برابر مرگ و قطع جریان درآمد.
Hull Assurance	بیمه کشتی (بدن)	Credit Life Insurance	بیمه عمر اعتباری
Voyage Policy	بیمه کشتی برای سفری خاص	Limited-pay Life Insurance	بیمه عمر با پرداخت محدود
River Assurance	بیمه کشتیرانی رودخانه‌ای	Limited-pay Life Insurance	بیمه عمر با حق بیمه‌های محدود
Suretyship Insurance	بیمه کفالت	Single Premium Life Insurance	بیمه عمر با حق بیمه یکجا
All-loss Insurance	بیمه کل خسارت	Renewable Term Life Insurance	بیمه عمر تجدیدشدنی دوره‌ای
Blanket Insurance	بیمه کلی	Industrial Life Insurance	بیمه عمر صنعتی
All Risks (A.R.) Insurance	بیمه کلیه خطرهای احتمالی بر ضد همه مخاطرات		
Against All			

Endowment Assurance	بیمه مختلف عمر	Underinsurance	بیمه کمتر از ارزش مورد بیمه
Endowment Annuity Insurance	بیمه مختلف مستمری عمر	Short Rate	بیمه کمتر از یک سال
Malpractice Insurance	بیمه مسامحه کاری	Old-Age Assurance	بیمه کهولت
Liability Insurance	بیمه مسئولیت	Assured; Insured	بیمه گذار
Product Liability Insurance	بیمه مسئولیت تولیدی		شخص ذینفع در تعهد بیمه گر در قرارداد بیمه.
Owners' Landlords and Tenants Liability Policy	بیمه مسئولیت حقوق متصرفان	Reinsured; Policy Holder	بیمه گذار اتکایی
Legal Liability Insurance	بیمه مسئولیت حقوقی	Assurer; Insurer; Underwriter	بیمه گر
Residence Liability Policy	بیمه مسئولیت حقوقی محل اقامت		شرکت متعهد در قرارداد بیمه در برابر بیمه گذار.
Sports' Legal Liability Insurance	بیمه مسئولیت حقوقی ورزشی	Reinsurer	بیمه گر اتکایی
Public Liability Insurance	بیمه مسئولیت عمومی	Group Creditor Insurance	بیمه گروه طلبکار
Employer's Liability Insurance	بیمه مسئولیت کارفرما	Group Insurance	بیمه گروهی
Employer's Liability Insurance	بیمه مسئولیت کارفرمایان		بیمه شدن افراد یک گروه به صورت جمعی.
Product Liability Insurance	بیمه مسئولیت محصول	Group Creditor Insurance	بیمه گروهی بستانکاران
Public Liability Insurance	بیمه مسئولیت مدنی		
Perpetual Annuity Insurance	بیمه مستمر	Insurance	
Retirement Income Insurance	بیمه مستمری بازنشستگی	Luggage Assurance	بیمه لوازم سفر
Participating Insurance	بیمه مشارکتی	Straight Life Insurance; Whole Life Insurance	بیمه مادام العمر
Coinsurance; Overlapping Insurance	بیمه مشترک	Legal Reserve	بیمه مادام العمر اندوخته قانونی
		Life Insurance	
		Endowment Straight Life	بیمه مادام العمر و بیمه برای تأمین سرمایه
		Excess Insurance	بیمه مازاد
		Jettison	بیمه مال به دریازیزی
		Over Assurance	بیمه مال بیش از ارزش آن
		Title Insurance	بیمه مالکیت
		Port Risk Insurance	بیمه مال محموله
		Assessable Insurance	بیمه مالیات بردار
		Reciprocal Insurance	بیمه متقابل
		Catastrophe Reinsurance	بیمه مجدد حادثه
		Crop Insurance; Product Liability Insurance	بیمه محصول
		Cargo Insurance	بیمه محموله
		Additional Assurance	بیمه متمم

Survivorship Policy	بیمه نامه بازماندگی	Double Insurance	بیمه مضاعف؛ بیمه نزد سایر شرکتهای
Lapse Policy	بیمه نامه باطل شده	Credit Life Insurance	بیمه مطالبات مشکوک الوصول
Non Cancellable Policy	بیمه نامه باطل نشدنی	Ordinary Life Insurance; Straight Life Insurance	بیمه معمولی زندگی
Valued Policy	بیمه نامه با قید ارزش مال	Ordinary Life Insurance	بیمه معمولی عمر
Valued Policy	بیمه نامه با قید مبلغ بیمه	Product Liability Insurance	بیمه معیوب بودن محصول
Coupon Policy	بیمه نامه با کوپن	Endowment Annuity Insurance	بیمه مقررى سالانه بخشش
Named Policy	بیمه نامه با نام	Endowment Annuity Insurance	بیمه مقررى سالانه وقف
Endowment Policy	بیمه نامه بخشش و وقف	Insurance of Property	بیمه ملک
Nonassessable Policy	بیمه نامه بدون تعیین ارزش مورد بیمه	National Insurance	بیمه ملی
Nonvalued Policy	بیمه نامه بدون ذکر ارزش	Provisional Insurance	بیمه موقت
Unvalued Policy	بیمه نامه بدون ذکر ارزش مال	Profit Insurance	بیمه نفع
"Unvalued Policy"	بیمه نامه بدون قید ارزش	Sickness Assurance	بیمه ناخوشی
Bearer (Insurance) Policy	بیمه نامه بدون نام	Blanket Position Bond	بیمه نادرستی
«Open Cover» Policy	بیمه نامه پوشش باز	Assurance Policy; Insurance Policy	بیمه نامه
Wager Policy	بیمه نامه پول شرط بندی	Policy	قرارداد بیمه است.
Schedule Policy	بیمه نامه پیوست	Fire Policy	بیمه نامه آتش سوزی
Endowment Policy	بیمه نامه تأمین سرمایه	Open Policy	بیمه نامه آزاد
Combination Policy	بیمه نامه ترکیبی	Reinsurance Policy	بیمه نامه اتکایی
Paid Up Policy	بیمه نامه تصفیه شده	Fleet Policy	بیمه نامه اتومبیلهای متعدد (متعلق به
Combination Policy	بیمه نامه تلفیقی	Policy	بیمه گذار در یک بیمه نامه)
All Risks Policy	بیمه نامه تمام خطر	Valued Policy	بیمه نامه ارزش گذاری شده
Blanket Policy	بیمه نامه جامع	Reporting Policy	بیمه نامه اظهارنامه ای
Schedule Policy	بیمه نامه جدولی	Honour Policy	بیمه نامه افتخاری
Blanket Policy	بیمه نامه چند کلمی	Single Premium Policy	بیمه نامه با حق بیمه یک قلم
Fleet Policy	بیمه نامه چندین اتومبیل (متعلق به بیمه گذار	Open Cover; Open Policy	بیمه نامه باز
Policy	در یک بیمه نامه)		
Specific Policy	بیمه نامه خاص		
Fleet Policy	بیمه نامه دسته جمعی کشتیها		
Time Policy	بیمه نامه زمانی		
Voyage Policy	بیمه نامه سفر		
Voyage Policy	بیمه نامه سفری		
Participating Policy	بیمه نامه سهام		

Valued Policy	بیمه‌نامه مبلغ دار	Wager Policy	بیمه‌نامه شرط (بندی)
Floating Policy	بیمه‌نامه متغیر	"With Profit" Policy	بیمه‌نامه «شریک در سود»
Block Policy	بیمه‌نامه مجموعه‌ای	Floater Policy; Floating Policy	بیمه‌نامه شناور
Limited Policy	بیمه‌نامه محدود	Nonparticipating Policy	بیمه‌نامه عدم شرکت در خطر
Mixed Policy	بیمه‌نامه مختلط	Life Insurance Policy; Life Policy	بیمه‌نامه عمر
Time Policy	بیمه‌نامه مدت دار	Endowment Policy	بیمه‌نامه عمر به مدت معین
Compound Policy	بیمه‌نامه مرکب	General Policy; Open Cover; Open Policy	بیمه‌نامه عمومی
Participating Policy	بیمه‌نامه مشارکت در خطر	Nonparticipating Policy	بیمه‌نامه غیراشتراکی
Participating Policy	بیمه‌نامه مشارکتی	Nonassessable Policy	بیمه‌نامه غیربرآوردی
Assurance Runs (The)	بیمه‌نامه معتبر از تاریخ معین		همان بیمه‌نامه برآورد نشدنی است.
Standard Fire Policy Insurance	بیمه‌نامه معیاری آتش‌سوزی	Floater Policy	بیمه‌نامه غیر ثابت
Seller's Interest	بیمه‌نامه منافع فروشنده	Nonparticipating Policy	بیمه‌نامه غیرشرکتی
Lapsed Policy	بیمه‌نامه منقضی شده	Non Cancellable Policy	بیمه‌نامه غیر قابل لغو
Cover Note	بیمه‌نامه موقت	Total Loss Only Policy	بیمه‌نامه فقط خسارت کلی
Unlimited Policy	بیمه‌نامه نامحدود	Term Policy	بیمه‌نامه فوت برای مدت معین
Paid Up Policy	بیمه‌نامه واریز شده	Assessable Policy	بیمه‌نامه قابل ارزیابی
Unnamed Policies	بیمه‌نامه‌های بی نام	Adjustable Policy	بیمه‌نامه قابل تعدیل
Open Cargo Forms	بیمه‌نامه‌های عمومی باربری	Accommodation Line	بیمه‌نامه کارگزاری
Special Policies	بیمه‌نامه‌های مخصوص	Full-form Policy	بیمه‌نامه کامل
Vessel (Hull) Policies	بیمه‌نامه‌های وسایط نقلیه آبی	Retention Policy	بیمه‌نامه کاهشی
Non Cancellable Policy	بیمه‌نامه هر سال قابل تمدید	Blanket Policy; Block Policy; General Policy	بیمه‌نامه کلی
Single Premium Policy	بیمه‌نامه یکجا	All Risks Policy	بیمه‌نامه کلیه خطرها
Block Policy	بیمه‌نامه یک مجموعه عمارات و ابنیه	Coupon Policy	بیمه‌نامه کوپن دار
Flat Policy	بیمه‌نامه یکنواخت	Short-term Policy	بیمه‌نامه کوتاه مدت
Paid-up Insurance	بیمه واریز شده	Master Policy	بیمه‌نامه گروهی
Guarantee Insurance	بیمه وثیقه	Reporting Policy	بیمه‌نامه گزارشی
Use-and-occupancy Insurance	بیمه وقفه شغل	Extended Coverage Policy	بیمه‌نامه گسترده
		Assessable Policy	بیمه‌نامه مالیات بردار

Disorder; Irregularity	بی‌نظمی	Overlapping	بیمه همزمان و مصادف هم
Unprofitable	بی‌نفع	Insurance	
Infinitely Variable	بی‌نهایت متغیر	Perpetual Insurance	بیمه همیشگی
Autarchy	بی‌نیازی اقتصادی	Weather Assurance	بیمه هوا
	همان خودبستگی اقتصادی است.	Surety Bond	بیمه یا تضمین صحت عمل
No Noting (N/N)	بی‌هزینه	Concurrent Insurance	بیمه یکجا
Anomalies	بی‌هنجاری	In Blank	بی‌نام
Marginal Disutility	بی‌هودگی نهایی	Frustration of	بی‌نتیجه ماندن قرارداد
Bootless	بیهوده	Contract	
		In Transit	بین‌راهی



Risk Premium	پاداش خطر احتمالی	Pa'anga, T\$	پا آنگا، واحد پول تونگا
Remunerate; Reward	پاداش دادن	Stability	پابرجایی
Smart Money	پاداش زیان		همان ثبات، پایداری، پایداری و استقرار است.
Despatch Money	پاداش سرعت عمل	Clearing; Offset	پابه پا
Capital Bonus	پاداش سرمایه	Netting	پابه پاکردن
Merit Payment	پاداش شایستگی		یا خالص کردن، موازنه پرداختها و دریافتها برحسب
No Claims Bonus	پاداش عدم ادعای خسارت		پول واحد است.
	(اصطلاح بیمه)	Pataka, P	پاتاگا، واحد پول ماکائو
Override	پاداش فوق العاده	Allowance; Bonus; Premium;	پاداش
Pay-off	پاداش قطعی	Remuneration; Reward	
Task Bonus	پاداش کار	Call Compensation	پاداش آمادگی برای خدمت
Employees' Compensation	پاداش کارگران و کارمندان	Call Compensation	پاداش آمادگی کار
Total Remuneration	پاداش کل	Merit Payment	پاداش استحقاقی
Merit Payment	پاداش لیاقت	Appraisal Surplus	پاداش اضافی (در بیمه)
	همان پاداش شایستگی است.	Gratuity	پاداش بازنشستگی
Contingent Fees	پاداش محتمل	Reversionary Bonus	پاداش برگشتی
Management Fee	پاداش مدیریت	Incentive Pay; Premium	پاداش تشویقی
Wage Dividend	پاداش مزد	Bonus	
Contingent Fees	پاداش نامعلوم	Production Bonus	پاداش تولید
Cash Bonus	پاداش نقدی	Termination Pay	پاداش خاتمه خدمت
		Premium Offer	پاداش خرید فوق العاده

E.O.Y.	پایان سال	Shift Premium	پاداش نوبت کاری
	نشانه اختصاری End of Year است.	Task Bonus	پاداش وظیفه
End of Month	پایان ماه	Investment Grants	پاداشهای سرمایه‌گذاری
Terminal	پایانه		هدف انگیزش سرمایه‌گذارهای موردنظر دولت یا
Stability	پایایی		ضروری است.
Firm; Steady	پایدار	Recoup	پاداش یافتن
Cross Picketing	پایش متقابل	Initial	پاراف کردن
Debit	پای کسی نوشتن	Parameter	پارامتر
Social Status	پایگاه اجتماعی	Pareto, Vilfredo (۱۸۴۳-۱۹۲۳)	پارتو، ویلفردو (۱۸۴۳-۱۹۲۳)
Sq. Foot	پای مربع		اقتصاددان، ریاضی‌دان ایتالیایی و صاحب نظریهٔ
	برابر با ۰.۳۰۴/۹۲۹ سانتیمتر مربع.		بهینه اقتصادی و اجتماعی.
Honorarium	پایمزد	Counterbalance; Counterweigh;	پارسنگ
Cubic Feet	پای مکعب	Makeweight	
Surety	پایندان	Sub-group	پاره گروه
	همان ضامن است.		همان گروه فرعی است.
Disbursement Officer	پایور پرداخت	Accountable	پاسخ دهندهٔ ملتزم
Standard	پایه	Accountable Person	پاسخگو
Irredeemable	پایهٔ ارزش خارجی بازخرید نشدنی	Rejoinder	پاسخ‌گویی
Foreign-exchange Standard		Rejoinder	پاسخ وکیل مدافع
Gold Exchange Standard	پایهٔ ارزش طلا	Palgrave, Sir (۱۸۲۸-۱۹۱۹)	پالگریو، سررابرت (۱۸۲۸-۱۹۱۹)
	نظامی که در آن پایهٔ واحد پولی ارزش قابل تبدیل به	Robert	
	طلاست.	Dictionary	اقتصاددان انگلیسی که بهترین اثر وی
Irredeemable	پایهٔ ارزش غیرقابل بازخرید	of Political Economy	است.
Foreign-exchange Standard		Out-clearing	پایا کردن محاسبات بانکی
Indirect Foreign-exchange Standard	پایهٔ ارزش غیرمستقیم	Barter	پایاپای
		Clearing	پایاپای بانکها
Irredeemable	پایهٔ ارزش نقدنشدنی	Clearing of Cheques	پایاپای چکها
Foreign-exchange Standard		Pure Barter	پایاپای خالص
Fiduciary Standard	پایهٔ اعتباری	Clear	پایاپای کردن
	یا معیار اعتباری، پولی است که تماماً دارای پشتوانهٔ	Out-clearing	پایاپای کردن حسابها
	طلا یا نقره نیست.	Special Clearance	پایاپای ویژه
Fiduciary Standard of Money	پایهٔ اعتباری پول	Market Clearing	پایاپایی بازار
		Yesterday's Closing	پایان روز پیش

Gold-coin Standard	پایه سکه طلا	Economic Base	پایه اقتصادی
	پایه واحد پولی شمش طلاست.		بر فعالیتهایی اطلاق می‌شود که رشد و توسعه آنها همین حرکت را در منطقه ایجاد کند.
Unlimited Gold-coin Standard	پایه سکه طلای نامحدود	Reserve Base	پایه اندوخته
Gold Bullion Standard	پایه شمش طلا	Equivalence Scale	پایه برابری
International Gold-Bullion Standard	پایه شمش طلای بین‌المللی		یا مقیاس تعادل عامل «تعدیل» در ارزیابی سطوح درآمد یا مصرف خانوار در وضعیتهای مختلف برای دستیابی به پایه زندگی است.
Limited Gold Bullion Standard	پایه شمش طلای محدود	Fiduciary Standard	پایه پول اعتباری
Unlimited Gold-bullion Standard	پایه شمش طلای نامحدود		پایه اعتباری یا معیار اعتباری پولی است که تماماً دارای پشتوانه طلا یا نقره نیست.
Gold Standard	پایه طلا	Bimetallic Standard	پایه پول دولتی
	اسکناسها قابل تبدیل به طلا هستند.		نظام پولی که پایه واحد پولی آن دو فلز (طلا و نقره) است.
Gold Exchange Standard	پایه طلا - ارز	Fiat Standard	پایه پول کاغذی دارای رواج قانونی
	تبدیل اسکناس به طلا به طور غیرمستقیم از راه تبدیل به پول خارجی قابل تبدیل به طلا صورت می‌گیرد.	Monetary Base; Monetary Standard; Money Base	پایه پولی
Domestic Gold Standard	پایه طلای داخلی		دلالت دارد بر داراییهایی بیشتر به صورت بدهیهای پولی بخش عمومی و کوتاه مدت که می‌توانند عرضه پول را بر پایه ضریب فزاینده اعتبار (یا پول) معین کنند.
Gold Bullion Standard	پایه طلای غیر مسکوک	Fiat Standard	پایه پولی بی پشتوانه
Full Gold Standard	پایه طلای کامل		نظامی که در آن واحد پول بدون پشتوانه است.
Limited Gold Standard	پایه طلای محدود	Gold Currency Standard	پایه پولی طلا
Indirect Standard	پایه غیرمستقیم	Monometallism	پایه پولی یک فلزی
Job Evaluation; Labour Grade	پایه کار		نظام پولی که واحد پولی متکی به یک فلز است.
Paper Standard	پایه کاغذی	Multiple-currency International Standard	پایه چندپولی بین‌المللی
Commodity Standard	پایه کالا		
Commodity Base; Commodity Standard	پایه کالایی	Fiat Standard	پایه حکمی
Deepening of Capital	پایه گذاری اساسی سرمایه	Binary Base	پایه دو
	تشدید کاربرد سرمایه در تولید معین کالا است.	Bimetallism Standard	پایه دولتی
Limping Standard	پایه ننگان	Limping Standard	پایه سست
	در این نظام بعضی از مسکوکات نقره به عنوان پول پایه شناخته شده و حتی حیثیت پول قانونی و رایج را پیدا کرده است و قانون تبدیل آنها را به طلا لازم نمی‌داند.		

Phenomenon	پدیده	Tax Basis	پایه مالیاتی
Acceptance; Admission; Adoption	پذیرش		موضوعی که مالیات بر آن تعلق می‌گیرد.
Acceptance with Documents against Payment	پذیرش باتسلیم اسناد در برابر پرداخت	Sliding Wage Scale	پایه متحرک مزد
Bank Acceptance	پذیرش بانکی	Sliding Wage Scale	پایه متغیر مزد
Partial Acceptance of a Bill	پذیرش بخشی از وجه برات	Wage Scale	پایه مزدها
Honour a Draft; Take up a Bill	پذیرش برات	Gold-specie Standard	پایه مسکوک طلا
Acceptance Supra Protest	پذیرش برات نکول شده	Rate Base	پایه نرخ
Clean Acceptance (of a Bill exchange)	پذیرش بی قید و شرط	Cash Basis	پایه نقدی
Accept in Payment	پذیرش پرداخت	Liquidity Basis	پایه نقدینگی
Assumption of Risk	پذیرش خطر	Silver Standard	پایه نقره
Accommodation Acceptance	پذیرش دوستانه قبول	Cost Basis of Accounting	پایه هزینه محاسبه
Acceptance For Honour	پذیرش شرافتی	Reduce	پایین آوردن
Tax Compliance	پذیرش مالیاتی	Write Down	پایین آوردن ارزش دفتری
Partial Acceptance of a Bill	پذیرش محدود برات	Carry Down	پایین آوردن مانده حساب
Accept with Condition; Conditional Acceptance; Qualified Acceptance	پذیرش مشروط	Bottom Price	پایین ترین قیمت
Acceptor	پذیرش نویسنده	Below the Line	پایین خط
Banker's Acceptances	پذیرشهای بانکی		یا زیر خط در بودجه انگلیس همانا بر معاملات دارای ماهیت مالی در ارتباط با دولت انگلیس اطلاق می‌شود.
Acceptable; Credibility; Receivable(s)	پذیرفتنی	Docket; Shipping Note; Transire	پته
Price Taker	پذیرنده قیمت		رسیدی است که گمرک در برابر کالای وارده و مشمول عوارض و حقوق گمرکی می‌دهد تا تکمیل شود و برای ترخیص به جریان افتد.
Cash Bonus	پذیره	Petty, Sir William	پتی، سر ویلیام (۱۶۲۳-۱۶۸۷)
	وجهی است که شرکتهای نفتی طرف قرارداد به		آمارشناس و اقتصاددان انگلیسی، وی پی به این نکته برده بود که با توسعه اقتصاد ساختار اشتغال به سوی خدمت تغییر می‌کند.
		Probability Distribution	پخش احتمال
	قیمت‌پذیر واحد تولیدی است که مقدار تولید آن ناچیز و در بازار بی تأثیر است.	Risk-spreading	پخش خطر احتمالی
		Parcelation of Reserves	پخش ذخیره
		Physical Distribution	پخش کالایی
		Spread	پخش کردن

Prebisch, Raul D. (...-۱۹۰۴) د. پریش، رانول	کشور طرف قرارداد برای اقدام به مطالعه و
اقتصاددان آرژانتینی صاحب‌نظر در مسائل توسعه اقتصادی به ویژه درباره کشورهای عقب‌مانده و رو	می‌گیرد.
به توسعه.	Subscriber پذیره‌نویس
In Demand پُر تقاضا	Multiple-line پذیره‌نویس چندجانبه
Populous پر جمعیت	Underwriter
Sq. Perch پرچ مربع	Cash Subscriber پذیره‌نویس نقد
برابر با ۲۵/۲۹۲۹ مترمربع.	Stock Subscription; پذیره‌نویسی سهام
Flag of Convenience پرچم مصلحتی	Subscription
اقدامی که برای فرار از مالیات صورت می‌گیرد.	Populous پرازدحام
Costly; Expensive پرخرج	Variance پراش
Paying in; Payment; Solution پرداخت	بیان نموداری مقادیر یک متغیر نسبت به متغیر
Deferred Payment پرداخت آتی	دیگر در دستگاه مختصات بدون اتصال نقاط به
پرداخت معوق است.	یکدیگر است.
Ordinary Annuity پرداخت آخر دوره (سالانه)	Unexplained Variance پراش بدون توضیح
Compulsory Check off پرداخت اجباری	Associated Variance; Explained Variance پراش پیوسته
Dismissal Pay پرداخت اخراجی	Variance
بابت خاتمه خدمت است.	Unexplained Variance پراش غیر توضیحی
Debt Service پرداخت اصل و فرع	Unassociated Variance; پراش ناپیوسته
Overpayment; پرداخت اضافی	Unexplained Variance
Supplementary Payment	Explained Variance پراش وابسته
Part Payment پرداخت اقساطی	Dispersion; Variance پراکندگی
Transfer Payment پرداخت انتقالی	همان پراش است.
Bonification پرداخت انعام (آلمان)	Dispersion of پراکندگی بیکاری
Calling پرداخت اوراق قرضه یا بدهی پیش	Unemployment
Loan از سررسید موعد	Price Dispersion پراکندگی قیمت
Down Payment پرداخت اولیه	Mix Variance پراکندگی مختلط
Stand-by Pay پرداخت بابت آماده‌باش	Unassociated Variance پراکندگی ناپیوسته
Redundancy پرداخت بابت اخراج کارکنان	Relative Dispersion پراکندگی نسبی
Payment زیادی	Explained Variance پراکندگی وابسته
P.A.Y.E. پرداخت بازای خدمت	Parcelation of Reserves پراکنده سازی ذخیره
نشانه اختصاری Pay As You Earn است.	High Yield پُر بازده
Specie Payment پرداخت با مسکوک	Valuable پربها

Payment in Full	پرداخت تمام	Rebate	پرداخت بخشی از بدهی
Clearing Payment	پرداخت تهاتری	Part Payment of a Bill	پرداخت بخشی از وجه برات
Compensating Payment	پرداخت جبران‌کننده	Liquidation; Paying Up; Pay-off	پرداخت بدهی
Compensating Payment	پرداخت جبرانی	Withdrawal of Bill	پرداخت برات پیش از سررسید
Payment in Dribblets	پرداخت جزء جزء	Payment in Due Course	پرداخت (برات) در سررسید موعد
Token Payment	پرداخت جزئی	Payment in Lieu of Leave	پرداخت به جای مرخصی
Pay in Kind; Payment in Kind	پرداخت جنسی پرداخت دستمزد به صورت کالا.	Payments To Factors of Production	پرداخت به عوامل تولید
Daily Pay	پرداخت حقوق روز به روز	P.A.Y.E.	پرداخت به قدر عایدی
Payment of Claim	پرداخت خسارت	Documents Against Acceptance	نشانه اختصاری Pay As You Earn است.
Particular Average Adjustment	پرداخت خسارت مخصوص	Payment-by-results	پرداخت به مبلغ کوچک
D/A	پرداخت در برابر پذیرش برات	Payment in Due Course	پرداخت به موقع
Documents Against Acceptance	نشانه اختصاری Acceptance است.	Payment-by-results	پرداخت به نسبت تولید
Payment-by-results	پرداخت در برابر نتایج	Prompt Payment	پرداخت به هنگام
Payment in Due Course	پرداخت در سررسید	Prompt Payment	پرداخت بی‌درنگ
Cash on Delivery Parcel	پرداخت در مقابل حمل بسته	Calling	پرداخت پیش از سررسید موعد
Payment for Honour Supra Protest	پرداخت دوستانه وجه برات وخواستی	Payment Supra Protest	پرداخت پس از وخواست
Sight Payment	پرداخت دیداری همان پرداخت به محض رؤیت است.	Bank Post Remittance	پرداخت پستی بانک
Liberation	پرداخت دین	Front End Loading	پرداخت پیشاپیش
Ex Gratia Payment	پرداخت رافع دعوا	Anticipation	پرداخت پیش از سررسید
Welfare Payment	پرداخت رفاه پرداخت بهزیستی است.	Front End Loading	پرداخت پیشگی
Overpaid; Overpayment	پرداخت زاید	وام‌گیرنده کل بهره متعلقه را به هنگام دریافت وام یکجا می‌پردازد.	
Capital Outlay; Outlay	پرداخت سرمایه‌ای	Indemnify	پرداختن تاوان
Prompt Payment	پرداخت سر نقد، سریع	Payment Under Reserve	پرداخت تحت تضمین
Longevity Pay	پرداخت سنین خدمت	Progress Payment	پرداخت تدریجی
Liability Dividend	پرداخت سود سهام به صورت گواهی بدهی		

Usance Payment	پرداخت مدت دار	Paid	پرداخت شده
Annuity	پرداخت مرتب اصل و فرع	Check	پرداخت عضویت و مالیات از حقوق
Running Payment	پرداخت مستمر	Off	کارگران
	پرداخت ثابت سالانه.	Part Payment; Partial Payment; Payment on Account	پرداخت علی الحساب
Deferred Payment	پرداخت معوق	Call-in Pay	پرداخت عندالمطالبه
Lump Sum Payment	پرداخت مقطوع	Par Clearance	پرداخت عین مبلغ چک
Cash Settlement; Spot Cash Payment	پرداخت نقدی	Payment in Kind	پرداخت غیر پولی
Pay; Pay In; Pay-out	پرداختن	Payment in Kind	پرداخت غیر نقدی
Deficiency Payment	پرداخت ناتمام	Prepayment	پرداخت قبلی
Deficiency Payment	پرداخت ناقص	Contractual Payment	پرداخت قراردادی
In Arrears	پرداخت نشده‌ها	Balloon Payment	پرداخت قسط سنگین پایانی
	نارداخته‌ها و دیون عقب افتاده است.	Gale	پرداخت قسطی (در ایالات متحد)
Spot Payment	پرداخت نقد	Payment-by-results	پرداخت کار فردی
«Prompt» Cash Payment	پرداخت نقد فی المجلس	Fully Paid	پرداخت کامل
Cash with Order	پرداخت نقد همراه با سفارش	Pay Up in Full	پرداخت کامل وام
Cash Disbursement; Outlay	پرداخت نقدی	Payable	پرداخت کردنی
Cash in Advance	پرداخت نقدی از پیش	Deficiency Payment	پرداخت کسری
Cash on Delivery	پرداخت نقدی به مجرد تحویل کالا	Payer; Paying	پرداخت کننده
Pay Up	پرداختن قرض	Giver of the Rate	پرداخت کننده جایزه
Exigible; Payable; Prestable	پرداختنی	Giver of Option Money	پرداخت کننده جوایز و هزینه دیرکرد
Absolve Oneself From Further Liability	پرداختن یک قرض	Tax Incidence	پرداخت کننده نهایی مالیات
Conscience Money	پرداخت وجدانی	Solvere	پرداخت کننده وام
Special Clearance	پرداخت ویژه	Giver of the Rate	پرداخت کننده هزینه دیرکرد
Periodic Payments	پرداختهای اقساطی دوره‌ای	Pay as You Earn	پرداخت مالیات به هنگام وصول درآمد
Imputed Payments	پرداختهای انتسابی		نشانه اختصاری آن P.A.Y.E. است.
Transfer Payments	پرداختهای انتقالی	Tax Compliance	پرداخت مالیاتی
	شکلهایی از پرداختهای اجتماعی و فرهنگی است.	Average Payment	پرداخت متوسط
Business Transfer Payments	پرداختهای انتقالی کار و کسب	Paying Over Again; Repayment	پرداخت مجدد
		Special Clearance	پرداخت مخصوص

Baby Boom	پُزایی	Interbank Payments	پرداختهای بانکی به یکدیگر
Application	پرسش نامه	Progress Payments	پرداختهای پیشرفت کار
Status Inquiry	پرسشنامه وضعیت	Free Multilateral	پرداختهای چندجانبه آزاد
Fundamental	پرسشهای اساسی اقتصادی	Payments	
Economic Questions		Side Payments	پرداختهای حمایتی
	چه چیزی، چه مقدار و چگونه تولید شود و چه کسی تولید کند و چگونه توزیع گردد.		هرگونه پرداخت به یک کشور در قبال کالاها و خدمات یا بازپرداخت بدهی.
Profitable	پرسود	Annuity	پرداختهای سالانه
Skip	پرش (رایانه)	Imputed Payments	پرداختهای ضمنی
Leap-frogging	پرش غوکواری	Factor Payments	پرداختهای عامل
	فراگردی به نام دیگر دستمزد/ دستمزد و علت مستقل تورم دستمزد/ قیمت است.	Recurrent	پرداختهای عمرانی مستمر
Best-sellers	پُرفروش ترین	Development Payment	
Over-full Employment	پُرکاری	Side Payments	پرداختهای کمکی
Strong	پرمايه		همان پرداختهای حمایتی است.
Job Enrichment	پُرمایه کردن شغل	Coupon Payments	پرداختهای کوپن
Profitable	پرمفعت	Annuity	پرداختهای مستمر
Letter of Licence; License; Permit	پروانه	Annuity	پرداختهای منظم سالانه
Shipping Advice	پروانه آگاهی محموله کشتی	Interbank Payments	پرداختهای میان بانکی
Note		Wage and Salary	پرداختهای نقدی مزد و حقوق
	سندی است که صادرکننده محتوی دستورهای برای حمل کالا برای نماینده کشتیرانی می فرستد.	Disbursements	
Small	پروانه اشتغال به کار (در ایالات متحد)	Transfer Payments	پرداختهای یکطرفه
Business Tax		Charge Forward	پرداخت هزینه در آینده
Resident Permit	پروانه اقامت	Ex Gratia Payment	پرداخت همت عالی
License to Assign	پروانه انتقال	Due	پرداختی
Shipping Note	پروانه بارگیری کشتی	Factor Payment	پرداختی عوامل
Shipping Note	پروانه بارگیری کشتی		و جوهی که بابت هزینه عوامل به صورت دستمزد و جز این پرداخته می شوند.
Transire	پروانه ترخیص کالا	Lump Sum Bayment	پرداخت یکجا
Victualling Bill	پروانه حمل	Processor	پردازنده
Building Licence	پروانه ساختمان		همان آماينده است.
Export Licence	پروانه صدور	Main Frame	پردازنده اصلی
		Veil of Ignorance	پردۀ نادانی
			همان حجاب جهل است.

Reading File;	پرونده نسخه‌های مرتب	Transire	پروانه عبور
Rotation File		Non-automatic	پروانه غیر خودکار واردات
Functional File	پرونده وظایف	Import Licence	
Tax Avoidance	پرهیز از پرداخت	Selling Licence	پروانه فروش
Effort Aversion	پرهیز از کوشش	Certificate of Public	پروانه فواید عامه
Peso, \$A	پزو، واحد پول آرژانتین	Convenience and Necessity	
Peso, \$	پزو، واحد پول اروگوئه	Work Permit	پروانه کار
Peso, \$B	پزو، واحد پول بولیوی	Navigation Permit	پروانه کشتیرانی
Peso, RD\$	پزو، واحد پول دومینیکن	Occupational Licensing	پروانه‌گذاری حرفه‌ای
Peso, Col\$	پزو، واحد پول کلمبیا	Occupational Licensing	پروانه‌گذاری شغلی
Peso, \$	پزو، واحد پول کوبا	Import License	پروانه واردات
Peso, PG	پزو، واحد پول گینه بیسائو	Clearance Inwards; Import	پروانه ورود
Peso, Mex\$	پزو، واحد پول مکزیک	Permit	
Peso, P	پزو، واحد پول فیلیپین	Automatic Import	پروانه‌های خودکار واردات
Peseta, Pta, P	پزوتا، واحد پول اسپانیا	License	
New Peso,	پزو جدید، واحد پول اروگوئه		آن صورت پروانه‌گذاری است که موافقت با درخواست آزادانه بعمل می‌آید.
Nur \$		Proudhon, Pierre (۱۸۰۹-۱۸۶۵)	پروتن، پیر (۱۸۰۹-۱۸۶۵)
Research	پژوهش		مالکیت را دزدی می‌دانست و با سوسیالیسم بدون آزادی مخالف بود.
Motivational Research	پژوهش انگیزه‌ای	Sensitivity Training	پرورش استعداد تغییر
Marketing Research	پژوهش در بازار		آموزش و پرورش یک فرد برای بهبود قابلیت در کار گروهی.
	بیرون آوردن اطلاعات از درون و بیرون شرکتها درباره کلیه جوانب کار و کسب.	File; Folder; Record	پرونده
Systems Research	پژوهش دستگاهها	Credit File	پرونده اعتبارگیرنده
Industrial Research	پژوهش صنعتی	Follow-up File	پرونده تعقیبی
Refer	پس آوردن	File	پرونده حاوی اطلاعات (اصطلاح رایانه)
Ergo Propter Hoc	پس از این	Transaction File	پرونده داد و ستد
Post Hoc		Carry Over File; Permanent	پرونده دائمی
	اصطلاح لاتین برای Hereinafter است.	File	
After Sight	پس از رؤیت	Numerical File	پرونده شماره‌ای
After Hours	پس از ساعات اداری	Numerical File	پرونده مسلسل
Post-factum (Ex Post Facto)	پس از واقعه	Transaction File	پرونده معامله
After	پس از وضع مالیات یا درآمد قابل		
-tax (After Disposable Income)	تصرف		

Sole-saving	پس‌انداز منفرد	Deferred Availability Cash	پس‌افتاده
Dissaving; Negative Saving	پس‌انداز منفی	Items; Outstanding	
Gross Business Saving	پس‌انداز ناخالص بازرگانان و مؤسسات بازرگانی	Arrears of Dividend	پس‌افت سود سهام
Business Gross Saving	پس‌انداز ناخالص کار و کسب	In Arrears	پس‌افتها
Undersaving	پس‌انداز نامکفی	Defer; Postpone	پس‌انداختن
Ex Post Saving	پس‌انداز واقعی	Lay-by; Saving	پس‌انداز
Savings and Time Deposits	پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار		آن بخش از درآمد که به مصرف نرسیده است.
Savings	پس‌اندازها	Compulsory Saving;	پس‌انداز اجباری
Postal Savings	پس‌اندازهای پستی	Forced Saving; Saving, Forced	پس‌انداز به سبب فقدان کالا برای خرید.
Fluid Savings	پس‌اندازهای سیار	Ex-ante Saving	پس‌انداز به اعتبار آینده
Fluid Savings	پس‌اندازهای سیال	Ex-post Saving	پس‌انداز مورد پیش‌بینی.
Company Savings	پس‌اندازهای شرکت	Ex-post Saving	پس‌انداز به اعتبار گذشته
Fluid Savings	پس‌اندازهای متحرک	Save as You Earn	پس‌انداز انجام شده.
Facsimile; Fax; Image Processing	پست تصویری	Save as You Earn	پس‌انداز به هنگام دریافت درآمد
Registered Mail	پست سفارشی	Ex-ante Saving	پس‌انداز پیش‌بینی شده
Parcel Post	پست محموله	Current New Saving	پس‌انداز جدید جاری
Buy Back	پس‌خرید کردن	Net Saving	پس‌انداز خالص
Product Buy-back	پس‌خوید محصول	Automatic Saving	پس‌انداز خودکار
Pay Back; Refund; Repay	پس‌دادن	Hoard	پس‌انداز راکد
Refund; Repayment	پس‌دهی		اندوخته راکد پولی است.
Lay-up Refund	پس‌دهی بخشی از حق بیمه	Oversaving	پس‌انداز زاید
Refunding	پس‌دهی پول	Personal Saving	پس‌انداز شخصی
Regressivity	پس‌روندگی	Corporate Saving	پس‌انداز شرکتی
Regress; Regressivity	پس‌روی	Forced Saving	پس‌انداز غیر ارادی
Refer; Remit; Send Back	پس‌فرستادن	Involuntary Saving	پس‌انداز غیرعادی
Return	پس‌فرستادن کالا به فروشنده	Personal Saving	پس‌انداز فردی
Back Freight	پس‌کرایه	Contractual Saving	پس‌انداز قراردادی
Carriage Forward	پس‌کرایه شده	Business Saving	پس‌انداز کار و کسب
Withdrawal	پس‌گرفتن	Lay Up; Save; Spare	پس‌انداز کردن
		Permanent Saving	پس‌انداز مستمر
		National Savings	پس‌انداز ملی

Full Endorsement	پشت‌نویسی کامل	Recoverable	پس‌گرفتنی
Endorse; Indorse	پشت‌نویسی کردن	Withdrawal	پس‌گیری
General Endorssement	پشت‌نویسی کلی	Withdrawal of Acceptance	پس‌گیری پذیرش
Restructure Indorsement	پشت‌نویسی مجدد	Decertification	پس‌گیری شناسایی
Restrictive Endorsement (Indorsement)	پشت‌نویسی محدود	Recapture of Earnings	پس‌گیری عایدات
Qualified Endorsement; Qualified Indorsement; Restrictive Endorsement (Indorsement)	پشت‌نویسی مشروط	Product Acceptance	پسند محصول
Restrictive Endorsement (Indorsement)	پشت‌نویسی مقید	Peso	پسو همان پزو است.
Special Endorsement	پشت‌نویسی ویژه	Transposition	پس و پیش شدن ارقام
Backing a Note	پشت‌نویسی یک برات	Rank	پشت سرهم قرار گرفتن
Backing; Note Issue Cover	پشتوانه	Hinterland	پشتکرانه
Monometallism	پشتوانه تک فلزی	Endorsee; Endorser; Indorser	پشت‌نویس
Gold Backing; Gold Cover; Monetary Gold Stock	پشتوانه طلا	Second Endorser	پشت‌نویس دوم
Commodity Backing	پشتوانه کالایی	Endorsement; Indorsement	پشت‌نویسی
Amicus Curial	پشتیبان و هواخواه دادگاه		انتقال حقوق مالکیت ذینفع در اسناد تجاری به شخص دیگر از راه امضای پشت سند (سفته، برات) و همان ظهرنویسی است.
Official Support	پشتیبانی رسمی	Blank	پشت‌نویسی بدون تذکر نام آورنده
Dump; Fractional Currency	پشیز	Endorsement (Indorsement)	پشت‌نویسی بدون ذکر نام
Money; Token Fractional Coins	پول خرد مسکوک است.	Blank	پشت‌نویسی بدون قید و شرط
Coinage Debasement	پشیز کردن سکه	Endorsement (Indorsement)	پشت‌نویسی برات و اسناد بازرگانی
Minimax Regret	پشیمانی کمین بیشینه‌ها	Enfacement	پشت‌نویسی بی‌قید و شرط
Sq. Pole	پل مربع	Endorsement in Blank	پشت‌نویسی بی‌نام
Tax Heaven	پناهگاه مالیاتی	Indorsement in Blank	پشت‌نویسی در وجه شخص معین
Black Thursday	پنج‌شنبه سیاه	Special	پشت‌نویسی در وجه شخص معین
	بیست و چهارم اکتبر سال ۱۹۲۹ سرآغاز دوره طولانی تنزل قیمت‌ها.	Indorsement (Endorsement)	پشت‌نویسی دوستانه
		Accommodation	پشت‌نویسی عمومی
		Endorsement	
		General Indorsement	

Cheap Money; Easy Money	پول ارزان	Pengo	پنگو
هنگامی که سطح قیمت‌ها بالا برود و پول ارزش پیشین خود را از دست بدهد.		Cover (margin); Coverage; Covering	پوشش
Undervalued Currency	پول ارزان‌تر از ارزش واقعی	Capsule Cargo Cover	پوشش بار کشتی پوشش بیمه‌ای
Guided Money	پول ارشادی	Veil of Money	پوشش پولی
Euro-currency	پول اروپایی	حالت خنثی بودن پول را می‌رساند.	
Laundered Money	پول «از آب‌گذشته»	Market Coverage	پوشش تبلیغاتی
پولی که از چند مجرای بانکی گذشته تا منبع اصلی آن معلوم شود.		Blanket Coverage	پوشش تبلیغاتی سراسری
Depreciated Currency	پول از ارزش افتاده	Balancing of Portfolio	پوشش خطر احتمالی در داراییهای اسنادی
High Money	پول استقراضی با بهره بالا	Cover	پوشش دادن
Stable Currency	پول استوار	Short Hedger	پوشش دهنده در بازار فروش
منظور پول با ارزش و پایدار است.		Dividend Cover	پوشش سود سهام
Occupation Money	پول اشغالگر	Cross Hedger	پوشش غیرمستقیم
Occupation Money; Spearhead Money	پول اشغالی	Blanket Coverage	پوشش فراگیر خبری
Long Hedger		Long Hedger	پوشش‌کننده در بازار خرید
Primary Money	پول اصلی	Stock Cover	پوشش موجودی
Bank Money; Credit Money; Deposit Money; Fiduciary Currency; Fiduciary Money; Token Money	پول اعتباری	First Dollar Coverage	پوشش نخست دلار
پول اعتباری		Currency; Money; Pecuniary; Pelf; Roll	پول
پولی که ارزش آن به اعتبار دستگاه ناشر و اقبال عمومی بستگی دارد.		هر شیئی مورد قبول عامه به عنوان واسطه مبادله که واحد ارزش را برساند.	
Decimal Currency	پول اعشاری	Pula, P	پولا، واحد پول بوتسوانا
Electronic Money	پول الکترونیکی	Free Currency; Unapplied Cash	پول آزاد
Trust Fund	پول امانی	Easy Money	پول آسان
End Money; Reserve Currency	پول اندوخته	Ready Money	پول آماده
International Reserve Currency	پول اندوخته بین‌المللی	Rent-charge; Rent Roll	پول اجاره
Hoarder	پول‌اندوز	Option Money (On A Property)	پول اختیاری
Hoarding	پول‌اندوزی	Managed Currency; Managed Money	پول اداره‌شده
پول نهادن یا احتکار پولی است.			
Dear Money	پول با بهره زیاد		

Barren Money	پول بی حاصل	Cheap Money	پول با بهره کم
Easy Money	پول بی زحمت	Stable Currency; Stable Money	پول باثبات
Neutral Money	پول بی طرف	Money for Jam; Pot of Gold	پول بادآورده
Earnest Money	پول بیعانه	Forced Currency	پول با رواج اجباری
Honest Money	پول بی غل و غش	Irredeemable Currency;	پول بازخریدنشدنی
Idle Cash; Idle Money; Inactive Money	پول بیکار	Irredeemable Money	
Foreign Currency	پول بیگانه	Legal Tender	پول با قوه ابراء
Trading Currency	پول بین المللی	Elastic Money	پول باکشش
	پولی که مانند دلار و دیگر ارزهای قوی در بازرگانی بین المللی مورد استفاده قرار می گیرد.	Bank Currency; Bank Money	پول بانک
Primary Money; Standard Money	پول پایه	Bank Money	پول بانکی
	پولی که دولت به عنوان پایه نظام پولی برمیگزیند.	Bad Money	پول بد
Hot Money	پول پر تحرک	Debased Currency	پول بدون پایه
Currency Linked	پول پرداخت	Debt Money	پول بدهی
High-powered Money	پول پر قدرت	Raise Money (for Oneself)	پول برای خود فراهم کردن
Advance	پول پیشکی	Raise Money (for Another)	پول (برای منظوری) گرد آوردن
Irredeemable Money	پول تبدیل ناپذیر	Outside Money	پول برونی
Guided Money; Managed Currency; Managed Money	پول تحت مدیریت	High-powered Money	پول بسیار قوی
Bank Money; Deposit Money	پول تحریری	Idle Cash	پول بلااستفاده
Funk Money	پول ترساننده	Moneyness	پول بودن
Adjustable Currency	پول تطبیق پذیر	Money As Debt	پول به صورت بدهی
Counterfeit Money	پول تقلبی	Money as a Measure of Value	پول به عنوان اندازه ارزش
Full-bodied Money	پول تمام عیار	Inactive Money	پول بی اثر
	پولی که ارزش کالایی آن برابر با ارزش پولی آن است.	Black Money	پول بی ارزش
Stamped Money	پول تمبرخورده	Dead Money	پول بی اعتبار
Stamped Money	پول تمبردار	Depreciation Currency	پول بی بها
Stamped Money	پول تمبرزده	Fiduciary Money; Wildcat Money	پول بی پشتوانه
Capital Duty	پول تمبر سرمایه		پول کاغذی با اسکناس که تضمین طلا یا نقره یا ارزهای قوی را ندارد.
Pocket Money	پول تو جیبی	Barren Money	پول بی ثمر
Deposit Currency	پول تودیی		

Cheque Book Money	پول دسته چک	Stable Money	پول ثابت
Brokerage	پول دلالی	Counter Feit Money	پول جعلی
Florin	پول دوشیلینگی در انگلستان	Chrematistic	پول جمع کن
Government Money	پول دولت	Pocket Money	پول جیب
Idle Money; Inactive Money	پول راکد	Printing Press Money	پول چاپی
	پولی که از جریان خارج گردیده به صورت دارایی غیرفعال و خوابیده درآمد است.	Bargain Money	پول چانه زنی
Currency; Legal Tender	پول رایج	Bargain Money	پول چانه زنی در معامله
Fiduciary Money	پول رایج اجباری	Cheque Currency	پول چکی
Lawfull Tender; Legal Tender Currency	پول رایج قانونی	Attendance Money	پول حضور
Paper Standards	پول رایج کشور	Fiat Money; Legal Tender	پول حکمی
Remit	پول رسانیدن	Foreign Money	پول خارجی
Genuine Money	پول رسمی	Change; Coin; Fractional Coins; Fractional Currency; Fractional Money; Loose Cash; Small Change; Token Money	پول خرد
Fiat Money	پول رواج اجباری		
Make a Killing	پول زیادی درآوردن	Scrip (Script)	پول خرد کاغذی موقت
Undervalued Currency	پول زیر ارزش واقعی	Treasury Currency	پول خزانه داری
Money Tied Up	پول ژتونی	Danger Money	پول خطر
Fit Currency; Sound Currency; Sound Money	پول سالم	Dead Money	پول خوابیده
Light Money (or Light Coin)	پول سبک	Good Money	پول خوب
Deposit Currency; Deposit Money	پول سپرده ای	Automatic Currency	پول خودکار
	پول به صورت سپرده در حسابهای بانکی است.	Local Currency	پول داخلی
Barren Money	پول سترون	Flush of Money	پولدار
	یا پول عقیم و غیرفعال که در کار و کسب بکار نرود.	Representative Money	پول دارای پشتوانه کامل (طلا یا نقره)
Floating Money	پول سرریز	Active Money	پول در جریان
	همان پول شناور است.	Cheque Book Money	پول در حسابهای کلی
Floating Money	پول سرگردان	Active Circulation; Active Money; Money in Circulation	پول در گردش
Capital Invested	پول سرمایه گذاری	Tight Money	پول در وضع کساد
	منظور وجه یا سرمایه ایست که به سرمایه گذاری اختصاص یابد.	Inside Money	پول درونی
Hard Cash	پول سکه	Collection	پول دریافتی
			عمل وصول وجه است.

Flight Money; Hot Money	پول فرّار	Black Money; Change; Dump	پول سیاه
به نشانهٔ سرمایهٔ فرّار است به تناسب پیش‌بینی تغییرات نامساعد ارز.		Coinable	پول شدنی
Easy Money; Flush Money	پول فراوان	Debt of Honour	پول شرافتی
Immigrant Remittance	پول فرستی مهاجران	Laundered Money	پول شسته و رفته
Token Money	پول فرعی	Floating Currency	پول شناور
Active Circulation; Active Money; Hot Money	پول فعال	پولی که ارزشی آن در برابر پولهای دیگر نوسان دارد.	
آن پولی که در فواصل زمانی پرداختها به سرعت در گردش است.		Hard Cash; Hard Money	پول صدادار
Coin; Coined Money; Minted Money; Specie	پول فلزی	پول جرینگی.	
Free Currency	پول قابل انتقال	Light Money (or Light Coin); Soft Currency; Soft Money; Weak Currency	پول ضعیف
Convertible Currency; Convertible Money; Representative Money	پول قابل تبدیل	پول کشوری که تراز پرداختهایش کسری مستمر دارد یا در انتشار آن افراط شده است.	
پولی که به پول کشورهای دیگر قابل تبدیل و تسعیر باشد.		Gold Money	پول طلا
Convertible Currency; Convertible Money	پول قابل تسعیر	Option Money (On A Property)	پول علی‌الحساب
Adjustable Currency	پول قابل تعدیل	Call Money	پول عندالمطالبه
Lawful Currency; Lawful Tender	پول قانوناً رایج	Moneyness	پول غایی
پولی که به حکم قانون اعتبار و جریان دارد.		سهولتی که یک دارایی بتواند در مبادله با چیز دیگر خرج شود.	
Genuine Money; Lawful Money	پول قانونی	Specie	پول غیراسکناس
Legal Tender		Inactive Money; Money, Inactive	پول غیرفعال
پولی که به حکم قانون اعتبار و جریان دارد.		Soft Money	پول غیر فلزی
Currency	پول قانونی و در گردش هر کشور	Blocked Currency	پول غیر قابل انتقال به خارجه
Old Money	پول قدیمی	Irredeemable Money	پول غیر قابل بازخرید
Token Money	پول قراردادی	Fiat Money; Inconvertible Currency; Inconvertible Money; Irredeemable Currency; Irredeemable Money	پول غیر قابل تبدیل
همان پول نماینده است.			
Lend Money	پول قرضی	Inconvertible Currency; Inconvertible Money	پول غیر قابل تسعیر
Unsound Money	پول قلابی		

مورد اجازه بدون مجوز قانونی اخذ می‌شود.	پول قلب	Counter Feit Money; Spurious Money
پول کم‌ارزش	پول قوی	Hard Cash; Hard Currency; Hard Money; Overweight Money; Sound Currency; Sound Money
پول کم‌برآورد	پولی که آزادانه به طلا یا ارزهای دیگر قابل تبدیل است و تقاضا برای آن شدید می‌باشد.	
پول کمیاب	پول کاغذی	Currency Notes; Fiduciary Currency; Fideuciary Money; Paper Currency; Paper Money; Paper Note; Soft Currency; Soft Money
پول گران	پول کاغذی رایج به حکم قانون	Fiat Money
پول هنگامی گران می‌شود که میزان بهره بالاست.	پول کاغذی غیر قابل بازخريد	Inconvertible Money
پول گرایان	پول کاغذی غیر قابل تبدیل	Inconvertible Paper Currency; Inconvertible Paper Money
پول گرایی	پول کاغذی غیر قابل تبدیل به طلا یا نقره	Paper Standards
این باور که علت اصلی بی‌ثباتی اقتصادی همان اختلال در بخش پولی است.	پول کاغذی غیر قابل تسعیر	Inconvertible Paper Money
پول گرایی بین‌المللی	پول کاغذی که به حکم قانون رواج باید و	Fiat Money
مکتبی است که تغییرات عرضه پول را سرچشمه اصلی فشارهای تورمی می‌داند.	تعهدی برای پرداخت بهای آن نباشد	Commodity Money
پول گرویی	پول کالا	Commodity Currency
پول گرد	پول کالایی که به عنوان پول بکار می‌رود ولی در جریان خرید و فروش است.	Full-bodied Money
پول گریزان	پول کامل	Rent-charge
پول محبوس	پول کرایه	Elastic Currency; Elastic Money
پول محکم	پول کشش‌دار	Money
پول مختلط	پول کشور دیگر	Foreign Exchange
پول مرخصی	پول کلید	Key Money
پول مسدود	پولی زوری است که از مستأجر برای تحویل	
پول غیر قابل انتقال به خارج.		
پول مسکوک		
پول معتبر		
پول معیاری		
پول مفت		

Specified Currencies	پوله‌های خاص	Home Currency; Local Currency; National Currency	پول ملی
Anna	پول هندی، آنه	Dead Money	پول منسوخ
Kite	برات همکاری	Claim	پول مورد طلب
	پول یا اعتباری را با برات صوری به دست آوردن.	Stamped Money	پول مهمور
Hat Money	پول یامفت	Exotic Currency	پول نا آشنا
Moneyness	پولیت	Funny Money	پول ناجور
Monetize	پولی کردن	Barren Money	پول نازا
Post-fine	پولی که بابت اجازه صدور جریمه پرداخته می‌شده است	Cheap Money	پول نازل
Lb	پوند	Vehicle Currency	پول ناقل
	نشانه اختصاری Pound برابر با ۴۵۳/۵۹۲ گرم است.	Dirty Money	پول نامشروع
Pound, £	پوند	Unsound Money	پول نامعتبر
	پوند، واحد پول انگلستان، جبل الطارق، £	Unfit Currency	پول نامناسب
£stg	و جزایر فالکلند	Fractional Coins; Token Money	پول نشانه‌ای
Pound, £Ir	پوند، واحد پول ایرلند	Managed Money	پول نظارت شده
Pound, £c	پوند، واحد پول قبرس	Cash; Cash Down; Currency; Hard Cash; Ready Money; Spot Cash	پول نقد
Pound, LL, £L	پوند، واحد پول لبنان	Vault Cash	پول نقد خزانه
Pound, £M	پوند، واحد پول مالتا	Cash in Vault	پول نقد در صندوق
Pound, LE	پوند، واحد پول مصر	Till Money	پول نقد موجود
Sterling Pound, £stg	پوند استرلینگ	Irredeemable Money	پول نقدنشدنی
Green Pound	پوند سبز	Dry Money	پول نقدینه
Floating Pound	پوند متغیر	Transactions Motive for Holding Money	پول نگهداشتی
Poundage	پوندی چند	Money Tied Up; Token Money; Representative Money	پول نماینده
Economic Dynamics	پویایی اقتصادی		پولی که ارزش آن به عنوان واسطه مبادله به موجب قانون معین شده است.
Dynamics of Adjustment	پویایی تطبیق	Representative Money	پول نمونه
Group Dynamics	پویایی شناسی گروهی	Effective Money; Real Money	پول واقعی
Group Dynamics	پویایی گروهی	Caution Money	پول وثیقه
Comparative Dynamics	پویایی مقایسه‌ای	Retention Money	پول وثیقه حسن پایان کار
Budget Message	پیام بودجه	Reserve Currencies	پوله‌های اندوخته
Positive Externalities	پیامدهای مثبت خارجی		
	منظور آثار برونی مثبت است.		
Cablegram	پیام مخابراتی		

Notice	پیش‌آگهی	Deduction	پی بردن از کل به جزء یا از علت
A Priori	پیش‌پیش		به معلول
Earnest Money	پیش‌دست	Hevristic	پی‌برنده
Before Hours	پیش از آغاز بورس	Wage-price Spiral	پیچ‌پیچ مزد - قیمت
Hereinbefore	پیش از این	Spiral of Wages and Prices	پیچ‌پیچی مزدها و قیمت‌ها
Coram Nobis	پیش از ما		
Prima	پیش از همه		حرکت ماریجی ترقی قیمت‌ها با افزایش دستمزدها و ترقی قیمت‌ها و در نتیجه تشدید تورم است.
Favourable Event	پیشامد مساعد	Inflationary Spiral	پیچ‌پیچ تورمی
Sales Drive	پیشبرد فروش	Twist	«پیچ و تاب»
Promoter	پیش‌برنده		سیاست مقامات امریکایی در اعاده تعادل تراز پرداختها از یک سو و حفظ میزان رشد در سطح بالا از سوی دیگر است.
Forwarding Agent	پیش‌برنده حمل بار	Genetic	پیدایشی
Foreclosure	پیش‌بندی	Peripheral	پیرامونی
Paid-on Charges	پیش‌بها	Old Lady Of Thredneedle Street	پیر بانوی خیابان تردنیل
	همان پیش‌پرداخت است.	Old Lady Of Thredneedle Street	پیر خاتون خیابان تردنیل
Forecast; Precaution; Prevision	پیش‌بینی	Pierson, N.G.	پیورسن، ان. جی
Prognostication; Projection; Prospect; Speculation			اقتصاددان هلندی طرفدار رقابت سرمایه‌داری.
Margin of Safety	پیش‌بینی ایمنی	Pirnya, Hossein, PhD	پیرنیا، دکتر حسین (۱۲۹۲-۱۳۷۲ شمسی)
Multiforecasting	پیش‌بینی چندجانبه		متفکر و اقتصاددان بزرگ ایرانی، استاد دانشگاه تهران.
Multiforecasting	پیش‌بینی چندگانه	Following	پیرو
Long-term Forecast	پیش‌بینی درازمدت	Saint-simonians	پیروان سن‌سیمون
Margin of Profit	پیش‌بینی سود		(۱۸۲۵-۱۷۶۰) مالکیت خصوصی را علت استثمار بشر می‌دانستند.
Perspective	پیش‌بینی شده	Monetarists	پیروان مکتب اصالت پول
Population Projection	پیش‌بینی شمار نفوس	O.A.S.I.	پیری و بیمه بازمندگان
Cash Requirement	پیش‌بینی صندوق	Old Age and Survivors Insurance	نشانه اختصاری
Sales Budget; Sales Forecast	پیش‌بینی فروش		است.
	بخشی از بررسی بازار و بازاریابی است.		
Forecasting	پیش‌بینی فعالیت اقتصادی		
Business Activity			
Prognosticate; Provide	پیش‌بینی کردن		
Short-term Forecast	پیش‌بینی کوتاه‌مدت		
Ruling Forecast	پیش‌بینی متداول		

Deferred Credit	پیش دریافت	Preliminary Budget	پیش‌بینی مقدماتی بودجه
Deferred Income;	پیش دریافت درآمد	Forecasts	
Deferred Revenue		Medium-term Forecast	پیش‌بینی میان‌مدت
Deferred Revenue	پیش دریافت عایدی	Improvided	پیش‌بینی نشده
Bear Raiding	پیشدستی پیش فروش‌کننده	Cost Expectation	پیش‌بینی هزینه
Advance	پیشرفت	Routine	پیش‌یافتاده
Sales Promotion	پیشرفت فروش	Advance; Down Payment;	پیش پرداخت
Prosper	پیشرفت کردن	Earnest Money; Hand Money; Hand Sel	
Improver	پیشرفت‌کننده	(hansel); Imprest Account; Imprest	
Loss Leader	پیشرو زیان	Cash; Payment in Advance; Prepayment;	
	در خرده‌فروشی کالایی که نخست به کمیتی کمتر از	Token Payment; Working Fund	
	بها فروخته می‌شود تا مشتریان به سوی کالای دیگر		پیش بها یا بیعانه است.
	کشیده نشوند.	Advance on	پیش پرداخت حمل کالاها
Price Leader	پیشرو قیمت	Consignment of Goods	
Condition Precedent	پیش شرط	Imprest	پیش پرداخت عملیات
Bear; Forward Sale; Short Sale	پیش فروش	Margin	پیش پرداخت قانونی (در مورد
Short Hedge	پیش فروش تأمین‌ی ارز	Requirements	خرید سهام)
	فروش اوراق بهادار یا کالا برای تاریخی در آینده تا	Retaining Fee	پیش پرداخت کارانه
	از نوسانهای نامساعد قیمت‌ها در امان بمانند.	Minimum Guaranteed	پیش پرداخت کمینه
Oversale	پیش فروش زیادی	Wage	
Sell Short	پیش فروش کردن	Impact of Tax	پیش پرداخت مالیات
Bear	پیش فروش‌کننده	Imprest	پیش پرداخته (در مورد پول)
Short	پیش فروش‌کننده (بدون تضمین و	Prepaid Asset	پیش پرداخت هزینه (خرج)
Seller	پشتوانه)	Knight of Labour	پیش‌تازان نهضت کارگری
Protected Bear	پیش فروش‌کننده تحت حمایت	Hereinbefore; Prior	پیشتر
Covered Bear	پیش فروش‌کننده وثیقه‌دار	Forward Purchasing; Short	پیش خرید
Forward Sales	پیش فروشها	Covering	
Oversale; Selling Short; Short	پیش فروشی	Long Hedge	پیش خرید تأمین‌ی ارز
Sale; Time Bargain		Bull	پیش خرید‌کننده
Pilot	پیشقدم	Long Hedger	پیش خرید‌کننده تأمین‌ی ارز
Consideration (or Considering);	پیش قسط	Engrossing, Forestalling	پیش خری کالای بازار
Down Payment; Hand Sel (hansel)		and Regrating	
Steward	پیشکار	Receive in Advance	پیش خور کردن

Take-over; Tender	پیشنهاد علنی خرید	Advance Freight	پیشگرایه
Tender	پیشنهاد عمومی خرید	Dedication	پیشکش
Offer for Sale; Proforma Invoice	پیشنهاد فروش	Payable in Advance	پیشگی قابل پرداخت
Proforma	پیشنهاد فروش کالا	Pilot	پیشگام
Firm Offer	پیشنهاد قطعی	Prognostic; Prognostication	پیشگویی
Proforma Invoice	پیشنهاد قیمت	Prognosticate	پیشگویی کردن
Propose; Propound	پیشنهاد کردن	Pollution Control	پیشگیری از آلودگی
Bid a Price	پیشنهاد کردن یک قیمت (در مزایده یا مناقصه)	Draft	پیش نویس نامه
Offerer; Proposer; Propounder; Tenderer	پیشنهاد کننده	Mss	پیش نویسا
Offeree	پیشنهاد گیرنده	Manuscripts	نشانه اختصاری است.
Collusive Tendering	پیشنهاد مبنی بر تبانی	Offer	پیشنهاد
Counter-offer	پیشنهاد متقابل	Tentative Offer	پیشنهاد آزمایشی
Firm Offer	پیشنهاد محکم	Amendment	پیشنهاد اصلاحی قانون
Bid; Bidding	پیشنهاد مزایده	Overbid	پیشنهاد اضافه
Introductory Offer	پیشنهاد معرفی	Open Bid; Open Offer	پیشنهاد باز
Proposed Dividend	پیشنهاد مقدار سود سهام	Outbid	پیشنهاد بیشتر دادن
Bid	پیشنهاد مناقصه	Higher Bid	پیشنهاد بهتر (در مزایده)
Call for Tenders	پیشنهاد مناقصه (مزایده)	Secondary Offering	پیشنهاد ثانوی
Collective Tendering	پیشنهاد مناقصه جمعی	Bid; Offer to Purchase	پیشنهاد خرید
Introductory Offer	پیشنهاد نخست	Bid Bond	پیشنهاد خرید به قیمت معین
Tap Offering	پیشنهادهای اوراق بهادار دولتی	Take-over; Take-over Bid	پیشنهاد خرید عمومی
Take Over Bids	پیشنهادهای سلطه جویانه	Private Offering	پیشنهاد خصوصی
Asked	پیشنهادی	Bidder; Mover; Offerer; Profferer	پیشنهاددهنده
Wage Leadership	پیشوایی مزد	Road Haulier	پیشنهاددهنده حمل کالا از طریق خشکی
Avocation; Job; Occupation; Profession; Vocation	پیشه	Take-over Bid	پیشنهاد سلطه جویانه
Vocational	پیشه‌ای		هدف تسلط تام و تمام بر واحد اقتصادی مورد معامله است.
Craftsman	پیشه‌ور	Asked	پیشنهادشده
Gild Merchant	پیشه‌وران	Preemptive Bid	پیشنهاد شفعه‌ای
Craftsmanship	پیشه‌وری	Open Bid	پیشنهاد علنی (در مزایده و مناقصه)

سیاسی در اروپای غربی.	Handicraft	پیشه‌دستی
Convention; Indenture Deed	Antecedent; Primitive; Prior	پیشین
Charter Party	Leads and Lags	پیشی‌ها و درنگها
Reinsurance Treaty		همان تأخیرات و سبقتها در پرداختهای بین‌المللی و اقدامی است که افراد مقیم یک کشور برای کسب سود از پیش‌بینی‌های تغییرات نرخ ارز بعمل می‌آورند.
Agency Contract		
Gallon		
Contract Payable	An Item	پیکر
Bushel (imp)	Configuration	پیکربندی
Joint Adventure; مشترک	Pigou,	پیگو، از تورسیسمل (۱۸۲۷-۱۹۵۹)
Joint Venture	Cecil Arthur	اقتصاددان انگلیسی، نویسنده «اقتصادی برنامه».
Pint		
واحد حجم که چون در عدد ۳۴/۶۷۷۵ ضرب شود یک اینچ مکعب به دست می‌آید.	«Progress Chaser»	پیگیر
With Exchange	Trace	پیگیری
Allonge	Agreement (Agreeing); Composition; Contract	پیمان
Affiliation; Association	Monetary Convention	پیمان پولی
Economic Continuity	Commodity Stabilization	پیمان تثبیت کالا
Forward Linkage	Agreement	
ارتباط میان یک صنعت یا بنگاه با واحدهایی که باز داده آنها را به عنوان در داده به کار می‌برند.	Restrictive Covenant	پیمان تضییقی
Continuity of Demand	Private Treaty	پیمان خصوصی
Function	Treaty of Rome	پیمان رُم
Uniform Continuity	Advertising Contractor	پیمانکار
Backward Linkages	Common	پیمانکار حمل و نقل مسافر و بار
ارتباط میان یک صنعت یا بنگاه با تهیه‌کنندگان منابع.	Carrier	
	The Maastricht Treaty	پیمان ماستریخت
		پیمان برای وحدت پولی، اقتصادی و سرانجام



عبارتنداز مقادیر کلان نشان‌دهنده جنبه‌های مختلف یک وضع.

Truncated Earnings Function تابع بریده عواید

آزمونی از فرضیه بازار دوگانه است که مکانیسم تعیین مزد میان بخشهای اولیه و ثانویه در بازار کار تفاوت می‌کند.

Welfare Function تابع بهزیستی همان تابع رفاه است.

Social Welfare Function تابع بهزیستی اجتماعی همان تابع رفاه اجتماعی است.

Maximand تابع بیشینه‌شونده هر تابعی که بخواهیم بیشینه سازیم.

The Savings Function تابع پس‌انداز صورت ریاضی رابطه میان پس‌انداز کل و درآمد کل است.

Step Function تابع پله‌ای تابعی که در فواصل معین متغیر مستقل مقدار ثابتی از متغیر وابسته را بپذیرد.

Transformation Function تابع تبدیل وضعی دست‌یافتنی است که یک مؤسسه اقتصادی

Up to Date Function تا امروز تابع

Growth Valuation Function تابع ارزیابی رشد

این تابع نسبت بیشینه ارزش‌گذاری یک بنگاه را به دست می‌دهد که می‌تواند در اندازه‌های مختلف رشد تداوم یابد و یکی از خصوصیات مشترک نظریه‌های رشد بنگاه است. این تابع که رابطه رشد - سودآوری را منعکس می‌کند احتمالاً باید زنگوله‌ای باشد.

Strictly Convex Function تابع اکیداً محدب

Strictly Concave Function تابع اکیداً مقعر

Nonreversibility of Function تابع بدون امکان برگشت

اگر در توسعه یک تصدی اقتصادی منحنی مخارج پایین بیاید، پس از توسعه اگر بخواهیم به وضع نخست بازگردیم منحنی هزینه همان مسیر را نخواهد پیمود.

Bergsonian Social Welfare Function تابع برگسونی رفاه اجتماعی

تابع ارزش واقعی است که دلایل قانع‌کننده آن

Aggregate Production Function	تابع تولید کل	می‌تواند برحسب ساختار داراییها یا دیون و متغیرهای دیگر به آن انتقال یابد.
		تابع تحلیلی Analytical Function
	رابطه تبعی است میان جریان تولید در کل اقتصاد و کل عوامل کار و سرمایه در جریان تولید.	تابع تصمیم‌گیری Decision Function
Transcendental Logarithmic Production Function;	تابع تولید لگاریتمی غیر جبری	تابع تقاضا Demand Function
Translog Production Function		صورت ریاضی رابطه میان مقدار کالای مورد تقاضای مصرف‌کننده از یک سو و متغیرهای تعیین‌کننده این تقاضا مانند قیمت خود کالا، قیمت کالاهای متکی، قیمت کالاهای جانشین و درآمد و امکانات اعتباری مصرف‌کننده از سوی دیگر است.
Transcendental Logarithmic Production Function	تابع تولید لگاریتمی فزاینده	تابع تقاضا ناشی از ایجاد عادت Habit-creation Demand Function
Homogeneous Production Function	تابع تولید متجانس	Demand Function
Surrogate Production Function	تابع تولید نماینده	تابع تقاضای تطبیق موجودی Stock-adjustment Demand Function
Density Function	تابع چگالی	Demand Function
Probability Density Function	تابع چگالی احتمال	تابع تقاضای کل Aggregate Demand Function
Multi-valued Function	تابع چندمقداری	تابع توان‌دار Power Function
Autofunction	تابع خاص	تابع تولید Production Function
Linear Function	تابع خطی	صورت ریاضی رابطه میان مقدار تولید کالا یا بازده و مقدار عوامل تولید یا در داده است.
	رابطه ریاضی است که در آن متغیرها به منزله عناصر جمع‌پذیر پدیدار می‌شوند و اجزای مرکبه ضرب‌پذیر پانمایی ندارد.	تابع تولید با ضریب ثابت Fixed Coefficient Production Function
Linear Homogenous Function of Production	تابع خطی متجانس تولید	تابع تولید با کشش جانشینی ثابت C.E.S. Production Function
Earning Function	تابع درآمد	تابع تولید با کشش جانشینی متغیر Variable Elasticity Substitution Production Function
	رابطه تبعی میان سطوح درآمد و عوامل تعیین‌کننده آنهاست.	تابع تولید غیرجبری Transcendental Production Function
Quadratic Function	تابع درجه دوم	تابع تولید فزاینده Transcendental Production Function
Likelihood Function	تابع درست‌نمایی	تابع تولید کاب - داکلاس Cobb-Douglas Production Function
	وسیله‌ایست برای دریافت الگویی درست یا دارای بیشترین احتمال از میان مجموعه الگوها.	در این تابع عوامل کار و سرمایه بطور نسبی سهم ثابت در مقدار تولید دارند.
Likelihood Function	تابع راست‌نمایی	
	همان تابع درست‌نمایی است.	

Aggregate Supply Function	تابع عرضه کل	Growth Profitability Function	تابع رشد - سودآوری
تابعی است که متغیر عرضه کل را بازای قیمت‌های مختلف و برحسب عوامل دیگر نشان می‌دهد.		بیشترین میزان سودی که یک بنگاه می‌تواند بازای اندازه‌های رشد مختلف به دست آورد.	
Earning Function	تابع عواید	Welfare Function	تابع رفاه
رابطه تبعی میان سطح عواید و عوامل تعیین‌کننده آن است.		رابطه میان سطح رفاه یا بهزیستی یک فرد و عوامل مؤثر در آن.	
Non-linear Function	تابع غیرخطی	Social Welfare Function	تابع رفاه اجتماعی
Implicit Function	تابع غیرصریح	این تابع رابطه میان سطح رفاه اجتماعی و طرز تخصیص منابع را در یک جامعه نشان می‌دهد.	
Indirect Utility Function	تابع غیرمستقیم فایده	Loss Function	تابع زیان
Indirect Utility Function	تابع غیرمستقیم مطلوبیت	Investment Function	تابع سرمایه‌گذاری
Utility Function	تابع فایده	رابطه میان سرمایه‌گذاری از یک سو و عوامل تعیین‌کننده آن، یعنی میزان تغییر تولید، میزان استفاده از ظرفیت و اندازه بهره از سوی دیگر است.	
Sub-function	تابع فرعی	Profit Function	تابع سود
Logistic Function	تابع لاجیستیک	رابطه میان سود از یک سو و متغیرهایی مانند تولید و تبلیغ مؤثر در آن، از سوی دیگر.	
Logistic Function	تابع لژیستیکی	Growth-profitability Function	تابع سودآوری رشد
Logarithmic Function	تابع لگاریتمی	همان تابع رشد - سودآوری است.	
Quadratic Homogeneous	تابع متجانس درجه دوم	Explicit Function	تابع صریح
هرگاه متغیرهای مستقل در عددی ضرب شوند متغیرهای تابع در همان عدد ضرب می‌شوند. در اینجا عدد ثابت ۲ می‌باشد.		در این رابطه ریاضی متغیرهای وابسته در سمت چپ نشانه تساوی و متغیرهای مستقل در سمت راست آن قرار دارند.	
Symmetrical Function	تابع متقارن	Increasing Function	تابع صعودی
Trigonometric Function	تابع مثلثاتی	Implicit Function	تابع ضمنی
Logistic Function	تابع مجانبی	در این تابع متغیرها معمولاً همد در سمت چپ نشانه تساوی قرار دارند و در سمت راست یک عدد ثابت دیده می‌شود.	
Managerial Utility Function	تابع مدیریتی مطلوبیت	Supply Function	تابع عرضه
Step Function	تابع مرحله‌ای	رابطه میان مقادیر عرضه و قیمت و دیگر عناصر مؤثر بر آن است مانند درآمد و جز این.	
Derived Function	تابع مشتق		
Consumption Function	تابع مصرف		
رابطه میان کل مخارج مصرفی از یک سو و کل درآمدهای قابل تصرف از سوی دیگر است.			

Acceptance Date	تاریخ قبولی	Torrens, Robert (۱۷۸۰-۱۸۶۴)	تارنس، رابرت
Dating	تاریخ‌گذاری		اقتصاددان انگلیسی که نخست‌بار تجزیه و تفکیک
Post Dating	تاریخ‌گذاری مؤخر		بانک انگلستان را به دو قسمت بانکداری و پولی
Historicism	تاریخ‌گرایی		توصیه کرد.
Ante-date	تاریخ ماقبل گذاشتن	Post Date	تاریخ آینده گذاشتن
Sell-by Date	تاریخ مصرف	Effective Date; Value Date	تاریخ اجرا
Redemption Dates	تاریخهای بازخرید	Optional Date	تاریخ اختیار
Interest Dates	تاریخهای بهره	Economic History	تاریخ اقتصادی
Termination Dates of Insurance	تاریخهای پایان بیمه	Expiry Date	تاریخ انقضا
Genetic	تاریخی	Closing Date	تاریخ بستن
Up to Date	تازه	Antedate	تاریخ پیش از وقوع
Recruit	تازه استخدام	Scheduled	تاریخ پیش‌بینی تکمیل کار
Recruit	تازه وارد	Completion Date	تاریخ پیش‌گذشتن
Taussig, Frank W.	تاسیگ، فرانک (۱۸۵۹-۱۹۴۰)	Date Back	تاریخ پیش‌گذشتن
	اقتصاددان امریکایی، آخرین کتابهای در موضوع «تجارت بین‌المللی» است.	Record Date	تاریخ پیشینه
Taka, Tk	تاکا، واحد پول بنگلادش	Record Date	تاریخ تذکار
Floor	تالار بورس	Accrual Date	تاریخ تعلق پذیری
Baltic Exchange	تالار بورس بالتیک	Effective Date	تاریخ تنفید
Pit (U.S.)	تالار معاملات	Closing Date	تاریخ تهیه تراز آزمایشی
Good Till	تا لغو سفارش خوب است	Record Date	تاریخ ثبت
Cancelled Order		Alling Date	تاریخ حرکت گذاشتن
T.F.	تا موقع نهی	Date of Acquisition	تاریخ خریداری
	نشانه اختصاری Till Forbid است.	Date of Shipment	تاریخ حمل
Bote; Compensation; Damage; Fine; Forfeit; Indemnity; Remuneration	تاوان	Dated	تاریخ‌دار
Workmen's Compensation	تاوان آسیب‌دیدگی	Date of Maturity	تاریخ سررسید
	همان حقوق بیکاری کارگران است.	Bill Falls Due On	تاریخ سررسید برات
Damageability	تاوان برداری	Accrual Date	تاریخ سررسید تعهد
Compensate; Indemnity	تاوان دادن	Maturity Date	تاریخ سررسید موعد
		Date of Issuing	تاریخ صدور
		Record Date	تاریخ ضبط
		Mis-date	تاریخ عوضی گذاشتن
		Post Date	تاریخ غیر روز گذاشتن
		Antedate	تاریخ غیر واقعی و پیش از وقوع گذاشتن

Inside Lag	تأخیر درونی	Aggregate Indemnity	تاوان کل
Time-lag in Production	تأخیر زمانی در تولید	Double Indemnity	تاوان مضاعف
Falling Off of Orders	تأخیر سفارشات	Letter of Indemnity	تاوان نامه
Postponer	تأخیر کار	Mate's Receipt	تای رسید
Defer	تأخیر کردن	Action (law)	تأثیر
Rational Lags	تأخیرهای عقلایی	Externalities	تأثیرات برونی
Debt Service	تأدیة اقساط به سود قرض	Pareto	تأثیرات برونی مربوط به پارتو
Paying In	تأدیة (بانکداری)	-externality Relevant	
Contribution	تأدیة سهم	Infra-marginal	تأثیرات خارجی پایین تر از نهایی
Pay; Pay In	تأدیة کردن	Externalities	
Regret	تأسف	Psychological Influences	تأثیرات روانی
	همان پشیمانی در نظریة بازیهاست.	Process Effects	تأثیرات سرمایه‌گذاری عمومی
Minimax Regret	تأسف کمین بیشینه‌ها	Announcement Effect	تأثیر اخطار
Imitation	تأسی	Announcement Effect	تأثیر اعلام
Establishment	تأسیس	Effect of Changes in	تأثیر تغییرات تقاضا
Constructions	تأسیسات	Demand	
Social Institution	تأسیس اجتماعی	Effect of Imitation	تأثیر تقلید
Economic Institutions	تأسیسات اقتصادی	Automatic Working of the	تأثیر خودکار
Bank Premises	تأسیسات غیر منقول بانک	Gold Standard	
Incorporation	تأسیس شرکت	Multiplier	تأثیر ضریب فزاینده سرمایه‌گذاری
Legal Institution	تأسیس قانونی	Impact of Investment	
Establish; Promote	تأسیس کردن	Operating Effectiveness	تأثیر عملیات
Floation	تأسیس یک واحد بازرگانی	Multiplier	تأثیر متقابل ضرایب فزاینده - شتابنده
Jobbing	تأکید بر ترقی گذشته برای تشویق	-accelerator Interaction	(شتاب)
Backwards	سرمایه‌گذاران جدید	Multiplier	تأثیر مصرف از لحاظ ضریب افزایش
Pragmatism	تأکید بر جنبه عملی افکار و عقاید	Effect of Consumption	
	و مفاهیم عمل‌گرایی	Delay; Lag; Postponement	تأخیر
Synthetical	تألیفی	Expectation Lag	تأخیر انتظار
Reflections	تأملات درباره تشکیل و توزیع ثروت	Holding Over	تأخیر پرداخت
on the Formation and Distribution of		Tax Delinquency	تأخیر پرداخت مالیات
Riches		Implementation Lag	تأخیر در اجرا
Procural; Provision; Security;	تأمین	Fall into Arrears	تأخیر در ادای دین
Sewrity Guarantee		Input Lag	تأخیر در انطباق عوامل

Accounts	تأمین مالی حسابهای دریافت کردنی	Supplying	تأمین آذوقه
Receivable Financing		Social Security	تأمین اجتماعی
External Financing	تأمین مالی خارجی	Security of Employment	تأمین اشتغال
	اقدام یک شرکت به انتشار سهم یا وام‌گیری برای تهیه منابع مالی.	Commitment; Financing	تأمین اعتبار
Hire Purchase	تأمین مالی خرید اجاره		هدف کاهش مخاطرات در زندگی اقتصادی افراد است.
Finance	همان تأمین خرید اقساطی است.	Financing and Obligation	تأمین اعتبار و ایجاد تعهد
Nonrecourse Finance	تأمین مالی خرید از خود فروشنده	Self-insurance	تأمین بیمه احتیاطی
		Buffer Stock; Provisionizing; Stores Stock Adjustment	تأمین ذخیره
Finance	تأمین مالی خرید و تعهدات دیگران	Capitalization	تأمین سرمایه برای پرداخت مالیات و عوارض اراضی
Factoring		of Land Taxes	
In House-Financing; Self-financing	تأمین مالی داخلی	Dividend Cover	تأمین سود سهام
	اقوام یک شرکت به تهیه سرمایه از درآمد خود.	Contribution	تأمین سهم
Self-financing	تأمین مالی شخصی	Work Relief	تأمین شغل
Financing of Industry	تأمین مالی صنعت	Job Security	تأمین شغلی
Project Financing	تأمین مالی طرح	Cover; Fund; Provide	تأمین کردن
Back-door Operations; Backdoor Financing	تأمین مالی غیرمستقیم	Deficit Financing	تأمین کسر بودجه
Finance	تأمین مالی کردن	Garnishee	تأمین‌کننده
Refinancing	تأمین مالی مجدد	Financier	تأمین‌کننده پول
Direct Financing	تأمین مالی مستقیم	Garnisher	تأمین‌کننده خواسته
Debt Finance	تأمین مالی وامی	Garnisher	تأمین‌کننده مدعی به
	وام‌گیری شرکتها یا دولت برای تهیه سرمایه و تأمین مالی فعالیتها.	Financing	تأمین مالی
Recover Money	تأمین محل وجه		تهیه سرمایه پولی از بازارها و سازمانهای مالی.
External Financing	تأمین مخارج از محل منابع خارجی	Deficit Financing	تأمین مالی از راه کسر بودجه
		Backdoor Financing	تأمین مالی از راههای غیر معمول
Internal Financing	تأمین مخارج از منابع داخلی		
Supplying	تأمین ملزومات	Financing of Foreign Trade; Foreign Trade Financing	تأمین مالی تجارت خارجی
Distrain	تأمین مدعی به کردن	Bridging Finance	تأمین مالی تمدیدی
		Compensatory Financing	تأمین مالی جبرانی

Conversion; Convert; Going on the Other Tack; Permutation	تبدیل پذیر تبدیل ارز در دو یا چند بورس	Stocking; Supplying	تأمین موجودی
Shunting	تبدیل پذیر	Judgment Lien	تأمین وثیقه
Funding	تبدیل بدهی	Funding	تأمین وجه
	واگرد تبدیلی بدهی کوتاه مدت به بدهی بلندمدت از راه فروش اوراق بهادار بلندمدت و پرداخت بدهیهای کوتاه مدت از محل وجوه حاصله.		همان تهیه منابع مالی برای سرمایه گذاری یا پرداخت بدهی است.
Debt Monetization	تبدیل بدهی به پول	Reimbursement	تأمین وجه با پوشش
Monetization of the Public Debt	تبدیل بدهی دولت به پول	Confirmation	تأیید
Improvement	تبدیل به احسن	Voucher Audit	تأیید اختیارات سازمانی
Amendment	تبدیل به احسن قانون و مقررات	Verify	تأیید حقوق
Improve; Renewal	تبدیل به احسن کردن	Confirmed Letter of Credit	تأیید شده
Recover	تبدیل به پول رایج	Negative Verification	تأیید ضمنی
Monetize	تبدیل به پول کردن	Price Support	تأیید قیمت
Realization	تبدیل به پول نقد	Positive Confirmation; Positive Verification	تأیید مثبت
Encash; Realize	تبدیل به پول نقد کردن	Vouch	تأیید کردن رقم
Capitalization	تبدیل به سرمایه	Letter of Comfort	تأییدیه
Capitalize	تبدیل به سرمایه کردن	Bank Confirmation	تأییدیه بانک
Going Public	تبدیل به شرکت عام	Divergence	تباعد همان واگرایی است.
Immobilization (of Capital)	تبدیل به غیر منقول (سرمایه)	Collusion; Play	تبانی
Funding	تبدیل به قرضه مستمر		همکاری میان چند قطبی ها برای تنظیم سیاست مشترک در زمینه قیمتها، تعیین سهمیهها و تقسیم مناطق فعالیت.
Fund	تبدیل به قرضه مستمر کردن	Tacit Collusion	تبانی ضمنی
Privatization	تبدیل به مالکیت خصوصی	Price Ring	تبانی فروشندگان
Setting Free (of Capital, of Money)	تبدیل به منقول (سرمایه، پول)	Price Fixing	تبانی قیمتی
Capitalization; Liquidation; Recover	تبدیل به نقد	Agreement	توافق پنهانی
Rule of Three	تبدیل به واحد		میان بنگاههای رقیب برای پرهیز از رقابت در قیمت و تنظیم سیاست مشترک قیمتی.
Diagonalization	تبدیل به یک ماتریس قطری	Destructive	تباہ سازنده
Twisting	تبدیل بیمه نامه با رضایت بیمه گذار	Destruction	تباہی
Convertible	تبدیل پذیر	Gambler's Ruin	تباہی خطر احتمالی
		Gambler's Ruin	تباہی قمار باز

Subordination	تبعیت	Production Transformation	تبدیل تولید
Price Taker	تبعیت‌کننده از قیمت	Monetization of the Debt	تبدیل دین به پول
Tax Exile	تبعید مالیاتی	Structural Transformation	تبدیل ساختاری
Discrimination	تبعیض	Capitalization of Profit	تبدیل سود به سرمایه
Discriminating Monopoly	تبعیض انحصاری	Debt Monetization	تبدیل قرض به پول
Collective Discrimination	تبعیض جمعی	Conversion of Shares	تبدیل قرضه
Spatial Price Discrimination	تبعیض فضایی قیمت	انتشار سهام جدید و جایگزینی آنها بر سهام موجود.	
Price Discrimination	تبعیض قیمت	Commutate; Reduce	تبدیل کردن
	تعیین قیمت‌های متفاوت برای یک کالای مصرفی.	Convertible	تبدیل کردنی
First Degree Price Discrimination	تبعیض قیمت درجه اول	Monetizers of Debt	تبدیل‌کنندگان بدهی به پول
Second Degree Price Discrimination	تبعیض قیمت درجه دوم	Converter	تبدیل‌کننده
Third Degree Price Discrimination	تبعیض قیمت درجه سوم	Tax Capitalization	تبدیل مالیات به سرمایه
Spatial Price Discrimination	تبعیض قیمت مسافتی	Denationalization	تبدیل مجدد مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی
	قیمت‌های متفاوت برای یک کالا برحسب منطقه و مسافت.		بازگردانی مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی است.
Rate Discrimination	تبعیض نرخ	Inconvertibility Note Issue	تبدیل ناپذیری ارز
Racism	تبعیض نژادی	Inconvertibility Note Issue	تبدیل ناپذیری اسکناس
Discrimination Against Minorities	تبعیض نسبت به اقلیت		
Wage Differentials	تبعیض‌های مزد	Debt Conversion	تبدیل وام
Advertising; Promotion	تبلیغ	Funding	تبدیل وام‌های غیر ثابت به وام‌های پشتوانه‌دار و بهره‌دار
Publicity	تبلیغات	Diseconomy	تبدیر
اقدامات انگیزشی یک بنگاه برای افزایش مقدار فروش.		External Diseconomy	تبدیر خارجی
Cartoon Advertisement; Advertising	تبلیغات از طریق نقاشیهای مضحک	Diseconomy of Growth	تبدیر رشد
Cooperative Advertising	تبلیغات تعاونی	Dissave	تبدیر کردن
Booster	تبلیغاتجی تجاری	Diseconomy of Scale	تبدیر مقیاس
		External Diseconomies	تبدیرهای بیرونی
		External Diseconomies	تبدیرهای خارجی
		Internal diseconomies	تبدیرهای داخلی
		Exoneration	تبرئه

Adjustable Peg; Crawling Peg; تثبيت خزنده Sliding Peg	Sales Promotion Personality Promotion	تبلیغات فروش تبلیغ با کمک شخصیت‌های مشهور
با این روش نرخهای ارز به طور خودکار یا زیر نظر و اختیار قرار نمی‌گیرد.	Push Demand Advertising	تبلیغ به سود تقاضا
Consolidate	Advertising	تبلیغ تجاری
Gold Fixing	Institutional Advertising	تبلیغ تجاری حیثیتی
Vertical Price Fixing	Subliminal Advertising	تبلیغ تجاری همراه‌کننده
Pegging; Price Control; Price تثبيت قیمت Freezing; Price Stabilization	Institutional Advertising	تبلیغ تجاری نهادی
Dunnage	Point-of-sale Advertising	تبلیغ در محل فروش
Consolidate; Establish; Peg; تثبيت کردن Stabilize	Competitive Advertising	تبلیغ رقابت آمیز
Automatic Stabilizer	False Advertising	تبلیغ غیرواقعی
تثبيت کننده خودکار روشی که به لحاظ طبیعت خود هنگامی که اقتصاد به آهستگی رو به تنزل می‌رود آن را به سوی بسط می‌کشاند و برعکس.	Out-cry; Sales Aid; Sales Promotion	تبلیغ فروش
Built-in Stabilizers	Merchandise	تبلیغ فروش کالا
تثبيت کننده‌های خودکار تثبيت کننده‌های درون ساختاری	Pull Demand Advertising	تبلیغ کامل به سود تقاضا
Built-in Stabilizers	Advertise; Promote	تبلیغ کردن
عوامل ضد ادواری است که وقتی دورهای کار و کسب ترقی یا تنزل می‌کند خودکارانه وارد عمل می‌شوند و وضع اقتصادی را در اختیار می‌گیرند.	False Advertising	تبلیغ همراه‌کننده
Pay Freeze; Wage Freeze; Wage تثبيت مزد Stabilization; Wages Freeze	Push Demand Advertising	تبلیغ محرک تقاضا
برنامه حفظ سطح دستمزدها در سطحی که از پیش معین شده است.	Industrial Research	تبع صنعتی
Discretionary Stabilization	Odd Money; Remainder	تمه
تثبيت مصلحتی «Pegging» Exchange Rate	Value in Account	تمه حساب
تثبيت نرخ ارز Commerce; Trade	Crawling Peg; Peg; Stabilization	تثبيت
تجارت مبادله کالا با کالا یا با واسطه پول.	Sliding Peg	تثبيت آهسته
Free Trade; Open Trade	Rent Control	تثبيت اجاره‌بها
تجارت آزاد جریان آزاد مبادله کالاها و خدمات میان کشورها.	Discretionary Stabilization	تثبيت اختیاری
Empire Free Trade	Economic Stabilization	تثبيت اقتصادی
تجارت آزاد امپراتوری	دخالت مستقیم دولت برای تنظیم و تثبيت رشد و اقتصادی و سطح درآمد ملی.	
	Dynamic Peg	تثبيت پویا
	Adjustable Peg	تثبيت تطبیق پذیر
	Adjustable Peg	تثبيت تعدیل پذیر

Tally Trade	تجارت قسطی	Carrying Trade	تجارت برقرار میان کشورها
Commodity Business	تجارت کالا	Closed Trade	تجارت بسته
Luxury Trade	تجارت کالاهای تجملی	International Trade	تجارت بین‌المللی
Import Trade	تجارت کالاهای وارداتی		مبادله کالاها و خدمات میان کشورها.
Trade	تجارت کردن	Real Cost	تجارت بین‌المللی از دید هزینه واقعی
Trading	تجارت‌کننده	Approach to International Trade	
Counter Trade	تجارت متقابل	Pecuniary Exchange	تجارت پولی
	نوعی مبادله پایاپای در تجارت میان کشورها.	Businessman	تجارت‌پیشه
Triangular Trade	تجارت مثلثی	Retail Distribution; Retail Trade	تجارت جزئی
Visible Trade	تجارت مرئی	Multilateral Trade	تجارت چندجانبه
	مبادله کالاها میان کشورها.		در شرایط آزادی کامل برای بازرگانی امکان‌پذیر است.
Low Wage Trade	تجارت مزد پایین	Foreign Trade	تجارت خارجی
Low Wage Trade	تجارت مزد نازل		مبادله کالاها و خدمات میان کشورها.
Joint Adventure; Joint Venture	تجارت مشترک	Business; Commercial House; Firm; Hong; Mercantile Establishment	تجارتخانه
Fair Trade	تجارت مشروع و قانونی	Commercial-paper	تجارتخانه اوراق تجاری
Equity Trading; Fair Trade	تجارت منصفانه	House	
Regional Trade	تجارت منطقه‌ای	Export House	تجارتخانه صادراتی
Staple Trade	تجارت منظم	Buying Houses	تجارتخانه‌های خرید
Agency Trade	تجارت نمایندگی	Retail Trade	تجارت خرده‌فروشی
Buying on Margin; Marginal Trading	تجارت نهایی	Carrying Trade	تجارت داخله
Import Trade	تجارت وارداتی	Domestic Trade; Home Trade	تجارت داخلی
Trade and Navigation Accounts	تجارت و حسابهای کشتیرانی	Marine Trade	تجارت دریایی
Free Enterprise	تجارت و معاملات آزاد	Bilateral Trade	تجارت دوجانبه
Emporetic; Mercantile; Trading	تجاری		مبادله کالاها و خدمات میان دو کشور بر طبق قرارداد و امتیازات خاص.
Commercialize	تجاری قلمداد کردن	Triangular Trade	تجارت سه‌جانبه
Homogeneity	تجانس	Bullion Trade	تجارت شمش (طلا و نقره)
Linear Homogenous	تجانس خطی	Transit Trade	تجارت عبوری
Product Homogeneity	تجانس محصول	Contraband	تجارت غیرمجاز و قاچاق
Derogation	تجاوز از حد	Traffic	تجارت قاچاق
Ultra-vires	تجاوز از حدود اختیار		

Stock Split	تجزیه سهم	Patent Infringement	تجاوز به حق اختراع
	تجزیه سهام یک شرکت به شمار بیشتری سهم با کاهش ارزش اسمی بدون تغییر حجم کل سهام.	Infringement	تجاوز به حقوق
Vertical Disintegration	تجزیه عمودی	Outgo	تجاوز کردن
Sales Analyst	تجزیه کننده فروش	Reconduction	تجدید اجاره
Time-series	تجزیه مجموعه زمانی	Revalidation of Credit	تجدید اعتبار
Decomposition		Renewal of a Bill	تجدید برات
Analysis	تجزیه و تحلیل	Redistribute	تجدید توزیع کردن
Value Engineering	تجزیه و تحلیل ارزش	Renewal Premium	تجدید حق بیمه
Sales Analysis	تجزیه و تحلیل ارقام فروش	Refound	تجدید حیات کردن
Credit Analysis	تجزیه و تحلیل اعتبار	Financial Rehabilitation	تجدید حیات مالی
Variance Analysis	تجزیه و تحلیل پراش	Reform; Reorganization	تجدید سازمان
Trend Analysis	تجزیه و تحلیل روندی	Reparations	تجدید سازمان (مالی یا اداری)
Job Analysis	تجزیه و تحلیل شغل	Reconstruction of a Company	تجدید سازمان یک شرکت
Statement	تجزیه و تحلیل صورت حسابها	Refound	تجدید قوا کردن
Analysis		Renew	تجدید کردن
Verification	تجزیه و تحلیل مسائل	Reconduction	تجدید مزارعه
Correlation Analysis	تجزیه و تحلیل همبستگی	Rescheduling of Debts	تجدید مهلت بازپرداخت دیون
Share-the-work Plan	تجزیه و توزیع کار	Refunding	تجدید نشر اسناد قرضه
Accumulation; Collection; Congestion	تجمع	Reconsideration;	تجدید نظر
Transfer Accounting	تجمع حسابداری انتقال	Review	
Lodgment		Salary Review	تجدید نظر در حقوق
Capital Agglomeration	تجمع سرمایه	Remargining	تجدید نظر در مبلغ بیعانه
Risk-capital Pooling	تجمع سرمایه خطر		پیش برداخت خرید برگهای بهادار بر اثر تغییر اوراق بهادار.
Luxury	تجملی	Revise; Update	تجدید نظر کردن
Allowance	تجویز	Reintermediation	تجدید واسطه گری
Price Maintenance	تجویز قیمت	Capital Quickening	تجدید و تسریع سرمایه
Authorize	تجویز کردن	Experience; Practice	تجربه
Equipment	تجهیزات	Prove	تجربه کردن
Capital Equipment	تجهیزات سرمایه ای	Abstraction	تجرید
Business Equipment	تجهیزات کار و کسب	Disintegration; Dissolution	تجزیه
Provide; Set Free	تجهیز کردن		

Labour Mobility	تحرك كار	Monopolistic Competition	تحت انحصار یا رقابت انحصاری
	توانایی نیروی کار به تغییر شغل یا مکان اشتغال.	Possessory	تحت تسلط درآورنده
Worker Mobility; Fluidity of Labour	تحرك كارگر	Bounded; Under Reserve Competition	تحت تضمین
	سهولتی که کارگران می‌توانند شغل و حرفه خود را تغییر دهند.	Generalize	تحت رقابت خالص، محض
Agricultural Mobility	تحرك کشاورزی	Under Protest	تحت قانون کلی درآوردن
Group Dynamics	تحرك گروهی	Restraint of Trade	تحت واخواست
Downward Mobility	تحرك نزولی		تحدید تجارت
Mobility of Labour	تحرك نیروی کار	Delimitation	هرگونه اقدام به هر صورت برای محدودیت مبادله کالا.
Distorted	تحريف شده	Capital Rationing	تحدید دامنه فعالیت اقتصادی
Persuasion; Stimulation	تحريك		تحدید سرمایه
Social	تحريك متقابل اجتماعی		این عمل ناشی از تنگنای بودجه یا رابطه هزینه - بازده است.
Interstimulation		Trade	تحدید ورود کالاهای خارجی به کشور
Engineer a Rise	تحريك يك ترقی	Restriction	
Boycott; Embargo; Picketing; Prohibition	تحريم	Mobility	تحرك
Economic Sanction	تحريم اقتصادی	Accommodating Movements	تحركات جبرانی
	اقدامات اقتصادی علیه یک کشور برای ایراد فشار و مجازات آن.	Social Mobility	تحرك اجتماعی
Primary Boycott	تحريم اوليه	Horizontal Mobility	تحرك افقی
Trade Sanction	تحريم تجاری	Horizontal Labour	تحرك افقی كارگر
Secondary Boycott	تحريم ثانوی	Mobility	
Secondary Boycott	تحريم دست دوم	Economic Mobility	تحرك اقتصادی
Injunction Boycott	تحريم معاملات	Reflate	تحرك بخشیدن
Acquisition; Gain	تحصيل	Geographical Mobility	تحرك جغرافیایی
Recourse	تحصيل از ضامن	Capital Mobility; Mobility of Capital	تحرك سرمایه
Procural	تحصيل چیزی	Job Mobility	تحرك شغلی
Collector; Gatherer	تحصيلدار	Upward Mobility	تحرك صعودی
Renter; Tax Collector	تحصيلدار مالیات	Gold Movement	تحرك طلا
Rate-collector	تحصيلدار مالیاتهای محلی	Factor Mobility	تحرك عامل
Sales Collector	تحصيلدار وجوه فروش	Vertical Mobility	تحرك عمودی
		Vertical Labour Mobility	تحرك عمودی كار

Motivational Research	تحقیق روانی علل و عوامل	Collection; Collectorship	تحصیلاتی
Operational Research	تحقیق ریاضی عملی	Reacquire	تحصیل دوباره کردن
Industrial Research	تحقیق صنعتی	Gainer	تحصیل سود کننده
Scientific Research	تحقیق علمی	Procurement	تحصیل یا به دست آوردن چیزی
Operational Research; Operations Research	تحقیق عملیاتی	Raise a Mortgage	تحصیل یک رهن کردن
روش ریاضی در تحلیل فعالیتهای اقتصادی برای دستیابی به بهترین راه نیل به هدف معین.		Realization	تحقق
Motivation Research	تحقیق عوامل محرک	Objective	تحقیقی
Opinion Research	تحقیق نظرها	Realize	تحقق یافتن
Scholasticism	تحقیق و تتبع مذهبی	Realizable	تحقق یافتنی
فلسفه مدرسی		Ex Post	تحقق یافته
مکتبی که می‌کوشید معتقدات کلیسا را عقلایی گرداند و این اعتقادات را به ساخت بازرگانی و رباخواری در تفصیلات اقتصادی سده‌های میانه بسط دهد.		Investigation; Research	تحقیق
R and D	تحقیق و توسعه	Opinion Research	تحقیق آراء
Research and Development	نشانه اختصاری	Audit	تحقیقات پیوسته شخص ثالث
است. فعالیتی است که به شناخت فزاینده علمی و فنی و کاربرد آن در ساخت محصولات جدید و وسایل نوظهور تولید و نیز بهبود کیفی محصولات و فراگردهای موجود اختصاص می‌یابد.		Confidential Inquiries	تحقیقات محرمانه
تحقیق و توسعه		Market Research	تحقیق بازار
تحکیم		R, D and D	تحقیق، توسعه و نمایش
تحلیل آستانه‌ای		Research, Development and Demonstration	نشانه اختصاری است. هنگامی که تحقیق و توسعه برای ساخت محصول جدید بکار رود این فراگرد به R.D.D نامگذاری می‌شود.
تحلیل آماری هزینه		Verification of Assets	تحقیق داراییها
تحلیل اثربخشی هزینه		Sales Inquiry	تحقیق درباره فروشها
تحلیل ارزش		Investigation into the Poverty of Nations	تحقیق درباره فقر ملتها
تحلیل ارزشهای دو متغیری		Marketing Research	تحقیق در بازار
تحلیل اقتصادی		The Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations	تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل
			عنوان کتابی نوشته آدام اسمیت اقتصاددان انگلیسی و پدر علم اقتصاد.
		Status Inquiry	تحقیق در وضع مالی مشتری
		Systems Research	تحقیق دستگاهها

Comparative Static Equilibrium Analysis	تحلیل تعادل تطبیقی	Dynamic Economic Analysis	تحلیل اقتصادی پویا
این روش نخست بررسی عوامل مورد مطالعه را آغاز می‌کند و سپس در صورت تغییر یکی از عوامل مؤثر در تعادل وضع جدید و نتایج را بررسی می‌کند.		آن بخش از علم اقتصاد که تغییر نظامهای اقتصادی طی زمان را بررسی و نتیجه‌گیری می‌کند.	
Discounted Cash Flow Analysis	تحلیل تنزیل جریان نقدی	Swot Analysis	تحلیل امکانات و محدودیتها
		یکی از روشها برای بررسی کارکرد یک واحد اقتصادی است.	
Sequence Analysis	تحلیل توالی	Static Analysis	تحلیل ایستا
Money-flow Analysis	تحلیل جریان پول	Market Analysis	تحلیل بازار
D.C.F.	تحلیل جریان نقدی تنزیلی	تحلیل خصوصیات و مشخصات بازار یک محصول.	
Discounted Cash Flow Analysis	نشانه اختصاری Analysis است.	Cross-section Analysis	تحلیل برهه‌ای
Flow-of-funds Analysis; Funds-Flow Analysis	تحلیل جریان وجوه	تحلیل آماری مجموعه‌ای از اطلاعات تحت اختیار در یک مقطع زمانی معین و بررسی چگونگی تغییرات آنها.	
Partial Analysis	تحلیل جزئی	Indifference Analysis	تحلیل بی‌تفاوتی
Zoom Analysis	تحلیل جهشی پدیده	تحلیل تقاضای مصرف‌کننده بر پایه مطلوبیت ترتیبی.	
Multivariate Analysis	تحلیل چندمتغیره	Interindustry Analysis	تحلیل بین‌الصنایع
Zoom Analysis	تحلیل حرکت صعودی تند	همان تحلیل در داده - باز داده است.	
Surplus Analysis	تحلیل حساب مازاد	Analysis of Variance	تحلیل پراش
Sensitivity Analysis	تحلیل حساسیت	Dynamic Analysis	تحلیل پویا
Risk Analysis	تحلیل خطر احتمالی	بررسی علت و چگونگی تغییر یک پدیده (مانند قیمت یک محصول) طی زمان است.	
Input-output Analysis	تحلیل داده - ستده	Environmental Impact Analysis	تحلیل تأثیر محیط
Income Analysis	تحلیل درآمد	هدف جست و جوی تاثیر هر طرح سرمایه‌گذاری روی کل محیط است.	
Input-output Analysis	تحلیل در داده - باز داده	Combinatory Analysis	تحلیل ترکیبی
		Break-even Analysis	تحلیل تساوی دریافتی - هزینه
Systems Analysis	تحلیل دستگاهها	Partial Equilibrium Analysis	تحلیل تعادل جزئی
Sequence Analysis	تحلیل دنباله		
Sequential Analysis	تحلیل دنباله‌ای		

Regression Analysis; Trend Analysis	تحلیل گرایش	Period Analysis	تحلیل دوره
System Analyst	تحلیل گر دستگاه (رایانه)	Interindustry Analysis	تحلیل روابط متقابل بخشهای تولیدی
Chartist	تحلیل گر نموداری بازار	Sequential Analysis	تحلیل زنجیره‌ای
Surplus Analysis	تحلیل مازاد	Break-even Analysis	تحلیل سر به سر
Confluence Analysis	تحلیل متلاقی		یا تحلیل تساوی دریافتی - هزینه، تحلیلی است بر پایه برآورد دریافتی یا هزینه یک شرکت در سطوح مختلف تولید یا فروش.
Sequential Analysis	تحلیل متوالی	Capital Consumption	تحلیل سرمایه
Industrial Complex Analysis	تحلیل مجتمع صنعتی	Gross Profit Analysis	تحلیل سود ناخالص
Time-series Analysis	تحلیل مجموعه زمانی	Gross Profit Analysis	تحلیل سود ناویژه
Critical Path Analysis	تحلیل مسیر بحرانی	Shift-share Analysis	تحلیل سهم انتقال
	تحلیل فعالیتها یا تعیین زمان عملیات اجرایی یک طرح از آغاز تا انجام با حداقل کل زمان ضروری.	Three-variable Analysis	تحلیل سه متغیری
Network Analysis	تحلیل مسیر کار	Network Analysis	تحلیل شبکه‌ای
Cross-Section Analysis	تحلیل مقطعی		روشی است برای برنامه‌ریزی و امکان‌بندی پیشرفت یک طرح سرمایه‌گذاری با هدف اجرای آن در مناسبترین زمان و در کمترین هزینه ممکن.
Confluence Analysis	تحلیل منتهجه	Natural Wastage	تحلیل طبیعی
Regional Analysis	تحلیل منطقه‌ای	Spectral Analysis	تحلیل طیفی
Regional Analysis	تحلیل ناحیه‌ای	Indifference Analysis	تحلیل علی السویه
Partial Analysis	تحلیل ناقص		همان تحلیل بی تفاوتی است.
Ratio Analysis	تحلیل نسبت	Benefit-cost Analysis	تحلیل فایده - هزینه
Systems Analysis	تحلیل نظامها	Activity Analysis	تحلیل فعالیت
Impact Analysis	تحلیل نقطه برخورد	Fourier Analysis	تحلیل فوریه
	روشی برای اندازه‌گیری میزان تأثیر یک فعالیت اقتصادی روی اقتصاد یک منطقه.	Cost Effectiveness Analysis	تحلیل کارآمدی هزینه
Break-even Point Analysis	تحلیل نقطه سر به سر	Cost Effectiveness Analysis	تحلیل کارآیی هزینه
	در حسابداری صنعتی مقدار فروش سر به سر آن مقدار است که به فرض معین بودن و قیمت فروش مجموع هزینه‌های ثابت و متغیر را بپوشاند.	Cost Effectiveness Analysis	تحلیل کمترین هزینه
Marginal Analysis	تحلیل نهایی		جست و جوی راه در بردارنده کمترین هزینه در اجرای طرح خاص است.
Regression Analysis	تحلیل وایازی	Qualitative Analysis	تحلیل کیفی

Good Delivery	تحویل به موقع	Cost-benefit Analysis	تحلیل هزینه - فایده
Good Delivery	تحویل به هنگام		روش ارزیابی هزینه اجتماعی و فایده اجتماعی و
Store-door Delivery	تحویل پای انبار		گزینش طرح سرمایه گذاری است.
Allotment Money	تحویل پول	Univariate Analysis	تحلیل یک متغیره
Store-door Delivery	تحویل تا در انبار	Incidence of	تحمل کننده نهایی مالیات
Store-door Delivery	تحویل تا دم در انبار	Taxation	
Cashier; Teller	تحویل دار	Exerting Effort	تحمل هزینه
Paying Teller	تحویل دار پرداخت	Featherbedding	تحلیل استخدام
Receiving Teller	تحویل دار دریافت	Evolution	تحول
Automatic Telling Machine	تحویل دار ماشینی	Delivery	تحویل
Delivered Ex Quay	تحویل در اسکله	Ex-factory	تحویل از کارخانه
Delivered Ex Quay	D.E.Q. نشانه اختصاری است.	Delivered Ex Ship	تحویل از کشتی
		Delivered Ex Ship	D.E.S. نشانه اختصاری است.
Free on Quay (F.O.Q.)	تحویل در اسکله		
Ex Quay	تحویل در اسکله (در مقصد)	Free Docks	تحویل اسکله
FOB Airport	تحویل در فرودگاه	Documents	تحویل اسناد در برابر پذیرش
Ex-Factory; Ex Works	تحویل در کارخانه	against Acceptance (D.C.)	
Free Alongside Ship	تحویل در کنار کشتی	Documents	تحویل اسناد در برابر پرداخت
F.A.S.	تحویل در کنار کشتی در نقطه بارگیری	against Payment (D.P.)	
EXW	تحویل در محل کار	Documents	تحویل اسناد در برابر پول نقد
Ex Works	تحویل در محل کارخانه	against Cash (D.C.)	
Delivered at Frontier	تحویل در مرز	Free Docks	تحویل بارانداز
Delivered at Frontier	D.A.F. نشانه اختصاری است.	Delivered	تحویل با پرداخت حقوق و عوارض
		Duty Paid (D.P.)	
Bailor	تحویل دهنده	Carriage Paid to...	تحویل با هزینه حمل تا...
Free Delisery	تحویل رایگان	(C.P.T.)	
F.O.R.	تحویل روی سکوی راه آهن	Carriage and	تحویل با هزینه حمل و بیمه تا...
Free on Board	تحویل روی عرشه کشتی (بندر معین)	Insurance Paid to...	(C.I.P.)
		Delivered Duty	تحویل بدون پرداخت حقوق
		Unpaid (D.D.U.)	و عوارض
F.O.R.	تحویل روی قطار	Delivery by Instalment	تحویل به اقساط
	نشانه اختصاری Free On Rail است.	Delivery by Instalment	تحویل به دفعات
Free On Truck (F.O.T.)	تحویل روی قطار	Delivered Price	تحویل به مشتری

Creative Destruction	تخریب سازنده	Free Overside	تحویل روی کشتی در مقصد
Disinvestment	تخریب سرمایه همان سرمایه‌برداری است.	Free On Truck (F.O.T.)	تحویل روی واگن
Marginal Disinvestment	تخریب سرمایه نهایی	Good Delivery	تحویل سر وقت
Sabotage	تخریب عمومی	Constructive Delivery;	تحویل صوری
Proficiency; Specialization	تخصص	Symbolic Delivery	
Specialization of Labour	تخصص کار	Immediate Delivery; Prompt	تحویل فوری
Earmark; Earmarking; Letter of	تخصیص	Delivery; Spot Delivery	
Allotment; Virement		Regular Way Delivery	تحویل قانونی
Apportionment	تخصیص اعتبار	Consign	تحویل کالا به حمل‌کننده برای حمل
Installment Allotment	تخصیص اقساطی	Goods on Approval	تحویل کالا به شرط قبول
Budgetary Appropriation	تخصیص بودجه	Named	تحویل کالا در نقطه معین به حمل‌کننده
Stratified	تخصیص بهینه شمار نمونه در هر چین	Point Free Carrier	
Sampling with Optimum Allocation		Free on Rail	تحویل کالا روی قطار
Optimum Allocation of	تخصیص بهینه منابع	F.O.T.	تحویل کالا روی کامیون
Resources		Ex	تحویل کالا روی کشتی (بندر معین) در مقصد
هدایت منابع به سوی تولیدی‌ترین کاربرد و		Ship (sales)	
تأمین بیشترین ارضاء یا درآمد برای فرد، بنگاه		Free on Railroad;	تحویل کالا روی واگن قطار
یا جامعه‌دایست که این منابع را تخصیص		Free on Train (F.O.T.)	
می‌دهد.		Reduce	تحویل کردن
Itemized Appropriation	تخصیص جزء به جزء	Take Delivery	تحویل گرفتن
Allocate	تخصیص دادن	Take Up	تحویل گرفتن اوراق بهادار (بورس)
Allocation of Time	تخصیص زمان	Stock	
Acreege Allotment	تخصیص زمین (به جریب)	Take Over From	تحویل گرفتن کار
Capital Allowances	تخصیص سرمایه برای ذخیره استهلاک است.	Bailee	تحویل گیرنده
Appropriation	تخصیص قانونی	Taker of the Rate	تحویل گیرنده هزینه دیرکرد
Earmarking of Taxes	تخصیص مالیاتها	Delayed Delivery	تحویل معوق
Allocation of Resources;	تخصیص منابع	Regular Delivery; Regular Way	تحویل مقرر
Resources Allocation		Delivery	
توزیع منابع میان مصارف گوناگون و		Regular Delivery	تحویل منظم
مصرف‌کنندگان مختلف.		Delayed Delivery	تحویل مؤجل
Appropriation; Setting Aside	تخصیص وجه	Cash Delivery; Spot Delivery	تحویل نقد
		Delivery	تحویل یا تسلیم کالای تجاری
		Creative Destruction	تخریب خلاق

Rate-cutting	تخفیف تعرفه‌ها	Capital Appropriations	تخصیص‌های سرمایه
Distribution Discount	تخفیف توزیع		برای خرید کارخانه و ماشین‌آلات تازه است.
Exchange at a Discount	تخفیف حاصل از فروش و خرید ارز	Segregated Appropriation	تخصیص تفکیکی
Loyalty Discount	تخفیف حسن همکاری	Cost Allocation	تخصیص هزینه
Purchase Discount	تخفیف خرید	Recovery	تخصیص هزینه براساس فروش
Volume Discount	تخفیف خرید عمده	Direct Costing	تخصیص هزینه به تولید یا خدمات مربوطه
Earned Discount	تخفیف خرید کالا و خدمات	Segregation	تخصیص محدود
Commute; Discount; Rebate; Work Out	تخفیف دادن	Book an Order	تخصیص یک سفارش
Cheap	تخفیف داده شده	Patent	تخطی نسبت به حق انحصاری
Bonification	تخفیف در قیمت	Infringement	
Earned Discount	تخفیف دریافتی	Abatement; Allowance; Deduction; Discount; Rebate; Working Out	تخفیف
Rebater	تخفیف دهنده	Bonification	تخفیف
Chain Discount	تخفیف زنجیره‌ای		استرداد قسمتی از عوارض گمرکی کالایی که صادر می‌شود.
Personal Allowance	تخفیف شخصی	Discount Lost; Missed Discount	تخفیف از دست‌رفته
Quantity Discount; Sales Discount	تخفیف فروش	Earned Discount	تخفیف اکتسابی
Resale Discount	تخفیف فروش مجدد	Initial Allowance	تخفیف اولیه
Make an Allowance on; Rebate	تخفیف قائل شدن	Discountable	تخفیف‌بردار
Price Reduction	تخفیف قیمت	Cash Discount	تخفیف به شرط خرید نقدی
Aggregated Rebates	تخفیف قیمت روی هم‌رفته	Distribution Discount	تخفیف به فروشندگان
Freight Rebate	تخفیف کرایه بار کشتی	End Year Rebate	تخفیف پایان سال
Slaughter	تخفیف کلی	Discount Paid	تخفیف پرداختی
Tax-loss Carryforward	تخفیف مالیات بابت زیان در آینده	Concealed Discount	تخفیف پنهانی
Tax-loss Carryback	تخفیف مالیات بابت زیان گذشته	Trade Allowance; Trade Discount	تخفیف تجاری
Abatement of Taxes; Tax Abatement; Tax Allowance	تخفیف مالیاتی		تخفیف درصد از سود عمده فروش به خرده‌فروش.
Capital Allowances	تخفیف مالیاتی سرمایه	Sliding Discount; Progressed Discount	تخفیف تصاعدی
	این تخفیف به‌منحارج سرمایه یک‌بنگاه‌تعلق می‌گیرد.		تخفیفی که متناسب با افزایش حجم سفارش زیاد می‌شود.

Derogation	تخلف از مقررات	Investment Tax Credit	تخفیف مالیاتی سرمایه‌گذاری
Derogate From	تخلف از مواد پیمان		
Unload	تخلیه بار		این تخفیف برای تشویق سرمایه‌گذاری است و ممکن است به صورت استهلاك سریع باشد.
Computation; Estimation; Evaluation	تخمین	Child Allowance	تخفیف مالیاتی فرزندی
Statistical Estimation	تخمین آماری	Depletion Allowance	تخفیف مالیاتی منابع فرسائی
Capital Value Computation	تخمین ارزش سرمایه		این تخفیف به مالکان منابع طبیعی تحلیل رونده تعلق می‌گیرد.
Rate; Reckon (Reckon Up)	تخمین زدن	Over Spot (Discount)	تخفیف مبادله نقدی
Over-reck on	تخمین زیاد زدن	Chain Discount	تخفیف متوالی
Overestimate	تخمین زیادی	Allowance	تخفیف مخصوص
Sales Budget	تخمین فروش	Quantity Rebate	تخفیف مقدار
Range Determination	تخمین مسافت	Quantity Discount	تخفیف مقداری
Tekhpromfinplan	برنامه مالی - فنی در روسیه	Missed Discount	تخفیف نخورده
Reformatory Measures	تدابیر اصلاحی		همان تخفیف از دست رفته است.
Pro-natalist Measures	تدابیر زه‌وزادگرا	Cash Discount	تخفیف نقدی
Fiscal Measures	تدابیر مالی	Lost Discount	تخفیف نقدی و از دست رفته
	اقدامات دولت مانند تغییر نرخ مالیاتها برای تثبیت قدرت نظارت و اختیار خود بر اقتصاد است.	Discount	تخفیف نقدی و از دست رفته خرید
Preparation; Provision	تدارک	Lost	
Operating Gearing	تدارک عملیاتی	Settlement Discount	تخفیف واریز نقدی
Financier	تدارک‌کننده پول	Freight Rebate	تخفیف هزینه حمل
Finance	تدارک مالی	Allowances and Expenses for Corporation Tax	تخفیفها و مخارج مالیاتی شرکت
Compensatory Spending	تدارک مالی به وسیله کسر بودجه	Deferred Rebates	تخفیفهای انباشته
Deficit	تدارک مالی به وسیله کسر بودجه	Interest Allowance	تخفیفهای بهره
Financing		Sales Allowances	تخفیفهای فروش
Provision for Renewals	تدارک نوسازی	Aggregated Rebates	تخفیفهای کلی
Defensive	تدافعی	Deferred Rebates	تخفیفهای معوقه
Continuity	تداوم	Aggregated Rebates	تخفیفهای یکجا
Continuity of Demand	تداوم تابع تقاضا	Aggregated Rebates	تخفیفهای یک کاسه
Function		Slacken	تخفیف یافتن
Work-in	تداوم کار	Derogation	تخلف از مفاد پیمان

نامرئی از یک سو و پرداختهای آن کشور را به	Axiomatization	تدوین اصول
کشورها یا سازمان‌های مالی بین‌المللی بابت	Axiomatization	تدوین دستگاه به صورت
واردات کالاهای مرئی و نامرئی را از سوی دیگر		اصل موضوعی
نشان می‌دهد.	Transport	ترابری
Closing Trial Balance	Multimodal Transport	ترابری چندنوعی
تراز پایان	Balance	تراز
آن قسمت از حسابهای ملت است که پرداختهای	Closing Trial Balance	تراز آزمایش نهایی
اهالی کشور به خارجه و دریافتهای آنها را از خارجه	Trial Balance	تراز آزمایشی
در نتیجه داد و ستد بین‌المللی نشان می‌دهد.	Closing Trial Balance	تراز آزمایشی اختتامی
Balance of Payments	Operatiing Trial	تراز آزمایشی بهره‌برداری
تراز پرداختها	Balance	
Balance of	Post-closing	تراز آزمایشی پس از بستن دفاتر
International Payments; International	Trial Balance	
Balance of Payments	Preclosing Total	تراز آزمایشی پیش از نهایی
تراز پرداختهای مساعد	Balance	
Favourable Balance of Payments	Adjusted Trial Balance	تراز آزمایشی تطبیقی
تراز پرداختهای نامساعد	Short Trial Balance	تراز آزمایشی خلاصه
Unfavourable Balance of Payments	Working Trial	تراز آزمایشی در جریان تنظیم
of Payments	Balance	
Adverse Trade Balance	Classified Trial	تراز آزمایشی طبقه‌بندی شده
تراز تجاری منفی	Balances	
Adverse Trade Balance; Unfavourable Balance of Trade;	Preclosing Total	تراز آزمایشی ما قبل نهایی
Unfavourable Trade Balance	Balance	
Tentative Balance Sheet	Comparative Balance	تراز آزمایشی مقایسه‌ای
تراز تکمیل نشده	Sheet	
Condensed Balance Sheet	Opening Trial Balance	تراز آغاز
تراز خلاصه	Condensed Balance Sheet	تراز اجمالی
Automatic Balance	Post-closing Trial Balance	تراز اختتامی
تراز خودکار	Closing Trial Balance	تراز اختتامیه
Current Balance	Static Balance	تراز ایستا
تراز عملیات جاری	Balance of Trade	تراز بازرگانی
Condensed Balance Sheet		آن قسمت از حساب جاری تراز پرداختها که تفاوت
تراز فشرده		میان دریافتهای یک کشور از صادرات مرئی و
Self-balancing		
تراز قطعی		
Balance the Books		
ترازگیری حساب		
Balancing the Books		
ترازگیری حسابها		
Adverse Balance of Exchange		
تراز مبادله نامساعد		
Favourable Balance of Trade		
تراز مثبت تجارت		
Visible Balance		
تراز مرئی		

Flexible Trust	تراست انعطاف پذیر	Favourable Balance of Trade	تراز مساعد بازرگانی
Fixed Trust (The)	تراست اوراق بھادار معین	Active Trade Balance; Favourable Trade Balance	تراز مساعد تجاری
Inter Vivos Trust	تراست با مؤسسان در قید حیات	Self-balancing	تراز مسجل
Totten Trust	تراست تاتن	Condensed Balance Sheet	تراز ملخص
	تراست حساب پس انداز که فقط با سپرده پول برای نفع دیگری ایجاد شده است.	Passive Trade Balance	تراز منفی بازرگانی
Spend-thrift Trust	تراست تلف کار	Adverse Balance of Trade	تراز منفی تجاری
Specialized Management Trust	تراست سرمایه گذاری اختصاصی	Adverse Balance	تراز نامساعد
Fixed Investment Trust	تراست سرمایه گذاری ثابت	Unfavourable Balance of Trade	تراز نامساعد بازرگانی
Unit Investment Trust	تراست سرمایه گذاری واحد	Adverse Balance of Trade; Unfavourable Trade Balance	تراز نامساعد تجاری
Implied Trust	تراست ضمنی	Asset and Equities; Balance Sheet	ترازنامه
Vertical Trust	تراست عمودی		صورت حساب دارایی یک شرکت، سازمان یا فرد در تاریخ معین (معمولاً در آخرین روز سال مالی) است.
General Management Trust	تراست عمومی سرمایه گذاری	Bank Balance Sheet	ترازنامه بانک
Passive Trust	تراست غیر فعال	Running Form	ترازنامه به شکل گزارش
Irrevocable Trust	تراست غیر قابل انحلال	Opening Balance Sheet	ترازنامه مربوط به آغاز کار
Massachusetts Trust	تراست ماساچوست	Tentative Balance Sheet	ترازنامه آزمایشی
	سازمان اقتصادی است که کارهای خود را با واسطه امین اداره می کند.	Commercial Banks' Balance Sheets	ترازنامه بانکهای بازرگانی
Flexible Trust	تراست متغیر	Consolidated Balance Sheet	ترازنامه تلفیقی
Management Trust	تراست مدیریت	Treasury Balance Sheets	ترازنامه خزانه داری
Spend-thrift Trust	تراست مسرف	General Balance-sheet	ترازنامه کلی
Resulting Trust	تراست منبجه	Consolidated Balance Sheet	ترازنامه گروهی
Irrevocable Trust	تراست منحل نشدنی	Consolidated Balance Sheet	ترازنامه مشترک
Unit Trust	تراست واحد	Trust	تراست
Spend-thrift Trust	تراست ولخرج		از ادغام چند بنگاه و تشکیل یک بنگاه قوی برای دستیابی به انحصار به دست می آید.
Testamentary Trust	تراستی ماترکی		
	تراستی که سرمایه آن ماترک کسی باشد.		
Chip	تراشه		

Arrangement with Creditors	ترتیب دادن	Accord and Satisfaction;	ترازی
Simple Arrangement	ترتیب ساده	Compromise	
G.A.B.	ترتیب عمومی استقراض	Accumulation; Congestion	تراکم
Modus Operandi; Program	ترتیب کار	Union Density	تراکم اتحادیه
Complete Arrangement	ترتیب کامل	Freight Density	تراکم بار کشتی
Ordinalism	ترتیب گرایی	Density of Population	تراکم جمعیت
Pooling Arrangement	ترتیب مشارکت عمومی	Port Congestion	تراکم در بندر
Collocation	ترتیب نوبت	Capital Accumulation; Capital	تراکم سرمایه
Prefer	ترجیح دادن	Deepening	
Participating Preference	ترجیحی مشارکتی	Back Log	تراکم سفارشهای انجام نشده
Clearance; Releasing	ترخیص	Passenger Density	تراکم نسبی مسافر
Clearance	ترخیص کالا از گمرک	Cumulative	تراکمی
Clearance for Home-use	ترخیص کالا به منظور مصرف داخلی	Transposition	تراننش
Clear	ترخیص کردن	Income Leakage	تراوش درآمد
Frighten The Dealers	ترساندن پیش فروش کنندگان	Array; Configuration; Order;	ترتیب
Graphic	توسیمی	Permutation	
Persuasion	توغیب	Banking Arrangements	ترتیبات بانکی
Promotion	ترفع		روشهایی برای تصفیۀ تعهدات مالی یک قرارداد مانند تعیین نوع حساب بانکی، بانک کارگزار و توافق درباره میزان بهره بانکی است.
Merit Increase	ترفع استحقاقی	Keynes Clearing	ترتیبات پایاپای کینز
Proficiency; Progress; Redress; Rise	ترقی	Arrangements	
(In Price); Upswing			پیشنهاد کینز در کنفرانس برتن وودز برای تأسیس یک بانک مرکزی جهانی.
Economic Progress	ترقی اقتصادی	«General	ترتیبات عمومی استقراض
افزایش متوسط مقدار تولید سرانه کالاها و خدمات و همزمان کاهش نابرابری در توزیع آنها.		Agreements to Borrow»	
Edge Up	ترقی اندک	Swap Arrangements	ترتیبات معاوضه ارزی
"Set-off"	ترقی بهای ملک به واسطه ساختمان		روشی است برای بهبود نقدینگی.
اساسی و اعیانی		Collocation	ترتیب پرداخت بدهی به طلبکاران
Housing Ramp	ترقی پُرس و صدای اجاره‌ها	At a Premium to Be	ترتیب تصفیۀ بالای قیمت
Mark-up; Promote	ترقی دادن	Arranged	
Rig the Market	ترقی دادن قیمت‌ها در بازار	Multiple-shift	ترتیب چندنوبتی
Appreciation	ترقی در ارزش یک دارایی	Arrangement	

Involuntary Quits	ترک ناخواسته شغل	Rigging the Market	ترقی ساختگی قیمت‌ها در بازار
Emigration	ترک وطن برای اقامت در کشور دیگر	Boom	ترقی سریع
Breach of Duty	ترک وظیفه	Buyer's Option; Price Option	ترقی سهام
Bequest; Heirloom; Legacy	ترکه	Sales Promotion	ترقی فروش
Association; Combination	ترکیب	Technological Progress	ترقی فن‌شناسی
(Consolidation); Combine; Composition; Merger; Synthesis		Technical Progress	ترقی فنی
Horizontal Combination;	ترکیب افقی	Disembodied Technical Progress	ترقی فنی بی‌بهره
Lateral Combination		Harrod Neutral	ترقی فنی خنثی از دید هارود
Horizontal and Vertical Combination	ترکیب افقی و عمودی	Technical Progress	
Organic Composition of Capital	ترکیب اندامی سرمایه	Ilicks Neutral	ترقی فنی خنثی از دید هیکس
		Technical Progress	
اصطلاحی که مارکس برای توضیح رابطه میان سرمایه ثابت و سرمایه متغیر بکار برده است. به نظر مارکس، در فراگرد تکامل سرمایه‌داری ترکیب اندامی سرمایه یعنی نسبت این دو رو به افزایش می‌نهد و میزان سود کاهش می‌پذیرد.		Embodied Technical Progress	ترقی فنی مجسم
Composition of Output	ترکیب باز داده	Advance in Price; Appreciation	ترقی قیمت
Liability Composition	ترکیب بدهی	Betterment	ترقی قیمت ملک
Promotional Mix	ترکیب برنامه تبلیغاتی	Make Headway	ترقی کردن
Optimum	ترکیب بهینه دارایی اسنادی	Prosperous	ترقی‌کننده
Portfolio Composition		Regress	ترقی معکوس
Composition of Output	ترکیب تولید	Fluctuations	ترقی و تنزل
Lateral Combination	ترکیب جنبی	Boost	ترقی وضع بازار
Linear Combination	ترکیب خطی	Increased Cost of Living	ترقی هزینه زندگی
Asset Composition	ترکیب دارایی	Wage-price Spiral	ترقی همزمان مزد و قیمت
Circular Combination	ترکیب دایره‌ای	Abandonment; Leave	ترک
Organic Composition of Capital	ترکیب ذاتی سرمایه	Breach of Duty; Quits	ترک خدمت
Simple Combination	ترکیب ساده	Release	ترک دعوا
Organic Composition of Capital	ترکیب سازمانی سرمایه	Involuntary Quits	ترک غیرارادی شغل
		Negligence	ترک قول
		Quits	ترک کار
		Abandon; Relinquish	ترک کردن
		Abandonment	ترک کشتی (در بیمه دریایی)
		Disclaimer	ترک‌کننده دعوا

Purchasing-power Parity	تساوی قوه خرید	Composition of Output	ترکیب سنده
Equalization of Assessments	تساوی مالیات بندی	Investment Portfolio	ترکیب سرمایه گذاری در اوراق بهادار
Equalization Fee	تساوی ورودیه	Vertical Combination	ترکیب عمودی
Equipoise	تساوی وزن	Complete Combination	ترکیب کامل
Confirmation	تسجيل	Compound	ترکیب کردن
Take Over	تسخیر	Least-cost Combination; Least Outlay (or Cost) Combination	ترکیب کمترین هزینه
Conquest of New Markets	تسخیر بازارهای نو	Composition of Output; Product Mix	ترکیب محصول
Transitivity of Preference	تسری پذیری رجحان	Iso-revenue Curve	ترکیبهای درآمد یکسان
Churning	تسریع در تولید	Synthetical	ترکیبی
Speed-up	تسریع کار	Balanced Budget Amendment	ترمیم بودجه متوازن
Conversion; Exchange	تسعیر	Jarois-Gann Amendment	ترمیم جاریس گن
Conversion of Currency	تسعیر ارز	Rehabilitate	ترمیم کردن
Convertible	تسعیر پذیری	Thornton, (۱۸۸۰-۱۸۱۳)	ترنتن، ویلیام تامس
Convertibility	تسعیر پذیری	William Thomas	ویلیام تامس
Converter; Exchanger	تسعیر کننده	Monetize	ترویج پولی
Re-Exchange	تسعیر مجدد	Priming	تزریق اولیه پول
Relief	تسکین	Priming	تزریق خرج راه اندازی
Economic Continuity	تسلسل اقتصادی	Pump Priming	تزریق مالی محرک
Uniform Continuity	تسلسل یکنواخت	Injections	تزریقها
Control; Domination	تسلط	Injections	افزایش برونزای درآمد بنگاهها یا خانوارهاست.
Economic Domination	تسلط اقتصادی	Par	تساوی
Minority Control	تسلط اقلیت	Equalization of Assessments	تساوی ارزیابی
Consignation; Consignment; Give Up Documents	تسلیم اسناد در برابر پرداخت	Horizontal Equity	تساوی افقی
Documents against Payment	تسلیم اسناد در برابر پرداخت	Equation of Payments	تساوی پرداختها
Documents against Acceptance	تسلیم اسناد در برابر قبولی برات	Money Equivalent	تساوی پولی
		Agricultural Parity	تساوی زراعی
		Fisher Identity	تساوی «فیشر»

Proportion Partition	تسهیم به نسبت	Cognovit Note	تسلیم به دعوی
Revenue Sharing	تسهیم دریافتی	Reporting	تسلیم گزارش
Re-Allocation	تسهیم دوباره	Clearing; Settlement	تسویه
Profit-Sharing	تسهیم سود	Next Account (Nex Settlement)	تسویه بعدی
Revenue Sharing	تسهیم عواید	Making Up (Make Up)	تسویه (حساب)
Gain Sharing	تسهیم فایده با کارگران	Account Settled; Broker's	تسویه حساب
Share; Split	تسهیم کردن	Account; Claim Settlement; Pay-off;	
Tax Sharing	تسهیم مالیات	Reckoning	
Double Distribution	تسهیم مجدد	Clear; Refund	تسویه حساب کردن
Cost Allocation	تسهیم هزینه	Factor-Price Equalization	تسویه قیمت عامل
Conscious Parallelism	تشابه آگاهانه	Compromise; Settle; Square	تسویه کردن
Comparison	تشبیه	(Account)	
Discretion; Judgment	تشخیص	Settlor	تسویه کننده
Assessment Bond	تشخیص مالیات قرضه	Clearance Papers	تسویه گمرکی
Underidentification	تشخیص ناقص	Tax Equalization	تسویه مالیات
Risk Increase	تشدید خطر	Unsettled	تسویه نشده
Booming the Boom	تشدید رونق	Wipe off a Debt	تسویه یک دین
Capital Deepening	تشدید سرمایه	Ring Out a	تسویه یک معامله (ایالات متحد)
Deepening of Capital	تشدید کاربرد سرمایه	Transaction	
Customs Formalities	تشریفات گمرکی	Facilities	تسهیلات
Organization	تشکیلات	Consumer Credit	تسهیلات اعتبار مصرفی
Disorganization	تشکیلات بد	Facilities	
Entrepreneurship	تشکیلات تجاری و یا مقاطعه کاری	Credit Facilities; Credit	تسهیلات اعتباری
Refinance	تشکیلات جدید به کار بازرگانی خود دادن	Line	
Disorganization	تشکیلات نامنظم	Fixed Credit Line	تسهیلات اعتباری ثابت
Capital Formation	تشکیل سرمایه	Public Utilities	تسهیلات عمومی
Gross Fixed	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	Supplementary	تسهیلات مالی تکمیلی
Capital Formation		Financing Facilities	
	میزان سرمایه گذاری در یک دارایی ثابت طی دوره معین است که شامل استهلاک دارایی نیز بشود.		هف کمک به کشورهای دارای کسری تراز پرداختهاست.
		Swap Credit Deal	تسهیلات متقابل اعتباری
		Sharing	تسهیم
		Market Sharing	تسهیم بازار

Aggregate Corporation	تصدی جمعی	Net Capital Formation	تشکیل سرمایه خالص
Private Enterprise	تصدی خصوصی		تشکیل سرمایه پس از وضع استهلاک است و مترادف است یا سرمایه‌گذاری خالص.
Administration of Income	تصدی درآمد	Incorporation	تشکیل شرکت
State Enterprise	تصدی دولتی	Market Pricing	تشکیل قیمت‌ها در بازار
	تابع مقررات دولتی است.	Business Formation	تشکیل کار و کسب
Public Enterprise	تصدی عمومی	Reformation	تشکیل مجدد
	تابع قوانین و مقررات حاکم بر بخش خصوصی است.	Gross Domestic Fixed Capital Formation	تشکیل ناخالص سرمایه ثابت داخلی
Acknod; Acknowledgment; Certification; Confirmation	تصدیق	Export Promotion	تشویق صادرات
Countersignature	تصدیق امضای دیگری	Sales Promotion	تشویق فروش
Legalization	تصدیق امضاء	Promote	تشویق یا ترویج کردن
Over-certification	تصدیق زاید	Interlocking Stock	تصاحب سهام وابسته به هم
Authentication	تصدیق سندیت	Ownership	
Authentication	تصدیق صحت	Accident	تصادف (اصطلاح بیمه)
Probate	تصدیق صحت وصیت نامه	Occupational Hazard	تصادف شغلی
Attest; Authenticate	تصدیق کردن	Accidental; Aleatory; Orra, Orrow; Random; Stochastic	تصادفی
Certifiable	تصدیق کردنی	Progression	تصاعد (اعم از عددی؛ هندسی؛ موزون)
Certifier	تصدیق کننده	Arithmetic Progression	تصاعد عددی
Certificate	تصدیق نامه	Geometric Progression	تصاعد هندسی
Certificate of Deposit	تصدیق نامه امانت	Seasonal Corrections	تصحیح تغییرات فصلی
Trust Certificate	تصدیق نامه امانی	Amended	تصحیح شده
Certificate of Origin	تصدیق نامه مبدا	Inventory Adjustment	تصحیح موجودی
Magnetic Ink Character Recognition	تصدیق نشان با مرکب مغناطیسی	Administration Expenses; Venture Enterprise; Entrepreneurship; Tenure	تصدی
	نشانه اختصاری آن M.I.C.R. است.	Free Enterprise	تصدی آزاد
Weight Certificate	تصدیق وزن	Enterprise	تصدی اقتصادی
Business Management	تصدی کار و کسب	Subsidiary	تصدی اقتصادی زیر تسلط
Handle	تصدی کردن		شرکت دیگر
Firm	تصدی واحد و رشته	Firm; Individual	تصدی انفرادی
Take Over From	تصدی یافتن	Proprietorship; Proprietorship	
Hold; Occupancy; Possession; Possessorship; Take	تصرف		

Ratification	تصویب قانونی	Life Tenant	تصرف تا پایان عمر
Bylaw; Decree	تصویب نامه	Excess Condemnation	تصرف زاید
Bar Diagram	تصویر ستونی	Disseise	تصرف عدوانی کردن
Run Book	تصویر کلی جریان	Life Tenant	تصرف عمری
Antagonism; Confliction	تضاد	Possessionalism	تصرف‌گرایی
Conflict of Interests	تضاد منافع	Re-entry	تصرف مجدد
Labour-capital Conflicts	تضادهای کار - سرمایه	Reverse Repos	تصرف مجدد وارونه
Devaluation	تضعیف پولی	Seizin	تصرف مطلق
کاهش رسمی نرخ مبادله پول رایج برحسب پولهای دیگر و به تصدیق صندوق بین‌المللی پول.		Actual Possession	تصرف واقعی
Exchange Devaluation	تضعیف رسمی ارز	Possessory	تصرفی
Currency Devaluation	تضعیف رسمی واحد پول	Angaria	تصرف یا ضبط ملک یک دولت بی طرف
Guarantee; Security; Surety	تضمین	Liquidation; Settlement; Winding Up	تصفیه یک دولت
Union Security	تضمین اتحادیه	کلیه اقدامات لازم و قانونی پس از انحلال قهری یا ارادی شرکت برای وصول مطالبات و پرداخت دیون.	
Performance Guarantee	تضمین اجرایی	«Clearing the Market»	تصفیه بازار
Exchange Value Guaranty	تضمین ارزش ارز	Ringing Out	تصفیه پیش از وقت
Collateral; Collateral Security	تضمین اضافی	Account	تصفیه حساب
Credit Guarantee	تضمین اعتبار	Adjustment of Average; Average Adjustment	تصفیه خسارتها
Fidelity Bond; Fidelity Guarantee	تضمین امانت	Liquidate; Pay-off	تصفیه کردن
Underwrite Shares	تضمین اوراق بهادار	Ring Out a Transaction	تصفیه یک معامله
"Aval"	تضمین (برات)	Economic Decisions	تصمیمات اقتصادی
Gift Edge Security	تضمین بی خطر	Arbitration Award	تصمیم حکمیت
Freight Indemnity	تضمین پرداخت هزینه حمل	Portfolio Decision	تصمیم درباره ترکیب دارایی اسنادی
Fidelity Guarantee	تضمین درستی و صحت عمل	Determination	تصمیم‌گیری
Lay-up Warrantly	تضمین دوران تعطیل (اصطلاح بیمه)	Codetermination	تصمیم مشترک
Guaranty Bond	تضمین سند قرضه	Concept	تصور کلی
Cover for Dividend	تضمین سود توزیعی	Approval; Ratification	تصویب
Underwrite Shares	تضمین سهم	Endorse	تصویب سندی در پشت آن

Adjusting Account Receivable	تطبیق حسابهای قابل دریافت	Guaranty of Title	تضمین شهرت
Average Adjustment	تطبیق خسارت	Guaranty of Title	تضمین عنوان
Particular Average Adjustment	تطبیق خسارت مخصوص	Caution Money	تضمین قرار
Automatic Wage Adjustment	تطبیق خود کارمزد	Security of Employment	تضمین کار
Income-Statement Identity	تطبیق صورت سود و زیان	Indemnity; Prestate Back	تضمین کردن
Seasonal Adjustment; Seasonally Adjusted	تطبیق فصلی	Quality Guarantee	تضمین کردن یک سند
Square (Account); Tally	تطبیق کردن	Counter-Indemnity Cover	تضمین کیفی
Adjustment of Deficit	تطبیق کسری	Collateral Security	تضمین متقابل
Rolling Adjustment	تطبیق گردان	Underwrite an Issue	تضمین وام
Inventory Adjustment	تطبیق موجودی	Social Conformity	تضمین وثیقه‌ای
Stock Adjustment	تطبیق موجودی انبار	Double Wants	تضمین یک نشر
Stores Stock Adjustment	تطبیق موجودی کالا	Coincidence of	تطابق اجتماعی
Partial Adjustment	تطبیق ناقص	Coincidence of Wants	تطابق مضاعف نیازها
Cash Adjustment	تطبیق نقد	Check; Comparison; Conformity; Control; Reconciliation	تطابق نیازمندیها
Cost of Living Adjustments	تطبیقهای هزینه زندگی	Inventory Adjustment	تطبیق
	همان تعدیلهای هزینه زندگی است.	Inventory Adjustment Valuation	تطبیق ارزیابی سیاهه موجودی
Money Laundry	تطهیر پولی	Strike Adjustment	تطبیق ارزش
Equilibrium	تبادل	Legalization	تطبیق با قانون
	وضعی در یک دستگاه اقتصادی که همه متغیرها در توازن باشند و گرایش به تغییر در آنها نباشد.	Interest Gearing	تطبیق بهره
Momentary Equilibrium	تبادل آنی	Adjustment Toward Equilibrium	تطبیق به سوی تبادل
	منظورت عادل در شرایط اشتغال کامل عوامل تولید است.	Accommodation of Supply Shock	تطبیق تکان عرضه
Full Employment Equilibrium	تبادل اشتغال کامل	Gearing	تطبیق (تولید و تقاضا)
	منظور تبادل با وجود بیکاری است.	Partial Adjustment	تطبیق جزئی
		Reconciliation of Account	تطبیق حساب
		Audit Adjustment	تطبیق حسابرسی
		Adjusting Account Receivable	تطبیق حسابهای دریافتنی

Long-run Stationary Equilibrium	تبادل ساکن بلندمدت	Underemployment Equilibrium	تبادل اشتغال ناقص
Personal Adjustment Normal Equilibrium	تبادل شخصی عادی	Underemployment Equilibrium	تبادل اشتغال نامکفی
Unemployment Equilibrium	تبادل عدم اشتغال	Expectational Equilibrium	تبادل انتظاری
General Equilibrium	تبادل عمومی	Explosive Equilibrium	تبادل انفجاری
General Equilibrium	تبادل عمومی (تحت انحصار یا رقابت انحصاری)	Static Equilibrium	تبادل ایستا
Momentary Equilibrium	تبادل کم دوام	Market Equilibrium	تبادل بازار
Underemployment Equilibrium	تبادل کم کاری	Best Profit Equilibrium	تبادل بهترین سود
Short-run Equilibrium	تبادل کوتاه مدت	Neutral Equilibrium	تبادل بی اثر
Short Run Equilibrium of Firm or Industry (Partial)	تبادل کوتاه مدت مؤسسه تولیدی یا صنعت (جزئی)	Neutral Equilibrium	تبادل بی تفاوت
Multiple Equilibrium	تبادل متعدد	Unemployment Equilibrium	تبادل بیکاری
Consumer Equilibrium	تبادل مصرف کننده	Stable Equilibrium	تبادل پایدار
Expectational Equilibrium	تبادل مورد انتظار	Monetary Equilibrium	تبادل پولی
Unstable Equilibrium	تبادل ناپایدار	Dynamic Equilibrium	تبادل پویا
Intermediate Equilibrium	تبادل واسطه	Dynamic Equilibrium	تبادل تحرکی
Intermediate Equilibrium	تبادل واسطه ای	Partial Equilibrium; Partial (or Particular) Equilibrium	تبادل جزئی
Steady State Equilibrium	تبادل وضع پایدار		تبادل در بخش کوچکی از اقتصاد.
Steady State Equilibrium	تبادل وضع یکنواخت	Neutral Equilibrium	تبادل خنثی
Antagonism; Confliction	تعارض	Long Run Equilibrium	تبادل درازمدت
Cooperative; Mutual Marketing Cooperative	تعاونی بازاریابی	Equilibrium of Firm or Industry	تبادل درازمدت بنگاه یا صنعت
		Long Run Equilibrium of Firm or Industry (Partial)	تبادل درازمدت واحد اقتصادی یا صنعت (جزئی)
		Equilibrium of Firm or Industry (Partial)	تبادل در محل تقاطع منحنی عرضه و تقاضا
		Intersection	

Average Adjuster	تعدیل کننده خسارت	Producers' Cooperative	تعاونی تولیدکنندگان
Price Deflator	تعدیل کننده قیمت	Producer's Co-operative	تعاونی تولیدکننده
Double Deflation	تعدیل مضاعف	Marketing Co-operative	تعاونی فروش
	روش است برای تعدیل یا حذف نوسانهای قیمت	Cooperativization	تعاونی کردن
	از ارزش افزوده به قیمت جاری که در آن هم	Agricultural Cooperative	تعاونی کشاورزی
	بازداده‌ها و هم در داده‌ها را تعدیل می‌کنند تا ارزش	Consumer's Cooperative	تعاونی مصرف
	افزوده به قیمت ثابت بدست آید.	Cooperative	تعاونی مصرف‌کنندگان
Inventory Adjustment;	تعدیل موجودی	Consumers	
Stock Adjustment		Consumer's Cooperative	تعاونی مصرف‌کننده
Stores Stock Adjustment	تعدیل موجودی کالا	Workers' Cooperatives	تعاونیهای کارگران
National	تعدیل و تصحیح حسابداری ملی	Economic Interpretation	تعبیر اقتصادی تاریخ
Accounting Deflation		of History	
International	تعدیل و تطبیق اقتصادی	Economic Interpretation of	تعبیر مادی تاریخ
Economic Adjustment	بین‌المللی	History	
Adjustment Equation	تعدیلی	Job Duplication; Moonlighting	تعدد شغل
Inventory	تعدیل یا تطبیق ارزیابی موجودی	Job Duplication	تعدد مشاغل
Valuation Adjustment		Adjustment	تعدیل
Duty; Price List; Tariff	تعرفه	Equation of Payments	تعدیل اقساط
Advertisement Rate	تعرفه آگهی	Year-end Adjustment	تعدیل پایان دوره
Import Surcharge	تعرفه اضافی	Equation of Payments	تعدیل پرداختها
	افزایش موقت تعرفه وارداتی با هدف رفع کسری	Audit Adjustment	تعدیل حسابرسی
	تراز پرداختها در کوتاه‌مدت و تثبیت نرخ ارز.	Salary Review	تعدیل حقوق
Flexible Tariff	تعرفه انعطاف‌پذیر	Average Adjustment	تعدیل خسارت
Time-of-day Tariff	تعرفه اوقات روز	Adjustment of Wages	تعدیل دستمزدها
Sliding-scale Tariff	تعرفه با پایه متحرک	Personal Adjustment	تعدیل شخصی
Sectional Tariff	تعرفه بخش بخش	Implicit Weighting	تعدیل ضمنی
Sectional Tariff	تعرفه بخشی	Seasonal Adjustment	تعدیل فصلی
Ad Valorem Tariff	تعرفه برحسب ارزش		شاخص آماری ماهانه یا سه ماهه که عوامل مورد
Charge With Duty	تعرفه بستن		استعمال برای تصحیح مجموعه داده‌های آماری
Tariffication	تعرفه‌بندی		موضوعات اقتصادی را برای اوضاع جوی دوره‌ای
Optimum Tariff	تعرفه بهینه		و تعطیلات ویژه در نظر می‌گیرد.
	تصرف‌های که بهزیستی یا بهینگی جامعه را بیشینه	Allowance	تعدیل قیمت
	گرداند.	Cut Out; Weighting	تعدیل کردن

General Tariff; Seasonal Tariff; Single Schedule Tariff; Unilinear Tariff	تعرفه عمومی	Insurance Rate	تعرفه بیمه
Multiple Conventional Tariff	تعرفه قراردادی چندگانه	Short-term Rate	تعرفه بیمه کوتاه مدت (اصطلاح بیمه)
Scale of Prices	تعرفه قیمت‌ها	Discriminating Tariff	تعرفه تبعیضی
Block Tariff	تعرفه کلی	Preferential Tariff	تعرفه ترجیحی
Customs Tariff; Revenue Tariff	تعرفه گمرکی مالیات بر واردات.	Sliding-scale Tariff	تعرفه تعدیل پذیر
Common Customs Tariff	تعرفه گمرکی مشترک	Flexible Tariff	تعرفه تغییر پذیر
Preferential Tariff	تعرفه گمرکی ترجیحی	Differential Tariff	تعرفه تفاضلی
Revenue Tariff	تعرفه مالیات بر درآمد	Subscribed Demand Tariff	تعرفه تقاضای مورد تعهد
Basing Rate	تعرفه مبنا	Countervailing Tariff; Retaliatory Tariff	تعرفه تلافی
Sliding-scale Tariff	تعرفه مبتنی بر مقیاس متغیر	Compensating Tariff	تعرفه جبران کننده
Multiple Tariff	تعرفه متعدد	Compensating Tariff	تعرفه جبرانی
Variable Levy System	تعرفه متغیر	Compensating Tariff	تعرفه‌ای که یک کشور برای تقویت موقعیت خود در مذاکرات تجاری با دیگر کشورها برقرار می‌کند.
Legal Fare	تعرفه مجاز	Bargaining Tariff	تعرفه چانه زنی
Tariff-for Revenue Only	تعرفه مختص درآمد	Manual Rating Insurance	تعرفه حق بیمه‌ها
Mixed Tariff	تعرفه مختلط	Educational Tariff	تعرفه حمایتی
Compound Entry; Compound Tariff	تعرفه مرکب	Protective Tariff	تعرفه حمایتی
Multiple Autonomous Tariff	تعرفه مستقل چندگانه	Fare	تعرفه حمل و نقل
Joint Tariff	تعرفه مشترک	Specific Tariff	تعرفه خاص
Common External Tariff	تعرفه مشترک خارجی	Inland Rate	تعرفه داخلی
		Revenue Tariff	تعرفه درآمدی
		Commission Rates	تعرفه دلالی
		Two-part Tariff	تعرفه دو جزئی
		Two-part Tariff	تعرفه دو قسمتی
		Preferential Tariff	تعرفه رجحانی
		Anti-dumping Tariff	تعرفه ضد بازار شکنی
		Anti-dumping Tariff	تعرفه ضد رقابت مکارانه
		Revenue Tariff	تعرفه عایداتی
		Tariff-for Revenue Only	تعرفه عایداتی محض
Multiple Conventional Tariff	تعرفه معمولی چندگانه	Scientific Tariff	تعرفه علمی

تعرفه‌ای که اعضای یک اتحادیه گمرکی، بازار مشترک یا جامعه اقتصادی اروپا نرخی مورد توافق و همانند بر واردات دیگر کشور، وضع می‌گردد.

Defer	تعلل ورزیدن	Installed	تعرفه مقدار جریان برق در یک وهله
Abeyance (in)	تعلیق	Load Tariff	
Suspend Payment;	تعلیق پرداخت	Sliding-scale Tariff	تعرفه مقیاس متغیر
Suspension of Payment		Prohibitive Tariff	تعرفه ممانعتی
Lay-off	تعلیق خدمت به وسیله کارفرما	Single Tariff	تعرفه منحصر به فرد
Suspension of Contract	تعلیق قرارداد	Single Tariff	تعرفه منفرد
On The Job Training	تعلیمات حین کار	Invisible Tariff	تعرفه نامرئی
Supervisory Training	تعلیمات سرپرستی	Import Tariffs	تعرفه واردات
Instructor Training	تعلیمات کارآموزی اداری	Import Tariffs	تعرفه ورود
Technical Education	تعلیم فنی	Specific Tariff	تعرفه ویژه
Education	تعلیم و تربیت	Block Tariff	تعرفه ویژه مصرف گاز و برق
Scienter	تعمداً	Flat Rate; Standard Rate	تعرفه یکنواخت
Repair	تعمیر	Single Tariff	تعرفه یگانه
Planned Maintenance	تعمیرات بر طبق برنامه	Legal Tender	تعریف پول با قوه ابراء (پول رایج)
Planned Maintenance	تعمیرات برنامه‌ای	Defined	
Improve	تعمیر کردن	Nominal Definition	تعریف صوری
Dry Dock	تعمیرگاه کشتیهای تجاری و جز اینها	Nominal Definition	تعریف غیر عملی
Capital Deepening	تعمیق سرمایه	Nominal Definition	تعریف غیر واقعی
	فراگرد انباشت سرمایه با اندازه رشدی بیشتر از میزان رشد نیروی کار.	Nominal Definition	تعریف لفظی
Generalization	تعمیم	Banking Holiday	تعطیل بانکها
Generalize	تعمیم دادن	Cut Back	تعطیل فوری
Fallacy of Composition	تعمیم نادرست	Cut off Date	تعطیل کار برای رسیدگی
Change; Quid Pro Quo;	تعویض	Cut Stock	تعطیل کارخانه
Replacement		Down	تعطیل کارخانه به منظور ترمیم و تعمیر
Money Changing	تعویض پول	Period	
Abeyance (in); Adjournment;	تعویق	Shut-down	تعطیلی
Postponement		Action (law)	تعقیب
Past Due	تعویق پرداخت با موافقت قبلی	Penal Prosecution	تعقیب جزایی
Fall into Arrears	تعویق پرداخت دین	To Sue	تعقیب قانونی کردن
Tax Delinquency	تعویق در پرداخت مالیات	Follow-up	تعقیب کردن
Lapping	تعویق در ثبت	Proprietorship	تعلق سرمایه
Lapping	تعویق گزارش وجه دریافتی	Chargeable	تعلق گیرنده
		Incidence of Taxation	تعلق واقعی مالیات

Double Liability	تعهد دوجانبه	Carrying Over	تعویق مفاصاحساب در خرید و فروش سهام
Periodic Charge	تعهد دوره‌ای	Checking Slip; Commitment; Encumbrance; Engagement; Gage; Obligation	تعهد
Accommodation Indorsement Liability	تعهد دوستانه	Obligation(s)	تعهدات
Oversubscribed	تعهد زاید	Open Commitments	تعهدات آشکار
Acceptance for Honour	تعهد شرافتی	Obligations Outstanding	تعهدات انجام نشده
Contingent Obligation	تعهد شرطی	Open Commitments	تعهدات باز
Transit Bond-note	تعهد عبوری	Bank Liabilities	تعهدات بانک
General Obligation Bond	تعهد عمومی سند قرضه	Banks' Liabilities	تعهدات بانکی
Several Liability	تعهد فردی	Innominate Obligation	تعهدات بی‌نام
Several and Joint Liability	تعهد فردی و تضامنی	Monetary Liabilities	تعهدات پولی
Marginal Liability Bond	تعهد فرعی	Bull Engagements	تعهدات پیش خریدکننده (اصطلاح بورس)
Loan on Debentures	تعهد قانونی	Bear Commitments; Bear Engagements	تعهدات پیش فروش کننده
Freight Bookings	تعهد قرض	Open Commitments	تعهدات علنی
Grant; Promise	تعهد کرایه	Nonmonetary Liabilities	تعهدات غیر پولی
Guarantor; Undertaker	تعهد کننده	Contingent Liabilities	تعهد احتمالی
Cash Subscriber	تعهدکننده نقد	Stand-by Underwriting	تعهد احتیاطی
Short-term Liability	تعهد کوتاه‌مدت	Oversubscription	تعهد اضافی
Transit Bond-note	تعهد گذری	Application; Subscription	تعهد پرداخت
Onus	تعهد مسئولیت	Income Bond	تعهد پرداخت بهره (اگر به دست آمده باشد)
Unlimited Liability	تعهد نامحدود	Underwrite a Policy	تعهد پرداخت بیمه‌نامه‌ای را کردن
Deed of Covenant; Letter of Commitment; Recognizance; Warranty Deed	تعهدنامه	Subscribe	تعهد پرداخت کردن
Warranty	تعهد (نامد)	Fixed Obligation	تعهد ثابت
Express Warranty	تعهدنامه ویژه	Secondary Liability	تعهد ثانی
Engage	تعهد نمودن	Current Liability	تعهد جاری
Appointment; Peg	تعیین	Underwriting	تعهد خرید
Valuation	تعیین ارزش	Assumed Liability	تعهد خطر
Foreign Valuation	تعیین ارزش خارجی		

Predetermined Cost	تعیین قیمت تخمینی	Horizontal Price Fixing	تعیین افقی قیمت
Resale Price	تعیین قیمت خرده فروشی	Planned Location Of Industry	تعیین برنامه‌ای مکان صنعت
Maintenance	اجبار توزیع‌کنندگان یک کالا به قیمت فروشی که تولیدکننده معین کرده است یا خودداری از فروش آن بر قیمتی پایین‌تر.	Appraisal	تعیین بها در حراج
Roll-Back	تعیین قیمت نازل قبلی	Experience Rating	تعیین تجربی نرخ بیمه‌ها
Shade Prices	تعیین قیمت‌های نزولی	Insurance	تعیین تعادل پایانی
Price-determining; Pricer	تعیین‌کننده قیمت	Determinate Final Equilibrium	تعیین تعادل پایانی
Merit Rating	تعیین لیاقت	Location of Industry	تعیین جای صنعت
Assessment	تعیین مالیات	Planned Location Of Industry	تعیین جای صنعت بر طبق برنامه
Assessment Bond	تعیین مالیات قرضه	Orientation	تعیین جهت
Special Assessment	تعیین مالیات مخصوص	Margin Requirements	تعیین حد استقراضی
Domiciliation	تعیین محل پرداخت	Delimitation	تعیین حدود فعالیت اقتصادی
Location of Industry	تعیین محل صنعت	Demarcate; Peg	تعیین حدود کردن
Situate	تعیین محل کردن	Apportionment	تعیین حصه
Time Study	تعیین مدت لازم برای اجرای هر کار	Assessment of Duties and Taxes	تعیین حقوق و عوارض (ارزیابی)
Time Phasing	تعیین مراحل کار	Income Determination	تعیین درآمد
Wage Determination	تعیین مزد	Budget Ceiling	تعیین سطح بودجه
Location of Industry	تعیین مکان صنعت	Apportionment; Imputation	تعیین سهم
Mark (Marks, Marking, Markings)	تعیین نرخ	Gold Fixing	تعیین طلا
Fixing	تعیین نرخ ارز روی حد		همان تثبیت طلاست.
Priced Out of Market	تعیین نرخ غیر بازاری	Tax Levy	تعیین عواید مالیاتی
Long and Short Haul	تعیین نرخ کرایه نسبت به مسافت	Measurement Concept of Accounting	تعیین فعالیت اقتصادی
Coding	تعیین نشانه اختصاری	Antedate; Antedating	تعیین قبل از تاریخ
Market Orientation	تعیین وضع بازار	Appraisal; Price Determination; Price Fixing (or Stabilization)	تعیین قیمت
Wire Fate	تعیین وضع چک با تلفن	Barter	تعیین قیمت با کالا در مقابل تعیین قیمت با پول
Job Order Costing	تعیین هزینه سفارش کار	Versus Money Pricing	
Costing	تعیین هزینه عملیات	Zone Pricing	تعیین قیمت براساس ناحیه
Identification	تعیین هویت	Assessment	تعیین قیمت به منظور مالیات‌بندی

Net Change in Business Inventories	تغییر خالص در موجودی انبار بازرگانان و مؤسسات بازرگانی	Change; Movement; Shift; Switching; Variation	تغییر
Conjectural Variation	تغییر حدسی	Induced Changes	تغییرات القایی
Switch	تغییر خط	Induced Changes	تغییرات انگیخته
Capital Reversing	تغییر خط سرمایه	Conjectural Variations	تغییرات حدسی
Commuter	تغییر دادن	Changes of Supply	تغییرات عرضه
Change in Business Inventories	تغییر در ذخایر تجارتخانه	Recapitalization	تغییرات عمده در سهام و سرمایه
Change in Supply	تغییر در عرضه	Seasonal Fluctuations	تغییرات فصلی
Endogenous Change	تغییر درون‌زا	Technological Changes	تغییرات فنی
Endogenous Change	تغییر ذاتی	Price Movements	تغییرات قیمت
Change of Taste	تغییر ذوق و سلیقه	Tolerance	تغییرات کمتر یا بیشتر
Detrending	تغییر روند	Autonomous Shifts	تغییرات مستقل
Deflection of Trade	تغییر روند تجارت	Disorderly Movements	تغییرات نامنظم
		Social Change	تغییر اجتماعی
		Change in the Value of Money	تغییر ارزش پول
			تغییر قوه خرید پول است.
		Equivalent Variation	تغییر برابر
		Exogenous Change	تغییر برون‌زا
			تغییر در دستگاه از منشاء خارجی.
		Graduation	تغییر تدریجی
		Random Variation	تغییر تصادفی
		Holiday Variation	تغییر تعطیل
		Change in Demand; Shift in Demand	تغییر تقاضا
			این تغییر هنگامی روی می‌دهد که کالا یا خدمت به مقدار کمتر یا زیادتر بدون تغییر قیمت تقاضا شود.
		Compensating Variation	تغییر جبران‌کننده
			مقدار پولی که یک واحد اقتصادی مایل است برای دریافت سودی بپردازد.
		Compensated Price Change	تغییر جبرانی قیمت
		Back Haul	تغییر جهت کشتی یا بازگشت کشتی

Unassociation Variation	تغییر ناپیوسته	Market Transformation	تغییر شکل بازار
Associated Variation	تغییر وابسته	Refound	تغییر شکل دادن
Reverse	تغییر وارونه شمار سهام بدون تغییر	Big Bang	تغییر شگرف
Split	سرمایه اصلی		منظور تغییر عظیمی در آغاز تکوین و تغییرات مشابه مثلاً در سیتۀ لندن است.
Factor Reversals	تغییر وارونه (نسبتهای) عامل	Upward Movement of Stocks	تغییر صعودی سهام
Equivalent Variation	تغییر هم‌ارز همان اضافه پرداخت مصرف‌کننده است.	Brand Switching	تغییر علامت تجاری
Remainder	تفاضل	Cultural Change	تغییر فرهنگی
Difference	تفاوت	Seasonal Variation	تغییر فصلی (آمار)
Union/ Non-union Differential	تفاوت اتحادیه‌ای - غیر اتحادیه‌ای	Compensated Price Change	تغییر قیمت جبران‌شده
Gross Income Margin	تفاوت احتیاطی در آمد ناخالص		تغییر در ترکیب محصولات و تغییر جبرانی قیمت از آثار جانشینی است.
Debt Discount	تفاوت ارزش اسمی بدهی و اصل مبلغ	Efficiency Variance	تغییر کارآیی
Profit Margin	تفاوت بابت سود		جز تغییر در مواد اولیه و نیروی کار.
Yield Gap	تفاوت بازده	Codicil	تغییر کتبی وصیت
Port Differential	تفاوت بندر	Oscillate	تغییر کردن
Spread	تفاوت بهای خرید و فروش	Qualitative	تغییر کیفی سرمایه‌گذاری
Backwardation	تفاوت بهای نقد و نسیه کالا یا خسارت	Distortion of Investment	تغییر مالیات بر پایه سود و زیان شرکتها در سنوات مختلف
Slack for the Critical Path	تفاوت پیش‌بینی مسیر بحرانی	Tax Carry Back and Carry Over	
Inflationary Gap	تفاوت تورمی	Remedy; Tolerance	تغییر مجاز
Differential	تفاوت جزئی	Reswitching	تغییر مجدد (سرمایه‌گذاری)
True Difference	تفاوت حقیقی	Delocalization	تغییر محل دادن
Turn of the Market	تفاوت خرید و فروش	Insurance Age Change	تغییر مدت حق بیمه
Product Differentiation	تفاوت در محصول	Equivalent Variation	تغییر معادل
Foreign Exchange Penalty	تفاوت زیان آور نرخ ارز	Demand Shift	تغییر مکان تقاضا
Disagio	تفاوت سره	Capital Movement	تغییر مکان سرمایه
Profit Margin	تفاوت سود	Location of The Interest	تغییر منزل
Gross Profit Margin	تفاوت سود ناخالص	Change of Inventories	تغییر موجودی انبار
		Inventory Variation	تغییر موجودی بر حسب واحد پول

Sampling	تفاوت‌های توزیع نمونه‌برداری	Disagio	تفاوت صرف پول
Distribution Differences		Intensive Margin	تفاوت فشرده
Factor-price	تفاوت‌های جزئی قیمت عامل	Margin; Price Difference	تفاوت قیمت
Differentials		Refaction	تفاوت قیمت جنس بی‌عیب یا معیوب آن
Internal Wage	تفاوت‌های داخلی مزد	Exchange	تفاوت قیمت خرید و فروش ارز
Differentials		Premium	
	ارتباط میان سطوح متوسط فرد کارگر در مشاغل یکسان که زیر پوشش گروه‌های مختلف چانه‌زنی قرار دارند.	Mark Up	تفاوت قیمت فروش و هزینه تولید
Wage Differentials	تفاوت‌های دستمزد	Price-cost Margin	تفاوت قیمت - هزینه
Rational Wage	تفاوت‌های عقلایی دستمزد	Favourable Difference	تفاوت مثبت
Differentials		Product Differentiaton	تفاوت محصول
Industrial Wage	تفاوت‌های مزد در صنعت		ایجاد تفاوت میان محصولات یکسان از راه تغییرات ظاهری - روانی یا واقعی.
Differentials		Gross National	تفاوت محصول ناخالص ملی
Occupational Wage	تفاوت‌های مزد شغلی	Product Gap	
Differentials		Shift Differential	تفاوت مزد نوبت کار
Industrial Wage	تفاوت‌های مزد کارگری	Margin	تفاوت مزیت
Differentials		Favourable Difference	تفاوت مساعد
Regional Wage	تفاوت‌های منطقه‌ای دستمزد	Trading Difference	تفاوت معامله
Differentials		Back Spread	تفاوت منفی
Skill Differentials	تفاوت‌های مهارت	Head	تفاوت میان ارتفاع آب در پشت و در پایین سد
Non-equalizing	تفاوت‌های نابرابرگدان مردها	Margin	تفاوت نرخ
Wage Differentials		Wage	تفاوت نرخ اسمی مزد با درآمدهای حاصله از کار
Non-equalizing Wage	تفاوت‌های نابرابر مزد	Drift	
Differentials		Contribution	تفاوت نهایی سهم مشارکت
Price Dispersion	تفرق قیمت	Margin	
Clearing; Settlement; Deduction	تفریق	Contribution Margin	تفاوت نهایی سهمیه
Settlement of Budget; Budget	تفریق بودجه	Slack Any Path	تفاوت وقت
Audit		Equalizing Differences	تفاوت‌های برابرکننده
	حسابرسی عملیات بودجه دولت برای تشخیص میزان انطباق کارکردها با هدف‌های مورد پیش‌بینی.	International	تفاوت‌های بین‌المللی اندازه‌های بهره
Deduction	تفریق	Diffeentials of Interest Rates	
Interpretation	تفسیر	Equalizing Differences	تفاوت‌های تسویه

Applicant; Demandant; Postulatory	تقاضاکننده	Economic Interpretation of History	تفسیر اقتصادی تاریخ
Letter of Application	تقاضانامه یا نامه درخواست کار	Rule of Reason Demergerization	تفسیر قانونی تفکیک
Total Demand and Supply	تقاضا و عرضه کل	Market Segmentation	تفکیک بازار
Contingency Demand	تقاضای احتمالی	Spreading	تفکیک توزیع
Rival Demands	تقاضاهای رقیب	Specific Identification	تفکیک خریدها
Convenience Demand	تقاضای آسان	Verification	تفکیک عوامل
Initial Claim for Unemployment	تقاضای ابتدایی برای رفع بیکاری	Breakage Bulk Selector; Splitting	تفکیک قطعات محموله تفکیک کننده
Precautionary Demand	تقاضای احتیاطی	Break Bulk	تفکیک محصولات
Store of Value Demand	تقاضای ارزش اندوزی	Monetary Sovereignty	تفوق پولی
	در تقاضای پول به مناسبت خاصیت ارزش اندوزی.		حمایت از اقتصاد کشور در برابر پدیده‌هایی همچون انقباض و جز این.
Letter of Application	تقاضای استخدام	Empower	تفویض اختیار و قدرت کردن
Derived Demand	تقاضای اشتقاقی	Entrust	تفویض کردن
Excess Demand	تقاضای اضافی	Delegation	تفویض مسئولیت
	وضعی مبین افزونی تقاضا بر عرضه بازای قیمت معین.	Bilateralism	تقابل‌گرایی
Perfectly Elastic Demand (Or Supply)	تقاضا (یا عرضه) کاملاً باکشش		یا دوجانبه‌گرایی و آن تجارت خاص و قراردادهای پرداخت میان کشورها دو به دو.
Infinitely Inelastic Demand (or Supply)	تقاضا (یا عرضه) باکشش نامحدود	Symmetry Demand	تقارن تقاضا
			آن مقدار کالای اقتصادی که در یک زمان معین به قیمت معین خریداری می‌شود.
Magnified Demand	تقاضای اغراق آمیز	Store of Value Demand for Money	تقاضا برای پول به منظور ذخیره ارزش
Magnified Demand	تقاضای افزوده		تقاضا برای ذخیره ارزش
Excess Demand	تقاضای افزون	Store of Value Demand	تقاضای پول
	همان تقاضای اضافی است.		
Induced Demand	تقاضای القایی	Schedule Demand	تقاضا بر طبق طرح
Flexible Demand	تقاضای انعطاف پذیر	Demand versus Amount Demanded	تقاضا در برابر مقدار تقاضا شده
Deferred Demand	تقاضای انتقالی		
First Call	تقاضای اول	Misdirect Demand Demand	تقاضا در جهت غلط تقاضا کردن
	درخواست اول برای پرداخت قسط نخست مربوط به سهام پس از تقسیط.		

Competitive Demand	تقاضای رقابت آمیز	Initial Claim for	تقاضای اولیه برای رفع بیکاری
Competitive Demand	تقاضای رقابتی	Unemployment	
Excess Demand	تقاضای زاید	Market Demand	تقاضای بازار
Magnified Demand	تقاضای زیاده	Elastic Demand	تقاضای باکشش
Excess Demand	تقاضای زیادی	Potential Demand	تقاضای بالقوه
Speculative Demand	تقاضای سفته بازی	Potential Demand	تقاضای بالمده
Speculative Demand for Money	تقاضای سوداگرانه برای پول	Demand, Alternate	تقاضای بدل
Kinked Demand	تقاضای شکسته	Convenience Demand	تقاضای بی زحمت
Factor Demand	تقاضای عامل	Maximum Demand	تقاضای بیشینه
Alternate Demand	تقاضای عوض	Simultaneous	تقاضای بیشینه همزمان
Misdirect Demand	تقاضای غلط هدایت شده	Maximum Demand	
Indirect Demand	تقاضای غیرمستقیم	Inelastic Demand	تقاضای بی کشش
Notional Demand	تقاضای فرضی	Propose	تقاضای بیمه کردن
Derived Demand	تقاضای فرعی	Final Demand	تقاضای پایانی
Seasonal Demand for Cash	تقاضای فصلی پول نقد	Steady Demand	تقاضای پایدار و مداوم
Final Demand	تقاضای قطعی	Call; Demand for Payment	تقاضای پرداخت
Demand for Labour	تقاضای کار	Latent Demand	تقاضای پنهان
مقدار کاری که بنگاهها آماده اند برای دستمزد معین به کارگران عرضه بدارند.		Demand for Money	تقاضای پول
Elastic Demand	تقاضای کشش دار	Speculative Demand for Money	تقاضای پول سوداگری
Inelastic Demand	تقاضای کشش ناپذیر	Joint Demand	تقاضای پیوسته
Aggregate Demand; Total Demand	تقاضای کل	Joint Demand Goods	تقاضای پیوسته کالاها
کل تقاضا برای کالاها و خدمات در زمان معین و در اقتصاد است.		Assessment	تقاضای تأدیه
Aggregate Market Demand	تقاضای کل بازار	Replacement Demand	تقاضای تعویض
Actual Aggregate Demand	تقاضای کل بالفعل	Complementary Demand	تقاضای تکمیلی
Actual Aggregate Demand	تقاضای کل واقعی	Joint Demand	تقاضای توأم
Demand for Money	تقاضای مانده پول	Joint Demand Goods	تقاضای توأم کالاها
Balance		Demand for Inflation	تقاضای تورم
		Alternate Demand	تقاضای جانشین
		Alternate Demand	تقاضای جایگزین
		Replacement Demand	تقاضای جایگزینی
		Convenience Demand	تقاضای راحت

Deferred Demand	تقاضای مؤجل	Transaction Demand for Money	تقاضای مبادلاتی پول
Deferred Demand	تقاضای مؤخر		
Pent-up Demand	تقاضای مهار شده		آن بخش از تقاضای پول که برای داد و ستد در بازار مورد نیاز است.
Composite Demand	تقاضای نامتجانس	Alternate Demand	تقاضای متبادل
Downward-sloping Demand	تقاضای نزولی	Joint Demand	تقاضای متصل
Peak-period Labour Demand	تقاضای نیروی کار در دوره حد نصاب	Reciprocal Demand	تقاضای متقابل
Marshallian Cross	تقاطع عرضه و تقاضا	Schedule Demand	تقاضای مجموعه‌ای
Acceptance; Subscription	تقبل	Demand for Output	تقاضای محصول
Accept; Subscribe	تقبل کردن	Composite Demand	تقاضای مختلط
Priority; Seniority	تقدم	Composite Demand	تقاضای مرکب
Absolute Priority	تقدم مطلق		تقاضای برای محصولی که موارد استفاده مختلف دارد.
Propound	تقدیم کردن	Autonomous Demand	تقاضای مستقل
Approximation	تقریب	Demand, Joint; Joint Demand	تقاضای مشترک
Apportionment	تقسیم		
Apportion	تقسیم		تقاضا برای دو یا چند محصول که بنا بر ضرورت یا سلیقه باهم مصرف می‌شوند.
Departmentalization	تقسیم اداری	Derived Demand	تقاضای مشتقه
Territorial Division of Labour	تقسیم ارضی کار	Reservation Demand	تقاضای مشروط
Segmentation; Sharing the Market	تقسیم بازار	Transactions Demand	تقاضای معاملاتی
Objective Classification	تقسیم‌بندی عینی	Transactions Demand for Money	تقاضای معاملاتی پول
Proration	تقسیم به نسبت	Deferred Demand	تقاضای معوق
International Division of Labour	تقسیم بین‌المللی کار	Efficient Demand	تقاضای مکفی
	تقسیم کار در مقیاس جهانی برحسب تخصص است.	Complementary Demand	تقاضای مکمل
Risk-Spreading	تقسیم خطر احتمالی		تقاضا برای دو محصول که افزایش قیمت یکی همراه با کاهش تقاضا نسبت به محصول دیگر است.
Pooling of Risk	تقسیم خطر میان خود	Kinked Demand	تقاضای منکسر
Territorial Division of Labour	تقسیم داخلی کالا		همان تقاضای شکسته است.
Distribution of Income	تقسیم درآمد	Effective Demand; Efficient Demand	تقاضای مؤثر
	همان توزیع یا پخش درآمد است.		تقاضای کل نسبت به کالاها و خدمات همراه با قدرت پرداخت.

Price Reduction	تقلیل قیمت	Dichotomy	تقسیم دو ارزشی
Tax Cuts	تقلیل مالیات	A Distribution	تقسیم سود
Deflation	تقلیل میزان پول و اعتبارات	Stock Split	تقسیم سهام
Revaluation	تقویت پولی	Share Splitting	تقسیم سهم به اجزای کوچک
افزایش ارزش واحد پولی یک کشور نسبت به طلا یا ارزهای دیگر که به موافقت صندوق بین‌المللی پول رسیده است.		Tax Sharing	تقسیم عواید مالیاتی
Harden	تقویت شدن	Division of Labour	تقسیم کار
Refound	تقویت کردن	این تقسیم برحسب فن و قشربندی اجتماعی و جنسی انجام می‌گیرد.	
Estimation; Evaluation; Prize; Valuation	تقویم	Divider; Splitting	تقسیم‌کننده
Economic Appraisal	تقویم اقتصادی	Localization of Labor	تقسیم محلی کار
ارزیابی یا برآورد اقتصادی است.		Breakage Bulk	تقسیم محموله به قطعات
Job Rating (or Evaluation)	تقویم کار	Work-sharing	تقسیم مشاغل
Prizer	تقویم‌کننده	Regional Division of Labour	تقسیم منطقه‌ای کار
Tax Assessment	تقویم مالیاتی	Indivisibility	تقسیم ناپذیری
Sober Estimate	تقویم محتاطانه	ویژگی یک عامل تولید مانند سرمایه یا کالا که استفاده از آن در کمتر از مقدار معین امکان‌ناپذیر است.	
Inventory Valuation	تقویم موجودی	Indivisibilities	تقسیم ناپذیرها
Single Valued	تک‌ارزشی	یکی از خصوصیات عامل تولید یا کالایی است که از استعمال آن در سطحی پایین‌تر از سطح بیشینه جلوگیری می‌کند.	
Cover	تکافو کردن	Apportionment of the Expenses	تقسیم هزینه‌ها
Evolution	تکامل تدریجی	Counter Feiting; Fraud	تقلب
Product Development	تکامل محصول	Cheat; Fake	تقلب کردن
Management Development	تکامل مدیریت	Imitation	تقلید
Genetic	تکاملی	Infringement	تقلید (نشانه بازرگانی)
Oil Shock	تکان نفتی	Imitant	تقلیدی
ترقی ناگهان قیمت.		Wage Cuts	تقلیلات مزد
Monobank	تک بانک	Cut; Reduction	تقلیل
Single Equation	تک برآورد کننده معادله	Deflation	تقلیل اعتبارات و پول در گردش
Estimator		Reduce	تقلیل دادن
Single Standard	تک پایه		
نظام پولی مبتنی بر فقط یک پایه.			
Sole-saving	تک پس‌انداز		
Reproduce	تکثیر		

Cut Out	تلافی کردن (اصطلاح بورس)	Product Proliferation	تکثیر محصول
Keynesian Cross	تلاقی کینز	Recurrence; Repetition	تکرار
—	سطح تعادل درآمد ملی را در الگوی درآمد - مخارج کینز نشان می دهد.	Rate of Absences	تکرار غیبتها
Summary	تلخیص	Hard Sell	تکرار کار فروش فوق العاده
Waste	تلف	Tautology	تکرار مکررات
Actual Total Loss	تلف کامل واقعی	Duplication of Functions	تکرر عملیات
Consolidate	تلفیق کردن	Monoculture	تک زراعی
Merge	تلفیق و ترکیب	Single Factorial	تک عاملی
Synthetical	تلفیقی	Single Standard	تک فلزی
Herewith	تلاؤ	نظام پولی مبتنی بر تنها یک فلز مانند طلا.	
Tangency	تماس	Monometallism	تک فلزی گرایبی
Social Contact	تماس اجتماعی	Monoculture	تک کاشتی
Sterling	تمام عیار	Assignment	تکلیف
Capital Market	تمامیت بازار سرمایه	Social Function	تکلیف اجتماعی
Integration		Clause	تکلیف و تعهد
Price Differentiation	تمایز قیمت	Sole Ownership; Sole Proprietorship	تک مالکی
Product Differentiation	تمایز کالا	Monoculture	تک محصولی
Tendency; Trend	تمایل	یکی از مختصات کشورهای کم رشد است که هر یک عمدتاً تولیدکننده یک محصول اند.	
Optimism	تمایل به حسن تعبیر وقایع	Unitized Cargo; Unit Load	تک محموله
Economic Momentum	تمایل به کسب سرعت اقتصادی	Unimodal	تک نما
Marginal Propensity to Save	تمایل نهایی به پس انداز	Tocqueville, A. de	تُکویل
Transfer Stamp	تمبر انتقال	دانشمند فرانسوی طرفدار مکتب فروگراست.	
Ad Valorem Stamp	تمبر براساس قیمت	Creation	تکوین
Assurance Stamp	تمبر بیمه نامه	Genetic	تکوینی
National Savings Stamps	تمبر پس انداز ملی	Singular	تکین
Stamping Under Penalty	تمبر جریمه	Singularity	تکینی
Revenue Stamp	تمبر دریافتی	Job Hunting	تلاش در کاربایی
Revenue Stamp	تمبر مالیاتی	Critical Minimum Effort	تلاش ضروری کمینه
Proprietary Stamp	تمبر مالیاتی ویژه اجناس مخصوص	Request	تلاش مجدد
		Cutting Out; Reprisal	تلافی
		Retaliate	تلافی کردن

Acquisition; Appropriation; Re-entry	تملك	Trading Stamp Continuation	تمبر معامله تمدید
Possessionism	تملك‌گرایی	Extention	تمدید اعتبار و سایر اسناد تجاری
Repossess	تملك مجدد کردن	Extention; Renewal of a Bill	تمدید برات
Business Fluctuations	تموجات تجاری	Extrapolation	تمدید روند
	نوسانهای اقتصادی است.	Overextended	تمدید زاید
Agricultural Fluctuations	تموجات کشاورزی	Overextended	تمدید زیادی
Opulence; Wealth	تمول	Derogate From (در مورد قانون)	تمدید عملیات
Distinguish	تمیز دادن	Extention of Contract	تمدید قرارداد
Ton	تن	Roll-over	تمدید کردن
Proportion, The; Proportionality	تناسب	Giver of Stock	تمدیدکننده معامله
Income Effect	تناسب خرید با درآمد	Projection	تمدید گذشته به آینده
Paradox of Value	تناقض نمای ارزش	Give Rate	تمدید معامله به محاسبه و واریز بعدی (در بورس)
	آب یک ضرورت اساسی و کم‌ارزش است اما الماس کالای تجملی و گران‌قیمت.	Take in Stock	تمدید معامله و انتقال به تاریخ تسویه بعدی
Economic Paradoxes	تناقض نمای اقتصادی	Take-in, Taker	تمدید و انتقال
	مثلاً یک خرمن بزرگ ممکن است نسبت به یک خرمن کوچک درآمد کمتری به کشاورز عاید نسازد.	Extended	تمدید یافته
Paradox of Thrift	تناقض نمای امساک	Centralization; Concentration	تمرکز
	کوشش جامعه به افزایش پس‌انداز ممکن است به کاهش وجهی منتهی گردد که واقعاً بتوان پس‌انداز کرد.		سهام برتر اقلیتی معدود از بنگاهها در تولید، اشتغال و سرمایه در اقتصاد است.
Paradox of Thrift	تناقض نمای پس‌انداز	Centralization of Reserves	تمرکز اندوخته‌ها
	همان تناقض نمای امساک است.		نام مجموعه برنامه‌ها برای ایجاد مرکزی برای اندوخته‌های ارزی و طلا در یک سازمان بین‌المللی.
Invisible Hand Paradox	تناقض نمای نامرئی	Market Concentration	تمرکز بازار
	وجود دستهای نامرئی برای تنظیم خودبه‌خودی بازار.	Buyer Concentration	تمرکز خریدار
Growth-stock Paradox	تناقض نمای رشد - سهام	Localization of Industries	تمرکز صنایع
	چون میزان تنزیل جاری کمتر از اندازه ثابت رشد سالانه و مورد انتظار وجوه پرداختی بابت سود سهمی بنگاه است ارزیابی سهم میل به بی‌نهایت پیدا می‌کند.	Industrial Merger	تمرکز صنعتی
		Aggregate Concentration	تمرکز کلی
		Practice	تمرین
		Instrument	تمسک
		Cognovit Note	تمکین به دعوی
		Tax Compliance	تمکین مالیاتی

Factoring of Credit	تنزیل اعتبار	Scitowsky Paradox	تناقض نمای سیتاوسکی
Unearned Discount	تنزیل باد آورده	B	این تناقض نما از انتقال تخصیص A به تخصیص B ناشی می‌شود و بهبود پارتویی را نشان می‌دهد.
Bank Discount	تنزیل بانک		
Banker's Discount	تنزیل بانکی	«Gibson Paradox»	تناقض نمای گیبسون
Unearned Discount	تنزیل بدون استحقاق		یا باطل نمای گیبسون، بیشتر اوقات طی دوره طولانی، سطح قیمتها و سطح اندازه‌های بهره در یک جهت تغییر می‌کنند.
Discounting a Bill	تنزیل برات	Freight Ton	تن باربری (واحد بار)
Compound Interest	تنزیل بر تنزیل همان تنزیل مرکب است.	Long Ton	تن بزرگ
Bond, Discount	تنزیل برگه قرضه	Register Ton	تن ثبتی
Rebate on Bills Not Due	تنزیل پروات پیش از موعد	Imprest	تنخواه
Discounting	تنزیل به ارزش حال	Float; Imprest; Resolving Fund; Working Capital; Working Fund	تنخواه گردان
Tight Discount	تنزیل بی چانه		وجوه اختصاصی به مخارج جاری که حجم آن با وجود خرج از این محل ثابت می‌ماند.
Cash Discount	تنزیل پول نقد	Petty Cash; Petty Cash	تنخواه گردان جزئی
Discounting the News	تنزیل تأثیر اخبار	Float	
Functional Discount	تنزیل تبعی	Outgo	تندتر رفتن
Functional Discount; Trade Discount	تنزیل تجاری	Ton Mile	تن در میل
Arithmetical Discount	تنزیل حسابی	Register Ton	تن رسمی
Unearned Discount	تنزیل دوره‌های آینده	Decrement; Fall; Regress	تنزل
Unearned Discount	تنزیل زحمت نکشیده	Debasement; Falling off in Value; Forfeiture	تنزل ارزش
Chain Discount	تنزیل زنجیری	Exchange	تنزل ارزش پول خارجی
Simple Discount	تنزیل ساده	Depreciation	
Capitalization	تنزیل سرمایه	Depression; Economic Depression	تنزل اقتصادی
Sharing (a Note)	تنزیل سنگین	Falling Rate of Profit	تنزل اندازه سود
Invoice Discounting; Invoice Factoring	تنزیل سیاهه فروش	Reduce	تنزل دادن
Ordinary Discount	تنزیل عادی	Slump	تنزل شدید کردن
Discounted Cash Flow	تنزیل عواید آتی	Business Depression	تنزل فعالیت تجاری
Sharing (a Note)	تنزیل فاحش	Discount; Discounting	تنزیل
Discount Broker	تنزیل کار	Anticipation Rate	تنزیل اضافی
Functional Discount	تنزیل کارکردی		
Unearned Discount	تنزیل کارنکرده		

Public Utility Regulation	تنظیم مؤسسه عام‌المنفعه	Discount	تنزیل کردن
Rate Regulation	تنظیم نرخ	Rediscount	تنزیل مجدد
Short Ton	تن کوچک (سبک)		تنزیل اوراق و اسناد بهادار بازرگانی از سوی بانکهای تجاری نزد بانک مرکزی.
Geason	تنگسالی	Compound Discount	تنزیل مرکب
Bottleneck	تنگنا	Quantity Discount	تنزیل مقداری
Money Crunch	تنگنای پولی	Rediscount	تنزیل مکرر
Bear Squeeze	تنگنای شدید	Nonnegotiable	تنزیل نشدنی
Tenge, KZT	تنگه، واحد پول قزاقستان	Block Discourting	تنزیل یکجا
Geason; Squeeze	تنگی	Tight Discount	تنزیل یک کلام
Credit Crunch	تنگی اعتبار	Long Ton	تن سنگین
Diversity	تنوع	Tension	تنش
Diversifier	تنوع بخش	Labour Troubles	تنشهای کارگری
Diversifier	تنوع پرداز	Organization; Regulation	تنظیم
Portfolio Diversification	تنوع دارایی اسنادی	Stevedore	تنظیم بارگیری کشتی
Diversity of Product	تنوع محصول	Interest Gearing	تنظیم بهره
	تولید محصول جدید بدون قطع جریان تولید محصولات پیشین از سوی بنگاه.	Tabulation	تنظیم به صورت جدول
Acknod Acknowledgment	تنها	Reverse Arbitrage	تنظیم پولی وارونه
Monopsonist	تنها خریدار یک کالا	Square (Account)	تنظیم حساب
Schooling Functions	توابع آموزشی	Family Planning	تنظیم خانواده
Homogeneous Function	توابع متجانس	«Corset»; Fine Tuning	تنظیم دقیق
Reaction Functions	توابع واکنش	Equalizing	تنظیم زمان پرداخت سود سهام
Hyperbolic Functions	توابع هذلولی	Dividend	
Frequency; Succession	تواتر	Accounting	تنظیم شیوه‌های حسابداری ساخت
Succession	توارث	System Design	
Primogeniture	توارث بر پایه نخست زادگی	Billing	تنظیم صورت حساب
Successive	توارثی	Ranking of Projects	تنظیم طرحها
Balance	توازن	Price Regulation	تنظیم قیمت
Static Balance	توازن ایستا	Banks' Regulation	تنظیم کار بانکها
Automatic Balance	توازن خود به خود	Regulate	تنظیم کردن
Automatic Balance	توازن خودکار	Regulator	تنظیم کننده
Break-even Point	توازن دریافتی	Bank Rate of Discount	تنظیم کننده بانک

Entrepreneurial Ability	توانایی کارآفرینی	Accord; Agreement (Agreeing);	توافقی
Responsibility	توانایی مسئولیت‌پذیری	Conciliation; Conformity; Consistency	
Economic Rehabilitation	توان بخشی اقتصادی	Repurchase Agreement	توافق بازخرید
Purchasing Power	توان خرید	Collective Bargaining	توافق جمعی
Credit Scoring	توان سنجی اعتبار	Arbitration Bond	توافق داوری
Labour-power	توان عامل کار	Resale Price	توافق دربارهٔ حفظ قیمت
Opulent	توانگر	Maintenance Agreement	
Opulence	توانگری	Mutual Agreement	توافق دوجانبه
Capability	توانمندی	Preferential Arrangement	توافق رجحانی
Power Efficiency	توان نسبی	Gentlemen's Agreement	توافق شفاهی
Care!	توجه	Composition of Creditors	توافق طلبکاران برای تصفیهٔ دیون
Job Lot	توده‌های اشیاء متفرقه	Hand-shaker	توافق‌کننده با معامله
Consignation	تودیع	Preliminary Agreement	توافق مقدماتی
Bias	تورش		همان قولنامه است.
	بیش‌نمایی یا کم‌نمایی ارزشهای واقعی یک مجموعه از راه پیش‌بینی‌های نمونه‌ای.	Harmony of Interests	توافق منافع
Turgot, Anne (۱۷۸۱-۱۷۲۷)	تورگو، روبر ژاک	Contract Note	توافق‌نامه
Robert Jacques		Compromise	توافق و تسلیم
	اقتصاددان فرانسوی که دربارهٔ مفاهیم تقسیم کار بهره‌وری و رقابت بحث کرده است.	Overnight	توافقی‌های باز خرید یک‌شبهه
Inflation	تورم	Repurchase Agreements	
	فراگرد افزایش همه‌جانبه و پیوستهٔ قیمت‌های پولی کالاها و خدمات در یک کشور است.	Reciprocal	توافقی‌های متقابل استقراری
Open Inflation	تورم آشکار	Currency Agreements	
Mark-up	تورم از افزایش بی‌تناسب هزینه‌ها	Reciprocal Currency	توافقی‌های متقابل پولی
Price Inflation		Agreements	
Demand-push Inflation	تورم از افزایش تقاضا	Sequence; Succession	توالی
Demand-shift Inflation	تورم از انتقال تقاضا	Subroutine	توالی دستور
Mark-up Price	تورم از بالایی قیمت فروش	Capacity; Power	توان
Inflation		Power of Test	توان آزمون
Excess-demand	تورم از تقاضای افراطی	Economic Power	توان اقتصادی
Inflation		Capability	توانایی
Bottleneck Inflation	تورم از تنگنای عوامل	Financial Status	توانایی پرداخت
		Solvency	توانایی پرداخت دین
		Responsibility	توانایی در پذیرش مسئولیت

Cumulative Inflation	تورم خودافزا	Excess-demand Inflation	تورم از زیادتی تقاضا
Validated Inflation	تورم رسمی	Credit Inflation	تورم اعتبار
	ناشی از افزایش معین عرضه پول از سوی دولت.	Runaway Inflation	تورم افسارگسیخته
Slump Inflation; Stagflation	تورم رکودی	Cumulative Inflation	تورم انباشته
Disinflation	تورم زدایی	Cumulative Inflation	تورم انباشتی
	فراگرد کاهش یا زدایش تورم.	Predicted Inflation	تورم انتظاری
Double Deflation	تورم زدایی مضاعف	Demand-shift Inflation	تورم انتقال تقاضا
Structural Inflation	تورم ساختاری		ترکیب فشار تقاضا و فشار هزینه و تغییر ساختار تقاضای کل به عنوان علت تورم.
	افزایش قیمت‌ها به علت وجود تقاضای اضافی نسبت به برخی از کالاها و خدمات اساسی، حتی هنگامی که تقاضای کل در مجموع بر عرضه کل فزونی نداشته باشد.	Open Inflation	تورم باز
Repressed Inflation;	تورم سرکوب شده	Suppressed Inflation	تورم بازایستاده
Suppressed Inflation		Sectoral Inflation	تورم بخشی
Repressed Inflation;	تورم سرکوفته	Runaway Inflation	تورم بی‌بندوبار
Suppressed Inflation		Hidden Inflation	تورم پنهان
Galloping Inflation	تورم سواره		عرضه کمتر کالا با کیفیتی پایین‌تر و قیمتی ثابت.
	تورم تازنده و شتابنده قیمت‌ها مترادف است با تورم شتابان، شتابزده، شتاب یافته، افسارگسیخته و شدید و آن افزایش فزاینده قیمت‌هاست.	Monetary Inflation	تورم پولی
Accelerating Inflation	تورم شتابان	Anticipated Inflation	تورم پیش‌بینی شده
Accelerated Inflation	تورم شتابزده	Unanticipated Inflation;	تورم پیش‌بینی نشده
Accelerated Inflation	تورم شتاب یافته	Unexpected Inflation	
Galloping Inflation;	تورم شدید	Unpredicted Inflation	تورم پیشگویی نشده
Hyperinflation; Raging inflation		Galloping Inflation; Raging Inflation; Runaway Inflation	تورم تازنده
Demand for Inflation	تورم طلبی	Bottleneck Inflation	تورم تنگنایی
	تورمی که برخی از قدرتمندان اجتماعی و اقتصادی یک جامعه برای سودجویی‌های کلان طالب آنند.	New Inflation	تورم تازه
Open Inflation	تورم علنی	New Inflation	تورم جدید
	همان تورم آشکار است.	Hyperinflation	تورم حاد
Unexpected Inflation	تورم غیرمنتظره		همان تورم تازنده یا آبرتورم است.
		True Inflation	تورم حقیقی
		Buyer's Inflation	تورم خریدار
		Creeping Inflation; Hidden Inflation	تورم خزنده
			تورمی آرام و پیوسته ناشی از افزایش تقاضای کل و عوامل دیگر.

Mark-up Price Inflation	تورم ناشی از بالایی قیمت	Sellers' Inflation	تورم فروش
Excess-Demand Inflation	تورم ناشی از تقاضای اضافی	Repressed Inflation; Suppressed Inflation	تورم فرونشسته
Bottleneck Inflation	تورم ناشی از تنگنای عوامل تولید	Demand-push Inflation	تورم فشار تقاضا
Demand-pull Inflation	تورم ناشی از فشار تقاضا	Demand-push Inflation	تورم ناشی از فشار تقاضای کل بر عرضه کل جریان کالاها و خدمات که در اقتصاد تولید می‌شود.
Profit-push Inflation	تورم ناشی از فشار سود	Tax-push Inflation	تورم فشار مالیاتی
Administered-price Inflation	تورم (ناشی از) قیمت اداره شده	Profit-push Inflation	تورم فشار سود
Cost-induced Inflation	تورم ناشی از هزینه		سود جزئی از هزینه است که می‌تواند علت تورم شود.
Unvalidated Inflation	تورم نامعتبر	Price-push Inflation	تورم فشار قیمت
Hidden Inflation	تورم نهانی		همانند تورم فشار هزینه از سوی سرمایه‌داران و بنگاههای تولیدکننده و فروشندگان است.
Import Inflation; Imported Inflation	تورم وارداتی	Wage-push Inflation	تورم فشار مزد
Imported Inflation	تورم وارده	Cost-push Inflation	تورم فشار هزینه‌ای
Actual Inflation	تورم واقعی		تورم ناشی از فشار هزینه عوامل تولید است.
Cost-induced Inflation; Cost-inflation	تورم هزینه‌ای	Validated Inflation	تورم قانونی
Cost Inflation	تورم هزینه تمام شده		تورم ناشی از فشار هزینه عوامل تولید است.
Inflationary Distribution	توزیع تورمی	Pure Price Inflation	تورم قیمت خالص
Stationary-in-time	توزیع آماری فاقد گرایش	Price Inflation	تورم قیمت‌ها
Probability Distribution	توزیع احتمال	Differential Inflation	تورم متفاوت
Initial Distribution of Wealth	توزیع اولیه ثروت	Suppressed Inflation	تورم متوقف
Distributed Lags	توزیع با فاصله زمانی	Validated Inflation	تورم مجاز
Proration	توزیع بر حسب مدت یا نسبت معین	Wage Inflation	تورم مزدی
Frequency Distribution; Sampling Distribution	توزیع بسامد		تورم ناشی از فشار دستمزدهاست.
Percentage Distribution	توزیع به صورت درصد	Chronic Inflation	تورم مزمن
Optimal Distribution	توزیع بهینه	Suppressed Inflation	تورم منکوب
			یا تورم مهار و سرکوب شده یا سرکوفته، تورمی است که بر اثر وجود شرایط مساعد در اقتصاد پدید آمده و از شدت آن جلوگیری شده است.
		Expected Inflation	تورم مورد انتظار
			تورم مورد پیش‌بینی است.
		Predicted Inflation	تورم مورد پیشگویی

Percentage Distribution	توزیع درصدی	Pareto Distribution	توزیع پارتو
Macro-distribution	توزیع در مقیاس کلان	Distributivity	توزیع پذیری
Secondary Distribution	توزیع دست دوم	Posterior Distribution	توزیع پسین
Binomial Distribution	توزیع دو جمله‌ای	Poisson Distribution	توزیع پواسن
Normal Bi-variate Distribution	توزیع دو متغیری طبیعی	Complementary Distribution	توزیع تکمیلی
Decile	توزیع دهگانه	Chi-square Distribution	توزیع توان دوم فی
Posterior Distribution	توزیع دیرتر		با توزیع توان دوم کای یک توزیع احتمالی با m پارامتر یعنی m درجه آزادی است و در اقتصادسنجی بکار می‌رود.
Temporal Distribution	توزیع زمانی	T-distribution	توزیع تی
Age Distribution	توزیع سنی		این توزیع زنگدیس یا زنگی و یا ناقوسی شکل است با میانگین صفر، پراکندگی پیرامون میانگین به درجه‌های آزادی نشان‌دهنده اندازه نمونه بستگی دارد.
Age Distribution Capital Allotment	توزیع سنی سرمایه	Secondary Distribution	توزیع ثانوی
Personal Distribution	توزیع سهام	Population Distribution	توزیع جامعه آماری
Personal Distribution	توزیع شخصی	Partial Distribution	توزیع جزئی
Personal Distribution Income	توزیع شخصی در آمد	Population Distribution	توزیع جمعیت
Distrbutional Equity	توزیع عادلانه	Skewed Distribution	توزیع چوله
	رعایت انصاف، عدالت و مساوات در توزیع درآمد میان افراد یک کشور.		توزیعی که نسبت به میانگین خود متقارن نیست.
Normal Distribution	توزیع عادی	Chi-square Distribution	توزیع خی به توان دو
Normal and Skew Distribution	توزیع عادی و چولگی		توزیع احتمال با پارامتر m (درجه آزادی) است.
Normal and Skew Distribution	توزیع عادی و ناهنجار	Chi-square Distribution	توزیع خی دو
Frequency Distribution	توزیع فراوانی	Distribution of Income;	توزیع درآمد
	جدول یا نموداری نشان‌دهنده طرز توزیع گروهی عناصر بر حسب صفت خاص و قابل اندازه‌گیری است.	Income Distribution	توزیع درآمد میان اهالی یک کشور است.
Cumulative Frequency Distribution	توزیع فراوانی تراکمی	Functional	توزیع درآمد بر حسب کارکرد
Secondary Distribution	توزیع فرعی	Distribution of Income	توزیع درآمد
Ex Allotment (of New Shares)	توزیع قبلی	Appropriation	توزیع درآمد خالص به حسابهای مختلف
Functional	توزیع کارکردی درآمد	Personal Distribution	توزیع درآمد فردی
Distribution of Income		Distribution of National Income	توزیع درآمد ملی

Joint Probability Distributions	توزیعیهای مشترک احتمالات	Physical Distribution	توزیع کالایی
Apportionment of the Expenses	توزیع هزینه‌ها	Apportion; Distribute; Parcel Out; Spread	توزیع کردن
Yule Distribution	توزیع یول	Give-out Order	توزیع کردن سفارش (در بورس)
Development	توسعه	Macro-distribution	توزیع کلان
Expansionary of Credit	توسعه اعتبار	Marginal Distribution	توزیع کناری
Over Banking	توسعه افراطی شمار بانکها	Distributor Discount	توزیع کنندگان
Horizontal Expansion	توسعه افقی	Distributor	توزیع کننده
Economic Development	توسعه اقتصادی	Physical Distribution	توزیع مادی
	فراگرد رشد اقتصادی با هدف تغییرات کیفی و ساختاری.	Functional Distribution	توزیع مبتنی بر عوامل تولید
Balanced Economic Development	توسعه اقتصادی متوازن	Asymtotic Distribution	توزیع مجانب‌واری
	توسعه همزمان و هماهنگ همه بخشهای اقتصادی.	Asymtotic Distribution	توزیع مجانبی
Banking Development	توسعه بانکداری	Redeployment; Redistribution	توزیع مجدد
Banking Development	توسعه بانکداری و اصل اندوخته برابر با		فراگرد تغییر توزیع موجود درآمد، ثروت و جز اینها در جامعه است.
Development and Fractional Reserve Principle	قسمتی از تعهدات	Pareto-optimal Redistribution	توزیع مجدد بهینه پارتویی
	توسعه بانکداری و اصل اندوخته جزئی		انتقال درآمد یا ثروت از فردی به فرد دیگر به گونه‌ای که مطلوبیت هر دو افزایش یابد.
Banking Development and Fractional Reserve Principle		In-kind Redistribution	توزیع مجدد جنسی
Expansion of Firm	توسعه بنگاه اقتصادی	Income Redistribution; Re-distribution of Income	توزیع مجدد درآمد
Productivity Growth	توسعه بهره‌وری (فراوری) تولید در		تغییر در میزان کل درآمدی که یکی از گروههای مشخص مصرف کرده است.
Monetary Expansion	توسعه پولی	Redistribute	توزیع مجدد کردن
Deposit Development	توسعه حساب سپرده	Prior Distribution	توزیع مقدم
Economic Imperialism	توسعه جویی اقتصادی	Equitable Distribution of Income	توزیع منصفانه درآمد
Promote	توسعه دهنده فروش همان تبلیغ کننده است.		
Export Promotion	توسعه صادرات	Spatial Distribution of Consumers	توزیع منطقه‌ای مصرف‌کنندگان
	تشویق صادرات از راه بهبود کیفیت و افزایش رقابت‌پذیری و ورود به بازارهای جدید.	Marginal Distribution	توزیع نهایی

Trust; Voting Trust	توکیل رأی	Business-cycle Expansion	توسعه کار و کسب
Tolar, SLT	تولار، واحد پول اسلوونی	Management Development	توسعه مدیریت
Processing; Production	تولید		توسعه ناهماهنگ بخشهای اقتصادی.
Domestics	تولیدات داخلی	Capital-expenditure	توسعه هزینه سرمایه‌ای
One-off Production	تولید اختصاصی	Expansion	
Primary Production	تولید اصلی	Underdevelopment	توسعه نیافتگی
Overproduction	تولید افراطی	Widening of Capital	توسعه یابی سرمایه
Large Scale Production; Mass Production	تولید انبوه	Appeal to Arbitration	توسل به داوری
		Recourse	توسل به ضامن برای وصول
کاربرد روشهای فنی پیشرفته برای ساخت محصولات عظیم و کثیر.		Ship's Stores	توشه کشتی
Batch Production	تولید انبوه یک نوع محصول	Advise	توصیه کردن
Monopoly Output	تولید انحصار	Account of Proceeding (Report)	توضیح
Primary Production	تولید اولیه	Monetary	توضیح پولی ادوار اقتصادی
Roundabout Production	تولید با روش غیرمستقیم	Explanation of Cycles	
		Survey	توضیح خلاصه و جامع
Roundabout Production	تولید با کارآیی بیشتر	Explicative	توضیحی
Potential Output	تولید بالقوه	Depreciation	توفیر فرسودگی
Production for Use	تولید برای استعمال	Undercharge	توفیر قیمت‌گذاری
Production for Use	تولید برای استفاده	Apio	توفیر کسر پول
Production for Use	تولید برای مصرف	Tugrik, Tug	توقریک، واحد پول مغولستان
Home Produce	تولید بومی	Requirement	توقف
One-off Production	تولید به سفارش	Stoppage	توقف
Capitalistic Production	تولید به گونه سرمایه‌داری	Stoppage in Transit	توقف در انتقال حقوق
		Rights	
Overproduce	تولید به مقدار زیاد	Cutting Limit Order	توقف سفارش
Large Scale Production	تولید به مقیاس بزرگ	Suspend Trading	توقف فعالیت تجاری
Direct Production	تولید بی واسطه	Price Stop	توقف قیمت
Cash Generation	تولید پول نقد	Custody; Sequestration	توقیف
Joint Production	تولید پیوسته	Embargo	توقیف کشتی در بندر
Co-operative Production	تولید تعاونی	Took, Thomas	توک، تامس (۱۷۷۴-۱۸۵۸)
Secondary Production	تولید ثانوی		اقتصاددان انگلیسی که عقیده داشته است که علت نوسانات اقتصادی بیشتر در شرایط عرضه است تا تقاضا.

M.F.R.	تولیدکننده	Current Output; Flow Production	تولید جاری
	نشانه اختصاری Manufacturer است.		
Captive Producer	تولیدکننده مقید	Geason; Small-scale Production	تولید جزئی
Marginal Manufacturer; Marginal Producer	تولیدکننده نهایی	Peak Output	تولید حد نصاب
Captive Producer	تولیدکننده وابسته	Domestic Production	تولید داخلی
Runaway Production	تولید کوچنده	Generation of Income	تولید درآمدها
Group Production	تولید گروهی	Flow Production	تولید در جریان
Joint Production	تولید متصل	Small-scale Production	تولید در مقیاس کوچک
Modular Production	تولید متغیر	Batch Production	تولید دسته‌ای مواد
Direct Production	تولید مستقیم	Flow-line Production	تولید روی خط تولید
Joint Production	تولید مشترک	Overproduction	تولید زاید
Disproduction	تولید منفی	Conveyor Belt Production	تولید زنجیره‌ای
Batch Production	تولید مواد به صورت دسته	Line Production	تولید زنجیری
Under-production	تولید نابسند	One-off Production	تولید سفارشی
Geason	تولید نادر و جزئی	Generate	تولید شدن
Modular Production	تولید واحدی	Capitalistic Production; Indirect Production; Roundabout Production	تولید غیرمستقیم
Producing; Productory	تولیدی		
Thünen, (۱۷۸۳-۱۸۵۰)	تونن، یوهان هنریخ	Flow Production	تولید فراوان
Juhann Heinrich Von		Modular Production	تولید قطعه‌ای
	اقتصاددان آلمانی صاحب‌نظر در مسائل کشاورزی.	Labour-intensive Production	تولید کاربر
Money Illusion	توهم پولی	Job Production	تولید کارمزدی
	تخمین روانی پول بدون توجه به قدرت خرید.	Manufacturing	تولید کالا
Fiscal Illusion	توهم مالی	Mass Production	تولید کثیر
	حالتی است که در آن مزایای خاص دولت به روشنی با منابع دریافت‌کنندگان یکی انگاشته شده‌اند اما هزینه‌های طی زمان در مقیاس وسیع میان نفوس بخش نگردیده‌اند.	Generate; Manufacture; Outwork	تولید کردن
Wage Illusion	توهم مزدی	Home Produce	تولید کشور
Barter; Clearing; Counter Purchase; Truck, Barter and Exchange	تهاتر	Aggregate Output	تولید کل
		Small-scale Production	تولید کم
Market Clearing	تهاتر بازار	Original Producers	تولیدکنندگان اصلی
General Clearing	تهاتر عمومی	Generator; Manufacturer; Producer; Producing	تولیدکننده

Striking a Balance	تهیه یک موازنه	Re-Exchange	تهاتر مجدد
Tical, TC	تیکال	Receipt Counterfoil	ته برگ رسید
	همان بات، واحد پول تایلند است.	Counterfoil	ته چک
Taylor, F.M.	تیلر، ف. م.	Damnum Infectum	تهدید به خسارت
	این اقتصاددان امریکایی عقیده دارد که اگر اطلاعات کامل درباره بازار در اختیار باشد نظریه اقتصادی توضیح دهنده تشکیل قیمتها و توزیع منابع اولیه میان کالاهای مختلف در نظام رقابتی سرمایه‌داری می‌تواند در این زمینه‌ها در اقتصادهای فرمایشی نیز معتبر باشد و به کار رود.	Dollar Overhang	تهدید دلار
Taylorism	تیلریزم	Lag	تهمانده
	فرانک د. ج. تیلر، پیشاهنگ تحقیق در روش مدیریت علمی و فنی است. اصطلاحی برای گزینش روش مدیریت علمی و کارایی نیروی کار در درون واحد تولیدی.	Indigent	تهیدست
Tinbergen, Jan	تین برخن، یان (۱۹۰۳ - ...)	Preparation; Procurement; Provision	تهیه
	اقتصاددان هلندی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۶۹ در اقتصاد.	Catch-penny	تهیه‌شده برای پول درآوردن
Manor	تیول	Opifce	تهیه کاری با زحمت
Tax Farming	تیولرداری	Finance	تهیه کردن سرمایه
		Dealer; Supplier	تهیه کننده
		Programmer	تهیه کننده برنامه
		Report Generation	تهیه گزارش
		Preparation	تهیه مقدمات
		Debt Finance	تهیه منابع پرداخت بدهی
		Equity Financing	تهیه منابع مالی با فروش سهام
		Stocking	تهیه موجودی
		Fund	تهیه وجه کردن
		Striking a Balance	تهیه یک تراز



Stability of Supply	ثبات عرضه	Standing	ثابت
Global Stability	ثبات فراگیر		معانی وضع، اعتبار، شهرت، دایمی و عمومی را نیز می‌رساند.
Consistency	ثبات قدم	Ceteris Paribus	ثابت بودن سایر شرایط
Price Stability	ثبات قیمت		اصطلاح لاتین برای این مفهوم است.
Stability of Prices	ثبات قیمتها	Parametric Constant	ثابت پارامتری
Wage Stability	ثبات مزد	Stationary-in-time	ثابت در زمان
Stabilization and Growth Planning Models	ثبات و الگوهای برنامه‌ریزی رشد	Improve	ثابت شدن
Entry	ثبت	Prove	ثابت کردن
Opening Entry	ثبت آغاز	Peg	ثابت نگاه داشتن
Cadastre	ثبت اراضی	Wage	ثابت نگاه داشتن دستمزدها برای مدت معین
Bond Register	ثبت اوراق قرضه	Freeze	انجماد مزد
Original Entry;	ثبت اولیه	Stability; Steadiness	ثبات
Prime Entry			اقتصاد بدون انقباض یا تورم آشکار بر اثر کاربرد شیوه‌های پولی و مالی مناسب.
Spread	ثبت با جزییات	Economic Stabilization	ثبات اقتصاد
Opening Entry	ثبت باز کردن حسابها	Static Stability	ثبات ایستا
Blind Entry	ثبت بدون توضیح	Stability of Demand	ثبات تقاضا
Reserving Entry	ثبت برگشت دادن	Bearing	ثبات در ارزش (در بورس)
Post Entry	ثبت بعدی	Consistency	ثبات رویه
ارقام در دفتر محاسبه بعد از تاریخ وقوع معامله.		Organizational Stability	ثبات سازمانی

Re-entry	ثبت مجدد	Compound Entry	ثبت ترکیبی اقلام (در حسابداری)
Amount Entered	ثبت مجدد رقم	Compound Journal	ثبت ترکیبی روزانه
Twice		Entry	
Enter	ثبت معاملات در دفاتر	Journal Entry	ثبت حسابداری اقلام
Book	ثبت معامله	Pay	ثبت حقوق پرداختی در حسابهای مربوطه
Registration of Business	ثبت نام تجاری	Roll Distribution	
Name		Summarizing Entry	ثبت خلاصه
Enter	ثبت نمودن	Entry	ثبت در دفتر
Post	ثبت و نقل کردن ارقام	Open	ثبت در دفتر کل
Transfer Entries	ثبتهای انتقالی	the Books	بازای اقلام دفتر روزنامه
Sales Records	ثبتهای مربوط به فروش	Book	ثبت در دفتر نمودن
Book an Order	ثبت یک سفارش	Journalize	ثبت در روزنامه
Fortune; Havings; Possession; Wealth	ثروت	Quotation in The List	ثبت در صورت مظنه
	هر آن چه ارزش یا مطلوبیت دارد.	Debit	ثبت در طرف چپ یک حساب
Social Wealth	ثروت اجتماعی	Post	ثبت دفتر کل از دفتر روزنامه
Graft a Fortune	ثروت از ساخت و پاخت	Ledger Asset	ثبت دفتر کل دارایی
Graft a Fortune	ثروت از سخت کوشی	Record	ثبت دفتر نمودن
Economic Wealth	ثروت اقتصادی	Book Entry	ثبت دفتری
	ذخیره کالاهای موجود در زمان معین دارای مطلوبیت و ارزش پولی و محدودیت عرضه و نیز امکان انتقال مالکیت آن.	Noting a Bill	ثبت رسمی وخواست برات
Pot of Gold	ثروت زیاد باد آورده	Journal Entry	ثبت روزنامه
Man-made Wealth	ثروت ساخت بشر	Import Order Registration	ثبت سفارش
Independent Income; Personal Wealth	ثروت شخصی	Bond Register	ثبت سند قرضه
		Posted; Regd	ثبت شده
Plutology	ثروت شناسی		نشانه اختصاری Registered است.
	اقتصادیات علمی است.	Registration of Companies	ثبت شرکتها
Wealth of Nations	ثروت ملل	Trade Marks Registry	ثبت علائم تجاری
	سرعنوان کتاب آدام اسمیت است.	Freight Bookings	ثبت کرایه
National Wealth	ثروت ملی	Carry; Record; Register	ثبت کردن
	مجموع ارزش پولی تمام اموال اقتصادی که در زمان معین در تصرف افراد یک ملت است.	Ledger Transfer	ثبت کسور
		Closing Entry	ثبت متعادل کننده
		Contra Entry; Cross-entry	ثبت متقابل

«C.G.T.»	ث. ژ. ت.	Prosper	ثروتمند شدن
اتحادیه عمومی کار در فرانسه و نشانه اختصاری		Tycoon	ثروتمند متنفذ
Confédération Générale du Travail		Economic Royalist	ثروتمند مغرور
	است.	Opulence	ثروتمندی
		Real Wealth	ثروت واقعی



Duffer	جاذن	Launch	جا انداختن کالا در بازار
Industrial Inertia	جاستگینی صنعتی		عرضه کالای جدید است.
Forger	جاعل	On The Spot	جابه جا
	جعل کننده اسناد و مدارک.	Commute	جابه جاشدن
Direct Placement	جاگذاری مستقیم سرمایه	Commute; Delocalization	جابه جا کردن
Integral; Population; Society	جامعه	Handling; Permutation;	جابه جایی
	نشانه اختصاری آن Soc است.	Redeployment; Shift; Shifting; Spin-off	
Collectivistic Society	جامعه اشتراکی	Shifting of Demand	جابه جایی تقاضا
Economic Community	جامعه اقتصادی	Shift in Demand (Supply)	جابه جایی تقاضا (عرضه)
	اتحادیه اقتصادی متشکل از چند کشور با هدف	Industrial Migration	جابه جایی صنعت
	اتحاد گمرکی، وحدت پولی و آزادی انتقال عوامل تولید.		انتقال صنعت از یک جا به جای دیگر زیر تأثیر انگیزه های گوناگون.
Common Market	جامعه اقتصادی اروپا	Labour Turnover	جابه جایی کارکنان
	گسترش همه جانبه بازار مشترک و تبدیل آن به این	Handling of Goods	جابه جایی کالا
	جامعه متشکل از کشورهای اروپای غربی با هدف	Double Switching	جابه جایی مضاعف
	مشترک وحدت پولی و اقتصادی و آزادی جریان سرمایه و نیروی کار و دیگر مقاصد اجتماعی و سیاسی.	Material Handling	جابه جایی مواد
E.E.C.	جامعه اقتصادی اروپا	Shifting of Cost	جابه جایی هزینه
European Economic Community	نشانه اختصاری Community است.	Outcry	جار
		Outcrier	جارچی
		Fake	جاذدن (در تراز حسابها)

Sociation	جامعه زیستی	Economic	جامعه اقتصادی دولتهای افریقای شرقی
Socius	جامعه سازی	Community of West African States	
Traditional Society	جامعه سنتی		متشکل از کشورهای این منطقه برای حذف موانع تجاری میان خودشان.
Sociometrics	جامعه سنجی	Accumulating Society	جامعه انباشت کننده
Sociology	جامعه شناخت	Accumulating Society	جامعه انباشت گر
Sociology	جامعه شناسی	European Atomic	جامعه انرژی اتمی اروپا
Industrial Society	جامعه صنعتی	Energy Community	
Affluent Society	جامعه فراوانی	Euratom	جامعه انرژی اروپا
	همان جامعه دولتمند و وفور است.	European Atomic Energy	نشانه اختصاری
Universe	جامعه کل	Community	است.
Socialism	جامعه گرایی	Traditional Society	جامعه باستانی
Finite Population	جامعه محدود (آمار)	Mature Society	جامعه بالغ
Management Association	جامعه مدیران	Cashless/	جامعه بدون پول نقد/ بدون چک
Common Wealth	جامعه مشترک المنافع	Checkless Society	
Consumer Society	جامعه مصرف	Sociability	جامعه پذیری
Consumer Society	جامعه مصرف کننده	Affluent Society	جامعه پربرکت
League of Nations	جامعه ملل	Atomistic Society	جامعه تصدیهای کوچک
Target Population	جامعه مورد بررسی	Opulence Society	جامعه توانگری
Infinite Population	جامعه نامحدود	Sociality	جامعه جویی
Indefinite Integral	جامعه نامعین	Affluent Society	جامعه دولتمند
Less Chash/	جامعه نقد کمتر / چک کمتر		جامعه ای که بیشتر اعضای آن از فراوانی مادیات برخوردار هستند.
Less-cheque Society		Bivariate Population	جامعه دو متغیره
Caribbean	جامعه و بازار مشترک کارائیب	Atomistic Society	جامعه ذره ای
Community and Common Market		Mature Society	جامعه رسا
Affluent Society; Opulence	جامعه وفور	Mature Society	جامعه رسیده
Society	همان جامعه فراوانی است.	European Coal and	جامعه زغال و فولاد اروپا
Accommodated Society	جامعه همساز	Steel Community	
Community of Interest	جامعه همسود	European Coal and	E.C.S.C. نشانه اختصاری
Replacement; Substitute;	جانشین	Steel Community	است. بازار مشترک زغال سنگ
Successor			و فولاد کشورهای فرانسه، بلژیک و لوگزامبورگ که
Putty-putty	جانشین پذیری کامل		بعداً در جامعه اقتصادی اروپا ادغام شد.
Putty-clay	جانشین پذیری نسبی		

Put Option	جایزه ساده در تنزل	Money Substitute; Substitute for Money	جانشین پول
Head Money	جایزه سرانه	Complete Substitution	جانشین کامل
Dispatch Money	جایزه سرعت (اصطلاح حمل و نقل)	Take-over	جانشین کسی شدن
Cum Bonus	جایزه سهم	Clay-clay Substitution	جانشین ناپذیری کامل جانشینی
Export Bounty	جایزه صادراتی	Currency Substitution	جانشینی ارزی
	جایزه ایست که دولت برای تشویق و افزایش صادرات به صادرکنندگان کالاها و خدمات می پردازد.	Potential Substitution	جانشینی بالقوه
No Claims Bonus	جایزه عدم مطالبه	Currency Substitution	جانشینی پولی
Put Option	جایزه غیر مستقیم	Crowding Out	جانشینی جبری
Put; Put Option; Seller's Option	جایزه فروشنده	Full Crowding Out	جانشینی جبری کامل
Group Bonus	جایزه گروهی	Partial Substitution	جانشینی جزئی
Prizer	جایزه گیر	Capital-labour Substitution	جانشینی سرمایه - کار
Acceleration Premium	جایزه متزاید	Import Substitution	جانشینی واردات
Put Option	جایزه معکوس	Seat on the Exchange	جای اعضای موجود در بورس
Rate of Option	جایزه (نرخ واحد)	Market Place	جای بازار
Liquidity Premium	جایزه نقدینگی	Emporium; Shop	جای بازرگانی
Assessmentism	جایزه های جاری که با «تعیین» هزینه جاری «منافع» محاسبه شده است.	Bonus; Bounty; Premium; Prize	جایزه
Bucket Shop	جای شرط بندی	Exchange Premium	جایزه ارزی
Seat	جایگاه (در بورس)	Redemption Premium	جایزه بازخرید
Location of The Interest	جایگاه بیمه	Put; Put Option; Seller's Option	جایزه برای تحویل
Stock Exchange	جایگاه معاملات سهام و صرافی بورس سهام و اوراق بهادار.	Call Premium	جایزه به اوراق بهادار
Money Substitute	جایگزین پول	Bonus Interest	جایزه بهره
Novation	جایگزینی بدهکار	Call Premium	جایزه به سهام
Novation	جایگزینی تعهد همان جایگزینی بدهکار است.	Share Bonus	جایزه به صورت سهم
Capital-labour Substitution	جایگزینی سرمایه - کار	Premium for Risk	جایزه پذیرش خطر
	گزینه فراگرد کاربرد و جایگزینی عوامل کار	Premium Bonus	جایزه تشویقی
		Production Bonus	جایزه تولید
		Price Support	جایزه خرید کالاها معین
		Overprice	جایزه زیاده تعیین کردن

Environmental Determinism	جبریت جغرافیایی	بر سرمایه یا تغییر نسبت ترکیب این دو.
Technological Determinism	جبریت فنی	جایگزینی واردات
Environmental Determinism	جبریت محیط	جبران آسیب دیدگی کارگران
Farm Bloc	جبهه کشاورزان	جبران از کار افتادگی
Going Ex Coupon	جداسازی کوپن در بورس	جبران بیکاری
Detach Schedules	جدا کردن جداول	جبران پذیر
Manning Tables	جداول تجهیز نفراتی	جبران چند جانبه
Taxation Schedules	جداول مالیاتی	جبران خدمات
Insulation	جدایی	جبران خسارت کردن
Separation of Ownership and Control	جدایی مالکیت از دخالت	جبران زیان
Abacus; Array; Schedule	جدول	جبران ضرر با معامله دیگر
Chart for Attributes	جدول آماری تجزیه کیفیت تولید	جبران عادلانه
Simple Contingency Table	جدول احتمال ساده	جبران کارکنان
Contingency Table	جدول احتیاطی	جبران کردن
Amortization Schedule; Amortization Table	جدول استهلاك	جبران مالیات
Random Digits Table	جدول اعداد تصادفی	جبران معلولیت
«Tableau Économique»	جدول اقتصادی	جبران منصفانه
Schedule Bond	جدول اوراق قرضه دولتی	جبر سود
Market Schedule	جدول بازار	جبر صنعتی
Frequency Chart	جدول بسامد در آمار	همان لختی صنعتی است.
Tabulator	جدول بند	جبریت اقتصادی
		مکتب اقتصادی است که همه پدیده‌های اقتصادی را از روی علل آنها توجیه و تفسیر می‌کند.
		جبریت پیرامونی
		Determinism

Cost of Living Index	جدول سالانه تغییرات هزینه زندگی (به درصد)	Tabulation	جدول‌بندی
Investment Schedule	جدول سرمایه‌گذاری	Discount Cash Flow	جدول‌بندی نقدی و بازدهی
Supply Schedule	جدول عرضه	Indifference Schedule	جدول بی‌تفاوتی
Industry Supply Schedule	جدول عرضه صنعت	Savings Schedule	جدول پس‌اندازها
Product Supply Schedule	جدول عرضه محصول	Simple Contingency Table	جدول پیشامد ساده
Life Table	جدول عمر داراییها	Conversion Table	جدول تبدیل
Frequency Chart; Frequency Table	جدول فراوانی	Analytic Schedule	جدول تحلیلی
Sales Schedule	جدول فروش	Conversion Table	جدول تسعیر
Marginal Efficiency of Capital Schedule	جدول کارآیی نهایی برنامه سرمایه	Simple Contingency Table	جدول تصادف ساده
Flow Chart	جدول مدارج عملیات	Tariff Schedule	جدول تعرفه گمرکی
Compound Contingency Table	جدول مرکب هزینه‌های اتفاقی		اساس کلی نرخهای تعرفه است.
Mortality Table	جدول مرگ و میر	Demand Schedule	جدول تقاضا
National Consumption Schedule	جدول مصرف ملی		جدولی است که میزان تقاضا برای کالای معین را بازای قیمت معین نشان می‌دهد.
Step Rate Schedule	جدول نرخ اساسی	Individual Demand Schedule	جدول تقاضای انفرادی
Schedule rating insurance	جدول نرخ‌بندی بیمه	Investment Demand Schedule	جدول تقاضای سرمایه‌گذاری
Step Rate Schedule	جدول نرخ مرحله‌ای		
Control Chart	جدول نظارت بر کیفیت تولید	Profitgraph	جدول توازن دخل و خرج
Table of Random Sample	جدول نمونه تصادفی	Cross-classification Table	جدول توافق
Consumption and Saving Schedules	جدولهای مصرف و پس‌انداز	Frequency Chart	جدول توزیع
Cost Schedule	جدول هزینه	Production Schedule	جدول تولید
	جدول نشان‌دهنده رابطه کل هزینه تولید با سطح تولید.	Table Look-up	جدول جست و جو
Schedular	جدولی	Flow Chart	جدول چگونگی عملیات تولید
		Chart of Accounts	جدول حسابها
		Arithmetic Chart	جدول حسابی
		Schedule	جدول حمل
		Input-Output Table	جدول در داده - باز داده
		Schedule	جدول زمانی
		Time Bill	جدول ساعات ورود و خروج قطار

Circular Flow of Money	جریان دوار پول	Up to Date	جدید
Circular Flow of Income	جریان دوار درآمد	Internal Drain	جذب داخلی
Cycling	جریان دوری	Absorb	جذب کردن
Bilateral Flow	جریان دوطرفه	Take Over an Issue	جذب نشر اوراق بهادار (بورس)
Stock Turn	جریان ذخیره	Cost Absorption	جذب هزینه
Manufacturing Process	جریان ساخت	Amendment	جرح و تعدیل
Capital Flow	جریان سرمایه	Amendment to Entries	جرح و تعدیل اقلام ثبتی
Capital International Flow and Balance of Payments	جریان سرمایه و تراز پرداختهای بین المللی	Hard Cash	جرتگی همان پول صدادار یا جرتگی است.
Gold Flow	جریان طلا	Flow	جریان
Pricing Process	جریان قیمت گذاری	Instantaneous Flow	جریان آنی
Inflation	جریان مبادله تورم - بیکاری	Cycling	جریان ادواری
-unemployment Trade off		Induced Currency Flow	جریان القایی پول
Pendente Lite	جریان محاکمات	Induced Currency Flow	جریان انگبخته پول
Negative Cash Flow	جریان منفی وجه نقد	Flow of Income Creation	جریان ایجاد درآمد
Gross Cash Flow	جریان ناخالص پول نقد	On Flow	جریان به جلو
Cash Flow	جریان نقدی	Monetary Flow; Money Flow	جریان پولی
Marginal Stream	جریان نهایی	Random Process	جریان تصادفی
Labour Turnover	جریان نیروی کار	Difference Flow	جریان تفاوت
Real Flow	جریان واقعی	Time-schedule Float	جریان جدول زمانی
Capital Inflow	جریان ورودی سرمایه	Negative Investment	جریان جذب ذخایر
Inflow of Gold; Influx of Gold	جریان ورودی طلا	Action at Law	جریان حقوقی
Flow of Receipts	جریان وصولیها	Capital Outflow	جریان خروجی سرمایه
Flows	جریانها	Diseconomy of Growth	جریان خلاف صرفه جویی رشد
Neutralizing Monetary Flows	جریانهای پولی خنثی کننده	Circular Flow of Money	جریان دایره ای پول
Productive Process	جریانهای تولیدی	Circular Flow of Income	جریان دایره ای درآمد
Types of Diseconomies	جریانهای خلاف صرفه جویی	Interbank Float	جریان درون بانکی
Flow of Expenditure	جریان هزینه	Flow of Receipts	جریان دریافتها
Uniform Flow	جریان یکنواخت	Current Flow of Receipts	جریان دریافتهای جاری

Advertising	جست و جوی سفارش یا مشتری	Sq. acre	جریب
Canvasser; Canvass			جریب، برابر با ۴۰۴۶/۸۶۴ مترمربع و ۴۸۴۰ یارد مربع.
Edgeworth Box	جعبه اجورث	Amercement; Fine; Forfeit; Forfeiture	جریمه
	ساخت نموداری مصرف است که نقشه‌های بی تفاوتی دو فرد را بکار می‌برد.	Foreign Exchange Penalty	جریمه ارزی
Counter Feiting	جعل	Concession Surcharge	جریمه تراکم بار
Forge	جعل اسناد	Indemnity	جریمه دادن
Fake; Forge	جعل کردن	Finable; Pecuniary	جریمه دار
Falsification of Accounts	جعل یا دستبردگی در حساب	Contango	جریمه دیرکرد
Economic Geography	جغرافیای اقتصادی	Backwardation	جریمه دیر کرد تحویل سهام
Mate's Receipt	جفت رسید	Surcharge	جریمه کسر تمبر
Jacobus	جکوبس	Amercement; Pecuniary Punishment	جریمه نقدی
Meeting; Session	جلسه	Import Surcharge	جریمه واردات
Budget Hearing	جلسه بودجه	Economic Sanctions	جریمه‌های اقتصادی
General Meeting	جلسه عمومی	Cartel Sanctions	جریمه‌های کارتل
Suppression	جلوگیری	Ex-all	جز
Population Control	جلوگیری از افزایش جمعیت	Nisi Prius	جز اینکه مقدم باشد
Dividend	جلوگیری از توزیع سود سهمی	Partly Paid (Partly Paid Up)	جزئا پرداختی
Restraint		Work Out	جزء به جزء طرح کردن
Waste Control	جلوگیری از حیف و میل	Cross Section Data; Particulars	جزئیات
Prohibit	جلوگیری کردن	Bill of Quantities	جزئیات کار و بهای آن
Prohibitive	جلوگیری کننده	Retail Dealer	جزئی فروش
Deferring	جلوه دادن حسابهای خرج و یا درآمد	Retail	جزئی فروشی
Addition	جمع	Circumstances	جز شرایط پیش‌بینی نشده
Collection	جمع آوری	Permitting	
Sum of Digits	جمع ارقام	Neo-orthodoxy	جزمیت نوین
Cross Footings	جمع افقی	Search (or Searching or Searching for)	جست و جو
Additivity	جمع پذیری	Canvasser	جست و جوگر سفارش
Pay-roll	جمع حقوق و دستمزد پرداختنی	Canvasser	جست و جوگر مشتری
Cross Check	جمع دوطرفه		
Addable (Addible)	جمع زدنی		

Suburban Population Demography	جمعیت حومه شهر جمعیت‌شناسی بررسی ویژگیهای جمعیت.	Adder Footing Footing	جمع‌زنده جمع ستونی حساب جمع عمودی
Urban Population	جمعیت شهری	Sub-total	جمع فرعی
Inactive Population	جمعیت غیرفعال	Proceeds	جمع فروش
	افرادی در یک جمعیت که به عللی در جریان کار قرار نگرفته‌اند.	Add Up	جمع کردن
Non-institutional Population	جمعیت غیرنهادی	Add Time	جمع کردن زمان (اصطلاح رایانه)
		Collectable	جمع‌کردنی
Active Population; Manpower; Working Population	جمعیت فعال یا جمعیت کاری، نیروی کار آماده کار و شاغل در جریان تولید کالاها و خدمات.	Grand Total	جمع کل
		Total Remuneration	جمع کل پاداش
Working Population	جمعیت کاری	Subscribed Capital	جمع کل ذخیره سرمایه مورد تعهد
Declining Population	جمعیت نزولی	Total Revenue	جمع کل فروش
Dependent Population	جمعیت وابسته	Total Utility	جمع کل مطلوبیت
Disturbance Term	جمله اختلال	Imports and Exports Combined	جمع کل واردات و صادرات
Disturbance Term	جمله اغتشاش همان جمله مغشوش یا اختلال است.	Short Account	جمع مبلغ پیش‌فروش یا سلم‌فروشی بازرگان
Error Term	جمله خطا مورد استفاده در اقتصادسنجی برای رفع اشتباه در تشخیص یا ثبت متغیر مؤثر در تحلیل یک گرایش است.	Sum of Squares	جمع مربعات همان جمع مجذورات است.
Disturbance Term	جمله ناپایداری همان جمله مغشوش یا اختلال است.	Net Total	جمع ویژه
Social Credit Movement	جنبش اعتبار اجتماعی	Black Friday	جمعه سیاه روزهایی مبین بحران در حیات اقتصادی ایالات متحد مانند جمعه سیاه چهارم سپتامبر سال ۱۸۶۹ و جز این.
National Savings Movement	جنبش پس‌اندازهای ملی	Population	جمعیت شار افراد ساکن در یک محدوده که ممکن است، شهر، منطقه یا کشور باشد.
Enclosure Movement	جنبش حصارکشی	Overpopulation	جمعیت اضافی
Peasant Movement	جنبش دهقانان	Optimum Population	جمعیت بهینه
Cumulative Movement	جنبش فزاینده	Cooperative Commonwealth	جمعیت تعاونی مصرف‌کنندگان
Efficiency Movement	جنبش کارآیی	Stable Population	جمعیت ثابت

Land Patent	جواز زمین	Labour Movement	جنبش کارگری
Export Licence	جواز صادرات	Single-tax Movement	جنبش مالیات واحد
Selling Licence	جواز فروش	Moneyness	جنبه پولی
Work Permit	جواز کار	Commercialize	جنبه تجاری دادن
Navigation Permit	جواز کشتیرانی	Pragmatism	جنبه عملی
Import License; Import Permit	جواز واردات	Pragmatize	جنبه عملی و مادی بخشیدن
Clearance Inwards	جواز ورود	Commodity; Good; Sort	جنس
Assortment; Sort	جور	Peddler ^y	جنس بنجل فروشی
Pack	جور کردن	Cheap	جنس پست
Sort; Sorting	جور کردن (اجناس)	Imitant	جنس تقلیدی
Hereto	جوف	Sale; Ware	جنس فروشی
Jevons, William Stanly	جونز، ویلیام استنلی (۱۸۸۲-۱۸۳۵)	Imitant	جنس قلایی
	اقتصاددان انگلیسی بنیادگذار مکتب نهائیدن.	Re-export	جنس وارداتی را صادر کردن
Preference Directions	جهات ارجحیت	In Kind	جنسی
Preference Directions	جهات رجحانی	Rat Race	جنگ اعصاب
Lashing	جهاز بندری با	Economic War; Economic Warfare	جنگ اقتصادی
Second World	جهان دوم		یا چالش اقتصادی، اقدامات اقتصادی مانند تحریم و فشارهای پولی و اعتباری و جز اینها.
Third World	جهان سوم	War on Poverty	جنگ بر سر فقر
	نامی است که بر کشورهای کم‌رشد و رو به توسعه نهاده‌اند.	Tariff War	جنگ تعرفه
Tourism	جهانگردی	Price War	جنگ قیمت
First World	جهان نخست	Afforestation	جنگل کاری
Input Orientation	جهت منابع	Reforestation	جنگل کاری دوباره
Orientation	جهت یابی	Rate War	جنگ نرخ
Market Orientation	جهت یابی بازار	Accountability	جواب‌گویی
Job Orientation	جهت یابی شغل	Result	جواب مسئله
Input Orientation	جهت یابی منابع	Letter of Licence; License; Permit	جواز
Boom	جهش	License to Assign	جواز انتقال
Jump	جهش (در بورس)	Customs Permit	جواز ترخیص کالا از گمرک
Take-off; Trade Boom	جهش اقتصادی	Victualling Bill	جواز حمل
		Exit Permit	جواز خروج (از کشور)

Allowance; Ration	جیره	«Great Leap Forward»	«جهش بزرگ به پیش»
Rationing	جیره‌بندی		نام سیاست اقتصادی چین در زمینه رشد و توسعه است.
	روش‌ی است جز در زمینه قیمت به صورت تخصیص کالاها و خدمات کمیاب به میزان معین.	Consumer Boom	جهش بهای کالاهاى مصرفی
Exchange Rationing;	جیره‌بندی ارز	Housing Boom	جهش خانه‌سازی
Rationing of Exchange		Speculative Boom	جهش سفته‌بازی
Rationing of Foreign	جیره‌بندی اسعار خارجی	Boom	جهش ناگهانی
Exchange		Pig on Pork	جیب به جیب
Credit Rationing	جیره‌بندی اعتبار	Giro	جیرو
Capital Rationing	جیره‌بندی سرمایه		انتقال طلب از راه پشت‌نویسی سند تجاری است.
Nonprice Rationing	جیره‌بندی غیر قیمتی	Back	جیرو کردن
Rationing of Goods	جیره‌بندی کالاها	Endorsee	جیروکننده
Rationing of Exchange	جیره‌بندی مبادله	Post Office Giro	جیروی اداره پست
Rationing and Price	جیره‌بندی و تثبیت قیمت	Bank Giro	جیروی بانک
Fixing		National Girobank	جیروی بانک ملی
Pelf	جیفه دنیایی	Postal Giro	جیروی پستی
Ginny Mae	جینی می	Accommodation	جیروی دوستانه
	نام سرزبانی برای یک شرکت دولتی وام مسکن در ایالات متحد.	Endorsement	
		National Giro	جیروی ملی



Companywide Bargaining	چانه‌زنی در سطح شرکت	Chartism	چار تیسیم
Industry-wide Bargaining	چانه‌زنی در قلمرو صنعت		نهضت اصلاح طلبانه کارگران در بریتانیای کبیر طی سالهای ۱۸۳۸-۱۸۴۸.
Industry-wide Bargaining	چانه‌زنی در همه صنعت	Time-frame	چارچوب زمانی
Company Bargaining	چانه‌زنی شرکتی	Sampling Frame	چارچوب نمونه‌گیری
Productivity Bargaining	چانه‌زنی فرآوری	Quantile	چارک
Plant Bargaining	چانه‌زنی کارخانه‌ای	Semi-interquartile Range	چارک متوسط
Industry Bargaining	چانه‌زنی کارگری	Bargain; Haggel	چانه‌زدن
Key Bargain	چانه‌زنی کلیدی	Collective Bargaining	چانه‌زدن جمعی
Key Bargain	چانه‌زنی مشکل‌گشا		مذاکرات میان نمایندگان کارگران و کارکنان از یک سو و کارفرمایان از سوی دیگر برای تعیین شرایط استخدامی مورد توافق دو طرف.
National Bargaining	چانه‌زنی ملی	Bargaining	چانه‌زنی
Area-wide Bargaining	چانه‌زنی منطقه‌ای		مذاکره درباره دستمزد میان کارگران و کارفرمایان یا نمایندگان آنهاست.
Pattern Bargaining	چانه‌زنی نمونه	Individual Bargaining	چانه‌زنی انفرادی
Spouter	جاه‌نفت فوران‌دار	Productivity Bargaining	چانه‌زنی بهره‌وری
Tea as Money	چای به عنوان پول	Collective Bargaining	چانه‌زنی جمعی
Red Clause Credit	چراغ قرمز اعتبار	Multiemployer Bargaining	چانه‌زنی چندکارفرمایی
Abacus	چرتکه	Haggling	چانه‌زنی در بازار
Cycling	چرخش		

Cheque Without; Worthless Cheque	چک بی‌محل	Vicious Circles Perspective	چرخه‌های بدخیم چشم‌انداز
Stumer Cheque	چک بی‌محل (به زبان عامیانه)	Relinquishment; Renunciation	چشم‌پوشی
Cancelled Cheque	چک پرداخته	Passing The Dividend	چشم‌پوشی از توزیع سود
Postal Cheque	چک پستی	Passing The Dividend	چشم‌پوشی از سود سهمی
Antedated Cheque	چک پیش تاریخ‌دار	Release of Judgment	چشم‌پوشی از قضاوت
Out of Date Cheque; Stale Cheque	چک تاریخ گذشته	Relinquish; Renounce Cheque	چشم‌پوشیدن چک
Confirmed Cheque	چک تأیید شده	Cheque	حواله کتبی که بانک در اختیار مشتری صاحب حساب جاری در این بانک می‌گذارد و به موجب آن دستور پرداختی از این حساب دریافت می‌دارد.
Certified Cheque	چک تضمین شده	Memorandum Cheque	چک استثنایی
Bank Note; Marked Cheque	چک تضمینی	Eurocheque	چک اروپایی
در انحصار بانک ملی ایران بوده و پرداخت آن از سوی این بانک تضمین شده است.			چکی که در بانکهای اروپا نقد می‌شود.
Registered Cheque	چک ثبت شده	Marked Cheque	چک امضاء شده
Transfer Cheque	چک حواله	Blank Cheque	چک امضاء شده بدون مبلغ
Order Cheque	چک حواله کرد	Transfer Cheque	چک انتقالی
Bearer Cheque	چک در وجه حامل	Open Cheque	چک باز
Registered Cheque	چک سفارشی	Kiting	چک بازی
Cheque Blank	چک سفید	Cancelled Cheque	چک باطل
Blank Cheque	چک سفید امضاء	Bank Cheque	چک بانکی
Personal Cheque	چک شخصی	نوعی چک که به اعتبار موجودی نقدی مشتری و به تقاضای وی از سوی بانک به عهده خود یا بانک دیگر صادر می‌گردد.	
Town Cheque	چک شهری	Bounced Cheque	چک برگشتی
Bank Draft	چک صادره عهده یک بانک	Crossed Cheque	چک بسته
Cashier's Cheque	چک صراف	Post Dated Cheque	چک به تاریخ بعد
Omnibus Cheque	چک عمومی	Negotiable Cheque	چک به حواله کرد
Personal Cheque	چک غیر بانکی	Worthless Cheque	چک بی‌ارزش
Cross the Cheque	چک غیرقابل پرداخت به حامل	Bouncing Cheque	چک بی‌اعتبار
Town Cheque	چک قابل پرداخت در محل صدور		
Negotiable Cheque	چک قابل نقل و انتقال		
Certified Cheque	چک گواهی شده		
Exchange Cheque	چک متقابل		

Frequency Polygon	چندضلعی فراوان	Town Cheque	چک محلی
	ساختار بازاری که بنگاهها از وابستگی متقابل فروش، تولید و برنامه سرمایه‌گذاری و تبلیغ تجاری یکدیگر آگاهی دارند.	Traveller's Cheque	چک مسافرتی
Oligopoly	چند قطبی		چکی که بانکهای معتبر بین‌المللی به عهده خودشان می‌کشند و به متقاضی می‌فروشند، این خریدار آن را در سفر در کشور موردنظر نقد می‌کند.
	وضع بازاری که شمار فروشندگان بقدری کم است که عرضه پیشنهادی هر یک ماداماً بر قیمت بازار تأثیر می‌گذارد اما به علت قلت عده یکی از آنها نمی‌تواند رأساً قیمت را تغییر دهد.	Crossed Cheque	چک مسدود
Polyopoly	چند قطبی بزرگ	Voucher Cheque	چک مشروط
Collusive Oligopoly	چند قطبی تبانی	Certified Cheque	چک مصدق
Partial Oligopoly	چند قطبی جزئی	Market Cheque	چک معتبر
Pure Polyopsony	چند قطبی خالص خرید	Open Cheque	چک معمولی
Oligopsony	چند قطبی خرید	Open Cheque	چک نامحدود
Polyopoly	چند قطبی فروش	Open Cheque	چک نامخطط
Complete Oligopoly;	چند قطبی کامل	Cashed Cheque	چک نقدشده
Perfect Oligopoly		"Rubber Cheque"	چک واخورده
Imperfect Oligopoly	چند قطبی ناقص	Post Dated Cheque	چک و مدهای
Partial Oligopoly	چند قطبی ناکامل	Post a Cheque	چک وعده‌دار کشیدن
Multilateral Rate of	چندگانگی نرخ ارز	Walks	چکهای بانکهای غیرعضو
Foreign Exchange		Officers' Cheques	چکهای بانکی
Transnational	چند ملیتی	Cashier's	چکی که بانک عهده خود می‌کشد
	شرکت بزرگی که شرکای آن از ملیتهای مختلف و قلمرو فعالیتهای آن جهان است.	Cheque	
Multiple Rates	چند نرخ	Density Gradient	چگالی متحرک
Multilateral Rate of	چند نرخ بودن ارز		بر این اساس شدت بکارگیری زمین با فاصله شعاعی از مرکز یک ناحیه شهری تغییر می‌یابد.
Foreign Exchange		Statement of	چگونگی مصرف وجوه
Polymodal	چند نمایی	Application of Funds	
Multi-purpose	چند هدفه	Multilateralism	چند جانبه‌گرایی
Non-uniqueness	چند همتایی		این روش در تجارت جهانی معمول است.
Multicollinearity	چند همخطی	Polynomial	چند جمله‌ای
Pliopsony	چندین قطبی خرید	Poundage	چند در پوند
Pliopoly	چندین قطبی فروش	Percentage of	چند درصد حساب بدهکاران
		Accounts Receivable	
		Percentage of Sales	چند درصد فروش
		Frequency Polygon	چند ضلعی بسامد

Expendable	چیز مصرف‌کردنی	Tally	چوبخط
Prize	چیز ممتاز	Tally	چوبخط زدن
Leontief Paradox	چیستان لنون تیف	Tallying	چوبخط‌زنی
	یا باطل‌نمای لئون تیف دستیابی به این نتیجه شگفت‌انگیز است که اگر واردات ایالات متحد در خود این کشور تولید می‌شد با توجه به این نکته که صادرات ایالات متحد کاربر و جانشین‌ها سرمایه بر و ایالات متحد سرمایه فراوان دارد پس الگوی هکشر - اوهلین باید رد شود.	Tally Clerk	چوبخط‌گذار
Economic Paradoxes	چیستانهای اقتصادی	Skewness	چولگی
Chamberlin, Edward	چیمبرلین		یا آریبی، اصطلاح آماری و مراد از آن خارج شدن منحنی عادی از میزان متناسب است.
	اقتصاددان امریکایی که به مناسبت انتشار نظریه رقابت انحصاری شهرت دارد.	Positive Skewness	چولگی مثبت
Social Stratification	چینه‌سازی اجتماعی	Negative Skewness	چولگی منفی
Enclosure	چینه‌کشی	Relative Skewness	چولگی نسبی
		Stow	چیدن بار
		Waste	چیز تلف شده
		Ding an Sich	چیز درخور
		Pragmatize	چیز غیرواقعی را به صورت عملی در آوردن



Out-come; Yield	حاصل	Most Representative	حائز اکثریت
Nominal Yield	حاصل اسمی	Most Representative	حائز بیشترین نمایندگی
Discounted Cash	حاصل تنزیل جریان نقدی	Occurence	حادثه (اصطلاح بیمه)
Flow Yield		Disaster	حادثه بد
Current Yield	حاصل جاری	Major	حادثه بزرگ (مخصوصاً آتش سوزی)
Sum of Digits	حاصل جمع ارقام	Casualty	
Net Yield	حاصل خالص	Marine Adventure	حادثه دریایی
Producent;	حاصلخیز	Occupational Accident	حادثه شغلی
Productive			حادثه حین کار است.
Productiveness	حاصلخیزی	Margin of Safety	حاشیه ایمنی
Average Revenue	حاصل دریافتی متوسط	Red Herring	حاشیه پردازی
Product		Competitive Fringe	حاشیه رقابت آمیز
Marginal Revenue	حاصل دریافتی نهایی	Competitive Fringe	حاشیه رقابتی
Product		Inlay	حاشیه سازی
Dividend Yield	حاصل سود سهمی	Profit Margin	حاشیه سود
Scalar Product	حاصل ضرب داخلی		درصد سود ویژه عملیات نسبت به فروش خالص است.
Inner	حاصل ضرب داخلی (در نظریه مجموعه ها)	Unsatisfied	حاشیه نابر آورده وام گیرندگان
Product		Fringe of Borrowers	
Amount-	حاصل ضرب سرمایه در مدت	Extensive	حاشیه های کشاورزی سطحی
times-days		Margins	
Scalar Product	حاصل ضرب عددی		

Entailment	حبس مال	Scalar Triple Product	حاصل ضرب مختلط سه بردار
Veil of Money	حجاب پولی	Earnings Yield	حاصل عواید
Veil of Ignorance	حجاب جهل همان پرده نادانی است.	Stand-by Underwriting	حاضر و آماده
Employment Volume	حجم اشتغال	Accumulator	حافظه (اصطلاح رایانه)
Volume of Credit	حجم اعتبار	Random Access Memory	حافظه با دسترسی تصادفی
Volume of Trade	حجم بازرگانی	Read Only Memory	حافظه خواندنی
Money Stock	حجم پول	Magnetic Core	حافظه مغناطیسی حلقوی (اصطلاح رایانه)
Volume of Production	حجم تولید	Consumer Sovereignty; Consumer's Sovereignty	حاکمیت مصرف‌کننده
Money Stock	حجم سرمایه کل سرمایه مادی موجود در یک صنعت یا اقتصاد در زمان معین.	Exhaustibility Condition	نقش مسلط مصرف‌کننده در تعیین نوع و مقدار کالاهایی که باید در یک نظام اقتصادی تولید شوند.
Sales Volume	حجم فروش	Exhaustibility Condition	حالت اتمام‌پذیری
Work Load	حجم کار	Exogeneity of Money Supply	حالت برون‌زایی عرضه پول
Sampling Size	حجم نمونه‌برداری (آمار)	Exhaustibility Condition	حالت پایان‌پذیری
Sampling Size	حجم نمونه‌گیری	Dynamic State	حالت پویا
Line of Credit	حجم یا سطح اعتبار	Defensive	حالت تدافعی
Point of Ideal Proportion	حد آرمانی تناسب	Marginal Case	حالت حد
Basic Limit	حد اساسی	Natural State	حالت طبیعی
Debt-limit	حد استقرایی	Normal	حالت عادی
Credit Limit; Credit Line; Line of Credit	حد اعتباری	Tangency	حالت مماس
	قرار یک بانک به تعیین حدنهایی اعتبار که به مشتری می‌پردازد.	Normal	حالت میانه
Minimum Down Payment	حداقل پیش‌پرداخت	Bearer; Bearing; Vector	حامل
Bottom Price; Tigger Price	حداقل قیمت		اصطلاح اخیر معادل با بردار است.
Three Stage Least Squares	حداقل مربعات سه مرحله‌ای	Bearer Bond	حامل سند قرضه
Indirect Least Squares	حداقل مربعات غیرمستقیم	Unit Vector	حامل واحد
Day Rate	حداقل نرخ مزد ساعتی کارگران	South Sea Bubble	حباب دریای جنوب
Minimum Cost	حداقل هزینه	Speculative Bubble	حباب سفته‌بازی
		Custody	حبس
		Locked-in Capital	حبس سرمایه

Demarcate	حدفاصل را معین کردن	Max; Peak	حداکثر
Demarcate	حدفاصل قائل شدن	Through Output	حداکثر باز داده
Intensive Margin	حد فشرده	Utmost Good Faith	حداکثر حسن نیت
Efficiency Point	حد کار آیی	Sum Insured	حداکثر خسارت بیمه
Occam's Razor	حد لازم شمار فرضیات	Through Output	حداکثر ظرفیت
(Ockham's) Razor		Best-profit Output	حداکثر محصول
Tax Limit	حد مالیات	Cartage Limit	حد بار باگاری
Critical Limit	حد مبین	Load Line; Plimsoll Mark	حد بارگیری
Consumption Line;	حد مصرف	Credit Ceiling	حد بالای اعتبار
Consumption Possibility Line		Deposit Ceiling	حد بالای اندازه بهره سپرده
Trading Limit	حد معامله	Rates of Interest	
Quorum	حد نصاب	Debt Ceiling	حد بالای بدهی
Personal	حد نصاب بخشودگی مالیاتی	Interest	حد بالای بهره بانکهای بازرگانی
Allowance		Ceilings of Commercial Banks	
Beat a Record	حد نصاب را شکستن	Swing	حد بالای فنی اعتبار
Beat a Record	حد نصاب شکنی	Ceiling Price; Price Ceiling	حد بالای قیمت
Marginal Land	حد نهایی بازده زمین	Pay Ceiling	حد بالای مزد
Margin of Profitable	حد نهایی کشت سود آور	Deposit Ceiling	حد بالای میزان بهره سپرده
Cultivation		Rates of Interest	
Marginal Desirability	حد نهایی مطلوبیت	Higher Limit; Supremum	حد بالایی
Exact Limit	حد واقعی	Critical Limit	حد بحرانی
Inter Vires	حدود اختیارات شرکتها	Floor	حد پایین
Discretionary Limits	حدود اختیاری	Monetary Ceilings	حد پایین پولی
Confidence Interval;	حدود اطمینان	Lower Limit	حد پایینی
Limits of Confidence		Tolerance	حد تغییر
Confidence Limits	حدود اعتماد	Trading Limit	حد تغییرات قیمت
Location of The	حدود بیمه از حیث مکان	Production Contour or Curve	حد تولید
Interest		Cartage Limit	حد حمل با خودرو
Policy Deductible	حدود پرداخت خسارت	Cartage Limit	حد حمل باگاری
Exposure	حدود خطر	Limit	حد خرید یا فروش
Range Limits	حدود دامنه	Time-limit for Presentation	حد زمانی ارائه
Wage Contour	حدود دستمزد	Speculation	حدس و گمان
Interest Coverage	حدود شمول بهره	Trough	حد فاصل انقباض و بهبود اقتصادی

Hammer the Market	حراج کردن	Class Interval; Class Limits	حدود طبقه
Auctioneer (general)	حراج‌گذار (به طور کلی)	Price Range	حدود قیمت
Dutch Auction	حراج مناقصه‌ای	Significant Amount	حدود مبلغ
Dutch Auction	حراج نزولی	Gold Points	حدود نرخ طلا
Dutch Auction	حراج هلندی	Semi-interquartile Range	حدود نیمه‌چارکی متقابل
Land Hunger	حرص زمین‌خواری	Average	حد وسطگیری
Occupation; Vocation	حرفه	Line of Credit	حد و میزان اعتبار
Apprenticeship	حرفه و صنعت	Mark-up	حدی تعیین کردن
Profession	حرفه تخصصی	Deseasonalized	حذف آثار فصلی
Accommodating Movements	حرکات جبرانی	Round Off	حذف آحاد اعشاری
Cumulative Movement	حرکت انباشتی	Mark-down	حذف بهای کمتر روی کالا
On-ward	حرکت به جلو	Cancellation	
Drive to Maturity	حرکت به سوی رفاه	Deseasonalized	حذف تغییرات فصلی
Gift Tokens	حرکت پس‌اندازهای ملی	Charge Off	حذف دارایی
Capital Movement	حرکت سرمایه	Disintermediation	حذف سازمانهای واسطه
Gold Movement	حرکت طلا	Elimination of Wholesaler	حذف عمده فروش
Spiral of Wages and Prices	حرکت مارپیچی مزدها و قیمت‌ها	Decasualization	حذف کار اتفاقی و نامنظم
Retard Motion	حرکت مبطنه	Decartelization	حذف کار تزل
Uniform Motion	حرکت متشابه	Withdrawal; Write-off	حذف کردن
Deadheading	حرکت موتورهای خالی	Direct Write-off	حذف مستقیم
Oscillation	حرکت نوسانی	Abatement	حذف هزینه‌های آتی (جزء یا کل)
Uniform Motion	حرکت یکنواخت	Abatement	یا تخفیف آنها
Customer Frontage	حریم مشتری	Abatement	حذف هزینه‌های گذشته (جزء یا کل)
Precaution	حزم		یا تخفیف آنها
Account; Calculus	حساب	Auction; Out-cry; Public Sale	حراج
	ثبت مداوم معاملات تجاری.	Double Auction Market	حراج بازاری دوطرفه
«Loro» Account	حساب آنها	End-of-season Sale	حراج پایان فصلی
Tandem Account	حساب اتکایی		همان حراج فصلی است.
Social Account	حساب اجتماعی	Auctioneer	حراج‌چیها (بورس)
Probability Calculus	حساب احتمالات	Sale By Candle	حراج زیر شمع
Closing Account	حساب اختتامی	Mock Auction	حراج ساختگی

Charge Account	حساب بدهی مشتری	Variance Account	حساب اختلاف
Equalization Account	حساب برابر سازی	Continuing Account	حساب ادامه
Vostro Account	حساب برای شما	Charge-and-discharge	حساب آرث
Drawing Account	حساب برداشت	Statement	
Credit Account	حساب بستانکار	Valuation Account	حساب ارزش گذاری
Account Payable	حساب بستانکاران	Valuation Account	حساب ارزیابی
Closed Account	حساب بسته	Rule of Thumb (Rule	حساب از روی تجربه
Closed Account	حساب بسته شده	O'thumb)	
Interest Account	حساب بهره	Nominal Account	حساب اسمی
Income Statement;	حساب بهره برداری	Notes Payable	حساب اسناد پرداختنی
Property Account; Trading Account		Notes	حساب اسناد در دفتر کل یا ترازنامه
T-account	حساب به شکل T	Receivable	
Noninterest Bearing	حساب بی بهره	Adjustment Account;	حساب اصلاحی
Account		Reconciliation Account	
Dormant Account	حساب بیکار	Impaired	حساب اضافه منفی (در حسابداری)
Overdrawn Account	حساب بی محل	Capital	
Bonus Account	حساب پاداشها	Charge Account	حساب اعتباری
Clearing Account	حساب پایایی	Escrow Account	حساب امانی
Account Payable	حساب پرداختی	Property Account	حساب اموال
Saving Account	حساب پس انداز	Control Account	حساب انتظامی
Saving and	حساب پس انداز و سرمایه گذاری	Charge-and-discharge	حساب انحصار وراثت
Investment Account		Statement	
Give (Render) Account of;	حساب پس دادن	Thrift Account	حساب اندوخته شخصی
Reckon (Reckon up)		Bonus Account	حساب انعامها
Reckoning	حساب پس دهی	Freight Account	حساب بار کشتی
Account	حساب پس گرفتن	Open Account	حساب باز
Mutual Currency Account	حساب پولی متقابل	Realization Account	حساب باز یافت
Realization	حساب تبدیل داراییهای شرکت	Xmas Savings Club	حساب باشگاه کریسمس
Account	به پول نقد	Banking Account	حساب بانک
Appropriation Account	حساب تخصیص سود	Bank Account	حساب بانکی
	حسابهایی که شرکتها برای نشان دادن طرز تقسیم یا	Joint Account	حساب بانکی مشترک
	تخصیص سود پس از وضع مالیات نگهداری	Account Receivable	حساب بدهکاران
	میکنند.	Encumbrance Account	حساب بدهی خانه

Joint Account	حساب جاری مشترک	Profit and Loss	حساب تخصیص سود و زیان
Integral Calculus	حساب جامعه	Appropriation Account	
Compensation Account	حساب جبرانی	Rule of Thumb (Rule O'thumb)	حساب تخمینی
New Account	حساب جدید	Balance Sheet Account	حساب ترازنامه‌ای
Bonus Account	حساب جوایز	Equalization Account;	حساب تسویه
Custodian Account	حساب حفاظت	Settlement Account	
Real Account	حساب حقیقی	Exchange Equalization	حساب تسویه ارزی
External Account	حساب خارجه	Account	
Account of Goods Purchased	حساب خرید	Management Account;	حساب تصدی
Contra Purchase Account	حساب خرید برگشتی	Property Account	
Trading Account	حساب خرید و فروش	Realization Account	حساب تصفیه
Purchaser Account	حساب خریده‌ها	Escrow Account	حساب تضمینی
Summary Account	حساب خلاصه	Reconciliation Account	حساب تطبیق
Call to Account	حساب خواستن	Reconciliation Statement	حساب تطبیقات
Secondary Account	حساب داخلی	Adjustment Account	حساب تطبیقی
Account; Render an Account	حساب دادن	Calculus of Variations	حساب تغییرات
Accountant	حسابدار	Difference Account	حساب تفاوت
Senior Accountant	حسابدار ارشد	Detail Account	حساب تفصیلی
Asset Account	حساب دارایی (اصطلاح حسابداری)	Imprest Account;	حساب تنخواه‌گردان
Property Account	حساب دارایی	Imprest Cash	
Capital Account	حساب دارایی ثابت	Manufacturing Account	حساب تولید
Valuation Account	حساب دارایی‌گاه	Compensation Account	حساب تهارتی
Contra-asset Account	حساب دارایی کاهنده مانند حساب ذخیره استهلاک.	Clearing Account	حساب تهارت یا موقت
Professional Accountant;	حسابدار حرفه‌ای	Checking Account; Current	حساب جاری
Public Accountant		Account; Open Account; Running	
Chartered Accountant	حسابدار خیره	Account	
Private Accountant	حسابدار خصوصی	Charge It	حساب جاری با مغازه‌ها و فروشگاه‌ها
Independence Accountant;	حسابدار رسمی	Balance of	حساب جاری تراز پرداختها
Public Accountant		Payments Current Account	
			اقلامی در حساب تراز پرداختها که تمامی معاملات جاری (غیرسرمایه‌ای) بین‌المللی را به اختصار نشان می‌دهد.

Responsibility Accounting	حسابداری برحسب فعالیتها	Chartered Accountant	حسابدار صاحب امتیاز از مؤسسه حسابداران
Responsibility Accounting	حسابداری بنابر مسئولیت	Cost Accountant	حسابدار صنعتی
Budgetary Accounting	حسابداری بودجه‌ای	Certified Public Accountant; Chartered Public Accountant	حسابدار عمومی رسمی
Double-account System	حسابداری به روش دو جانبه	Chartered Public Accountant	حسابدار عمومی قسم خورده
Balance Sheet Accounting	حسابداری ترازنامه	Certified Accountant; Certified Public Accountant	حسابدار قسم خورده
Accrual Basis Accounting	حسابداری تعهدی	Cost Accountant	حسابدار قیمت ماهیه
	روشی در حسابداری است که بنا بر آن درآمد در زمان تحقق، خواه دریافت شده یا نشده باشد و هزینه در زمان وقوع خواه پرداخته شده یا نشده باشد ثبت خواهند شد.	Senior Accountant	حسابدار کل
Inflation Accounting	حسابداری تورم	Chartered Accountant; Independence Accountant; Professional Accountant; Public Accountant	حسابدار مجاز
Inflations Accounting	حسابداری تورمی	Management Accountant	حسابدار مدیریت
	روش نگهداری پیشینه معاملات مالی و تحلیل آنها با توجه به قدرت خرید پول طی زمان.	In-charge Accountant	حسابدار مسئول
Economic Development Accountancy	حسابداری توسعه اقتصادی	Independent Accountant	حسابدار مستقل
Single-entry Book Keeping	حسابداری جزئاً ساده	Cost Accountant	حسابدار هزینه تمام شده
Retail Account	حسابداری جزئی فروشی	Accountancy; Accounting	حسابداری
Transport Accounts	حسابداری حمل و نقل	Social Accounting	حسابداری اجتماعی
Retail Account	حسابداری خرده فروشی	Value Accounting	حسابداری ارزش
National Income Accounting	حسابداری درآمد ملی	Exceptions Accounting	حسابداری استثنائات
Managerial Accounting	حسابداری در مدیریت	Depreciation Accounting	حسابداری استهلاک
Governmental Accounting	حسابداری دولتی	Installment Method of Accounting	حسابداری اقساط
	تنظیم اسناد مالی، نگهداری حسابها، استخراج اطلاعات مالی، تهیه گزارشها، صورتها و نسبتهای مالی و تحلیل آنها برای دولت و دیگر نهادهای عمومی با رعایت قوانین و مقررات دولتی.	Reserve Lag Accounting	حسابداری اندوخته عقب مانده
		Marginal Reserve Accounting	حسابداری اندوخته نهایی
		Estimating -cost System	حسابداری بر اساس روش تخمین

فعالیت‌های اقتصادی یک کشور طی زمان معین است.	Store Accounting	حسابداری ذخیره انبار
	Single Entry	حسابداری ساده
Stock Accounting	Fiduciary	حسابداری سپرده‌ها و امانتها
Cash Basis	Accounting	
بر پایه این روش درآمد هنگامی به حساب منظور می‌شود که وصول شده و هزینه زمانی به ثبت می‌رسد که انجام شده است.	Subsidiary Company	حسابداری شرکت تابعه
	Accounting	
Standard Accounting	Cost Accounting	حسابداری صنعتی
Cost Accounting		با این روش بهای تمام شده یک واحد محصول محاسبه می‌شود.
Replacement Cost	Applied Accounting	حسابداری عملی
Accounting	Installment Method	حسابداری فروش قسطی
Current Cost	of Accounting	
Accounting	Applied Accounting	حسابداری کارپردی
Open Account	Force Account	حسابداری کارهای امانی
همان حساب باز یا مفتوح است.	Method	
Revenue Account;	General Accountant	حسابداری کل
Trading Account	Enterprise Accounting	حسابداری کلی مؤسسه
Income Statement Account;	Financial Accounting	حسابداری مالی
Income Account	Double-entry	حسابداری مترادف
National	Management Accounting	حسابداری مدیریت
Income and Product Account		تهیه گزارش مالی برای مدیریت.
Income and	Managerial Accounting	حسابداری مدیریتی
Expenditure Account		این حسابداری به تهیه اطلاعات لازم برای مدیریت و طرز استفاده از این داده‌ها در سیاست‌گذاری راجع است.
Personal	Double-entry Book	حسابداری مضاعف
Account	Keeping	
Long Account		در این روش هر معامله به صورت دریافت یا پرداخت پول و خرید یا فروش کالاها و خدمات در دو ستون بدهکار و بستانکار ثبت می‌شود.
Banking Account	National Accounting;	حسابداری ملی
Active Account	Social Accounting	
Account Receivable		بررسی مقداری و منظم عناصر اساسی همه
Trade Account		
Receivable		
Account		
Receivable Discounted		

Examination; Limited Audit	حسابرسی محدود	Revenue Account	حساب دریافتی
Continuous Audit	حسابرسی مداوم	Bilateral Account	حساب دوجانبه
Management Audit	حسابرسی مدیریت	Secondary Account	حساب دوم
External Audit	حسابرسی مستقل	Account Payer	حساب دهنده وجه
Continuous Audit	حسابرسی مستمر	Dormant Account; Inactive Account	حساب راکد
Stock Audit	حسابرسی موجودی جنس	Auditor; Comptroller	حسابرس
Numbered Account	حساب رمز	Senior Auditor	حسابرس ارشد
Manufacturing Account	حساب ساخت	Field Auditor; Staff Auditor	حسابرس داخلی
Falsification of Accounts	حسابسازی	Horizontal Audit	حسابرسی سراسری
Deposit Account	حساب سپرده	Independent Audit	حسابرسی مستقل
آن حساب بانکی که هدفش جذب پولهای غیرفعال است.		Audit; Auditing; Auditorship	حسابرسی
Banking Deposit Account	حساب سپرده بانکی	Scan	حسابرسی اجمالی
Call Deposit Account	حساب سپرده دیداری	Continuous Audit	حسابرسی استمراری
Call Deposit Account	حساب سپرده عندالمطالبه	Post Audit; Pre-audit	حسابرسی پس از پرداخت
Digits; Rule of Thumb (Rule O'thumb)	حساب سرانگشتی	Detailed Audit	حسابرسی تفصیلی
Capital Account	حساب سرمایه	External Audit	حسابرسی خارجی
اگر واردات و صادرات چیزی تغییری در مطالبات پدید آورد ارزش آن در حساب سرمایه وارد و ثبت می شود.		Special Audit	حسابرسی خاص
Profit and Loss Account	حساب سود و زیان	Periodic Audit	حسابرسی دوره ای
Short Account	حساب سهام پیش فروش شده	Procedural Audit	حسابرسی روشها
Personal Agency Account	حساب شخص نمایندگی	Annual Audit	حسابرسی سالانه
Personal Account	حساب شخصی	Cash Audit	حسابرسی صندوق
Unsecured Account	حساب شخصی بدون ضمانت دیگری	Interim Audit	حسابرسی طی دوره
Personal Agency Account	حساب شخصی عاملیت	Interim Audit	حسابرسی طی سال
Branch Account	حساب شعبه	Interim Audit	حسابرسی ظرف سال مالی
		Cash Audit	حسابرسی عملیات نقدی
		General Audit	حسابرسی عمومی
		Voucher Audit	حسابرسی قبلی
		Audit	حسابرسی کردن
		General Audit	حسابرسی کل
		Peer Review	حسابرسی مجدد

Freight Account	حساب کرایه	Numbered Account	حساب شماره‌ای
Account; Calculate; Reckon Up	حساب کردن	Thrift Account	حساب صرفه‌جویی شخصی
Working Out	حساب کسر	Cash Account	حساب صندوق
Account Payee	حساب گیرنده (وجه)	Income Statement	حساب صورت درآمد
Surplus Account	حساب مازاد	Account	
Ex Post Accounting	حساب ماسبق	Nominal Account	حساب صوری
Encumbrance Account	حساب مانع	Gold Account	حساب طلا
Ensuing Account	حساب متعاقب	Agency Account	حساب عامل
Closed Account	حساب متوازن	Delinquent Account	حساب عقب‌افتاده
Account of Expenses	حساب مخارج	Trading Account	حساب عملکرد
Mixed Account	حساب مختلط	Impersonal Account	حساب غیر شخصی
Commingled	حساب مختلط سرمایه‌گذاری	Dormant Account; Inactive	حساب غیر فعال
Investment Account		Account	
Deceased Account	حساب مرده	Non-resident Account	حساب غیر مقیم
Imprest Cash	حساب مساعده	Differential Calculus	حساب فاصله
Loan Account	حساب مساعده‌ها	Subsidiary account	حساب فرعی
Blocked Account; Closed	حساب مسدود	Sales Account	حساب فروش
Account; Frozen Account		Realization	حساب فروش (ارقام
Suspense Account	حساب مشکوک	Account	حاصله از فروش)
Charge Account	حساب مطالبه	Account Sales	حساب فروش
Account of One's	حساب معاملات		نشانه اختصاری آن A/s است.
Transactions; Transactions Account		Active Account; Current	حساب فعال
External Account	حساب معاملات خارجی	Account	
Suspense Account	حساب معلق	Transferable Account	حساب قابل انتقال
Delinquent Account;	حساب معوق	Encumbrance Account	حساب قرض ملک
Outstanding Account; Over and Short		Cost Account	حساب قیمت تمام‌شده
Account		Charge-and-discharge	حساب قیوموت
Subsidiary	حساب معین	Statement	
Open Account	حساب مفتوح	Job Account	حساب کار
	همان حساب دایر یا باز است.	Force Account	حساب کار امانی
Resident Account	حساب مقیم	Account of Goods	حساب کالاهای خریداری
Control Account	حساب ممیزی	Purchased	
Master Control Account	حساب ممیزی اصلی	Stock Accounting	حساب کالای موجود

Final Accounts	حسابهای پایانی	Regional Account	حساب منطقه‌ای
Trade Account Payable	حسابهای پرداخت‌کردنی	Share Premium Account	حساب منفعت سهم
Accruals Payable; Trade Account Payable	حسابهای پرداختنی	Controlling Account	حساب موازنه
Foreign Currency Accounts	حسابهای پول خارجی	Merchandise Account	حساب موجودی
Notice Accounts	حسابهای پیش‌آگهی	Cash Account	حساب موجودی نقدی
Reserve Accounts	حسابهای پیش‌بینی	Account Payer	حساب مؤدی
Proprietary Accounts	حسابهای تحقیقی	Account Stated	حساب مورد تأیید
Budgetary Accounts	حسابهای تخمینی	Account Stated	حساب مورد توافق
Balance Sheet Account	حسابهای ترازنامه	Provisional Account;	حساب موقت
Modified Accrual System	حسابهای تعدیل‌شده	Suspense Account	
Fund Accounts	حسابهای تنخواه	Regional Account	حساب ناحیه‌ای
Secondary Account	حسابهای ثانی	Custodian Account	حساب نظارت
Current Accounts	حسابهای جاری	Cash Account	حساب نقدی
Accounts Audited	حسابهای حسابرسی شده	Mutual Currency Account	حساب نقدینه متقابل
Negotiable Order of Withdrawal Accounts	حسابهای حواله برداشت	Default Register	حساب نکولیا
Negotiable Order of Withdrawal Accounts	حسابهای حواله برداشت قابل انتقال	Tally	حساب نگهداری
Proprietary Accounts	حسابهای دارایی	Agency Account	حساب نمایندگی
Operating Accounts	حسابهای در آمد و هزینه	New Account	حساب نو
Accruals Receivable	حسابهای دریافت‌کردنی	Fund Unit Account	حساب واحد صندوق
Book Accounts	حسابهای دفتری	Open Account	حساب واريز نشده
Government's Account	حسابهای دولت	Settlement Account	حساب واریزی (بررس)
Annual Accounts	حسابهای سالانه	Clearing Account	حساب واسطه
Deposit Accounts	حسابهای سپرده	Loan Account	حساب وام
Fund Accounts	حسابهای صندوق	Proprietary Accounts	حسابهای اسمی
Import Entitlement Accounts	حسابهای عنوانی وارداتی	Stores Accounts	حسابهای انبار
Financial Accounts	حسابهای مالی	Automatic	حسابهای انتقال خودکار از
		Transfer Saving Accounts	حساب پس‌انداز
		Reserve Accounts	حسابهای اندوخته
		Individual Account	حسابهای انفرادی
		Sector Accounts	حسابهای بخش
		Liabilities	حسابهای بدهی
		Budgetary Accounts	حسابهای بودجه‌ای

Credibility; Goodwill	حسن شهرت	«Other Accounts»	حسابهای متفرقه
Good Faith; Goodwill	حسن نیت	Mixed Accounts	حسابهای مختلط
"Uberrimae Fidei"	حسن نیت کامل	Salaries and Wages	حسابهای مزد و حقوق
Tautology	حشو و زواید	Accounts	
Enclosure	حصارکشی	National Accounts	حسابهای ملی
Privity of Contract	حصص آثار قرارداد به طرفین آن		نمایش درآمد ملی و مخارج ملی به گونه‌ای که مبادلات میان بخشهای مختلف اقتصادی را در زمان معین نشان بدهد.
Prize Money	حصه از غنیمت	Final Accounts	حسابهای نهایی
Credit-tranche Positons	حصه اعتباری	Real Accounts	حسابهای واقعی
Give Up	حصه دلال دوم در واسطه‌گری	Loan Accounts	حسابهای وام
Round Lot	حصه سراسر	Tax and Loan Accounts	حسابهای وام و مالیات
Gold Tranche	حصه طلا	Cost Accounts; Expense	حسابهای هزینه
Proprietors' Stake	حصه مالک	Accounts	
Trough	حوض	Contingent Account	حساب هزینه اتفاقی
	پایین‌ترین سطح فعالیت‌های اقتصادی در یک دور تجاری پس از دوره انقباض و پیش از دوره بهبود.	Cost-benefit Calculus	حساب هزینه - فایده
Keep	حفاظت	Contingent Account	حساب هزینه فوق‌العاده
Sefeguarding of Industry	حفاظت از صنعت	Revolving Charge	حساب هزینه گردان
Lashing	حفاظت از کالا	Account	
Soil Conservation	حفاظت زمین	Revolving Charge Account	حساب هزینه متغیر
Industrial Handling	حفاظت صنعتی	Memorandum Account	حساب یادداشتی
Conservation	حفاظت منابع طبیعی	Debit	حسابی را بدهکار کردن
Tax Shelter	حفاظت مالیاتی	Absorption Account	حساب یک کاسه
Income Maintenance	حفظ درآمد	Sensitivity	حساسیت
Maintaining	حفظ سرمایه به صورت	Cyclically Sensitive	حساسیت ادواری
Capital Intact	دست نخورده	Interest Sensitive	حساسیت بهره
Holding the Line	حفظ سطح قیمت	Promotional Elasticity	حساسیت ترقی
Maintenance of Membership	حفظ عضویت	Income Elasticity	حساسیت درآمد
Price Maintenance	حفظ قیمت	Cyclically Sensitive	حساسیت دوری
Retail Price	حفظ قیمت خرده‌فروشی	Elasticity of Supply	حساسیت عرضه
Maintenance		Price-sensitive	حساسیت قیمت
		Cross Elasticity	حساسیت متقابل
		Intuition	حسن بینش

R.P.M. نشانه اختصاری آن است.

Demurrage (در گمرک)	حق الارض کالای عبوری	Resale Price	حفظ قیمت خرده فروشی
Bonus; Royalty	حق الامتیاز	Maintenance	
Copyright	حق التألیف	Conservation of	مصطلح در ایالات متحد.
Statutory Copyright	حق التألیف قانونی	Exhaustible Resources	حفظ منابع تمام شدنی
Registration Fee	حق الثبت	Labour Hoarding	حفظ نیروی کار
	وجهی است که دولت بابت ثبت املاک، حق اختراع، نام تجاری و جز اینها از تقاضاکننده دریافت می‌دارد.	Holding the Line	حفظ وضع موجود
Emolument	حق الزحمه	Right	حق
Front End Fee	حق الزحمه ابتدائاً پرداختی	Pollution Right	حق آلودگی
Contingent Fees	حق الزحمه احتمالی		این حق در برابر صدور پروانه به آلودکنندگان محیط زیست دریافت می‌شود.
Survey Fees	حق الزحمه بازدید	Call-in Pay	حق «آماده به خدمت»
Procurator Fee	حق الزحمه تحصیل وام	De jure	حقاً
Promotion Money	حق الزحمه راه‌اندازی	Water Right	حقابه
Fee Simple	حق الزحمه ساده		همان حق الشرب و وجهی است که زارعان بابت استفاده از آب رودخانه به دولت می‌پردازند.
Exchange Charges	حق الزحمه مبادله	Patent	حق اختراع
Fee Simple	حق الزحمه متعارف	Lien	حق ادای خسارت
Fee Simple	حق الزحمه معمولی	Right of Easement Ring	حق ارتفاق
Survey Fees	حق الزحمه ممیزی	Easement of Necessity	حق ارتفاق ضروری
Cloak Room Fee	حق الزحمه نگهداری سپرده‌ها و امانات	Servitude	حق ارتفافی
Pilotage	حق الزحمه هدایت کشتی	Easement in Gross	حق ارتفافی به‌طور کلی
Contributory	حق السهم	Easement Appendant;	حق ارتفافی پیوسته
Brassage; Mintage	حق الضرب	Easement Appurtenant	
Seigniorage	حق الضرب سکه	Easement in Gross	حق ارتفافی روی هم رفته
Commission; Factorage	حق العمل	Legacy Duty	حق ارث
	همان کارمزد است.	Frank	حق ارسال رایگان مواد و کالا توسط پست
Bank Commission	حق العمل بانک	Seniority Right	حق ارشدیدت
Commission Agent;	حق العمل کار	Franchise	حق استفاده از اسم تجاری
Commissioner; Middleman		Gold-tranche Position	حق استفاده از حصه طلا
Floor	حق العمل کارگزاری تالار (بورس)	Right of Appeal	حق استیناف
Brokerage Commission		Subscription	حق اشتراک
Factorage	حق العمل کاری	Ground Rent	حق الارض

Chose in Possession	حق بالفعل	Commission	حق‌العمل واسطه معاملات بازرگانی
Chose in Action	حق بالقوه	Broker	
Banker's Lien	حق بانکدار به حبس	Honorarium	حق‌القدم پزشک
Special Drawing Right	حق برداشت مخصوص	Honorarium	حق الوکاله
	نوعی پول بین‌المللی است که صندوق بین‌المللی پول ایجاد کرده و به کشورهای عضو دارای کسری تراز پرداختها با رعایت شرایطی تخصیص داده است. نشانه اختصاری آن S.D.R. است.	Power to Refuse	حق امتناع از عضویت
Reversion	حق برگشت ملک به واگذارنده	Membership	
Oil Rights	حق بهره‌برداری نفت	Privilege; Royalty	حق امتیاز
Assurance Premium; Insurance Premium; Premium	حق بیمه		مترادف با پرداخت مشخص، و اساساً عبارت است از سهمی که در برابر استفاده از منابع طبیعی به مالک آن پرداخته می‌شود.
	وجهی که بیمه‌گذار در برابر جبران خسارت مورد تعهد به بیمه‌گر می‌پردازد.	Bailee's Lien	حق امین به حبس ودیعه
Earned Premium	حق بیمه استحصالی	Cellarage; Storage; Warehousing Charges	حق انبارداری
Restoration Premium	حق بیمه اصلاحی	Option	حق انتخاب
Additional Premium	حق بیمه اضافی	Share Option	حق انتخاب سهم
Restoration Premium	حق بیمه اولیه	Net Option	حق انتخاب صریح
Return Premium	حق بیمه برگشتی	Seller's Option	حق انتخاب فروشنده (بورس)
Renewal Premium; Restoration Premium	حق بیمه تجدیدی	License to Assign	حق انتقال
		Prerogative	حق انحصار
Instalment Premium	حق بیمه تقسیمی		وجهی که دولت بابت واگذاری حق انحصاری خود دریافت می‌دارد.
Divided Coverage	حق بیمه تقسیم‌شده	Patent	حق انحصاری اختراع
Renewal Premium	حق بیمه تمدیدی	Exclusive	حق انحصاری به فروش کارگزاری
Level Premium	حق بیمه ثابت	Right to Sell Listing	
Restoration Premium	حق بیمه حالت اولیه	Wharfage	حق باراندازی
Net Premium; Pure Premium	حق بیمه خالص	Equity of Redemption	حق بازپس‌گیری
		Retirement Allowance	حق بازنشستگی
Risk Premium	حق بیمه خطر		حقی که کارفرما به کارکنان خود پس از بازنشستگی مستمراً می‌پردازد.
Received Premium	حق بیمه دریافتی	Non-contributory Pension	حق بازنشستگی بدون سهمیه مشارکتی
Disability Premium Waiver Insurance	حق بیمه در صورت از کارافتادگی	Non-contributory Pension	حق بازنشستگی تسهیم نشده
Rate	حق بیمه را معین کردن		

Attorney's Lien	حق تصرف وکیل مدعی	Annual Premium	حق بیمه سالانه
Right to Sue	حق تعقیب (قانونی)	Deposit Premium	حق بیمه سپرده
Subscription Right	حق تعهد	Natural Premium	حق بیمه طبیعی
Undivided Right	حق تفکیک ناپذیر	Renewal Premium	حق بیمه مجدد
Preferential Rights	حق تقدم	Outstanding Premium	حق بیمه معوقه
Preemption Right	حق تقدم خرید	Divided Coverage	حق بیمه منقسم
	و آن امتیاز اعطایی به سهامداران قدیمی برای خرید سهام جدید به نسبت میزان سهام خود به قسمتی کمتر از دیگران است.	Office Premium	حق بیمه ناخالص
Copyright	حق تقلید	Unearned Premium	حق بیمه نامکتسب
Stamp Duty	حق تمبر	Gross Net Premium	حق بیمه ویژه ناخالص
	یکی از شکلهای قدیمی مالیات به صورت خرید تمبر و الصاق آن به اسناد است.	Level Premium	حق بیمه هم سطح
Capital Duty	حق تمبر بر سهام یک شرکت محدود	Subscription Right	حق پذیره نویسی
Possessory Title	حق تملک	Right of Appeal	حق پژوهش (در حقوق)
Estate in Fee Sample	حق تملک دایمی	Copyright	حق تألیف
Estate in Fee Tail	حق تملک غیردایمی	Security Interest	حق تأمین
Marketable Title	حق تملک قابل فروش	Put	حق تحویل دهی مؤجل
Patent	حق ثبت اختراع	Eminent Domain	حق تسلط
	حق انحصاری استفاده از یک اختراع یا اکتشاف به مدت معین برای فردی است که به آن دست یافته است.	Bailee's Lien	حق تصرف امانت گذار
Land Patent	حق ثبت شده زمین	Carrier's Lien	حق تصرف باربر
	وجهی است که متقاضی گشایش اعتبار اسنادی پس از تشخیص درستی این اعتبار از سوی بانک ذیربط باید برای واردات مطابق قانون پرداخته شود.	Vendor's Lien	حق تصرف خریدار
«Peaceful Picketing»	حق جلوگیری مسالمت آمیز از کار	Mechanic's Lien	حق تصرف خود به خود
Copyright	حق چاپ	Lien on Shares	حق تصرف سهام
Bargaining Right	حق چانه زنی	Factor's Lien	حق تصرف عامل
Eminent Domain	حق حاکمیت و تسلط بر اموال	Seller's Lien	حق تصرف فروشنده
Domain	اتباع خارجه	General Lien	حق تصرف کلی
		Equitable Lien	حق تصرف مال به حکم دادگاه انصاف (در انگلیس)
		Ejectment	حق تصرف ملک و مطالبه خسارات
		Equitable Lien	حق تصرف منصفانه
		Hotel Lien	حق تصرف مهمانخانه
		Innkeeper's Lien	حق تصرف مهمانخانه دار
		Agent's Lien	حق تصرف نماینده
		Right of Lien	حق تصرف (وثیقه)
		Lien	حق تصرف وثیقه

Public Domain	حق عام	Bailee's Lien	حق حبس امین
Right of Way; Road Haulage	حق عبور	Particular Lien	حق حبس ویژه
Subscription Fee	حق عضویت	Condominium	حق حکومت مشترک
Trade Union Dues	حق عضویت در اتحادیه کارگری	Put of More (Put O' More)	حق خریدار سهام به دو برابر مبلغ
Chose in Possession	حق عینی	Warrant	حق خرید بیشتر
Stallage	حق غرقه	"Rights" Issue	حق خرید سهام جدید
Undivided Right	حق غیر قابل تقسیم	Eminent Domain	حق خرید و تملک اراضی و املاک
Selling-out	حق فروش به دیگری		
Put and Call	حق فروش و خرید سهام		حق دولت به تصاحب اموال خصوصی حتی بر
De jure; Prerogative	حق قانونی		رغم میل مالک آن برای استفاده در جهت منافع
Right of Way	حق گذر		مردم.
Lien	حق گروی	Trackage	حق خطوط راه آهن به استفاده از
Contingent Duty	حق گمرکی احتمالی	Right	خطوط شرکتهای دیگر
Berthage; Groundage; Harbour Due; Keelage; Quayage; Wharfage	حق لنگراندازی	Brokerage	حق دلالی
		Overrider Commission	حق دلالی فوق العاده
Dominium; Property Right; Title	حق مالکیت	Chose in Action	حق دینی
	اختیار قانونی در تصاحب منابع و کالا و نیز استفاده از آنها.	Right of First Refusal	حق رجحان
Tax Title	حق مالکیت ناشی از مالیات	Lien	حق رهن
Chose in Action	حق مالکیت نسبت به اموال منقولی که در تصرف شخص نیست (مانند سهام)	Incumbrance	حق رهن یا حبس نسبت به مال غیر منقول
Equity	حق مالی	Registration Fee	حق سفارش
Management Fee	حق مالی مدیریت	Philadelphia Stock Right	حق سهم فیلادلفیا
Piscary	حق ماهیگیری	New York Stock Right	حق سهم نیویورک
Domiciliation (Fee)	(حق) مبداء	Jus Tertii	حق شخص ثالث
«Franchise»; Privilege	حق مخصوص	Preemption Right	حق شفعه
Tenant Right	حق مستأجر	Equity	حق صاحبان مؤسسه تولیدی
De jure	حق مشروع	Right	حق صاحب سهام به خرید سهام شرکت به قیمت ارزان تر
Senior Lien	حق مقدم تصرف وثیقه	Premium	حق صرافی
Easement	حق ملک در نحوه استفاده از ملک	Right of Seizure	حق ضبط
		Marine Lien	حق ضبط بحری
		Copyright	حق طبع

Port Dues	حقوق بندری	Headright	حق مهاجرت
Unemployment Compensation	حقوق بیکاری	Copyright	حق مؤلف
Workmen's Compensation	حقوق بیکاری کارگران	Right of Representation	حق نمایندگی
Conversion Rights	حقوق تبدیل	Brokerage	حق واسطه‌گری
Discriminating Duty	حقوق تبعیضی گمرک	Entrance Fee	حق ورود
Law Merchant	حقوق تجارت	Keelage	حق ورود کشتی به بندر
Mercantile Law	حقوق تجاری	Factor Payments; Law; Salary; Stipend	حقوق
Conversion Rights	حقوق تسعیر	Dock Dues; Harbour Dues	حقوق اسکله
Vacation Pay	حقوق تعطیلی	Pollution Rights	حقوق آلودگی
Application Rights	حقوق تعهد	Patent Rights	حقوق اختراع
Regular Salary	حقوق ثابت	Easement Appendant	حقوق ارتفاقی وابسته
Registration Dues	حقوق ثبت	Superannuation	حقوق ازکارافتادگی
Arbitration Fees	حقوق حکمیت	Overtime Pay	حقوق اضافه کار
Excise and Protective Duties Customs	حقوق حمایتی	Supplementary Petroleum Duty	حقوق اضافی نفتی
Conveyance Duty	حقوق حمل	Conveyance Duty	حقوق انتقال
Stock Rights	حقوق خرید سهام جدید	Vacation Pay	حقوق ایام مرخصی
Maritime Law	حقوق دریایی	Wharf Dues	حقوق بارانداز
Stipend	حقوق سالانه	Wharfage	حقوق باراندازی
Owners' Equity	حقوق صاحبان سرمایه	Commercial Law; Law Merchant	حقوق بازرگانی
	مترادف است با ارزش ویژه و آن مزاد دارایی یک شرکت است بر بدهی او.	Pension	حقوق بازنشستگی
Owner's Equity	حقوق صاحبان سهام	Supplementary Pension	حقوق بازنشستگی اضافی
Conveyance Duty	حقوق صلح	Drawings Rights	حقوق برداشت
Special Fund Rights	حقوق صندوق ویژه	Special Drawing Rights	حقوق برداشت مخصوص
Natural Rights	حقوق طبیعی		
Common Law	حقوق عرف		
Common Law	حقوق عرفی (حقوق کشورهای انگلوساکسون)		حقوق اعضای صندوق بین‌المللی پول است. در این صندوق همان حقوق برداشت مخصوص است.
Vested Interests	حقوق قانونی	Special Drawing Rights	حقوق برداشت ویژه
Wages	حقوق کارگر	Salaried	حقوق بگیر
Navigation Dues	حقوق کشتیرانی	Pay-roll	حقوق بگیران

Common Law	حقوق مؤلف در حقوق عرفی	Custom Duties; Customs	حقوق گمرکی
Copyright		Contingent Duty	حقوق گمرکی احتمالی
Natural Rights	حقوق نظری	Retaliatory Tariff	حقوق گمرکی انتقامی
Secondary Power	حقوق و اختیار دست دوم	Ad Valorem	حقوق گمرکی برحسب ارزش کالا
Conveyance Duty	حقوق واگذاری	Duty	
Rights	حقوق و امتیازات تعهد پرداخت (بورس)	D.D.P.	حقوق گمرکی پرداخته شده
Estate duty	حقوق وراثت	Differential Duties	حقوق گمرکی تبعیضی
Protective Duties	حقوق و عوارض حمایتی	Discriminatory Duty	همان است و آن حقوق گمرکی خاص که ورود کالای معین یا واردات از کشور مشخص را تشویق کند.
Excise and Protective Duties Customs; Import Duties	حقوق و عوارض گمرکی	Prohibited Duty	حقوق گمرکی تحدیدی
Pay	حقوقی		نرخ بالای تعرفه‌های گمرکی که واردات کالایی را محدود می‌سازد.
Market Jobbery	حقه‌بازی بورس	Preferential Duty	حقوق گمرکی ترجیحی
Honorarium	حق یا مزد آموزگار	Retaliatory Tariff	حقوق گمرکی تلافی‌جویانه
Truth in Lending	حقیقت در اعطای وام	Countervailing Duty	حقوق گمرکی جبرانی
Arbitrator	حکم		حقوقی گمرکی بر کالاهای وارداتی که به صادرکنندگان آنها کمک مالی بلاعوض یا جایزه صادراتی پرداخته می‌شود.
Judgment Note	حکم اثبات دین	Countervailing	حقوق گمرکی جبرانی بر کالاهای داخلی
Fieri Facias	حکم اجرا	Excise Duty	حقوق گمرکی (در جمع)
Value Judgment	حکم ارزشی	Custom	حقوق گمرکی قابل انتقال و فروش
	نظری که قابل اثبات با واقعیات نباشد.	Alien Duty	حقوق گمرکی متقابل
Presumption	حکم از روی ظن و دلیل	Retaliatory Tariff	حقوق گمرکی ورودی
Declaratory Judgment	حکم اشعاری	Import Duty (Duties)	حقوق گمرکی امتیازی
Receiving Order	حکم انتصاب مدیر تصفیه	Preferential Duty	حقوق گمرکی ترجیحی
Garnishment	حکم تأمین خواسته	Preferential Duty	حقوق لنگراندازی
Garnishment	حکم تأمین مدعی به	Birthage	حقوق مالکیت
Consent Decree	حکم تراضی	Property Rights	حقوق مالکیت صنعتی
Stay Law	حکم تعلیق	Industrial Property Rights	
Order for Foreclosure	حکم تملیک	Minority Interest	حقوق مالی اقلیت
Garnishee Order	حکم دادگاه مبنی بر توقیف دارایی مشتریان نزد بانکها	Author's Royalties; Copyright	حقوق مؤلف
General Proposition	حکم عام		
General Proposition	حکم کلی		
Problematic Proposition	حکم مشکوک		
Decree Nisi	حکم موقتی		

Carriage	حمل	Adjudication in	حکم ورشکستگی
Shipping	حمل باکشتی	Bankruptcy; Bankruptcy Note	
Partial Shipment	حمل به دفعات	Award	حکم هیئت داورى
Partial Shipment	حمل در چند نوبت	Arbitrage; Arbitration	حکمت
Overland Transport	حمل زمینی	Compound Arbitrage	حکمت مرکب
Phantom Freight	حمل غیر واقعی	Revise	حک و اصلاح کردن
Prompt Shipment	حمل فوری	Officialism	حکومت اداری
Part Shipment	حمل قسمتی از کالا	Paternalism	حکومت پدرشاهی
Containerization	حمل کالا در مخزن	Totalitarian	حکومت تک حزبی
Carrier	حمل کننده	Plutocracy	حکومت ثروتمندان
Shipper	حمل کننده کالا (با کشتی)	Corporate State	حکومت صنفی
Road Haulier	حمل کننده کالا از طریق جاده	Local Government	حکومت محلی
Reconsignment	حمل مجدد	Condominium	حکومت مشترک
Drop Shipment	حمل مستقیم کالا از تولیدکننده به خریدار بدون واسطه	Cumulative Inflation Threshold	حزون و آرد تورم انباشتی
Phantom Freight	حمل واهی	Actuarial Profit	حل مسائل پولی سود
Forwarding; Transport	حمل و نقل	Protection	حمایت
Combined Transport	حمل و نقل ترکیبی	Official Support	حمایت رسمی
Intermodal Transport; Multimodal Transport	حمل و نقل چند نوعی	Sefeguarding of Industry	حمایت صنعت
Domestic Transport	حمل و نقل داخلی	Price Support	حمایت قیمت
Freight; Sea Carriage	حمل و نقل دریایی		سیاستی برای جلوگیری از کاهش قیمت به زیر سطح کمیند معین.
Deadheading	حمل و نقل رایگان	Farm Price	حمایت قیمت کشاورزی
Cabotage	حمل و نقل ساحلی	Supports	
Physical Distribution	حمل و نقل کالا	Protect	حمایت کردن
Haulage	حمل و نقل کالا از جاده	Protectionist	حمایت گرا
Head and Business	حمل و نقل کالا به وسیله پست و وسیله سریع همراه مسافر	Protectionist	حمایت گران
Freight Traffic	حمل و نقل کالاهای تجاری	Protectionalism;	حمایت گرایى
Ship	حمل و نقل کردن	Protectionism	
Deadheading	حمل و نقل مجانی	Tax Shelter; Tax Shield	حمایت مالیاتی
Direct Shipment; Door to Door; One Way Transport	حمل یکسره	Protection and Indemnity Clause	حمایت و شرط تضمین خسارت یا بیمه
		Protective	حمایتی

Advance Hote; Imprest Bill	حواله پیش پرداخت	Draft; Order; Remittance	حواله
T.A.B.	حواله پیش پرداخت مالیات		سند انتقال بدهی به شخص دیگر به شرط آن که طلبکار بپذیرد.
Tax Anticipation Warrant	حواله پیش پرداخت مالیات	Rain Cheque	حواله آتی
	نشانه اختصاری آن T.A.B. است.	Foreign Draft; Payment Order	حواله ارزی
Bill of Imprest	حواله پیش دریافت		در تجارت بین‌المللی، دستور پرداخت به ارز معین که به درخواست متقاضی (واردکننده کالا) یک بانک داخلی برای بانک کارگزار خود در خارج می‌فرستد تا مبلغ معینی را به ارز معین به ذینفع بپردازد.
New Order	حواله تازه	Ware-house Warrant	حواله انبار
Cable Transfer; Wire Transfer	حواله تلگرافی		W/W نشانه اختصاری آن است.
Telegraphic Money Order	حواله تلگرافی پول	Banker's Bill; Banker's Draft	حواله بانکدار
Now Accounts	حواله حسابهای قابل برداشت	Bank Bill; Bank Draft;	حواله بانکی
Negotiable Order of Withdrawal Accounts	نشانه اختصاری Withdrawal Accounts است.	Bank Money Order; Cashier's Cheque	
Foreign Draft	حواله خارجی		در تجارت بین‌المللی، دستور پرداخت کتبی، تلگرافی، تلکس، فاکس از سوی یک بانک به یکی از کارگزاران خود در خارج برای پرداخت مبلغ معینی ارز به ذینفع.
Order Buying	حواله خرید	Overdraft	حواله بیش از سپرده
Stock Warrant	حواله خرید سهام	Delegant	حواله بدهکار به بستانکار
T. Bill	حواله خزانه	Delegation	حواله بدهی در برابر بستانکار
Renewal Bill (of Exchange)	حواله دوباره	Negotiable Order of Withdrawal	حواله برداشت قابل معامله
Accommodation Draft	حواله دوستانه		
Debenture	حواله دولتی	Long Draft	حواله بلندمدت
Bearer Debenture	حواله دولتی بی‌نام	Interest Warrant	حواله بهره
Sight Bill	حواله دیداری	Overdraft	حواله بی‌محل و اعتباری
Overdraft	حواله زاید	Mail Order; Postal Order	حواله پستی
Order Form	حواله سفارش	P.O. Post یا Postal Order	P.O. نشانه اختصاری Post Office است.
Demand Bill	حواله عندالمطالبه		
Banker's Order	حواله عهده بانک	Money Order; Postal Giro	حواله پولی
Fly-power	حواله کتبی جداگانه	T.M.O.	حواله پولی تلگرافی
Order of Draw	حواله کرد		نشانه اختصاری Telegraphic Money Order است.
	O/O نشانه اختصاری آن است.		
Assign	حواله کرد شخصی		
Drawer	حواله کردن		
	حواله کننده		

Receiving Note	حیله در تأدیة مالیات	حواله گیرنده
Assignee (of a Debt)	حیله در تأدیة مالیات	حواله گیرنده (یک دین)
Tax Warrant	حیله در تأدیة مالیات	حواله مالیات
Month Order	حیله در تأدیة مالیات	حواله ماهانه
Accommodation Draft	حیله در تأدیة مالیات	حواله مبادله
Redraft	حیله در تأدیة مالیات	حواله مجدد
Time Bill; Time Draft	حیله در تأدیة مالیات	حواله مدت دار
Accommodation Draft	حیله در تأدیة مالیات	حواله مرافقتی
Cash Order	حیله در تأدیة مالیات	حواله نقد
Advance Note	حیله در تأدیة مالیات	حواله مساعده
Social Wants	حیله در تأدیة مالیات	حوایح اجتماعی
Sterling Area	حیله در تأدیة مالیات	حوزه استرلینگ
	حیله در تأدیة مالیات	اتحادیة کشورهای دارای پولهای غیرقابل تبدیل که
	حیله در تأدیة مالیات	چنان سیاستهای پولی و بازرگانی را گسترش داده اند
که میان خودشان مساعد ولی نسبت به دیگر	حیله در تأدیة مالیات	
کشورها تسبیض آمیز است و خزانة مشترک	حیله در تأدیة مالیات	
اندوخته های اعضای حوزه است.	حیله در تأدیة مالیات	
Confidence Interval	حیله در تأدیة مالیات	حوزه اطمینان
Free Trade Area	حیله در تأدیة مالیات	حوزه تجارت آزاد
Dollar Area	حیله در تأدیة مالیات	حوزه دلار
Scope	حیله در تأدیة مالیات	حوزه رسیدگی
Sales Territory	حیله در تأدیة مالیات	حوزه فروش
Federal Reserve Districts	حیله در تأدیة مالیات	حوزه های فدرال رزرو
Actual Possession	حیله در تأدیة مالیات	حیازت واقعی
Universe	حیله در تأدیة مالیات	حیطه (در اصطلاح نمون برداری)
Span of Control	حیله در تأدیة مالیات	حیطه نظارت
Tax Evasion	حیله در تأدیة مالیات	حیله در تأدیة مالیات



Net Present Value	خالص ارزش حال	Scab	خائن به اعتصاب
Net Borrowed	خالص اندوخته‌های استقراضی	Public Servant	خادم ملت
Reserves		Off-balance Sheet	خارج از ترازنامه
Net Yield Maturity	خالص بازده تا سررسید	Nonquota	خارج از سهمیه
Net Cumulative	خالص تخصیص انباشتی	Location Quotion	خارج قسمت مکانی
Allocation			معیار آماری گویای این واقعیت که وضع فعالیت خاص در یک منطقه نسبت به کل اقتصاد بالاتر یا پایین‌تر است. همان بهر اقتصادی است.
Net Capital Formation	خالص تشکیل سرمایه	Acid	خارج قسمت وجوه نقدی و اسناد بهادار و
Net Cash Flow	خالص جریان نقدی	Test Ratio	حساب بدهکاران به جمع بدهیها
	عایدی نقدی ناخالص در یک سال منهای سودی که در همان سال توزیع شده است.		ضریب قدرت پرداخت یا سنجش میزان نقدینگی است.
Net National Outlay	خالص خرج ملی	Intelligence Quotient	خارج قسمت هوشی
Net Asset	خالص دارایی	(I.Q.)	شاخص هوش است.
	فزونی دارایی به ارزش دفتری یک شرکت بر بدهیها در سال معین.	Denationalization	خارج کردن از تابعیت
Net Current	خالص دارایی جاری تنخواه‌گردان	Non-resident Alien	خارجی غیرمقیم
Asset		Divisibility	خاصیت بخش پذیری
Net Equity Assets	خالص داراییهای سهمی	Associativity	خاصیت ترکیب پذیری
Net Property	خالص درآمد دارایی از خارج	Essentiality	خاصیت حیاتی بودن
Income from Abroad		Additivity	خاصیت قابل جمع بودن
	تفاوت میان کل مبالغ سود، سود سهام و بهره‌ای که به خارج پرداخته و از خارج دریافت می‌شود.	Associativity	خاصیت یک کاسگی
		Net; Pure	خالص

Housing; Residential Construction	خانه‌سازی	Net Factor Income from Abroad	خالص درآمد عامل از خارج کشور
Public Housing	خانه‌سازی عمومی	Net National Income	خالص درآمد ملی
Keep House	خانه‌نشین شدن از دست طلبکاران	Takehome Pay	خالص دریافتی
Advertisement	خبر	Net Barter Terms of Trade	خالص رابطه مبادله پایا
Proficiency	خبرگی	Net Foreign Investment	خالص سرمایه‌گذاری خارجی
Lloyd's List	خبرنامه لویدز	Net	خالص سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی
Expert	خبره	Private Domestic Investment	خالص سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی
Journeyman	خبره‌کار	Net Exports	خالص صادرات
Estimator	خبره قیمت	Net Cash Flow	خالص عایدی نقدی
Services	خدمات	Netting	خالص کردن
Social Services	خدمات اجتماعی	Residue; Residuum	خالص ماترک
Export Intelligency	خدمات اطلاعات صادراتی	Land State	خالصه
Socialized Medicine	خدمات بهداشتی اجتماعی		در ایران به معنای وسیع اراضی متعلق به دولت است که درآمد آن عاید دولت می‌گردد.
Socialized Medicine	خدمات بهداشتی همگانی	Public Domain	خالصه دولت
State Medicine	خدمات پزشکی دولتی	Vacancy Rate	خالی ماندن مورد بیمه
State Medicine	خدمات پزشکی عمومی		نسبت محل خالی شاخص تقاضای نیروی کار به نرخ دستمزد جاری است.
After Sales Service	خدمات پس از فروش	Sales Lady	خانم فروشنده
Youth Employment Service	خدمات تربیتی برای استخدام جوانان	Family	خانواده
«Composite» Office	خدمات ترکیبی	Household	خانوار
Agricultural Extension Services	خدمات ترویج کشاورزی		فرد یا گروهی از افراد که داوطلبانه با یکدیگر زندگی می‌کنند و در تهیه غذا و مدیریت خانه مشترک و هم‌خرج باشند.
Capital Services	خدمات سرمایه‌ای	Home Stead	خانه با متعلقات
Consolidated Fund Services	خدمات صندوق تلفیقی	Cell	خانه (در جدول توافق)
Accessorial Services	خدمات ضمنی	Home Stead	خانه رعیتی
Public Services of Government	خدمات عمومی دولت		
Public Utilities	خدمات عمومی رفاهی		
Nonfactor Services	خدمات غیرعامل		
Youth Employment Service	خدمات کاربایی جوانان		

Private Placement	خرج خصوصی در دارایی اسنادی	Management Services	خدمات مدیریت
Costs	خرج (در جمع)	Joint Services	خدمات مشترک
Annual Expense	خرج سالانه	Through Bookings	خدمات مقاطعه‌ای
Unproductive Expenditure	خرج غیرتولیدی	Service	خدمت
Pay-out; Spend	خرج کردن	Servitude	خدمت اجباری
Tax Expenditure	خرج مالیات	Piggy-back Service	خدمت بدون اجرت
Revenue Expenditure	خرج محض	Unpaid Service	خدمت بی‌پول
Recoverable Expenditure	خرج مستردشدنی	Unpaid Service	خدمت بی‌موجب
Direct Placement	خرج مستقیم سرمایه	Unpaid Service	خدمت رایگان
Consumer Expenditure	خرج مصرف‌کننده	Ownership of Dwellings	خدمت ساختمانهای مسکونی
Consumption Expenditure	خرج مصرفی	Self-serve	خدمت سرخود
Weekly Allowance	خرج هفته	Serve	خدمت کردن
Other Income or Expense	خرج یا درآمدهای دیگر همان مهاجرت جمعی است.	Off-peak Service	خدمت کمتر از حداعلی
Micro-computer	خرد رایانه	Indentured	خدمتگذار قراردادی
	همان ریزرایانه است.	Servant	
Conventional Wisdom	خرد عادی	Indentured	خدمتگذار مشمول قرار و مدار
Share Splitting; Split-down;	خرد کردن سهام	Servant	
Split-up; Stock Split		Destructive	خراب‌سازنده
Splitting	خردکننده	Destructible	خراب‌شدنی
Rationalism	خردگرایی	Sabotage	خرابکاری
Conventional Wisdom	خرد معمولی	Destroy	خراب کردن
Small Seal Peasant	خرده‌اجاره‌داری دهقانی	Destruction	خرابی
Tenancy		Haberdasher	خراز
Small Seal Peasant	خرده‌اجاره‌داری روستایی	Haberdasher	خرازی فروش
Tenancy		Haberdashery	خرازی فروشی
Retail Banking	خرده بانکداری	Flush of Money	خر پول
Pedlary	خرده ریز	Job Lot; Pedlary	خرت و پرت
Chapman; Hawker; Peddler;	خرده‌فروش	Outlay	خرج
Peddler; Retail; Retailer; Retail Dealer;		Dissaving	خرج از پس انداز
Retailing; Retailment		Deficit Spending	خرج باکسری
فروش تمامی فروشندگانی که کالاهای خود		Deficit	خرج بیشتر از دخل
		Spending for Output	خرج تولید

Customer	خریدار دائمی	را مستقیماً به مصرف‌کننده عرضه می‌دارند.
Call	خرید (در بورس)	خرده‌فروشی (ایالات متحد)
Bargainee	خریدار در بیع شرط	Maintenance Agreement
Institutional Buyer	خریدار سازمانی	Small Business
Order Buyer	خریدار سفارش	Small Holder
Giver for a Call	خریدار سهام مشروط	Odd Lot
Institutional Buyer	خریدار نهادی	Satisfaction
Marginal Buyer	خریدار نهایی	Exodus
Special Buyer	خریدار ویژه	همان مهاجرت جمعی است.
Customer	خریدار همیشگی	Retirement
Purchase	خریداری	Induced Cash Drain
Quota Buying	خریداری سهمیه	Induced Cash Drain
Seller of a Put Option	خریدار یک امتیاز فروش (بورس)	Net Cash Drains;
Buyer of a Call Option; Taker for a Put	خریدار یک جایزه غیرمستقیم	Net Currency Drain
Buying on Margin; Marginal Trading	خرید اسناد به اعتبار عین اسناد	Capital Outflow; Out
Over-bought	خرید افراطی	Flow of Capital
Installment Buying; Installment Credit; Installment Purchase	خرید اقساطی	Procurement; Shopping
Hire Purchase	خرید اقساطی (بد شرط تملک)	Purchase
Portfolio Investment	خرید اوراق بهادار	Futures Exchange
Initial Margin	خرید اولیه سهم نسبه	همان سلف است.
Open Market Purchase	خرید بازار باز	Hire Purchase
Preclusive Buying	خرید بازدارنده	Compulsory Purchase
Impulse Buying	خرید بدون برنامه‌ریزی	Sales Prospect
Bull the Market	خرید بدون موجودی پول	Purchaser; Shopper; Take-in,
Bull	خرید بدون وثیقه	Taker; Vendee
Bull Purchase	خرید بدون وثیقه (اصطلاح بورس)	Taker
		Taker of an Option
		Taker
		for a Put of More
		Stag
		Assurance Taker
		Giver of Option Money
		To be in Demand

Bulk Buying	خرید عمده	Taking	خرید برای آینده به قیمت
Matched Sale-purchase Transactions	خرید - فروش جور	for the Call	مناسب (بورس)
Bulk Buying	خرید فله	Purchaser for Value	خرید به ارزش واقعی
Fixed Purchase	خرید قطعی	Lay-away Plan	خرید به اقساط قبلی
Minimum	خرید کالا با رعایت حداقل	Impulse Buying	خرید بی مقدمه
Inventory Buying	موجودی انبار	Fixed Purchase	خرید ثابت
Bargain	خرید کالا به قیمت مناسب	Preclusive Buying	خرید جلوگیری کننده
Shop	خرید کردن	Lump-sum Purchase	خرید چکی
Coemption Buying	خرید کل محصول	Support Buying	خرید حمایتی
Basket Purchases	خرید کلی بدون محاسبه جزئیات	Net Purchase	خرید خالص
Lump-sum Purchase	خرید کلی و روی هم بدون جزئیات	Automated Purchasing	خرید خودکار
Corner of the Market	خرید کلی و یکجا	Bulk Purchases	خرید دراز مدت
Buying Dear and Selling Cheap	خرید گران و فروش ارزان	Over-bought	خرید زاید
Counter Purchase; Cross Purchase; Reciprocal Buying	خرید متقابل	Over-bought	خرید زیاده
Preclusive Buying	خرید محروم کننده	Basket Purchases	خرید سرهم
Payment in Lieu of Leave	خرید مرخصی	Dawn Raid	خرید سریع صبحگاه
Conditional Purchase	خرید مشروط	Order Buying	خرید سفارش
Fixed Purchase	خرید مقطوع	Forward Purchase; Forward Purchasing	خرید سلف
Repeat Purchasing	خرید مکرر	Covering	خرید سهام برای تأمین فروش سلف
Negotiated Purchase	خرید مورد توافق	Short	
Buy	خریدن	Bond Washing	خرید سهام پس از تقسیم سود
Impulse Buying	خرید ناگهانی	Give for the Call	خرید سهام رو به ترقی
Buy by the Lump	خریدن بدون بسته بندی	Sub	خرید سهام فروخته نشده یک شرکت
Buy Firm	خریدن قطعی	-underwriter	
Take for a Call	خرید نسبه سهم	Stock Purchase	خرید سهم
Cash Purchase; Spot Purchase	خرید نقد	Short	خرید سهم برای تأمین فروش های سلف
Marginal Purchase	خرید نهایی	Covering	
Purchase and Leaseback	خرید و اجاره مجدد	Management	خرید سهم به توسط مدیریت
		Buyout	
		Buy Out	خرید سهم دیگران
		Hand-to-mouth Buying	خرید ضروری کمینه
		Buying Long	خرید طولانی

Spot Sale	خرید یا فروش نقدی با تحویل فوری	Stock Piling	خرید و انباشت
Corner	خرید یکجا	Assimilation	خرید و تثبیت سهام
Engrossing,	خرید یکجا و خرده‌فروشی	Dealing	خرید و فروش
Forestalling and Re-grating; Re-grate		Open Trade	خرید و فروش آزاد
Give for the Call;	خرید یک جایزه	Dealing	خرید و فروش ارز
Giving for an Option		Trading Down	خرید و فروش ارزان
Exchequer; The Treasury	خزانه	Shunting	خرید و فروش ارز در دو یا چند بورس
Treasurer	خزانه‌دار	Exclusive Dealing	خرید و فروش استثنایی
Exchequer	خزانه‌داری	Credit Transaction	خرید و فروش اعتباری
Fisc	خزانه‌داری عمومی	Over-trading	خرید و فروش افراطی
Treasury General	خزانه‌داری کل	Open Outcry	خرید و فروش با صدای بلند
	محل تمرکز نقدینه دولت و دریافتها و پرداختها.	Scalp	خرید و فروش برای سود بسیار کم
Stock Purse	خزانه ذخیره	Hedge; Hedging	خرید و فروش تأمینی
Gold Pool	خزانه مشترک طلا	Put and Call	خرید و فروش سهام (در بورس)
London Gold Pool	خزانه مشترک طلای لندن	Price	
Excluded Losses	خسارات استثنائده	Stock	خرید و فروش سهم در بورسهای مختلف
Nominal Damages	خسارات اسمی	Arbitrage	
Vindictive Damages	خسارات تنبیهی	Bond Washing	خرید و فروش صوری اوراق قرضه
Excluded Losses	خسارات غیرمجاز	Buying and Selling	خرید و فروش عمده سهام
Total Losses	خسارات کلی	Large Blocks of Stocks	
Liquidated Damages	خسارات نقدی	Trading Up	خرید و فروش گران‌تر
Exemplary Damages	خسارات نمونه	Jobbing In and Out	خرید و فروش مستمر سهام
Damage	خسارت	Shop Buying	خریده‌های حرفه‌ای (در بورس)
Damnum Infectum	خسارت احتمالی	Local Purchase	خریده‌های داخلی
At Owner's Risk	خسارت به عهده صاحب کالا	Speculative Buying;	خریده‌های سفته‌بازی
Remote Damage	خسارت بعید	Speculative Purchases	
Insurance Claim	خسارت بیمه	Speculative Purchases	خریده‌های سوداگری
Damageable	خسارت‌پذیر	Local Purchase	خریده‌های محلی
Damageability	خسارت‌پذیری	Custom	خرید همیشگی از یک دکان
Consequential Damage	خسارت تبعی	Stock	خرید یا تقبل خرید سهام جدید
Damage for Breach of Contract	خسارت تخلف از قرارداد	Subscription	
		Take	خرید یا فروش با در دست داشتن نظارت
		-over Bid	

Wear and Tear	خسارت متعارف	Damnum (ولی وارد نگشته)	خسارت تهدیدشده
Average Damage	خسارت متوسط	Infectum	
Normal Wear and Tear	خسارت مجاز	Particular Average; Petty	خسارت جزئی
Direct Damage	خسارت مستقیم	Average; Petty Cash Float	
Damage for Breach of Contract	خسارت نقض قرارداد	Partial Loss (اصطلاح بیمه)	خسارت جزئی (اصطلاح بیمه)
Consequential Damages	خسارتهای غیرمستقیم	Fair Wear and Tear	خسارت حد معمول
General Average	خسارت همگانی	Particular Average	خسارت خاص
Parsimony	خست	Sea Damage	خسارت دریا
Forfeiture	خسران	Sustain a Damage	خسارت دیدن
Dry Goods; Softwares	خشکبار	Damaged	خسارت دیده
Private; Singular	خصوصی	Demurrage	خسارت دیرکرد
Man-profile; Specifications	خصوصیات	Damage	خسارت زدن
Characteristics of Underdevelopment	خصوصیات توسعه نیافتگی	Apparent Damage	خسارت ظاهری
Personal Qualifications	خصوصیات فردی	Ordinary (در بیمه دریایی)	خسارت عادی کشتی (در بیمه دریایی)
Singularity	خصوصیت	Average	
Privatization	خصوصی سازی	General Average	خسارت عام
Privatization	خصوصی کردن	General Average	خسارت عمومی
Privatization	خصوصی گردانی	Damnum Absque Injuria	خسارت غیر عمدی
یا خصوصی کردن مالکیت فروش سهم دولت در بنگاههای اقتصادی به افراد یا بنگاههای بخش خصوصی.		Damnum	خسارت غیر عمدی یا ناشی از امور
Production Possibility Line	خط امکانات تولید	Emergens	طبیعی و یا بلای ناگهانی
Consumption Possibility Line	خط امکانات مصرف	Remote Damage	خسارت غیر قابل پیش بینی
Investment Opportunity Line	خط امکان سرمایه گذاری	Remote Damage	خسارت غیر محتمل همان خسارت بعید است.
Fabrication Line	خط تولید	Consequential Damage	خسارت غیرمستقیم همان خسارت تبعی است.
Type One Type Two Errors	خطاهای نوع اول دوم	Proximate Damage	خسارت قابل پیش بینی
Probable Error	خطای احتمالی	Whole Coverage	خسارت کامل
		Total Loss	خسارت کلی
		Total Actual Loss	خسارت کلی واقعی
		Constructive Total Loss	خسارت کلی اساسی
		General Average	خسارت کلی کشتی
		Material Damage	خسارت مادی
		Trade Loss	خسارت مبادلاتی

Income-purchase Line	خط درآمد - خرید	Job Value Error	خطای ارزش شنلی
Income-offer Line	خط درآمد - عرضه	Measurement Error	خطای اندازه گیری
Iso Revenue Line	خط دریافتی برابر	Fallacy of Composition	خطای ترکیب
Hazard	خطر	Specification Error	خطای تشخیص
Primary Risks	خطرات احتمالی اصلی	Specification Error	خطای تصریح
Primary Risks	خطرات احتمالی عمده	Compensating Error;	خطای جبرانی
Tertiary Risks	خطرات احتمالی ناچیز	Offsetting Error	
Jumbo Risks	خطرات بزرگ	Grouping Error	خطای طبقه بندی
Carrier's Risks	خطرات به عهده حمل کننده (کالا)	Nonresponse Error	خطای عدم جواب
Buyer's Risks	خطرات به عهده خریدار (کالا)	Upward Error	خطای فاحش
Owner's Risks	خطرات به عهده صاحب کالا	Probable Error	خطای محتمل
Perils of The Sea	خطرات دریایی	Standard Error of Estimate	خطای معیار برآورد
Risk of Fire and Thuderbolt	خطر آتش سوزی و صاعقه	Standard Error of the Single Mean	خطای معیار میانگین نمونه
Short-run Dangers	خطرات کوتاه مدت	Standard Error	خطای معیاری در توزیع
Special Risks	خطرات مخصوص	of Regression Coefficient	بسامد (فرارانی)
Usual Risks	خطرات معمولی	Standard Error of the Mean Sampling	خطای معیاری ضریب وایزی
Risks and Damages Covered	خطرات و خسارات بیمه شده	Fallacy of Comparison	خطای معیاری نمونه گیری میانگین
Adventure; Gambling; Risk	خطر احتمالی	Systematic Error	Error of the Mean Sampling
Joint Venture	خطر احتمالی اشتراکی	Sampling Error	خطای مقایسه
Credit Risk	خطر احتمالی اعتبار	Budget Line	خطای منظم
Transfer Risk	خطر احتمالی انتقال	"Standard of Life" Line	خطای نمونه گیری
Market Risk	خطر احتمالی بازار	Contour Line	خط بودجه
At the Owner's Risk	خطر احتمالی با صاحب مال	Line of Discount	خطی در محدوده کالاها که نشان می دهد با درآمدی معین چه ترکیباتی از کالاها می توان خرید.
At Sender Risk	خطر احتمالی به عهده فرستنده	Fabrication Line;	خط «پایه زندگی»
Trading Risk	خطر احتمالی داد و ستد	Production Line	خط تراز
Craft Risk	خطر احتمالی در پیشه وری		خط تنزیل
Marine Risk	خطر احتمالی دریا		خط تولید
Business Risk	خطر احتمالی کار و کسب		
Owner's Risk (O/R)	خطر احتمالی مالک		

Normal	خط قائم	Financial Risk	خطر احتمالی مالی
Contract Line	خط قرارداد	Prohibited Risk	خطر احتمالی ممنوعه
Price Line	خط قیمت	Joint Adventure	خطر اشتراکی
در بازاریابی قیمت جزئی فروش منحصر به فردی است که برای کالاهایی معین شده است.		Interest Rate Risk	خطر اندازه بهره
Shipping Line	خط کشتیرانی	Money-rate Risk	خطر اندازه بهره پولی
Liner	خط کشتیرانی منظم	Unloading Risk	خطر بارگیری (در بیمه)
Tap Line	خط کوتاه و فرعی	Noninsurable Risk	خطر بیمه نشدنی
Product Line	خط محصول	Risk-bearing	خطر پذیر
گروهی محصول وابسته به یکدیگر.		Business Risk	خطر تجارت
Contour	خط محیط	Unloading Risk	خطر تخلیه
Production Revenue	خط محیطی دخل تولید	Omnibus Risk	خطر تعمیم
Contour		Call Risk	خطر توقف
منحنی بی تفاوتی همه ترکیبهای هزینه‌های فروش و قیمت‌های محصول بازاری در یافتی معین از تولید برای فروشنده حد و مرز در یافتی تولید را نشان می‌دهد.		War Risk	خطر جنگ (در بیمه)
Product Contour	خط محیطی محصول	Transport Risk	خطر حمل و نقل
Production	خط محیطی یا منحنی تولید	Theft Risk	خطر دزدی
Contour or Curve		Moral Hazard	خطر رفتاری
Product	خط محیطی یا منحنی محصول	Speculative Risk	خطر سفته‌بازی
Contour or Curve		Credit Risk	خطر سوخت اعتبار اعطایی
Policy	خط مشی	Speculative Risk	خطر سوداگری
Accounting Policy	خط مشی حسابداری	Breakage Risk	خطر شکستن
Firm	خط مشی سازمان (که قبلاً تنظیم و سپس اجرا می‌گردد)	Omnibus Risk	خطر شمول
Policy		Purchasing Power Risk	خطر قوه خرید
Consumption Line	خط مصرف	Assumed Liability	خطر کردن
شامل کلیه انتخابهای ممکن از میان دو کالا برای یک فرد با میزان معین پول برای خرج کردن.		Usual Risks	خطرهای عادی
Scale Line	خط مقیاسی	Rate Making Line	خط ساخت نرخ
از اتصال نقاط مماس دو منحنی خرج برابر و خط محیطی در یافتی تولید به دست می‌آید.		"Standard of Life" Line	خط سطح زندگی
		Investment	خط فرصت سرمایه‌گذاری
		Opportunity Line	
		Opportunity Line	خط فرصت مناسب
		Exchange Opportunities	خط فرصتهای متبادل
		Line	
		Trough Line	خط فرورفتگی
		Sales Line	خط فروش

Abstract of Average Adjustment	خلاصه تعدیل خسارت	Iso-revenue Line (Curve)	خط (منحنی) دریافتی برابر
Abstract of Account; Summary Account	خلاصه حساب		مکانهایی از ترکیبهای باز داده و مخارج بازاریابی است که سطح معین دریافتی کل را به دست می دهند.
Chart of Accounts	خلاصه حسابها	Iso-revenue Line (Curve)	خط (منحنی) دریافتی یکسان
Abstract of Title Abstract; Summarize	خلاصه سند مالکیت خلاصه کردن		
Docket	خلاصه نویسی	Rate Making Line	خط نرخ گذاری
Exclusion; Eviction	خلع ید		مسیر و خط حمل و نقلی که نرخهای میان نقاط مختلف را نسبت به مکان جغرافیایی مشخص می کند.
Credit Creation	خلق اعتبار	Price Ratio Line	خط نسبت قیمت
Creation of Money; Money Creation	خلق پول	Line of Regression; Regression line	خط وایازی
Deposit Creation	خلق سپرده		
Neutral	خنثی	Channels of Communication	خطوط ارتباطی
Offset	خنثی کردن	Preference Lines	خطوط ترجیحیت
Cushion of Foreign Exchange	خواباندن ارز	Guidelines for Non-inflationary	خطوط راهنما برای اضافات مزد در غیر وضع تورمی
Cushion of Foreign Exchange	خواباندن پول خارجی	Wage Increases	
Gold Hoarding	خوابانیدن طلا	Preference Lines	خطوط رجحانی
Provision	خواربار	Regular Liners	خطوط کشتیرانی منظم
Reserve Requirement	خواست اندوخته	Conference Lines	خطوط کشتیرانی مؤتلف
Claim	خواست	Conference Lines	خطوط کشتیرانی هم پیمان
Defendant	خواننده	Equal Cost Lines	خطوط هزینه برابر
Reformist	خواهان تغییر	Factor-cost Line	خط هزینه عامل
P.T.O.	خواهشمنداست پشت ورقه را ملاحظه نمایید	Log-linear	خطی - لگاریتمی
	نشانه اختصاری Please Turn Over است.	Prospectus	خلاصه آمهه
Willy-nilly	خواه ناخواه	Annual Abstract of Statistics	خلاصه آمار سالانه
Willy-nilly	خواهی نخواهی		
Goodness of Fit	خوبی برازش	Short Form Bill of Lading	خلاصه بارنامه
Self-rating	خود ارزیابی کننده	Abridged Balance Sheet	خلاصه ترازنامه
Economic Self-sufficiency	خودبسایی اقتصادی	Abstract of Average Adjustment	خلاصه تطبیق خسارت
National Self-sufficiency	خودبسایی ملی		

Self-consumption	خودمصرفی	Self-sufficiency	خودبسنندگی
Self-liquidating	خودواریزی		خودبسنندگی اقتصادی یک ملت یا گروهی از ملت
Autoregression	خودوایازی		یا منطقی‌ای از یک کشور است.
Autocorrelation	خودهمبستگی	Economic	خودبسنندگی اقتصادی
Hedonism	خوشباشی	Self-sufficiency	
Optimist	خوش بین	National Self-sufficiency	خودبسنندگی ملی
Optimism	خوش بینی‌گرایی	Self-sufficient	خودبسننده
Credit Worthiness	خوش حسابی	Self-insurance	خودبیمه‌گری
Well-behaved	خوش رفتار	Self-balancing	خودترازی
Inertia Selling	خوش فروش	Self-balancing	خود توازن یابنده
Well-behaved	خوش کردار	Self-feeding	خودخوران
Work Ethic	خوی کاری	Dishonour	خودداری از پرداخت
	همان اخلاق کاری یا منش کاری است.	Absolve Oneself	خود را از دینی آزاد کردن
Lombard Street	خیابان لمبارد	From Further Liability	
	اشاره به بازار پولی لندن دارد.	Pay-off	خود را از ذمه طلبکار رهانیدن
Redhibition	خیار عیب	Put	خود را فروشنده اعلام کردن (در بورس)
Short Change Option	خیار غبن	Cybernetic	خودریانی
Spot Option	خیار فی‌المجلس	Self-rating	خود رتبه‌گذاری
Barratry; Breach of Trust;	خیانت در امانت	Truck	خودرو باری
Defalcation		Sui Generis	خودزا
Sell Out	خیانت کردن (در بورس)		اصطلاح لاتین است.
Take-off	خیز اقتصادی	Automation	خودکارسازی
The Take-off	خیز و جهش	Robot	خودکار صنعتی
	یکی از مراحل رشد اقتصادی است.	Automation	خودکاری



Litigation; Petition	دادخواهی	Hypothecary Creditor	دائن مرتهن
Litigate	دادخواهی کردن	Dobb, Maurice (۱۹۷۶-۱۹۰۰)	داب، موریس (۱۹۷۶-۱۹۰۰)
Court	دادگاه	اقتصاددان سوسیالیست - مارکسیست انگلیسی	صاحبنظر در مسائل اقتصادهای سوسیالیستی و معتقد به همگرایی دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی.
Exchequer of Pleas	دادگاه امور مالی	«In The Bank»	«داخل بانک»
I.C.J.	دادگاه بین‌المللی عدالت	یا «درون بانک»، در انگلیس مؤسسات تنزیل برای تهیه وجه و ادامه تنزیل اوراق بهادار فقط به «بانک انگلستان» (بانک مرکزی انگلیس) مراجعه می‌کنند.	
International Court of Justice	نشانه اختصاری Justice است.	داخلی; Domestic; Home; Internal; Interior; Inland	
Commercial Court	دادگاه تجاری	Strike Suit	دادخواست اعتصاب
Restrictive Practices Court	دادگاه رویه‌های تضییعی	Law Suit; Legal Proceeding; Legal Suit	دادخواست قانونی
International Court of justice	دادگاه عالی بین‌المللی عدالت	Suitor	دادخواست قانونی دهنده
Labour Court	دادگاه کار	مترادف با عارض است.	
Documentation	دادن اوراق و اسناد به کشتی	Bankruptcy Petition	دادخواست ورشکستگی
Load	دادن برنامه به حافظه رایانه	Claimant; Plaintiff	دادخواه
Infeoffment	دادن تیول	مترادف با مدعی یا شاکی است.	
Bargain; Barter System; Transaction	داد و ستد		
Reserve Transactions	داد و ستد احتیاطی		

Official Reserve Transactons	داد و ستدهای اندوخته رسمی	Foreign Exchange Transaction	داد و ستد ارزی
Accommodating Transactions	داد و ستدهای تطبیق دهنده	Exclusive Dealing Credit Transaction	داد و ستد استثنایی
Official Transactions	داد و ستدهای رسمی	Tally Transaction	داد و ستد اقساطی
Autonomous Transactions	داد و ستدهای مستقل	Indirect Exchange	داد و ستد با واسطه
Cash Transactions	داد و ستدهای نقد	Stock Exchange "Bargain"	داد و ستد، بورس
Salable Datum	داد و ستدی	Counter Purchase	داد و ستد پایابا
Data Processing	داده آمایی	Bear Transaction	داد و ستد پیش فروش کننده (اصطلاح بورس)
Electronic Data Processing	داده آمایی الکترونیکی	Secured Transaction	داد و ستد تأمین دار
Electronic Data Processing	داده پردازای الکترونیکی	Hedging Hedge	داد و ستد تأمیننی کردن
Raw Datum	داده خام	False Trading	داد و ستد تقلبی
Input-output	داده - ستده	Current Transaction	داد و ستد جاری
		Compensation Trading	داد و ستد جبرانی متقابل
	فراگرد تولید که از یک سو عوامل تولید بدان وارد می شوند و از سوی دیگر محصول به دست می آید.	Sea-borne Trade	داد و ستد دریایی
Data	داده ها	Bilateral Trade	داد و ستد دوجانبه
Experimental Data	داده های آزمایشی	Marketability	داد و ستد شدنی
Budget Data	داده های بودجه	Wash Transaction	داد و ستد صوری
Experimental Data	داده های تجربی	False Trading	داد و ستد غیر قانونی
Production Data	داده های تولید	Public Debt Transaction	داد و ستد قرضه عمومی
Crude Data; Raw Data	داده های خام	Tally System	داد و ستد قسطی
Secondary Data	داده های دست دوم	Business Transaction	داد و ستد کار و کسبی
Pannel Data	داده های گروهی	Transact	داد و ستد کردن
Time Series Data	داده های مجموعه زمانی	Merchant	داد و ستد کننده
Crude Data	داده های ناسره	Short-term Transaction	داد و ستد کوتاه مدت
Input Data	داده های ورودی (اصطلاح رایانه)	Counter Trade; Reciprocal Trading	داد و ستد متقابل
Possessor	دارا	Visible Transaction	داد و ستد مرئی
Comprise; Own; Possess	دارا بودن	Invisible Transaction	داد و ستد نامرئی
Open-end	دارای آزادی عمل		

Primary Reserve Asset	دارایی اندوخته اولیه	Of Good Standing	دارای اعتبار خوب
Earning Asset	دارایی ایجادکننده درآمد	Accredited	دارای اعتبارنامه
Limited-life Asset	دارایی با عمر محدود	Open-end	دارای امکانات مختلف
Residuary Estate	دارایی باقیمانده	Selector	دارای حسن انتخاب
Bank Asset	دارایی بانک	Salaried	دارای حقوق
Bank	دارایی بانک (به صورت اسناد بازرگانی و	Aleatory	دارای دو احتمال
Portfolios	اوراق بهادار)	Debentured	دارای سند قرضه
Banks' Asset	دارایی بانکها	Participant	دارای سهم
Bona Vacantia	دارایی بلامنازع	Of Good Standing	دارای شهرت خوب
Realizable Asset	دارایی به دست آمدنی	Sterling	دارای عیار قانونی
Holding; Paper	دارایی به صورت اوراق بهادار	Cheap	دارای فرع نازل
Holdings		Index	دارای فهرست کردن
Asset as	دارایی به صورت اوراق بهادار دولتی	Priceable	دارای قیمت معین
Government Securities		Elastic	دارای کشش
Asset as Loan	دارایی به صورت وام	Secured by Pledges	دارای گرووی
Asset as	دارایی به صورت وام به مشتری	Extrinsic	دارای مبداء خارجی
Customer Loans		Short-dated	دارای موعد کوتاه (درمورد بروات)
Assurance Fund	دارایی بیمه	Objective	دارای وجود
Hidden Asset	دارایی پنهان	Asset; Estate; Finance; Fortune;	دارایی
Hidden Asset	دارایی پنهانی	Having; Heirloom; Holding; Possession;	
Wasting Asset	دارایی تحلیل رونده	Property; Propriety; Wealth	
Undivided Property	دارایی تقسیم نشده		تمام اموال دارای ارزش پولی در حسابداری ستون
Wasting Asset	دارایی تلف شونده		بستانکار است.
Capital Goods; Fixed Asset	دارایی ثابت	Available Asset	دارایی آزاد
Slow Asset		Asset Enter Mains	دارایی آماده
	هرگونه دارایی سرمایه‌ای غیرمالی.	Liquid Asset; Quick Asset	دارایی آنی
Stand-by Equipment	دارایی ثابت ذخیره	Private Property	دارایی اختصاصی
Circulating Asset;	دارایی جاری	Debt Holding	دارایی اسنادی دین
Current Asset		Trust Property	دارایی امانی
Equity; Net Asset; Net Worth	دارایی خالص	Deferred Asset	دارایی انتقالی
Capital Net Worth	دارایی خالص سرمایه‌ای	Secondary	دارایی اندوخته‌های درجه دوم
	سرمایه‌ای که در فعالیت اقتصادی بکار رفته	Reserves Asset	
	است.	Primary Reserve Asset	دارایی اندوخته اصلی

Intangible Asset	دارایی غیرمادی	Family Asset	دارایی خانوادگی
Intangible Personal Property	دارایی غیرمادی شخصی	Private Property	دارایی خصوصی
Intangible Asset	دارایی غیرملموس	Permanent Asset	دارایی دایمی
	همان دارایی معنوی و غیرمادی است.	Earning Asset	دارایی درآمددار
Fixed Asset; Real Estate; Reality; Real Property	دارایی غیر منقول	Circulating Asset	دارایی در جریان
Legal Asset	دارایی قانونی	Furniture of One's Pocket	دارایی در جیب
Non-admitted Asset	دارایی قبول نشده	Available Asset	دارایی در دسترس
Equitable Asset	دارایی قهری	Circulating Asset; Operating Asset	دارایی در گردش
Wasting Asset	دارایی کاستی پذیر	Pledged Asset	دارایی در گرو
Wasting Asset	دارایی کاهش پذیر	Liabilities and Net Worth Asset	دارایی دیون
Miscellaneous Asset	دارایی کم ارزش	Frozen Asset	دارایی راکد
Insolvent Estate	دارایی کمتر از بدهی	Asset Enter Mains	دارایی سردست
Pledged Asset	دارایی گروی	Capital Asset	دارایی سرمایه‌ای
Physical Asset; Tangible Asset	دارایی مادی	Earning Asset	دارایی سودآور
Admitted Asset	دارایی مجاز	Majority Holding	دارایی سهمی اکثریت
Hidden Asset	دارایی مخفی	Independent Income; Personal Property	دارایی شخصی
Tangible Asset; Tangible Property	دارایی مرئی	Personal Property Floater	دارایی شخصی دور از خانه بیمه‌گذار
Cattle as Money	دارایی مرکب از احشام و اغنام به عنوان پول	Tangible Personal Property	دارایی شخصی مادی
Frozen Asset	دارایی مسدود	Corporate Property	دارایی شرکتی
Joint Estate; Undivided Property	دارایی مشترک	Fund Asset	دارایی صندوق
Contingent Asset	دارایی مشروط	Escheat	دارایی ضبط شده بلاوارث
Inadmitted Asset	دارایی مشکوک الوصول	Ordinary Asset	دارایی عادی
Tangible Asset	دارایی مشهود	Public Property	دارایی عمومی
	دارایی مادی مانند ساختمان، ماشین آلات و جز اینها.	Frozen Asset	دارایی غیر تولیدی
Scheduled Property	دارایی مطروحه برای آینده	Nonledger Asset	دارایی غیردفتری
Intangible Asset	دارایی معنوی	Slow Asset	دارایی غیرسیال
		Intangible Asset	دارایی غیرعینی
		Frozen Asset	دارایی غیرفعال

Private Foreign Exchange Holdings	داراییهای ارزی خصوصی	Deferred Asset	دارایی معوق
Depreciable Assets	داراییهای استهلاک پذیر	Physical Asset; Tangible Asset	دارایی ملموس
Reserve Assets	داراییهای اندوخته	Tangible Personal Property	دارایی ملموس شخصی
Open-market Assets	داراییهای بازار باز	Asset Brought in (or into) a Business	دارایی منتقله
Commercial Bank's Assets	داراییهای بانکهای بازرگانی	Frozen Asset	دارایی منجمد
Operating Assets	داراییهای بهره‌برداری	Foreign Exchange Holdings	دارایی که بدون تغییر می‌ماند.
Fluid Assets	داراییهای پول‌شدنی	Negative Asset	دارایی منفی
Dwindling of Assets	داراییهای تحلیل‌رفتنی	Chattel; Personal Estate	همان بدهی است.
Clearing Assets	داراییهای تهاتر	Minus Asset	دارایی منقول
Tangible Assests	داراییهای ثابت	Available Asset; Fund	دارایی منهای استهلاک
Floating Assets	داراییهای جاری	Admitted Asset	دارایی موجود
Fictious Assets	داراییهای خیالی	Intangible Asset	دارایی مورد قبول
Floating Assets	داراییهای در گردش	Intangible Asset	دارایی نامرئی
Nonoperating Assets	داراییهای راکد	Intangible Asset	ناملموس و غیرمادی.
Fixed Capital Assets	داراییهای سرمایه‌ای ثابت	Intangible Personal Property	دارایی ناملموس نامشهود
Operating Assets	داراییهای عملیاتی	Quick Asset	دارایی ناملموس شخصی
Nonoperating Assets	داراییهای غیرفعال	Quick Asset	دارایی ناملموس شخصی
Federal Reserve Assets	داراییهای فدرال رزرو	Liquid Asset	دارایی نزدیک به نقد
Fictious Assets	داراییهای فرضی	Wasting Asset	دارایی نقد
Operating Assets	داراییهای فعال	Hidden Asset	دارایی نقدی؛ نقدینه
Depreciable Assets	داراییهای قابل استهلاک	Contingent Asset	دارایی نقصان پذیر
Fluid Assets	داراییهای قابل تبدیل به پول	Real Property	دارایی که عمری محدود دارد مانند معادن.
Tangible Assests	داراییهای قابل تقویم	Fictious Asset	دارایی نهانی
Quick Assets	داراییهای قابل لمس	Asset and Equities	دارایی و ارزش مشروط
Tangible Assests	داراییهای کوتاه مدت	Accounting Assets	دارایی واقعی
Financial Assets	داراییهای مادی	Exchange Holdings	دارایی واهی
Accrued Assets	داراییهای مالی		دارایی و دیون
Revenue Assets	داراییهای متعلقه		داراییها (در حسابداری)
	داراییهای متغیر		داراییهای ارزی

Social Darwinism	داروینیسیم اجتماعی	Tangible Assests	داراییهای مرئی
	آزادی‌گرایی اقتصادی که نگرش مکتب کلاسیک است، در امریکا تحت این عنوان یا بقای انساب در بازار آزاد نامنظم شهرت دارد.	Depreciable Assets	داراییهای مستهلک‌شدنی
Das Kapital	داس کاپیتال	Tangible Assets	داراییهای مشهود
	کتابی است که کارل مارکس نوشته و پایه اقتصاد سوسیالیستی را گذارده است.	Tangible Assets	داراییهای ملموس
D.A.F.	داف	Office Equipment	داراییهای منقول اداری
	تحویل در مرز و نشانه اختصاری Frontier است.	Real Chattels	داراییهای منقول واقعی
Delivered at		Open	داراییهای مورد معامله در بازار آزاد
		Market Trading Assets	
Dalasi, D	دالاسی، واحد پول گامبیا	Invisible Assets	داراییهای نامرئی
Money Trap	دام پولی	Quick Assets	داراییهای نقد
	نقطه‌ای که در آن تقاضای پول نسبت به اندازه بهره بی‌نهایت حساس می‌شود و افزایش بعدی عرضه پول موجب کاهش میزان بهره نخواهد شد.	Cash Assets; Cash Holdings	داراییهای نقدی
Low-level	دام تعادل در سطح پایین	Loan Assets	داراییهای وامی
	همان دام جمعیتی است.	Bond Holder	دارنده اوراق قرضه
Equilibrium Trap		Holder of the Bill	دارنده برات
		Holder in Due	دارنده برگه بهادار دارای سررسید
Population Trap	دام جمعیت	Course	
	نقطه پایینی تقاطع منحنی جمعیت و منحنی درآمد یا حدپایینی تعادل دام جمعیت نام دارد.	Majority	دارنده بیش از پنجاه درصد سهام
Liquidity Trap	دام نقدینگی	-owned Subsidiary	از یک مؤسسه
	وضعی که افزایش عرضه پول منجر به کاهش اندازه بهره نمی‌شود و بدافزایش پول را که منتهی می‌گردد.	Policy Holder	دارنده بیمه‌نامه
Keynes' «Liquidity Trap»	«دام نقدینگی» کینز	Licensee	دارنده پروانه
Range	دامنه	Licensee	دارنده جواز
	فاصله میان دو نقطه اوج و حضیض در یک دور تجاری.	Rent-free	دارنده درآمد سالانه یا سالواره همیشه
Interval of Confidence	دامنه اطمینان	Fund-holder	دارنده سهام دولتی
Range of Variations	دامنه تغییرات	Common Stock Holder	دارنده سهام عادی
Constant Amplitude	دامنه ثابت	Fundholder	دارنده سهام قرضه دولتی
Semi-interquartile	دامنه چارکی متوسط	Participant; Share Holder	دارنده سهم
Range		Stockholder of Record	دارنده سهم ثبت‌شده
		Bond Holder	دارنده ضمانت‌نامه
		Fund-holder	دارنده قرضه دولتی
		Scrip Holder	دارنده گواهی سهم
		Bona Fide Holder	دارنده مجاز
		Bondholder	دارنده وثیقه یا کفالت

Exchange Intervention	دخالت ارزی	Class Interval	دامنه طبقه
Exchange Intervention	دخالت در بازار ارز	Price Range; Price Spread	دامنه قیمت
Third Party Intervention	دخالت شخص ثالث	Tolerance	دامنه نوسان
Third Party Intervention	دخالت طرف سوم	Semi-interquartile	دامنه نیمه چارکی متقابل
Voluntary Controls	دخالت‌های ارادی	Range	
Cash Drawings; Revenue	دخل	Scienter	دانسته
Net Revenue	دخل خالص	Data	دانسته‌ها
Earn	دخل داشتن	Know-how	دانش
Public Revenue	دخل دولت	Knowledge-intensive	دانش‌پر
Public Revenue	دخل عمومی	Experimental Knowledge	دانش تجربی
Total Revenue	دخل کل	Know-how	دانش چونی
Average Revenue (per Unit)	دخل متوسط (در واحد)	Epistemology	دانش‌شناسی
Gross Revenue	دخل ناخالص	Technical Know-how	دانش فنی
Operating Revenue	دخل ناخالص حاصل از عملیات	Intermediate Technology	دانش فنی واسطه‌ای
Operating Revenue		Management Science	دانش مدیریت
Unearned Revenue	دخل نامکتسب	Experimental Knowledge	دانش ناشی از آزمایش
Operating Revenue	دخل ناویژه	Shape	دانگ
Marginal Revenue	دخل نهایی	Shape	دانگی (بورس)
P. And L.	دخل و خرج	Stake-money	داو
Profit And Loss	نشانه اختصاری اصطلاح است.	Arbitrator; Awarde; Referee	داور
Refund	دخل و خرج را هماهنگ کردن	Impartial Chairman	داوری طرف
Participant	دخیل	Arbitrage; Arbitration	داوری
Per	در	Compulsory Arbitration	داوری اجباری
At First	در آغاز	Compulsory Arbitration	داوری الزامی
Earnings; Income	درآمد	Voluntary Arbitration	داوری داوطلبانه
	مقدار وجه، کالا یا خدمت است که شخص حقیقی یا حقوقی یا اقتصاد در دوره زمانی معینی دریافت کرده است.	Compulsory Arbitration	داوری قهری
Perquisite	درآمد اتفاقی	Arbitrate	داوری کردن
Nonoperating Income	درآمد اتفاقی مؤسسات غیرانتفاعی	Export Intelligency	دایره اطلاعات صادراتی
		Personal Cheque Service	دایره چک شخصی
		Cash Office	دایره صندوق
		Creditor	داین
		Gazump	دبه در آوردن

Earned Income	درآمد تحصیل شده	Rent Income	درآمد اجاره
Preferred Income	درآمد ترجیحی	Rental Income	درآمد اجاره‌ای
Notional Income	درآمد تصویری	Social Income	درآمد اجتماعی
Fixed Income	درآمد ثابت	Earmarked Revenue;	درآمد اختصاصی
Economic Rent	درآمد ثابت اقتصادی	Imputed Income	
Current Income	درآمد جاری	Discretionary Income	درآمد اختیاری
Moderate Income	درآمد جزئی	Earned Discount	درآمد از محل تخفیفات
Income in Kind	درآمد جنسی	Unearned Income	درآمد از منشاء غیرکار
Rent Roll	درآمد حاصل از اجاره	Earned Revenue	درآمد استحصالی
Rental Income	درآمد حاصله از اجاره‌بها	Earned Income	درآمد استحقاقی
Nonoperating Revenue	درآمد حاصله از فعالیتهای غیرمستمر	Rental Income of Persons	درآمد استیجاری اشخاص
Bunched Income	درآمد حاصله از کارهای هنری و اختراع	Nominal Income	درآمد اسمی
Anticipated Cost	درآمد حاصله از موجودی	Rental Income of Persons	درآمد اشخاص از اجاره‌بها
Current Income; Measured Income	درآمد حال	Additional Income	درآمد اضافی
Real Income	درآمد حقیقی	Personal Income	درآمد افراد حقیقی
But-for Income	درآمد خاص	Economic Income	درآمد اقتصادی
Business Income	درآمد خالص تجاری	Realized Revenue	درآمد اکتسابی
Net Income (در کار و کسب)	درآمد خالص (در کار و کسب)	Imputed Income	درآمد انتسابی
Capital Net Return	درآمد خالص سرمایه	Transfer Income	درآمد انتقالی
Corporate Net Income	درآمد خالص شرکت	Rentier Interest	درآمد اوراق قرضه
Net National Income	درآمد خالص ملی	Earning Drift; Unearned Income	درآمد بادآورده
Bunched Income	درآمد خدمات شخصی	Income in Kind	درآمد بر حسب جنس همان درآمد جنسی یا کالایی است.
Disposable Income	درآمد خرج کردنی	Transfer Income	درآمد بلاعوض
Unearned Income	درآمد خود آمده	Interest Income	درآمد بهره
Notional Income	درآمد خیالی	Operating Income	درآمد بهره‌برداری
Permanent Income	درآمد دائمی	Earn	درآمد به سبب خدمت یا فروش
Discretionary Income	درآمد در اختیار	Anticipated Cost	درآمد به علت ترقی قیمت
Mixed Income	درآمد درهم	Money Income	درآمد پولی
Received Income	درآمد دریافتی	Gross Money Income	درآمد پولی ناخالص

Operating Income	درآمد عملیاتی	Book (Monetary) Income	درآمد دفتری (پولی)
	درآمد حاصل از فعالیتهای اقتصادی یک بنگاه.		
Earning of Factors of Production	درآمد عوامل تولید	Periodic Income	درآمد دوره‌ای
	درآمدهایی مستقیماً ناشی از تولید کالاها و خدمات.	Public Money	درآمد دولت
Factor Incomes from Abroad	درآمد عوامل تولید از خارج	Psychic Income	درآمد روانی
	درآمدی که شهروندان یک کشور از کشورهای دیگر به دست می‌آورند.	Unearned Income	درآمد زحمت‌نکشیده
Unearned Income	درآمد غیراکتسابی	Transitory Income	درآمد زودگذر
Imputed Income; Income in Kind	درآمد غیر پولی	Supernumerary Income	درآمد زیاده
	درآمد غیر نقدی	Annual Income	درآمد سالانه
Imputed Income	درآمد غیر نقدی	Guaranteed Annual Income	درآمد سالانه تضمینی
	درآمدی که به شکل پول نباشد.		
Non Labour Income; Unearned Income	درآمد غیرکاری	Purchase	درآمد سالانه زمین
		Tontine	درآمد سالانه مادام‌العمری
Perquisite	درآمد غیر مستمر	Per Capita Income	درآمد سرانه
Nonoperating Revenue	درآمد فرعی		کل درآمد یک گروه بخش بر شمار افراد آن.
Proceeds	درآمد فروش	Investment Income	درآمد سرمایه‌گذاری
Disposable Income	درآمد قابل استفاده	Franked Investment Income	درآمد سرمایه‌گذاری معاف از مالیات
Disposable Income	درآمد قابل تصرف		
Disposable Private Income	درآمد قابل تصرف بخش خصوصی	Income on Investments	درآمد سرمایه‌گذاریها
		Personal Income	درآمد شخصی
Disposable Personal Income	درآمد قابل تصرف شخص		درآمدی که به یک فرد یا خانوار برسد.
		Personal Disposable Income	درآمد شخصی قابل تصرف
Disposable Business Income	درآمد قابل تصرف کار و کسب		
		Imputed Income	درآمد شخصی شامل پرداختهای انتقالی پس از کسر کامل مالیات مستقیم.
Operations Income	درآمد کارکرد	Life Time Income	درآمد ضمنی
Earned Income	درآمد کارگران	Dated Earned Surplus	درآمد طول عمر
Earned Income	درآمد کار	Current Income	درآمد طی چند دوره
Unearned Income	درآمد کارنکرده	Ordinary Income	درآمد طی سال مالی
Unearned Income	درآمد کسب نشده	Operations Income	درآمد عادی
		Operating Results; Operations Income	درآمد عملکرد
			درآمد عملیات

National Income; Social Income	درآمد ملی	Farm Income	درآمد کشاورزی
		Aggregate Income	درآمد کل
ارزش پولی همه کالاها و خدمات قطعی که در یک کشور طی دوره معین (مثلاً یک سال) تولید شده است.		Transitory Income	درآمد گذرا
Full Employment National Income	درآمد ملی اشتغال کامل	Proprietors' Income	درآمد مالک
		Assessable Income; Taxable Income	درآمد مالیات پذیر
National Money Income	درآمد ملی پولی	Franked Income	درآمد مالیات در رفته
ناشی از ترقی واقعی اقتصادی یا تورم و سقوط ارزش پول و یا افزایش جمعیت است.		Miscellaneous Revenue	درآمد متفرقه
Net National Income	درآمد ملی خالص	Average Expected Income	درآمد متوسط مورد انتظار
Gross National Income	درآمد ملی ناخالص	Marginal Revenue Product	درآمد محصول نهایی
Real National Income	درآمد ملی واقعی		حاصل ضرب محصول نهایی فیزیکی در درآمد نهایی ناشی از فروش یک واحد اضافی که بر اثر افزایش یکی از عوامل تولید به میزان یک واحد ایجاد شده است.
Notional Income	درآمد موهوم	Moderate Income	درآمد مختصر
Unearned Income	درآمد مؤجل	Mixed Income	درآمد مختلط
Income of Unincorporated Enterprise	درآمد مؤسسات غیر سهامی	Mixed Income	درآمد مخلوط
Transitory Income	درآمد ناپایدار	Wage Income	درآمد مزدی
Moderate Income; Scanty Income	درآمد ناچیز	Permanent Income	درآمد مستمر
Gross Income	درآمد ناخالص		مترادف با درآمد عادی یا درآمد متوسط انتظاری، متوسط درآمدیست که یک فرد یا خانوار بدون برداشت از ثروت طی سالهای آینده انتظار دارد.
Gross National Income	درآمد ناخالص ملی	Assessable Income; Taxable Income	درآمد مشمول مالیات
درآمد ناشی از بازده سرمایه‌گذارهای متغیر		Non-taxable Income	درآمد معاف از مالیات
Income From Variable-yield Investments		Moderate Income	درآمد معتدل
Unearned Income	درآمد نامکتسب	Moderate Income	درآمد معقول
Gross Income	درآمد ناویژه	Psychic Income	درآمد معنوی
Notional Income	درآمد نظری	Earned Income; Income Earned; Realized Revenue	درآمد مکتسب
Cash Drawings	درآمد نقد دکان		
Marginal Income	درآمد نهایی		
Labour Income	درآمد کار		
Income and Substitution-effect	درآمد و اثر جانشینی		

Release of Funds	دراختیار گذاشتن وجه	Real Income	درآمد واقعی
Drachma, Dr	دراخما، واحد پول یونان		قدرت خرید درآمد پولی یک فرد یا یک کشور.
Long Run; Long Term	درازمدت	Income Adjusted for Inflation	درآمد واقعی با توجه به تورم
Dram, DRA	درا، واحد پول ارمنستان	Real Disposable Per Capital Income	درآمد واقعی سرانه قابل تصرف
In the Hold	در انبار کشتی	Revenue Receipts	درآمد وصولی در زمان معین
Store	در انبار گذاشتن	Income and Expense	درآمد و هزینه
In Bond; Bounded	در انبار گمرک	After-tax Income; Net Income	درآمد ویژه
Perspective	در انتظار	Nonoperating Revenue	درآمدهای اتفاقی و غیرعادی
At the Height of the Season	در اوج فروش	Administrative Revenues	درآمدهای اداری
Caeteris Paribus	در اوضاع مساوی بودن دیگر عوامل (در اصطلاح لاتین)	Transferred Incomes	درآمدهای انتقالی
B.O.M. (Beginning Of Month)	در اول ماه		درآمدهایی که در قبال خدمات و فعالیت‌های جاری نباشند مانند حقوق بازنشستگی.
At the First Oppontunity	در اولین فرصت	Income From Fixed-yield Investments	درآمدهای ثابت
Prima Facie	در بادی امر	Factor Earnings;	درآمدهای عامل
Hereinbefore	در بالا	Factor Incomes	
At Going	در بجهوه فعالیت (اصطلاح بورس)	Income From Variable-yield Investments	درآمدهای متغیر
At the End of the Next Month	در پایان ماه آینده	Provision	درآمدهای مشکوک الوصل
At the End of the Present Month	در پایان ماه جاری	Income From Fixed-yield Investments	درآمدهای ناشی از بازده سرمایه گذارهای ثابت
At the Lowest Figure	در پایین ترین سطح	Earnings Per Share	درآمد هر سهم
Alongside (a/s)	در پهلو	Supernumerary Income	درآمد هنگفت
Over The Counter	در پیشخوان (در بورس)	Assessable Income or Profit	درآمد یا سود مشمول مالیات
As At	در تاریخ...		درآمد یا هزینه غیر مترقبه «Below-the-Line»
Over Trade	در تجارت افراط کردن	Payments and Receipts	
On The Spot	درجا	Current Income	درآمد یک دوره معین
Stationary State	درجا زدن اقتصادی	Gain	درآوردن
Keep Dry	در جای خشک نگاهداری شود (اصطلاح حمل و نقل)	On Hand	دراختیار
Keep in Cold Place	در جای خنک نگاه دارید (اصطلاح حمل و نقل)		
Schedule	در جدول یا فهرست گذاشتن		
Job Hunting	در جست و جوی کار به هر در زدن		

In Abeyance	در حالت تعلیق	Herewith	در جوف
Protém	در حال حاضر	AI At Lloyd's	AI (درجه اول) در لویدز
Orra, Orrow	در حال فراغت	Degree of Freedom;	درجه آزادی
At Work	در حال کار	Freedom Degree	
Ceteris Paribus	در حالی که دیگر عناصر تغییر نکنند	Credibility; Rating	درجه اعتبار
		Credibility (Believability)	درجه باور
	اصطلاح لاتین است.	Grading; Graduation; Rating	درجه بندی
At the Least	در حداقل (اصطلاح بورس)	Credit Rating	درجه بندی اعتبار
On Margin	در حد فاصل قرار داشتن	Bond Ratings	درجه بندی اوراق قرضه
Craft Risk	در حرفه و در صنف	Experience Rating	درجه بندی حادثه
O/A	در حساب	Experience Rating	درجه بندی رویداد
	نشانه اختصاری On Account است.	Mark	درجه بندی کردن (در بورس)
On Account (o/a)	در حساب	Merit Rating	درجه بندی لیاقت افراد
Take into Account	در حساب آوردن	Job Grading	درجه بندی مشاغل
On Open Account	در حساب دایر	Kurtosis	درجه پراکندگی در حد میانه یک بسامد
On Open Account	در حساب گردش دار (دایر) در حساب دایر	Degree of Homogeneity	درجه تجانس
Underwrite a Risk	در خطر شرکت کردن	Degree of Specificity	درجه تخصص
Within A Reasonable Time; Within So Many Days	در خلال این ایام	Degree of Opulence	درجه توانگری
Within a Reasonable Time; Within So Many Days	در خلال زمان معقول	University Degree in Economics	درجه دانشگاهی در اقتصاد
Appropriation Request	درخواست اعتبار	Precision	درجه دقت
Demand Note	درخواست پرداخت	Third Rate	درجه سوم
Treasury Call	درخواست پرداخت خزانه	Labour Grade	درجه کار
Confirmation	درخواست تأییدیه	Descriptive Labeling	درجه گذاشتن وصفی
Purchase Request	درخواست خرید	Coefficient of Regression	درجه نشیب خط تابع
Requisition		Economic Dependency Ratio	درجه وابستگی اقتصادی
Applicant	درخواست دهنده	Degree of Opulence	درجه وفور
Indent	درخواست رسمی	Degree of Specificity	درجه ویژگی
Stores Requisition	درخواست فروشگاهها	Cost Ladder	درجه هزینه
Request	درخواست کردن	Ceteris Paribus	در حال استقرار عوامل دیگر
Appeal for Tender	درخواست مزایده یا مناقصه	Prosperous	در حال پیشرفت

Check Up	درست رسیدگی کردن	Indent	درخواست مستقیم
Sterling	درست عیار	Asking for a Respite	درخواست مهلت
Debit	در ستون بدهی گذاشتن	Application	درخواست نامه
Short-extend	در ستون داخلی وارد کردن	Margin Call	درخواست نهایی
Validity	درستی	Call Upon	درخواست وجه از سهامداران
Hereinafter	در سطور بعد	Shareholders	
Propria Persona	در شخص خودش	Outstanding	درخواستهای متفرقه موجود
P.C.	درصد	Requests	
	نشانه اختصاری Percent است.	Creditable	درخور اعتبار
Per Cent; Percentage; Percentile (%)	درصد (%)	Gildable	درخور نمایش و جلوه
Interest Rate	درصد بهره	Input	در داده
Base Rate	درصد بهره پایه	Input-output	در داده - باز داده
Deposit Rate	درصد بهره سپرده		مترادف است با داده - ستده.
Unemployment Rate	درصد بیکاری	Inputs	در داده‌ها
Bill Rate	درصد تنزیل برات		منابع و عوامل تولید است.
Constant Per Cent of	درصد ثابت نزولی	Postponement	در درجه دوم
Decreasing		Postpone	در درجه دوم گذاشتن
Percentage of	درصد حسابهای بدهکاران	Labour Turn-over	در دسره‌های کارگری
Accounts Receivable		Journalize	در دفتر ثبت کردن
Yield	درصد روی قیمت فروش	Journalize	در دفتر روزنامه وارد کردن
Profit Margin	درصد سود از فروش خالص	Rank	در ردیف درآمدن
Net Margin	درصد سود خالص	Per Diem	در روز
Ogive	درصد فراوانی متراکم	In Due Course	در زمان مفید
	منحنی توزیع فراوانی متراکم یا انباشتی به شکل طاق است.	At a Discount	در زیر قیمت
Percentage of Sales	درصد فروش	Ashore (On Hand)	در ساحل
Lot Tolerance Percent	درصد معیوب	P.m.h.	در ساعت - کارگر
Defective			نشانه اختصاری Per Man Hour و اصطلاحی است اشاره به مقدار تولید.
Fine Rate	درصد ممتاز	Per ann.	در سال
Percentage of	درصد میزان رشد سرمایه‌گذاری		نشانه اختصاری Per Annum است.
Growth of Investment		Sound	درست
Encashment	در صندوق‌گذاری	Cross Check	درست از دو سو
At Full Capacity	در ظرفیت کامل	Check Up	درست حساب کردن

At First	در نخستین	De facto	در عمل
At Your Earliest Convenience	در نخستین فرصت	For a Consideration	در عوض
Prima Facie	در نظر اول	At Low Sale	در فروش کم
Take into Account	در نظر گرفتن	Squeeze	در فشار زیاد
Per Capita	در نفر	National Brand	درفش ملی
Ipsa Facto	در نفس خود	Periodically	در فواصل معین
Expectation Lag	درنگ انتظار	Aboard; On Board	در کشتی
Prima Facie	در نگاه نخست	Intuition	درک مستقیم
Polynomial Lay	درنگ چند جمله‌ای	Alongside (a/s)	در کنار (کشتی)
Outside Lag	درنگ حداکثر	Ashore (on Hand)	در کنار (اصطلاح گمرکی)
Implementation Lag	درنگ در اجرا	In Transit	در گذر
Action Lag	درنگ در اقدام	In Bond; Under Bond	در گرو گمرک
Pay Pause	درنگ در پرداخت	Income Gearing	درگیر درآمد
Decision Lag	درنگ در تصمیم‌گیری	Economic Warfare	درگیری اقتصادی
Adjustment Lag	درنگ در تطبیق	Dram	درم
Input Lag	درنگ در داده		$\frac{1}{16}$ اونس است.
Inside Lag	درنگ درونی	Insolvency	درماندگی
Recognition Lag	درنگ شناسایی	Insolvent	درمانده (از دید مالی)
Cultural Lag	درنگ فرهنگی	Per Mensem	در ماه
Distributed Lags	درنگ‌های توزیعی	Prox	در ماه آینده
Rational Lags	درنگ‌های عقلایی	Ult; "Ultimo"	در ماه گذشته
Intermediate Lag	درنگ‌های میانی		نشانه اختصاری Ultimo است.
Intermediate Lag	درنگ‌های واسطه‌ای	Commit	در محل امنی سپردن
Open Door	دروازه باز	Day Time	در مدت روز
Port of Entry	دروازه ورودی	Short-time	در مدت کم
Aboard	در واگن	Phase	در مرحله‌ای وارد کردن
In Favour of	در وجه	On Margin	در مرز
Bearer Debenture; To Bearer	در وجه حامل	Risk-Bearing	در معرض خطر احتمالی
In Due Course	در وقت مقرر	Merchandise; Put Up	در معرض فروش
«In The Bank»	«درون بانک»	Mérchandise Put Up	در معرض فروش گذاردن
	همان «داخل بانک» است.	Against Delivery	در مقابل تحویل
On-line; Real-time	درون خط		(اصطلاح بورس)
		Against Documents	در مقابل تحویل اسناد

Administrative Revenues	دریافتهای اداری	Endogenous	درون‌زا
Surplus Receipts	دریافتهای اضافی	Inner	درونی
T.D.R.	دریافتهای سپرده‌خزانه‌داری	Interpolate; Interpolation	درون‌یابی
Treasury Deposit Receipts	نشانه اختصاری	Open Door	درهای باز
	است.		(در سیاست اقتصادی بین‌المللی)
Non Revenue Receipts	دریافتهای غیردرآمدی	At All Events	در هر حالت
Surplus	دریافتهای مازاد (بابت سرمایه)	At All Time	در هر زمان
Receipts		At All Events	در هر وضع
Tax Receipts	دریافتهای مالیات	Disarrangement	درهم برهم
Inland Revenue;	دریافتهای مالیاتی	Confusion of Goods	درهم برهمی
Internal Revenue		Dirham, UD	درهم، واحد پول امارات عربی متحد
Sundry Receipts	دریافتهای متفرقه	Dirham, DII	درهم، واحد پول مراکش
Encashment; Receiving (Collection of Money); Revenue	دریافتی (جمع‌آوری پول); درآمد	Aboard	در هواپیما
Net Revenue	دریافتی خالص	Collection; Deduction; Receipt; Receival	دریافت
Public Revenue	دریافتی دولت	Deduction	دریافت جزء از کل
Operating Revenue	دریافتی عملیاتی	Recovery of Claim	دریافت خسارت
Sales Revenue	دریافتی فروش	Receive	دریافت داشتن (هر نوع دارایی)
Total Revenue	دریافتی کل	Recd.	دریافت شد
کل دریافتهای حاصل از فروش محصولات یا خدماتی که یک بنگاه تولید کرده است.		Bills For Collection	دریافت شده
Average Revenue	دریافتی متوسط	Take up an Option	دریافت کردن حق اختیار (بورس)
Average Revenue (per Unit)	دریافتی متوسط (در واحد)	Collectable; Receivable(s)	دریافت‌کردنی
	درآمد هر واحد کالا.	Take Up an Option	دریافت کردن یک جایزه
National Revenue	دریافتی ملی	Receiver; Recipient; Taker	دریافت‌کننده
Gross Revenue	دریافتی ناخالص	Garnishee	دریافت‌کننده اخطار تأمین مال یا مدعی به و خواسته
Unearned Revenue	دریافتی نامکتسب	Taker of the Rate	دریافت‌کننده جایزه
Marginal Revenue	دریافتی نهایی	Recashing	دریافت مجدد
High Sea; Open Sea	دریای آزاد	Incomings; Takings	دریافتهای
Naked Possessor	دریدارنده محض	Capital	دریافتهای در حسابهای سرمایه‌ای
Defalcation	دزدی	Accounts Receipts	
Robbery	دزدی با زور و تهدید		

Decimal System	دستگاه دهگانی	Theft and Pilferage	دزدی و دله‌دزدی
Safety-fund Bank System	دستگاه صندوق ایمنی بانک	Assortment	دست (کالاها)
Ticker	دستگاه ضبط	Gain	دستاورد
Overdetermined System	دستگاه غیرممکن	Profit Taking	دستاورد سود
Federal Reserve System	دستگاه فدرال رزرو	First Hand	دست‌اول
Freight Service	دستگاه کرایه بار کشتی	Deed; Instrument; Voucher	دستاویز
System of Coordinate	دستگاه مختصات	Defalcation	دستبرد
Regional Pension System	دستگاه منطقه‌ای بازنشستگی	Peculation	دستبرد در مال دولت
Collator	دستگاه میانچین (اصطلاح رایانه)	Hidden Hand	دست پنهان
Underdetermined System	دستگاه نامعین	Access	دسترسی
Duplicator; Spirit Duplicator	دستگاه نسخه‌برداری الکلی	(to Books)	(به دفاتر حسابداری)
Input Device	دستگاه ورودی اطلاعات (اصطلاح رایانه)	Disposal of Income	دسترسی به درآمد
Stabilizers	دستگاه‌های تثبیت‌کننده	Chapman; Dealer in Second-hand Good; Hand Seller; Hawker; Peddler; Pedlar	دستفروش
Built-in Stabilizers and the Reduced Multiplier	دستگاه‌های تثبیت‌کننده و ضریب فزاینده-داخلی ملخص (مانند نظام مالیات بر درآمد)	Peddler; Pedlar	دستفروشی
Linear Expenditure Systems	دستگاه‌های خطی مخارج	Pedlary	دستکاری
Spoils System	دستگاه هرج و مرج	Handling	دستکاری کردن
Privateering	دستگیری و غارت کشتیها	Handle	دست‌کشی
Pay; Wage	دستمزد	Discontinuation System	دستگاه
Call Back Pay; Call-in Pay	دستمزد آماده‌باش	Data Processing System	دستگاه آمایش داده‌ها
Call Back Pay	دستمزد آماده‌کار	Social System	دستگاه اجتماعی
Call Back Pay; Call-in Pay	دستمزد برگشت به سرکار	Administration	دستگاه اجرایی
Money Wage	دستمزد پولی	Decimal System	دستگاه اعشاری
		Economic System; Economy	دستگاه اقتصادی
		Feedback System	دستگاه بازخورد
		Recursive System	دستگاه برگشتی
		Utility	دستگاه خدمات همگانی
		Reader	دستگاه خواندن اطلاعات
		Electronic	دستگاه داده‌آمایی الکترونیکی
		Date-processing System	
		Electronic Date-processing System	دستگاه داده‌پرداز الکترونیکی
		Date-processing System	

پولی که در برابر کار یا خدمت در مدت معین پرداخته شود.

Split Order	دستور آخری	Guaranteed Wage	دستمزد تضمینی
Bank Call	دستور ارائه وضع مالی	Minimum (ایالات متحد)	دستمزد تضمینی کمینه
Give-out Order	دستور انتشار	Guaranteed Wage	
Transfer Order	دستور انتقال	Productive Labour	دستمزد تولیدی
Call for Estimates	دستور برآورد	Starvation	دستمزد در سطح گرسنگی شدید
Warrant for Payment	دستور پرداخت	Wage	
Standing Order	دستور پرداخت دائمی	Time Wage Rate	دستمزد ساعتی
Split Order	دستور تجزیه		دستمزدی که برحسب مدت کار است.
Delivery Order	دستور تحویل کالا	Reservation Wage	دستمزد شرطی
Change Order	دستور تغییر	Unproductive Wages	دستمزد غیر تولیدی
Split Order	دستور تفکیکی	Unproductive Wages	دستمزد غیر مستقیم
Stop Order	دستور توقف	Starvation Wage	دستمزد قحطی
Stop-loss Order	دستور توقف در زیان	Subsistence Wage	دستمزد گذران
Stop-loss Order	دستور توقف زیان	Reservation Wage	دستمزد مشروط
Countermand of Payment	دستور توقیف پرداخت	Unclaimed Wages	دستمزد مطالبه نشده
Agenda	دستور جلسه	Subsistence Wage	دستمزد معاش
Stop-loss Order	دستور جلوگیری از خسارت	Back Pay	دستمزد معوق
Consignment Note; Shipping Instruction	دستور حمل	Wages	دستمزدها
Order to Purchase; Purchase Order	دستور خرید	Nominal Wages	دستمزدهای اسمی
Closed Indent	دستور خرید خارجی (از فروشنده یا سازنده‌ای معین)	Going Wages	دستمزدهای جاری
Change Order	دستور دگرگونی	Going Wages	دستمزدهای دایر
Work Order	دستور ساخت	Going Wages	دستمزدهای رایج
Special Order	دستور سفارش کار	Accrued Wages Payable	دستمزدهای متعلقه پرداختنی
Stop Payment Order	دستور عدم پرداخت	Fair Wages	دستمزدهای مکفی
Countermand	دستور عدم پرداخت چک	Fair Wages	دستمزدهای مناسب
Treasury Directive	دستور عمومی خزانه‌داری	Real Wages	دستمزدهای واقعی
Selling Order	دستور فروش		قدرت خرید کارگر است.
Instruction; Job Order	دستور کار	Leave Pay	دستمزد یا حقوق ایام مرخصی
Training Manual	دستور کارآموزی	Hidden Hand; Invisible Hand	دست نامرئی
			اصطلاح کنایتی آدام اسمیت که دستی نامرئی منافع فرد را با منافع فرد را با منافع جمع هماهنگ می‌گردد و نیازی به دخالت دولت در امور اقتصادی نیست.

Call	دعوت به پرداخت	Standing Order	دستور مستمر
Recruitment	دعوت به کار	Formulary	دستور نامه
Bidding	دعوت به کارهای نو	Collection Order	دستور وصول
Call The Creditors	دعوت طلبکاران	Special Order	دستور ویژه
Recall	دعوت مجدد به کار	Nonnormative	دستوری
Margin Call	دعوت نهایی دلال در بورس		نامتکی به اصل حقوق یا فلسفی.
Claim; Litigation	دعوی	Lot	دسته
Fake	دغل بازی	Financial Intermediaries	دستهای مالی
Set of Accounts	دفاتر حساب	Parcel of Bills	دسته برات
Buying Offices	دفاتر خرید	Set of Bills	دسته بروات
Statutory Books	دفاتر قانونی	Combine; Ring	دسته بندی
Protect	دفاع کردن	Groupage	دسته بندی در حمل
Defensive	دفاعی	Zaibatsu Combine	دسته بندی زیباتسو
Private Ledger	دفتر اختصاصی	Ranking of Projects	دسته بندی طرحها
Assessment	دفتر ارزیابی دارایی به منظور	Cheque Book	دسته چک
Book	مالیات بندی	Block of Stocks	دسته سهام
Notary Public; Registry	دفتر اسناد رسمی	Ordinary Shares	دسته سهم عادی
Voucher Register	دفتر اسناد هزینه	Job Cluster	دسته شغل
Appropriation Ledger	دفتر اعتبارات	Journeyman Guild	دسته کارگر مزدور
Book of Secondary	دفتر ارقام درجه دوم	Exodus	دسته مهاجران
Entry		Hand-made	دستی
Receipts Book	دفتر ارقام ورودی	Gain	دستیابی
Autograph Book	دفتر امضا (در بانکداری)	Hand Sel (hansel)	دشت اول صبح
Plant Ledger	دفتر اموال کارخانه	Discretionary	دشواریهای سیاست مصلحتی
Stock Book	دفتر انبار	Policy Problems	
Transfer Book	دفتر انتقال سهام	Industrial Dispute	دعوای صنعتی
Bill Book	دفتر بروات		مشاجره میان کارگران و کارفرمایان یا خودشان و
Share Ledger	دفتر بزرگ اوراق بهادار		چاندزنی درباره شرایط کار، دستمزد و بیکاری است.
Pay-roll Ledger	دفتر بزرگ پرداخت	Prima Facie Case	دعوای قابل استماع
Nominal Ledger	دفتر بزرگ حسابهای عمومی	Prima Facie Case	دعوای قابل طرح
Credit Ledger;	دفتر بزرگ خریدهها	Calling for Orders Bill of Lading	دعوت
Purchases Ledger		Reserve	دعوت باز خرید سهم به وسیله ناشر آن
Share Ledger	دفتر بزرگ صاحبان سهم	Split Up	

Default Register	دفتر ثبت و اخواستها	Sold Ledger	دفتر بزرگ فروش
Bank Pass Book	دفترچه بانک	Expense Ledger	دفتر بزرگ معین هزینه‌ها
Bank Pass Book	دفترچه حساب	Budget Bureau	دفتر بودجه
Bank Book	دفترچه حساب پس انداز	International Labour	دفتر بین‌المللی کار
«T.I.R. Carnet»	دفترچه حمل و نقل بین‌المللی زمینی (جاده)	Office	
Pass Book	دفترچه حساب پس انداز مشتری	Pay-roll	دفتر پرداخت
Catalogue	دفترچه راهنما	Analysis Book	دفتر تحلیل
Book of Terms	دفترچه شرایط	Cash Book	دفتر تحویلدار
Savings Bank Book	دفترچه صندوق پس انداز	Appropriation Ledger	دفتر تخصیص
Petty Cash Book	دفترچه نقد جزئی	Assessment Book	دفتر تشخیص
Codicil; Ledger	دفتر حساب	Liability Ledger	دفتر تعهدات
Current Account Ledger	دفتر حساب جاری	Fixing Room	دفتر تعیین قیمت
Book of Accounts	دفتر حسابداری	Allotment Ledger	دفتر تقسیم اعتبار
Appropriation Ledger	دفتر حساب ذخیره‌ها	Clearing House	دفتر تهاتر
Factory Ledger	دفتر حساب کارخانه	Register	دفتر ثبت
Customer Ledger	دفتر حساب مشتریان	Register of Deeds	دفتر ثبت اسناد
Contra Account	دفتر حساب مضاعف	Bond Register	دفتر ثبت اوراق قرضه
Open Book Account	دفتر حساب واريز نشده	Book of Original Entry	دفتر ثبت اولیه
Book of Accounts	دفتر حسابها	Book of Prime Original	دفتر ثبت اولیه
Factoring; Factory	دفتر حق‌العمل کاری	Entry	
Draft Book	دفتر حواله‌ها	Bill Register	دفتر ثبت بروات
Bought Book; Bought Journal	دفتر خرید	Insurance Register	دفتر ثبت بیمه‌ها
Invoice Book	دفتر خرید (اصطلاح حسابداری)	Trade Register	دفتر ثبت تجاری
Bought Day Book	دفتر خرید روزانه	Cheque Book Register	دفتر ثبت دسته‌چک
Purchases Book	دفتر خریده‌ها	Register of Births	دفتر ثبت زه‌وزاد
Private Ledger	دفتر خصوصی	Note Register	دفتر ثبت سفته
Accountant; Book Keeper	دفتر دار	(اعم از دریافتنی یا پرداختنی)	
Fixed Asset Register Plant	دفتر دارایی ثابت	Share Ledger	دفتر ثبت سهامداران
Ledger		Stock-transfer Book	دفتر ثبت صاحبان سهام
Book Keeping	دفترداری	Invoice Register	دفتر ثبت صورت حسابها
Book Inventory	دفترداری انبار	Day Book	دفتر ثبت معاملات بر حسب تاریخ
		Default Register	دفتر ثبت ناصولیه‌ها
		Book of Final Entry	دفتر ثبت نهایی

Journalize	دفتر روزنامه نگاه داشتن	Double Book-keeping;	دفترداری دویل
Annual Yearbook	دفتر سالانه	Double-entry; Double-entry Book	
Diary Bill	دفتر سررسید بروات	-keeping	
Order Book	دفتر سفارش	Double Book-keeping;	دفترداری دوطرفه
Voucher Register	دفتر صدور برگه	Double-entry	
Cash Book; Cash-Register	دفتر صندوق	Single Entry Book Keeping	دفترداری ساده
Cash Book; Operating Ledger	دفتر عملیات	Proprietorship	دفترداری مالکیت
Informal Record	دفتر غیررسمی	Book-keeping	
Sales Book	دفتر فروش	Double Book-keeping	دفترداری مضاعف
Sales Ledger	دفتر فروشهای اعتباری	Single Entry	دفترداری یکطرفه
Cost Ledger	دفتر قیمت تمام شده	Book-keeping	
Office	دفتر کار	Receipts Book	دفتر دریافتها
Book of Final Entry; Book of	دفتر کل	Appropriation Ledger	دفتر ذخیره
Secondary Entry; Elimination Ledger;		Stock Book	دفتر ذخیره موجودی
General Ledger		Directory	دفتر راهنما
Straight Ledger	دفتر کل بدون قلب	Book of Original Entry;	دفتر روزانه
Stores Ledger	دفتر کل حساب انبار	Day Book	
Split Ledger	دفتر کل حسابهای تفکیکی	Bought Book; Bought	دفتر روزانه خرید
Bought Ledger	دفتر کل خرید	Journal	
Private Ledger	دفتر کل خصوصی	Purchases	دفتر روزانه خریدها (دفترداری)
Sales Ledger	دفتر کل فروش	Book	
Creditors' Ledger	دفتر کل مربوط به حسابهای بستانکاران	Journal-book	دفتر روزنامه
Ledger		Sales Journal	دفتر روزنامه اختصاصی
Stock Ledger	دفتر کل موجودی انبار و سهام	Ledger Journal	دفتر روزنامه آمریکایی
Self-balancing	دفتر کلی توازن حساب داری	Transfer Journal	دفتر روزنامه انتقال
Ledger		Cash	دفتر روزنامه پرداخت صندوق
Customs Office	دفتر گمرک	Disbursement Journal	
Post Book	دفتر محاسبات	Ledger Journal	دفتر روزنامه چندستونی
Private Ledger	دفتر محرمانه	Purchase Journal	دفتر روزنامه خرید
C.S.O.	دفتر مرکزی آمار	Cash Receipt	دفتر روزنامه دریافتی صندوق
Central Statistical Office	نشانه اختصاری	Journal	
	است.	Simple Journal	دفتر روزنامه ساده
Share Register	دفتر مشخصات سهامداران	General Journal	دفتر روزنامه عمومی

باربادوس، ترینیداد، توالا، دومینیک، زیمبابوه،	Stock Book	دفتر معاملات سهام شرکتها
زلاندنو، سالومون، سنگاپور، سن و نسان، فیجی،	Cash Book	دفتر معاملات نقدی
کیریاتی، گرنادا، جزایر مارشال، ناٹورو، جزایر	Auxiliary Book; Day Book;	دفتر معین
ویرجین انگلیس، سن - کیتس - نویس، هندوراس	Sub-ledger; Subsidiary Ledger	
انگلیس، برونی، کانادا، دومینیک، لیبریا،	Customer	دفتر معین مشتریان (بدهکاران)
هنگ کنگ، هند غربی (جز جامائیکا) مالایا، برمودا،	Ledger	
بلاٹو، بلیز، میکرونزی.	N.E.D.O.	دفتر ملی توسعه اقتصادی
دلار اروپایی Euro-dollar(s)	National Economic	نشانه اختصاری
دلارهای موجود نزد افراد، نهادها و سازمانهای	Development Office	است.
اروپایی (در خارج از ایالات متحد) که پول اصلی	Stock Book	دفتر موجودی کالا
بازار پولی اروپا را تشکیل می دهد.	Cash Book	دفتر موجودی نقدی
دلار با پشتوانه نقره Silver-backed Dollar	Book of Inventory	دفتر موجودیها
دلار تثبیت شده Stabilized Dollar	Transfer Book	دفتر نام سهامداران
دلار تثبیتی Stabilized Dollar	Letters Dispatched Book	دفتر نامه های صادره
دلار تجاری Trade Dollar	Letters Received Book	دفتر نامه های وارده
دلار ثابت Commodity Dollar;	Representative Office	دفتر نمایندگی
Compensated Dollar; Constant Dollar	Book Keeper	دفتر نویس
دلار زرد Yellow Seal Dollar	Ledger Clerk	دفتر نویس دفتر کل
دلار متعادل Commodity Dollar	Bucket Shop	دفتر واسطه گری
دلار متکی به اندوخته Multiple	Cost Ledger	دفتر هزینه ها
کالای منتخب Commodity Reserve Dollar	Diary	دفتر یادداشت روزانه
دلار متوازن Compensated Dollar	Pose	دینه
دلار، واحد پول استرالیا Dollar, \$A	Punctuality	دقت در انجام دادن وعده
دلار، واحد پول اتیگوآ Dollar, EC\$	Outlet; Shop	دکان
دلار، واحد پول آنگولا Dollar, EC\$	Jumble-shop	دکان خرده فروشی
دلار، واحد پول ایالات متحد Dollar, \$, US\$	Shopper	دکاندار
دلار، واحد پول باربادوس Dollar, \$	Tally-shop	دکان قسطی فروش
دلار، واحد پول باهاماس Dollar, B\$	Spout	دکان گروگذاری
دلار، واحد پول برمودا Dollar, Ber\$	Stall; Stand	دکه
دلار، واحد پول برونی Dollar, B\$	Frontsman	دکه دار
دلار، واحد پول بلاٹو Dollar, \$, U\$	Social Change	دگرگونی اجتماعی
دلار، واحد پول بلیز Dollar, Bz\$, B\$	Dollar	دلار
دلار، واحد پول تایوان Dollar, T\$		واحد پول ایالات متحد، استرالیا، باهاماس،

Arbitrager; Bill Broker	دلالت ارز	Dollar, TT\$	دلار، واحد پول ترینیداد و توباگو
Exchange Broker; Exchange Jobber;		Dollar, \$A	دلار، واحد پول تووالا
Foreign Exchange Broker; Mercantile		Dollar, J\$	دلار، واحد پول جامائیکا
Broker; Money-broker		Dollar, EC\$	دلار، واحد پول دومینیک
Stock Job	دلالت ارز شدن	Dollar, NS\$	دلار، واحد پول زلاندنو
Bill Broker	دلالت اسناد قرضه	Dollar, Z\$	دلار، واحد پول زیمبابوه
Odd-lot Broker	دلالت اشیاء	Dollar, SI\$	دلار، واحد پول سالومون
Contango Broker	دلالت انتقال معامله	Dollar, F\$	دلار، واحد پول فیجی
Broker Bond	دلالت اوراق بهادار	Dollar, Can\$, \$	دلار، واحد پول کانادا
Broker	دلالت اوراق بهادار (بورس)	Dollar, \$A	دلار، واحد پول واحد پول کیریباتی
Dealer	دلالت بازار	Dollar, \$	دلار، واحد پول گرنادا
Market Jobbery	دلالت بازی بورس	Dollar, G\$	دلار، واحد پول گویان
Bill Broker; Cambist; Discount	دلالت برات	Dollar, \$	دلار، واحد پول لیبریا
Broker		Dollar, US\$, \$	دلار، واحد پول مارشال (جزایر)
	واسطه‌ای که بازاری کارمزد خریداران و فروشندگان برات را به هم می‌رساند.	Dollar, US\$, \$	دلار، واحد پول میکرونزی
Jobber; Running Broker; Stock	دلالت بورس	Dollar, KI\$	دلار، واحد پول هنگ کنگ
Broker; Stockist		Dollar, \$A	دلار، واحد پول نانورو
Stock Jobber	دلالت بورس لندن	Petro-dollar	دلالت نفتی
Plunger	دلالت بی پروا (در بورس)		دلالت حاصل از فروش نفت.
Plunger	دلالت بی ملاحظه	Silver Dollar	دلالت نقره‌ای
Insurance Broker	دلالت بیمه	Overnight	دلالت‌های اروپایی یک شبه
Running Broker	دلالت پادو	Euro-dollars	
Money Broker	دلالت پول	Investment Dollars	دلالت‌های سرمایه‌گذاری
Money-broker	دلالت پولها	Petro-dollars	دلالت‌های نفتی
Bull Operator	دلالت پیش خریدکننده	Rack Jobbers Wholesaler	دلالتان گران فروش
Floor Broker	دلالت تالار بورس	Customs Broker	دلالتان گمرکی
Merchandise Broker	دلالت تجارت	Broker; Contract Broker;	دلالت
Bill Broker	دلالت تنزیل	Middleman; Tout	
Grain Broker	دلالت حبوبات		همان واسطه و میانجی معامله است.
Auctioneer	دلالت حراج	Free Rider	دلالت آزاد
Commission Broker	دلالت حق العمل کار	Specialist; Two-dollar	دلالت اختصاصی
Out Side Broker	دلالت خارج از بورس	Broker	

Land Agent	دلال معاملات املاک	Retail Dealer	دلال خرده‌فروش
Pawn Broker	دلال معاملات گرووی	Spot Broker	دلال خرید و فروش نقد و جنس موجود
Contract Broker	دلال مقاطعه در بورس	Street Broker	دلال خیابانی
Issue Broker	دلال نشر	Grain Broker	دلال دانه‌های کشاورزی
Issuing Banker	دلال نشردهنده	Honest Broker	دلال درستکار
Import Broker	دلال واردات	Broker's Broker;	دلال دست دوم
Pawn Broker	دلال وثیقهٔ سهم	Second-hand Broker	
Hosier	دلال همه جور جوراب و کشفاف		دلالی که برای دلال دیگر کار می‌کند.
Brokerage	دلالی	Two-dollar Broker	دلال دو دلاری
Exchange Brokerage	دلالی ارز	Government Broker	دلال دولت در بورس
Agiotage	دلالی برات	Investment Broker	دلال سرمایه‌گذاری
Jobbery; Stock Jobbing	دلالی بورس	Desk Jobber	دلال سفارشها
Odd-lot Dealer	دلالی جزئی کار (در بورس)	Jobber	دلال سهام
Stock Job	دلالی سهم و بورس را کردن	Stock Broker	دلال سهم
Outside Broking	دلالی غیر رسمی	Stock Broker	دلال سهم شرکتها
Selling Brokerage; Selling Commission	دلالی فروش	Honest Broker	دلال شرافتمند
Freight Broking (Freight Brokerage)	دلالی کرایهٔ کشتی	Broker's Broker	دلال طرف معامله با دلال
Buy and Sell on Commission	دلالی کردن	Purchasing Agent (Middleman)	دلال عامل
Bucket Shop	دلالی همه‌جانبه	Stag	دلال عضو بورس لندن
Reasons for Personal Saving	دلایل پس انداز شخصی	Out Side Broker	دلال غیر رسمی
		Out Side Broker	دلال غیر عضو بورس
			دلالی که در بورس عضویت ندارد.
Pilferage	دله دزدی	Out Side Broker	دلال غیر مجاز
Rationale	دلیل اساسی	Produce Broker	دلال فرآورده‌های کشاورزی
Posting Media; Recording Medium	دلیل ثبت	Pawnee	دلال کارگشا
Fallacy	دلیل سفسطه آمیز	Commission Broker	دلال کارمزدی
Rationale	دلیل عمده	Commodity Broker	دلال کالا
A Priori	دلیل قبلی	Ship Broker	دلال کشتی
Anchor Argument	دلیل دلنگر	Odd-lot Broker;	دلال کمتر از صد سهم
Comparability Argument	دلیل مقایسه پذیری	Odd-lot Dealer	
A Priori	دلیل مقدم و نامبنتی بر تجربه	Odd-lot Broker	دلال کم کار
		Stock Broker	دلال معاملات ارزی

Remonetize	دوباره وارد بازار کردن (پس از احتکار)	Reason	دلیل و برهان
Reimport	دوباره وارد کردن	Stand-by Underwriting	دم‌دست
Classical Dichotomy	دو بخشی کلاسیک	Economic Democracy	دموکراسی اقتصادی
Dobra, Db	دوبرا، واحد پول سانوتومه و پرنسیپ	Industrial Democracy	دموکراسی صنعتی
Redouble	دوبرابر کردن مبلغ برد و باخت (بورس)		تعمیم فراگرد و تصمیم‌گیری از یک مرجع به کل نیروی کار در یک بنگاه تولیدی.
Debreu, Gerard	دوبرو، ژرارد (۱۹۲۱ - ...)	Industrial Democracy	دموکراسی کارگری
	اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۳۸ در اقتصاد به مناسبت پژوهش در نظریه تعادل عمومی.	Denar, MKD	دنار، واحد پول مقدونیه
		Trace	دنبال کردن
Barge; Lighter	دوبه	«Progress Chaser»	دنبال‌کننده پیشرفت
Lighter Abroad Ship Vessel	دوبه‌کش	Sequence	دنباله
Lash Barge(s)	دوبه‌های مستقر در کشتی	Increasing Sequences	دنباله‌های صعودی
Binary Position	دوتایی	Decreasing Sequences	دنباله‌های نزولی
Bilateral; Double-entry System; Each Way	دوجانبه	Strike Suit	دنباله اعتصاب
Bilateralism	دوجانبه‌گرایی	Sequence of Numbers	دنباله اعداد
Redouble	دوچندان کردن	Business World	دنیای کار و کسب
Cycle; Rotation	دور	Economic Continuity	دوام اقتصادی
Ideal Cycle	دور آرمانی	Uniform Continuity	دوام یکنواخت
	همان دور نظری است.	Through Bookings	دوایر مقاطعه‌ای
Free Cycle	دور آزاد	Redraw	دوباره برات‌کردن
	دور کار و کسبی که حدود آن را متغیرهای خود دستگاه اقتصادی معین کنند.	Redraw	دوباره برداشت کردن
Cybernetics	دورآمایی	Refund	دوباره به سرمایه افزودن
	علم هدایت اجسام از راه دور.	Reinstate	دوباره به کار گماشتن
Insulation	دورافتادگی	Re-export	دوباره بیرون فرستادن
Outlier	دور افتاده	Re-enter	دوباره (در دفتر محاسبات) ثبت کردن
Economic Cycle	دور اقتصادی	Remonetization;	دوباره رایج کردن
Rotation	دوران	Remonetize	
Labour Turnover	دوران اشتغال	Reformation	دوباره‌سازی
Expectational Cycle	دور انتظاری	Refund	دوباره سرمایه را به کار انداختن
Junking	دوران‌دازی (ایالات متحد)	Refund	دوباره سرمایه‌گذاری کردن
		Re-export	دوباره صادر کردن
		Remonetization	دوباره قبول کردن
		Reimpose	دوباره مالیات گرفتن

Family Life Cycle	دور عمر خانواده	Capital Turnover	دوران سرمایه‌گذاری
Operating Cycle	دور عمل	Explosive Cycle	دور انفجاری
Business Cycle	دور کار و کسب		یا دور واگرا که دامنه آن طی زمان به آهنگی
Kondratieff Cycle	دور کندراتیف		تصادفی رشد می‌یابد.
	بیان‌کننده تموجات بلندمدت عوامل اقتصادی.	Revolution	دورانی
Kennedy Round	دور کندی در سال ۱۶۶۴ میلادی	Vicious Circle	دور باطل
	هدف آن کاهش چندجانبه موانع تجاری بوده است.		اصطلاحی در اقتصاد توسعه برای تجسم علل
Kuznets Cycle	دور کوزنتس		عقب‌ماندگی اقتصاد کشورهای روبه رشد و توسعه
	نوسانات بلندمدت اندازه‌های رشد اقتصادی.	Product Life Cycle	دور بقای محصول
Kitchin Cycle	دور کیچین	Budget Cycle	دور بودجه
	نوسانات کوتاه‌مدت و موزون فعالیت‌های اقتصادی.	Operating Cycle	دور بهره برداری
Recycling	دور گردش وجوه	Hog Cycle	دور تار عنکبوتی
	فراگرد انتقال وجوه از راه نهادهای مالی و از	Trade Cycle	دور تجاری
	کشورهای دارای مازاد ترازپرداخت‌های حساب‌جاری		انبساط و انقباض متناوب تمامی فعالیت‌های
	به کشورهای کسری‌دار.		اقتصادی.
Reference Cycle	دور مأخذ	Vicious Circle	دور تسلسل
Product Cycle	دور محصول		همان چرخه یا دور باطل است.
	دور تغییرات ویژگیها، روشهای تولید و مکانهای	Procurement Cycle	دور خرید
	تولید از آغاز تا انجام.	Current Asset Cycle	دور دارایی جاری
Reference Cycle	دور مرجع	Wage-price Spiral	دور دستمزد - قیمت
	همان دور مأخذ و پایه است.		مفهومی برای توضیح تأثیر متقابل و فرازنده
Wage-pull	دورمزد		دستمزد و قیمت است.
Inventory Cycle	دور موجودی اموال	Product Life Cycle	دور دوام محصول
	دور نظری		همان دور بقای محصول است.
	همان دور آرمانی است.	Damped Cycle	دور رو به آهستگی
Prospect	دور نما	Damped Cycle	دور رو به زوال
Specific Cycle	دور ویژه	Juglar Cycle	دور ژوگلار
Contour; Period	دوره		دور تجاری میان مدت.
Probationary Period	دوره آزمایش	Inventory	دور سرمایه‌گذاری در کالای موجود
Sandwich Courses	دوره آموزشی فشرده	Investment Cycle	
Round-of-wage Increases	دوره ارتقاءمزدها	Political Business Cycle	دور سیاسی کار و کسب
Transitional Period	دوره انتقالی		

Long Run Period	دوره درازمدت	Periodic	دوره‌ای
Long Period and Short Period	دوره دراز و دوره کوتاه	Virtuous Circles	دوره‌های بدخیم
Reflation	دوره رونق (پس از رکود)	Virtuous Circles	دوره‌های خوش‌خیم
Warranty Period	دوره ضمانت	Inventory	دوره‌های سرمایه‌گذاری در موجودی
	همان مدت یا زمان ضمانت است.	Investment Cycles	
Period of Availability	دوره عمل	Kuznets Cycles	دوره‌های کوزنتس
Accounting Period	دوره عمل حسابداری	Gestation Period	دوره‌های بیست یکبار.
Operating Cycle	دوره عملکرد	Pay-off Period	دوره بازدهی
Sales Contour	دوره فروش	Payback Period	دوره باز یافت سرمایه
Working Life	دوره فعالیت		روش سنتی حسابداری برای ارزیابی سرمایه‌گذاری در طرحها.
Discovery Period	دوره کشف	Pay-back Period	دوره برگشت سرمایه
Short Period	دوره کوتاه		همان دوره باز یافت است.
Chapman; Hawker; Peddler; Pedlar	دوره‌گرد	Stock Cover	دوره بسندگی ذخیره
Peddler; Pedlary	دوره‌گردی	Budget Period	دوره بودجه
Escape Period	دوره ماقبل ترک خدمت	Useful Life	دوره بهره‌وری
Financial Period; Fiscal Period; Fiscal Year	دوره مالی	Optimum Work Period	دوره بهینه کار
Origin Period	دوره مأخذ اصل (در مقابل بدل)	Lay-off	دوره بیکاری
Origin Period	دوره مبدأ	Base Period	دوره پایه
Convergent Cycle	دوره همگرا	Pay-out Period	دوره پرداخت
	یک رشته نوسانهای ادواری که طی زمان دامنه آنها کاهش می‌یابد.	Freeze Period	دوره تثبیت
Collection Period	دوره وصول مطالبات	Experimental Period	دوره تجربی
Income Periods	دوره‌های درآمد	Phase	دوره تحول و تغییر
Marshall Three Time Periods	دوره‌های سه گانه مارشال	Round-of-wage	دوره ترقی مزدها
		Increases	
Iso-cost Contour	دوره هزینه برابر	Tenure	دوره تصدی
Moonlighting	دوشغله	Period of Production	دوره تولید
Double-entry System	دوطرفه	Feudalism	دوره تولید زمینداری
Duopsony	دوقطبی خرید	Accounting Period; Fiscal Period	دوره حسابداری
Duopoly	دوقطبی فروش	Pay-out Period	دوره خرج

At Sight	دیداری	Duality	دوگانگی
New View on Money Supply	دید تازه درباره عرضه پول		
New View of Investment	دید تازه سرمایه‌گذاری		
Transactions Approach	دید داد و ستدی	Technological Dualism	دوگانگی فنی
Income and Expenditure Approach	دید درآمد و مخارج	Dualism Theory	دوگانگی نظریه
Velocity Approach	دید سرعت گردش (پول)	Government	دولت
Cash Balance Approach	دید مانده نقدی	Welfare State	دولت بهزیستی
Transactions Approach	دید معاملاتی	Welfare State	دولت رفاه
Portfolio Balance Approach	دید موجودی دارایی اسنادی		تأکید دولت با وجود اقتصاد خصوصی بر رفاه اجتماعی.
Lasting Value; Secular	دیرپای	New Industrial State	دولت صنعتی نوین
Lag	دیرتر از موقع	Corporate State	دولت صنفی
Delay	دیرکرد	Statism	دولت‌گرایی
Other Things Being Equal	دیگر چیزها همان سان بمانند	Opulent	دولتمند
Other Capital Assets	دیگر داراییهای سرمایه‌ای	Domar, Evsey D. (...-۱۹۱۴)	دومار، اوسی دی (۱۹۱۴-...)
Other Demand Deposits	دیگر سپرده‌های دیداری		اقتصاددان امریکایی که به خاطر کار در نظریه‌های رشد اقتصادی شهرت دارد.
Other Insurance Clause	دیگر شرایط بیمه	Second Bank of the United States	دومین بانک ایالات متحد
Altruism	دیگر‌گرایی		
Dry Harming	دیم‌کاری	Second Best	دومین بهترین
Debt	دین	Duplicate	دو نسخه‌المنشی
New Dinar, ND	دینار جدید، واحد پول یوگسلاوی	Extremes (Outliers)	دو نقطه انتهایی
Dinar, JD	دینار، واحد پول اردن	Dong, D	دونگ، واحد پول ویتنام
Dinar, DA	دینار، واحد پول الجزایر	Deutsche Bank (Ger)	دویچه بانک (آلمان)
Dinar, BD	دینار، واحد پول بحرین	Koulaks	دهقان ثروتمند
Dinar, D	دینار، واحد پول تونس		گروه اجتماعی ساکن روستا که بیشتر به کار کشاورزی می‌پردازند.
		Property-holding Peasant	دهقان خرده مالک
		Payer	دهنده وجه
		Tithe	ده یک
		Dollar Diplomacy	دیپلماسی دلار
		Intuition	دید

Primary Liability	دین متعهد	Dinar, ID	دینار، واحد پول عراق
Direct Liability	دین مستقیم	Dinar, KD	دینار، واحد پول کویت
Funded Debt	دین مستمر	Dinar, LD	دینار، واحد پول لیبی
Overlapping Debt	دین مشترک	Dinar, YD	دینار، واحد پول یمن
Arrear; Matured Liability	دین معوق	Primary Liability	دین امضاءکننده
Preferential Debt; Prior Charge	دین مقدم	Statute Barred Debt	دین باطل
Statute Barred Debt	دین ملغی	Passive Debt	دین بدون بهره
National Debt	دین ملی	Unfunded Debt	دین بدون تأمین
Bonded Debt	دین مورد تعهد	Consolidated Debt	دین تثبیتی
Gross Debt	دین ناخالص	Preferential Debt	دین ترجیحی
Liquid Debt	دین نقدینه	Consolidated Debt	دین تلفیقی
Marginal Liability	دین نهایی	Fixed Debt; Fixed Liability	دین ثابت
Secured Debt	دین وثیقه‌دار	Debt, External; External Debt	دین خارجی
International Court of Justice	دیوان بین‌المللی عدالت	Net Debt	دین خالص
Arbitration Court	دیوان داوری	Self-liquidating Debt	دین خود واریزکننده
Liabilities	دیون	Internal Debt	دین داخلی
Contingent Liabilities	دیون اتفاقی و پیش‌بینی نشده	Statute Barred Debt	دین دارای محذور قانونی
Bank Debts	دیون بانک	Old-standing Debt	دین درازمدت
Clearing Debts	دیون تهاتر	Government Debt	دین دولت
Aggregate Liabilities	دیون جمعی	Consols	دین دولتی
Capital Liability	دیون درازمدت	Partnership Audit	دین شراکت
Book-debts	دیون دفتری	Partnership Audit	دین شرکت
Deferred Liabilities	دیون عقب‌افتاده (دیون بلندمدت)	Partnership Debt	دین شرکت حرفه‌ای
Collected Debts	دیون وصولی	Explicit Debt	دین صریح
Liabilities of a Bank	دیون یک بانک	Implicit Debt	دین ضمنی
Liabilities of a Company	دیون یک شرکت	Ordinary Debt	دین عادی
		Arrear	دین عقب‌افتاده
		Public Debt	دین عمومی
		Nonmarketable Debt	دین غیر قابل معامله
		Floating Debt	دین کوتاه‌مدت



Immobile Stock	ذخیره ثابت	Inherent	ذاتی
Depletion Allowance	ذخیره جبران کاستی	Buffer Stocks	ذخیره ضدنوسان
Depletion Allowance	ذخیره جبران نقصان		ذخیره‌های موجودی کالا که برای تنظیم عرضه و
Stockist	ذخیره‌دار		نوسان قیمت‌ها نگهداری می‌شوند.
Opening Stock	ذخیره در آغاز دوره اجرا	Stocks (of Commodities)	ذخیره کالاها
Demand Capital Stock	ذخیره دلخواه سرمایه	Provision; Stand-by; Stock; Stocking	ذخیره
Immobile Stock	ذخیره راکد	Safety Stock	ذخیره احتیاطی
Spot Stock	ذخیره روز	Buffer Stock	ذخیره احتیاطی مواد
Dead Storage; Stock Piling;	ذخیره‌سازی	Store of Value	ذخیره ارزش
Storage		Allowance for Depreciation;	ذخیره استهلاک
Sequential Access	ذخیره‌سازی توالی دستیابی	Capital Allowances; Capital	
Storage		Consumption Allowance; Depreciation	
Working Storage	ذخیره‌سازی کاری	Allowance; Depreciation Provision;	
Strategic	ذخیره‌سازی کالاهای اساسی	Writing-down Allowance; Written-down	
Stockpile		Allowance	
Capital Stock	ذخیره سرمایه	Carry-over	ذخیره انتقالی
Investment Allowances	ذخیره سرمایه‌گذاری	Equalization Provision	ذخیره برابری‌سازی
Monetary Gold	ذخیره طلا برای مصارف پولی	Immobile Stock	ذخیره بی‌حرکت
Stock		Money Stock; Stock of Money	ذخیره پول
Stores Stock	ذخیره فروشگاه	Equalization Provision	ذخیره تسویه
Stock	ذخیره کالاهای آماده فروش	Renewal Fund	ذخیره تعویض (کلی یا جزئی)

Accountability	ذیحسابی	Lay Up; Stockpile	ذخیره کردن
Beneficiary; Party Entitled; With Rights	ذیحق	Rolling Stock	ذخیره گردان
Competent	ذیصلاحیت	Unemployment Pool	ذخیره مشترک بیکاری
Beneficiary; Endorsee; Indorsee; Interested	ذینفع	Gold Pool	ذخیره مشترک طلا
Contingent Beneficiary	ذینفع احتمالی (در بیمه عمر)	London Gold Pool	ذخیره مشترک طلای لندن
Secondary Beneficiary	ذینفع ثانوی	Appropriation	ذخیره مصوبات بودجه‌ای
Secondary Beneficiary	ذینفع دست دوم	Stock	اعتبارات واگذاری
Third Party Beneficiary	ذینفع شخص سوم	Spot Stock	ذخیره مواد اولیه و کالاهای نیمساخته
Fictitious Payee	ذینفع صوری	Inventory Provision	ذخیره موجود
Controlling Interest	ذینفع مسلط	Stock Holder	ذخیره موجودی کالا
Primary Beneficiary	ذینفع نخست	Annual Allowances; Open Stock	ذخیره نگهدار
		Rightful Parties	ذخیره‌های سالانه
		Comptroller; Controller	ذوی‌الحقوق
			ذیحساب



Side Relation	رابطه جانبی	رابرتسون، عالی جناب دنیس هالم	Robertson, Sir
Trade-off	رابطه جانشینی	Dennis Holme (۱۸۹۰-۱۹۶۳)	Dennis Holme
The Trade-off of Unemployment-inflation	رابطه جانشینی تورم - بیکاری	اقتصاددان انگلیسی صاحب‌نظر در مسائل پولی و تحلیل دور تجاری.	
Side Relation	رابطه جانبی	رابط خریدار و فروشنده	Middleman
Law, Relation to Economics	رابطه حقوق با اقتصاد	رابطه	Linkage
Income Terms of Trade	رابطه درآمدی تجارت	رابطه اخلاق با اقتصاد	Ethic, Relation to Economics
Lead-lag Relationship	رابطه سبقت - تأخیر	آن بخش از علم اقتصاد که روی مسائل اخلاقی - اجتماعی تأکید می‌گذارد.	
Technology, Relation to Economics	رابطه علم اقتصاد و شناخت فنی	رابطه اقتصاد و علم آمار	Statistics, Relation to Economics
Lead-lag Relationship	رابطه فاصله زمانی سفارش دریافت مواد و انجام دادن آن	رابطه اقتصادی	Economic Relation
Terms of Trade	رابطه مبادله	رابطه بده بستان تورم - بیکاری	The Trade-off Unemployment-inflation
Single Factorial Terms of Trade	رابطه میان قیمت کالاهای صادراتی و قیمت کالاهای وارداتی است.	پذیرش اندازه‌ای از تورم در برابر رفع نسبی تورم.	
Double Factorial Terms of Trade	رابطه مبادله دو عاملی	رابطه پس‌انداز - درآمد	Saving-to-income Ratio
		رابطه پیشی - درنگ	Lead-lag Relationship
		رابطه تاریخ با اقتصاد	History, Relation to Economics

Strategy	راهبرد	Barter Terms of Trade	رابطه مبادله کالا
Solution	راه حل	Commodity Terms of Trade	رابطه مبادله کالایی
Research Problems Solving	راه حل مسائل تحقیق	Gross Barter of Trade	رابطه مبادله ناویژه
Outgo	راه دور	Single Factorial Terms of Trade	رابطه مبادله یک عاملی
Non-capitalist Way of Growth	راه رشد غیر سرمایه داری	The Trade-off of Unemployment-inflation	رابطه معاوضه تورم - بیکاری
	نظریه‌ای در باب امکان گذار میان بُر از جامعه پیش سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی بدون گذر از مرحله سرمایه داری است.	Logic, Relation to Economic	رابطه منطق با اقتصاد
Loop-hole	راه گریز	Correlation Ratio	رابطه همبستگی
Tax Loophole «Middle Way»	راه گریز مالیاتی راه میانه	Robins, Lord Lionel (۱۸۹۸-۱۹۸۴)	رابینز، لُرد لیونل
Mortgagor; Obligee; Pawner (or Pawnor); Pledger; Spouter	راهن		اقتصاددان انگلیسی که این تعریف از اوست: اقتصاد علمی است که رفتار انسان را به عنوان رابطه‌ای میان هدفها و وسایل کمیاب در موارد استفاده متبادل بررسی می‌کند.
Pilot	راهنما	Robinson, Joan V. (۱۹۰۳-۱۹۸۳)	رابینسون، جون ویولت
Manual of Operation	راهنمای انجام کار		اقتصاددان انگلیسی که یکی از متنفذترین نظریه پردازان اقتصادی دوران پس از کینز بوده است.
Accounting Manual; Manual of Accounting	راهنمای حسابداری	Rogers, James Edwin Thorold (۱۸۲۳-۱۸۹۰)	راجرز، جیمز ادوین تورولد
Investment Adviser	راهنمای سرمایه گذاری		اقتصاددان و آمار شناس انگلیسی که از نهضت‌های تعاونی پشتیبانی می‌کرد.
Directory of Exports	راهنمای صادرات	Post-factum (Ex Post Facto)	راجع به گذشته
Orientation	راهنمایی	Rectifiable	راست شدنی
Vocational Guidance	راهنمایی حرفه‌ای	Truth in Lending	راستی در وام‌دهی
Remedies of Mortgage	راههای جبران رهن	Dull; Stagnant	راکد
Approved Routes	راههای مجاز	Cushion of Foreign Exchange	راکد به صورت ارز
Micro-computer	رایانک	Rand, R	راند، واحد پول افریقای جنوبی
Electronic Computer	رایانه الکترونیکی		و نامیبیا
Super Computer	رایانه بزرگ		
Automatic Computer	رایانه خودکار		
Digital Computer	رایانه رقمی		
Personal Computer	رایانه شخصی		
Amalog Computer	رایانه قیاسی		
Synchronous Computer	رایانه همزمان		

Commissioner of Customs	رئیس گمرک	Stored Program	رایانه‌های برنامه‌اندوز
Port Warden	رئیس لنگرگاه	Computer	
Usury	ربا	Joint Consultation	رایزنی مشترک
	اندازه بسیار سنگین و بیشتر از حد که معمولاً در بازار سازمان نیافته رواج دارد. ربا در اسلام حرام است.	Advance Free of Interest; F.C.O.; Franco; Ex Gratia; Gratuitous	رایگان
Loan Shark; Scrivener	رباخوار	Free of Charge	رایگان (یا معاف از حقوق گمرکی)
Usury	رباخواری	Vertex	رأس
Interest	ربح	Focal Date	رأس مدت
Bank Interest	ربح بانک	Award; Discretion; Vote	رأی
Silver Interest	ربح بسیط	Banker's Opinion	رأی بانکدار
Accumulated Dividend	ربح جمعی سهام	Poll	رأی با ورقه یا مهره
Pure Interest	ربح خالص	Voting	رأی دادن
Silver Interest; Simple Interest	ربح ساده	Arbitration Award	رأی داوری
Implicit Interest	ربح ضمنی	Casting Vote	رأی قاطع
Usury	ربح فاحش	Voting	رأی گیری
Legal Interest	ربح قانونی	Cumulative Voting	رأی گیری انباشتی
Explicit Interest	ربح قرض	Cumulative Voting	رأی گیری تجمعی
Compound Interest	ربح مرکب	Ordinary Voting	رأی گیری عادی
Gross Interest	ربح ناخالص	Cumulative Voting	رأی گیری متعدد
Quartile	ربع	Agreed Award	رأی مرضی الطرفین
Fathings	ربع پنی	Agreed Award	رأی مورد توافق
Plunderage	ربودن و غارت کالا از عرشه کشتی	Block Vote	رأی یکجا
Röpke, Wilhelm	رپکه، ویلهلم	Presentation	رؤیت
	اقتصاددان اطریشی، پیرو مکتب آزادی‌گرایی اقتصادی است.	Boss	رئیس
Rank	رتبه	Port Warden	رئیس بندر
Credit Ranking	رتبه‌بندی اعتبار مشتریان	Impartial Chairman	رئیس بی‌غرض
A.A. Rating	رتبه‌بندی پیشینه	Pay Master	رئیس پرداخت
A.A. Rating	رتبه‌بندی حداکثر	Chief Account; Senior Accountant	رئیس حسابداری
Job Evaluation	رتبه شغل	Pay Master	رئیس سر رشته‌داری
Job Evaluation; Labour Grade	رتبه کار	Chief Executive	رئیس قوه مجریه
Grading	رتبه‌گذاری	Governor	رئیس کل (بانک مرکزی)

Sq. Rod	زُد مربع برابر با ۲۵/۲۹۲۹ مترمربع.	Merit Rating	رتبه‌گذاری شایستگی
Interchange; Transaction	رد و بدل	Job Grading	رتبه‌گذاری مشاغل
Step	رده (اصطلاح بورس)	Moody's Rating	رتبه‌گذاری مودی
Spreading	رده‌بندی	Superseniority	رتبه ویژه ممتاز
Price Lining	رده‌بندی قیمت	Rank of a Matrix	رتبه یک ماتریس
Customs Cooperation Council	رده‌بندی کالایی شورای همکاری گمرکی	Preferability; Preference	رجحان
Nomenclature		Revealed Preference	رجحان آشکار
Trace	ردیابی	Expense Preference	رجحان خرج
Scale of Prices	ردیف قیمتها	Prefer	رجحان دادن
Remitter	رساننده وجه	Time Preference	رجحان زمانی
Advertising Media	رسانه تبلیغ بازرگانی		ترجیح مصرف حال بر مصرف آینده است.
Communication Media	رسانه‌های ارتباطی	Bumping	رجحان سابقه
Mass Media	رسانه‌های گروهی	Back Tracking	رجحان سابقه‌داری
Guild	رسته	Revealed Preference	رجحان مشهود
Custom; Tradition	رسم	Consumer's Preference	رجحان مصرف‌کننده
De jure	رسماً		میزان نسبی تمایل مصرف‌کننده به مصرف کالاها و خدمات گوناگون است.
Officialism	رسمیت	Fraudulent Preference	رجحان نادرست
Exchange	رسمی شدن تنزل قیمت ارز	Liquidity Preference	رجحان نقدینگی
Devaluation			تمایل به حفظ وجه نقد یا سپرده در حساب جاری.
Dues	رسومات	Expense Preference	رجحان هزینه
	در کشاورزی سنتی ایران، بخشی از محصول روستا که میان روستاییان جز مالک و زارع توزیع می‌شد.	Revolving-credit Plan	رجعی
Social Customs	رسوم اجتماعی	Appeal to	رجوع به داوری، حکمیت
Exchange	رسوم معاملات ارزی و سهام	Arbitration	
Customs		Recourse	رجوع به ضامن
Exchange Customs	رسوم و آداب بورس	Shop	رجوع به فروشندگان مختلف برای
Advice of Arrival; Receipt; Receival	رسید	Around	به‌دست آوردن نرخ
Original Receipt	رسید اصلی	Rejection	رد
Trust Receipt	رسید امانت کالا	War Debt Repudiation	رد دین جنگ
Counter Check	رسید امانت‌گذار	Reject	رد کردن
Trust Letter; Trust Receipt	رسید امانی	Decertification	رد گواهی

Compulsory Check Off	رسیدگی قهری	Warehouse Receipt; Warehouse Warrant	رسید انبار
Check; Examine; Handle	رسیدگی کردن	Dock Warrant	رسید انبار بارانداز
Docket	رسیدگی گمرکی	Warehouse Keeper's Warrant	رسید انباردار
Perpetual Inventory	رسیدگی مداوم به موجودی	Public Warehouse Receipt; Warrant	رسید انبار عمومی
Test Check	رسیدگی موضعی	Warehouse Receipt	رسید انبارها
Verify	رسیدگی نمودن	Interest Warrant	رسید بهره
Forwarder's Receipt	رسید متصدی حمل و نقل	Clean Receipt	رسید بی قید و شرط
Foul Receipt	رسید مشروط	Call Receipt	رسید پرداخت
Receipt in Due Form	رسید منظم	Postal Receipt	رسید پستی
Receipt on the Balance	رسید نهایی	Representative Full-bodied Money	رسید پول تمام‌عیار
Received	رسیده از	Cash Voucher	رسید پول نقد
	نشانه اختصاری آن Rec'd یا Recd است.	Application Receipt	رسید تعهد پرداخت
R.O.G.	رسیدهای کالا	Receipt	رسید چیزی را دادن
	نشانه اختصاری Receipt of Goods است.	Receipt	رسید دادن
Harmonic Series	رشته توافقی	Receiptor	رسید دهنده
Industry	رشته صنعت	Railway Receipt	رسید راه آهن
Growth	رشد	Treasury Deposit Receipt	رسید سپرده خزانه
Initiative Growth	رشد ابتکاری		نشانه اختصاری آن T.D.R. است.
Economic Growth	رشد اقتصادی	Share Warrant	رسید سهام
	فراگرد پیوسته افزایش مقادیر اقتصادی.	Receipt on the Balance	رسید قطعی
Zero Economic Growth	رشد اقتصادی صفر	Receipt for Shipment	رسید کالا
Unbalanced Economic Growth	رشد اقتصادی نامتوازن	Goods Received Goods	رسید کالاهای دریافتی
		Clean Receipt	رسید کامل
Unbalanced Economic Growth	رشد اقتصادی نامتوازن	Audit; Examination; Handling; Investigation; Verification	رسیدگی
Export Led Growth	رشد با اولویت صادرات	Test Check	رسیدگی آزمایشی
	فراگرد رشد ناشی از افزایش حجم صادرات.	Economic Maturity	رسیدگی اقتصادی
Sustainable Growth	رشد بادوام	Voucher Audit	رسیدگی به اسناد
External Growth	رشد برونی	Stock Taking	رسیدگی به موجودی
Sustainable Growth	رشد پایا	Automatic Checkoff	رسیدگی خودکار
Population Growth	رشد جمعیت		
Zero Population Growth	رشد جمعیت صفر		

Roscher, Wilhelm (۱۸۹۴-۱۸۱۷)	رشر، ویلهلم	External Growth	رشد خارجی
اقتصاددان آلمانی که نظریه‌های اقتصاد کلاسیک را در قالب عبارات و اصطلاحات تاریخی بیان کرده است.		Exponential Growth	رشد خودانگیز
		Steady-state Growth	رشد در وضع پایدار
		Steady-state Growth	رشد در وضع یکنواخت
Bribe; Payola	رشوه	Steady-state Growth	رشد دیر پا
Kickback	رشوه استخدام	افزایش بلندمدت درآمد سرانه واقعی یا محصول ناخالص ملی سرانه.	
Satisfactory	رضایت بخش	Imitative Growth	رشد ساختگی
Gradualism	رعایت اصل تدریج	Export-led Growth	رشد صادراتی
Economization	رعایت اصول اقتصادی	رشد ناشی از افزایش حجم صادرات است.	
Economization	رعایت صرفه جویی	«Golden Age» Growth	رشد «عصر طلایی»
Ecfare; Prosperity (Expansion; Peak); Well-being; Welfare	رفاه	Vertical and Horizontal Growth	رشد عمودی و افقی
Social Welfare	رفاه اجتماعی	Flush	رشد غیر عادی
پدیده بهزیستی افراد جامعه است.		Emmiserizing Growth; Immisserizing Growth	رشد فقر آور
Economic Welfare	رفاه اقتصادی	Steady Growth; Steady-state Growth; Sustainable Growth	رشد مانا
بهزیستی انسانی ناشی از مصرف کالاها و خدمات.		همان رشد پایا، پایدار و دیرپاست.	
Net Economic Welfare	رفاه خالص اقتصادی	Sustainable Growth	رشد ماندگار
از تعدیل محصول ناخالص ملی ناشی می‌شود.		Differential Growth	رشد متفاوت
Industrial Welfare	رفاه صنعتی	Balanced Growth	رشد متوازن
Public Welfare	رفاه عامه	فراگرد رشدی که طی آن همه متغیرهای کلی اقتصادی هماهنگ با یکدیگر افزایش می‌یابد.	
Public Welfare	رفاه عمومی	Imitative Growth	رشد مصنوعی
Behaviour; Treatment	رفتار	Balanced Growth	رشد موزون
Cyclical Behaviour of Capacity Utilization	رفتار ادواری استفاده از ظرفیت	همان رشد متوازن است.	
Cyclical Behaviour of Productivity	رفتار ادواری بهره‌وری	Unbalanced Growth	رشد نامتوازن
Cyclical Behaviour of Productivity	رفتار ادواری فرآوری	رشد سرمایه‌گذاری به آهنگهای مختلف در بخشهای اقتصادی.	
Satisfying Behaviour	رفتار ارضاءکننده	Exponential Growth	رشد نمایی
Economic Behaviour	رفتار اقتصادی	Steady Growth	رشد یکسان
Oligopolistic Behaviour	رفتار انحصار چند قطبی	Steady Growth	رشد یکنواخت
Monopolistic Behaviour	رفتار انحصاری		

Lift the Ban	رفع ممنوعیت کردن	Maximizing Behaviour	رفتار بیشینه‌سازی
Window Dressing	رفع و رجوع	Cooperative Behaviour	رفتار تعاونی
Competition	رقابت	Oligopolistic Behaviour	رفتار چند قطبی
Free Competition	رقابت آزاد	Conjectural Behaviour	رفتار حدسی
Open Competition	رقابت آشکار	Guidepost	رفتار دنباله‌روی نشانه راهنما
Economic Competition	رقابت اقتصادی	Following Behaviour	
Monopolistic Competition	رقابت انحصارگرانه	Cyclical Behaviour of	رفتار دوری پهنه‌وری
Monopolistic Competition	رقابت انحصاری	Productivity	
	بازاری که در آن شمار زیادی تولیدکننده محصولات مشابه اما ناهمسان وجود دارند.	Mathematical Treatment	رفتار ریاضی اقتصاد
Open Competition	رقابت باز	of Economics	
Banks' Competition	رقابت بانکها	Rational Behaviour	رفتار عقلایی
Commercial Banks' Competition	رقابت بانکهای بازرگانی	Irrational Behaviour	رفتار غیرعقلایی
		Unfair Labour Practices	رفتار غیرمنصفانه در روابط شغلی
Cut Throat Competition	رقابت بی‌رحمانه	Business Behaviour	رفتار کار و کسبی
Interindustrial Competition	رقابت بین صنعتی	Behaviourism	رفتارگرایی
	رقابت میان رشته‌های مختلف تولید برای جلب نظر مصرف‌کنندگان نسبت به کالاها و خدمات خودشان.	Group Behaviour	رفتار گروهی
Competitiveness	رقابت‌پذیری	Conjectural Behaviour	رفتار گمانی
Destructive Competition	رقابت تباهی آور	Conjectural Behaviour	رفتار مبتنی بر حدس و گمان
Advertising Competition	رقابت تبلیغ تجاری	Behaviour	
Tariff War	رقابت تعرفه‌ای	Consumer Behaviour	رفتار مصرف‌کننده
Olygopolistic Competition	رقابت چندقطبی	Rational Behaviour	رفتار معقول
Pure Competition	رقابت خالص	Square Deal	رفتار منصفانه
Quality Competition	رقابت در کیفیت	Traffic	رفت و آمد
Quality Competition	رقابت در مرغوبیت	Provide	رفع احتیاج کردن
Interindustry Competition	رقابت درون صنعتی	Settlement of Disputes	رفع اختلافات
	رقابت میان صنایع است.	Eviction	رفع تصرف
Cutthroat Competition	رقابت سخت	Work to Rule	رفع تکلیف
Brisk Competition; Keen Rival	رقابت شدید	Release of Seizure	رفع توقیف
		Replevin	رفع توقیف به قید کفیل
		Risk Aversion	رفع خطر احتمالی
		Recoup	رفع ضرر از خود کردن
		Abatement	رفع مزاحمت

Actuarial	رقم اعلام شده آمارگران	Open Competition	رقابت علنی
Approximate Figure	رقم تقریبی	Challenge of Workable Competition; Workable Competition	رقابت عملی
Sum	رقم کل	Predatory Competition	رقابت غارتگرانه
Offset	رقم متعادل کننده (در حساب)	Predatory Competition	رقابت غارتی
Cipher	رقم هیچ	Nonprice Competition	رقابت غیر قیمتی
Competent; Competitor	رقیب	رقابت جز در زمینه قیمت و از طریق تفاوت محصولات و تبلیغات است.	
Rival	رقیب (کالاهای...)	Unfair Competition	رقابت غیرمنصفانه
Deflation; Stagnation	رکود	Theoretical Competition	رقابت فرضی
Economic Stagnation	رکود اقتصادی	Workable Competition	رقابت قابل استفاده
	حالتی بدون نوسان و فعالیت اقتصادی.	Price Competition	رقابت قیمت
Secular Stagnation	رکود دیرپای	Perfect Competition	رقابت کامل
Lock Up Capital	رکود سرمایه		وجود شمار زیادی بنگاه، آزادی ورود به هر صورت و تجانس کالاهاست.
Slump	رکود شدید	Small-bore Competition	رقابت کوه‌نظرانه
Secular Stagnation	رکود طولانی	Quality Competition	رقابت کیفی
Secular Stagnation	رکود قرنی	Pure Competition	رقابت محض
Managerial Slack	رکود مدیریتی	Destructive Competition;	رقابت مخرب
Secular Stagnation	رکود مزمن	Rat Race	
Slump	رکود موقت	Stage Competition	رقابت مرحله‌ای
Coding	رمز عددی	Regulated Competition	رقابت مقرراتی
Coding	رمزگذاری	Unfair Competition	رقابت مکارانه
Automatic Coding	رمزگذاری خودکار	Fair Competition	رقابت منصفانه
Machine Code	رمز ماشین (اصطلاح رایانه)	Interindustry Competition	رقابت میان صنایع
Sweating	رمق‌کشی	Imperfect Competition	رقابت ناقص
Laboursome	رنج‌آور		فقدان یکی از شرایط رقابت کامل.
Rand, R	رند	Unfair Competition	رقابت نامشروع
	همان راند، واحد پول آفریقای جنوبی است.	Theoretical Competition	رقابت نظری
Phalanstery	روابط اجتماعی تعاونی	Effective Competition	رقابت واقعی
Social Relations of Production	روابط اجتماعی تولید	Destructive Competition	رقابت ویرانگر
Industrial Relations	روابط انسانی در بنگاه اقتصادی یا تولیدی	Competitive	رقابتی
Trade Relations; Trade Ties	روابط تجاری	Closing Entry	رقم اختصاصی

Rupee, PRs, Rs	روپیه، واحد پول پاکستان	Industrial Relations	روابط صنعتی
Rupee, Rs	روپیه، واحد پول سیشل		منظور روابط کارگری - کارفرمایی است.
Rupee, MauRs	روپیه، واحد پول موریس	Public Relations	روابط عمومی
Rupee, NRs	روپیه، واحد پول نپال	Labour Relations	روابط کار
Rupee, Rs	روپیه، واحد پول هند	Industrial Relations	روابط کارگر و کارفرما
New Rupiah	روپیه جدید	Staff Relationship	روابط کارمندان
Commercialism	روح بازرگانی	Employee Relations	روابط کارمندی
Animal Spirits	روح حیوانی	Connection	روابط کار و کسب
	توضیح این اندیشه در سرمایه‌گذاری است که	Social Interrlationship	روابط متقابل اجتماعی
	الگوهای ریاضی را مردود می‌شمارد و در مقابل	Be Legal Tender	رواج اجباری داشتن
	کششهای غریزی یا هوی و هوس کارآفرینان	Legal Tender	رواج قانونی
	اقتصادی را مؤثر در سرمایه‌گذاری می‌داند.	Remonetization	رواج مجدد سکه
Sq. Rood	رود مربع	Spurt	رواج ناگهانی بازار
	برابر با ۱۰۱/۱۷۱۶ مترمربع.	Psychometrics	روان سنجی
Ticket or	روز آگهی صورت مشتریان (در بورس)	Statistical Psychology	روانشناسی آماری
Name Day		Business Psychology	روانشناسی شغلی
Red Letter Day	روز اخطار	Industrial Psychology	روانشناسی صنعتی
Name Day	روز ارسال اسامی	Industrial Psychology	روانشناسی فنی
Contango Day	روز انتقال معامله	Business Psychology	روانشناسی کار و کسب
Per Diem	روزانه	Despatch	روانه کردن
Contango	روز اول تسویه سه‌روزه برای	Dispatch	روانه نمودن
on Making-up Day	معاملات بورس	Fluidity of Labour	روانی کارگر
Lay	روز بازرگاری و باراندازی کشتی (که جزء	Ruble	روبل ملی، واحد پول تاجیکستان
Days	تاخیر کشتی منظور نمی‌شود)	(National), TRub	
Market Day	روز بازار	Rouble, Ruble, Rb	روبل، واحد پول روسیه
Closing Date	روز بستن حسابها و تهیه ترازنامه	Ruble, B.Rub	روبل، واحد پول روسیه سفید
Market Day	روز بورس	To Be On	رو به ترقی (بورس)
Option Day	روز پاسخ جایزه	Bearish	رو به تنزل
Account Day; Pay Day	روز پرداخت	Shape up	رو به راه شدن
Making-up Day; Settlement	روز تسویه	Sink	رو به زوال نهادن
Day		Bearish	رو به سقوط
Settling-day	روز تسویه (در بورس)	Bearish	رو به کاهش
Account Day	روز تسویه حساب	Rupiah, Rp	روپیا، واحد پول اندونزی

Quarter Days	روزهای پایانی فصل	Carry Over Day; Pay Day;	روز تصفیه
Quarters	روزهای پایانی فصل برای تسلط دوری	Settlement Day; Settling-day	
for Cyclical Dominanca		Account Day	روز تصفیه حساب
	نشانه اختصاری این اصطلاح Q.C.D. است.	New Time	روز تصفیه حساب جدید (بورس)
Term Days	روزهای پرداخت اجاره‌بها	Non-business Day	روز تعطیل
Quarter Days	روزهای تصفیه	Bank Holiday	روز تعطیل بانکی
Grace Days	روزهای تعطیل کار	Newgo	روز حساب جدید
Stream Days	روزهای کار	Prompt Day	روز ضرب‌الاجل
Stream Days	روزهای گردش ماشین	Non-business Day	روز غیرکار
Running Days	روزهای متوالی	Working Day	روز فعالیت
Day-lays;	روزهای مجاز بارگیری یا تخلیه کشتی	Legal Day	روز قانونی
Lay-time		Business Day; Working Day	روز کار
Days of Grace	روزهای مهلت	Banking Day	روز کار بانکها
Running Days	روزهای هفته منجمله شنبه‌ها	Return Day	روز مراجعه به دادگاه
Superstructure	روساخت	Routine	روزمره
Superstructure	روساختار	Journey-work	روزمزدی
Rostow,	روستو، والت ویتمن (۱۹۱۶ - ...)	Post	روز معاملات دلان بروات و اسناد خارجی
Walt Wittman		Day	(در بورس لندن)
	اقتصاددان امریکایی که نظریه مراحل رشد اقتصادی را آورده است.	Invoice Book	روزنامه خرید
Aggregative Method	روش اجمالی	Purchase Journal	روزنامه خرید در صفحه بعد
Combined	روش احتساب تنزل بها و هزینه‌های	Cash Journal	روزنامه صندوق
Depreciation and Up Keep	نگهداری	Journalize	روزنامه‌نویسی کردن
Method		Short Day	روز نزدیک
Present Value Method (In	روش ارزش حال	Discount Window	روزنه تنزیل
Capital Budgeting)		Tax Loophole	روزنه گریز مالیاتی
Method of Direct	روش ارزش‌گذاری مستقیم	Window	روزنه مالی
Valuation		Pay Day; Settlement Day;	روز واریز
Declining Balance Method	روش ارزش ویژه	Settling-day	
Method of Direct	روش ارزشیابی مستقیم	Account Day	روز واریز معاملات گذشته
Valuation		Post Day	روز ورود یا خروج پست (در انگلیس)
Program (Pert)	روش ارزیابی برنامه و بازنگری	Prompt Day	روز وعده
Evaluation and Review Technique		Transfer Days	روزهای انتقال
		Day of Grace	روزهای بخشودگی

Unit-of -production Method of Depreciation	روش استهلاك بر اساس واحد توليد	Cost or Market Price, Whichever Is	روش ارزیابی موجودی بر پایه
Sinking Fund Method	روش استهلاك بر اساس وجوه كنار گذارده شده	P.E.R.T. Programme Evaluation and Review Technique	روش ارزیابی و بازمینی طرحها نشانه اختصاری Review Technique است.
Retirement Method of Depreciation	روش استهلاك بر پایه خروج از خدمت	Estimating-cost System	روش ارزیابی هزینه
Production Unit Method of Depreciation; Unit Method of Depreciation	روش استهلاك بر پایه واحد توليد از خدمت	Appraisal Method of Depreciation	روش ارزیابی هزینه استهلاك of Depreciation
Unit-cost Method of Depreciation	روش استهلاك بر پایه هزینه واحد از خدمت	Factory System of Industry	روش اساسی توليد صنايع Industry
Compound-interest Method of Depreciation	روش استهلاك ربح مركب از خدمت	Pay-back Method	روش استرداد
Sinking Fund Method of Depreciation	روش استهلاك مبتنی بر وجوه استهلاكی	Inductive Method	روش استقرایی
Straight Line Method of Depreciation	روش استهلاك مستقيم از خدمت	این روش در تحليل مسائل اقتصادی نیز بكار می رود و آن مبتنی است بر مشاهده واقعات تجربی، تعمیم دادن آنها، و حرکت از جزء به كل.	از بین رفته
Diminishing Balance Method	روش استهلاك نزولی از خدمت	Retirement Method	روش استهلاك بر اساس ارزش از بین رفته
Credit System	روش اعتباری	Sum of the Years Digits Method	روش استهلاك بر اساس ارقام سالها از بین رفته
Call System	روش اعلام (بورس نیویورک)	Unit Cost Method	روش استهلاك بر اساس بهای واحد از بین رفته
Economic Method	روش اقتصادی	Double Declining Balance Method	روش استهلاك بر اساس دو برابر درصدی از مانده بهای کالا
Physiocratic System	روش اقتصادی فیزیوکراتها	Labour-hour Method; Labour-hour Method of Depreciation	روش استهلاك بر اساس ساعت كار از بین رفته
Method of Issuing Shares	روش انتشار سهام	Production Unit Method	روش استهلاك بر اساس شیوه تولید از بین رفته
Adjustment Process	روش انطباق	Service -capacity Method	روش استهلاك بر اساس قابلیت كار یا قدرت خدمت
همانند وسایل تطبیق برای رفع ناترازی در پرداختهای بین المللی همچون پایه - طلا، پایه ارز - طلا، ضرب افزایش تجارت خارجی و نرخ شناور ارز است.		Production Method of Depreciation	روش استهلاك بر اساس میزان توليد از بین رفته

Historical Method (Historicism)	روش تاریخی (تاریخ‌گرایی)	Last in First Out Method of Inventory	روش اولین صادره از آخرین وارده
Leaseback	روش تأمین مالی سرمایه‌گذاریها	First in First Out Method of Inventory	روش اولین صادره از اولین وارده
Appraisal Method	روش تجدید ارزیابی	Allowance Method	روش ایجاد ذخیره در پایان هر دوره مالی
Appropriation Method	روش تخصیص	Net Output Method	روش باز داده خالص
Average Daily Balance Method	روش تراز روزانه متوسط	Yield Method (in Capital Budgeting)	روش بازده
Tracing	روش ترسیم	Pay-back Method	روش «بازدهی»
Combined Depreciation and Up Keep Method	روش ترکیبی	Survivor Technique	روش بازمانده
Sales-force-composite Method	روش ترکیبی عامل فروش	Net Back System	روش باز یافت
Underlying Policy	روش تضمین پرداخت و ارجحیت در پرداخت	Standard-gamble Method	روش بازی نمونه‌ای
Comparative Method	روش تطبیقی	Declining-balance	روش بر اساس بهای باقیمانده
Rating System	روش تعرفه	Pay-back Method	روش برگشت سرمایه
Rationalization	روش عقلی	Programming Budgeting System of Planning	روش برنامه‌ریزی
Replacement Method	روش تعویض	Simplex Method in Linear Programming	روش برنامه‌نویسی خطی سیمپلکس
Perpetual Inventory Method	روش تعیین مانده دفتر	Binary Code	روش بیان ارزش عددی بر اساس روش شماره‌گذاری مبتنی بر دو
Standard Cost Method of Inventory	روش تعیین موجودی براساس هزینه معیاری	Bayesian Statics	روش بیسی
Difference Method	روش تفاوت شماره‌ها (در آمار)		روش بررسی مبتنی بر تحلیل هزینه - فایده با توجه به تعدیلات لازم در قیمت‌های محصولات و عوامل تولید و نیز میزان بهره.
Retirement Method of Depreciation	روش تقاعدی استهلاک	Premium System	روش پاداش
Dividend Policy	روش تقسیم سود سهام	Annuity Method	روش پرداخت سالانه
Base Stock Method of Inventory	روش تقویم صورت ذخیره موجودی	Equal -annual-payment Method	روش پرداخت سالانه برابر
Imprest System	روش تنخواه‌گردان	Method of Direct Valuation	روش پیش‌بینی مستقیم
Declining-balance	روش تنزل مانده و کاهش رقم پیش‌بینی شده	Lead-lag Technique	روش پیشی - درنگ یا روش سبقت - تأخیر.

Retail Method	روش خرده‌فروشی	Discounted Cash Flow Method	روش تنزیل جریان نقدی
Retail Method of Inventory	روش خرده‌فروشی در محاسبه موجودیها	Records	روش توزیع و نگهداری اسناد
Percentage Method	روش درصد	Disposal Program	قدیم و جدید
Constant	روش درصد ثابت بر اساس بهای	Mode of Production;	روش تولید
Per Cent of Decreasing Balance Method	باقیمانده	Production Surface	
Percentage of Revenue Method	روش درصدی دریافتی	Net Output Method	روش تولید خالص
Access Method	روش دسترسی به اطلاعات (اصطلاح حسابداری و مالی)	Basis of Accounting	روش ثبت و گزارش معاملات پایه حسابداری
Premium Wage System	روش دستمزد با جایزه	Accounting System	روش حسابداری
Columnar System	روش دفترداری امریکایی	Accruals System	روش حسابداری تعلق‌پذیر
Single Entry System	روش دفترداری ساده	Replacement Method	روش جانشین
Two-bin System	روش دوانباری	Process Method of Cost Accounting	روش جریان تولید در حسابداری هزینه
Compound Interest Method	روش ربح مرکب	Sum of the Years Digits Method	روش جمع سنوات
Ranking Method	روش رتبه دادن	Unit-summation Method	روش جمع واحدهای مختلف
Ranking Method	روش رتبه‌گذاری	Giro System	روش جیرو
Points Rating Method	روش رتبه‌گذاری امتیازاتی	Two Stage Least Squares Method	روش حداقل مربعات دومرحله‌ای
Working Hours Method	روش ساعات کار	Three Stage Least Squares Method	روش حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای
Age-life Method	روش سال عمر	Method of Averages	روش حد متوسطها
Investors Method	روش سرمایه‌گذاران	Accounting Procedure; System of Accounting	روش حسابداری
Surface System	روش سطحی	Joint Product Method of Cost Accounting	روش حسابداری هزینه بر پایه محصول مشترک
Discounted Cash Flow Method	روش سنجش نافعیت چندین طرح	Uniform Accounting System	روش حسابداری یکنواخت
Systematic Method	روش سنجیده و منظم	Net Back System	روش خرج دررفته
Voucher System	روش سند هزینه	Spin-off Method	روش خرید کردن سهام
Gross Profit Method	روش سود ناویژه		
Three One Method	روش سه در یک		
Three Shift System	روش سه‌نوبت کاری		
Inventory Method	روش سیاهه‌برداری موجودی		

روش کلاسیک مالیات بندی بر شرکت «Classical» System of Company Taxation	روش سیمپلکس در برنامه‌ریزی خطی Simplex Method in Linear Programming
همان روش معمول مالیات بندی بر شرکت است.	روش سیمپلکس در برنامه‌نویسی خطی Simplex Method in Linear Programming
روش کمترین مجذورات Least-squares Method	روش‌شناسی Methodology
همان روش کمترین مربعات است.	روش «صندوق پستی» Lockbox Technique
روش کمترین مجذورات دو درجه‌ای Two Stage Least Squares Method	روش ضریب اشباع Ratio of Saturation Method
روش کمترین مربعات Least-squares Method	روش عقیده هیئت اجرایی Jury-of-executive-opinion Method
روش کمترین هزینه تولید Least Cost Method of Production	روش عمر (جداگانه برای هر قسمت) Composite Life Method
روش گام به گام «Tâtonnement»	روش عمر مرکب استهلاک Composite-life Method of Depreciation
همان روش تدریجی یا مرحله‌ایست.	روش غیر مستقیم (حسابهای جاری Backward Method با بهره)
روش گمرکی Customs Procedure	روش فراگردی حسابداری هزینه Process Method of Cost Accounting
روش گمرکی در مورد انبار تضمینی Bonded Warehouse Procedure	روش فنی مناسب Appropriate Technology
روش لیتل - میرلس Little-Mirrless Method	روش قسط‌السنین Annuity Method
روش ارزیابی طرح در کشورهای کم‌رشد و رو به توسعه بر پایه تحلیل هزینه - فایده اما پس از تعدیل قیمت‌ها و اندازه بهره است.	روش قسط‌السنین استهلاک Annuity Method of Depreciation
روش مانده تطبیق یافته Adjusted Balance Method	روش قیاسی Deductive Method
روش مانده تعدیل شده Adjusted Balance Method	روش دریافت جزء از کل یا پی بردن از کل به جزء و یا از علت به معلول.
روش مانده پیشین Previous Balance Method	روش کار Modus Operandi; Program
روش مانده نزولی; Declining Balance Method; Diminishing Balance Method	روش کار تمام وقت Three Shift System
روش مترادف Double-entry System	روش کار سه‌نوبتی Three Shift System
روش مترادف حسابداری Double-entry Book-keeping	روش کارمزدی محاسبه هزینه Job Method of Cost Accounting
روش مجموع سنوات برای محاسبه استهلاک Sum-of-the-year Method of Depreciation	روش کاهش هماهنگ تعرفه Concertina Method of Tariff Reduction

Price-rate System	روش نرخ قیمتی	Unit-summation Method	روش مجموع واحدها
Exchange-rate System	روش نرخ‌گذاری ارزی	By-product Method of Cost Accounting	روش محاسبه هزینه محصول فرعی
Combined Depreciation and Up Keep Method	روش نرخ مرکب	By-product Method of Cost Accounting	روش محاسبه هزینه بر پایه بازافتها
Ratio	روش نسبت به متوسط متحرک تعدیل فصلی	Joint Product Method of Cost Accounting	روش محصول مشترک حسابداری هزینه
-to Moving-Average Method of Seasonal Adjustment		Semi-accrual System	روش مختلط
Cash System	روش نقدی	Paternalistic Management Approach	روش مدیریت پدرشاهی
Clear Up	روشن کردن	«Tâtonnement»	روش مرحله‌ای
Sampling Procedure	روش نمونه‌برداری	Sales-force-composite Method	روش مرکب عامل فروش
Sampling Procedure	روش نمونه‌گیری	Straight-line Method	روش مستقیم استهلاك
Shift Working	روش نوبت‌کاری	Barter System	روش معامله پایاپای
Semi Tontine System	روش نیمه‌مستمری سالواره‌ای	Standard Method	روش معیاری
Semi	روش نیمه‌میانگینهای برازش یک خط مستقیم	Curve System	روش منحنی
-averages Method of Fitting a Straight Line		Double Declining Balance Method of Depreciation	روش موازنه نزولی مضاعف استهلاك
Unit Method	روش واحد	Perpetual Inventory Method	روش موجودگیری
Unit Method of Depreciation	روش واحد استهلاك	Base Stock Method of Inventory	روش موجودی انبار بر اساس پایه اول سال
Realistic Method	روش واقع‌گرایی	«Base Stock» Method	روش «موجودی پایه»
Parametric (Regression) Method	روش (وایازی) پارامتری	Inventory Method	روش موجودی‌گیری
Statistical Methods	روشهای آماری	Physical Inventory Method	روش موجودی‌گیری مادی
Operating Practices	روشهای اداری	«Base Stock» Method	روش «موجودی مبنا»
Inventory Valuation Methods	روشهای ارزیابی موجودی	Engineering Method	روش مهندسی
Depreciation, Methods of	روشهای استهلاك	Open Line	روش نامحدود و باز
Return On Investment Methods	روشهای بازده براساس سرمایه‌گذاری		
Banks'	روشهای بانکی در برابر پرداختهای بین‌المللی		
International Payment Methods			

از برآوردکننده اقتصادسنجی.	روشهای برنامه‌ریزی	Planning In Centrally
روشهای نامنصفانه	روشهای پرداخت مزد	Planned Economies; Programming Methods
روش هزینه	روشهای پیش‌بینی	Wage Systems
روش هزینه‌یابی معیاری	روشهای پیگیری اسناد	Forecasting Methods
روش هزینه معیاری موجودی‌گیری	روشهای تبعیضی	Follow-up Methods for Records
روش هنجار کارگزینی	روشهای ترقی	Two Tier Systems
روش هنجار کارمندی	روشهای توسعه	Promotional Practices
روش یورک	روشهای دور از انصاف رقابت	Promotional Practices
روش دادن پاداش کارمزدی به کارگران.	روشهای دوگانه	Unfair Methods of Competition
روفیه، واحد پول مالدیو	روشهای عملیاتی	Two Tier Systems
روگردنی	روش‌های غیر پارامتری (آمار)	Operating Practices
روند	روشهای فروش	Nonparametric Methods
راستای تغییر یک پدیده در بلندمدت.	روشهای فشار دوسویه	Selling Practices
روند اقتصادی	روشهای فنی کاراندوز	Whipsaw Methods
گرایش بلندمدت تغییر یک متغیر اقتصادی.	روشهای کاراندوز	Labour-saving Techniques
روند بازار	روشهای کم‌کاری	Labour-saving Techniques
روند بازرگانی	روشهای محاسبه بهره	«Go Slow» Tactics
روند ثانوی	روشهای محاسبه ذخیره استهلاک	Methods of Figuring Interest
روند قرنی	روشهای مزد	Methods of Depreciation
روند قیمت آزاد کشاورزی	روشهای مقایسه نافعیت	Wage Systems
روند کار و کسب	روشهای موجودی‌گیری	Profitability of Alternative Projects
رونق	روشهای مونت‌کارلو	Inventory Valuation Methods
دوره پایدار در دور تجاری که فعالیتهای اقتصادی در آن رشد فزاینده دارند.	روش‌های استیلا	Monte Carlo Methods
رونق تجاری	روش‌های مونت‌کارلو	Methods of Monte Carlo
رونق ترقی روزافزون (Expansion; Prosperity Peak)	روش‌های مونت‌کارلو	Methods of Monte Carlo
رونق دوباره یافتن	روش‌های مونت‌کارلو	Methods of Monte Carlo
رونق سریع	روش‌های مونت‌کارلو	Methods of Monte Carlo
رونق سوداگری	روش‌های مونت‌کارلو	Methods of Monte Carlo

روش‌های مونت‌کارلو روشی است برای کشف خصوصیات نمونه‌کوچکی

Restrictive Practices	رویه‌های تضییعی	Boom	رونق شدید
Orthogonal Surface	رویه‌های متعامد	Seasonal Revival	رونق فصلی
Abandon	رها کردن	Business Prosperity	رونق کار و کسب
Indemnity	رهایی از مسئولیت	Spurt	رونق ناگهانی کسب
Liberation	رهایی از وام	Certified Copy	رونوشت گواهی شده
Market Leader	رهبر بازار	Certified Copy	رونوشت مصدق
Price Leader	رهبر قیمت	Mss	رونوشتها
قدرت یک بنگاه در تعیین و تغیر قیمت در یک رشته که از سوی دیگر شاخه‌ها پیروی می‌شود.		Redraft	رونویس دوم
Wage Leadership	رهبری دستمزد	Ex Quay (ترخیص شده از گمرک)	روی اسکله
دستمزد مورد توافق در یک بخش خاص که پایه رفح اختلافات آتی در همه بخشها می‌شود.		Duty Paid	روی اسکناس
Dominant Firm Leadership	رهبری بنگاه مسلط	Obverse	روی برات نوشتن یا مهر زدن
Group Leadership	رهبری جمعی	Enface	روی دست کسی بلند شدن
Group Leadership	رهبری دستجمعی	Undercut	ارزان تر از همه فروختن.
Price Leadership	رهبری قیمت	Over The Counter	روی پیشخوان
Collusive Price Leadership	رهبری قیمت تبانی	On Margin	روی تفاوت احتیاطی
Group Leadership	رهبری گروهی	On Margin	روی تفاوت سود
Managerial Direction	رهبری مدیریت	Cross the Cheque	روی چک دو خط موازی کشیدن
Wage Leadership	رهبری مزد	Favourable Event	رویداد موافق
Mortgage; Pawn	رهن	Obverse	روی سکه
Open-end Mortgage	رهن آزاد	Incorporation Procedure	رویه تشکیل شرکت
Leasehold mortgage	رهن اجاره‌ای	Procedure of Elaboration	رویه تهیه
Amortized Mortgage	رهن استهلاکی	Accounting Procedure	رویه حسابداری
Chattel Mortgage	رهن اموال منقول	Protective Practice	رویه حمایتی
First, etc., Mortgage	رهن اول و جز این	Grievance Procedure	رویه رسیدگی به شکایات
Closed-end Mortgage	رهن با مدت معین	Common Practice	رویه عرف
Open-end Mortgage	رهن بدون سررسید	Customs Procedure	رویه گمرکی
Puisne Mortgage	رهن بعدی	Reducing Balance Method	رویه نزولی (استهلاک)
Level-payment Mortgage	رهن پرداخت برابر	Seniority Practices	رویه‌های ارشدیت
Level-payment Mortgage	رهن پرداخت ثابت	Unfair Trade Practices	رویه‌های تجاری نامناسب

Underlying Mortgage	رهن مقدم	Level-payment Mortgage	رهن پرداختهای مساوی
Banker's Lien	رهن ملک بدهکار	Consolidated Mortgage	رهن ترکیبی
Equitable Mortgage	رهن منصفانه	Consolidated Mortgage	رهن تلفیقی
Treasury Directive	رهنمود خزانه‌داری	Second Mortgage	رهن ثانی
Wage Guidelines	رهنمودهای مزد	Equitable Mortgage	رهن خود به خود
U.N.I.D.O. Guidelines	رهنمودهای یونیدو	Chattel Mortgage	رهن در مقابل دارایی
	روش ارزیابی طرحهای سرمایه‌گذاری در کشورهای رو به توسعه بر پایه تحلیل هزینه - فایده که در آن مصرف واقعی واحد اندازه‌گیری است.	Second Mortgage	رهن دست دوم
Mortgage of the Interest	رهن مورد بیمه	Mortgagor	رهن دهنده
Audit Trail	رهنمون حسابرسی		مترادف با رهن است.
Letter of Hypothecation	رهن نامه	Blanket Mortgage	رهن عمومی
Underlying Mortgage	رهن واقعی	Refunding Mortgage	رهن قابل استرداد
Purchase-money Mortgage	رهن وجه خرید	(Bonds)	
Strategy	رهیافت	Equitable Mortgage	رهن قهری
Chairmanship	ریاست	Overlying Mortgage	رهن کامل (تمام مایملک)
Rial, Rls	ریال، واحد پول ایران	Direct-reduction Mortgage	رهن کاهش مستقیم
Riyal, Rls	ریال، واحد پول عربستان سعودی		
Rial Omani, RO	ریال، واحد پول عمان	Raise a Mortgage	رهن کردن
Rial, QR	ریال، واحد پول قطر	Loan on Bottomry	رهن کشتی
Micro-processor	ریز آماینده	Blanket Mortgage	رهن کلی
Schedule	ریز برنامه	Pawner (or Pawnor); Spouter	رهن‌گذار
Micro-processor	ریز پردازنده	Hypothecator	رهن‌گذارنده
Petty Expenses	ریز پیش بها	Hypothecation	رهن‌گذاری
Detail	ریز حساب	Pawnee	رهن‌گیر
Inventories	ریز داراییها		مترادف با مرتهن است.
Micro-computer	ریز رایانه	Mortgagee	رهن‌گیرنده
Tricks of the Trade	ریزه کاریهای تجارت	Straight Mortgage	رهن مستقیم
Simple Root	ریشه بسیط	Direct-reduction Mortgage	رهن مستقیماً کاهش‌پذیر
Simple Root	ریشه رتبه یک		
Simple Root	ریشه ساده	Amortized Mortgage	رهن مستهلک شده
Evolution	ریشه گرفتن از عدد	Equitable Charge; Equitable Mortgage	رهن مطلق

Riksbank	ریکس بنک	Ricardo,	ریکاردو، دیوید (۱۷۷۲-۱۸۲۳)
	بانک مرکزی سوئد است.	David	
Ringgit, M\$	رینگیت، واحد پول مالزی		اقتصاددان انگلیسی، از متقدمان اقتصاد کلاسیک
Riel, CR	ری یل، واحد پول کامبوج		بوده و قانون هزینه‌های نسبی و بازده‌های نزولی را ارائه کرده است.



Rest Period	زمان آسایش	Slum	زاعه‌های شهر
Set Up Time	زمان آماده‌سازی	Generator	زایا
Milestone	زمان ارزیابی	Redundant	زاید
Cooling-off Period; Waiting Time	زمان انتظار	Generative; Generator	زاینده
Lead Time	زمان انجام دادن کار	Zaire, Z	زئیر، واحد پول زئیر
Flexitime	زمان انعطاف‌پذیر	Language	زبان
Turn-round Time	زمان باراندازی و بارگیری	Machine Language	زبان ماشین
Cooling-off Period	زمان بازار خراب‌کن	Proficiency; Skill	زبردستی
Time Consuming	زمان بر	Opifice	زحمت
Timing	زمان‌بندی	Gross Vegetation	زراعت بسیط و وسیع
Budget Period	زمان بودجه	Extensive Cultivation	زراعت سطحی
Set Up Time	زمان به‌کاراندازی	Intensive Cultivation	زراعت عمقی
Idle Time	زمان بی‌استفاده	Improved Farming	زراعت مترقی
Maximum Period of Repayment	زمان بیشینه بازپرداخت	Intensive Cultivation	زراعت متمرکز
Down Time; Idle Time	زمان بیکاری	Extensive Cultivation	زراعت وسیع
Idle Time	زمان بیهوده	Zellner-Giesel	زلنر-گیزل
Standard Machine Time	زمان پایه ماشین	نام روشی ویژه ارزیابی همساز پارامترهای معادله توزیع درنگ‌دار پس از تبدیل کوپک (Koyck).	
Lead Time	زمان پیشی	Zloty, Zl	زلوتی، واحد پول لهستان
Turn-round Time	زمان تخلیه و بارگیری	Time	زمان
		Turn Time	زمان آزاد

Standard Machine Time	زمان معیاری ماشین	Flexitime	زمان تغییرپذیر
Standard Time	زمان نصاب	Idle Time	زمان تلف شده نیروی انسانی
Shelf Life	زمان نگهداری در قفسه	Down Time	زمان توقف ماشین آلات
Real Time	زمان واقعی	Idle Time	زمان توقف ماشین آلات (به سبب عدم سفارش یا فقدان مواد اولیه و یا نقص فنی)
Portal-to-portal	زمان ورود تا آغاز کار	Compensatory Time	زمان جبرانی
Time and Elasticity	زمان و کشش	New Time	زمان جدید
	یکی از منابع تولید، دربرگیرنده مناطق طبیعی و مواد خام.	Access Time	زمان دسترسی
"No Rent" Land	زمین بدون اجاره تفاضلی.	Lead Time	زمان سبقت
Land in Abeyance	زمین بدون مالک	Time Study; Timing	زمان سنجی
Land Intensive	زمین پر فراگرد تولید در کشاورزی که سهم نسبی زمین نسبت به عوامل دیگر بیشتر است.		تعیین زمان لازم برای انجام دادن کار معین به توسط فرد با تجربه‌ای که به آهنگ عادی کار کند.
Sterile Land	زمین بی بار	Time and Motion Studies	زمان سنجی و حرکت سنجی
Hinterland	زمین پشت ساحل	When Issued	زمان صدور
Public Lands	زمین خالصه	Time Covered	زمان طی شده
Land Hunger	زمین خواری	Idle Time	زمان عاطل
Public Lands	زمین دولتی	Milestone	زمان عملکرد
Sub-marginal Land	زمین دون‌نهایی	Rest Period	زمان فراغت
Cultivated Area	زمین زیر کشت	Timing	زمان‌گذاری
Sub-marginal Land	زمین زیرنهایی	Timing	زمان‌گزینی
Exhaustion of the Soil	زمین غیرقابل کشت	Time Covered	زمان لازم
Farm	زمین مزرعه	Make	زمان لازم برای آماده‌سازی ماشین
Land Held in Severality	زمین مفروز	-ready Time	جهت تولید بعدی
Marginal Land	زمین نهایی	Seasoning	زمان لازم برای رواج قرصه
Prepare	زمینه سازی کردن	Equated Time	زمان متساوی
Bank Chain	زنجیره بانکی	Allowed Time; Lay Time	زمان مجاز
Backward Linkage	زنجیره پسین	Straight Time	زمان مستقیم
	رابطه یک صنعت یا بنگاه با عرضه‌کنندگان عوامل مورد نیاز یا در داده‌های خود.	Time Covered	زمان مشمول
Distribution Chain	زنجیره توزیع	Dead Time	زمان مصروفه
Forward Linkage	زنجیره پیشین	Machine Idle Time	زمان معطلی دستگاه
	رابطه یک صنعت یا بنگاه با دیگر صنایع و بنگاهها	Reasonable Time	زمان معقول
			مراه زمان قابل قبول است.

Featherbedding	زیاده بر نیاز	که تولیدات آنها را به عنوان در داده بکار می‌برد.
Overpaid	زیاده پرداختی	زنجیره داوطلبی
Dis economy	زیاده خرجی	زنجیره فروشگاه‌های داوطلبی
Exhorbitance	زیاده روی	Store
Speculative Excesses	زیاده رویهای سفته‌بازی	Bare Subsistence
Overissue	زیاده نشر کردن	زندگی بخور و نمیر
Exhorbitance; Redundancy; Redundant	زیادی	Fall
Overprice	زیادی قیمت گذاردن	Falling off in Value
Overfreight	زیادی کرایه گرفتن	زوال ارزش
Productiveness	زیادی محصول	Qualitative
Damage; Detriment; Disadvantage; Forfeiture; Harm; Loss; Prejudice	زیان	Decline of a Declining Industry
Destructive; Disadvantageous; Harmful	زیان آور	Decline of a Declining Industry
Unavoidable Loss	زیان اجتناب‌ناپذیر	Nonwasting
Bad Debt Loss	زیان از محل دیون سوختی	Marginal Pair
Dead Loss	زیان بدون جبران	زوج نهایی
Operating Loss	زیان بهره برداری	Anticipation
Dry Loss	زیان بی‌ربط	زودپرداخت
Consequential Loss	زیان تبعی	Sombart, (۱۸۶۳-۱۹۴۱)
Dead Weight Loss	زیان ثابت	زومبارت، ورنر
Partial Loss	زیان جزئی	Werner
Net Loss	زیان خالص	مورخ اقتصادی آلمانی پیرو مکتب تاریخی است.
General Average Loss	زیان خسارت کلی	Over-rent
Whipsawed	زیان دوسویه	زیاد اجاره دادن
Stand at a Discount	زیان دیدن	Overcharge; Overfreight
Barratory	زیان رسانی	زیاد بار کردن
Operating Loss	زیان عملکرد	Over-rate; Over-reckon
Operating Loss	زیان عملیاتی	زیاد برآورد کردن
Consequent Loss	زیان غیرمستقیم	Overpay (Overpay for)
Seller's Over	زیان فروشنده	زیادتر پرداختن
Operating Loss	زیان کارکرد	Excess; Redundancy
		زیادتی
		Over-capitalized
		زیادتی سرمایه
		Over-reckon
		زیاد حساب کردن
		Overspend
		زیاد خرج کردن
		Overcharge
		زیادستانی
		Over-rate
		زیاد قیمت کردن
		Overvalue
		زیاد قیمت گذاردن
		Enhance in Price
		زیاد کردن قیمت
		Overspend
		زیاد مصرف کردن
		Overcharge
		زیاد مطالبه کردن
		Extravagant
		زیاد مفرط
		Overestimate
		زیاده برآورد کردن

Below Value	زیر ارزش واقعی	Sabotage	زیانکاری
Infrastructure (Social Overhead Capital)	زیر بنا	Dead Loss	زیان کامل همان زیان خالص است.
Below Par	زیر بهای اسمی	T.L.	زیان کل
Blanket Bond	زیر تضمین مشترک	Total Loss	نشانه اختصاری Total Loss است.
Below the Line	زیر خط	Constructive Total Loss	زیان کلی فرضی
Infrastructure (Social Overhead Capital)	زیر ساختار	Reciprocal Demurrage	زیان متقابل معطلی
Social Substructure	زیر ساختار اجتماعی	Direct Damage	زیان مستقیم
Economic Infrastructures	زیر ساختارهای اقتصادی	Dead Loss	زیان مطلق
	مترادف با زیر بناهای اقتصادی است.	Diseconomy of Scale	منظور زیان خالص است.
Sub-class	زیر طبقه	Gross Loss	زیان مقیاس
Under Deck	زیر عرشه	Dry Loss	زیان ناخالص
Below Par	زیر قیمت اسمی	Partial Loss	زیان ناروا
In Bond; Under Bond	زیر کلید	Gross Loss	زیان ناکامل
In Bond	زیر کلید گمرک	Actual Loss	زیان ناویژه
Sub-group	زیر گروه	Loss and Gain	زیان واقعی
Sub-matrix	زیر ماتریس	Net Loss	در بیمه، به معنای خسارت واقعی است.
Biometry	زیست سنجی	Prior Years Losses	زیان و سود
			زیان ویژه
			زیانهای سنواتی



Juglar, Clement

اقتصاددان فرانسوی که دور ژوگلار به نام اوست.

Jacobian ژوگلار، کلمان

ژاکوبین

نوعی خاص دترمینان است.



میزان تفاوت محصول و درجه گسترش عمودی.	Seniority	سابقه خدمت
Tariff Structure ساختار تعرفه	Seniority	سابقه داری
Control Structure ساختار تنظیم	Trade Reference	سابقه صنفی
Economy ساختار تولیدی یا مالی کشور	Fabrication; Manufacture	ساخت
صرفه جویی و علم اداره بر پایه اصول اقتصادی.	M.F.C.	ساخت
Term Structure ساختار زمانی اندازه های بهره	Manufacturing	نشانه اختصاری است.
of Interest Rates همان ساختار اندازه های بهره است.	Structure (Economic)	ساختار.
Time Structure of ساختار زمانی تولید	Social Structure	ساختار اجتماعی
Production فاصله زمانی میان تصمیم به قبول و تعهد تولید و آغاز به خروج محصول از فراگرد تولید.	Economic Structure	ساختار اقتصادی
Capital Structure ساختار سرمایه	روابط و نسبت های موجود میان اجزاء یک مجموعه اقتصادی و میان این مجموعه و دیگر مجموعه های اقتصادی.	ساختار اندازه های بهره
منابع بلندمدت سرمایه یک شرکت که شمار و انواع سهام منتشره و اتکای آن به وام های بلندمدت با اندازه بهره ثابت مشخص می کند.	Structure of Interest Rates	این ساختار رابطه میان اندازه های بهره و یا دقیق تر بازده باز خرید اوراق بهادار با مدتهایی تا سر رسید یعنی باز پرداخت است.
Industrial Structure ساختار صنعتی	Market Structure	ساختار بازار
کلید ارتباط های کیفی و کمی صنایع در یک اقتصاد.	ویژگی های اساسی یک بازار، تعیین کننده شرایط حاکم بر رقابت میان فروشندگان و عبارتند از طرز توزیع بنگاهها، طرز توزیع خریداران، موانع ورود به بازار،	
Technostructure ساختار فنی		
طبقه مدیریت و کارشناسان فنی و برنامه ریزی که تولید صنعتی نیاز دارد.		

Residential Structures	ساختارهای مسکونی	Price Structure	ساختار قیمت
	در حسابهای درآمد ملی و محصول ملی، مخارج سرمایه‌گذاری خصوصی در ساختارهای مسکونی شامل خانه‌های جدید یک نفره، خانوارهای منفرد و کویهای غیرخانواری.		نسبتهای موجود میان عناصر تعیین‌کننده قیمت.
Made in Iran	ساخت ایران	Structuralists	ساختارگرایان
Home-made	ساخت بومی	Structure of Taxes	ساختار مالیاتها
Home-made	ساخت داخلی		طرز ترکیب و اهمیت مجموعه‌ای از انواع گوناگون مالیات در یک کشور.
Made to Order	ساخت سفارشی	Wage Structure	ساختار مزد
Manufacturing	ساخت کالا		تنظیم و گروه‌بندی سطوح مزد گروههای مختلف کارگران برحسب صنعت، مکان کار، گروه حرفه‌ای، نژاد و جز اینها.
Job Production	ساخت کالا بر طبق تصریح مشتری	Industrial Wage Structure	ساختار مزد در صنعت
Sham	ساختگی		رده‌بندی متوسط سطوح مزد گروههای مختلف کارگران برحسب صنعت.
Jerry Building	ساختمان باز و بفروش	Occupational Wage Structure	ساختار مزد شغلی
Facility	ساختمان و ماشین آلات		رده‌بندی متوسط سطوح مزد گروههای مختلف کارگران برحسب شغل.
Factory	ساختمانها و مراکز تجاری	Industrial Wage Structure	ساختار مزد کارگری
Manufacture	ساختن		همان ساختار مزد در صنعت است.
Collusive Tendering	ساخت و پاخت	Regional Wage Structure	ساختار منطقه‌ای دستمزد
Market Jobbery	ساخت و پاخت بورس		رده‌بندی متوسط سطوح مزد کارگران برحسب منطقه.
Collusion	ساخت و پاخت پنهانی	Dependence Structure	ساختار وابستگی
Play	ساخت و پاخت در معاملات		عناصر اساسی در وابستگی کشورهای کم‌رشد به اقتصادهای پیشرفته است.
Catch-penny	ساخته‌شده برای اخاذی	Non-residential Structures	ساختارهای غیرسکونتی
M.F.C.	ساخته و پرداخته		در حسابهای درآمد ملی و محصول ملی، کلیه مخارج بخش خصوصی در مورد کلیه ساختمانهای جدید و جایگزین است.
	نشانه اختصاری Manufacturing است.		
Reducible	ساده‌شدنی		
Reduce	ساده‌کردن		
Compromise	سازش		
Composition with Creditors; Compounding with Creditors	سازش با طلبکاران		
Tacit Collusion	سازش پنهانی		
Tacit Collusion	سازش ضمنی		
Compound	سازش‌کردن		
Accord and Satisfaction	سازش و تراضی		

International Labour Organization	سازمان بین‌المللی کار	Consistent Consistency	سازگار سازگاری
	سازمانی است وابسته به سازمان ملل با هدف همکاری در زمینه بهبود شرایط کار، دستیابی به اشتغال کامل، گسترش بیمه اجتماعی و ارتقاء عمومی سطح زندگی.		صنعتی برای برآوردکننده‌های اقتصادسنجی.
International Civil Aviation Organization	سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری	Organization	سازمان
I.C.A.O.	سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری	Social Organization	سازمان اجتماعی
International Civil Aviation Organization	نشانه اختصاری Organization	Staff Organization	سازمان اداری
	Organization است.	Communication Organization	سازمان ارتباطی
Monetary Organization	سازمان پولی	Economic Organization	سازمان اقتصادی
International Trade Organization	سازمان تجارت بین‌المللی	Industrial Organization	سازمان بازار
	سازمانی است وابسته به سازمان ملل با هدف پی‌ریزی «سازمان تجارت جهانی» که اینک در آستانه تحقق‌یابی است.		این سازمان سه جنبه ساختار، اداره و کارکرد بازار را دربر می‌گیرد.
Trade Organization	سازمان تجاری	Non-profit Making Organization	سازمان بدون سود
E.S.R.S.	سازمان تحقیق فضایی اروپایی		همان سازمان غیرانتفاعی است.
European Space Research Organisation	نشانه اختصاری Organization	Reorganization	سازمان‌بندی مجدد
	Organisation است.	Finance House Association	سازمان نگاههای مالی
Functional Organization	سازمان تخصصی	W.H.O.	سازمان بهداشت جهانی
United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization	سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)	World Health Organization	نشانه اختصاری
	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد		است.
United Nations Industrial Development Organization	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد	World Health Organization	سازمان بهداشت جهانی
Health Maintenance Organization	سازمان حفظ بهداشت		
Food and Agriculture Organization of the United Nations	سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد	International Trade Organization	سازمان بین‌المللی تجارت
	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد		I.T.O. نشانه اختصاری آن است.
	F.A.O. نشانه اختصاری آن است.	International Sugar Organization	سازمان بین‌المللی شکر
			سازمانی زیر سرپرستی آنکتاد برای اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی درباره تولید و تجارت جهانی شکر است که در سال ۱۹۶۸ تأسیس شد.
		I.L.O.	سازمان بین‌المللی کار
		International Labour Organization	نشانه اختصاری
			Organization است.

Economic Cooperation Organization	سازمان همکاری اقتصادی	Public Authority Steward	سازمان دولتی سازمان دهنده
سازمان منطقه‌ای متشکل از ایران، پاکستان، ترکیه، افغانستان، آذربایجان و برخی از کشورهای نواستقلال یافته‌ی آسیای مرکزی که جایگزین R.C.D. شده و نشانه اختصاری آن اکو E.C.O. است.		Forwarding Agent	سازمان دهنده بار
Organization for Economic Cooperation and Development	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه Organization	Industrial Organization Corporation	سازمان صنعتی سازمان صنفی
سازمان همکاری اقتصادی و توسعه Organization for Economic Cooperation and Development		Customary Organization	سازمان عرفی
O.E.C.D. نشانه اختصاری آن است.		Industrial Engineering	سازمان عملی کار
Phalanstery	سازمانی که بر اساس عقاید فوریه تشکیل شده باشد	Non-profit Making Organization	سازمان غیرانتفاعی
سازنده Manufacturer; Officer		Organization of American States	سازمان کشورهای امریکایی
O.E.M. نشانه اختصاری Manufacturer است.		Organization of Petroleum Exporting Countries	سازمان کشورهای صادرکننده نفت نفت
Original Equipment	نشانه اختصاری Manufacturer است.	Organization of Arab Petroleum Exporting Countries	سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت
Marginal Manufacturer	سازنده نهایی	O.A.P.E.C.	سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت
Capital Equipment	ساز و برگ سرمایه‌ای	I.M.C.O.	سازمان مشورتی امور دریاداری
Automatic Adjustment Mechanism	سازوکار خودکار تطبیق	International Marine Consultative Organization	نشانه اختصاری است.
Factorial	سازه‌ای	U.N.	سازمان ملل متحد
Off-hours; Orra Hours	ساعات بیکاری	نشانه اختصاری United Nations است.	
Off-hours	ساعات غیر متعارف یا بیکاری	United Nations Organization	سازمان ملل متحد
Bank Hours	ساعات کار بانک	U.N.O.	سازمان ملل متحد
Business Hours	ساعات کار و گشایش	United Nations Organization	نشانه اختصاری United Nations Organization است.
Standard Weekly Hours	ساعات هفتگی پایه		
Standard Weekly Hours	ساعات هفتگی معیار		
Going Naked	ساقط از هستی		
Phalansterian	ساکن جامعه اشتراکی		
Per Ann.	سالانه	Organization of African Unity	سازمان وحدت افریقا
Yr.	سال	Institutional Investors	سازمانهای سرمایه‌گذاری جمعی
نشانه اختصاری Year است.			
Trading Year	سال اقتصادی		

Greengrocer	سبزی فروش	Sterile Year	سال بی حاصل
Competition	سبقت جوئی	Policy Year	سال بیمه نامه
Outgo	سبقت گرفتن	Base Year	سال پایه
Leads and Lags	سبقتها و تأخیرات		پایه ای برای محاسبه عدد شاخص یا اندازه رشد.
Fashion	سبک	Natural Business Year	سال تجاری
Officialism	سبک اداری	Calendar Year	سال تقویمی
Jettison	سبک سازی کشتی	Current Year	سال جاری
Consignment	سپارش	Crop Year	سال زراعی
Bailor	سپارنده	Normal Year	سال عادی
Bailment; Consignment; Entrust	سپردن	Benefit Year	سال فایده
Deposit	سپرده	Off-year; Sluggish Year	سال کساد
Derivative Deposit	سپرده اشتقاقی	Off-year	سال کم حاصلی درختان میوه دار
Primary Deposit	سپرده اصلی	Off-year	سال کم فعالیت
Reserve Deposit	سپرده اندوخته	Off-year	سال کم محصول
Primary Depositor	سپرده اولیه	Sound	سالم
Notice Deposit	سپرده با پیش آگهی	Financial Year; Fiscal Year	سال مالی
Bank Deposit	سپرده بانکی		دوره یکساله ای که در پایان آن وضع مالی و نتیجه
	مبلغ سپرده کار را یکی مطمئنی از بانک. در همه موارد		فعالتهای اقتصادی یک بنگاه مشخص می شود.
Idle Deposit	سپرده بلا استفاده	Tax Year	سال مالیاتی
Idle Deposit	سپرده بیگانه	Natural Business Year	سال مالی و تجاری عادی
Special Depository	سپرده پذیرا خاص	In Good Order	سالم و بی عیب
Special Depository	سپرده پذیرا ویژه	Advertising	سالنامه آگهی و تبلیغ تجاری
Reserve Deposit	سپرده پشتوانه	Directory	سندفهرست
Guarantee Fund	سپرده تضمینی	Samuelson, (۱۹۱۵ - ...)	ساموئلسون، پل انتونی
Fixed Deposit	سپرده ثابت	Paul Anthony	پول آنتونی
Demand Deposit	سپرده جاری		اقتصاددان امریکایی (پولنده) جایزه نوبل دریافت کننده در
Demand Deposit	سپرده جاری یا دوامداری در برابر سپرده		سال ۱۹۷۰: طلبک مطبوعه در مجله جیال علوم و روش
Time Deposit	سپرده مدت دار		شماره ۱۰۰ در علم اقتصاد.
Secondary Deposit	سپرده ثانوی	Occupational Accident	سوانح شغلی
Checkbook	سپرده خطاب جاری به عنوان پول	Weyburn Tear	سپرده بانکی
Deposits as Money	سپرده های اعتباری	Market Basket	سبد بازار
Foreign Deposit	سپرده خارجی		مجموعه کالاها و خدمات مصرفی که انتخاب می شود
Primary Deposit	سپرده اولیه		لیستهای آنها شامل اجزای جزئی فروشیه آنهاست

Special Depository	سپرده نگه‌دار ویژه	Secondary Deposit	سپرده درجه دوم
Import Deposit	سپرده واردات	Secondary Deposit	سپرده دست دوم
Import Deposit	سپرده وارداتی	Demand Deposit	سپرده دیداری
	درصد معینی از ارزش کالاهای وارداتی که واردکنندگان نزد سازمان دولتی ذیربط به ودیعه می‌گذارند و پس از مدتی مسترد می‌دارد.	Primary Demand Deposit	سپرده دیداری اولیه
Special Deposit; Specific Deposit	سپرده ویژه	Idle Deposit	سپرده راکد
Banker's Deposits	سپرده‌های بانکار	Natural Deposit	سپرده طبیعی
Interbank Deposits	سپرده‌های بانکها نزد یکدیگر	Idle Deposit	سپرده عاطل
Checking Deposits	سپرده‌های حساب جاری	Demand Deposit	سپرده عندالمطالبه
Checking Deposits; Sight Deposits	سپرده‌های دیداری	Time Deposit	سپرده غیر دیداری
Public Deposits	سپرده‌های عمومی	Time or Savings Deposit	سپرده غیر دیداری یا سپرده پس‌انداز و یا سپرده ثابت
Nonsight Deposits	سپرده‌های غیر دیداری	Derivative Deposit; Secondary Deposit	سپرده فرعی
Short-term Deposits	سپرده‌های کوتاه‌مدت	Deposit	سپرده قانونی
Term Deposits	سپرده‌های مدت‌دار	Legal Deposit	سپرده قهری
Special Deposits	سپرده‌های ویژه	Necessary Deposit	سپرده گذار
Supplementary Special Deposits	سپرده‌های ویژه اضافی	Depositor	سپرده‌گذاری مجاز
Output	سپرده	Authorized Depository	سپرده مخصوص
	منظور محصول یا مقدار تولید ناخالص از فراگرد تولید است.	Specific Deposit	سپرده مدت‌دار
Gross Output	سپرده ناخالص	Time Deposit	سپرده بانکی که برداشت آن با اطلاع قبلی امکان‌پذیر است.
Sterilization of Gold	سترون‌گردانی طلا	Time Deposit	سپرده مدت‌دار (ثابت، در ایالات متحد)
Advertising (Poster) Pillar	ستون آگهیهای تجاری	Deposit	سپرده مشتق
Debtor	ستون بدهکار	Derivative Deposit	سپرده معین
Debit	ستون بدهی	Specific Deposit	سپرده نقدی
Credit; Credit Side	ستون بستانکار	Cash Deposit	سپرده نگه‌دار
Analysis Column	ستون تحلیل	Depository	سپرده نگه‌دار دولت
Distribution Column	ستون توزیع	Government Depository	سپرده نگه‌دار عمومی
		General Depository	سپرده نگه‌دار محدود
		Limited Depository	

Round	سراسر	Antagonism	ستیزه جویی
Rounding; Round Up	سراسر کردن	Hardware	سخت افزار (رایانه)
Dead Line; Due Date;	سر رسید	Rack Jobber	سخت کوش
Maturity		Effort	سخت کوشی
Current Maturity	سر رسید جاری		همان کوشش است.
Mature	سر رسید شدن	Sales Drive	سخت کوشی در فروشها
Average Due Date;	سر رسید متوسط	Trade Barrier	سد تجاری
Average Term		Tariff Barrier; Tariff Wall	سد تعرفه ای
Fall Due	سر رسیدن	Cedi, c	سدی، واحد پول غنا
Maturity Tickler	سر رسیدنامه	Overhaul	سراسر بازدید کردن
Current Maturity	سر رسید نزدیک	Over Year	سراسر سال
Undue	سر رسید نشده	Panics	سراسیمگی
Validity and Expiry	سر رسید و تاریخ انقضا	Bank Panic	سراسیمگی بانکی
Date		Sraffa, Piero (۱۸۹۸-۱۹۸۳)	سرافا، پیرو (۱۸۹۸-۱۹۸۳)
Administrator; Pay Master	سر رشته دار		اقتصاددان انگلیسی که عقیده داشت تحلیل
Scheduled	سرزمینهای مشمول طرح		اقتصادی باید از حالت انحصار آغاز گردد و نه
Territories			رقابت.
Pro. Rate	سرشکن کردن	Per Capita	سوانه
Pay Roll	سرشکن کردن حقوق پرداختی		نسبت یک متغیر به جمعیت مورد نظر.
Distribution	بر قسمتهای مختلف	Transitivity	سرایت پذیری
Cost Allocation	سرشکن کردن هزینه	Delegant	سر به سر کردن بدهی و طلب یک
Census	سرشماری عمومی		یا چند نفر
	شمارش کل جمعیت یک گروه مورد بررسی شامل	Supervisor	سرپرست
	جنبه های اجتماعی، جمعیت شناسی و اقتصادی.	Shadow Director	سرپرست ناپیدا
Capitation	سرشماری مالیاتی	Production Control	سرپرستی تولید
Census of Population	سرشماری نفوس	Head Teller	سر تحویلدار
Rate of Innovation	سرعت ابداع	Proceeds	سر جمع عواید
Rate of Adaptation	سرعت انطباق	Sources of Income	سرچشمه های درآمد
Money Velocity; Velocity of	سرعت پول	Energy Source	سرچشمه نیرو
Money		Umpire	سر حکم
Spending Rate	سرعت خرج		همان سرداور است.
Rate of Economic	سرعت رشد اقتصادی	Ullage	سرخالی شدگی (اصطلاح بیمه)
Growth		Umpire	سرداور

«Das Kapital»	«سرمایه»	Money Circulation (پول)	سرعت گردش (پول)
نام کتاب معروفی است که کارل مارکس نوشته است.		Velocity; Velocity of Circulation (of Money)	
Owner's Equity	سرمایه		میزان گردش پول در اقتصاد به منظور تأمین مالی معاملات.
Watered Capital	سرمایه آبکی		
Free Capital	سرمایه آزاد	Income	سرعت گردش پول به صورت درآمد
Impaired Capital	سرمایه آسیب دیده	Velocity	
Instrumental Capital	سرمایه ابزاری	Income Velocity;	سرعت گردش درآمد
کل حجم سرمایه موجود در یک اقتصاد.		Income Velocity of Circulation	
Partnership Capital;	سرمایه اجتماعی	Income Velocity of	سرعت گردش درآمدی پول
Registered Capital; Social Capital		Money	
Optional Capital	سرمایه اختیاری	Transactions	سرعت گردش معامله‌ای پول
Impaired Capital	سرمایه از دست رفته	Velocity of Money	
Borrowed Capital;	سرمایه استقراضی	Transactions	سرعت معاملاتی گردش (پول)
Loan Capital		Velocity Circulation	
Write off Capital	سرمایه استهلاکی	Rate of Response	سرعت واکنش
Nominal Capital; Registered Capital	سرمایه اسمی	Spending Rate	سرعت هزینه
Capital		As At (Balance Sheet	سر فصل برگ موازنه
Original Capital	سرمایه اصلی	Heading)	
Capital Surplus (ایالات متحد)	سرمایه اضافی (ایالات متحد)	Account Heading	سر فصل حساب
Refinance	سرمایه اضافی اندوختن	Dividend Counterfoil	سر قبض سود سهام
Declared Capital; Legal Capital	سرمایه اعلام شده	Larceny	سرقت
Reserve Capital	سرمایه اندوخته	Goodwill	سرقتی
Capital Saving	سرمایه اندوز		حق کسب و پیشه و تجارت.
Human Capital	سرمایه انسانی	Dominant Tenement	سرقتی متفوق
سرمایه‌گذاری روی منابع انسانی برای افزایش کارایی آنها.		Dominant Tenement	سرقتی مسلط
Opening Capital; Original Capital	سرمایه اولیه	Foreman	سرکارگر
Corpus	سرمایه اولیه و اصلی	Foremanship	سرکارگری
Capital Sum	سرمایه اولیه مؤسسان شرکت	Suppression	سرکوب
Over-capitalization	سرمایه‌ای کردن افراطی	Capital	سرمایه
			یکی از عناصر مهم تولید در اقتصاد سرمایه‌داری و آن مالی است که عوایدی برحسب پول به دست می‌دهد.

Monetary Capital; Money Capital	سرمایه پولی	Capital-intensive	سرمایه‌بر
Opening Capital	سرمایه تأسیس	Investment Capital	سرمایه برای سرمایه‌گذاری
Merchant Capital; Trade Capital	سرمایه تجاری	Disinvestment; Negative Investment	سرمایه‌برداری
	در اقتصاد مارکسیستی آن بخش از کل سرمایه است که فقط در توزیع کالاها جریان دارد.	Inventory	سرمایه‌برداری از موجودی
Security Capital	سرمایه تضمینی	Disinvestment	
Malleable Capital	سرمایه تطبیق‌پذیر	Unintended	سرمایه‌برداری ناخواسته از
Floating Capital	سرمایه تقبل‌نشده	Inventory Disinvestment	ذخایر انبار
Production Capital	سرمایه تولید	Marginal Disinvestment	سرمایه‌برداری نهایی
Instrumental Capital; Producer's Capital	سرمایه تولیدی	Capital Intensity	سرمایه بری
Capital Constant; Constant Capital; Fixed Capital; Fixed Capital Good	سرمایه ثابت	Long-term Capital	سرمایه بلندمدت
	در اقتصاد مارکسیستی آن بخش از سرمایه که به صورت وسایل تولید، مواد خام و ابزار کار درآمد است.	Invested Capital	سرمایه بنیادی
Social Over-head Capital	سرمایه ثابت اجتماعی	Registered Capital	سرمایه به ثبت رسیده
Economic Over-head Capital	سرمایه ثابت اقتصادی	Share Capital	سرمایه به صورت سهم
Authorized Capital; Registered Capital	سرمایه ثبت شده	Money Tied Up	سرمایه به صورت غیرمنقول
	همان سرمایه اسمی است.	Impaired Capital	سرمایه بی‌بشوانه
Authorized Share Capital; Registered Capital	سرمایه ثبت شده سهمی	Dead Stock; Idle Capital	سرمایه بیکار
Circulating Capital; Working Capital	سرمایه جاری	Constant Capital	سرمایه پایا
«Jelly» Capital	سرمایه «جلی»	Capital Constant	سرمایه پایدار
	سرمایه‌ایست که از لحاظ نظری نسبت سرمایه در آن کار به فوریت می‌تواند تغییر یابد.	Subscribed Capital	سرمایه پذیره‌نویسی شده
		Legal Capital	سرمایه پرداخت شده
		Paid-in Capital	سرمایه پرداخته
		Contributed Capital; Issued Capital; Paid in Capital; Paid-up Capital; Stated Capital; Subscribed Capital	سرمایه پرداخته شده
		Uncalled Capital	سرمایه پرداخته‌نشده
		Contributed Capital; Paid-in Capital	سرمایه پرداختی
		Refugee Capital	سرمایه پناهنده
		Remunerative Capital	سرمایه پول‌ساز

People's Capitalism	سرمایه‌داری مردمی	Specific Capital; Sunk Capital	سرمایه خاص
Floating Capital; Working Capital	سرمایه در گردش	Risk Capital	سرمایه خطر
Capital	آن بخش از دارایی جاری که از محل منابع مالی بلندمدت تأمین شده است.	Capitalist	سرمایه‌دار
Net Working Capital	سرمایه در گردش خالص	Tycoon	سرمایه‌دار بزرگ
Revenue Capital	سرمایه دریافتی	«Bourgeois»	سرمایه‌دار شهری
	نوعی سرمایه‌داری که در آن مالکیت صنعتی به توسط بخشی بزرگی از جمعیت شامل گروه‌های کم درآمد و دارای درآمد متوسط تسهیم شده است.	Moneyed Interest	سرمایه‌دارها
Interest Bearing Capital; Usury Capital	سرمایه ربایی	Capitalism	سرمایه‌داری
	در اقتصاد مارکسیستی، آن بخش از سرمایه است که فقط در قلمرو گردش پول بدون هیچ‌گونه مشارکت در فراگرد تولید و توزیع جریان دارد.		این نظام دارای ویژه‌گیهای زیر است: مالکیت خصوصی وسایل تولید و تسلط بر آنها؛ سود هدف فعالیت‌های اقتصادی؛ بازار تنظیم‌کننده فعالیتها تصاحب منابع پس از پرداخت مالیات به توسط صاحبان سرمایه؛ عرضه کار از سوی کارگران به عنوان عناصر آزاد.
Over-capitalized	سرمایه زیادی	Stream-lined Capitalism	سرمایه‌داری پویا
Invested Capital	سرمایه ساختاری		بخش تولیدی در تسلط بنگاهها و شرکتهای بوده و مالکیت از تصدی مدیریت جدا است.
Artificial Capital	سرمایه ساختگی	People's Capitalism	سرمایه‌داری خلقی
Capital Formation	سرمایه‌سازی		نوعی سرمایه‌داری که مالکیت صنعت سهم گروه‌های کم درآمد و دارای درآمد متوسط است.
Investment Capital	سرمایه سرمایه‌گذاری	State Capitalism	سرمایه‌داری دولتی
Hot Money; Risk Capital	سرمایه سفته‌بازی		در این نظام دولت در مالکیت وسایل و امکانات تولید سهم عمده‌ای دارد.
Hot Money; Risk Capital	سرمایه سوداگری	Corporate Capitalism	سرمایه‌داری شراکتی
Remunerative Capital	سرمایه سودده	Corporate Capitalism	سرمایه‌داری شرکتی
Instrumental Capital	سرمایه سودمند	«Bourgeoisie»	سرمایه‌داری شهری
Equity Capital	سرمایه سهامداران	Stream-lined Capitalism	سرمایه‌داری کارآمد
Capital Stock	سرمایه سهامی	Mixed Capitalism	سرمایه‌داری مختلط
Initial Capital	سرمایه سهم شرکت	Managerial Capitalism	سرمایه‌داری مدیریت مدار
Equity Capital; Share Capital	سرمایه سهمی		سازمان اقتصادی بر پایه فعالیت شرکتهای بزرگ و در اختیار گروه مدیران بر قدرت قرار دارد.
Issued Capital	سرمایه سهمی صادره		
Issued Capital	سرمایه سهمی نشر شده		

Reserve Investment	سرمایه گذاری اندوخته	Circulating Capital	سرمایه سیار
Variable-yield Investment	سرمایه گذاری با درآمد متغیر		آن بخش از سرمایه که در فراگرد تولید دائماً مصرف می‌شود.
Trade Investment	سرمایه گذاری بازرگانی	Fluid Capital	سرمایه سیار و متحرک
Ex-capitalization (Ex-cap)	سرمایه گذاری بدون بهره متعلقه	Personal Capital	سرمایه شخصی
Planned Investment	سرمایه گذاری بر طبق برنامه	Stock Holders' Equity	سرمایه شرکاء
Intended Investment; Planned Investment	سرمایه گذاری برنامه‌ای	Over-capitalize	سرمایه شرکتی را بیش از اندازه واقعی آن بر آورد کردن
Scheduled Investment	سرمایه گذاری برنامه‌ای	Floating Capital	سرمایه شناور
Unintended Investment	سرمایه گذاری برنامه‌ریزی نشده	Watered Capital	سرمایه صوری
Permanent Investment	سرمایه گذاری بلندمدت	Natural Capital	سرمایه طبیعی
Intended Inventory Investment	سرمایه گذاری به هدف افزایش موجودی	Unissued Capital	سرمایه عرضه نشده
Intended Inventory Investment	سرمایه گذاری به هدف تشکیل ذخایر انبار	Unspecialized Capital	سرمایه غیر تخصصی
Unplanned Investment	سرمایه گذاری بی برنامه	Flight Capital	سرمایه فرار
International Investment	سرمایه گذاری بین‌المللی	Refugee Capital	سرمایه فراری
	فعالیت سرمایه‌های دولتها، بنگاهها، شرکتهای چندملیتی جز کمکهای خارجی در قلمرو اقتصادی یک کشور.	Individual Capital	سرمایه فردی
Unintended Investment	سرمایه گذاری پیش‌بینی نشده	Technical Capital	سرمایه فنی
Realized Investment	سرمایه گذاری تحقق یافته	Available Capital	سرمایه قابل استفاده
Replacement Investment	سرمایه گذاری تعویض	Assessable Capital Stock	سرمایه قابل تقویم و مشمول مالیات
Productive Investment	سرمایه گذاری تولیدی		سرمایه قانونی
Fixed Investment; Permanent Investment	سرمایه گذاری ثابت	Legal Capital; Stated Capital	سرمایه کوتاه مدت
		Short-term Capital	سرمایه گذار
		Investor	سرمایه گذاران کوچک
		Small Investors	سرمایه گذاران نهادی
		Institutional Investors	سرمایه گذاری
		Investment	مبادله پول با مالکیت وسایل تولید یا خرید این وسایل.
		Overinvestment	سرمایه گذاری افراطی
		Induced Investment	سرمایه گذاری القایی
			سرمایه گذاری ناشی از افزایش واقعی یا مورد پیش‌بینی مخارج تولیدی خاص یا کل اقتصاد.
		Impair Investment	سرمایه گذاری انتقالی

Inventory Investment	سرمايه‌گذاري در موجودی انباشت موجودی انبار بر اثر افزونی تولید بر مقدار فروش.	Business Fixed Investment	سرمايه‌گذاري ثابت بخش صنعت
Overinvestment	سرمايه‌گذاري زايد	Non-residential Fixed Investment	سرمايه‌گذاري ثابت غيرمسكونی
Social Over-head Capital	سرمايه‌گذاري زیربنایی	Business Fixed Investment	سرمايه‌گذاري ثابت کار و کسب
Safe Investment	سرمايه‌گذاري سالم	Replacement Investment	سرمايه‌گذاري جایگزینی
Capital Investment	سرمايه‌گذاري سرمايه		وجوه لازم برای جایگزینی آن بخش از حجم سرمايه که در فراگرد تولید استهلاک یافته است.
Personal Investment	سرمايه‌گذاري شخصی	Real Investment	سرمايه‌گذاري حقیقی
Non-productive Investment	سرمايه‌گذاري غير تولیدی	Foreign Investment	سرمايه‌گذاري خارجی همان سرمايه‌گذاري بین‌المللی است.
Runaway Investment	سرمايه‌گذاري فرار	Net Investment	سرمايه‌گذاري خالص مخارج لازم برای تشکیل ناخالص سرمايه منهای سرمايه لازم برای تعویض ماشین‌آلات فرسوده و وسایل تولید متروکه.
Eligible Investment	سرمايه‌گذاري قابل قبول	Private Investment	سرمايه‌گذاري خصوصی
Intended Inventory Investment	سرمايه‌گذاري قصدی در موجودی انبار	Home Investment	سرمايه‌گذاري داخلی
Fully Invested Invest	سرمايه‌گذاري کامل	Permanent Investment	سرمايه‌گذاري دائمی
Marginal Investment	سرمايه‌گذاري کم‌بازده	Investment Abroad	سرمايه‌گذاري در خارج
Short-term Investment	سرمايه‌گذاري کوتاه‌مدت	Foreign Investment	سرمايه‌گذاري درخارج
Runaway Investment	سرمايه‌گذاري کوچنده	Eligible Investment	سرمايه‌گذاري در خور انتخاب
Runaway Investment	سرمايه‌گذاري گریزان	Portfolio Investment	سرمايه‌گذاري در دارایی اسنادی
Financial Investment	سرمايه‌گذاري مالی	Warehousing	سرمايه‌گذاري در سهام رو به تنزل
Ploughing-back	سرمايه‌گذاري مجدد منافع	Quoted Investment	سرمايه‌گذاري در سهام معتبر
Autonomous Investment	سرمايه‌گذاري مستقل	Overseas Investments	سرمايه‌گذاري در ماوراء دریاها
Joint Venture	سرمايه‌گذاري مشترک		
	سرمايه‌گذاري یک شرکت مستقر در یک کشور در شرکتهای دیگر کشورها یا اقدام به تأسیس یک واحد اقتصادی جداگانه و مستقل.		
Safe Investment; Secure Investment	سرمايه‌گذاري مطمئن		

Capitalism	سرمایه‌گرایی	Unquoted Investment	سرمایه‌گذاری مظنه‌نشده (بورس)
Capital Circulating	سرمایه‌گردان	Disinvestment; Negative Investment	سرمایه‌گذاری منفی
Flight Capital	سرمایه‌گریزان	Scheduled Investment	سرمایه‌گذاری جایگزینی به میزانی کمتر از استهلاك.
Financial Capital; Material Capital; Physical Capital; Property Capital	سرمایه مادی	Gross Investment	سرمایه‌گذاری مورد نظر
Finance Capital	سرمایه مالی	Gross Investment	سرمایه‌گذاری ناخالص
Variable Capital	سرمایه متغیر	Gross Private Domestic Investment	کل سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد که استهلاك را نیز شامل باشد.
Lucrative Capital	سرمایه متمر	Unintended Investment	سرمایه‌گذاری ناخواسته
Authorized Capital; Registered Capital	سرمایه مجاز	Unintended Investment	اشاره به سرمایه‌گذاری بی‌برنامه دارد.
Locked-in Capital	سرمایه محبوس	Unintended Investment	سرمایه‌گذاری ناخواسته در موجودی انبار
Risk Capital	سرمایه مخاطره آمیز	Inventory Investment	سرمایه‌گذاری نامکفی
Capitalist	سرمایه‌مدار	Underinvestment	سرمایه‌گذاری نامناسب
Capitalism	سرمایه‌مداری	Malinvestment	سرمایه‌گذاری نهایی
Fixed Capital	سرمایه مستقر	Marginal Investment	سرمایه‌گذاری واجد شرایط
Artificial Capital	سرمایه مصنوعی	Eligible Investment	سرمایه‌گذاری واقعی
Partnership Capital	سرمایه مشارکتی	Actual Investment	سرمایه‌گذاری واهی
Venture Capital	سرمایه مشترک	Bubble	سرمایه‌گذاری تجاری
Outside Venture Capital	سرمایه مشترک خارجی	Trade Investments	سرمایه‌گذاری تجاری
Indestructible Capital	سرمایه مصرف‌نشدنی	Overseas Investments	سرمایه‌گذاری خارجی
Consumer's Capital; Consumption Capital	سرمایه مصرفی	Legal Investments	سرمایه‌گذاری قانونی
Called Up Capital	سرمایه مطالبه‌شده	Overseas Investments	سرمایه‌گذاری ماوراء بحار
Auxiliary Capital	سرمایه معین	Intended Investment	سرمایه‌گذاری هدفدار
		Capitalist	سرمایه‌گرا

Consumer Determinism	سرنوشت‌گرایی مصرف‌کننده	Impaired Capital	سرمایه معیوب
Rehabilitate	سروسامان تازه دادن	Property Capital	سرمایه ملکی
Contraction	سر و هم کردن قرض	National Capital	سرمایه ملی
Revenue Assets	سرمایه‌های در گردش	Available Capital	سرمایه موجود
Revenue Assets	سرمایه‌های متحرک	Bank Capital	سرمایه مورد احتیاج بانک
Spare Capital	سرمایه‌های موجود	Requirements	
Agio	سره قیمت ارز	Capital Employed	سرمایه مورد استعمال
Finable	سزاوار جریمه	Capital Employed	سرمایه مورد استفاده
Organizational Slack	سستی سازمانی	Subscribed Capital	سرمایه مورد تعهد
Aspiration Level	سطح آرزو	Productive Capital	سرمایه‌های تولیدی
Level of Resources Utilization	سطح استفاده از منابع		یا سرمایه مولد کالای سرمایه‌ایست که در فراگرد تولید نقش اساسی دارد.
Level of Confidence	سطح اطمینان	Invested Capital	سرمایه مورد سرمایه‌گذاری
Upmarket	سطح بالا	Producer's Capital	سرمایه مولد
Wage Ceiling	سطح بالای مزد	Economic	سرمایه مولد (مستقیم) اقتصادی
Subsistence Level	سطح بخور و نمیر	Direct Productive Capital	
Optimal Level of Pollution	سطح بهینه آلودگی	Refugee Capital	سرمایه مهاجر
	میزان از آلودگی محیط زیست است که در آن هزینه اضافی آلودگی‌زدایی درست برابر با هزینه اضافی خسارت آلودگی است.	Uncalled Capital	سرمایه ناپردخته
Full Employment of Unemployment	سطح بیکاری اشتغال کامل	Gross Working Capital	سرمایه ناخالص جاری
Occupational Level	سطح پیشه	Gross Working Capital	سرمایه ناخالص در گردش
Equilibrium Level of National Income	سطح تعادل درآمد ملی	Impaired Capital	سرمایه ناقص
	آن سطح درآمد ملی است که هیچ گرایشی به تغییر نشان ندهد.	Heterogeneous Capital	سرمایه نامتجانس
Demand Surface	سطح تقاضا	Undercapitalized	سرمایه نامکفی
Bottom	سطح تماس با آب	Issued Capital; Unissued Capital	سرمایه نشر شده
Production Surface	سطح تولید	Cash Capital; Money Capital	سرمایه نقد
Level of Risk	سطح خطر	Liquid Capital	سرمایه نقدی
		Paid-up Capital	سرمایه واریز شده
		Outstanding Capital	سرمایه واریز نشده
		Real Capital	سرمایه واقعی
		Net Working Capital	سرمایه ویژه در گردش

Mail Order	سفارش پستی	Level of Aspiration	سطح درخواست
Split Order	سفارش تکه تکه و در قیمت‌های مختلف	Wage Level	سطح دستمزد
Cable Order	سفارش تلگرافی		متوسط دستمزد در یک بخش اقتصادی در یک صنعت یا در کل اقتصاد است.
New Order	سفارش جدید	Level of Living; Living	سطح زندگی
Spot Order	سفارش جنس موجود	Standard; Plane of Living; Standard of Living	
Matched Order	سفارش جور		سطح درآمد واقعی است.
Commission Order	سفارش حق‌العمل‌کاری	Minimum Standard of Living	سطح زندگی کمینه
Purchase Order	سفارش خرید		همان سطح حداقل معیشت یا بخور و نمیر است.
Closed Indent	سفارش خرید خصوصی	Reorder Level	سطح سفارش مجدد
	سفارش از فروشنده یا سازنده خاص است.	Capacity Level	سطح ظرفیت
Open Indent	سفارش خرید عمومی	Capacity Level	سطح ظرفیت تولیدی
	سفارش خرید باز است.	General Price Level	سطح عمومی قیمت
Cross Order	سفارش خرید و فروش سهام در یک وهله	Price Level	سطح قیمت
Place an Order	سفارش دادن	Subsistence Wage Level	سطح مزد حداقل معاش
Standing Order	سفارش دائمی	Subsistence Level	سطح معاش
Resting Order	سفارش راکد	Level of Significance	سطح معناداری
Open Indent	سفارش رسمی نامحدود	Cost Surface	سطح هزینه
Open Order	سفارش روباز	Indent; Order	سفارش
Day Order	سفارش روز	Open Order	سفارش آزاد
Factory Order	سفارش ساخت	Trial Order	سفارش آزمایشی
Back Order	سفارش عقب‌مانده	Option Order	سفارش اختیاری
Substantial Order	سفارش عمده	Additional Order	سفارش اضافی
Selling Order	سفارش فروش	Initial Order	سفارش اولیه
Stores Requisition	سفارش فروشگاهها	Stop-order	سفارش با توقف (در بورس)
Firm Order	سفارش قطعی	Option Order	سفارش با جایزه (ترقی سهم) به خریدار (در بورس)
Job Order	سفارش کار	Market Order	سفارش بازار
Work Order	سفارش کار به کارخانه	Outwork	سفارش به بیرون
Blanket Order	سفارش کلی	No Limit Order	سفارش بی‌قید
Month Order	سفارش ماهانه		
Cross Order	سفارش متقابل		
Cross Order	سفارش متقاطع		

Speculator; Stock Jobber	سفته باز	Repeat Order	سفارش مجدد
Arbitragist	سفته باز ارزی		همان سفارش تکراری است.
Professional Speculators	سفته باز حرفه‌ای	Day Order; Limit Order	سفارش محدود
Punter	سفته باز در بازار گرم و سرد	Indent	سفارش مستقیم
Kite Flying; Speculation	سفته بازی	Standing Order	سفارش مستمر
	قبول خطر احتمالی نامتعارف به امید سودی بیش از حد متوسط منافع در معاملات تجاری یا مالی.	Conditional Order	سفارش مشروط
Arbitrage; Exchange	سفته بازی ارزی	Matche Order	سفارش معادل و هم تراز
Arbitrage		G.T.C. Order	سفارش معتبر تا لغو
Indirect Arbitrage	سفته بازی ارزی غیرمستقیم	Good Till	سفارش معتبر جز در صورت لغو
Triangular Arbitrage	سفته بازی ارزی مثلثی	Cancelled Order	
Go for a Fall	سفته بازی در انتظار تنزل	Back Order	سفارش معوق
Go a Bill; Go for a Rise	سفته بازی در جهت ترقی		سفارش تحویل نشده است.
Go a Bear	سفته بازی در جهت تنزل	Open Order	سفارش نامحدود
International Interest Arbitrage	سفته بازی روی بهره بین‌المللی	Letter of Recommendation	سفارشنامه
Gold Arbitrage	سفته بازی طلا	Cash Order	سفارش نقد
Speculate	سفته بازی کردن	Indent	سفارش وارداتی
Direct Arbitrage	سفته بازی مستقیم ارزی	Manufacturer's New Orders	سفارشهای تازه سازنده
Short-term Paper	سفته کوتاه مدت	Manufacturer's Unfilled Orders	سفارشهای مانده کارخانه دار
Time Bill	سفته مدت دار	Week Order	سفارش هفتگی
Bills Payable	سفته‌های پرداختنی	Week Order	سفارش هفته
Short Bill	سفته یا برات کوتاه مدت	Cross Order	سفارش همزمان متقابل
Bill, Discounted	سفته یا برات نزول شده	Standing Order	سفارش همیشگی
Notes Payable	سفته یا سند پرداختنی		همان سفارش دائمی است.
Bill Falls Due On	سفته یافته طلب و اسناد	Regd	سفارشی
Business Tour	سفر بازرگانی	Day Order	سفارش یکروزه
Business Tour; Business Travel	سفر تجاری	Bill of Exchange; Note of Hand; Paper; Promissory Note; Scrip Certificate	سفته
Foreign Travel	سفر خارجه		یا فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده متعهد می‌شود مبلغی را در زمان معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا فرد مشخص یا به حواله کرد او بپردازد.
Exodus	سفر خروج		
Shipping	سفر دریایی		
Air Journey	سفر هوایی		

Milreis	سکه طلا در پرتغال	Fallacy	سفسطه
Kreutzer	سکه طلا و نقره در آلمان و اتریش	Blank Cheque	سفید چک ممضی
Half Eagle	سکه طلای پنج دلاری ایالات متحد	Price Ceiling	سقف قیمت
Full-bodied Gold Coin	سکه طلای تمام عیار	Wage Ceiling	سقف مزد
Eagle	سکه طلای ده دلاری ایالات متحد	Wall Street Crash	سقوط
Debased Coinage; Spurions Money	سکه قلب	Market Crash and Stocks Collapse	سقوط بازار و سهام
Light Coin (Single Coin)	سکه کم ارزش	Slide	سقوط قیمتها
Minor Coin	سکه کم بها	Wall Street Crash	سقوط قیمتها در وال استریت
Standard Coin	سکه معیار	(1929 میلادی)	
Hard Cash	سکه نقد	Falling Rate of Profit	سقوط میزان سود
Silver Coin	سکه نقره‌ای	Forfeiture	سقوط و نزول بها
Token Coin	سکه نماینده	Occupancy	سکنی
Standard Coin	سکه نمونه	Professional Silence	سکوت حرفه‌ای
Representative Token Money	سکه‌های کم‌بهای نمونه	Occupancy	سکونت
Treasury Issue of Coins	سکه‌های نشر خزانه	Tied Cottage	سکونت مشروط
Soundness of Financial Institutions	سلامت مؤسسات مالی	Tied Cottage	سکونت مقید
Denationalization	سلب تابعیت	Stationary-in-time Coin	سکون در زمان
Foreclose	سلب حق ازگرو درآوردن	Token Coin; Token Money	سکه اعتباری
Foreclosure	سلب حق اقامه دعوی	Coin As Percentage of Money Supply	سکه به صورت درصدی از حجم پول
Disqualification	سلب صلاحیت	Coined Money	سکه پول
Expropriation	سلب مالکیت	Subsidiary Coin; Token Coin	سکه پولی
Disenfranchise	سلب مزیت تجاری	Base Coin	سکه تقلبی
Coinage	سلسله‌بندیهای مسکوک	Dime	سکه ده‌سنتی در ایالات متحد و کانادا
Trace	سلسله تشریفات مقدماتی (در بورس)	Coin of The Realm	سکه رایج
Voluntary Chain	سلسله داوطلبانه	Mint	سکه زدن
Chain Indexes of Prices	سلسله شاخصهای قیمتها	Coinable	سکه زدنی
Voluntary Chain Store	سلسله فروشگاه داوطلبانه	Coinage	سکه‌زنی
Hierarchy	سلسله مراتب	Light Coin (Single Coin)	سکه سبک
		Sovereign	سکه شاهی
		Hard Cash	سکه صدادار

Feasibility Study	سنجش امکان	Social Ladder	سلسله مراتب اجتماعی
Inter-firm Comparisons	سنجش نگاهها با هم	Hierarchy in Business	سلسله مراتب در کار و کسب
Acid Test	سنجش درجه نقدینگی	Order	سلسله مراتب طرز روش
Performance Rating	سنجش طرز اجرای کار	Harmonic Series	سلسله‌های هماهنگ
Comparison	سنجش مقایسه	Eminent Domain	سلطه
Pareto Non-comparability	سنجش ناپذیری پارتویی	Warehousing	سلطه جویی از راه خرید سهام
Criteria	سنجه	Forward	سلف
Business Barometer	سنجه فعالیت اقتصادی	F.W.D.	نشانه اختصاری آن است.
Appraise	سنجیدن	Bull	سلف خر بورس
Comparability	سنجیدنی		کسی که گمان می‌کند قیمت سهام، اوراق قرضه، کالاها و ارز رو به افزایش‌اند و بیشتر زمانها بر پایه این پندار و با هدف فروش به قیمتی بالاتر در آینده اقدام به خرید این اقلام می‌نماید.
Chronological Age	سن حقیقی	Take Forward	سلف خریدن
Act; Bill; Cash Voucher; Contract for Deed Instrument; Paper; Security; Voucher	سند	Bear; Bear Seller	سلف فروش
Seasonal Security	سند آمادۀ استفاده	Short	سلف فروش بورس
Assessment	سند ارزیابی (تقریب مالیات و جز این)		سوداگری که سهام، اوراق قرضه، کالاها و ارز را به امید کاهش قیمت در آینده می‌فروشد تا در آینده با خرید مجدد آنها به قیمتی کمتر سود ببرد.
Bond	سند ارسال کالا	Bear Sale; Short Sale	سلف فروشی
Consignment Note	سند استرداد	Seller of a Call Option	سلف فروشی در بورس
Debenture Certificate	سند استرداد وجه	Bear Seller	سلم فروش
Refunding Bond	سند اصلاح طلب	Bear Sale	سلم فروشی
Reclamation	سند انتقال	Sol, Sl	سُل، واحد پول کشور پرو
Letter of Transmittal; Transfer Deed	سند اهداء زمین	Boneman	سمسار
Land Grant Bond	سند با امضای درجه اول	Jumble-shop	سمساری جزئی
First Class Paper	سند با دو ضامن	Cent	سنت
Two-name Paper	سند با یک امضا		یکصدم دلار ایالات متحد.
One-name Paper	سند بخشش زمین	Tradition	سُنّت
Land Grant Bond	سند بدون رونوشت	Class Rate	سنت در صد دلار
Deed Poll	سند بدهکار	Social Traditions	سنتهای اجتماعی
Debit Note	سند برگشتی	Evaluation	سنجش
Returned Document	سند بستانکار		
Credit Note			

Indenture Deed	سند دونه‌خ‌ای	Security	سند بهادار
Deed; Vouch; Vouching	سند رسمی	Unlisted Security	سند بهادار ثبت نشده
Vouch	سند رسمی کردن	Off-board Security	سند بهادار خارج فهرست
Journal Voucher	سند روزنامه	Legal Security	سند بهادار قانونی
Letter of Hypothecation	سند رهن	Interest Warrant	سند بهره
Chattel Mortgage Bond	سند رهن اموال	Instrument of Commerce	سند تجاری
Open-end Mortgage Bond	سند رهن قابل تبدیل و تغییر	Pay Bill; Payment Voucher	سند پرداخت
Bottomry Bond	سند رهن کشتی	Indemnity Bond	سند پرداخت غرامت
Letter of Hypothecation	سند رهن‌گذاری	Kite Flying	سند پردازی
Mortgage Deed	سند رهنی	Appeal Bond	سند پژوهشی
Closed Mortgage (Closed-end Mortgage)	سند رهنی غیر آزاد	One-name Paper	سند پشت‌نویس نشده
Deed Stock	سند سرمایه سهمی	Commercial Paper	سند تجاری قابل معامله
Bind Bond	سند ضمانت	Delivery Note	سند تحویل
Fine Trade Bill	سند عالی تجاری	Removal Bond	سند تخلیه محل
Passavant	سند عبور	Contract Bond	سند تضمین قرارداد
از یک گمرک به گمرک دیگر است.		Contract Bond	سند تضمین مقاطعه
«Penalty Bond»	سند غرامت	Escrow; Kite	سند تضمینی
Bill of Sale	سند فروش	Voting-trust Certificate	سند توکیل حق رأی
Negotiable Instrument	سند قابل انتقال	Trust Deed; Trust Indenture; Trust Instrument	سند تولیت
همان سند قابل معامله است.		Journal Voucher	سند حسابداری
Eligible Paper	سند قابل قبول	Standard Liner Waybill	سند حمل دریایی معیاری
Negotiable Instrument	سند قابل معامله	Waybill	
Statutory Instrument	سند قانونی	Combined Transport Document	سند حمل و نقل مرکب
Bind Bond	سند قبول پرداخت	Order Document	سند حواله کرد
Acceptance Bill	سند قبولی	Unlisted Security	سند خارج فهرست
Contract Note	سند قرارداد	Voucher	سند خرج
Full Faith and Credit Bond	سند قرارداد اعتبار و اعتماد کامل	Treasury Bill	سند خزانه
Bond	سند قرضه	Indemnity Bond	سند خسارت
برگه بهاداریست که دولت یا مقام عمومی و یا یک		First Class Paper	سند درجه اول
		Bearer Document	سند در وجه حامل
		Two-name Paper	سند دوظامنی

Refunding Bond	سند قرضه برای پرداخت بدهیهای دیگر	شرکت نشر می‌دهد و دارای اندازه بهره معین و ثابت است.
Removal Bond	سند قرضه برای پوشاندن بدهی	سند قرضه آزادی
Contract Bond	سند قرضه برای ضمانت یک قرارداد	سند قرضه اجرا
High Graded Bond	سند قرضه بسیار عالی	سند قرضه اختیاری
Treasury Bond	سند قرضه بلندمدت خزانه‌داری	سند قرضه از دخل
Position Bond	سند قرضه به اعتبار شغل	سند قرضه از منافع
Land-grant Bond	سند قرضه به تضمین اراضی	سند قرضه استرداد وام
Divisional Bond	سند قرضه به تضمین جزئی	سند قرضه استرداد
Fidelity Bond	سند قرضه به تضمین درست پیمانی	سند قرضه انتقال
Extention Bond	سند قرضه به تضمین سرمایه الحاقی	سند قرضه انتقالی
Extention Bond	سند قرضه به تضمین سرمایه توسعه	سند قرضه انجام کار
Extention Bond	سند قرضه به تضمین سرمایه توسعه‌ای	سند قرضه ایالتی (در ایالات متحد)
Bottomry Bond	سند قرضه به تضمین کشتی	Terminal Bond
Equipment Trust Bond	سند قرضه به تضمین ماشین آلات	سند قرضه ایستگاه پایانه
Dollar Bond	سند قرضه به دلار	Non Interest-bearing Bond
Interest Bond	سند قرضه بهره‌ده	سند قرضه‌ای که اصل و بهره آن در سررسید موعد توأمأ باید پرداخته شوند
Fidelity Bond	سند قرضه به ضمانت درست قولی	Profit Sharing Bond
Fidelity Bond	سند قرضه به ضمانت درستی و راستی	Blanket Bond
Flat Bond; Passive Bond; Zero Bonds	سند قرضه بی بهره	سند قرضه با تضمین مشترک
Debenture Bond	سند قرضه بی تضمین	Fixed Penalty Bond
Flat Bond	سند قرضه بی تغییر	سند قرضه با جریمه ثابت
Insurance Bond	سند قرضه بیمه‌ای	Appeal Bond
		سند قرضه با حق رجوع
		Redeemable Bond
		سند قرضه بازخریدنی
		Premium Bond
		سند قرضه با صرف
		Limited Tax Bond
		سند قرضه با مالیات محدود
		Chattel Mortgage Bond
		سند قرضه با مرهونه منقول
		Name Bond
		سند قرضه با نام
		Chattel Mortgage Bond
		سند قرضه با وثیقه دارایی شخصی
		Passive Bond
		سند قرضه بدون بهره
		Consol Bond
		سند قرضه بدون تاریخ سررسید
		Fiduciary Bond
		سند قرضه بر اساس اطمینان

Double -barreled Bond	سند قرضه دارای تضمین مضاعف	Installment Bond	سند قرضه پرداختنی به اقساط
Prior-lien Bond	سند قرضه دارای تقدم	Legal Tender Bond	سند قرضه پرداختنی به پول رایج
Fixed Penalty Bond	سند قرضه دارای جریمه ثابت	Legal Tender Bond	سند قرضه پرداختنی به پول قانونی
Joint and Several Bond	سند قرضه دارای ضمانت متعدد	Outstanding Bond	سند قرضه پس افتاده
Prior Line Bond	سند قرضه دارای قدمت	Indorsed Bond	سند قرضه پشت نویسی شده
Leasehold Mortgage Bond	سند قرضه دارای گروهی اجاره کردنی	Bond, Tax-anticipation	سند قرضه پیش بینی مالیات
Refunding Mortgage Bond	سند قرضه دارای گروهی برای رد وام	Penalty Bond	سند قرضه تاوان
Perpetual Bond	سند قرضه دائمی	Stabilized Bond	سند قرضه تثبیت شده
Revenue Bond	سند قرضه درآمد اختصاصی	Reorganization Bond	سند قرضه تجدید سازمان
Income Bond	سند قرضه درآمدی	Discount Bond	سند قرضه تخفیفی
Dollar Bond	سند قرضه دلاری	Reorganization Bond	سند قرضه تدارک سرمایه
Bond, Government	سند قرضه دولتی	Serial Bond	سند قرضه ترتیبی
Judgment Bond	سند قرضه دین	First-lien Bond	سند قرضه ترجیحی
Railroad Bond	سند قرضه راه آهن	Indemnity Bond	سند قرضه تضمین خسارت
Preference Bond	سند قرضه رجحانی	Assumed Bond	سند قرضه تضمین شده
Registered Coupon Bond	سند قرضه رسمی کوپن دار	Assumed Bond; Guaranteed Bond	سند قرضه تضمینی
Replevin Bond	سند قرضه رفع توقیف به قید تأمین	Divisional Bond	سند قرضه تضمینی تقسیمی
Open-end Mortgage Bond	سند قرضه رهن آزاد	Stamped Bond	سند قرضه تمبردار
Consolidated Mortgage Bond	سند قرضه رهن تثبیت شده	Extended Bond	سند قرضه تمدید شده
Blank Bond	سند قرضه زیر تضمین مشترک	Unified Bond	سند قرضه تمدید و تثبیت شده
Debenture Bond; Simple (Naked) Bond	سند قرضه ساده	Extended Bond; Continued Bond; Unified Bond	سند قرضه تمدیدی
Annuity Bond;	سند قرضه سالانه	Registered Bond	سند قرضه ثبت شده
Irredeemable Bond		Prize Bond	سند قرضه جایزه دار
		Penalty Bond	سند قرضه جریمه
		Optional Bond	سند قرضه اختیاری

Special	سند قرضه مالیات اختصاصی	Plain Bond	سند قرضه سفید
-assessment Bond		Personal Bond	سند قرضه شخصی
Unlimited Tax	سند قرضه مالیات نامحدود	Corporate Bond	سند قرضه شرکتی
Bond		Profit-Sharing Bond	سند قرضه شریک در سود
Special Assessment	سند قرضه مالیات ویژه	Participating Bond	سند قرضه شریک در نفع
Bond		Municipal Bond	سند قرضه شهرداری
Tax Anticipation Bond;	سند قرضه مالیاتی	Industrial Bond	سند قرضه صنعتی
Tax Bond		Guaranteed; Bond;	سند قرضه ضمانت شده
Overlying Bond	سند قرضه مؤجل	Indorsed Bond	
Position Bond	سند قرضه مؤسسه‌های معتبر	Indorsed Bond	سند قرضه ظهر نویسی شده
Full Faith	سند قرضه مبتنی بر قول و اعتبار تمام	Revenue Bond	سند قرضه عایدات اختصاصی
and Credit Bond		Open Covenant Bond	سند قرضه علنی
Double Barreled	سند قرضه مبهم (دو جنبه‌ای)	Public Bond	سند قرضه عمومی
Bond		Callable Bond;	سند قرضه عندالمطالبه
Junior-lien Bond	سند قرضه متاخر	Redeemable Bond	
Non Interest-bearing	سند قرضه متراکم تا موعد	Penalty Bond	سند قرضه غرامت
Discount Bond		Passive Bond	سند قرضه غیرفعال
Series Bond	سند قرضه مجموعه‌ای	Irredeemable Bond	سند قرضه غیر قابل بازخرید
Bond, Series	سند قرضه مجموعه متوالی	Refunding Bond	سند قرضه قابل پرداخت
Revenue Bond	سند قرضه مداخلی	Instalment	سند قرضه قابل پرداخت به اقساط
Continued Bond	سند قرضه مداوم	Bond	
Colonial Bond; Insular	سند قرضه مستعمراتی	Currency	سند قرضه قابل پرداخت به پول رایج
Bond		Bond	
Continued Bond	سند قرضه مستمر	Gold Bond	سند قرضه قابل پرداخت به طلا
Insular Bond	سند قرضه مستعمره	Convertible Bond;	سند قرضه قابل تبدیل
Serial Bond	سند قرضه مسلسل	Eligible Bond; Interchangeable Bond	
Participating Bond	سند قرضه مشارکتی	Callable Bond	سند قرضه قابل مطالبه
Stamped Bond	سند قرضه مشخص	Interchangeable Bond	سند قرضه قابل معاوضه
Assented Bond	سند قرضه مصوب	Contract Bond	سند قرضه قرارداد
Deferred Bond; Outstanding	سند قرضه معوق	Definitive Bond	سند قرضه قطعی
Bond		Public-utility Bond	سند قرضه کارهای عمومی
First-lien Bond; Prior-lien	سند قرضه مقدم	Coupon Bond	سند قرضه کوپن‌دار
Bond; Underlying Bond		Mortgage Bond	سند قرضه گرو

Supplemental Instrument	سند متمم	High Graded Bond;	سند قرضه ممتاز
Qui-claim Deed	سند مدعی به	Preference Bond; Prize Bond	
Accommodation Paper	سند مساعده	Bond, Stamped	سند قرضه ممهور
Binder	سند موقت بیمه	Assented Bonds	سند قرضه موافق یا سهم موافق
Scrip (Script)	سند موقتی	or Stock	
Inchoate Instrument	سند ناکامل	Collateral Trust	سند قرضه مورد ضمانت
Sheriff's Deed	سند نماینده رسمی دولت (کلانتر) (در ایالات متحد)	Bond	
Inchoate Instrument	سند نیمه کاره	Interim Bond; Interim Certificate (Stock or Bond)	سند قرضه موقتی
Voting-trust Certificate	سند واگذاری حق رأی	Outstanding Bond	سند قرضه ناپرداخته
Covering Note	سند وثیقه	Serial Bond	سند قرضه نوبتی
Collateral Trust Bond	سند وثیقه اضافی	Outstanding Bond	سند قرضه واریز نشده
Leasehold Mortgage Bond	سند وثیقه اجاره ملک	Sinking-fund Bond	سند قرضه وجوه استهلاکی
Act of Bankruptcy	سند ورشکستگی	Term Bond	سند قرضه وعده
Bond, Fidelity	سند وفاداری	Nonassented Stock	سند قرضه یا سهم ناموافق
Debit Note; Invoice; Voucher	سند هزینه	or Bond	
Bankable Bill	سند یا برات بانک پذیر	Definitive	سند قطعی
Bank Acceptance	سند یا حواله پذیرفته شده بانک	Commodity Paper	سند کالای مصرفی
Authenticate	سندیت یا رسمیت دادن	Freight Note	سند کرایه و بار کشتی
Syndicalism	سندیکالیسم	Ship's Register	سند کشتی
Euro-syndicate	سندیکای اروپا	Letter of Hypothecation	سند گروگذاری
Market Syndicate	سندیکای بورس	Escrow	سند گرووی
One-name Paper	سند یک نامی	Acquittance	سند لغو تعهد
Deed Poll	سند یک نسخه ای	Document of Title; Holding Deed; Proof of Ownership; Title Deed	سند مالکیت
Mental Age (M.A.)	سن عقلی	Land Certificate	سند مالکیت زمین
Service Life; Useful Life	سنوات خدمت	Finance Paper; Financial Instrument; Financial Paper	سند مالی
Middle Ages	سنین متوسط	Tax Deed	سند مالیات
Senior, Nassau W.	سنیور، ناسو ویلیام (۱۷۹۰-۱۸۶۴)	Source Document	سند مأخذ
		Certificate of Origin	سند مبداء
	اقتصاددان انگلیسی به عقیده وی رشد جمعیت می تواند بدون کاهش سطح زندگی افزایش یابد.	Cleared Document	سند متبادله
		Bearer of Options	سند متضمن اختیار خرید

Scalper	سوداگر جزئی	Counter Part	سواد عین
Punter	سوداگر در بازار رو به ترقی و تنزل	Certified Copy	سواد مصدق
Packman	سوداگر دوره‌گرد	Pick Up and Delivery	سوار کردن و تحویل
Export Merchant	سوداگر صادرات	Detach	سوا کردن
Commercialism; Mercantile;	سوداگری	Sorter	سواکننده
Speculation; Trade; Trading; Traffic		Supermarket	سوپرمارکت
Arbitrage; Arbitration of	سوداگری ارزی	Secondary and Primary	سوخست اولیه و ثانوی
Exchange; Exchange Arbitrage		Fuels	
Simple Arbitrage	سوداگری ارزی ساده	Sovkhoz	سوخوز
Simple Arbitrage	سوداگری ارزی صرف		مزارع دولتی شوروی سابق.
Indirect Arbitrage	سوداگری ارزی غیرمستقیم	Profit	سود
Compound Arbitrage	سوداگری ارزی مرکب		در اقتصاد گفت‌وگو از دو نوع سود است: (۱) سود عادی و آن سود کارآفرین اقتصادی است که پس از کسر هزینه فرصت عوامل تولید مورد استعمال به دست می‌آید؛ (۲) سود فوق‌العاده که بیشتر از سود عادی است و در کوتاه‌مدت بر اثر وجود موانع ورود به بازار عاید می‌گردد.
Covered Interest Arbitrage	سوداگری با پوشش بهره	Profitable	سودآور
Trading on Margin	سوداگری در نهایت	Profitability	سودآوری
Trading on Margin	سوداگری در وضع حد	Transaction	سودا
International Interest Arbitrage	سوداگری روی بهره بین‌المللی	Casual Profit	سود اتفاقی
Stock Arbitrage	سوداگری سهام	Contingent Profit	سود احتمالی
Triangular Arbitrage	سوداگری سه‌جانبه ارزی	Appropriated Profit	سود اختصاصی
Gold Arbitrage	سوداگری طلا	Filthy Lucre	سود از راه نادرست
Speculate	سوداگری کردن	Surplus Profit	سود اضافی
Direct Arbitrage	سوداگری مستقیم ارزی	Year-end	سود اعلان شده سهام در پایان دوره
Cumulative Dividend;	سود انباشته	Dividend	
Retained Profit		Proposed Dividend	سود اعلان نشده
Cum Dividend	سود انباشتی	Economic Profit	سود اقتصادی
Accumulated Dividend	سود انباشتی سهام	Businessman; Mercantilist;	سوداگر
Monopoly Profit	سود انحصار	Merchant; Speculator; Trader; Trading	
Windfall Profit	سود بادآورده	Free Trader	سوداگر آزاد
Gainful	سودبخش	Arbitrager	سوداگر ارز
Departmental Profit	سود بخشی (از مؤسسه)		
Profitability	سودبخشی		
Profit-earner	سود بر		

Sham Dividend	سود دروغین سهم	Gain; Turn to Account	سود بردن
Book Profit	سود دفتری	Profit Taking	سود بری
Profitable	سود ده	Operating Profit	سود بهره برداری
Profitability	سوددهی	Contingent Profit	سود به شرط
Paper Profit	سود روی کاغذ	Capital Bonus	سود به صورت سهم
Sham Dividend	سود ساختگی سهم	Maximum Profit	سود بیشینه
Profiteering	سود سرشاربری	Year-end Profit	سود پایان دوره
Make a Killing	سود سرشاری بردن	Cumulative Dividend	سود پس افتاده سهام
Prior Years Profit	سود سنواتی	Proposed Dividend	سود پیشنهادی صاحبان سهام
Capital Bonus; Dividend	سود سهام	Realized Profit	سود تحقق یافته
Optional Dividend	سود سهام اختیاری	Dividend Warrant	سود تضمینی سهام
Cumulated Dividend	سود سهام انباشتی	Share Dividends	سود تقسیم شده
Irish Dividend	سود سهام ایرلندی	Undistributed Profit;	سود تقسیم نشده
Property Dividend	سود سهام به صورت غیر نقد	Undivided Profit	
Year-end Dividend	سود سهام پایان سال	Irish Dividend	سود توزیع شده ایرلندی
Times	سود سهام ترجیحی حاصله در زمان	Mark Up	سود توزیع کننده کالا
Preferred Dividend Earned			همان سود خرده فروشی است.
Guaranteed Dividend	سود سهام تضمین شده	Retained Profit	سود توزیع نشده
Dividend in Kind	سود سهام حاصله از دارایی	Undistributed	سود توزیع نشده شرکتها
Dividend Off	سود سهام سابق	Corporate Profit	
Stock Dividend	سود سهام سرمایه	Anticipated Profit	سود ثبت شده پیش از حصول آن
Patronage Dividend	سود سهام شرکتهای تعاونی	Profit Seeking and Minimizing Cost	سود جزئی و تقلیل هزینه
Interim Dividend	سود سهام طی دوره	Cumulative Dividend	سود جمعی
Interim Dividend	سود سهام طی سال	Inventory Profit	سود حاصله از موجودی
Interim Dividend	سود سهام فصلی یا نیمسال	Net Profit; Pure Profit	سود خالص
Extra dividend	سود سهام فوق العاده	Consolidated Net Profit	سود خالص تلفیقی
Accumulated Dividend;	سود سهام متراکم	Net Operating Profit	سود خالص عملیات
Cumulative Dividend		Consolidated Net Profit	سود خالص یک کاسه
Final Dividend	سود سهام متعلقه در پایان سال	Mark Up	سود خرده فروشی
Preferential Dividend	سود سهام مقدم	Interdepartmental Profit	سود داخلی
Dividend in Arrears	سود سهام ممتاز پس افتاده		
Interim Dividend	سود سهام موقت		
Scrip Dividend	سود سهام موقتی		

Capital Gain	سود فروش سرمایه	Earning, Dividends, Surplus	سود سهام و مازاد
	تفاوت مثبت میان قیمت خرید یک دارایی و قیمت فروش آن در آینده.	Cumulated Dividend	سود سهام یکجا
Free Surplus; Unappropriated Earned Surplus	سود قابل تقسیم	Contribution Profit; Interest-dividend	سود سهم
Preferential Dividend	سود قابل تقسیم ممتاز	Dividend	سود سهم بستانکار
Cover for Dividend	سود قابل توزیع	Stock Dividend	سود سهمی
Operating Profit	سود کارکرد		روشی برای پرداخت سود سهام از طریق انتشار سهام جدید به جای وجه نقد بابت سود سهام.
Paper Profit	سود کاغذی	Optional Dividend	سود سهمی اختیاری
Gainage	سود کشاورزی	Accumulated Dividend	سود سهمی انباشته
Profiteering	سود گزاف‌بری	Accrued Dividend	سود سهمی تعلق یافته
Scrip (or Script) Dividend	سود گواهی سهم	Unpaid Dividend	سود سهمی توزیع نشده
Scrivener	سودگیر	Accrued Dividend	سود سهمی ثبت نشده
Surplus Profit	سود مازاد	Ordinary Dividend	سود سهمی عادی
Taxable Profit	سود مالیات‌پذیر	Final Dividend	سود سهمی قطعی
Paper Profit	سود محتمل الوقوع	Accrued Dividend	سود سهمی متعلقه
Taxable Profit	سود مشمول مالیات	Unclaimed Dividend	سود سهمی مطالبه نشده
Social Dividend	سود مقطوع اجتماعی	Non-cumulative Dividend	سود سهمی نانباشتی
Lump-sum			
Property Dividend	سود ملکی سهام	Gross Dividend	سود سهمی ناخالص
Gainful; Gainsome; Productive	سودمند	Self-interest	سود شخصی
Stand at a Premium	سودمند بودن	Corporate Profit	سود شرکت سهامی
Commodity; Productiveness	سودمندی	Paper Profit	سود صوری
Underwriting Profit	سود مورد بیمه		اضافه ارزش اسمی یک دارایی.
Lucrum Cessans	سود نابرده	Normal Profit	سود عادی
Gross Profit	سود ناخالص	Trading Profit	سود عملکرد
	همان سود ویژه است.	Operating Profit	سود عملیاتی (در ایالات متحد)
Gross Profit on Sales	سود ناخالص فروشها		
Undivided Profit	سود نامنقسم		
Gross Margin	سود ناویژه		تفاوت میان کل درآمد و کل هزینه‌های عملیاتی.
Gross Profit; Margin; Marginal	سود ناویژه	Public Interest	سود عمومی
Income; Mark-on; Trading Profit		Benefit in Kind	سود غیر پولی
Margin of Cultivation	سود ناویژه کاشت		

Utopian Socialism	سوسیالیسم تخیلی	سود ناویژه کشت سطحی	Margin of Extensive Cultivation
	سوسیالیسم در آغاز با این باور که انجمن‌های کارگری و شرکتهای تعاونی مدیریت تولید را به دست گیرند یا اجرای شعار به هر کس به اندازه ارزش کارش.	سود نقدی سهم	Cash Dividend
Creeping Socialism	سوسیالیسم تدریجی	سود واضح	Explicit Interest
Utopian Socialism	سوسیالیسم خیالی	سود و زیان	Profit and Loss
Democratic Socialism	سوسیالیسم دموکراتیک	نشانه اختصاری آن P. And L. است.	Profit and Loss
State Socialism	سوسیالیسم دولتی	سود و زیان	Paper Profit And Loss
Competitive Socialism	سوسیالیسم رقابت آمیز	سود و زیان کاغذی	Net Profit; Pure Profit
Competitive Socialism	سوسیالیسم رقابتی	سود ویژه	Retentions
Municipal Socialism	سوسیالیسم شهری	سودهای انباشته	Dividends
Guild Socialism	سوسیالیسم صنفی	سودهای سهمی	Mesne Profits
Scientific Socialism	سوسیالیسم علمی	سودهای متناوب	Gross Trading
	مجموعه تحلیلهایی است که به چگونگی پیدایی، توسعه و سرانجام نظام سرمایه‌داری می‌پردازد.	سودهای ناخالص معامله	Profits
Fabian Socialism	سوسیالیسم فابی	سود هر معامله	Pecuniary Benefit
Democratic Socialism	سوسیالیسم مردمی	سودیابی	Acquisition
Christian Socialism	سوسیالیسم مسیحی	سود یا زیان	Gain or Loss
Sucre, SI	سوکر، واحد پول اکوادور	سود یا قرضه	Bonus
Attest	سوگند دادن	سود یکجا	Cumulative Dividend
Affidavit	سوگندنامه	همان سود انباشتی یا انباشته است.	Tax Loophole
Solow, Robert	سولو، رابرت (۱۹۲۴ - ...)	سورخ فرار مالیاتی	Perforate
	اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۸۷ در اقتصاد.	سورخ کردن	Socialism
Svenskahländersbanken	سونسکاندلبانکن	سوسیالیسم	
	یکی از بزرگ‌ترین بانکهای سوئد و متعلق به بخش خصوصی است.	نظام فکری که براساس آن مالکیت و تسلط بر وسایل تولید (سرمایه و زمین) باید در اختیار کل جامعه باشد و در جهت تأمین منابع همگان مورد استفاده قرار گیرند.	Liberal Socialism
Market Orientation	سویایی بازار	سوسیالیسم آزادگرا	Market Socialism
Input Orientation	سویایی در داده‌ها	سوسیالیسم بازاری	
Sweezy, Paul	سویزی، پال (۱۹۱۰ - ...)	نوعی نظام سوسیالیستی که در آن امور روزانه اقتصادی به مکانیسم بازار واگذار می‌شود.	Municipal Socialism
	اقتصاددان آمریکایی که نظریه‌های اقتصادی مارکس را تفسیر کرده است.	سوسیالیسم بلدی	Evolutionary Socialism
		سوسیالیسم تحول‌پذیر	

Nominal Shares	سهام بانام	Lapping	سوءاستفاده
Bank Shares	سهام بانک	Misfeasance	سوءاستفاده از اختیار قانونی
Nonpar-value Stock	سهام بدون ارزش اسمی	Malinvestment	سوء سرمایه‌گذاری
Deferred Stock (Share)	سهام بدون اولویت	Distrust	سوءظن
Shares of No Par Value	سهام بدون بهای اسمی	Merit Bad	سوء لیاقت
Indefinitely Dated Stock	سهام بدون تاریخ	Maladministration	سوء مدیریت
Equities	سهام بدون تثبیت بهره	Bad Faith	سوء نیت
Nonvoting Shares	سهام بدون رأی	Say, Jean Baptiste	سه، ژان باتیست (۱۷۶۷-۱۸۳۲)
Founder's Stock	سهام بنیادگذاران همان سهم مؤسس است.		اقتصاددان فرانسوی که قانون تعادل اقتصادی و بازارها به نام اوست.
Miscellaneous Shares	سهام بهادار متفرقه	Obligation(s); Shares	سهام
Irredeemable Stocks	سهام بی سررسید	Stock	سهام (اصطلاح انگلیسی)
Authorized Issue	سهام بی نام	Watered Stock	سهام آبکی
Unquoted Shares	سهام پذیرفته نشده در بورس	Capital Stock	سهام آورده (در یک شرکت) (Issued Stock)
Blue Chip; Blue Chips	سهام پرسود	Clearinghouse stock	سهام اتاق پایابا
Dated Stocks	سهام تاریخ‌دار	Forfeited Shares	سهام از دست رفته
Original-issue Stock	سهام تأسیسی	Special Stock	سهام استثنایی
Callable Preferred Stock; Preference Shares; Preference Stock; Preferred Shares	سهام ترجیحی	Excess Shares	سهام اضافی
Cumulative Preferential Shares	سهام ترجیحی انباشتی	Droplock Stock	سهام اُفت‌ناپذیر
Redeemable Preference Shares	سهام ترجیحی بازخریدنی	«A» Shares	سهام «الف»
Cumulative Preference Shares	سهام ترجیحی تراکمی	Dollar Stock	سهام امریکایی
Non-cumulative Preference Shares	سهام ترجیحی غیرتجمعی		اصطلاح انگلیسی برای بیان سهام امریکایی است.
Redeemable Preferred Stock	سهام ترجیحی قابل بازخرید	Original-issue Stock	سهام اولیه
Non-cumulative Preferred Stock	سهام ترجیحی نانباشتی	Floating Rate Stock; Variable Rate Stock	سهام باندازه بهره شناور
		Dated Stocks	سهام با تاریخ
		Bonds Shares	سهام با جایزه
		Surplus Shares	سهام باقیمانده
		Fixed Price	سهام با قیمت ثابت (در بورس)
		Specialities	سهام با قیمت ویژه
		Floating Rate Stock	سهام با میزان سود متغیر

Preference Shares	سهم رجحانی	Non-cumulative	سهم ترجیحی ناناباشته
Cumulative Preference Shares	سهم رجحانی انباشتی	Preferred	
Deed Stock; Registered Stock	سهم رسمی	Incentive Shares	سهم تشویقی
Buffer Stocks	سهم رفع خطر	Subscribed Capital Stock	سهم تعهد شده
Growth Stock	سهم رو به ترقی	Joint Shares	سهم تقسیم نشده
Growth Stock	سهم رو به رشد	Unstamped Shares	سهم تمبر نخورده
Excess Shares	سهم زیادی	Unmarket Shares	سهم تمبر نخورده شرکت
Engineering Shares	سهم ساختمانهای مکانیک	Unallotted Shares	سهم توزیع نشده
Amusement Shares	سهم سرگرمی	Clearinghouse Stock	سهم تهاتری
Senior Shares	سهم سرمایه	Unlisted Stock	سهم ثبت نشده
Subscribed Capital Stock	سهم سرمایه‌ای تعهد شده	Bonds Shares	سهم جایزه
Corporate Stocks; Corporation Stocks	سهم شرکتی	Partly Paid Shares	سهم جزئاً پرداختی
Voting Stock	سهم صاحب رأی	Partly Paid Shares	سهم جزئاً واریز شده
Full Stock	سهم صد دلاری	Promotion Shares	سهم جوایز
Forfeited Shares	سهم ضبط شده	Special Stock	سهم خاص
Guaranty Stock; Qualification Shares	سهم ضمانت	Fundholder; Stock Owner	سهامدار
«A» Ordinary Shares; Equities; General Stock; Ordinary Shares; Ordinary Stock	سهم عادی	Nominee Shareholders	سهامداران بدلی
Blue Chips	سهم عالی	Preference Shareholders	سهامداران ترجیحی
Unissued Stock	سهم عرضه نشده	Par-value Stock	سهم دارای بهای اسمی
Shares of No Par Value	سهم فاقد ارزش اسمی	Voting and Non-voting Shares	سهم دارای رأی و بدون رأی
Debenture	سهم قرضه	Unit Share Holder	سهامدار شرکت سرمایه‌گذاری
اوراق قرضه با میزان بهره ثابت که شرکتها با وثیقه یا بدون وثیقه برای دریافت وامهای بلندمدت منتشر می‌کنند.		Dummy Stockholder	سهامدار ظاهری
Loan Stock	سهم قرضه‌ای	Ordinary Shareholder	همان سهامدار صوری است.
		Major Shareholder	سهامدار عادی
		Stock Holder	سهامدار عمده
		«A» Shares	سهام دار قانونی
		Government Stock(s)	سهم درجه اول
		Bonus Shares	همان سهام الف است.
		Management Stock	سهم دولتی
			سهم رایگان
			سهم رأی‌دار

Unissued Shares	سهام نسر نشده شرکت	Convertible Loan	سهام قرضه قابل تبدیل
Oil Shares	سهام نفتی	Stock	
Cash Shares	سهام نقد	Loan Capital	سهام قرضه
Surplus Cash Shares	سهام نقد مازاد	Staff Shares	سهام کار
Wasted Stock	سهام واریز شده	Staff Shares	سهام کارکنان
Unsecured Loan	سهام وامی بدون تضمین	Fixed Supply	سهام کالاهاى فاسد شدنى
Stock		Shipping Shares	سهام کشتیرانی
Unsecured Loan Stock	سهام وامی بدون وثیقه	Penny Stocks	سهام کم ارزش
Unconvertible Loan	سهام وامی غیر قابل تبدیل	Surplus Shares	سهام مازاد
Stock		Cash Shares	سهام مالی
Stocks	سهام (به معنای عام) و برگه‌های سهام	Founder's Shares	سهام مؤسس
and Shares	شرکت (به معنای خاص)	Founders Stock	سهام مؤسسين
Special Stock	سهام ویژه	Deferred Stock (Share)	سهام متأخر
Twin Shares	سهام همزاد	Miscellaneous Shares	سهام مختلط
Part	سهام یک شرکت که قسمتی از بهای	Qualifying Shares	سهام مدیران
Paid Shares	اسمی آن پرداخته شده است	Management Shares	سهام مدیریت
Shop Shares	سهامی که باید معرفی شوند	Joint Shares	سهام مشترک
Stock	سهام	Blue Chips	سهام مطمئن
	سندی مبین حق یا مالیکت در یک شرکت سهامی.	General Stock	سهام معمولی (شرکتها)
Watered Stock; Watering Stock	سهام آبکی	«A» Shares; Blue Chip;	سهام ممتاز
Original-issue Stock	سهام ابتدایی	Preference Shares; Senior Shares	
Special Stock	سهام استثنایی	Callable Preferred	سهام ممتاز قابل باز خرید
Redeemable Loan	سهام استقراضی باز خریدنی	Stock	
Stock		Marked Shares	سهام مهور
Personal Share	سهام اسمی	Issued Capital	سهام منتشره
Original-issue Stock	سهام اصلی		آن بخش از سرمایه شرکت که دارندگان سهام تعهد کرده‌اند.
Income Share	سهام افراد و مؤسسات از درآمد	Deferred Stock (share)	سهام مؤخر
Minority Interest	سهام اقلیت	Marked Shares	سهام مهر دار
Potential Stock; Unissued	سهام التزامی	Engineering Shares	سهام مهندسی
Stock		Unquoted Shares	سهام نپذیرفته در بورس
Preferred Ordinary	سهام شرکت عادی مقدم	Issued Stock	سهام نشر شده
Share		Unissued Stock	سهام نسر نشده
Nonvoting Shares	سهام شرکت‌های بدون رأی		

Non-cumulative Stock	سهم بدون منافع متراکم	Subscription Shares	سهم شرکت‌های مورد تعهد
Share Cropper; Sharer	سهم‌بر	Trustee Stock	سهم امین
Share; Split	سهم بردن	Cumulative Preferred Stock	سهم انباشتنی سود
Share Cropping	سهم‌بری در کشاورزی	Cumulative Stock	سهم انباشتی
Proration	سهم بندی تولید	Cumulative Stock	سهم اندوخته‌پذیر
Bonus Stock	سهم به عنوان پاداش	Donated Stock	سهم اهدایی
Quarter Stock	سهم بیست و پنج درصدی	Donated Stock	سهم اهدایی
Quarter Stock	سهم بیست و پنج دلاری	Variable Rate Stock	سهم با اندازه بهره متغیر
Ex-dividend	سهم بی سود	Cum	سهم با بهره متعلقه که به سود خریدار
International Stock	سهم بین‌المللی	-dividend	جدید باشد
Bearer Security (Ties); Bearer Share(s)	سهم بی نام	Floating Rate Stock	سهم با بهره متغیر
Bonus Stock	سهم پاداشی	Market Share; Share of the Market	سهم بازار
Half Stock	سهم پنجاه دلاری (در ایالات متحد)		سهم فروش یک بنگاه از کل فروش کالا یا محصولات یک صنعت و یا سهم فروش یک کالا نسبت به کل فروش گروه.
Rake Off	سهم پولی	Reacquired Stock (Treasury Stock)	سهم بازخریدی
Vendor's Shares	سهم تأسیس شرکت	Cum-dividend;	سهم با سود
Paid-up (or Full-paid) Stock	سهم تأدیه شده	Cumulative Stock; Share	سهم بالقوه
Original-issue Stock	سهم تأسیس	Potential Stock	سهم با منافع متراکم
Participating Preferred Stock; Preference Stock; Preferred Stock	سهم ترجیحی	Cumulative Preferred Stock	سهم بخششی
Irredeemable Preference Share	سهم ترجیحی بازخرید نشدنی	Donated Stock	همان سهم اهدایی است.
Callable Preferred Stock	سهم ترجیحی بازخریدنی	No Par Stock	سهم بدون ارزش برابری
Cumulative Preferred Stock	سهم ترجیحی سوداندوز	Non-par Value Stock; No Par Stock; Unvalued Stock	سهم بدون بهای اسمی
Non-cumulative Preferred Stock	سهم ترجیحی غیر تراکمی	X.d.	سهم بدون سود
Non-participating Preferred Stock	سهم ترجیحی غیر شراکتی		نشانه اختصاری Ex-dividend است.
Irredeemable Preference Share	سهم ترجیحی فاقد سررسید	Nonpar -value Stock	سهم بدون قیمت وجهی (در ایالات متحد)

Class A and B Stock	سهام درجه A, B	Redeemable	سهام ترجیحی قابل بازخرید
Growth Stock	سهام درشت	Preferred Stock	
Classified	سهام در صورت بورس	Participating	سهام ترجیحی مشارکتی
Classified	سهام در فهرست بورس	Preferred Stock	
Dollar Stock	سهام دلاری	Prior Preferred Stock	سهام ترجیحی مقدم
	همان سهم امریکایی است.	Paid Up Share	سهام تصفیه شده
Management Stock; Voting Stock	سهام رأی‌دار	Guaranteed Stock	سهام تضمین شده
		Guaranteed Stock	سهام تضمینی
Quarter Stock	سهام ربعی	Fully Paid Share	سهام تماماً پرداختی
Preference Stock	سهام رجحانی	Full Paid Stock	سهام تمام پرداخته شده
Class A and B Stock	سهام ردیف A, B		همان سهم تمام پرداخته است.
	همان سهم الف و ب است.	Clearing House Stock	سهام تهاتری
Listed Stock	سهام رسماً ثبت شده	Authorized Stock; Listed Stock	سهام ثبت شده
Watered Stock	سهام رقیق	Unlisted Stock	سهام ثبت نشده
Growth Share	سهام رو به ترقی	Bonus Stock; Premium Stock	سهام جایزه
Growth Share	سهام رو به رشد	Premium Stock	سهام جایزه‌دار
Implicit Rent	سهام زمین از تولید	Ex-new	سهام جدید بدون حق مشارکت
Capital Stock	سهام سرمایه	Ex Rights	سهام جدید نامعلوم بدون حق انتقال یا Ex Rights
Capital Stock	سهام سرمایه‌ای		پذیره نویسی
Uncalled Capital	سهام سرمایه‌ای یادکرده	Part-paid Stock	سهام جزناً پرداختی
Uncalled Capital	سهام سرمایه‌ای به فروش نرفته	Contribution	سهام حق بیمه
Outstanding	سهام سرمایه‌ای پرداخته نشده	Unlisted Stock	سهام خارج صورت
Capital Stock		Treasury Stock	سهام «خزانه»
Paid-up Share	سهام سرمایه‌ای پرداختی	Treasury Stock	سهام خزانه‌داری
Capital		Contribution	سهام خسارت
Preference Capital	سهام سرمایه‌ای ترجیحی	Contribute; Split	سهام دادن
Participating Capital	سهام سرمایه‌ای مشارکتی	Share Holder	سهام‌دار
Stock		Equity Stock	سهام دارای حق مالی
Preference Capital	سهام سرمایه‌ای ممتاز	Management Stock	سهام دارای رأی
Stock		Dummy Stockholder	سهام‌دار ظاهری
Issued Capital	سهام سرمایه‌ای منتشره	Major Shareholder	سهام‌دار عمده
Outstanding	سهام سرمایه‌ای واریز نشده	Share; Split	سهام داشتن
Capital Stock			

Classified Stock	سهم فرعی	Registered Stock	سهم سفارشی
Seasonal Security	سهم فصلی	Blank Stock	سهم سفید
Active Stock	سهم فعال	Barometer Stock	سهم سنج
Assessable Stock	سهم قابل ارزیابی	Profit Contribution	سهم سود
Convertible Stock	سهم قابل تبدیل	Non-cumulative Stock	سهم سوداندوز
Convertible Stock	سهم قابل تسعیر	Non-cumulative Stock	سهم سود نانباشتنی
Assessable Stock	سهم قابل تعیین ارزش	Barometer Stock	سهم شاخص
One-way Callable Stock	سهم قابل مطالبه استثنایی	Cum-dividend Share	سهم شامل سود سهم شرکت
Debenture Bond; Debenture Stock	سهم قرضه	Capital Stock	سهم صادره به عنوان سرمایه
Secured Loan Stock	سهم قرضه ای تضمینی	Full Stock	سهم صد دلاری (ایالات متحد)
Bearer Debenture	سهم قرضه بی نام	Guaranty Stock	سهم ضمانت
Nacked Debenture	سهم قرضه ساده	Guaranteed Stock	سهم ضمانت شده
Convertible Debenture	سهم قرضه قابل تبدیل	Classified Stock	سهم طبقه بندی شده
همان سهم قرضه تبدیل پذیر و سندی است که یک شرکت بدهکار منتشر کرده تا دارنده در صورت تمایل بتواند آن را با دگیر اوراق بهادار همان شرکت تبدیل کند.		Dividend	سهم طلبکاران
Subordinated Debentures	سهم قرضه قابل تبدیل به سهام	Common Stock	سهم عادی
Labour's Share	سهم کار	سهم سرمایه ای عادی یک شرکت که به دارنده آن حق بهره مندی از درآمدها و دارایی شرکت را پس از پرداخت مطالبات اولیه می دهد.	
Jobber's Turn	سهم کارگزار	Ordinary Stock	سهم عادی (به معنای اعم)
Fully Paid Share	سهم کاملاً پرداخته شده	Equity	سهم عادی
Paid Up Stock	سهم کاملاً پرداختی	Common Stock	سهم عادی بازرگانی
Full Lot	سهم کامل	Deferred Ordinary Share	سهم عادی بدون اولویت
Curb Stock	سهم کنار خیابانی	Classified Stock	سهم عادی طبقه بندی شده
Proprietors' Stake	سهم مالک	Deferred Ordinary Shares	سهم عادی مؤخر
Implicit Rent	سهم مالکیت از تولید	Blue Chip	سهم عالی
Assessable Stock	سهم مالیات بردار	سهم عادی یک شرکت بزرگ که عواید و سود سهام آن پیوسته ثابت یا رو به افزایش است.	
Assessable Stock	سهم مالیات پذیر	Noncumulative Stock	سهم غیر تجمعی
Leakage	سهم مالیات پس انداز از درآمد	Non Clearing House Stock;	سهم غیر تهاتری
Equities	سهم متعارفی	Inactive Stock	سهم غیر فعال
		Nonassessable Stock	سهم غیر قابل ارزیابی

Prior Preferred Stock	سهام ممتاز مقدم	Overlapping	سهام متناسب بدهی هر منطقه واقع
Issued Stock	سهام منتشره	Public Debt	در یک گروه
Assented Stock	سهام مورد توافق	Authorized Stock	سهام مجاز
Arbitrage Share	سهام مورد خرید و فروش به وعده	Special Stock	سهام مخصوص
Assented Stock	سهام مورد قبول	Management Stock	سهام مدیریت
Heritage	سهام موروثی	Clearing House Stock	سهام مرکز تصفیه
Interim Stock	سهام موقت	Contributory Stock	سهام مشارکتی
Founder's Share	سهام مؤسس	National Insurance	سهام مشارکتی بیمه ملی
Relative Shares of Factors of Production	سهام نسبی عوامل تولید	Contribution Stock	سهام مشارکتی ترجیحی
Unissued Stock	سهام نثر نشده	Participating Preference Share	سهام مشارکتی ترجیحی
Stock Holder	سهام نگهدار	Joint Return	سهام مشاع
Blank Stock	سهام ننوخته	Joint Return	سهام مشترک
Labour's Share	سهام نیروی کار	Listed Stock	سهام معتبر
Paid Up Share	سهام واریز شده	Common Stock	سهام معمولی
Outstanding Stock	سهام واریز نشده	Common Stock	سهام معمولی شرکت سهام عادی
Redeemable Loan Stock	سهام وامی بازخریدنی	Outstanding Stock	سهام معوق
Irredeemable Loan Stock	سهام وامی نقدنشده	Preferred Stock; Prior Stock	سهام مقدم
Debenture	سهام و سند مبادله	Preference Stock; Preferred Stock; Prior Stock	سهام ممتاز
Unallotted Shares	سهامهای انتشار نیافته		سهمی که یک شرکت سهامی منتشر کند و هنگام تقسیم سود از اولویت دریافت سود برخوردار باشد.
Irredeemable Preference Shares	سهامهای ترجیحی بازخریدنشده	Participating Capital Stock	سهام ممتاز با حق دریافت سود بیشتر
Irredeemable Preference Shares	سهامهای ترجیحی نقد نشدنی	Callable Preferred Stock; Redeemable Preferred Stock	سهام ممتاز بازخریدنی
Outstanding Stock	سهامهای صادره در دست مالکان آنها	Participating Capital Stock	سهام ممتاز شریک
No Par Value Shares	سهامهای فاقد ارزش اسمی	Redeemable Preferred Stock	سهام ممتاز قابل اکتیاع
Preferred Shares	سهامهای ممتاز	Stock	
Share	سهام هریک را دادن	Debenture Stock	سهام ممتاز قرضه
		Participating Preferred Stock	سهام ممتاز مشارکتی

Credit Policy	سیاست اعتباری	Option	سهام یا جایزه سهم اختیاری (در بورس)
Economic Policy	سیاست اقتصادی	Stock (Stock on Option)	
Opportunism	سیاست اقتصادی این وقتی	Buying Out	سهام یا کسب کسی را خریدن
New Economic Policy	سیاست اقتصادی نو	Quota	سهمیه
Expansionary Policy	سیاست انبساطی		اعمال محدودیت در فروش یا خرید کالا.
Expansionary Monetary Policy	سیاست انبساطی پولی	Order Buying	سهمیه بندی خرید
Discount-rate Policy	سیاست اندازة تنزیل	National Insurance	سهمیه بیمه ملی
Adjustable Policy	سیاست انطباق پذیر	Contribution	
Pump Priming	سیاست ایجاد کار و قوه خرید	Export Quotas	سهمیه صادرات
Open Market Policy	سیاست بازار باز	Sales Quota	سهمیه فروش
Commercial Policy	سیاست بازرگانی	Import Quota	سهمیه واردات
	تدابیری که یک کشور به منظور مدیریت یا تنظیم تجارت و پرداختهای خارجی اتخاذ می کند.	Proration	سهمیه هزینه تولید
Bilateralism	سیاست بازرگانی مبتنی بر تقابل گرایی	Triplicate	سه نسخه
Roll Back Policy	سیاست بازگشت به قیمت نازل تر	Monetary Easiness of The Market	سهولت پولی بازار
		Ease of Entry	سهولت ورود
		Slippage	سهو و اشتباه
		Participant; Participating	سهم
«Beggars-My-Neighbour» Policy	سیاست «به بهای فقر همسایه خود» سیاست فقیر کردن همسایه	Reinsurance; Sharer	سهم بودن
		Communicate	سهم در عایدات
		Profit-sharing	سهم شدن
Tight Money Policy	سیاست پول کمیاب	Participate	سهم کردن
Monetary Policy	سیاست پولی	Incorporate	سهم کردن کارکنان در سود
	صورتی از سیاست اقتصادی که با نظارت و دخالت در نظام پولی و استفاده از متغیرهای پولی در پی دستیابی به اهداف گسترده ای مانند تثبیت سطح اشتغال و قیمتها.	Profit-sharing	تخصیص بخشی از سود کارخانه به کارگران به عنوان پاداش.
Stabilization Policy	سیاست تثبیت اقتصادی	Monetary Sovereignty	سیادت پولی
	سیاست دولت و منظور کاهش دامنه نوسانهای اقتصادی.	Sovereignty of the Consumer	سیادت مصرف کننده
Stop Go Policy	سیاست تثبیت و توسعه	Policy	سیاست
Commercial Policy	سیاست تجاری	Open-door Policy	سیاست آزاد بازرگانی
Restrictive Policy	سیاست تحدیدی	Imperialism	سیاست استعمارطلبی
		Bills-only Policy	سیاست اسناد خزانه

Belt Tightening Policy	سیاست سفت کردن کمربندها	Allocation Function	سیاست تخصیص
			آن بخش از سیاستهای مالیاتی و هزینه‌های دولت که روی تهیه کالاهای و خدمات در نظام اقتصادی اثر می‌گذارد.
Dividend Policy	سیاست سود سهمی	Pump Priming	سیاست تزریق انگیزه رشد
Counter Cyclical Policy	سیاست ضد ادواری	Tight Money Policy	سیاست تضییق پولی
Anti-inflationary Policy	سیاست ضد تورمی	Restrictive Policy	سیاست تضییقی
Active Policy	سیاست فعال	Accommodating Monetary Policy	سیاست تطبیق پولی
Beggar-my-neighbour Policy	سیاست فقیرگردانی همسایه		سیاست تعاقب قیمت پیشرو
	روشهایی برای افزایش صادرات یک کشور به بهای کاهش صادرات دیگر کشورها.	«Follow the Leader» Price Policy	
Bills-only Policy	سیاست قرضه‌های کوتاه‌مدت دولتی	Dividend Policy	سیاست تقسیم سود سهام
Price Policy	سیاست قیمت	Agricultural Support Policy	سیاست تقویت و حمایت کشاورزی
Price-output Policy	سیاست قیمت - تولید	Discount Policy	سیاست تنزیل
Pricing Policy	سیاست قیمت‌گذاری	Distribution Function	سیاست توزیع
Policy	سیاست کار		آن بخش از سیاستهای مالیاتی و هزینه‌های دولت که توزیع درآمد یا ثروت را در جامعه تعدیل می‌کند.
Deficit Financing	سیاست کسر بودجه	Population Policy	سیاست جمعیتی
	افزایش عمدی مخارج نسبت به درآمد.		سیاست دولت در تعیین شمار جمعیت کشور است.
Beggar-the-neighbour Policy	سیاست گداسازی همسایه	Big Stake Policy	سیاست چماق بزرگ
	همان سیاست فقیرگردانی همسایه است.	Protectionism	سیاست حمایتی
Policy Making	سیاست‌گذاری		یا سیاست حمایت‌گرایی و آن وضع تعرفه یا سهمیه برای تحدید واردات.
	روشها و تدابیری که یک بنگاه خصوصی یا دولتی برای تعیین قیمتها به کار می‌برد.	Crawling	سیاست خزنده نرخ ارز
Easy Money Policy	سیاست گشایش پولی	Incomes Policy	سیاست درآمدی
Fiscal Policy	سیاست مالی		تدابیر جز سیاستهای پولی و مالی برای جلوگیری از افزایش قیمتها و دستمزدها و دیگر منابع درآمدی.
	استفاده دولت از مخارج و فعالیتهای درآمدزا برای دستیابی به هدفهای ویژه.	Open-door Policy	سیاست درهای باز
Tax Policy	سیاست مالیاتی	Bills-preferable Policy	سیاست رجحانی اسناد کوتاه مدت
Discretionary Fiscal Policy	سیاست مالی اختیاری		
		Belt Tightening Policy	سیاست ریاضتی
Functional Finance	سیاست مالی برای تثبیت اقتصاد	Austere Fiscal Policy	سیاست ریاضتی مالی

Co-ordinated Wage Policy	سیاست همبسته مزد	Compensatory Fiscal Policy	سیاست مالی جبرانی
Amended Invoice; Bill; Invoice; Proforma	سیاهه		آن بخش از سیاستهای مالی با هدف جبران نوسانهای درآمد ملی و اشتغال.
Exchange Contract	سیاهه ارزش	Discretionary Fiscal Policy	سیاست مالی مصلحتی
Inventory	سیاهه اموال		
Market Schedule	سیاهه بازار	Conservatism	سیاست محافظه کاری
Stock Taking	سیاهه برداری از موجودی	Bills-only Policy	سیاست محدودیت
Proforma Budget	سیاهه بودجه	Wage(s) Policy	سیاست مزد(ها)
Pay-roll	سیاهه حقوق	Wages Policy	سیاست مزد
Bought Contract; Purchase Contract	سیاهه خرید	C.A.P. Common	سیاست مشترک کشاورزی
Accompanying Invoice	سیاهه ضمیمه	Agricultural Policy	سیاست مشترک کشاورزی
Invoice; Sale Contract; Sale Invoice; Sales Schedule; Sold Contract	سیاهه فروش	Tight Money Policy	سیاست مضیق پولی
Consular Invoice	سیاهه فروش قنصلی	National Wages Policy	سیاست ملی مزد
Schedule	سیاهه گرفتن	Regional Policy	سیاست منطقه ای
Tax Voucher	سیاهه مالیات بر سهام	Manpower Policy	سیاست نیروی انسانی
Proforma Invoice	سیاهه مقدماتی		کوشش برای بهبود کارکرد بازار کار و در صورت امکان استقرار توازن میان بیکاری و تورم.
Inventory	سیاهه موجودی (انبار)	Neoclassical	سیاستهای انقباضی مالی و انبساطی
Factoring	سیاهه نویسی	Tight Fiscal and Easy Monetary Policies	پولی برطبق نظریه کلاسیک جدید
Under-invoicing	سیاهه نویسی کمتر از واقع	Restrictive Policies	سیاستهای تضییعی
C.I.P.	سیپ	Accommodating Policies	سیاستهای تطبیق دهنده
Sidgwick, Henry (۱۸۳۸-۱۹۰۰)	سیدگویک، هنری (۱۸۳۸-۱۹۰۰)		
	فیلسوف و اقتصاددان انگلیسی که به مسائل اجتماعی مطروحه اقتصاددانان کلاسیک توجه کرده است.	Expenditure-switching Policies	سیاستهای جابه جایی مخارج
Random Walk	سیر تصادفی	Restrictive Policies	سیاستهای محدود سازنده
Evolution	سیر تکامل	Accommodating Policies	سیاستهای همساز
Regress	سیر قهقراپی	Co-ordinated wage Policy	سیاست هماهنگ مزد
Saturation	سیری		



Indexation of Tax Allowance and Taxation	شاخص‌بندی تخفیف‌های مالیاتی و مالیات‌بندی	Index	شاخص
			عدد مشخصه تغییر نسبی یک رقم در فاصله زمانی دو تاریخ یا دو نقطه.
Double Indexing	شاخص‌بندی مضاعف	Ideal Index	شاخص آرمانی
Indexation of Tax Allowance and Taxation	شاخص‌بندی معافیت مالیاتی و مالیات‌بندی	Fisher's Ideal Index	شاخص آرمانی فیشر
			عدد مشخصه تغییرات نسبی قیمت‌های کالاهایی است که غالباً به عنوان «شاخص هزینه زندگی» مورد اشاره قرار می‌گیرد.
Retail Price Index	شاخص بهای خرده‌فروشی	The Statistic Index	شاخص آماری
Wholesale Price Index	شاخص بهای عمده‌فروشی	Unit Value Index	شاخص ارزش واحد
		Export Unit Value Index	شاخص ارزش واحد صادرات
		Import Unit Value Index	شاخص ارزش واحد واردات
Consumer Price Index	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	Bank Credit Proxy	شاخص اعتبار بانک
	همان شاخص بهای خرده‌فروشی است که بیشتر زمانها همچون شاخص هزینه زندگی مورد نظر قرار می‌گیرد.	Diffusion Index	شاخص انتشار
Consumer Price Index	شاخص بهای مصرف‌کننده	Ratio Delay	شاخص انتظار
Index-linked	شاخص به هم‌بسته	Parity Index	شاخص برابری
Paasche of Disparity	شاخص بی‌شباهتی	Indexation	شاخص‌بندی

Wage Index	شاخص دستمزد	Paasche Index	شاخص پاشه
Index of Real Wages	شاخص دستمزدهای واقعی	Financial Times Index	شاخص تایمز مالی
Divisia Index	شاخص دیویزیایا	Renewable Index	شاخص تجدید شدنی
شاخص قیمتی است که برخلاف شاخص قیمت پاشه و شاخص قیمت لاسپیر اثرات تغییر قیمتها روی هزینه زندگی را در نظر می‌گیرد.		Parity Index	شاخص ترکیبی
Time Share Index	شاخص زمانی سهم	Index of Net Business Formation	شاخص تشکیل خالص واحد اقتصادی
Index-linked	شاخص زنجیری	Index of Net Business Formation	شاخص تشکیل خالص واحد کار و کسب
شاخصی است که عدد آن در هر زمان معین به جای عدد ثابت سال پایه به عدد پایه سال پیش از خود مربوط است.		Index of Determination	شاخص تعیین
Simple Index-numbers	شاخص ساده	Index of Multiple Determination	شاخص تعیین چندگانه
Stock Index	شاخص سهام (در ایالات متحد)	Index of Multiple Determination	شاخص تعیین متعدد
Times Share Index	شاخص سهام تایمز	Index of Multiple Determination	شاخص تعیین کردن
شاخص بهای اوراق بهادار در بورس لندن که روزانه در روزنامه «تایمز» انتشارات می‌یابد.		Index of Tilting	شاخص تغییر (برنامه)
Financial Times Industrial Ordinary Share Index	شاخص سهام عادی صنعتی در فینانشال تایمز	Index of Disparity	شاخص تفاوت
متداول‌ترین شاخص قیمتها بنابر سال پایه ۱۰۰ = ۱۹۳۵ است که روزانه در «تایمز مالی» یا فینانشال تایمز چاپ و منتشر می‌شود.		Descriptive Statistics	شاخص توصیفی
Share Index	شاخص سهم	Production Index	شاخص تولید
Weight Index	شاخص ضریبی	Index of Industrial Production; Index-numbers of Industrial Production; Industrial Production Index	شاخص تولید صنعتی
Implicit Price Deflator	شاخص ضمنی قیمت	Volume Index for Exports	شاخص حجم صادرات
شاخصی است که برای حذف آثار تورم از محصول ناخالص ملی یا اجزای متشکله آن به کار می‌رود.		Physical Index Volume	شاخص حجم فیزیکی (تولید)
Pressure Index	شاخص فشار	Volume Index for Imports	شاخص حجم واردات
Seasonal Index	شاخص فصلی	Index of Foodstuffs	شاخص خواربار
Fisher's Index	شاخص فیشر	Dow-Jones Index; Index of Dow-Jones	شاخص داو جونز
Price Index	شاخص قیمت	میانگین چهارگانه بهی سهام که داو - جونز ناشران «وال استریت جورنال» در ایالات متحد محاسبه و منتشر می‌کنند.	

Laspeyre's Index	شاخص لاسپیر	Paasche Price Index	شاخص قیمت پاشه
	شاخص قیمت وزنی که برای سال پایه محاسبه شده است.		نوعی شاخص قیمت برای سال جاری است.
Lerner Index	شاخص لرنر	Producer's Price Index	شاخص قیمت تولیدی
	شاخصی است برای شناخت قدرت انحصار.	Retail Price Index	شاخص قیمت خرده‌فروشی
Tax and Price Index	شاخص مالیات و قیمت	R.P.T.	شاخص قیمت خرده‌فروشی
	شاخصی است که تأثیر همزمان تغییرات بهای خرده‌فروشی و مالیات مستقیم را یکجا نشان می‌دهد.	Retail Price Index	R.P.T. نشانه اختصاری اصطلاح R.P.T. Index است.
All Commodity Index	شاخص مجموعه کالاها	Wholesale Price Index	شاخص قیمت عمده‌فروشی
Von Neumann-morgenstern Utility Index	شاخص مطلوبیت فن نومن - مورگنسترن		
	شاخص عددی برای مطلوبیت مورد انتظار است که در حالت خطر احتمالی و عدم اطمینان از آن استفاده می‌شود و از دید ریاضی همان امید ریاضی مطلوبیت کل است.	Laspeyre's Price Index	شاخص قیمت لاسپیر
Numbers Equivalent Index	شاخص معادل اعداد	Consumer Price Index	شاخص قیمت مصرفی
		Price Index Number	شاخص قیمت‌ها
Index of Security Prices	شاخص معامله‌کننده در بورس	Prices	شاخص قیمت‌های پرداختی کشاورزان (ایالات متحد)
		-paid-by-farmers Index	
Standard and Poor's Composite Index	شاخص معیاری و ترکیبی فقر	Index-numbers of Consumer Prices; Index of Retail Prices	شاخص قیمت‌های جزئی‌فروشی
			شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی
Index of Labour Requirements	شاخص مقادیر مورد نیاز نیروی کالا	Index of Security Prices	شاخص قیمت‌های سهم
		Economist-extel Index	شاخص قیمت‌های سهم صنعتی
Quantity Index	شاخص مقدار	Index-numbers of Whole Sale Prices; Index of Wholesale Prices	شاخص قیمت‌های عمده‌فروشی
Weight Index; Weighed Index	شاخص موزون		
		Commodity Price Index	شاخص قیمت‌های عمده‌فروشی کالا
Index of Disparity	شاخص ناجوری	Consumer Price Index Number	شاخص قیمت‌های مصرفی
Fisher's Ideal Index	شاخص نظری فیشر		
	شاخصی عاری از هرگونه انحراف موجود در شاخصهای دیگر است.	Import Price Index	شاخص قیمت‌های واردات
Nikei	شاخص نیکئی	General Index	شاخص کل
Simple Index-numbers	شاخص واقعی	Indexation; Indexing	شاخص‌گذاری
		Double Indexing	شاخص‌گذاری مضاعف

Indices of Wholesale Prices	شاخصهای قیمت‌های عمده‌فروشی	Base-weighted Price Index	شاخص وزن دار قیمت پایه
Over-all Indexes	شاخصهای کلی	Weight Index	شاخص وزنی
Weighted Indexes	شاخصهای وزن دار	Performance Parameters	شاخصهای اجرایی
Herfindahl Index	شاخص هرfindahl	Import Unit Value Index	شاخصهای ارزش واحد واردات
Cost of Living Index	شاخص هزینه زندگی	Variable-span Diffusion Indices	شاخصهای انتشار زمان متغیر
	معادل شاخص بهای خرده فروشی است که در ایران شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نامگذاری شده است.		مجموعه‌ای از شاخصهای انتشار با اندازه زمانی متفاوت و معمولاً سه ماه یا شش ماه یا نه ماه است.
Index of Correlation	شاخص همبستگی	Stock Exchange Indices	شاخصهای بورس
Index of Multiple Correlation	شاخص همبستگی چندگانه	Weighted Indexes	شاخصهای تعدیلی
Intelligence Quotient (I.Q.)	شاخص هوش	Production Factors	شاخصهای تولید
Bank Chain	شاخه بانکداری (در ایالات متحد)	Chain Indexes of Prices	شاخصهای زنجیری قیمت‌ها
Manufacturer's Sales Branches	شاخه‌های فروش تولیدکننده کالا	Financial Times-actuarial Shares Indices	شاخصهای سهام آمارگران
Sub-branch	شاخه فرعی		فیننشال تایمز
High Way	شارع عام		مجموعه‌ای از شاخصهای قیمت و عواید متوسط اوراق بهادار انگلیس در بورس لندن که ۷۰۰ نوع برگه قرضه را دربر می‌گیرد.
Plaintiff	شاکی	Financial Times Stock Indices	شاخصهای سهام فیننشال تایمز
	همان مدعی است.		چهار شاخص سهام دربرگیرنده اوراق بهادار دولتی، اوراق بهادار با بهره ثابت، سهام معدن طلا و سهام عادی صنعتی است که «فینانشال تایمز» لندن منتشر می‌کند.
Employed	شاغل		
Protem	شاغل مقامی به طور موقت		
Protempore	شاغل موقت مقام		
Journey-work	شاگردی		
Warranted Particular	شامل خسارت خصوصی و خسارت جزئی		
Cum	شامل سود	Share Indices	شاخصهای سهم
	نشانه اختصاری Cumulative است.	Weighted Indexes	شاخصهای ضریب دار
Inclusive Charge	شامل کلیه هزینه‌ها	Price Index-numbers	شاخصهای قیمت
Charge Included	شامل مخارج	Export Price Index	شاخصهای قیمت‌های صادرات
Witness	شاهد		
Credit Worthiness	شایستگی اعتباری		

Principal	شخص حقیقی یا حقوقی که دیگری را برای معامله‌ای معرفی نماید	Credibility	شایسته اعتبار
Authority	شخص صلاحیتدار	Be Eligible for Promotion	شایسته ترفیع مقام بودن
Principal	شخص عمده	Night Work; Second Shift	شب‌کاری
Thruster	شخص فعال	Network	شبکه
Legal Person	شخص قانونی	Communication Network	شبکه ارتباطی
Certifying Officer	شخص مجاز برای تصدیق هزینه	Commercial-banking Network	شبکه بانکهای بازرگانی
Man of Credit	شخص معتبر	Channel of Distribution	شبکه توزیع
Personal	شخصی	Quasi-rent	شبه اجاره
Propria Persona	شخصیت		عایدی مازاد بر هزینه فرصت در تولید یک کالا به شرط آن که عرضه این کالا در کوتاه‌مدت ثابت بماند.
Personal Moralis	شخصیت حقوقی	Quasi-monopoly	شبه انحصار
Natural Person	شخصیت حقیقی	Near Money; Quasi Money	شبه پول
Personal Moralis	شخصیت صوری		آن دارایی که ارزش پولی آن ثابت بماند و به آسانی به پول تبدیل شود اما نتواند مستقیماً وارد در جریان داد و ستد گردد.
Capital Intensity	شدت سرمایه	Quasi Corporation	شبه شرکت
Work Intensity	شدت کاری	Quasi Contract	شبه عقد
High Geared	شدیداً متکی به وام	Quasi Contract	شبه قرارداد
Co-partnership; Incorporation; Partnership	شراکت	Shadow Price	شبه قیمت
Partnership At Will	شراکت اختیاری	Skew Symmetric	شبه متقارن
Partnership At Will	شراکت ارادی	Money Illusion	شبه پولی
Majority Interest	شراکت اکثریتی		همان توهم پولی است.
Particular Partnership	شراکت خاص	Simulation	شبیه‌سازی
Family Partnership	شراکت خانوادگی	Drive to Maturity	شتاب به سوی کمال
General Partnership	شراکت عمومی	Principal	شخص اصلی
Syndicate	شراکت کوتاه مدت		همان اصیل است.
Terms of Reference	شرایط اصلی	Creditor	شخص بستانکار
Requisites of Budgeting	شرایط بودجه‌بندی	Third Person	شخص ثالث
Pareto Conditions	شرایط پارتو	Body Corporate; Corporate	شخص حقوقی
	مجموعه قواعد حاکم بر اقتصاد رفاه که چون تحقق پذیرد بهینه پارتو به دست آید، یعنی وضع یک	Body; Legal Entity; Legal Person	

Preconditions for Take-off	شرایط ماقبل دوره انتقال	مصرف‌کننده بهبود می‌یابد بی آن که حتی وضع یک مصرف‌کننده دیگر بدتر شود.
Preconditions for Take-off	شرایط ماقبل دوره خیز و جهش	شرایط پایه
Boundary Conditions	شرایط مرزی	شرایط پذیرش اوراق بهادار (در بورس) Listing Requirements
Bonded Terms	شرایط مستند (قرارداد شرایط)	شرایط پرداخت Terms of Payment
Moderate Terms	شرایط مناسب	شرایط تجارت Terms of Trade
Real Terms	شرایط واقعی	شرایط تجاری Trade Terms
Hawkinson-Simon Conditions	شرایط هاکینسون - سیمون	شرایط تحویل Terms of Delivery
	در تحلیل در داده - باز داده این حکم است که امکان دارد نسبت به یک منبع نیاز منفی پدید آید.	شرایط تسویه Settlement Terms
Cost of Living Clauses	شرایط هزینه زندگی	شرایط حدود Boundary Conditions
Label	شرح (اصطلاح رایانه)	شرایط حمل Shipping Terms
Performance Data	شرح اجرا	شرایط خرید Conditions of Purchase
Program (Me) Narrative	شرح اجرای برنامه ضمیمه بودجه	شرایط خسارت WA Clause with Average
Tariff Description	شرح تعرفه‌ای	شرایط خط کشتیرانی Liner Terms
Legend	شرح ثبت	شرایط دورخیز Preconditions for Take-off
Job Description	شرح شغل	شرایط رهن Mortgage Terms
Statement of Affairs	شرح فعالیتها	شرایط سر به سر Break-even Conditions
Catalogue	شرح کالا	شرایط صریح Expressed Conditions
Detailed Statement	شرح کامل	شرایط ضمنی Implied Conditions
Manifest	شرح محموله	شرایط عادی توابع تقاضا Normal Conditions of Demand Functions
Clousing	شرح معامله برات	شرایط عادی توابع هزینه Normal Conditions of Cost Functions
Liberty Clause	شرط آزادی	شرایط قرارداد Conditions of Contract;
Defesance Clause	شرط ابطال	شرایط قرارداد Terms of Contract
	همان شرط لغو است.	شرایط کار Working Conditions
Exclusion Clause	شرط استثنا	شرایط کشتیرانی Liner Terms
Memorandum Clause	شرط استثنایی	شرایط کمکی Contributory Conditions
Waiver Clause	شرط اسقاط حق	شرایط لازم محدودیت Constraint
Waiver Clause;	شرط اسقاط حق بیمه	شرایط لازم محدودیت Qualifications
Waiver of Premium Clause		شرایط ماقبل جهش و خیز The Preconditions for Take-off

Disclaimer; Exemption Clause	شرط تبری	Strike, Riots and Civil Commotions Clause	شرط اعتصاب و اغتشاش و جزاینها
Reopening Clause	شرط تجدید مذاکره	Riots Clause	شرط اغتشاش در قراردادها
Permissive Wage-adjustment Clause	شرط تجدید نظر مزد	Seasonal Tolerance Clause	شرط اغماض فصلی
Apportionment Clause	شرط تسهیم (در بیمه)	Escalation Clause	شرط افزایش
Collision Clause	شرط تصادم	Relief Clause	شرط اقطاعی
Running Down Clause	شرط تصادم	Avoidance Clause	شرط انقاع
Bailee Clause	شرط تصدی باربری	"Warehouse to Warehouse" Clause	شرط انبار به انبار
F. C. & S. Clause	شرط تصرف یا توقیف در قراردادها	Deviation Clause	شرط انحراف از مسیر (اصطلاح بیمه)
Escalation Clause; Escalator Clause	شرط تطبیق	Repurchase Agreement	شرط بازخرید
Escalation Clause; Escalator Clause	شرط تعدیل	Recapture Clause	شرط بازگشت مجدد اموال به صاحب آن
ماده‌ایست در قراردادهای چانه‌زنی که مکانیسمی را برای تطبیق دستمزدها بر تغییرات شاخص قیمت خاص در نظر می‌گیرد.		Incontestable Clause	شرط بحث‌ناپذیر
Deviation Clause	شرط تغییر مسیر	Exemption Clause; Relieving Clause	شرط بخشودگی
Apportionment Clause	شرط تقسیم	Non Signers' Clause	شرط بدون امضاء کنندگان
Agreed Valuation Clause	شرط تقویم مورد توافق	No Cure No Pay Clause	شرط بدون نتیجه
Topping Up Clause	شرط تکافوی وثیقه	Negative Pledge Clause	شرط بدون وثیقه
Average Distribution Clause	شرط توزیع خسارت	Fall Clause	شرط برابری
Pro-rata Distribution Clause	شرط توزیع متناسب	Gage; Make a Bet Wagering	شرط بستن شرط‌بندی
Trustee Clause	شرط تولیت	Gage	شرط‌بندی کردن
Running Down Clause	شرط جاری	Incontestable Clause	شرط بی‌چون و چرا
Railroad Subrogation Waiver Clause	شرط چشم‌پوشی از تعهد راه‌آهن در بیمه	Negative Pledge Clause	شرط بی‌گرونی
Reservation	شرط خاص	Inchmaree Clause	شرط بیمه خطرات غیردریایی
General Average Clause	شرط خسارات مشترک	Market-out Clause	شرط پس گرفتن
		Coinsurance Clause	شرط پیش‌بینی در قرارداد بیمه
		Hedge Clause	شرط تأمین

Productivity Clause	شرط فرآوری	Red Clause	شرط خطر
	همان شرط بهره‌وری است.	Escape Clause	شرط رهایی
Index Clause	شرط فهرستی	Mortgage Clause	شرط رهن
Contract Clause	شرط قرارداد	Mortgage Loss Clause	شرط زیان رهن
Agreement Clause	شرط قراردادی	Loss Payable Clause	شرط زیان قابل پرداخت
Red Clause Credit	شرط قرض اعتبار	New York Loss Clause	شرط زیان نیویورک
	یا شرط محدودکننده اعتبار در اعتبارات اسنادی که به ذینفع اجازه می‌دهد پیش از ارائه اسناد حمل و حتی حمل تا بیشینه صددرصد اعتبار را دریافت بدارد.	Noncontribution Clause	شرط سهم‌بری کامل
Relief Clause	شرط قطع اختلاف	Covenant	شرط شامل قرارداد
Sufficient Condition	شرط کافی	Hedge Clause	شرط صحت بدون ضمانت
Principle of Completeness	شرط کامل بودن	Necessary Condition	شرط ضروری
Most-favoured Nation Clause	شرط کامل‌الوداد	Stipulation	شرط ضمن عقد
Provision	شرط کردن	Escalator Clause	شرط ضمنی تغییر
Escape Clause	شرط گریز	Jason Clause	شرط ضمنی جیسون
Avoidance Clause; Defensance Clause	شرط لغو		ماده‌ای در بیمه دریایی محتوی خطراتی غیرقابل تأمین.
	همان شرط ابطال است.	Average Clause	شرط ضمنی خسارت
Marshall-Lerner Condition	شرط مارشال - لرنر	Gold Clause	شرط طلا
Derogatory Clause	شرط مبطل	Nonwaiver Clause	شرط عدم اسقاط حق
Red Clause Credit	شرط محدودکننده اعتبار	No Strike Clause	شرط عدم اعتصاب
Partial Limitation Clause	شرط محدودیت جزئی	No Cure No Pay Clause	شرط عدم پرداخت
Pro-rata Liability Clause	شرط مسئولیت متناسب	No Lockout Clause	شرط عدم تعطیل اجباری
Incontestable Clause	شرط مسلم	Principle of Non-contradiction	شرط عدم تناقض
Omnibus Clause	شرط مشمول	Negative Pledge Clause	شرط عدم گروگذاری به زیان بیمه‌گذار
Exemption Clause	شرط معافیت	Nonliability Clause	شرط عدم مسئولیت
Standard Loss Clause	شرط معیاری زیان	Noncontribution Clause	شرط عدم مشارکت
Cum Bonus	شرط منضم به فروش یک سهم	Negative Pledge Clause	شرط عدم وثیقه به ضرر بیمه‌گذار
		Clause	شرط غرامت
		Penalty Clause	شرط غیر قابل ایراد و اعتراض
		Incontestable Clause	شرط غیر قابل تردید

میلیون دلار در ایالات متحد تأسیس کرده است.	Incontestable Clause	شرط ناگزیر
Loan-society شرکت اعتباری	Average Clause	شرط نسبی
Membership Corporation شرکت اعضاء	Standard Loss Clause	شرط نمونه زیان
Affiliated Orders شرکت افراد متفرقه	Col Clause	شرط هزینه زندگی
Trust Company شرکت امانی	Conditional	شرطی
Horizontal Trust شرکت امانی افقی	Communion; Company; Company Corporation; Concern; Participation; Partnership; Society	شرکت
Vertical Trust شرکت امانی با حق رأی		
Inter Vivos Trust شرکت امانی با صاحبان در قید حیات		تجمع و مشارکت افراد حقیقی یا حقوقی برای اقدام به فعالیتهای بازرگانی و صنعتی با هدف تحصیل سود یا به صورت غیرانتفاعی.
Resulting Trust شرکت امانی بسیار خرج کننده	Open Corporation	شرکت آزاد و نامحدود
Discretionary Trust شرکت امانی تبعیضی	Union Discount	شرکت اتحادیه تنزیل
Spendthrift Trust برحسب وصیت	Company Ltd	
Resulting Trust شرکت امانی خراج	Leasing Company	شرکت اجاره دار
Open-end Investment Trust شرکت امانی سرمایه گذاری آزاد	Provident Society	شرکت احتیاط کاری
Mutual Investment Trust شرکت امانی سرمایه گذاری تعاونی		مال اندیشی برای آینده است.
Fixed Investment Trust شرکت امانی سرمایه گذاری ثابت	Private Company; Proprietary Company	شرکت اختصاصی
Testamentary Trust شرکت امانی عمودی	Conglomerate	شرکت اختلاطی
Passive Trust شرکت امانی غیر فعال	De facto Corporation	شرکت اسمی
Nondiscretionary Trust شرکت امانی غیرمختار	Parent Company	شرکت اصلی
Nondiscretionary Trust شرکت امانی غیرمصلحتی	Finance Company	شرکت اعتبارات تجاری
General Management Trust شرکت امانی مدیریت عمومی	Commercial Credit Company; Commercial Credit Corporation	شرکت اعتبار بازرگانی
Trust Company شرکت امین	Production Credit Corporation	شرکت اعتبار تولیدی
Sole Corporation شرکت انفرادی	Commodity Credit Corporation	شرکت اعتبار کالایی
Acting Partner شرکت با پرداخت سهم	C.C.C.	شرکت اعتبار مواد مصرفی
Trucking Company شرکت باربری خشکی	Commodity Credit Corporation	نشانه اختصاری
Open Corporation شرکت باز		شرکتی است که دولت با سرمایه ۱۰۰

Mutual Insurance Company	شرکت بیمه تعاونی	Student Loan Marketing Association	شرکت بازاریابی وام دانشجویی
Captive Insurance Company	شرکت بیمه خودی	Particular Partnership	شرکت بازرگانی به صورت تسهیم
Captive Insurance Company	شرکت بیمه داخلی	Permanent Capital Stock Company	شرکت با سرمایه ثابت
F.D.I.C.	شرکت بیمه سپرده فدرال	Stock Company	شرکت با سهم قابل انتقال
Federal Deposit Insurance Corporation	شرکت بیمه سپرده فدرال	Stock Company	شرکت با سهم قابل معامله
	نشانه اختصاری آن F.D.I.C. است.	Open Price Association	شرکت با قیمتهای روباز و نامحدود
F.C.I.C.	شرکت بیمه فدرال غله	Limited Company; Limited Liability Company; Private Limited Company	شرکت با مسئولیت محدود
Federal Crop Insurance Company	نشانه اختصاری آن F.C.I.C. است.		
Federal Crop Insurance Company	شرکت بیمه فدرال غله		شرکتی که هر شریک تا میزان سرمایهای که به شرکت آورده مسئول بدهیها و تعهدات آن است.
	نشانه اختصاری آن F.C.I.C. است.	Unlimited Company	شرکت با مسئولیت نامحدود
F.S.L.I.C.	شرکت بیمه فدرال وام و پس اندازها	Industrial Banker Association	شرکت بانکداران صنعتی
Federal Savings Loan Insurance Corporation	نشانه اختصاری آن F.S.L.I.C. است.	Banking Company	شرکت بانکداری
Federal Savings and Loan Insurance Corporation	شرکت بیمه فدرال وام و پس انداز	Swiss Bank Corporation	شرکت بانکی سویس با مسئولیت محدود
	نشانه اختصاری آن F.S.L.I.C. است.	Nonoperating Company	شرکت بدون فعالیت
International Company	شرکت بین المللی	Giant Corporation	شرکت بزرگ
I.D.A.	شرکت بین المللی توسعه	Close Company	شرکت بسته
International Development Association	نشانه اختصاری آن I.D.A. است.		شرکت است منحصر به شرکاء و از پذیرش شریک جدید ممنوع است.
Underlying Company	شرکت پایه	Incorporated Company	شرکت به ثبت رسیده
Associativity	شرکت پذیری	Alien Corporation	شرکت بیگانه
Saving and Loan Association; Savings and Loan Association	شرکت پس انداز و وام	Assurance Company; Insurance Company	شرکت بیمه
		Reinsurance Company	شرکت بیمه اتکایی

Cooperative; Cooperative Association; Cooperative Company; Mutual Benefit Association; Mutual Company; Mutual Corporation	شرکت تعاونی	Bubble Company	شرکت پوشالی
Production Cooperative Company	شرکت تعاونی تولید	Provident Society	همان شرکت قلابی است.
Rochdale Co-operative Society	شرکت تعاونی راجدیل	Controlled Company	شرکت پیش‌بینی
Consumption Cooperative Company	شرکت تعاونی مصرف	Constituent Company; Subsidiary Company	شرکت تابع
Mutual Loan Association	شرکت تعاونی وام و ساختمان		شرکت تابعه
Tariff Company	شرکت تعرفه‌ای		شرکتی که تحت نظارت و اختیار شرکت دیگریست.
Bubble Company	شرکت توخالی	Wholly Owned Subsidiary	شرکت تابعه کامل
International Development Association	شرکت توسعه بین‌المللی		شرکت تابعه‌ایست که تمام سهامی آن به شرکت اصلی یا مادر تعلق دارد.
Community Development Corporation	شرکت توسعه جامعه	Joint Subsidiary	شرکت تابعه مشترک
Incorporated Company; Registered Company	شرکت ثبت شده		شرکت تابعه‌ایست که سهام عمده آن متعلق به دو یا چند شرکت دیگر است.
Unlisted Company	شرکت ثبت نشده در بورس	Consumer Finance Company	شرکت تأمین مالی مصرف‌کننده
Constituent Company	شرکت جزء اصلی	Financing Company	شرکت تأمین مالی
Multi-industry Agreement	شرکت چندصنعتی	Small Business Finance Corporation	شرکت تأمین مالی خرده فعالیتها
Multinational Company; Multinational Corporation	شرکت چندملیتی	Personal Finance Company	شرکت تأمین مالی شخصی
		Commercial Firm; Trading Company	شرکت تجاری
		Aggregate Corporation	شرکت تجمعی
		Trust Company	شرکت تراست
		Incorporate	شرکت تشکیل دادن
		Guarantee Society; Ordinary Partnership Company; The Partnership	شرکت تضامنی
			در این شرکت آورده و دارایی تمام شرکاء و هر یک از آنها در گرو مطالبات و تعهدات شرکت و پاسخگو است.
		Limited Partnership	شرکت تضامنی محدود
		General Partnership	شرکت تضامنی نامحدود
			شرکتی است که در چند کشور فعالیت اقتصادی و امکانات گسترده تولیدی و خدماتی دارد.

Building Society	شرکت ساختمان	Carrier; Freight Liner; Liner; Shipping	شرکت حمل و نقل
Deposit Society	شرکت سپرده	Alien Corporation; Foreign corporation	شرکت خارجی
Investment Company General	شرکت سرمایه‌گذاری آزاد	Private Company	شرکت خصوصی
Management Company; Open-end Investment Company		Private Limited Company	شرکت خصوصی محدود
Flexible Trust	شرکت سرمایه‌گذاری انعطاف‌پذیر	Proprietary Company	شرکت خویشاوندان
Closed-end Investment Company	شرکت سرمایه‌گذاری با سرمایه ثابت	Bubble; Shell Company	شرکت خیالی همان شرکت پوشالی است.
Split Investment Company	شرکت سرمایه‌گذاری تفکیکی	Charitable Company; Eleemosynary corporation;	شرکت خیریه
Open-end Investment Company	شرکت سرمایه‌گذاری دارای آزادی عمل	Domestic Corporation	شرکت داخلی
Investment Trust	شرکت سرمایه‌گذاری در سهام	Chartered Company	شرکت دارای اساسنامه
Fixed Trust (The)	شرکت سرمایه‌گذاری در سهام معین	Multibank Holding Company	شرکت دارایی‌های چندبانکی
Small Business Investment Company	شرکت سرمایه‌گذاری در کار و کسب جزئی (در ایالات متحد)	Holding Company	شرکت دارنده سهام
Mutual Fund	شرکت سرمایه‌گذاری متغیر	Share	شرکت داشتن
Open-end Investment Company		Open Corporation	شرکت دایر
Fixed Trust (The); Unit Trust	شرکت سرمایه‌گذاری محدود	Close Corporation	شرکت در بسته
Open-end Investment Company	شرکت سرمایه‌گذاری نامحدود	Collapsible corporation	شرکت در حال انحلال
Omnium Investment Company	شرکت سرمایه‌گذاری همه‌کاره	Collapsible Corporation	شرکت در حال ورشکستگی
Thin Corporation	شرکت سست	Pooling of Risk	شرکت در خطر
Corporate Holding Company	شرکت سهامدار مادر	Approved Society	شرکت دوستانه
Corporation; Joint-stock Company	شرکت سهامی (در ایالات متحد)	State Owned Company	شرکت دولتی
			شرکتی است که مالکیت و مدیریت آن در دست دولت است.
		Corporate Society; De jure Corporation; Registered Company	شرکت رسمی
		Ecclesiastical Corporation	شرکت روحانی
		Mortgage Company	شرکت رهنی

Quasi-public Corporation	شرکت شبه عمومی	Limited	شرکت سهامی با سود سهام محدود
Municipal Corporation	شرکت شهرداری	-dividend Corporation	شرکتی است دارای شخصیت حقوقی که سرمایه آن به شماری سهم متعلق به اعضای شرکت تقسیم می‌شود.
Company Holding; Holding Company	شرکت صاحب سهم	Limited	شرکت سهامی با مسئولیت محدود
Thrift and Loan Association	شرکت صرفه‌جویی و وام	Share Company	شرکت سهامی با مسئولیت نامحدود
Safe Deposit Company	شرکت صندوق امانت‌پذیر	Joint-stock Association; Joint-stock Company	شرکت سهامی بیمه
Safe Deposit Company	شرکت صندوق نوسز سپرده	Stock Company insurance	شرکت سهامی تضامنی
Multi-industry Agreement	شرکت صنعتی چندگانه	Joint-stock Company	شرکت سهامی خاص
Corporate Society	شرکت صنفی	Private Joint-stock Company	شرکتی که همه سرمایه را بنیادگذاران آورده‌اند.
Guaranteeing Association	شرکت ضامن	Private Corporation	شرکت سهامی خصوصی
Shell Company	شرکت ظاهری	Eleemosynary Corporation	شرکت سهامی خیریه
Public-service Corporation	شرکت عام‌المنفعه	Public Company; Publicly Owned Corporation	شرکت سهامی عام
Public Utility Holding Company	شرکت عام‌المنفعه انتفاعی		شرکت سهامی است که بخشی از سرمایه آن را از طریق فروش سهام تهیه کرده‌اند.
Public Company; Public Corporation	شرکت عمومی (در انگلیس)	Public Limited Company	شرکت سهام عام با مسئولیت محدود
	شرکتی است سهامدار عمده شرکتی دیگر که فعالانه در مدیریت آن دخالت می‌کند.	Public Corporation	شرکت سهامی عمومی
General Management Company	شرکت عمومی سرمایه‌گذاری	Eleemosynary Corporation	شرکت سهامی غیرانتفاعی
Giant Corporation	شرکت غول آسا	Lay Corporation	شرکت سهامی غیرمذهبی
Association Not for Profit; Charitable Company; Nonprofit Corporation	شرکت غیرانتفاعی	Corporate Holding Company	شرکت سهامی مادر
De facto Corporation; Unincorporated Enterprise	شرکت غیررسمی	International Finance Corporation	شرکت سهامی مالی بین‌المللی
Association Not for Profit	شرکت غیرسودی	Quasi-public Corporation	شرکت سهامی نیمه عمومی

I.F.C.	شرکت مالی بین‌المللی	Non Stock Corporation;	شرکت غیرسهامی
International Finance	نشانه اختصاری	Nonstock Corporation	
	Company است.	Nonoperating Company	شرکت غیرفعال
Reconstruction Finance	شرکت مالی ترمیم	De facto Corporation	شرکت غیرقانونی
Corporation		Subsidiary Company	شرکت فرعی
Commonwealth	شرکت مالی توسعه کشورهای	"Sell Company"	شرکت فروش
Development Finance Co.	مشترک المنافع	Operating Company	شرکت فعال
F.C.I.	شرکت مالی صنعتی	British Steel	شرکت فولاد انگلیس
I.C.F.C.	شرکت مالی صنعتی و بازرگانی	Corporation	
Industrial and Commercial	نشانه اختصاری	De jure Corporation;	شرکت قانونی
Finance Corporation	است.	Parliamentary Company; Statutory	
Sales Finance Company	شرکت مالی فروش	Company	
Consumer Finance	شرکت مالی مصرف‌کننده	Victim Company	شرکت قربانی
Company		Contribute; Participate	شرکت کردن
Parliamentary Company	شرکت مجاز	Shipping Company	شرکت کشتیرانی
Close Company; Close	شرکت محدود	Commonwealth	شرکت کشورهای
Corporation; Company Corporation		Development	مشترک المنافع
Public Limited	شرکت محدود عمومی	Corporation	
Company		Thin Corporation	شرکت کم سرمایه
Domestic Corporation	شرکت محلی	Participant	شرکت کننده
Limited Partnership	شرکت مختلط سهامی	Bider;	شرکت کننده در مزایده یا مناقصه
with Shares		Tenderer	
Limited Partnership	شرکت مختلط غیرسهامی	Safe Deposit	شرکت گاوصندوق و دیپو پذیر
	شرکتی که دریا چند تن تأسیس کرده‌اند ولی	Company	
	حقوق، اختیارات و مسئولیت‌های شرکاء با یکدیگر	Aggregate Corporation	شرکت گروهی
	متفاوت است.	Parent Company	شرکت مادر
Management Company	شرکت مدیریت	Immediate Holding	شرکت مادر بلافصل
Ecclesiastical Corporation	شرکت مذهبی	Company	
Municipal	شرکت مربوط به امور شهری	Security Holding	شرکت مالک اوراق بهادار
Corporation		Company	
Affiliated Company	شرکت مرتبط	«Kreditanstalt Für	«شرکت مالی بازسازی»
Metrocorporation	شرکت مرکزی	Wieder Aufbau»;	Reconstruction
Close Corporation	شرکت مسدود	Finance Corporation	

Trading Companies	شرکتهای بازرگانی	Investment Trust	شرکت معاملات اوراق بهادار
Moneyed Corporations	شرکتهای بانکی و بیمه	Nationalized Company	شرکت ملی شده
Moneyed Corporations	شرکتهای پولدار	Defunct Company	شرکت منحل
Co-operative Societies	شرکتهای تعاونی	Target Company	شرکت مورد هدف
Quoted Companies	شرکتهای ثبت شده در بورس	Finance House Association	شرکت مؤسسات مالی
Overseas Companies	شرکتهای خارجی	Issuing Company	شرکت ناشر
Friendly Societies	شرکتهای رفاقتی	Controlling Company	شرکت ناظر
	شرکتهای داوطلبانه با هدف کمک متقابل به یکدیگر.	Open-end Company	شرکت نامحدود
Building and Loan Associations	شرکتهای ساختمان و وام	Articles of Partnership; Deed of Partnership; Memorandum; Memorandum of Association	شرکتنامه
Investment Companies	شرکتهای سرمایه گذاری	Company With Proportionate Liability; Proportional Liability Partnership	شرکت نسبی
Mutual Investment Companies	شرکتهای سرمایه گذاری تعاونی		
Quoted Companies	شرکتهای سهامی عام		شرکتی است که مسئولیت هر یک از شرکاء در قبال دیون و تعهدات متناسب با سرمایه ایست که آورده است.
Finance House	شرکتهای مالی	Parent Company	شرکت نظارت کننده
Overseas Companies	شرکتهای ماوراء بحار	Quasi Corporation	شرکت نما
Consumer Loan Companies	شرکتهای وام مصرفی	Charitable Company; Eleemosynary Corporation	شرکت نیکوکاری
Target Company	شرکت هدف	Quasi-public Company	شرکت نیمه عمومی
Affiliated Company	شرکت همبسته	Affiliated Company;	شرکت وابسته
Omnium Investment Company	شرکت همه کاره اوراق بهادار	Associated Company; Constituent Company; Subsidiary; Subsidiary Company	
Personal Holding Company	شرکت هولدینگ شخصی (ایالات متحد)		
Obligor	شرکت یا بانک ضامن	Sallie Mae	شرکت وام دانشجویی
«One-man» Company	شرکت یک نفره	Building Society	شرکت وام ساختمان
Membership Corporation	شرکتی که تمام شرکا در اداره امور آن عضویت دارند	Personal Loan Company	شرکت وام شخصی
Open Corporation	شرکتی که هر کس می تواند در آن وارد شود	Gone Concern	شرکت ورشکسته
WA Clause with Average	شروط «خسارت»	Trust	شرکتهای امانی
		Overseas Companies	شرکتهای آن سوی دریاها

Sub-branch	شعبه فرعی	F.P.A. Clauses	شروط ضمنی بخشوده از خسارت جزئی
Reason	شعور	Participant; Partner	شریک
Business; Job; Occupation; Profession; Work	شغل	Joint Heir	شریک ارث
Orra Job	شغل اتفاقی	Nominal Partner	شریک اسمی
Open Shop	شغل باز	Senior Partner	شریک اصلی
	شغل بی اتحادیه یا آزاد از اتحادیه است که دستیابی بدان نیاز به عضویت در اتحادیه مربوطه را ندارد.	Cosignatory	شریک امضا
Closed Shop	شغل بسته	Partner in Joint Account	شریک با حساب مشترک
	شغل که دستیابی بدان مقید به عضویت در اتحادیه مربوطه است.	Surviving Partner	شریک بازمانده
Agency Shop	شغل نیم باز	Limited Partner	شریک با مسئولیت محدود
	در این حالت دستیابی به شغل مستلزم پرداخت حق عضویت به اتحادیه ذیربط است اما الحاق بدان الزامی نیست.	Incoming Partner	شریک تازه وارد
Union Shop	شغل نیم بسته	Salaried partner	شریک حقوق بگیر
	شغلی که پس از دستیابی به شغل و گذشت زمان معین، کارگر باید به عضویت اتحادیه کارگری خود درآید.	Special Partner	شریک خاص
Going Business	شغل یا کسب دایر	Communicate	شریک شدن
Preemption	شغله	Infant Partner	شریک صغیر
Alternative Rate	شق دیگر نرخ	Quasi-partner	شریک ظاهری
Alternative Use Cost	شق دیگر هزینه استعمال	Senior Partner	شریک عمده
Gap	شکاف	Backer; Dormant Partner;	شریک غیر فعال
Deflationary Gap	شکاف انقباضی	Limited Partner; Sight Partner	
	کمبود مخارج کل که باید جبران شود تا درآمد ملی به سطح لازم برای تضمین اشتغال کامل برسد.	Silent Partner; Sleeping Partner	
Yield Gap	شکاف بازده	Active Partner; General Partner; Ordinary Partner; Working Partner	شریک فعال
Yield Gap on Securities	شکاف بازده در اوراق بهادار	Limited Partner	شریک محدود
Saving Gap	شکاف پس انداز	Part Owner	شریک ملک
	منظور «فاصله» یا «شکاف» میان درآمد و مخارج مصرفی است.	Production Ray	شعاع تولید
		Social Rituals	شعائر اجتماعی
		Manufacturer's Sales Branches	شعبات فروش سازنده کالا
		Banks' Branches	شعب بانکها
		Foreign Branches	شعب خارجی
		Branch	شعبه

Structural Form	شکل ساختاری	New Inflationary Gap	شکاف تازه تورمی
Reduced Form	شکل ساده	Trade Gap	شکاف تجاری
Order Form	شکل سفارش	Inflationary Gap	شکاف تورمی
Economic Morphology	شکل‌شناسی اقتصادی		فزونی مخارج کل بر حداکثر مقدار تولید دست‌یافتنی در اقتصاد.
Shape Up	شکل گرفتن	Gross National Product Gap	شکاف تولید ناخالص ملی
Reducing Balance Form; Report Form; Running Form; Statement Form	شکل گزارش	Dollar Gap	شکاف دلاری
Shape-up	شکل‌گیری		کسب و کار برای مقابله با تقاضای فزاینده مصرف‌کنندگان در اروپای پس از جنگ جهانی دوم و بازسازی کشورهای جنگ دیده بر میزان این کسری و ناترازی تراز پرداختهای ایالات متحد افزود.
Standard Form	شکل معیاری	G.N.P. Gap	شکاف محصول ناخالص ملی
Reduced Form	شکل ملخص	Macmillan Gap	«شکاف مکمیلان»
Reduced Form Equation	شکل ملخص معادله		یکی نیاز به ترکیب مقیاس بزرگ یا «خدمات مشارکتی» با نشر سهام، اختلاط، بازسازی ساختار سرمایه و دیگر تهیه سرمایه درازمدت برای شرکت‌های متوسط و کوچک.
Standard Form	شکل نمونه عمومی	Grievance; Sue	شکایت
Dynamic Forms of Demand Functions	شکل‌های پویای توابع تقاضا	Krash	شکست بورس
Forms of Business Organization	شکل‌های سازمان کار و کسب	Nonfeasance	شکست در ایفاء وظیفه
Boom	شکوفایی	Business Failure	شکست در کار و کسب
Tricks of the Trade	شگردهای تجارت	Beating the Index	شکست شاخص
Beggar-my-neighbour Tactics	شگردهای فقیرسازی همسایه	Crumbling of Prices	شکست قیمت‌ها (اصطلاح بورس)
Account; Enumeration	شمارش	Slide	شکست قیمت‌ها (در بورس)
Denumerable	شمارش پذیر	Dead Loss	شکست کامل
Physical Stock Count	شمارش عینی موجودی	Shekel, I.S.	شکل، واحد پول اسرائیل
Accounting	شمارشگری	Economic Morphology	شکل اقتصادشناسی
Continuous Stock Count	شمارش مداوم کالا	Budget Pattern	شکل بودجه
Odd Lot	شمار غیر معمول سهام	Analytical Form	شکل تحلیلی
Quorum	شمار کافی برای مذاکره	Quadratic Form	شکل جبری درجه دوم
Calculate	شمار کردن		
Vocal Number	شمار مشخصات کالا		
Over Banking	شمار مفرط بانکها		
Z. Score	شماره (شماره معیار طبیعی)		
Denumerable	شماره پذیر		

Dirty (Managed) Floating	شناوری ناسره (اداره شده) داززه	Dead Weight Tonnage (Vessel)	شماره تنهای بار (۲۲۴۰ پسوند)
Physical Evidence	شواهد عینی	Account Number	شماره حساب
Regional Economic Planning Councils	شوراهای برنامه ریزی اقتصادی منطقه ای	Inventory Count Coding	شماره حساب موجودی اموال
Wages Councils	شوراهای مزد	Automatic Coding	شماره گذاری رمزی (اصطلاح رایانه)
E.C.O.S.O.C.	شورای اقتصادی و اجتماعی	Schmoller, Gustav	شمالر، گوستاو (۱۸۳۷-۱۹۱۷)
Economic and Social Council	نشانه اختصاری Council است.	Economic and Social Council	اقتصاددان آلمانی پیرو مکتب تاریخی.
Economic and Social Council of the United Nations	شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد	Bullion	شمش (طلا یا نقره)
Currency and Credit Council	شورای پول و اعتبار	Gold Bar	طلا، نقره یا فلزات گرانبهای دیگر در ابعاد معین و مکعبی و نسبتاً بزرگ است.
N.E.D.C.	شورای توسعه اقتصاد ملی	Job Orientation	شمش طلا
Work Council	شورای کار	Bar of Silver	شم شغلی
Works Council	شورای کارخانه	Leading Against the Wind	شمش نقره
Labour Board	شورای کارگری	Technology	شنا بر خلاف جریان
Council for Mutual Economic Assistance	شورای کمک متقابل اقتصادی	Appropriate Technology	شناخت فنی
Council of Economic Advisers	شورای مشاوران اقتصادی	Intermediate Technology	شناخت فنی مناسب
Tax Revolt	شورش مالیاتی	Personalization of Cheque	شناخت فنی واسطه
Tax Payer Revolt	شورش مؤدی مالیاتی	Legalization	شناساندن صاحب حساب
Schultz, Theodore W.	شولتز، تئودور (۱۹۰۲ - ...)	Float	شناور رسمی
	اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۹ در اقتصاد.	Clean Float	شناور پالوده
Schumpeter, Joseph Alois	شومپتر، ژوزف آلوآ (۱۸۸۳-۱۹۵۰)	Clean Float	منظور ارز شناور آزاد و بدون دخالت مقامات پولی در تعیین نرخ برابری است.
Evidence	شهادت آشکار	Dirty (Managed) Floating	شناور سره
Attest	شهادت دادن		شناوری (تحت مدیریت) ناسره ارز
Deponent	شهادت دهنده (کتبی)		شناوری کاذب ارز یا دخالت مقامات پولی در تعیین نرخ برابری است.
Market Town	شهر بازار		

Economic Method	شیوه اقتصادی	Standing	شهرت
Assembly-line	شیوه تخصص زنجیری	Reserve	شهر دارای شعبه دستگاه فدرال رزرو
Technique		City	(در ایالات متحد)
Random Access	شیوه تصادفی دسترسی	Company Town	شهر شرکت
Device		Federal Reserve City;	شهر فدرال رزرو
Mode of Production	شیوه تولید	Reserve City	(در ایالات متحد)
	از دید مارکسیستی، ترکیب مناسبات تولید و نیروهای مولد و از دید سرمایه‌داری سرمایه و منابع و محصولات در اختیار سرمایه‌دار در برنامه نیروی کار است.	Labour Settlement	شهر کارگری
Accruals System	شیوه حسابداری تعلق پذیر	Industrial Estate; Trading	شهرک صنعتی
Double-account	شیوه حسابداری دوگانه	Estate	
System		Urbanization	شهرگرایی
Single Entry	شیوه حسابداری ساده یا یکطرفه	Money	شهر و، مترادف با واژه پول
System			و به صورت سکه دارای قلمرو پولی محدود که ارزش ذاتی آن کمتر از ارزش اسمی اش بود.
Dual System	شیوه حساب دوباره	Citizen	شهروند
Specific Performance	شیوه خاص اجرا	Intuition	شهودگرایی
Book-keeping System	شیوه دفترداری	Urban	شهری
Columnar System	شیوه ستونی	Cheater; Fraudulent; Impostor	شیاد
Standard Method	شیوه نمونه	Chose in	شینی مورد مالکیت مانند سهام و دیون
Marketing Strategy	شیوه‌های اساسی بازاریابی	Action	
Management Science	شیوه‌های تصدی	Pick Up Shares	شیرین شدن سهام شرکت
beggar	شیوه‌های فقیرسازی همسایه	S	شیلینگ
-my-neighbour Tactics		Solidus	نشانه اختصاری واژه لاتین برای شیلینگ
«o Slow» Tactics	شیوه‌های کندکاری		واحد پول انگلیس است.
Single Positing System	شیوه یک ثبتی	Shilling, S, Sch	شیلینگ، واحد پول اتریش
Ding an Sich	شیء فی حد ذاته	Shilling, Sh	شیلینگ، واحد پول اوگاندا
	اصطلاح لاتین است.	Shilling, TSh, Sh	شیلینگ، واحد پول تانزانیا
		Shilling, KSh	شیلینگ، واحد پول کنیا
		Deductive Method	شیوه استقرائی



Self-employed; Self-employed Worker	صاحب شغل آزاد	Owner; Proprietor Principal	صاحب صاحب اصلی
Industrialist	صاحب صنعت	Concessionaire	همان اصیل است.
Undertaker	صاحبکار	Pawn Broker	صاحب امتیاز
Self-employed	صاحبکار شخصی	Own	صاحبان بنگاه رهنی
Warrantor	صاحب مجوز	Patentee	صاحب بودن
Landlord	صاحب ملک	"Rentier"	صاحب حق اختراع
Stock Holder	صاحب موجودی	Depositor	صاحب درآمد سالانه
Skilled	صاحب مهارت	Holder of Value	صاحب سپرده
Share Cropper	صاحب نسق	Holder of Value	صاحب سند ارزنده
Policy Holder	صاحب ورقه بیمه	Allottee	صاحب سند باارزش
Exports	صادرات	Allottee	صاحب سهام اختصاصی
کالاها و خدماتی است که در یک کشور تولید شده و در برابر کالاها و خدمات، طلا و ارز یا تسویه بدهی به کشور دیگر داده می شود.		Allottee	صاحب سهام تخصیصی
Basic Exports	صادرات اساسی	Common Stock Holder	صاحب سهام عادی
Indirect Exporting	صادرات با واسطه	Bondholder	صاحب سهام قرضه
Unrequited Exports	صادرات بدون پاداش	Bondholder; Share Holder; Stock Holder	صاحب سهم
Unrequited Exports	صادرات بدون جایزه	Stockholder of Record	صاحب سهم ثبت شده
Basic Exports	صادرات پایه	Ordinary Shareholder	صاحب سهم عادی
Unrequired Exports	صادرات غیر ضروری	Industrial Copartnership	صاحب سهم کارگر

Export of Capital	صدور سرمایه	Indirect Exporting	صادرات غیرمستقیم
Capitalization Issue	صدور سهم برای سرمایه	Commodity Exports	صادرات کالا
Stagging	صدور سهم برای معامله فوری	Agricultural Exports	صادرات کشاورزی
Re-export	صدور مجدد	Entrepot Trade	صادرات مجدد هر کشور
	کالاهای وارداتی که در کشور واردکننده مصرف نشوند و به کشور دیگر صادر گردند.	Visible Exports	صادرات مرئی منظور کالاهاست.
Temporary Exportation	صدور موقت	Negative Exports	صادرات منفی
Re-export	صدور واردات	Invisible Exports	صادرات نامرئی منظور خدمات است.
Percentage	صدی چند	Export	صادر کردن
Percentile	صدیک	Exporter	صادرکننده
Currency Exchange; Changer;	صراف	Forwarding	صادرکننده و یا حمل کننده
Exchanger; Foreign Exchange Broker;		Agent	کالای تجاری
Money; Teller		Underwriter	صادرکننده بیمه دریایی
Cambist	صراف ارز	Emanate of	صادره از
	داد و ستدکننده انواع ارز است.	Competent	صالح
Cambist	صراف اسناد	Opificer	صانع
Commercial Exchange	صرافخانه تجاری	Wide Opening	صبحانه بورس
Agiotage; Exchange; Exchange	صرافی	Validity	صحت
Business; Money Shop		Sound	صحیح
Commercial Exchange	صرافی تجاری	Truth in	صداقت در اوراق بهادار (در بورس)
	فزونی قیمت یا ارزش اوراق بهادار و بر ارزش اسمی آنها.	Security	
Exchange Premium	صرف ارز	Long Hundred	صد بزرگ
	مابه التفاوت مبادله ارز است.	Top	صدر
Redemption Premium	صرف بازخريد	Hectolitre (hl)	صد لیتر
Commercial Exchange	صرف بازرگانی	Harm	صدمه
Premium	صرف برات	Damage	صدمه (در جمع) وجه الخساره
Agio	صرف پول	Harmful	صدمه زننده
Money Changing	صرف پول	Exportation	صدور
Bond Agio	صرف سند قرضه	Venture	صدور امانی
Share Premium; Stock Premium	صرف سهم	Floating an Issue of	صدور اوراق قرضه یا سهم
	تفاوت میان بهای اسمی سهم و بهای فروش آن.	Bonds or Stocks	
		Draw	صدور (چک) در وجه...

و نسبت به حالت ایستا به بنگاه رشدیابنده مزایایی را ارزانی می‌دارند.	Discount	صرف کردن
	Behoof	صرفه
Long-haul Economies صرفه‌جوییهای زمان طولانی	Profit	صرفه بردن
	Lay-by; Thriftiness	صرفه‌جویی
Urbanization Economies صرفه‌جوییهای شهرگرایی	Economy of Flexibility	صرفه‌جویی از انعطاف‌پذیری
صرفه‌جوییهای ناشی از تمرکز فعالیت‌های در مناطق شهری.	Internal Economy	صرفه‌جویی داخلی
	Saving of Labour	صرفه‌جویی در کار
Spillover Benefits صرفه‌جوییهای فرعی	Saving in Handling Costs	صرفه‌جویی در هزینه اداره خواربار
افزایش هزینه‌های حمل و نقل به نسبتی کمتر از کرایه مسافت ترابری.	Thrift	صرفه‌جویی شخصی
Economies of Scale صرفه‌جوییهای مقیاس	Spare	صرفه‌جویی کردن
افزایش مقیاس کارخانه، فعالیت اقتصادی یا صنعت موجب کاهش هزینه‌های واحد تولید می‌شود و در نتیجه عوایدی به دست می‌آید.	Economy of Scale	صرفه‌جویی مقیاس
	Internal Diseconomies and Economies	صرفه‌جوییها و تبدیره‌های داخلی
Cost Saving صرفه‌جویی هزینه	Economies of Learning	صرفه‌جوییهای آموزشی
Rank صف بستن	External Economies	صرفه‌جوییهای بیرونی
Attribute صفت اختصاصی	Agglomeration Economies	صرفه‌جوییهای تجمع
صفت ممتاز و مخصوص شخص Propria Persona		
Advertisement Boarding صفحه آگهی		
Board of Trade (Chicago) صفحه آگهی تجاری		
Arrival Platform صفحه آگهی ورود		
Tangent Plane صفحه مماس		
Disk Storage صفحه نگهداری داده‌ها		
Control Panel صفحه وارس		
Annunciator (در بورس) صفحه‌های اعلان‌کننده		
Decimal Point صفر		
Pit (U.S.) صفت بورس		
Joint Consultation صلاح‌اندیشی مشترک		
Discretion صلاحدید		
Capability; Qualification صلاحیت		
Obligational Authority صلاحیت الزامی		
	Discount	صرفه‌جوییها در هزینه بر اثر نزدیکی بنگاهها یا محل فعالیت‌های اقتصادی به یکدیگر.
	Economies of Mass Production	صرفه‌جوییهای تولید انبوه
	Multiplant Economies	صرفه‌جوییهای چندکارخانه‌ای
	Home Economics	صرفه‌جوییهای خانگی
	Internal Economies	صرفه‌جوییهای داخلی
	Internal Economies of Scale	صرفه‌جوییهای داخلی مقیاس
	Economies of Growth	صرفه‌جوییهای رشد
		در سطح معین رشد یا پایین‌تر از آن چنین می‌توان نظر داد که محتملاً صرفه‌جوییهای رشد تفوق دارند

Assurance Fund	صندوق احتیاطی بیمه	Conveyancing; Conveyer	صلح‌کننده
Staff Provident Fund	صندوق احتیاطی کارمندان	Deed of Gift	صلح‌نامه
European Fund	صندوق اروپا	Footloose Industries (از لحاظ جا)	صنایع آزاد
Relief Fund	صندوق اعانه	Instrumental Industries	صنایع ابزاری
Strike Fund	صندوق اعتصاب	Specialized Industries	صنایع اختصاصی
Trust Fund	صندوق امانی	Primary Industries	صنایع اولیه
Employee Benefit Trust	صندوق امانی کمک‌کارمندی	Administered Price Industries	صنایع با قیمت اداری
Trust and Agency Fund	صندوق امانی و نمایندگی	Sweated Industries	صنایع با مزد کم و کار دشوار
European Social Fund	صندوق امور اجتماعی اروپا	Propulsive Industries	صنایع برانگیزنده
Bonds Fund	صندوق اوراق وام	Basic Industries	صنایع پایه
Redemption Fund	صندوق بازخرید	Cottage Industries; Handicraft Pursuits	صنایع دستی
Pension Funds	صندوق بازنشستگی	Cottage Industries	صنایع روستایی
صندوقی است مسئول پرداخت مستمری بازنشستگان.		Heavy Industries; Heavy Manufacturing	صنایع سنگین
Equalization Fund	صندوق برابری	Zero Sum Industries (از دید اقتصاد ملی)	صنایع غیر تولیدی
Unemployment Fund	صندوق بیکاری	Footloose Industries (از حیث مکان)	صنایع غیر مقید
Insurance Fund	صندوق بیمه	Big Steel	صنایع کلان فولاد
Social Insurance Funds	صندوق بیمه اجتماعی	Propulsive Industries	صنایع محرک
Old-age Pension Fund	صندوق بیمه پیری		گروهی صنایع هستند که رشد و توسعه آنها موجب رشد صنایع دیگر یا کل اقتصاد می‌شود.
National Insurance Fund	صندوق بیمه ملی	Related Industries	صنایع مرتبطه
I.M.F.	صندوق بین‌المللی پول	Primary Industries	صنایع نخستین
به‌منزله بانک مرکزی بین‌المللی و نهاد سازمان دارای این اهداف است: رفع محدودیتها و تنگناهای ارزی و تثبیت نرخهای ارز و تسهیل جریانی کار پرداختهای چندجانبه میان کشورهای عضو. نشانه اختصاری International Monetary Fund است.		Instrumental Industries	صنایع وسایل
International Monetary Fund	صندوق بین‌المللی پول	Handicraft Pursuits	صنایع یدی
		Cash; Cash Office; Fund	صندوق
		Open-end Mutual Fund	صندوق آزاد تعاونی متقابل
		Contingency Fund; Provident Fund	صندوق احتیاطی
			نشانه اختصاری آن I.M.F. است.

European Development Fund	صندوق توسعه اروپا	Expanded International Monetary Fund	صندوق بین‌المللی گسترده پول
A.D.F.	صندوق توسعه افریقا		نشانه اختصاری آن X.I.M.F. است.
African Development Fund	صندوق توسعه افریقا	Clearing House	صندوق پایاپای
		Paying Counter	صندوق پرداختها (بانکداری)
	نشانه اختصاری آن همان A.D.F. است.	European Monetary Fund	صندوق پولی اروپا
O.P.E.C. Fund for International Development	صندوق توسعه بین‌المللی اوپک	Staff Provident Fund	صندوق پیش‌بینی کارمندان
United Nations Capital Development Fund	صندوق توسعه سرمایه ملل متحد	Provident Funds	صندوق تأمین
European Regional Development Fund	صندوق توسعه منطقه‌ای اروپا	Provident Funds	صندوق تأمین خسارت پیش‌بینی نشده
Trust Fund	صندوق تولیت	Hedge Fund	صندوق تأمین سرمایه‌گذاری
Cashier	صندوق‌قادر	Stabilization Fund	صندوق تثبیت
Dual Purpose Fund	صندوق دو منظوره	Exchange Stabilization Fund	صندوق تثبیت ارز
Dual Purpose Fund	صندوق دوهدفه	Exchange Equalization Fund	صندوق تثبیت اسعار
European Agricultural Guidance and Gurantee Fund	صندوق راهنما و ضمانت کشاورزی	Special Assesment Fund	صندوق تجدید ارزیابیهای مخصوص (مانند حق)
Mutual Investment Funds	صندوق سرمایه‌گذاری تعاونی	Equalization Fund; Settlement Fund	مرغوبیت زمین)
Bond Fund	صندوق سند قرضه	Exchange Equalization Fund	صندوق تسویه
Stock Purse	صندوق صرفه‌جویی	Interest Equalization Fund	صندوق تسویه بهره
Guarantee Association	صندوق ضمانت	Exchequer Equalization Fund	صندوق تسویه خزانه
A.M.F.	صندوق عربی پول	Mutual Fund Open-end	صندوق تعاونی
Arab Monetary Fund	نشانه اختصاری عنوان است.	Investment Company	صندوق تلفیقی
Arab Monetary Fund	صندوق عربی پول	Consolidated Fund	صندوق تنخواه‌گردان
Arab Fund for Economic and Social Development	صندوق عربی توسعه اقتصادی و اجتماعی	Imprest Fund;	
Endowment Fund	صندوق عطایا	Resolving Fund	

Trust and Agency Fund	صندوق وجوه امانی و نمایندگی	A.D.F.	صندوق عمران افریقا
Assurance Fund	صندوق وجوه بیمه	African Development Fund	صندوق عمران افریقا
No-load Fund	صندوق وجوه بی‌هزینه		همان صندوق توسعه افریقا است.
Revolving Fund	صندوق وجوه در گردش	General Funds	صندوق عمومی
Imprest Fund	صندوق وجوه دستی	Bond	صندوق عواید فروش اوراق قرضه دولتی
Working Capital Fund	صندوق وجوه سرمایه در گردش	Utility Fund	صندوق فواید عامه
Utility Fund	صندوق وجوه عام‌المنفعه	Plant Fund	صندوق کارخانه
General Fund	صندوق وجوه عمومی	Relief Fund	صندوق کمک
Special United Nations Fund for Economic Development	صندوق ویژه سازمان ملل برای توسعه اقتصادی	U.N.I.C.E.F.	صندوق کودکان وابسته به سازمان ملل متحد
	نشانه اختصاری آن S.U.N.F.E.D. است.	Safe Deposit Box	صندوق مخصوص سپرده
Special Assessment Fund	صندوق ویژه مالیات یا جریمه تشخیص داده شده	Annuity Fund	صندوق مستمری
European Monetary Co-operation Fund	صندوق همکاری پولی اروپا	Consolidated Fund; Pension Pool	صندوق مشترک
Industry	صنعت	Stock Purse	صندوق مشترک (در انگلیس)
	شمار بزرگی از بنگاهها که در یک بازار رقابت کامل در تولید کالای متجانس با یکدیگر رقیب هستند.		همان خزانه ذخیره یا صندوق صرفه‌جویی است.
Process Industry	صنعت آماده سازی	Patent Pooling	صندوق مشترک انحصار
Essential Industry; Key Industry	صنعت اساسی	London Gold Pool	صندوق مشترک طلای لندن
Extractive Industry	صنعت استخراجی	Common Trust	صندوق مشترک وجوه امانی
Increasing Costs Industry	صنعت با هزینه‌های صعودی	Common Trust	صندوق مشترک وجوه سپرده
Constant Cost Industry	صنعت با هزینه ثابت	Safe Deposit Box	صندوق نسوز
Decreasing Cost Industry	صنعت با هزینه کاهنده	Safe Custody	صندوق نسوز حفاظت
Sick Industry	صنعت بیمار	Agency Fund	صندوق نمایندگی
Fancy Goods Industry	صنعت پر سود	Interdistrict Settlement Fund	صندوق واریز بین‌النواحی
Sick Industry	صنعت پیش‌نرفته	Loan Fund	صندوق وام
		Loan-bank	صندوق وامها
		Sinking Fund	صندوق وجوه استقرایی
		Sinking Fund	صندوق وجوه استهلاك

Opificer	صنعتگر	Process Industry; Processing Industry	صنعت تبدیلی
Craftsmanship	صنعتگری	Regulated Industry	صنعت تحت نظارت
Nationalized Industry	صنعت ملی	One Firm Industry	صنعت تک بنگاهی
Declining Industry	صنعت منحل	Genetic Industry	صنعت تکوینی
	همان صنعت رو به زوال یا صنعت زوال‌یابنده است.	Secondary Industry	صنعت ثانوی
Seasonal Industry	صنعت موسمی	Household Industry	صنعت خانگی
Infant Industry	صنعت نو پا	Family Industry	صنعت خانوادگی
	یا صنعت نوزاد صنعتی است که هنوز از شرایط تولید بهینه در سطح هزینه کمینه برخوردار نیست و تا دستیابی به ابعاد تولید دارای صرفه‌جوییهای مقیاس با مخاطراتی روبروست.	Household Industry	صنعت خانواری
Infant Industry (or Minor)	صنعت نوزاد	Service Industry	صنعت خدماتی
One Firm Industry	صنعت یک بنگاهی	Domestic Industry; Home Industry	صنعت داخلی
Industrialization	صنعتی کردن	Decreasing Cost Industry	صنعت دارای هزینه نزولی
	توسعه صنایع در کشورهای رو به توسعه به عنوان استراتژی توسعه عمومی.	Publicly Controlled Industry	صنعت در اختیار دولت
Corporation; Guild; Guild	صنف	Handicraft	صنعت دستی
	تشکل پیشه‌وران یا بازرگانان برای حفظ شغل و حمایت از تخصص خود.	Declining Industry	صنعت رو به زوال
Craft Guild	صنف پیشه‌وران	Declining Industry	صنعت زوال‌یابنده
Merchant Guild	صنف تجار	Publicly Controlled Industry	صنعت زیر نظارت دولت
Journeyman Guild	صنف کارگر مزدور	Building Industry	صنعت ساختمان
Gild Merchant	صنوف	Manufacturing Industry	صنعت سازنده
Statement	صورت (در حسابداری)	Nonmanufacturing Industry	صنعت غیر تبدیلی
Unfair List	صورت اسامی بی‌انصافها	Runaway Industry	صنعت فرّار
Rent Roll	صورت اسامی مستأجران		صنعتی که تمام یا بخشی از فعالیتهای خود را به منظور برخورداری از بعضی مزایا و عوامل کاهنده هزینه به مکان مناسب دیگر انتقال می‌دهد.
Change List	صورت اسکناس و پیشیز	Seasonal Industry	صنعت فصلی
Reconciliation Statement	صورت اصلاحات	Opifice	صنعتکاری
Opinion List	صورت اطلاعات	Fancy Goods Industry	صنعت کالاهای تجملی
Free List	صورت اموال معاف از حقوق گمرکی	Key Industry	صنعت کلیدی
Manifest; Way Bill	صورت بار		
Manifest	صورت بار کشتی		

Operating Statement	صورت حساب سود و زیان	Market Schedule	صورت بازار
Funds Statement	صورت حساب صندوق	Stowage	صورت برآورد هزینه بارگیری
Invoice	صورت حساب فروش	Manifest	
	صورت ریز کالاهایی که خریداری شده است با مشخصات و قیمت آنها.	Inventory	صورت برداری
Legal Bill of Sale	صورت حساب قانونی فروش	Stock Taking	صورت برداری از ذخیره موجود
Employer's Return (Salary Tax)	صورت حساب کارفرمایی	Commercialize	صورت تجاری دادن
Bill	صورت حساب کسی را فرستادن	Analysis	صورت تجزیه
Certified Financial Statement	صورت حساب گواهی شده	Landing Account	صورت تخلیه
Special Purpose Financial Statement	صورت حساب مخصوص	Reconciliation Statement	صورت تطبیق
Descriptive Financial Statement	صورت حساب مشروح مالی	Bank Reconciliation	صورت تطبیقی حساب
Source and Disposition Statement	صورت حساب منابع و مصارف	Bank Reconciliation Statement	صورت تطبیقی حساب بانک
Interim Statement; Invoice Proforma; Proforma	صورت حساب موقت	Proceedings (Transactions)	صورت جلسه مذاکرات
Funds Statement	صورت حساب وجوه و چگونگی آنها	Account Form	صورت چاپی حساب
Consignment Invoice	صورت حساب ودیعه	Statement Form	صورت چاپی گزارش
Posting Media	صورت حساب و نظایر آن	Account of Proceeding (Report); Bill; Invoice; Reckoning; Statement; Statement of Account	صورت حساب
Pay-roll; Pay Sheet	صورت حقوق	Working Out	صورت (جزء به جزء یا تفریق) حساب
Salary Roll	صورت حقوق بگیران	Original Invoice	صورت حساب اصلی
Realize	صورت خارجی دادن	Consular Invoice	صورت حساب با مهر قنصلگری کشور مقصد
Bought Note	صورت خرید سهام	Bank Statement	صورت حساب بانکی
Asset and Liability Statement	صورت دارایی و بدهی	Advance Bill	صورت حساب پیشکی
Perpetual Inventory	صورت دائمی اموال	Estimated Statement of Annual Income	صورت حساب تخمینی و سالانه درآمد
Application of Funds Statement	صورت دخل و خرج وجوه	Manufacturing Statement	صورت حساب تولید
		Earnings Statement; Income Sheet	صورت حساب درآمد
		Manufacturing Statement	صورت حساب ساخت کالا

List Price; Price Current	صورت قیمتها	Income Statement	صورت درآمد
Stock List	صورت کالا	Statement of Receipts and Disbursement	صورت دریافتها و پرداختها و خرج پول
Bill of Goods	صورت کالاها	Pay-roll	صورت دستمزد
Bill Amended Invoice	صورت کالاهای ارسالی با صورت حساب اصلاحی	In Redepts	صورت دیون تکراری
Bill of Materials	صورت کیفیت و کمیت مواد	Stock Statement	صورت ذخیره
Cash Flow Statement	صورت گردش نقدی	Official List	صورت رسمی
Financial Statement	صورت مالی	Reconciliation Statement	صورت رفع اختلافات
Tax Roll	صورت مالیاتها	Enumeration	صورت ریز
Financial Statement	صورت مالی ترازنامه و حساب سود و زیان	Bill of Store	صورت ریز انبار
All-purpose Financial	صورت مالی جامع	Portfolio	صورت ریز اوراق بهادار
Stop List	صورت متخلفین	Bill of Quantities	صورت ریز برآورد
White List	صورت مجاز	Earnings Statement	صورت ریز درآمد و تجزیه و تحلیل آن
Shipping Bill	صورت محموله‌ها	Stock Sheets	صورت ریز فوق‌العاده دارایی
Proceedings (Transactions)	صورت مذاکرات	Profit-and-loss Statement; Statement of Loss and Gain	صورت سود و زیان; صورت سود و زیان
White List	صورت مطلوب		گزارش درآمدها و مخارج یک شرکت در دوره معین.
Quoted List	صورت مظنه رسمی	Stock List	صورت سهام
Statement of Account	صورت معاملات میان بدهکار و بستانکار	Share List	صورت سهام شرکت
Detailed Statement	صورت مفصل	Black List	صورت سیاه
Comparative Statement	صورت مقایسه‌ای	Packing List (The)	صورت عدل بندی
Savings Function	صورت مقدار پس انداز از درآمد شخصی	Sales Schedule	صورت فروش
Cadastre	صورت ممیزی زمین	Sold Contract	صورت فروش (بررس)
Bill of Materials	صورت مواد	Prompt Note	صورت فروش کالا با ذکر مهلت پرداخت
Inventory	صورت موجودی	Legal List	قیمت آن
Stock List	صورت موجودی انبار	Fair List	صورت قانونی
Cash Statement	صورت موجودی پول نقد	In Redepts	صورت قرضهای تکراری
Inventories	صورت موجودیها	Cost Sheet; Ordinary Bill (Trade Paper); Quotation	صورت قیمت
Unfair List	صورت نامطلوب		
Percentage Statement	صورت نسبتها		

Schedule	صورت‌های تکمیلی (یا تشریحی)	Income Statement;	صورت نفع و ضرر
Grouping Sheets	صورت‌های تلفیقی حساب	Profit-and-loss Statement	
Final Statements	صورت‌های قطعی		همان صورت سود و زیان است.
Group Financial Statements	صورت‌های مالی گروهی	Import List	صورت واردات
		Weight List	صورت وزن
Combined Financial Statement	صورت‌های مالی مشترک	Account Book; Statement	صورت وضعیت
		Statement of Affairs	صورت وضعیت دارایی
Final Statements	صورت‌های نهایی	Work Situation	صورت وضعیت کار
Bill	صورت هزینه کار را فرستادن	Statement of Affairs	صورت وضعیت مالی
Bill	صورت هزینه موضوعی را فرستادن	Stock	صورت وضعیت موجودی جنس
Cost Sheet	صورت هزینه عملیات	Statement	
Schedule	صورت یا فهرستی را ضمیمه کردن	Bank	صورت وضعیت هفتگی حسابهای بانک
Formal	صوری	Return	
		Abstracting	صورت‌ها یا گزارشهای مالی



Marginal per	ضابطهٔ خارج قسمت سرمایه گذاری	Criterion	ضابطه
Capital Reinvestment	مجدد نهایی سرانه	Bergson Criterion	ضابطهٔ برگسون
Quotient Criterion			
	ضابطهٔ سرمایه گذاری با هدف پیشینه سازی درآمد سرانه در زمان آینده است.		در اقتصاد بهزیستی هر تغییر در آن یک بهبود است و باید با یک سلسله ارزشهای انسانی صریح معین شود این ارزشها را دولت معین می کند.
Marshal-Lerner	ضابطهٔ مارشال - لرنر	The Social	ضابطهٔ بهره‌وری نهایی اجتماعی
Criterion		Marginal Productivity Criterion	
	قانونی است مبین شرایط کشتی که بر پایهٔ آنها تغییر نرخ ارز یک کشور موجب بهبود موازنهٔ تجاری آن می شود.	Bayes Criterion	ضابطهٔ بیز
Investment Criteria	ضابطه‌های سرمایه گذاری		
(for Developing Countries)			
	ضوابط متضاین و طرز تخصیص منابع را برای سرمایه گذاری مشخص می کند اگر هدف پیشینه سازی محصول کل سرانه در پایان یک دورهٔ زمانی معین باشد، به مصرف اهمیت کمتری داده می شود و برعکس.	Pareto Criterion	ضابطهٔ پارتو
Bail; Bailsman; Bondman;	ضامن		
Guarantee; Guarantor; Indemnifier			
Replevin Bond	ضامن رفع توقیف به قید کفیل	Pessimism Criterion	ضابطهٔ پدیرش
Obligat	ضامن شدن	Pigou Criteria	ضابطه‌های پیگو
			بر پایهٔ این ضوابط اجرای سیاست اقتصادی در صورتی درست است که مطلوبیت نهایی آن برای همه یکسان باشد.

Prudential Ratios	ضرایب احتیاطی	Engage	ضامن کردن
Balance Sheet Ratios	ضرایب ترازنامه	Cross Reference	ضامن متقابل
Escalators	ضرایب تطبیق	Cosurety	ضامن مشترک
	ضرایب تغییر، شرایط ضمنی هزینه زندگی در موافقتنامه‌های چانه‌زنی جمعی است.	Good and Sufficient Bail	ضامن معتبر
Escalators	ضرایب تعدیل	Decrement; Loss; Wastes	ضایعات
	همان ضرایب تطبیق است.		محصولات جانبی و اجتناب ناشی از فعالیتهای اقتصادی.
Escalators	ضرایب تغییر	Wastes of Excess Capacity	ضایعات اضافه ظرفیت
	همان ضرایب تطبیق است.	Perish	ضایع شدن
Operating Ratios	ضرایب عملیاتی	Perishable	ضایع شدنی
Financial Ratios	ضرایب مالی	Turn to Account	ضایع نکردن
Free Coinage	ضرب آزاد سکه	Confiscation; Seizure;	ضبط
Free Silver	ضرب آزاد نقره	Sequestration	
Grace Period	ضرب الاجل	Distrain	ضبط اموال
Gratuitous Coinage	ضرب رایگان سکه	Forfeit of Shares	ضبط سهام
Coinage	ضرب سکه	Impound	ضبط کردن
Limited-coinage System	ضرب سکه محدود	Escheat	ضبط ماترک بلاوارث
Scalar Product	ضرب عددی	Counter Cyclical	ضد ادواری
Free Coinage	ضرب مجاز سکه	Antidumping	ضد ارزان فروشی
Gratuitous Coinage	ضرب مجانی و مجاز سکه طلا	Antidumping; Boomerang	ضد بازارشکنی
		Anti-trust	ضد تراست
Coinage	ضرب مسکوکات	Anti-inflation	ضد تورم
Free Coinage	ضرب نامحدود سکه	Disproduction	ضد تولید
Loss; Prejudice	ضرر	Counter-productive	ضد تولیدی
Dry Loss	ضرر بی‌ربط	Counter-cyclical	ضد دوری
Consequential Loss	ضرر تبعی		همان باطل‌نمای اقتصادی است.
Whipsawed	ضرر دوجانبه	Antidumping	ضد رقابت مکارانه
Damage	ضرر زدن	Antidumping; Boomerang	ضد قیمت‌شکنی
Loss; Stand at a Discount	ضرر کردن	Discommodity	ضد کالا
Loser	ضررکننده	Economic Paradoxes	ضد و نقیض اقتصادی
Estovers	ضروریات		همان باطل‌نمای اقتصادی است.
Ratio	ضرب	Mint	ضربخانه
Burning Ratio	ضرب آتش افروزی		

Investment Multiplier	ضریب افزایش سرمایه‌گذاری	Burning Ratio	ضریب آتش‌سوزی
Export Multiplier	ضریب افزایش صادرات	Burning Ratio	ضریب آتش‌گیری
Regional Multiplier	ضریب افزایش منطقه‌ای	Acid Test Ratio	ضریب آزمون توانایی پرداخت
Coefficient of Contingency	ضریب امکان	Capital Leverage Ratio; Leverage Factor	ضریب اتکا به وام
Coefficient of Expectations	ضریب انتظارات	Performance Ratio	ضریب اجرای کار
Coefficient of	ضریب انحراف چارکی	Valuation Ratio	ضریب ارزش‌گذاری
Quartile Deviation		Utilization Rate	ضریب استفاده
Depreciation -reserve Ratio	ضریب اندوخته استهلاک	Communality	ضریب اشتراک
Man-land Ratio	ضریب انسان - زمین	Confidence Coefficient	ضریب اطمینان
Distributional Weight	ضریب اهمیت توزیعی	Validity Coefficient	ضریب اعتبار
Fertility Ratio	ضریب باروری	Confidence Coefficient	ضریب اعتماد
Market Ratio	ضریب بازار	Multiplier	ضریب افزایش
Capital Recovery Factor	ضریب بازیافت سرمایه		عامل شناسایی تأثیر تغییر یکی از عناصر تقاضا کل به میزان یک واحد روی درآمد ملی به نسبتی برابر با ضریب معین همان ضریب فزاینده یا تکاثر است.
Parity Ratio	ضریب برابری	Employment Multiplier	ضریب افزایش اشتغال
Bond Ratio	ضریب برگه قرضه	Foreign Trade Multiplier	ضریب افزایش بازرگانی خارجی
Working Coefficient	ضریب بهره‌برداری		تأثیر فزاینده افزایش صادرات روی درآمدهای به نسبتی برابر با ضریب معین.
Coefficient of Alienation	ضریب بیگانگی	Balanced Budget Multiplier	ضریب افزایش بودجه متوازن
Coefficient of Dispersion	ضریب پراکندگی		تأثیر فزاینده افزایش مخارج دولت روی درآمد ملی که درست با افزایش مالیات جبران می‌شود و تعادل بودجه دولت تغییر نمی‌یابد.
Coefficient of Variation	ضریب پراکندگی نسبی	Income Multiplier	ضریب افزایش درآمد
Debt Service Ratio	ضریب پرداخت اقسام وام	Deposit Multiplier	ضریب افزایش سپرده
Interest Coverage Ratio	ضریب تأمین هزینه بهره	Incremental Capital-output Ratio	ضریب افزایش سرمایه - باز داده
Coefficient of Specialization	ضریب تخصص		

Gini Coefficient	ضریب جینی	Coefficient of Determination	ضریب تشخیص
	معیار توزیع نابرابر درآمد است.		
Coefficient of Skewness	ضریب چولگی	Ratio Gession	ضریب تصدی
	تفاوت میانگین و نما تقسیم بر انحراف پایه.	Capital Gearing Ratio	ضریب تطبیق سرمایه
Coefficient of Elasticity	ضریب حساسیت	Price Deflator	ضریب تعدیل قیمت
	همان ضریب کشش است.	Implicit Price Deflator	ضریب تعدیل قیمت ضمنی
Net Regression Coefficient	ضریب خالص وایازی	Deflator	ضریب تعدیل کننده قیمت
Coefficient of Autocorrelation	ضریب خودهمبستگی	Implicit Price Deflator	ضریب تعدیل کننده قیمت ضمنی
Coefficient of Optimism	ضریب خوش بینی	G.N.P. Implicit Price Deflator	ضریب تعدیل کننده قیمت ضمنی محصول ناخالص ملی
	همان ضابطه خوش بینی است.		شاخص قیمت مورد استعمال برای تعدیل یکی از اجزای مرکبه حسابهای درآمد ملی با استفاده از شاخص قیمت پاشه است.
Capitalization Ratio	ضریب دارایی به سرمایه	Gross National Product Deflator	ضریب تعدیل کننده محصول ناخالص ملی
Coefficient of Precision	ضریب دقت		
Binomial Coefficient	ضریب دو جمله ای	Gross National Product Deflator	ضریب تعدیل محصول ناخالص ملی
Naive Accelerator	ضریب ساده شتاب		
Naive Accelerator	ضریب ساده شتابنده		
Deposit Ratio	ضریب سپرده		
Capital Coefficients	ضریب سرمایه		
	نسبت سرمایه است به مقدار تولید.	Replacement Ratio	ضریب تعویض
Capital-labour Ratio	ضریب سرمایه به کار	Gearing Ratio	ضریب تعهد
Marginal Capital-output Ratio	ضریب سرمایه - تولید	Coefficient of Determination	ضریب تعیین
		Coefficient of Variation	ضریب تغییر
Deposit-capital Ratio	ضریب سرمایه - سپرده		یا پراکندگی نسبی معیار درجه توزیع یک متغیر پیرامون میانگین خودش است.
Capital Output Ratio	ضریب سرمایه گذاری	Coefficient of Concentration	ضریب تمرکز
Gross Profit Ratio	ضریب سود ناخالص	Production Coefficient	ضریب تولید
Acceleration Coefficient; Coefficient of Acceleration	ضریب شتاب	Fixed Production Coefficient	ضریب تولید ثابت
	نسبت حجم سرمایه اضافی لازم برای افزایش یک واحد اضافی دریافتی ناشی از فروش محصول.		
Accelerator Coefficient	ضریب شتابنده	Reliability Coefficient	ضریب ثابت
Coverage Ratio	ضریب شمول	Vacancy Ratio	ضریب جای خالی
Mint Ratio	ضریب ضرب سکه	Coefficient of Alienation	ضریب جدایی و ناپیوستگی

Local Multiplier	ضریب فزاینده محلی	Coefficient of Non Determination	ضریب عدم تشخیص
Expenditures Multiplier	ضریب فزاینده مخارج	Differential Coefficient	ضریب فاصله‌ای
Government Spending Multiplier	ضریب فزاینده مخارج دولتی	Benefit-cost Ratio	ضریب فایده - هزینه
Regional Multiplier	ضریب فزاینده منطقه‌ای	Inventory-sales Ratio	ضریب فروشها - موجودی
Technical Coefficient	ضریب فنی	Advertising Sales Ratio	ضریب فروشهای تبلیغاتی
	نسبت واحد در داده به واحد باز داده یا واحد عوامل تولید به واحد محصول است.	Multiplier	ضریب فزاینده
Acid Test Ratio	ضریب قدرت پرداخت		همان ضریب افزایش یا تکاثر است.
Leverage Coefficient	ضریب قدرت نفوذ	Employment Multiplier	ضریب فزاینده اشتغال
Price/Earnings Ratio	ضریب قیمت / عواید	Credit Multiplier	ضریب فزاینده اعتبار
Labour Ratio	ضریب کار	Foreign Trade Multiplier	ضریب فزاینده بازرگانی خارجی
Efficiency (Ratio)	ضریب کارایی	Money Supply Expansion Multiplier	ضریب فزاینده بسط عرضه پول
Coefficient of Relative Efficiency of Organization	ضریب کارایی نسبی سازمان	Balanced Budget Multiplier	ضریب فزاینده بودجه متوازن
Coefficient of Elasticity	ضریب کشش	Economic Base Multiplier	ضریب فزاینده پایه اقتصادی
	حساسیت یک عنصر در برابر تغییر عنصر دیگر است. مانند کشش تقاضا نسبت به تغییر قیمت.	Money Multiplier	ضریب فزاینده پولی
Coefficient of Cross-elasticity	ضریب کشش متقابل	Impact Multiplier	ضریب فزاینده تأثیر
	رابطه حسابی میان درصد تغییر یک کالا یا خدمت و متوجه درصد تغییر در فروشهای یک کالا یا خدمت رقابتی یا جانشینی است.	Foreign Trade Multiplier	ضریب فزاینده تجارت خارجی
Inventory Turnover Rate	ضریب گردش موجودی	Spending Multiplier	ضریب فزاینده خرج
Coefficient of Association	ضریب گروهی	Income Multiplier	ضریب فزاینده درآمد
Product Moment	ضریب گشتاوری	Deposit Multiplier	ضریب فزاینده سپرده
Expense Ratio	ضریب مخارج	Investment Multiplier	ضریب فزاینده سرمایه‌گذاری
Management Ratio	ضریب مدیریت	Export Multiplier	ضریب فزاینده صادرات
Death Rate	ضریب مرگ و میر	Fiscal Multiplier	ضریب فزاینده مالی
Mean Ratio	ضریب میانگین	Tax Multiplier	ضریب فزاینده مالیات
Cash Ratio	ضریب نقدی		

Bail; Bond; Collateral Security; Guarantee; Guaranty; Security; Suretyship	ضمانت	Liquidity Ratio	ضریب نقدینگی
Sanction	ضمانت اجرا	Incrementary Ratio	ضریب نمو
Bank Guarantee	ضمانت بانک	Coefficient of Regression; Regression Coefficient	ضریب وایازی
Bailable	ضمانت بردار	Partial Regression Coefficient	ضریب وایازی جزئی
Bailable	ضمانت پذیر	Gross Regression Coefficient	ضریب وایازی ناخالص
Average Warranty	ضمانت خسارت	Cash Position	ضریب وضع نقدی
Bail-out Rule	ضمانت خلاف قاعده	Ratio	نسبت پول نقد و اوراق بهادار قابل فروش در بازار به بدهیهای جاری.
Investment Guarantee	ضمانت سرمایه‌گذاری	Economic Ratios	ضریبهای اقتصادی
Exchange Contract	ضمانت سند تجاری	Turnover Ratios	ضریبهای گردش معاملات
Warrant	ضمانت کردن	Coefficient of Relative Cost of Production	ضریب هزینه نسبی تولید
Bondman; Guarantor	ضمانت کننده	Coefficient of Correlation; Correlation Coefficient; Correlation Ratio	ضریب همبستگی
Quality Guarantee	ضمانت کیفی	Coefficient of Partial Correlation	ضریب همبستگی جزئی
Cosurety	ضمانت مشترک	Coefficient of Multiple Correlation; Multiple Correlation Coefficient	ضریب همبستگی چندگانه
Good and Sufficient Bail	ضمانت مناسب	Spurious	ضریب همبستگی ساختگی
Bail-bond; Bill of Guarantee; Bond; Caution Money; Indemnity Bond; Letter of Securing; Guarantee; Surety Bond	ضمانت‌نامه	Coefficient of Correlation	ضریب همبستگی متعدد
Performanc Bond	ضمانت‌نامه اجرای کار	Multiple Correlation	ضریب همبستگی
Bail-bond	ضمانت‌نامه امانت	Equivalence	ضریب هم‌تابی
Repayment Bond	ضمانت‌نامه بازپرداخت	Market Failure	ضعف بازار
Share Qualification	ضمانت‌نامه به صورت سهم	Organizational Slack	ضعف سازمانی
Bail-out Rule	ضمانت‌نامه بیرون از قاعده	Suretyship	ضمان
Average Bond	ضمانت‌نامه جبران خسارت		
Performance Bonds	ضمانت‌نامه حسن اجرای قرارداد		
Performance Bonds	ضمانت‌نامه حسن اجرای کار		

Counter Guarantee; Counter Indemnity	ضمانت نامه متقابل	Good Performance Bond or Guarantee; Surety Bond	ضمانت نامه حسن انجام کار
Economic Sanctions	ضمانتهای اجرای اقتصادی	Commission Note Bid Bond	ضمانت نامه حق العمل کاری ضمانت نامه شرکت در حراج
Cartel Sanctions	ضمانتهای اجرای کارتل	Tender Bonds	ضمانت نامه شرکت در مناقصه
Cross Guarantee	ضمانتهای متقابل	Tender Guarantee	ضمانت نامه شرکت در مناقصه
Suretyship	ضمان عقدی	Contract Bond	ضمانت نامه قرارداد
Allonge	ضمیمه سند	Warranty	ضمانت نامه کالا
Attachment Bond	ضمیمه سند قرضه		
Technical Standards	ضوابط فنی		



Classification of Banks	طبقه‌بندی بانکها	Economic Classes	طبقات اقتصادی
	برحسب تخصص ترتیب یافته‌اند.		طبقاتی که برحسب گروه‌های درآمدی یا نوع فعالیت اقتصادی تقسیم شده است. مانند بازرگان، صنعتگر، پیشه‌ور و جز اینها.
Object Classification	طبقه‌بندی برحسب فعالیت	Moneyed Classes	طبقات پولدار
Functional Classification	طبقه‌بندی بر حسب وظیفه		اشاره به سرمایه‌داران دارد.
Budget Classification	طبقه‌بندی بودجه	Moneyed Classes	طبقات دارا
Accounts Classification;	طبقه‌بندی حسابها		اشاره به ثروتمندان دارد.
Classification of Accounts; System of Accounting		Middle Class	طبقات متوسط
Dichotomy	طبقه‌بندی دوازشی		اشاره به افراد در گروه‌های درآمدی متوسط دارد.
	بخش از مردم است که به نوعی خاص در حیات اقتصادی مشارکت دارند.	Class	طبقه
Official Classification	طبقه‌بندی رسمی	Social Class	طبقه اجتماعی
Chronologic Indexing of Records	طبقه‌بندی زمانی اسناد	Salarit Classification	طبقه اجیر
			طبقه‌بندی
Job Classification	طبقه‌بندی شغل	Classifying the Records; Indexing Records	طبقه‌بندی اسناد
International Standard Industrial Classification	طبقه‌بندی صنعتی معیار بین‌المللی		
S.I.C.	طبقه‌بندی صنعتی پایه	Date Indexing of Records	طبقه‌بندی اسناد بر حسب تاریخ
Standard Industrial Classification	نشانه اختصاری استاندارد صنعتی		طبقات اسناد
	است.	Market Classification	طبقه‌بندی بازار
			این بازارها برحسب خصوصیات یا انواع معاملات ترتیب یافته‌اند.

Residuum	طبقه مستمند	طبقه‌بندی عملیات	Functional Classification
Curve Class	طبقه منحنی	طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی	General
Rentier Class	طبقه موجر	طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی	Classification of Economic
Physiocracy	طبیعت‌گرایی	طبقه‌بندی کرایه بارکشتی	Freight Classification
	اصالت عوامل طبیعی است.	طبقه‌بندی مجدد	Reclassify
Nature	طبیعییت	طبقه‌بندی مشاغل	Job Classification;
Physicrats; Physiocratic System	طبیعیون	طبقه‌بندی مشاغل	Position Classification
	به عقیده اینان زمین یگانه منبع ثروت است.	طبقه‌بندی معیاری تجارت بین‌المللی	Standard
Project	طراحی کردن	طبقه‌بندی معیاری تجارت بین‌المللی	International Trade Classification
Project	طرح	طبقه‌بندی معیاری صنعتی	Standard Industrial Classification
Ideal Seasonal Price	طرح آرمانی قیمت فصلی	طبقه‌بندی معیاری صنعتی بین‌المللی	International Classification
Pattern		طبقه‌بندی معیاری صنعتی بین‌المللی	Standard Industrial Classification
Experiemental Design	طرح آزمایشی	طبقه‌بندی معیاری صنعتی بین‌المللی	Standard Industrial Classification
Program	طرح اجرای کار	I.S.I.C. نشانه اختصاری آن است.	
Contingency Plan	طرح احتیاطی	طبقه‌بندی مودی	Moody's Rating
Share Option Scheme	طرح اختیار خرید سهم	سازمانی به نام شرکت سرمایه‌گذاران مودی است در	
Horticulture	طرح اصلاح و بهبود بستان‌کاری	ایالات متحد که اوراق قرضه را درجه‌بندی یا	
Improvement Scheme		رتبه‌گذاری می‌کند با این احتمال که ناشر می‌تواند	
Trader's Credit Scheme	طرح اعتبار تجار	در سررسید هم اصل و هم بهره سرمایه را بپردازد.	
Douglas Credit Scheme	طرح اعتباری داگلاس	طبقه‌بندی موضوعی	Object Classification;
	این عقیده که حقوق، دستمزد و منابع حاصله از	Objective Classification	
	سهم همیشه کمتر از قیمت کالاها و خدماتی است	طبقه‌بندی موضوعی اسناد	Subject Indexing of
	که عرضه می‌شوند.	Records	
Bank Credit Transfer	طرح انتقال اعتبار بانک	طبقه‌بندی یکنواخت حسابها	Uniform
Scheme		Classification of Accounts	
Incentive Scheme	طرح ایجاد انگیزه	طبقه حقوق بگیر	Salarit
Pattern of Yield	طرح بازده	طبقه رنجبر	Proletariat
Pension Plan; Pension	طرح بازنشستگی	طبقه صاحب درآمد ثابت	Rentier Class
Scheme; Retirement Plan		طبقه فارغ‌البال	Leisure Class
Bernstein Plan	طرح برنشتین	طبقه مالک	Rentier Class
	طرح ایجاد یک واحد پشتوانه پولی بین‌المللی برابر	طبقه متوسط	«Bourgeois»
	با یک دلار طلا و مشتمل بر بازده پول عمده به	طبقه مرفه	Leisure Class
	نسبتهای مورد توافق.	طبقه مزد بگیر	Proletariat; Salarit

در کنفرانس برتن وودز برای تأسیس یک اتحادیه پایاپای بین‌المللی.	Budget Pattern	طرح بودجه
Marshal Plan طرح مارشال	Insured Pension Plan	طرح بیمه بازنستگی
برنامه کمک اعطایی کشور ایالات متحد به اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم برای بازسازی و تسریع رشد اقتصادی.	Term Plan of Life Insurance	طرح بیمه مقید زندگی
Limited Payment Plan of Life Insurance طرح محدود بیمه زندگی	Bonus Plan	طرح پاداش
Sampling Design طرح نمونه‌برداری	Incentive Scheme	طرح پرداخت پاداش
Sampling Design طرح نمونه‌گیری	Proposal (or Proposition)	طرح پیشنهادی
Front End Loan Plan طرح وام آزاد و بدون محدودیت	Advertising Design	طرح تبلیغاتی
Bubble طرح واهی	Export Relate Scheme	طرح تخفیف مالیاتی در مقابل صادرات
White Plan طرح وایت	Three-position Promotion Plan	طرح ترقی سه‌وضعی
به نمایندگی دولت ایالات متحد در کنفرانس برتن وودز برای تأسیس یک صندوق تثبیت‌کننده بین‌المللی بدین شرح که کشورهای عضو سهمی به صورت پول و طلا به این صندوق مشترک پردازند و هنگام کسری تراز پرداختهای کوتاه‌مدت از آن کمک بگیرند.	Incentive Scheme	طرح تشویقی
Preference Schemes طرحهای ترجیحی	Ambitious Scheme	طرح جاه‌طلبانه
Profit-Sharing Schemes طرحهای تسهیم سود	Price Support Scheme	طرح حمایت از قیمت
Combined Plan طرحهای مرکب	Coding Scheme	طرح رمزگذاری
Incentive Wage Schemes طرحهای مزد تشویقی	Block Diagram	طرح روش کار به طور مشروح
Methods of Comparing طرحهای مشابه	Engineer a Rise Project	طرح ریزی ترقی
Pre-investment Projects طرحهای مقدماتی سرمایه‌گذاری	Project	طرح ریزی کردن
Development Programs طرحهای مهم و عمده تحقیق و توسعه	Pseudo-demand Schedule	طرح شبه تقاضا
Commodity Control Schemes طرحهای نظارت بر کالا	«Piggy-back» Export Scheme	طرح صدور بی‌هزینه خدماتی
Capital Expenditure طرح هزینه سرمایه‌ای	Export Scheme	طرح عمرانی
	Development Project	یک رشته فعالیتهای مشخص و هماهنگ مبتنی بر بررسیهای توجیهی فنی، اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به هدفهای برنامه عمرانی.
	Private Bill	طرح قانون خصوصی
	Valorization Scheme	طرح قیمت‌گذاری
	Put Up	طرح کردن
	Propounder	طرح کننده
	Keynes Plan	طرح کینز
		پیشنهادهای کینز به نمایندگی خزانه‌داری انگلیس

Voyage	طرف قرارداد کرایه در بست مسافرتی	Accrual Basis	طرز تعلق پذیری
Charter Party		Mode of Production	طرز تولید
Opposite Side of an Account	طرف مقابل یک حساب	Merit System (Rating)	طرز درجه بندی بر حسب لیاقت
Immediate Parties	طرفهای اصلی معامله	Conduct	طرز رفتار
Rightful Parties	طرفهای ذیحق	Action (law); Handling	طرز عمل
Contributory Interests	طرفهای ذینفع کمک کننده	Mathematical Treatment of Economics	طرز عمل اقتصاد به زبان ریاضی
Remote Parties	طرفهای غیرمتعامل	Mathematical Treatment of Economics	طرز عمل ریاضی اقتصاد
Extremes (Outliers)	طرفین تناسب	Pricing System	طرز قیمت گذاری
Contracting Parties	طرفین قرارداد		همان نظام قیمت گذاری است.
Surveying Procedure	طریق ارزیابی	Computation	طرز و روش شمردن
Direct Write-off	طریق مستقیم حذفی	Beneficiary	طرف استفاده کننده
Annuity Method of Depreciation	طریق استهلاک اقساط سالانه	Credit Side	طرف بستانکار
Inductive Method	طریق استقراء	Third Party	طرف ثالث
Annuity Method	طریق اقساط سالانه	Free Trader	طرفدار آزادی تجارت
Composite Life Method	طریق ترکیبی	Reformado	طرفدار اصلاحات
Composite-life Method of Depreciation	طریق ترکیبی استهلاک	Protectionist	طرفدار اصل حمایت
Replacement Method	طریق جانشینی		همان حمایت گراست.
Percentage of Revenue Method	طریق چند درصد دخل	Nominalists	طرفداران فلسفه صوری
Intermediate Type of Inventory Control	طریق حد وسط برای بازبینی موجودی	Asset Side	طرف دارایی (اصطلاح حسابداری)
Retail Method	طریق خرده فروشی	Pro-labour	طرفدار کارگر
Open Price System	طریق قیمت های روباز	Mercantilist	طرفدار مکتب سوداگری
Realistic Method	طریق واقع بینی	Growthmanship	طرفداری از رشد
Monetary Gold	طلا برای مصارف پولی	Contra	طرف دیگر
Gold and Convertible Currency Reserve	طلا و اندوخته پول قابل تبدیل	Pro	نشانه اختصاری آن و متضاد آن
Free Gold	طلای آزاد	Party Concerned (Interested Party)	طرف ذینفع
Earmarked Gold	طلای اختصاصی	Acceptee	طرف قبولی برات
		Party	طرف قرارداد

Principal Creditor	طلبکار اصلی	Monetary Gold	طلای بانکی
Dissenting Creditors	طلبکاران مخالف تعدیل		طلایی که همچون بخشی از پشتوانه پولی و
Unsecured Creditor	طلبکار بدون گرووی		انسدوخته‌های بین‌المللی یک کشور نگهداری
Unsecured Creditor	طلبکار بدون وثیقه		می‌شود.
Bond Creditor	طلبکار به تضمین اوراق قرضه	Sterile Gold	طلای بی‌مصرف
Secured Creditor	طلبکار تأمین‌دار	Monetary Gold; Monetized Gold	طلای پولی
Preferential Creditor	طلبکار ترجیحی	Gold Subscription	طلای تحویلی
Partly Secured Creditor	طلبکار جزناً تضمین شده	Stock Gold	طلای ذخیره
		Sterile Gold; Sterilized Gold	طلای سترون
Petioning Creditor	طلبکار شاکي	Sterile Gold; Sterilized Gold	طلای عقیم
Ordinary Creditor	طلبکار عادی	Non-monetary Gold	طلای غیر بانکی
Preferential Creditor	طلبکار مقدم		یا طلای آزاد، طلایی است که در زمینه پولی و
Preferential Creditor	طلبکار ممتاز		بانکی مصرف ندارد و مانند کالاهای دیگر در بازار
Deferred Creditor	طلبکار مؤخر		داد و ستد می‌شود.
Creditor on Mortgage;	طلبکار وثیقه‌دار	Non-monetized Gold	طلای غیر پولی
Mortgage Creditor; Secured Creditor		Desterilized Gold	طلای غیر عقیم
Dun; Dunning	طلبکاری	Desterilized Gold	طلای فعال
Claim	طلب مال	Paper Gold	طلای کاغذی
Floating Charge	طلب متغیر (از دید مدعی)	Earmarked Gold	طلای مختص
Preferential Claim; Preferred Claim; Prior Charge	طلب مقدم	Claim; Due	طلب
Preferential Claim; Preferred Claim	طلب ممتاز	Due from Banks	طلب از بانکها
		Bank Credit	طلب بانک
Good Debt	طلب وصول شدنی	Exclaim	طلب بدون بهره
Packman; Roundsman	طواف	Preferred Claim	طلب ترجیحی
Peddler; Pedlary	طوافی		طلب مقدم یا دارای حق تقدم.
Expected Life	طول مدت کار مورد انتظار	Bad Debt	طلب سوخته
Ell	طول یک دست تا شانه	Bad Debt	طلب غیر قابل وصول
		Bad Debt	طلب قابل سوخت
		Creditor; Debtee	طلبکار



Tonnage	ظرفیت به تن	Window Dressing	ظاهر سازی
Idle Capacity	ظرفیت بهره برداری نشده	Simular	ظاهری
Optimal Capacity	ظرفیت بهینه	Capacity	ظرفیت
	تولید در نقطه کمینه منحنی هزینه متوسط کل.	Unused Capacity	ظرفیت استعمال نشده
Idle Capacity; Slack Capacity;	ظرفیت بیکار	Nominal Capacity	ظرفیت اسمی
Unused Capacity			بیشینه بازدهی یک واحد تولیدی در حال اشتغال کامل.
Peak Demand	ظرفیت تقاضای حداکثر	Surplus Capacity	ظرفیت اضافی
Capacity		Cyclically Excess	ظرفیت اضافی ادواری
Manufacturing Capacity;	ظرفیت تولید	Capacity	
Productive Capacity; Yield-capacity		Production Excess	ظرفیت اضافی تولید
Registered Tonnage	ظرفیت ثبت شده	Burden	
(Vessel)		Cyclically Excess	ظرفیت اضافی دوری
Registered Tonnage (Vessel)	ظرفیت ثبتی	Capacity	
Peak Load	ظرفیت حداکثر بار	Carriage Capacity	ظرفیت باربری
Carrying Capacity	ظرفیت حمل	Loasig Capacity	ظرفیت بارگیری
Pay-load	ظرفیت حمل قابل دریافت	Net	ظرفیت بارگیری خالص (کشتی باری)
Net Tonnage	ظرفیت خالص به تن	Tonnage (Vessel)	
Slack Capacity	ظرفیت خالی	Market Potential	ظرفیت بازار
Excess Capacity; Idle	ظرفیت راکد	Tonnage	ظرفیت بر اساس تن
Capacity; Over Capacity		Idle Capacity; Unused	ظرفیت بلااستفاده
	به حصر معنا، تولید در سطحی پایین تر از میزانی که	Capacity	

Blank Endorsement (Indorsement)	ظهن نویسی بی نام	هزینه متوسط را کمینه کند. به معنای وسیع، نسبت بهره برداری در حدی پایین تر از نسبت عادی است.
Special Endorsement; Special Indorsement	ظهن نویسی خاص	Registered Tonnage (Vessel) ظرفیت رسمی Excess Capacity; Over-capacity; ظرفیت زائد
Blank Endorsement; Blank Indorsement	ظهن نویسی سفید	Redundant Capacity
		Excess Capacity ظرفیت زیادی
		Idle Capacity ظرفیت عاطل
		Deck Load ظرفیت عرشه
		Zone of Acceptability ظرفیت قبول
		Dead Weight ظرفیت کشتی با بار کامل
		Surplus Capacity ظرفیت مازاد
		Taxable Capacity ظرفیت مالیات پذیری
		Useful Load; Pay Load ظرفیت مفید
		Gross Tonnage ظرفیت ناخالص به تن
		Practical Capacity ظرفیت واقعی
		یا ظرفیت عملی میزان تولید یک واحد تولیدی با توجه به عوامل بازدارنده است.
		Productive Powers ظرفیت (های) تولید
		Endorsee; Endorser; Indorser ظهن نویس کسی که سندی را پشت نویسی می کند.
		Endorsement; Indorsement ظهن نویسی همان پشت نویسی سند است.
		Facultative Endorsement ظهن نویسی اختیاری
		Accommodation Indorsement ظهن نویسی امدادی
		Endorsement in Blank ظهن نویسی بدون ذکر نام آورنده
		General Endorssement ظهن نویسی بدون ذکر نام حامل
		Indorsement in Blank ظهن نویسی بدون نام حامل
Blank Endorsement (Indorsement)	ظهن نویسی بی نام	
Special Endorsement; Special Indorsement	ظهن نویسی خاص	
Blank Endorsement; Blank Indorsement	ظهن نویسی سفید	
		پشت نویسی بدون ذکر نام شخصی که چک یا برات و یا سند مشابه به دستور او قابل پرداخت می شود.
Conditional Indorsement	ظهن نویسی شرطی	
General Indorsement	ظهن نویسی عمومی	
		پشت نویسی شامل شرطی که مسئولیت ظهن نویس را منوط به آن شرط می کند.
Qualified Indorsement	ظهن نویسی غیرمطلق	
Full Endorsement	ظهن نویسی کامل	
Back; Endorse; Indorse	ظهن نویسی کردن	
Restrictive Indorsement; Qualified Indorsement	ظهن نویسی محدود	
		همان ظهن نویسی مشروط
Conditional Indorsement; Qualified Endorsement; Qualified Indorsement; Restrictive Indorsement		همان ظهن نویسی شرطی است.
Qualified Indorsement	ظهن نویسی مقید	
		پشت نویسی که مسئولیت ظهن نویس را به اندازه یک حواله دهنده محدود می کند و او را از تمام مسئولیت های عدم پرداخت یا عدم پذیرش آزاد می گرداند.
Special Indorsement; Indorsement in Full; Special Indorsement (Endorsement)	ظهن نویسی ویژه	
Back a Bill; Backing a Note	ظهن نویسی یک برات	



Capital Recovery Factor	عامل باز یابی سرمایه	Insolvent	عاجز از پرداخت دین
Residual Factor	عامل باقیمانده	Banking Customs	عادات بانکداری
Improvement Factor	عامل بهبود	Custom	عادت کردن
Factor Augmenting	عامل بهبود ترقی فنی	Normal; Ordinary	عادی
Technical Progress		Extrinsic	عارضی
Annual Improvement Factor	عامل بهبود سالانه	Improvidence	عاقبت نیندیشی
Assurance Agent	عامل بیمه	Agents of Production	عاملان تولید
Safety Factor	عامل تأمین	Sales Force	عاملان فروش
Business Factor	عامل تجارت	Agent; Factor	عامل
Deflator	عامل تعدیل کننده قیمت	Safety Factor	عامل استحفاظی
Determinant	عامل تعیین کننده	Utilization Factor	عامل استفاده در امور عمومی
Break Bulk Agent	عامل تفکیک محصولات	in Public Utilities	
Discount Factor	عامل تنزیل	Safety Factor	عامل اطمینان
Diversity Factor	عامل تنوع		در امور مالی نسبت بهره و وام وثیقه دار به درآمد خالص پیش از کسر مالیات و پس از کسر بهره است.
Factoring Agent	عامل تنزیل اسناد تجاری	Transfer Agent	عامل انتقال
Stabilizing Force	عامل ثبات		کارگزار یا نماینده ای که هرگونه تغییرات در مالکیت را ثبت می کند.
Bargaining Agent	عامل چانه زنی	Exclusive Agency	عامل انحصاری
Safety Factor	عامل حفظ از خطر	Load Factor	عامل بار
Common Carrier;	عامل حمل و نقل	Load Factor	عامل بارگیری
Forwarder; Forwarding Agent; Freight			
Forwarder			

Cofactor	عامل مشترک	عامل حمل و نقل ترکیبی	Combined Transport Operator
Prime Factor	عامل مشترک متباین		Operator
Effective Factor	عامل مؤثر	نشانه اختصاری آن C.T.O. است.	
Productor Factor	عامل مولد	عامل حمل و نقل چند نوعی	Multimodal Transport Operator
Factorial	عاملی		
Agency; Factoring; Factory Ship	عاملیت	M.T.O. نشانه اختصاری آن است.	
Finance Factoring	عاملیت امور مالی	عامل حمل و نقل سریع کالا	Despatch
	نمی فعالیت مالی که در آن یک شخص حقوقی یا حقیقی مسئولیت وصول طلب شرکت یا شخص دیگری را در برابر حق عاملیت به عهده می گیرد.	عامل حمل و نقل مرکب	Combined Transport Operator
Proceeds	عایدات	همان عامل حمل و نقل ترکیبی است.	
Public Revenue	عایدات دولت	عامل خرید	Purchasing Agent
Corporation Earnings	عایدات شرکت سهامی	عامل خرید و فروش اوراق	Arbitrager
Earning; Revenue	عایدی	بهادار و ارز	
	فقط در مورد درآمد دولت واژه Revenue به کار می رود. مترادف با دریافتی است.	عامل دست دوم	Sub-agent
Annual Income	عایدی ثابت	عامل ضمانت کننده	Del Credere Agent
Net Rental	عایدی خالص ملک یا مال	عامل ظرفیت	Capacity Factor
Disposable Income	عایدی در اختیار شخص	عامل عدم ثبات	Destabilizer
Year's Purchase	عایدی سالانه	عامل عرضه	Supply Factor
Dividend Yield	عایدی سود سهام	عامل فایده بری در کارهای عام المنفعه	Utilization Factor in Public Utilities
Gross Earning	عایدی ناخالص	عامل فروش	Agency Selling; Sales Agent; Salesman; Selling Agent
Through Traffic	عبور سراسری	عامل فزاینده ترقی فنی	Factor Augmenting Technical Progress
	از مبدا تا مقصد است.	ترقی فنی فزاینده مقدار تولید بدون تغییر ذخیره سرمایه و نیروی کار.	
Customs Transit	عبور گمرکی	عامل فزونی ترقی فنی	Factor Augmenting Technical Progress
International Transit	عبور موقت بین المللی	همان عامل فزاینده ترقی فنی است.	
In Transit	عبوری	عامل گمرکی	Customs Agent
Insolvency	عجز از پرداخت	عامل محدود کننده	Limiting Factor
Horizontal Equity	عدالت افقی	عامل محدودیتی	Limitational Factor
	انصاف در شرایط همانند است.	عامل مختار	Free Rider
Economic Justice	عدالت اقتصادی		
	این اصطلاح جنبه ذهنی دارد.		
Just as Fairness	عدالت به عنوان انصاف		

Abstract Number	عدد مبهم	Distributional Equity;	عدالت توزیعی
Complex Number	عدد مختلط	Distributive Justice	
Composite Number	عدد مرکب	عدالت یا انصاف در شیوه‌ای که باز داده اقتصادی	
Parametric Constant	عدد معلوم پارامتری	میان افراد توزیع می‌شود.	
Factorial Notation	عددنویسی سازه‌ای	Rawlsian Justice	عدالت رالزی
Factorial Notation	عددنویسی عاملی	نگرش به جامعه دادگر و عدالت پرور و مبتنی بر	
Median	عدد وسط یک سلسله اعداد	انصاف و بویژه عدالت توزیعی از سوی جان رالز	
Scalar	عددی	فیلسوف و استاد دانشگاه هاروارد.	
Nonperformance	عدم اجرا	Vertical Equity	عدالت عمودی
Lost Discount	عدم استفاده از تخفیفهای نقدی	انصاف در رفتار افراد است.	
Uncertainty	عدم اطمینان	Equality of Taxation; Tax	عدالت مالیاتی
Solvability; Solvency	عدم اعسار	Equity	
Lucrum Cessans	عدم النفع	توزیع عادلانه بار مالیاتی.	
Impossibility of Paretian Liberal	عدم امکان آزادی‌گرایی پار تویی	Cardinal Number	عدد اصلی
Estoppel	عدم امکان انکار پس از اقرار	Characteristic Number	عدد بیانی
Expired Utility	عدم امکان بهره‌برداری بیشتر به هر علت	Integer	عدد تام
Non-acceptance	عدم پذیرش	Real Number	عدد حقیقی
Nonpayment	عدم پرداخت	Self-checking Number	عدد خودممیزی
Back Bill	عدم پرداخت برات	Radicand	عدد زیر رادیکال
Improvidence	عدم پیش‌بینی	Index Number	عدد شاخص
Heterogeneity;	عدم تجانس	رقمی که تغییر نسبی قیمت‌های کالاهای مصرفی یا	
Heteroscedasticity		خدمات مشابه در هر دوره را نسبت به دوره پایه	
Immobility	عدم تحرک	نشان می‌دهد.	
Nonforfeiture	عدم تخلف	Aggregative Index	عدد شاخص اجمالی
Non-Delivery And Shortage	عدم تحویل و کسری	Number	
Disapproval	عدم تصویب	Relative-Value Index	عدد شاخص ارزش نسبی
Disequilibrium; Want of Balance	عدم تعادل	Number	
وضعی است ناپایدار و گذرا که در آن نیروهایی بر		Aggregative Index Number	عدد شاخص کل
اثر تغییر پدید می‌آیند که چون نقطه پایدار فرا برسد		Relative Index Number	عدد شاخص نسبی
و در آن قرار گیرند به توازن دست می‌یابند.		Link Relative Index	عدد شاخص نسبی رابط
		Number	
		Integer	عدد صحیح
		Cipher	عدد صفر

Credit Supply	عرضه اعتبار	Fundamental	عدم تعادل اساسی
Elastic Supply	عرضه انعطاف پذیر	Disequilibrium	عدم تعقیب
Elastic Supply	همان عرضه با کشش یا کشش پذیر است.	Abandonment	عدم تقابل
Elastic Money Supply	عرضه با کشش پول	Nonreciprocity	عدم تملیک اختیارات خرید و فروش یا مقادیر ارزشها
Inelastic Supply	عرضه بدون کشش	Nonforfeiture	عدم توازن
Offer for Sale	عرضه برای فروش	Options or Values	عدم توازن اجتماعی
Schedule Supply	عرضه برنامه‌ای	Disagreement	عدم توافق
Glut	عرضه بیش از تقاضا حالت اشباع بازار است.	Rejection; Repudiation	عدم قبول
Dollar Glut	عرضه بیش از حد دلار	Dishonour Draft	عدم قبولی
Regressive Supply	عرضه پس‌رونده	Uncertainty	عدم قطعیت
Money Supply	عرضه پول به طور کلی مقدار پول موجود در اقتصاد هر کشور.	Inefficiency	وضعیتی که در آن احتمال وقوع یک حادثه به هیچ وجه معلوم نباشد. عدم کارایی
Narrowly Defined Money Supply	عرضه پول به تعریف محدود	Decentralization	عدم مرکزیت
Narrowly Defined Money Supply	شامل اسکناس، مسکوک در گردش و سپرده‌های دیداری.	Decentralized Files	عدم مرکزیت بایگانی
Narrowly Defined Money Supply	عرضه پول به حصر تعریف	Decentralization of Industry	عدم مرکزیت صنعتی
Narrowly Defined Money Supply	همان عرضه M_1 است.	Fiscal Decentralization	عدم مرکزیت مالی
Banks' Money Supply	عرضه پول به وسیله بانکها	Irresponsability; Nonliability	عدم مسئولیت
Supply Functional	عرضه تابعی	Smash	عدم موفقیت مالی
Controlled Money Supply	عرضه تحت نظارت پول	Revocable	عدول کردنی
Composite Supply	عرضه ترکیبی	Exception Bill	عرض حال و خواهی
Supply of Inflation	عرضه تورم	Proffer; Supply	جریان کالاها و خدمات به بازار برای برآوردن تقاضا. عرضه
Fixed Supply	عرضه ثابت	Sampling Offer	عرضه آزمایشی
Secondary Offering	عرضه ثانوی	Put	عرضه اختصاصی سهم
		Managed Money Supply	عرضه اداره‌شده پول همان عرضه با دخالت افراد معین است.
		Excess Supply; Oversupply	عرضه اضافی وضعیتی که در آن بازاری سطح معین قیمت عرضه بیش از تقاضاست.

Loanable Funds	عرضه وجوه موجود به بازار پول	Controlled Money	عرضه در اختیار پول
Rival Supplies	عرضه های رقیب	Supply	همان عرضه پول با دخالت افراد معین است.
Custom	عرف	Endogenous Money	عرضه درون زای پول
Trade Customs	عرف تجارت	Supply	وضعی که در آن نیروهای درون دستگاه اقتصادی مانند اندازه بهره سطح عرضه پول را معین می کند.
Uniform	عرف و رویه یکنواخت در اعتبار اسنادی	Competitive Supply	عرضه رقابت آمیز
Customs and Practice for Documentary Credit		Competitive Supply	عرضه رقابتی
Custom and Practice	عرف و عمل	Personal Service Utility	عرضه سرانه کار
Sweat and Moisture	عرق و رطوبت (بیمه)	Factor Supply	عرضه عامل
Personal Tithe	عشریه شخصی	«Block» Offer	عرضه عمده یکجا
Age of High	عصر مصرف انبوه جمعی	Public Offering	عرضه عمومی سهام
Mass-consumption; The Age of High		Competitive Supply	عرضه قابل رقابت
Mass-consumption		Labour Supply; Supply of Labour	عرضه کار
Trade Unionist	عضو اتحادیه کارگری		مقدار این عرضه را اساساً اندازه جمعیت فعال هر کشور معین می کند.
Councillor	عضو انجمن	Regressive Supply	عرضه کاهنده
Floor Trader	عضو تالار بورس	Elastic Supply	عرضه کشش دار
Out Clearer	عضو تسویه حساب (بانک)	Aggregate Supply	عرضه کل
Out Clearer	عضو تصفیه حساب		عرضه کل کالاها و خدمات موجود در اقتصاد برای اجابت تقاضای کل است.
Floor Trader	عضو معامله گر بورس	Profferer; Supplier	عرضه کننده
Affiliated Member	عضو وابسته	Supply Effort	عرضه کوشش
Affiliated Member	عضو همبسته	Counter Offer	عرضه متقابل
Director	عضو هیئت مدیره	Composite Supply	عرضه مرکب
Membership	عضویت	Joint Supply	عرضه مشترک
Compulsory Union	عضویت اجباری اتحادیه	Speculative Supply	عرضه ناشی از سوداگری
Membership			عرضه ناشی از سفته بازی است.
Open Shop	عضویت اختیاری	Speculative Supply	عرضه ناشی از معامله گری
Business	عضویت در اتحادیه کار و کسب	Regressive Supply	عرضه نزولی
Unionism		Introduction	عرضه نشر جدید
Seat on the Exchange	عضویت در بورس	Float a Loan	عرضه وام
Retroactive	عطف به سابق		
Chattel	عقار		
Economic Doctrines	عقاید اقتصادی		
Lag	عقب افتادگی		

Grade Labelling	علامت درجه گذاشتن	Social Leg	عقب افتادگی اجتماعی
Tick Mark	علامت گذاری	Time-lag in Production	عقب افتادگی در تولید
Mark (Marks, Marking, Markings)	علامت گذاشتن	Defer; Postpone	عقب انداختن
Descriptive Labeling	علامت گذاشتن وصفی	Postponement	عقب اندازی
Over Or Under	علاوه بر یا کمتر از (در بورس)	Cultural Lag	عقب ماندگی فرهنگی
Causa Proxima	علت اصلی و اولی	Agricultural Lag	عقب ماندگی کشاورزی
Efficient Cause	علت اصلی یا واقعی	Contract	عقد
Causa Remota; Remote Cause	علت بعید		همان قرارداد است.
Proximate Cause	علت بی واسطه	Revocable Contract	عقد جایز
Remote Cause	علت خارج از دسترس	Suretyship	عقد ضمانت
Remote Cause	علت دور	Nudum Pactum	عقد غیر معوض
Cause of Action	علت عمل	Obligative Contract	عقد لازم
Remote Cause	علت غیر مستقیم	Executory Contract	عقد مؤجل
Economic Determinism	علت گرایی اقتصادی	Rationalize	عقلایی کردن
Proximate Cause	علت مستقیم	Rationalization	عقلایی کردن تولید
Dominant and Effective Cause	علت مسلط و مؤثر	Thriftiness	عقل معاش
Causa Remota	علت مهجور و دور دست	Marginal Productivity	عقیده بهره‌وری نهایی
Proximate Cause	علت نزدیک	Doctrine	
Account for	علتی برای یک مسئله قائل شدن	Prejudice	عقیده تعصب آمیز
Real Causes of the Trade Cycle	علل واقعی دور تجاری	Professional Opinion	عقیده حرفه‌ای
Statistics	علم آمار	Doctrine of Automaticity	عقیده خودکاری
Economics	علم اقتصاد	(The)	
Dynamic Economics	علم اقتصاد پویا	Wages Fund Doctrine	عقیده وجه مزد
Agricultural Economics	علم اقتصاد کشاورزی	Sterilization of Gold	عقیم سازی طلا
Institutional Economics	علم اقتصاد نهادی	Sterilization of Gold	عقیم کردن طلا
Sociometrics	علم اندازه‌گیری پدیده‌های اجتماعی	Private Brand	علامت اختصاری
Economics	علم ثروت	Choice Brand	علامت انتخابی
Politics	علم سیاست	Brand; Commercial Mark;	علامت تجاری
Dismal Science	علم شوم	Trade-mark	
	صفتی است که برای علم اقتصاد تراشیده‌اند.	Registered	علامت تجاری ثبت شده
		Trademark	
		Rival Brand	علامت تجاری رقیب
		Tick; Tick Mark	علامت چوبخط

Probable Life	عمر فعلی بعلاوه احتمال سنوات عمر	Technology	علم صنعت
Physical Life	عمر مادی	Formal Science	علم صوری
Average Life; Middle Ages	عمر متوسط	Finance	علم مالیه
Expected Life	عمر معمولی	Catalactics	علم مبادله
Useful Life	عمر مفید	Management Science	علم مدیریت
Expected Life	عمر مورد انتظار	Cameralistic Science	علم مستوفیگری
Act; Action (law)	عمل	Dismal Science	علم منحوس
Treatment	عمل آوردن	یا علم شوم، لقب علم اقتصاد است.	
Social Act	عمل اجتماعی	Formal Science	علم نظری
Forestalling	عمل احتکار	New Science or Stable Saturation	علم نوین یا اشباع پایدار
Fact	عمل ارزش دار	Social Sciences	علوم اجتماعی
Sampling	عمل استخراج نمونه	Cover (Margin); On Account	علی الحساب
Credit Function	عمل اعتبار	(o/a); Partial Pay	
Debt Function	عمل بدهی	Subsistence Money	علی الحساب بابت دستمزد
Jobbing in Contangoes	عمل پرداخت هزینه تمدید معاملات بورس	Bulk	عمده
Bear Operation	عمل پیش فروش کننده (برس)	In Gross; Wholesaler	عمده فروش
Stabilization Function	عمل تثبیت	Merchant Wholesaler	عمده فروش بازرگان
Vouching	عمل تجزیه و تحلیل در واریسی اسناد	Limited Function Wholesaler	عمده فروش با کار محدود
Allocation Function	عمل تخصیص	Truck Wholesaler	عمده فروش با کامیون
Distribution Function	عمل توزیع	Full Function Wholesaler	عمده فروش چندکاره
Tabulation	عمل ثبت و طبقه بندی داده ها	Operator	عمده فروش سهام
Accounting Transaction	عمل حسابداری	Cash-carry Wholesaler	عمده فروش نقد فروش
Automatic Working of the Gold Standard	عمل خودکار پایه طلا	Wholesale	عمده فروشی
Gold Automation	عمل خودکار طلا	Truck Wholesaler	عمده فروشی که از طریق کامیون
Debt Function	عمل دین	Wholesaler	فروش می کند
Refund	عمل رد کردن پول یا قرض	Economic Life	عمر اقتصادی
Go-and-not-go Gage	عمل رسیدگی	Economic Life	عمر بهره برداری
Perforation	عمل سوراخ سوراخ کردن (در چک)	Physical Life; Service Life	عمر خدمت
Counter Cyclical Action	عمل ضد ادواری	Service Life	عمر خدمتی
Sponte Acta	عمل غیرارادی	Useful Life	عمر سودمندی

Statement Heading	عنوان صورت حساب	Industrial Action	عمل‌کاری
Marketable Title	عنوان قابل فروش	Inverted Take-over	عملکرد عکس
Head Lease	عنوان قرارداد اجاری	Business Performance	عملکرد کار و کسب
Contribution; Custom; Dues; Excise; Levy Assessment; Toll	عوارض	Track Record	عملکرد گذشته
Contingency Duty	عوارض احتیاطی	Standard Performance	عملکرد معیار
Discretionary Duty; Discriminatory Duty	عوارض اختیاری	Pay-as-you-go Basis	عملکرد یا روش نقدی
Polling Penny	عوارض اخذ رأی	Function of a Function Rule	عملکرد یک عمل قاعده‌ای
Birthage	عوارض اسکله	Reaction; Reciprocity; Repercussion (Impact) On	عمل متقابل
Surcharge	عوارض اضافی	Labourer; Orra Man	عمله
Wharf Dues	عوارض بارانداز	Open Market Operations	عملیات بازار باز
Port Charge; Port Dues	عوارض بندری		خرید و فروش اوراق بهادار از سوی بانک مرکزی است.
Delivered Duty Paid	عوارض پرداخته شده	Black-Market Operations	عملیات بازار سیاه
D.D.U.	عوارض پرداخته نشده	Marketing Cost	عملیات بازاریابی
Delivered Duty Unpaid	نشانه اختصاری	Mercantile Business	عملیات تجاری
Excise Licences	عوارض پروانه وارداتی	Multiplant Operation	عملیات چندکارخانه‌ای
Discriminatory Duty	عوارض تبعیضی	Lay Off	عملیات را متوقف کردن
Discriminatory Duty	عوارض ترجیحی	Option Deal	عملیات سفته بازی روی ترقی سهام
Stamp Duties	عوارض تمبر	Back-door Operations	عملیات غیر مستقیم در بازار پول
Compensatory Duty	عوارض جبران‌کننده	Cycle	عملیات کامل ماشین یا تولید
Compensatory Duty; Countervailing Duty	عوارض جبرانی	Special Currency	عملیات مخصوص پولی
Licence Tax	عوارض جواز	Operations	
Vehicle Excise Duty	عوارض داخلی وسیله نقلیه	Front Door Operations	عملیات مستقیم
Capital Duty	عوارض سرمایه	Duplication of Functions	عملیات مشابه
Rates	عوارض شهرداری	Profit, Elements of	عناصر سود
Anti-dumping Duty	عوارض ضد بازارشکنی	At Call; Callable; On Demand	عندالمطالبه
Excise Duties; Excise Tax	عوارض کالاهای داخلی	Store of Value	عنصر ارزش‌اندوز
Occupation Tax	عوارض کسب	Nominal Element	عنصر اسمی
Custom Charges; Customs Duties	عوارض گمرکی	Marketable Title	عنوان بازاریار
		Sidehead	عنوان دسته حسابهای در گردش

Psychological Factors	عوامل غیر مادی در سرمایه‌گذاری	Specific Duties	عوارض گمرکی برحسب مشخصات
Variable Factors	عوامل قابل تغییر	Compensatory Duty	عوارض گمرکی تاوان
Competitive Factors	عوامل قابل رقابت	Compensatory Duty	عوارض گمرکی جبرانی
Factors Influencing Location of Industry	عوامل مؤثر در مکان‌یابی صنعت	Dock Dues	عوارض لنگرگاه
Variable Factors	عوامل متغیر	Compound Duty	عوارض مرکب
Competitive Factors	عوامل محرک رقابت	Specific Duties	عوارض گمرکی مشخص
Factors, Specific	عوامل مشخص		همان عوارض گمرکی برحسب مشخصات کالا است.
Complementary Factors	عوامل مکمل	Spillover Costs	عوارض منفی فرعی
Non-Specific Factors	عوامل نامشخص	Import Duty (Duties)	عوارض واردات
Lobby	عوامل نفوذ	Prohibitive Tariff	عوارض و حقوق گمرکی ممانعتی
Specific Factors of Production	عوامل ویژه تولید	Inputs	عوامل
Earnings; Proceeds	عواید		منظور منابع و مواد اولیه برای تولید است.
Social Benefits	عواید اجتماعی	Inputs	عوامل به کار رفته
Retained Earnings (Undistributed Profits)	عواید انباشته		همان در داده یا منابع اولیه تولید است.
Transfer Earnings	عواید انتقالی	Reserve	عوامل تعیین‌کننده اندوخته
Old-age Benefits	عواید ایام پیری	Determinants	
Retained Earnings (Undistributed Profits); Undistributed Profit	عواید توزیع نشده	Factors of Production	عوامل تولید
Current Proceeds	عواید جاری		در داده‌ها یا منابع اقتصادی مورد نیاز برای تولید کالاها و خدمات است.
Net Proceeds a Sale	عواید خالص از فروش	Fixed Factor	عوامل ثابت تولید
Net Earnings of Management	عواید خالص مدیریت	Substitutional Factors	عوامل جانشینی
Spendable Earnings	عواید خرج کردنی	Demographic Factors	عوامل جمعیت‌شناسی
Revenue	عواید دولتی	Offset to Saving	عوامل خنثی‌کننده پس‌انداز
Factor Earnings	عواید عامل	Competitive Factors	عوامل رقابت آمیز
Perks	عواید غیر مستمر	Competitive Factors	عوامل رقابتی
Sales Revenue	عواید فروش	Competitive Factors	عوامل رقیب
Efficiency Earnings	عواید کارآیی	Psychological Factors	عوامل روانی در سرمایه‌گذاری
		Psychological Factors	عوامل روحی (معنوی) در سرمایه‌گذاری

Hallmark	عيار گذاشتن	Internal Revenue	عوايد مالياتي
Assaying	عيارگيري	Tax Proceeds	عوايد مالياتي
Fineness Coins Alloy	عيار مسكوكات	Earnings of Management	عوايد مديريت
Inherent Vice; "Vice Propre"	عيب ذاتي	National Revenue	عوايد ملي
Deficiency	عيب و نقص	Real	عوايد واقعي هفتگي خرج كردني
Inherent Vice of Goods کالا	عيب و نقص ذاتي کالا	Spendable Weekly Earnings	
Average Tare	عيب و نقص متناسب	Earnings per Share	عوايد هر سهم
Retaliate	عين چيزي را به كسي برگرداندن	Assaying	عيارسنجي
Equitable Estate; Pledge	عين مرهونه	Fineness of Coins	عيار فلز سكه



Absentee Landlord	غیبت مالک	Staple Food	غذای اساسی
After Hours	غیر از ساعات کار بورس	Reparations	غرامات
Extrinsic	غیراصلی	Compensation; Damages; Fine;	غرامت
Nonnormative	غیراصولی	Forfeiture	
Uneconomic	غیراقتصادی	Unemployment	غرامت بیکاری
Eleemosynary	غیرانتفاعی	Compensation; Unemployment Dole	
Nonbank	غیربانکی	Double Indemnity	غرامت بیمه مضاعف
Demonetize	غیربولی کردن	Indemnify; Compensate	غرامت پرداختن
Non-cumulative	غیرتراکمی	Indemnity	غرامت جنگی
Nonprogressive	غیرتصاعدی	Golden Handshake	غرامت خاتمه خدمت
Geoson	غیرتولیدی	Indemnify	غرامت دادن
Non Clearing	غیرتهاتری	Indemnitor	غرامت دهنده
Aperiodic	غیر دوره‌ای	Aggregate Indemnity	غرامت کل
Extrinsic	غیرداتی	Indemnatee	غرامت‌گیر
De facto	غیررسمی	Penalty Agreed Beforehand	غرامت مقطوع
Nonquota	غیر سهمیه	Letter of Indemnity	غرامت‌نامه
Trivial	غیرعلمی	Booth; Stall	غرفه
Impracticable	غیرعملی	Booth (Stall) Keeper	غرفه‌دار (در بورس)
Nonforfeiture	غیرقابل ابطال (درمورد اقساط بیمه)	Bulk	غوال به صورت فله
		Double-depression	غوطه دوباره در کساد
Unemployable	غیرقابل استخدام	Sick Out	غیبت بیماری

Unforeseen	غیر مترقبه	Obsolete	غیر قابل استفاده
Nonprogressive	غیر مترقی	Non-transferrable; Not	غیر قابل انتقال
Illicit	غیر مجاز	Negotiable	
Pay	غیر مجانی	Irredeemable	غیر قابل باز خرید
Improvided	غیر مجهز	Irrevocable	غیر قابل برگشت
Orra; Orrow	غیر مسئول	Unacceptable	غیر قابل پذیرش
Dependent	غیر مستقل	Undetermined	غیر قابل پیش بینی
Roundaboutness	غیر مستقیمی (روش تولید)	Inconvertible	غیر قابل تسعیر
Extravagant	غیر معقول افراطی	Joint	غیر قابل تقسیم
Exorbitant	غیر معمولی	Nonassessable; Unpriced	غیر قابل تقویم
Unexpected	غیر منتظره	Inconsistent	غیر قابل تلفیق
Immobile	غیر منقول	Irredeemable	غیر قابل خرید
Lock Up Capital	غیر منقول ساختن سرمایه	Unsaleable	غیر قابل فروش
Immobility	غیر منقولی	Unacceptable	غیر قابل قبول
O/S	غیر موجود	Nonnegotiable	غیر قابل معامله (در مورد
Noncash	غیر نقد		سفته و برات)
In Kind	غیر نقدی	Not Negotiable	غیر قابل معامله
Illiquidity	غیر نقدینگی	Uncollectable	غیر قابل وصول
Illiquid	غیر نقدینه	Inconvertibility Note Issue	غیر قابلیت تبدیل
Unreal	غیر واقعی	Inconvertibility Note Issue	غیر قابلیت تسعیر
Nonnormative	غیر هنجاری	Illegal	غیر قانونی



Without Reserve	فاقد الزام فروش	F.A.O.	فانو
Ex-new	فاقد حق خرید سهام جدید		سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد و هدف
Unqualified	فاقد شرایط لازم		اصلی آن افزایش تولید مواد غذایی در سراسر جهان
Unqualified	فاقد صلاحیت		و بهبود سطح تغذیه آنهاست. F.A.O. نشانه
Tax Free	فاقد مالیات	Food and Agricultural Organization	اقتصادی کشاورزی و دامپروری است.
Loaned Up	فاقد موجودی برای وام	Feudalism	فئودالیسم
Carriage Free; Franco	فاقد هزینه حمل	Fathom	فاتوم
Domicile	بدون هزینه حمل و تحویل در خانه.		واحد طول برابر با ۶ فوت و هفتاد و دو اینچ.
Avail; Benefit; Significance; Utility	فایده همان مطلوبیت است.	Perishable	فاسد شدنی
Optional Dividend	فایده اختیاری	Disclose	فاش کردن
Gain	فایده بردن	Confidence Interval	فاصله اعتماد
Net Benefit	فایده خالص	Differentiation	فاصله چارکی
Service Utility	فایده خدمت	Interquartile Range	اصطلاح آمار.
Pragmatic Utility	فایده عملی	Net Cycle	فاصله زمانی خرید و فروش یک کالا
Cardinal Utility	فایده قابل شمارش	Time	زمان
Utilitarianism	فایده گرایی	Class Interval	فاصله طبقه
	یا مطلوبیت گرایی، آموزه بنام و پیروانش که اصل	Differentiation	فاضله گیری
	«بیشترین لذت برای بیشترین افراد» را به عنوان	Logarithmic	فاضله گیری لگاریتمی
	ضابطه قضاوت درباره فعالیت انسان پذیرفته اند.	No Advice	فاقد اطلاعیه

Marginal Product	فرا آورده نهایی	Ownership Utility	فایده مالکیت
	همان محصول نهایی است.	Diminishing Utility	فایده نزولی
Primary Products	فرا آورده های اولیه	Marginal Utility	فایده نهایی
Rival Commodities	فرا آورده های رقیب	Marginal Utility of Money	فایده نهایی پول
Productivity	فرا آوری	Marginal Utility of Product	فایده نهایی محصول
	همان بهره وری است.		
Net Productivity	فرا آوری خالص		همان مطلوبیت نهایی محصول است.
Productivity of Capital Stock	فرا آوری سهام سرمایه ای	Diminishing Marginal Utility	فایده نهایی نزولی
Marginal Revenue Productivity	فرا آوری دریافتی نهایی		همان مطلوبیت نهایی است.
Productivity of Capital	فرا آوری سرمایه	Interdependent Utility	فایده وابسته
Manufacturing Productivity	فرا آوری صنعتی	Social Benefit or Cost	فایده یا هزینه اجتماعی
Labour Productivity	فرا آوری عامل کار	Award	فتوی
Marginal Physical Productivity of Labour	فرا آوری فیزیکی نهایی کار	Awarder	فتوی دهنده
		Note; Promissory Note	فته طلب
			همان سفته است.
Labour Productivity	فرا آوری کار	Balloon Note	فته طلب با شرایط اولیه آسان
Average Productivity	فرا آوری متوسط	Promise	فته طلب دادن
Social Average Productivity	فرا آوری متوسط اجتماعی	Minimum Sacrifice	فداکاری کمینه
Potential	فرا آوری متوسط اجتماعی و بالقوه	F.E.D.	فدرال رزرو
Social Average Productivity of Investment	سرمایه گذاری تولیدی	Federal Reserve	نشانه اختصاری بانک مرکزی ایالات متحد و خصوصی است.
Diminishing Productivity	فرا آوری نزولی	Product	فرا آورده
Marginal Productivity	فرا آوری نهایی		همان محصول است.
Marginal Productivity of Waiting	فرا آوری نهایی انتظار	End Product	فرا آورده پایانی
Marginal Productivity of Capital	فرا آوری نهایی سرمایه	Net Product	فرا آورده خالص
		Net National Product	فرا آورده خالص ملی
			همان محصول خالص ملی است.
Marginal Productivity of Labour	فرا آوری نهایی کار	Produce	فرا آورده کشاورزی
Productivity of Labour	فرا آوری نیروی کار	National Product	فرا آورده ملی
			همان محصول ملی است.
Super-environment	فرا تر از محیط	Gross National product	فرا آورده ناخالص ملی
			همان محصول ناخالص است.

Labour Augmenting Technical Process	فراگرد فنی کارافزا	Flight from Currency	فرار از پول
Labour Augmenting Technical Process	فراگرد فنی کاربر	Flight from the Dollar	فرار از دلار
Labour Process	فراگرد کاری	Tax Dodging	فرار از مالیات همان گریز از مالیات است.
	اصطلاحی است که مارکس به جای فراگرد تولید به کار برده است و اهمیت برتر نیروی کار را متبلور می‌سازد.	Deposit Run off	فرار سپرده
Markov Process	فراگرد مارکوف	Capital Flight; Flight of Capital	فرار سرمایه انتقال انبوه پول از یک کشور به کشور دیگر برای مصونیت از تحولات زیان‌بار اقتصادی، سیاسی یا نظامی.
	فراگردی که ارزش جاری یک متغیر را به ارزش پیشین آن و یک جمله خطای تصادفی ربط می‌دهد.	Tax Evasion	فرار مالیاتی
Productive Processes	فراگردهای تولید	Brain Drain	فرار مغزها کوچ افراد منور، فرهیخته و ارزشمند از کشورهای فقیرتر به ثروتمندتر.
Disequilibrating Processes	فراگردهای نامتعادل سازنده	Cyclical Fluctuations	فراز و نشیب فعالیت کار و کسب فراشد
Covering	فراگیرنده	Process	همان فراگرد یا جریان است.
Learning	فراگیری همان یادگیری است.	Irresponsability	فراغت از مسئولیت همان بی‌مسئولیتی یا نبود مسئولیت است.
Market Coverage	فراگیری بازار	Off-hours	فراغت کار
	شماری از خریداران احتمالی که زیرپوشش یک برنامه تبلیغات بازرگانی قرار گیرند.	Process; Processus	فراگرد همان فراشد یا جریان است.
Transnational	فراملی	Error Learning Process	فراگرد آگاهی‌یابی از اشتباه
Transnational	فراملیتی	Stochastic Process	فراگرد بختی
Deductible; «Franchise»	فراشیز	Budget Process	فراگرد بودجه
	در بیمه، میزان خسارتی که بیمه‌گر بر طبق قرارداد بیمه از جبران آن بخشوده است.	Research and Development Process	فراگرد تحقیق و توسعه
Franc, CFAF	فرانک، واحد پول افریقای مرکزی	Random Process; Stochastic Process	فراگرد تصادفی
Franc, F	فرانک، واحد پول آندورا	Adjustment Process	فراگرد تطبیق
Franc, BF	فرانک، واحد پول بلژیک	Manufacturing Process	فراگرد ساخت
Franc, CFAF	فرانک، واحد پول بنن		
Franc, FBu	فرانک، واحد پول بوروندی		
Franc, CFPF	فرانک، واحد پول پلی‌نزی فرانسه		
Franc, CFAF	فرانک، واحد پول توگو		
Franc, DF	فرانک، واحد پول جیبوتی		

Absolute Frequency	فراوانی مطلق	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول چاد
Expected Frequency	فراوانی نظری	Franc, RF	فرانک، واحد پول روآندا
Observed Frequencies	فراوانیهای آزمایشی	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول ساح عاج
Marginal Frequencies	فراوانیهای حاشیه‌ای	Franc, F	فرانک، واحد پول فرانسه
Marginal Frequencies	فراوانیهای نهایی	Franc,	فرانک، واحد پول کالدونیای جدید
Observed Frequencies	فراوانیهای واقعی	CFAF	
Raise Money	فراهم کردن پول	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول کامرون
Raise a Money (for Another)	فراهم کردن پول یا سرمایه برای کسی	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول کنگو
Usance	فرجه	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول کومور
Economic Man	فرد اقتصادی	Franc, F	فرانک، واحد پول گوادلوپ
Individualism	فردگرایی	Franc, F	فرانک، واحد پول گینه فرانسه
Depletion	فرسایش	Franc, LuxF	فرانک، واحد پول لوکزامبورگ
Soil Erosion	فرسایش زمین	Franc, SWF	فرانک، واحد پول لیختنشتاین
Cross-freight	فرستادن بار در مقابل بار	Franc, FM	فرانک، واحد پول ماداگاسکار
Remittance	فرستادن پول	Franc, F	فرانک، واحد پول مارتینیک
Immigrant Remittance	فرستادن پول از طرف مهاجران	Franc, MF	فرانک، واحد پول مالی
Cash Remittance	فرستادن وجه نقد	Franc, F	فرانک، واحد پول موناکو
Sender	فرستنده	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول جزایر والیس و فوتونا
Forwarder; Freight	فرستنده بار	CFAF	
Freight Forwarder	فرستنده بار کشتی	Franc, CFAF	فرانک، واحد پول ولتای علیا
Consignor; Expediter	فرستنده کالا	Opulent	فراوان
Consignor	فرستنده محموله	Frequency	فراوانی
Wear and Tear	فرسودگی	Cumulative Frequency	فراوانی انباشتی
Human Obsolescence	فرسودگی انسانی	Cumulative Frequency	فراوانی تجمعی
Fair Wear and Tear	فرسودگی در حد معمول	Factor Endowment	فراوانی عوامل تولید
Productive Opportunity	فرصت تولیدی		امکان دسترسی به عوامل تولید فراوان در یک منطقه یا یک کشور.
Opportunity To Invest	فرصت سرمایه‌گذاری	Frequency of	فراوانی غیبتها
Opportunism	فرصت طلبی	Absences	
Pot of Gold	فرصت کسب ثروت سرشار	Cumulative Frequency	فراوانی متراکم
Specific Hypothesis	فرض مشخص	Cell Frequency	فراوانی متن (در جدول توافقی)

Bernoulli's Hypothesis	فرضیه برنولی	Hypothesis of No Difference	فرض نبودن تفاوت
به موجب این فرضیه تصمیم یک فرد برای پذیرش یا رد شرط بندی خاصی به مطلوبیت حاصل از پول به دست آمده بستگی دارد و نه به کل مبلغ این پول.		Basic Assumptions Hypothesis; Postulate	فرضهای بنیادی فرضیه
Natural Selection Hypothesis	فرضیه بیهکزی طبیعی	Statistical Hypothesis	فرضیه آماری
Screening Hypothesis	فرضیه بیزش	Shift Effect Hypothesis	فرضیه اثر انتقال
این بحث است که آموزش و پرورش اثر فزاینده اندکی روی فرآوری دارد.		این بحث است که سیاست درآمندی می تواند این اثر را به بار آورد که منحنی فیلیپس را به چپ براند و بنابراین نرخ کمتر دستمزد یا تورم قیمت بازاری مقادیر عوامل و عموماً سطح اشتغال را معین می کنند.	
Sales Maximization Hypothesis	فرضیه بیشینه سازی فروش	Pivot Effect Hypothesis	فرضیه اثر محوری
Dual Decision Hypothesis	فرضیه تصمیم گیری دوگانه	این بحث است که سیاست درآمندی افزون بر اثر انتقال در فراگرد تطبیق دستمزد می تواند تغییری در شیب منحنی فیلیپس نیز بدهد.	
این بحث در اقتصاد جدید کینزی است که توابع سستی تقاضا و عرضه علایم مربوطه را برای دستیابی به تعادل در بازار ارائه نمی کنند.		Crowding Hypothesis	فرضیه ازدحام
Dual Decision Hypothesis	فرضیه تصمیم گیری مضاعف	Dual Labour Market Hypothesis	فرضیه بازار دوگانه نیروی کار
همان فرضیه تصمیم گیری دوگانه است.		از این دیدگاه بازار به دو بخش اصلی «شغل های خوب» و بخش فرعی «شغل های بد» تقسیم می شود. بر پایه این فرضیه، بازار کار به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم می شود. مشاغل «خوب» بخش اولیه اقتصاد دوگانه و مشاغل «بد» و کارگران سرخورده بخش ثانویه را تشکیل می دهند. چاره افزایش شمار مشاغل خوب است. سرمایه گذاری در نیروی انسانی نیز پیشنهاد شده است.	
Permanent Income Hypothesis	فرضیه درآمد دایمی	Efficient Market Hypothesis	فرضیه بازار کارآمد
این فرضیه است که مصرف فرد (یا خانوار) به درآمد دایمی او بستگی دارد.		یا مؤثر، دیدی است درباره بازار سهام بدین مفهوم که قیمت سهام خود بهترین برآورد موجود از ارزش واقعی آنهاست.	
Endogenous Income Hypothesis	فرضیه درآمد درونزا	Efficient Market Hypothesis	فرضیه بازار مؤثر
این نظریه است که مطلوبیت تابعی است از مخارج مصرفی و نیز ثروت. به موجب این فرضیه مطلوبیت تابعی است از مخارج مصرفی و ثروت.		Screening Hypothesis	فرضیه برگزینش
Permanent Income Hypothesis	فرضیه درآمد مستمر		
به موجب این فرضیه مصرف فرد یا خانوار به درآمد مستمر بستگی دارد.			

Additional Worker Hypothesis	فرضیه کارگر اضافی	Absolute Income Hypothesis	فرضیه درآمد مطلق
به موجب این فرضیه، کاهش درآمد واقعی خانواده به هنگام رکود ادواری بر عایدات خانواده اثر درآمدی بر جای می‌گذارد.		به عنوان قاعده و به طور متوسط برای کسانی است که وقتی درآمدها افزایش یابد بر مصرف خود می‌افزاید اما نه به میزانی که بر درآمدها افزوده شده است.	
Zonal Hypothesis	فرضیه منطقه‌ای	Relative Income Hypothesis	فرضیه درآمد نسبی
یا فرضیه ناحیه‌ای، این مفهوم را می‌رساند که انواع استفاده از اراضی و تصرف و تأثیر متقابل آنها در شهر شکل یک مجموعه از نواحی هم مرکز را پیدا می‌کند به گونه‌ای که محله کار و کسب در مرکز قرار می‌گیرد.		به موجب این فرضیه مصرف یک فرد یا خانوار تابع درآمد فرد در مقایسه با دیگر افراد و خانوارها و نیز سطح درآمد خود آن فرد یا خانوار در دوره پیشین است.	
Zonal Hypothesis	فرضیه ناحیه‌ای	Ceteris Paribus	فرضیه در شرایط مساوی
Minimum Cost Condition	فرضیه هزینه کمینه		اصلاح لاتین است.
Null Hypothesis	فرضیه هیچ	Life-cycle Hypothesis	فرضیه دور زندگی
گزاره نظری یا تفسیر یک پدیده است که در صورت برخورد با واقعیات قابل ابطال و رد باشد.		به موجب این فرضیه افراد در هر مرحله سهم ثابتی از ارزش حال درآمد دوره زندگی خود را خرج می‌کند.	
Gap	فارق فاحش	Theory	فرضیه علمی
Consumer Sovereignty	فرمانروایی مصرف‌کننده		معادل نظریه علمی است.
Order	فرمایش	Theory of Rent	فرضیه علمی اجاره
Nonnormative	فرمایشی		همان نظریه بهره است.
	نامتکی به اصل حقوقی یا فلسفی.	Theory of Value	فرضیه علمی ارزش
Administrator	فرمدار	Spillover Hypothesis	فرضیه فرعی
Market Collapse	فروپاشی بازار		این پندار است که پرداختهای زیاد دستمزد موجب پرداختهایی دارای اهمیت کمتر می‌شود.
Crash (Krash)	فروپاشی بازار مالی	Culture of Poverty	فرضیه فرهنگ فقر
Crash; Krash; Stock Market Crash	فروپاشی بورس	Hypothesis	
			این بحث است که اغفال در بازار نیروی کار ثانوی کارگران را به روش بدکار کردن وا می‌دارد.
Crash (Krash)	فروپاشی مالی	Discouraged Worker Hypothesis	فرضیه کارگر سرخورده
Sell	فروختن		
Sell at Discount	فروختن با تخفیف		این فرضیه حساسیت میزان مشارکت نیروی کار را نسبت به ادوار اقتصادی مورد بحث قرار می‌دهد.
Sell A Hear	فروختن بدون وثیقه (در بورس)		
Sell Against	فروختن مجدد		

Seller's Seven Sale	فروش با تأخیر هفت‌روزه	Salable; Saleable	فروختنی
Hard Sell	فروش با تلاش		همان قابل فروش است.
Market Selling	فروش بازاری	Collapse	فروریختگی
High-pressure Selling	فروش با فشار زیاد	Alienation	فروش
Sale by Tender	فروش با مزایده		کل دریافتی بابت فروش یک بنگاه.
Freight Absorption	فروش بدون افزودن هزینه تحویل	Open to Buy Report	فروش (اعم از حقیقی یا تخمینی)
Hammer the Market	فروش بدون تضمین	Put	فروش (بررس)
K.D.	فروش بدون نصب	Sale; Selling	فروش
Knocked Down	فروش بدون نصب	Soft Sell	فروش آرام
	نشانه اختصاری آن K.D. است.	Sale on Approbation	فروش آزمایشی
Short Sale	فروش بدون وثیقه	Forced Sale	فروش اجباری
Selective Selling	فروش برگزیده		اجبار خریدار به خرید چندین کالا به هنگام خرید یکی از آنها.
Hire Purchase; Installment Plan; Time Selling	فروش به اقساط	Mail-order Business	فروش از طریق مکاتبه
Sale Ex Bond	فروش به بری الذمه	Distress Selling; Forced Sale	فروش اضطراری
Slaughter	فروش به زیان		
Hard Sale	فروش به جبر	Credit Selling	فروش اعتباری
Sale or Return	فروش به شرط برگشت	Oversold	فروش افراطی
Sale on Approval	فروش به شرط پسند	Deferred Payment Sale; Installment Plan	فروش اقساطی
Bargain Sale	فروش به قیمت حراج		نوعی فروش اعتباری است که بهای آن به اقساط مساوی یا نامساوی از خریدار وصول می‌گردد.
Inertia Selling	فروش بی‌تکاپو	Heavy Sales	فروش انبوه
Oversale	فروش بیش از میزان موجودی	Switch Selling	فروش انحرافی
Direct Selling	فروش بی‌واسطه		تبلیغ یک نوع کالا و کوشش برای فروش کالای گران؛ همان فروش عوضی است.
End of Season Sale	فروش پایان فصل	Sales of Currencies	فروش انواع پول
Back-door Sale	فروش پنهانی	Sale with Option of Redemption; Sale with Option of Repurchase	فروش با اختیار بازخرید
Clearance Sale	فروش تصفیه		
Current Sale	فروش جاری	Sale by Sample	فروش با ارائه نمونه
Blind Selling	فروش چشم‌بسته	Sale by Tender	فروش با پیشنهاد
Job Lot	فروش چکی		
Face to Face Selling; Personal Selling	فروش حضوری		
Net Sale	فروش خالص		

Short Sale	فروش سلم	Installment (Buying) Sale	فروش (خرید) قسطی
Bond Washing	فروش سهام پیش از تقسیم سود	Placing	فروش خصوصی اوراق بهادار
Time Bargain	فروش سهام و جز اینها پیش از موقع انتشار آنها	Placing; Private Placing	فروش خصوصی سهام
Sale for Account	فروش سهم با تصمیم به تحویل در آینده (در بورس)	Interior Sale	فروش داخله
Conditional Sale	فروش شرطی	Home Sale	فروش داخلی
Bulk Sale	فروش عمده	Sale and Lease Back	فروش دارایی و اجاره آن از مالک جدید
Switch Selling	فروش عوضی	Open Market Sale	فروش در بازار باز
Unauthorized Sale	فروش غیرمجاز	Door-step-selling	فروش در به در
Installment Sale	فروش قسطی		فروش از طریق مراجعه به خانواده‌ها.
Sale by Description	فروش کالا از روی فهرست مشخصات	Selling Against the Box	فروش در بورس
Direct Mail	فروش کالا با پست	Sale at Auction; Sale by Auction	فروش در حراج
Sale of Goods	فروش کالاها		
Spot Sale	فروش کالای موجود	Cash on Delivery Sale	فروش در مقابل بازپرداخت
Heavy Sales	فروش کثیر	Hand Sale	فروش دستی
Turnover	فروش کل	Selling-out	فروش دوباره
Net Sale	فروش کل منهای برگشتی تخفیفات	Back-door Sale	فروش دور از انظار
Bulk Sale	فروش کلی	Realize	فروش رفتن
Short Sale	فروش کم‌مدت	Wash Sale	فروش رقیق
Outlet; Retail Outlet; Sales Room; Shop; Stores Stock	فروشگاه	Face to Face Selling	فروش رودررو
Variety Store	فروشگاه ابزار	Spot Sale	فروش روز
Discount Store	فروشگاه ارزان	Hard Sale	فروش زورکی
Department Store	فروشگاه استانی		همان فروش با تلاش است.
Departmental Store; Store; Superstore	فروشگاه بزرگ	Secondary Offering	فروش زیاد اوراق بهادار
Retail Store	فروشگاه بزرگ جزئی فروشی	Oversold	فروش زیادی
Supermarket	فروشگاه بزرگ مواد غذایی	Undersell	فروش زیر قیمت
Discount Store	فروشگاه تخفیف‌دار	Sham Sale; Wash Sale	فروش ساختگی
Chain Store	فروشگاه زنجیره‌ای	Forward Sale; Short Bear Sale; Short Sale	فروش سلف
	سازمان عظیم تجاری شامل شمار زیادی واحدهای	Short Bear Sale	فروش سلم (در بورس)

Sales Returns	فروش مرجوعی	جدداگانه است که در سراسر کشور یا منطقه‌ای خاص پراکنده‌اند.
Direct Selling; Face to Face Selling	فروش مستقیم	فروشگاه زنجیری داوطلبانه
Conditional Sale; Tie-in Sale	فروش مشروط	Voluntary Chain Store
در این وضع خریدار یک کالا ملزم می‌شود تا کالای دیگری و معمولاً مکمل کالای نخست را خریداری کند.		Company Store
		فروشگاه شرکت
		Specialty Store
		فروشگاه کالاهای اختصاصی
		General Merchandise Store
		فروشگاه کالاهای عمومی
Sale or Return	فروش مشروط به پس آوردن	Variety Store
		فروشگاه کالاهای متنوع
Slaughter	فروش مشکل	Specialty Store
		فروشگاه کالاهای ویژه
Tie-in Sale	فروش مقید	Speciality Store
		فروشگاه کالای اختصاصی
Mail Order Sale	فروش مکاتبه‌ای	Variety Store
		فروشگاه متنوع
Spot Sale	فروش موجودی	Limited-line Store
		فروشگاه مجموعه اجناس محدود
Cash a Cheque	فروش موجودی کالا	Point of Sale
		فروشگاه مرکزی
Gross Revenue; Gross Sale	فروش ناخالص	Unit Store
		فروشگاه واحد
Bill of Sale	فروش نامه	Chain Stores
		فروشگاههای زنجیره‌ای
Gross Sale	فروش ناپیوسته	Department Store
		فروشگاههای مختلط
Acceptance Dealers	فروشندگان برات	Foreclosure
		فروش گروهی
Salesmanship	فروشندگی	Selective Selling
	مراد فن فروشندگی است.	فروش گزینشی
Salesman; Seller; Vendor	فروشنده	Selective Selling
		فروش گلچین
Marginal Seller	فروشنده آخرین	Tax Selling
		فروش مالیاتی
Taker for a Put and Call	فروشنده اختیار	Sell at Cost
		فروش مایه کاری
Taker for a Call (بورس)	فروشنده اختیار خرید (بورس)	Cross Sale
		فروش متقابل
Taker for the Call	فروشنده اختیار خرید	انتقال سهم یک دلال تالار بورس سهام است که از دیگری سفارش خرید و سفارش فروش با همان شرایط را دارد.
Taker for a Call More	فروشنده اختیار خرید تا دو برابر (بورس)	Cross Sale
		فروش متقاطع
Writer	فروشنده اختیار خرید سهم	همان فروش متقابل است.
Giver of an Option	فروشنده اختیار معامله	Hard Sale
		فروش مجذانه
Land Agent	فروشنده املاک	همان سخت‌کوشی و تلاش پیگیر است.
Share Pusher	فروشنده اوراق بهادار مشکوک	Resale
		فروش مجدد
Tallyman	فروشنده به اقساط	Sales for the Account
		فروش مدت‌دار
Retail Dealer	فروشنده جزئی	
Taker of Option Money	فروشنده جوایز	

Sales for the Account	فروش وعده‌ای	Seller's	فروشنده حق حبس یک مال یا ملک
Net Sale	فروش ویژه	Lien	
Manufacturer's Sales and Inventory	فروشها و موجودی کارخانه‌دار یا سازنده	Marginal Seller	فروشنده دست آخر
Compulsory Sales	فروشهای اجباری	Hand Seller; Roundsman	فروشنده دوره گرد
Final Sales	فروشهای پایانی	Sales Lady	فروشنده زن
Retail Sales; Ring Trading	فروشهای جزئی	Share Pusher	فروشنده سهم سهم
Forward Sales; Futures Sales	فروشهای سلف	Giver for a Put	فروشنده سهام مشروط
Wholesale Sales	فروشهای عمده‌فروشی	Drummer	فروشنده طبال
Mail-order Sales	فروشهای مکاتبه‌ای	Drummer	فروشنده طواف
Pyramid Selling	فروش هرم‌واری	Rack Jobber	فروشنده غرفه‌ای
For Sale; On Sale; Saleable	فروشی در معرض فروش.	Rack Jobber	فروشنده قفسه‌ای
Sale or Return	فروش یا اعاده	Supplier	فروشنده کالا
Sale or Return	فروش یا برگشت	Sales Engineer	فروشنده متخصص
Banded Pack	فروش یک‌کالا همراه با کالای دیگر	Marginal Seller	فروشنده نهایی
Culture; Education	فرهنگ	Marginal Pair	فروشنده نهایی و خریدار نهایی
Accommodated Culture	فرهنگ تطبیقی	Seller of a Call	فروشنده یک جایزه مستقیم
Nonmaterial Culture	فرهنگ غیرمادی	Option	
Material Culture	فرهنگ مادی	Blind Selling	فروش ندید
Consumer Education	فرهنگ مصرف‌کننده	Charge Sale; Credit Sale; Sale for the Account	فروش نسبه
Spiritual Culture	فرهنگ معنوی	Take for the Put (اصطلاح بورس)	فروش نسبه (اصطلاح بورس)
Accommodated Culture	فرهنگ همساز	Cash Down Sale; Cash Sale	فروش نقد
Out-cry	فرباد حراجی	Put and Take	فروش نقد در برابر بازخرید نسبه
Cheating	فرب	Put and Take	فروش نقد و بازخرید نسبه
Defrauder	فربکار	Cash on Delivery	فروش نقدی
Friedman, Milton (۱۹۱۲-...)	فریدمن، میلتن (۱۹۱۲-...)	Sale And Leaseback	فروش و اجاره مجدد
	اقتصاددان امریکا برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۶ در اقتصاد صاحب‌نظر در مسایل پولی.		در این معامله صاحب زمین، ماشین‌آلات و دیگر تأسیسات، تمام مایملک یا بخشی از آن را به دیگری می‌فروشد و همزمان آن را برای دوره‌ای بلندمدت اجاره می‌کند و منظورش تهیه امکانات مالی بیشتر و سرمایه در گردش و اقدام به سرمایه‌گذاری است.
Frisch, Ragnar (۱۸۹۵-۱۹۷۳)	فریش، راگنار (۱۸۹۵-۱۹۷۳)	Sale and Lease Back	فروش و بازواگذاری
	اقتصاددان نروژی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۶۹ در اقتصاد.		

Bear Squeeze	فشار فوق العاده (به پیش فروش کننده)	Excess Burden	فزونى بار مسئوليت
Price-push	فشار قيمت	Oversaving	فزونى پس انداز
Tax Burden; Tax Impact; Tax Screw	فشار ماليات	Excess Demand	فزونى تقاضا
Economic Pressures	فشارهاى اقتصادى	Seller's Market	فزونى تقاضا بر عرضه
Cost Pull; Cost Push	فشار هزينه	Excess Capacity	فزونى ظرفيت
Wage-cost Push on Prices	فشار هزينه مزد روى قيمتها	Marginal Income	فزونى فروش بر هزينه
Profit Squeeze	فشرده سود	Marginal Increment of Revenue	فزونى نهايى در آمد
Lay-off	فصل كم كارى	Inherent Vice	فساد ذاتى کالا
Commodity Space	فضاى کالا	Annulment; Cancellation	فسخ
Active	فعال	Flat Cancellation	فسخ بدون كم و كاست
Bond Crowd	فعالان در اوراق بيهادار	Revocable	فسخ بردار
Activity	فعاليت	Revocable	فسخ پذير
Extractive Industry	فعاليت استخراجى	Cutting Limit	فسخ سفارش (اصطلاح بورس)
Economic Activity; Venture	فعاليت اقتصادى	Order	فسخ شدنى
Collective Bargaining	فعاليت برائى بهبود شرايط كار	Determinable	فسخ قرارداد بدون تحميل هزينه به
Business Activity	فعاليت تجارى	Flat	بيمه گذار يا نماينده او
Accountancy	فعاليت حسابدارى	Derogate From	فسخ كردن قسمتى از چيزى
Make-work Activities	فعاليت كشدار	Dissolution of Partnership	فسخ مشاركت
Transaction	فعاليت مالى	Credit Crunch	فشار اعتبار
Basic Activities	فعاليتهاى اساسى	Credit Squeeze	فشار اعتبارى
Basic Activities	فعاليتهاى پايه اى	Deflationary Pressure	فشار انقباضى
Make-work Activities	فعاليتهاى كارافزا	Work Load	فشار بار كار
Make-work Activities	فعاليتهاى كار تراش	Inflationary Pressure	فشار تورمى
Permissible Nonbank Activities	فعاليتهاى مجاز غير بانكى	Wage-push Inflation	فشار تورمى مزد
No Advice (or No Order)	فقدان اعلان	Whipsawing	فشار دوسويه
Want of Balance	فقدان تعادل	روش برخى از اتحاديه هاى كارگرى براى كسب امتياز از كارفرما با تهديد به اعتصاب.	فشار شديده
	نشانه اختصارى آن N/A است.	Big Push	رشد نامتوازن با سرمايه گذاريهاى سنگين براى كشورهاى رو به توسعه.

Florin, F	فلورن	Random (مستقیم) (Direct) Access Storage	فقدان دسترسی تصادفی (مستقیم)
	همان فلورین، یا گیلدر، واحد پول هلند است.		
Florin	فلورین، واحد پول هلند	Diseconomy	فقدان صرفه‌جویی
Bulk	فله	Poverty	فقر
Special Bulk Carrier	فله‌بر ویژه کشتی		در مفهوم مطلق، فقر همانا سطوح حداقل درآمد برای ادامه زندگی است و در مفهوم نسبی، فقر از سنجش وضعی گروه‌های همانند با یکدیگر ادراک می‌شود.
Selling in Bulk	فله فروشی	Illth	فقر اقتصادی
Know-how; Technic	فن		کالاها و خدمات مصرفی که به مصرف‌کنندگان و به طور کلی به جامعه زیان بزنند.
Records Management	فن بازرگانی	Non Cash Item	فقره غیر نقدی
Salesmanship	فن دکانداری	Contra Entry	فقره معکوس
Technocrat	فن‌سالار	Total Loss (اصطلاح بیمه) Only	فقط از بین رفتن تمام (اصطلاح بیمه)
Technocracy	فن‌سالاری	Indigent	فقیر
Lead-lag Technique	فن سبقت - تأخیر	Redeem	فک کردن
	یا روش پیشی - درنگ، روش پیش‌بینی مبتنی بر این قضیه است که رابطه پایداری میان یک مجموعه اقتصادی و مجموعه‌ای دیگر وجود دارد.	Farming	فلاحت
Intermediate Technology	فن شناختی میانی	Pragmatism	فلسفه اصالت عمل
	مجموعه‌ای از روش‌های فنی در میان فنون کشورهای صنعتی پیشرفته و فراگردهای ابتدایی اقتصادهای توسعه نیافته.	Pessimism	فلسفه بدبینی
Technology	فن‌شناسی	Optimism	فلسفه برتری نیکی بر بدی
Salesmanship	فن فروشندگی	Determinism	فلسفه تقدیری
Rationalization	فن کفایت افزایی		همان جبریت یا جبرگرایی است.
Technocrat	فن‌مدار	Determinism	فلسفه جبری
Technocracy	فن‌مداری	Optimism	فلسفه خوش‌بینی
Appropriate Technology	فن مناسب	Nominalism	فلسفه صوری
Intermediate Technology	فن میانه	Rationalism	فلسفه عقلایی
Intermediate Technology	فن واسطه		همان فلسفه خردگرایی است.
Labour-saving Techniques	فندهای کاراندوز	Pragmatism	فلسفه عملی
Public Utilities	فوائد عامه	Principle Pragmatism	فلسفه عملی اصولی
F.O.B.	فوب	Positivism	فلسفه عملی و مثبت
	نشانه اختصاری Free On Board است.	Holism	فلسفه کلیت
Foot	فوت، برابر با ۱۲ اینچ معادل ۳۰/۴۸ سانتیمتر و یک‌سوم یارد	Optimism	فلسفه نیک بینی

Production Function	فهرست امکانات در شرایط موجود	Sq. Foot	فوت مربع برابر با ۰۳۰۴/۹۲۹ سانتیمتر مربع.
Inventory	فهرست اموال	Cubic Feet	فوت مکعب
Manifest	فهرست بار (کشتی)	Tricks of the Trade	فوت و فن کار
Market Schedule	فهرست بازار	F.O.R.	فور
Packing List (The)	فهرست بسته بندی	Free on Rail	نشانه اختصاری است.
Tariff Listing	فهرست بندی تعرفه ها	Forint, Ft	فورینت، واحد پایه پول مجارستان
Market Price-list	فهرست بهای خواربار	Superseniority	فوق ارشدیت
Schedule	فهرست پیوست تراز نامه	Over Full Employment	فوق اشتغال کامل
Classification of Accounts	فهرست حسابها و طبقه بندی مربوطه		تداوم ثبات دستمزدها و قیمتها مستلزم سطح کمیته بیکاری است. اگر میزان بیکاری از این سطح پایین تر برود، قیمت و دستمزد رو به افزایش می نهد، زیرا تقاضا برای کالاها و خدمات در سطحی بالاتر از پیشینه ظرفیت تولید اقتصاد قرار می گیرد. این حالت را فوق اشتغال کامل نامند.
Bought Contract	فهرست خرید	Severance Pay	فوق العاده خاتمه خدمت
Purchase Contract	فهرست خرید (بورس)	Outstation	فوق العاده خارج از مرکز
Short List	فهرست خلاصه	Allowance	
Inventories	فهرست داراییها	Premium Bonus	فوق العاده سخت کاری
Index	فهرست دار کردن	Temporary Duty	فوق العاده مأموریت موقت
Rent Roll	فهرست درآمد املاک	Allowance	
Index	فهرست راهنما	Overtime Allowance;	فوق العاده اضافه کار
Register	فهرست رسمی	Overtime Pay	
White List	فهرست سفید	Family Allowances	فوق العاده زن و فرزند
Black List	فهرست سیاه	Fogel, Robert W. (... - ۱۹۲۶)	فوجل، رابرت و. (۱۹۲۶ - ...)
Chart of Accounts	فهرست طبقه بندی حسابها		اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۳ در اقتصاد.
Supply Schedule	فهرست عرضه	File; Record	فهرست
Sale Contract	فهرست فروش (در بورس)	Index	فهرست (اصطلاح رایانه)
Sales Schedule	فهرست فروش	Rent Roll	فهرست اجاره بها
Legal List	فهرست قانونی	Purchase Invoice	فهرست اجناس خریداری
List Price; Price Current	فهرست قیمتها	Nominal List (of Shareholders)	فهرست اسامی (سهامداران)
Packing List	فهرست کالاهای انتخابی		
Free List	فهرست کالاهای معاف (از نظر گمرکی)		
Civil List	فهرست کشوری		

Fisher, Irving (۱۸۶۷-۱۹۴۷) فیشر، ایروینگ	Lloyd's Register of Shipping	فهرست لویدز دربارهٔ مشخصات کشتیها
اقتصاددان امریکایی صاحبنظر در مسائل اقتصادی.	Catalogue	فهرست نامه
Phillips, Albam فیلیپس، البام ویلیام هوسگو	Tariff	فهرست نرخها
William Houssego	Import List	فهرست واردات
اقتصاددان انگلیسی که به عقیدهٔ وی هر قدر بیکاری کمتر شود میزان مزد بالاتر خواهد رفت.	Preference Check List	فهرست واریسی رجحانی
Ipsa Facto فی نفسه	Schedular	فهرستی
اصطلاح لاتین است.	Per; Rate	فی
	On The Spot; Spot	فی المجلس



Convertible	قابل تبدیل	Deputy	قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی
Distrainable	قابل تبدیل بودن مدعی به	Governor	
Catch-penny	قابل تبدیل به پول	Glazing	قاب گرفتن سند و اوراق بهادار
Encashable; Realizable	قابل تبدیل به پول نقد	Voidable	قابل ابطال
Allotable	قابل تخصیص	Objective	قابل اثبات و تحقق به وسایل علمی
Discountable	قابل تخفیف	Leasable	قابل اجاره
Convertible	قابل تسعیر	Executory Contract	قابل اجرا در آینده
Certifiable	قابل تصدیق	Amortizable; Redeemable	قابل استهلاك
Priceable	قابل تعیین قیمت	Protestable	قابل اعتراض
Adjustable	قابل تعدیل	Reliable	قابل اعتماد
Valuable	قابل تقویم	Contangoable; Transmissible	قابل انتقال
Allotable	قابل توزیع	Assignable; Transferable	قابل انتقال (به اعتبار بانکی اطلاق می شود)
Perfectly Substitutable	قابل جانشینی کامل	Negotiable	قابل انتقال به وسیله پشت نویسی
Negotiable	قابل داد و ستد	Redeemable	قابل باز پرداخت
Encashable	قابل دریافت	Redeemable	قابل باز خرید
Prestable	قابل دریافت (مصطلح در اسکاتلند)	Revocable	قابل برگشت
Keen	قابل رقابت (در مورد قیمتها)	Payable	قابل پرداخت
Distrainable	قابل ضبط بودن مال	Payable to Order	قابل پرداخت به حواله کرد
Marketable	قابل عرضه	Payable to Bearer	قابل پرداخت در وجه حامل
Marketable; Salable	قابل فروش	Payable in Advance	قابل پیش پرداخت
Revocable	قابل فسخ		

Comparability	قابلیت مقایسه	Acceptable	قابل قبول
Smuggling; Wildcat	قاچاق	Prima Facie	قابل قبول (در نظر اول)
Smuggler	قاچاق‌بر	Excisable	قابل مالیات‌گیری
Contrabandist; Smuggler	قاچاقچی	Exchangeable	قابل مبادله
Black-marketer	قاچاقچی بازار سیاه	Referable	قابل مراجعه
Contrabandist	قاچاقگر	Expendable	قابل مصرف
Absolute Contraband	قاچاق مطلق	Quotable	قابل مظنه‌گذاری
Solvent	قادر به ادای دین	Negotiable	قابل معامله
Good For	قادر به پرداخت	Chargeable With Duty	قابل نرخ‌گذاری
Solvent	قادر به پرداخت بدهی	Collectable; Receivable(s)	قابل وصول
Seniority Rule; Majority Rule	قاعده ارشدیت	Transferability of Cheque	قابلیت انتقال چک
Prudent-man Rule	قاعده انسان محتاط	Organization	قابلیت انعطاف سازمان
Net Back Formula	قاعده باز یافت	Flexibility	
Absolute Priority Rule	قاعده برتری مطلق	Redeemability	قابلیت باز خرید
Best Evidence Rule	قاعده بهترین مدرک	Viability	قابلیت بقا
Utility Maximizing Rule	قاعده بیشینه‌سازی فایده	Payability	قابلیت پرداخت
	همان قاعده بیشینه‌سازی مطلوبیت است.	Convertibility	قابلیت تبدیل پول
Utility Maximizing Rule	قاعده بیشینه‌سازی مطلوبیت	General Convertibility	قابلیت تبدیل عمومی
		Currency	قابلیت تبدیل و تسعیر به پول
Rule of Capture	قاعده تصرف	Convertibility	قابلیت تسعیر
Social Decision Rule	قاعده تصمیم اجتماعی	General Convertibility	قابلیت تسعیر عمومی
Decision Rule	قاعده تصمیم‌گیری	Divisibility	قابلیت تقسیم
	ضابطه‌ای برای تصمیم‌گیری درباره ادامه یا توقف یک طرح یا قیمت‌گذاری برای یک محصول.	Distributivity	قابلیت توزیع
Replacement Method	قاعده تعویض	Producibility; Productiveness; Productivity; Yield-capacity	قابلیت تولید
Net Back Formula	قاعده تعیین قیمت کاذب	Negotiability	قابلیت دادوستد
	همان قاعده خرج در رفته یا باز یافت است.	Seaworthiness	قابلیت دریانوردی کشتی
Reciprocity Principle	قاعده تقابل	Marketability	قابلیت فروش در بازار
Transposition Law	قاعده تقدم و تأخر	Acceptability	قابلیت قبول
Equation of Payments	قاعده تقسیط مساوی با بهره مربوط	Interchangeability	قابلیت مبادله
		Payability	قابلیت مطالبه
		Marketability; Negotiability	قابلیت معامله

Law of Large Numbers	قانون اعداد بزرگ	Substitution Rule of Least Cost	قاعده جانشینی کمترین هزینه
در آمار و اقتصادسنجی این قانون عبارت است از این که اگر امری به دفعات زیاد تکرار شود درصد وقوع هر نتیجه ممکن به احتمال آماری هر یک از آن نتایج گرایش پیدا خواهد کرد.		Net Back Formula	قاعده خرج دررفته
Economic Law	قانون اقتصادی	Systematic	قاعده دار
کلیتی که به رابطه میان پدیده‌های مختلف اقتصادی مربوط می‌شود.		Twelve-month Rule	قاعده دوازده ماه
Relief Clause	قانون اقطاعی	Chain Rule	قاعده زنجیره‌ای
قانون انعطاف‌ناپذیر دستمزدها		قاعده تعیین مشتق یک تابع نسبت به یک متغیر درحالی که این تابع خود تابع آن متغیر است.	
Iron Law of Wages	قانون انگل	Seniority Rule	قاعده سابقه خدمت
براساس این قانون، همزمان با افزایش درآمد خالص خانوار، سهم پیوسته کمتری از این درآمد صرف مواد غذایی می‌شود.		Eligibility Rule	قاعده شمول
Engel's Law	قانون اوکان	Golden Rule of Accumulation	قاعده طلایی انباشت
رابطه معکوس است میان میزان بیکاری و نسبت محصول ناخالص ملی واقعی به محصول ناخالص ملی در وضع اشتغال کامل.		Eligibility Rule	قاعده قابلیت قبول
Okun's Law	قانون بازار	Full Crew Rule	قاعده گروه کامل
رابطه معکوس است میان میزان بیکاری و نسبت محصول ناخالص ملی واقعی به محصول ناخالص ملی در وضع اشتغال کامل.		Average	قاعده متناسب (بیمه)
Law of The Market	قانون بازده افزایش‌یابنده	Method of Averages	قاعده متوسطها
عنصر زمان نیز مانند سرمایه و کار در تنظیم عرضه و تقاضا و تعیین قوانین بازار مورد نظر قرار می‌گیرد.		Reciprocity Principle	قاعده معامله متقابل
Say's Law of Market	قانون بازده (های) نزولی	Reading Rule	قاعده مقایسه (در بیمه)
قانون بازار ژان باتیست سه		Rule of Rate-making	قاعده نرخ‌بندی (در ایالات متحد)
Commercial Law	قانون بازرگانی	Rule of Rate-making	قاعده نرخ‌گذاری
قانون بازده افزایش‌یابنده		One Percent Rule	قاعده یک درصد
Law of Increasing Return	قانون بازرگانی	"Share Pushing"	قالب‌زنی سهم
قانون بازده (های) نزولی		Passing off	قالب کردن کالا
Law of Diminishing Return(s)	قانون بازرگانی	Law	قانون
این فرض است که اگر یکی از عوامل تولید به اندازه واحدهای کوچک و ثابت افزایش یابد و دیگر عوامل تولید ثابت بمانند پس از نقطه‌ای معین افزایش تولید حاصله به تدریج رو به کاهش می‌نهد.		Iron Law of Wages	قانون آهنین مردها
Law of Satiating Wants	قانون احتیاجات فرونشاندنی	Law of Satiating Wants	قانون احتیاجات فرونشاندنی
Bank Merger Act	قانون ادغام بانکی	Bank Merger Act	قانون ادغام بانکی
Common Law	قانون اساسی	Common Law	قانون اساسی
Law of Satiation; Law of Satiety	قانون اشباع	Law of Satiation; Law of Satiety	قانون اشباع

Law of Uneven Economic Development	قانون توسعهٔ اقتصادی نابرابر	Law of Increasing Return	قانون بازدهٔ صعودی
Law of Nonproportional Output	قانون تولید نامتناسب	Bill of Exchange Law	قانون برات همان قانون حواله است.
Transposition Law	قانون جابجاشدگی	Brazen Law of Wages	قانون برنجین دستمزدها
Law of Substitution	قانون جانشینی	Marginal Productivity Law	قانون بهره‌وری نهایی
	مصرف‌کنندگان با این اقدام در گزینش مجموعه‌ای از کالاها و خدمات به سطح ارضاء بیشینه می‌رسند.	Law of Diminishing Marginal Productivity	قانون بهره‌وری نهایی نزولی
Law of Substitution	قانون جایگزینی	Law of Satiety	قانون بی‌نیازی
	همان قانون جانشینی است.	Pareto's Law	قانون پارتو
Malthusian Law of Population	قانون جمعیت مالتوس		به موجب این قانون توزیع درآمد در همه جا یکسان است و در نتیجه افزایش درآمد گروه‌های کم‌درآمد تنها از راه افزایش درآمد کل جامعه امکان‌پذیر است.
Minimum Wage Legislation	قانون حداقل دستمزد	Transposition Law	قانون پس و پیش‌سازی
	این قانون در نظر دارد با تعیین سطح کمیتهٔ دستمزد پایهٔ زندگی کارگران را بهبود بخشد.	Peel's Act	قانون پیل
Bill of Exchange Law	قانون حواله		به موجب این قانون امتیاز انتشار اسکناس در انگلیس به یک بانک واگذار گردید.
Iron Law of Wages	قانون خشن دستمزدها	Mercantile Law	قانون تجارت
Private Act	قانون خصوصی	Fair Trade Law	قانون تجار منصفانه
Law of Errors	قانون خطاها	Stay Law	قانون تعلیق
Law of Variable Properties	قانون خواص متغیر	Law of Demand	قانون تقاضا
Income Law	قانون درآمد		برطبق این قانون، هرگاه عوامل دیگر تغییر نکنند، قیمت پایین‌تر موجب خرید بیشتر از یک کالا و قیمت بالاتر باعث خرید کمتر از کالا است.
Pareto's Income Law	قانون درآمد پارتو	Law of Downward Sloping Demand	قانون تقاضای نزولی
Wage and Hour Law	قانون دستمزد و ساعت کار		
		Law of Proportionality	قانون تناسب
Law of Wages	قانون دستمزدها	Variable Law of Proportions	قانون تناسبهای متغیر
Robinson-Patman Act	قانون رابینسون - پتمن		
	قانونی است در ایالات متحد برای منع برخی از انواع تبعیض قیمت‌ها.	Law of Proportionability	قانون تناوب‌پذیری
		Distribution Law	قانون توزیع

پس انداز از نسل پیشین از درآمد خود برای آیندگان پس انداز می‌کند.	Lassalle's Iron Law of Wages	قانون سخت دستمزدهای لاسال Law of Wages
قانون ظالمانه دستمزد لاسال Law of Wages	Brazen Law of Wages	قانون سخت مزد منظور قانون آهنین دستمزدهاست.
قانون ظالمانه لاسال درباره دستمزدها Iron Law of Wages	Iron Law of Wages	قانون سخت مزدها
قانون ظالمانه مزد Iron Law of Wages	Iron Law of Wages	قانون سطح معیشت مزدها
قانون ظالمانه مزدها Brazen Law of Wages	Say's Law	قانون «سه»
قانون عام Public Act; Public Law		به موجب این قانون عرضه کل کالاهای اقتصادی حتماً و همیشه مساوی با تقاضای کل در بازار است.
قانون عرضه Law of Supply	Law of Satiety	قانون سیری
قانون عرف Common Law	Canon	قانون شرع
قانون عمومی Public Act; Public Bill; Public Law	Brench of Rule	قانون شکنی
قانون غلط Fallacy of Composition	Anti-trust Legislation	قانون ضد تراست
قانون غیرمدون Common Law		اصطلاح قانونگذاری در ایالات متحد برای جلوگیری از رشد قدرت بنگاه در بازار است.
قانون فایده نزولی Law of Diminishing Utility	Sherman Anti Trust Act	قانون ضد تراست شرمین
همان قانون مطلوبیت نزولی است.		این قانون در سال ۱۸۹۰ در ایالات متحد به اجرا درآمد و به موجب آن همه قراردادهای تحدیدکننده تجارت و اقدامات انحصارآور ممنوع اعلام گردید.
قانون فایده نهایی Law of Diminishing Utility	Clayton Anti Trust Act	قانون ضد تراست کلایتون (۱۹۱۴ میلادی)
قانون فرآوری نهایی Marginal Productivity Law		یکی از قوانین فدرال ایالات متحد امریکا که روشهای نادرست رقابت در تجارت را ممنوع می‌دارد و تحدید نظری است در قانون ضد تراست شرمن و تقویت آن.
همان قانون بهره‌وری نهایی است.	Theluson Act	قانون ضد تراکم نامعقول
قانون فرآوری نهایی نزولی Law of Diminishing Marginal Productivity	Natural Law	قانون طبیعی
قانون فسخ اجاره‌نامه Bail-out Rule	Golden Rule of Accumulation	قانون طلایی انباشت
قانون کار کودکان Child Labour Law		راه رشد متوازن که در آن هر نسل به میزان مانده
هدف حمایت کودکان در برابر اوضاع غیربهداشتی و کارهای مخاطره‌آمیز و تضمین کمیته سطح آموزش است.		
قانون کشش Law of Capillarity		
قانون کمیابی Law of Scarcity		
قانونگذاری اجتماعی Social Legislation		

Law of Diminishing Utility	قانون مطلوبیت نزولی	Pro-labour Legislation	قانونگذاری به سود کارگر
Law of Diminishing Marginal Utility	قانون مطلوبیت نهایی نزولی	Minimum Wage Legislation	قانونگذاری دستمزد کمینه
	به موجب این قانون افزایش پیاپی و به مقدار برابر یک کالا، پس از نقطه‌ای معین، باعث کاهش فزاینده مطلوبیت آن کالا می‌شود و این جریان نزولی بودن مطلوبیت نهایی را می‌رساند.	Anti-trust Legislation	قانونگذاری ضد تراست
Brazen Law of Wages	قانون مفرغ دستمزدها	Gresham's Law	قانون گرشام
	نام دیگر آن قانون آهنین دستمزدها و همان قانون حداقل معیشت دستمزدهاست. فرضیه‌ایست که بر پایه آن دستمزدها، صرف نظر از امکان افزایش در کوتاه مدت، ناگزیر به سطح کمینه معیشت باز می‌گردد.		در هر جامعه که دو واسطه پولی همزمان جریان دارد اگر ارزشهای نسبی ذاتی آنها که به توسط بازار معین می‌شود با ارزشهای نسبی قانونی تفاوت پیدا کند، پولی که ارزش ذاتی بیشتر دارد از جریان خارج می‌شود و اندوخته می‌گردد. بدین معنا پول بد پول خوب را از رواج می‌اندازد.
Statute	قانون موضوعه	Marxian Law of Capital Accumulation	قانون مارکسی انباشت سرمایه
Law of the Situation	قانون موقعیت	Law of Diminishing Marginal Product	قانون محصول نهایی نزولی
Brazen Law of Wages	قانون ناپنجار دستمزدها		به موجب این قانون هرگاه مقدار یکی از عوامل تولید مورد استفاده در فراگرد تولید پیاپی و به میزان برابر افزایش یابد، با این فرض که دیگر عوامل بدون تغییر بمانند، محصول نهایی این عامل متغیر پس از نقطه‌ای معین رو به کاهش می‌نهد.
Law of Variable Proportions	قانون نسبتهای متغیر	Statute of Limitations	قانون مرور زمان
Law of Self-interest	قانون نفع شخصی	Employer's Liability Law	قانون مسئولیت کارفرمایان
Malthusian Law of Population	قانون نفوس مالتوس		قانون مسئولیت مالی
Wagner's Law	قانون واگنر	Law	قانون مصرف کینز
	به موجب این فرضیه، توسعه یک اقتصاد صنعتی با افزایش سهم مخارج عمومی در محصول ناخالص ملی همراه است.	Keynes' Law of Consumption	به موجب این قانون از هر میزان درآمد نسبی برای خرید کالاهای مصرفی خرج می‌شود ولی هر قدر درآمد افزایش یابد این نسبت کاهش می‌پذیرد.
Walras' Law	قانون والراس	Law of Diminishing Utility	قانون مطلوبیت کاهش یابنده
	به موجب این قانون و با این فرض که m بازار در یک اقتصاد وجود داشته باشد، اگر $m-1$ بازار در تعادل باشند آخرین بازار نیز متعادل خواهد بود، زیرا در چنین حالتی هیچ‌گونه اضافه عرضه یا تقاضا برای کالاها، از جمله پول وجود نخواهد داشت.		
Bankruptcy Act	قانون ورشکستگی		

Accepted	قبول شده	Authenticate; Legal	قانونی
Take in	قبول کردن	Legalize	قانونی کردن
Honour a Draft; Take up a Bill	قبول کردن برات	Contract For Deed; Deed	قباله
Honour a Cheque	قبول کردن پرداخت چک	Conveyancer	قباله نویس
Acceptor	قبول کننده برات	Conveyancing	قباله نویسی
Assentient	قبول کننده سهم (بورس)	Deed of Sale	قباله فروش
Contract in	قبول مشارکت کردن	Deed of Trust; Trust Deed	قباله گروی
Contract Out	قبول مشارکت نکردن	Railroad	قبض ارسال کالا با قطار
Acceptance	قبولی	Consignment Note	قبض اصلی
Bank Acceptance	قبولی بانکی	Original Receipt	قبض انبار
Unconditional Acceptance	قبولی بدون قید و شرط	Dock Warrant; Warehouse Receipt	قبض انبار بارانداز
Acceptance of Offer	قبولی پیشنهاد	Dock Warrant (D.W.)	قبض انبار عمومی
Accept Entirely	قبولی کامل	Public Warehouse Receipt; Warrant for Goods	قبض بدهکاری
Due Bill	قبولی کتبی قرضه	Borrower's Note; Debit Note	قبض تعهد انبار رسمی
Engage	قبولی گرفتن	Warrant	قبض تعهد دولت
Accept with Condition; Conditional Acceptance; Qualified Acceptance	قبولی مشروط	Warrant	قبض حمل
Subscribe	قبولی نوشتن	Shipping Note	قبض حمل هوایی
Honour a Draft	قبولی نوشتن برات	Air Consignment Note	قبض رسید حق بیمه
Accepting House Committee; Acceptor	قبولی نویس	Premium Note	قبض مبادله
Acceptor for Honour	قبولی نویس شرافتی	Accommodation Paper	قبضه بازار
General Acceptance	قبولی نویسی بی قید و شرط	Corner of the Market	قبض یا حواله واگذاری مبنی بر وصیت
Partial Acceptance	قبولی نویسی جزئی	Devise	قبلا تجهیز کردن
Conditional Acceptance	قبولی نویسی مشروط	Prepare	قبلا تهیه دیدن
Geason	قحطی	Provide	قبوض اصلاحات ارضی
Economic Significance	قدر اقتصادی	Land Reform Papers	قبول
همان اهمیت اقتصادی است و کیفیت یک کالا یا خدمت حاکم بر قیمت بدهنگام ورود در مدار مبادله.		Admission; Adoption	قبول بازرگانی
		Trade Acceptance	قبول بدون قید و شرط
		Accept In Payment	قبول بدهی
		Acknowledgement of Debt;	
		Admission of Liability	قبول تجاری
		Trade Acceptance	

Full-live Forcing	قدرت معامله کامل	Primary Power	قدرت اساسی
Appoint as Proxy	قدرت و اختیار به . . . دادن	Borrowing Power	قدرت استقراض
Empower	قدرت و اختیار دادن	Economic Power	قدرت اقتصادی
Damage Power	قدرت و اختیار دولتی تنظیم اظهارنامه	Monopoly Power	قدرت انحصار
Borrowing Power	قدرت وامگیری	Market Power	توان یک بنگاه یا گروهی از بنگاهها برای تأثیر در قیمت فروش یک کالا یا خدمت در بازار.
Productive Powers	قدرتهای تولیدی	Union Market Power	قدرت بازار
Modulus	قدر مطلق	Solvency	قدرت بازاری اتحادیه
Disappreciation	قدر نداشتن	Solvability	قدرت پرداخت بدهی
Prohibition	قدغن	Monetary Sovereignty	قدرت پرداخت دین
Seniority	قدمت	Productivity; Social Average	قدرت پولی
Out-of Date (Laped)	قدیمی	Productivity; Yield-capacity	قدرت تولیدی
Award; Resolution	قرار	Social Average	قدرت تولید اجتماعی
Stand-by Arrangement	قرار احتیاطی	Productivity	
Collusion	قرار پنهانی	Diminshing Productivity	قدرت تولید نزولی
Swap Arrangement	قرار تاخت ارزی		همان بهره‌وری یا فرآوری نزولی است.
Preferential Arrangement	قرار ترجیحی	Posse Comitatus	قدرت جامعه
Scheme of Composition	قرار تصفیه با طلبکاران	Countervailing Power	قدرت جبرانی
Deed of Postponement	قرار تعویق	Real Purchasing Power	قدرت حقیقی خرید
Agreement (Agreeing); Contract; Convention	قرارداد	Purchasing Power; Spending Power	قدرت خرید
Forward Contract; Forward Exchange	قرارداد آتی		مقدار کالاها و خدماتی که می‌توان با یک واحد پول کشور خرید. معادل قوه خرید است.
Turn-key Contract	قرارداد آماده تحویل	Credit	قدرت خرید باپرداخت در آینده
Aleatory Contract	قرارداد اتفاقی	Value of Money	قدرت خرید پول
Rental Agreement	قرارداد اجاره	Current Purchasing Power	قدرت خرید جاری
Sell-and-lease Agreement	قرارداد اجاره و فروش	Union Political Power	قدرت سیاسی اتحادیه
Charter	قرارداد اجاره کشتی (دریست)	Primary Power	قدرت عمده
Executory Contract	قرارداد اجرایی	Act of God; Force Majeure	قدرت قاهره
Stand-by Agreement	قرارداد احتیاطی	Sovereignty of the Consumer	قدرت مطلق مصرف‌کننده

قرارداد بین‌المللی ترابری جاده‌ای کالا «C.M.R.»	Option Contract	قرارداد اختیار
نشانه اختصاری عنوان فرانسوی زیر است:	Option Contract	قرارداد اختیاری
Convention relative au contrat de transport International de marchandises par route.	Amalgamation Agreement	قرارداد ادغام
Bonus-penalty Contract	Exchange Contract	قرارداد ارز
قرارداد پاداش - جریمه	Wage Contract	قرارداد استخدامی
Clearing Agreement	توافق رسمی یا غیررسمی میان آماده کار (کارگر یا کارمند) و کارفرما یا نماینده آنها بر سر شمار ساعات کار، چگونگی کار و میزان اجرت (دستمزد یا حقوق).	
قرارداد پایاپای	Yellow-dog Contract	قرارداد استخدام مشروط به عدم عضویت در اتحادیه
توافق میان کشورهای درگیر مشکلات تراز پرداختها دایر به این که مقداری از کالاها را مستقیماً با یکدیگر مبادله کنند.	Composition	قرارداد اصلاح
Goods Clearing Agreement	Fiduciary Bond	قرارداد اعتباری
قرارداد پایاپای کالایی	Economic Law	قرارداد اقتصادی
Subscription Contract	Annuity Contract	قرارداد اقساط سالانه
قرارداد پذیره‌نویسی	Exclusive Contract	قرارداد انحصاری
Buy Back Agreement	Sweatheart Contract	قرارداد بارشوه
خرید متقابل، در یک قرارداد به صورت معامله عبارتست از خرید طرف اول (خرید ماشین‌آلات) و خرید طرف دوم یا پس‌خرید (از محصول همان کارخانه).	Open-end Contract	قرارداد باز
Monetary Convention	Repo	قرارداد بازخرید
قرارداد پولی	Repurchase Agreement	نشانه اختصاری است.
Forward Contract	Employee Stock	قرارداد بازخرید سهم کارمند
قرارداد پیش‌فروش	Repurchase Agreement	
Forward Exchange	Fixed Price Contract	قرارداد با قیمت ثابت
قرارداد پیش‌فروش ارز	Nudum Pactum	قرارداد بدون وجه التزام تخلف
Contract of Novation	Cost Plus Contract	قرارداد بر پایه قیمت مایه
قرارداد تازه	Void Contract	قرارداد بی اعتبار
Contract of Novation	Naked Contract	قرارداد بی پشتوانه
Accessory Contract	Assurance Contract;	قرارداد بیمه
قرارداد تبعی	Insurance Contract	
Indenture Deed of Trust; Trust Indenture	Reinsurance Exchange;	قرارداد بیمه اتکایی
قرارداد تحویل بلندمدت	Reinsurance Pool	
Long Term Delivery Contract (the)	Take Out an Insurance	قرارداد بیمه بستن
قرارداد تحویل کلید		
Turn-key Contract		
Ad Hoc Delivery Contract		
قرارداد تحویل موردی		
Price Fixing Agreement		
قرارداد تعیین قیمت		
Severable Contract		
قرارداد تفکیکی		

Association Agreement	قرارداد شرکت	Severable Contract	قرارداد جداگانه
Gentlemen's Agreement; Parole Contract	قرارداد شفاهی	Contract of Novation	قرارداد جدید
Breach of Contract	قرار داد شکنی	Fixed Penalty Bond	قرارداد جریمه ثابت
Guaranty Bond	قرارداد ضمانت	Broker's Contract	قرارداد حق العمل
Implied Contract	قرارداد ضمنی	Option Contract	قرارداد حق انتخاب
Respondentia Bond	قرارداد عمدۀ (تجارت عمدۀ)	Contract of Afreightment; Haulage Contract	قرارداد حمل
Nude Contract; Nudum Pactum	قرارداد غیر نافذ	Afreightment	قرارداد حمل با کشتی
Auxiliary Contract; Indentured; Subcontract	قرارداد فرعی	Service Contract	قرارداد خدمت
Contract to Sell; Sale Contract	قرارداد فروش	Letter of Lien	قرارداد خرید امانت
Fixed Rate Contract	قرارداد فروش اقساطی	Letter of Trust	قرارداد خرید امانی
Separable Contract; Severable Contract	قرارداد قابل تفکیک	Spread	قرارداد خرید و فروش اوراق بهادار با قیمت نابرابر
	یا قرارداد جداگانه.	Sweatheart Contract	قرارداد خیانت آمیز
Revocable Contract	قرارداد قابل فسخ	Logn Term Contract	قرارداد درازمدت
Open-end Contract	قرارداد قابل فسخ و تعدیل و نامحدود	Sub-contract	قرارداد دست دوم
Installment Contract	قرارداد قسطی	Outside Broker's Contract	قرارداد دلال غیر رسمی
Labour Agreement; Labour Contract; Trade Agreement	قرارداد کار	Commission Contract	قرارداد دلالی
	توافق نامه ایست میان یک کارفرما از یک سو و یک کارگر یا نماینده گروهی از کارگران از سوی دیگر که در آن شرایط و مقررات کار مشخص و معین شده اند.	Bilateral Contract; Reciprocal Agreement	قرارداد دوجانبه
Indentures	قرارداد کارآموزی	Bilateral Contract; Indenture Deed	قرارداد دوطرفه
Listing	قرارداد کارگزاری املاک	Nude Contract	قرارداد رایگان
Open Listing	قرارداد کارگزاری باز	Cost Plus Contract	قرارداد رأس مالی
Multiple Listing	قرارداد کارگزاری چندگانه	Mortgage Deed	قرارداد رهنی
Multiple Listing	قرارداد کارگزاری متعدد	Parole Contract	قرارداد زبانی
		Time Charter	قرارداد زمانی کرایه کشتی
		Land Contract	قرارداد زمین
		Loan on Bottomry	قرارداد سفر بدون خطر
		Forward Contract	قرارداد سلف
		Indenture (Trust Indenture; Deed of Trust)	قرارداد شامردی

Monopoly Agreements	قراردادهای انحصار	Commodity Agreement	قرارداد کالا
Stock Repurchase Agreement	قراردادهای خرید سهم	Indenture (Trust Indenture; Deed of Trust)	قرارداد کتبی
Futures	قراردادهای سلف ناظر به معاملات آتی است.	Multilateral Agreement	قرارداد کثیرالاطراف
Implicit Contracts	قراردادهای ضمنی	Charta Partira	قرارداد کرایه کشتی
Installment Terms	قراردادهای قسطی	Freight Contract	قرارداد کرایه و بار کشتی
Wage Contracts	قراردادهای مزد	Charter Party	قرارداد کشتی دربست
Cost	قرارداد هزینه بعلاوه حق الزحمه ثابت	All-in Contact	قرارداد کلی
-plus-fixed-fee Contract		Key Contract	قرارداد کلیدی
Conventional; Contractual	قراردادی	Spot Exchange Contract	قرارداد مبادله نقدی
Contract of Towage	قرارداد یدک کشی	Cost Plus Contract	قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده
Package Deal	قرارداد یک جا	Nude Contract	قرارداد مجانی
Unilateral Contract	قرارداد یک جانبه	Recontract	قرارداد مجدد
Unilateral Contract	قرارداد یکطرفه	Executed Contract	قرارداد مجری
G.A.B.	قرار عمومی وام گیری	Separate Contract	قرارداد مجزا
Arrangement with Creditors	قرار گذاشتن با طلبکاران	Sweatheart Contract	قرارداد مخدوش
Arrangement with Creditors	قرار مصالحه با طلبکاران	Wage Agreement	قرارداد مزد
Contract of Record	قرار مکتوب	Annuity Contract	قرارداد مستمری
Deed of Arrangement	قرارنامه	Deed of Partnership	قرارداد مشارکت
Terms of Reference	قرارنامه مورد استناد	Tie-in Contract; Tying Contract	قرارداد مشروط
Composition	قرار و مدار	Exchange Clearing Agreement	قرارداد مفاصای ارزی
Compound	قرار و مدار گذاشتن	Fixed Price Contract	قرارداد مقطوع
Modus Vivendi	قرار و مدار موقت (اصطلاح لاتین)	Tying Contract	قرارداد مقید
Stand Still Agreements	قرارهای راکد	Futures Contract	قرارداد ناظر به آینده
Stand Still Agreements	قرارهای متوقف	Open-end Contract	قرارداد نامحدود
Swap Agreements	قرارهای معاوضه ارزی	Agency Agreement; Agency Contract	قرارداد نمایندگی
Minimum Sacrifice	قربانی کمینه	Nude Contract	قرارداد نیکوکاری
Barter Agreement	قرارداد پایاپای	Real Contract	قرارداد واقعی
Debt; Loan	قرض	Futures	قراردادهای آتی

Secured Debt	قرضه با وثیقه	Net Debt	قرض خالص
Consol	قرضه بدون تاریخ سررسید	Net National Debt	قرض خالص ملی
Bearer Bond	قرضه بدون نام	Nonmarketable Debt	قرض خرید و فروش نشدنی در بازار
Naked Debenture	قرضه بدون وثیقه	Private Debt	قرض خصوصی
General Obligation Bond	قرضه بدهی عمومی	Internal Debt	قرض داخلی
Drawn Bond	قرضه برگزیده برای پرداخت	Lend	قرض دادن
Collateral Trust Bond	قرضه به تضمین اسناد	Lend Money	قرض دادن وجه
Equipment Trust Bond	قرضه به تضمین اموال و تجهیزات	Loanee; Obliger	قرضدار
Interest Bond	قرضه بهره	Lender	قرض دهنده
Floating Debentures	قرضه به سررسید کوتاه (کمتر از یک سال)	Mortgage Loan (Loan on Mortgage)	قرض رهنی (وام با گروگان)
Unfunded Debt	قرضه بی پشتوانه	Fixed Liability	قرض طولی المدت
Naked Debenture; Unsecured Bond	قرضه بی تضمین	Morning Loan	قرض عاجل دلالان
Bond Coupon	قرضه بی نام	Ordinary Debt	قرض عادی
Terminal Bond	قرضه پایانه	Public Debt	قرض عمومی
Funded Debt	قرضه پشتوانه دار	Non Borrowing	قرض غیر بانکی
Tax Anticipation Bond	قرضه پیش پرداخت مالیات	Morning Loan	قرض فوری
Consolidation Bond	قرضه تثبیتی	Borrow Money	قرض گرفتن وجه
Commercial Credit	قرضه تجاری (اعتبار سوداگری)	Borrower	قرض گیرنده
Secured Debenture	قرضه تضمینی	Funded Debt	قرض مستمر
General Obligation Bond	قرضه تعهد عمومی	Overlapping Debt	قرض مشترک
Consol Bond; Consolidated Bond; Consolidated Debt	قرضه تلفیقی	National Debt	قرض ملی
National Development Bonds	قرضه توسعه ملی	Gross National Debt	قرض ناخالص ملی
Fixed Debt	قرضه ثابت	Loan; Debenture	قرضه
All Monies Debenture	قرضه جامع الاطراف	Joint Bond	قرضه اشتراکی
External Debt	قرضه خارجی	Redeemable Debenture	قرضه بازخریدنی
Net Private Debt	قرضه خالص خصوصی	General Mortgage Bond	قرضه با رهن کلی
		Reorganization Bond	قرضه باز سازماندهی
		Bond Premium	قرضه با صرف
		Limited Tax Bond	قرضه با مالیات محدود
		Floating Rate Bond	قرضه با میزان سود متغیر
		Bank Credit	قرضه بانکی

Floating Debenture	قرضه متغیر	Net Public Debt	قرضه خالص عمومی
Income Debenture	قرضه متکی به درآمد	T. Bond	قرضه خزانه
Time Loan	قرضه مدت‌دار	Exit Bond	قرضه خلاصی
Amortized Loan	قرضه مستهلک شده	Internal Debt; Territorial Bond	قرضه داخلی
Secured Debenture	قرضه مطمئن	Undated Debenture	قرضه دایمی
Fixed Debenture	قرضه معین	Income Bond	قرضه درآمدی
Tied Loan	قرضه مقید	Prime Bond	قرضه درجه اول
National Debt	قرضه ملی	Low Grade Bond	قرضه درجه پایین
	تعهدات ناپرداخته دولت است.	Bond Coupon	قرضه در وجه حامل
External National Debt	قرضه ملی خارجی	Dollar Bond	قرضه دلاری
	قرضه ملی که از خارج اخذ شده است.	Consols	قرضه دولتی
Internal National Debt	قرضه ملی داخلی	Consols	قرضه دولتی بی‌سررسید
	قرضه ملی که از منابع داخلی اخذ شده است.	Mortgage Debenture; Mortgage Debt (Debt on Mortgage)	قرضه رهنی
Overlapping Public Debt	قرضه ملی متراکم	Reproductive Debt	قرضه زایا
Senior	قرضه ممتاز	Simple Debenture	قرضه ساده
Eligible Bond	قرضه مناسب	Reorganization Bond	قرضه سازمان‌دهی دوباره
Gross National Debt	قرضه ناخالص ملی	Annuitiy Bond	قرضه سالانه
Unlimited Tax Bond	قرضه نامحدود مالیاتی	Investment Credit	قرضه سرمایه‌گذاری
Eligible Bond	قرضه واجد شرط و شروط	Partnership Audit	قرضه شراکت
Country Stocks	قرضه‌های روستایی	Floating Debenture; Floating Debt	قرضه شناور
Country Stocks	قرضه‌های محلی		
Convertible Bond	قرضه یا سهام قابل تعویض		
Unifying Bond	قرضه یکنواخت‌کننده		
Morning Loan	قرض یک‌روزه		
Refund	قرض خود را پرداختن		
Cover (Margin); Installment (Instalment); Part Payment	قسط	Federal Debt	قرضه فدرال
Annuity	قسط‌السنین	Redeemable Debenture	قرضه قابل بازپرداخت
Purchased Life Annuities	قسط‌السنین عمر	Callable Bond	قرضه قابل بازخرید
Installment Refund Life Annuity	قسط‌السنین که به اقساط برمی‌گردد	Full Faith And Credit Bond	قرضه کاملاً مطمئن
Life Annuity Certain	قسط‌السنین معین عمر	Joint Bond	قرضه گروهی
Installment Plan	قسط‌السنین وجوه اقساطی	Custom Debenture	قرضه گمرکی

Cobweb Theorem	قضیه تار عنکبوتی	Equation of Payments	قسط بندی
	بنابر فرضیات کلاسیک درباره رقابت کامل و در حالت ایستا، اگر قیمت و تولید از وضع تعادل خارج شوند، به موجب این قضیه مسیر بازگشت صورت تار عنکبوتی پیدا می‌کند.	Insurance Premium	قسط بیمه
		Annual Installment; Annuity	قسط سالانه
		Pick Up Payment	قسط سنگین پایانی
		Minimum Deposit	قسط کمینه
Duality Theorem	قضیه دوگانگی	Installment (Instalment)	قسطی
	در برنامه‌ریزی یا برنامه‌نویسی خطی این مسئله است که راه‌حل مسئله تولید بهینه، مسئله تقویم عوامل محدودکننده را حل می‌کند.	Extention Bond	قسمت افزوده سند قرضه
		Extention Bond	قسمت الحاقی سند قرضه
Impossibility Theorem	قضیه عدم امکان	Trust Department	قسمت امانی
	قضیه کارت‌ته‌ای (کارت‌نکی) همان قضیه تار عنکبوتی است.	Traffic Department	قسمت باربری
Cobweb Theorem		Account Department	قسمت حسابداری
		Traffic Department	قسمت حمل و نقل
Composite Commodity	قضیه کالای مرکب	Service Department	قسمت خدمات
Theorem		Export	قسمت ضمانت اعتبارات صادراتی
Mean Value Theorem	قضیه مقدار متوسط	Credits Guarantee Department	
Freight Train; Goods Train	قطار باربری	Sales Department	قسمت فروش
Growth Pole	قطب رشد	Training Department	قسمت کارآموزی
Bought Out Parts	قطعات خریداری از دیگران	Issue Department	قسمت نشر
Interchangeable Parts	قطعات قابل معاوضه	Social Stratification	قشر بندی اجتماعی
Novus Actus	قطع سلسله علیت در خسارت	Nonfeasance	قصور در اجرای امر
Interveniens		Non Claim	قصور در ادعا
Format	قطع و اندازه اطلاعات (اصطلاح رایانه)	Value Judgment	قضاوت ارزشی
Larger Area	قطعه بیشتر از نیم (در سطح زیرمنحنی طبیعی و نظایر آن)	Prejudice	قضاوت تبعیض آمیز
Coupon	قطعه سهم	Distributive Judgement	قضاوت توزیعی
Registered	قطعه سهم سند به ثبت رسیده		قضاوت درباره توزیع درآمد قضاوت ارزشی؛ یک موضوع اخلاقی است و برخاسته از واقعیت نیست.
Coupon Bond		Mean Value Theorem	قضیه ارزش متوسط
Market Segmentation	قطعه قطعه سازی بازار		همان قضیه مقدار متوسط است.
Simple Share	قطعه سهم عادی	Euler's Theorem	قضیه اولر
Opifice	قطعه کار مصنوع		به موجب این قضیه، اگر تابع تولیدی متضمن بازده ثابت مقیاس باشد، مجموع محصولات نهایی برابر با کل محصول است.
Firm	قطعی		
Home Safe	قلک		
Money-pot	قلک پول		

Admiralty	قوانین امور دریایی	Opening Entry	قلم افتتاحی
Workmen's Compensation Laws	قوانین باز خرید حقوق کارگران مرد	Opening Entry	قلم اول حساب
Laws of Return	قوانین بازده	Reserving Entry	قلم برگشتی
Social Security Laws	قوانین تأمین اجتماعی	Standard	قلمرو آماری معیاری شهری
Combination Laws	قوانین تباری	Metropolitan Statistical Area	
Sumptuary Laws	قوانین تحدید مصرف	Standard	قلمرو پایه آماری شهری
Price Floor Laws	قوانین حداقل قیمت	Metropolitan Statistical Area	
Right-to-work Laws	قوانین حق کار	Underdeveloped Area	قلمرو توسعه نیافته
Minimum Wage	قوانین دستمزد کمینه	Sales Territory	قلمرو فروش
Legislation		Customs Territory	قلمرو گمرکی
Anti-trust Laws; Anti-trust Legislation	قوانین ضد تراست	Non Cash Item	قلم غیر نقدی
Workmen's Compensation Laws	قوانین غرامت کارگران مرد	Closing Entry	قلم متعادل کننده
Labour Laws	قوانین کار	Combined Entry	قلم مرکب (اصطلاح حسابداری)
Factory Acts	قوانین کارخانه	Management Game	قواعد بازی در مدیریت
Child Labour Laws	قوانین کار کودک	Rules of the Gold Standard	قواعد پایه طلا
Labour Legislation	قوانین کارگری	Axioms of Preference	قواعد رجحان
Reciprocal Laws	قوانین متقابل		در نظریه تقاضای مصرف کننده، بنابه فرض، افراد از شش قاعده پیروی می کنند: قاعده تمامیت، قاعده تسری، قاعده گزینش، قاعده تفوق، قاعده تداوم و قاعده تحذب.
Sumptuary Laws	قوانین منع مصرف کالاهای خاص	Compulsory Rules	قواعد قهری
Laws		Work Rules	قواعد کار
Written Law	قوانین موضوعه	Canons of Taxation	قواعد مالیات بندی
Economic Harmonies	قوای هماهنگی اقتصادی		اصول لازم برای وضع و ارزشیابی یک نظام مالیاتی مانند: اصل عدالت، اصل سهولت، اصل اطمینان، اصل صرفه جویی و نیز تساوی میان مالیات دهندگان، تأثیر در رشد و کارایی اقتصادی و تأثیر آن بر ثبات اقتصادی.
Anticipation Warrant	قول کوتاه مدت پرداخت	Bank Liquidity Rules	قواعد نقدینگی بانک
Dictum Meum Pactum	قول من سند است	Blue Sky Laws	قوانین آسمان صاف
Bid Bond; Naked Contract; Open Contract; Parole Contract	قولنامه		قوانین و مقررات انتشار اوراق بهادار از سوی شرکتها در ایالات متحد امریکا است.
Purchasing Power; Spending Power	قوه خرید		

همان قدرت خرید است.

Opening Price	قیمت آغاز کار	Discretionary Buying Power	قوه خرید اختیاری
Price Ring	قیمت اتحادیه		
Making-up Price	قیمت اختتامی سهام	Purchasing Power of Money; Value of Money	قوه خرید پول
Closing Price	قیمت اختصاصی		
Reservation Price	قیمت اختصاصی به خود	Act of God	قوه قهری
Arbitrary Price	قیمت اختیاری	Force Majeure	قوه قهریه
Option Price	قیمت اختیاری (در بورس)	Investment Impulse	قوه محرکه سرمایه‌گذاری
Administered Price	قیمت اداره شده	Involution	قوه یابی
Knock Out Price	قیمت ارزان	Obligatum	قیاس بلا معارض
Basis Price	قیمت اساسی	Extrapolation	قیاس‌گیری
Bargain Price; Skimming Price	قیمت استثنایی	Postulate	قیاس منطقی کردن
		Deductive; Postulatory	قیاسی
Nominal Price; Par Value	قیمت اسمی	Appraisal Clause	قید ارزیابی در بیمه نامه
Nominal Book Value	قیمت اسمی دفتری	Apportionment Clause	قید تقسیم
Basis Price	قیمت اصلی	Bearer Clause	قید حامل
Excess Price	قیمت اضافی	Acquired Rights Clause	قید حقوق مکتسبه
List Price; Quoted Price	قیمت اعلام شده	Profit Constraint	قید سود
Declared Value	قیمت اعلام شده به منظور تعیین مالیات	Address Clause	قید نشانی
Posted Price	قیمت اعلان شده	Restraint of Trade	قید و بند تجارت
Stiff Price	قیمت اغراق	Codicil	قید و شرط جدید
Transfer Price	قیمت انتقال	Arbitration Clause	قید و شرط حکمیت
Transfer Price	قیمت انتقالی	Arbitration Clause	قید و شرط داوری
Monopoly Price	قیمت انحصاری	Reservation	قید ویژه
Flexible Price	قیمت انعطاف‌پذیر	Exor(s) Price	قیمت
			یا بها و یا نرخ نشان‌دهنده چشم‌پوشی از چیزی برای دستیابی به یک کالا یا خدمت دیگر است که معمولاً به پول بیان می‌شود.
Nonflexible Price	قیمت انعطاف‌ناپذیر	Last Price; Stop Price	قیمت آخر
Starting Price	قیمت اولیه	Reservation Price	قیمت آخری
Market Price	قیمت بازار	Reservation Price	قیمت آخرین کلام
Pegging	قیمت بازار را ثابت نگهداشتن	Marked Price	قیمت آشکار
Black Market Price	قیمت بازار سیاه	Starting Price	قیمت آغاز
Fair Market Value	قیمت بازار مکاره		

Settlement Price	قیمت تبدیل سهم به سرمایه (در بورس محصولات)	Redemption Price	قیمت بازرخرد
Discriminatory Price	قیمت تبعیضی	Resale Price	قیمت بازر فروش
«Pegging» Price	قیمت تثبیتی	High Price	قیمت بالا
	قیمت کالایی خاص که دولت تثبیت کرده است از افزایش بی‌رویه آن جلوگیری و از مصرف‌کننده حمایت کند.	By-bidder	قیمت بالا بر
Trade Price	قیمت تجاری	Cost Price	قیمت بدون سود
Administered Price	قیمت تحمیلی	Parity Price	قیمت برابری
Delivered Price	قیمت تحویل	Estimated Price	قیمت برآوردی
Ex Warehouse Price	قیمت تحویل در کنار انبار	Marginal Cost Price	قیمت بر پایه هزینه نهایی
Free Alongside Ship	قیمت تحویل در کنار کشتی (بندر مبدا) F.A.S. نشانه اختصاری آن است.	Marked Price	قیمت بر همه معلوم
Franco Price	قیمت تحویل در محل خریدار	Keen Price	قیمت (بسیار) رقابتی
Delivered at Frontier	قیمت خرید در مرز نشانه اختصاری آن D.A.F. است.	Threshold Price	قیمت بندری
Free On Board	قیمت تحویل روی عرشه کشتی (بندر مبدا) نشانه اختصاری آن F.O.B. یا فوب است.	Optinum Fall-back Price	قیمت بهینه جایگزین
Rendu Price	قیمت تحویل واردات	Highest Price; Maximum Price	قیمت بیشینه
Computed Price; Etimated Price	قیمت تخمینی	Legal Maximum Price	قیمت بیشینه قانونی
Conversion Price	قیمت تسعیر	Put Price	قیمت پا بر جا
Settlement Price	قیمت تسویه	Constant Price	قیمت پایا
Intervention Price; Support Price	قیمت تضمینی	Closing Price; Final Price; Terminal Price	قیمت پایانی
	کمیته قیمت خرید که دولت برای حمایت تولیدکننده معین کرده است.	Put Price	قیمت پایدار (در بورس)
Equilibrium Price	قیمت تعادل	Base Price; Reserve Price	قیمت پایه
	قیمتی که بازاری آن بازار در تعادل است.	Option Price	قیمت پایه جایزه
Factor-price Equilibrium	قیمت تعادلی عامل	Product Cost	قیمت پایه محصول
Tariff Rate	قیمت تعرفه	Subscription Price	قیمت پذیره نویسی
		Depreciated Value	قیمت پس از استهلاکات
		Money Price	قیمت پولی
		Bid Price	قیمت پیشنهاد خرید
		Asking Price; Bid; Delivered Price; Offering Price; Offer Price	قیمت پیشنهادی
		Ask Price	قیمت پیشنهادی فروشنده
		Conversion Price	قیمت تبدیل
		Conversion Price	قیمت تبدیل پذیری

Attractive Price; In the Money	قیمت جالب	Replacement Price	قیمت تعویض
Price Mark	قیمت جزئی فروش		همان قیمت جایگزین است.
Charm Price	قیمت چشمگیر	Stop Price	قیمت تعطیل
Contract Price	قیمت چکی	Demand Price	قیمت تقاضا
Present Worth	قیمت حال		قیمت بیشینه هر واحد کالا است که مصرف‌کننده برای خرید مقدار معینی از آن می‌پردازد.
Last Price	قیمت حداقل	Marginal Demand Price	قیمت تقاضای نهایی
Ceiling Price	قیمت حداکثر	Cost; Cost Price; First Cost	قیمت تمام‌شده
	حداکثر قیمت برطبق مقررات دولت.	Cost-plus	قیمت تمام شده علاوه سود
Ceiling Price	قیمت حد بالا	Factor-cost	قیمت تمام‌شده عامل
Floor Price	قیمت حد پایین	Cost of Production	قیمت تمام‌شده تولید
	حداقل قیمت بنابر مقررات دولت.	Constant Cost; Fixed Cost	قیمت تمام‌شده ثابت
Sale Price	قیمت حراج		
Bargain Price	قیمت حراجی	Landed Price	قیمت تمام‌شده کالا در مقصد
Accounting Price	قیمت حسابداری		(پس از تخلیه)
Support Price	قیمت حمایتی	Merchandise Cost	قیمت تمام‌شده موجودی کالا
Closing Price	قیمت خاتمه	Flat Cost	قیمت تمام‌شده یکنواخت
Price Out of Market	قیمت خارج از بازار	Recommended Retail Price	قیمت توصیه شده برای مصرف‌کننده
Street Price	قیمت خارج از بورس		
Pricing Out of the Market	قیمت خارج بازار	Stop Price	قیمت توقف
Net Price	قیمت خالص	Producer's Price	قیمت تولیدکننده
Retail Price	قیمت خرده‌فروشی	Exhaust Price	قیمت ته مانده
Price Ex Works	قیمت خروجی کارخانه	Constant Price; Fixed Price; Put Price	قیمت ثابت
Cost Price; Demand Price; Original Cost; Purchase Price	قیمت خرید		
Cost Value of Goods	قیمت خرید کالا	Entry Forestabling Price	قیمت ثبت خرید سلف
House Price	قیمت خرید و فروش در بورس		
Handsome Price	قیمت خوب	Fare	قیمت جا
Quote	قیمت دادن	Attractive Price	قیمت جاذب
Priced	قیمت‌دار		همان قیمت جالب است.
Priceable	قیمت‌داشته	Common Price; Competitive Price; Current Price; Economic Cost;	قیمت جاری
Exhaust Price	قیمت در حداکثر استفاده	Going Price; Price List	
Loco Price	قیمت در محل تولید		
Class Price	قیمت ردیف		قیمت روز کالاها و خدمات است.

Opening Price; Starting Price	قیمت شروع	Arrive Price	قیمت رسید
Dump	قیمت شکستن	Competitive Price	قیمت رقابت آمیز
Price-cutter	قیمت شکن	Competitive Price	قیمت رقابتی
Dumping; Price-cutting	قیمت شکنی	Ruling Price; Spot Price	قیمت روز
Reverse Dumping	قیمت شکنی وارونه	Present Discounted Value	قیمت روز تنزیل
Proper Price	قیمت صحیح و مناسب	Closing Price	قیمت زمان تعطیل کار
Invoice Price	قیمت صورت حساب	Fancy Price; Overvalue	قیمت زیاد
Nominal Price	قیمت صوری	Over-rate	قیمت زیادی
	همان قیمت اسمی و قیمت تخمینی کالایی است که قیمت واقعی برای آن وجود ندارد.	Computed Price; Imputed Cost	قیمت ساختگی
Mint Price of Gold	قیمت ضرب طلا	Shadow Price	قیمت سایه
Class Price	قیمت طبقه		به معنای عام، قیمتی است که به عنوان ارزش واقعی نهایی یک کالا یا هزینه فرصت یک عامل اولیه تولید تلقی می‌شود و ممکن است با قیمت بازار متفاوت باشد. به معنای خاص، در برنامه‌نویسی ریاضی و برنامه‌ریزی خطی در جریان راه‌حل با مجموعه‌هایی از «متغیرهای دوگانه» برخورد می‌شود که «قیمتهای سایه» نام می‌گیرند.
Natural Price	قیمت طبیعی	Break-even Price	قیمت سر به سر
	مشخص‌کننده ارزشی است که قیمت‌های بازار یک کالا پیرامون آن نوسان می‌کند.	Wellhead Price	قیمت سر چاه
Huge Price	قیمت طلای	Pit Head Price	قیمت سرخرمن
Mint Price of Gold	قیمت طلای مسکوک	Basis Cost	قیمت سرشکن شده
Just Price	قیمت عادلانه	Wellhead Price	قیمت سر معدن
	قیمتی نزدیک به نظر عمومی درباره ارزش یک کالا است.	Barometric Price	قیمت سنجه پیشرو
Fair Price; Just Price	قیمت عادلانه	Leadership	
Normal Price; Regular Price	قیمت عادی	Coming Out Price	قیمت سهام جدیداً صادره
Long-run Normal Price	قیمت عادی دراز مدت	Issue Price	قیمت سهام منتشره
Fare	قیمت عبور	Share Price	قیمت سهم
Offering Price; Supply Price	قیمت عرضه	Invoice Price	قیمت سیاهه فروش
Offering Price	قیمت عرضه داشت	Landed Price	قیمت شامل هزینه حمل و بارگیری و تخلیه
Supply Price of Capital	قیمت عرضه سرمایه	Class Price	قیمت شخصی
Normal Supply Price	قیمت عرضه عادی	Reservation Price	قیمت شرطی
Entrepreneurial Supply Price	قیمت عرضه کارآفرین		
Marginal Supply Price	قیمت عرضه نهایی		
Whole Sale Price	قیمت عمده‌فروشی		

Secular Price	قیمت قرنی	Open Price	قیمت عمومی
Final Price; Firm Price; Reserve Price	قیمت قطعی	Factor Cost	قیمت عوامل
Cost	قیمت کالا به اضافه حق بیمه و هزینه حمل		روش محاسبات محصول ملی از دید هزینه یا پرداختهایی که به عوامل در فراگرد تولید می‌شوند.
Insurance and Freight	سیف، سی. آی. اف و یا C.I.F. نشانه اختصاری آن است.	Factor-price	قیمت عوامل در وضع تعادل
Cost and Freight	قیمت کالا به اضافه هزینه حمل	Equilibrium	قیمت عوض
	نشانه اختصاری آن (C&F) است.	Rendu Price	قیمت غیر بازاری
Delivered Price	قیمت کالا به شرط تحویل	Price Out of Market	قیمت فاكتور شده تا بندر مبدا
Landed Terms	قیمت کالا به شرط تخلیه در بندر مقصد	Delivered Price	قیمت فرضی
Landed Price	قیمت کالا تا تخلیه از کشتی و تحویل به انبار خریدار	Accounting Price	قیمت فروش
All In Price	قیمت کامل	Asking Price; Selling Price	قیمت فروش اجباری
Priceable	قیمت کردنی	Forced Sale Value	قیمت فروش اضطراری
Appraisal	قیمت کردن یک ملک	Forced Sale Value	قیمت فروش خیابانی (نه تجاری)
Reserve Price	قیمت کمینه	Street Price	قیمت فروش رسمی کالا (به شرکتها و جز اینها)
Minimum Resale Price	قیمت کمینه باز فروش	Open Price	قیمت فروش فوری
Minimum Resale Price	قیمت کمینه جزئی فروش	Spot Price	قیمت فروشنده
Minimum Entry Preventing Price	قیمت کمینه مانع ورود	Asking Price	قیمت فسخ
Price Maker; Price Setter; Pricer; Prizer	قیمت‌گذار	Default Price	قیمت فصلی
Price Fixing (or Stabilization); Pricing	قیمت‌گذاری	Seasonal Price	همان قیمت موسمی است.
Discretionary Pricing; Discriminatory Pricing	قیمت‌گذاری اختیاری	Listed Price	قیمت فهرستی
Keystone Pricing	قیمت‌گذاری اسمی	Loco Price; Spot Price	قیمت فی المجلس
Cost-plus Pricing	قیمت‌گذاری افزون بر هزینه	Anticipated Price	قیمت قابل پیش بینی
		Terminal Price	قیمت قابل تحویل
		Competitive Price	قیمت قابل رقابت
		Fair Price; Moderate Price; Reasonable Price	قیمت قابل قبول
		Regulated Price; Statutory Price	قیمت قانونی
		Contract Price	قیمت قرارداد
		Contract Price; Conventional Price	قیمت قراردادی

F.O.B. Pricing	قیمت‌گذاری بر پایه فوب	Horizontal Price Fixing	قیمت‌گذاری افقی
Target Pricing	قیمت‌گذاری بر پایه هدف		توافق میان بنگاه‌های در سطح واحد زنجیره توزیع و تحمیل قیمت‌های یکسان برای پرهیز از رقابت است.
Normal Cost Pricing	قیمت‌گذاری بر پایه هزینه عادی	Transfer Pricing	قیمت‌گذاری انتقالی
		Demand-oriented Pricing	قیمت‌گذاری با توجه به شرایط تقاضا
Normal Cost Pricing	قیمت‌گذاری بر پایه هزینه هنجاری	Market Pricing	قیمت‌گذاری بازار
Loss Leader Pricing	قیمت‌گذاری به زیان در آغاز	Limit Pricing	قیمت‌گذاری بازدارنده
Peak-load Pricing	قیمت‌گذاری بیشینه بار		نوعی قیمت‌گذاری برای جلوگیری از ورود رقیبان به صنعت معین از سوی بنگاه‌های قبلاً مستقر در آن است.
Base Point Pricing	قیمت‌گذاری پایه ثابت	Rollback	قیمت‌گذاری بازگشتنی
	روشی که در صنایع با خصوصیات زیر به کار می‌رود: شمار فروشندگان نسبتاً کم؛ دوری زیاد مراکز فروش و خرید از یکدیگر؛ سنگینی وزن و بزرگی حجم کالا نسبت به ارزش آن با شدت سرمایه‌بری صنعت؛ گرایش تقاضا به نوسانات ادواری و ناحیه‌ای.		تعیین قیمت از سوی دولت در سطحی پایین‌تر از قیمت روز و رساندن آن به سطح قبلی.
Discriminatory Pricing	قیمت‌گذاری تبعیضی	Loss-leader Pricing	قیمت‌گذاری با زیان
Peak-load Pricing	قیمت‌گذاری حد نصاب بار		برای جلب مشتری است.
Pricing Out of the Market	قیمت‌گذاری خارج از بازار	Full Cost Pricing	قیمت‌گذاری بر اساس هزینه کامل
			قیمت فروش کالا برابر است با هزینه نهایی تولید آن.
Competition-oriented Pricing	قیمت‌گذاری رقابتی	Average Cost Pricing	قیمت‌گذاری بر اساس هزینه متوسط
			بنگاهها درصدی به هزینه متغیر متوسط خود می‌افزایند تا هزینه متوسط کل را جبران کنند.
Flexible Mark Up Pricing	قیمت‌گذاری زیاده بی تناسب و انعطاف‌پذیر	Marginal Cost Pricing	قیمت‌گذاری بر اساس هزینه نهایی
Overinvoicing	قیمت‌گذاری زیادی		قیمت فروش کالا برابر است با هزینه نهایی آن.
Cost-plus Pricing	قیمت‌گذاری شامل هزینه	Predatory Pricing	قیمت‌گذاری براندازی
Peak-load Pricing	قیمت‌گذاری ظرفیت بیشینه بار		کاهش قیمت‌ها تا حد زیان دهی طی دوره‌ای معین برای تضعیف رقیبان یا حذف آنها.
		Load Factor Pricing	قیمت‌گذاری بر پایه ظرفیت تولید
Predatory Pricing	قیمت‌گذاری غارتگرانه		
Priced Out of Market	قیمت‌گذاری غیر بازاری		
Cost-plus Pricing	قیمت‌گذاری کامل		
Batch Pricing	قیمت‌گذاری گروهی (کالا)		
Differential Pricing	قیمت‌گذاری متفاوت		

Worth	قیمت مبادله‌ای	Limited Pricing	قیمت‌گذاری محدود
Stiff Price	قیمت مبالغه	Local Price; Loco Price	قیمت‌گذاری محلی
Basis Price	قیمت مبدا	Transfer Pricing	قیمت‌گذاری مصلحتی
Base Price; Basic Price	قیمت مبنا		روش قیمت‌گذاری معاملات میان چند شرکت تابعه
Multiple Price	قیمت متعدد		یک شرکت چندملیتی بدون پیروی از عوامل تعیین‌کننده بازار.
Marked Price	قیمت متمایز	Double Pricing	قیمت‌گذاری مضاعف
Average Price	قیمت متوسط	Common Pricing	قیمت‌گذاری معمولی و متعارف
Accounting Price	قیمت محاسباتی		
Computed Price	قیمت محاسبه‌ای		
Limited Price	قیمت محدود	Zone Pricing	قیمت‌گذاری منطقه‌ای
Product Cost	قیمت محصول	Zone Pricing	قیمت‌گذاری ناحیه‌ای
Price Loco	قیمت محل خرید	Loss Leader Pricing	قیمت‌گذاری نخست به زیان
Loco Price	قیمت محلی		
Strike a Bargain	قیمت مرضی الطرفین	Penetration Pricing	قیمت‌گذاری نفوذی
Bid Price	قیمت مزایده	Basing-point Pricing	قیمت‌گذاری نقطه پایه
Put Price	قیمت مستقر	Basing-point Pricing	قیمت‌گذاری نقطه مبدا
Marked Price; Striking Price	قیمت مشخص	Marginal Pricing	قیمت‌گذاری نهایی
Reservation Price	قیمت مشروط	Full Cost Pricing	قیمت‌گذاری هزینه کامل
Target Price	قیمت مطلوب	High Price	قیمت گران
Reasonable Price	قیمت معتدل	Exorbitant Price; Extortionate Price; Fancy Price	قیمت گزاف
Moderate Price	قیمت معقول		
Marked Price	قیمت معلوم	Hedonic Price	قیمت لذت‌گرا
Marked Price	قیمت معین		یا بهای خوشباشی، تجزیه یک کالا به خصوصیات آن و قیمت‌گذاری این تغییرات کیفی است.
Contract Price; Overhead Price	قیمت مقاطعه‌ای	Entry Preventing Price	قیمت مانع از ورود
Regulated Price	قیمت مقرراتی		قیمتی است که مانع از ورود بنگاه‌های دیگر به یک صنعت با یک محل می‌شود.
Agreed Price; Fixed Price	قیمت مقطوع	Cost	قیمت مایه
Moderate Price	قیمت ملایم	Cost Price	قیمت مایه کاری
Fair Price; Moderate Price	قیمت مناسب	Constant Cost	قیمت مایه ثابت
Flat Price	قیمت منحصر به فرد	Prime Cost	قیمت مایه محصول
Just Price	قیمت منصفانه	Merchandise Cost	قیمت مایه موجودی کالا
Zone Price	قیمت منطقه	Base Price	قیمت مأخذ
Agreed Price	قیمت مورد توافق		

Well-maintained Prices	قیمتهای پابرجا	Knock Out Price	قیمت ناچیز
Closing Prices	قیمتهای پایان روز	Unjust Price	قیمت ناعادلانه
یک روزه قیمت انواع سهام اعلام می‌شود.	اصطلاح بازار سهام است که در پایان معاملات یک	Knock Out Price	قیمت ناقابل
Low Prices	قیمتهای پایین	Gross Price	قیمت ناویژه
Cover Prices	قیمتهای تباری	Controlled Price	قیمت نرخ
Guaranteed Prices	قیمتهای تضمین شده	Close Price	قیمت نزدیک
"Sticky" Prices	قیمتهای تغییر ناپذیر	Relative Price	قیمت نسبی
List of Prices; Prevailing Prices	قیمتهای جاری	Issue Price	قیمت نشر
"Sticky" Prices	قیمتهای چسبان	Controlled Price	قیمت نظارتی
قیمتهایی که به آسانی تغییر نپذیرند.	قیمتهای چسبنده	Charm Price	قیمت نظرگیر
"Sticky" Prices	قیمتهای حاکم	Cash Price; Spot Price	قیمت نقد
Prevailing Prices	قیمتهای حد وسط	Cash Price	قیمت نقدی
«Middle» Price	متوسط قیمتی که دلان اوراق بهادار در بورس خرید و فروش می‌کنند.	Outlay	قیمت نقدی کالا و خدمات
Lagged Price	قیمتهای درنگ‌دار	Silver Price	قیمت نقره
Crumbling of Prices	قیمتهای رو به سقوط	Final Price	قیمت نهایی
Shade Prices	قیمتهای سایه	Basis Cost; Unit Price	قیمت واحد
Soaring Prices	قیمتهای شدیداً رو به ترقی	Import Price	قیمت وارداتی
Opening Prices	قیمتهای شروع (در بورس)	Sales Value	قیمت واقعی فروش
Short Prices	قیمتهای ضعیف	Admission Charge	قیمت ورودی
Factor Prices	قیمتهای عامل	Arrive Price	قیمت ورودی کالا
Seasonal Prices	قیمتهای فصلی	Price Setter	قیمت وضع کردن (در انحصار)
Low Prices	قیمتهای کمتر	Net Cost	قیمت ویژه
Opening Prices	قیمتهای گشایشی	Scheduled Prices	قیمتها بنا بر تعرفه قیمتهای برنامه‌ای
Multiple Price	قیمتهای متعدد	Hammer Prices	قیمتها را پایین آوردن
Absolute Prices	قیمتهای مطلق	Split-off	قیمتها را دگرگون کردن
قیمتهای پولی و در برابر قیمتهای نسبی است.	قیمتهای مطلق	Opening Prices	قیمتهای آغاز کار
Fair Prices	قیمتهای منصفانه	"Sticky" Prices	قیمتهای انعطاف‌ناپذیر
		Soaring Prices	قیمتهای اوج‌گیرنده
		Soaring Prices	قیمتهای بالا رونده
		"Sticky" Prices	قیمتهای برقرار
		Keen Prices	قیمتهای بسیار رقابتی
		Soaring Prices	قیمتهای به شدت تصاعدی

Uniform Delivered Price	قیمت یکنواخت تحویل	"Sticky" Prices Low Prices	قیمتهای ناروان قیمتهای نازل
Discretionary Trust	قیمومت با اعتماد به حسن نیت دیگری	Relative Factor Prices	قیمتهای نسبی عامل
Trade Barrier	قیود تجاری	Actual Prices	قیمتهای واقعی
Loss-offsetting Provisions	قیود جبران خسارت	Target Price Dearworth; Valuable	قیمت هدف قیمتی



Off-the-job Training	کارآموزی در خارج از محل کار	Cabotage	کابوتاز
Vocational Training	کارآموزی شغلی		خروج کالا یا مسافر از مرز یک کشور و ورود به مرز کشور دیگر.
Industrial Training	کارآموزی صنعتی	«Das Kapital»	«کاپیتال»
General Training	کارآموزی عمومی		عنوان کتاب «سرمایه» نوشته کارل کارلس.
Personal Training	کارآموزی کارکنان	Employment; Labour	کار
Employee Training	کارآموزی کارمند		یکی از عوامل تولید دربرگیرنده همه فعالیت‌های انسان.
Correspondence Training	کارآموزی مکاتبه‌ای	Entrepreneur (Enterpriser)	کارآفرین اقتصادی
Institutional Training	کارآموزی نهادی		شخصیتی است که بر پایه ابتکار، ابداع و مدیریت عالی رشد و توسعه اقتصادی خوشه‌ای به راه می‌اندازد.
Efficient	کارآیی	Entrepreneurship	کارآفرینی
Economic Efficiency	کارآیی اقتصادی	Business-like	کارآمد
	کارآیی در کاربرد منابع تولید.	Apprenticeship; Induction Training	کارآموزی
X-efficiency	کارآیی X		کارآموزی از طریق مکاتبه
	یا کارآیی عمومی، وضعی که در آن هزینه کل بنگاه کمینه نشده، زیرا تولید واقعی ناشی از منابع کمتر از سطح عملی بیشینه است.	Correspondence Training	کارآموزی بیرون از محل کار
Ideal Efficiency	کارآیی آرمانی	Off-job Training	کارآموزی بیرون از محل کار
Economic Efficiency	کارآیی اقتصادی	On The Job Training	کارآموزی حین کار
	آن کارآیی که منابع کمیاب سازمان یابند و استفاده شوند در نتیجه هدفهای معین اقتصادی به دست آیند.		

Work Completed	کار انجام یافته	Maximum Efficiency	کارآیی بیشینه
Labour Saving	کاراندوز	Efficient Final Equilibrium	کارآیی تعادل نهایی
	فراگرد فنی یا روش تولیدی که گرایش به کاربرد ماشین و صرفه‌جویی در نیروی کار انسانی دارد.	Thermal Efficiency	کارآیی حرارتی
Retainer	کارانه	Ideal Efficiency	کارآیی درحد مطلوب
Procurament Fee	کلانۀ اخذ وام		همان کارآیی آرمانی است.
Banking	کار بانکی	Audit Efficiency	کارآیی رسیدگی
Unskilled Labour	کار بدون مهارت	Time Efficiency	کارآیی زمانی
Labour-intensive	کاربر	Operating Efficiency	کارآیی عملی
	فراگرد تولیدی که در مقایسه با دیگر تولید به نسبت بیشتری از عامل کار استفاده می‌کند.	X-efficiency	کارآیی عمومی
"Working to Rule"	کار برای رفع تکلیف	Technical Efficiency	کارآیی فنی
Application	کاربرد	Thermal Efficiency	کارآیی گرمایی
Factor Utilization	کاربرد عامل		همان کارآیی حرارتی است.
Bondage; Servitude	کاربردگی	Absolute Efficiency	کارآیی مطلق
"Working to Rule"	د کار بر طبق مقررات	Audit Efficiency	کارآیی ممیزی
Work Sheet	کاربرک		همان کارآیی رسیدگی است.
Spread Sheet	کاربرک ستونی	Efficiency of Marginal Capital	کارآیی نهایی سرمایه
Lapsing Schedule	کاربرک موقعیت داراییهای ثابت	Marginal Efficiency of Investment	کارآیی نهایی سرمایه‌گذاری
Working Papers	کار برگهای حسابرسی	Casual Employment	کار اتفاقی
Labour Intensity	کارتری	Forced Labour	کار اجباری
	همان شدت کاری است.	Socially Necessary Labour	کار اجتماعاً لازم
Bondage	کار بندگی		دید مارکس در تعیین ارزش کالا است.
Unskilled Labour	کاری تخصص	Taking Work to the Worker	کار از کارگر گرفتن
Part-time Work	کار پاره وقت	Overtime Work	کار اضافه
Purchase Officer; Purchasing Officer; Supplier	کارپرداز	Boondoggling	کارافزایی
Collar-work	کار پر زحمت		ایجاد اشتغال در کارهای بهبود.
Employ	کار پیدا کردن	Stretch-out	کارافزوده
Credit Card	کارت اعتبار	Force Account	کار امانی
Cheque Book Card	کارت اعتباری چک		همان حساب کار امانی است.
Business Card	کارت بازرگانی	Relief Work	کار امدادی

Captive Shop	کارخانه ادغامی	Debt Card	کارت بدهی
Preferential Shop	کارخانه تبعیضی	Permit Card	کارت پروانه
Preferential Shop	کارخانه ترجیحی	Stabilization Function	کار تثبیت
Tariff Factory	کارخانه تعرفه‌ای	Pay-roll Card	کارت حقوق
Indivisible Plant	کارخانه تقسیم‌ناپذیر	Job Card	کارت زمان کار
Captive Shop	کارخانه در انقیاد	Travel Card	کارت سفر
Runaway Shop	کارخانه فرار	Single Capacity	کار تک‌شغلی
Runaway Shop	کارخانه فراری	Cartel	کارتل
Runaway Shop	کارخانه کوچنده		اتحادیه واحدهای مستقل و تولیدکننده کالاها
Captive Shop	کارخانه مقید		مشابه که برای استقرار انحصار، حمایت از قیمت‌ها و
Captive Shop	کارخانه وابسته		تقسیم بازاری خاص تشکیل می‌یابد.
Skilled	کاردان	International Cartel	کارتل بین‌المللی
Skill	کاردانی	Oil Ring	کارتل نفت
Work in Process	کار در جریان		مانند کارتل اوپک.
Work in Process	کار در جریان گردش	Travel Card	کارت مسافرتی
Turnover		Tag	کارت مشخصات
Handicraft; Hand Labour; Hand -made; Manual Labour; Manual Work	کاردستی	Card Punch	کارت منگنه (اصطلاح رایانه)
Collar-work	کار دشوار	Punched Card	کارت منگنه شده
Sweating	کار دشوار با مزد کم	Rate Card	کارت نرخهای کرایه
Take-over	کار را از کسی تحویل گرفتن	Distribution Function	کار توزیع
Day Work	کار روزانه	Out-cycle Work	کارچین تعطیل ماشینها
Day Labour	کار روزمزد	In-cycle Work	کارچین کار ماشینها
Day Labour	کار روزمزدی	Comprehensive Job	کار جامع
Unskilled Labour; Unskilled Work	کار ساده	Multi-shift Operation	کار چندنوبه
Organized Labour	کار سازمان یافته	Outwork	کار خارجی
Pay	کارسازی کردن	Home Work	کار خانگی
Remit Money	کارسازی وجه	Plant	کارخانه
Night Work	کار شبانه		شامل زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و اثاثه.
Sabotage	کارشکنی	Factory; Mill; Works	کارخانه
	این اصطلاح در گرایش تاجیکی بر اعتصاب نیز اطلاق شده است.	Modified	کارخانه دارای شرایط مختلط عضویت
Expert; Qualified; Surveyor	کارشناس	Union Shop	
		Marginal Manufact:rer	کارخانه‌دار نهایی
		Open Shop	کارخانه آزاد

Child Labour	کار کودک	Monetarists	کارشناسان پولی
Industrial Unit; Shop	کارگاه	Actuary	کارشناس بیمه
Social Workshop	کارگاه اجتماعی	Average Adjuster	کارشناس تصفیۀ خسارت
Sweatshop	کارگاه استثمار	Average Adjuster	کارشناس تعدیل خسارت
Sweatshop	کارگاه بهره کشی	Industrial Undertaking	کار صنعتی
«Tommy -shop»	کارگاه پرداخت کننده دستمزد جنسی	Unskilled Work	کار غیر تخصصی
Union Shop	کارگاه عضو اتحادیه	Nonproductive Labour; Unproductive Labour	کار غیر تولیدی
Agency Shop	کارگاه نمایندگی	Indirect Labour	کار غیر مستقیم
Labourer; Wage-worker	کارگر		کاری که به طور اخص دخالت مستقیم در فراگرد تولید کالاها و خدمات ندارد و فقط بخشی از جریان عمومی تولید است.
Casual Labour	کارگر اتفاقی	By-work	کار غیر مقرر
Sweated Labour	کارگر ارزان	By-work	کار فرعی
Labour Aristocracy	کارگر اشرافی	Boss; Employer	کارفرما
	کارگران ماهر و متخصص که بنا بر موقعیت از سود بیشتر و امتیازات خاص برخوردارند. پدیده ای در قرن نوزدهم در انگلیس بوده است.	Seasonal Work	کار فصلی
Over-employed Workers	کارگر اضافه استخدام	Brain Work	کار فکری
Black Coated Workers	کارگران اداری	Mental/Manual Division	کار فکری - کاریدی
Primary Workers	کارگران اصلی		این تقسیم کار از دید یکی از جنبه های آشکار تقسیم کار در نظام سرمایه داری است.
Over-employed Workers	کارگران اضافی	Statute-labour	کار قانونی
Longshoremen	کارگران بندر	Function; Performance; Work	کارکرد
Disadvantaged Workers	کارگران بی مزیت	Social Function	کارکرد اجتماعی
Collective Labourers	کارگران جمعی		همان مستعمل است.
	همکاری کارگران در فراگرد کار پیچیده و از مشخصات تقسیم کار گسترده است.	Used	کارکرده
Secondary Workers	کارگران درجه دوم	Stretch-out	کار کشدار
Blue Collar Workers; Manual Workers	کارگران دستی	Speed-up	کارکشی
		Work Relief	کار کمکی
Taking Workers to the Work	کارگران را به کار گماشتن	White-collar Workers	کارکنان غیریدی
Manual Workers	کارگران ساده		کارکنان و کارفرمایانی که به کارهای دستی نمی پردازند و در محدوده وظایف مدیریت اشتغال دارند.
Industrial Workers of the World (I.W.W.)	کارگران صنعتی جهان	Short-term Working	کار کوتاه مدت

Foreman	کارگر مباشر	Luddites	کارگران ضد ماشینیسیم
Skilled Labour	کارگر مجرب	Non-manual Workers	کارگران غیردستی
Scab	کارگر مخالف	Non-manual Workers	کارگران غیریدی
Industrial Democracy	کارگرمداری صنعتی	Brain Workers	کارگران فکری
Own Account Worker	کارگر مستقل	Underemployed Workers	کارگران کم کار
Contract Labour	کارگر مقاطعه‌ای	Farm Labourers	کارگران مزارع
Hands Wanted	کارگر مورد تقاضاست	Blue Collar Workers	کارگران یدی
Casual Worker	کارگر موقت	Threshold Worker	کارگر بی تجربه
Migratory Worker	کارگر مهاجر	Part-time Worker	کارگر پاره وقت
Key Worker	کارگر مؤثر	Contract Labour	کارگر پیمانی
Unskilled Worker	کارگر نامتخصص	Threshold Worker	کارگر تازه کار
Half-timer	کارگر نصف روزه	Indentured Labour	کارگر تحت قرارداد درازمدت
Pace Setter	کارگر نمونه	Production Worker	کارگر تولید
Shift Worker	کارگر نوبتی	Key Worker	کارگر حیاتی
Marginal Labourer	کارگر نهایی	Fink	کارگر خبررسان
Semi Skilled Labour;	کارگر نیمه‌ماهر	Labour Piracy	کارگر ربایی
Semi Skilled Worker		Odd-man	کارگر روزکار
Part-time Worker	کارگر نیمه وقت	Day-labourer; Journeyman	کارگر روزمزد
Journeyman	کارگر وارد	Labourer	کارگر زحمتکش
Product Cost	کارگر و هزینه عمومی عملیات	Disadvantaged Workers	کارگر زیان‌ده
Blue-collar Workers	کارگر یدی	Unskilled Worker	کارگر ساده
	کارگران ماهر، نیمه‌ماهر یا بدون مهارت در بخشهای تولید، تعمیرات و خدمات.	Fink	کارگر سخن‌چین
White-collar Worker	کارگر بقره سفید	Odd-man	کارگر سیار
	کارگرانی که در قلمرو وظایف مدیریت اشتغال دارند.	Unskilled Worker	کارگر عادی
Agent; Broker	کارگزار	Casual Labour	کارگر غیرمستمر
Out Side Broker; Street Broker	کارگزار آزاد	Seasonal Worker	کارگر فصلی
Managing Agent	کارگزار اداره‌کننده	Pauper Labour	کارگر فقیر
Exchange Broker; Mercantile Broker	کارگزار ارز	Contract Labour	کارگر قراردادی
		Indentured Labour	کارگر قراردادی درازمدت
Long	کارگزار اضافه‌دار	Sweated Labour	کارگر کم‌مزد و سخت‌کوش
Placing Broker	کارگزار امور بیمه	Migratory Worker	کارگر کوچنده
Transfer Agent	کارگزار انتقال سهام	Journeyman; Skilled Labour	کارگر ماهر

Abstract Labour	کار مجرد	Exclusive Agency Listing	کارگزار انحصاری معاملات املاک
از دید مارکسیستی نیروی مصرفی انسان در فعالیتها بدون توجه به نوع آنهاست.		Customs Broker	کارگزاران گمرکی
«Composite» Office	کار مرکب	Jobber; Parquet; Stock Jobber; Stockist	کارگزار بورس
Commission; Handling Charges; Service Charge	کارمزد	واسطه‌ای که از سوی متقاضی به داد و ستد اوراق بهادار می‌پردازد و در مقابل حق دلالی یا کارمزد می‌گیرد.	
Bank Commission; Bank Service Charge	کارمزد بانک	Insurance Broker	کارگزار بیمه
Bank Charges	کارمزد بانکی	Merchandise Broker	کارگزار تجارت
وجهی که بانکها در برابر خدمات خود دریافت می‌دارند.		Business Agent	کارگزار تجاری
Commission Agent	کارمزدبگیر	Forward Agent	کارگزار حمل و نقل
Commission Paid	کارمزد پرداختی	Bull	کارگزار خوش‌بین
Commission Brokerage	کارمزد دلالی	Government Broker	کارگزار دولت در بورس
Del Credere Commission	کارمزد ضمانت	Stock Jobber	کارگزار عمده‌سهم
Selling Brokerage	کارمزد فروش	Ship Broker	کارگزار کشتی
Overrider Commission	کارمزد فوق‌العاده	Ship Chandler	کارگزار لوازم کشتی
Exchange Charges; Exchange Commission	کارمزد مبادلات ارزی	Specialist	کارگزار متخصص
Spread	کارمزد متعهد	Estate Agent	کارگزار معاملات املاک
Hackney Job	کار مزدور	Agency	کارگزاری
Hackney Job; Piece Work; Task-work	کارمزدی	Open Listing	کارگزاری آزاد
یا قطعه‌کاری پرداخت دستمزد بر پایه میزان تولید است.		Jobbery	کارگزاری بورس
Direct Labour; Productive Labour	کار مستقیم	Multiple Listing	کارگزاری متعدد
کاریست که مستقیماً صرف تولید کالا یا خدمت گردد.		Staffing	کارگزینی
Concrete Labour	کار مشخص	Speed-up	کارگیری
در برابر کار مجرد است.		Necessary Labour	کار لازم
Work to Rule	کار مطابق قاعده	از دید مارکس، آن بخش از زمان کار تولیدکنندگان بلاواسطه (کارگران و دهقانان) که برای ادامه حیات و تولید مجدد و ضرورت دارد.	
Contract-work; Piece Work	کار مقاطعه	Crystallised Labour	کار متبلور
		Stagger	کار متناوب
		توصیف مارکس از سرمایه به منزله کاری که در گذشته انجام گرفته است.	

Agribusiness	کار و کسب کشاورزی	Employee; Salaried	کارمند
Venture	کار و کسب مخاطره آمیز	Bank Clerk	کارمند بانک
Expansion of Firm	کار و کسب و تجارخانه	Public Servant	کارمند دولت
One-man Business	کار و کسب یک نفره	Sales Clerk	کارمند فروش
Unproductive Consumption; Unproductive Effort	کار و کوشش غیر تولیدی	Blue Butom	کارمند مجاز بورس
Outside Brokerage	کارهای بانک	Public Servant	کارمند مؤسسه دولتی
High Finance	کارهای بزرگ مالی	Field Staff	کارمند ناحیه
Public Works	کارهای عمومی	Membership	کارمندی
Placement	کاریابی	Recruitment	کارمندیابی
Work in Progress	کار یا کالای در جریان ساخت	Union Steward	کارمند یا نماینده اتحادیه
Outgo	کاری را به حد افراط کردن	Task-work	کار موظف
Businessman; Merchant; Self-employed Worker; Trader	کاسب	Casual Employment	کار موقت
Black-marketer	کاسب بازار سیاه	Productive Labour	کار مولد
Shopper	کاسب خرده فروش	Management Fee	کارنامه مدیریت
Packman	کاسب دوره گرد	Shift Work; Stagger	کار نوبتی
Wheeler Dealer	کاسب زدوبندچی	Creation	کار نوظهور
Scalper	کاسب قانع به سود مختصر	Dead Horse	کار نیمه تمام
«Bourgeois»; Self-employed	کاسبکار	Part-time Work	کار نیمه وقت
Sole Trader	کاسبکار منفرد	Entrepreneurship	کاروری
Retail Distribution; Trade	کاسبی	Business	کار و کسب
Take off (to) the Price	کاستن قیمت	Exchange Business	کار و کسب ارز
Deficiency	کاستی	Operating Business	کار و کسب بهره برداری
Fall in Value; Falling off in Value	کاستی ارزش	New Business	کار و کسب جدید
Reserve Deficiency	کاستی اندوخته	Small Business	کار و کسب جزئی
Recession; Tight	کاسد	Operating Business	کار و کسب دایر
Commodity; Good; Merchandise	کالا	Exchange Business	کار و کسب صرافی
Coined Money	کالا به عنوان پول	O.B.	کار و کسب عادی
Rate (Up)	کالا را برای خطرات اضافی بیمه کردن و حق بیمه اضافی دادن	Ordinary Business	نشانه اختصاری است و در بیمه عمر به کار می رود.
Goods	کالاها	Slack Business	کار و کسب کاسد
		Commodity Business	کار و کسب کالا همان معاملات روی کالاهاست.
		Carry on a Business	کار و کسب کردن

Consumer Durables	کالاهای بادوام مصرفی	Goods and Services	کالاها و خدمات
Dry Goods	کالاهای بافته و خرازی	Final Goods and Services	کالاها و خدمات پایانی
Joint-cost Goods	کالاهای با هزینه مشترک		
Exempt Goods	کالاهای بخشوده		منظور کالاهایی است که برای همیشه از فراگرد تولید خارج می‌شود و به مصرف قطعی می‌رسد.
Substitutional Goods; Substitute Goods	کالاهای بدل	Final Goods and Services	کالاها و خدمات قطعی
Superior Commodity	کالاهای برتر		
	همان کالاهای عالی است.	Visible Goods and Services	کالاها و خدمات مرئی
Non-durables Goods; Soft Goods	کالاهای بی‌دوام	Consumer Goods and Services	کالاها و خدمات مصرف‌کننده
Convenience Goods	کالاهای بی‌زحمت		
Giffen Goods; Inferior Goods	کالاهای پست	Invisible Goods and Services	کالاها و خدمات نامرئی
Fashion Goods	کالاهای پسند روز	Free Goods	کالاهای آزاد
High-priced Goods	کالاهای تجاری گران‌قیمت	Convenience Goods	کالاهای آسان
Luxury Goods	کالاهای تجملی	Convenience Goods	کالاهای آسایش‌بخش
Soft Goods	کالاهای تحلیل رفتنی	Social Goods	کالاهای اجتماعی
Overdue Goods	کالاهای تحویل نشده	Proprietary Goods	کالاهای اختصاصی
Substitutional Goods	کالاهای تعویضی	Basic Commodity; Original Goods; Staple Goods	کالاهای اصلی
Producer's Goods	کالاهای تولیدی	Economic Goods	کالاهای اقتصادی
Substitutional Goods; Substitute Goods	کالاهای جانشین	Economic and Free Goods	کالاهای اقتصادی و رایگان
Substitutional Goods	کالاهای جانشینی	Goods on Consignment	کالاهای امانی
Compensatory Goods	کالاهای جبرانی	Back Log	کالاهای انباشته یا تراکم سفارش
Collective Goods	کالاهای جمعی	Exclusive Goods	کالاهای انحصاری
Prestige Goods	کالاهای حیثیتی	Measurement Goods	کالاهای اندازه‌گیری
Sensitive Commodities	کالاهای حساس	Impulse Goods	کالاهای انگیزه‌نسبی
Speciality Goods	کالاهای خاص	Primary Commodity	کالاهای اولیه
Shopping Goods	کالاهای خریداری	Fashion Goods	کالاهای باب روز
Private Goods	کالاهای خصوصی	Joint-demand Goods	کالاهای با تقاضای مشترک
	مصرف این کالاها با رقابت همراه است و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بر پایه کنار گذاشتن رقیبان دیگر عمل می‌کنند.	Durable Goods	کالاهای بادوام

Higher Goods	کالاهای عالی	Domestics	کالاهای داخلی
Goods in Transit; Transit Goods	کالاهای عبوری	Joint Demand Goods	کالاهای دارای تقاضای مشترک
Impure Public Good	کالاهای عمومی ناسره	Joint Cost Goods	کالاهای دارای هزینه مشترک
Substitutional Goods; Substitute Goods	کالاهای عوض	Joint Cost Goods	کالاهای دارای هزینه توأم
Nonmaterial Goods	کالاهای غیرمادی	Piece Goods	کالاهای دانه‌ای
Non-pecuniary Goods	کالاهای غیرنقدی	Goods in Process	کالاهای در جریان ساخت
Perishable Goods	کالاهای فاسد شدنی	First Order Goods	کالاهای درجه اول
Bulk Goods; Perishable Goods	کالاهای فسادپذیر	Loose Goods	کالاهای درهم برهم
Competitive Goods	کالاهای قابل رقابت	Slow-moving Goods	کالاهای دیر آب شونده
Marketable Goods	کالاهای قابل عرضه		کالاهایی که در جریان فروش حرکت کنند دارند.
Contraband Goods; Smuggled Goods	کالاهای قاچاق	Second Hand Goods	کالاهای دست دوم
Labour-intensive Goods	کالاهای کاربر	Free Goods	کالاهای رایگان
Customable Goods	کالاهای گمرک‌بردار	First Order Goods	کالاهای رده اول
Material Goods	کالاهای مادی	Competitive Goods	کالاهای رقابت آمیز
Wet Goods	کالاهای مایع	Competitive Goods	کالاهای رقابت‌پذیر
Abandonment Merchandises; Abandoned Goods	کالاهای متروکه	Competitive Goods	کالاهای رقابتی
General Cargo	کالاهای متفرقه	Competing Goods	کالاهای رقیب
Fungible Goods	کالاهای مثلی	Fashion Goods	کالاهای روزپسند
Goods in Free Circulation	کالاهای مجاز	Fashion Goods	کالاهای زندگی روزمره
Impulse Goods	کالاهای محرک	First-moving Goods	کالاهای زود آب شونده
Goods on Consignment	کالاهای محمول		کالاهایی در فروش دارای حرکت سریع‌اند.
Marketable Goods	کالاهای مخصوص فروش	Fabrication	کالاهای ساخته
Related Goods	کالاهای مرتبط	Auxiliary Capital; Capital Goods; Industrial Goods; Investment Goods; Producer's Goods	کالاهای سرمایه‌ای
Returns	کالاهای مرجوعی		
Visible Goods; Visibles	کالاهای مرئی	Investment Goods	کالاهای سرمایه‌گذاری
Customable Goods	کالاهای مشمول عوارض گمرکی	Heavy Goods	کالاهای سنگین
			مانند زغال سنگ، آهن.
		Industrial Goods	کالاهای صنعتی
Customable Goods	کالاهای مشمول گمرک	Staple Goods	کالاهای ضروری

Semi-durable Goods	کالاهای نیمه بادوام	High-duty Goods	کالاهای مشمول مالیات سنگین
Consumer Semi-durable Goods	کالاهای نیمه بادوام مصرفی	Soft Goods	کالاهای مصرف شدنی
Semi-finished Goods	کالاهای نیمه ساخته	Consumption Goods;	کالاهای مصرفی
Semi-finished Goods	کالاهای نیمه کاره	Consumption or Consumer Goods	
Intermediate Goods;	کالاهای واسطه‌ای	Hard Goods	کالاهای مصرفی بادوام
Higher Order Goods		Nondurable	کالاهای مصرفی بی دوام
Convenience Goods	کالاهای وسیلهٔ آسایش	Consumer's Goods	
Specialty Goods; Speciality Goods	کالاهای ویژه	Fast-moving Consumer Goods	کالاهای مصرفی روزانه
Fashion Goods	کالاهای ویژه یا اختصاصی	Fast-moving Consumer Goods	کالاهای مصرفی هر روزه
Single-use Goods	کالاهای یکبار مصرف	Exempt Goods	کالاهای معاف
Flotsam	کالای آب آورده	Futures Goods	کالاهای معاملهٔ سلف
Free Good	کالای آزاد	Substitutional Goods	کالاهای معاوضه‌ای
Finished Goods; Finished Product; Stock in Trade	کالای آمادهٔ فروش	Standard Goods	کالاهای معیاری
Cheap Line	کالای ارزان	Shopping Goods	کالاهای مغازه‌ای
Commodity	کالای اساسی	Compensatory Goods;	کالاهای مکمل
Improved Good	کالای اصلاح شده	Complementary Goods; Joint-demand Goods	
Staple Commodity	کالای اصلی		
Commodity; Economic Good	کالای اقتصادی		کالاهای وابسته به یکدیگرند به گونه‌ای که تغییر در مصرف یکی تغییری همانند در مصرف دیگری پدید آورد.
Durable Goods	کالای بادوام	Prohibited Goods	کالاهای ممنوعه
	کالای مصرفی است که عمر نسبی بیشتری دارد و یکبار مصرف نمی‌شود.	"Utility" Goods	کالاهای مورد استفادهٔ عامه
Consumer Durable Goods	کالای بادوام مصرفی	Producers' Goods	کالاهای مولد
Staple	کالای بازرگانی عمده	Goods in Process	کالاهای ناتمام
Salvage	کالای باز یافتی	Unsolicited Goods	کالاهای ناخواسته
Superior Goods	کالای برتر	Zero-rated Goods	کالاهای نرخ‌گذاری صفر
	همان کالای عالی است.	Representative Goods	کالاهای نماینده
Bulk Cargo	کالای بسته‌بندی نشده	Standard Goods	کالاهای نمونه
Superior Goods	کالای بسیار مرغوب	Lower Order Goods	کالاهای نوع پست تر
Dead Stock	کالای بنجل و بدون خریدار	Goods in Process	کالاهای نیمه ساخته

Finished Goods	کالای ساخته شده	Jetsam	کالای به دریا ریخته
Capital Equipment; Capital Goods	کالای سرمایه‌ای	Non-durable Goods	کالاهای بی دوام
			کالای مصرفی است که عمر کوتاهی دارد.
	کالای اقتصادی است که برای تولید کالاهای دیگر به کار می‌رود.	Consumer Non Durable Goods	کالای بی دوام مصرفی
Free Capital Good	کالای سرمایه‌ای آزاد	Final Good	کالای پایانی
Specialized Capital Good	کالای سرمایه‌ای اختصاصی		همان کالای قسطی است.
Durable Capital Goods	کالای سرمایه‌ای با دوام	Going Product	کالای پر فروش
Circulating Capital Goods	کالای سرمایه‌ای تمامی پذیر	Inferior Good	کالای پست
			کالایی است که تقاضای آن به هنگام افزایش درآمد کاهش می‌یابد. به کالای گیفن نیز معروف است.
Fixed Capital Good	کالای سرمایه‌ای ثابت	Leading Article	کالای پیش انداخته
Circulating Capital Goods	کالای سرمایه‌ای جاری	Leading Article	کالای پیشرو
Circulating Capital Goods	کالای سرمایه‌ای در گردش	Luxury; Prestige Good	کالای تجملی
			کالایی که کشش درآمدی تقاضا نسبت به آن بیشتر از واحد است.
Free Capital Good	کالای سرمایه‌ای غیر اختصاصی	Finished Product	کالای تکمیل شده
Circulating Capital Goods	کالای سرمایه‌ای متداول	O/S	کالای تمام شده
			نشانه اختصاری Out of Stock است.
Circulating Capital Goods	کالای سرمایه‌ای مصرف شدنی	Substitute	کالای جانشین
			کالا یا در داده‌ای که بتواند جانشین کالا یا در داده دیگر شود.
Capital Goods and Credit	کالای سرمایه‌ای و اعتبار	Prestige Good	کالای حیثیتی
Capital-intensive Goods	کالای سرمایه‌بر	Waster	کالای حیف و میل شده
Loss Leader	کالای شهرت	Commodity	کالای خاص
Necessity (در مقابل کالای تجملی)	کالای ضروری	Waster	کالای خراب (در کارخانه)
Staple Commodity	کالای ضروری	Stock in Trade	کالای در معرض فروش
Normal Good	کالای عادی	Fence	کالای دزدی خریدن
	کالایی که تقاضا برای آن همزمان با کاهش درآمد کاهش می‌پذیرد.	Free Good	کالای رایگان
Superior Goods	کالای عالی		کالایی بس فراوان که مردم بتوانند بدون هزینه و کوشش هر اندازه بخواهند مصرف کنند.
		"Under the Counter"	کالای زیر پیشخوان

Durable Consumers' Goods	کالای مصرفی بادوام	Public Good	کالای عمومی
Merit Bad	کالای مصر		کالایی که جلوگیری از مصرف آن ملازمه با محرومیت دیگران از مصرف همان کالا دارد.
	کالایی که بدون توجه به خواست مصرف‌کننده، مصرف آن جایز نیست.	Local Public Good	کالای عمومی محلی
Standard Commodity	کالای معیار	Ware	کالای فروشی
Merit Good	کالای مفید	Contraband	کالای قاچاق
	کالایی که مصرف آن ذاتاً مطلوب و مجاز است.	Final Product	کالای قطعی
Superior Goods	کالای ممتاز		کالایی که مستقیماً مصرف‌کننده به مصرف می‌رساند.
Stock on Hand	کالای موجودی	Less-than-carload Lot	کالای کمتر از حداقل بار
Production Goods	کالای مولد	"Under the Counter"	کالای کمیاب
	همان کالای سرمایه‌ایست.	Club Goods	کالای گروه - مصرفی
Heterogenous Good	کالای نامتجانس		در استفاده از این نوع کالاها محدودیت امکان‌پذیر است ولی گروه به طور کلی بیشتر از یک فرد را دربر می‌گیرد. در میانه کالای خصوصی و کالای عمومی جای دارد.
Easy Commodity; Inferior Good	کالای نامرغوب	Giffen Goods	کالای گیفن
Bad Goods	کالای نامطلوب		همان کالای پست است.
	کالایی که برای مصرف‌کننده نامطلوبیت به بار آورد.	Homogeneous Commodity	کالای متجانس
Elitist Good	کالای نخبه‌گرا		محصولات ساخت بنگاه‌های مختلف که ویژگی‌های یکسان دارند.
Work in Progress	کالای نیم‌ساخته	Lawful Merchandize	کالای مجاز
Waster	کالای وازده	Consignment	کالای محمول
Intermediate Good	کالای واسطه‌ای	Mixed Good	کالای مختلط
	کالایی است که در تولید کالاهای دیگر به کار می‌رود.		کالایی است که فایده مصرف آن را بتوان فقط به یک فرد اختصاص داد و نه به تساوی به عموم.
Collective Farm	کالخوز	Wage Good	کالای مزدی
	مزارع اشتراکی شوروی سابق.	Rival Brand	کالای مشابه
Kaldor, Nicolas	کالدور، نیکولاس (۱۹۰۸-۱۹۸۶)	Final Good	کالای مصرف قطعی
	اقتصاددان انگلیسی صاحب‌نظر در موضوعات رفاه و مالیات‌بندی و طرفدار جدی اقتصاد کینزی بود.	Final Good	کالای مصرف نهایی
		Consumer Goods	کالای مصرفی
			کالاهایی که صنعت تولید می‌کند و اساساً خانوار به مصرف می‌رساند.

Induced Reserve Losses	کاهش اندوخته‌ی القایی	Kalecki, Michael	کالسکی، مایکل (۱۸۹۹-۱۹۷۰)
Induced Reserve Losses	کاهش اندوخته‌ی انگیزنده		
Derating	کاهش بار مالیاتی		اقتصاددان لهستانی که نظریه‌ی پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و اشتغال و نیز درجه‌ی انحصار را بررسی کرده است.
Mark Down	کاهش بها	Kameralism	کامرالیسم
Derogation	کاهش بها یا رتبه		نوعی مرکانتیلیسم و نظام گسترده‌ای بود که دستگاه دولت و فن واردات را دربر می‌گرفت.
Compensating Depreciation	کاهش بهای جبران‌کننده	Perfectly Substitutable	کاملاً جانشین‌پذیر
Variety Reduction	کاهش تنوع	Write-off	کاملاً مستهلاک کردن
Depopulation	کاهش جمعیت	Sterling	کامل‌العیار
Net Cash Loss	کاهش خالص پول نقد	Kahn, Richard F.	کان، ریچارد (۱۹۰۵ - ...)
Falling off in Value	کاهش در ارزش	Kantorwich, Leonid	کانتورویچ، لئونید (۱۹۱۲-۱۹۸۶)
Shrinkage	کاهش ذاتی		اقتصاددان و عالم ریاضی روسی که پایه‌گذار برنامه‌نویسی خطی است.
Disharding	کاهش ذخیره	Bankers' Association	کانون بانکداران
Competitive Depreciation	کاهش رقابتی ارزش پول	Professional Association	کانون حرفه‌ای
Competitive Depreciation	کاهش رقابتی ارزش پول	Issuing Association	کانون صادرکننده
Deceleration	کاهش سرعت	General Association	کانون عمومی
Capital Loss; Lost Capital	کاهش سرمایه	Labour Association	کانون کار
Falling off of Orders	کاهش سفارشات	Employer's Association	کانون کارفرمایان
Monetary Contraction	کاهش شدید پول	Approved Association	کانون مجاز
Price Reduction	کاهش قیمت	Decrement; Deduction	کاهش
	همان کاهش بهاست.	Disagreement	کاهش ارزش
Cost Reduction	کاهش قیمت تمام‌شده	Currency Depreciation; Depreciation of Money	کاهش ارزش پول
Averaging Down	کاهش قیمت متوسط		
Slump	کاهش گذرا	Write Down	کاهش ارزش دفتری
Bearish Tendency	کاهش‌گرایی	Capital Loss	کاهش ارزش سرمایه
Tax Cuts; Tax Deduction	کاهش مالیات	Depreciation of a Currency	کاهش ارزش یک پول
Tax Reduction	کاهش مالیاتی		
Debasement	کاهش محتویات قیمتی پول معیاری	Excess Depreciation	کاهش اضافی ارزش
Cut Down Expenses	کاهش مخارج	Disharding	کاهش اندوخته
Depletion	کاهش منابع طبیعی		

Homeward Freight	کرایه بازگشت	Cut Stock	کاهش ناگهانی تولید
Return Freight	کرایه برگشت	Falling Rate of Profit	کاهش نسبت سود
Stallage	کرایه بساط کسب		گرایش بازدهی سرمایه به کاهش طی زمان.
Freight Release Advance	کرایه پیشکی	Cost Reduction	کاهش هزینه
Freight		Dishonour	کج حسابی
Preferential Hiring	کرایه ترجیحی	Coding	کدگذاری
C.P.T.	کرایه حمل پرداخته شده	Carriage; Freight; Hire	کرایه
	اصطلاح بازرگانی بین‌المللی و نشانه اختصاری Carriage Paid To است.	Overfreight	کرایه اضافی
Carriage Paid To	کرایه حمل پرداخته شده	Conductitious	کرایه‌ای
Freight	کرایه حمل تا مقصد پرداخته شده	Advanced Freight	کرایه بار پیش پرداختی
(Carriage) Paid to		Carriage Forward	کرایه به عهده تحویل‌گیرنده
Freight/	کرایه حمل تا مقصد معین پرداخته شده است	Carriage	کرایه حمل از قبل پرداخته شده
Carriage Paid to Named Point of Destination		Prepaid	
Freight	کرایه حمل در مقصد پرداخته می‌شود	Freight Carriage	کرایه حمل پرداخته شده تا
Forward		Paid to	
Cut Back Rate	کرایه حمل عبوری	C.I.P.	کرایه حمل و بیمه تا مقصد پرداخته شده
Carriage Inwards	کرایه حمل کالای خریداری	Freight	اصطلاح تجارت خارجی و نشانه اختصاری Carriage and Insurance Paid To / است.
Freight Inward	کرایه حمل کالای خریداری شده		
Freight	کرایه حمل و بیمه تا مقصد پرداخته شده	Carriage Paid To	کرایه در مبداء پرداخته شده
(Carriage) and Insurance Paid to	است	Charterer	کرایه‌دهنده کشتی
Net Lease	کرایه خالص	Demurrage	کرایه معطلی
Outward Freight	کرایه خروج	Affreight	کرایه کردن (کشتی)
Whole Cargo Charter	کرایه دربست کشتی باری	Recharter	کرایه کردن مجدد کشتی
Stallage	کرایه دکه	Affreighter	کرایه کننده کشتی
Outward Freight	کرایه رفت	Demurrage	کرایه معطلی
Implicit Rent	کرایه ضمنی		هزینه تأخیر بارگیری یا تخلیه است.
Ordinary Rent	کرایه عادی	Renter	کرایه‌نشین
Stallage	کرایه غرفه	Cost, Insurance, Freight and Interest	کرایه و هزینه بهره
Part Cargo Charter	کرایه غیر دربست کشتی	Occupational Lease	کرایه اشغالی
Chartered Freight; Chartering or Charterage; Freight	کرایه کشتی	Excess Fare	کرایه اضافی
		Cross-freight	کرایه بار از دو جهت
		Distance Freight	کرایه بار متناسب با مسافت

Managerial Slack	کساد مدیریتی	Charter of Demise	کرایه کشتی بدون کارکنان آن
Inventory Recession	کساد موجودی کالا	Freight And Cartage	کرایه کشتی و تحویل
Installment Trading	کسب اقساطی	Drayage	کرایه گاری
Gainful Undertaking	کسب پر سود	Stallage	کرایه محل دستفروشی
Fair Trade	کسب منصفانه	Homeward Freight	کرایه مراجعت
Vocational Deficit	کسبی	Combination Rate	کرایه مرکب
Government Deficit Surplus	کسر بودجه	Fare	کرایه مسافر
Government Deficit Spending	کسر بودجه دولت	Demurrage	کرایه معطلی در راه آهن و کشتی
Under-paid	کسر پرداخت	Deed	کردار
Trade Deficit	کسر تجاری	Cordoba	کُرْدُبا
Short Shipped	کسر تخلیه		همان کوردوبا، واحد پول نیکاراگوآست.
Duck	کسر حقوق	Seat on the Exchange	کرسی بورس
Income Leakage	کسر درآمد	Krona, KSK	کرونا، واحد پول اسلوواکی
Cash Deficit	کسر صندوق	Kroon, ESK	کرون، واحد پول استونی
Stock Discount	کسر سهم	Cruzeiro, \$, Cr\$	کروزیرو، واحد پول برزیل
	تفاوت میان بهای اسمی سهم و بهای فروش آن به کمتر از بهای اسمی.	Krone, DKr	کرون، واحد پول دانمارک
Price Reduction	کسر قیمت	Krone, DKr	کرون، واحد پول جزایر فاندرو
Deductible	کسر کردنی	Krone, DKr	کرون، واحد پول گرینلند
Tax Deduction	کسر مالیات	Krone, NKr	کرون، واحد پول نروژ
Personal Allowance	کسر مالیاتی شخصی	Krona, IKr	کرونا، واحد پول ایسلند
Capital Consumption Allowance	کسر مصرف سرمایه	Recession	کساد
	هر قلمی در حسابهای درآمد ملی که نشان دهنده استهلاك تجهیزات و تأسیسات بر اثر تولید طی دوره ای معین است.		مرحله انقباض در دور تجاری که پس از نقطه اوج پدید می آید و در نقطه حضيض نابود می شود.
Abraison of a Coin	کسر وزن یک سکه	Inflationary Recession	کساد با تورم
Cost Fraction	کسر هزینه	Slack Business	کساد بازار
Deficiency; Shortage	کسری	Money Crunch	کساد پولی
	وضعی که خرج بر دخل فزونی گیرد یا بدهی در زمانی معین بیشتر از دارایی شود.	Inflationary Recession	کساد تورمی
		Growth Recession	کساد رشد
		General Dullness of Business	کساد عمومی کار و کسب
		Inventory Recession	کساد فهرست موجودی
		Double-depression	کساد مجدد

Family-unit	کشاورزی واحد خانواده	Allowance	کسر یا افزایش پذیرفتنی
Agriculture		High Employment	کسری (مازاد) اشتغال بالا
Farm	کشتزار	Deficit (surplus)	
Intensive Cultivation	کشت سرمایه‌بر	Budget Deficit	کسری بودجه
Str.	کشتی	External Deficit	کسری خارجی
	نشانه اختصاری Steamer است.	Be In Red	کسری داشتن در حساب
Tramp Steamer	کشتی آزاد	Dollar Deficit	کسری دلار
Ocean Vessel	کشتی اقیانوس‌پیما	Make-up a Deficit	کسری را پر کردن
Liner	کشتی با برنامه و مسیر مشخص	Full Employment	کسری (مازاد) اشتغال کامل
Cargo Ship	کشتی باربری	Deficit (Surplus)	
Freighter	کشتی باری	Chronic Deficit	کسری مزمن
"Roll on-Roll Off"	کشتی باری پل‌دار	Ordinary Shortage	کسر معمولی
Traffic		Cash Shorts and	کسریها و فرونیهای صندوق
"Roll on-Roll Off"	کشتی باری پل سرخود	Overs	
Traffic		Cyclical Deficits	کسریهای ادواری
Mercantile Marine;	کشتی بازرگانی	Cyclical Budget	کسریهای ادواری بودجه
Merchantman		Deficits	
Tramp Steamer	کشتی بی‌برنامه	Debt-financed	کسریهای تأمین مالی بدهی
Merchantman	کشتی تجاری	Deficits	
"Roll on-Roll off"	کشتی تخلیه - بارگیری	Cyclical Budget	کسریهای دوری بودجه
Traffic		Deficits	
Advice Boat	کشتی خبرگزار	Government Deficits	کسریهای دولت
Freighter	کشتی دار	Superannuation Payment	کسور بازنشستگی
Chartered Party	کشتی در بست	Policy Deductible	کسور بیمه‌نامه
Laker	کشتی دریاچه‌پیما	Income Deductions	کسور درآمد
Abandon	(کشتی) را به سرنوشت خود رها کردن	Statutory Deductions	کسور قانونی
Shipping	کشتیرانی	Customary Deductions	کسور متعارف
Marine Navigation	کشتیرانی دریایی	Customary Deductions	کسور مرسوم
Cabotage	کشتیرانی ساحلی	Debit	کسی را بدهکار کردن
Container Ship	کشتی محفظه‌ای	Tenant Farmer	کشاورز مستأجر
Container Ship	کشتی مخزن‌دار	Agriculture	کشاورزی
Sailing Vessels	کشتیهای اقیانوس‌پیما	Family-unit Agriculture	کشاورزی خانواری
Sailing Vessels	کشتیهای باری		نظام کشاورزی مبتنی بر تولید در واحد خانوار.

Elasticity of Input Substitution	کشش جانشینی در داده	Elasticity	کشش واکنش نسبی یک متغیر در برابر تغییر ناچیز در متغیر دیگر.
Elasticity of Input Substitution	کشش جانشینی عامل تولید	Elasticity of Anticipation; Elasticity of Expectations	کشش انتظارات
Elasticity of Commodity Substitution	کشش جانشینی کالا	Market Potential	کشش بازار
Elastic	کشش دار		فروش بیشینه و ممکن محصول یک شرکت در بازار معین است.
Income Elasticity	کشش درآمد	Iso-elastic	کشش برابر
Income Elasticity of Demand	کشش درآمدی تقاضا	Interest Elasticity	کشش بهره
	معیاری است برای تعیین مقدار تقاضا برای یک کالا بر اثر تغییر درآمد متقاضی.		خصوصیت صنعتی است که به هنگام ترقی بهره فعالیت آن کاهش می‌پذیرد.
Income Elasticity of Demand for Imports	کشش درآمدی واردات	Elasticity of Productivity	کشش بهره‌وری
Elasticity, Promotional	کشش رو به ترقی	Infinite Elasticity	کشش بی‌نهایت
Share Elasticity	کشش سهم	Promotional Elasticity	کشش ترقی
Elasticity of Supply	کشش عرضه	Elasticity of Demand	کشش تقاضا
	میزان واکنش نسبی یک تولیدکننده در عرضه یک کالا به هنگام تغییر قیمت آن در بازار.		کشش قیمتی تقاضا یا کشش تقاضا نسبت به قیمت است که ممکن است کشش متقابل تقاضا یا کشش قیمتی باشد.
Elasticity of Money Supply	کشش عرضه پول	Income Elasticity of Demand	کشش تقاضا نسبت به درآمد
	وضعی در نظام پولی که در آن حجم پول رایج می‌تواند برای برآوردن نیازهای مختلف تغییر یابد.	Price Elasticity of Demand	کشش تقاضا نسبت به قیمت
Elasticity of Productivity	کشش فرآوری	Elasticity of Demand and Supply, Price	کشش تقاضا و عرضه نسبت به قیمت
Technical Elasticity of Substitution	کشش فنی جانشین	Elasticity of Production	کشش تولید
Arc Elasticity of Demand	کشش قوسی تقاضا	Elasticity of Substitution	کشش جانشینی
Arc Elasticity of Demand and Supply	کشش قوسی تقاضا و عرضه		انعطاف‌پذیری عوامل تولید برای جانشینی بر یکدیگر در برابر تغییرات نسبی قیمت‌ها.
Price Elasticity	کشش قیمت	Constant Elasticity of Substitution Production Function	کشش جانشینی ثابت تابع تولید
Price Elasticity of Demand	کشش قیمتی تقاضا		
Price Elasticity of Demand and Supply	کشش قیمتی تقاضا و عرضه		
Complete Elasticity	کشش کامل		

Economic Conflict; Economic War; Economic Warfare	کشش اقتصادی	Elasticity, Perfect or Infinite	کشش کامل یا کشش نامحدود
Demarcation Dispute	کشش تفکیک حقوق	Arc Elasticity of Demand	کشش کمانی تقاضا
Class Struggle	کشش طبقاتی	Arc Elasticity of Demand and Supply	کشش کمانی تقاضا و عرضه
Representation Controversy	کشش نمایندگی	Cross Elasticity	کشش متقابل
Drawer	کشنده برات	Cross Elasticity of Demand	کشش متقابل تقاضا
No Account	کشنده چک حساب ندارد		
Debtor Nation	کشور بدهکار		حساسیت کمیت تقاضای یک کالا نسبت به تغییر قیمت کالای دیگر.
Immature Debtor Nation	کشور بدهکار نارس	Cross Elasticity	کشش متقاطع
Creditor Nation	کشور بستانکار	Cross Elasticity of Demand	کشش متقاطع تقاضا
Mature -creditor Country	کشور بستانکار دارای اقتصاد رسا		همان کشش متقابل تقاضا است.
Gold-using Country	کشور دارای پایه طلا	Wage-pull	کشش مزد
Creditor Nation	کشور داین	Inelastic	کشش ناپذیر
Mature-creditor Country	کشور رسیده بستانکار	Inelasticity	کشش ناپذیری
Developing Country	کشور رو به توسعه	Inelasticity of Demand	کشش ناپذیری تقاضا
	این عنوان معمولاً بر کشوری اطلاق می شود که از لحاظ صنعتی شدن هنوز به مرحله توسعه اقتصادی نرسیده و سطح درآمد ملی نتواند پس انداز لازم برای سرمایه گذاری و رشد بیشتر را به دست دهد.	Inelasticity of Supply	کشش ناپذیری عرضه
Participating Country	کشور سهیم	Complete Inelasticity; Perfect Inelasticity	کشش ناپذیری کامل
Participating Country	کشور شریک	Point Elasticity	کشش نقطه ای
Most Favoured Nation (M.F.N.)	کشور کاملاً الوداد		درجه حساسیت در یک نقطه روی منحنی تقاضا یا عرضه در بازار معین است.
Less Developed Country	کشور کمتر توسعه یافته	Point Elasticity of Demand	کشش نقطه ای تقاضا
Donner Country	کشور کمک کننده (واهب است)	Point Elasticity of Demand and Supply	کشش نقطه ای تقاضا و عرضه
Developed Countries	کشورهای توسعه یافته	Unit Elasticity	کشش واحد
Underdeveloped Countries	کشورهای توسعه نیافته	Elasticity of Costs	کشش هزینه ها
		Elasticity of a Function	کشش یک تابع
		Iso-elastic	کشش یکسان
		Hevristic	کشی کننده

Economic Maturity	کمال اقتصادی	Key-currency Countries	کشورهای دارای پول کلید
Under Estimate	کم بر آوردن کردن	Least Developed Countries	کشورهای در سطح کمترین توسعه
Deficiency; Shortage	کمبود	Key-currency Countries	کشورهای ذخیره گیر
Reserve Deficiency	کمبود اندوخته	Backward Countries	کشورهای عقب مانده
Undersaving	کمبود پس انداز	Underdeveloped Countries	کشورهای کم توسعه یافته
Negative Cash Flow	کمبود جریان نقدی	Consuming Countries	کشورهای مصرف کننده
Underpopulation	کمبود جمعیت	Newly Industrialized Countries (I.N.C.s)	کشورهای نو صنعتی
Income Leakage	کمبود درآمد	کشورهایی هستند که با اتکاء بر صنایع صادراتی توانسته اند به پیشرفتهای بزرگی از حیث رشد محصول ناخالص داخلی اشتغال در صنعت برسند.	
Dollar Shortage	کمبود دلار	Positive Skewness	کشیدگی مثبت
Undercapitalized	کمبود سرمایه	Relative Skewness	کشیدگی نسبی
Labour Shortage	کمبود کارگر	Drawing a Cheque	کشیدن چک
Liquid Deficiency	کمبود نقدینه	Redraft	کشیدن مجدد برات
Under Manning	کمبود نیروی کار	Suretyship	کفالت
Cheap	کم بها	Depreciation Adequacy	کفایت استهلاک
Under-utilization	کم بهره گیری	Pallet	کفه بارگیری
Under-utilization of Labour	کم بهره گیری از کارگر	Acting	کفیل
Short of Money	کم پول	Personal Surety	کفیل به عنوان ضامن
Stringency	کم پولی	Barratory	کلاهبرداری
Short Change	کم تحویل دادن (پول)	Loan Shark	کلاهبرداری وام
Off-peak	کمتر از بالاترین درجه	Lapping	کلاه به کلاه کردن
Off-peak	کمتر از حداعلی	Price Chiseling	کلاه گذاری در قیمت
L.T.L.	کمتر از ظرفیت بار کامیون	Turnover	کل فروش یک واحد اقتصادی
Less Than Truckload	نشانه اختصاری Less Than Truckload است.	Economic Aggregates	کلهای اقتصادی
Less Than Carload	کمتر از ظرفیت بارگیری	Wholesale	کلی فروشی
Less Than Truckload	کمتر از محموله کامیون سنگین	Klein, Lawrence	کلین، لارنس (۱۹۲۰ - ...)
Underpricing	کمتر قیمت گذاری	اقتصاددان آمریکایی و صاحب نظر در مسائل اقتصاد	
Minimax	کمترین بیشینه	سنجی و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۸۰ در اقتصاد.	
Living Wage	کمترین دستمزد		
Bottom Price; Minimum Price	کمترین قیمت		

Assistant Accountant; Semi-senior Accountant	کمک حسابدار	Minimum Resale Price	کمترین قیمت جزئی فروشی
Foreign Aid	کمک خارجی	Generalized Least Squares	کمترین مجدورات تعمیمی
	انتقال مقرر منابع از کشورهای پیشرفته و ثروتمند به کشورهای رو به توسعه.		اصطلاح اقتصادسنجی است.
Family Allowances	کمک خانوادگی	Minimum Cost	کمترین هزینه
Family Allowances	کمک خانواده		همان هزینه کمینه است.
Subsidize	کمک خرج دادن	Short Change	کم دادن (پول)
Bilateral Assistance	کمک دوجانبه	Underinvestment	کم سرمایه گذاری
Capital Assistance	کمک سرمایه ای	Cheap	کم سود
Conditional Aid	کمک شرطی	Under-invoicing	کم سیاهه نویسی
Assistant Cashier	کمک صندوقدار	Short Weight	کم فروشی کردن
Family Allowances	کمک عایله مندی	Underpricing	کم قیمت گذاری
Family Allowances	کمک عایله کار مندی	Aid	کمک
Commodity Assistance	کمک کالایی	Underemployment	کم کاری
Grantor	کمک کننده	Bounty	کمک اقتصادی دولت
Grantee	کمک گیرنده	Ex Gratia Payment; Subsidy	کمک بلاعوض
Marshall Aid	کمک مارشال	Foundation Grant	کمک بلاعوض بنیاد
Financial Aid	کمک مالی	Grant-in-aid	کمک بلاعوض دولتی
Subvention	کمک مالی بلاعوض	Grant-in-aid	کمک بلاعوض مشروط
Inflation Subsidy	کمک مالی تورم	Subsidy	کمک بها
Subsidize	کمک مالی دادن	Contributory Pension	کمک به کارمندان
Conditional Aid; Tied Aid	کمک مشروط	Relief Payments	کمک به مستمندان
Fatigue Allowance	کمک معاش خستگی کار	Unemployment Benefit	کمک بیکاری
Fatigue Allowance	کمک معاش رنج کار	Medicaid	کمک پزشکی
Subvention	کمک نقدی	Graduated Social Insurance Contribution	کمک تدریجی بیمه اجتماعی
Equalization Grants	کمکهای بلاعوض ایجاد برابری	Commodity Assistance	کمک جنسی
Equalization Grants	کمکهای بلاعوض تسویه		همان کمک به صورت کالا یا کمک کالایی است.
Agricultural Subsidies	کمکهای بلاعوض کشاورزی	Multilateral Aid	کمک چندجانبه
National Insurance Contributions	کمکهای بیمه ملی	Trade Adjustment Assistance	کمک حرفه ای تطبیقی

تولید لازم برای اجابت نیازها را به دست دهند.	Agricultural Support	کمک‌های تقویتی کشاورزی
Credit Tightness	کمیبای اعتبار	Subsidies
Want of Money	کمیبای پول	Agricultural Support Subsidies
Contrived Scarcity	کمیبای ساختگی	کمک‌های حمایتی کشاورزی
Contrived Scarcity	کمیبای مصنوعی	Government Aid Items
Absolute Scarcity	کمیبای مطلق	کمک‌های دولت
Labour Shortage	کمیبای نیروی کار	Investment Grant
Undersaving	کمی پس انداز	کمک‌های سرمایه‌گذاری
Aggregate	کمیت کلی	Fellow Subsidiaries
Under-production	کمی تولید	کمک‌های عضو
Economic	کمیت‌های کلی اقتصادی	Cost of Living
Aggregates		کمک‌های هزینه زندگی
Underpopulation	کمی جمعیت	Allowances
Dollar Shortage	کمی دلار	Bounty
Minimax	کمین بیشینه‌ها	کمک هزینه
Min	کمینه	Subsidize
نشانه اختصاری Minimum است.		کمک هزینه دادن
Minimum	کمینه	Employment Subsidies
Loss Minimization;	کمینه‌سازی زیان	Subsidy
Minimization of Loss		کمک هزینه اشتغال
Cost Minimization	کمینه‌سازی هزینه	Cross-subsidization
گزینش ترکیب در داده‌ها به گونه‌ای که دستیابی به سطح معینی از تولید با کمترین هزینه کل امکان‌پذیر شود.		کمک هزینه متقابل
Critical Minimum	کمینه تلاش ضروری	Undercharge
Effort		کم مطالبه کردن
National Minimum	کمینه سطح زندگی	Over and Short
سیاست تأمین اجتماعی مبنی بر حداقل سطح زندگی در مقیاس ملی است.		کم و زیاد
Minmand	کمینه مطلوب	Chinese People's Communes
هدفی که گرایش به کمینه‌سازی آن است.		کمون‌های خلقی چین
Relative Minimum	کمینه نسبی	واحدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی چین در مناطق روستایی.
Under Manning	کمی نیروی کار	Communism
		کمونیسم
		مرحله‌ای از توسعه اقتصادی که در آن دولت زوال می‌یابد و هر کس به اندازه نیازش دریافت می‌دارد.
		Primitive Communism
		کمونیسم اولیه
		در تفسیر مارکسیستی از مراحل تکامل جوامع انسانی، مرحله آغازین حیات اجتماعی انسانهاست که در آن زمین، ابزار تولید ساده، سرپناه و جز اینها در مالکیت جمعی و اشتراکی افراد قرار دارد و تولید گروهی صورت می‌گیرد و حاصل کوشش به تساوی انجام می‌پذیرد.
		Orra; Orrow; Rare; Scarce
		کمیباب
		Scarcity
		کمیبایی
		در اقتصاد، وضعی است که منابع موجود نتوانند

Koopmans, (1910-1985) کوپمنس، تزالینگ	Kondratieff, (1892-1931) کندراتیف، نیکولایی د.
Tjallinging اقتصاددان امریکایی و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۵ در اقتصاد.	Nicolai D. اقتصاددان روس که دورهای اقتصادی را کشف کرده است.
Trading Stamp کوپن	Labour Slowdown کندگاری
Coupon کوپن، واحد پول گرجستان	گندی موقت در آهنگ عادی کار.
Interest Coupon کوپن بهره	Slacken کند کردن
High Coupon کوپن پرسود	Lag; Slackening گندی
Outward Half (of a Return Ticket) کوپن عزیمت	Seasonal Slackening of Orders گندی فصلی سفارشها
Bond Coupon کوپن قرضه	Consortium (Syndicate) کنسرسیوم
High Coupon کوپن ممتاز	Social Act کنش اجتماعی
Short Run کوتاهمدت	Multiplier کنش متقابل ضرایب افزایش شتاب
دوره زمانی که طی آن یک بنگاه تولیدی نتواند یکی از عوامل تولید را تغییر دهد.	-accelerator Interaction
Short-dated کوتاه موعد	Social Interactions کنشهای متقابل اجتماعی
Quetzal کوتزال	U.N.C.T.A.D. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد
Migration کوچ	نشانه اختصاری عنوان زیر است:
Perverse Migration کوچ خودسر	United Nations Conference on Trade and Development.
Flight of Capital کوچ سرمایه	United Nations Conference on Trade and Development
Industrial کوچ صنعتی	کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد
Migration نقل و انتقال یک صنعت از جایی به جای دیگر در محدوده یک کشور.	Nations Conference on Trade and Development
Deindustrialization کوچک شدن سهم صنعت	Shipping Conference کنفرانس کشتیرانی
Perverse Migration کوچ ناپهناجر	Quesnay, (1694-1774) کنه، فرانسوا
Cordoba, C\$ کوردوبا، واحد پول نیکاراگوئه	Francois پزشکی و اقتصاددان و مبتکر جدول جریان درآمد.
Cournot, (1801-1877) کورنو، آنتوان ا.	Kwacha, K کوچا، واحد پول زامبیا
Antoine A. اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۱ در اقتصاد.	Kwacha, MK کوچا، واحد پول مالاوی
Koruna, KCS کورونا، واحد پول اسلوواکی و چک	Qt. کوارت
	برابر با پگان و مخفف Quart است.
	Kwanza, Kz کوانزا، واحد پول آنگولا
	Quetzal, Q کوتزال، واحد پول گواتمالا

Planned Obsolescence	کهنگی برنامه‌ای	Kuznets, Simon	کوزنتس، سیمون (۱۹۰۱-۱۹۸۵)
Built-in Obsolescence	کهنگی خود به خودی		
Obsolescent	کهنه		اقتصاددان امریکایی برندهٔ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۹۲
Boneman	کهنه فروش		در اقتصاد.
Out of Date	کهنه و منسوخ	Conse, Ronald	کوس، رونالد (۱۹۱۰ - ...)
Kyat, K	کیات، واحد پول برمه (میان‌مار)		اقتصاددان انگلیسی، برندهٔ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۹۱
Kibutz	کیبوتس		در اقتصاد.
	واحدهای اشتراکی عمدتاً کشاورزی در اسرائیل.	EFFORT	کوشش
Kip, K	کیپ، واحد پول لانوس	Colon, c	کولون، واحد پول السالوادور
Kina, K	کینا، واحد پول گینه‌نو (پاپوا)	Colon, c	کولون، واحد کاستاریکا
Keynes, John Maynard	کینز، جان مینارد (۱۸۸۳-۱۹۴۶)	Kuna, CRK	کونا، واحد پول کروآسی
	اقتصاددان انگلیسی و موجد انقلاب صغیر در اندیشه‌های اقتصادی و نویسندهٔ «نظریهٔ عمومی اشتغال، بهره و پول».	Kwacha, K	کوواچا همان کوواچا، واحد پول زامبیاست.
		Obsolescence	کهنگی
		Human Obsolescence	کهنگی انسانی



Safe Depositit Box	گاوصندوق سپرده	G.A.T.T.	گات
By-passing	گذار میان بر به سوسیالیسم	General Agreement on Tariffs and Trade	نشانه اختصاری است که اینک در آستانه تبدیل به «سازمان تجارت جهانی» قرار گرفته است.
Capitalism	مفهومی در اقتصاد مارکسیستی دایر به این که اقتصاد پیش سرمایه داری می تواند بدون گذر از مرحله سرمایه داری، تحت شرایط معین، به سوسیالیسم برسد.	Power Gas	گاز ارزان برای مصارف صنعتی
Waiver	گذشت	Godwin, William	گادوین، ویلیام
Post-factum (Ex Post Facto)	گذشته از موقع		این اقتصاددان نسبت به آینده خوش بین بوده و عقیده داشت که انسان کمال پذیر است و سرانجام عقل حاکم می شود و همه خوشبخت و برابر می گردند.
Back Casting	گذشته بینی	Galbraith, (۱۹۰۸ - ...)	گالبریت، جان کنت
Expensive; Upmarket	گران	John Kenneth	
Be Expensive	گران بودن		اقتصاددان امریکایی، چهره سرشناس و منتقد سیاسی مسلط بر نظریات انحصار و پول در جوامع کثونی.
Dearworth; Priceless; Valuable	گران بها	Gulf	گالف ریال، واحد پول امارات عربی متحد
Tout	گران تر از بهای اصلی فروختن	Riyal (Dubai)	
Dear-bought	گران تمام شده	Gallon	گالن
Dear-bought	گران خرید	Gallon (imp)	گالن امپریال
Buying Dear and Selling Cheap	گران خریدن و ارزان فروختن	Noting a Bill	گام نخست برای واخواهی برات
Overcharger	گران فروش	Home Safe; Safe; Safe Custody	گاوصندوق
Trading Up	گران فروشی		
Costly	گران قیمت		

Circular-flow of Income	گردش درآمد	Over-rate	گران قیمت گذاشتن
پرداخت از سوی بنگاهها به خانوارها به منزله عرضه کنندگان عوامل تولید یا در داده‌ها و برگشت این وجوه از سوی خانوارها به بنگاهها گردش درآمد است.		Enhance in Price; Enhancement of Price; Overbid	گران کردن
Receivables Turnover	گردش دریافت کردنیها	Bull	گران کردن سهام با پیش خرید آنها
Circular Flow of Income; Income Circular	گردش دورانی درآمد	Dearness; Dearth	گرانی
Round Turn or Trip	گردش دوسره	High Price of Money	گرانی پول
Stock Turnover	گردش ذخیره انبار	Dearness (High Cost) of Living; Increased Cost of Living	گرانی هزینه زندگی
Capital Turnover	گردش سرمایه	Attitude; Tendency; Trend	گرایش
از دید مارکسیستی سرمایه صنعتی در فراگرد و تولید سه مرحله را می‌پیماید: نخست سرمایه پولی سرمایه‌دار صرف خرید کالاهای مولد می‌گردد. دوم، طبقه کارگر ارزش مواد و وسایل تولید را به کالای جدید انتقال می‌دهد و سوم سرمایه‌دار سرمایه کالایی را در بازار به فروش می‌رساند و آن را باز به صورت نخست یعنی پول بیشتر در می‌آورد.		Contractionary	گرایش انقباضی
Investment Turnover	گردش سرمایه در سرمایه‌گذاری	Buyancy	گرایش به ترقی
نسبت فروشها به کل اسناد (معادل پولی آنها) است. برگشت سرمایه نیز نامیده می‌شود.		Bearish Tendency	گرایش به کاهش
Merchandise Turnover (کالا)	گردش سرمایه (کالا)	Snobism	گرایش خودبزرگ‌نمایی
Invested Turnover	گردش سرمایه‌گذاری شده	Upward Tendency	گرایش صعودی
Capital or Investment Turnover	گردش سرمایه یا سرمایه‌گذاری	Secular Trend	گرایش قرنی
Working Capital Turnover	گردش سرمایه جاری	Malthusianism	گرایش مالتوسی
گردش سرمایه‌گذاری شده		Run of the Market	گرایشهای بازار
Invested Capital Turnover	گردش سرمایه‌گذاری شده	Inflationary Tendencies	گرایشهای تورمی
National Labour Turnover	گردش عامل کار در مقیاس ملی	Compensatory Tendencies	گرایشهای جبرانی
Sales Turnover	گردش فروش	Raise Money	گردآوری پول
		Operator	گرداننده
		Turnover	گردش
			گردش معاملات.
		Flow of Income Creation	گردش ایجاد درآمد
		Budget Cycle	گردش بودجه
		Currency Circulation	گردش پول
		Random Walk	گردش تصادفی
		Accounts	گردش حسابهای قابل وصول
		Receivable Turnover	
		Tangible Assets	گردش داراییهای مادی
		Turnover	
		Tangible Assets	گردش داراییهای مرنی
		Turnover	

Round Off	گرد کردن	Turnover; Labour Turnover	گردش کار
Rounding	گرد کردن اعداد	Work in Process	گردش کار در جریان تولید
Pawn	گرو	Turnover	
Second Mortgage	گرو لانی	Merchandise Turnover	گردش کالا
Mortgagor	گرو دهنده	Inventory	گردش کالای یک دوره مالی
Pawner (or Pawnor); Pledger	گرو گذار	Turnover	
Checking Slip; Hypothecation; Pawning; Pledge	گرو گذاری	Merchandise Turnover	گردش کالاهای تجاری
Loan on Bottomry	گرو گذاری کشتی	Finished Goods	گردش کالاهای تمام شده
Rehypothecation	گرو گذاری مجدد	Turnover	
Hypothecate	گرو گذاشتن	Total Asset Turnover	گردش کل دارایی
Pawn Broker; Pledgee	گرو گیر	Turnover	گردش معاملات
Mortgagee	گرو گیرنده	Raw Material Turnover	گردش مواد اولیه
Distrain	گرو نگاه داشتن (بعداً حراج کردن)	Inventory Turnover	گردش موجودی
Experimental Group	گروه آزمایشی	Stock Turnover	گردش موجودی انبار
Cohort	گروه آماری		میزان فروش از موجودی انبار است.
Social Group	گروه اجتماعی	Inventory Turnover;	گردش موجودی کالا
Sterling Block	گروه استرلینگ	Stock Turn	
	در سال ۱۹۳۹ این گروه بر اثر ایجاد حوزه استرلینگ از میان رفت.	Gross Plant Turnover	گردش ناخالص ماشین
Groupage	گروه بندی	Cash Flow	گردش نقدی
Socio-economic	گروه بندی اجتماعی - اقتصادی	Labour Turnover	گردش نیروی کار
Grouping			میزان کناره گیری کارگر از یک بنگاه است.
Trade Block	گروه بندی تجاری	Firm Labour	گردش نیروی کار در بنگاه اقتصادی
Dollar Block	گروه بندی دلار	Turnover	
Groupage Shipment	گروه بندی محموله	Cash Flow	گردش وجوه نقد
Budget Committee	گروه بودجه		جریان پرداختها و دریافتهای نقدی یک بنگاه است طی دوره معین.
Conglomerate	گروه تولیدی	Discounted Cash	گردش وجوه نقد تنزیلی
Purchase Group	گروه خرید	Flow	
Purchase Group	گروه خریدار		روشی است برای ارزیابی سرمایه گذاریها مبتنی بر این نظر که ارزش مقدار معینی پول برای یک فرد یا بنگاه درست بستگی به زمان دریافت آن دارد.
Dollar Block	گروه دلار	Flow of Expenditure	گردش هزینه
Secondary Group; Sub-group	گروه فرعی		
Selling Group	گروه فروشنده		

Tax Avoidance; Tax Dodging; Tax Evasion	گریز از مالیات	Lobby	گروه فشار
Red Herring	گریز از موضوع	Task Force; Task Group; Work Group; Working Party	گروه متنفذ و صاحب قدرت اقتصادی.
Deposit Run off	گریز سپرده	Collectivism	گروه کار
Flight of Capital	گریز سرمایه	Think Tank	گروه گزایی
Account; Report; Turn	گزارش	Secondary Picket	گروه مشاوران
Appraisal Report	گزارش ارزیابی	Control Group	گروه مشوق اعتصاب
Bank Reconciliation Statement	گزارش اصلاح بانک	National Savings Groups	گروه مقایسه‌ای
Bank Return	گزارش بانک	Vocational Groups	گروه‌های پس‌انداز ملی
Brandt Report	گزارش برانت	Noncompeting Groups	گروه‌های پیشه‌ای
Budget Report	گزارش بودجه	Accommodated Group	گروه‌های غیررقیب
Long-form Audit Report	گزارش تفصیلی	Hock; Mortgage; Security Gage	گروه همساز
Consolidated Income Statement	گزارش تلفیقی درآمد	Leasehold Mortgage	گرونی
Account of Proceeding (Report)	گزارش حساب	Amortized Mortgage	گرونی اجاره ملک
Audit Report; Auditors' Report	گزارش حسابرسی	Collateral	گرونی استهلاک یابنده
Exchequer Return	گزارش خزانه‌داری	First, Second or Third Mortgage	گرونی اضافی
Internal Reporting	گزارش داخلی	Underlying Mortgage	گرونی اول، دوم و سوم
Operating Reports	گزارش داخلی عملیات	Guaranteed Mortgage	گرونی باضمانت مخصوص
Give (Render) Account of	گزارش دادن	Consolidated Mortgage	گرونی تضمین شده
Radcliff Report	گزارش رادکلیف (۱۹۵۹ میلادی)	Retention Money	گرونی تلفیقی
	گزارش مهم لرد رادکلیف درباره نحوه عمل نظام پولی انگلستان و توصیه آن به نظارت بر حجم پول و نقدینگی در سال ۱۹۵۹.	Purchase-money Mortgage	گرونی حسن انجام کار
		Bonded Goods	گرونی خرید
		Bond, General Mortgage	گرونی در انبار گمرک
		Chattel Mortgage	گرونی عمومی سند
		Tax Lien	گرونی مال شخصی
		Straight Mortgage	گرونی مالیاتی
		Overlying Mortgage	گرونی مستقیم
		Flight from Currency	گرونی مشترک
		Flight from Cash	گریز از پول
			گریز از پول نقد

Reporting	گزارش نویسی	Bank Reconciliation Statement	گزارش رفع اختلاف بانک
Consolidated Statements	گزارشهای تلفیقی	Statement of Standard Accounting Practice	گزارش رویه معیاری حسابداری
Consolidated Statements	گزارشهای مشترک	Annual Report	گزارش سالانه
Weekly Return	گزارش هفتگی	Earning Report	گزارش سود و زیان
Problematic Proposition	گزاره احتمالی	Interim Report	گزارش طی دوره
Proposition	گزاره منطقی	Interim Report	گزارش طی سال
Exorbitant; Extravagant	گزاره	Deck Logs	گزارش عرشه کشتی
Choice; Selection	گزینش	Statement of Affairs	گزارش عملیات مالی
Collective Choice	گزینش جمعی	Operating Statement	گزارش عملیاتی
Timing	گزینش زمان	Earnings Report	گزارش عواید
Systematic Selection	گزینش سنجیده و پیوسته	Unqualified Report	گزارش غیرمشروط
Choice of Technology	گزینش شناخت فنی	Operating Statement	گزارش کارکرد
Public Choice	گزینش عمومی	Ship's Report	گزارش کشتی
Choice of Technology	گزینش فن	Short Form Report	گزارش کوتاه
Alternative Use Cost	گزینه دیگر هزینه استفاده	Reporting	گزارش گیری
Credit Expansion	گسترش اعتبار	Periodical Reporting	گزارش گیری دوره‌ای
Capital Widening; Widening of Capital	گسترش سرمایه	Financial Statement	گزارش مالی
	فراگرد انباشت سرمایه است برابر با اندازه رشد نیروی کار به گونه‌ای که نسبت سرمایه به کار ثابت بماند.	Projected Financial Statement	گزارش مالی پیشنهادی
Export Promotion	گسترش صادرات	Consolidated Financial Statement	گزارش مالی تلفیقی
Diagonal Expansion	گسترش قطری	Annual Financial Statement	گزارش مالی سالانه
Spreading the Work	گسترش کار	City -article	گزارش مختصر مالی یا تجاری در روزنامه
Bank Expansion	گسترش و توسعه بانکی	Directors Report	گزارش مدیران
Expansionary of Credit	گستره اعتبار	Qualified Report	گزارش مشروط
Price Spread	گستره قیمت	Long Form Report	گزارش مفصل
Distortion	گسستگی	Adverse Report	گزارش منفی
Solution	کشایش	Open to Buy Report	گزارش موجودی
Open Credit	کشایش اعتبار	Adverse Report	گزارش نامساعد
Easy Money	کشایش پولی		
Designate	گماشتن		
Custom	گمرک		

Proof of Delivery	گواهی تحویل	Contingent Duty	گمرک محتمل و اتفاقی
Bill of Health	گواهی تندرستی	Capacity; Content	گنجایش
Certificate of Registry	گواهی ثبت	Optimal Capacity	گنجایش بهینه
Ship's Certificate of Registry	گواهی ثبت کشتی	Manufacturing Capacity	گنجایش ساخت
Certificate of Shipment	گواهی حمل	Burden of National Debt	گنجایش قرضه ملی
Certificate of Existence	گواهی حیات	Guarani, G	گوآرانی، واحد پول پاراگوئه
Certificate of Purchase	گواهی خرید	Voucher	گواه
Stock Warrant	گواهی خرید سهام	Attest; Certification	گواهی
Certificate of Damage	گواهی خسارت	Certificate of Value	گواهی ارزش
Street Certificate	گواهی خیابانی	Over-entry Certificate	گواهی اضافه پرداخت
Certificate	گواهی دادن	Over-certification	گواهی اضافی
Certifiable	گواهی دادنی	Warehouse Keeper's Certificate	گواهی انباردار
Trading Certificate	گواهی داد و ستد	Transfer Certificate	گواهی انتقال
Receipt for Shipment	گواهی دریافت کالا	Certificate of Exclusive Inheritance	گواهی انحصار وراثت
Ullage Certificate	گواهی دستخوردگی	Money Market Certificate	گواهی بازار پول
Certifier	گواهی دهنده	Survey Certificate	گواهی بازدید
Certificate of Public Convenience and Necessity	گواهی رفاه و ضرورت عمومی	Certificate of Inspection	گواهی بازرسی
Certificate of Manufacture	گواهی ساخت	Jerque Note	گواهی بازرسی کشتی
Negotiable Sterling Certificate of Deposit	گواهی سپرده استرلینگ قابل معامله	Scrip Certificate	گواهی بدهی
Euro-dollar Certificate of Deposit	گواهی سپرده دلار اروپایی	Bond Certificate	گواهی برگه قرضه
Dollar Certificate of Deposit	گواهی سپرده دلاری	Bill of Health; Certificate of Health	گواهی بهداشت
Negotiable Certificate of Deposit	گواهی سپرده قابل معامله	Certificate of Insurance; Insurance Certificate	گواهی بیمه
Time Certificate of Deposit	گواهی سپرده مدت دار	National Savings Certificate	گواهی پس اندازهای ملی
Ullage Certificate	گواهی سرخالی بودی	Certificate of Deposit	گواهی پول سپرده
Legalization	گواهی سند	Tax Anticipation Bill	گواهی پیش پرداخت مالیات
Cremation Certificate	گواهی سوخت سهام	Certificate of Analysis	گواهی تجزیه (آزمایشگاهی)

Assurance Certificate	گواهی نامه بیمه	Cremation Certificate	گواهی سهام سوخت شده
Bearer Certificate	گواهی نامه بی نام	Scrip Certificate; Share Certificate; Stock Certificate	گواهی سهم
Credentialism	گواهینامه گرایبی	Scrip or Bonus Issue of Shares	گواهی صدور سهام جایزه ای
Bearer Debenture	گواهی نامه گمرکی بی نام	Scrip Certificate	گواهی طلب
Tax Reserve Certificates	گواهینامه های اندوخته مالیات	Triptique	گواهی عبور
Letters' Patent	گواهینامه اختراع	Open Certificate	گواهی علنی
Scrip (Script)	گواهینامه استحقاق	Street Certificate	گواهی غیررسمی
Treasury Certificate	گواهینامه اسناد خزانه داری	Bill of Sale	گواهی فروش
Trust Certificate	گواهینامه امانی	Black List Certificate	گواهی فهرست سیاه
Probate	گواهینامه انحصار وراثت	Debenture Certificate	گواهی قرضه
Certificate of Indebtedness	گواهینامه بدهکاری	Certificate of Manufacture	گواهی کارخانه
Liability Certificate	گواهینامه بدهی	Certificate of Quality	گواهی کیفیت
Savings Certificate	گواهینامه پس انداز	Guaranteed Mortgage Certificate	گواهی گروی تضمین شده
Tax Anticipation Certificate	گواهینامه پیش پرداخت مالیات	Certificate of Tax	گواهی مالیاتی
Funding Certificate	گواهینامه تأمین وجه از راه قرضه	Balance Certificate	گواهی مانده سهام
Receiver's Certificate	گواهینامه تصفیه	Trading Certificate	گواهی مبادله
Small Saver Certificate	گواهینامه خرده پس انداز	Certificate of Origin; Negative Certificate of Origin	گواهی مبداء
Certificate of Beneficial Interest	گواهینامه ذینفع		سندی است مربوط به امور گمرکی که باید همراه کالای وارداتی باشد.
Indenture Deed	گواهینامه رسمی	Positive Confirmation; Positive Verification	گواهی مثبت
Mortgage Certificate	گواهینامه رهن	Direct Verification	گواهی مستقیم
Certificate of Deposit	گواهینامه سپرده	Certificate of Participation	گواهی مشارکت
Investment Certificate	گواهینامه سرمایه گذاری	Participating Certificate	گواهی مشارکتی
Floater	گواهینامه سهام دولتی یا راه آهن (که به جای وثیقه به کار می رود)	Navicert	گواهی معافیت از بازرسی
Preference Shares Certificate	گواهینامه سهام مقدم	Trading Certificate	گواهی معامله
		Survey Certificate	گواهی ممیزی
		Affidavit; Certificate	گواهینامه

Equipment Trust Certificate	گواهی ودیعه تجهیزات	Preference Shares Certificate	گواهینامه سهامهای رجحانی
Weight Certificate	گواهی وزن	Participation Certificate	گواهینامه شراکت
Certificate of Receipt	گواهی وصول	Gold Certificate	گواهینامه طلا
Gourde, G	گورد، واحد پول هائیتی	Quality Certificate	گواهینامه کیفیت
Tax Wedge	ثوبه مالیاتی	Debenture; Debenture Certificate	گواهینامه گمرکی
	اصطلاحی است که نخست بار گری بکر اقتصاددان امریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در توضیح تبعیض یا تمایز در قلمرو اقتصاد به کار برده است.	Inventory Certificate	گواهینامه موجودی کالا
Purchasing; Receiver	گیرنده	Interim Certificate (Stock or Bond)	گواهینامه موقت
Licenser	گیرنده پروانه	Scrip Certificate	گواهینامه موقتی
Licenser	گیرنده جواز	Certificate of Beneficial Interest	گواهینامه نفع ذیحق
Consignee	گیرنده کالا	Silver Certificate	گواهینامه نقره
Fictitious Payee	گیرنده موهوم وجه	Certificate of Protest	گواهی تکول
Payee	گیرنده وجه	Deponent	گواهی نویس
Donee; Donee Beneficiary	گیرنده هبه	Certificate of Protest	گواهی وخواست
Guilder, NAF	گیلدر، واحد پول آنتیل هلند	Open Certificate	گواهی واریز نشده
Guilder, Sf	گیلدر، واحد پول سورنیام	Voting-trust Certificate	گواهی واگذاری حق رأی
Guilder, f	گیلدر، واحد پول هلند		



Bill of Rights	لایحه حقوق	Lat, Lvl	لات (لاتس)، واحد پول لتونی
Finance Bill	لایحه تأمین درآمد	Law, John	لا، جان (۱۶۷۱-۱۷۲۹)
Money Bill	لایحه قانونی مالی		اقتصاددان اسکاتلندی که نظریات پولی خود را در
Finance Bill	لایحه مالی		سال ۱۷۱۶ در فرانسه به اجرا گذاشت.
Sponte Acta	لایشر	Latfundia	لاتیفونڈیا
Parsimony	لنامت		مزارع بزرگی که نخست بار در اواخر دوره امپراتوری
Leu, L	لنو، واحد پول رومانی و مولدوای		روم پدید آمد و سپس برای مدتی به صورت مراکز
Leone, Le	لئون، واحد پول کشور سی برالنون		محلی قدرت اقتصادی و سیاسی، پس از سقوط این
Leontief,	لنون تیف، وسیلی (۱۹۰۶ - ...)		امپراتوری بر جای ماند.
Wassily		Sine Qua Non	لازم و ضروری
	اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۳		اصطلاح لاتین است.
	در اقتصاد و مبتکر جدول اقتصادی در داده -	Lassalle,	لاسال، فردیناند (۱۸۲۵-۱۸۶۹)
	باز داده.	Ferdinand	
Knife Edge Policy	لبه تیغ، سیاست		تدوین کننده قانون ظالمانه مزد است.
	سیاست بسیار دقیق و ظریف سرمایه گذاری	Cancelled Cheque	لاشه چک
	هنگامی که اندازه مورد انتظار رشد درآمد در زیر	Hulk	لاشه کشتی
	میزان رشد تضمینی آن باشد.	Lange, Oskar	لانگه، اوسکار (۱۹۰۴-۱۹۶۵)
Inertia	لختی		اقتصاددان لهستانی، یکی از پیشروان
Industrial Inertia	لختی صنعتی		اقتصادسنجی، وی محاسبه عقلایی اقتصادی را در
	همان جبر صنعتی است.		اقتصاد برنامه ای پذیرفته است.
Hedonism	لذت جویی	Bill	لایحه

Luddites	لودیت‌ها	Hedonism	لذت‌گرایی
گروهی ساده اندیش، آشوب طلب و مخالف کاربرد ماشین در تولید بود که از سال ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۶ در انگلیس به خشونت دست زد و در جریان انقلاب صنعتی به تخریب کارخانه‌ها مبادرت ورزید تا به خیال خودشان ریشه بحران اقتصادی و بیکاری را برکنند اما نتیجهٔ او رونه و خلاف انتظار گرفتند.		Lerner, Abba P. (۱۹۰۵-۱۹۸۲)	لرنر، آبا پ. اقتصاددان آمریکایی که شرایط بهبود تراز تجاری از طریق تغییر نرخ ارز را مطرح کرده است.
Lev, lv	لو، واحد پول بلغارستان	Recall	لغو انتظار خدمت
Lloyds	لویدز	Flat Cancellation	لغو بدون صرف
مجتمع یا شرکتی متشکل از بیمه‌گران خصوصی که به موجب قانون سال ۱۸۷۱ در انگلستان تأسیس یافت و در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ حدود ۶۰۰ بیمه‌گر در بیش از ۴۰۰ اتحادیه در آن سازمان گرفتند.		Release of Guarantee (or Indemnity)	لغو تضمین (یا غرامت)
Pros and Cons	له و علیه	Acquit	لغو تعهد کردن
Personal Qualifications	لیافتهای شخصی	Cutting Limit Order	لغو سفارش
Libor	لیبور	Abolish	لغو کردن
اندازهٔ بهرهٔ پیشنهادی میان بانکی لندن که بنابر تغییر شرایط تغییر می‌پذیرد و مبنای محاسبهٔ بانکها در مورد وامهای میان مدت در بازار پولی اروپاست.		Cover (margin)	لغاف
Lita, LIL	لیت (لیتا)، واحد پول لیتوانی	Lek, L	لک، واحد پول آلبانی
Lira, Lit	لیر، واحد پول ایتالیا	Log-normal	لگاریتم توزیع عادی
Lira, LT	لیره، واحد پول ترکیه	Distribution	
Sterling Pound	لیرهٔ استرلینگ	Natural Logarithm	لگاریتم طبیعی
Cheap Sterling	لیرهٔ استرلینگ ارزان	Lempira, L	لمپیرا، واحد پول هندوراس
لیرهٔ استرلینگ در دست افراد غیرمقیم در انواع مختلف حسابها در بانکهای انگلیس که به نرخهای پایین‌تر از نرخ رسمی فروخته می‌شوند.		Pier	لنگرگاه
List, Friedrich (۱۷۸۹-۱۸۴۶)	لیست، فردریش	Mate's Receipt	لنگهٔ رسید
اقتصاددان آلمانی پیرو مکتب ملی‌گرایی اقتصادی.		Lewis, Sir W. Arthur	لویس، عالی جناب ویلیام ارتور (۱۹۱۵ - ...)
Lilangeni, E	لیلانگنی، واحد پول سوازیلند		اقتصاددان انگلیسی برندهٔ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۷۹ در اقتصاد و صاحب‌نظر در اقتصاد کشورهای کم‌رشد.
		Packing	لوازم بسته‌بندی
		Occupational Necessities	لوازم شغلی
		Accessories	لوازم فرعی
		Gainage	لوازم کار کشاورزی
		Small Tools	لوازم کوچک کار
		Loti	لوتی، واحد پول لسوتو



Pay-off Matrix	ماتریس بازده	Hold-back Pay	مابه‌التفاوت
Variance-covariance Matrix	ماتریس پراش - همپراش	Equalizing Occupational Differentiation	مابه‌التفاوت برابرکننده شغلی
Regret Matrix	ماتریس پشیمانی		تفاوت در دستمزد تعادلی یا رقابتی میان مشاغل است.
Regret Matrix	ماتریس تأسف	Net Margin	مابه‌التفاوت خالص
Singular Matrix	ماتریس تکین	Net Profit Margin	مابه‌التفاوت خالص سود
	یا ماتریس تک، دترمینان آن برابر با صفر است.		نسبت سود خالص به فروشهای خالص.
Social Accounting Matrix	ماتریس حسابداری اجتماعی	Owner's Equity	مابه‌التفاوت دارایی و بدهی
Column Matrix	ماتریس ستونی	Margin of Profit	مابه‌التفاوت سود
Row Matrix	ماتریس سطری	Equalizing Wage Differentials	مابه‌التفاوت‌های برابرکننده دستمزد
Technology Matrix	ماتریس فنی		مابه‌التفاوتی است رسمی و جبرانی برای برخی از مشاغل سخت یا نامناسب.
Diagonal Matrix	ماتریس قطری	Equalizing Wage Differentials	مابه‌التفاوت‌های تسویه مزد
Symmetric Matrix	ماتریس متقارن		
Square Matrix	ماتریس مربع	Heritage; Heirloom	ماترک
Identity Matrix	ماتریس مساوی	Singular Matrix	ماتریس استثنایی
Rectangular Matrix	ماتریس مستطیلی شکل	Nonsingular Matrix	ماتریس انعکاس‌پذیر
Nonsingular Matrix	ماتریس منظم		اگر درمیان ماتریس A مساوی با صفر باشد، این ماتریس را ماتریس ویژه یا انعکاس‌پذیر می‌نامند.
Singular Matrix	ماتریس نامنظم		

Pro-rata Distribution Clause	ماده توزیع متناسب	Unit Matrix	ماتریس واحد
Acquired Rights Clause; Grandfather Clause	ماده حقوق مكتسبه	Transposed Matrix	ماتریس وارونه
Average Clause	ماده خسارت	Nonsingular Matrix; Singular Matrix	ماتریس ویژه
General Average Clause	ماده خسارت عمومی	Mats	ماتریسها
Union Loss Clause	ماده زیان اتحادیه	Identity Matrix	ماتریس همانند
More-favorable Terms Clause	ماده شرایط مساعدتر	Identity Matrix	ماتریس یکسان
No Strike Clause	ماده عدم اعتصاب	Unit Matrix	ماتریس یکه
No Lockout Clause	ماده عدم تعطیل اجباری		همان ماتریس یک یا واحد است.
Red Clause Credit	ماده قرمز	Taxable Base	مأخذ شمول مالیات
Most-favoured Nation Clause	ماده کامله‌الوداد	Tax Base	مأخذ مالیات
Dialectical Materialism	ماده‌گرایی جدلی	Taxable Base	مأخذ مالیات پذیری
Avoidance Clause	ماده لغو	Memorandum Clause	ماده استثنایی
Sue and Labour Clause	ماده مجوز اقدامات احتیاطی	Waiver Clause	ماده اسقاط حق
Red Clause Credit	ماده محدودکننده اعتبار	Seasonal Tolerance Clause	ماده اغماض فصلی
Vacancy Clause	ماده محل بدون متصدی	Payor	ماده الحاقی به سود پرداخت‌کننده
Objects Clause	ماده مربوط به اهداف	Benefit Rider	
Pro-rata Liability Clause	ماده مسئولیت متناسب	Rider	ماده الحاقی یا الصاقی
Exclusion Clause	ماده مستثنی‌کننده	Avoidance Clause	ماده الغاء
Union Security Clause	ماده مصونیت اتحادیه	Prime Matter	ماده اولیه
Running Down Clause	ماده وارد	Inchmaree Clause	ماده بیمه خطرات غیرمربوط به دریا
Col Clause	ماده هزینه زندگی	Union Security Clause	ماده تأمین اتحادیه
Red Clause	ماده یا شرط «قرمز»	Collision Clause; Running Down Clause	ماده تصادم
Materialism	مادی‌گرایی		پذیرش مسئولیت شرکت بیمه در برابر مالکان و محموله کشتی دیگر در بیمه‌نامه.
Materialism	مادی‌گری	Escalation Clause	ماده تعدیل
	این نظریه است که افراد در اعمال خود از انگیزه‌های اقتصادی الهام می‌گیرند و بس.	Average Distribution Clause	ماده توزیع خسارت

Acquired Surplus	مازاد اکتسابی	Cumulative Inflationary Spiral	مارپیچ تورم انباشتی
Reserved Surplus	مازاد اندوخته		
Donated Surplus	مازاد اهدایی		حرکت مارپیچی - انباشتی ترقی دستمزدها - قیمتها.
Earned Surplus	مازاد باقیمانده	Inflationary Spiral	مارپیچ تورمی
Donated Surplus	مازاد بخششی	Wage-price Spiral	مارپیچ مزد قیمت
Donated Surplus	مازاد بخشوده	Wage-wage Spiral	مارپیچ مزد - مزدی
Redundant	مازاد بر احتیاج	Marshall, Alfred	مارشال، آلفرد (۱۸۴۲-۱۹۲۴)
Budget Surplus	مازاد بودجه		
Full Employment Budget Surplus	مازاد بودجه اشتغال کامل		اقتصاددان انگلیسی و مبتکر زمان‌بندی کوتاه، میان و بلندمدت.
Paid-in Surplus	مازاد پرداخته	Mark	مارک
Paid-in Surplus	مازاد پرداختی		همان Duetshe mark واحد پول آلمان است.
Saver's Surplus	مازاد پس‌اندازکننده	D.M.	مارک آلمان
Trade Surplus	مازاد تجاری	Deutsche Mark	مارک آلمان
Reorganization Surplus	مازاد تجدید سازمان		DM نشانه اختصاری آن است.
Earned Surplus	مازاد تحصیلی	Markka, Fmk	مارکا، واحد پول فنلاند
External Surplus	مازاد تراز پرداختهای خارجی	Marx, Karl	مارکس، کارل (۱۸۱۸-۱۸۸۳)
	مانده‌بستانکار در تراز پرداختهای خارجی یک کشور.		فیلسوف، اقتصاددان و نویسنده کتاب «سرمایه».
Recapitalization Surplus	مازاد تغییرات در سرمایه و سهام	Markovits, Harry	مارکوویتس، هری (۱۹۲۷ - ...)
Appropriated Surplus	مازاد تقسیم شده		اقتصاددان امریکایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۰ در اقتصاد.
Appraised Surplus	مازاد تقویمی		
Appropriated Surplus	مازاد تملک شده	Snake-in-the-tunnel	مارواره در دالان
Producer's Surplus	مازاد تولید		وضعی را می‌رساند که در آن یک کشور نرخ مبادله یا نرخ پول خود را در درون نوار باریک‌تر از نیاز برای ارزهای دیگر و برطبق موافقتنامه بین‌المللی حفظ می‌کند.
Producer's Surplus	مازاد تولیدکننده		
External Surplus	مازاد خارجی		
Buyer's Over; Buyer's Surplus	مازاد خریدار	Excess; Redundancy; Remainder; Surplus	مازاد
Earned Surplus	مازاد دخل		
Gain; Marginal Balance	مازاد درآمد بر هزینه		
Capital Surplus	مازاد سرمایه	Donated Surplus	مازاد اعطایی
Surplus Dividend	مازاد سود سهم	Economic Surplus	مازاد اقتصادی
Export Surplus; Import Surplus	مازاد صادرات		تفاوت میان ارزش تولید در یک اقتصاد و هزینه‌های لازم برای این تولید.

Merchandise	مال التجاره	Cash Surplus; Fund Surplus	مازاد صندوق
Abandonment	مال التجاره‌های متروکه	Redundant Capacity	مازاد ظرفیت
Merchandises		Seller's Surplus	مازاد فروشنده
Chrematistic	مال اندوز	Divisible Surplus	مازاد قابل تقسیم
Redeemable Property	مال بازیافتی	Seller's Surplus	مازاد قیمت
Bona Vacantia	مال بلاصاحب	Farm Surplus	مازاد کشاورزی
Commodity	مال تجاری منقول	Tax Surplus	مازاد مالیاتی
Malthus, Thomas Robert	مالتوس، رابرت (۱۸۳۴-۱۷۶۶)	Recapitalization Surplus	مازاد مبدل به سرمایه مجدد
	کشیش و اقتصاددان انگلیسی، صاحب‌نظر بدبین در مسائل جمعیتی.		همان مازاد تغییر در سرمایه و سهام است.
In Tail	مال حبس شده	Appropriated Surplus	مازاد مختص
Pelf	مال حرام	Consumer's Surplus	مازاد مصرف‌کننده
Pelf	مال دزدی	Consumer's Surplus	مازاد مصرفی
Pelf	مال دنیا	Acquired Surplus; Earned Surplus	مازاد مکتسب
Specialized Capital Good	مال سرمایه‌ای مختص	Available Surplus	مازاد موجود
Personal Property	مال شخصی	Overstock	مازاد موجودی
Perquisite	مال غیر قابل توارث	Excess Liquidity	مازاد نقدینگی
Immobile; Immovable Property	مال غیرمنقول	Damper	ماشین ثبت فروش نقدی
Owner; Proprietor	مالک	Adding Machine (Adder)	ماشین جمع زنی
Reputed Owner	مالک افواهی	Adding-subtracting Machine	ماشین جمع و تفریق
Fixed Stock	مالک انحصاری سهام	Labour Saving Machinery	ماشین کاراندوز
Joint Owners	مالکان مشترک	Business Machine	ماشین محاسبه الکترونی کار و کسب
Owners' Landlords and Tenants Liability Policy	مالکان و مستأجران	Penult; Penultimate Asset	ما قبل آخر
Possessorial; Possessory	مالکانه		مال
Small Holder	مالک جزء		همان دارایی است.
True Owner	مالک حقیقی	Free Good	مال آزاد
Estate Owner	مالک زمین	Write Off	مال اسقاطی
Own	مالک شدن	Improved Good	مال اصلاح شده
Naked Possessor	مالک صرف	Economic Good	مال اقتصادی
		Renting	مال الاجاره

Condominium; Co-ownership; Joint Ownership	مالکیت مشترک	Reputed Owner	مالک ظاهری
Absolute Title	مالکیت مطلق	Absentee	مالک غایب از ملک خود
Absolute Estate	مالکیت مطلق ارضی	Owner	مالک قانونی
Intangible Personal Property	مالکیت معنوی شخصی	Shipowner	مالک کشتی
Absolute Estate	مالکیت منجز ارضی	Co-owner	مالک مشترک همان مالک مشاع است.
Tenancy	مالکیت موقت	Stock Owner	مالک موجودی انبار
Intangible Property	مالکیت ناملموس	Ownership; Proprietorship	مالکیت
Ownership And Management	مالکیت و مدیریت	Collective Ownership	مالکیت اشتراکی
Pledge; Securing	مال گرووی	Proprietorship	مالکیت انحصاری
Pledged Asset	مال مرهونه	Single Proprietorship	مالکیت انفرادی
Joint Estate	مال مشترک	Absolute Title	مالکیت بدون قید و شرط
Consumer Goods	مال مصرفی	Prescription	مالکیت بر اثر مرور زمان
Floating Value	مال منقول	Paper Tilles	مالکیت بر طبق سند
Bequest; Legacy	مال موصی به	Interlocking Stock	مالکیت به هم پیوسته سهام
In Tail	مال موقوفه	Ownership	مالکیت جمعی
Premises	مال موقوفه یا انتقالی بر طبق سند حق یا نوعی علاقه مالکیت مانند ادعای مالکیت.	Collective Ownership	مالکیت خصوصی
Maloti	مالوتی	Private Ownership; Private Property	مالکیت خصوصی
Finance; Fiscal	مالی	Beneficial Ownership	مالکیت در منافع
Claim	مال یا پول مورد مطالبه	Interlocking Stock	مالکیت در هم آمیخته سهام
Cess; Imposition; Levy; Tax; Toll	مالیات	Ownership	مالکیت دولتی
Car Tax	مالیات اتومبیل	Governmental Ownership	مالکیت شخصی
Compulsory Levis	مالیات اجباری	Personal Property	مالکیت عمومی
Special Assessment	مالیات اختصاصی	Common Ownership; Public Ownership	مالکیت غیر عینی
Discretionary Tax;	مالیات اختیاری	Intangible Property	مالکیت فرد
Discrimunatory Tax		Individual Proprietorship	مالکیت فردی
Land Tax	مالیات ارضی	Proprietorship	مالکیت گزایی
Gross Receipts Tax	مالیات از مجموع دریافتها	Possessionalism	مالکیت مبتنی بر تصرف طولانی
Use Tax	مالیات استعمال	Prescription	مالکیت مشاع
		Co-ownership; Condominium; Joint Ownership	مالکیت مشاع

Ad Valorem Tax	مالیات بر اساس ارزش	User Charge	مالیات استعمال‌کننده
Use Tax	مالیات بر استعمال		
Excess Profits Tax	مالیات بر اضافه منافع		مالیات پرداختی کسانی که از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند.
Excess-profits Tax	مالیات بر اضافه سود	Graded Tax	مالیات اصلاح ارضی
Capital-gain Tax	مالیات بر افزایش ارزش سرمایه	Supertax	مالیات اضافه بر مالیات عادی
		Excess Fare; Supplementary Charge; Surcharge; Surtax	مالیات اضافی
Capital Gains Tax	مالیات بر افزودنیهای سرمایه	Investment	مالیات اضافی بر درآمد
Visitor's Tax	مالیات بر اقامت	Income Surcharge	سرمایه‌گذاری
Franchise Tax	مالیات بر امتیاز	Excise Tax	مالیات اموال داخلی
Estate Tax	مالیات بر املاک و مستغلات	Accumulated Profit Tax	مالیات انباشته سود
Luxury Tax	مالیات بر اموال تجملی	Transfer Tax	مالیات انتقال
Personal Property Tax	مالیات بر اموال شخصی	Capital Transfer Tax	مالیات انتقال سرمایه
		Transfer Tax	مالیات انتقالی
Stock Transfer Tax	مالیات بر انتقال سهام	Forward Shifting Tax	مالیات انتقالی به مابعد
Yield Tax	مالیات بر بازده	Repressive Tax	مالیات بازدارنده
Top Slicing	مالیات بر بالاترین روند درآمدی		مالیاتی که جریان تولید را کند می‌کند.
Gift Tax	مالیات بر بخشش	Gaming Tax	مالیات بازی
Wealth Tax	مالیات بر ثروت	Delinquent	مالیات باقی
	مالیاتی است که فقط یک بار از ثروت اخذ می‌شود.	Death Duty; Death Tax;	مالیات بر ارث
Processing Tax	مالیات بر جریان تبدیل	Direct Tax; Inheritance Tax;	
Yield Tax	مالیات بر حاصل	Probate Duty; Succession Tax	
Pay Roll Tax	مالیات بر حقوق یا دستمزد		این مالیات به اموال شخصی تعلق می‌گیرد که فوت شده است.
Expenditure Tax; Tax Outlay	مالیات بر خرج	Accession Tax	مالیات بر ارث و هبه
Chargeable With Duty	مالیات بردار		مالیاتی است که بر ارث و هبه وضع می‌شود.
Property Tax	مالیات بر دارایی	Ad Valorem Tax	مالیات بر ارزش
	مالیات بر ارزش اموال غیرمنقول.		مالیاتی است مبتنی بر ارزش معاملات.
Real Estate Tax	مالیات بر دارایی غیرمنقول	Land Value Tax	مالیات بر ارزش ارضی
Assessment on Income;	مالیات بر درآمد	Added Value Tax; Tax on Value Added; Value Added Tax	مالیات بر ارزش افزوده
Income Tax			مالیاتی است بر ارزش افزوده عوامل تولید.
	مالیاتی است که به درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی تعلق می‌گیرد.	Site Value Tax	مالیات بر ارزش عرصه
Reverse Income Tax	مالیات بر درآمد برگشتی		

Specific	مالیات بر فروش کالای ویژه	Income Tax	مالیات بر درآمد تصاعدی
Commodity Sales Tax		Progressive	
General Sales Tax	مالیات بر فروش کلی	Direct Tax	مالیات بر درآمد شخص
Retail Sales Tax	مالیات بر فروشهای جزئی	Corporate Income Tax	مالیات بر درآمد شرکت
Excise Duties	مالیات بر کالاهای داخلی	Corporation Income Tax	مالیات بر درآمد شرکت سهامی
Tax on Commodities	مالیات بر کالاهای مصرفی	Individual Income Tax	مالیات بر درآمد فردی
Import Duty (Duties)	مالیات بر کالاهای وارداتی	Presumptive Income Tax	مالیات بر درآمد فرضی
Sumptuary Tax	مالیات بر کالای تجملی	Gross Income Tax	مالیات بر درآمد ناخالص
	مالیاتی است که برای جلوگیری از مصرف غیرضروری یا زیان‌آور وضع می‌شود.	Reverse Income Tax	مالیات بر درآمد وارونه همان مالیات بر درآمد برگشتی است.
Expenditure Tax	مالیات بر مخارج	Gross Receipts Tax	مالیات بر دریافت‌های ناویژه
	مالیات بر مخارج مصرف‌کننده است.	Scheduled Tax	مالیات بر دستمزدها
Outlay Tax	مالیات بر مخارج افراد	Capital Levy; Capital Stock Tax	مالیات بر سرمایه
Pay Roll Tax; Wage Tax	مالیات بر مزد	Turnover Tax	مالیات بر سرمایه برگشتی
House Duty; Real Estate Tax	مالیات بر مستغلات	Profit Tax	مالیات بر سود
Consumption Tax; Excise Tax	مالیات بر مصرف	Capital Gain Tax	مالیات بر سود فروش سرمایه
	مالیات غیرمستقیم بر فروش کالاهایی خاص.		مالیات بر آن بخش از درآمد شخصی که از فروش اقلام سرمایه‌ای به دست می‌آید.
Excise Tax	مالیات بر مصرف کالای داخلی	Capital Stock Tax	مالیات بر سهام
	مالیات غیرمستقیم بر مصرف کالاها و خدماتی است که در داخل کشور تولید می‌شوند.	Capital Stock Tax	مالیات بر سهم سرمایه‌ای
Property Tax	مالیات بر ملک	Corporation Tax	مالیات بر شرکت
Severance Tax	مالیات بر منابع طبیعی	In Rem Tax	مالیات بر شیء
Profits Tax	مالیات بر منافع	Export Tax	مالیات بر صادرات
Excess-profits Tax	مالیات بر منافع اضافی	Schedule Tax	مالیات بر طبق جدول
Undistributed-profits Tax	مالیات بر منافع توزیع نشده	Sales Tax; Transactions Tax; Turnover Tax	مالیات بر فروش
War-profit Tax	مالیات بر منافع جنگ		مالیاتی است بر معاملات بازار که به ننگام فروش یک کالا به توسط تولیدکننده یا فروشنده از مصرف‌کننده دریافت می‌شود.
Capital Gains Tax	مالیات بر منافع سرمایه		
Invent ry Tax	مالیات بر موجودی کالا		

Discriminatory Taxation	مالیات بندی تبعیضی	Gross Receipt Tax	مالیات بر ناخالص دریافتی
Graduated Taxation	مالیات بندی تدریجی	Schedule Tax	مالیات برنامه‌ای
Incentive Taxation	مالیات بندی تشویقی	Security Issue Tax	مالیات بر نشر برگه بهادار
Progressive Taxation	مالیات بندی تصاعدی	Security Issue Tax	مالیات بر نشر سند بهادار
Regulatory Taxation	مالیات بندی تعدیلی	Security Issue Tax	مالیات بر نشر سهم
Regulatory Taxation	مالیات بندی تنظیمی	Gift Tax	مالیات بر نقل و انتقال بخشها
Multiple Taxation	مالیات بندی چندگانه	Gift Tax	مالیات بر نقل و انتقال بلاعوض
Light Taxation	مالیات بندی سبک	Unit Tax	مالیات بر واحد کالا
Company Taxation	مالیات بندی شرکتی		مالیات غیرمستقیم که بر هر واحد کالایی تعلق می‌گیرد که تولید شده یا به فروش رفته است.
Progressive Taxation	مالیات بندی صعودی	Impost	مالیات بر واردات
	همان مالیات بندی تصاعدی است.	Succession Tax	مالیات بر وراثت
Indirect Taxation	مالیات بندی غیرمستقیم	Gift Tax	مالیات بر هبه
Regressive Taxation	مالیات بندی کاهنده	Capitation	مالیات بر هر فرد
	یا مالیات بندی کاهش یابنده که نرخ مالیاتی در آن نزولی است.	Charge With Duty; Excise	مالیات بستن
Multiple Taxation	مالیات بندی متعدد	Delinquent Tax	مالیات بقایا
	مالیات بندی چند نرخ است.		جریمه ایست که بر مالیاتهای ناپرداخته و باقیمانده اخذ می‌شود.
Proportional Taxation	مالیات بندی متناسب	Imposition; Tax Levy; Taxation	مالیات بندی
Direct Taxation	مالیات بندی مستقیم		یکی از مهمترین شیوه‌های تهیه وجه برای مخارج دولتی است.
Double Imposition;	مالیات بندی مضاعف	Discretionary Taxation;	مالیات بندی اختیاری
Double Taxation		Discriminatory Taxation	
International	مالیات بندی مضاعف بین‌المللی	Regulatory Taxation	مالیات بندی اصلاحی
Double Taxation		Overcharge	مالیات بندی اضافی
Double Taxation	مالیات بندی مضاعف و بازپرداخت مالیات	Compensatory	مالیات بندی بر اساس
Taxation and Double Taxation	مضاعف	Principle of Taxation	ارزش خدمت
Relief		Ad Valorem	مالیات بندی بر پایه ارزش
Double Taxation	مالیات بندی مضاعف و	Taxation	
and Double	بخشودگی مالیات بندی مضاعف	Ad Valorem	مالیات بندی بر پایه قیمت
Taxation Relief		Taxation	
Degressive Taxation;	مالیات بندی نزولی	Agricultural Levies	مالیات بندی بر کشاورزی
Regressive Taxation		Taxation of Interest	مالیات بندی بهره
	همان مالیات کاهنده یا کاهش یابنده است.		
Proportional Taxation	مالیات بندی نسبی		

Graduated Income-tax	مالیات تصاعدی بر درآمد	Tax Carry Back and Carry Over	مالیات به حساب گذشته و آینده
Withholding Tax	مالیات تکلیفی	Neutral Tax	مالیات بی اثر
	مالیاتی است که دولت به شیوه‌های گوناگون وصول آن را به عهده اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌کند.		یا مالیات خنثی که روی همه بخشهای اقتصادی اثر یکسان می‌گذارد.
Single Tax	مالیات تکی	Chargeable with Duty	مالیات پذیر
	یگانه منبع عایدات مالیاتی یک دولت.	Licence Tax	مالیات پروانه
Stamp Tax	مالیات تمبر	Arrear of Taxes	مالیات پس افتاده
Proportional Tax	مالیات تناسبی	Hidden Tax	مالیات پنهانی
	مالیاتی که میزان آن نسبت به درآمد همزمان با افزایش درآمد ثابت است.		مالیات غیر مستقیمی است که مصرف‌کننده ناآگاهانه می‌پردازد.
Inflation Tax	مالیات تورم	A.C.T.	مالیات پیش پرداختی شرکت
	وضعی است که دولت برای تأمین مخارج خود به جای افزایش مالیات متوسل به اجرای سیاست تورمی شود.	Advance Corportion Tax	نشانه اختصاری
Apportioned Tax	مالیات توزیعی		است.
	مالیاتی که عواید آن میان واحدهای مختلف دولت توزیع می‌شود.	Occupation Tax	مالیات پیشه
Assessment	مالیات توسعه؛ تشخیص مالیات	Piovia Tax	مالیات پیگو
Wealth Tax	مالیات ثروت		مالیات بر فعالیتی است که آثار برون ایجاد می‌کند.
	همان مالیات بر ثروت است.	Social Security Tax	مالیات تأمین اجتماعی
Schedule Tax	مالیات جدولی	Processing Tax	مالیات تبدیل
Delinquent Tax	مالیات جریمه		مالیات بر ساخت یا تولید بعضی از مواد.
	همان مالیات بقایات.	Differential Duties; Discriminatory Tax	مالیات تبعیضی
In Kind Tax	مالیات جنسی	Graduated Tax; Graduate Tax	مالیات تدریجی
	مالیات به صورت بخشی از محصول وصول می‌شود.	Accumulated Profit Tax	مالیات تراکمی سود
Apportioned Tax	مالیات حصای	Interest Equalization Tax	مالیات تسویه بهره
Severance Tax	مالیات حفظ منابع طبیعی		مالیات بر سرمایه‌گذارهای خارجی برای قطع خروج وجوه.
Payroll Tax	مالیات حقوق	Incentive Tax	مالیات تشویقی
	مالیاتی است که بر درآمد حاصل از دریافت حقوق و دستمزد تعلق می‌گیرد.	Graduated Tax; Progressive Tax	مالیات تصاعدی
			مالیاتی است که میزان آن همزمان با ازدیاد درآمد یا قدرت خرید افزایش می‌یابد.

Occupation Tax	مالیات صنفی	Purchase Tax	مالیات خرید
Classified Tax	مالیات طبقه‌بندی شده	Neutral Tax	مالیات خنثی
Revenue Tax	مالیات عایداتی		همان مالیات بی اثر است.
General Sales Tax	مالیات عمومی خرده‌فروشی	Car Tax	مالیات خودرو
General Tax Bond	مالیات عمومی سند قرضه	Internal Revenue	مالیات داخلی
Turnover Tax	مالیات عمومی فروش	Degressive Taxation	مالیات دارای نرخ نزولی
Petroleum Revenue Tax	مالیات عواید نفتی	Property Tax	مالیات دارایی
In Lieu Tax	مالیات عوض	Graded Tax	مالیات درجه‌ای
Countervailing Excise Duty	مالیات غیرمستقیم (مانند رسومات ...)	Window Tax	مالیات در و پنجره (سابقاً معمول بوده است)
Excise Tax; Indirect Tax; Indirect Taxation	مالیات غیرمستقیم	Revenue Tax	مالیات دریافتی
	مالیاتی است که دولت از مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات از طریق تولیدکنندگان آنها دریافت می‌دارد.	Internal Revenue Tax	مالیات دریافتی داخلی
Indirect Business Tax	مالیات غیرمستقیم بر کار و کسب	National Defence Contribution	مالیات دفاع ملی
Excise and Protective Duties Customs	مالیات غیرمستقیم بر مصرف داخلی	Tax Payer	مالیات دهنده
Import Excise Tax	مالیات غیرمستقیم بر واردات	Road Tax	مالیات راه
Presumptive Tax	مالیات فرضی	Poll Tax	مالیات رأی
Sales Tax; Turnover Tax	مالیات فروش	Mortgage Duty	مالیات رهن
Supertax	مالیات فوق‌العاده	Land Tax	مالیات زمین
Excess Profits Duty	مالیات فوق‌العاده بر منافع زمان جنگ	Capitation Tax; Direct Tax; Head Tax; Poll Money; Poll Tax	مالیات سرانه
Regressive Tax	مالیات قهقرایی		مالیاتی است که پرداخت آن به درآمد و مخارج شخص ارتباط ندارد.
	همان مالیات کاهنده یا نزولی است.	Capital Levy; Capital Tax	مالیات سرمایه
Excise	مالیات کالاهای داخلی	Burden Some Tax	مالیات سنگین
Tonnage	مالیات کشتی برحسب تن	Over-tax	مالیات سنگین بستن
Imposition	مالیات‌گذاری	Profit Tax	مالیات سود
Regressive Taxation	مالیات‌گذاری نزولی	E.P.T.	مالیات سود اضافی
Death Tax	مالیات ماترک		نشانه اختصاری Excess Profit Tax است.
Repressive Tax	مالیات مانع رشد	Betting Tax	مالیات شرط‌بندی
		Corporation Tax	مالیات شرکتها
			مالیاتی است بر درآمد شرکتها پس از کسر هزینه‌ها و معافیت‌های قانونی.

Negative Income Tax	مالیات منفی بر درآمد	Presumptive Tax	مالیات مبتنی بر امارات و قراین
	کمک از بودجه دولت به افراد.	Proportional Tax	مالیات متناسب
Head Tax	مالیات مهاجر	Yield Tax	مالیات محصول
	مالیاتی که از مهاجران به ایالات متحد اخذ می‌شود.	Call Charge	مالیات مخابرات
Decreasing Tax; Degressive Tax	مالیات نزولی	Poll Tax	مالیات مخصوص اخذ رأی
	مالیاتی است که میزان آن همراه با افزایش مبنای مالیاتی کاهش می‌یابد.	Cascade Tax	مالیات مرحله‌ای
Capitation Tax	مالیات نفوس	Burden Some Tax; Nuisance Tax	مالیات مزاحم
Withholding Tax	مالیات نقد دریافتی	Nuisance Tax	مالیات مزاحمت
	مانند مالیات حقوق که به مجرد پرداخت می‌شود.	Wage Tax	مالیات مزد
Turnover Tax	مالیات نقل و انتقال	Property Tax	مالیات مستغلات
Hidden Tax	مالیات پنهانی		مالیات بر درآمد حاصل از اجاره املاک است.
Single Tax; Unit Tax	مالیات واحد	Direct Tax; Direct Taxation	مالیات مستقیم
	همان مالیات تکی است.		مالیات بر درآمد بر اساس میزان درآمد یا ثروت افراد یا بنگاهها از آنها دریافت می‌شود.
Cash on Delivery Fee	مالیات واریز نقد	Specific Tax	مالیات مشخص
Inland Duty	مالیات و عوارض داخلی از کالاها		مالیات برحسب مشخصات کالا است.
Special Contribution; Specific Tax	مالیات ویژه	Burden Some Tax	مالیات مشقت بار
		Consumption Tax	مالیات مصرف
High Way-user Taxes	مالیاتهای بزرگراه	User Charge	مالیات مصرف‌کننده
Social Security Taxes	مالیاتهای تأمین اجتماعی	Double Tax	مالیات مضاعف
Specific Taxes	مالیاتهای خاص		مالیات بر فرد یا سازمانی است که هم در کشور خود و هم در کشور بیگانه درآمد مشمول مالیات دارد و هر دو جا مالیات می‌پردازد.
Personal Taxes	مالیاتهای شخصی	Transactions Tax	مالیات معاملات
Sale and Excise Taxes	مالیاتهای غیرمستقیم	In Lieu Tax	مالیات معوض
Indirect Business Taxes	مالیات‌های غیرمستقیم مؤسسات بازرگانی	Deferred Tax	مالیات معوق
Sale and Excise Taxes	مالیاتهای فروش	Standard Charge	مالیات مقاطعه‌ای
Accrued Taxes Payable	مالیاتهای متعلقه پرداختنی	Apportioned Tax	مالیات مقسوم
Sumptuary Tax	مالیات هزینه‌ای	Severance Tax	مالیات منابع طبیعی
	هدف این مالیات تحدید مصرف به ویژه مصارف تجملی است.	Profits Tax	مالیات منافع
		Forward Shifting Tax	مالیات منتقل به ما بعد
		Single Tax	مالیات منحصر به فرد

Real Money Balance	مانده پولی واقعی	Single Tax	مالیات یگانه
	ارزش مانده پولی برحسب میزان کالاها و خدماتی که می توان با آن خرید.	Finance	مالیه
Trade Balance	مانده تجاری	International Finance	مالیه بین المللی
Merchandise Trade Balance	مانده تجاری کالاها	War Finance	مالیه جنگی
Obligated Balance	مانده تعهد شده	External Finance	مالیه خارجی
Current Balance	مانده جاری	Personal Finance	مالیه خصوصی
Compensating Balance	مانده جبران کننده	Internal Finance	مالیه داخلی
Compensatory Balance	مانده جبرانی	Personal Finance	مالیه شخصی
	کمینه مبلغی (درصدی از اعتبار دریافتی) که یک مشتری بانک باید در حساب خود نگهدارد.	Cameralistic Science; Public Finance	مالیه عمومی
Compensation Deposit Balance	مانده جبرانی سپرده		
Account Balance; Position	مانده حساب	Functional Finance	مالیه کارکردی
External Balance; Foreign Balance	مانده خارجی	Local Finance	مالیه محلی
Final Balance	مانده خالص	National Finance	مالیه ملی
Inactive Balance	مانده راکد	Mun, Thomas (1641-1751)	مان، توماس (۱۶۴۱-۱۷۵۱)
Compensating Deposit Balance	مانده سپرده جبران کننده		اقتصاددان انگلیسی صاحب نظر در مسایل تجارت بین المللی.
Required Deposit Balance	مانده ضروری سپرده	Industrial Inertia	مانده صنعتی
Inactive Balance	مانده عاطل	Viable	ماندنی
Inactive Balance	مانده غیر فعال	Balance	مانده
Active Balance	مانده فعال	Opening Balance	مانده آغاز دوره
Final Balance	مانده قطعی	Opening Balance	مانده افتتاحی
Short Position	مانده کسری دار	Reserve Balance	مانده اندوخته
Overall Balance on Liquidity Basis	مانده کل بر پایه نقدینگی	Credit Balance	مانده بستانکار
Low Balance	مانده کم	Inactive Balance	مانده بیکار
Average Balance	مانده متوسط		همان مانده غیر فعال است.
Positive Balance	مانده مثبت	Final Balance	مانده پایانی
		Money Balance	مانده پولی
			مقدار پولی که یک فرد به طور متوسط به صورت پول اعتباری و سپرده بانکی نگهداری می کند.
		Relative Money Balance	مانده پولی نسبی

Tariff Barrier	مانع تعرفه‌ای	Active Trade Balance	مانده مثبت تجاری
Estoppel	مانع طرح ادعا	Unclaimed Balance	مانده مطالبه نشده
Tariff Wall	مانع گمرکی	Balance Due	مانده معوق
	منظور تعرفه به منزله مانع گمرکی است.	Adverse Balance; Short Position	مانده منفی
Fiscal Drag	مانع مالیاتی	Per Contra Item	مانده موازنه با طرف دیگر حساب
	در این جا مالیات به منزله عامل بازدارنده است.	Available Balance	مانده موجود
Mutually Exclusive	مانعه الجمع	Average Balance	مانده میانگین
Fringe Issues	مانند پادشاهی نوبت کاری	Adverse Trade Balance	مانده نامساعد تجاری
Proximo	ماه آینده (بیست و سوم ماه آینده)	Cash in Bank	مانده نزد بانک
	نشانه اختصاری آن Prox است.	Cash Balance	مانده نقد صندوق
Contract Month	ماه تحویل برای قرارداد	Marginal Balance	مانده نهایی
Instant	ماه جاری	Sterling Balances	مانده‌های استرلینگ
Skilled	ماهر		موجودیهای لیره کشورهای عضو حوزه استرلینگ در لندن.
Months for Cyclical Dominance	ماه‌های تسلط ادواری	Nominal Balances	مانده‌های اسمی
Per Mensem	ماهی		مانده‌های پولی به ارزش اسمی یا ارزش داراییهای پولی.
Estate; Holding	مایملک	Idle Balance	مانده‌های بیکار
Owner's Equity	مایملک شرکا	Real Money Balances	مانده‌های پولی واقعی
Stock Holders' Equity	مایملک شرکاء		ارزش داراییهای پولی که برحسب مقادیر کالاها و خدمات ارزیابی و معین می‌شود.
Goods and Chattels	مایملک منقول	Foreign Dollar Balances	مانده‌های دلاری خارجی
Rate Basis	مأخذ نرخ		داراییهای دارای رسمی خارجی در تراز پرداختهای بین‌المللی هر کشور و تشکیل دهنده اندوخته پولی است.
Payer	مؤدی	Idle Balances	مانده‌های راکد
Payee	مؤدی ایبه		همان مانده‌های بیکار است.
Fictitious Payee	مؤدی ایبه موهوم	Speculative Balances	مانده‌های سفته بازی
Tax Payer	مؤدی مالیات		یکی از عناصر تشکیل دهنده تقاضا برای پول است.
Rate-payer	مؤدی مالیات (در انگلیس)	Transactions Balances	مانده‌های معاملاتی
Founder; Promoter	مؤس	Trade Barrier	مانع تجاری
	همان بانی، بنیادگذار و پیش‌برنده است.		
Hire Purchase	مؤسسات تأمین مالی خرید اجاره		
Finance Houses			
Investment Institutions	مؤسسات تهیه سرمایه		
Investment Institutions	مؤسسات سرمایه گذاری		

Honoring Institution	مؤسسه تأدیبه کننده	Nonprofit Institutions	مؤسسات غیرانتفاعی
Finance Company;	مؤسسه تأمین مالی		نهادهایی بدون هدف سود.
Finance House		Public Sector	مؤسسات غیرخصوصی
Credit Union	مؤسسه تعاونی اعتبار	Financial	مؤسسات مالی واسطه
Discount House	مؤسسه تنزیل	Intermediaries	
Government Enterprise	مؤسسه تولیدی دولتی	Dummy Incorporators	مؤسسات مصنوعی
Marginal Firm	مؤسسه تولیدی نهایی		همان شرکتهای صوری و به اصطلاح روی کاغذ است.
Commission House	مؤسسه حق العمل کاری	Body Corporate; Enterprise	مؤسسه
Carrier; Shipping Agent	مؤسسه حمل و نقل	Forwarding Agency	مؤسسه ارسال کننده بار
Common Carrier	مؤسسه حمل و نقل عمومی	Pawnshop	مؤسسه استقراضی
Mair Order House	مؤسسه حواله پستی	Parent House	مؤسسه اصلی
Alien Corporation	مؤسسه خارجی	Credit Agency	مؤسسه اطلاعات اعتباری
	شرکت بیگانه است.	Mercantile Agency	مؤسسه اطلاعات بازرگانی
Honoring Institution	مؤسسه خوش حساب	Business Corporation	مؤسسه اقتصادی
Tied House	مؤسسه دارای اختیارات محدود	Parent Enterprise	مؤسسه اقتصادی اصلی
Going Concern	مؤسسه دایر	Representative Firm	مؤسسه اقتصادی نمونه
Competitive Firm	مؤسسه رقابتی	Investment Trust	مؤسسه امانی سرمایه گذاری
Branch House	مؤسسه شعبه	Public Authority	مؤسسه امور عمومی
Del	مؤسسه ضمانتی برای توسعه اعتبارات	Business; Business Enterprise;	مؤسسه انتفاعی
Business Affected With a	مؤسسه عام المنفعه	Civil Corporation; Firm	
Public Interest; Public Trust; Public			بنگاههایی با هدف سود.
Utility		Business Enterprise; Civil	مؤسسه‌ای بازرگانی
Sole Corporation	مؤسسه فردی	Corporation	
	شرکت فردی یا شخصی است.	Corporation	مؤسسه‌ای دارای شخصیت حقوقی
Acceptance House	مؤسسه قبولی	Export	مؤسسه بسته بندی کالاهای صادراتی
Indent House	مؤسسه کارگزار واردات	Packer	
Employment Agency	مؤسسه کاربایی	Bankers Clearing	مؤسسه پایاپای بانکداران
Financial House	مؤسسه مالی	House	
Tied House	مؤسسه محدود	London Clearing House	مؤسسه پایاپای لندن
Parent House	مؤسسه مرکزی	Acceptance House	مؤسسه پذیرش
Particular Partnership	مؤسسه مشارکتی	Accepting	مؤسسه پذیرش دهنده یا قبولی نویس
Dummy Incorporators	مؤسسه مصنوعی	House	
	همان مؤسسه صوری یا ظاهری است.		

Barter	مبادله پایاپای	Sole Corporation	مؤسسه منحصر به یک فرد
	همان تهاتر و مبادله مستقیم کالاها و خدمات بدون واسطه پول است.	Issuing House	مؤسسه ناشر
Barter Versus Use of Money	مبادله پایاپای در برابر کاربرد پول	Issuing House	مؤسسه نشر سهام
Restriction Exchange	مبادله تحدیدی	Quasi-public Corporation	مؤسسه نیمه عمومی
Restriction Exchange	مبادله تضییقی	Importing House	مؤسسه واردکننده
Barter	مبادله جنس به جنس	Bankers' Clearing House	مؤسسه واریز و تصفیه بانکداران
Pay in Kind	مبادله جنسی	Pawn-office	مؤسسه وام (در برابر وثیقه)
Restriction Exchange	مبادله در محدودیت	Bailiff	مأمور اجرا
Dollar Exchange	مبادله دلاری	Official Receiver	مأمور اداره امور ورشکستگی
Futures Exchange	مبادله سلف	Pay Master	مأمور پرداخت
Exchange of Shares	مبادله سهام	Delivery Van	مأمور تحویل کالا به منزل
Indirect Exchange	مبادله غیرمستقیم	Purchase Officer; Purchasing Officer	مأمور خرید
Exchange of Contract	مبادله قراردادی	Officer of Custom (Customs Officer)	مأمور گمرک
Barter Versus Home Production	مبادله کالا در مقابل تولید داخلی	Officer of Taxes	مأمور مالیات
Reciprocate	مبادله کردن	Exciseman	مأمور مالیات بر فروش
Exchanger	مبادله کننده	Exciseman	مأمور مالیاتی
Pecuniary Exchange	مبادله مبتنی بر پول	Collector; Gatherer	مأمور وصول
Reciprocal Exchange	مبادله متقابل	Rate-collector	مأمور وصول مالیاتهای محلی
Re-exchange	مبادله مجدد (بازرگانی)	Free Exchanges	مبادلات آزاد
Tax-free Exchange	مبادله معاف از مالیات	Change; Exchange; Interchange; Trade; Trading; Truck, Barter and Exchange	مبادله
Regional Security Exchange	مبادله منطقه‌ای برگه بهادار	Nominal Exchange	مبادله اسمی
Unequal Exchange	مبادله نابرابر	Labour Turnover	مبادله اشتغال
	از دید سارکسیستی، به حصر معنا، مبادله محصولات یک اقتصاد پیشرفته به قیمت‌هایی بالاتر از ارزش کارشان با محصولات اقتصادهای عقب‌مانده به قیمت‌هایی پایین‌تر از ارزش کار آنهاست.	Switch Trading	مبادله انتقالی
Pecuniary Exchange	مبادله نقود	Reciprocate	مبادله‌ای
		Exchange at a Premium	مبادله با جایزه
		Barter System	مبادله با کالای دیگر
		Tax-free Exchange	مبادله بخشوده از مالیات
		International Exchange	مبادله بین‌المللی

Origin	مبداء	Idiosyncratic Exchange	مبادله ویژه
Basing Point	مبداء ثابت	Challenge of	مبارزه برای رقابت عملی
Origin of Co-ordinates	مبداء مختصات	Workable Competition	
Innovator	مبدع	Productivity Drive	مبارزه بهره‌وری
Rehabilitate	مبرا کردن	Advertising	مبارزه در راه تبلیغ تجاری
Amount; Promoter; Sum	مبلغ	Campaign	
Write off	مبلغ استهلاکی	Class Struggle	مبارزه طبقاتی
Face Account; Face Value; Nominal Value	مبلغ اسمی		از دید مارکس، مبارزه طبقاتی نیروی محرکه تاریخ است در دوران کنونی این مبارزه شکلهای چانه‌زنی گروهی، کارگران بر سر دستمزد، اعتصابات و کُن‌دکاری پیدا کرده است.
Face-amount Certificate Company	مبلغ اسمی گواهینامه شرکت	Productivity Drive	مبارزه فرآوری
Face-amount Certificate Company	مبلغ اسمی گواهینامه شرکت	Administration Expenses;	مباشرت
Principal Amount	مبلغ اصلی	Conductorship	
Creditors' Equity	مبلغ بدهی به دیگران	Supercargo	مباشرکارهای بازرگانی و فروش کالا در کشتی
Assurance Value; Insured Amount	مبلغ بیمه	Accounts	مبالغ حسابهای دریافت‌کردنی واریز
Bid Price	مبلغ پیشنهادی مناقصه	Receivable Turnover	نشده و پس افتاده
Net Book Amount	مبلغ خالص دفتری	Credit-bases	مبانی اعتبار
Net Book Value	مبلغ دفتر نقدی	Bases of Monopoly	مبانی قدرت انحصار
Significant Amount	مبلغ سرراست	Power	تسلط بر عرضه در بازار با سطح بسیار بالای تخصص؛ تمرکز خدمات؛ ارائه نشانه ویژه؛ مالکیت حقوق اختراع، چاپ و نشر؛ استفاده از تعرفه‌های خاص؛ محدودیت ورود کالاهاى مشابه و ورود به حرفه و مشاغل.
Maturity Value	مبلغ سررسید	Canons of Taxation	مبانی مالیات‌بندی
Face-amount Certificate Company	مبلغ صورتی گواهینامه کمپانی		مالیات باید متناسب، معین، سهل‌الوصول و کم‌هزینه باشد.
Face-amount Certificate Company	مبلغ ظاهری گواهینامه	Innovator; Undertaker	مبتکر
	همان مبلغ صورتی گواهینامه است.	Origin Period	مبتکر اولیه
Principal Sum	مبلغ عمده	Reciprocatve	مبتنی بر معامله به مثل
Freight Lump Sum	مبلغ کرایه در بست	Statics	مبحث اقتصاد ایستا
Lump Sum; Total Amount	مبلغ کل		
Wages Bill	مبلغ کل دستمزدها		
Undercharge	مبلغ کم حساب شده		
Undercharge	مبلغ کم حسابی		
Lump Sum	مبلغ مقطوع		

Chartist	متخصص بازار سهام	Amount Written Off	مبلغ منظور برای استهلاک
Prosperous	مترقی	Principal Sum; Sum Insured	مبلغ مورد بیمه
Prosperously	مترقیانه	Application	مبلغ مورد تعهد
Derelict	متروک	Proceeds	مبلغ نزول شده
In Charge	متصدی	Maximum Loan Value	مبلغ وام پیشینه
Stock Man	متصدی انبار	Huge Sum	مبلغ هنگفت
Stower	متصدی بارگیری	Basis	مبنا
Pay Clerk	متصدی پرداخت	Depreciation Base	مبنای استهلاک
Settling (در بورس)	متصدی تسویه معاملات	Reserve Base	مبنای اندوخته
Room Clerk		Accrual Basis	مبنای تعلق پذیری
Settling Room Clerk	متصدی تصفیه معاملات		روش حسابداری که مخارج محموله یا عواید حاصله را مثبت می‌کند اگرچه تحقق نیافته باشند.
Carrier	متصدی حمل		
Contract Carrier	متصدی حمل قراردادی		
Common Carrier;	متصدی حمل و نقل	Accrual Basis	مبنای تعهدی
Forward Agent; Forwarding Agent;			همان مبنای تعلق پذیری است.
Haulage Contractor		Recourse Basis	مبنای توسل
Freight Forwarder	متصدی حمل و نقل بار کشتی		مبنای قراردادهای پرداخت قسطی در خریدهای مصرفی است.
Combined Transport Operator (C.T.O.)	متصدی حمل و نقل مرکب	Recourse Basis	مبنای رجوع
Rater	متصدی درجه بندی	Maturity Basis	مبنای سررسید موعد
Operator	متصدی فنی		یا پایه مالیاتی، موضوعی است که مالیات بدان تعلق می‌گیرد و بر اساس آن محاسبه و دریافت می‌شود.
Supplier	متصدی ملزومات		
Possessor	متصرف	Going Concern Basis	مبنای مؤسسه دایر
Possess	متصرف بودن	Rate Base	مبنای نرخ
Joint Holders	متصرفین مشترک	Possessorial	مبنی بر حق تصرف
Discommodity	متضاد کالا	Distrustfull	مبنی بر سوءظن
Promissory	متضمن وعده	Commodity; Merchandise	متاع
Level-payment Mortgage; Offset	متبادل	Expert; Specialist	متخصص
Common Employment	متعارفی	Cambist	متخصص ارز بانکداری ارزی
Next	متعاقب	Financier; Fiscalist	متخصص امور مالی
Reflexive	متعکس	Actuary	متخصصان بیمه
Immediate Parties	متعاملین بلافصل	Actuary	متخصصان ریاضیات آمار و بیمه

Continuous Variable	متغیر پیوسته	Accruals	متعلقات
	متغیری که بتواند نشان‌دهنده همه اجزا و کسر ارزشها نیز باشد.	Pertinent	متعلقات ملک
Dependent Variable	متغیر تابع	Liabile	متعلق به
Random Variable	متغیر تصادفی	Obligant; Obligate; Obligor; Pledger; Underwriter	متعهد
Decision Variable	متغیر تصمیم‌گیری	Principal	متعهد اول پرداخت دین
Control Variable;	متغیر تنظیم‌کننده	Policy Underwriter	متعهد بیمه‌نامه
Matching Variables		Multiple-line	متعهد چندطرفه
Explanatory Variable	متغیر توضیحی	Underwriter	متعهد خرید
	متغیری که در تحلیل وایازی جانشین متغیر دیگر می‌شود که از لحاظ نظری مطلوب‌تر است.	Underwriter	متعهد دست دوم
Continuous Variable	متغیر دایمی	Sub-underwriter	متعهد شدن
Variable in	متغیر در الگوهای اقتصادسنجی	Commit; Subscribe	متعهد کردن
Econometric Models		Engage	متعهدله
Flow Variable	متغیر در جریان	Covenantee; Obligee	متعهد و ملتزم ساختن
	متغیری که طی زمان مشخص وجود دارد.	Bind	متعهد و ملتزم شدن
Endogenous Variable	متغیر درون‌زا	Prestate	متعهد و ملتزم کردن
	متغیری که ارزش آن در محدوده یک الگوی اقتصادسنجی یا اقتصادی معین شود.	Obligate	متغیر
Binary Variable	متغیر دوتایی	Variable	عدد یا نشانه‌ای که قابلیت پذیرش ارزشهای مختلف را دارد.
	متغیری که فقط می‌تواند دو ارزش (صفر و یک) را اختیار کند.	Instrumental Variable	متغیر ابزاری
Stock Variable	متغیر ذخیره		متغیری است که در محاسبات اقتصادسنجی برای تسهیل عملیات به کار می‌رود.
Dummy Variable	متغیر ساختگی	Induced Variable	متغیر القایی
Flow Variable	متغیر شار		در آمار و اقتصادسنجی متغیری است که کاملاً وابسته به عوامل اقتصادی است.
	همان متغیر جاری است.	Choice Variable	متغیر انتخاب
Dummy Variable	متغیر ظاهری	Exogenous Variable	متغیر برون‌زا
Normal Variable	متغیر عادی		یا متغیر مستقل، در اقتصادسنجی، هر متغیر اقتصادی است که روی مجموعه‌ای از عوامل و روابط اقتصادی مورد بررسی اثر می‌گذارد اما خود از آن مناسبات تأثیر نمی‌پذیرد.
Unrelated Variable	متغیر غیروابسته	Slack Variable	متغیر بی‌اثر
Choice Variable	متغیر گزینش		
Dummy Variable	متغیر مجازی		
	متغیری ساختگی است که عوامل ذاتاً کمیت‌ناپذیر را الگوی اقتصادسنجی در نظر می‌گیرد.		

Offset	متوازن	Discret Variable	متغیر مجزا
Consistent	متوافق	Autonomous Variable;	متغیر مستقل
Mean; Middle	متوسط	Independent Variable; Regressor	
Average Family Size	متوسط ابعاد خانواده		همان متغیر برون‌زاست.
Social Average Productivity	متوسط اجتماعی	Choice Variable	متغیر مطلوب
Potential	متوسط اجتماعی بهره‌وری بالقوه		متغیر انتخابی یا گزینشی، متغیری در مسئله
Social Average Productivity of Investment	سرمایه‌گذاری		بهینه‌سازی به گونه‌ای «انتخاب» می‌شود که ارزش تابع هدف را به نقطه بهینه برساند.
Average Overdraft	متوسط اضافه برداشت	Auxiliary Variable	متغیر معین
Average of Relatives Index Number	متوسط اعداد شاخص نسبی	Discret Variable	متغیر ناپیوسته
Relative Average Deviation	متوسط انحراف	Proxy Variable	متغیر نماینده
Average Family Size	متوسط اندازه خانواده	Dependent Variable;	متغیر وابسته
Average Net Return	متوسط بازده خالص	Regressand	
Average Net Return	متوسط بازده ویژه		متغیری که ارزش آن را ارزش (یا ارزشهای دیگر) متغیرها معین می‌کند.
Average Yield to Maturity	متوسط بهره تا سررسید	Regressor	متغیر وایاز
Arithmetic Mean	متوسط حسابی	Regressor	متغیر وایازنده
Average Revenue (Per Unit)	متوسط درآمد (در واحد)	State Variable	متغیر وضعی
Life Expectancy	متوسط عمر	Limited Dependent Variables	متغیرهای تابع محدود
General Average	متوسط عمومی	Matched Variables	متغیرهای جور
Average Total Unit Cost	متوسط کل هزینه واحد	Controlled Variables	متغیرهای در اختیار
General Average	متوسط کلی	Discontinuous Variables	متغیرهای ناپیوسته
Averaging Up	متوسطگیری صعودی	Related Variables	متغیرهای وابسته
Averaging Down	متوسطگیری نزولی	Intermediate Variable	متغیرهای واسطه‌ای
Weighted Average	متوسط موزون	Matched Variables	متغیرهای هم‌تا
Weighted Average	متوسط وزن‌دار	Matched Variables	متغیرهای هم‌سان
Average Variable Cost	متوسط هزینه متغیر	Applicant for Credit	مقتضای اعتبار
Average Expense	متوسط هزینه‌های خسارت	Fraudulent	متقلب
Average Workweek	متوسط هفته کار	Income Gearing	متکی به درآمد
Check Competition (to)	متوقف ساختن رقابت	Codicil	متمم وصیت‌نامه
		Opulent	متمول
		Proratable	متناسب

Extra-ordinary General Meeting	مجمع عمومی فوق العاده	End a String	متوقف ساختن سلسله تشریفات مقدماتی
General Assembly of the United Nations	مجمع عمومی ملل متحد	Trustee	متولی
Extraordinary Meeting	مجمع فوق العاده	Metical, Mt	متیکال، واحد پول موزامبیک
Witness Assembly	مجمع گواهان	Quid Pro Quo	مثل
Sum of Squares	مجموع مجدورات	The «Golden Triangle»	مثلث طلایی
Sum of Squares	مجموع مربعات		حوزه جغرافیایی دارای رشد استثنایی.
	مجموع توان دوم انحراف ارزش مشاهدات مختلف یک متغیر از میانگین نمونه گزیده است.	The "Uneasy Triangle"	مثلث «ناراحتی»
Lump of Labour Theory of Wages	مجموع نظریه کاری مزد		مثلث ناسازگاری میان سطح قیمت‌ها، اشتغال کامل و چانه زنی جمعی آزاد است.
Cohort	مجموعه آماری	Yield	مشمريت
Feasible Set	مجموعه امکان پذیر	Authorized	مجاز
Bonds Fund	مجموعه اوراق بهادار	Trade Sanction	مجازات تجاری
Commercial Set	مجموعه بازرگانی		اقدامات قهری و اجباری در زمینه تجارت علیه یک کشور مانند تحریم فروش یا خرید نفت.
National Debt	مجموعه بدهی یک ملت	Economic Sanctions	مجازات‌های اقتصادی
Bill in a Set; Set of Bills	مجموعه پروات		تدابیر قهری و اجباری دارای ماهیت اقتصادی.
Franking	مجموعه پستی رایگان	Cartel Sanctions	مجازات‌های کارتل
Aggregated Rebates	مجموعه تخفیف قیمت	Open-end	مجاز در گرفتن قرضه اضافی
Empty Set	مجموعه تهی	Franco; Free of Charge; Gratuitous	مجانی
Assortment	مجموعه جور	Conglomerate	مجمع تولیدی
Product Line	مجموعه محصولات	Channel of Distribution;	مجرای توزیع
Short Line	مجموعه مختصر جنس	Market Channel	
Exponential Series	مجموعه نمایی (آمار)	Skilled	مغرب
Economic Aggregates	مجموعه‌های اقتصادی	EXOR(s); Operator	مجری
	منظور مقادیر کلی یا کلهای اقتصادی مانند درآمد ملی و محصول ملی و جز اینهاست.	Account Executive	مجری حساب
Arithmetic Series	مجموعه‌های حسابی	Trade Magazine	مجله بازرگانی
Representative Bales of Goods	مجموعه‌های نمونه‌ای کالاها	Gazette	مجله رسمی
Harmonic Series	مجموعه‌های همساز	Witness Assembly	مجمع شهود
Licence	مجوز	Ordinary Meeting	مجمع عادی
		General Meeting	مجمع عمومی
		Annual General Meeting;	مجمع عمومی سالانه
		Ordinary Meeting	

Lagged Reserve Accounting	محاسبه درنگدار اندوخته	Withdrawal Warrant	مجوز برداشت
Lagged Reserve Accounting	محاسبه درنگیده اندوخته	Authority for Payment	مجوز پرداخت
Man-hour Approach	محاسبه زمانی	Clearance Outwards	مجوز خروج کشتی همان پروانه خروج کشتی است.
Man-hour Approach	محاسبه زمانی بر حسب هر واحد خدمت	Call; Stock Purchase Warrant	مجوز خرید سهام
Single Entry	محاسبه ساده		قراردادی که دارنده آن اجازه می‌یابد مقدار معینی سهم را به قیمت معین و در مدتی معین خریدارای کند.
Cost Accounting	محاسبه قیمت تمام شده	To Licence	مجوز دادن
Calculate; Reckon (Reckon up)	محاسبه کردن	Trading Certificate	مجوز داد و ستد
Double Counting	محاسبه مضاعف	How-know Licence	مجوز دانش فنی
	محاسبه یک قلم سود یا هزینه بیش از یکبار در تحلیل هزینه - فایده.	Put	مجوز فروش سهام
Economic Blockade	محاصره اقتصادی		قراردادی که به موجب آن دارنده اجازه می‌یابد مقدار معینی سهم را به قیمت معین و برای مدت معین بفروشد.
Financial Circles	محافل مالی	Stock Option	مجوز معامله سهام
Delegatee; Drawee	محال علیه		قراردادی که به موجب آن به خریدار مجوز امتیاز خرید یا فروش سهام به مبلغ معین و برای دوره‌ای معین داده می‌شود.
Hoarder	محتکر	Clearance Homewards; Clearance Inwards	مجوز ورود کشتی
Lambs	محتکران بی تجربه	Accountant	محاسب
Stock Jobber	محتکر سهام	Ready Reckoner	محاسبات آماده
Long	محتکر سهام موجود	Refined Calculations	محاسبات دقیق
Plunger	محتکر مخاطره کار	Governmental Accounting	محاسبات دولتی
Confidence Interval	محدوده اطمینان	Accounting; Calculation; Reckoning; Tally	محاسبه
	اگر درصدی اطمینان وجود داشته باشد که یک پارامتر میان دو عدد قرار گیرد، فاصله این دو عدد را محدوده اطمینان آن پارامتر گویند.	Capital Value	محاسبه ارزش سرمایه
Commodity Space	محدوده کالا	Computation	
	فضایی محدود به محورهای مختصات که نشان‌دهنده مقادیر کالاها و خدمات بالقوه موجود برای مصرف‌کنندگان است.	Economic Calculation	محاسبه اقتصادی
Sampling Frame	محدوده نمونه برداری	National Income Accounting	محاسبه درآمد ملی
Constraint; «Corset»	محدودیت		
	سیاستی که مقامات پولی برای تحدید یا کاهش حجم اعتبار اعطایی اتخاذ و اجرا می‌کنند.		

Monopoly Restrictions	محدودیت‌های انحصاری	Rent Restriction	محدودیت اجاره
Limitations of Monetary Policy	محدودیت‌های بنیاد پولی	Credit Squeeze; Credit Voluntary	محدودیت اعتباری
Factor Restrictions	محدودیت‌های عامل	Restriction on Capital Flow	محدودیت انتقال سرمایه
	اشاره به تنگناهای عوامل تولید دارد.	Budget Constraint	محدودیت بودجه
Quantitative Restrictions	محدودیت‌های کمی	Rent Restriction	محدودیت بهره
Limited of Output	محدودیت‌های محصول		همان محدودیت بهره مالکانه است.
Quantitative Restrictions	محدودیت‌های مقداری	Dividend Restraint	محدودیت پرداخت سود سهمی
Loan Limitations	محدودیت‌های وام	Monetary Restraint	محدودیت پولی
Bank Restriction	محدودیت بانکی		منظور مضیقۀ پولی است.
Voluntary Export Constraint	محدودیت داوطلبانه صادرات	Restraint of Trade	محدودیت تجارت
Tax Incentive	محرک مالیاتی	Tariff Barrier	محدودیت تعرفه‌ای
	منظور مالیات انگیزشی است.		اشاره به مانع تعرفه‌ای دارد.
Profit Motive	محرک نفع	Time Limit	محدودیت زمانی
Disincorporated	محروم از امتیازات صنفی و اتحادیه‌ای	Profit Constraint	محدودیت سود
Disherison	محرومیت از ارث		معمولاً رابطه ریاضی میان متغیرهای مطلوب یک مسئله بهینه‌سازی است که در آن یک تابع برابر با مقدار ثابت نباشد.
Relative Deprivation	محرومیت نسبی	Fiscal Restraint	محدودیت مالی
Reckon (Reckon Up)	محسوب داشتن	Restriction of Output	محدودیت محصول
Charge	محسوب کردن	Wage Restraint	محدودیت مزد
Product; Output	محصول	Restriction of Output	محدودیت مقدار تولید
	باز داده پس از طی فراگرد تولید و تبدیل در داده‌ها.	Quantitative	محدودیت مقداری تجارت
Home Product	محصول داخلی	Trade Restriction (Quota)	(سهمیه)
Staples	محصولات اساسی	Import Restriction;	محدودیت وارداتی
	همان محصولات عمده است.	Restriction of Imports	(مقداری)
Basic Crops	محصولات اساسی کشاورزی		محدودیت‌هایی که از طریق تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سپرده‌های وارداتی بر واردات کشور برقرار می‌شود و هدف عموماً رفع کسری تراز پرداختهاست.
	مانند گندم، پنبه و جز اینها.	Exchange Restrictions	محدودیت‌های ارزی
Primary Products	محصولات اولیه	Credit Restrictions	محدودیت‌های اعتباری
Home Produce	محصولات بومی		
Manchester Goods	محصولات پنبه‌ای		
Raw Products	محصولات تکمیل نشده		

Net Product	محصول خالص همان فرآورده خالص است.	Marginal Social and Private Net Products	محصولات خالص نهایی خصوصی و اجتماعی
Social Net Product	محصول خالص اجتماعی همان فرآورده خالص اجتماعی است.	Inland Produce	محصولات داخلی
Private Net Product	محصول خالص خصوصی همان فرآورده خالص خصوصی است.	Staples	محصولات ضروری
Net Domestic Product	محصول خالص داخلی همان فرآورده خالص داخلی است.	Inland Produce	محصولات کشور
Net National Product	محصول خالص ملی همان فرآورده خالص ملی است.	Differentiated Products	محصولات متفاوت تولید دو یا چند کالا در یک فراگرد تولید یا از یک ماده خام واحد به گونه‌ای که تولید یکی از آنها بدون تولید کالا یا کالاهای دیگر مقدور نباشد.
Net National Product at Factor Prices	محصول خالص ملی به قیمت عوامل	Raw Products	محصولات ناتمام
Marginal-net-product	محصول خالص نهایی	Differentiated Products	محصولات نامشابه
Best-profit Output	محصول در بالاترین سود	Raw Products	محصولات نیم‌ساخته
Marginal Revenue Product	محصول دریافتی نهایی	Output	محصول
Established Brand	محصول شناخته شده	Product	محصول (اعم از کالا یا خدمت)
Staple Product	محصول ضروری	Finished Product	محصول آماده
By-product	محصول ضمنی	End Product	محصول آماده مصرف
Staple	محصول عمده	Marginal-value Product	محصول ارزش نهایی
By-product; Secondary Products; Spin-off; Waste Product	محصول فرعی همان محصول ضمنی یا جانبی است.	Basic Yield	محصول اساس فرضی
Cash Crop	محصول فروشی	Staple Product	محصول اصلی
Value-marginal Physical Product	محصول فیزیکی ارزش نهایی	Over-crop	محصول اضافی (بدون کود اضافی)
Responsive Output	محصول قابل انعطاف	Best-profit Output	محصول بهترین منفعت
Final Product	محصول قطعی همان محصول پایانی است که مصرف می‌شود و دگرباره وارد فراگرد تولید نمی‌گردد.	Unresponsive Output	محصول بی‌انعطاف
Produce	محصول کشاورزی	Peak Output	محصول بیشینه
		End Product; Final Product	محصول پایانی
		Going Product	محصول پرفروش
		Current Output	محصول جاری
		By-product	محصول جانبی
			یا محصول فرعی، ماده یا فرآورده ناشی از فراگرد تولیدی که اساساً برای تولید محصول دیگر مورد نظر بوده است.

محصول کم فروش	Nongoing Product	عناصر می‌توان آن را از تابع تولید به دست آورد.
محصول مادی ارزش نهایی	Value-marginal Physical Product	محصول نهایی سرمایه
محصول متجانس	Homogeneous Product	محصول نهایی کار
محصول متوسط	Average Product	محصول واقعی (در مقابل تخمینی)
محصول مشترک	Joint Product	محصول واقعی
محصول مصرفی	Consumption Product	محصول ناخالص ملی
محصول ملی	National Product	محصول ناخالص داخلی
محصول ناخالص	Gross Product	محصول ناخالص داخلی
محصول ناخالص ملی	Gross Domestic Product	محصول واقعی (در مقابل تخمینی)
محصول ناخالص ملی	G.N.P.	محصول واقعی
محصول ناخالص ملی	Gross National Product	محصول ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت در سال پایه معین.
محصول ناخالص ملی بالقوه	Potential Gross National Product	محصول واقعی ملی
محصول ناخالص ملی به قیمت عوامل	Gross National Product at Factor Cost	ارزش کل محصول - درآمد ملی به قیمت ثابت.
محصول ناخالص ملی در اشتغال کامل	Full Employment G.N.P.	محصول (های) مشترک
محصول ناخالص ملی واقعی	Real Gross National Product	محصول همبسته
محصول نهایی	Marginal Product	محفظه
افزایش کل تولید بر اثر افزایش ناچیز یکی از عوامل تولید، به شرط آن که دیگر عناصر تغییر نکنند.		همان ظرف بار است.
محصول نهایی اجتماعی	Social Marginal Product	محکم (بورس)
تغییر رفاه اجتماعی که بر اثر تغییر ناچیز در مقدار در داده به دست آمده است.		وضع اوراق بهادار در این بازار است.
محصول نهایی جنسی	Marginal Physical Product	محکم
میزان افزایش کل تولید بازای استفاده از یک واحد کار اضافی که به شرط ثابت ماندن دیگر		محکوم به پرداخت مالیات
		محل اشیاء باز یافتی (بیمه)
		محل اقامت
		محل بازار
		محل پایاپای
		محل پرجمعیت و پست شهر
		محل تحویل در مرز معین
		محل دلالی
		محل فروش
		محل کار و کسب

Revenue Expenditure	مخارج از دریافتی	Depository	محل نگهداری سپرده
Entitlement Spending	مخارج استحقاقی	Depository	محل نگهداری امانات
Running Expenses	مخارج استفاده	Vacancies	محل‌های خالی شغلی
Supplementary Charge	مخارج اضافی	Slum	محل‌های فقیرنشین
Warehousing Charges	مخارج انبارداری	Localization of Industries	محل‌ی کردن صنایع
Transfer Expenditures	مخارج انتقالی	Localization of Labor	محل‌ی کردن کار
Preliminary Expenses	مخارج اولیه	Heavy Lift	محمولات سنگین
Commercial Expense; Trade Expenses	مخارج بازرگانی	Cargo	محمولات کشتی
Overhead Expenses	مخارج بالاسری	Consignment	محموله
Budget Expenditures	مخارج بودجه	Deck Cargo	محموله روی عرشه کشتی
Operating Expenses; Working Expenses	مخارج بهره‌برداری	Deck Cargo	محموله عرشه
Nonrecurring Expense	مخارج بی‌برگشت	Bulk Cargo	محموله فله
Deferred Expenses	مخارج پیش‌پرداختی	Shipping	محموله کشتی
Prepaid Expenses	مخارج پیش‌پرداختی	Backload	محموله مراجعت
Preliminary Expenses	مخارج تأسیس	Unit Load	محموله واحد
	هزینه‌های تشکیل شرکت است.	Air Cargo	محموله هوایی
Commercial Overhead; Trade Expenses	مخارج تجاری	Stock Yard	محوطه انبار
Landing Charges	مخارج تحویل	Market Area	محوطه بازار
Exchange Charges	مخارج تسعیر	Marshalling Yard	محوطه تفکیک کالاها
	هزینه‌های تبدیل پولی به پول دیگر است.	Marshalling Yard	محوطه دسته‌بندی کالاها
Preliminary Expenses	مخارج تشکیل	Industrial Park	محوطه صنعتی
	همان مخارج تأسیس است.	C.Y.	محوطه مخزن
Development Expenses	مخارج توسعه		نشانه اختصاری Container Yard است.
Expenses of Production	مخارج تولید	Shop Premises	محوطه مغازه
	مجموع پرداخت‌های یک واحد تولیدی برای تهیه سرمایه، خرید زمین و هزینه مدیریت.	Stock Yard	محوطه مواد
Productive Expenditure	مخارج تولیدی	Elimination of Wholesaler	محو عمده فروش
	مخارج دولت که بر رفاه اقتصادی در آینده می‌افزاید.	Work Situation	محیط کار
Fixed Charges	مخارج ثابت	Drawer	مخبر
		Expenditure; Expense; Outgo; Outgoings	مخارج
		Incidental Expenses; Nonrecurring Expense	مخارج اتفاقی
		Management Expenses	مخارج اداری

Supplementary Expenditures	مخارج فرامیشتی	Current Expenditure; Running Expenses; Working Expenses	مخارج جاری
	مخارجی افزون بر میزان مخارج معیشتی که برای خرید یک کالا یا گروهی از کالاها انجام می‌گیرد.	Compensating Expenditures	مخارج جبران‌کننده
Selling Expenses	مخارج فروش	Compensating Expenditures	مخارج جبرانی
Selling Expenses	مخارج فروش کالا یا بازاریابی	Petty Expenses	مخارج جزئی
Management Expenses	مخارج کفالت	Household Expenditure	مخارج خانوار
Aggregate Expenditures	مخارج کل	Unearned Charges	مخارج دست‌نامده
	همان تقاضای کل و عبارت است از جمع کل مخارج اسمی که در یک نظام اقتصادی صرف خرید کالاها و خدمات می‌شود.	Government Expenditures; National Expenditure	مخارج دولتی
Expense; Standing Charges	مخارج کلی		بخش مهمی از مخارج کل که اهمیت زیادی در الگوی کینز در باب تعیین سطح تعادل درآمد ملی دارد.
Capitalized Expense	مخارج مبدل به سرمایه	Supernumerary Expenditure	مخارج زیادی
Departmental Charges	مخارج متناسب	Building Expenses	مخارج ساختمان
Call Charge	مخارج مخابرات تلفنی	Capital Expenditures	مخارج سرمایه‌ای
Particular	مخارج مخصوص بهره‌برداری		هزینه‌هایی که یک شرکت یا یک فرد صرف پرداخت بهره سرمایه، استهلاک یا بازپرداخت وامها می‌کند.
Operating Expenses		Capital Charges	مخارج سرمایه پولی
Management Expenses	مخارج مدیریت		مخارج خرید داراییهای ثابت و کالاهای سرمایه‌ای.
Autonomous Expenditures;	مخارج مستقل	Travelling Expenses	مخارج سفر
Autonomous Spending		Personal Outlays	مخارج شخصی
	مخارجی مستقل از سطح درآمد در الگوی درآمد به خرج مانند سرمایه‌گذاری و صادرات. مخارجی که بنا به فرض در الگوی درآمد - مخارج مستقل از سطح درآمد است.	Development Expenditures	مخارج عمرانی
Direct Expenses	مخارج مستقیم		استفاده از اعتبارات عمرانی در جریان اجرای برنامه‌های عمران و توسعه.
	هزینه‌هایی مستقیماً به عنوان یکی از اقلام هزینه تولید.	Operating Expenses	مخارج عملیاتی
Consumer Expenditure	مخارج مصرف‌کننده	Overhead Expenses; Public Expenditure; Standing Charges	مخارج عمومی
	کل مخارج خانوارها برای مصرف کالاها و خدمات.		مخارج سازمانهای دولتی و شهرداریها.
Consumption Expenditure	مخارج مصرفی	Supernumerary Expenditure	مخارج غیرعادی
	مخارج کلی برای خرید کالاها و خدمات و برآوردن نیازهای جاری.	Factory Burden	مخارج غیر مستقیم کارخانه

Paper Tilles	مدارک حق مالکیت	Subsistence Expenditures	مخارج معیشتی
Purchase Records	مدارک خرید		مخارج لازم برای ادامه حیات یا بقاء.
Embassy Documents	مدارک سفارتی	Preliminary Expenses	مخارج مقدماتی
Cost Records	مدارک قیمت تمام شده	Gross National Expenditure; Gross National Outlays	مخارج ناخالص ملی
Supporting Documents	مدارک کمکی		عبارت است جمع هزینه‌های دو بخش خصوصی و عمومی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و تغییر در موجودیها و خالص صادرات و واردات.
Supporting Documents	مدارک مدلل	Original Expenditure	مخارج نخستین
Cost Records	مدارک هزینه	Cash Outlay; Expense	مخارج نقد
Exchequer of Pleas	مدافع امور مالی	Upkeep Expenses	مخارج نگهداری
Tenancy	مدت اجاره	Bill of Goods; Marginal Outlay	مخارج نهایی
Tenure	مدت اجاره‌داری	Actual Expenses	مخارج واقعی
Duration of Spells of Unemployment	مدت ادوار بیکاری	Government	مخارج و درآمد عادی دولت
Appropriation Period	مدت اعتبار	Ordinary Expenditure and Revenue	مخارج ویژه
Outage	مدت افتادن از حیز انتفاع	"Special Charge"	مخاطره کار
Remaining	مدت باقیمانده (اصطلاح بیمه)	Risk Bearer	مخاطره گر
Uncovered Period		Risk Bearer	مخاطره شغلی
Currency of a Bill of Exchange; Term of a Bill	مدت برات	Occupational Hazard	مخالفت
Duration of Unemployment	مدت بیکاری	Foreclosure	مخالفت با مظنه (اصطلاح بورس)
Down Time	مدت بیکاری کارگران	Mark	مخالفت با وام
Outage	مدت بیکاری و افتادن از استفاده	Opposition to Debt	مختصات قائم
Period To Date	مدت تا این تاریخ	Rectangular Co-ordinates	مخزن
Lead Time	مدت تحویل کالا	Container	مخزن ارزش
Day Time	مدت روز	Store of Value	مخزن مشترک
Lay	مدت زمان مجاز روزهای بارگیری و تخلیه	Common Pool	مداخل
Time Days		Takings	مداخل اداری
Aging	مدت سنجی	Administrative Revenues	در این جا درآمدها یا دریافت‌های اداری است.
Long Run	مدت طولانی	Cash Circuit	مدار پول نقد
Outage	مدت عدم استفاده	Non Cash Circuit	مدار غیرنقدی
Contract Period	مدت قرارداد	Cost Records	مدارک تعیین ارزش
Economic Life	مدت کار		
Lay Days; Lay Time	مدت مجاز بارگیری و تخلیه کشتی		

Account Manager	مدیر حساب	Equated Time	مدت متساوی
Special Manager	مدیر خاص		همان زمان برابر یا مساوی است.
Public Administrator	مدیر دولتی سرپرستی	Average Life	مدت متوسط بهره‌برداری
Company Director	مدیر شرکت	Time-limit for Presentation	مدت مقرر برای ارائه
Branch Manager	مدیر شعبه		
Certifying Officer	مدیر صاحب امضا	Duration of the Agreement	مدت موافقتنامه
Dummy Director	مدیر صوری	Average Life	مدت میانگین بهره‌برداری
	همان مدیر ظاهری یا ساختگی است.	Shelf Life	مدت نگهداری در قفسه
Executive Director; Managing Director	مدیر عامل	Allowance; Subsistence Allowance	مدد معاش
Inside Director	«مدیر عامل خودی»	Family Allowances	مدد معاش خانواده
Alternate Director	مدیر علی‌البدل	Proof of Indebtedness	مدرک بدهکاری
Sales Engineer; Sales Manager	مدیر فروش	Posting Media	مدرک ثبت حساب
Owner-manager	مدیر مالک	Proof of Loss	مدرک خسارت
Sumptuary	مدیر مسئول هزینه	Proof of Loss	مدرک زیان
Conductorship; Direction; Management	مدیریت	Cash Voucher	مدرک صندوق
	مجموعه افرادی که اداره فعالیت‌های یک بنگاه را به عهده دارند.	Claim	مدعا به
Middle Management	مدیریت اجرایی	Attorney; Claimant	مدعی
Exchange Management	مدیریت ارز	Defendant	مدعی علیه
	مجموعه افراد اجراکننده تصمیمات در زمینه فعالیت‌های یک واحد اقتصادی.	Adminlstrator; Director; Manager	مدیر
Management by Exception	مدیریت استثنایی	Managing Agent	مدیر اجرایی
Credit Management	مدیریت اعتبار	Full-time Directors	مدیران تمام‌وقت شرکت
Business Administration; Business Management	مدیریت بازرگانی	Close Company	
Management in Crisis	مدیریت بحران	Dummy Directors	مدیران ساختگی
Debt Management; Liability Management	مدیریت بدهی	Dummy Directors	مدیران ظاهری
Dead Management	مدیریت بی‌اثر		همان مدیران صوری است.
Monetary Management	مدیریت پولی	Non-executive Directors	مدیران غیرموظف
Demand Management	مدیریت تقاضا	Sales Manager	مدیر بازرگانی
		Shadow Director	مدیر پشت‌پرده
		Shadow Director	مدیر پنهانی
			به اصطلاح مدیر پشت‌پرده است.
		Liquidator; Official Receiver	مدیر تصفیه
		Production Manager	مدیر تولید

Maladministration	مدیریت نالایق همان سوء مدیریت است.	Multiple Management	مدیریت چندگانه
Debt Management	مدیریت وام	Accounting Management	مدیریت حسابداری
Utopia	مدینه فاضله شهر آرمانی یا ناکجا آباد و یا «نیست درجهان» است.	Administration of Income	مدیریت درآمد
Debted; Debtor; Indebted	مديون	Management in Crisis	مدیریت در بحران همان مدیریت بحران و پیرو سامانی اقتصادی است.
Multilateral Trade Negotiations	مذاکرات چندجانبه تجاری	Debt Management	مدیریت دین
Kennedy Round	مذاکرات کندی مقدمه‌ای بر ایجاد گات و سرانجام سازمان تجارت جهانی.	Middle Management	مدیریت رده دوم
Wage Round	مذاکرات مزد	Personal Management	مدیریت شخصی
Sales Talk	مذاکره برای فروش	Management -investment Company	مدیریت شرکت سرمایه‌گذاری
Collective Bargaining	مذاکره گروهی	Industrial Handling	مدیریت صنعتی
Subordinate	مرئوس	Scientific Management	مدیریت علمی
Compound Amount	مراجه مرکب	Public Administration	مدیریت عمومی
Agricultural Ladder	مراتب ارتقای کشاورزی	Direction of Effort	مدیریت فعالیتها
Cost Ladder	مراتب هزینه	Debt Management	مدیریت قرضه منظور اقدامات یک سازمان مسئول انتشار اوراق قرضه دولتی است.
Budget Cycle; Budget Process	مراحل بودجه	Small Business Administration	مدیریت کار و کسب جزئی نشانه اختصاری این عنوان S.B.A. است.
Processing Stages	مراحل تبدیل	Boss	مدیریت کردن بر...
Stages of Growth	مراحل رشد	Financial Management	مدیریت مالی
Stages of Economic Growth	مراحل رشد اقتصادی از دید روستو، مراحل رشد اقتصادی به شرح زیراند: جامعه سنتی، مرحله گذار، مرحله خیز و جهش، مرحله بلوغ و عصر مصرف انبوه.	Multiple Management	مدیریت متعدد
Processing Stages	مراحل ساخت	Interlocking Directorate	مدیریت مرتبط
Secondary Picketing	مراقبت ثانوی اعتصاب	Farm Management	مدیریت مزرعه
Mass Picketing	مراقبت گروهی اعتصاب	Interlocking Directorate; Joint Management	مدیریت مشترک
Situs Picketing	مراقبتهای فرعی اعتصاب	Material Management	مدیریت مواد
Financial Centers	مراکز مالی	Portfolio Management	مدیریت موجودی اوراق بهادار
Sq.	مربع نشانه اختصاری Square است.	Dead Management	مدیریت ناکارآمد
		Dead Management	مدیریت ناکارآی

Price Lining	مرزبندی قیمت	"Ultimo"	مربوط به ماه پیشین
	تعیین قیمت ثابت باری اجناس با توجه به هزینه‌های ثابت.	Forwarding	نشانه اختصاری آن Ult می‌باشد.
Outlay Contour or Curve	مرز پرداخت	Mortgagee; Pawn Broker; Pawnee	مربوط به محصول آتی
Production Contour or Curve;	مرز تولید	Banker's Reference	مرتهن
Production Frontier		Trade Reference	مرجع اطلاعات بانکی
	منحنی امکانات برابر است که روی آن افزایش تولید یک کالا موجب کاهش در تولید کالای دیگر دیده می‌شود.	Refer to Drawer	مرجع تجاری
Production Revenue	مرز دریافتی تولید	Referable	مرجوع داشتن به کشنده (بروت) (به برات‌کش رجوع شود)
Contour		Retd; Returned	موضوع شدنی
	در دستگاه مختصات، منحنی بی‌تفاوتی همه ترکیبهای هزینه‌های فروش و قیمت‌های محصول بازای دریافتی معین از تولید برای فروشنده دیده می‌شود. برای هر دریافتی یک منحنی بی‌تفاوتی متمایز وجود دارد و یک نقطه در مرکز یکی از منحنی‌های هم‌مرکز ترکیبی از قیمت و هزینه فروش را به دست می‌دهد که به فروشنده بیشینه دریافتی را عاید می‌گرداند.	Returns	مرجوعی
Wage Contour	مرز دستمزد	Custom Drawbacks	مرجوعیها همان برگشتیهاست.
Reorder Level	مرز سفارش مجدد	Purchase Returns	مرجوعیهای حقوق گمرکی
Sales Contour	مرز فروش	Time Phasing	مرجوعیهای خرید
Factor-price Frontier	مرز قیمت عامل	Contractionary Phase	مرحله بندی اوقات کار
Grand Factor Price	مرز قیمت عامل مهم	Stage of Stagnation	مرحله انقباضی
Frontier		Manufacturing Process	مرحله رکود
Factor-price Frontier	مرز قیمت عوامل	Upward Phase	مرحله ساخت
	رابطه معکوس میان نرخ دستمزد و میزان سود است.	Release	مرحله صعودی
Customs Frontier	مرز گمرکی	Leave	مرخص کردن کالا
Product Contour	مرز محصول	Compensatory Leave	مرخصی
Iso-cost Contour	مرز هزینه برابر	Economic Democracy	مرخصی جبرانی
Consignment; Shipment	مرسوله		مردم سالاری اقتصادی
Customary	مرسوم	Communism; Populism	امکان دستیابی افراد بااستعداد به کار اقتصادی در جامعه.
		Unbankable	مردم‌گرایی
		Situation Utility	به هر کس به اندازه نیازش که شعاری ذهنی است.
		Possibility Frontier	مردود از نظر بانک
		Enclosure	مرز امکان مطلوبیت وضعی

Commodity Exchange	مرکز مبادله کالا	Occupational Disease (or Hazard)	مرض ناشی از نوع کار مشخص
Centralization	مرکزیت اختیار	Power Plant	مرکز
Centralization of Reserves	مرکزیت اندوخته‌ها	Head-office	مرکز اصلی شرکت
Localization of Industries	مرکزیت صنایع	Business Centre	مرکز امور
Centralization	مرکزی کردن	Factory	مرکز ایادی یا واسطه‌ها
Mortality	مرگ و میر	«Entrepot»; Market Place; Mart	مرکز بازرگانی
آمار مرگ و میر معمولاً بر پایه شمار مُردگان در هر هزار نفر برحسب سن و جنس و طبقه اجتماعی طی زمان معین است.		International Center for Settlement of	مرکز بین‌المللی تصفیۀ اختلافات
Lapse; Statutory Limitation	مرور زمان	Clearing House	مرکز پایابای مؤسسه تهارتی
Collateral	مرهونه	Center-periphery	مرکز - پیرامون
Open Mortgage	مرهونه آزاد		مرکز در نظریه توسعه اقتصادی، از دید مارکسیستها، نه تنها محور ارزشها که مبین قدرت اقتصادی در سازمان تولید و توزیع در مقیاس بین‌المللی است. از این دیدگاه اقتصاد جهانی همچون هرمی متشکل از مراکز اقتصادی تصور و تصویر شده است که با اعمال فشارهای نظامی، سیاسی و بازرگانی مازاد اقتصادی را از جوامع پیرامونی به چنگ می‌آورند.
Pledgee	مرهونه له	«Entrepot»	مرکز تجارت
Closed Mortgage (Closed-end Mortgage)	مرهونه محدود (مقید)	Mart	مرکز تجارت (در ایالات متحد)
Closed Mortgage (Closed-end Mortgage)	مرهونه مقید	Emporium	مرکز تجاری
Share Cropping	مزارعه	Clearing House	مرکز تصفیه و تسویه
همان سهم کاری در کشاورزی است.		Fixing Room	مرکز تعیین قیمت
Nonmonetary Advantages and Disadvantages	مزایا و مضار غیر پولی	Shopping Center	مرکز خرید
Social Benefits	مزایای اجتماعی	Stock Exchange	مرکز رسمی برگهای بهادار
Disability Benefits	مزایای از کار افتادگی	Profit Centre	مرکز سود
S.U.B.	مزایای اضافی بیکاری	Trading Estate	مرکز صنعتی
Lock-in Benefits	مزایای بازدارنده	Point of Sale	مرکز فروش
Old-age Benefits	مزایای بازنشستگی	Hub	مرکز فعالیت
Social Security Benefits	مزایای بیمه اجتماعی	Metropolis (The)	مرکز کار در لندن
Unemployment Insurance Benefits	مزایای بیمه بیکاری	Business Centre	مرکز کار و کسب
Fringe Benefit	مزایای جنبی	Job Center	مرکز کارایی
Benefits in Kind	مزایای جنسی		
Net Advantages	مزایای خالص		

Peg Point	مزد اساس	Service Benefits	مزایای خدمت
Nominal Wages	مزد اسمی	Service Benefits	مزایای سابقه خدمت
Living Wage	مزد امرار معاش	Benefits in Kind	مزایای غیر پولی
Fall-Back Pay; Reporting Pay	مزد انتظار خدمت	Fringe Benefits	مزایای غیر نقدی
Dismissal Wage; Terminal Wage	مزد انفصال		جز مزد و حقوق، همه اقلامی که یک فرد شاغل به عنوان پاداش دریافت می‌دارد.
Dismissal Pay	مزد انفصال از خدمت	Non-wage Attributes	مزایای غیرمزدی
Severance Wage	مزد انفکاک	Fringe Benefits; Spillover Benefits	مزایای فرعی
Incentive Wage	مزد انگیزشی	Fringe Benefits	مزایای فوق‌العاده
Incentive Wage	مزد انگیزنده	Lock-in Benefits	مزایای قیدی
Fall-Back Pay; Lay-off Day	مزد ایام بیکاری	Employee Benefits	مزایای کارکنان
Holding Pay	مزد ایام مرخصی	Fiscal Welfare Benefits	مزایای مالی بهزیستی
Retroactive Pay	مزد با عطف به‌مابقی	Fiscal Welfare Benefits	مزایای مالی رفاه
Partial-to-portal Pay	مزد بالوقت	Disability Benefits	مزایای معلولیت
Subsistence Wage	مزد بخور و نمیر		منظور مزایای فوق‌العاده بابت معلولیت است.
Wage-earner	مزدبدر	Comparative Advantage	مزایای مقایسه‌ای
Equal Pay	مزد برابر	Disablement Benefits	مزایای مقرر از کارافتادگی
Time Work	مزد برحسب زمان کار	Advantages of Scale	مزایای مقیاس
Time Wage	مزد برحسب مدت کار		از نتایج صرفه‌جوییهای مقیاس است.
Package Pay	مزد بسته‌بندی	Auction	مزایده
Wage-worker	مزدبگیر		پیشنهاد پرداخت یک فرد یا سازمان برای تملک یا تصرف یک دارایی.
Retroactive Pay	مزد به میزان گذشته	Putting Up of Money	مزایده دارایی
Overpay	مزد بیش از استحقاق	Bid Bond	مزایده سند قرضه دولتی
Incentive Wage	مزد پاداشی	Open Bid	مزایده عمومی
Termination Pay	مزد پایان خدمت	Limited Bid	مزایده محدود
Base Pay	مزد پایه	Pay; Wage	مزد
	یا وجه مزد، وجه موجود برای پرداخت مزد است.	Reporting Pay	مزد آماده‌باش
Nominal Wages; Money Wages	مزد پولی	Dismissal Pay; Dismissal Wage; Terminal Wage	مزد اخراج
Incentive Pay; Incentive Wage	مزد تشویقی	Piece Work	مزد از روی مقدار کار
Severance Wage	مزد تفکیک		
Hold-back Pay	مزد توقف		
Lay-off Day	مزد توقف کار		
Standard Labour Rate	مزد ثابت و متغیر کارگر		

Piece Work	مزد نسبت به کار انجام شده	Premium Pay	مزد جایزه‌دار
Time Work	مزد نسبت به مدت کار	Truck	مزد جنسی
Shift Pay	مزد نوبت کاری	Subsistence Wage	مزد حداقل معیشت
Real Wage	مزد واقعی	Attendance Money; Call Pay; Call-in Pay	مزد حضور
Imputed Wages and Salaries	مزد و حقوق انتسابی	Dismissal Wage	مزد خاتمه خدمت
Salariat	مزدوری	Partial-to-portal Pay	مزد رسیدن به محل کار
Hold-back Pay	مزد وقفه	Competitive Wage	مزد رقابتی
Wages	مزدها	Daily Pay	مزد روزانه
Going Wages	مزدهای جاری	Wages of Superintendence	مزد ریاست
Progressive Wages	مزدهای صعودی	Overpay	مزد زاید
Progressive Wages	مزدهای مترقی	Time Wage; Time Work	مزد زمانی
Going Wages	مزدهای موجود	Women's Wages	مزد زنان
Going Wages	مزدهای مورد قبول	Annual Wage	مزد سالانه
Conductitious	مزدی	Guaranteed Annual Wage	مزد سالانه تضمینی
Stand-by Pay	مزد یا حقوق آماده خدمت	Guaranteed Annual Wage	مزد سالانه تضمین شده
Farming; Farm Management	مزرعه‌داری	Wage	
Family-sized Farm	مزرعه در حد خانواده	Package Pay	مزد عدل بندی
Collective Farm	مزرعه اشتراکی	Retroactive Pay	مزد عطف به ماسبق
Commercial Farm	مزرعه تجاری	Minimum Wage	مزد کمینه
Family Farm	مزرعه خانوادگی	Push Money	مزد کوشش فوق العاده
State Farm	مزرعه دولتی	Base Pay	مزد مبنا
Factory Farm	مزرعه کارخانه‌ای		همان وجه مزد یا مزد پایه است.
Benefit	مزیت	Incentive Wage	مزد محرک
Supplementary Benefit	مزیت اضافی		مزد تشویقی یا انگیزشی است.
Rent of Ability	مزیت اقتصادی لیاقت	Fall-Back Pay	مزد مدت انتظار برای کار
Differential Advantage	مزیت بارز	Wages of Management	مزد مدیریت
Equal Advantage	مزیت برابر	Vacation Pay	مزد مرخصی
Maximum Social Advantage	مزیت بیشینه اجتماعی	Subsistence Wage Level	مزد معادل حداقل معیشت
Unemployment Benefit	مزیت بیکاری	Hold-back Pay	مزد معطلی
Competitive Edge	مزیت رقابتی	Standard Labour Rate	مزد معیاری کار
Injust Benefit	مزیت غیر عادلانه	Living Wage	مزد معیشت

Advance on (Against) Good	مساعده در مقابل کالا	Wage Dividend	مزیت مزد
Receive in Advance	مساعده گرفتن	Absolute Advantage	مزیت مطلق
Clearing Advances	مساعده‌های تهاتری	Absolute Cost Advantage	مزیت مطلق هزینه
Self-liquidating Advances	مساعده‌های خود واریز شونده	Comparative Advantage	مزیت نسبی
Self-liquidating Advances	مساعده‌های خود واریزکننده	Currency Depreciation	مسابقه استهلاک پول
Ways and Means Advances	مساعده‌های مالی	Race	
Secured Advances	مساعده‌های وثیقه‌دار	Prize	مسابقه برای تحصیل جایزه
Haul	مسافت حمل	Advance; Advance Bill; Bounty;	مساعده
Line Haul	مسافت میان مبدا و مقصد	Bridging Advance; Paid-on Charges	
Commute	مسافرت با بلیط تخفیف‌دار		پولی که خریدار پیش از انجام دادن خدمت یا تحویل کالا به فروشنده می‌پردازد.
Tax Equity	مساوات مالیاتی	Advance of Freight	مساعده اجاره و بار کشتی
International Economic Problems	مسائل اقتصادی بین‌المللی	Advance on Current Account	مساعده از حساب جاری
Extrajudicial	مسائل خارج از حیطه قضایی	Advance Refunding	مساعده بازپرداختی
Problemize	مسائل را طرح کردن	Bank Advance	مساعده بانک
Fringe Issues	مسائل کوچک در قرارداد کارگری	Advance Free of Interest	مساعده بدون بهره
Aggregation Problem	مسئله اجماع	Unsecured Advance	مساعده بدون تضمین
Principal-agent Problem	مسئله اصیل - عامل	Advance on a Contract	مساعده براساس قرارداد
Economic Problem	مسئله اقتصادی	Advance on Consignment of Goods	مساعده براساس واگذاری کالاها
Transfer Problem	مسئله انتقال	Advance on Documents	مساعده به اعتبار اسناد
Transformation Problem	مسئله تبدیل	Advance on Securities (or Stocks)	مساعده به اعتبار سهام
Identification Problem	مسئله تشخیص	Advance to Crew on Wages	مساعده به خدمه کشتی در مقابل وثیقه
Queuing Problem	مسئله صف انتظار	Advance Money	مساعده پول
Index Number Problem	مسئله عدد شاخص	Cash Advance	مساعده پول نقد
Liabile	مسئول	Clearing Advance	مساعده تهاتر
Property Accountability	مسئول ابوابجمعی	Advance Against Security	مساعده در برابر تأمین
Risk Manager	مسئول ارزیابی خطر احتمالی	Secured Advances	مساعده در برابر وثیقه
Accountable	مسئول حساب		
Public Relations Officer	مسئول روابط عمومی		
Collector	مسئول قسمت تحصیلداری		

Straight Life Annuity	مستمری آنی	Registrar	مسئول مشخصات سهامداران
Early Vesting	مستمری از پیش مقرر	Property	مسئول موجودی دارایی
Deferred Annuity	مستمری از تاریخ معین به بعد	Accountability	
Refund Annuity	مستمری استرداد	Liability; Responsibility	مسئولیت
Deferred Annuity	مستمری انتقالی	Social Responsibility	مسئولیت اجتماعی
Terminable Annuity	مستمری انقضای پذیر	Excess Burden	مسئولیت اضافی
Refund Annuity	مستمری بازپرداختی	Consumer Excess	مسئولیت اضافی مصرف‌کننده
Redeemable Annuity	مستمری بازخریدنی	Burden	
Survivorship Annuity;	مستمری بازماندگان	Several Liability; Single	مسئولیت انفرادی
Tontime Annuity		Liability	
Joint and	مستمری بازماندگان و مشترک	Primary Liability	مسئولیت اولیه
Survivor Annuity		Joint and Several Liability	مسئولیت تضامنی
Survivorship Annuity	مستمری بازماندگی	Accountant's	مسئولیت حسابدار مستقل
Retirement Annuity	مستمری بازنشستگی	Responsibility	
Annuitant	مستمری بگیر	Precatory Trust	مسئولیت درخواستی
Death Benefit	مستمری پس از فوت	Several Liability; Single	مسئولیت فردی
Refund Annuity	مستمری پس‌دانی	Liability	
Reversionary Annuity	مستمری تقلیلی	Legal Liability	مسئولیت قانونی
Life Annuity	مستمری تمام عمر	Product Liability	مسئولیت کالا
Life	مستمری تمام عمر (بدون قید و شرط)	Accountability	مسئولیت محاسباتی
Annuity Certain		Limited Liability	مسئولیت محدود
Group Annuity	مستمری جمعی	Assumed Liability	مسئولیت مورد تضمین
Annuity Certain	مستمری حتمی بیمه عمر	Unlimited Liability	مسئولیت نامحدود
Life Income Annuity	مستمری درآمد عمری	Unlimited and	مسئولیت نامحدود و محدود
Life Income	مستمری درآمد مادام‌العمر	Limited Liability	
Annuity		Lessee; Rentee; Tenant	مستأجر
Government Annuity	مستمری دولتی	Tenant in Suffrance	مستأجر عدوانی
Annuity; Annual Installment	مستمری سالانه	Reality	مستغل
Retirement	مستمری سالانه بازنشستگی	Economically	مستقل از لحاظ اقتصادی
Annuities		Independent	
Life or Nonrefund	مستمری سالانه پس‌ندانی	Funding	مستمر ساختن قرضه
Annuity		Last Survivor	مستمری آخرین بازمانده
Contingent Annuity	مستمری سالانه تصادفی	Annuity	

Sink	مستهلك شدن	Contingent Annuity	مستمری سالانه حادثه
Depreciable	مستهلك شونده	Perpetual Annuity	مستمری سالانه دایمی
Amortize	مستهلك کردن	Survivorship Annuity;	مستمری سالانه عمری
Write off Capital	مستهلك کردن سرمایه	Life or Nonrefund Annuity	
Frozen	مسدود	Ground Annuity	مستمری سالانه گروهی
Block	مسدود کردن (حساب)	Life or Nonrefund	مستمری سالانه مادام‌العمر
Freeze	مسدود کردن	Annuity	
Tie up (of Capital, of Money)	مسدود کردن (سرمایه یا پول)	Tithe Redemption	مستمری عشریه بازخرید
Hard Cash; Specie	مسكوك	Annuities	
	همان سكه است.	Perpetual Annuity; Straight	مستمری عمری
Decimal Coinage	مسكوكات اعشاری	Life Annuity	
Subsidiary Coin	مسكوك خرد	Straight Life Annuity	مستمری فوری
	سكه‌ای كه ارزش آن جزئی از واحد پول کشور است.	Immediate Annuity	مستمری فوری
Gold Coin	مسكوك طلا		(در بیمه‌های جمعی)
Coin of The Realm	مسكوك قانونی	Redeemable Annuity	مستمری قابل بازخرید
Clipped Money	مسكوك مقطع؛ مسكوك دورتادور بریده؛ سكه زده (برای قلب سكه)	Apportionable	مستمری قابل تسهیم به نسبت
Collectivism; Communism	مسلك اشتراکی	Annuity	
Critical Path	مسیر بحرانی	Annuity Certain	مستمری قطعی سالانه
	ارزان‌ترین و کوتاه‌ترین راه برای اجرای طرح‌های عمرانی.	Group Annuity	مستمری گروهی
Feasible Optimum Path	مسیر بهینه عملی	Perpetual Annuity;	مستمری مادام‌العمر
	یا مسیر بهینه ممکن، آن است که قابل دسترسی باشد.	Straight Life Annuity	
Feasible Optimum Path	مسیر بهینه ممکن	Variable Annuity	مستمری متغیر
Expansion Path	مسیر توسعه	Contingent Annuity	مستمری محتمل سالانه
	عوامل در داده بازای هر سطح از بازده در این مسیر قرار دارد.	Reversionary Annuity	مستمری مرجوعی
Growth Path	مسیر رشد	Deferred Annuity	مستمری معوقه
	تغییر درآمد سرانه یا مصرف سرانه را طی زمان نشان می‌دهد.	Annuity Contingent	مستمری ممکن الوصول (بیمه عمر)
		Equity Annuity	مستمری منصفانه
		Cash Refund	مستمری نقدی پس‌دادنی
		Annuity	
		Consolidated	مستمری‌های تثبیت شده
		Annuities	
		Cameralism; Kameralism	مستوفیگری

Derivative	مشتق	Assembly-line	مسیر زنجیری
	تغییر متغیر وابسته بازای یک واحد تغییر بی‌نهایت کوچک در متغیر مستقل.		همان مسیر کلی و خطی نصب و سوار کردن ماشین می‌باشد.
Customer	مشتری	Expansion Path	مسیر گسترش
Characteristics of Underdevelopment	مشخصات توسعه نیافتگی		همان مسیر توسعه است و این مسیر برای بنگاه از اتصال نقاط انتخاب در داده‌ها و سطوح مختلف تولید به دست می‌آید.
Job Specification (or Description)	مشخصات شغل	Semi-critical Path	مسیر نیمه بحرانی
Technical Specification	مشخصات فنی	Routing	مسیر یک سفارش (در بورس)
Catalogue	مشخصات کالا	Participation;	مشارکت
Customs Specification	مشخصات گمرکی	Partnership	
Misspecification	مشخصات نادرست	Majority Holding;	مشارکت با بیشترین سهم
Cross Section Data	مشخصات نمونه	Majority Interest	
Determinate Final Equilibrium	مشخص کردن تعادل نهایی	Joint Venture	مشارکت تجاری
Occupation	مشغله	Joint Venture	مشارکت خاص
Working	مشغول کار		مشارکت افراد یا بنگاهها برای اجرای یک طرح اقتصادی خاص.
Problemize	مشکلات را به میان گذاشتن	Profit-Sharing	مشارکت در منافع
Discretionary Policy	مشکلات سیاست اختیاری	Minority Holding	مشارکت در وضع اقلیت
Problems			
Principal-agent Problem	مشکل اصیل - عامل	Industrial Partnership	مشارکت صنعتی
Population Problem	مشکل جمعیت	Workers' Participation	مشارکت کارگران
	انفجار جمعیت و برخی از کشورهاست.	Industrial Partnership	مشارکت کارگری
Liquidity Problem	مشکل نقدینگی	Joint	مشاع
Customary	مشمول پرداخت اجاره و عوارض	Professions	مشاغل
Gildable	مشمول پرداخت مالیات	Key Jobs	مشاغل اساسی
With Particular Average	مشمول دریافت خسارت خاص	Gravy Jobs	مشاغل پول ساز از راه نادرست
		Gravy Jobs	مشاغل سود آور از راه نادرست
With Particular Average (W.P.A.)	مشمول خسارت خاص	Key Jobs	مشاغل نمونه
Ratable	مشمول مالیات	Business Consultant	مشاور بازرگانی
Rate	مشمول مالیات قرار دادن	Legal Adviser; Solicitor	مشاور حقوقی
Barred by Statute	مشمول مرور زمان	Investment Adviser;	مشاور سرمایه گذاری
		Investment Counsellor	

Indirect Consumption	مصرف غیرمستقیم	Advise	مشورت تجاری کردن
Unproductive Consumption	مصرف غیرمولد	Advise	مشورت کردن
Personal Consumption	مصرف فردی	Tax Incentive	مشوق مالیاتی
Over-all Consumption	مصرف کل		وضع مالیات با هدف انگیزش افراد و بنگاهها به
Consumer	مصرف کننده		فعالتهای اقتصادی بیشتر.
	هر عامل اقتصادی که کالاها و خدمات قطعی پایانی	Confiscation	مصادره
	را سرانجام مورد استفاده قرار دهد.		سلب اجباری مالکیت است.
End Consumer; Ultimate Consumer	مصرف کننده پایانی	Distrain for Taxes	مصادره در قبال مالیات
	واپسین مصرف کننده است.	Compensatory Spending	مصارف جبرانی
Ultimate Consumer	مصرف کننده غایی	Nonstandard Material	مصالح غیرنمونه
End Consumer	مصرف کننده قطعی	Accord and Satisfaction;	مصالحه
Free Rider	مصرف کننده مختار	Compromise; Conciliation	
Private Consumption (Short-term)	مصرف (کوتاه مدت) خصوصی	Consumption	مصرف
Transitory Consumption	مصرف گذرا		کل مخارجی که طی دوره معین و کوتاه (معمولاً
Consumerism	مصرف گرایی		کمتر از یک سال) صرف کالاها و خدمات می شود
Revenue Expenditure	مصرف محض		و نیز فراگرد مادی و واقعی استفاده از یک کالا یا
Permanent Consumption	مصرف مستمر		خدمت است.
	متوسط میزان مصرفی که فرد یا خانوار برای چند	Optional Consumption	مصرف اختیاری
	سال آینده خود در نظر می گیرد.	Conspicuous Consumption	مصرف افراطی
National Consumption	مصرف ملی	Induced Consumption	مصرف القاوی
	مصرف کل اقتصاد است.		مصرفی که بر اثر تشکیل سرمایه ایجاد شده است.
Underconsumption (Overproduction)	مصرف ناپسند	Conspicuous Consumption	مصرف پرجاذبه
	یا مصرف نامکفی، تولید کالا بیش از میزان تقاضای	Conspicuous Consumption	مصرف تجملی
	مصرف کنندگان است.	Consumptive Use	مصرف حقیقی
Transitory Consumption	مصرف ناپایدار	Home Consumption	مصرف داخلی
Underconsumption (Overproduction)	مصرف نامکفی	Permanent Consumption	مصرف دائمی
	همان مصرف ناپسند است.	Government Consumption	مصرف دولت
Conspicuous Consumption	مصرف نمایی	Capital Consumption	مصرف سرمایه
	مصرف کالا با هدف خودنمایی و تأثیر در دیگران.	Personal Consumption	مصرف شخصی
		Consumable; Disposable	مصرف شدنی
		Unproductive Consumption	مصرف غیر تولیدی
		Non-rival Consumption	مصرف غیررقابتی

Ownership Claims	مطالبات ناشی از مالکیت	Consumable	مصرفی
Fundamental	مطالب اساسی اقتصادی	Cash Drain	مصرف و خرج نقدی
Economic Questions		Opportunism	مصلحت بینی
Treasury Call	مطالبه خزانه	Public Interest	مصلحت عمومی
Trover	مطالبه خسارت	Hand-made	مصنوع دستی
Exigible	مطالبه کردنی	Hedge Against	مصونیت در برابر تورم
First Call	مطالبه نوبت اول	Inflation	
Calling Loan	مطالبه وام پیش از سررسید	Acting Partner	مضاربه
Deliberation	مطالعات قبلی		یکی از عقود اسلامی است که به موجب آن شخص مالی را در اختیار دیگری می‌گذارد تا به تجارت پردازد و سود حاصله را مطابق قرارداد به شرکت و به نسبتی معین میان خود تقسیم کنند.
Business Study	مطالعه اقتصاد و مدیریت	Share Cropping	مضارعه
Income and Expenditure Approach	مطالعه در باب مخارج و درآمد		یا سهم کاری همان مزارعه است.
Business Case Study	مطالعه مسائل تجاری	Pecuniary Difficulties	مضیقتهای مالی
Deliberation	مطالعه موارد ممکنه پیش از موعد	Credit Crunch; Credit Tightness	مضیقته اعتباری
Disclosure	مطلب افشا شده		
Coin Blank	مُطَسَّس	Tight Money	مضیقته پولی
	سکه بدون نقش که در اقلام داراییهای بانک مرکزی می‌آید.	Up-to Date	مطابق روز
To Be in Demand	مطلوب بودن	Receivable(s)	مطالبات
Ophelimity; Utility	مطلوبیت	Checking	مطالبات از بانکها به صورت سپرده
	یا فایده، قابلیت یک کالا یا خدمت در برآوردن خواستههای انسان است.	Deposit Claims	حساب جاری
Final Utility	مطلوبیت پایانی	Deposit Claims	مطالبات به صورت سپرده
Ordinal Utility	مطلوبیت ترتیبی	Foreign	مطالبات به صورت سپرده در خارج
Possession Utility	مطلوبیت تصرف	Deposit Claims	
Possession Utility	مطلوبیت تملک	Portal Claims	مطالبات خارج از زمان کار
Place Utility	مطلوبیت جا	Income-yielding Claims	مطالبات درآمد دار
Service Utility	مطلوبیت خدمت	Debt Claims	مطالبات دین
Personal Service	مطلوبیت خدمت شخصی	Deposit Claims	مطالبات سپرده‌ای
Utility		Nonmonetary Claims	مطالبات غیر پولی
Ordinal Utility	مطلوبیت رتبه‌پذیر	Uncollectable Receivables	مطالبات لاوصول
	یا مطلوبیت ترتیبی، برداشتی از مفهوم مطلوبیت است که بر درجه و رتبه‌بندی آن دارد و برخلاف	Financial Claims	مطالبات مالی
		Doubtfull Account	مطالبات مشکوک الوصول

مفهوم مارشالی قابل به سنجش کلی مطلوبیت نیست.	Time Utility	مطلوبیت زمانی
موجود در یک دسته از کالا را برحسب واحدی	Form Utility	مطلوبیت شکل
موسوم به یوتیل می‌سند و دیگری صرفاً به	Cardinal Utility	مطلوبیت عددی
فواصل میان مطلوبیت اشاره دارد.	Pragmatic Utility	مطلوبیت عملی
Time Utility	Cardinal Utility	مطلوبیت قابل شمارش
همان مطلوبیت زمان است.	Total Utility	مطلوبیت کل
Marking; Price Current; Quotation; Rate	Utilitarianism	مطلوبیت گرای
مظنه		بیشترین خوشبختی برای بیشترین افراد.
قیمت کالا در بازار.	Ownership Utility	مطلوبیت مالکیت
Foreign-exchange Rate; On Change Table	Place Utility	مطلوبیت مکان
مظنه ارز	Place Utility	مطلوبیت مکانی
Short Prices	Diminishing Utility	مطلوبیت نزولی
مظنه پایین	Final Utility; Marginal	مطلوبیت نهایی
Quote	Desirability; Marginal Significance;	
مظنه دادن	Marginal Utility	
Quotation in the List		افزایش کل مطلوبیت بر اثر مصرف یک واحد
مظنه در فهرست		اضافی.
Sight Quotation	Marginal Utility of Money	مطلوبیت نهایی پول
مظنه دیداری		افزایش کل مطلوبیت بر اثر افزایش یک واحد در
Quoted List		میزان پول شخص.
مظنه رسمی		مطلوبیت نهایی درآمد
Quoted	Income	
مظنه شده (بورس)	Marginal Utility of Product	مطلوبیت نهایی محصول
Street Price	Diminishing Marginal Utility	مطلوبیت نهایی نزولی
مظنه غیررسمی		مطلوبیت وابسته
Price Quotation	Interdependent Utility	مطلوبیت یک فرد تحت تأثیر مقادیر کالاها و
مظنه قیمت		خدمات مصرفی دیگر افراد.
Freight Quotation	Cardinal Utility	مطلوبیت واحدپذیر
مظنه کرایه بار کشتی		این اصطلاح به دو معنا آمده است، یکی مطلوبیت
Marking Clerk		
مظنه گذار		
Marking; Quot		
مظنه گذاری		
نشانه اختصاری Quotation است.		
Quotable		
مظنه گذاری (بورس)		
Wide Quotation		
مظنه گذاری بسیار متفاوت		
Marking of Bargains		
مظنه گذاری معاملات		
Ex-warehouse		
مظنه گویی قیمت کالا بدون کلیه		
هزینه‌های تحویل		
Not Classed; Unquoted		
مظنه نشده		
Simultaneous		
معادلات چندمجهولی		
Equations		
معادل پولی		
Money Equivalent		
معادل سرمایه یک پرداخت سالانه		
Capital Value		
معادل مالیاتی		
Tax Equivalent		

Multiplicative Predicting Equation	معادله ضربی پیش‌بینی‌کننده	Fundamental Accounting Equation	معادله اساسی حسابداری
Multiplicative Predicting Equation	معادله ضربی پیشگوی	Slutsky Equation	معادله اسلاتسکی
Cash Balance Equation	معادله مانده نقد	Additive Predicting Equation	معادله‌ای در اقتصادسنجی که بر محاسبه تقاضا مبتنی است.
Cambridge Equation	معادله مانده نقدی	Additive Predicting Equation	معادله پیش‌بینی جمع‌پذیر
Equation of Exchange	معادله مبادله	Additive Predicting Equation	معادله پیشگوی جمع‌پذیر
Restraint Equation	معادله محدودیت	Balance Sheet Equation	معادله ترازنامه
Quantity Equation	معادله مقداری	Definitional Equation	معادله تعریفی
Quantity Equation of Exchange	معادله مقداری مبادله	Difference Equation	معادله تفاضلی
Final Equation	معادله نهایی	Equation of International Demand	معادله تقاضای بین‌المللی
Subsistence	معاش	International Demand	در محدوده قانون هزینه نسبی نقطه مبادله به تقاضای متقابل هر کشور برای کالاهای کشور دیگر بستگی دارد و این «معادله تقاضای بین‌المللی» تعیین‌کننده تعادل رابطه مبادله است که ضمناً خود نیز تابعی است از کشش تقاضا و عرضه کالاهای مورد مبادله.
Post Free	معاف از تمبر پستی	Expenditure Equation	معادله خرج
Free from Particular Average	معاف از جبران خسارت جزئی	Transactions Equation	معادله دادوستد
Duty Free; Free of Duty	معاف از حقوق گمرکی	Income Equation	معادله درآمد
Free of Particular Average (F.P.A.)	معاف از خسارت خاص همان معاف از خسارت جزئی است.	Income and Expenditure Equation	معادله درآمد و مخارج
Tax Exempt; Tax Free	معاف از مالیات	Behavioural Equation	معادله رفتاری
Free of Income Tax	معاف از مالیات بر درآمد		رابطه ریاضی مشخص در الگوی اقتصادی یا اقتصادسنجی که واکنش فرد یا گروه را در برابر انگیزه‌های اقتصادی نشان می‌دهد.
Franco	معاف از هزینه (حمل کالا)	Structural Equation	معادله ساختاری
Exemption; Exoneration	معافیت		
Liberation	معافیت از تعهد و الزام		
Tax Exemption	معافیت از مالیات		
	بخشودگی برخی از انواع خاص درآمد یا میزان معینی درآمد از پرداخت مالیات.		
Purchase Tax Relief	معافیت از مالیات خرید		
Tax Allowance; Tax Remission	معافیت مالیاتی		
Charter	معافیت مخصوص		

Autonomous Transactions	معاملات مستقل	Tax Holiday	معافیت موقت مالیاتی
	معاملاتی است که بنگاهها برای کسب درآمد و سود و اشخاص برای افزایش مطلوبیت انجام می‌دهند.	Marginal Relief	معافیت نهایی
Hot Money	معاملات مشکوک پولی	Board of Trade (Chicago)	معاملات
No Dealings (Stock or either Exch)	معاملاتی نیست	Dealings	
		Arm's-length	معاملات آزاد
Credit Transactions	معاملات نسیه	Agiotage	معاملات احتکاری بروات
Deal; Trading; Traffic;	معامله	Option Dealings	معاملات اختیاری
Transaction; Treatment		Foreign Exchange	معاملات ارزی
Open Trade	معامله آزاد	Transaction	
At the Market	معامله آنی در بازار	Forward Dealings	معاملات ارزی به وعده
Option Dealing	معامله اختیاری	Arm's-length	معاملات آزاد
Exchange Arbitrage	معامله ارزی به سود همان معامله به سود ارزی است.	Option Dealings	معاملات انتخابی
		Security	معاملات اوراق بهادار و اندوخته‌ها
Exclusive Dealing	معامله استثنایی	Transaction and Reserves	
Credit Transaction	معامله استمهالی	Hedge	معاملات تأمینی
Arbitrage	معامله اسعار در مراکز مالی		مترادف با معامله زیان‌گیر است.
Sw-up Credit Deal	معامله اعتبار معاوضه‌ای	Enterprise	معاملات تجاری
Over-trading	معامله افراطی	Accommodating	معاملات تطبیقی
Business Done	معامله انجام شده	Transactions	
Stock Arbitrage	معامله اوراق بهادار در بورسهای مختلف	Bogus Transactions	معاملات تقلبی
Stock Exchange "Bargain"	معامله بورس		نوعی معامله بین‌المللی است که به منظور جبران بدهی یا طلب ناشی از معاملات مستقل انجام می‌گیرد.
Indirect Arbitrage	معامله بورس میان دو مرکز	Odd Lot	معاملات خرده (بورس)
Bull Transaction	معامله به امید ترقی (قیمت سهام)	Matched	معاملات خرید و فروش همسان
		Sale-purchase Transactions	
Trading on the Equity	معامله به انصاف	Internal Transactions	معاملات داخلی
Arbitrage; Direct	معامله به سود ارزی	Official Transactions	معاملات رسمی
Arbitrage		Forward Purchasing Sales;	معاملات سلف
Arbitration of Exchange	معامله به سود اسعار همان معامله به سود ارزی است.	Futures	
Reverse Arbitrage	معامله به سود وارونه		پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین.
Trading on the Equity	معامله به عدالت	Swap Operations	معاملات متقابل

Export Trade	معامله صادرات	Fraudulent	معامله به قصد فرار از بدهی
Wash Transaction	معامله صوری	Conveyance	
Even Lot; Round Lot	معامله عادی	Reciprocratation; Reciprocity	معامله به مثل
Block Trading	معامله عمده	Reciprocate	معامله به مثل کردن
Closed Trade	معامله غیر آزاد	Forward Dealing	معامله به وعده
Tally Trade	معامله قسطی	Unlisted Trading	معامله بیرون از صورت بورس
Forfeiting	معامله قطعی	Straight Dealing	معامله بی غل و غش
Business Transaction	معامله کار و کسب	Gainful Undertaking	معامله پر سود
Complete Transaction	معامله کامل	Business Transaction	معامله تجاری
Deal	معامله کردن	Secured Transaction	معامله تضمینی
Package Deal	معامله کلی		نوعی کمک متقابل ارزی میان کشورهاست.
Dealer in Debt	معامله کننده بدهی	Swap	معامله تعویض ارز
Short-term Transaction	معامله کوتاه مدت	Fraudulent	معامله تقلبی به قصد فریبکاری
Borgainer; Negotiator;	معامله گر	Conveyance	
Speculator		Swap	معامله جایگزینی ارزها
Arbitragist	معامله گر به سود		همان معامله تعویض ارز است.
Bear Operator	معامله گر پیش فروش کننده	Forfeiting	معامله چکی
Second-hand Dealer	معامله گر دست دوم	Margin Trading	معامله در حاشیه قیمت
Dealer in Debt	معامله گر مدیون	Job Lot; Package Deal	معامله درهم
Job Lot	معامله مقاطعه ای	Counter Purchase	معامله دوجانبه
Closed Trade	معامله مقید	Straight Dealing	معامله روراست
Fair Trade	معامله منصفانه	Trading on the	معامله روی ارزش خالص دارایی
Strike a Bargain	معامله مورد توافق	Equity	
Futures, Dealing in	معامله ناظر به آینده	Bargain	معامله روی اوراق قرضه و سهام
Credit Transaction	معامله نسبه	Hedging	معامله زیان گیر
Spot Delivery; Spot Trading	معامله نقد		همان معاملات تأمینی است و اقدام فروشنده یا
Half a Bar	معامله نیم میلیون لیره ای		خریدار برای حفظ درآمد خود در برابر افزایش
Credit Transaction	معامله وعده ای		قیمتهای آینده.
Package Deal	معامله یک قلم	Fraudulent Conveyance	معامله ساختگی
Barter System; Trade-off	معاوضه	Capital Transaction	معامله سرمایه
Swap	معاوضه ارزی	Forward Contract; Time	معامله سلف
Truck	معاوضه کالا و کالا	Bargain	
Trade-off	معاوضه کردن کالا	Forward Exchange	معامله سلف ارز

Personalization of Cheque	معرفی صاحب چک	Commercial Treaty	معاهده بازرگانی
Pioneering Stages	معرفی کالا	Reinsurance Treaty	معاهده بیمه اتکایی
Introduction	معرفی نشر جدید	Commercial Treaty	معاهده تجاری
Rationality	مقولیت	Lomé Convention	معاهده لومه
Back Casting	معکوس پیش‌بینی		معاهده‌ایست میان جامعه اقتصادی اروپا، کشورهای افریقایی، دریای کارائیب و اقیانوس آرام که به موجب آن صدور همه کالاهای صنعتی و بیشتر فرآورده‌های کشاورزی این کشورها به جامعه اقتصادی اروپا از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی بخشوده شد. همچنین با کمکهای مالی و فنی به این کشورها موافقت گردید.
Economic Paradoxes	معماهای اقتصادی	Examination	معاینه
Paradox of Value	معمای ارزش	Accredited; Valid	معتبر
Unemployment -inflation Dilemma	معمای بیکاری - تورم	Soundness of Financial Institutions	معتبر بودن مؤسسات مالی
Consumption Function	معمای تابع مصرف	Good Until Cancelled	معتبر تا اطلاع ثانوی
Puzzle		G.U.C.	معتبر تا اطلاع ثانوی
Invisible Hand Paradox	معمای دست نامرئی	Good Until Cancelled	معتبر جز در صورت لغو
Growth-stock Paradox	معمای سهام رشد	Fiduciary	معمد
Significance	معنا	Mean	معدل
Significant	معنادار	Progressive Average	معدل تصاعدی
Significance of Difference	معنادار بودن اختلاف	Arithmetic Mean	معدل حسابی
Statistical Significance	معنای آماری	Common Average	معدل ساده
Criterion; Norma; Standard	معیار	Weighted Average	معدل سنجیده
Measure of Value; Standard of Value	معیار ارزش	Averager	معدل گیر (بورس)
A Standard Money of Value	معیار ارزش پول	Dollar Cost Averaging	معدل گیری ارزش دلاری
Capitalized-value Standard	معیار ارزش تبدیل به سرمایه	Dollar Averaging	معدل گیری دلار
Capitalized-value Standard; Earning-capacity Standard	معیار ارزش سرمایه‌ای	Moving Average	معدل متحرک
	معیار سرمایه گذاری اولیه در کشورهای رو به توسعه و عبارت است از گزینش طرحها برحسب نسبت افزوده‌های سرمایه به تولید و به طرحی اولویت داده می‌شود که در آن این نسبت پایین‌ترین است.	Weighted Average	معدل یا متوسط ضریب دار
		Trade Reference	معرف بازرگان نزد عمده‌فروش
		Banker's Reference	معرف بانکدار
		Stock Exchange Introduction	معرفی به بورس

General Standards	معیارهای عمومی	Standard of Deferred Payment	معیار پرداخت بدهیها در آینده
Technical Standards	معیارهای فنی	Standard of Deferred Payment	معیار پرداخت معوقه
Measures of Central Tendency	معیارهای گرایش مرکزی	Standard of Deferred Payment	معیار پرداختهای انتقالی
Parallel Standards	معیارهای مشابه	Standard for Deferred Payments	معیار پرداختهای مؤخر
Cost Standard	معیار هزینه	Tabular Standard of Value	معیار تعدیل پذیر ارزش
Original-cost Standard	معیار هزینه اصلی	Standard of Reporting	معیار تنظیم گزارش حسابرسی
Original-cost Standard	معیار هزینه اولیه	Commodity Standard	معیار جنسی
در اصطلاح ارزیابی داراییهای سرمایه‌ای یک شرکت آن بخش از این گونه داراییهاست که براساس پرداخت سهامداران و دارندگان قرضه به هنگام تأسیس معین می‌شود.		Auditing Standard	معیار حسابرسی
Replacement Cost Standard	معیار هزینه تعویض	Rating Scale	معیار رتبه‌بندی
در ارزیابی داراییهای سرمایه‌ای یک شرکت این هزینه تعویض ملاک قرار می‌گیرد.		Measure of Economic Welfare	معیار رفاه اقتصادی
Reproduction-cost Standard	معیار هزینه تولید مجدد	Time Standard	معیار زمانی
در ارزیابی داراییهای سرمایه‌ای یک شرکت این هزینه تولید مجدد ملاک عمل قرار می‌گیرد.		Standard of Living	معیار زندگی
Prudent -investment-cost Standard	معیار هزینه سرمایه‌گذاری احتیاطی	Earning-capacity Standard	معیار ظرفیت درآمدی
در ارزیابی داراییهای سرمایه‌ای یک شرکت هزینه ابتدایی این داراییهاست منهای آن بخش از هزینه مبتنی بر اسراف یا بی احتیاطی.		Indirect Standard	معیار غیرمستقیم
Standardization	معیاری کردن	Tabular Standard of Value	معیار فهرستی ارزش
Subsistence	معیشت	Pessimism Criterion	معیار قبولی
Market Overt; Shop	مغازه	Labour Standard	معیار کار
Emporium; Store	مغازه بزرگ	Pace Setter	معیارگذار
Retailing	مغازه‌دار	Complete Commodity Standard	معیار مرکب کالا
Company Store	مغازه شرکت	Hiring Standards	معیارهای استخدام
Spout	مغازه کالای رهنی	Strike Measures	معیارهای اعتصاب
Tied Shop	مغازه محدود	Standard of Field Work	معیارهای رسیدگی به حساب

Reconcile	مقابلہ در حسابها	Closed Shop	مغازه یا کارخانه محدود
Reciprocity	مقابلہ به مثل	Off Type	مغایر با نوع عادی و معمولی
Hedge Against Inflation	مقابلہ تأمین با تورم	Economic Conflict	مغایرت اقتصادی
Amount to Be Made Good	مقادیر بستانکار	Price Variance	مغایرت قیمت
Contract	مقاطعہ	Efficiency Variance	مغایرت کار آیی
Contractor; Middleman	مقاطعہ کار	Terms of the Policy	مفاد بیمه نامه
Advertising	مقاطعہ کار آگهی تبلیغ تجاری	Marginal Significance	مفاد نهایی
Contracter		Quittance	مفاصا
Wagon Jobber	مقاطعہ کار بارکش دار	Account Settled; Broker's Account	مفاصا حساب
Middleman	مقاطعہ کار تاجر	Benefits and Sacrifice Notions	مفاهیم بهای خدمات و اصل فداکاری
Sub-contractor	مقاطعہ کار جزء	Benefits and Sacrifice Notions	مفاهیم مزایا و فداکاری
Independent Contractor	مقاطعہ کار مستقل	Gratuitous	مفت
Contract-work; Piece Work	مقاطعہ کاری	Loop-hole	مَفْرَز
An Essay on the Principle of Population	مقاله‌ای درباره اصول جمعیت	Window	مفَر مالی
	عنوان کتاب رابرت مالتوس است.	Tax Loophole	مفر مالیاتی
Monetary Authorities	مقامات پولی		روزنه‌ای برای اجتناب از پرداخت مالیات.
Authority	مقام صاحب اختیار	Land Held in Severality	مفروز
Authority	مقام مسنول	Lame Duck	مفلس
Fair Comparison	مقایسه مناسب	Marketing Concept	مفهوم بازاریابی
Fair Comparison	مقایسه منطقی	Parity Concept	مفهوم برابری
International Comparisons Utility	مقایسه‌های بین‌المللی فایده	Veil-of-money Concept	مفهوم پول به‌عنوان حایل
International Comparisons Utility	مقایسه‌های بین‌المللی مطلوبیت	Continuity Concept (to Accounting)	مفهوم تداوم
Coercive Comparisons	مقایسه‌های قهری	Veil-of-money Concept	مفهوم حجاب پولی
Quantity; Quantum	مقدار	Materialistic Concept of History	مفهوم مادی‌گرایی تاریخ
Economic Order	مقدار اقتصادی سفارش	Materialistic Concept of History	مفهوم مادی‌گری تاریخ
Quantity		Rate of Return Concept	مفهوم نسبت بازده
Amount of Information	مقدار آگاهی		
Optimum Order	مقدار بهینه سفارش		
Quantity			

Provisions; Regulations	مقررات	Quantity Equilibrium	مقدار تعادل
Social Regulations	مقررات اجتماعی		مقدار کالایی که در حالت تعادل در بازار خرید و فروش می‌شود.
Officialism	مقررات اداری	Quantity of Money	مقدار پول
Legal Reserve	مقررات اندوخته قانونی	Poundage	مقدار پول بر حسب لیره (پوند)
Requirements		Optimum Output	مقدار تولید بهینه
Institute	مقررات بیمهٔ باربری (تمام خطر)	Full Employment	مقدار تولید در اشتغال کامل
Cargo Clauses (all risks)		Output	
Sumptuary	مقررات تجدید هزینه	Responsive Output	مقدار تولید قابل انعطاف
Loss-offsetting	مقررات جبران زیان	Gross and Net	مقدار تولید ناخالص و خالص
Provisions		Output	
Controls	مقررات حاکم	Loss Constant	مقدار ثابت زیان
Red Tape	مقررات دست و پاگیر	Quantity Received	مقدار دریافتی
Export-import	مقررات صادرات - واردات	Quantity Received	مقدار رسیده
Regulations			همان مقدار دریافتی است.
	مجموعهٔ مقررات یکساله‌ای که در محدودهٔ سیاست اقتصادی دولت و برای تعیین کالاهای تجاری که صدور و ورود آنها مجاز، مجاز مشروط، غیرمجاز و ممنوع است تنظیم می‌شوند.	Economic Batch	مقدار زیاد اقتصادی
General Provisions	مقررات عمومی	Quantity	
Provisions of the Law	مقررات قانونی	Impairment (of Capital)	مقدار زیان (سرمايه)
Insurance Regulations	مقررات قانون بیمه	Stationary Value	مقدار ساکن
Miscellaneous Provisions	مقررات متفرقه	Economic Order	مقدار سفارش اقتصادی
Controls	مقررات محدودکننده	Quantity	
Allowance	مقرری	Impairment (of Capital)	مقدار کاستی سرمايه
Deferred Annuity	مقرری آتی	Shade Prices	مقدار کمی از قیمت کاستن
Reversionary Annuity	مقرری استردادی	Open to	مقدار مجاز خرید (در خرده فروشی)
Tontime Annuity	مقرری بازماندگان	Buy	
Sine Cure	مقرری بی‌مسئولیت	Extreme	مقدار منتهایی (حداکثر یا حداقل)
Unemployment Benefit	مقرری بیکاری	Value	
	پرداختی است که برای مدت معین به افراد بیکار تعلق می‌گیرد.	Impairment (of Capital)	مقدار نقصان (سرمايه)
Cash Refund Annuity	مقرری پس‌دهی نقد	Workout Loan	مقدار وام تعیین شده
Perpetuity	مقرری دایمی	Quantitative	مقدار
		Prior	مقدم
		Prepare	مقدمات کاری را فراهم آوردن

Equivalent Income Scale	مقیاس درآمد برابر	Annuity; Yearly Allowance	مقرری سالانه
	یک نرخ یا عامل «وزنی» که در ارزیابی سطوح درآمدی که در شرایط مختلف لازمه و مشخصه «پایه معیاری زندگی» خانوارهاست به کار گرفته می‌شود.	Apportionable Annuity	مقرری سالانه قابل تخصیص
Equivalent Income Scale	مقیاس درآمد هم‌ارز	Ground Annuity	مقرری سالانه گروهی
Ranking Scale	مقیاس درجه‌بندی	Life Annuity	مقرری سالانه مادام‌العمر
Scale of Preference	مقیاس رجحان	Deferred Annuity	مقرری سالانه معوق
Time Scale	مقیاس زمانی	Perpetuity	مقرری عمری
Natural Scale	مقیاس طبیعی	Temporary Annuity	مقرری غیردائمی
Interval Scale	مقیاس فاصله‌ای	Perpetual Annuity	مقرری مادام‌العمر
Equivalent Commodity Scale	مقیاس کارآیی برابر	Equity Annuity	مقرری متغیر سالانه
Minimum Efficient Scale	مقیاس کمینه کارآی	Annuity	مقرری مستمر
Minimum Efficient Scale	مقیاس کمینه مؤثر	Temporary Annuity	مقرری موقتی
Sliding Scale	مقیاس متحرک	Immediate Annuity	مقرری نقد
Sliding Scale	مقیاس متغیر	Annual Allowances	مقرری‌های سالانه
	همان مقیاس متحرک است.	Cost of Living Allowances	مقرری‌های هزینه زندگی
Common Measure of Value	مقیاس مشترک ارزش	Indebted; Loanee	مقروض
Equivalent Commodity Scale	مقیاس مصرف هم‌ارز	Economical	مقرون به صرفه
Equivalence Scale	مقیاس معادل	Stand at a Premium	مقرون به صرفه بودن
Rate Scale	مقیاس نرخ	Turn to Advance	مقرون به صرفه کردن
Rating Scale	مقیاس نرخ‌گذاری	Named Destination	مقصد مشخص
Ratio Scale	مقیاس نسبی	Cross-Section	مقطعی
Preference Scales	مقیاس‌های ارجحیت	Appraiser; Estimator; Revenue Officer; Valuer	مقوم
Preference Scales	مقیاس‌های رجحانی	Tax Assessor	مقوم مالیات
Equivalence Scale	مقیاس هم‌ارزی	Scale	مقیاس
	یک نرخ یا عامل «وزنی» است که در ارزیابی سطوح درآمد یا مصرفی که در شرایط مختلف لازمه و مشخصه «پایه معیاری زندگی» خانوارهاست به کار گرفته می‌شود.	Social Ladder	مقیاس اجتماعی
		Rating Scale	مقیاس ارزیابی
		Nominal Scale	مقیاس اسمی
		Scale of Measurement	مقیاس اندازه‌گیری
		Equivalence Scale	مقیاس برابری
		Ordinal Scale	مقیاس ترتیبی
		Scale of Production	مقیاس تولید

Neoliberalism	مکتب آزادی‌گرایی نو	Resident	مقیم
	پیروان این مکتب دخالت دولت را در صورت امکان تا اندازه‌ای می‌پذیرند.	Market Place	مکان بازار
Austrian School	مکتب اتریش	Planned Location Of Industry	مکان‌یابی برنامه‌ای صنعت
	این مکتب نظریه ذهنی ارزش مبتنی بر مطلوبیت نهایی را در برابر نظریه تولید (به ویژه نظریه ارزش کار) ارائه داد.		تعیین مکان نصب و استقرار صنعت برطبق برنامه است.
Liberal School	مکتب اصالت آزادی اقتصادی	Location of Industry	مکان‌یابی صنعت
Monetarism	مکتب اصالت پول	Payment Mechanism	مکانیسم پرداختها
	یا پول‌گرایی، تغییرات در سطح درآمد پولی کلی را اساساً ناشی از تغییرات قبلی در ذخیره پول می‌داند.	Price-level	مکانیسم تعدیل سطح قیمت
Individualist School	مکتب اصالت فرد	Adjustment Mechanism	
Optimist School of Economics	مکتب اقتصاد خوش بین	Specie Flow Mechanism	مکانیسم جریان طلا
	پیروان این مکتب بهره‌مالکانه را به منزله پاداش سرمایه‌داری می‌دانند که قبلاً سرمایه‌گذاری کرده است و نظریه جمعیتی مالتوس را نمی‌پذیرند.		یکی از وسایل تسویه که بر پایه نظریه سنتی پایه طلا کسری یا مازاد تراز پرداختها را با نقل و انتقال طلا از میان می‌برد.
Cambridge School of Economics	مکتب اقتصاد کیمبریج	Specie Flow Mechanism	مکانیسم جریان مسکوک
	این مکتب الگوی اقتصاد را دربرگیرنده مفروضات تاریخی، جامعه‌شناختی، واقعیات و نیز اقتصاد محض می‌داند.	Price Mechanism	مکانیسم قیمت
Keynesian Economics	مکتب اقتصادی کینز	Price	مکانیسم قیمت جریان مسکوک
	مضمون اصلی اقتصاد کینز، تحلیل علل و نتایج تغییرات در مخارج کل و درآمد کل است.	Specie-flow Mechanism	
Organic School	مکتب اندامی	Price Specie Mechanism	مکانیسم قیمت مسکوک
Commercial Banking School	مکتب بانکداری بازرگانی	Exchange Mechanism	مکانیسم مبادله
	اقتصاددانان این مکتب معتقدند که بانکها در سیاست وام دادن باید توجه مخصوص به اصول بانکداری نقدینه و اندوخته بسنده داشته باشند.	Market Mechanism; Mechanisms of The Marketplace	مکانیسمهای بازار
			عرضه، تقاضا و قیمت مکانیسمهای بازار را تشکیل می‌دهند.
		Liberal School	مکتب آزادی‌گرا
		Economic Liberalism	مکتب آزادی اقتصادی
		Reform Liberalism	مکتب آزادی‌گرایی اصلاحاتی
		Twentieth-century Liberalism	مکتب آزادی‌گرایی قرن بیستم

را در اقتصاد متشکل از واحدهای کوچک را می‌پذیرد.	Banking School	مکتب بانکی	از دید این مکتب، لازم است پول مختلط (اسکناس و سپرده‌های دیداری) گسترش یابد و در انطباق با نیازهای تجاری قرار گیرد.
Neo-malthusianism	مکتب جدید بدینی	Orthodox School	مکتب بنیادگرایی
این مکتب بجای محدودیت ابعاد خانواده محدودیت معنوی یعنی تأخیر در ازدواج را می‌پذیرد.	Orthodox School	مکتب جزمی	یا مکتب جزمی، طرفدار آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی و اصالت فرد است.
Protectionism	مکتب حمایت اقتصادی	Monetarism	مکتب پول‌گرایی
یا حمایت‌گرایی، دفاع و حمایت از صنایع نوپای کشور.	Protectionism	Currency School; Monetary School	مکتب پولی
Protectionism	مکتب حمایت بازرگانی		این مکتب از عرضه تنظیم شده پول حمایت می‌کند و تغییرات آن را صرفاً به صورت پول فلزی مجاز می‌داند، به طوری که این تغییرات در برابر خروج یا ورود طلا واکنش نشان می‌دهد.
همان مکتب حمایت اقتصادی است.	Optimist	International Monetarism	مکتب پولی بین‌المللی
Optimist	مکتب خوش‌بینان	Historical School; Historicism	مکتب تاریخی
Hedonism	مکتب رفاه‌طلبی		بررسی این مکتب بر پایه استقرایی صورت می‌گرفت. این مکتب بر نسبی بودن تاریخی سیاست و آموزه‌های سازمان اقتصادی تأکید می‌گذاشت. از دید پیروان این مکتب بررسی تاریخی در هر مطالعه خردگرای اقتصادی اهمیت بسزایی دارد.
Psychological School	مکتب روانشناختی	Egalitarianism	مکتب تساوی‌طلبی
Psychological School	مکتب روانشناسی		ایمان به تساوی درآمدها و اعتقاد به این اندیشه که نابرابری درآمدها هر قدر ممکن است کمتر و موافق با ترقی و بهزیستی اقتصادی باشد.
Psychological School	مکتب روانی	Solidarism	مکتب تعاونی
Mathematical School	مکتب ریاضی		مکتب تعاونی فرانسه که معتقدات برای بهبود وضع اجتماعی افراد باید باهم تعاون داشته باشند.
Organic School	مکتب سازمانی	Neoliberalism	مکتب جدید اصالت آزادی
Mercantilism	مکتب سوداگری		یا مکتب آزادی‌گرایی نو، به طور کلی دخالت دولت
Chicago School	مکتب شیکاگو		
مکتب نوآزادی‌گرا با این باور که رقابت و بازار آزاد به منزله وسیله تخصیص منابع در یک نظام اقتصادی است اما درباره چارچوب نهادی لازم برای دستیابی به هدفهای موردنظر میان اقتصاددانان این مکتب اتفاق آراء وجود ندارد. فریدمن به صراحت ابراز عقیده کرده که از راه تحلیل عرضه پول بهتر از دیگر متغیرها می‌توان کارکرد یک نظام اقتصادی را توضیح داد.	Industrial School	مکتب صنعتی	
Industrial School	مکتب فایده‌نهایی		
Marginal Utility School	مکتب فربودگرایی		
Orthodox School	مکتب فردگرایی		
Individualist School	مکتب فردگرایی		

Marginal Utility School	مکتب مطلوبیت نهایی	Industrial School	مکتب فنی
Manchester School	مکتب منچستر	Classical School	مکتب کلاسیک
Veblenian School	مکتب وبلن	Neoclassical School	مکتب کلاسیک جدید
Criteria; Landlord; «Latifundist» Nation	ملاک ملت	Cambridge School; Neoclassical School	مکتب کیمبریج
Debtor Nation	ملت بدهکار		این مکتب تحلیل اقتصادی مکاتب را در نظر گرفت و مفاهیم کلاسیک هزینه واقعی را همچون اساس ارزش، اجازه زمین و نظریه اساسی پول و تجارت خارجی با روش تاریخی پیرامون مطالعه نهادی نیروهای اقتصادی و اندیشه‌های صاحب‌نظران مطلوبیت نهایی درهم آمیخت.
Mature-debtor Nation	ملت بدهکار دارای اقتصاد رسا	Hedonism	مکتب لذت‌گرایی
Immature Debtor Nation	ملت بدهکار کم‌رشد		یا مکتب خوشباشی، بر پایه این اصل است که افراد بشر راه بهبود زندگی خود را از راه لذت‌جویی می‌یابند.
Mature-creditor Country	ملت بستانکار دارای اقتصاد رسا	Lausanne School	مکتب لوزان
Self-sufficient Nation	ملت خودبسنده		این مکتب بر وابستگی درونی اقتصاد بازار تأکید می‌ورزد.
"Nation of Shopkeepers"	ملت دکاندار	Dialectical	مکتب مادی‌گرایی جدلی
Mature-creditor Country	ملت رسیده بستانکار	Materialism	مکتب جدلی اصالت ماده است.
Emerging Nation	ملت رو به نمو	Marshallian School	مکتب مارشال
Creditor Nation	ملت طلبکار		به طور کلی نسبت به مکتب کلاسیک بیشتر تحلیلی است تا تاریخی، و بر جریان قیمت‌گذاری و تحلیل جزئی تأکید می‌ورزد.
Self-sufficient Nation	ملت متکی به خود	Classical School	مکتب متقدم
Underdeveloped Nations	ملتهای توسعه نیافته		همان مکتب کلاسیک است.
Underdeveloped Nations	ملتهای کم توسعه یافته	Egalitarianism	مکتب مساوات
Have-not Nations	ملتهای ندار		همان مکتب تساوی‌طلبی است.
Supplies	ملزومات		
Estate; Property; Propriety; Reality	ملک		
Manor	ملک اربابی		
Freehold	ملک بدون قید و شرط		
Fuuded Property	ملک دارای پشتوانه		
Corporate Property	ملک شرکتی		

Balance Sheet Audit	ممیزی ترازنامه	Absolute Property; Freehold;	ملک طلق
Audit; Auditing	ممیزی حساب	Unencumbered	
Accounting Control	ممیزی حسابداری	Tangible Property	ملک قابل ارزیابی
Ledger Control	ممیزی دفتر کل	Joint Estate; Undivided	ملک مشاع
General Audit	ممیزی عمومی	Property	
Complete Audit	ممیزی کامل	Joint Estate	ملک مشترک
Audit; Survey	ممیزی کردن	Equitable Estate	ملک مطلق
General Audit	ممیزی کل	Intangible Property	ملک غیر ملموس
Cash Audit	ممیزی نقدی	Possessory	ملکی
Inputs; Resources	منابع	Have-not Nations	ملل محروم
همان در داده‌ها یا عناصر و یا عوامل تولیدی است که در یک اقتصاد یا بنگاه برای تولید و توزیع کالاها و خدمات به کار می‌روند.		Nationality	ملیت
Exhausting Resources	منابع از بین رفتنی	Nationalization	ملی کردن
منظور منابع پایان‌پذیر مانند نفت است.		اقدام دولت برای تملک و اداره یک صنعت یا بنگاه اقتصادی متعلق به بخش خصوصی است.	
Primary Inputs	منابع اصلی	Economic Nationalism	ملی‌گرایی اقتصادی
Economic Resources	منابع اقتصادی	Al	ممتاز
Human Resources	منابع انسانی	Forbidden	ممنوع
Bonds Sources	منابع اوراق قرضه	Prohibition	ممنوعیت
Primary Inputs	منابع اولیه	Embargo	ممنوعیت تجاری
Idle Resources	منابع بیکار	Assessor; Auditor; Comptroller;	ممیز
Renewable Resources;	منابع تجدیدشدنی	Controller	
Renewable Sources		General Auditor	ممیز کل
منابعی که به طور جزئی یا کلی به توسط عوامل طبیعی قابلیت تجدید شوندگی را دارند.		Land Waiter	ممیز گمرک
Non-renewable Sources	منابع تجدیدنشدنی	Tax Assessor	ممیز مالیات
تمامی منابع طبیعی که به میزان محدود وجود دارند و دستیابی مجدد بدانها جز از راه بازیابی امکان‌پذیر نیست.		مأمور دولت که مسئول رسیدگی به اظهارنامه مالیاتی و تشخیص و تعیین میزان مالیات قابل دریافت در یک حوزه مالیاتی است.	
Fixed Input	منابع ثابت	Revenue Officier	ممیز مالیاتی
Sources of Income	منابع درآمد	Independent Audit; Independent	ممیز مستقل
Idle Resources	منابع راکد	Auditor	
همان منابع بیکار است.		Assessment; Auditorship;	ممیزی
		Control	
		Post Audit	ممیزی پس از پرداخت (نهایی)

منابع طبیعی	Natural Resources	بی‌اعتباری نگرش اقتصادی نوکلاسیکها راجع به کالاهای یافت شدنی در طبیعت است که از این دید در برابر کالاهایی قرار دارند که همگی در فراگرد تولید ساخته می‌شوند.
Social Benefits	منافع اجتماعی	
Discretionary Profits	منافع اختیاری	
Economic Interests	منافع اقتصادی	منابع عمومی
Super-normal Profits	منافع بالای عادی	منابعی که حق مالکیت خصوصی بر آنها وجود ندارد.
Unrealized Profits	منافع به‌دست‌نیامده	
Super-normal Profits	منافع بیش از عادی	منابع قابل تجدید
	همان منافع بالای عادی است.	همان منابع تجدیدشدنی است.
Gains from Trade	منافع تجارت	منابع کمیاب
Unrealized Profits	منافع تحصیل‌نشده	منابع محدود
Distributed Profits	منافع توزیع شده	منابع نقدی
Retentions; Undistributed Profits	منافع توزیع نشده	منابع نقدینگی بین‌المللی
		International Liquidity
Current Profits	منافع جاری	منابع یابی فروشندگان
Controlling Interests	منافع حاکم	منات ترکمنستان، واحد پول ترکمنستان
Discretionary Profits	منافع در اختیار	TMM
Quick Returns	منافع سریع	منات، واحد پول آذربایجان
Personal Interests	منافع شخصی	Out-crier
Leasehold	منافع عین مستأجره	منادی (در بازار)
Abnormal Profits	منافع غیرعادی	همان جارچی است.
Dividends	منافع قابل تقسیم و مشمول مالیات	مناسبات تولید
Liabli to Income-tax		در اقتصاد مارکسیستی، مبین یافت موقعیتهای ارکان تولید در یک جامعه است.
Solidarity	منافع مشترک	مناسبات کالایی
Unrealized Profits	منافع نامکتسب	توضیح‌دهنده مناسبات تولید سرمایه‌داری است.
Controlling Interest	منافع نظارت‌کننده	مناسک اجتماعی
Factor Payments	منافع و اجاره	مناطق پرجمعیت
Low Tender	مناقصه	مناطق محروم
	خرید کالا یا خدمت از عرضه‌کنندگان که در مقایسه با دیگران مناسب‌ترین شرایط اجرای کار را از حیث قیمت، چگونگی اجرا و مدت و جز اینها پیشنهاد دهد.	مناطق مشمول کمک
Open Bid; Open Tender	مناقصه عمومی	مناظره سرمایه
		مباحثات جاری میان کیمبریج (انگلیس) و مکتب نوکلاسیک یا کلاسیک جدید در دانشگاه M.I.T.
		در کیمبریج ایالات متحد در باب اعتبار یا

Engel Curve	منحنی انکل	Legal Tender	مناقصه قانونی
	این منحنی نشان‌دهنده بستگی میان درآمد شخص و مصرف کالای معین به توسط اوست.	Limited Bid	مناقصه محدود
Total Output Curve	منحنی باز داده کل	Store of Value	منبع ارزش
Marginal Output Curve	منحنی باز داده نهایی	Primitive Source	منبع اصلی
Iso-outlay Curve	منحنی برابری خرج	Energy Source	منبع انرژی
Equal-product Curve; Iso-product Curve	منحنی برابری محصول	Exhaustible Resource	منبع پایان پذیر
Isoquant	منحنی برابری مقدار	Non-renewable Resource	منبع تجدید نشدنی
Iso-cost Curve	منحنی برابری هزینه	Exhaustible Resource	منبع تحلیل رونده
Planning Curve	منحنی برنامه ریزی	Non-renewable Resource	منبع ترمیم ناپذیر
Indifference Curve	منحنی بی تفاوتی	Non-renewable Resource	منبع تمام شدنی
	مکان هندسی ترکیبهای مقادیر دو کالا به گونه‌ای که مصرف‌کننده در گزینش هر ترکیب بی تفاوت باشد.	Non-exhaustible Resource	منبع جان‌شین پذیر
Production Indifference Curve	منحنی بی تفاوتی تولید	Gold Pool	منبع مشترک طلا
Iso-revenue Curve	منحنی بی تفاوتی درآمد	I.O.U.	من به شما بدهکارم
Time Indifference Curve	منحنی بی تفاوتی زمان	Contingent Beneficiary	منتفع احتمالی
		Assignee (of a Debt)	منتقل‌الیه
Iso-utility Curve	منحنی بی تفاوتی مطلوبیت	Liquidate	منحل کردن
Constant Outlay Curve	منحنی پرداخت ثابت	Curve	منحنی
Total Outlay Curve	منحنی پرداخت کل	Probability Curve	منحنی احتمالات
Offer Curve	منحنی پیشنهاد	Normal Probability Curve	منحنی احتمالات عادی
Transformation Curve	منحنی تبدیل		
	همان منحنی امکانات تولید است.	Valuation Curve	منحنی ارزش‌گذاری
Contour Line	منحنی تراز	Mortality Curve	منحنی استهلاک‌پذیری
Demand Curve	منحنی تقاضا	Possibility Curve	منحنی امکان
	این منحنی نشان‌دهنده ارتباط قیمت یک واحد از یک محصول با مقدار محصولی است که مصرف‌کنندگان در آن قیمت مایل به خرید هستند.	Production Possibility Curve	منحنی امکانات تولید
Combined Demand and Supply Curve	منحنی تقاضا و عرضه مرکب		
			این منحنی نشان‌دهنده امکان سرمایه‌گذاری
		Investment	منحنی امکان سرمایه‌گذاری
		Opportunity Curve	منحنی امکان سرمایه‌گذاری
			این منحنی نشان‌دهنده رابطه میان مقادیر پول اختصاصی به مخارج سرمایه‌گذاری و درآمد آتی ناشی از آن است.

Iso-outlay Curve	منحنی خرج مساوی	Combined Demand and Supply Curve	منحنی تقاضا و عرضه مشترک
Operating Characteristic Curve	منحنی خصوصیت عملی	Market Demand Curve	منحنی تقاضای بازار
Total Revenue Curve	منحنی دخل کل	مجموعهٔ یک رشته منحنی‌های تقاضای افراد برای یک کالا است.	
Average Revenue Curve	منحنی دخل متوسط	Compensated Demand Curve	منحنی تقاضای جبران‌شده
Income-consumption Curve	منحنی درآمد - مصرف	Investment Demand Curve	منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری
منحنی تماس منحنی بی تفاوتی با خط بودجهٔ هر فرد نشان‌دهندهٔ تعادل مصرف‌کننده است.		این منحنی تمایل بنگاهها برای گرفتن پول به منظور سرمایه‌گذاری را بازای سطوح مختلف اندازهٔ بهره نشان می‌دهد.	
Iso-revenue Curve	منحنی درآمد یکسان	Factor Demand Curve	منحنی تقاضای عامل
Total Revenue Curve	منحنی دریافتی کل	Market Demand Curve for Labour	منحنی تقاضای کار
Average Revenue Curve	منحنی دریافتی متوسط	Aggregate Demand Curve	منحنی تقاضای کل
Growth Curve	منحنی رشد	منحنی جامعی که نشان می‌دهد در هر سطحی از قیمت‌های عمومی چه میزان از محصول ناخالص ملی مبادله می‌شود.	
Bell-Shaped Curve	منحنی زنگوله‌ای	Discount Curve	منحنی تنزیل
Constant Market Share Demand Curve	منحنی سهم ثابت تقاضای بازار	Power Function of Statistical Test	منحنی توان آزمون آماری
Parabola	منحنی سهمی (یا شلجمی)	Constant Outlay Curve	منحنی تولید ثابت
Kinked Demand Curve	منحنی شکستهٔ تقاضا	Total Output Curve	منحنی تولید کل
منحنی تقاضای یک بنگاه اقتصادی است که به قیمت بازار منکسر یا شکسته (ناپیوسته) می‌شود. این پدیده ناشی از این است که در صنعت شمار اندکی بنگاه اقتصادی وجود دارد اما رهبری قیمت نیست. در چنین بازاری اگر بنگاه اقتصادی قیمت را بالا ببرد دیگران افراد پیروی نمی‌کنند ولی اگر از قیمت بکاهد دیگران تبعیت نمی‌نمایند.		Iso-quant	منحنی تولید برابر
Possibility Curve	منحنی شق امکان‌پذیر	منحنی نشان‌دهندهٔ ترکیب‌های مختلف دو در داده برای تولید مقدار ثابتی از کالای معین است.	
Smooth Curve	منحنی صاف	Marginal Output Curve	منحنی تولید نهایی
Normal Curve	منحنی طبیعی	J Curve	منحنی J
Normal Curve	منحنی عادی	تابع اقتصادی که در آغاز به میزانی نسبتاً اندک تنزل می‌کند و هنگامی که نیروهای دیگر مؤثر می‌شوند بیش از ارزش اولیه افزایش می‌یابد.	
Normal Curve of Distribution	منحنی عادی توزیع	Total Outlay Curve	منحنی خرج کل
Normal Curve of Error	منحنی عادی خطا		

Price-offer Curve	منحنی قیمت - پیشنهاد	Supply Curve	منحنی عرضه
Price-purchase Curve	منحنی قیمت - خرید		این منحنی نشان‌دهنده رابطه میان قیمت و عرضه کالا است.
Price-consumption Curve	منحنی قیمت - مصرف	Backward Bending Supply Curve	منحنی عرضه به پشت خمیده
	نقطه تماس منحنی بی تفاوتی مصرف‌کننده و خط بودجه اوست.	Backward Bending Supply Curve of Labour	منحنی عرضه به پشت خمیده نیروی کار
Laffer Curve	منحنی لافر	Offer Curve	منحنی عرضه داشت
	تجسم نموداری نظریه‌ای دایره به وجود نرخ بهینه مالیات که درآمدهای مالیاتی را پیشینه می‌سازد.	Secular Supply Curve	منحنی عرضه دریا
Lorenz Curve	منحنی لورنز		میزان فعالیت نیروی انسانی است و تغییرات سطح فعالیت نیروی انسانی را در ارتباط با مراحل مختلف توسعه اقتصادی نشان می‌دهد. شکل منحنی S وارونه و کشیده است.
Logistic Curve	منحنی لجستیکی	Secular Supply Curve	منحنی عرضه قرنیه
	معروف به منحنی لوژیستیک، نسخه رشد نسبتاً کندی را نشان می‌دهد سپس به دنبال جهش رشد سریعی پیدا می‌کند و سرانجام مسیر افقی برمی‌گزیند.	Labour Supply Curve	منحنی عرضه کار
Envelope Curve	منحنی محاطی	Aggregate Supply Curve	منحنی عرضه کل
Equal Product Curve; Iso-product Curve	منحنی محصول برابر		منحنی جامع مقدار محصول خالص ملی در وضع ثبات قیمت‌هاست.
Constant Outlay Curve; Constant Product Curve	منحنی محصول ثابت	Reaction Curve	منحنی عکس‌العمل
Iso-product Curve	منحنی محصول مساوی	Indifference Curve	منحنی علی‌السویه
Equal-product Curve; Iso-product Curve	منحنی محصول یکسان	Iso-utility Curve	منحنی فایده یکسان
Iso-product Curve		Learning Curve	منحنی فراگیری
Mortality Curve	منحنی مرگ و میر	Frequency Curve	منحنی فراوانی
Mesokurtic Curve	منحنی مزاکرتیک	Opportunity Curve	منحنی فرصت
	همان منحنی توزیع فراوانی است.	Sales Curve	منحنی فروش
Platykurtic	منحنی مسطحی شکل	Sales-purchase Curve	منحنی فروش - خرید
Iso-utility Curve	منحنی مطلوبیت برابر	Phillips Curve	منحنی فیلیپس
Average Output Curve	منحنی مقدار باز داده متوسط		این منحنی نشان‌دهنده رابطه معکوس میان میزان تغییرات دستمزد پولی و میزان بیکاری است.
Average Output Curve	منحنی میانگین باز داده	Contract Curve	منحنی قرارداد
Regressive Supply Curve	منحنی نزولی		مکان هندسی نقاط بهینه در شرایط مبادله متشکل از یک خریدار و یک فروشنده است.

Free Trade Zone; Free Zone	منطقه آزاد تجاری	Point Utility Possibility Curve	منحنی نقطه امکان مطلوبیت
Blighted Area	منطقه از نظر افتاده	Reaction Curve	منحنی واکنش
Sterling Area	منطقه استرلینگ		همان منحنی عکس العمل است.
Critical Region	منطقه بحرانی	Expenditure Curve	منحنی هزینه
Turning Zone	منطقه برگشت	Iso-cost Contour or Curve	منحنی هزینه برابر
Zoning	منطقه‌بندی		
Localization of Industries	منطقه‌بندی صنایع	Cost-outlay Curve	منحنی هزینه - پرداخت
Localization of Labor	منطقه‌بندی نیروی کار	Fixed Cost Curve	منحنی هزینه ثابت
Free Trade Zone	منطقه تجارت آزاد	Total Cost Curve	منحنی هزینه کل
	منطقه گمرکی که در آن تولید و معامله کالاها و خدمات بدون پرداخت هیچ‌گونه مالیات یا حقوق و عوارض گمرکی امکان‌پذیر است.	Margin Cost Curve	منحنی هزینه نهایی
European Free Trade Area	منطقه تجارت آزاد اروپا	Iso-cost Contour or Curve	منحنی هزینه یکسان
		Iso-outlay Curve	منحنی هزینه یکسان
Foreign Trade Zone (Free Port)	منطقه تجارت خارجی (بندر آزاد)	Smooth Curve	منحنی هموار
		Outlay Contour or Curve	منحنی یا خط پرداخت
Trading Estate	منطقه تجاری	Iso-cost Contour or Curve	منحنی یا خط محیطی برابری هزینه
	در این منطقه معمولاً واحدهای تولیدی در کنار هم قرار دارند، همان شهرک صنعتی یا مرکز صنعتی است.	Learning Curve	منحنی یادگیری
Customs Maritime Zone	منطقه دریایی گمرکی		همان منحنی فراگیری است.
Dollar Area	منطقه دلار	Work Ethic	منش کاری
	منطقه‌ایست که از نظر ارزش خارجی به دلار وابسته‌اند، مانند کشورهای امریکای مرکزی، ونزوئلا، کلمبیا و فیلیپین.		همان اخلاق کاری یا خوی کاری است.
Time Zone	منطقه زمانی	Authorized Clerk	منشی اصلی
Industrial Estate; Industrial Park	منطقه صنعتی	Bank Clerk	منشی بانک
		Tally Clerk	منشی ذیحساب
		Unauthorised Clerk	منشی غیرمجاز
Regionalism	منطقه‌گرایی	Blue Button	منشی مجاز در تالار بورس لندن
Customs Surveillance Zone	منطقه نظارت گمرکی	Authorized Clerk	منشی مجاز و معتبر
		Appointed by the Articles	منصوب به حکم مواد قانونی
Gold Points	منطقه‌های طلا	Fixtures and Fittings	منضات ساختمان
		Formal Logic	منطق صوری

Raw Material; Raw Produce	مواد اولیه	Gold Points	منطقه‌های ورود و خروج طلا
	مواد طبیعی و نیم ساخته که در فراگرد تولید تبدیل شوند.	Include	منظور کردن
F.P.A. Clauses	مواد بخشوده از خسارت خاص	Prohibition	منع
Raw Material; Staple	مواد خام	Exclusion	منع از اجرای حق
Staple Food	مواد خوراکی اصلی	Ne Exeat	منع خروج (درمورد بزهکار یا بدهکار)
Material in Process	مواد در جریان ساخت	Embargo	منع رفت و آمد
Strategic Material	مواد ضروری ملی	Prohibit	منع کردن
Foodstuff	مواد غذایی	Stoppage of Trade	منع معاملات
Indirect Material	مواد غیر مستقیم	Import Prohibition	منع ورود
Nonstandard Material	مواد غیر نمونه	Profit	منفعت
Direct Material	مواد مستقیم	Economic Profit	منفعت اقتصادی
Supplies	مواد مصرفی	Earn	منفعت بردن
Minerals	مواد معدنی	Profiter	منفعت برنده
Prohibited Articles	مواد ممنوعه	Insurable Interest	منفعت بیمه‌شدنی
Character	مواد یا سرفصل هزینه	Yield	منفعت در اوراق قرضه
Balance	موازنه	Benefit in Kind	منفعت غیر نقدی
Closing Trial Balance	موازنه اختتامی	Gain; Profit	منفعت کردن
Balance of Foreign Exchange	موازنه ارزی	Coupon Yield	منفعت کوپن
	دریافتها و پرداختهای ارزی یک کشور طی یک دوره معین.		یا بازده کوپن، میزان بهره‌ای است که قرضه در اصل بر پایه آن صادر شده است.
Static Balance	موازنه ایستا	Brought Forward	منقول از صفحه پیش
Trade Balance	موازنه بازرگانی		نشانه اختصاری آن B/F است.
Particular Balance of Trade	موازنه بازرگانی مخصوص	Carrying Forward	منقول به
Balance of International Payments	موازنه پرداختهای بین‌المللی	Carry Forward	منقول ساختن
	این تراز مبین داد و ستدهای بین‌المللی یک کشور با بقیه دنیا و برحسب واحد پول آن کشور است.	Carried Forward	منقول می‌شود
Trade Balance	موازنه تجاری	Disclaimer	منکرشونده
	همان موازنه بازرگانی است.	Menger, Carl	منکر، کارل (۱۸۴۰-۱۹۲۱)
Current Balance	موازنه جاری		اقتصاددان اطریشی پیشتاز در نظریه «نهایی».
		Emolument	موجب
		Attachment of Risk	مواجهه با خطر
		Materials	مواد

Executive Trade Agreements	موافقتنامه اجرایی تجاری	Compensating Balance; Compensatory Balance	موازنه جبران‌کننده
Stand-by Agreement	موافقتنامه احتیاطی	Balance on Goods and Services Account	موازنه حساب کالاها و خدمات
	قراری است با صندوق بین‌المللی پول که به موجب آن هر کشور عضو به هنگام نیازمندی می‌تواند از «حقوق برداشت مخصوص» خود استفاده کند.	Organization Balance	موازنه سازمانی
Through Output Agreement	موافقتنامه استفاده از ظرفیت کامل	Merchandise Balance	موازنه کالاهای تجاری
A-B-C Agreement	موافقتنامه اصول اولیه	Balance	موازنه کردن
Licencing Agreement (the)	موافقتنامه امتیاز	Contrabalance	موازنه متقابل
Term Repurchase Agreement	موافقتنامه بازخرید مدت‌دار	Favourable Balance of Trade	موازنه مثبت تجارت
Bretton Woods Agreement	موافقتنامه برتن وودز		همان موازنه مساعد تجاری است.
	کنفرانس سال ۱۹۴۴ و موافقت با این هدفها: قابلیت تبدیل آزادانه پولها به یکدیگر؛ کمک به کشورهای دارای تراز نامساعد پرداختها.	Visible Balance	موازنه مرئی
International Commodity Agreement	موافقتنامه بین‌المللی کالا	Favourable Trade Balance	موازنه مساعد تجاری
Exchange Clearing Agreement	موافقتنامه پایاپای میان دو کشور	Active Balance of Payments	موازنه مساعد پرداختها
Legal Settlement	موافقتنامه (پس از ورشکستگی)	Short Trial Balance	موازنه موجودی
E.M.A.	موافقتنامه پولی اروپا	Passive Trade Balance	موازنه نامساعد بازرگانی
	نشانه اختصاری اصطلاح زیر است.	Closing Trial Balance	موازنه نهایی
European Monetary Agreement	موافقتنامه پولی اروپا	Del Credere Agreement	موافقت با ضمانت اعتبار خریدار
Knock for Knock Agreement	موافقتنامه تاوان متقابل	Rationality	موافقت با عقل
Price Fixing Agreement	موافقتنامه تثبیت قیمت		یا معقولیت، جست و جوی ارضاء بیشینه با هزینه کمینه است.
		Contract to Sell	موافقت برای فروش
		Convention	موافقت عمومی
		Assentient	موافقت‌کننده
		Specific Agreement	موافقت مخصوص
		Agreement (Agreeing)	موافقتنامه
		Threshold Agreement	موافقتنامه آستانه‌ای
			روشی است برای کسب اطمینان از هماهنگی میان دستمزد کارکنان و هزینه زندگی.

Barter Agreement	موافقتنامه مبادله تهاتری جنسی	Commodity Stabilization Agreement	موافقتنامه تثبیت کالا
Reciprocal Trade Agreement	موافقتنامه متقابل تجاری		پیمانی مربوط به تولید و تجارت کالایی معین میان گروهی از کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده.
Wage Agreement	موافقتنامه مزد	Trade Agreement	موافقتنامه تجاری
Joint-venture Agreement (The)	موافقتنامه مشارکت مدنی	Exchange Clearing Agreement	موافقتنامه تسویه ارز
Joint Agreement	موافقتنامه مشترک	Goods Clearing Agreement	موافقتنامه تصفیه کالایی
Standstill Agreement	موافقتنامه معلق		
Agency Agreement; Agreement for Representation (The)	موافقتنامه نمایندگی	Through Output Agreement	موافقتنامه تولید کامل
Monopoly Agreements	موافقتنامه‌های انحصار	Clearing Agreement	موافقتنامه تهاتری
Swap Agreements	موافقتنامه‌های پایاپای (در معاملات ارزی)	Multilateral Agreement	موافقتنامه چندجانبه
Swap Agreements	موافقتنامه‌های تاخت ارزی	Resale Price Maintenance Agreement	موافقتنامه حفظ قیمت خرده‌فروشی
	موافقتنامه‌های معاوضه ارزی است.	Lien Letter	موافقتنامه حق تصرف وثیقه
Multilateral Negotiations and Agreements	موافقتنامه‌های چندجانبه	Net Book Agreement	موافقتنامه خالص کتاب
Bilateral Agreement	موافقتنامه یا قرارداد دوجانبه	Information Agreement	موافقتنامه خبری
Unilateral Contract	موافقتنامه یک‌طرفه	Blanket Agreement	موافقتنامه سراسری
Compensation Agreements	موافقتنامه‌های پایاپای	Quota Agreement	موافقتنامه سهمیه
Payment Agreements	موافقتنامه‌های پرداخت	Non Waiver Agreement	موافقتنامه عدم اغماض
Trade Barriers	موانع تجاری	No Raiding Agreement	موافقتنامه عدم تجاوز
	محدودیت‌های مصنوعی بر سر راه مبادلات آزاد کالاها و خدمات میان کشورها.	General Agreement on Tariffs and Trade	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت
Barriers to Entry; Entry Barriers	موانع ورود		نشانه اختصاری آن G.A.T.T. یا گات است.
	آن شرایط فنی و اقتصادی است که هزینه‌های ورود بنگاه‌های داوطلب را در سطحی بالاتر از بنگاه‌های موجود و مستقر قرار می‌دهد.	Open Price Agreement	موافقتنامه عمومی قیمت
Lessor	موجر	Blanket Agreement	موافقتنامه فراگیر
Charterer	موجر کشتی	Labour Agreement; Trade Agreement	موافقتنامه کار
		Financial Agreement	موافقتنامه مالی
		Swap Agreement	موافقتنامه مبادلات ارزی

Buffer Stock; Reserved Stock; Safety Stock	موجودی ذخیره (انبار)	Spot	موجود و نقد (در بورس غلات) نشانه اختصاری آن Spt. یا Sp. است.
Heavy Stock	موجودی زیاد	Position	موجودی
Capital Stock	موجودی سرمایه	Buffer Stock	موجودی احتیاطی
Cash Balance; Cash in Vault	موجودی صندوق	Wasting Asset	موجودی از دست رفته در حساب نشان می‌دهد
Monetary Gold Stock	موجودی طلا برای مصارف پولی	Overstock; Oversupply	موجودی اضافی
Monetary Gold Stock	موجودی طلای پولی	Consignment Stock	موجودی امانی
Active Stock	موجودی فعال	Inventory; Physical Inventory; Stock on Hand; Stores Stock	موجودی انبار
Spares Stock	موجودی قطعات		ذخیره مراد خام، نیم‌ساخته، تمام‌ساخته و قطعات موجودی انبار را تشکیل می‌دهند.
Inventory; Stock	موجودی کالا	Business Inventories	موجودی انبار بازرگانان
Final Goods Inventory	موجودی کالاهای قطعی	Portfolio	موجودی اوراق بهادار
Nonsufficient Stock Taking	موجودی کشنده چک کافی نیست	Bills In Hand	موجودی برات
Perpetual Inventory	موجودی گیری دفتر	Book Inventory	موجودی بر طبق دفتر
Periodic Inventory Method; Periodic Stock Taking	موجودی گیری دوره‌ای	Dead Stock	موجودی بی‌ارزش و غیر قابل فروش
Continuous Stock Taking	موجودی گیری مستمر	Heavy Stock	موجودی بیش از اندازه
Physical Stock Taking	موجودی گیری مادی	Idle Stock	موجودی بیکار همان موجودی بلااستفاده یا راکد است.
Physical Inventory	موجودی مادی	Deferred Availability	موجودی پس‌افتاده
Compensating Deposit Balance	موجودی متقابل در حساب سپرده	Stock of Money	موجودی پول
Mixed Inventory	موجودی مختلط	Furniture of One's Pocket	موجودی پول در جیب
Continuous Inventory	موجودی مستمر	Stock in Trade	موجودی ثابت کالا
Consumable Stock	موجودی مصرفی	Merchandise	موجودی جنسی
Raw Materials Stock	موجودی مواد اولیه	Deferred Asset	موجودی حساب بستانکاران
Foreign Material Inventory	موجودی مواد خارجی	Barge	موجودی دارده
Deferred Availability	موجودی مؤخر	Mixed Inventory	موجودی درهم
		Book Inventory	موجودی دفتری کالا
		Cyclical Stock	موجودی دوری

Credit Standing	موقعیت اعتباری	Balance in (on) Hand (of Cash)	موجودی (نقد) در بانک
	در بورس اوراق بهادار مطرح است.		
Bear Position	موقعیت پیش فروش کننده		همان موجودی نقد است.
Opportunity To Invest	موقعیت سرمایه گذاری	Exchange Holdings	موجودیهای ارزی
	همان فرصت سرمایه گذاری است.	Modigliani, Franco	مودیلیانی، فرانکو (۱۹۱۸ - ...)
Bear Account	موقعیت فروشنده		اقتصاددان ایتالیایی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۸۵ در اقتصاد، صاحب نظر در مسائل هزینه سرمایه.
	این وضع در معاملات بورس پیش می آید.	Anticipated; Ex Ante	مورد انتظار
Status	موقعیت قانونی	Coverage; Interest (The)	مورد بیمه
Least-cost Position	موقعیت کمترین هزینه	Excess Coverage	مورد بیمه زائد
Financial Position	موقعیت مالی	Deductible Coverage	مورد بیمه کسر کردنی
Seller's Market	موقعیت مناسب فروشندگان	Blanket Coverage	مورد بیمه کش دار
Productiveness	مولدیت	Case of Need	مورد عنداللزوم
Donee	موهوب الیه	Enfaced	مورد قبول
Emigration; Exodus; Immigration; Migration	مهاجرت	Lerner Case	مورد لرنر
	همان کوچ بوده و عبارت است از تغییر دایمی یا نیمه دایمی محل اقامت افراد یا گروههای انسانی میان مناطق مختلف یک کشور.	Chargeable	مورد مطالبه
Perverse Migration	مهاجرت قهقرایی	Ex Ante	مورد نظر
	مهاجرت به ویژه مهاجرت کارگران از نواحی نسبتاً پیشرفته به مناطق عقب مانده.	Require	مورد نیاز بودن
Proficiency; Skill	مهارت	Moore, Henry L.	مور، هنری ل. (۱۸۶۸-۱۹۵۸)
Salesmanship	مهارت در فروشندگی		اقتصاددان امریکایی، صاحب نظر در موضوع ادوار اقتصادی از دید شرایط اقلیمی.
Control of Monopoly Power	مهار قدرت انحصار	Moshav	موشاو
			نوعی تعاونی روستایی در اسرائیل است.
Fiscal Drag	مهار مالی	Post Fact	موضوع بعدی
	اثر بازدارنده افزایش نرخهای مؤثر مالیاتی بر رشد تقاضا و تولید که در شرایط تورمی ایجاد می شود.	Dead Line; Due; Due Date	موعد
Teller's Stamp	مهر تحویلدار	Maturity	موعد پرداخت
Mark (Marks, Marking, Markings)	مهر زدن	Due	موعد رسیده
		Overdue	موعد گذشته
Customs Seals	مهر گمرکی	Short Day	موعد نزدیک
Grace Period	مهلت	Accomplishment	موفقیت در کار
		Market Position	موقع بازار

Interpolate;	میانگیری	Grace Period	مهلت آغاز بازپرداخت وام
Interpolation		Prompt; Usance	مهلت پرداخت
Mean	میانگین	Prompt	مهلت پرداخت دین
عددی توصیف‌کننده ارزش نمونه‌ای یا خصلت گروهی از اعداد است.		Replacement Time	مهلت تدارک مجدد
Weighted Mean	میانگین تعدیل شده	Moratorium	مهلت قانونی
Arithmetic Mean	میانگین حسابی	Moderate Terms	مهلت مناسب
True Mean	میانگین حقیقی	Credit	مهلت نسیه
Quadratic Mean	میانگین درجه دوم	Day of Change	مهلت نهایی بازپرداخت
Common Average; Simple Average	میانگین ساده	Date of Grace	مهلت واریز
Averager	میانگین ساز	Shut-down Cost	مهم‌ترین هزینه
Weighted Mean	میانگین سنجیده	Refinery Development Engineer	مهندس توسعه پالایشگاه
Weighted Mean	میانگین ضریب‌دار	Sales Engineer	مهندس فروش
Average life	میانگین عمر	Efficiency Engineer	مهندس کارایی
Guessed Mean	میانگین فرضی	Engineering	مهندسی
Averageing	میانگین‌گیری	Social Engineering	مهندسی اجتماعی
Dollar Averaging	میانگین‌گیری دلار	Value Engineering	مهندسی ارزش
Dollar Cost Averaging	میانگین‌گیری هزینه دلاری	Value Engineering	مهندسی ارزیابی
Average Balance	میانگین مانده حساب	Value Engineering	مهندسی تقویم
Moving Average	میانگین متحرک	Production Engineer	مهندسی تولید
Mean Squares	میانگین مجذورها	Industrial Engineering	مهندسی صنعتی
London Interbank Mean	میانگین میان‌بانکی لندن	«Inter alios»	«میان اشخاص دیگر»
Weighted Mean	میانگین وزن‌دار	«Inter alia»	اصطلاح لاتین است.
همان میانگین موزون است.		«Inter alia»	«میان اشیاء دیگر»
Harmonic Mean	میانگین هماهنگ	Impartial Chairman	اصطلاح لاتین است.
Harmonic Mean	میانگین همساز	Referee in Case of Need	میانجی بی‌طرف
Geometric Mean	میانگین هندسی	Referee in Case of Need	میانجی در صورت ضرورت
Medium Term	میان‌مدت	Need	نیاز
Med	میان	Referee in Case of Need	میانجی عنداللزوم
نشانه اختصاری Medium است.		Mediation	میانجی‌گری
		Umpire	میانجی نهایی
		«Inter se»	«میان خودشان»
			اصطلاح لاتین است.

Market Rate of Interest	میزان بازاری بهره	Median	میانہ
Output Rate	میزان باز داده		ضابطه‌ای برای سنجش‌گرایش متوسط یک متغیر.
Rate of Return	میزان بازده	Compromise; Mediation	میانہ گیر
	همان نسبت یا اندازه بازده است.	Median	میانہ چند عدد
High Rate of Interest	میزان بالای بهره	Interpolate	میان‌یابی
Rate Support Grant	میزان بخشش مالی تقویتی	Mitchell,	میتچل، ولسلی کلمر (۱۸۷۴-۱۹۴۸)
Interest Rate	میزان بهره	Wesley Clair	اقتصاددان امریکایی که تحت تأثیر عقاید ویلن قرار
Nominal Interest Rate	میزان بهره اسمی		داشته است.
Capacity	میزان بهره برداری از ظرفیت	Shopping Mall	میدان خرید
Utilization Rate	نسبت تولید واقعی به تولید بالقوه.	Trading Area; Trading Ring	میدان کسب
Base Rate	میزان بهره پایه	Mead, James (۱۹۰۷ -)	مید، جیمز ادوارد (۱۹۰۷ -)
Equilibrium Interest Rate	میزان بهره تعادل	Edward	اقتصاد انگلیسی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۷ در
Current Interest Rate	میزان بهره جاری		اقتصاد صاحب نظر در مسائل تجارت بین‌المللی.
Cheap Money	میزان بهره حداقل	Midland Bank Ltd.	میدلند بانک محدود
Own Rate of Interest	میزان بهره داخلی		یکی از بانکهای مهم انگلیس است.
Deposit Rate	میزان بهره سپرده	Bequest; Hereditament; Heritage;	میراث
Legal Rate of Interest	میزان بهره قانونی	Legacy	
Coupon Rate	میزان بهره کوپن	Social Heritage	میراث اجتماعی
Short Term Rate of Interest	میزان بهره کوتاه مدت	Heir	میراث بر
		Fee	میراث قانونی
Unemployment Rate	میزان بیکاری	Myrdal,	میردال، گونار کارل (۱۸۹۸-۱۹۸۷)
Rate of Saving	میزان پس انداز	Gunnar K.	
Rejectable Quality Level	میزان پس دانی		اقتصاددان سوئدی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۳
Amount of Money Invested	میزان پول مورد سرمایه گذاری		اقتصاد و صاحب نظر در مسائل کشورهای توسعه نیافته.
Arbitrated Par of Exchange	میزان تبدیل ارز اختیاری	Gearing; Leverage	میزان اتکا به وام
Reproduction Rate	میزان تجدید نسل	Crude Birth Rate	میزان اجمالی زه و زاد
Breaking-point Rate	میزان تحمل فشار	Crude Death Rate	میزان اجمالی مرگ و میر
Demand Surface	میزان تقاضا	Accession Rate	میزان افزایش در ارزش
Accident Frequency Rate	میزان تکرار حادثه	Fertility Rate	میزان باروری
			میزان موالید به هر هزار زن در سن باروری.

Account of Proceeding (Report); سود	میزان سود	Discount Rate; Discounts;	میزان تنزیل
Profit Rate		Rate of Discount	
Natural Rate of	میزان طبیعی بیکاری	Test Discount Rate	میزان تنزیل آزمونی
Unemployment		Market Rate of Discount	میزان تنزیل بازار
	بیکاری ناشی از ساختار اقتصادی موجود.	Open Market Rate	میزان تنزیل بازار باز
Natural Rate of Growth	میزان طبیعی رشد	Bank Rate	میزان تنزیل بانک
Profit, Natural Rate of	میزان طبیعی سود	Bill Rate	میزان تنزیل بروت
Sale	میزان فروش	Preferential Discount	میزان تنزیل رجحانی
Activity Rate	میزان فعالیت	Rate	
	نسبت جمعیت فعال (شاغل یا بیکار) به کل جمعیت مورد بررسی است.	Fine Rate	میزان تنزیل کمیته
Employee Activity Rate	میزان فعالیت کارمند	Rediscount Rate	میزان تنزیل مجدد
Business Barometer	میزان فعالیت‌های اقتصادی	Output Rate; Rate of Output	میزان تولید
	همان سنج‌کار و کسب است.	Steady Rate	میزان ثابت
Business Barometer	میزان کار و کسب	Rate of Premium	میزان جایزه
Accident Frequency	میزان کثرت وقوع تصادف	Effective Rate of	میزان حمایت مؤثر
Rate		Protection	
Regulate	میزان کردن	Net Amount at Risk	میزان خالص در خطر
Rate	میزان کمک بلاعوض در برابر کمبود	Wage Rate	میزان دستمزد
Deficiency Grant			میزان پرداخت به یک فرد در برابر کارش طی یک ساعت یا یک روز برطبق قانون یا قرارداد کار.
Acceptable Quality	میزان کیفیت قابل قبول	Bank Rate	میزان رسمی بهره بانک مرکزی
Level		Growth Rate; Rate of Growth	میزان رشد
Inventory Turnover	میزان گردش موجودی	Economic Growth Rate; Rate of Economic Growth	میزان رشد اقتصادی
Rate; Rate of Turnover			
Share Ownership, Extent	میزان مالکیت سهم	Warranted Rate of	میزان رشد تضمینی
of		Growth	
Internal Rate of Return	میزان مانده داخلی	Annual Growth Rate	میزان رشد سالانه
Effective Rate of	میزان مؤثر حمایت		همان نسبت یا اندازه رشد سالانه است.
Protection		Reproduction Rate	میزان زادآوری
	بخشی از ارزش افزوده تجارت آزاد برحسب ازدیاد ارزش افزوده ناشی از تعرفه این نرخ گمرکی بیان می‌شود.		همان میزان تجدید نسل و شمار دخترانی است که هر هزار زن در دوران باروری می‌زایند.
Output Rate; Rate of Output	میزان محصول	Port Speed	میزان سرعت تخلیه بارکشتی در بندر

Propensity To Borrow	میل به استقراض	Man-hour	میزان محصول در ساعت - نفر
Propensity To Hoard	میل به اندوختن	Output Rate	
Willingness to Pay	میل به پرداخت	Rate of Expenditure	میزان مخارج
Propensity To Hoard	میل به پول اندوختن	Rate of Investment	میزان مخارج سرمایه‌گذاری
Bearish Tendency	میل به تنزل	Expenditures	
Propensity To Invest (Average)	میل به سرمایه‌گذاری (متوسط)	Death Rate	میزان مرگ و میر یک جمعیت
The Drive to Maturity	میل به سوی رسایی و کمال		شمار فوت‌شدگان هر هزار نفر در یک سال که نسبت یا اندازه خام مرگ و میر نیز نامیده می‌شود.
Propensity To Consume (Average)	میل به مصرف (متوسط)	Participation Rate	میزان مشارکت
Propensity To Hoard	میل به نهادن پول	Credibility	میزان معروفیت
Mill, John Stuart	میل، جان استوارت (۱۸۰۶-۱۸۷۳)	Gross Rental Income	میزان ناخالص اجاره‌بها
اقتصاددان انگلیسی و معتقد به اینکه جامعه سرانجام به اقتصاد ساکن می‌رسد.		Employment Rate	میزان نسبی اشتغال
Propensity To Import	میل واردات	Marginal Rate of Return Cost	میزان نهایی بازده بر حسب هزینه
رابطه میان سطح درآمد و حجم واردات یک کشور در زمان معین است.		Marginal Rate of Transformation	میزان نهایی تبدیل
Propensity To Borrow	میل به وام خواهی	Marginal Rate to Time Preference	میزان نهایی رجحان زمان
Average Propensity to Save; Propensity to Save (Average)	میل متوسط به پس‌انداز	Effective Interest Rate; Effective Rate of Interest	میزان واقعی بهره
Average Propensity to Consume	میل متوسط به مصرف	Rate of Turnover	میزان واگرد
نسبت مصرف به درآمد است.		Accident Frequency Rate	میزان وقوع حادثه
Sq. Mile	میل مربع	Mises, Ludvig Edler Von	میزز، لودویک ادلر فن (۱۸۸۸-۱۹۷۳)
برابر با ۲۵۸۹۹۲۲/۹۶ مترمربع.		اقتصاددان اطریشی صاحب‌نظر در تخصیص بهینه منابع و عوامل اولیه تولید.	
Marginal Propensity to Withdraw	میل نهایی به برداشت	Kennedy Round	میزگرد کندی
میزان تغییر برداشت بازای یک واحد افزایش درآمد.		مذاکرات درباره تجارت بین‌المللی که به تأسیس گات انجامید.	
		Birth Rate	میزان ولادت
			همان اندازه زه و زاد است.

Marginal Propensity to Consume	میل نهایی به مصرف	Marginal Propensity to Save	میل نهایی به پس انداز
	تخصیص سهمی از افزایش اندک درآمد به ازدیاد مصرف.		سهمی از افزایش درآمد که پس انداز شود.
Low Marginal Propensity to Consume	میل نهایی به مصرف نازل	Marginal Propensity to Absorb	میل نهایی به جذب
Marginal Propensity to Import	میل نهایی به واردات	Marginal Propensity to Spend	میل نهایی به خرج
	تغییر واردات بر اثر یک واحد تغییر در درآمد.		
		Marginal Propensity to Invest	میل نهایی به سرمایه گذاری
		Marginal Propensity to Tax	میل نهایی به مالیات



Inconsistent; Off-type	ناجور	Obsolescent	ناباب
Heterogeneity	ناجوری	Obsolescence	نابابی
Statistical Discrepancy	ناجوری آماری	کاهش عمر مفید کالای سرمایه‌ای یا کالای بادوام	
Cheap	ناچیز	مصرفی بر اثر تحولات اقتصادی یا فنی یا هرگونه	
Disappreciation	ناچیز شمردن	تغییرات غیرفنی جز اسقاط.	
Subsistence Level	ناچیزی درآمد سرانه	ناپرابری درآمدها	
False	ناحق	Inequality of Incomes	اختلاف در سطح درآمد افراد ناشی از موقعیت شغلی
Zoning	ناحیه‌بندی	آنها در فراگرد تولید و توزیع کالاها و خدمات.	
Labour Market Area	ناحیه بازار کار	Anomalies	ناپهنجاری
Substantial	ناحیه بیکاری فراوان	Sponte Acta	نایوسیده
-unemployment Area		اصطلاح لاتین و همان عمل غیرارادی است.	
Free Trade Area	ناحیه تجارت آزاد	Outstanding; Unpaid; Unsettled	ناپرداخته
تجمع شماری کشور که میانشان تعرفه‌ها و		Unpaid	ناپرداختی
سهامیه‌های وارداتی و کمکهای بلاعوض مالی به		همان ناپرداخته یا پرداخته نشده است.	
صادرات و دیگر سیاستهای مؤثر بر تجارت از میان		Disequilibrium; Imbalance	ناترازی
برداشته شده‌اند.		همان عدم تعادل یا عدم توازن است.	
Shopping	ناحیه خرید و تجارت داخلی	Social Imbalance	ناترازی اجتماعی
Hinterland		Imbalance of Payments	ناترازی پرداختها
Industrial Estate	ناحیه صنعتی	Insolvent	نا توان از پرداخت
Census	ناحیه کوچک سرشماری از یک شهر	Market Failure	نا توانی بازار
Tract	بزرگ با ۴۰۰۰۰ نفر سکنه	Insolvency	نا توانی در پرداخت بدهی

«Progress Chaser»	ناظر پیشرفت	Depressed Area;	ناحیه محروم
Government Controller	ناظر حساب	Distressed Area	
Take Effect	نافذ بودن		ناحیه یا منطقه‌ای از کل کشور که وضع اقتصادی نسبت به دیگر نقاط بسیار نازل تر است.
Profitable	نافع		
Profitability	نافعیت	Crude; Gross	ناخالصی
	همان سودآوری است.		همان خام یا ناپخته است.
Inefficiency	ناکارایی	Gross Barter of Trade	ناخالص مبادله تهاتری تجاری
Business Failure	ناکامی در کار و کسب		
	همان شکست در کار و کسب است.		
Business Name; Trade Name	نام بازرگانی	Orra; Orrow; Rare	نادر
	هرگونه ترکیب حروف و کلمات که محصولات یک بنگاه را مشخص و متمایز کند	Erroneous; False; Out of Adjustment; Unfair	نادرست
Business Name	نام تجاری	Reserve Deficiency	نارسایی اندوخته
	همان نام بازرگانی است.	Market Failure	نارسایی بازار
Established Brand	نام تجاری جاافتاده		وضعیتی در بازار که تخصیص منابع در آن مطابق کارایی پارتویی نیست یعنی می‌توان راههای تازه‌ای یافت که در این زمینه وضع مصرف‌کننده‌ای را بهبود بخشید بدون آن که وضعیت دیگران بدتر گردد.
Established Brand	نام تجاری معروف	Deficiency Bill	نارسایی سند
Consistent	نامتناقض	Illicit	ناروا
Firm Name	نام رسمی بنگاه	Bottom Price; Rock Bottom	نازلترین قیمت
Inferior	نامرغوب	Price; Upset Price	
Inequality	نامساوی	Inconsistent	ناسازگار
Inner	نامشخص	Mutually Exclusive	ناسازگاری
Disutility	نامطلوبیت	Economic Conflict	ناسازگاری اقتصادی
	قابلیت یک کالا یا خدمت برای ایجاد ناخوشایندی.	Impracticable	ناشدنی
Disutility of Labour	نامطلوبیت کار	Issuer	ناشر
Marginal Disutility	نامطلوبیت نهایی	Extrinsic	ناشی از خارج
Marginal Disutility of Labour	نامطلوبیت نهایی کار	Possessory	ناشی از مالکیت
Invalid; Unsignificant	نامعتبر	Issue	ناشی شدن
Uncertainty	نامعلومی	Unpunctual	ناصحیح
Undetermined	نامعین	Bailliff; Comptroller	ناظر
Marketable Title	نام قابل فروش	Comptroller of the Currency	ناظر اسکناس
Arbitrary Name	نام قراردادی	Comptroller of the Currency	ناظر پول
Unfair	نامنصفانه		

شوروی سابق با هدف تعدیل سیاستهای اشتراکی	Aperiodic	نامنظم
کردن به ایجاد موقت نوعی اقتصاد مختلط مبادرت ورزید.	O/S	ناموجود
		نشانه اختصاری Out of Stock است.
Reject; Rejection	نپذیرفتن	Advice Note
Operating Results	نتایج عملیات (سود و زیان)	Trust Letter
Effects of Taxes	نتایج مالیات	Letter of Renunciation
Marginal Revenue	نتیجه دریافتی نهایی	Open
Product		نامۀ بازرگانی بدون نقطه گذاری
Terms of Payment	نحوه پرداخت	Punctuation Letter
Modus Operandi	نحوه عمل	Dead Letter
Tentative Offer	نخستین پیشنهاد	Disclaimer Letter
Fifo	نخستین صادره از نخستین وارده	Covering Letter
	در این روش کالایی که زودتر خریداری شده است	Right Letter
First In	زودتر به فروش می‌رود. نشانه اختصاری First Out است.	Postal Giro
Scope	نخستین قسمت از گزارش حسابرسان	Illiquidity
Paragraph		Illiquid
Antecedent	نخستین و سومین عدد	Mercantile Marine;
Insufficient	نداشتن محل (برای پرداخت)	Merchant Marine
Funds		Crude; Gross
Business Done; Price	نرخ	Anharmonic
Free Rate; Open Rate	نرخ آزاد	Heteroscedasticity
Outright Rate of Exchange	نرخ آبی ارز	Knight, Frank
Rental Rate	نرخ اجاره	(۱۸۸۵-۱۹۷۳)
Exchange Rate; Par of Exchange;	نرخ ارز	اقتصاددان امریکایی که کارهای علمی مهمی در
Rate of Exchange; Ratio of Exchange		زمینه اخلاق و روش شناسی در اقتصاد و نیز
	قیمت مبادله پول رایج یک کشور با پول رایج کشور	تعریف و تفسیر هزینه اجتماعی انجام داده
	دیگر با طلا و با حق برداشت مخصوص.	است.
Trade-weighted	نرخ ارز تعدیلی تجاری	Naira, N
Exchange Rate		نایرا، واحد پول نیجریه
	یا نرخ ارز وزندار تجاری، ارزش مبادله خارجی	Absence of Consideration
	واقعی و رسمی یک واحد پول است.	نبود اعتبار
		No Dealings (Stock or either
		Exch)
		نبود دادوستد
		Absence of Consideration
		نبود محل
		Absence of Consideration
		نبود وجه
		N.E.P.
		نپ
		New Economic Policy
		نشانه اختصاری New Economic Policy است که

Par of Exchange	نرخ برابری مبادله همان نرخ برابری ارز است.	Fixed Exchange Rate	نرخ ارز ثابت آن‌گاه که نرخ مبادله میان دو یا چند پول تغییر نکند یا تقریباً ثابت بماند.
Mint Par of Exchange	نرخ برابری محتوای فلزی	Parallel Rate of Exchange	نرخ ارز موازی نرخ غیررسمی ارز در کنار نرخ رسمی.
	نسبت موجود میان وزن فلز خالص در واحدهای پولی دولتی است که واحد پول خود را بر همان پایه تعریف می‌کند.	Real Effective Exchange Rate	نرخ ارز واقعی عملی
Foreign-exchange Rate	نرخ بروت خارجی	Meter Rate	نرخ اساس
	یا مظنهٔ ارزها، قیمت واحد پول کشورهای خارجی برحسب قیمت واحد پول یک کشور دیگر است.	Basing-point Rate	نرخ اصلی یا نرخ مبدا، ثابت، در حمل و نقل، نرخ بعضی از مراکز رقیب همچون «نقطهٔ ثابت» را گویند.
Ratable	نرخ بردار	Surcharge	نرخ اضافی
	یا مشمول مالیات و یا محکوم به پرداخت مالیات است.	Cut -back Rate	نرخ اضافی برای حمل در غیر مسیر اصلی
Back-haul Rate	نرخ برگشتی	Joint Through Rate	نرخ الحاقی یکسره
	هزینه‌های ارزان‌تر حمل و نقل زمینی یا دریایی در مسیر بازگشت وسیلهٔ نقلیه.	Rate of Option	نرخ انتخاب
Rate	نرخ بستن	Continuation Rate	نرخ انتقال معامله
Merit Rating	نرخ‌بندی استحقاقی	Basing Rate	نرخ اولیه
Insurance Rating	نرخ‌بندی بیمه	Cut Back Rate	نرخ باربری در کالای عبوری
Experience Rating	نرخ‌بندی تجربی	Market Price; Objective Value	نرخ بازار
Manual Rating	نرخ‌بندی ترفه‌ای	Equalization Fee	نرخ برابری‌سازی عواید
Schedule Rating	نرخ‌بندی جدول ساعات		نرخ تسویهٔ ورودیه و یا نرخ تعدیل عایدات پول وصولی از افراد ذینفع در یک طرح برای جبران زیان یا کمی درآمد دیگران.
Manual Rating	نرخ‌بندی دستی	Equity Rate; Parity	نرخ برابری
Retrospective Rating	نرخ‌بندی عطف بماسبق	Ratio; Par Value	
Charge With Duty	نرخ‌بندی کردن		در بیمه، نرخ تعدیل برای خطرات احتمالی را گویند.
Retrospective Rating	نرخ‌بندی گذشته‌نگر	Par Exchange Rate; Par of Exchange; Par Rate of Exchange	نرخ برابری ارز
	همان نرخ‌گذاری یا نرخ‌بندی عطف بماسبق است.		یا نسبت پول دو کشور، نرخ مبادله بر پایهٔ نسبت محتویات فلزی پولهای دو کشور یا نرخیه که صندوق بین‌المللی پول معین کرده است.
Manual Rating	نرخ‌بندی مبنا		
Retrospective Rating	نرخ‌بندی ناظر به گذشته		
Over-rate	نرخ بیش از میزان معین		
Outbid	نرخ بیشتری پیشنهاد کردن		
Insurance Rate	نرخ بیمه		
Standard Rate	نرخ پایه		

Wright Demand Rate	نرخ تقاضای «رایت»	Bridge Rate	نرخ پل
	در کارهای عمومی، نرخى است که به عامل بار اهمیت می‌دهد.	Call Money Rate	نرخ پول عندالمطالبه
Joint Combination Rate	نرخ تلفیقی مشترک	Joint Rate	نرخ پیوسته
Cable Rate	نرخ تلگرافی		یا نرخ مشترک، نرخ واحد مشترک کرایه راه‌آهن است که از حمل و نقل کالا میان دو نقطه غیرواقع در همان مسیر اخذ می‌شود.
All-commodity Rate	نرخ تمام کالا	Rate of Conversion of Money	نرخ تبدیل پول
Continuation Rate	نرخ تمدید معامله		
Proportional Rate	نرخ تناسبی	Peg Point	نرخ تثبیت
Joint Rate	نرخ توأم	Preferential Exchange Rate	نرخ ترجیحی ارز
	همان نرخ مشترک یا نرخ پیوسته است.		نرخى که در یک نظام دو یا چند نرخى ارز، بیش از نرخ رسمی برای خرید ارز اعلام شود.
Fixture Rate	نرخ ثابت	Cut Out	نرخ تخفیفی
Going Rate	نرخ جاری	Cut Back Rate	نرخ تخفیفی کرایه عبوری
Premium Rate; Rate of Premium	نرخ جایزه	Released Rate	نرخ توخیص
Combination Rate; Group Rate	نرخ جمعی	Combination Rate	نرخ ترکیبی
	همان نرخ ترکیبی، نرخ مرکب و یا کرایه مرکب است و برای دو نقطه غیرواقع در یک مسیر راه‌آهن مقرر می‌شود.	Joint Combination Rate	نرخ ترکیبی پیوسته
Combination Through Rate	نرخ جمعی سرتاسری	Joint Combination Rate	نرخ ترکیبی مشترک
	همان نرخ ترکیبی یکسره است.	Combination Through Rate	نرخ ترکیبی یکسره
Multiple Exchange Rate	نرخ چندگانه ارز	Exchange Rate; Rate of Exchange; Ratio of Exchange	نرخ تسعیر
	وجود دو یا چند نرخ ارز هنگامی که عرضه آن با هدف تخصیص بهینه برای مصارف مختلف نابسند و جلوگیری از خروج بی‌رویه ارز ضروری است.		همان نرخ تبدیل یا نرخ مبادله است.
Minimum Rate	نرخ حداقل	Rate of Conversion of Money	نرخ تسعیر پول
	همان نرخ کمینه و برای شرکت‌های عام‌المنفعه پایین‌ترین نرخ است.	Equilibrium Rate of Exchange	نرخ تعادل ارز
Floating Rate	نرخ حمل دریایی	Equalization Fee	نرخ تعدیل عایدات
Marine Charge	نرخ حمل و نقل دریایی	Tariff Rate	نرخ تعرفه
Net Rate	نرخ خالص	Differential Rate	نرخ تفاوت
	خالص حق بیمه دریافتی است.		یا نرخ فاصله، نرخى است که برای یک جاده میان دو نقطه با کسر از یک مبلغ ثابت یا اضافه بر آن معین می‌شود.
Rental Rate	نرخ درآمد ملکی و اجاره	Demand Rate	نرخ تقاضا

Floating Rate	نرخ شناور	Spot Rate	نرخ در بازار تحویل فوری
Free-floating Rate	نرخ شناور آزاد	Class Rate	نرخ درجه
	نرخ متغیر و آزاد است.	Down-time Rate	نرخ دوران رکود
Floating Exchange Rate	نرخ شناور ارز	Marline Rate	نرخ دولابها
	اگر ارزش پول کشور تحت تأثیر نیروهای بازار بین‌المللی بر یکدیگر نوسان کند، نرخ برابری را شناور گویند.	Market Line Rate	نشانه اختصاری است.
Export Rate	نرخ صادرات	Sight Rate	نرخ دیداری ارز
	نرخ است که فقط بر حمل و نقل داخلی کالاها در راهها و نسبت به کشور خارجی اعمال می‌گردد.	Official Rate	نرخ رسمی
Export Rate	نرخ صادراتی	Official Exchange Rate	نرخ رسمی ارز
Export Rate	نرخ صدور		نرخ ثابت و رسمی ارز برحسب طلا و دلار ایالات متحد امریکاست که به صندوق بین‌المللی پول اعلام می‌شود.
	همان نرخ صادرات است.	Day Rate; Market Price; Spot Rate	نرخ روز
Paper Rate	نرخ صوری	Rat Rate	نرخ ساده
	نرخ غیرواقعی است.		همان نرخ یکنواخت است.
Class Rate	نرخ طبقه	Machine-hour Rate	نرخ ساعت کار ماشینی
Transit Rate	نرخ عبور	Manual of Accounting	نرخ سالانه و معیاری بیمه
Blanket Rate; Open Rate	نرخ عمومی	Shadow Wage Rate	نرخ سایه دستمزد
All Commodity Rate	نرخ عمومی کالا		قیمت سایه نیروی کار است.
Cross-rate	نرخ غیرمستقیم	Joint Through Rate	نرخ سراسری مشترک
	یا برابری نامستقیم، نرخ تسعیر میان دو پول بر پایه نرخ تسعیر میان هر یک از دو پول با پول موم.		همان نرخ الحاقی یکسره یا نرخ مشترک سرتاسریست و درباره نقطه‌ای روی مسیر حمل و نقل به نقطه‌ای از خط دیگر اعمال می‌شود.
Paper Rate	نرخ غیرواقعی	Through Rate	نرخ بی‌تاسری
	همان نرخ صوری است.	Rental Rate	نرخ سوراقت
Differential Rate	نرخ فاصله		همان نرخ اجاره است.
Selling Rate	نرخ فروش	Registration Fee	نرخ سفارش
Spot Rate	نرخ فروش نقدی	Forward Rate	نرخ سلف
Assize	نرخ قانونی	Outright Rate of Exchange	نرخ سلف ارز
Price Rate	نرخ قیمت		نرخ آتی ارز یا نرخ مستقیم ارز، نرخ پیژس.
	نرخ دستمزد بر پایه مقدار تولید یا کار انجام شده.	Measured Day Rate	نرخ سنجیده روز
Measured Day Rate	نرخ کار روز گذشته	Inclusive Rate	نرخ شامل
Piece-rates; Piece Wage Rate	نرخ کارمزدی		منظور تعرفه شامل همه هزینه‌هاست.

Retrospective Rating		Paper Rate	نرخ کاغذی
Rate	نرخ گذاشتن		همان نرخ صوری یا غیر واقعی است.
Transit Rate	نرخ گذر	Commodity Rate	نرخ کالا
Blanket Rate; Group Rate	نرخ گروهی	Commodity Rate	نرخ کالایی
Runaway Rate	نرخ گریز	All In Rate; Through Rate	نرخ کامل
	همان نرخ کوچ یا کوچنده است.	Hiring Rate; Tariff	نرخ کرایه
Cable	نرخ لیبره انگلیس	Freight Rate	نرخ کرایه بار کشتی
Tax Rate	نرخ مالیات	Zoné Freight Rate	نرخ کرایه منطقه
Marginal Rate of Tax	نرخ مالیات نهایی	Zone Freight Rate	نرخ کرایه منطقه‌ای
Effective Tax Rate	نرخ مالیات واقعی	Blanket Rate	نرخ کش‌دار
Effective Exchange Rate	نرخ مؤثر ارز	Blanket Rate; Inclusive Rate	نرخ کلی
	بسیان ارزش واقعی یک پول برحسب ارزش	Down-time Rate	نرخ کمتر از نرخ روز
	مجموعه‌ای از پولهای دیگر.	Floating Rate	نرخ کم و زیادشونده
Exchange Rate	نرخ مبادله (ارز)	Basic Rate; Minimum Rate	نرخ کمینه
Exchange as per	نرخ مبادله پشت‌نویسی	Short Rate	نرخ کوتاه‌مدت
Endorsement		Runaway Rate	نرخ کوچ
Exchange Rate of the Dollar	نرخ مبادله دلار		یا نرخ گریز در کار مقاطعه‌ای و ایجاد انگیزه به
Basing-point Rate	نرخ مبداء ثابت		صورت فرد بیشتر در برابر کار بیشتر است. دستمزد
Basing Rate	نرخ مبنا		کمتر موجب گریز یا کوچ کارگران می‌شود.
Basing Rate	نرخ مبنایی	Runaway Rate	نرخ کوچنده
Alternative Rate	نرخ متبادل	Marking Clerk	نرخ‌گذار (در بورس)
Meter Rate	نرخ متری	Schedule Rating	نرخ‌گذاری برطبق جدول
	نرخ مبنا یا پایه است.	Schedule Rating	نرخ‌گذاری برنامه‌ای
Fluctuating Rate	نرخ متغیر	Manual Rating	نرخ‌گذاری پایه‌ای
	همان نرخ شناور یا متغیر است.	Experience Rating	نرخ‌گذاری تجربی
Free-floating Rate	نرخ متغیر و آزاد	Experience Rating	نرخ‌گذاری تجربی در نیمه
Cross Exchange	نرخ متقابل	Manual Rating	نرخ‌گذاری تفره‌ای
	یا برابری غیرمستقیم ارز است.	Schedule Rating	نرخ‌گذاری جدولی
Proportional Rate; Pro-rata	نرخ متناسب	Manual Rating	نرخ‌گذاری دستی
Rate		Manual Rating	نرخ‌گذاری راهنما
Average Rate of Tax	نرخ متوسط مالیات	Merit Rating	نرخ‌گذاری شایستگی
Local Rate	نرخ محلی	Job Rating (or Evaluation)	نرخ‌گذاری کار
Mixed Carload Rate	نرخ مختلط بار کامیون	Merit Rating;	نرخ‌گذاری ناظر به گذشته

Basing-point Rate	نرخ نقطه اولیه	Mixed Carload Rate	نرخ مختلط بار واگن
	یا نرخ مبداء یا نرخ اصلی، در حمل و نقل، نرخ بعضی از مراکز رقیب به منزله «نقطه ثابت» است.	Combination Rate	نرخ مرکب
Breaking-point Rate	نرخ نقطه تقسیم	Base Rate of Pay; Basic Wage Rate; Standard Wage-rate	نرخ مزد پایه
	همان میزان تحمل فشار است.	Wage Rate and Demand	نرخ مزد تقاضا
Import Rate	نرخ وارداتی	Time Rate; Time Work Rate	نرخ مزد زمانی
Bridge Rate	نرخ واسطه	Wage Rate and Unemployment	نرخ مزد و بیکاری
Effective Exchange of Rate	نرخ واقعی ارز	Wage Rate and Prices	نرخ مزد و قیمتها
Effective Rate of Tax	نرخ واقعی مالیات	Wage Rate and Output	نرخ مزد و محصول
Released Rate	نرخ واگذاری	Autonomous Tariff System	نرخ مستقل
Import Rate	نرخ ورود		همان نظام تعرفه مستقل بوده و کالاهایی مشمول عوارض گمرکی است که نرخهای آن را منحصرأ قانون تثبیت می‌کند.
Hopkinson Rate	نرخ هاپکینسن	Straight Line Rate	نرخ مستقیم
Free Exchange Rates	نرخهای آزاد ارز		نرخ مستقیماً متناسب با مقدار خدمات معموله.
Fluctuation Free Market Rates	نرخهای آزاد متغیر بازار	Outright Rate of Exchange	نرخ مستقیم ارز
Freely Fluctuating Exchange Rates	نرخهای ارز آزادانه متغیر		همان نرخ آنی یا سلف ارز است.
Pegged Rates of Exchange	نرخهای ارز تثبیت شده	Joint Rate	نرخ مشترک
«Black» Exchange Rates	نرخهای ارز در بازار سیاه		همان نرخ بیبسته یا توأم است.
Flexible Rates	نرخهای انعطاف پذیر	Customer Rate	نرخ مشتری
Pegged Rates of Exchange	نرخهای تثبیتی ارز	Usage Rate	نرخ مصرف
	همان نرخهای ارز تثبیت شده است.	Sw-up Rate	نرخ معاوضه‌ای
Preferential Rates	نرخهای ترجیحی	Standard Rate	نرخ معیار
Adjustable Pegged	نرخهای تعیین شده قابل تعدیل	Inclusive Rate	نرخ مقاطعه
	همان نرخهای تثبیتی قابل تعدیل است.	Any-quantity Rate	نرخ مقداری
Fixed Rates	نرخهای ثابت	Agreed Price	نرخ مقطوع
Remunerative Rates	نرخهای جبرانی	Zone Rate	نرخ منطقه‌ای
Piece-rates	نرخهای دانه‌ای	Parallel Rate Of Exchange	نرخ موازی ارز
Time Rates and Pieces Rates	نرخهای زمانی و نرخهای کارمزدی	Middle Rate	نرخ میانه
		Rate Cards	نرخ‌نامه
		Purchasing-power Parity	نرخ نسبی مبادله
		Spot Rate	نرخ نقد

Pawnbroker	نزول بده	Futures Rates	نرخهای سرقفلی
	کسی که در برابر گروهی پول وام می‌دهد و اگر در زمان مقرر اصول و بهره وامش پرداخته نشود مجاز است گروهی را بفروشد.	«Black» Exchange Rates	نرخهای «سیاه» ارز
Usury	نزول خواری	Floating Exchange Rates	نرخهای شناور ارز
Deflation	نزول سطح عمومی قیمت‌ها	Piece-rates	نرخهای عددی
Nonnegotiable	نزول نکردنی		همان نرخهای دانه‌ایست.
	یا غیرقابل معامله در مورد سفته و برات.	Key Rates	نرخهای کلیدی
Diminishing	نزولی بودن محصول مادی	Back-haul Rates	نرخهای کنفرانس حمل و نقل
Marginal Physical-product		Free Exchange Rates	نرخهای مبادله آزاد
Diminishing	نزولی بودن مطلوبیت نهایی		مظنه آزاد ارز است.
Marginal Utility		Multiple Rates	نرخهای متعدد
Racism	نژادگرایی		مسئله تعدد نرخ ارز یا یک کالا در بازار مربوطه است.
	اصل نژادپرستی یا تبعیض نژادی است.	Multiple Exchange Rate	نرخهای متعدد ارز
Rate; Ratio; Relation, The	نسبت		وجود چند نرخ ارز در یک زمان و در یک بازار.
Lapse Ratio	نسبت ابطال	Flexible Exchange Rates	نرخهای متغیر ارز
	یا نسبت انقضا، مصطلح در بیمه، نسبت شمار بیمه‌نامه‌هایی که طی یکسال باطل شده است به شمار بیمه‌نامه‌های معتبر در آغاز سال.	Wage Rates	نرخهای مزد
Vacancy Ratio	نسبت ابنیه مسکونی خالی	Tapering	نرخهای نزولی (اصطلاح حمل و نقل)
Performance Ratio	نسبت اجرای عملیات	System of Rates	
Rate of Surplus Value	نسبت ارزش اضافی	Over Spot (Discount)	نرخهای نقدی ارز
	از دید مارکسیستی، نسبت ارزش اضافی به سرمایه متغیر است.	Over Spot (Discount)	نرخهای نقدی مبادله
Valuation Ratio	نسبت ارزش‌گذاری	Any-quantity Rate	نرخ هر مقدار
	یا نسبت ارزیابی، نسبت ارزش‌گذاری بازاری سهام بنگاه به ارزش دفتری داراییهای آن است.	Flat Rate	نرخ یکدست
Net-worth Ratio	نسبت ارزش ویژه		منظور نرخ یکنواخت است در کارهای عام‌المنفعه.
	بدهی‌های بلندمدت بخش بر ارزش ویژه، یعنی مازاد دارایی بر بدهی و ضابطه‌ایست برای توجیه مشارکت در شرکتها.	Flat Rate	نرخ یکسان
Recruitment Ratio	نسبت استخدام	Joint Through Rate	نرخ یکسره پیوسته
Rate of Turnover	نسبت استرداد	Combination Through	نرخ یکسره ترکیبی
		Rate	
		Flat Rate	نرخ یکنواخت
			همان نرخ یکدست یا یکسان است.
		Agricultural Ladder	نردبان ترقی زراعی
		Cost Ladder	نردبان هزینه
		Software	نرم‌افزار

Rate of Return on Invested Capital	نسبت بازده سرمایه مورد سرمایه‌گذاری	Utilization Rate	نسبت استفاده
Rate of Return Over Cost	نسبت بازده برحسب هزینه	Operating Rate	نسبت استفاده از ظرفیت
Internal Rate of Return	نسبت بازده داخلی	Borrowing	نسبت استقراض در بودجه
Pay-out Ratio; Yield Ratio	نسبت بازدهی	Rate in Capital Budgeting	بندی سرمایه
Capital Output Ratio	نسبت بازدهی سرمایه	Depreciation Rate	نسبت استهلاک
Surplus Rate of Return	نسبت بازده اضافی	Employment Rate	نسبت اشتغال
Current Rate of Yield	نسبت بازده جاری	Incremental	نسبت افزوده‌های سرمایه
Inventory Turnover Ratio	نسبت بازگشت موجودی	Capital-output Ratio	به محصول
Incremental Capital-output Ratio	نسبت بالاسری سرمایه - باز داده		یا ضریب سرمایه افزوده به محصول، افزایش حجم سرمایه یک بنگاه، صنعت یا اقتصاد در یک دوره و به تعبیر دیگر نسبت سرمایه‌گذاری خالص است به تغییر مقدار تولید یا میزان محصول.
Debt Ratio	نسبت بدهی	Retention Ratio	نسبت انباشت
Debt-to-net Worth Ratio	نسبت بدهی به ارزش ویژه	Lay Off Rate	نسبت انتظار خدمت
Leverage	نسبت بدهی به دارایی خالص متغیر	Reserve Ratio	نسبت اندوخته
Leverage Factor	نسبت بدهی به کل دارایی		نسبت یک دارایی یا مجموعه‌ای از داراییها به کل بدهی یا تعهدات.
Parity Ratio	نسبت برابری	Lapse Ratio	نسبت انقضاء
Preferred Operating Rate	نسبت برتر بهره‌برداری		مصطلح در بیمه و همان نسبت ابطال است.
	یا نسبت ممتاز بهره‌برداری، نسبت رجحانی یا	Fertility Rate; Fertility Ratio	نسبت باروری
		Market Ratio	نسبت بازار
			قدرت یک کالا در برابر کالای دیگر به هنگام مبادله در بازار آزاد.
		Debt Service Ratio	نسبت بازپرداخت اقساط وام
		Rate of Return (In Public Utilities)	نسبت بازده (در کارهای عام‌المنفعه)
		Return Ratio; Rate of Return; Yield Ratio	نسبت بازده
			نسبت سود سرمایه پس از کسر استهلاک به میانگین سرمایه مورد استعمال برحسب درصد است.
		Rate of Return on New Investment	نسبت بازده سرمایه‌گذاری جدید

Rate of Conversion of Money	نسبت تبدیل پول	درصد ظرفیت تولیدی است که یک مؤسسه یا صنعت نافع می‌پندارد.
Specialization Ratio	نسبت تخصص	نسبت برداشت پس انداز
Rate of Capital Formation	نسبت تراکم سرمایه	Ratio
Rate of Time Preference	نسبت ترجیح زمان	Separation Rate
Composite Rate of Depreciation	نسبت ترجیح زمانی است.	نسبت برگشت
Rate of Capital Formation	نسبت ترکیبی استهلاک	Rate of Turnover
Dividend Payout Ratio	نسبت تشکیل سرمایه	Plan (or Fixed Asset) Turnover Ratio
Gear Ratio	نسبت تصفیه سود سهمی	نسبت برگشت کار در جریان تولید
Lay off Rate	نسبت تطبیق	Work in Process Turnover Ratio
Replacement Ratio	این نسبت از تقسیم مقدار «سرمایه یا بهره ثابت» بر «سرمایه معمولی» به دست می‌آید.	نسبت برگشت کالای تجاری
Gearing Ratio	نسبت تعلیق	Merchandise Turnover Ratio
Separation Rate	نسبت افراد منتظر خدمت طی یک سال به افراد شاغل است.	Raw Material Turnover Ratio
Concentration Ratio	نسبت تعویض	نسبت بهای سود سهمی
Capital Gearing Ratio	نسبت تعهد	Dividend Price Ratio
Rate of Output	نسبت تفکیک	نسبت بهره‌برداری
Current Ratio	نسبت تمرکز	Operating Rate; Operating Ratio
Rate of Substitution	نسبت جانشینی	نسبت بیکاری
		Unemployment Rate
		نسبت بیکاری تضمینی
		Warranted Unemployment Rate
		نسبت پاداش قطعی
		Pay-out Ratio
		نسبت پرداخت
		Pay-out Ratio
		نسبت پرداخت سود سهمی
		Dividend Payment Ratio
		نسبت پس انداز
		Rate of Saving; Saving Ratio
		نسبت پوشش بهره
		Interest Coverage Ratio
		نسبت پول در کشور
		Par Exchange Rate
		نسبت پول نقد
		Cash Ratio
		همان نسبت نقدی است.
		Previsional Ratio
		نسبت پیش‌بینی
		نسبت تأمین مالی شخصی
		Self-financing Ratio
		نسبت تبدیل به سرمایه
		Rate of Capitalization

همان نسبت گردش سرمایه است.	Rate of Technical Substitution	نسبت جانشینی فنی
نسبت دین		
Debt Ratio		
همان نسبت بدهی است.		میزان قابلیت جایگزینی یک در داده بر در داده دیگر
نسبت دیون بانک به سپرده‌های بانک		روی منحنی تولید برابر.
Deposit Turnover	Personal Rate of Substitution	نسبت جانشینی کارمندان
نسبت ذخیره قانونی کمینه		
Minimum Margin Requirement (برای بانکها)	Rate of Commodity Substitution	نسبت جانشینی کالا
نسبت رجحان زمانی اجتماعی		
Social Time Preference Rate	Marginal Rate of Substitution	نسبت جانشینی نهایی
نسبت زه و زاد		
Birth Rate	Vacancy Rate	نسبت جای خالی
نسبت زیان		
Loss Ratio	Turnover	نسبت جایگزینی کارکنان
نسبت زیان به حق بیمه دریافتی طی		
Loss Ratio (یک سال (اصطلاح بیمه)	Penalty Rate	نسبت جریمه
نسبت زیان مورد تأمین در بیمه‌نامه		
Coverage Ratio	Yield Ratio	نسبت حاصل
	Transportation Ratio	نسبت حمل
نسبت زیان و خرج		
Loss and Expense Ratio	Transport Ratio	نسبت حمل و نقل
نسبت سپرده		
Deposit Ratio	Refined Birth Rate	نسبت خالص زه و زاد
نسبت سپرده به سرمایه		
Deposit-capital Ratio	Refined Death Rate	نسبت خالص مرگ و میر
نسبت سختی بیماری		
Illness Severity Rate	Expense Ratio; Pay-out Ratio	نسبت خرج
نسبت سرمایه - باز داده نهایی		
Marginal Capital-output Ratio	Advertising Sales Ratio	نسبت خرج تبلیغاتی به فروشها
نسبت سرمایه به سپرده		
Capital-deposit Ratio	Risk Ratio	نسبت خطر
نسبت سرمایه به کار		
Capital-labour Ratio	Self-financing Ratio	نسبت خود تأمین مالی
نسبت ترکیب کار و سرمایه در فراگرد تولید با یکدیگر.		
Capital-output Ratio	Referable	نسبت دادنی
نسبت میان میزان سرمایه است به محصول یا مقدار تولید ناشی از همان سرمایه.		
Incremental Capital Output Ratio	Quick Asset Ratio	نسبت دارایی نقد
نسبت سرمایه اضافی به باز داده		
اضافی معین	Reserve Assets Ratio	نسبت داراییهای اندوخته
نسبت سرمایه جاری		
Working Capital Ratio	Quick Assets Ratio	نسبت داراییهای فوری
نسبت سرمایه در گردش	Eligible Assets Ratio	نسبت داراییهای قابل مطالبه
	Quick Assets Ratio	نسبت داراییهای نقد
	Effective Rate	نسبت درآمد به سرمایه
	Accession Rate	نسبت دستیابی به کار
	Capital Turnover	نسبت دوران سرمایه

Price-earnings Ratio	نسبت قیمت به عواید	Acid Test Ratio; Quick Ratio	نسبت سریع
	بیان قیمت جاری سهم یک شرکت به صورت مضربی از عایدی هر سهم.		همان نسبت آبی و نسبت داراییهای نقدی یک شرکت شامل موجودی نقدی، اسناد قابل دریافت، اوراق قابل فروش و جز اینهاست به بدهیهای جاری آن.
Labour Ratio	نسبت کار	Currency	نسبت سکه و اسکناس به سپرده
Capacity Utilization	نسبت کاربرد ظرفیت	Deposit Ratio	
Rate	درصد استفاده از ظرفیت است.	Bond Ratio	نسبت سند قرضه
Lay off Rate	نسبت کم کاری	Gross Profit Ratio	نسبت سود ناویژه
	همان نسبت انتظار خدمت یا تعلیق است.	Mark-on	نسبت سود ناویژه
Turnover Rate	نسبت گردش	Preferred Stock Ratio	نسبت سهام ترجیحی
Savings Turnover	نسبت گردش پس اندازها	Quick Ratio	نسبت سهام سود بخش
Ratio		Preferred Stock Ratio	نسبت سهام ممتاز
Inventory Turnover	نسبت گردش موجودی	Preferred Stock Ratio	نسبت سهام ترجیحی
Rate		Common Stock Ratio	نسبت سهام عادی
Ratio of Exchange; Terms of	نسبت مبادله	Preferred Stock	نسبت سهام مقدم
Trade		Ratio	
Rate of Time	نسبت مبنای تنزیل زمان	Slope Ratio	نسبت شیب
Discounting		Mint Ratio	نسبت ضرب سکه
Mint Ratio	نسبت محتوای فلز	Frequency of Absences; Rate of	نسبت غیبتها
Acid test Ratio	نسبت محک	Absences	
Occupancy Ratio	نسبت محل سکونت	Ratio of Differential	نسبت فاصله
Expense Ratio	نسبت مخارج (در بیمه)	Benefit-cost Ratio	نسبت فایده - هزینه
Management Ratio	نسبت مدیریت	Income Sales Ratio	نسبت فروشها به درآمد
Composite Rate of	نسبت مرکب استهلاک	Investment	نسبت فروشها به کل اسناد قرضه
Depreciation		Turnover	(معادل پولی آنها)
Death Rate; Mortality	نسبت مرگ و میر	Inventory-sales	نسبت فروشها به موجودی
Ratio		Ratio	
Participation Rate	نسبت مشارکت	Fineness of	نسبت فلز گرانههای سکه به فلز آلیاژ
Labour Force	نسبت مشارکت نیروی کار	Coins	
Participation Rate		Acid Test Ratio	نسبت قدرت پرداخت
Capital Output	نسبت مقدار تولید / سرمایه		نسبت وجوه نقد و اسناد بهادار و حساب بدهکاران به مجموع بدهیها.
Ratio	همان نسبت محصول یا باز داده به سرمایه است.		

Credit Sale	نسیه فروشی	Factor Proportions	نسبتهای عامل
فروش کالا یا خدمت به وعده و در آینده اما تحویل حال است.		Operating Ratios	نسبتهای عملکرد همان نسبت بهره برداری است.
Union Label	نشان اتحادیه	Operating Ratios	نسبتهای عملیاتی همان نسبت عملکرد است.
Brand; Commercial Mark; Trade-mark	نشان بازرگانی	Turnover Ratios	نسبتهای گردش
Private Brand	نشان خصوصی	Financial Ratios	نسبتهای مالی
Dealer's Brand	نشان دلال	این نسبتها معیار سنجش اعتبار یک بنگاه و میزان اطمینان به آن است. این نسبتها از قبیل نسبت ارزش ویژه، ابزارسنجش روش کار و قدرت مالی یک بنگاه است و برای تشخیص پشتوانه دارایی یا درآمد شرکت مورد استفاده سرمایه گذاران قرار می گیرد.	
Hallmark	نشان رسمی زدن	Infant Mortality	نسبتهای مرگ و میر کودکان
Choice Brand	نشانه انتخاب	Rates	
Plimsoll Mark	نشانه بارگیری	Cost-benefit Ratio	نسبت هزینه - فایده
Choice Brand	نشانه برگزیده	Overhead Rate	نسبت هزینه های سرشکن
Registered Trademark	نشانه تجاری ثبتی	Operating Cost Ratio	نسبت هزینه بهره برداری (در ایالات متحد)
Registered Trademark	نشانه تجاری رسمی	Correlation Ratio	نسبت همبستگی
Status Symbol	نشانه تشخیص	First of Exchange	نسخه اول برات
Guidepost	نشانه راهنما	File Copy	نسخه بایگانی
Alphabetic Code	نشانه رمزی الفبایی (اصطلاح رایانه)	Reproduce	نسخه برداری
Binary Code	نشانه رمزی دوتایی (اصطلاح رایانه)	Duplicate	نسخه دوم
Halfmark	نشانه عیار	Second of Exchange	نسخه دوم برات
Symbolic Coding	نشانه گذاری رمزی	Rescript	نسخه دوم سند
Maintained Mark-up	نشانه محفوظ	Triplicate	نسخه سوم
MKS	نشانه ها	Third of Exchange	نسخه سوم برات
	نشانه اختصاری Marks است.	Mss	نسخه ها
Economic Indicators	نشانه های اقتصادی	Credit; On Account (o/a); On Credit	نسیه
یا علایم اقتصادی یا نماگرهای اقتصادی، مجموعه آماری است که برای ارائه دقیق تغییرات در اوضاع اقتصادی به دست آمده اند.		Buy On Cedit	نسیه خریدن
Ordinary Brands	نشانه های عادی	Sell On Credit	نسیه فروختن
Merchandise Marks	نشانه های کالاهای تجاری		
Registered Office	نشانی ثبت شده		
Registered Office	نشانی رسمی		

Current Issues	نشرهای جاری	Absolute Address	نشانی مطلق
Treasury Issues	نشرهای خزانه‌داری	Leakage	نشت
Bank of England Bulletin	نشریه بانک او انگلند	Income Leakage	نشت درآمد
Statutory Meeting	نشست هیئت مؤسس	Issuance; Issue	نشر
Half Price	نصف قیمت	Issuing on Tap	نشر آزاد
Half Fare	نصفه‌جا	Note Issue	نشر اسکناس
Statistical Quality	نظارت آماری کیفیت	Fiduciary Issue	نشر اسکناس اعتباری
Control		Stock Watering	نشر افراطی سهم
Foreign Exchange Control	نظارت ارز	Bond Issue	نشر اوراق قرضه
Exchange Control; Foreign	نظارت ارزی	Over-subscribed	نشر با پذیره نویسی اضافی
Exchange Control		Issue	
Perpetual	نظارت از طریق موجودی‌گیری دفتر	Under-subscribed	نشر با تعهد پرداخت کمتر
Inventory Basis of Control		Issue	
Consumer Credit	نظارت اعتبار مصرفی	«Pink Form» Issue	نشر «به بهترین وضع»
Control		Banks' Money Issues	نشر پول به وسیله بانکها
Credit Control and	نظارت اعتبار و خانه‌سازی	New Issue	نشر تازه سهام
Housing		Conversion Issue	نشر تبدیلی
General Credit	نظارت اعتباری عمومی	"Rights" issue	نشر در «حقوق تعهد پرداخت»
Control		Issuer	نشر دهنده
Minority Control; Proxy	نظارت اقلیت	Overissue	نشر زیاده
Control		Stock Watering	نشر سهام آبکی
Selective Credit	نظارت انتخابی اعتبار	Issue	نشر سهام به قیمت کمتر از بهای اسمی
Controls		Shares at a Discount	
Control of Records	نظارت بایگانی	Public Issue	نشر عمومی
Pollution Control	نظارت بر آلودگی	Debenture Issue	نشر قرضه
Feedback Control	نظارت بر اثر واکنش	Open-end Bond Issue	نشر قرضه نامحدود
	همان نظارت بر داده‌های بازخورد است.	Issue	نشر کردن
Rent Control	نظارت بر اجاره	Conversion Issue	نشر مبدل
Exchange Control; Foreign	نظارت بر ارز		روش نشر سهام یا اوراق بهادار دیگر در مبادله با
Exchange Control			سهام دیگر.
Exchange Control	نظارت بر اسعار	Tap Issue	نشر مداوم اوراق بهادار (بورس)
	همان نظارت هر ارز است.	Recoinage	نشر مسکوک متفاوت جدید
Credit Control	نظارت بر اعتبار	Benefit Spillovers	نشر منافع

Population Control	نظارت جمعیتی	Physical	نظارت بر پایه موجودی‌گیری انبار
Cross Check; Multilateral Surveillance	نظارت چندجانبه	Inventory Basis of Control	
Accounting Control	نظارت حسابداری	Monetary Control	نظارت بر پول
Accurate Control	نظارت درست	Expenditure-variation Controls	نظارت بر تغییر مخارج
Ledger Control	نظارت دفتری	Production Control	نظارت بر تولید
Control of Investment	نظارت سرمایه‌گذاری	Feedback Control	نظارت بر داده‌های بازخورد
Supreme Control	نظارت عالی		هما نظارت بر اثر واکنش است.
Operating Control	نظارت عملیات	Stock Control	نظارت بر ذخیره کالا یا موجودی
General Control	نظارت عمومی	Control of Monopoly	نظارت بر قدرت انحصار
Indirect Control	نظارت غیرمستقیم	Power	
Price Control	نظارت قیمتی	Credit Control	نظارت بر قرضه
Go-and-not-go Gage	نظارت کالا	Statistical Quality Control	نظارت بر کیفیت آماری
Supervise	نظارت کردن	Turnover	نظارت بر مبنای گردش موجودی
Total Quality Control	نظارت کلی کیفی	Basis of Control	
Quality Control	نظارت کیفی	Quality Control	نظارت بر مرغوبیت
Statistical Quality Control	نظارت کیفی آماری	Inventory Control	نظارت بر موجودی کالا یا مواد
Customs Control	نظارت گمرکی	Wage Rate Control	نظارت بر نرخ مزد
Fiscal Control	نظارت مالی	Control of Liquidity	نظارت بر نقدینگی
Centralized Control	نظارت مرکزی	Manpower Control	نظارت بر نیروی انسانی
Wage Control	نظارت مزد	Remote Control	نظارت بعید
Continuous Inventory	نظارت مستمر بر موجودی		همان نظارت جزئی است.
Dual Control	نظارت مضاعف	Budgetary Control	نظارت بودجه‌ای
	یا واریسی مضاعف، اقدام مشترک دو نفر در زمینه کار واحد است.	Flexible Budgetary Control	نظارت به وسیله بودجه انعطاف‌پذیر
Selective Credit Controls	نظارت‌های اعتباری خاص	Post Audit	نظارت پس از خرج
Selective Controls	نظارت‌های انتخابی	Currency Control; Monetary Control	نظارت پولی
Down Payment Controls	نظارت‌های بر پیش‌پرداخت	Production Basis of Control	نظارت تولیدی
Government Controls	نظارت‌های دولت	Remote Control	نظارت جزئی
			همان نظارت بعید است.

Handicraft Economy	نظام اقتصادی صنایع کوچک	Stand-by Controls	نظارت‌های کمکی
Mixed Enterprise System	نظام اقتصادی مختلط	Qualitative Controls	نظارت‌های کیفی
Closed System	نظام اقتصادی منزوی همان نظام اقتصادی بسته است.	Selective Credit Controls	نظارت‌های گزینشی اعتبار
Priority System	نظام اولویت	Physical Controls	نظارت‌های مادی
Open System	نظام باز	Quantitative Controls	نظارت‌های مقداری
Top-hat Insurance Scheme	نظام بازنشستگی کارمندان	Stand-by Controls	نظارت‌های مقرر
Iranian Islamic Banking System	نظام بانکداری اسلامی ایران	Cost Control; Expense Control	نظارت هزینه
	بانکداری بدون ربا و به جای بهره سود تضمینی پیشاپیش اخذ می‌گردد و قراردادهای در چارچوب عقود اسلام منعقد می‌شوند.	Symmetricalism	نظام آلیازی ضرب سکه از آلیازی از دو فلز قیمتی.
Fractional Reserve Banking System	نظام بانکداری اندوخته‌کسری تقسیم‌پذیر	Convict Lease System	نظام اجاره محکومان
Group Banking	نظام بانکداری متمرکز	Social System	نظام اجتماعی
Commercial Banking System	نظام بانکهای بازرگانی	Officialism	نظام اداری
Crawling	نظام برابریهای خزنده تثبیت خزنده یا سیاست خزنده نرخ ارز روشی است برای تعیین نرخ اسعار که به موجب آن برابری پول ملی نسبت به اسعار خارجی ثابت نمی‌ماند و به کمک یک شاخص پیوسته تغییر می‌یابد.	Feudal System	نظام ارباب - رعیتی
Closed System	نظام بسته	State Use System	نظام استعمار دولتی
Sweating System	نظام بهره‌کشی	Colonial System	نظام استعماری
I.M.O.	نظام بین‌المللی پولی	Fiduciary Money System	نظام اسکناس بی‌پشتوانه
International Money Order	نشانه اختصاری است.	Collectivism; Communism	نظام اشتراکی
Premium System	نظام پاداش	Credit System	نظام اعتباری
Truck System	نظام پایا	Economic System	نظام اقتصادی یا دستگاه اقتصادی، ماهیت زندگی اقتصادی به منزله یک کل از لحاظ طرز تملک و استفاده از مالکیت و حدود دخالت دولت است.
Binary System	نظام پایه دو	Free Enterprise System	نظام اقتصادی آزاد
		Latin American Economic System	نظام اقتصادی امریکای لاتین
			سازمان جانشین کمیسیون اقتصادی کشورهای امریکای لاتین و فعالیت‌های عبارتند از اعطای کمک مالی، تشویق رشد بنگاههای چند ملیتی امریکای لاتین، هدایت کشورها به سوی مواضع مشترک و اجرای سیاستهای اقتصادی هماهنگ در برابر کشورهای غیرامریکای لاتین.

Maximum and Minimum Tariff System	نظام تعرفه بیشینه و کمینه	Gold Standard	نظام پایه طلا
Conventional Tariff System	نظام تعرفه قراردادی	Tonmy System	نظام پرداخت مزد جنسی (غیر نقدی)
Multilinear Tariff; Multiple Tariff System	نظام تعرفه گوناگون	International Payments System	نظام پرداختهای بین‌المللی
Generalized System of Preferences	نظام تعمیمی رجحانها	Fiduciary Money System	نظام پول اعتباری
Pricing System	نظام تعیین قیمت	Gold Currency System	نظام پول طلا
Monometallism	نظام تک فلزی	Monetary System	نظام پولی
	نظام پولی مبتنی بر یک فلز طلا یا نقره به عنوان پایه پولی است.	Managed Monetary System	نظام پولی ارشادی
Polymetallism	نظام چندفلزی	E.M.S.	نظام پولی اروپا
	در این نظام پولی بیش از دو فلز با نسبتی معین پایه پولی و ضرب سکه است.		این نظام مانند مارواره پولی اروپاست که در آن حفظ نرخ پول کشورهای عضو در درون محدوده خاصی نسبت به یکدیگر معین و پیش‌بینی شده است. نشانه اختصاری عنوان European Monetary System است.
Price Support System	نظام حمایت از قیمت	Managed Money	نظام پولی تحت اداره دولت
Single-tax System	نظام تک‌مالیاتی	Polymetallism	نظام پولی چند فلزی
Barter System	نظام تهاتری	Limping Standard	نظام پولی دو فلزی بر پایه طلا
Truck System	نظام تهاتری		
Caste System	نظام تیره‌ای	Parallel Standards	نظام پولی دو فلزی موازی
Manorial System	نظام تیولداری	Monometallism	نظام پولی یک فلزی
Giro System	نظام جیرو	Adjustable Peg System	نظام تثبیت تطبیق پذیر
Rationing System	نظام جیره‌بندی		این اصطلاح بر مجموعه معین یا تثبیت شده‌ای از نرخهای ارز اشاره دارد که در اساس ثابت ولی مجازند به میزان اندکی نوسان کنند.
Household System	نظام خانوادگی	Free Enterprise	نظام تجارت آزاد
Small Holdings System	نظام خرده‌مالکی	Truck System	نظام تحویل کالا به جای مزد
Truck System	نظام دستمزد جنسی	Modified Accrual System	نظام تعدیل شده تهیدی
	همان نظام تحویل کالا به جای مزد است.		
Double Standard	نظام دو پایه‌ای	Autonomous Tariff System	نظام تعرفه مستقل
Binary System	نظام دوتایی		
Bimetallism; Double Standard	نظام دو فلزی		
	سیاست تعیین ارزش واحد پولی یک کشور بر حسب دو فلز طلا یا نقره از طریق تبدیل پول آنها		

Price System	نظام قیمت	به پول رایج و برقراری نسبتی ثابت میان ارزشهای این دو فلز.
Posted Price System	نظام قیمت اعلان شده	نظام دولزی مختلط
Parity Price System	نظام قیمت برابری	نظام دومزدی
Open Price System	نظام قیمت عمومی	یا نظام مزد انتخابی، در حمل و نقل، مزد هم از روی ساعات و هم بر پایه مسافت معین می‌شود.
Pricing System	نظام قیمت‌گذاری	انتخاب با هر کدام بیشتر است.
Basing	نظام قیمت‌گذاری «پایگاهی»	نظام دومیاری
-point System	(اصطلاح حمل و نقل)	نظام دو نرخی طلا
Factory System	نظام کارخانه‌ای	نظام رجحان امپراتوری
	نظام اشتغال که انقلاب صنعتی برقرار کرده است.	System
Factory System of Industry	نظام کارخانه‌ای صنعت	Competitive System
	تولید کارخانه‌ای در مقابل تولید خانگی است.	Sweating System
Correspondent-banking System	نظام کارگزاری بانکی	Domestic System of Industry
Mill Base System	نظام کرایه تا نقطه تحویل به خریدار	Capitalism
		نظام سرمایه‌داری
Merit System (Rating)	نظام لیاقت	Capitalism
Variable Levy System	نظام مالیات بندی متغیر	Bedaux Point System
Proportion Tax System	نظام مالیات متناسب	System
Single-tax System	نظام مالیات واحد	Profit System
Aski System (Aski Trading System)	نظام مبادله آسکی	Merit System
	شکلی از نظارت بر اسعار در آلمان سال ۱۹۳۰ و تحویل مارک مخصوص در برابر واردات، در حساب مخصوص خارجیها برای پرداختهای داخلی.	Point-grading System
Basing-point system	نظام مبداء ثابت	System
Linear Expenditure System	نظام مخارج خطی	Managed Floating
	در این نظام توابع تقاضا به جای یکایک کالاها برای گروههای مختلف کالا تنظیم می‌شوند و قابلیت	Safety-fund Bank System
		نظام صندوق ایمنی بانک
		Household System; Putting out System
		نظام صنعت خانگی
		Spoils System
		نظام غارت و تاراج
		Overdetermined System
		نظام غیرممکن
		Federal Home Loan Bank System
		نظام فدرال بانک وام داخلی
		Priority System
		نظام قدمت

Incentive Payment Systems	نظامهای پرداخت تشویقی	جانیشینی فقط در درون هر گروه وجود دارد. تابع مطلوبیت نیز جمع شدنی است.
Wage Systems	نظامهای مزد	نظام مختلط
Banker's Opinion Advise	نظر بانکدار	سرمایه‌داری در شرایط دخالت دولت.
Stagnation Thesis	نظر رکود	نظام مزارع وسیع مبتنی بر ملاکی و بردگی
Expert Advice	نظر کارشناسی	نظام مزارعه کاری
Keynes Uncertainties of Future	نظر کینز در تردید نسبت به آینده	نظام مزد انتخابی همان نظام مضاعف است.
Advice Theory	نظر مشورتی	Premium Wage System
Austrian Theory of Capital	نظریه اثربشی سرمایه	Incentive Wage System
Ratchet-effect Theory	نظریه اثر ضامن	Contract Wage System
Keynes-effect Theory	نظریه اثر کینزه	Contract Wage System
Real-balance Effect Theory	نظریه اثر مانده واقعی	Colonial System
Theory of Rent	نظریه اجاره	Independent Treasury System
Ricardian Theory of Rent	نظریه اجاره ریکاردو	Federal System
		Domestic System
		Regional Pension System
		Block Meter Rate
		Rating System
		Exchange-rate System
		Multiple Currency System
		Employee Representation System
		Gold Standard
		Safety-fund System
		Social Security Schemes

Over-investment Theory of The Trade Cycle	نظریه اضافه سرمایه‌گذاری دور تجاری	Long Cycle Theory	نظریه ادوار بلندمدت
Credit Theory of the Business Cycles	نظریه اعتباری ادوار کار و کسب	Innovation Theory of the Cycle	نظریه ادواری ابداع Cycle
Excess Capacity Theory	نظریه افزونی ظرفیت	Innovation Theory of The Cycle	نظریه ادواری نوآوری
Disclosure	نظریه افشا		همان نظریه ادواری ابداع است.
Mature-economy Thesis	نظریه اقتصاد رسا	Theory of Value	نظریه ارزش
Mature-economy Thesis	نظریه اقتصاد رسیده		موضوع ارزش ذاتی یک کالا است و برحسب پول ارزش تعیین‌کننده قیمت است.
Economic Theory	نظریه اقتصادی	Theory of Surplus Value	نظریه ارزش اضافی
	بررسی روابط یا فعالیتات اقتصادی که هدف تحلیل و توضیح رفتار عناصر اقتصادی مختلف است.		این نظریه کارل مارکس است که چون ارزش یک کالا مقدار کاری است که در تولید آن به کار رفته، پس کارگران مستحق تمام ارزشی هستند که ایجاد شده است.
Economic Theory of Bureaucracy	نظریه اقتصادی حکومت اداری	Cost-of-production Theory of Value	نظریه ارزش بر پایه هزینه تولی
Economic Theory of Politics	نظریه اقتصادی سیاست	Neoclassical Theory of Value	نظریه ارزش کلاسیک جدید
	در این جا نوعی بودجه‌تراشی، خرج‌تراشی یا نقش بودجه‌افزای سازمانهای دولتی در نظر است.		ارزش یک کالا بر اثر عمل متقابل نیروهای تقاضا و عرضه معین می‌گردد.
Abstinence Theory of Interest	نظریه امساک بهره	Utility Theory of Value	نظریه ارزش مبتنی بر مطلوبیت
	توضیح بهره مثابه قیمتی که وام‌گیرنده به وام‌دهنده می‌پردازد زیرا وام‌دهنده در مصرف قسمتی از درآمد جاری امساک می‌کند.		یا نظریه مطلوبیت ارزش، به موجب این نظریه ارزش یک کالا بر پایه درجه ارضاء نیازهای انسانی معین می‌شود.
Theory of Consumers' Choice	نظریه انتخاب مصرف‌کننده	Final Utility Theory of Value	نظریه ارزش مبتنی بر مطلوبیت نهایی
Diffusion Theory of Taxation	نظریه انتشار مالیات بندی	Theory of Statistical Inference	نظریه استنباط آماری
Commodity Reserve Theory	نظریه اندوخته کالا	Individualism	نظریه اصالت فرد
Hyperdeflation Theory	نظریه انقباض شدید پولی	Institutionalism	نظریه اصالت نهاد
Static Theory	نظریه ایستا		
Theory of Increasing Returns (Economics of Scale)	نظریه بازده‌های صعودی		

- Liquidity preference Theory of Interest** نظریه بهره بر اساس رجحان نقدینگی
- Marginal Productivity Theory of Interest** نظریه بهره بر پایه بهره‌وری نهایی
- Time Preference Theory of Interest** نظریه بهره بر پایه رجحان زمانی
- Theory of Rent** نظریه بهره مالکانه
همان نظریه اجاره یا نظریه بهره است.
- Ricardian Theory of Rent** نظریه بهره مالکانه ریکاردو
- Loanable Funds Theory of Interest** نظریه بهره مبتنی بر وجوه وام‌دانی
- Marginal Productivity Theory** نظریه بهره‌وری نهایی
- Theory of Saving** نظریه پس‌انداز
- Over Saving of Trade Cycle** نظریه پس‌انداز افراطی دور تجاری
همان پس‌انداز اضافی دور کار و کسب است. در این حالت اضافه سرمایه‌گذاری تولیدی افزون بر تقاضای مصرف‌کننده به بازار عرضه می‌دارد و قیمت‌ها و سود سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و دور کار و کسب یا دور تجاری پدیدار می‌گردد.
- Oversaving Theory; Oversaving Theory of Business Cycle** نظریه پس‌انداز افراطی دور کار و کسب
مطابق این نظریه هنگامی که پس‌انداز مورد انتظار بیشتر از سرمایه‌گذاری مورد انتظار است پس‌انداز اضافی نتیجه می‌شود.
- Saving/Investment Theory** نظریه پس‌انداز - سرمایه‌گذاری
- Monetary Theory** نظریه پولی
شاخه‌ای از اقتصاد کلاسیک که تمام جنبه‌های پولی و چگونگی تأثیر و نقش آن را در اقتصاد بررسی می‌کند.
- Games Theory; Theory of Games** نظریه بازیها
تحلیل نظری دو وضعیت است: یکی «تعارض کامل» یا «صفر جمع» که در آن برد یکی باخت دیگری است و در نتیجه حاصل جمع صفر و دیگر «اختلاطی از تعارض و تعاون» که ممکن است دو حریف برای تأمین منافع مشترک دست به همکاری بزنند اما به هنگام تقسیم منافع با یکدیگر به تعارض برخیزند.
- Banker's Opinion** نظریه بانکداران
- Theory of Increasing Misery** نظریه بدبختی متزاید
- Purchasing Power Parity Theory** نظریه برابری قدرت خرید
نظریه‌ایست که بر پایه آن نرخ مبادله یک پول با پول دیگر هنگامی در تعادل قرار می‌گیرد که در سطح این نرخ قدرت خرید داخلی آنها با یکدیگر برابر باشند.
- Exogenous Theory of Business Cycle** نظریه برون‌زای ادوار کار و کسب
- External Theory of Business Cycles** نظریه برونی ادوار کار و کسب
- Theory of Firm** نظریه بنگاه
نظریه‌های سنتی بر فرض بیشینه‌سازی سود استوارند و بنابر درجه رقابت حاکم بر بنگاه پیش‌بینی‌هایی درباره قیمت‌گذاری و تولید به عمل می‌آورند. نظریه‌های نوین بر جدایی مالکیت تصدی تأکید می‌ورزند.
- Theory of The Firm** نظریه بنگاه اقتصادی
- Theory of Rent** نظریه بهره
همان نظریه اجاره یا نظریه بهره مالکانه است.
- Ricardian Theory of Rent** نظریه بهره ریکاردو

Theory of Income Determination	نظریه تعیین درآمد	Monetary Theory of The Cycle	نظریه پولی دور
Location Theory	نظریه تعیین مکان	Monetary Theory of The Cycle	نظریه پولی دور اقتصادی
Prudent Investment Cost Theory of Rate Making	نظریه تعیین نرخ مبتنی بر هزینه سرمایه‌گذاری احتیاطی		یا نظریه دور براساس پول، بر تغییر تمایل مردم از پول به سوی کالا (یا برعکس) یا روی ذخیره جزئی نظام بانکی یا هر دو به منزله دلیل عمده در پیدایش دور اقتصادی تأکید می‌ورزد.
Theory of Variations	نظریه تغییرات	Monetary Overinvestment Theory	نظریه پولی سرمایه‌گذاری افراطی
بررسی نظام اقتصادی در مجموع همراه با عناصر گوناگون موجود در آن با هدف دستیابی به تعادل.		Cambridge Theory of Money	نظریه پولی کیمبریج
Theory of Demand	نظریه تقاضا	Sophisticated (Quantity) Theory of Money	نظریه پیچیده (مقداری) پول
شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به تحلیل عوامل مؤثر در انتخاب خرید مصرف‌کننده از میان همه امکانات موجود در برابر می‌پردازد.		Accelerationist Theory	نظریه پیرو اصل شتاب
Consumer Demand Theory	نظریه تقاضای مصرف‌کننده	Prebisch Thesis	نظریه پیشنهادی پریش
آن بخش از علم اقتصاد است که به بررسی و تحلیل چگونگی رفتار مصرف‌کنندگان در برابر متغیرهایی همچون قیمت خود کالا، قیمت کالاهای دیگر، درآمد و جز اینها می‌پردازد.		Leader Theory	نظریه پیشوا
Synthetic Theory	نظریه تلفیقی	Favourable Balance of Trade Theory	نظریه تراز مساعد بازرگانی
Ability-to-pay Theory	نظریه توانایی پرداخت	Decision Theory	نظریه تصمیم‌گیری
نگرشی به مالیات بدین مضمون که بار مالیات باید بر پایه توانایی پرداخت توزیع شود.			نظریه‌ایست در زمینه اتخاذ تصمیم برای یک سلسله اقدامات مناسب به منظور دستیابی به هدف معین که امکان تغییر آن در آینده باشد.
Ability-to-pay Theory of Tax	نظریه توانایی پرداخت مالیات	Equilibrium Theory	نظریه تعادل
بر پایه این نظریه، مالیات باید بر اساس درآمد یا ثروت وضع و اخذ شود.		Partial Equilibrium Theory	نظریه تعادل جزئی
Theory of Distribution	نظریه توزیع	General Equilibrium Theory	نظریه تعادل عمومی
بخشی از نظریه‌های اقتصادی است که به توضیح چگونگی تعیین قیمت عوامل تولید و در نتیجه درآمد ناشی از هر یک می‌پردازد.		General Equilibrium Theory of International Trade	نظریه تعادل عمومی تجارت بین‌المللی
Marginal Productivity Theory of Distribution	نظریه توزیع بر پایه بهره‌وری نهایی		

Harvest	نظریه دور تجاری بر اساس برداشت	Materials Production	نظریه تولید مواد
Theory of the Trade	محصول کشاورزی	Concept	
Cycle		War Theory	نظریه جنگ
Sunspot	نظریه دور تجاری بر پایه لکه خورشید	Bargaining Theory	نظریه چانه زنی دستمزدها
Theory of the Trade Cycle		of Wages	
Exogenous Business	نظریه دور تجاری برونزا		به موجب این نظریه دستمزدها بر پایه قدرت نسبی
Cycle Theory			چانه زنی کارفرمایان و کارگران یا نمایندگان
	نظریه ای مبتنی بر این باور که یک متغیر برونزی بر		اتحادیه های آنها معین می شود.
	اقتصاد اثر می گذارد ولی خود متقابلاً از آن تأثیر	External Theory	نظریه خارجی ادوار کار و کسب
	نمی پذیرد.	of Business Cycles	
Dualism Theory	نظریه دوگانگی	Self-generating Theory of	نظریه خودزای دور
Dualism Theory	نظریه دوگانه گرایی	Cycle	
Second Best	نظریه دومین بهترین	Internal Theory	نظریه داخلی ادوار کار و کسب
Theory		of Business Cycles	
Commodity Reserve	نظریه ذخیره کالا	Endogenous	نظریه درونزای دور کار و کسب
Theory		Theory of Business Cycle	
Time Preference	نظریه رجحان زمانی بهره		علت یا علل این دور را در تغییرات و تطبیقات
Theory of Interest			اقتصاد مربوط به خود طبیعت اقتصاد جدید می داند.
	نظریه روان شناختی علت وجودی اندازه بهره است.	Marginal	نظریه دستمزدها بر پایه بهره وری نهایی
	برطبق این نظریه شخص به دو دلیل مصرف حال را	Productivity of Wages	
	بر مصرف آینده ترجیح می دهد: (۱) از احتمال مرگ		یا نظریه بهره وری نهایی دستمزدها، این است که
	خود پیش از بهره گیری از مصرف معوق آگاه است و		دستمزدها در سطح کلی و بخشها تابع تولید اضافی
	(۲) مردم مایلند به منافع آینده ارزش کمتری		ناشی از یک کارگر افزوده بر عده کارگران است.
	بدهند.	Weather	نظریه دور اقتصادی براساس
Liquidity	نظریه رجحان نقدینگی بهره	Theory of the Cycle	چگونگی هوا
-preference Theory of Interest		Underconsumption	نظریه دور اقتصادی براساس
Growth Theory	نظریه رشد	Theory of the Business	مصرف نامکفی
	الگوی بررسی اقتصاد از زاویه تغییرات حجم	Cycle	
	سرمایه، جمعیت و ترقی فنی است.	Innovation Theory of	نظریه دور بر پایه ابداع
Neo-classical	نظریه رشد کلاسیک جدید	The Cycle	
Growth		Long Cycle Theory	نظریه دور بلندمدت
Keynesian Growth	نظریه رشد مکتب کینز		دوره طولانی کساد که پس از یک دوره رونق نسبی
Theory			نمودار شود و از حیث مدت نیز مشابه آن باشد.

Over-investment Theory of Business Cycle	نظریه سرمایه‌گذاری افراطی	Neo-classical Theory of Growth	نظریه رشد نو کلاسیک
دور کار و کسب			
مطابق این نظریه دور کار و کسب از زیادتی سرمایه‌گذاری به دو صورت است: (۱) طرزهای سرمایه‌گذاری بیش از پس‌اندازهای مورد تعهد است و (۲) پس‌اندازها و سرمایه‌گذاریها بیش از میزان مورد نیاز ایجاد می‌شود و پس از آن که سرمایه‌گذاریها به ثمر رسیدند مقدار تولید به قیمت‌های سودبخش نمی‌تواند به فروش برود.			منظور تضمین رشد پایدار سهولت جانشینی کار و سرمایه در تابع تولید بوده و ترقی فنی متغیر برونزا فرض شده است.
Under-investment Theory of the Trade Cycle	نظریه سرمایه‌گذاری نامکفی دور تجاری	Theory of Market Behaviour	نظریه رفتار بازار
تجاری			
Acceleration Theory	نظریه شتاب	Theory of Monopolistic Competition	نظریه رقابت انحصارگرا
Theory of Increasing Misery	نظریه شوربختی فزاینده	Theory of Monopolistic Competition	نظریه رقابت انحصاری
Agio Theory of Interest	نظریه صرفی بهره	Job Competition Theory	نظریه رقابت شغلی
بر پایه این نظریه بهره عبارت است از جایزه‌ای که برای تصرف فوری پول پرداخته می‌شود.		Stagnation Theory	نظریه رکود
Queueing Theory	نظریه صف انتظار	Secular Stagnation Theory	نظریه رکود قری
نظریه‌ای در تحقیق عملیاتی برای تعیین زمانهای تأخیر و صفوف انتظار در شرایطی است که خدمات بنگاه به طور متوالی و مراجعه مشتریان به طور نامرتب انجام می‌گیرد.			
Multiplier Doctrine	نظریه ضریب افزایش	Psychological Theory of Business Cycle	نظریه روانی دور اقتصادی
Multiplier Doctrine	نظریه ضریب فزاینده	Lender Theory	نظریه رهبر
Excess Capacity Theory	نظریه ظرفیت اضافی	Reproduction New Cost Theory of Rate Making	نظریه ساخت نرخ براساس هزینه جدید تولید مجدد
در این جا بنگاهها در رقابت انحصاری و در تعادل بلندمدت قرار دارند و روی قسمت نزولی منحنی‌های هزینه متوسط بلندمدت خود تولید می‌کنند و در نتیجه تولیدشان در نقطه‌ای پیش از حداقل هزینه است.		Capital Theory	نظریه سرمایه
Supply Theory of Inflation	نظریه عرضه تورم		
به موجب این نظریه اگر چه افزایش عرضه پول عامل اساسی ایجاد تورم است اما عرضه کمکه‌های			مجموعه‌ای از نظریه‌های اقتصادی درباره این واقعیت است که تولید به طور کلی مستلزم در داده‌ها یا منابعی است که خود نیز تولید شده‌اند. وجود این وسایل تولید یا سرمایه در هر نظام اقتصادی دارای اهمیت خاصی است و در تأمین آن نقش زمان و برنامه‌ریزی باید مورد توجه قرار گیرد.

- پولی نیرنگ سیاسی برای جلب آراء مردم است.
- Price Specie-flow Theory** نظریه قیمت و جریان پول مسکوک
- Underdevelopment Theory** نظریه عقب‌ماندگی
- کندی توسعه سرمایه‌داری و تحولات اقتصادی مستقل در مناطق پیرامونی را ناشی از کارکرد مبادله نابرابر می‌داند.
- Declining -marginal-efficiency-of Capital Theory** نظریه کارآیی نهایی نزولی سرمایه
- General Theory of Second Best (the)** نظریه عمومی دومین بهترین
- Fellow Servant Doctrine** نظریه کارگر همکار
- Surplus Labour and Value Theory** نظریه کار و ارزش اضافی
- Lump-of-labor Fallacy** نظریه غلط وجه مقطوع مزد
- Labour Theory of Value** نظریه کاری ارزش
- Cardinal Utility Theory** نظریه فایده اصلی
- توضیحی در تعیین قیمت‌های نسبی بر اساس مقدار کار زنده و متراکم یا متبلور در یک کار است.
- Equal Sacrifice Theory** نظریه فداکاری برابر
- بنا بر اصل توانایی پرداخت مالیات‌دهنده به میزان مطلوبیت ناشی از درآمد خود فداکاری می‌کند. این فداکاری برابر یا نسبی و یا مطلق و یا نهایی است.
- Commodity Theory of Money** نظریه کالایی پول
- Marginal Productivity Theory** نظریه فرآوری نهایی
- Classical Theory of Employment** نظریه کلاسیک اشتغال
- همان نظریه بهره‌وری نهایی است.
- Classical Theory of Rate of Interest** نظریه کلاسیک اندازه بهره
- Marginal Productivity Theory of Interest** نظریه فرآوری نهایی بهره
- در این مکتب اندازه بهره صرفاً میزان بازده ناشی از سرمایه‌ایست که به کار رفته است.
- Underconsumption Theory** نظریه کم‌مصرفی
- Marginal Productivity Theory of Distribution** نظریه فرآوری نهایی توزیعی
- Under-saving Theory of Trade Cycle** نظریه کمی پس‌انداز دور تجاری
- Marginal Productivity Theory of Wages** نظریه فرآوری نهایی مزد
- Underconsumption Theory of the Business Cycle** نظریه کمی مصرف دور
- Sacrifice Tax Theory** نظریه قربانی مالیات
- Keynesian Growth Theory** نظریه کینزی رشد
- Price Theory** نظریه قیمت
- مبحث اقتصاد خرد که به تحلیل راه‌های تعیین قیمت در اقتصاد بازار و نقش آن در تخصیص منابع می‌پردازد.
- Sunspot Theory of the Trade Cycle** نظریه لکه خورشید دور تجاری
- Administered Price Theory** نظریه قیمت اداره‌شده
- Linder Thesis** نظریه لیندر
- این نظرات که هر قدر درآمد سرانه کشورها به هم نزدیک‌تر باشد حجم کالاهای صنعتی مورد مبادله آنها بیشتر است.
- با نظریه قیمت، توافقی قیمتی است که بدون توجه به عرضه و تقاضا در بازار از طریق توافق مدیران معین می‌شود.

Subsistence Theory of Wages	نظریه مزد بر پایه حداقل معیشت	Ability to Pay Tax Theory	نظریه مالیات بر اساس توانایی پرداخت
Lump of Wages Theory of Wages	نظریه مزد بر پایه دستمزد یکجا	Sacrifice Tax Theory	نظریه مالیات بر اساس فداکاری
Characteristics Theory	نظریه مشخصات	Benefit Tax Theory	نظریه مالیات بر پایه فایده
Underconsumption Theory	نظریه مصرف نامکفی	Benefit Theory of Taxation	نظریه مالیات بندی بر پایه فایده
Utility Theory of Value	نظریه مطلوبیت ارزش	Benefit Theory of Taxation	نظریه مالیات بندی بر پایه نفع
Cardinal Utility Theory	نظریه مطلوبیت اصلی	Benefit Tax Theory	نظریه مالیات در برابر خدمت
Ordinal Utility Theory	نظریه مطلوبیت ترتیبی	Sacrifice Tax Theory	نظریه مالیات مبتنی بر فداکاری
Final Utility Theory of Value	نظریه مطلوبیت نهایی ارزش	Diffusion Tax Theory	نظریه مالیاتی انتشار
Marginal Utility Theory of Interest	نظریه مطلوبیت نهایی بهره	Residual Theory of Wages	نظریه مانده ای مزد
Sophisticated (Quantity) Theory of Money	نظریه (مقداری) بفرنج پول	Real-balance Theory	نظریه مانده واقعی
Quantity Theory of Money	نظریه مقداری پول	Characteristics Theory	نظریه مختصات
	رابطه میان مقدار پول در اقتصاد و سطح قیمت‌هاست.		یا نظریه مشخصات، این اندیشه را می‌رساند که مصرف کننده مختصات محصول را تقاضا می‌کند و نه خود محصول را.
Modern Quantity Theory of Money	نظریه مقداری جدید پول	Wage Theory	نظریه مزد
New Quantity Theory of Money	نظریه مقداری نوین پول	Residual Theory of Wages	نظریه مزد بر اساس باقیمانده
Location Theory	نظریه مکان یابی	Subsistence Theory of Wages	نظریه مزد بر اساس سطح معیشت
	به شرط عدم تغییر دیگر عناصر، بنگاهها در مکانی استقرار می‌یابند که کل هزینه حمل و نقل آنها به میزان کمینه برسد.		
Weberian Location Theory	نظریه مکان یابی وبر	Residual-claimant Theory of Wages	نظریه مزد بر اساس مدعی باقیمانده
	در شرایط رقابت کامل، اگر کالا وزن کم کند، بنگاه نزدیک منابع اولیه استقرار می‌یابد، اگر کالا وزن اضافی یابد بنگاه باید نزدیک بازار مستقر گردد. به		
		Wage-fund Theory of Wages	نظریه مزد بر اساس وجه مزد
		Marginal Productivity Theory of Wages	نظریه مزد بر پایه بهره‌وری (فراوری) نهایی
		Marginal Productivity Theory of Wages	نظریه مزد بر پایه بهره‌وری نهایی تولید

Malthusian Theory of Population	نظریه نفوس مالتوسی	طور کلی بنگاه باید یا در محلی بازار یا در جایگاه مواد اولیه استقرار پیدا کند.
Innovation Theory of the Cycle	نظریه نوآوری دور	نظریه موجودی واقعی
Marginal Theory of Distribution	نظریه نهایی توزیع	Falling-rate-of-profit Theory
Commercial Loan Theory	نظریه وام بازرگانی	Astronomical Theory of
Loanable Funds Theory of Interest	نظریه وجوه وام‌دانی بهره	نظریه نجومی دور تجاری
Wages-fund Theory	نظریه وجه مایه	همان نظریه لکد خورشیدی دور تجاری و مشمر است به این که شدت متغیر پرتو خورشید روی برداشت محصول و فعالیت اقتصادی تأثیر دارد و منشاء دور تجاری است.
Wages-fund Theory	نظریه وجه مزد	Fair Return or Fair Value Theory of Rate Making
	پرداخت دستمزد کارگران پیش از فروش محصول به اعتبار فروش آن در آینده.	نظریه نرخ‌گذاری براساس بازده منصفانه
Subsistence Theory of Wages	نظریه وجه معاش مزد	Original Cost Theory of Rate Making
Wage-fund Theory of Wages	نظریه وجهی مزد	نظریه نرخ‌گذاری براساس هزینه اصلی
Characteristics Theory	نظریه ویژگیها	Reproduction New Cost Theory of Rate Making
	همان نظریه مختصات یا مشخصات است.	نظریه نرخ‌گذاری براساس هزینه
Theories of Value	نظریه‌های ارزش	Cost Theory of Rate Making
Equal Sacrifice Theories	نظریه‌های اینثار یکسان	نظریه نرخ‌گذاری براساس هزینه سرمایه‌گذاری
Theories of Science	نظریه‌های برنامه‌ریزی علم	Prudent Investment Cost Theory of Rate Making
Planning		نظریه نرخ‌گذاری براساس هزینه سرمایه‌گذاری احتیاطی
Dynamic Theories of Comparative Advantage	نظریه‌های پویای برتری نسبی	Racism
Demand Theories	نظریه‌های تقاضا	نظریه نژادی
		همان نژادگرایی یا تبعیض نژادی است.
		Falling-rate-of-profit Theory
		نظریه نسبت نزولی سود

Ideal Seasonal Price Pattern	نظم آرمانی قیمت فصلی	Monocausal Theories	نظریه‌های تک‌علتی
Statistical Regularity	نظم آماری	Theories of the Trade Cycle	نظریه‌های دور تجاری
Social Order	نظم اجتماعی	Theories of the Trade Cycle	نظریه‌های دور کار و کسب
Natural Order	نظم طبیعی	Growth Theories of the Firm	نظریه‌های رشد بنگاه
«Gift of Nature»	«نعمت طبیعت»	Behavioural Theories of the Firm	نظریه‌های رفتاری بنگاه
Petroleum	نفت	Equal Sacrifice Theories	نظریه‌های فداکاری برابر
Petrol	نفت خام (در ایالات متحد)	Managerial Theories of the Firm	نظریه‌های مدیریتی بنگاه
Petroleum	نفت خام	Monocausal Theories	نظریه‌های یک‌علتی
Profit	نفع	Original Cost	نظریه هزینه اصلی تعیین نرخ
Excess Profit	نفع اضافی	Theory of Rate Making	نظریه هزینه تولید
Year-end Dividend	نفع اضافی آخر سال	Cost of Production	نظریه هزینه تولید ارزش
Economic Interest; Economic Profit	نفع اقتصادی	Cost-of-production Theory of Value	نظریه هزینه تولیدی ارزش
Gainer	نفع بر	Cost-of-production Theory of Value	نظریه هزینه تولیدی ارزش
Insurable Interest	نفع بیمه‌ای	Investment	نظریه هزینه سرمایه‌گذاری برای تعیین نرخ
Benefit in Kind	نفع جنسی	Cost Theory of Rate Making	نظریه هزینه سرمایه‌مدیلیانی - میلر
Gainage	نفع حاصله از کشاورزی	Modigliani - Miller Theory of Cost of Capital	نظریه هزینه سرمایه - میلر - ملر
Net Benefit; Net Profit	نفع خالص		به اصطلاح مالی، مجموع اسناد قرضه (یا وجوه درازمدت) و منافع مالکیت را در یک شرکت گویند.
Jobber's Turn	نفع دلال		
Self-interest	نفع شخصی		
Public Interest	نفع عمومی		
Short Interest	نفع مختصر		
Gross Profit	نفع ناخالص		
Windfall Gain or Loss	نفع یا ضرر غیرمترقبه		
Estovers	نفته		
Market Penetration	نفوذ در بازار		
Population	نفوس		
Stable Population	نفوس ثابت		
Declining Population	نفوس نزولی		
Valuable	نفیس		
No Taxation	نفی مالیات بدون نمایندگی		
Without Representation			

Net Cash	نقدی خالص	Trans-shipment Points	نقاط انتقال محموله
Liquidity	نقدینگی	Specie Points	نقاط طلا
Liquidity of Commercial Papers	سرعت تبدیل یک دارایی یا مال به پول نقد.	Specie Points	نرخهای مبادله‌ای که بر پایه آنها صدور یا ورود طلا سودآور باشد.
Excess Liquidity	نقدینگی اضافه	Specie Points	نقاط مسکوک
Liquidity of Banks	نقدینگی بانکها	Gold Specie Points	نقاط مسکوک طلا
Commercial Banks' Liquidity	نقدینگی بانکهای بازرگانی	Cash; Spot	نقد
International Liquidity	نقدینگی بین‌المللی	On The Spot; Pecuniarily	نقداً
		Terms Cash	نقداً قابل پرداخت
		C.W.O.	نقد با سفارش
			نشانه اختصاری Cash With Order است.
	مقدار طلا، ارز اندوخته و حق برداشت مخصوص که برای تأمین مالی تجارت بین‌المللی موجود است.	Cash and Carry	نقد بپرداز و ببر
		Nail; Pay on The Nail	نقد پرداختن
		Down Payment	نقد پرداختی
Liquidity	نقدینگی جاری	Buy Cash	نقد خریدن
	یا استطاعت مالی برای پرداخت دیون، سرعت تبدیل یک مال به پول.	Pay Down	نقد دادن
World Liquidity	نقدینگی جهانی	Spot Cash	نقد در دسترس
Asset Liquidity	نقدینگی دارایی	Petty Cash	نقد سر دست
Liquidity of Consumer Asset	نقدینگی دارایی مصرفی	Cashable	نقدشدنی
		Paid	نقد شده
Reserve Period	نقدینگی دوره اندوخته	Cash in	نقد صندوق
Liquidity		Prompt Cash; Spot Cash	نقد فوری
Corporate Liquidity	نقدینگی شرکتی	Hard Cash	نقد فی المجلس
Liquid	نقدینه	Cash	نقد کردن
	آن اموال گرانبها را گویند که تبدیل آنها به نقد نسبتاً به آسانی صورت می‌گیرد.	Cash a Cheque	نقد کردن چک
Liquidate	نقدینه کردن	Redeemable	نقد کردنی
Cash and Accrual	نقدی و تعهدی (فروشها)	Encash	نقد گرفتن (چک و جز این)
Store of Value	نقش ارزش اندوزی پول	Sinking Fund	نقد و درآمد بهره
Function		Cash; Pecuniary; Spot	نقدی
Store of Value	نقش (پول) به عنوان ارزش اندوز	Sinking Fund	نقد یا سایر داراییها
Function			یا وجوه استهلاکی یا وجوه ذخیره، برای بازپرداخت غایبی، جزئی یا کامل قرضه‌ها یا وام ملی یا استهلاک قروض دیگر است.

Imperfection in Job Markets	نقص در بازارهای کار	Pension Plan	نقشه بازنشستگی
			همان طرح یا برنامه بازنشستگی است.
Imperfection in Job Markets	نقص در بازارهای مشاغل	Iso-cost Map	نقشه برابری هزینه
		Ambitious Scheme	نقشه بلندپروازانه
Flaw in the Price System	نقص در نظام قیمت	Indifference Map	نقشه بی تفاوتی
Deficiency Bill	نقص سند		مجموعه‌ای از چند منحنی بی تفاوتی متوالی که هر
Apparent Defect	نقص ظاهری		یک مجزا از منحنی قبلی خود در سمت شمال
Permanent Disablement	نقص همیشگی		شرقی محور مختصات قرار داشته باشد.
Anticipatory Breach	نقض پیش از وقت	Scatter Chart	نقشه پاشیده
Gazumping	نقض تعهد فروش		یا نقشه پراکنده یا نمودار پراکنده، روش نموداری
Breach of Promise	نقض عهد		است که روابط واقعی میان دو متغیر را به وسیله
Breach of Rule	نقض قانون		نشانه‌های نقطه‌ای نمایش می‌دهد.
Breach of Contract	نقض قرارداد	Scheme of Composition	نقشه توافق
Breach of Promise	نقض قول	Organization Plan	نقشه سازمان
Saturation Point	نقطه اشباع	Process Chart	نقشه فراگرد
Turning Point	نقطه برگشت	Activity Chart	نقشه فعالیت
Point of Indifference	نقطه بی تفاوتی	Limited Payment	نقشه محدود بیمه زندگی
Best-profit Point	نقطه بیشترین نفع	Plan of Life Insurance	
Point of Zero Saving	نقطه پس انداز صفر	Scheme of Composition	نقشه مصالحه
Price Equalization Point	نقطه تساوی قیمت	Investment Schedule	نقشه‌های سرمایه‌گذاری
Cash Break-even Point	نقطه تساوی نقد	Public Works Programs	نقشه‌های کارهای عمومی
Conversion Point	نقطه تسعیر		
Shut Down Point	نقطه تعطیل	Iso-cost Map; Level Charge Plan	نقشه هزینه برابر
Gold Point of Exchange	نقطه تعویض طلا		
Split-off Point	نقطه تفکیک	Level Charge Plan	نقشه هزینه متعادل
Gold Export Point; Gold Points	نقطه خروج طلا	Iso-cost Map	نقشه هزینه یکسان
Export Specie Point	نقطه خروج مسکوک	Falling off in Value	نقصان ارزش
Point of Purchase good	نقطه خرید کالا	Percentage Depletion	نقصان به صورت درصد
Peril Point	نقطه خطر	Intercompany Elimination	نقصان در به کار انداختن سرمایه
Bliss Point	نقطه رضایت	Decrement	نقصان قیمت بین دو زمان
	مربوط است به تعادل مصرف‌کننده که در آن	Cost Depletion	نقصان هزینه
	مصرف‌کننده نسبت به کالاهای مصرف شده به	Market Imperfection	نقص بازار

Gold Import Point; Gold Importing Point; Import Specie Point	نقطه ورود طلا	اشباع کامل رسیده است و نقطه ارضای او در محدودیت بودجه قرار دارد.
Singular Point	نقطه ویژه	نقطه سر به سر
Report	نقل حساب	نقطه سر به سر سطح درآمد
Balance Brought Forward	نقل مانده از دوره قبل	نقطه ای که در آن مخارج مصرفی درست برابر با درآمد شود.
Industrial Migration	نقل مکان صنعت	نقطه سر به سر سود
Remedial Transfers	نقل و انتقال اصلاحی	Point
Gold Movement	نقل و انتقال طلا	نقطه سر به سر مالی
Anti-thesis	نقیض	Point
Growth-stock Paradox	نقیض رشد - سهام	نقطه سر به سر و خط ۴۵ درجه
Fail in Payment; Pay Pause	نکث در پرداخت	Point and 45° Line
Acceptance Denial; Dishonour; Non-acceptance; Repudiation	نکول	Saturation Point
	نپذیرفتن برات از سوی برات گیر.	نقطه سیری
Back Bill	نکول برات	Bullion Point
Default	نکول کردن	نقطه شمش
Dishonour Draft	نکول کردن یک برات	Export Point
Opportunity	نگرش به تجارت بین المللی بر پایه	نقطه صدور
Cost Approach To International Trade	هزینه فرصت	Export Specie Point
		نقطه صدور پول فلزی
The Savings	نگرش پس انداز - سرمایه گذاری به	Gold Exporting Point
-investment Approach to the Balance of Payments	تراز پرداختها	نقطه صدور طلا
Portfolio Balance	نگرش تراز دارایی اسنادی	Point of Inflection; Turning Point
Approach to the Balance		نقطه عطف
Velocity Approach	نگرش سرعت (پول)	نقطه ای در دور تجاری که جهت فعالیتهای اقتصادی در آن جا وارونه می شود.
Portfolio Balance	نگرش مانده دارایی اسنادی	Efficiency Point
Approach		نقطه کارایی
Cash Balance Approach	نگرش مانده نقدی	Point of Purchase
Real	نگرش هزینه واقعی در تجارت بین المللی	نقطه کالاهای خریداری
Cost Approach to International Trade		Goods
		نقطه مبادله طلا
		Gold Point of Exchange
		Basis Point
		نقطه مبدا (برای قیمت)
		Peril Point
		نقطه مخاطره
		Bull
		نقطه مساعد برای پیش خرید کننده
		Point
		(اصطلاح بورس)
		Import Point
		نقطه ورود
		Import Specie Point
		نقطه ورود پول مسکوک
		Import Bullion Point
		نقطه ورود شمش طلا

Diagrammatic Representation	نمایش نموداری	Ngultram, N	نگولترام، واحد پول بوتان
Ratio Chart	نمایش نموداری داده‌های آماری	Perpetual Inventory	نگهداری حساب اموال
Representative	نمایشی	Warehousing	نگهداری در انبار
Selling Office (of a Cartel)	نمایندگان بازرگانی فروش	Conservation of Exhaustible Resources	نگهداری منابع پایان پذیر
Buying Agents	نمایندگان خرید	Soil Conservation	نگهداری و تقویت قدرت تولیدی زمین
Shipping and Forwarding Agents	نمایندگان کشتیرانی و حمل و نقل	Mode	نما
Agency	نمایندگی		ارزشی که در یک رگوه از مشاهدات بیش از سایر ارزشها تکرار شده است.
Advertising Agency	نمایندگی آگهی و تبلیغات تجاری	Indicator	نماگر
Credit Agency	نمایندگی اعتباری	Lagging Indicator	نماگر تأخیر دار
Exclusive Agency	نمایندگی انحصاری	Lagging Indicator	نماگر درنگ دار
Exclusive Agency Listing	نمایندگی انحصاری فروش و اجاره با	Lagging Indicator	نماگر درنگیده
Commercial Representative	نمایندگی بازرگانی	Economist-extel Indicator	نماگر قیمت‌های مهم صنعتی
Banks' Correspondent	نمایندگی بانکها	Leading Indicators	نماگرهای اساسی
European Productivity Agency	نمایندگی بهره‌وری اروپا	Leading Indicators	نماگرهای اصلی
Federal Security Agency	نمایندگی تأمین اجتماعی فدرال	Economic Indicators	نماگرهای اقتصادی
F.S.A.	نمایندگی تأمین فدرال	Business Indicators	نماگرهای بازرگانی
Mercantile Agency	نمایندگی تجاری	Production Factors	نماگرهای تولید
Agency for International Development	نمایندگی توسعه بین‌المللی	Business Indicators	نماگرهای کار و کسب
Forwarding Agency	نمایندگی حمل و نقل	Leading Indicators	نماگرهای مقدم
Registered Representative	نمایندگی رسمی	Coincident Indicator	نماگر همزمان
European Productivity Agency	نمایندگی فرآوری اروپا	Diagrammatic Representation	نمایش ترسیمی
Agency		Trade Fair	نمایشگاه بازرگانی
Forwarding Agency	نمایندگی فرستنده بار	International Trade Fair	نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی
Agency Selling	نمایندگی فروش	Fair	نمایشگاه کالا
		Trade Fair	نمایشگاه کالاهای تجاری
		Fairs and Markets	نمایشگاهها و بازارها

Agent Acting for a Seller as Principle	نمایندۀ عامل فروش به عنوان اصیل	Customs Agency	نمایندگی گمرکی
Forwarding Agent	نمایندۀ فرستندۀ بار	Specialized Agency	نمایندگی متخصص
Salesman; Sales Representative	نمایندۀ فروش	Common Selling Agency	نمایندگی مشترک فروش
Syndic	نمایندۀ قانونی	Delegation of Authority	نمایندگی مقام مسنول
Shop Steward	نمایندۀ کارگران	Stock Clearing Agency	نمایندگی واریز سهام
Business Agent	نمایندۀ کار و کسب	Agent	نمایندۀ
Import Agent	نمایندۀ کالاهای وارداتی	Redemption Agent	نمایندۀ اتاق تهاتر
General Agent	نمایندۀ کل	Redemption Agent	نمایندۀ اداره تصفیہ
Customs Agent	نمایندۀ گمرکی	Commissioner	نمایندۀ اداری
Fiscal Agent	نمایندۀ مالی	Transfer Agent	نمایندۀ انتقال
Accredited Agent	نمایندۀ مجاز	Sole Agent	نمایندۀ انحصاری
Customer's Man	نمایندۀ مشتری در بورس	Commercial Agent; Mercantile Agent	نمایندۀ بازرگانی
Clearing House Agent; Redemption Agent	نمایندۀ مؤسسۀ تهاتری	Representative of Drawer	نمایندۀ براتکش
Case of Need	نمایندۀ واگذارندۀ برات	Assurance Agent; Insurance Agent	نمایندۀ بیمه
Debt Collecting Agent	نمایندۀ وصول مطالبات	Lloyds Agent	نمایندۀ بیمۀ لویدز
Special Agent	نمایندۀ ویژه	Clearing House Agent	نمایندۀ تصفیہ
Supercargo	نمایندۀ یا عامل و یا کارگزار تجارخانه	Bargaining Agent	نمایندۀ چانه زنی
	یا بازرگان در یک کشور بیگانه	Commission Agent	نمایندۀ حق العمل کار
Guessed Scores	نمره های فرضی	Forwarding Agent; Shipping Agent	نمایندۀ حمل و نقل
Scatter Diagram	نمودار پراکنش	Purchasing Agent	نمایندۀ خریدار
Functional Forms Analysis Chart	نمودار تحلیل پرسشنامه های کارکردی	(Middleman)	
Pictogram	نمودار تصویری	Application Agent	نمایندۀ درخواست کننده
Flow Diagram	نمودار جریان	Accredited Agent	نمایندۀ رسمی
Flow Chart	نمودار جریان کار	Registered Representative	نمایندۀ رسمی بورس
Chart of Accounts	نمودار حسابها	Manufacturer's Agent; Manufacturer's Representative	نمایندۀ سازنده
Circle Chart; Pie Chart; Pie Diagram	نمودار دایره ای	Shipping Agent	نمایندۀ شرکت کشتیرانی
Organigramme; Organization Chart	نمودار سازمانی	Export Agent	نمایندۀ صادراتی

Performance Sampling	نمونه‌برداری از طرز اجرای کار	Bar Chart; Bar Diagram; Column Diagram; Histogram	نمودار ستونی
Random Sampling	نمونه‌برداری تصادفی		نمایش ترسیمی یک توزیع فراوانی که در آن فراوانی مقادیر مختلف یک متغیر در محدوده‌ای معین به توسط ستونهایی به موازات محور عمودی مختصات نشان داده می‌شود.
Multiphase Sampling	نمونه‌برداری چنددرجه‌ای	Age-earning Profile	نمودار سن - درآمد
Multi-stage Sampling	نمونه‌برداری چندمرحله‌ای		نمایش ترسیمی رابطه میان درآمد و سن.
Stratified Sampling	نمونه‌برداری چینه‌ای	Break-even Chart	نمودار سر به سر
Simple Sampling	نمونه‌برداری ساده	Profitgraph	نمودار سود
Stratified Sampling	نمونه‌برداری لایه‌ای	Process Chart	نمودار فراگرد اجرای طرح
Stratified Sampling Proportional to the Size	نمونه‌برداری متناسب با ابعاد چینه افراد	Frequency Diagram	نمودار فراوانی
Double-sampling	نمونه‌برداری مضاعف	Activity Chart	نمودار فعالیت
Systematic Sampling	نمونه‌برداری منظم	Logarithmic Chart	نمودار لگاریتمی
Lot-acceptance Sampling	نمونه‌برداری مورد قبول		نمونه‌برداری که در آن یک یا هر دو محور مختصات برحسب لگاریتم تقسیم شده است.
Spit	نمونه‌برداری وارسی	Process Chart	نمودار مراحل اجرای کار
Adequate Sample	نمونه بسنده	Phase Diagram	نمودار مرحله‌ای
Random Sample	نمونه تصادفی	Correlation Diagram	نمودار همبستگی
Matched Sample	نمونه جور	Increment of Revenue	نمودار درآمد
Deposit Slip	نمونه چایی امانت	Sample; Specimen	نمونه
Deposit Slip	نمونه چایی سپرده	Prototype	نمونه آزمایشی
Statement Form	نمونه چایی گزارش	Sample	نمونه آماری
Stratified Sample	نمونه چینه‌ای	Incidental Sample	نمونه اتفاقی
Purchase Journal	نمونه دفتر	Probability Sample	نمونه احتمالات
Journal Form	نمونه دفتر روزنامه	Probability Sample	نمونه احتمالی
Purposive Sample	نمونه سودمند	Anti-type	نمونه اصلی
Quota Sample	نمونه سهمیه	Speciment Signature	نمونه امضاء
Nonrandom Sample	نمونه غیر تصادفی	Chunk	نمونه انتخابی
Small Sample	نمونه کوچک	Sampler	نمونه‌بردار
Sampling	نمونه‌گیری	Sampling	نمونه‌برداری
Statistical Sampling	نمونه‌گیری آماری	Statistical	نمونه‌برداری آماری
Probability Sampling	نمونه‌گیری احتمال	Sampling	

Purposive Sample	نمونه متضمن مقصود	Biased Sampling	نمونه‌گیری آریبی
Mixed Sample	نمونه مختلط	Activity Sampling	نمونه‌گیری از فعالیت
Adequate Sample	نمونه مناسب	Stratified Sampling with Equal Size of Sample	نمونه‌گیری بانمونه مساوی در طبقات
Systematic Sample	نمونه منظم	Sequential Sampling	نمونه‌گیری تدریجی
Stratified Sample	نمونه نسبی	Random Sampling	نمونه‌گیری تصادفی
Dummy; Mock Up	نمونه نمایشی کالا	Simple Random Sampling	نمونه‌گیری تصادفی ساده
Purposive Sample	نمونه وضعی	Double-sampling	نمونه‌گیری تکراری
Commercial Samples	نمونه‌های بازرگانی	Multiphase Sampling	نمونه‌گیری چندمرحله‌ای
Nonprobability Samples	نمونه‌های غیراحتمالی	Stratified Sampling with Optimum Allocation	نمونه‌گیری چینه‌ای با تخصیص بهینه
Parallel Samples	نمونه‌های موازی	Stratified Sampling Proportional to the Size	نمونه‌گیری چینه‌ای متناسب با بزرگی
Parallel Samples	نمونه‌های همتا	Cluster Sampling	نمونه‌گیری خوشه‌ای
Matched Sample	نمونه همتا	Sequential Sampling	نمونه‌گیری دنباله‌ای
Matched Sample	نمونه همسان	Two Stage Sampling	نمونه‌گیری دو درجه‌ای
Trade Creation	نوآوری تجاری	Sequence Sampling	نمونه‌گیری دوره‌ای
Apprenticeship	نوآوری کار	Simple Sampling	نمونه‌گیری ساده
Innovator	نوآور	Simple Random Sampling	نمونه‌گیری ساده تصادفی
Innovation	نوآوری	Sampling Quota	نمونه‌گیری سهمیه
همان ابداع است و آن معمول داشتن محصولات یا فراگردهای تولید جدید است.		Quota Sampling	نمونه‌گیری سهمیه‌ای
Social Innovation	نوآوری اجتماعی	Performance Sampling	نمونه‌گیری عملکرد
Process Innovation	نوآوری فراگرد	Cluster Sampling	نمونه‌گیری گروهی
Product Innovation	نوآوری محصول	Questionnaire Sampling	نمونه‌گیری مبتنی بر پرسشنامه
Depressed Areas	نواحی بی‌رونق	Area Sampling	نمونه‌گیری مکانی
همان نواحی محروم است.		Area Sampling	نمونه‌گیری منطقه‌ای
Growth Areas	نواحی رشد	Stratified Sampling	نمونه‌گیری نسبی
Depressed Areas	نواحی عقب‌افتاده	Judgment Sampling	نمونه‌گیری نظری
همان نواحی بی‌رونق است.		Stratified Sample	نمونه لایه‌ای
Derelict Areas	نواحی متروکه	Free Sample	نمونه مجانی
Distressed Areas	نواحی مصیبت‌زده		
Intermediate Areas	نواحی واسطه		
Paper Tape Reader	نوارخوان کاغذی (اصطلاح رایانه)		

Flation; Oscillation	نوسان	Ticker Tape	نوار دستگاه ضبط
Swing	نوسان آزاد	Physical Record	نوار فیزیکی (اصطلاح رایانه)
Fluctuations	نوسانات	Punched Paper Tape	نوار کاغذی منگنه شده
Cylcal Fluctuations	نوسانات ادواری	Magnetic Tape	نوار مغناطیسی (اصطلاح رایانه)
Economic Fluctuations	نوسانات اقتصادی	Rolling Stock	نواقل روی خط آهن
Fluctuations in Stocks	نوسانات ذخایر	Split Shift	نوبت انشعایی
Seasonal Fluctuations	نوسانات فصلی	Split Shift	نوبت تفکیکی
Labour Turn-over	نوسانات نیروی کار	Split Shift	نوبت تقسیمی
Inventory	نوسان سرمایه‌گذاری در موجودی انبار	Rotating Shift	نوبت در گردش
Investment Cycle		Shift	نوبت کار
	نوسان فعالیت‌های اقتصادی که ناشی از تغییرات سرمایه‌گذاری در موجودی انبار است.	Shift Worker	نوبتکار
Cyclical	نوسانهای اشتغال و قیمت‌ها	Fixed Shift	نوبت کار ثابت
Fluctuations		Graveyard Shift	نوبت کار دیرگاه
Business Fluctuations;	نوسانهای اقتصادی	Day Shift	نوبت کار روز
Economic Fluctuations		Graveyard Shift	نوبت کار شاق
Interest Rate	نوسانهای اندازه بهره	Swing Shift	نوبت کار شب
Fluctuations		Fixed Shift	نوبت کار نیمه‌شب
Business Fluctuations	نوسانهای بازرگانی	Shift Work	نوبتکاری
Exogenous Fluctuations	نوسانهای برون‌زا	Fixed Shift	نوبت‌کاری ثابت
	نوسانهای دور تجاری ناشی از رویدادهای مستقل از نظام اقتصادی.	Second Shift	نوبت‌کاری دوم
Endogenous Fluctuations	نوسانهای درون‌زا	Swing Shift	نوبت‌کاری عادی
Cyclical Fluctuations	نوسانهای دوری	Graveyard Shift	نوبت‌کاری نیمه‌شب
	نوسانهای دور تجاری ناشی از عمل خود دستگاه یا نظام اقتصادی.	Swing Shift	نوبت نوسانی
Industrial Fluctuations	نوسانهای صنعتی	Rotating Shift	نوبت وضعی
Price Fluctuations	نوسانهای قیمت	Rotating Shifts	نوبتهای گردشی
Agricultural	نوسانهای کشاورزی	Rotating Shifts	نوبتهای گردنده
Fluctuations		North, Douglas	نورت، داکلاس (۱۹۲۰ - ...)
Seasonal Fluctuations	نوسانهای موسمی		اقتصاددان امریکایی برنده جایزه سال ۱۹۹۳ در اقتصاد.
Enfacement	نوشتن روی برات	Modernization	نوسازی
Sales Literature	نوشته‌های تبلیغاتی فروش	Economic Modernization	نوسازی اقتصادی
		Reconstruction of a	نوسازی یک شرکت
		Company	

Indigent	نیازمند	Intermediate	نوع واسطه‌ای نظارت موجودی
Necessity	نیازمندی	Type of Inventory Control	
Unlimited Wants	نیازمندیهای نامحدود	Rent Seck	نوعی اجاره
Public Sector	نیاز وام‌خواهی بخش عمومی	Giro	نوعی انتقال اعتبار میان بانکها
Barrowing Requirement		Institute; Institution	نهاد
Manpower	نیاز و عرضه کار و برناسه‌ریزی آموزش	Social Institution	نهاد اجتماعی
Requirement and Supply and		Credit Institution	نهاد اعتباری
Capital Requirements	نیازهای سرمایه	Economical Institution	نهاد اقتصادی
Systematic Selection	نیروگیری منظم	Trust Institution	نهاد امانی
Market Forces	نیروهای بازار	Specialized	نهاد امانی مدیریت اختصاصی
	نیروهای عرضه و تقاضا که در مجموع قیمت و مقدار خرید و فروش را معین می‌کنند.	Management Trust	
Material Forces of	نیروهای مادی تولید	Stagnation Thesis	نهاد رکود
Production		Thrift Institution	نهاد صرفه‌جویی
Forces of Production;	نیروهای مولد	Non-profit Institution	نهاد غیرانتفاعی
Productive Forces		Legal Institution	نهاد قانونی
	در اقتصاد مارکسیستی، مجموع ابزار و نیروی کار انسانی در یک جامعه است.	Institutionalism	نهادگرایی
Manpower	نیروی انسانی	Financial Institution	نهاد مالی
	افراد شاغل یا در جست و جوی کار است.	Economic Institutions	نهادهای اقتصادی
Stabilizing Force	نیروی تثبیت‌کننده	Investment	نهادهای سرمایه‌گذاری
Economic	نیروی جنباننده اقتصادی	Institutions	
Dynamics		Legal Entity	نهاد یا سازمان قانونی
Commercial Marine	نیروی دریایی بازرگانی	Marginal	نهایی
Labour; Labour Force;	نیروی کار	Social Credit	نهضت اعتبار اجتماعی
Labour-power; Man-power; Work Force		Movement	
	اصطلاح مارکسیستی و مشخص‌کننده کالایی است که کارگران به سرمایه‌داران می‌فروشند.	National Savings	نهضت پس‌انداز ملی
Labour Hoarding	نیروی کاراندوزی	Movement	
Pauper Labour	نیروی کار فقیر	Peasant Movement	نهضت دهقانان
Civilian Labour Force	نیروی کار کشوری	Labour Movement	نهضت کار
Direct Labour	نیروی کار مولد	Labour Movement	نهضت کارگری
		Need; Want	نیاز
		Reserve Requirement	نیاز اندوخته
		Impelling Need	نیاز ستوه‌آورنده
		Impelling Need	نیاز مبرم

Partly Finished	نیمه تمام	Earning Power	نیروی کسب درآمد
Half Brokerage	نیمه دلالی	Rescue	نیروی کمکی
Second Half	نیمه دوم از روز شانزدهم ماه تا پایان ماه	Driving Force	نیروی محرک
Half		Half Fare	نیمه بها (در حمل و نقل)
Half Fare	نیمه قیمت	First Half	نیمه اول هر ماه



Whately, Richard	واتلی، ریچارد (۱۷۸۷-۱۸۶۳)	Affiliation; Dependence	وابستگی
	اقتصاددان انگلیسی که واژه Catallectics را برای علم اقتصاد به کار برده است.		این نظریه بر این باور است که اقتصاد جهانی را نمی‌توان بنابر اصول تجارت آزاد و تخصص منطقی‌ای یا بین‌المللی اداره کرد و مرکب از شرکت‌های تجاری برابر دانست.
Vatu, V	واتو، واحد پول وانوتا	Oligopolistic	وابستگی انحصار چند قطبی
Due; Payable	واجب‌الادا	Interdependence	وابستگی متقابل چند قطبی
Qualified	واجد شرایط	Oligopolistic	وابستگی متقابل چند قطبی
Unit of Value	واحد ارزش	Interdependence	وابستگی خطی
Concern; Economic Entity	واحد اقتصادی	Linear Dependence	وابستگی درنگ‌دار
Economic Unit	واحد اقتصادی اعم از خانوار	Lagged Relationship	همان وابستگی درنگیده است.
M-form Enterprise	واحد اقتصادی به شکل (M)	Interdependence	وابستگی درونی
Self-sufficient	واحد اقتصادی خودبسنده	Interdependence	وابستگی متقابل
Economic Unit		Locational	وابستگی متقابل مکانی
U-form Enterprise	واحد اقتصادی U شکل همان واحد اقتصادی نعل واره است.	Interdependence	رابطه متقابل میان بنگاه‌ها به گونه‌ای که تصمیم یک بنگاه به استقرار واحد تولیدی خود در یک محل تحت تأثیر محل استقرار بنگاه‌های رقیب باشد.
Municipal Enterprise	واحد اقتصادی شهرداری	Affiliated	وابسته
Open-end Trust	واحد امانی نامحدود	Agricultural Lag	واپس ماندگی کشاورزی
Collective Reserve Unit	واحد اندوخته جمعی		
Unit Load	واحد بار		

Central Processing Unit	واحد مرکزی داده آمایی	Carloadings	واحد بارگیری (راگن یا موتور)
Central Processing Unit	واحد مرکزی داده پردازي	International Unit	واحد بين المللی
Profit Centre Entity	واحد مرکزی دخل و خرج کننده	Unit of Currency	واحد پول
Spending Unit	واحد مستقل	Asian Monetary Unit	واحد پول آسیا
Board Lot	واحد مصرف کننده		واحد محاسباتی در اتحادیه پایاپای آسیا با ارزشی برابر یک واحد حق برداشت مخصوص. نشانه اختصاری آن آمو. A.M.U. است.
Extra-marginal	واحد معامله (در بورس)	European Currency Unit	واحد پول اروپایی
Marginal Unit of Investment	واحد نهایی اضافی		E.C.U. نشانه اختصاری آن است.
Control Unit	واحد نهایی سرمایه گذاری	Monetary Unit	واحد پولی
Surplus Units	واحد واریسی	Unit of Account	واحد حساب
Mortgage Points	واحد های اضافه دار	E.U.A.	واحد حساب اروپا
Protest	واحد های اضافی هزینه گروی	European Unit of Account	نشانه اختصاری اروپا است.
	واخواست	European Unit of Account	واحد حساب اروپا
	اعتراض دارنده برات نسبت به نکول یا نپرداختن وجه آن از سوی کسی که برات به عهده او (محال علیه) صادر شده است.	European Monetary Unit of Account	واحد حساب پولی اروپا
Formal Protest	واخواست رسمی	Accounting Entity;	واحد حسابداری
Supra Protest	واخواست زدایی	Accounting Unit	
Protest	واخواست کردن	Shipping Unit	واحد حمل
Protestable	واخواست کردنی	Service Unit	واحد خدماتی
Protest	واخواهی	Performing Unit; Service Unit	واحد خدمت
Heir; Successor	وارث	Spending Unit	واحد خرج
Imports	واردات	Organization Unit	واحد سازمانی
	کالاها و خدماتی که در یک کشور مصرف و از کشورهای دیگر خریداری شده است.	Labour Unit; Unit of Work; Work Unit	واحد کار
Importer	وارداتچی	Efficiency Unit	واحد کارایی
Importer	وارد کننده	Card Reader	واحد کارت خوان (اصطلاح رایانه)
	همان وارداتچی است.	Agro-Industry;	واحد کشت و صنعت
Visible Imports	واردات مرئی	Agro-business	
Parallel Import	واردات موازی	Composite Reserve Unit	واحد مرکب اندوخته
Invisible Imports	واردات نامرئی	(C.R.U.)	

Stevedore Loading Broker	واسطه بارگیری و تخلیه	Imports and Exports Importer	واردات و صادرات واردکننده
Bill Broker	واسطه برات	Damager	واردکننده خسارت
Running Broker	واسطه بورس		همان خسارت‌زننده است.
Assurance Broker; Insurance Broker	واسطه بیمه	Dual Control	وارسی مضاعف
Money Broker	واسطه پول	Material Control	وارسی مواد
Merchant Middleman (or Wholesaler)	واسطه تاجر (یا عمده‌فروش)	Capital-reversing	وارونگی سرمایه
Business Broker	واسطه تجارت	Clear Up	واربختن (حساب)
Circulating Medium	واسطه تکراری	Settlement	واریز
Auctioneer	واسطه حراج	Next Account (Next Settlement)	واریز آینده (اصطلاح بورس)
Freight Forwarder	واسطه حمل و نقل	Self-liquidating	واریز از خود
Broker's Broker	واسطه دلال	«Clearing the Market»	واریز بازار
Circulating Medium	واسطه در گردش	Account; Settlement of Account	واریز حساب
Drop Shippers Wholesaler	واسطه دست‌اول معاملات	Settlement of Claims	واریز خسارات (اصطلاح بیمه)
Manufacturer's Agent	واسطه سازنده	Particular Average Adjustment	واریز خسارت مخصوص
Commission Broker	واسطه عمل	Pay-off; Settle	واریز کردن
Selling Agent	واسطه فروش	Settlor	واریزکننده
Contract Broker	واسطه قرارداد در بورس	Outstanding; Unsettled	واریز نشده
Commodity Broker	واسطه کالا	Clearing and Collection	واریز و وصول
Shipbroker	واسطه کشتی	Cheque Clearing and Collection	واریز و وصول چک
Depository Financial Intermediary	واسطه مالی سپرده‌پذیر	Wipe off a Debt	واریز یک قرض
Non-depository Financial Intermediary	واسطه مالی غیر سپرده‌پذیر	Word Processor	واژه‌آما
Drop Shipper	واسطه معاملات	Word Processing	واژه‌پردازی
Option Dealer	واسطه معاملات اختیاری	Broker	واسطه
Drop Shippers Wholesaler	واسطه معاملات عمده		همان دلال است.
Contango Broker	واسطه وام‌دهنده به دیگر دلالتان	Arbitragist	واسطه ارزی
		Loading Broker	واسطه باربری
		Stevedore Loading Broker	واسطه بارگیری و باراندازی

Divergence	واگرایی	Customs Broker	واسطه‌های امور گمرکی
Capital Turnover	واگرد سرمایه	Loan Crowd	واسطه‌های دست‌اول بورس
Trap Car	واگن توشه	Financial Intermediaries	واسطه‌های مالی
Package Car	واگن عدلهای بار	Non-bank Financial Intermediaries	واسطه‌های مالی غیربانکی
Social Contagion	واگیره اجتماعی	Harmonic Average	واسطه هماهنگ
Wall Street	وال استریت	Recd	واصل شد
خیابانی در منهن نیویورک که تا قلب محله مالی این شهر کشیده می‌شود و بورس نیویورک در آن واقع است.		Off-shore	واقع در فلات قاره
Walras,	والراس، ماری اسپری لئون	Assign	واگذار کردن
Marie Esprit Léon	(۱۸۳۴-۱۹۱۰)	Remitter	واگذارنده (بانکداری)
بسط دهنده مستقل نظریه مطلوبیت نهایی و نیز تعادل عمرمی که در آن همه بازارها مورد نظر قرار گرفته است.		Licensor	واگذارنده پروانه
Debt; Loan	وام	Taker for a Put of More	واگذارنده حق تحویل تا دو برابر
Soft Loan	وام آسان	Taker for a Put of More	واگذارنده حقوق و اختیار تحویل تا دو برابر
یا وام ارزان، وامی بودن بهره یا بهره‌ای کمتر از اندازه جاری در بازار پول و سرمایه است.		Abandonment	واگذاری
Syndicated Loan	وام اتحادیه‌ای	Grant	واگذاری با امتیاز
Back to Back Loan	وام اتکایی	Surrender Charge	واگذاری بدهی مورد بیمه
Lease-lend	وام - اجاره	Delivery of Bill (cheque)	واگذاری برات (چک)
Compulsory Loan; Forced Loan	وام اجباری	Infeoffment	واگذاری تیول
Workout Loan	وام اختصاصی	Retrocession; Vesting	واگذاری حق
Foreign Loan	وام ازخارج	Voting Trust	واگذاری حق رأی
Internal Loan	وام از داخل	Voluntary Conveyance	واگذاری داوطلبانه
Dead Weight Debt	وام از دست‌رفته	Capital Transfer	واگذاری سرمایه
Upstream Loan	وام اصلی	Delivery of Deed	واگذاری سند مالکیت
Forced Loan	وام اضطراری	Blank Transfer	واگذاری سهام بدون ذکر ذینفع
Fiduciary Loan	وام اعتباری	Release of Judgment	واگذاری قضاوت
Installment Loan	وام اقساطی	Release of Mortgage	واگذاری گروی
Warehousing loan	وام انبارداری	Vesting	واگذاری مال
Cultural Lag	واماندگی فرهنگی	Cash Surrender Value	واگذاری مبلغ بیمه
Upstream Loan	وام اولیه	Divergent	واگرا

Term Loan	وام به وعده	Loan At Interest	وام با بهره
Loaned Flat	وام بی بهره	Add-on Loan	وام با بهره مرکب
Soft Loan	وام بی دردسر	Roll-over Loan	وام با بهره قابل تجدیدنظر
Policy Loan	وام بیمه نامه	Commercial Loan	وام بازرگانی
Unsecured Loan	وام بی وثیقه	Term Loan	وام با سررسید
	وامی که با دارایی مشهود تضمین نشده است و از آن فقط برای تأمین مخارج جاری استفاده می شود.	Interbank Loan	وام بانک به بانک
Funded Debt	وام پشتوانه دار	Bank Loan	وام بانکی
Money Loan	وام پولی		وام اعطایی بانک برای زمانی معین و مقاصد تجاری است.
Inventory Loan	وام تأمین موجودی	Covered Loan; Loan on Collateral; Secured Loan	وام با وثیقه
Conversion Loan	وام تبدیل	Nonnotification Loan	وام بدون اخطاریه
Conversion Loan	وام تسعیر	Interest-free Loan	وام بدون بهره
Clearance Loan	وام تصفیه	Loan on Overdraft; Unfunded Debt	وام بدون پشتوانه
Secured Loan	وام تضمین شده	Fiduciary Loan	وام بدون تضمین
Single-payment Loan	وام تک قسطی	Call Loan; Demand Loan	وام بدون سررسید
Funded Debt	وام تنخواه دار	Loan on Overdraft	وام بدون محل
Discount Loan	وام تنزیل شده	Field	وام بر اساس حبس اجناس (انبار کردن)
Production Loan	وام تولید	Warehousing Loan	در محل
Fixed Loan	وام ثابت	Warehousing Loan	وام بر اساس کالای انبار
Syndicated Loan	وام جمعی	Workout Loan	وام برای پرداخت بدهی
Short Money Market	وام چندروزه	Production loan	وام برای تولید
External Loan	وام خارجی	Workout Loan	وام برای رفع گرفتاری
Foreign Loan	وام خارجی	Real Estate Loan	وام برای مستغلات
Borrower	وامخواه	Consumption loan	وام برای مصرف
	همان وام گیرنده است.	Overnight Loan	وام برای یک شب
Borrowing	وامخواهی	Loan on Respondentia	وام به اعتبار محموله کشتی
Self-liquidating Loan	وام خود واریزکننده	Call Loan; Demand Loan	وام به رؤیت
Internal Loan	وام داخلی	Loan at Interest	وام بهره دار
Lend	وام دادن	Customer Loan	وام به مشتری
Foreign Lending	وام دادن به خارجیا	Improvement Loan	وام به منظور بهبود
Lend on Stock	وام دادن در برابر اوراق بهادار		
Long Term Loan	وام درازمدت		
Respondentia	وام در برابر اسناد حمل کشتی		

Floating Rate Mortgage	وام رهنی با بهره شناور	Premium Loan	وام در مقابل حق بیمه
Deposit Loan	وام سپرده	Broker's Loan	وام دلال
Dead Weight Debt	وام سر بار	Bank Term Loan	وام دوره‌ای بانکی
Personal Loan	وام شخصی	Pawn Broker; Pawnee; Scrivener	وام ده
Fiduciary Loan; Loan on Trust	وام شرافتی	Loaner; Loan-holder	وام‌دهنده
Participation Loan	وام شرکته	«Lender of the Last Resort»	وام‌دهنده آخرین
Gold Loan	وام طلا		
Respondentia Loan	وام عمده اختیاری		یا وام دهنده نهایی، این یکی از وظایف بانک مرکزی و در حقیقت علت وجودی آن است.
Public Debt	وام عمومی	«Lender of the Last Resort»	وام‌دهنده آخرین مرجع
Callable Loan; Call loan; Call Money; Demand Loan; Loan At Call; Money at Call	وام عندالمطالبه		معمولاً بانک مرکزی است.
Balloon; Bullet	وام غیر اقساطی	«Lender of the Last Resort»	وام‌دهنده آخرین مرحله
Loan At Notice; Term Loan	وام غیردیداری		
Loan, Installment	وام قسطی	Money Lender	وام‌دهنده پول
Hard Loan	وام قوی	«Lender of the Last Resort»	وام‌دهنده دست آخر
	وام خارجی که قابل بازپرداخت به یک پول قوی مثلاً دلار است.		همان وام دهنده نهایی یا آخرین، منظور معمولاً بانک مرکزی است.
Business Loan	وام کار و کسب	Nonlender	وام‌دهنده غیر از بانک
Commodity Loan	وام کالای مصرفی	Marginal Lender	وام‌دهنده نهایی
Non-recourse Commodity Loan	وام کالایی بدون حق رجوع	Consortium Lending	وام‌دهی جمعی
Short Money Market; Short-term Loan	وام کوتاه‌مدت	Consumption Lending	وام‌دهی مصرفی
Borrow	وام گرفتن	Call Loan; Demand Loan; Loan at Call; Money at Call	وام دیداری
Borrower	وامگیر	Money at Call and Short Notice	وام دیداری و پیش‌آگهی کوتاه‌مدت
Loanee	وام‌گیرنده		
Marginal Borrower	وام‌گیرنده نهایی	Workout Loan	وام رفع گرفتاری
Borrowing	وامگیری	Day Loan	وام روز
Borrowing by Banks	وامگیری بانکها	Loan on Mortgage; Loan on Personal Estate; Mortgage Loan; Mortgage Money	وام رهنی
Borrowing by Commercial Banks	وامگیری بانکهای تجاری		

Seven Day Loans	وام های هفت روزه (در بازار پول)	وامگیری کوتاه مدت برای وام دهی «Borrowing Short to Lend Long»	بلندمدت
Bottomry Loan	وام هنگفت رهنی	Distress Borrowing	وامگیری ناگزیر
Day Loan; One Day Loan	وام یک روزه	Rescission Loan	وام لغوشدنی
Overnight Loan; Overnight Money	وام یک شبه	Warehouse Loan	وام مبتنی بر موجودی انبار
Single-payment Loan	وام یک قسطی	Hard Loan	وام محکم
Grantor	واهب	Field Warehousing Loan	وام محوطه انبارداری
Regression	ویازی	Term Loan; Time Loan	وام مدت دار
Stochastic Regression	ویازی بختی	Loan on Real Estate	وام مستغلاتی
Step Wise Regression	ویازی پله ای	Floating Rate Mortgage	وام مسکن با بهره متغیر
Stochastic Regression	ویازی تصادفی	Participation Loan	وام مشارکت
Multiple Regression	ویازی چندگانه	Tied Loan	وام مشروط
Step Wise Regression	ویازی مرحله ای	Consumption Loan	وام مصرف
Weber, Max (۱۹۲۰-۱۸۶۴)	وبر، ماکس (۱۹۲۰-۱۸۶۴)	Consumer Credit	وام مصرفی
	جامعه شناس آلمانی که رابطه معنادار میان اخلاق و مذهب کالونیسیم و عقلایی کردن را از مشخصات سرمایه داری می دانست.	Hard Loan	وام مطمئن
Veblen, Thorstein (۱۸۵۷-۱۹۲۹)	وبلن، تورستاین (۱۸۵۷-۱۹۲۹)	Debt Outstanding	وام معوق
	اقتصاددان و جامعه شناس امریکایی بنیادگذار مکتب نهادی اقتصادی بود.	Clearance Loan	وام مفاصا
		National Debt; National Loan	وام ملی
		Bridging Advance	وام موقت
Collateral; Gage; Hock; Pawn; Pledge; Securing; Security; Surety	وثیقه	Intermediate Term Debt; Medium Term Loan; Term Loan	وام میان مدت
	مال منقول یا غیرمنقولی که وام گیرنده در برابر دریافت وام نزد وام دهنده می گذارد تا اگر به موقع بدهکار نتواند وام را بپردازد وام دهنده بتواند با فروش آن تمام طلب خود یا بخشی از آن را به دست آورد.	Gross National Debt	وام ناخالص ملی
Collateral Security	وثیقه اضافی	Collateral Loan; Covered Loan; Loan on Collateral; Secured Loan	وام وثیقه دار
Good and Marketable Title	وثیقه خوب و بازاردار	International Loans	وامهای بین المللی
Underlying Security	وثیقه دست دوم	Fixtures	وامهای ثابت
		Applied Loans	وامهای درخواستی
		Transaction Loans	وامهای معاملاتی
		Country Stocks	وامهای ولایات

Gold Settlement Fund	وجوه تهاتری طلا	Pledger	وثیقه دهنده
Proceeds	وجوه حاصله	Negative Pledge	وثیقه سلبی
Restricted Cash	وجوه خالص و مشروط	Obligate	وثیقه شدن
In-house Funds	وجوه خودی	Collateral Security	وثیقه ضمانت
Discretionary Funds	وجوه در اختیار	ضمانت ثانوی برای گرفتن وام افزون بر ضمانت	
Cash in Transit	وجوه در راه	شخص وام گیرنده.	
Uncollected Funds	وجوه دریافت نشده وجوه نادریافتی است.	Collateral	وثیقه فرعی
Revolving Fund	وجوه دوار	Open-end	وثیقه قابل تغییر و نامحدود
Public Money	وجوه دولتی	Mortgage	
Gold Settlement Fund	وجوه ذخیره و اریز طلا	Obligor	وثیقه گذار
Same Day Funds	وجوه روز جاری	Pawnee; Pledgee	وثیقه گیر
Building Fund	وجوه ساختمان	Pledgee	وثیقه گیرنده
Trust Fund	وجوه سپرده	Cosurety	وثیقه مشترک
Capital Funds	وجوه سرمایه	Good and Marketable	وثیقه معتبر و قابل معامله
Capital Invested;	وجوه سرمایه گذاری	Title	
Investment Allowances		Overlying Mortgage	وثیقه و رهن تحت اختیار
Mutual Investment Funds	وجوه سرمایه گذاری متقابل	Et Cetera	و جز این
Funds		Funds	وجوه
General Funds	وجوه عمومی	Loan Funds	وجوه آماده برای وام
نقدینه های متعلق به وزارتخانه ها و دیگر سازمانها و		Investable Funds	وجوه آماده سرمایه گذاری
شرکتهای دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی که		Contingency Funds;	وجوه احتیاطی
به موجب قانون به مصارف عمومی اختصاص		Discretionary Funds; Provident Funds;	
می یابند.		Reserve Fund	
Nonspendable Fund	وجوه غیر قابل مصرف	Gifts	وجوه اختصاصی
N.S.F.	وجوه غیر کافی	Discretionary Funds	وجوه اختیاری
نشانه اختصاری Not Sufficient Funds است.		Loan Funds	وجوه استقراضی
همان وجوه نابسند است.		Amortization Fund; Sinking	وجوه استهلاکی
Insufficient Funds	وجوه غیر ممکن	Fund	
یا وجوه نابسند یا غیر کافی است.		و جوهی که برای بازپرداخت بدهی کنار گذاشته	
Available Funds	وجوه قابل استفاده	می شوند.	
Carry Over	وجوه قابل انتقال به سال آینده	Emergency Funds	وجوه اضطراری
Funds		Risk-Money	وجوه برای کسر صندوق
		Cash in Transit	وجوه بین راهی

Take-up a Bill	وجه برات را پرداختن	Spare Capital	وجوه قابل تصرف
Cover for the Day (Cash Requirement)	وجه تأمین روز	Annuity Fund	وجوه قسط السنین
Cover	وجه تأمین خسارت	Counterpart Funds	وجوه متمم
Renewal Fund	وجه تبدیل به احسن	Advising Funds	وجوه مشورتی
Imprest Fund	وجه تنخواه گردان	Suspense Fund	وجوه معلق
Mode of Production	وجه تولید	In-house Funds	وجوه مؤسسه
Proceeds	وجه حاصله سند	Not Sufficient Funds (N/S)	وجوه نامکفی
Cash on Delivery Parcel	وجه در مقابل تحویل جنس	همان وجوه غیر مکفی یا نابسنده است.	
Commission	وجه دلالی	General Cash	وجوه نقد عمومی
Remitter	وجه رسان	Loanable Funds	وجوه وام‌دانی
Remit Money	وجه رساندن	معمولاً وجوهی است که در بازارهای مالی آماده	
Remittance	وجه رسانی	وام دادن هستند. اما در نظریه تعیین اندازه بهره از	
Immigrant Remittance	وجه رسانی مهاجران	تلافی عرضه و تقاضای این وجوه در بازار سرمایه	
Remit	وجه فرستادن	به دست می‌آید.	
Remittance	وجه فرستاده شده	Endowment Fund	وجوه وقفی
Application Money	وجه متقاضی	Same Day Funds	وجوه همان روز
Wage-fund	وجه مزد	Fund; Money	وجه
همان وجه معاش است.		Rent-charge	وجه اجاره
Imprest Fund	وجه مساعده	Rental	وجه اجاره‌بها
Cash	وجه نقد	Contingent Fund	وجه احتمالی
هرگونه سکه و پول کاغذی.		Contingent Fund	وجه احتیاطی
Cover for the Day (Cash Requirement)	وجه نقد پشتوانه روز	Improving	وجه احسن
Cash in Hand	وجه نقد در دست	Remittance	وجه ارسالی
Cash Sale	وجه نقد در مقابل تسلیم کالا	Amortization Fund;	وجه استهلاک
Recover Money	وجه وصول کردن	Depreciation Fund	
Economic Unity	وحدت اقتصادی	Contingent Fund	وجه اضطراری
Deposit	ودیعه	Recognizance	وجه التزام
مال یا پولی را به رسم امانت نزد شخص دیگر گذاشتن.		Amount of Guarantee; Caution	وجه الضمان
Constructive Trust	ودیعه بالقوه	Debenture; Money	
		Amount of Bail	وجه الكفاله
		Scape Goat	وجه المصالحه
		Deposit; Trust Fund	وجه امانی
		Reserve Fund	وجه اندوخته

Hammered	ورشکستہ بورس	Bank Deposit	ودیعہ بانکی
Undercharged Bankrupt	ورشکستہ تبرہ نشده	Dry Trust	ودیعہ بی سود
Debenture	ورقہ استقراضی	Fixed Trust	ودیعہ ثابت
Bearer Debenture	ورقہ استقراضی بی نام	Advance Deposit	ودیعہ ثبت سفارش کالا
Letter of Credit	ورقہ اعتبار	Requirment for Import Registration	مبلغی کہ واردکننده افزون بر حق ثبت سفارش کالا از طریق بانک گشاینده اعتبار به امانت نزد بانک مرکزی ایران می سپارد و پس از ورود و ترخیص کالا از گمرک آن را بازپس می گیرد.
Slip	ورقہ بیمه	Circular Trust	ودیعہ در گردش
Post-card	ورقہ پستی	Consignation	ودیعہ گذاری
Discount Sheet	ورقہ تخفیف	Succession	وراثت
Financial Statement	ورقہ ترازنامه	Trade Fallen	ورشکست
National Balance Sheet	ورقہ ترازنامه ملی	Smash Up	ورشکست شدن
Reconciliation Statement	ورقہ توافق	Bankruptcy; Failure	ورشکستگی
Credit Note	ورقہ داین		نتیجه ناتوانی یک بازرگان یا یک شرکت در پرداخت به موقع بدهیهای خود به موجب حکم دادگاه.
Letter of Indemnity	ورقہ ضمانت	Voluntary Bankruptcy	ورشکستگی ارادی
Label	ورقہ مشخصات	Bank Failure	ورشکستگی بانکی
Prompt	ورقہ مهلت	Involuntary	ورشکستگی بدون تقصیر
Subscription	ورقه های سهم شراکتی پذیره نویسی	Bankruptcy	ورشکستگی به تقصیر
Shares		Fraudulent Bankruptcy	ورشکستگی غیر عمدی
Prompt	ورقہ یاد آوری	Involuntary	ورشکستگی
Poll	ورقہ یا مهره رأی	Bankruptcy	ورشکستگی کامل
Freedom Entry	ورود آزاد	Absolute Insolvency	ورشکستگی مالی
Free Entry	ورود آزاد بنگاهها به صنعت	Smash	ورشکستگی ناگهانی
Potential Entry	ورود بالقوه	Crash	ورشکستگی ناگهانی
Boarding	ورود به هواپیما (یا کشتی) برای بازرسی	Stock Market	ورشکستگی ناگهانی بازار سهام
and Search of Aircraft (or of Ship)		Crash	
Cash Inflow Into	ورود پول نقد به دستگاه بانکی	Business Failures	ورشکستگیهای کار و کسب
the Banking System		Bankrupt	ورشکسته
Net Currency Flow	ورود خالص پول نقد	Fraudulent Bankrupt	ورشکسته به تقصیر
Admission Free	ورود رایگان		
Capital Inflow	ورود سرمایه		
Unlawful Entry	ورود غیر قانونی		
Clean	ورود کشتی به گمرک بدون عیب و نقص		
Inwards			
Free Entrance	ورود مجانی		

Chancellor of the Exchequer	وزیر خزانه‌داری	Re-Importation	ورود مجدد
Chancellor of the Exchequer	وزیر مالیه در انگلستان	Temporary Admission	ورود موقتی
Sea-borne Shipping Traffic	وسایط حمل و نقل دریایی	Inflow	ورودی
Rolling Stock	وسایط نقلیه متحرک روی خط آهن	Prime Entry	ورودی اولیه
Communication; Communication Media	وسایل ارتباطی	Net Inflow	ورودی خالص
Durable Equipment	وسایل بادوام	Admission Charge; Entrance Fee	ورودیه
Producer's Durable Equipment	وسایل بادوام تولیدکنندگان	Entry for Home Use	ورودیه برای استفاده داخلی
Lashing	وسایل بستن و نگهداری کالا	Entry for Free Goods	ورودیه برای کالاهای آزاد
Means of Payment	وسایل پرداخت	Entry for Warehousing	ورودیه انبارداری
Foreign Exchange	وسایل پرداخت خارجی	Hanse	ورودیه صنعتی اتحادیه تجار
Means of Production	وسایل تولید	Keelage	ورودیه کشتی به بندر
Safeguard	وسایل حفاظت را آماده ساختن	Court of the Exchequer	وزارت دارایی (در انگلیس)
Producer's Equipments	وسایل کار و کسب	Wt.	وزن
Treasury Instruments for Money Management	وسایل مدیریت پولی خزانه‌داری	TR.	نشانه اختصاری Weight است.
Medium-dated «Mediums»	وسایل میان‌مدت	Outweight	وزن با ظرف
Rolling Stock	وسایل نقلیه روی خط آهن	Dead Weight	نشانه اختصاری Tare است.
West, Sir Edward	وست، عالی جناب ادوارد (۱۷۸۲-۱۸۲۸)	Short Weight	وزن خالص وسیله حمل
	اقتصاددان انگلیسی و نخستین تدوین‌کننده قانون بازده نزولی است.	Dead Weight	نشانه اختصاری آن D.W. است.
Means	وسطین تناسب	Tare	وزن خشک
Delivery Van	وسیله باربری به همین منظور	Landing Weight	وزن خود وسیله حمل
Negotiable Instrument	وسیله پرداخت قابل انتقال	Shipping Weight	وزن ظرف
Stimulus	وسیله تحریک	Gross Weight	وزن محموله به هنگام تحویل
Facility	وسیله تسهیل	Net Net Weight	وزن محموله کشتی
		Tare	وزن ناخالص
		Counterweigh	وزن واقعی خالص
		Counterbalance	وزن وسیله نقلیه
			وزنه برابر
			وزنه تعادل

Judgment	وصولی اجزایات (در حسابداری)	Circulating Medium	وسيله در گردش
Proceeds	وصولی با سود ویژه	Circulating Medium	وسيله در گردش
Tax Receipts	وصولیهای مالیات		(قدرت خرید اعم از اسکناس)
Executor; EXOR(s)	وصی	Despatch	وسيله سریع (برای فرستادن کالا)
Testament	وصیت	Operating Leverage	وسيله عمل
Devise	وصیت کردن	Revolving	وسيله گردان تسهیل تعهد
Testator	وصیت کننده	Underwriting Facility	
Testament; Will	وصیت نامه	Exchange Medium; Medium of Exchange	وسيله مبادله
Devise	وصیت نامه ارث بر	Exchange	
Estate; Social Standing	وضع اجتماعی	Circulating Medium	وسيله مبادله رایج
Credit Standing	وضع اعتباری	Collect; Collection; Receival	وصول
Economic Behaviour	وضع اقتصادی یا رفتار اقتصادی.	Collected Bad Debts	وصول بدهیهای سوخت شده
Inventory of Fixtures	وضع امکنه	Collect a Bill	وصول برات
Finance Statement	وضع امور مالی	Recashing	وصول به صندوق
Complete	وضع انحصار چندقطبی کامل	C.O.D.	وصول به هنگام تحویل
Oligopoly		Cash (or Collect) On Delivery	نشانه اختصاری است.
Complete Oligopoly	وضع انحصار چندگانه کامل	Cash a Cheque	وصول چک
Reserve Position	وضع اندوخته	Collected Bad Debts	وصول دیون سوخته
International Reserve Position	وضع اندوخته بین المللی	Receivable; Recoverable	وصول شدنی
Condition of the Markets;	وضع بازار	Freight Collect	وصول کرایه حمل
Market Condition; Market Position		Receipt	وصول کردن
Business Terms	وضع بازرگانی	Excise	وصول کردن مالیات غیر مستقیم
Optimum	وضع بهینه در ترکیب دارایی اسنادی	Receptor; Recipient	وصول کننده
Portfolio Composition		Tax Levy	وصول مالیات
Dynamic Condition; Dynamic State	وضع پویا	Capital Levy	وصول مالیات از سرمایه
Exhaustibility Condition	وضع تحلیل روندگی	Collecting Debts	وصول مطالبات
Bull-bear Position	وضع ترقی و تنزل بهای سهام	Irrecoverable	وصول نشدنی
Stationary State	وضع توقف و سکون	Outstanding	وصول نشده
Position	وضع حساب	Cash in	وصول نقد
		Cash Before Delivery	وصول نقد پیش از تحویل

Compulsory Check Off	وضع و پرداخت اجباری	Bull Account; Bull Position	وضع خریدار (رو به ترقی)
Optima	وضعهای بهینه	Finance Statement	وضع خزانه‌داری
Account of Expenses	وضع هزینه‌ها	Binary Position	وضع دوگانه
Achieved Status	وضع یا موقعیت مکتسب	Stationary Condition	وضع ساکن
Exhaustibility Condition	وضعیت پایان‌پذیری	Blanket Position	وضع سند قرصه تضمینی
Work Situation	وضعیت کار	Bond	
Possession	وضع ید	Cash Statement	وضع صندوق
Fate of a Cheque	وضع یک چک	Natural State	وضع طبیعی
Market Functions	وظایف بازار	Short Interest	وضع فروشنده (بورس)
Functions of Money; Money Functions	وظایف پول	Technical Position	وضع فنی
		Status	وضع قانونی
	واسطه مبادله، معیار ارزش و معیار پرداختهای آینده است.	Business Terms	وضع کار و کسب
Accountancy Fonctions	وظایف حسابداری	Lay On	وضع کردن
Capital Functions	وظایف سرمایه	Lerner Case	وضعیت لرنر
	مجموعه فعالیت‌های اساسی سرمایه است که عناصری که مالک وسایل تولید نیستند می‌توانند به اجرا درآیند مانند نظارت بر کار، تخصیص منابع درون واحد تولیدی، طراحی محصولات و فراگردهای کار برای تولید آن محصولات.		در این حالت، وضع تعرفه گمرکی بر واردات کالایی که تقاضای داخلی برای آن کشش ناپذیر است، منجر به بدتر شدن رابطه مبادله می‌شود.
Functions of Executives	وظایف مدیران	Financial Condition; Financial Position; Financial Standing; Financial Statement; Financial Status	وضع مالی
Functions of an Economic System	وظایف یک نظام اقتصادی	Levy	وضع (مالیات)
	ایجاد ارتباط میان عرضه و تقاضا؛ تعیین نوع و مقدار تولید کالاها و خدمات با توزیع منابع کمیاب؛ توزیع محصولات در جامعه و استفاده کامل از منابع جامعه.	Capitation	وضع مالیات سرشماری
Death Benefit; Duty	وظیفه	Site Value	وضع مالیات محلی بر ارزش عرضه
Social Function	وظیفه اجتماعی	Rating	
Annuitant	وظیفه‌بگیر	Lay on	وضع مالیات و نظایر آن
Dynamic Function of Money	وظیفه پویای پول	Favourable State of the Exchanges	وضع مساعد مبادلات
		Status Quo	وضع موجود
		Unfavourable State of the Exchanges	وضع نامساعد مبادلات
		Cash Position	وضع نقدینگی
		Cash Position	وضع نقدینه

Mandate; Power of Attorney; Proxy; Minority Control Proxy	وکالتنامه	Beneficiary	وظیفه خور
Dividend Mandate	وکالت نامه سود سهام	Promise	وعده
Procurator; Proxy	وکیل	Promissory	وعده دار
Institutional Buyer	وکیل تشکیلاتی	Promissor	وعده دهنده
Steward	وکیل خرج	Undue	وعده نرسیده
Attorney	وکیل دادگستری	Et Cetera	و غیره
Public Administrator	وکیل و وصی قانونی	Prestation	همان جزاین است.
Improvvidence	ولخرجی	Abundance; Glut	وفای به عهد
Won, W	وون، واحد پول کره جنوبی و کره شمالی	Economic Abundance	وفور
Wieser, Friedrich Von	ویزر، فریدریش فن (۱۸۵۱-۱۹۲۶)	Promptitude; Punctuality	وفور اقتصادی
اقتصاددان اطریشی، تدوین کننده نظریه مطلوبیت نهایی و انتساب یا تخصیص سهم هر یک از عوامل تولید است.		Standard Time	وقت شناسی
Product Feature	ویژگی محصول	Time Consuming	وقت عملی
Sales Features	ویژگیهای فروشها	Unpunctual	وقت گیر
Characteristics of Product	ویژگیهای محصول	Dedicate; Dedication	وقت ناشناسی
همان مختصات یا خصوصیات یا مشخصات محصول است.			وقف
Net; Singular	ویژه	Down Time	حبس عین ملک یا مال به گونه ای که خرید، فروش یا گروگذاری آن ممکن نباشد و حاصل بهره برداری از آن صرف اموری شود که واقف نیت کرده است.
Wicksteed, Philip Henry	ویکستید، فیلیپ هنری (۱۸۴۴-۱۹۲۷)	Work Stoppage	وقفه
فیلسوف، مجتهد و اقتصاددان آلمانی است.		Anticipation	وقفه کار
Wixsell, Knut	ویکسل، کنوت (۱۸۵۱-۱۹۲۶)	Recurrence	وقوع پیش از زمان مقرر
اقتصاددان سوئدی صاحب نظر در تولید و توزیع در مکتب کلاسیک جدید است.		Attorneyship; Procurance; Procuration	وقوع مکرر
		Per Pro	وکالت
		Empower	وکالتاً
			وکالت دادن



Donate	هبه کردن	Haberler, Gottfried	هاپرلر، گوتفرد
Deed of Gift	هبه نامه		اقتصاددان امریکایی که منافع تجارت خارجی را
Legacy	هبه وصیت شده		برحسب هزینه های فرصت سنجیده و در مسائل
Causa Mortis	هبه یا بخشش پیش از فوت		ادوار و نوسانهای اقتصادی صاحب نظر است.
Dawn Raid	هجوم اول وقت	Hobson,	هابسن، جان ا. (۱۸۵۸-۱۹۴۰)
Bank Run; Run on a Bank	هجوم به بانک	John A.	
Inflow of Gold	هجوم طلا		اصلاح طلب و اقتصاددان انگلیسی است که
Intergovernmental Grants	هدایای میان دولتها		اندیشه های وی مورد توجه کینز قرار گرفته است.
Vocational Guidance	هدایت حرفه ای	Hawtrey,	هاتری، سر رالف جورج (۱۸۷۹-۱۹۷۵)
Banks' Objective	هدف بانکها	Sir Ralph George	
Monetary Target	هدف پولی		اقتصاددان انگلیسی صاحب نظر در مسائل پولی و
Goal	هدف کلی		فرد.
Minimum Employment Target	هدف کمینه اشتغال	Harrod, Sir Roy Forbes	هارود، سر روی فوربز
Target	هدف مشخص		اقتصاددان انگلیسی صاحب نظر در مسائل رشد.
Economic Ends	هدفهای اقتصادی	Haavelmo,	هاولمو، تریگوی (۱۹۱۱ - ...)
Policy Targets	هدفهای سیاست	Trygve	
Objectives of Monetary Policy	هدفهای سیاست پولی		هایک، فریدریش اگوست فن (۱۸۹۹ - ...)
Business Goals	هدفهای کار و کسب	Friedrich August Von	
			اقتصاددان اطریشی و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۴
		Bequest	در اقتصاد.
			هبه

Freight Outward	هزینه ارسال کار	Advertising Gift	هدیه تبلیغ تجاری
Abatement Cost	هزینه ازدحام	«Gift of Nature»	«هدیه طبیعت»
	هرگاه افزایش استفاده مردم از یک وسیله یا خدمت برای آنها هزینه ایجاد کند (که لزوماً پولی نیست) می‌گویند آن وسیله یا خدمت ازدحام یافته است.	Social Panic	هراس اجتماعی
Out-of-pocket Cost;	هزینه از دست رفته	Anarchism	هرج و مرج طلبی
Expired Cost		At All Costs	هرچه بادا باد
Crash Cost	هزینه از روی شتاب	At Your Earliest Convenience	هر چه زودتر ممکن
User Charge; User Cost	هزینه استعمال	Pyramid of Credit	هرم اعتبار
	هزینه کاربرد یک واحد سرمایه که می‌توان آن را کاهش ارزش بر اثر استفاده دانست.	Tax Pyramiding	هرم‌بندی مالیات
Alternative Use Cost	هزینه استعمال بدل	Population Pyramid	هرم جمعیت
Alternative Use Cost	هزینه استعمال دیگر	Cash	هر نوع سکه و پول کاغذی
User Cost of Capital	هزینه استعمال سرمایه	K	هزار
User Cost	هزینه استعمال‌کننده	K	هزار و بیست و چهار
Alternative Use Cost	هزینه استعمال کمزینه	Cost	هزینه
Alternative Use Cost	هزینه استعمال متبادل		به طور کلی به مفهوم از دست دادن چیزی در قبال به دست آوردن چیز دیگر از طریق خرید و فروش، مبادله یا تولید است.
Marginal User Cost	هزینه استعمال نهایی	Set Up Cost	هزینه آماده‌سازی خط تولید
Facility Charge	هزینه استفاده از تسهیلات	Deffered Cost	هزینه آینده
Marginal User Cost	هزینه استفاده نهایی	Incidental Expense	هزینه اتفاقی
Depreciation Charge;	هزینه استهلاک	Compliance Cost	هزینه اجابت
Depreciation Expense		Rental	هزینه اجاره
Occupancy Expense	هزینه اسکان	Social Cost	هزینه اجتماعی
Nominal Cost	هزینه اسمی	Buik Line Cost	هزینه اجمالی
Occupancy Expense	هزینه اشغال		هزینه فعالیت یا تولیدی که جامعه بر روی هم می‌پردازد.
Original Expenditure	هزینه اصلی	Contingency Expense	هزینه احتمالی
Extra Cost; Loading Charge;	هزینه اضافی	Administrative Cost; General	هزینه اداری
Overcharge; Surplus Cost		Expense	
Cost of Credit	هزینه اعتبار	Recurrings Cost	هزینه ادواری
Personal	هزینه افراد برای مصرف	R.P.	هزینه ارسال پاسخ پرداخته شده است
Consumption Expenditure (P.C.)			نشانه اختصاری Reply Paid یا «پاسخ قبول» است.
Economic Cost	هزینه اقتصادی		
Opportunity Cost	هزینه اگر		

Occupancy Expense;	هزینه بهره‌برداری	Storage Cost	هزینه انبارداری
Operating Cost; Running Cost;		Imputed Cost	هزینه انتسابی
Service Cost		Imputed Cost	هزینه انتسابی به یک سرفصل
Uncontrolable Cost	هزینه بیرون از اختیار	Transfer Cost; Transfer Fee	هزینه انتقال
Cost of Cyclical	هزینه بیکاری ادواری	Surrender Charge	هزینه انصراف
Unemployment		First Cost; Historical Cost;	هزینه اولیه
C.I.F.	هزینه بیمه و حمل	Original Cost; Prime Cost	
	نشانه اختصاری Cost-Insurance-Freight است.	Initial Capital	هزینه اولیه تأسیس
	این اصطلاح در اعلام بها عبارت است از قیمت کالا	Porterage	هزینه باربری در بندر
	به اضافه هزینه بیمه و حمل آن و معمولاً به همراه	Steveporing	هزینه بارگیری و باراندازی
	سیف نام محل را هم می‌آورند.	Charge	
Cost, Insurance,	هزینه بیمه و کرایه حمل	Lighterage	هزینه بارگیری و باراندازی از کشتی
Freight			(به وسیله دوبه)
Target Cost	هزینه پایه	Lighterage	هزینه بارگیری و تخلیه به توسط رو
Distribution Cost	هزینه پخش		به یا قایق
Factage; Postage	هزینه پست	Marketing Cost	هزینه بازاریابی
Money Cost	هزینه پولی	Marketing Cost	هزینه بازاریابی
Estimated Cost	هزینه پیش‌بینی شده	Output Cost	هزینه باز داده
Unexpired Cost	هزینه پیش‌پرداختی	Overhead; Overheads	هزینه بالا سری
Historic Cost	هزینه تاریخی		یا هزینه عمومی تولید.
Organization Cost	هزینه تأسیس	Bank Charge	هزینه بانکی
Renewal	هزینه تبدیل به احسن	Alternative Cost	هزینه بدل
Promotion Money	هزینه تبلیغات	Estimated Cost	هزینه برآوردی
Below the Line	هزینه تبلیغات جز رسانه‌ای	Spending for Output	هزینه برای تولید
Promotion Expenditure		Back Freight	هزینه برگشت محموله
Trade Charge	هزینه تجارت	Programmed Cost; Scheduled	هزینه برنامه‌ای
Reproduction Cost	هزینه تجدید بنا	Cost	
Estimated Cost	هزینه تخمینی	Packaging Cost	هزینه بسته‌بندی
Congestion Surcharge	هزینه تراکم بار	Programmed Cost	هزینه بنابر برنامه
Shut-down Cost	هزینه تعطیل	Landed Cost	هزینه بندر
Deferred Maintenance	هزینه تعمیر پس‌افتاده	Job Order Costing	هزینه‌بندی سفارش کار
Replacement Cost	هزینه تعویض	Betterment-improvement	هزینه بهبود
Differential Cost	هزینه تغییرپذیر	Interest Expense	هزینه بهره

Unrecovered Cost	هزینه جبران نشده	Differential Cost	هزینه تفاضلی
Cranage	هزینه جراثقال	Differential Cost	هزینه تفاوت
Stowage	هزینه چیدن بار	Inseparable Cost	هزینه تفکیک ناپذیر
Unavoidable Cost	هزینه حتمی	Demand Cost	هزینه تقاضا
Cost of Protection	هزینه حمایت	Deflation Cost	هزینه تقلیل قیمت‌ها
Carriage	هزینه حمل یا کرایه بار و یا کرایه حمل.	Recurring Cost	هزینه تکراری
Freight Paid	هزینه حمل پرداخته شده	Final Cost; Prime Cost	هزینه تمام شده
Freight Collect	هزینه حمل در مقصد دریافت می‌شود	Historical Cost	هزینه تمام شده واقعی
Freight	هزینه حمل کالا با کشتی یا کامیون	Stamp Duty	هزینه تمپر
Freight-in	هزینه حمل کالا به مؤسسه	Cost of Distribution; Distribution Cost	هزینه توزیع
Freight-in	هزینه حمل کالاهای خریداری شده	Cost of Production; Factory Cost; Production Cost	هزینه تولید
Carrying Charge	هزینه حمل و نقل	Cost of Reproduction; Reproduction Cost	هزینه تولید مجدد
Haulage	هزینه حمل و نقل کالا از جاده	Direct Charge	هزینه تولیدی
Net Cost	هزینه خالص	Residual Cost	هزینه ته مانده
Family Expenditure	هزینه خانواده	Constant Cost; Fixed Cost; Overhead Cost; Stand-by Cost	هزینه ثابت
Service Charge; Service Cost	هزینه خدمت		هزینه‌ای که در کوتاه مدت به مناسبت تغییر تولید تغییر نپذیرد.
Factory Service	هزینه خدمت کارخانه‌ای	Fixed Cost Per Unit	هزینه ثابت سرانه
Joint Service Cost	هزینه خدمت مشترک	Overhead Cost	هزینه ثابت عمومی
Retail	هزینه خرده‌فروشی موجودی انبار	Average Fixed Cost	هزینه ثابت متوسط
Method of Inventory			هزینه ثابت تولید یک کالای واحد.
Merchandise Procurement Cost	هزینه خرید کالا	Factory Cost; Factory Expense	هزینه ثابت و عمومی کارخانه
Damage Cost	هزینه خسارت هزینه بولی خسارت وارده.	Supplementary Costs	هزینه ثانوی کالا
Marginal Damage Cost	هزینه خسارت نهایی	Replacement Cost	هزینه جابه‌جایی اموال
Internal Cost	هزینه داخلی	Handing Cast	هزینه جابجایی کالا
Asset Cost	هزینه دارایی	Current Cost; Expense; Revenue Expenditure; Running Cost	هزینه جاری
Break-even Point	هزینه دخل و خرج سر به سر		
Period Charge; Period Cost	هزینه دوره محاسباتی		
Service of Debt	هزینه دین	Replacement Cost	هزینه جایگزینی

Implicit Cost; Imputed Cost	هزینه ضمنی	Mortgage Charge	هزینه رهن
		Period Charge; Period Cost	هزینه زمانی
	هزینه فرصت استفاده از عوامل تولید که تولیدکننده قبلاً صاحب آن بوده است و نیازی به خرید یا اجازه آن ندارد.	Cost of Living; Living Cost	هزینه زندگی
Classified Cost	هزینه طبقه‌بندی شده	Cost of Goods Manufactured	هزینه ساخت کالا
Capacity Cost	هزینه ظرفیت	Constructions	هزینه ساختمانهای نیمه تمام
Idle-capacity Cost	هزینه ظرفیت بلااستفاده	Works in Progress	
Idle-capacity Cost	هزینه ظرفیت بیکار	Reproduction Cost	هزینه ساخت مجدد
Dead Freight	هزینه ظرفیت خالی	Organization Cost	هزینه سازمان
Factor-cost; Normal Cost; Standard Cost	هزینه عادی	Annual Charge	هزینه سالانه
Marginal-factor Cost	هزینه عامل نهایی	Annual Capital Charge	هزینه سالانه سرمایه
Shut-down Cost	هزینه عمده		روشی برای ارزیابی طرحهای سرمایه‌گذاری که در آن از تنزیل استفاده می‌شود با توجه به این اصل که کاربرد سرمایه مستلزم پرداخت بهره و استهلاک آن است.
Wholesale Cost	هزینه عمده‌فروشی	Output Cost	هزینه ستانده
Lifecycie Cost	هزینه عمری		همان هزینه باز داده یا محصول یا مقدار تولید است.
Revenue Expenditure; Service Cost; Variable Cost (V.C.)	هزینه عملیات	Burden; Loading	هزینه سربار
Operating Cost	هزینه عملیاتی	Separable Cost	هزینه سرشکن‌شدنی
Burden; Direct Overhead; Manufacturing Expense; Overhead; Overhead Cost	هزینه عمومی	Capital Cost; Cost of Capital	هزینه سرمایه
Factory Expense; Manufacturing Expense	هزینه عمومی تولید		هزینه شکل‌های مختلف سرمایه در یک بنگاه با توجه به میزان بهره و هزینه سرمایه نهایی.
Alternative Cost	هزینه عوض	Capital Cost; Capitalized Cost	هزینه سرمایه‌ای
Delinquency Charge	هزینه غفلت		هزینه سرمایه برای بنگاه‌های تولیدی
Overhead	هزینه غیر تولیدی	User Cost of Capital	
Unavoidable Cost	هزینه غیر قابل اجتناب	Reorder Cost	هزینه سفارش مجدد
Inseparable Cost	هزینه غیر قابل تفکیک	Bill of Fare; Viatico	هزینه سفر
Noncontrollable Cost	هزینه غیر قابل نظارت	Explicit Cost	هزینه صریح
Indirect Cost; On Cost	هزینه غیر مستقیم	Increasing Cost	هزینه صعودی
Factory Expense	هزینه غیر مستقیم تولید	Alternative-cost	هزینه صورت دیگر نرخ دیگر
Non Cash Expenditure	هزینه غیر نقد	Mintage	هزینه ضرب سکه

Direct Labour Cost	هزینه کار مستقیم	Cost-benefit	هزینه - فایده
Curtail Expense	هزینه کاستی		
Cost of Goods Sold	هزینه کالاهای به فروش رفته		روشی برای تحلیل و ارزیابی طرحهای اقتصادی است.
Cost of Goods Manufactured	هزینه کالاهای ساخته	Opportunity Cost	هزینه فرصت
Cost of Goods Purchased	هزینه کالای خریداری		ارزش منابع تولیدی که به جای استفاده در یک مورد می توانست در تولید کالای دیگر به کار رود.
Commodity Cost	هزینه کالای مصرفی	Social	هزینه فرصت اجتماعی سرمایه
Full Cost	هزینه کامل	Opportunity Cost of Capital	هزینه فرصت داراییهای پولی
	مجموع هزینه متغیر متوسط هزینه ثابت متوسط و حاشیه سود خالص.	Opportunity Cost Of Money Holdings	هزینه فرصت داراییهای پولی
Controllable Cost	هزینه کاهش پذیر	Standby Cost	هزینه فرعی
Decreasing Cost Spend	هزینه کاهنده هزینه کردن	Sales Charges	هزینه فروش
Full Cost; Total Cost	هزینه کل	Selling and Administrative Expense	هزینه فروش و مدیریت
	کل هزینه تولید مقدار معین محصول.		
Average Total Cost	هزینه کل متوسط	Cost of Sales	هزینه فروشها
Landed Cost	هزینه گمرک	Stepped Cost	هزینه فزونی عملیات
Surplus Charge	هزینه مازاد	Crash Cost	هزینه فشرده
Finance Charge	هزینه مالی	Surcharge	هزینه فوق العاده
Direct Cost	هزینه مایه متغیر	Recoverable	هزینه قابل استرداد
Normal Cost	هزینه متعارف	Expenditure	
Operating Cost; Prime Cost; Running Cost; Variable Cost	هزینه متغیر	Tracable Cost	هزینه قابل اسناد
	هزینه ای که مستمراً با تولید هر واحد کالا انجام می شود.	Separable Cost	هزینه قابل تخصیص
Floating Charge	هزینه متغیر (از دید شرکت)	Controllable Cost	هزینه قابل نظارت
Average Variable Cost	هزینه متغیر متوسط	Compliance Cost	هزینه قبولی
	هزینه متغیر تولید یک واحد کالا.	Delinquency Charge	هزینه قصور
Sundry Expense	هزینه متفرقه	Shut-down Cost	هزینه قطعی
Supplementary Cost	هزینه متمم	Slinging	هزینه قلاب اندازی
		Labour Cost	هزینه کار
		Factory Cost	هزینه کارخانه
		Cost of Labour Per Unit of Time	هزینه کار در واحد زمان
		Indirect Labour	هزینه کار غیر مستقیم
		Machine-hour Rate	هزینه کار ماشین در ساعت

Standard Charge	هزینه معیاری	Average Cost	هزینه متوسط
Basic Standard Cost	هزینه معیاری پایه		
Normal Standard Cost	هزینه معیاری عادی		هزینه تولید یک واحد کالا که در آن تمامی هزینه عوامل تولید منظور شده است.
Perfect Standard Cost	هزینه معیاری کامل	Long-run Average Cost	هزینه متوسط بلندمدت
Standard Cost	هزینه معیاری موجودی انبار		
Method of Inventory		Short-run Average Cost	هزینه متوسط کوتاه مدت
Current Standard Cost	هزینه معیاری و مورد قبول		
Cost		Allowance	هزینه مجاز
Standard Charge	هزینه مقاطعه‌ای	Output Cost	هزینه محصول
Predicted Cost	هزینه مقرر		همان هزینه ستانده، در داده، یا محصول است.
Recurring Cost	هزینه مکرر	Joint Product Cost	هزینه محصول مشترک
National Expenditure	هزینه ملی	Outage Cost	هزینه مدت عدم استفاده
Net National Outlay	هزینه ملی خالص	Direct Charge; Direct Cost; Specific Cost	هزینه مستقیم
Cost-benefit	هزینه - منفعت		
	همان هزینه - فایده است.	Direct Department Cost	هزینه مستقیم قسمت
Material Cost	هزینه مواد	Direct Department Cost	هزینه مستقیم یک بخش اداری
	هزینه مواد اولیه، سوخت و دستمزدی که مستقیماً با تولید کالا ارتباط دارد.		
Indirect Material	هزینه مواد غیرمستقیم	Sunk Cost	هزینه مستهلک شده
Direct Material Cost	هزینه مواد مستقیم	Common Cost; Joint Cost	هزینه مشترک
Direct Material Cost	هزینه مواد مصرفی		مخارج تولید همان دو یا چند محصول.
Expected Cost	هزینه مورد انتظار	Customer Cost	هزینه مشتری
Predicted Cost	هزینه مورد پیش بینی	Material Cost	هزینه مصالح
Opportunity Cost	هزینه موقعیت	Personal Consumption Expenditure (P.C.)	هزینه مصرفی خصوصی
Cost Absorption	هزینه مؤخر	Scheduled Cost	هزینه مطابق طرح
Gross National Quality	هزینه ناخالص ملی	Trade Charge	هزینه معامله
Indirect Cost	هزینه نامستقیم	Demurrage Cost	هزینه معطلی (در بارگیری و تخلیه)
Gross Expenditure	هزینه ناویژه		
Decreasing Cost	هزینه نزولی	Demurrage	هزینه معطلی کستی
Comparative Cost	هزینه نسبی	Current Expense	هزینه معمولی عملیات
Uncontrolable Cost	هزینه نظارت ناپذیر	Dferred Charge	هزینه معوق
Carrying Cost	هزینه نگهداری	Predicted Cost; Standard Cost; Target Cost	هزینه معیار
Asset Cost	هزینه نگهداری دارایی		

Advertising Charges	هزینه‌های آگهی و تبلیغ تجاری	Demand Deposit Service Charge	هزینه نگهداری سپرده دیداری
Contingencies	هزینه‌های اتفاقی	Holding Cost; Storage Cost	هزینه نگهداری کالا
Unavoidable Costs	هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر	Differential Cost; Marginal Cost	هزینه نهایی
Administration Expenses	هزینه‌های اداره		هزینه اضافی تولید یک واحد اضافی کالا.
Administrative Expenses; General Overhead	هزینه‌های اداری	Social Marginal Cost	هزینه نهایی اجتماعی
Carrying Charges	هزینه‌های اداری حمل	Long-run Marginal Cost	هزینه نهایی بلندمدت
General Operating Expense	هزینه‌های اداری و تولید و جز اینها (در حمل و نقل)		هزینه اضافی ناشی از تولید یک واحد اضافی در بلند مدت.
Forwarding Charges	هزینه‌های ارسال	Marginal Cost of Production	هزینه نهایی تولید
Congestion Costs	هزینه‌های ازدحام	Constant Marginal Cost	هزینه نهایی ثابت
Accrued Expenses	هزینه‌های افزوده	Marginal Cost of Acquisition	هزینه نهایی خرید (هزینه عامل نهایی)
Congestion Costs	هزینه‌های انبوهی همان هزینه‌های ازدحام است.	Marginal Opportunity Cost	هزینه نهایی فرصت
Deferred Expenses	هزینه‌های انتقالی	Short-run Marginal Cost	هزینه نهایی کوتاه‌مدت
Accrued Charges	هزینه‌های انجام شده	Decreasing Marginal Cost	هزینه نهایی نزولی
Development Expenses	هزینه‌های اولیه بهره‌برداری معادن	Unit Cost	هزینه واحد
Trade Expenses	هزینه‌های بازرگانی	Fixed Cost Per Unit	هزینه واحد ثابت
Direct Overheads; Incremental Costs; Manufacturing Overhead Costs	هزینه‌های بالاسری	Actual Cost; Historical Cost; Real Cost;	هزینه واقعی
Social Overheads	هزینه‌های بالاسری اجتماعی	Commitment Charge	هزینه واگذاری تعهد
Sunk Costs	هزینه‌های به حساب رفته	Crash Cost	هزینه ورشکست
Postmeritem Costs	هزینه‌های پیش‌بینی نشده	Attendance Fee	هزینه ورود
Deferred Charges; Prepaid Expenses	هزینه‌های پیش‌پرداختی	C.F.R.	هزینه وکرایه حمل پرداخت شده
Capital Expense; Capital Outlays	هزینه‌های تأسیساتی	Net Expenditure	هزینه ویژه
Luxury Spending	هزینه‌های تجملی	Special Commitment Charge	هزینه ویژه تعهد
Comparative Cost	هزینه‌های تطبیقی		
Supplementary Costs	هزینه‌های تکمیلی		

Capital Expenditures;	هزینه‌های سرمایه‌ای	Distributing Costs	هزینه‌های توزیع
Capital Expense; Capital Outlays		Development Expenses	هزینه‌های توسعه فروش
Personal Outlays	هزینه‌های شخصی	Factory Expense	هزینه‌های تولید جز مواد اولیه و کارگر
Increasing Costs	هزینه‌های صعودی	Direct Overheads; Fixed Charges; Indirect Expenses	هزینه‌های ثابت
Operating Expenses	هزینه‌های عملکرد	Social Overheads	هزینه‌های ثابت اجتماعی
Operating Expenses	هزینه‌های عملیات انتفاعی	Fixed Labour Costs	هزینه‌های ثابت کار
General Overhead;	هزینه‌های عمومی	Handling Charges	هزینه‌های جابه‌جایی
Indirect Expenses; Overhead Charges		Current and Capital Expenditure	هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای
Manufacturing Overhead Costs; Production Overheads	هزینه‌های عمومی تولید	Search Costs	هزینه‌های جست و جو
Departmental Overhead	هزینه‌های عمومی سهم یک قسمت از سازمان	Unavoidable Costs	هزینه‌های حتمی
Nonoperating Expenses	هزینه‌های غیرانتفاعی	Transport Charges	هزینه‌های حمل و نقل
Overhead Charges	هزینه‌های غیر تولیدی	Carriage Inwards	هزینه‌های خریدار بابت حمل کالا
Nonrecoverable Charge	هزینه‌های غیر قابل وصول یا جبرانی	Untoxtable Costs	هزینه‌های خلاف حقیقت
Non-wage Labour Costs	هزینه‌های غیر مزدی کار	Transaction Costs	هزینه‌های داد و ستد
Indirect Charges;	هزینه‌های غیر مستقیم	Distance Costs	هزینه‌های دوری
Indirect Expenses		Government Expenditures	هزینه‌های دولت
Nonrecurrent Expenditure	هزینه‌های غیر مستمر	Shoe Leather Costs	هزینه‌های «دوندگی»
Spillover Costs	هزینه‌های فرعی	Contango	هزینه‌های دیگرکرد خرید سهم
Distribution Expenses;	هزینه‌های فروش	Promotion Expense	هزینه‌های راه اندازی
Sales Costs; Selling Costs; Selling Expenses		Welfare Expenditure	هزینه‌های رفاه عمومی
	هزینه‌های بازاربایی و توزیع یک محصول.	Competitive Costs	هزینه‌های رقابت آمیز
Carriage Outwards	هزینه‌های فروشنده بابت حمل کالا	Competitive Costs	هزینه‌های رقابتی
Avoidable Costs	هزینه‌های قابل اجتناب	Untoxtable Costs	هزینه‌های ساختگی
Consular Fees	هزینه‌های قنصلی	Production Overheads;	هزینه‌های سر بار تولید
Total Variable Costs	هزینه‌های کل متغیر	Works Oncost	
Exorbitant Expenses	هزینه‌های کمرشکن	Overhead Charges	هزینه‌های سرشکن
		Capital Charges	هزینه‌های سرمایه

Unearned Charges	هزینه‌های نامکتسب	Handling Charges	هزینه‌های گذاشت و برداشت
Handling Charges	هزینه‌های نقل و انتقال		
Semi Variables Costs	هزینه‌های نیمه‌متغیر		همان هزینه‌های جابجایی است.
Departmental Charges	هزینه‌های ویژه	By-gone versus Relevant Alternative Opportunities	هزینه‌های گذشته و فرصتهای آینده
Supplementary Costs	هزینه‌هایی جز هزینه‌های اولیه	Customs Charges	هزینه‌های گمرک
Political Levy	هزینه هدف‌دار سیاسی	Financing Expenses; Financial Expenses	هزینه‌های مالی
Standard Cost	هزینه‌های هنجاری	Taxation of Costs	هزینه‌های مالیات‌بندی
Cost or Market Value	هزینه یا ارزش بازار	Accrued Charges; Accrued Expenses	هزینه‌های متعلقه
Cost Accounting; Costing; Direct Costing	هزینه‌یابی	Variable Labour Costs	هزینه‌های متغیر کار
Cost Method (Average) of Inventory	هزینه‌یابی به نرخ متوسط	Out-of-pocket Costs	هزینه‌های متغیر نقدی و فوری
Differential Costing	هزینه‌یابی تفاضلی	Variable Labour Costs	هزینه‌های متغیر نیروی کار
Batch Costing	هزینه‌یابی دسته‌ای		
Job Costing	هزینه‌یابی شغل	Miscellaneous Expenses	هزینه‌های متفرقه
Process Costing	هزینه‌یابی فراگرد تولید	Supplementary Costs	هزینه‌های متمم
Functional Costing	هزینه‌یابی کارکردی	Departmental Charges	هزینه‌های متناسب
Process Costing	هزینه‌یابی مرحله‌ای	Shipping Charges	هزینه‌های مرسوله
Standard Costing	هزینه‌یابی معیاری	Wage and Salary Disbursements	هزینه‌های مزد و حقوق
Marginal Costing	هزینه‌یابی نهایی		
Current Expense	هزینه یک دوره مشخص	Distance Costs	هزینه‌های مسافت
Page Rate	هزینه یک صفحه آگهی	Departmental Charges; Direct Costs; Direct Expenses	هزینه‌های مستقیم
Caveat Emptor	هشدار به خریدار		
Caveat Venditor	هشدار به فروشنده	Joint Costs	هزینه‌های مشترک
Shopping Week	هفته‌اعلان برای ترویج یک کالا	Transaction Costs	هزینه‌های معاملاتی
Fair Market	هفته‌بازار		هزینه‌های خرید و فروش کالاها و خدمات جز قیمت آنها.
Guaranteed Week	هفته تضمینی	Comparative Cost	هزینه‌های مقایسه‌ای
Standard Working Week	هفته‌کاری پایه	Development Expenses	هزینه‌های مقدماتی استفاده از چاه نفت
Standard Working Week	هفته‌کاری معیار		

Linear Correlation	همبستگی خطی	Heckscher, (۱۸۷۹-۱۹۵۲)	هکشر، الی اف.
Auto-correlation	همبستگی خودکار	Eli F.	
Intercorrelation	همبستگی داخلی		اقتصاددان سوئدی صاحب‌نظر در روابط تجاری
Intercorrelation	همبستگی درونی		بین‌المللی.
Rank Correlation	همبستگی رتبه‌ای	Cosignatory	هم‌امضا
Serial Correlation	همبستگی زنجیری	Simulation	هماندسازی
Spurious Correlation	همبستگی ساختگی	Identity	هماندی
Simple Correlation	همبستگی ساده	Harmonic	هماهنگ
Curvilinear Correlation; Non-linear Correlation	همبستگی غیرخطی	Harmony	هماهنگی
Spurious Correlation	همبستگی غیرواقعی	Industrial Harmony	هماهنگی صنعتی
Spurious Correlation	همبستگی فلابی	Co-ordination of Factors of Production	هماهنگی عوامل تولید
Inter Correlation	همبستگی متقابل	Harmony of Interests	هماهنگی منافع
Positive Correlation	همبستگی مثبت	Harmonies of Economics; Economic Harmonies	هماهنگیهای اقتصاد
Direct Correlation	همبستگی مستقیم	Correlation	همبستگی
Serial Correlation	همبستگی مسلسل		ارتباط خطی دو متغیر از طریق علیت مستقیم یا غیرمستقیم یا تصادف آماری.
Joint Correlation	همبستگی مشترک	Spurious Correlation	همبستگی بدلی
Inverse Correlation	همبستگی معکوس	Nonsense Correlation	همبستگی بی‌معنا
Negative Correlation	همبستگی منفی	Serial Correlation	همبستگی پیایی
Partial Correlation	همبستگی ناکامل	Joint Correlation	همبستگی پیوسته
Nonsense Correlation	همبستگی نامعقول	Serial Correlation	همبستگی ترتیبی
Correlogram	همبستگی نگار	Multiple Correlation	همبستگی جامع
Index Linking	همبسته شاخص	Partial Correlation	همبستگی جزئی
Covariance	همپراش		تحلیل همبستگی میان دو متغیری که یک یا هر دو با یک یا چند متغیر دیگر همبستگی دارد.
Equally Likely	همتراز	Multiple Correlation	همبستگی چندگانه
Ex Gratia; Hat Money	همت عالی		ضابطه‌ای برای تشخیص درجه همبستگی میان یک متغیر از یک سو و دو یا چند متغیر از سوی دیگر.
Ejusdem Generis	همجنس	Multiple Correlation	همبستگی چندمتغیری
Pari Passu	هم درجه	Partial Correlation	همبستگی خالص
With Exchange	همراه با برات		
Accommodation Acceptance	همراهی و مرافقت متقابل		
Unanimous	هم‌رأی		
Simultaneous; Synchronic	همزمان		

این عقیده که آزادی اقتصادی با عدم دخالت دولت ملازمه ندارد.	Input-Output Overlap	همزمانی در داده - باز داده
Social Fad هوس اجتماعی	Consistent	همساز
Executive Board هیئت اجرایی	Consistency; Smoothing	همساز
Assignee in Bankruptcy هیئت تصفیه امور ورشکسته	Accommodation of Supply Shock	همساز
Arbitration Board هیئت حکمیت	Ejusdem Generis	همسان
Arbitration Board هیئت داوری	Homoscedasticity	همسانی
Board of Governors هیئت رئیسه	Bring the Rates Level	همسطح کردن نرخها
Board of Governors هیئت رؤسای کل	Time	
Executive Board هیئت عامل	Comparison	همسنجی
Grievance Committee هیئت مرجع شکایت	Cooperation	همکاری
Wages Boards هیئت مزد	Economic Cooperation	همکاری اقتصادی
C.M.S. Rating Committee هیئت مشترک نرخ‌گذاری بیمه‌های دریایی	Synergy	همکوشی
Supervising Board هیئت نظار	Cofactor	همگزار
Supervising Board هیئت نظارت	Social Conformity	همنوایی اجتماعی
Marketing Boards هیئتهای بازاریابی	Omnium	همه جور سهام
Note Reserve Control Board هیئت نظارت اندوخته اسکناس	All (One's)	همه دارایی شخص
Hicks, Sir John Richard هیکس، عالی جناب جان ریچارد (۱۹۴۰ - ...)	Aon	همه یا هیچ
اقتصاددان انگلیسی برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۲ در اقتصاد.	Tenantry	همه مستأجرین یک ملک
	Cooperative	همیاری
	Collectivism	همیاوری
	Hard-core Unemployed	همیشه‌بیکار
Hume, David هیوم، دیوید (۱۷۱۱-۱۷۷۶)	Norm	هنجار
مورخ و اقتصاددان اسکاتلندی. به عقیده وی، در پاسخ به نوسانهای قیمتها، نقل و انتقال شمش طلا به گونه‌ای انجام می‌گیرد که تفاوت قیمت میان کشورها در محدوده‌ای معین حفظ می‌شود. در مورد نظریه مقدار پول میان کوتاه‌مدت و بلندمدت فرق می‌گذاشت و به وابستگی میان اندازه بهره و میزان سود باور داشت.	Norm Following Behaviour	هنجار به دنبال رفتار
	Handicraft	هنر دستی
	Hutcheson, Francis	هوچسن، فرانسیس هوت
	Hutt W.II.	
		اقتصاددان انگلیسی مبتکر «دست راهنما» برای ایجاد هماهنگی در تصمیمات افراد جامعه و دارای



Haulage	یدک کشیدن قایق	Credit Memo; Credit Memorandum	یادداشت اعتبار
Formal Certainty	یقین صوری	Debit Note	یادداشت بدهکار
One Crop	یک آیشی (در مورد زمین)	Berth Note	یادداشت پهلوگیری (کشتی)
Single Valued; Univocal	یک ارزشی	Memorandum of Understanding	یادداشت تفاهم
Grain	یک اونس برابر با ۳۱/۱۰۳۵ گرم.	Consignment Note	یادداشت حمل
Individual Account	یکایک حسابها	Broker's Note	یادداشت دلال
Disposable	یکبار مصرف	N.B.	یادداشت شود
Decillion	یک با شصت صفر در سمت راست آن	نشانه اختصاری Nota Bene است.	
Consolidation	یکپارچگی وحدت دو یا چند شرکت در شرکتی واحد.	Sold Note	یادداشت فروش
Capital Market	یکپارچگی بازار سرمایه	Broker's Note	یادداشت کارگزار
Integration		Working Papers	یادداشت‌های حسابداری و حسابرسی
Uniqueness	یکتایی	Sq. Yard	یارد مربع برابر با ۲۷۳۶/۸۳۶۱ مترمربع.
Engross	یکجا خریدن	«Fate»	یا نصیب و قسمت
Regrate	یکجا خریدن و خرده فروختن	Possession	ید شاغل و مسلط
Sell Out	یکجا فروختن	Trailer	یدک کش
Consolidate	یکجا کردن	Piggyback	یدک کش واگنهای باربری در راه آهن
Ejusdem Generis	یک جور	Haul (To Draw)	یدک کشیدن
Subshare	یک چندم سهم		
Farthings	یک چهارم پنی		

Absorb	یک کاسه کردن	Increment	یک چیز اضافه شده
One Crop	یک محصولی	Bill in a Set	یک دسته برات
Commute (به عرض اقساط)	یک مرتبه پرداختن	Turnover	یک دوره خرید و فروش
Bar	یک میلیون لیره	Decile	یکدهم از هر توزیع فراوانیها
Uniformity	یکنواختی	Dime	یکدهم دلار
Ejusdem Generis	یک نوع	Mill	یکدهم سنت
Carload	یک واگن بار	Consolidate	یک رقم کردن
Mill	یکهزارم دلار	Across the Board	یکسان
Economic Unity	یکانگی اقتصادی	Homoscedasticity	یکسانی
Monopsonist	یکانه خریدار کالا	Anna	یکشانزدهم رویه
Yuan, Y	یوان، واحد پول چین	Uniformity	یک شکلی
Yen, Y	ین، واحد پول ژاپن	Agora	یکصد اکورت برابر با یک پوند است
Eupunit	یوپیونیت	Centime	یکصدم
واحد پرداخت اروپایی و نشانه اختصاری		Full Lot	یک قطعه کامل از یک قرصه
European Payment Unit است.		Flat Price	یک قیمت

جدولهای ضمیمه

کشورها - واحدهای پول

نام کشور	پولها	نام کشور
Azerbaijan	Manat منات	آذربایجان
Argentina	Peso پزو	آرژانتین
South Africa	Rand راند	آفریقای جنوبی
Central Africa	Franc فرانک	آفریقای مرکزی
Albania	Lek لک	آلبانی
Germany	Duetsch marek مارک	آلمان
Antigua and Barbuda	Dollar دلار	آنتیگوآ و باربودا
Netherland Antilles	Guilder گیلدر	آنتیل هلند
Andora	Franc فرانک	آندورا
Angola	Kwanza کوانزا	آنگولا
Anguila	Dollar دلار	آنگویلا
Austria	Schilling شیلینگ	اتریش
Ethiopia	Birr بیر	اتیوپی
Jordan	Dinar دینار	اردن
Armenia	Dram درام	ارمنستان
Uruguay	New Peso پزو جدید	اروگوئه
Uzbekistan	UZS سوم	ازبکستان
Spain	Peseta پزوتا	اسپانیا
Australia	Dollar دلار	استرالیا

کشورها - پولها
و
نشانه پولها

نشانه پولها	پولها	نام کشور
AZM	Manat	منات آذربایجان
\$	Peso	پزو آرژانتین
R	Rand	راند آفریقای جنوبی
CFAF	Franc	فرانک آفریقای مرکزی
L	Lek	لک آلبانی
DM	Duetsch mark	مارک آلمان
EC\$	Dollar	دلار آنتیگوا و باربودا
AF	Guilder	گیلدر آنتیل هلند
F	Franc	فرانک آندورا
Kz	Kwanza	کوانزا آنگولا
EC\$	Dollar	دلار آنتیلا
S, Sch	Schilling	شیلینگ اتریش
Br	Birr	بیر اتیوپی
JD	Dinar	دینار اردن
DRA	Dram	درام ارمنستان
UZS	Sum	سوم ازبکستان
NUr\$	New Pezo	پزو جدید اروگوئه
Pta	Peseta	پزوتا اسپانیا
\$A	Dollar	دلار استرالیا
ESK	Kroon	کرون استونی

نشانه پولها	پولها	نام کشور
IS	Shekel شیکل	اسرائیل
KCS	Koruna کورونا	اسلوواکی
SLT	Tolar تولار	اسلونی
Af	Afghani افغانی	افغانستان
S/	Sucre سوکر	اکوادور
DA	Dinar دینار	الجزایر
c	Colon کولون	السالوادور
Dh	Dirham درهم	امارات عربی متحد
RP	Rupiyah روپیا	اندونزی
£, £stg	Pound پوند	انگلستان
UAK	Karbovanets کاربوانتس	اوکراین
USh	Shilling شیلینگ	اوساندا
\$, US\$	Dollar دلار	ایالات متحد
Rls	Rial ریال	ایران
£, £Ir	Pound پوند	ایرلند
IKr	Krona کرونا	ایسلند
BDS\$	Dollar دلار	باربادوس
B\$	Dollar دلار	باهاماس
BD	Dinar دینار	بحرین
Cr\$	Cruzeiro کروزیرو	برزیل
Ber\$	Dollar دلار	برمودا
K	Kyat کیات	برمه (میانمار)
B\$	Dollar دلار	برونی
\$, U\$	Dollar دلار	بلانو
BF	Franc فرانک	بلژیک
Lv	Lev لو	بلغارستان
Bz\$	Dollar دلار	بلیز
\$B	Peso پزو	بلیوی
TK	Taka تاکا	بنگلادش
CFAF	Franc فرانک	بنن
N	Ngultrum نگولترام	بوتان

نشانه پولها	پولها	نام کشور
P	Pula	پولا
FBu	Franc	فرانک
G	Guarani	گوآرانی
PRs	Rupee	روپیه
B	Balbon	بالبوآ
Esc	Escudo	اسکودو
S/	Sol	سُل
CFPF	Franc	فرانک
TRub	Ruble (National)	روبل ملی
TSh	Shilling	شیلینگ
Bht, B, TC	Baht	بات
T\$	Taiwan Dollar	دلار
TMM	Manat	منات
LT	Lira	لیره
TT\$	Dollar	دلار
\$A	Dollar	دلار
CFAF	Franc	فرانک
D	Dinar	دینار
PT	Pa'anga	پاآنکا
Esc	Escudo	اسکودو
J\$	Dollar	دلار
£	Pound	پوند
DF	Franc	فرانک
CFAF	Franc	فرانک
KC	Koruna	کورونا
Y	Yuan	یوآن
DKr	Krona	کرون
EC\$	Dollar	دلار
RD\$	Peso	پزو
RF	Franc	فرانک
Rb	Ruble	روبل

نشانه پولها	پولها	نام کشور
BRub	Ruble	روسیه سفید روبل
L	Leu	رومانی لئو
K	Kwacha	زامبیا کواچا
Z	Zaire	زئیر زئیر
\$NZ	Dollar	زلاندنو دلار
Z\$	Dollar	زیمبابوه دلار
Y	Yen	ژاپن ین
Db	Dobra	سانتومه و پرنسب دوبرا
CFAF	Franc	ساحل عاج فرانک
SI\$	Dollar	سالومون دلار
WS\$	Tala	ساموآی تالا
SIRS	Rupee	سريلانکا روپيه
F	Franc	سن پير و ميکونلون فرانک
EC\$	Dollar	سن کیتس - نویس دلار
S\$	Dollar	سنگاپور دلار
CFAF	Franc	سنگال فرانک
ES\$	Dollar	سن لوسیا دلار
EC\$	Dollar	سن وسان دلار
£stg	Pound	سن هلن پوند
SKr	Krone	سوئد کرون
SWF	Franc	سوئس فرانک
E	Lilangeni	سوازیلند لیلانگنی
LSd	Pound	سودان پوند
Sf	Guilder	سورینام گیلدر
LS	Pound	سوریه پوند
SoSh	Shilling	سومالی شیلینگ
SR	Rupee	سیشل روپيه
Le	Leone	سیرالئون لئون
Ch\$	Peso	شیلی پزو
ID	Dinar	عراق دینار
SRls	Riyal	عربستان سعودی ریال

نشانه پولها	پولها	نام کشور
RO	Rial Omani	ریال عمان
c	Cedi	سدى غنا
DKr	Krone	کرون فائرو
£	Pound	پوند فالكند
F	Franc	فرانك فرانسه
Fmk	Markka	ماركا فنلاند
F\$	Dollar	دولار فيجى
P	Peso	پزو فيليپين
£, £C	Pound	پوند قبرس
KGS	Som	سوم قرقيزستان
KZT	Tenge	تنگه قزاقستان
QR	Rial	ريال قطر
c	Colon	کولون کاستاریکا
CFPF	Franc	فرانك کالدونیاى جديد
KR	Riel	رى يل کامبوج
CFAF	Franc	فرانك کامرون
Can\$, \$	Dollar	دولار کانادا
W	Won	وون کره جنوبی
W	Won	وون کره شمالی
CRK	Kuna	کونا کروآسى
Col\$	Peso	پزو کلمبیا
CFAF	Franc	فرانك کنگو
KSh	Shilling	شیلینگ کنیا
\$	Peso	پزو کوبا
CFAF	Franc	فرانك کومور
KD	Dinar	دينار کویت
\$A	Dollar	دولار کیریباتى
C\$	Dollar	دولار کى من
CFAF	Franc	فرانك گابون
D	Dalasi	دالاسى گامبیا
	Coupon	کوپن گرجستان

نشانه پولها	پولها	نام کشور
EC\$	Dollar	دولار
DKr	Krone	کرون
Q	Quetzal	کوئتزال
F	Franc	فرانک
G\$	Dollar	دولار
GS	Syli	سیلی
Bipk	Ekwele	اکول
PG	Peso	پزو
F	Franc	فرانک
K	Kina	کینا
K	Kip	کیپ
LL	Pound	پوند
Lvl	Lat	لات (لاتس)
M	Loti	مالوتی
LuxF	Franc	فرانک
Zl	Zloti	زلوتی
LD	Dinar	دینار
LIL	Lita	لیت (لیتیا)
SWF	Franc	فرانک
FMG	Franc	فرانک
F	Franc	فرانک
US\$	Dollar	دولار
P	Pataca	پاتاکا
MK	Kwacha	کواچا
£M	Pound	پوند
Rf	Rufiyaa	روفیه
M\$	Ringgit	رینگیت
MF	Franc	فرانک
Ft	Forint	فورینت
DH	Dirham	درهم
LE	Pound	پوند

نشانه پولها	پولها	نام کشور
Tug	Tughrik	توقریک مغولستان
MKD	Makdonia	دینار مقدونیه
L	Leu	لو(لنو) مولداوی
Rs	Rupee	روپیه موریس
Mt	Metical	متیکال موزامبیک
F	Franc	فرانک موناکو
\$, US\$	Dollar	دلار میکرونزی
\$A	Dollar	دلار ناورو
R	Rand	راند نامیبیا
Rs	Rupee	روپیه نیپال
NKr	Krone	کرون نروژ
CFAF	Franc	فرانک نیجر
N	Naira	نایرا نیجریه
C\$	Cordoba	کوردوبا نیکاراگوئه
CFPF	Franc	فرانک والیس و فوتونا
V	Vatu	واتو وانواتا
CFAF	Franc	فرانک ولتای علیا
B	Bolivar	بولیوار ونزوئلا
D	Dong	دونگ ویتنام
\$	Dollar	دلار ویرجین بریتانیا
G	Gourde	گورد هائیتی
F	Guilder	گیلدر هلند
Rs	Rupee	روپیه هند
L	Lempira	لمپیرا هندوراس
HK\$	Dollar	دلار هنگ کنگ
YD	Dinar	دینار یمن
ND	New Dinar	دینار جدید یوگسلاوی
Dr	Drachma	دراخما یونان

نام کشور	پولها	نام کشور
	Kroon	کرون
	Shekel	شیکل
Slovakia	Koruna	کرونا
Slovenia	Tolar	تولار
Afghanistan	Afghani	افغانی
Ecuador	Sucre	سوکز
Algeria	Dinar	دینار
El Salvador	Colon	کولون
United Arab Emirates	Dirham	درهم
Indonesia	Rupiah	روپیا
England	Lira, Pound Lira, England Pound stg	پوند، لیره، استرلینگ، لیره استرلینگ
Ukraine	Karbovanets	کاربوانتس
Uganda	Shilling	شیلینگ
United States of America	Dollar	دلار
Italy	Lira	لیر
Iran	Rial	ریال
Ireland	Pound	پوند
Iceland	Krona	کرونا
Barbados	Dollar	دلار
Bahamas	Dollar	دلار
Bahrain	Dinar	دینار
Brazil	Cruzeiro	کروزیرو
Bermuda	Dollar	دلار
Burma	Kyat	کیات
Brunei	Dollar	دلار
Belau	Dollar	دلار
Belgium	Franc	فرانک
Bulgaria	Lev	لو

نام کشور	پولها	نام کشور
Belize	Dollar	دلار
Bolivia	Poso	پزو
Bengladesh	Taka	تاکا
Benin	Franc	فرانک
Bhutan	Ngultrum	نگولترام
Botswana	Pula	پولا
Burundi	Franc	فرانک
Paraguay	Guarani	گوآراتی
Pakistan	Rupee	روپیه
Panama	Balboa	بالبوا
Portugal	Escudo	اسکودو
Peru	Sol	سول
French Polynesia	Franc	فرانک
Tajikistan	Ruble	روبل (ملی)
Tanzania	Shilling	شیلینگ
Thailand	Baht	بات
Taiwan	Dollar	دلار
Turkmenistan	Manat	منات
Turkey	Lira	لیره
Trinidad and Tobago	Dollar	دلار
Tuvala	Dollar	دلار
Togo	Franc	فرانک
Tunesia	Dinar	دینار
Tonga	Pa'anga	پا آنگا
Jamaica	Dollar	دلار
Gibraltar	Pound	پوند
Djibouti	Franc	فرانک
Chad	Franc	فرانک
Czech	Koruna	کورونا
China	Yuan	یوان

نام کشور	پولها	نام کشور
Denmark	Krone	دانمارک
Dominica	Dollar	دومینیک
Dominican	Peso	دومینیکن
Rwanda	Franc	روآندا
Russia	Ruble	روسیه
Belarussie	Ruble	روسیه سفید
Romania	Leu	رومانی
Zambia	Kwacha	زامبیا
Zaire	Zaire	زئیر
New Zealand	Dollar	زلاندنو
Zimbabwe	Dollar	زیمبابوہ
Japan	Yen	ژاپن
Sao Tome and Principe	Dobra	سانتومہ و پرنیپ دوربا
Ivory Coast	Franc	ساحل عاج
Solomon	Dollar	سالومون
Western Samoa	Tala	ساموآی غربی
Srilanka	Rupee	سری لانکا
St Pierre and Miquelon	Franc	سن پیر و سن میکولون
St Kits-Nevis	Franc	سن کیتس - نویس
Singapore	Dollar	سنگاپور
Senegal	Franc	سنگال
St Lucia	Dollar	سن لوسیا
St Vincent	Dollar	سن و نسان
St Helen	Pound	سن هلن
Sweden	Krona	سوئد
Sweitzerland	Franc	سویس
Swaziland	Lilangeni	سوازیلند
Sudan	Pound	سودان
Surinam	Guilder	سورینام
Syria	Pound	سوریہ

نام کشور	پولها	نام کشور
Somalia	Shilling شیلینگ	سومالی
Sierra Leone	Leon لئون	سیرالئون
Chile	Peso پزو	شیلی
Iraq	Dinar دینار	عراق
Saudi Arabia	Riyal ریال	عربستان سعودی
Oman	Rial Omani ریال عمانی	عمان
Ghana	Cedi سدی	غنا
Faero Islands	Krone کرون	فانرو
Falklands	Pound پوند	فالکلند
France	Franc فرانک	فرانسه
Finland	Markka مارکا	فنلاند
Fiji	Dollar دلار	فیجی
Philippines	Poso پزو	فیلیپین
Cyprus	Pound پوند	قبرس
Kirgizistan	Som سم	قرقیزستان
Kazakhstan	Tenge تنگه	قزاقستان
Qatar	Rial ریال	قطر
Costa Rica	Colon کولون	کاستاریکا
New Caledonia	Franc فرانک	کالدونیای جدید
Cambodia	Riel رییل	کامبوج
Cameroon	Franc فرانک	کامرون
Canada	Dollar دلار	کانادا
Croatia	Kuna کونا	کروآسی
South Korea	Won وون	کره جنوبی
North Korea	Won وون	کره شمالی
Colombia	Colon کولون	کلمبیا
Congo	Franc فرانک	کنگو
Kenya	Shilling شیلینگ	کنیا
Cuba	Peso پزو	کوبا
Comoros	Franc فرانک	کومور
Kuwait	Dinar دینار	کویت

نام کشور	پولها	نام کشور
Kiribati	Dollar	دلار
Kydon Islands	Dollar	دلار
Gabon	Franc	فرانک
Gambia	Dalasi	دالاسی
Granada	Dollar	دلار
Georgia	Coupon	کوپن
Greenland	Krone	کرون
Guatemala	Quetzal	کوئتزال
Guadeloupe	Franc	فرانک
Guyana	Dollar	دلار
Guinea	Syli	سیلی
Equatorial Guinea	Ekwele	اکول
Guinea-Bissau	Peso	پزو
French Guinea	Franc	فرانک
New Guinea (Papua)	Kina	کینا
Laos	Kip	کیپ
Lebanon	Pound	پوند
Lesotho	Loti	مالوتی
Luxembourg	Franc	فرانک
Poland	Zeloty	زلوتی
Liberia	Dollar	دلار
Libya	Dinar	دینار
Lithuania	Litas	لیتا
Liechtenstein	Franc	فرانک
Madagascar	Franc	فرانک
Martinique	Franc	فرانک
Marshall Islands	Dollar	دلار
Macao and Timor	Pataka	پاتاکا
Malawi	Kwacha	کواچا
Malta	Pound	پوند

نام کشور	پولها	نام کشور
Maldive Islands	Rufiya	مالدیو
Malaysia	Ringgit	مالزی
Mali	Franc	مالی
Hungary	Forint	مجارستان
Morocco	Dirham	مراکش
Egypt	Pound	مصر
Mongolia	Tughrik	مغولستان
Moldavia	Leu	مولداوی
Makdonia	Denar	مقدونیه
Mexico	Peso	مکزیک
Mauritania	Ouguiya	موریتانی
Mauritius	Rupee	موریس
Mozambique	Metical	موزامبیک
Monaco	Franc	موناکو
Micronesia	Dollar	میکرونزی
Nauru	Dollar	نائورو
Namibia	Rand	نامیبیا
Nepal	Rupee	نپال
Norway	Krone	نروژ
Niger	Franc	نیجر
Nigeria	Naira	نیجریه
Nicaragua	Cordoba	نیکاراگوئه
Wallis and Futuna	Franc	والیس و فوتونا
Vanuata	Vatu	وانواتا
Upper Volte	Franc	ولتای علیا
Venezuela	Bolivar	ونزوئلا
Vietnam	Dong	ویتنام
British Virgin Islands	Dollar	جزایر ویرجین بریتانیا
Haiti	Gourde	هاییتی
Netherlands	Guilder	هلند

نام کشور	پولها	نام کشور	
India	Rupee	روپه	هند
Honduras	Lempira	لمپيرا	هندوراس
Hong Kong	Dollar	دلار	هنگ کنگ
Yemen	Rial	ريال	يمن
Yugoslavia	New Dinar	دينار جديد	يوگسلاوی
Greece	Drachma	دراخما	يونان

پولها - کشورها
و
نشانه پولها

نام کشورها	نشانه پولها	پولها
پرتغال	Esc	Escudo اسکودو
تیمورو	Esc	Escudo اسکودو
افغانستان	Af	Afghani افغانی
گینه استوایی	Bipk	Ekwele اکول
موریتانی	UM	Ouguiya اوگویا
تایلند	B, Bht, TC	Baht بات
پاناما	B, B/	Balboa بالبوآ
ونزوئلا	B	Bolivar بولیوار
اتیوپی	Bth\$, E\$, EB	Birr بیر
تونگا	T\$	Pa'anga پا آنگا
ماکانو	P, \$	Pataka پاتاگا
آرژانتین	\$A	Peso پزو
بلیوی	\$B	Peso پزو
دومینیک	RD\$	Peso پزو
فیلیپین	P	Peso پزو
کلمبیا	Col\$	Peso پزو
کوبا	\$	Peso پزو
گینه بیسائو	PG	Peso پزو
مکزیک	Mex\$	Peso پزو
اسپانیا	Pta, P(pt)	Peseta پزوتا

نام کشورها	نشانه پولها	پولها	
اروگوئه	Nur\$	New Peso	پزو جدید
بوتسوانا	P	Pula	پولا
انگلستان	£, £stg	Pound	پوند
ایرلند	£IU	Pound	پوند
جبل الطارق	£	Pound	پوند
جزایر فالکلند	£	Pound	پوند
قبرس	£, £C	Pound	پوند
لبنان	LL	Pound	پوند
مالتا	£M	Pound	پوند
مصر	LE	Pound	پوند
بنگلادش	Tk	Takn	تاکا
مغولستان	Tug	Tugrik	توقریک
اسلونی	SLT	Tolar	تولار
قزاقستان	KZT	Tenge	تنگه
گامبیا	D	Dalasi	دالاسی
یونان	Dr	Drachma	دراخما
ارمنستان	DRA	Dram	درام
امارات عربی متحد	UD	Dirham	درهم
مراکش	DII	Dirham	درهم
استرالیا	\$A	Dollar	دلار
آنتیگوآ	EC\$	Dollar	دلار
آنگیلا	EC\$	Dollar	دلار
ایالات متحد	\$, US\$	Dollar	دلار
باهاماس	B\$	Dollar	دلار
برمودا	Ber\$	Dollar	دلار
برونی	B\$	Dollar	دلار
بلانو	\$, U\$	Dollar	دلار
بلیز	Bzs	Dollar	دلار
تایوان	T\$	Dollar	دلار
ترینیداد و توباگو	TT\$	Dollar	دلار
توالا	\$A	Dollar	دلار

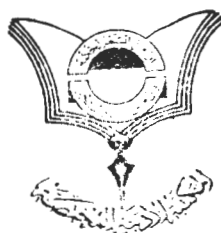
نام کشورها	نشانه پولها	پولها	
جامائیکا	J\$	Dollar	دلار
دومینیک	EC\$	Dollar	دلار
زلاندو	NZ\$	Dollar	دلار
زیمبابوه	Z\$	Dollar	دلار
سالومون	SI\$	Dollar	دلار
فیجی	\$F	Dollar	دلار
کانادا	Can\$, \$	Dollar	دلار
کریباتی	\$A	Dollar	دلار
گرنادا	EC\$	Dollar	دلار
گویان	G\$	Dollar	دلار
مارشال (جزایر)	US\$, \$	Dollar	دلار
میکرونزی	US\$, \$	Dollar	دلار
نانورو	\$A	Dollar	دلار
ویرجین بریتانیا	\$	Dollar	دلار
هنگ کنگ	HK	Dollar	دلار
مقدونیه	MKD	Denar	دینار
سانتومه و پرنسیپ	Db	Dobra	دوبرا
ویتنام	D	Dong	دونگ
اردن	.JD	Dinar	دینار
الجزایر	DA	Dinar	دینار
بحرین	BD	Dinar	دینار
تونس	D	Dinar	دینار
عراق	ID	Dinar	دینار
کویت	KD	Dinar	دینار
لیبریا	\$	Dinar	دینار
لیبی	LD	Dinar	دینار
یمن	YD	Dinar	دینار
یوگسلاوی	ND	Dinar	دینار جدید
آفریقای جنوبی	R	Rand	راند
نامیبیا	R	Rand	راند
روسیه	Rb	Ruble	روبل

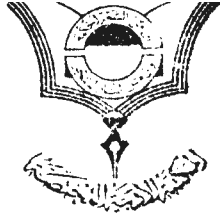
نام کشورها	نشانه پولها	پولها
روسیه سفید	B.Rub	B.Ruble روبل
تاجیکستان	TRub	Ruble (National) روبل ملی
اندونزی	Rp	Rupiah روپیا
پاکستان	PRs, Rs	Rupee روپیه
سیشل	Rs	Rupee روپیه
موریس	MauRs	Rupee روپیه
نپال	NRs	Rupee روپیه
هند	Rs	Rupee روپیه
مالدیو	Rf	Rufiyaa روفیه
ایران	Rls	Rial ریال
عربستان سعودی	Rls	Riyal ریال
عمان	RO	Rial Omani ریال عمانی
قطر	QR	Rial ریال
کامبوج	CR	Riel ریل
مالزی	M\$	Ringgit رینگیت
لهستان	Zl	Zloti زلوتی
زئیر	Z	Zair زئیر
غنا	c	Cedi سدی
اکوادور	S/	Sucre سوکر
پرو	S/	Sol سُل
قرقیزستان	KGS	Som سُم
ازبکستان	UZS	Sum سوم
گینه	GS	Syli سیلی
اسرائیل	IS	Shekel شیکل
اتریش	S	Schilling شیلینگ
اوگاندا	Sh	Shilling شیلینگ
تانزانیا	TSh	Shilling شیلینگ
کنیا	KSh	Shilling شیلینگ
آفریقای مرکزی	CFAF	Franc فرانک
آندورا	F	Franc فرانک
بلژیک	BF	Franc فرانک

نام کشورها	نشانه پولها	پولها
بنن	CFAF	فرانک Franc
بوروندی	FBu	فرانک Franc
پلی نزی فرانسه	CFPF	فرانک Franc
توگو	CFAF	فرانک Franc
جیبوتی	DF	فرانک Franc
چاد	CFAF	فرانک Franc
روآندا	RF	فرانک Franc
ساحل عاج	CFAF	فرانک Franc
فرانسه	F	فرانک Franc
کالدونیای جدید	CFPF	فرانک Franc
کامرون	CFAF	فرانک Franc
کنگو	CFAF	فرانک Franc
کومور	CFAF	فرانک Franc
کابون	CFAF	فرانک Franc
گوآدلوپ	F	فرانک Franc
گینه فرانسه	F	فرانک Franc
لوکزامبورگ	LuxF	فرانک Franc
لیختنشتاین	SWF	فرانک Franc
ماداگاسکار	FM	فرانک Franc
مارتینیک	F	فرانک Franc
مالی	MF	فرانک Franc
موناکو	F	فرانک Franc
نیجر	CFAF	فرانک Franc
والیس و فوتونا	CFAF	فرانک Franc
ولتای علیا	CFAF	فرانک Franc
مجارستان	Ft	فورینت Forint
اوکراین	UAK	کاربوانتس Karbovanets
برزیل	\$, Cr\$	کروزیرو Cruzeiro
استونی	ESK	کرون Kroon
دانمارک	DKr	کرون Krone
فالرو (جزایر)	DKr	کرون Krone

نام کشورها	نشانه پولها	پولها	
گرینلند	DKr	Krone	کرون
نروژ	NKr	Krone	کرون
ایسلند	IKr	Krona	کرونا
گرجستان		Coupon	کوپن
زامبیا	K	Kwacha	کواچا
مالاوی	MK	Kwacha	کواچا
آنگولا	Kz	Kwanza	کوانزا
گواتمالا	Q	Quetzal	کوئتزال
نیکاراگوئه	C\$	Cordoba	کوردوبا
اسلوواکی	KCS	Koruna	کورونا
چک	KCS	Koruna	کورونا
السالوادور	c	Colon	کولون
کاستاریکا	c	Colon	کولون
کرواسی	CRK	Kuna	کونا
برمه (میانمار)	K	Kyat	کیات
لائوس	K	Kip	کیپ
گینه نو (پاپوآ)	K	Kina	کینا
پاراگوئه	G	Guarani	گوآرانی
هائیتی	Gourde	G	گورد
آنتیل هلند	NAf	Guilder	گیلدر
سورینام	Sf	Guilder	گیلدر
هلند	F	Guilder	گیلدر
لتونی	Lvl	Lat	لات (لاتس)
رومانی	L	Leu	لنو
مولداوی	L	Leu	لنو (لو)
آلبانی	L	Lek	لک
سیرالئون	Le	Leone	لنون
هندوراس	L	Lempira	لمپیرا
بلغارستان	Lv	Lev	لو
لیتوانی	LIL	Lita	لیت (لیتا)
ایتالیا	Liva	Lit	لیر

نام کشورها	نشانه پولها	پولها
ترکیه	LT	Lira لیره
سوازیلند	E	Lilangeni لیلانگنی
آلمان	DM	Duetsch mark مارک
فنلاند	Fmk	Markka مارکا
موزامبیک	Mt	Metical متیکال
نیجریه	N	Naira نایرا
بوتان	Nu	Ngultrum نگولترام
وانواتا	V	Vatu واتو
کره جنوبی	W	Won وون
کره شمالی	W	Won وون
چین	Y	Yuan یوآن
ژاپن	Y	Yen ین





DICTIONARY OF ECONOMICS

Persian-English

**By
Dr. M. Farhang
1995**

Alborz Press



